



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرأیا  
علیها صاب

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



۱-۴

# درسیانه مهارت و نبوغ

مطالعه و یادگیری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# درسنامه مهدویت

نویسنده:

خدا مراد سلیمیان

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود ( علیه السلام )

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۵۴	درسنامه مهدویت
۵۴	مشخصات کتاب
۵۵	جلد ۱
۵۵	اشاره
۵۹	مقدمه ناشر
۶۱	فهرست مطالب
۷۷	پیشگفتار
۸۱	درس اول: اندیشه موعود در ادیان ابراهیمی
۸۱	اشاره
۸۵	۱. اندیشه موعود در آیین یهود
۸۵	اشاره
۸۷	۱. کتاب دانیال پیامبر
۸۷	۲. کتاب حگی
۸۷	۳. کتاب صفیاه پیامبر
۸۸	۴. کتاب اِسْغِیای پیامبر
۸۸	۵. کتاب زبور داود علیه السلام
۸۹	۲. اندیشه موعود در آیین مسیحیت
۸۹	اشاره
۸۹	۱. انجیل متی
۹۰	۲. انجیل لوقا
۹۰	۳. انجیل مَرَقَس
۹۰	۴. مکاشفات یوحنا
۹۱	خودآزمایی

۹۲	درس دوم: مهدویت در قرآن
۹۲	اشاره
۹۴	۱. تفسیر
۹۵	۲. تأویل
۹۶	۳. تطبیق
۹۶	اشاره
۹۶	آیه اول
۱۰۰	آیه دوم
۱۰۱	آیه سوم
۱۰۶	آیه چهارم
۱۰۷	آیه پنجم
۱۰۸	آیه ششم
۱۱۱	خودآزمایی
۱۱۳	درس سوم: مهدویت در منابع روایی شیعه
۱۱۳	اشاره
۱۱۵	شیعه و احادیث مهدویت
۱۱۵	اشاره
۱۱۶	یک. کتاب سلیم بن قیس هلالی
۱۱۸	دو. المحاسن
۱۱۹	سه. بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام
۱۲۰	چهار. کتاب التفسیر معروف به (تفسیر العیاشی)
۱۲۱	پنج. تفسیر القمی
۱۲۳	شش. الکافی
۱۲۴	هفت. الغیبه
۱۲۵	هشت. کمال الدین و تمام النعمه
۱۲۷	نه. الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد

- ده. كتاب الغيبه للحجه ..... ۱۲۸
- خودآزمایی ..... ۱۳۱
- درس چهارم: مهدویت از نگاه اهل سنت (۱) ..... ۱۳۲
- اشاره ..... ۱۳۲
- یک. کتاب های عمومی ..... ۱۳۵
- اشاره ..... ۱۳۵
۱۱. المصنف عبد الرزاق ..... ۱۳۵
۱۲. كتاب الفتن ..... ۱۳۶
۳۱. المصنف فی الاحادیث و الآثار ..... ۱۳۶
۱۴. مسند احمد ..... ۱۳۶
۱۵. سنن ابن ماجه ..... ۱۳۷
۱۶. سنن ابو داود ..... ۱۳۷
۱۷. الجامع الصحيح ..... ۱۳۸
۱۸. المستدرک علی الصحيحین ..... ۱۳۸
۱۹. کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال ..... ۱۳۹
- دو. کتاب های حدیثی ویژه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ..... ۱۳۹
- اشاره ..... ۱۳۹
۲۱. اربعون حدیث ..... ۱۳۹
۲۲. البیان فی اخبار صاحب الزمان علیه السلام ..... ۱۴۰
۲۳. عقد الدرر فی اخبار المنتظر ..... ۱۴۲
۲۴. العرف الوردی فی الاخبار المهدی علیه السلام ..... ۱۴۵
۲۵. البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان ..... ۱۴۶
- سه. صحت احادیث مهدوی علیه السلام ..... ۱۴۶
- چهار. تواتر احادیث مهدی ..... ۱۴۸
- خودآزمایی ..... ۱۵۱
- درس پنجم: مهدویت از نگاه اهل سنت (۲) ..... ۱۵۲

- ۱۵۲ ..... اشاره
- ۱۵۴ ..... مشترکات اهل سنت و شیعه در «مهدویت»
- ۱۵۴ ..... اشاره
- ۱۵۴ ..... ۱. حتمی بودن ظهور و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۱۵۴ ..... ۲. نسب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۱۵۴ ..... اشاره
- ۱۵۵ ..... ۲۱. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از اهل بیت و فرزندان رسول خدا
- ۱۵۵ ..... ۲۲. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نسل حضرت علی علیه السلام
- ۱۵۶ ..... ۲۳. حضرت مهدی از نسل فاطمه علیها السلام
- ۱۵۶ ..... ۳. ویژگی های جسمانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۱۵۶ ..... اشاره
- ۱۵۶ ..... ۳۱. قدرتمند بودن آن حضرت هنگام ظهور
- ۱۵۸ ..... ۳۲. چهره نورانی
- ۱۵۸ ..... ۳۳. پیشانی بلند و بینی کشیده
- ۱۵۸ ..... ۳۴. خال بر گونه
- ۱۵۸ ..... ۳۵. ظهور در سن چهل سالگی
- ۱۶۰ ..... ۴. هم نام بودن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
- ۱۶۰ ..... ۵. زمینه های ظهور
- ۱۶۰ ..... اشاره
- ۱۶۰ ..... ۵۱. ناامیدی کامل مردم
- ۱۶۲ ..... ۵۲. فراگیر شدن ستم
- ۱۶۲ ..... ۶. نشانه های ظهور
- ۱۶۲ ..... اشاره
- ۱۶۲ ..... ۶۱. ندای آسمانی
- ۱۶۲ ..... ۶۲. سفیانی
- ۱۶۴ ..... ۶۳. خسف در بیداء



۶۴. قتل نفس زکیه ..... ۱۶۴
۷. امور مربوط به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ..... ۱۶۵
۷۱. اصلاح امر ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در یک شب ..... ۱۶۵
۷۲. محل ظهور ..... ۱۶۵
۷۳. بیعت با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ..... ۱۶۵
۷۴. نزول فرشتگان برای یاری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ..... ۱۶۵
۷۵. نزول عیسی علیه السلام و اقتدا به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ..... ۱۶۷
۸. ویژگی های حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ..... ۱۶۷
۸۱. عدالت گستری ..... ۱۶۷
۸۲. رفاه و آسایش عمومی ..... ۱۶۸
۸۳. رضایت همگانی از حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ..... ۱۶۸
۸۴. امنیت همه جانبه و عمومی ..... ۱۶۸
۸۵. احساس بی نیازی در مردم ..... ۱۶۸
۸۶. غلبه اسلام بر سایر ادیان ..... ۱۷۰
۸۷. جهانی بودن حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ..... ۱۷۰
- خود آزمایی ..... ۱۷۱
- درس ششم: انحراف در مهدویت، پیش از ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ..... ۱۷۲
- اشاره ..... ۱۷۲
- مدعیان مهدویت ..... ۱۷۴
- اشاره ..... ۱۷۴
۱. کیسانیه ..... ۱۷۵
۲. زیدیه ..... ۱۷۹
۳. باقریه ..... ۱۸۰
۴. نفس زکیه ..... ۱۸۲
۵. ناووسیه ..... ۱۸۳
۶. اسماعیلیه ..... ۱۸۴

۷. موسویه یا موسائیه ..... ۱۸۶
۸. محمدیه ..... ۱۸۷
۹. عسکریه ..... ۱۸۷
- سه گروه مدعی مهدویت ..... ۱۸۷
- خود آزمایی ..... ۱۸۹
- درس هفتم: شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ..... ۱۹۰
- اشاره ..... ۱۹۰
- از شناخت خداوند تا شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ..... ۱۹۲
- راههای شناخت امام علیه السلام ..... ۱۹۴
- اشاره ..... ۱۹۴
۱. نص ..... ۱۹۴
۲. کرامت ..... ۱۹۵
۳. سیره عملی ..... ۱۹۵
- آثار شناخت و اعتقاد به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ..... ۱۹۶
۱. محبت و دوستی امام ..... ۱۹۶
۲. نجات از مرگ جاهلی ..... ۱۹۸
- مهدی شخصی و مهدی نوعی ..... ۲۰۰
- خود آزمایی ..... ۲۰۴
- درس هشتم: نسب پدری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ..... ۲۰۶
- اشاره ..... ۲۰۶
۱. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان عبد المطلب» ..... ۲۰۸
۲. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از نسل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ..... ۲۰۹
- اشاره ..... ۲۰۹
۲۱. «عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم» ..... ۲۰۹
۲۲. «اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم» ..... ۲۱۰
۲۳. «ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم» ..... ۲۱۲

۲۴. «فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم» ----- ۲۱۲
۳. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان حضرت علی علیه السلام» ----- ۲۱۳
۴. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان فاطمه زهرا علیها السلام» ----- ۲۱۴
۵. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان امام حسن مجتبی علیه السلام» ----- ۲۱۵
۶. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان امام حسین علیه السلام» ----- ۲۱۸
۷. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان امام محمد باقر علیه السلام» ----- ۲۲۰
۸. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان امام صادق علیه السلام» ----- ۲۲۰
۹. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان امام موسی کاظم علیه السلام» ----- ۲۲۱
۱۰. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان امام رضا علیه السلام» ----- ۲۲۱
۱۱. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان امام محمد تقی علیه السلام» ----- ۲۲۲
۱۲. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان امام هادی علیه السلام» ----- ۲۲۲
- خودآزمایی ----- ۲۲۴
- درس نهم: پدر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ----- ۲۲۶
- اشاره ----- ۲۲۶
- جلوه‌هایی از زندگی امام حسن عسکری علیه السلام ----- ۲۲۹
- اشاره ----- ۲۲۹
۱. کوشش علمی در دفاع از اسلام و ردّ شبهات ----- ۲۲۹
۲. ایجاد حلقه ارتباطی با شیعیان از طریق نمایندگان ----- ۲۳۰
۳. فعالیت‌های سیاسی سری ----- ۲۳۱
۴. حمایت و پشتیبانی مالی از شیعیان ----- ۲۳۱
۵. آگاهی بخشی سیاسی به چهره‌های برجسته شیعه ----- ۲۳۲
۶. بهره‌گیری از دانش غیبی برای ارشاد دیگران ----- ۲۳۲
۷. معرفی حضرت مهدی علیه السلام به عنوان جانشین ----- ۲۳۳
۸. آماده‌سازی شیعیان برای دوران غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف ----- ۲۳۳
- حوادث ناگوار پس از شهادت امام عسکری علیه السلام ----- ۲۳۵
- اشاره ----- ۲۳۵

۱. بازجویی از خانه آن حضرت ..... ۲۳۵
۲. برخورد جعفر کذاب با مادر امام عسکری علیه السلام بر سر میراث ..... ۲۳۵
۳. بازجویی از خانه‌ها و منازل برای دستیابی به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ..... ۲۳۵
۴. ترور، حبس، تهدید و اذیت و آزار شیعیان ..... ۲۳۵
۵. اختلاف و چند دستگی بین شیعیان ..... ۲۳۵
- پدر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نگاه اهل سنت ..... ۲۳۷
- خود آزمایی ..... ۲۴۱
- درس دهم: مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ..... ۲۴۳
- اشاره ..... ۲۴۳
- نام‌های مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ..... ۲۴۵
- سر گذشت مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ..... ۲۴۶
- سرنوشت مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ..... ۲۵۴
- خود آزمایی ..... ۲۵۶
- درس یازدهم: ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ..... ۲۵۷
- اشاره ..... ۲۵۷
۱. چگونگی ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ..... ۲۵۹
- اشاره ..... ۲۵۹
- پنهانی بودن ولادت ..... ۲۶۲
- فلسفه مخفی بودن ولادت ..... ۲۶۳
۲. اثبات ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ..... ۲۶۵
- اشاره ..... ۲۶۵
- الف. نوید امام عسکری علیه السلام به ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ..... ۲۶۵
- ب. خیر دادن امام عسکری علیه السلام از ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ..... ۲۶۵
- ج. خبر حکیمه (عمه امام عسکری علیه السلام) از ولادت آن حضرت ..... ۲۶۶
- د. خیر نسیم و ماریه (خادمان بیت امامت) ..... ۲۶۶
- ه. گزارش عده فراوانی از بزرگان شیعه ..... ۲۶۷

- و . گزارش برخی از دانشمندان اهل سنت از ولادت آن حضرت ..... ۲۶۸
- زمان ولادت ..... ۲۶۹
- پاسخ به برخی پرسش ها و شبهات ..... ۲۷۲
- خود آزمایی ..... ۲۷۶
- درس دوازدهم: نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ..... ۲۷۷
- اشاره ..... ۲۷۷
- انواع روایات درباره نام بردن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به نام خاص (محم د) ..... ۲۸۰
- یک. روایات عدم جواز به صورت مطلق ..... ۲۸۰
- دو. روایات عدم جواز تا هنگام ظهور ..... ۲۸۲
- سه. روایات جواز بدون بیم خطر ..... ۲۸۳
- چهار. روایات جواز نام بردن ..... ۲۸۴
- نام حضرت در کلام دانشمندان شیعه ..... ۲۸۸
- نام حضرت در دعاها ..... ۲۹۰
- نام حضرت در گفتار اهل سنت ..... ۲۹۱
- نکته پایانی ..... ۲۹۳
- خود آزمایی ..... ۲۹۴
- درس سیزدهم: القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ..... ۲۹۵
- اشاره ..... ۲۹۵
۱. بقیه الله ..... ۲۹۸
۲. حجّت ..... ۳۰۰
۳. خاتم الاوصیاء ..... ۳۰۲
۴. شرید ..... ۳۰۳
۵. صاحب الامر ..... ۳۰۳
۶. صاحب الدار ..... ۳۰۴
۷. صاحب الزّمان ..... ۳۰۴
۸. صاحب السیف ..... ۳۰۵

۹. صاحبُ الغَیْبِه ..... ۳۰۷
۱۰. غریم ..... ۳۰۷
۱۱. غلام ..... ۳۰۸
۱۲. فرید ..... ۳۰۸
۱۳. قائم ..... ۳۰۹
- اشاره ..... ۳۰۹
- ۱۳-۱. «القَائِمُ مِنْ وُلْدِي» (قیام کننده از فرزندانم) ..... ۳۱۰
- ۱۳-۲. «قَائِمِهِمْ» (قائم آنان) ..... ۳۱۰
- ۱۳-۳. «قَائِمٌ لِلْحَقِّ مِنَّا» (قیام کننده برای حق از ما) ..... ۳۱۰
- ۱۳-۴. «قَائِمْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ» (قائم ما اهل بیت) ..... ۳۱۱
- ۱۳-۵. «قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ» (قیام کننده از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم) ..... ۳۱۱
۱۴. مُضْطَّر ..... ۳۱۱
۱۵. مَنْتَظَر ..... ۳۱۲
۱۶. مُنْتَقِم ..... ۳۱۳
۱۷. منصور ..... ۳۱۳
۱۸. مهدی ..... ۳۱۴
- خود آزمایی ..... ۳۱۶
- درس چهاردهم: شمایل و ویژگیهای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ..... ۳۱۸
- اشاره ..... ۳۱۸
۱. شمایل مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از ولادت و دوران کودکی ..... ۳۲۱
۲. شمایل مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت ..... ۳۲۲
۳. شمایل مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ظهور ..... ۳۲۳
- برخی ویژگی‌های خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ..... ۳۲۴
۱. مخفی بودن آثار حمل در مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ..... ۳۲۴
۲. مخفی بودن ولادت آن حضرت ..... ۳۲۴
۳. روشن شدن چراغی در بیت الحمد، از ولادت تا هنگام ظهور ..... ۳۲۵

۳۲۵	۴. خاتم الاوصیا بودن ایشان
۳۲۶	۵. پنهان زیستی ایشان
۳۲۶	۶. میراث انبیا نزد ایشان
۳۲۹	۷. نبودن بیعت احدی بر گردن ایشان
۳۳۰	۸. طول عمر آن حضرت
۳۳۰	۹. کشته شدن شیطان به دست آن حضرت
۳۳۱	۱۰. نزول حضرت عیسی علیه السلام و اقتدا به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۳۳۲	۱۱. ایجاد حکومت واحد جهانی
۳۳۳	۱۲. آکنده کردن زمین از عدل و داد
۳۳۵	خود آزمایی
۳۳۶	درس پانزدهم: کتاب شناسی مهدویت (۱)
۳۳۶	اشاره
۳۳۸	۱. خورشید مغرب
۳۳۹	۲. عصر زندگی
۳۴۰	۳. حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۳۴۲	۴. دادگستر جهان
۳۴۳	۵. در فجر ساحل
۳۴۴	۶. راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۳۴۵	۷. مجموعه فرمایشات حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف
۳۴۶	۸. نجم الثاقب فی احوال الامام الغائب
۳۴۸	۹. امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور
۳۴۹	۱۰. رهبری بر فراز قرون
۳۵۲	منابع و مأخذ
۳۸۱	جلد ۲
۳۸۱	اشاره
۳۸۵	فهرست مطالب

۴۰۰	پیشگفتار
۴۰۳	درس اول: آغاز امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۴۰۳	اشاره
۴۰۴	پیش درآمد
۴۰۵	تأکید بر پیشوایی آخرین امام معصوم
۴۰۵	اشاره
۴۰۵	۱. حدیث معراج
۴۰۶	۲. حدیث لوح حضرت زهرا علیها السلام
۴۰۶	۳. حدیث غدیر
۴۰۶	۴. حدیث رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم
۴۰۷	۵. حدیث امام علی علیه السلام
۴۱۰	نخستین اقدام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آغاز امامت
۴۱۰	اشاره
۴۱۰	آغاز پیشوایی در خردسالی
۴۱۳	پیامبری حضرت عیسی علیه السلام از هنگام ولادت
۴۱۳	پیامبری حضرت یحیی علیه السلام در کودکی
۴۱۵	پیشینه امامت در خردسالی
۴۱۶	نخستین امام خردسال
۴۱۸	کودکان نابغه، انسان هایی استثنایی
۴۱۹	خودآزمایی
۴۱۹	منابع برای پژوهش
۴۲۱	درس دوم: غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف (کلیات)
۴۲۱	اشاره
۴۲۲	پیش درآمد
۴۲۳	مفهوم غیبت
۴۲۳	پیشگویی غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف



- ۴۲۵ ..... تأکید بر حتمی بودن غیبت
- ۴۲۷ ..... چگونگی غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۴۲۷ ..... اشاره
- ۴۲۷ ..... ۱. پنهان بودن جسم
- ۴۳۱ ..... ۲. پنهان بودن عنوان
- ۴۳۲ ..... ۳. پنهان بودن جسم و پنهان بودن عنوان، به تناسب شرایط
- ۴۳۳ ..... انواع غیبت
- ۴۳۴ ..... طولانی بودن غیبت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۴۳۶ ..... خودآزمایی
- ۴۳۶ ..... منابع برای پژوهش
- ۴۳۷ ..... درس سوم: فلسفه و علل غیبت
- ۴۳۷ ..... اشاره
- ۴۳۸ ..... پیش درآمد
- ۴۳۹ ..... غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ رازی از رازهای خداوند
- ۴۳۹ ..... اشاره
- ۴۴۰ ..... ۱. برای حفظ جان آن حضرت
- ۴۴۲ ..... ۲. برای امتحان و آزمایش انسان ها
- ۴۴۴ ..... ۳. برای آزادگی از بیعت دیگران
- ۴۴۵ ..... ۴. برای تأدیب انسان ها
- ۴۴۶ ..... آشکار شدن فلسفه های اساسی غیبت پس از ظهور
- ۴۴۸ ..... خودآزمایی
- ۴۴۸ ..... منابع برای پژوهش
- ۴۴۹ ..... درس چهارم: فواید امام غایب عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۴۴۹ ..... اشاره
- ۴۵۰ ..... پیش درآمد
- ۴۵۴ ..... ۱. نگرهانی از آیین خداوند با هدایت های باطنی

- ۴۵۵ ..... ۲. نگهداشت جامعه از ناامیدی و سرخوردگی
- ۴۵۶ ..... ۳. ایمنی بخش از بلاها
- ۴۵۷ ..... ۴. ایجاد پروای الهی در پرتو باور وجود امام زنده در جامعه
- ۴۵۸ ..... ۵. یاری برخی نیازمندان
- ۴۵۹ ..... ۶. دعای خیر آن حضرت در حق مؤمنان
- ۴۵۹ ..... ۷. تصویب امور سال در شب های قدر
- ۴۵۹ ..... امام غایب، بسان خورشید پشت ابر
- ۴۶۳ ..... خودآزمایی
- ۴۶۳ ..... منابع برای پژوهش
- ۴۶۴ ..... درس پنجم: غیبت صغرا و نیابت خاص
- ۴۶۴ ..... اشاره
- ۴۶۵ ..... پیش درآمد
- ۴۶۶ ..... ویژگی های غیبت صغرا
- ۴۶۶ ..... اشاره
- ۴۶۶ ..... ۱. محدود بودن به زمان معین
- ۴۶۶ ..... ۲. پنهان نبودن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از همگان
- ۴۶۷ ..... ۳. ارتباط حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با مردم به وسیله افراد مشخص
- ۴۶۷ ..... نیابت خاص
- ۴۶۹ ..... سفیران چهارگانه (خاص)
- ۴۶۹ ..... اشاره
- ۴۶۹ ..... ۱. عثمان بن سعید عمری
- ۴۶۹ ..... اشاره
- ۴۷۱ ..... وفات نایب اول
- ۴۷۲ ..... ۲. محمد بن عثمان بن سعید عمری
- ۴۷۲ ..... اشاره
- ۴۷۴ ..... برخی ویژگی های نایب دوم

۳. حسین بن روح نوبختی ..... ۴۷۴
- اشاره ..... ۴۷۴
- مدت نیابت ..... ۴۷۷
۴. علی بن محمد سمری ..... ۴۷۷
- چگونگی ارتباط شیعیان با نواب چهارگانه ..... ۴۷۸
- وظایف نایبان خاص ..... ۴۷۸
- اشاره ..... ۴۷۸
۱. بر طرف کردن تردید شیعیان درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ..... ۴۷۹
۲. پنهان نگه داشتن مکان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ..... ۴۷۹
۳. پاسخگویی به پرسش های فقهی و مشکلات علمی و عقیدتی ..... ۴۷۹
۴. سازماندهی وکیل های حضرت ..... ۴۸۰
۵. آماده کردن شیعیان برای غیبت کبرا ..... ۴۸۳
۶. رهبری دوستداران و طرفداران امام زمان علیه السلام و حفظ مصالح اجتماعی شیعیان ..... ۴۸۳
۷. جلوگیری از فرقه گرای و گروه گروه شدن شیعیان ..... ۴۸۳
۸. مبارزه با مدعیان دروغین نیابت ..... ۴۸۴
۹. گرفتن اموال متعلق به امام و مصرف آن در موارد لازم ..... ۴۸۴
- خودآزمایی ..... ۴۸۵
- منابع برای پژوهش ..... ۴۸۵
- درس ششم: فرمایش های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ..... ۴۸۶
- اشاره ..... ۴۸۶
- پیش درآمد ..... ۴۸۷
- مجموعه نخست: از ولادت تا آغاز امامت ..... ۴۸۸
- مجموعه دوم: سخنان دوران غیبت ..... ۴۸۹
- اشاره ..... ۴۸۹
- توقیعات ..... ۴۸۹
- اشاره ..... ۴۸۹

۴۹۱	چگونگی صدور توقیعات
۴۹۲	بیشتر توقیعات به خط حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۴۹۶	دعاها
۴۹۶	اشاره
۴۹۶	۱. دعای افتتاح
۴۹۶	۲. دعای سمات
۴۹۶	۳. دعای «اللهم ارزقنا توفیق الطاعه...»
۴۹۸	۴. دعای فرج «اللهم عظم البلاء»
۴۹۸	۵. دعای روزهای ماه رجب
۴۹۸	۶. دعای «اللهم رب النور العظیم و رب الكرسی الرفیع و رب البحر المسجور...»
۴۹۸	۷. دعای ابوالحسن ضراب
۴۹۹	زیارت نامه ها
۴۹۹	اشاره
۴۹۹	۱. زیارت آل یس
۵۰۰	۲. زیارت ناحیه مقدسه
۵۰۰	۳. زیارت رجبیه
۵۰۱	مجموعه سوم: سخنان دوران ظهور
۵۰۲	خودآزمایی
۵۰۲	منابع برای پژوهش
۵۰۴	درس هفتم: ارتباط با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر غیبت
۵۰۴	اشاره
۵۰۵	پیش درآمد
۵۰۸	۱. عدم امکان ملاقات به طور مطلق
۵۱۳	۲. امکان ملاقات بدون شناخت
۵۱۴	۳. وقوع ملاقات همراه با شناخت و عدم پذیرش ادعا
۵۲۰	۴. امکان ملاقات و پذیرش ادعا

۵۲۲	خودآزمایی
۵۲۲	منابع برای پژوهش
۵۲۴	درس هشتم: زندگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر غیبت (همسر و فرزندان)
۵۲۴	اشاره
۵۲۵	پیش درآمد
۵۲۶	احتمال نخست: اثبات همسر و فرزند
۵۲۶	اشاره
۵۲۶	دلیل نخست: استحباب ازدواج
۵۳۰	دلیل دوم: برخی روایات و ادعیه
۵۳۵	احتمال دوم: انکار همسر و فرزند
۵۳۵	اشاره
۵۳۵	دلیل نخست
۵۳۶	دلیل دوم
۵۴۰	خودآزمایی
۵۴۰	منابع برای پژوهش
۵۴۱	درس نهم: محل زندگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۵۴۱	اشاره
۵۴۲	پیش درآمد
۵۴۳	۱. دوران زندگی با امام عسکری علیه السلام (۲۵۵۲۶۰ق)
۵۴۷	۲. دوران غیبت صغرا (۲۶۰۳۲۹ق)
۵۴۸	۳. دوران غیبت کبرا
۵۴۸	اشاره
۵۴۸	الف. مدینه منوره
۵۴۹	ب. ناحیه ذی طوی
۵۴۹	ج. دشت ها و بیابان ها
۵۵۱	۴. دوران ظهور

۵۵۳	بررسی داستان جزیره خضرا
۵۵۳	اشاره
۵۵۷	بررسی داستان
۵۵۷	الف. از نظر سند
۵۵۸	ب. از نظر محتوا
۵۶۵	خودآزمایی
۵۶۵	منابع برای پژوهش
۵۶۷	درس دهم: انحراف از مهدویت (۱)
۵۶۷	اشاره
۵۶۸	پیش درآمد
۵۶۸	ادعای دروغین نیابت، آغاز انحراف های بزرگ
۵۶۸	اشاره
۵۶۹	۱. سستی ایمان
۵۷۰	۲. طمع در اموال امام
۵۷۰	۳. رسیدن به شهرت
۵۷۰	۴. انگیزه های سیاسی
۵۷۱	آغاز شکل گیری مدعیان دروغین
۵۷۱	اشاره
۵۷۱	۱. جایگاه ویژه نایب نخست
۵۷۱	۲. شرایط سیاسی و اجتماعی
۵۷۱	۳. عدم عادت مردم
۵۷۳	برخی از معروف ترین مدعیان دروغین
۵۷۳	اشاره
۵۷۳	۱. ابومحمد حسن شریعی
۵۷۵	۲. محمد بن نصیر نمیری
۵۷۶	۳. ابوطاهر محمد بن علی بن هلال

۴. حسین بن منصور حلاج - ۵۷۶
۵. ابوجعفر محمد بن علی شلمغانی - ۵۷۸
۶. احمد بن هلال کرخی - ۵۸۰
- خودآزمایی - ۵۸۲
- منابع برای پژوهش - ۵۸۲
- درس یازدهم: انحراف از مهدویت (۲) - ۵۸۳
- اشاره - ۵۸۳
- پیش درآمد - ۵۸۴
- شیخیه، بستر پیدایش یک انحراف بزرگ - ۵۸۴
- بابیه، یک انحراف بزرگ - ۵۸۹
- اشاره - ۵۸۹
- آرا و عقاید باب - ۵۹۲
- بهائیت، استمرار انحراف - ۵۹۳
- پیدایش فرقه «بهائیه» - ۵۹۳
- اشاره - ۵۹۳
- سرانجام دعوت میرزا بهاء - ۵۹۵
- آیین ها و باورهای بهائیان - ۵۹۶
- انجمن حجتیه، یکی از گروه های مبارز با بهائیت - ۵۹۸
- خودآزمایی - ۶۰۰
- منابع برای پژوهش - ۶۰۰
- درس دوازدهم: انتظار در فرهنگ شیعه - ۶۰۲
- اشاره - ۶۰۲
- پیش درآمد - ۶۰۳
- معنای لغوی و اصطلاحی «انتظار فرج» - ۶۰۳
- جایگاه انتظار در فرهنگ شیعه - ۶۰۵
- اشاره - ۶۰۵

۱. انتظار فرج به معنای عام ..... ۶۰۵
- اشاره ..... ۶۰۵
۱۱. عبادت و بندگی ..... ۶۰۵
۱۲. برترین عبادت ..... ۶۰۵
۱۳. برترین کارها ..... ۶۰۷
۱۴. فرج بودن خود فرج ..... ۶۰۷
۱۵. برترین جهاد ..... ۶۰۷
۲. انتظار فرج به معنای خاص ..... ۶۰۹
- انواع انتظار ..... ۶۱۱
- اشاره ..... ۶۱۱
۱. انتظار صحیح و سازنده ..... ۶۱۱
۲. انتظار غلط و ویرانگر ..... ۶۱۲
- بنیان های اساسی پدیده انتظار ..... ۶۱۴
- اشاره ..... ۶۱۴
- الف. قانع نبودن نبودن از وضع موجود ..... ۶۱۴
- ب. امید و توقع دستیابی به وضع مطلوب ..... ۶۱۴
- ج. حرکت و تلاش برای گذر از وضع موجود و قرار گرفتن در وضع مطلوب ..... ۶۱۴
- اشاره ..... ۶۱۴
۱. آگاهی به عدم حضور ظاهری امام ..... ۶۱۶
۲. احساس نیاز به وجود امام حاضر ..... ۶۱۶
۳. یقین به ظهور امام غایب ..... ۶۱۶
۴. دوست داشتن ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ..... ۶۱۷
۵. نزدیک دانستن ظهور ..... ۶۱۷
- آثار فردی و اجتماعی تربیتی انتظار ..... ۶۱۸
- اشاره ..... ۶۱۸
۱. گسترش امیدهای واقعی ..... ۶۱۸



۲. پویایی در جهت رسیدن به هدف ..... ۶۱۹
۳. ایجاد وحدت و همگرایی ..... ۶۱۹
۴. احساس حضور ..... ۶۱۹
- خودآزمایی ..... ۶۲۱
- منابع برای پژوهش ..... ۶۲۱
- درس سیزدهم: منتظر، فضیلت ها، وظیفه ها ..... ۶۲۲
- اشاره ..... ۶۲۲
- پیش درآمد ..... ۶۲۳
۱. منتظران راستین، برترین مردم همه روزگاران ..... ۶۲۳
۲. بسان حاضران در خیمه آن حضرت هنگام ظهور ..... ۶۲۴
۳. ثواب ایشان مانند پاداش نمازگزار و روزه دار ..... ۶۲۴
۴. گرامی ترین امت و رفیق پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ..... ۶۲۵
۵. بسان مجاهدان در راه خدا در رکاب حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم ..... ۶۲۵
۶. پاداش هر یک از آن ها برابر هزار شهیدان صدر اسلام ..... ۶۲۵
- اشاره ..... ۶۲۵
۱. انتظار، حلقه اتصال شیعه با امام معصوم علیه السلام ..... ۶۲۶
۲. انتظار، معیار ارزش انسان ها ..... ۶۲۶
۳. انتظار عامل پویایی و سازندگی فرد و جامعه ..... ۶۲۷
- بایسته های عصر انتظار ..... ۶۲۷
- اشاره ..... ۶۲۷
- الف. وظایف عام ..... ۶۲۷
- اشاره ..... ۶۲۷
۱. شناخت امام هر زمان ..... ۶۲۷
۲. پایداری در محبت اهل بیت علیهم السلام ..... ۶۳۱
۳. پرهیزگاری و رعایت تقوای الهی ..... ۶۳۳
۴. پیروی از دستور های امامان علیهم السلام ..... ۶۳۳

۵. دست گیری از ضعفا و فقیران ..... ۶۳۴
- ب. وظایف خاص ..... ۶۳۴
- اشاره ..... ۶۳۴
۱. دوستی با دوستان و دشمنی با دشمنان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ..... ۶۳۵
۲. صبر بر سختی های دوران غیبت ..... ۶۳۵
۳. دعا برای فرج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ..... ۶۳۶
۴. آماده باش دائمی ..... ۶۳۷
۵. بزرگداشت نام و یاد آن حضرت ..... ۶۳۸
۶. حفظ پیوند با مقام ولایت ..... ۶۳۹
- خودآزمایی ..... ۶۴۰
- منابع برای پژوهش ..... ۶۴۰
- درس چهاردهم: غیبت کبرا و نیابت عام ..... ۶۴۱
- اشاره ..... ۶۴۱
- پیش درآمد ..... ۶۴۲
- نیابت عام ..... ۶۴۴
- ولایت فقیه ..... ۶۴۷
- اشاره ..... ۶۴۷
- جایگاه ولایت فقیه در باورهای شیعه ..... ۶۴۷
- ادله ولایت فقیه ..... ۶۴۸
- ولی فقیه ..... ۶۴۹
- حکومت از نگاه آموزه های اسلامی ..... ۶۵۱
- اشاره ..... ۶۵۱
- اندیشه سیاسی شیعه ..... ۶۵۳
- مقطع حضور امام معصوم علیه السلام ..... ۶۵۳
- دوران غیبت امام عصر علیه السلام ..... ۶۵۴
- خودآزمایی ..... ۶۵۵

- منابع برای پژوهش ..... ۶۵۵
- درس پانزدهم: کتاب شناسی مهدویت ..... ۶۵۷
- اشاره ..... ۶۵۷
- پیش درآمد ..... ۶۵۸
- امامت و مهدویت ..... ۶۵۹
- المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ..... ۶۶۱
- تاریخ غیبت کبرا ..... ۶۶۳
- مکیال المکارم فی فواید الدعاء للقائم ..... ۶۶۴
- مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف (ترجمه جلد سیزدهم بحار الانوار) ..... ۶۶۵
- تاریخ عصر غیبت ..... ۶۶۶
- تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف ..... ۶۶۸
- روزگار رهایی (ترجمه کتاب يوم الخلاص) ..... ۶۶۹
- پژوهشی پیرامون زندگانی نواب خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ..... ۶۷۰
- جزیره خضرا در ترازوی نقد ..... ۶۷۱
- منابع و مآخذ ..... ۶۷۳
- جلد ۳ ..... ۶۸۲
- اشاره ..... ۶۸۲
- فهرست مطالب ..... ۶۸۶
- پیشگفتار ..... ۷۰۵
- درس اول: جهان در آستانه ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف ..... ۷۰۸
- اشاره ..... ۷۰۸
- پیش درآمد ..... ۷۰۹
- زندگی انسان ها در آستانه ظهور ..... ۷۱۰
- اشاره ..... ۷۱۰
- یک. دگرگونی در زندگی فردی ..... ۷۱۰
- دو. دگرگونی در زندگی اجتماعی ..... ۷۱۱

۷۱۱	..... اشاره
۷۱۱	..... ۲۱. عرصه فرهنگی
۷۱۵	..... ۲۲. عرصه اجتماع
۷۲۰	..... ۲۳. عرصه اقتصادی
۷۲۱	..... ۲۴. عرصه سیاسی
۷۲۲	..... جهان و طبیعت در آستانه ظهور
۷۲۵	..... خودآزمایی
۷۲۵	..... منابع برای پژوهش
۷۲۶	..... درس دوم: شرایط ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۷۲۶	..... اشاره
۷۲۷	..... پیش درآمد
۷۲۷	..... مفهوم شناسی شرایط ظهور
۷۲۷	..... اشاره
۷۲۹	..... یک. وجود برنامه و طرحی جامع و متعالی
۷۳۰	..... دو. وجود رهبر و هدایتگری شایسته و معصوم
۷۳۰	..... اشاره
۷۳۱	..... ویژگی های رهبر
۷۳۱	..... اشاره
۷۳۲	..... ۱. ویژگی های عام
۷۳۲	..... اشاره
۷۳۳	..... ۱.۱. علم و آگاهی امام
۷۳۳	..... ۱.۲. عصمت و پاکی
۷۳۳	..... ۲. ویژگی های خاص
۷۳۳	..... ۲.۱. قدرت و اقتدار روحی و جسمی
۷۳۵	..... ۲.۲. متعهد نبودن به قدرت های حاکم
۷۳۵	..... سه. وجود گروهی از انسان های پاکدل و فداکار؛

۷۳۹	چهار. احساس نیاز در جامعه جهانی
۷۴۲	خودآزمایی
۷۴۲	منابع برای پژوهش
۷۴۴	درس سوم: زمینه سازی و زمینه سازان ظهور
۷۴۴	اشاره
۷۴۵	پیش درآمد
۷۴۵	آمادگی و زمینه سازی ظهور
۷۴۶	زمینه سازان عام
۷۴۶	اشاره
۷۴۷	ویژگی های زمینه سازان
۷۴۷	اشاره
۷۴۷	۱. ویژگی های اعتقادی
۷۴۷	۱۱. شناخت پروردگار
۷۴۸	۱۲. شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
۷۵۰	۲. ویژگی های رفتاری
۷۵۰	اشاره
۷۵۱	۲-۱. آمادگی روحی و روانی
۷۵۲	۲-۲. آمادگی اقتصادی
۷۵۳	۲۳. آمادگی نظامی
۷۵۵	زمینه سازان خاص
۷۵۸	خودآزمایی
۷۵۸	منابع برای پژوهش
۷۶۰	درس چهارم: قیام های پیش از ظهور
۷۶۰	اشاره
۷۶۱	پیش درآمد
۷۶۱	قیام های پیش از ظهور

- ۷۶۱ ..... اشاره
- ۷۶۲ ..... ۱. طاغوت بودن پرچم داران قیام های پیش از ظهور
- ۷۶۷ ..... ۲. شکست قیام های پیش از ظهور
- ۷۷۲ ..... ۳. سکوت و خانه نشینی
- ۷۷۳ ..... ۴. سرزنش شتاب برای نابود کردن دشمنان
- ۷۷۷ ..... خودآزمایی
- ۷۷۷ ..... منابع برای پژوهش
- ۷۷۸ ..... درس پنجم: دشمن شناسی اعتقاد به مهدویت
- ۷۷۸ ..... اشاره
- ۷۷۹ ..... پیش درآمد
- ۷۸۰ ..... یک. ضرورت دشمن شناسی
- ۷۸۰ ..... اشاره
- ۷۸۰ ..... ۱-۱. کافران، دشمن خدا و مؤمنان
- ۷۸۰ ..... ۱-۲. یهود سرسخت ترین دشمن
- ۷۸۱ ..... ۱-۳. مشرکان
- ۷۸۱ ..... ۱-۴. منافقان
- ۷۸۱ ..... ۱-۵. نصارا
- ۷۸۲ ..... دو. عوامل مخالفت و دشمنی با حق
- ۷۸۲ ..... ۲-۱. دنیاپرستی
- ۷۸۳ ..... ۲-۲. سلطه جویی
- ۷۸۳ ..... ۲۳. تعصب های کور
- ۷۸۴ ..... ۲۴. ناآگاهی از حقیقت مهدویت
- ۷۸۵ ..... سه. راهبرد دشمنان در برابر مهدویت
- ۷۸۵ ..... اشاره
- ۷۸۵ ..... ۳-۱. انکار
- ۷۸۵ ..... ۳-۲. تحریف

- ۷۸۵ ..... ۳-۳. تخریب
- ۷۸۸ ..... ۳-۴. جلوگیری از ترویج حق
- ۷۸۸ ..... ۳-۵. جایگزینی
- ۷۸۹ ..... ۳-۶. گمراه کردن پیروان
- ۷۹۰ ..... چهار. راه های مقابله با دشمن
- ۷۹۰ ..... اشاره
- ۷۹۰ ..... ۴-۱. شکیبایی و تقوا
- ۷۹۰ ..... ۴-۲. مجهز شدن به تجهیزات مناسب
- ۷۹۱ ..... ۴-۳. مبارزه منفی با دشمنان
- ۷۹۱ ..... ۴-۴. شناساندن دشمن
- ۷۹۲ ..... ۴-۵. همکاری نکردن با دشمنان
- ۷۹۲ ..... ۴-۶. اتحاد و برادری
- ۷۹۳ ..... خودآزمایی
- ۷۹۳ ..... منابع برای پژوهش
- ۷۹۴ ..... درس ششم: نشانه های ظهور (مفاهیم و کلیات)
- ۷۹۴ ..... اشاره
- ۷۹۵ ..... پیش درآمد
- ۷۹۵ ..... یک. آشنایی با مفاهیم
- ۷۹۵ ..... اشاره
- ۷۹۶ ..... ۱-۱. علایم
- ۷۹۷ ..... ۱-۲. آیت
- ۷۹۸ ..... ۱-۳. دلالت
- ۷۹۹ ..... ۱-۴. آخِرُ الزَّمان
- ۸۰۰ ..... ۱-۵. ملاحم و فتن
- ۸۰۲ ..... ۱-۶. ظهور
- ۸۰۲ ..... ۱-۷. خروج

- ۸-۱. قیام ..... ۸۰۳
- ۹-۱. اشراف الساعه ..... ۸۰۳
- دو. آشنایی با کلیات ..... ۸۰۵
- اشاره ..... ۸۰۵
- ۱-۲. نشانه های آخِر الزّمان ..... ۸۰۵
- ۲-۲. نشانه های نزدیک شدن قیامت ..... ۸۰۵
- ۳-۲. نشانه های ظهور ..... ۸۰۶
- ۴-۲. نشانه های قیام قائم ..... ۸۰۷
- ۵-۲. نشانه های خروج ..... ۸۰۸
- ۶-۲. توصیفی یا تمثیلی بودن نشانه های ظهور ..... ۸۰۹
- اشاره ..... ۸۰۹
- الف. توصیفی بودن نشانه ها ..... ۸۱۰
- ب. تمثیلی بودن نشانه ها ..... ۸۱۰
- ۷-۲. شمار نشانه ها ..... ۸۱۱
- خودآزمایی ..... ۸۱۲
- منابع برای پژوهش ..... ۸۱۲
- درس هفتم: نشانه های ظهور (حتمی و غیر حتمی) ..... ۸۱۴
- اشاره ..... ۸۱۴
- پیش درآمد ..... ۸۱۵
- انواع نشانه های ظهور ..... ۸۱۵
- یک. نشانه های حتمی ..... ۸۱۵
- اشاره ..... ۸۱۵
- ۱-۱. ندای آسمانی ..... ۸۱۷
- اشاره ..... ۸۱۷
- حتمی بودن ندای آسمانی ..... ۸۱۸
- چگونگی و گستره ندای آسمانی ..... ۸۱۸



- ۸۲۰ ..... زمان ندای آسمانی
- ۸۲۳ ..... محتوای ندای آسمانی
- ۸۲۳ ..... ندای شیطانی (زمینی)
- ۸۲۴ ..... ۱-۲. خروج سفیانی
- ۸۲۴ ..... اشاره
- ۸۲۴ ..... نام و نسب سفیانی
- ۸۲۵ ..... ویژگی های سفیانی
- ۸۲۶ ..... زمان خروج سفیانی
- ۸۲۸ ..... پایان کار سفیانی
- ۸۲۸ ..... ۱-۳. خروج یمانی
- ۸۲۸ ..... اشاره
- ۸۲۹ ..... زمان و مکان خروج یمانی
- ۸۲۹ ..... ۱-۴. خسف به بیداء
- ۸۲۹ ..... اشاره
- ۸۳۰ ..... چگونگی خسف به بیداء
- ۸۳۱ ..... ۱-۵. قتل نفس زکیه
- ۸۳۱ ..... اشاره
- ۸۳۲ ..... زمان و مکان قتل نفس زکیه
- ۸۳۳ ..... دو. نشانه های غیر حتمی
- ۸۳۴ ..... خودآزمایی
- ۸۳۴ ..... منابع برای پژوهش
- ۸۳۶ ..... درس هشتم: نشانه های قیامت
- ۸۳۶ ..... اشاره
- ۸۳۷ ..... پیش درآمد
- ۸۳۷ ..... نشانه های نزدیک شدن قیامت
- ۸۳۷ ..... اشاره

- ۸۴۰ ..... یک. دگرگونی های انسانی
- ۸۴۰ ..... ۱۱. خروج سفیانی
- ۸۴۱ ..... ۱-۲. خروج دجال
- ۸۴۵ ..... ۱-۳. خروج دابنه الأرض
- ۸۴۷ ..... ۱-۴. خروج قائم
- ۸۴۸ ..... ۱-۵. نزول عیسی علیه السلام
- ۸۴۹ ..... دو. دگرگونی های کیهانی
- ۸۴۹ ..... ۲-۱. دود در آسمان
- ۸۵۰ ..... ۲-۲. طلوع خورشید از مغرب
- ۸۵۱ ..... ۲-۳. فرو رفتن زمین در ناحیه مشرق
- ۸۵۱ ..... ۲-۴. فرو رفتن زمین در جزیره العرب
- ۸۵۱ ..... ۲-۵. آتشی از عدن
- ۸۵۴ ..... خودآزمایی
- ۸۵۴ ..... منابع برای پژوهش
- ۸۵۶ ..... درس نهم: ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف (کلیات)
- ۸۵۶ ..... اشاره
- ۸۵۷ ..... پیش درآمد
- ۸۵۸ ..... ظهور
- ۸۵۹ ..... یک. اصطلاح ظهور از نگاه روایات
- ۸۵۹ ..... اشاره
- ۸۵۹ ..... ۱-۱. آشکار شدن امام مهدی علیه السلام پس از غیبت
- ۸۵۹ ..... ۱-۲. همه دوران ظهور و آشکار بودن حضرت
- ۸۶۰ ..... ۱-۳. آشکار شدن دولت حق
- ۸۶۰ ..... اشاره
- ۸۶۰ ..... اشتیاق صالحان به درک زمان ظهور
- ۸۶۲ ..... دو. ابعاد و مراحل ظهور

- ۱-۲. وقت ظهور ..... ۸۶۲
- ۲-۲. آگاه شدن امام مهدی علیه السلام از زمان ظهور ..... ۸۶۵
- ۳-۲. محل ظهور ..... ۸۶۵
- ۴-۲. چگونگی ظهور ..... ۸۶۶
- ۵-۲. امر به پذیرفتن مهدی علیه السلام ..... ۸۶۸
- ۶-۲. بیعت با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ..... ۸۶۸
- اشاره ..... ۸۶۸
- شادمانی اهل آسمان و زمین ..... ۸۷۱
- خودآزمایی ..... ۸۷۳
- منابع برای پژوهش ..... ۸۷۳
- درس دهم: قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام ..... ۸۷۴
- اشاره ..... ۸۷۴
- پیش درآمد ..... ۸۷۵
- یک. مفهوم شناسی قیام ..... ۸۷۵
- دو. حتمی بودن قیام امام مهدی علیه السلام ..... ۸۷۸
- سه. مهم ترین عناصر قیام امام مهدی علیه السلام ..... ۸۸۰
- چهار. زمان و مکان قیام ..... ۸۸۰
- پنج. ابزار قیام (سلاح حضرت و یاران) ..... ۸۸۱
- اشاره ..... ۸۸۱
- ۱-۵. معنای حقیقی ..... ۸۸۲
- ۲-۵. معنای مجازی و کنایی ..... ۸۸۳
- شش. جغرافیای قیام و فتوحات ..... ۸۸۴
- هفت. برخی آثار و برکات قیام امام مهدی علیه السلام ..... ۸۸۶
- اشاره ..... ۸۸۶
- ۱-۷. نابودی باطل ..... ۸۸۶
۷۲. نابودی مشرکان و کافران ..... ۸۸۷

۸۸۸	.....	۷۳. رشد خردورزی بندگان خداوند
۸۸۸	.....	۷۴. برپایی عدل و قسط
۸۸۹	.....	۷۵. غلبه اسلام بر دیگر ادیان
۸۹۱	.....	خودآزمایی
۸۹۱	.....	منابع برای پژوهش
۸۹۲	.....	درس یازدهم: دشمنان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام قیام
۸۹۲	.....	اشاره
۸۹۳	.....	پیش درآمد
۸۹۳	.....	یک. نبرد پایانی حق و باطل
۸۹۴	.....	دو. گونه شناسی دشمنان حضرت هنگام قیام
۸۹۴	.....	اشاره
۸۹۴	.....	۲۱. غیر مسلمانان
۸۹۴	.....	۲۱۱. کافران و مشرکان
۸۹۵	.....	۲۱۲. یهود، سرسخت ترین دشمن
۸۹۶	.....	۲۱۳. نصارا
۸۹۶	.....	۲۲. مسلمانان
۸۹۶	.....	اشاره
۸۹۶	.....	۲۲۱. منافقان
۸۹۷	.....	۲۲۲. راحت طلبان
۸۹۷	.....	۲۲۳. جمود اندیشان
۹۰۰	.....	سه. انتقام
۹۰۰	.....	اشاره
۹۰۰	.....	۳۱. دشمنان خداوند
۹۰۱	.....	۳۲. قاتلان امام حسین علیه السلام
۹۰۱	.....	اشاره
۹۰۵	.....	اقسام انتقام

۹۰۶	چهار. فرجام شیطان
۹۰۸	خودآزمایی
۹۰۸	منابع برای پژوهش
۹۱۰	درس دوازدهم: یاران و یاوران
۹۱۰	اشاره
۹۱۱	پیش درآمد
۹۱۲	یاران و یاوران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۹۱۲	اشاره
۹۱۲	یک. یاران خاص
۹۱۲	اشاره
۹۱۴	۱-۱. ویژگی های یاران خاص
۹۱۴	اشاره
۹۱۴	۱-۱-۱. جوان بودن
۹۱۵	۱-۱-۲. محدود بودن شمار آنها
۹۱۵	۱-۱-۳. نخستین بیعت کنندگان
۹۱۵	۱-۱-۴. پرچم داری و حاکم بودن آنها
۹۱۶	۱-۱-۵. قدرت مند بودن
۹۱۷	۱-۱-۶. کرامت داشتن
۹۱۷	۱-۲. یاران زن
۹۱۹	۱-۳. گونه شناسی یاران خاص
۹۱۹	اشاره
۹۱۹	۱-۳-۱. ابدال
۹۲۰	۱-۳-۲. اخیار
۹۲۱	۱-۳-۳. عصائب
۹۲۱	۱-۳-۴. نجیا
۹۲۴	دو. یاران عام (یاوران)

- ۹۲۴ ..... اشاره
- ۹۲۵ ..... شعار یاران حضرت مهدی علیه السلام
- ۹۲۷ ..... خودآزمایی
- ۹۲۷ ..... منابع برای پژوهش
- ۹۲۸ ..... درس سیزدهم: امدادهای غیبی در قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۹۲۸ ..... اشاره
- ۹۲۹ ..... پیش درآمد
- ۹۲۹ ..... یک. مفهوم شناسی امدادهای غیبی
- ۹۳۱ ..... دو. امدادهای غیبی از نگاه قرآن
- ۹۳۱ ..... اشاره
- ۹۳۱ ..... ۲۱. سپاهیان دیده نشدنی
- ۹۳۲ ..... ۲۲. یاری با فرشتگان
- ۹۳۳ ..... ۲۳. آرام کردن دل های مؤمنان
- ۹۳۳ ..... ۲۴. ترس در دل های دشمنان
- ۹۳۳ ..... ۲۵. فرستادن بادهای ویرانگر
- ۹۳۴ ..... سه. شرایط برخورداری از امدادهای غیبی
- ۹۳۴ ..... اشاره
- ۹۳۴ ..... ۳۱. ایمان
- ۹۳۴ ..... ۲۳. پارسایی
- ۹۳۵ ..... ۳۳. پایداری
- ۹۳۵ ..... ۳۴. کوشش در راه خداوند
- ۹۳۵ ..... چهار. امدادهای غیبی در عصر ظهور
- ۹۳۵ ..... اشاره
- ۹۳۶ ..... ۴۱. فرشتگان
- ۹۳۸ ..... ۴۲. ترس در دل دشمنان
- ۹۳۸ ..... ۴۳. نیروهای طبیعت

- ۹۳۹ ..... ۴-۴. برخی امدادهای دیگر
- ۹۴۱ ..... سرانجام کار
- ۹۴۳ ..... خودآزمایی
- ۹۴۳ ..... منابع برای پژوهش
- ۹۴۴ ..... درس چهاردهم: آسیب شناسی عرصه های مهدویت
- ۹۴۴ ..... اشاره
- ۹۴۵ ..... پیش درآمد
- ۹۴۶ ..... آسیب شناسی
- ۹۴۶ ..... اشاره
- ۹۴۷ ..... گونه های آسیب
- ۹۴۷ ..... ۱. جعل و تحریف
- ۹۴۹ ..... ۲. ادعای مهدویت، نیابت و بابیت
- ۹۵۰ ..... ۳. وارد شدن برخی اسرائیلیات
- ۹۵۱ ..... ۴. مراجعه به متون تخصصی بدون آگاهی لازم
- ۹۵۱ ..... ۵. استفاده از منابع غیر معتبر و ضعیف
- ۹۵۲ ..... ۶. مواجهه با شبهات بدون آمادگی قبلی
- ۹۵۲ ..... ۷. تفسیرها و تطبیق های نادرست
- ۹۵۲ ..... اشاره
- ۹۵۳ ..... ۱-۷. در موضوع انتظار
- ۹۵۴ ..... ۲-۷. موضوع ملاقات
- ۹۵۵ ..... ۳-۷. انتساب بی اساس برخی زمان ها و مکان ها به حضرت
- ۹۵۶ ..... ۴-۷. شرایط ظهور
- ۹۵۶ ..... ۵-۷. قیام های پیش از ظهور
- ۹۵۷ ..... ۶-۷. نشانه های ظهور
- ۹۵۸ ..... ۷-۷. وقت گذاری برای ظهور
- ۹۵۹ ..... ۸-۷. شتاب زدگی در امر ظهور

۹۵۹	..... ۹-۷. روش نظامی حضرت
۹۶۰	..... ۸. طرح مباحث غیر ضروری
۹۶۲	..... خودآزمایی
۹۶۲	..... منابع برای پژوهش
۹۶۴	..... درس پانزدهم: کتاب شناسی مهدویت (۳)
۹۶۴	..... اشاره
۹۶۵	..... پیش درآمد
۹۶۶	..... ۱. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ موجود موعود
۹۷۰	..... ۲. تاریخ پس از ظهور
۹۷۱	..... ۳. زمینه سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۹۷۲	..... ۴. در انتظار ققنوس (کاوشی در قلمرو موعود شناسی و مهدی باوری)
۹۷۳	..... ۵. ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه اسلام و مذاهب جهان
۹۷۷	..... ۶. ظهور نور
۹۷۸	..... ۷. تحلیل تاریخی نشانه های ظهور
۹۷۹	..... ۸. چشم به راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۹۸۰	..... ۹. مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف
۹۸۱	..... ۱۰. التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن (الملاحم و الفتن)
۹۸۴	..... منابع و مآخذ
۹۹۳	..... جلد ۴
۹۹۳	..... اشاره
۹۹۶	..... فهرست مطالب
۱۰۱۸	..... پیشگفتار
۱۰۲۲	..... درس اول: حکومت حضرت مهدی علیه السلام (کلیات)
۱۰۲۲	..... اشاره
۱۰۲۳	..... پیش درآمد
۱۰۲۳	..... یک. معناشناسی حکومت



- از نگاه لغت ..... ۱۰۲۳
- از نگاه اصطلاح ..... ۱۰۲۴
- واژگان حکومت مهدوی ..... ۱۰۲۴
- اشاره ..... ۱۰۲۴
۱. مُلک ..... ۱۰۲۵
۲. خلافت ..... ۱۰۲۵
۳. دولت ..... ۱۰۲۶
۴. سلطنت ..... ۱۰۲۶
۵. ولایت ..... ۱۰۲۷
- دو. بشارت به حکومت حضرت مهدی علیه السلام ..... ۱۰۲۷
- سه. حتمی بودن حکومت حضرت مهدی علیه السلام ..... ۱۰۲۹
- چهار. مقر حکومت حضرت مهدی علیه السلام ..... ۱۰۳۰
- پنج. مدت حکومت حضرت مهدی علیه السلام ..... ۱۰۳۲
- خودآزمایی ..... ۱۰۳۶
- منابع برای پژوهش ..... ۱۰۳۶
- درس دوم: گستره حکومت حضرت مهدی علیه السلام ..... ۱۰۳۸
- اشاره ..... ۱۰۳۸
- پیش درآمد ..... ۱۰۳۹
- ادله جهانی بودن حکومت مهدی علیه السلام ..... ۱۰۴۰
- اشاره ..... ۱۰۴۰
۱. در آیات قرآن ..... ۱۰۴۰
۲. در روایات معصومان علیهم السلام ..... ۱۰۴۲
- نسبت جهانی شدن و حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام ..... ۱۰۴۵
- حکومت واحد جهانی حضرت مهدی علیه السلام ..... ۱۰۴۶
- مقایسه و تمایز ..... ۱۰۴۸
- امتیازات حکومت جهانی مهدوی بر جهانی شدن ..... ۱۰۴۹

۱۰۵۲	خودآزمایی
۱۰۵۲	منابع برای پژوهش
۱۰۵۴	درس سوم: نظام اعتقادی حکومت مهدی علیه السلام
۱۰۵۴	اشاره
۱۰۵۵	پیش درآمد
۱۰۵۵	اسلام برای همه و همیشه
۱۰۵۸	دین در عصر ظهور
۱۰۶۱	دستورالعمل های نوین در عصر ظهور
۱۰۶۵	پیروان دیگر ادیان در عصر ظهور
۱۰۶۶	دیدگاه نخست: حضور پیروان
۱۰۶۶	اشاره
۱۰۶۷	۱. پرداخت جزیه اهل کتاب
۱۰۶۷	۲. داوری میان اهل کتاب با کتاب آنها
۱۰۶۷	۳. شباهت سیره مهدی با سیره پیامبر
۱۰۶۸	دیدگاه دوم: عدم حضور پیروان ادیان
۱۰۶۸	اشاره
۱۰۶۸	۱. آیات
۱۰۶۸	۲. روایات
۱۰۷۲	خودآزمایی
۱۰۷۲	منابع برای پژوهش
۱۰۷۴	درس چهارم: حکومت حضرت مهدی علیه السلام و عدالت
۱۰۷۴	اشاره
۱۰۷۵	پیش درآمد
۱۰۷۶	مفهوم شناسی عدالت
۱۰۷۶	الف) معنای لغوی
۱۰۷۷	ب) معنای اصطلاحی

- ۱۰۷۸ ----- عدالت در آموزه های دینی
- ۱۰۷۸ ----- الف) در قرآن
- ۱۰۷۹ ----- ب) در روایات
- ۱۰۸۱ ----- عدالت در دولت مهدی موعود علیه السلام
- ۱۰۸۱ ----- راهبردهای عدالت گستری مهدوی
- ۱۰۸۱ ----- اشاره
- ۱۰۸۱ ----- افزایش معرفت
- ۱۰۸۲ ----- گسترش انفاق
- ۱۰۸۲ ----- توزیع دادگرانه
- ۱۰۸۲ ----- برداشتن افزون خواهی
- ۱۰۸۳ ----- احساس بی نیازی در مردم
- ۱۰۸۳ ----- گستره عدالت مهدوی
- ۱۰۸۳ ----- اشاره
- ۱۰۸۳ ----- ۱. گستره انسانی
- ۱۰۸۴ ----- ۲. گستره جغرافیایی
- ۱۰۸۴ ----- ۳. گستره مصداقی
- ۱۰۸۴ ----- اشاره
- ۱۰۸۴ ----- یک. عدالت در داوری
- ۱۰۸۶ ----- دو. عدالت در عرصه اقتصاد
- ۱۰۸۶ ----- سه. عدالت در عرصه سیاست
- ۱۰۸۷ ----- چهار . عدالت در عرصه فرهنگ
- ۱۰۸۷ ----- آثار و برکات عدالت
- ۱۰۸۹ ----- خودآزمایی
- ۱۰۸۹ ----- منابع برای پژوهش
- ۱۰۹۱ ----- درس پنجم: نظام امنیتی حکومت امام مهدی علیه السلام
- ۱۰۹۱ ----- اشاره

پیش درآمد	۱۰۹۲
امنیت	۱۰۹۳
از نگاه اصطلاح	۱۰۹۳
اشاره	۱۰۹۳
الف) از نگاه قرآن	۱۰۹۴
ب) از نگاه روایات	۱۰۹۶
زمینه های ترس، دلهره و ناامنی	۱۰۹۷
نقش امام در امنیت روانی و معنوی	۱۰۹۸
حکومت مهدوی و امنیت	۱۰۹۹
گستره امنیت در حکومت مهدوی	۱۱۰۰
اشاره	۱۱۰۰
یک . امنیت فردی	۱۱۰۰
دو . امنیت اجتماعی	۱۱۰۱
اشاره	۱۱۰۱
۱. امنیت عقیدتی فرهنگی	۱۱۰۱
۲. امنیت اقتصادی	۱۱۰۲
۳. امنیت داوری	۱۱۰۳
هم زیستی مسالمت آمیز	۱۱۰۳
اشاره	۱۱۰۳
سخن آخر	۱۱۰۴
خودآزمایی	۱۱۰۵
منابع برای پژوهش	۱۱۰۵
درس ششم: نظام سیاسی حکومت امام مهدی علیه السلام (۱)	۱۱۰۷
اشاره	۱۱۰۷
پیش درآمد	۱۱۰۸
یک. مشروعیت	۱۱۰۸

- ۱۱۰۸ - اشاره -
- ۱۱۰۹ - مفهوم شناسی -
- ۱۱۰۹ - الف) از نگاه لغت -
- ۱۱۰۹ - ب) از نگاه اصطلاح -
- ۱۱۱۰ - تفاوت مشروعیت در عرف سیاسی با مشروعیت در اندیشه سیاسی اسلام -
- ۱۱۱۱ - انواع مشروعیت الهی -
- ۱۱۱۱ - اشاره -
- ۱۱۱۱ - الف) مشروعیت الهی از جنبه هستی شناختی و توحید -
- ۱۱۱۲ - ب) مشروعیت الهی از جنبه انسان شناختی -
- ۱۱۱۲ - دو. مقبولیت (پذیرش مردم) -
- ۱۱۱۲ - اشاره -
- ۱۱۱۵ - امام مهدی علیه السلام؛ مشروعیت الهی، مقبولیت مردمی -
- ۱۱۱۶ - پذیرش حاکمیت، اجابت درخواست مردم -
- ۱۱۱۶ - همکاری همگانی (رابطه ولی و مولی) -
- ۱۱۱۶ - اشاره -
- ۱۱۱۷ - ۱. حقوق مردم بر حضرت -
- ۱۱۱۷ - یک. خیرخواهی -
- ۱۱۱۷ - دو. رفاه و آسایش -
- ۱۱۱۷ - سه. آموزش -
- ۱۱۱۷ - چهار. گسترش خرد انسان‌ها -
- ۱۱۱۸ - پنج. رشد و تربیت -
- ۱۱۱۸ - ۲. حقوق حضرت بر مردم -
- ۱۱۱۸ - یک. استواری بر بیعت -
- ۱۱۱۸ - دو. خیرخواهی در امور حکومت -
- ۱۱۱۸ - سه. فرمان برداری از حاکم -
- ۱۱۱۹ - نقش مدیریتی مردم (کارگزاران حکومت) -

- گروه های کارگزاران از نگاه روایات ..... ۱۱۲۰
- اشاره ..... ۱۱۲۰
- یک . شیعیان راستین، اساس کارگزاران ..... ۱۱۲۰
- دو . برخی رجعت‌کنندگان، کارگزاران حضرت ..... ۱۱۲۰
- سه . سخن‌گوی حضرت مهدی علیه السلام ..... ۱۱۲۲
- اشاره ..... ۱۱۲۲
۱. هنگام ظهور و خروج از مکه ..... ۱۱۲۲
۲. هنگام مناسک حج ..... ۱۱۲۲
- چهار . سیصد و سیزده نفر، کارگزاران حضرت ..... ۱۱۲۲
- پنج . کارگزاران حضرت، در گوشه و کنار زمین ..... ۱۱۲۳
- خودآزمایی ..... ۱۱۲۴
- منابع برای پژوهش ..... ۱۱۲۴
- درس هفتم: نظام سیاسی حکومت امام مهدی علیه السلام (۲) ..... ۱۱۲۶
- اشاره ..... ۱۱۲۶
- پیش درآمد ..... ۱۱۲۷
- مردم و حکومت مهدوی ..... ۱۱۲۷
- بیعت، مهم‌ترین سازوکار سیاسی ..... ۱۱۲۸
- پایه های بیعت ..... ۱۱۲۹
- چگونگی و چیستی بیعت ..... ۱۱۲۹
- بیعت ورأی دادن، شباهت ها و تفاوت ها ..... ۱۱۳۲
- آثار بیعت ..... ۱۱۳۴
- اشاره ..... ۱۱۳۴
۱. ابراز آمادگی ..... ۱۱۳۴
۲. پذیرش ولایت ..... ۱۱۳۴
۳. یادآوری پای‌بندی به وظیفه ..... ۱۱۳۵
۴. پافشاری بر وفاداری ..... ۱۱۳۵

- بیعت با امام مهدی علیه السلام، از نگاه روایات ..... ۱۱۳۵
- اشاره ..... ۱۱۳۵
۱. بیعت کنندگان ..... ۱۱۳۵
- اشاره ..... ۱۱۳۵
۱۱. بیعت جبرئیل فرشته وحی ..... ۱۱۳۵
- ۲-۱. بیعت یاران خاص (سیصد و سیزده نفر) ..... ۱۱۳۷
- ۳-۱. برخی از مردم ..... ۱۱۳۷
۲. مکان بیعت ..... ۱۱۳۸
۳. محتوا و مفاد بیعت ..... ۱۱۳۸
- اشاره ..... ۱۱۳۸
- یک بررسی کوتاه در مفاد بیعت ..... ۱۱۳۸
- خودآزمایی ..... ۱۱۴۳
- منابع برای پژوهش ..... ۱۱۴۳
- درس هشتم: نظام تعلیم و تربیت در حکومت مهدی علیه السلام ..... ۱۱۴۴
- اشاره ..... ۱۱۴۴
- پیش درآمد ..... ۱۱۴۵
- درآمدی بر نظام تعلیم و تربیت اسلامی ..... ۱۱۴۶
- گسترش خردورزی در عصر ظهور ..... ۱۱۴۸
- عقل از نگاه قرآن ..... ۱۱۴۸
- عقل از نگاه روایات ..... ۱۱۴۸
- سازوکارهای تعلیم و تربیت مهدوی ..... ۱۱۵۱
- اشاره ..... ۱۱۵۱
۱. شکوفاسازی عقول انسانی ..... ۱۱۵۲
۲. فرهنگ سازی جامع ..... ۱۱۵۳
۳. پالایش ناپاکی های درونی ..... ۱۱۵۳
۴. شکوفایی سرشت انسانی ..... ۱۱۵۴

۵. ترویج و تثبیت ارزش های اخلاقی ..... ۱۱۵۴
۶. کنترل و نظارت فراگیر ..... ۱۱۵۴
۷. تقویت باورهای اعتقادی و ایمانی ..... ۱۱۵۵
۸. ایجاد غنای واقعی در بشر ..... ۱۱۵۵
۹. به سازی اخلاق کارگزاران ..... ۱۱۵۶
۱۰. حاکمیت اندیشه قرآنی ..... ۱۱۵۶
۱۱. وحدت و الفت انسان ها ..... ۱۱۵۷
۱۲. فراگیری و همگانی شدن تعلیم و تربیت ..... ۱۱۵۸
- خودآزمایی ..... ۱۱۶۰
- منابع برای پژوهش ..... ۱۱۶۰
- درس نهم: مهدویت و مستشرقان ..... ۱۱۶۲
- اشاره ..... ۱۱۶۲
- پیش درآمد ..... ۱۱۶۳
- تعاریف متفاوت از واژه شرق ..... ۱۱۶۳
- شرق شناسی در فرهنگ لغت ..... ۱۱۶۵
- تعریف اصطلاحی شرق شناسی ..... ۱۱۶۵
- تقسیم بندی مستشرقین (اسلام شناسان غربی) ..... ۱۱۶۶
- برخی زمینه های ورود مستشرقین به موضوع مهدویت ..... ۱۱۶۷
- الف) جاذبه فرهنگ و تمدن اسلامی ..... ۱۱۶۷
- ب) اهداف استعماری و تیشیری ..... ۱۱۶۷
- ج) نگاه اندیشمندانه به آموزه های اسلامی ..... ۱۱۶۸
- د) توجه به نهضت های اصلاح طلبانه اسلامی ..... ۱۱۶۹
- ه) نگاه کلان به موضوع منجی و جامعه آرمانی ..... ۱۱۶۹
- جنبه های مثبت و منفی در پژوهش مستشرقان ..... ۱۱۷۱
- عرصه های مهدویت پژوهی در نزد مستشرقان ..... ۱۱۷۴
- خودآزمایی ..... ۱۱۷۵



- منابع برای پژوهش ..... ۱۱۷۵
- درس دهم: زمینه‌شناسی جریان‌های انحرافی در مهدویت ..... ۱۱۷۶
- اشاره ..... ۱۱۷۶
- پیش درآمد ..... ۱۱۷۷
۱. عوامل پیدایش جریان‌های انحرافی ..... ۱۱۷۸
- اشاره ..... ۱۱۷۸
- ۱-۱. عوامل پدیدآورنده ..... ۱۱۷۸
- یک. ناآگاهی توده مردم ..... ۱۱۷۸
- دو. آشفتگی‌های اجتماعی و اقتصادی ..... ۱۱۷۹
- سه. زیاده خواهی ..... ۱۱۷۹
- چهار. نابسامانی و اعتبار کم برخی متون ..... ۱۱۷۹
- پنج. حمایت دشمنان ..... ۱۱۸۰
- ۱-۲. عوامل استمراربخش ..... ۱۱۸۰
- یک. اباحی گری و تکلیف گریزی ..... ۱۱۸۰
- دو. حمایت برخی خواص ..... ۱۱۸۱
- سه. غفلت برخی خواص ..... ۱۱۸۱
- چهار. ساختن حکایات ..... ۱۱۸۲
۲. ویژگی‌های جریان‌های انحرافی ..... ۱۱۸۲
- ۲-۱. عقل گریزی و اهتمام افراطی به امور احساسی ..... ۱۱۸۲
- ۲-۲. درآمیختن حق و باطل ..... ۱۱۸۳
- ۲-۳. دور کردن مردم از مرجعیت و روحانیت ..... ۱۱۸۳
- ۲-۴. خرافه پردازی ..... ۱۱۸۴
- ۲-۵. عوام‌زدگی ..... ۱۱۸۴
- ۲-۶. خودم‌کزی و مریدپروری ..... ۱۱۸۵
- ۲-۷. بهره از سخنان چندپهلوی ..... ۱۱۸۵
- ۲-۸. دادن شأن و جایگاه دروغین به هوادارن خود ..... ۱۱۸۶

- ۱۱۸۶----- ۲-۹. بی ثباتی در باورها و پندارها
- ۱۱۸۶----- ۲-۱۰. پیروی از خواسته‌های نفسانی
- ۱۱۸۶----- ۲-۱۱. سوءاستفاده از آشفتگی‌های سیاسی و اجتماعی
- ۱۱۸۷----- ۲-۱۲. بهره‌مندی از ویژگی‌های خاص ظاهری
- ۱۱۸۷----- ۲-۱۳. ترویج پندارهای ادعایی عجیب و غریب
- ۱۱۸۷----- ۳. پی‌آمدهای جریان‌های انحرافی
- ۱۱۸۷----- ۳-۱. بی ثباتی در باورهای دینی
- ۱۱۸۸----- ۳-۲. از بین بردن سرمایه‌های فکری
- ۱۱۸۸----- راه‌برد رودرویی با جریان‌های انحرافی
- ۱۱۸۸----- اشاره
- ۱۱۸۸----- ۱. رفتارهای علمی
- ۱۱۸۸----- ۱-۱. بهره‌گیری از آگاهی‌های معتبر
- ۱۱۸۹----- ۱-۲. طراحی سامانه مهندسی فراگیر مهدویت
- ۱۱۸۹----- ۱-۳. پافشاری بر خردورزی و پرهیز از خرافات
- ۱۱۹۰----- ۲. راه‌های عملی
- ۱۱۹۰----- ۲-۱. افشاگری و پدید آوردن حساسیت
- ۱۱۹۰----- ۲-۲. جلوگیری از کارهای تبلیغی جریان‌ها
- ۱۱۹۱----- خودآزمایی
- ۱۱۹۱----- منابع برای پژوهش
- ۱۱۹۲----- درس یازدهم: رجعت و رجعت‌کنندگان (کلیات)
- ۱۱۹۲----- اشاره
- ۱۱۹۳----- پیش درآمد
- ۱۱۹۳----- مفهوم‌شناسی واژه رجعت
- ۱۱۹۳----- از نگاه لغت
- ۱۱۹۴----- معنای اصطلاحی
- ۱۱۹۷----- چیستی و چگونگی رجعت

- ۱۱۹۸ ----- جایگاه رجعت در اعتقادات شیعه
- ۱۲۰۰ ----- رجعت از نگاه اهل سنت
- ۱۲۰۲ ----- آثار تربیتی اعتقاد به رجعت
- ۱۲۰۲ ----- زمان رجعت
- ۱۲۰۳ ----- امکان رجعت
- ۱۲۰۴ ----- گزارش رجعت در امت های پیشین
- ۱۲۰۶ ----- خودآزمایی
- ۱۲۰۶ ----- منابع برای پژوهش
- ۱۲۰۸ ----- درس دوازدهم: رجعت و رجعت کنندگان (در آخر الزمان)
- ۱۲۰۸ ----- اشاره
- ۱۲۰۹ ----- پیش درآمد
- ۱۲۰۹ ----- رجعت در آخر الزمان
- ۱۲۰۹ ----- اشاره
- ۱۲۰۹ ----- خروج دابه الارض
- ۱۲۱۱ ----- زنده شدن برخی مردگان
- ۱۲۱۳ ----- پیمان انبیا بر یاری پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۱۲۱۴ ----- دو بار زنده شدن و دو بار مردن
- ۱۲۱۴ ----- سوگند دشمنان اهل بیت بر زنده نشدن مردگان
- ۱۲۱۶ ----- رجعت کنندگان
- ۱۲۱۶ ----- اشاره
- ۱۲۱۷ ----- ۱. رجعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
- ۱۲۱۷ ----- ۲. رجعت علی علیه السلام
- ۱۲۱۸ ----- ۳. امام حسین علیه السلام، اولین رجعت کننده
- ۱۲۱۹ ----- ۴. رجعت معصومین علیهم السلام
- ۱۲۲۰ ----- ۵. رجعت پیامبران پیشین
- ۱۲۲۱ ----- خودآزمایی

- منابع برای پژوهش ..... ۱۲۲۱
- درس سیزدهم: رجعت، پرسش‌ها و پاسخ‌ها ..... ۱۲۲۲
- اشاره ..... ۱۲۲۲
- پیش درآمد ..... ۱۲۲۳
۱. رجعت، سبب بازگشت از فعلیت ..... ۱۲۲۳
۲. رجعت، همان تناسخ ..... ۱۲۲۶
- تفاوت رجعت با تناسخ ..... ۱۲۲۸
۳. بازگشت کفار و مجرمین از اعمال بدشان ..... ۱۲۲۸
۴. کیفر در رجعت و ناسازگاری با دنیا ..... ۱۲۲۹
۵. تعارض رجعت با فلسفه معاد ..... ۱۲۳۰
۶. رجعت از عقاید یهودی ..... ۱۲۳۱
۷. منافات رجعت با تلقین میت ..... ۱۲۳۲
۸. تکلیف در زمان رجعت ..... ۱۲۳۳
- خودآزمایی ..... ۱۲۳۶
- منابع برای پژوهش ..... ۱۲۳۶
- درس چهاردهم: فرجام حضرت مهدی علیه السلام و زندگی در دنیا ..... ۱۲۳۸
- اشاره ..... ۱۲۳۸
- پیش درآمد ..... ۱۲۳۹
- طول عمر حضرت مهدی علیه السلام ..... ۱۲۳۹
- اشاره ..... ۱۲۳۹
- یک. طول عمر از نگاه قرآن کریم ..... ۱۲۴۰
- اشاره ..... ۱۲۴۰
۱. حضرت نوح علیه السلام ..... ۱۲۴۰
۲. عیسی بن مریم علیهما السلام ..... ۱۲۴۱
۳. حضرت خضر علیه السلام ..... ۱۲۴۲
۴. اصحاب کهف ..... ۱۲۴۲

- ۱۲۴۲ ..... دو. طول عمر از نگاه روایات
- ۱۲۴۲ ..... سه. از نگاه عقل
- ۱۲۴۴ ..... فرجام زندگی حضرت مهدی علیه السلام
- ۱۲۴۴ ..... اشاره
- ۱۲۴۴ ..... یک. شهادت امام مهدی علیه السلام
- ۱۲۴۶ ..... دو. رحلت به مرگ طبیعی
- ۱۲۴۹ ..... جهان پس از حضرت مهدی علیه السلام
- ۱۲۴۹ ..... اشاره
- ۱۲۵۰ ..... یک. دیدگاه پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام
- ۱۲۵۲ ..... دو. دیدگاه اهل سنت
- ۱۲۵۴ ..... خودآزمایی
- ۱۲۵۴ ..... منابع برای پژوهش
- ۱۲۵۵ ..... درس پانزدهم: کتاب شناسی مهدویت (۴)
- ۱۲۵۵ ..... اشاره
- ۱۲۵۶ ..... پیش درآمد
- ۱۲۵۷ ..... آفتاب ولایت
- ۱۲۵۹ ..... شبهات و ردود (پاسخ به شبهات احمد الکاتب)
- ۱۲۶۱ ..... مهدی عجل الله فرجه، ده انقلاب در یک انقلاب
- ۱۲۶۲ ..... خط امان
- ۱۲۶۴ ..... گونه شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان
- ۱۲۶۶ ..... آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)
- ۱۲۶۷ ..... شناخت امام، یا راه رهایی از مرگ جاهلی
- ۱۲۶۸ ..... در جستجوی قائم علیه السلام
- ۱۲۶۹ ..... امام مهدی علیه السلام در آینه قلم
- ۱۲۷۱ ..... منابع و مآخذ
- ۱۲۷۹ ..... درباره مرکز

سرشناسه: سلیمیان، خدامراد، ۱۳۴۶ -

عنوان و نام پدیدآور: درسنامه مهدویت / خدامراد سلیمیان.

مشخصات نشر: قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، مرکز تخصصی امامت و مهدویت، ۱۳۸۶-

مشخصات ظاهری: ۴ ج.

شابک: دوره ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۴۱-۵: ؛ ۲۵۰۰۰ ریال: ج. ۱: ۹۶۴-۷۴-۲۸-۳۲-۴: ؛ ۲۵۵۰۰ ریال: ج. ۱، چاپ سوم ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲-۸۳۲-۳: ؛ ۳۵۰۰۰ ریال: ج. ۲: ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۴۲-۲: ؛ ۲۵۰۰۰ ریال (ج. ۲، چاپ اول): ؛ ۳۰۰۰۰ ریال (ج. ۲، چاپ پنجم): ؛ ۳۵۰۰۰ ریال (ج. ۲، چاپ ششم): ؛ ۷۰۰۰۰ ریال: ج. ۴: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۶۲-۹۱-۸:

یادداشت: ج. ۱ (چاپ پنجم: ۱۳۸۸).

یادداشت: ج. ۱ (چاپ سوم: زمستان ۱۳۸۶).

یادداشت: ج. ۲ (چاپ اول: تابستان ۱۳۸۶).

یادداشت: ج. ۲ (چاپ پنجم: زمستان ۱۳۸۷).

یادداشت: ج. ۲ (چاپ ششم: ۱۳۸۸).

یادداشت: ج. ۴ (چاپ اول: ۱۳۹۲).

یادداشت: کتابنامه.

مندرجات: ج. ۱. حضرت مهدی (عج) از ولادت تا امامت. - ج. ۲. حضرت مهدی (عج) و دوران غیبت. - ج. ۴. حضرت مهدی (عج) و حکومت جهانی

موضوع: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق -

موضوع: مهدویت

رده بندی کنگره: BP۲۲۴/س ۴۵۸۷۳ ۱۳۸۶

رده بندی ديويي : ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی : ۱۱۴۶۲۴۹

ص: ۱

جلد ۱

اشاره





ص: ۳

درسنامه مهدویّت (۱)

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

از ولادت تا امامت

خدایمیراد سلیمیان

ص: ۴

درسنامه مهدویت (۱)

مؤلف / خدامراد سلیمیان

صفحه آراء / رضا فریدی

قطع / وزیری

چاپ / پارسانگار

نوبت چاپ / سوم، زمستان ۸۶

قیمت / ۲۵۵۰ تومان

تیراژ / ۳۰۰۰ جلد

مراکز پخش:

م: مرکز تخصصی مهدویت / خیابان شهداء (صفائیه) / کوچه آمار (۲۲) / بن بست شهید علیان

ص.پ. ۱۱۹-۳۷۱۳۵ م تلفن: ۷۷۳۷۱۶۰ م فاکس: ۷۷۳۷۸۰۱

تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف /

م.ص.پ. ۳۵۵-۱۵۶۵۵

[WWW.IMAMMAHDI-S.COM](http://WWW.IMAMMAHDI-S.COM)

[info@imammahdi-s.com](mailto:info@imammahdi-s.com)

شابک دوره: ISBN: ۵-۴۱-۷۴۲۸-۹۶۴-۹۷۸

شابک ج ۱: ISBN: ۴-۳۲-۲۸-۷۴-۹۶۴

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به رهبری حضرت امام خمینی قدس سرّه طوفانی را در اندیشه ها و نگرش های عصر حاضر بوجود آورد. این انقلاب که ریشه هایی در گذشته و انقلاب عاشورا و نگاهی به آینده و انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف داشت، مکتب های بشری را با نیرومندی تمام به چالش کشید و آرمانهای تازه ای را در برابر دیدگان قرار داد.

از پیامدهای این چالش، توجه جدی در سطح بین المللی به موضوع مهدویت و آموزه های دینی اسلام و دیگر ادیان توحیدی در این زمینه بود. این توجه، بیش از پیش، ضرورت تبیین و بازشناسی این اندیشه را پدیدار ساخته است.

اگرچه دانشوران سترگ مکتب اهل بیت علیهم السلام در این عرصه از نهایت ظرفیت خود بهره برده و آثار فاخر و قابل تقدیری را تقدیم شیفتگان نموده اند، ولی هم چنان این عرصه نیازمند بازشناسی های روزآمد و نوین است.

البته بحث به اقتضای ماهیت خود دارای افق های مبهمی است که برخی تا هنگامه آن قیام جهانی باقی خواهد ماند. و این بدان معنا است که آنچه امروز در دست است، تمام بحث های مورد نیاز نیست.

اندیشه مهدویت باورستری است که ریشه در اعماق تاریخ دارد، جریان خروشان این تفکر در بستر ادیان و مذاهب و فرهنگ بشری، انبوهی از آگاهی ها، آرمان ها، افسانه ها و تخیلات را فراهم آورده است. در این معرکه تشخیص حق از باطل، ضرورتی اجتناب ناپذیر است.

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف در راستای برنامه های خود در عرصه ترویج مهدویت و پیرایش آن از خرافه ها و پیرایه ها، و تحکیم بنیان های رفیع آن اصل اساسی اسلام، در کنار برنامه های دیگر، به انتشار کتاب های ارزنده و مورد نیاز در این زمینه دست یازیده است.

با توجه به گسترش مباحث مربوط به مهدویت در سطح جهان و فقدان متن مناسب آموزشی برای این مهم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف گام نخست را در این زمینه به پژوهشگر ارجمند، جناب حجت الاسلام والمسلمین سلیمیان واگذار کرد، ایشان با توجه به سوابق پژوهشی و نیز مشاوره با اساتید مرکز تخصصی مهدویت به انجام این مهم همت گماشت و بخش نخست «درسنامه مهدویت» را آماده کرد.

امید است در آینده نزدیک بخش های بعدی نیز آماده و به علاقه مندان تقدیم گردد.

بدون تردید این مجموعه به عنوان نخستین متن آموزشی مهدویت کاستی هایی دارد، امید است اندیشوران دلسوز علاوه بر آن که به دیده اغماض می نگرند، تذکرات لازم را جهت اصلاح به این مرکز منعکس نمایند.

در پایان ضمن تقدیر و سپاس از نویسندگان و همه اساتیدی که ما را در انجام این مهم، مساعدت کردند برای آنان از درگاه خداوند توفیق بیشتر خواستاریم.

امید است تلاش همه آن عزیزان مورد قبول و نظر حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا له الفداه قرار گیرد.

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

مرکز تخصصی مهدویت

## فهرست مطالب

پیشگفتار. ۱۵

درس اول: اندیشه موعود در ادیان ابراهیمی... ۱۹

۱. اندیشه موعود در آیین یهود. ۲۳

۱. کتاب دانیال پیامبر. ۲۴

۲. کتاب حگی.. ۲۴

۳. کتاب صفیناه پیامبر. ۲۴

۴. کتاب اشعیای پیامبر. ۲۵

۵. کتاب زبور داود علیه السلام. ۲۵

۲. اندیشه موعود در آیین مسیحیت... ۲۶

۱. انجیل متی.. ۲۶

۲. انجیل لوقا ۲۷

۳. انجیل مرقس.... ۲۷

۴. مکاشفات یوحنا ۲۷

خودآزمایی.. ۲۸

درس دوم: مهدویت در قرآن.. ۲۹

۱. تفسیر. ۳۱

٢. تأويل .. ٣٢

٣. تطبيق .. ٣٣

آيه اول «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ...» ٣٣

آيه دوم «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعِفُوا...» ٣٦

آيه سوم «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا...» ٣٧

آيه چهارم «وَلِكُلِّ وِجْهَةٍ هُوَ مُوَلِّيهَا...» ٤٢

آيه پنجم «بَقِيَتْ لِلَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ...» ٤٣

آیه ششم « هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى ... » ۴۴

خودآزمایی.. ۴۷

درس سوم: مهدویت در منابع روایی شیعه. ۴۹

شیعه و احادیث مهدویت... ۵۱

یک. کتاب سلیم بن قیس هلالی.. ۵۲

دو. المحاسن.. ۵۳

سه. بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام. ۵۴

چهار. کتاب التفسیر معروف به (تفسیر العیاشی) ۵۵

پنج. تفسیر القمی.. ۵۶

شش. الکافی.. ۵۸

هفت. الغیبه. ۵۹

هشت. کمال الدین و تمام النعمه. ۶۰

نه. الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد. ۶۲

ده. کتاب الغیبه للحجه. ۶۳

خودآزمایی.. ۶۶

درس چهارم: مهدویت از نگاه اهل سنت (۱) ۶۷

یک. کتاب های عمومی.. ۷۰

۱۱. المصنف عبد الرزاق.. ۷۰

۱۲. کتاب الفتن.. ۷۱

٣١. المصنف فى الاحاديث و الآثار. ٧١

١٤. مسند احمد.. ٧١

١٥. سنن ابن ماجه. ٧٢

١٦. سنن ابو داود. ٧٢

١٧. الجامع الصحيح.. ٧٣

١٨. المستدرک على الصحيحين.. ٧٣

١٩. كنز العمال فى سنن الاقوال و الافعال.. ٧٤

دو. كتاب هاى حديثى ويژه حضرت مهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف... ٧٤

٢١. اربعون حديث... ٧٤

٢٢. البيان فى اخبار صاحب الزمان عليه السلام. ٧٥

٢٣. عقد الدرر فى اخبار المنتظر. ٧٦

٢٤. العرف الوردى فى الاخبار المهدي عليه السلام. ٧٨

٢٥. البرهان فى علامات مهدي آخر الزمان.. ٧٩



سه. صحت احادیث مهدوی علیه السلام. ۷۹

چهار. تواتر احادیث مهدی... ۸۱

خودآزمایی.. ۸۴

درس پنجم: مهدویت از نگاه اهل سنت (۲) ۸۵

مشترکات اهل سنت و شیعه در «مهدویت» ۸۷

۱. حتمی بودن ظهور و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.... ۸۷

۲. نسب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.... ۸۷

۲۱. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از اهل بیت و فرزندان رسول خدا ۸۸

۲۲. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نسل حضرت علی علیه السلام ۸۸

۲۳. حضرت مهدی از نسل فاطمه علیها السلام. ۸۹

۳. ویژگی های جسمانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.... ۸۹

۳۱. قدرتمند بودن آن حضرت هنگام ظهور. ۸۹

۳۲. چهره نورانی.. ۹۰

۳۳. پیشانی بلند و بینی کشیده ۹۰

۳۴. خال بر گونه. ۹۰

۳۵. ظهور در سن چهل سالگی.. ۹۰

۴. هم نام بودن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ۹۱

۵. زمینه های ظهور. ۹۱

۵۱. ناامیدی کامل مردم. ۹۱

۵۲. فراگیر شدن ستم.. ۹۲

۶. نشانه های ظهور. ۹۲

۶۱. ندای آسمانی.. ۹۲

۶۲. سفیانی.. ۹۲

۶۳. خسف در بیداء. ۹۳

۶۴. قتل نفس زکیه. ۹۳

۷. امور مربوط به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.... ۹۴

۷۱. اصلاح امر ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در یک شب.... ۹۴

۷۲. محل ظهور. ۹۴

۷۳. بیعت با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.... ۹۴

۷۴. نزول فرشتگان برای یاری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.... ۹۴

۷۵. نزول عیسی علیه السلام و اقتدا به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۹۵

۸. ویژگی های حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.... ۹۵

۸۱. عدالت گستری... ۹۵

۸۲. رفاه و آسایش عمومی.. ۹۶

۸۳. رضایت همگانی از حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.... ۹۶

۸۴. امنیت همه جانبه و عمومی.. ۹۶

۸۵. احساس بی نیازی در مردم. ۹۶

۸۶. غلبه اسلام بر سایر ادیان.. ۹۷

۸۷. جهانی بودن حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.... ۹۷

خود آزمایی.. ۹۸

درس ششم: انحراف در مهدویت، پیش از ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۹۹

مدعیان مهدویت.... ۱۰۱

۱. کیسانیه. ۱۰۲

۲. زیدیه. ۱۰۴

۳. باقریه. ۱۰۵

۴. نفس زکیه. ۱۰۷

۵. ناووسیه. ۱۰۸

۶. اسماعیلیه. ۱۰۹

۷. موسویه یا موسائیه. ۱۱۱

۸. محمدیه. ۱۱۲

۹. عسکریه. ۱۱۲

سه گروه مدعی مهدویت.... ۱۱۲

خود آزمایی.. ۱۱۴

درس هفتم: شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۱۱۵

از شناخت خداوند تا شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۱۱۷

راههای شناخت امام علیه السلام. ۱۱۹

۱. نص..... ۱۱۹

۲. کرامت.... ۱۲۰

۳. سیره عملی.. ۱۲۰

آثار شناخت و اعتقاد به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۱۲۱

۱. محبت و دوستی امام. ۱۲۱

۲. نجات از مرگ جاهلی.. ۱۲۳

مهدی شخصی و مهدی نوعی.. ۱۲۵

خود آزمایی.. ۱۲۹

درس هشتم: نسب پدری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۱۳۱

۱. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان عبد المطلب» ۱۳۳

۲. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، از نسل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ۱۳۴

۲۱. «عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم» ۱۳۴

۲۲. «اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم» ۱۳۵

۲۳. « ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم» ۱۳۷

۲۴. «فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم» ۱۳۷

۳. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان حضرت علی علیه السلام» ۱۳۸

۴. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، از «فرزندان فاطمه زهرا علیها السلام» ۱۳۹

۵. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان امام حسن مجتبی علیه السلام» ۱۴۰

۶. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان امام حسین علیه السلام» ۱۴۳

۷. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان امام محمد باقر علیه السلام» ۱۴۵

۸. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان امام صادق علیه السلام» ۱۴۵

۹. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان امام موسی کاظم علیه السلام» ۱۴۶

۱۰. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان امام رضا علیه السلام» ۱۴۶

۱۱. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان امام محمد تقی علیه السلام» ۱۴۷

۱۲. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان امام هادی علیه السلام» ۱۴۷

خودآزمایی.. ۱۴۹

درس نهم: پدر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۱۵۱

جلوه هایی از زندگی امام حسن عسکری علیه السلام. ۱۵۴

۱. کوشش علمی در دفاع از اسلام و ردّ شبهات... ۱۵۴

۲. ایجاد حلقه ارتباطی با شیعیان از طریق نمایندگان.. ۱۵۵

۳. فعالیتهای سیاسی سرّی... ۱۵۶

۴. حمایت و پشتیبانی مالی از شیعیان.. ۱۵۶

۵. آگاهی بخشی سیاسی به چهرهای برجسته شیعه. ۱۵۷

۶. بهره گیری از دانش غیبی برای ارشاد دیگران.. ۱۵۷

۷. معرفی حضرت مهدی علیه السلام به عنوان جانشین.. ۱۵۸

۸. آماده سازی شیعیان برای دوران غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۵۸

حوادث ناگوار پس از شهادت امام عسکری علیه السلام. ۱۵۹

۱. بازجویی از خانه آن حضرت؛ ۱۵۹

۲. برخورد جعفر کذاب با مادر امام عسکری علیه السلام بر سر میراث؛ ۱۵۹

۳. بازجویی از خانها و منازل برای دستیابی به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ ۱۵۹

۴. ترور، حبس، تهدید و اذیت و آزار شیعیان؛ ۱۵۹

۵. اختلاف و چند دستگی بین شیعیان؛ ۱۵۹

پدر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نگاه اهل سنت... ۱۶۰

خود آزمایی.. ۱۶۴

درس دهم: مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۱۶۵

نامه‌های مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۱۶۷

سرگذشت مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۱۶۸

سرنوشت مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۱۷۶

خود آزمایی.. ۱۷۸

درس یازدهم: ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۱۷۹

۱. چگونگی ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۱۸۱

پنهانی بودن ولادت... ۱۸۴

فلسفه مخفی بودن ولادت... ۱۸۵

۲. اثبات ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۱۸۷

الف. نوید امام عسکری علیه السلام به ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۸۷

ب. خبر دادن امام عسکری علیه السلام از ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۸۷

ج. خبر حکیمه (عمه امام عسکری علیه السلام) از ولادت آن حضرت... ۱۸۸

د. خبر نسیم و ماریه (خادمان بیت امامت) ۱۸۸

ه. گزارش عده فراوانی از بزرگان شیعه. ۱۸۹

و. گزارش برخی از دانشمندان اهل سنت از ولادت آن حضرت... ۱۹۰

زمان ولادت... ۱۹۱

پاسخ به برخی پرسش‌ها و شبهات... ۱۹۴

خود آزمایی.. ۱۹۸

درس دوازدهم: نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۱۹۹

انواع روایات درباره نام بردن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به نام خاص (محم د) ۲۰۲

یک. روایات عدم جواز به صورت مطلق.. ۲۰۲

دو. روایات عدم جواز تا هنگام ظهور. ۲۰۴

سه. روایات جواز بدون بیم خطر. ۲۰۵

چهار. روایات جواز نام بردن.. ۲۰۶

نام حضرت در کلام دانشمندان شیعه. ۲۱۰

نام حضرت در دعاها ۲۱۲

نام حضرت در گفتار اهل سنت.... ۲۱۳

نکته پایانی.. ۲۱۵

خود آزمایی.. ۲۱۶



درس سیزدهم: القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۲۱۷

۱. بَقِيَّةُ اللَّهِ. ۲۱۹

۲. حَجَّتْ... ۲۲۱

۳. خاتم الاوصياء. ۲۲۳

۴. شريد.. ۲۲۴

۵. صاحب الامر. ۲۲۴

۶. صاحب الدار. ۲۲۵

۷. صاحب الزمان.. ۲۲۵

۸. صاحب السيف.... ۲۲۶

۹. صاحب الغيبه. ۲۲۸

۱۰. غريم.. ۲۲۸

۱۱. غلام. ۲۲۹

۱۲. فرید.. ۲۲۹

۱۳. قائم.. ۲۳۰

۱۳-۱. «القَائِمُ مِنْ وُلْدِي» (قیام کننده از فرزندانم) ۲۳۱

۱۳-۲. «قَائِمِهِمْ» (قائم آنان) ۲۳۱

۱۳-۳. «قَائِمٌ لِلْحَقِّ مِنَّا» (قیام کننده برای حق از ما) ۲۳۱

۱۳-۴. «قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ» (قائم ما اهل بیت) ۲۳۲

۱۳-۵. «قَائِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ» (قیام کننده از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم) ۲۳۲

۱۴. مُضَطَّر. ۲۳۲

۱۵. مَنَظَّر. ۲۳۳

۱۶. مُنْتَقِم.. ۲۳۴

۱۷. منصور. ۲۳۴

۱۸. مهدی... ۲۳۵

خود آزمایی.. ۲۳۷

۲۳۹ درس چهاردهم: شمایل و ویژگیهای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱. شمایل مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از ولادت و دوران کودکی.. ۲۴۱

۲. شمایل مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت.... ۲۴۲

۳. شمایل مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ظهور. ۲۴۳

برخی ویژگیهای خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.... ۲۴۴

۱. مخفی بودن آثار حمل در مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.... ۲۴۴

۲. مخفی بودن ولادت آن حضرت... ۲۴۴

۳. روشن شدن چراغی در بیت الحمد، از ولادت تا هنگام ظهور. ۲۴۵

۴. خاتم الاوصیا بودن ایشان.. ۲۴۵
۵. پنهان زیستی ایشان.. ۲۴۶
۶. میراث انبیا نزد ایشان.. ۲۴۶
۷. نبودن بیعت احدی بر گردن ایشان.. ۲۴۸
۸. طول عمر آن حضرت... ۲۴۹
۹. کشته شدن شیطان به دست آن حضرت... ۲۴۹
۱۰. نزول حضرت عیسی علیه السلام و اقتدا به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۲۵۰
۱۱. ایجاد حکومت واحد جهانی.. ۲۵۱
۱۲. آکنده کردن زمین از عدل و داد. ۲۵۲
- خود آزمایی.. ۲۵۴
- درس پانزدهم: کتاب شناسی مهدویت (۱) ۲۵۵
۱. خورشید مغرب... ۲۵۷
۲. عصر زندگی.. ۲۵۸
۳. حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.... ۲۵۹
۴. داد گستر جهان.. ۲۶۱
۵. در فجر ساحل.. ۲۶۲
۶. راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.... ۲۶۳
۷. مجموعه فرمایشات حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف.... ۲۶۴
۸. نجم الثاقب فی احوال الامام الغائب.... ۲۶۵

۹. امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور. ۲۶۷

۱۰. رهبری بر فراز قرون.. ۲۶۸

منابع و مآخذ.. ۲۷۱

## پیشگفتار

کشتی ای را در دریایی طوفانی در نظر بگیرید. در یک فرض ممکن است افراد این کشتی باور کنند که اطرافشان تا هزاران فرسنگ، هیچ ساحل نجاتی وجود ندارد و توشه اندکی همراه دارند؛ به راستی آنان چه خواهند کرد؟ آیا هیچ تصوّر می شود که حرکتی کنند؟ نه؛ چون پذیرفته اند که مرگشان حتمی است!!

فرض دیگر این است که افراد آن کشتی، به یقین بدانند که در نزدیکی شان، ساحل امن و نجاتی وجود دارد. این افراد چه می کنند؟ قطعاً اینها تلاش می کنند تا خود را به ساحل برسانند.

همین قدر که امید در دل انسان به وجود آمد، مرگ سایه خود را جمع می کند و کنار می رود. امید موجب می شود، انسان تلاش و حرکت کند، پیش برود، مبارزه کند و زنده بماند.

مَثَلِ بشریت، در طول تاریخ و در حیات اجتماعی، مَثَلِ همان سرنشینان کشتی طوفان زده است که همیشه گرفتار مشکلاتی از سوی قدرتمندان، ستمگران و حکمرانان بوده است. دسته‌ای نجات را آرزویی دست نیافتنی تلقی کرده و گروهی با استفاده از آموزه های دینی، آن را وعده ای الهی و تخلف ناپذیر انگاشته اند. گروهی در راه برون رفت از آن مجاهدت کرده و عده ای سر تسلیم فرود آورده اند

باورداشت موعود و منجی که در آموزه های اسلام با عنوان «مهدویت» مطرح شده همان اعتقاد به وجود ساحل نجاتی است که انسان های گرفتار را به آینده ای روشن و سرشار از

آرامش و آسایش نوید می دهد.

ایمان به مهدویت، باورداشت و ایمان به ذخیره آخرین هستی، ثمره تمامی رسالت ها، منبع همه کمالات، سرچشمه همه خیرات و جلوه گاه تمامی نیکی ها و زیبایی ها است.

پذیرش مهدویت، گشودن چشم اندازی زیبا، به جهان آینده، امیدی لذت بخش، به آینده روزگار و رویکردی جدی و نوید بخش به انسان و آینده انسان است.

اعتقاد به مهدویت، امید را در دل ها زنده کرده، مانع تسلیم شدن در برابر ستم می شود.

ملت های با ایمانی که حضور قطب عالم امکان را در میان خود احساس می کنند، از حضور او امید و نشاط می گیرند و برای مجد و عظمت اسلام، مبارزه و مجاهدت می کنند.

با تکیه بر همین امید درخشان بود که ملت بزرگ ایران، به رهبری بنیان گذار جمهوری اسلامی امام خمینی قدس سره، پرچم اسلام را به اهتزاز در آورد و افتخار طول تاریخ بشر و تاریخ اسلام شد.

آرزوی همگان آمدن چنین شخصیت گران قدری است تا عقده های فروخورده انسان ها در طول تاریخ با تجلیات ظهورش گشوده شود و چشم های منتظر، با روشنای طلوعش، روشنایی گیرند و تار و پود ظلم و ستم نابود گردد.

به باور پیروان بیشتر ادیان و مذاهب، روزی فرا خواهد رسید که دست توانمند پروردگار، در برهه ای از تاریخ، از آستین انسانی برتر، معجزه گری خواهد کرد و برگ های فرجامین کتاب زندگی بشری را با نجات از ستم و بیداد به سرانجام خواهد رساند.

همه فرقه های اسلامی، معتقدند: آن دست معجزه گر، کسی نیست، مگر رادمردی از سلاله پاک آخرین فرستاده خداوند، پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، که روزی آشکار خواهد شد و جهان را به نور عدل و داد آکنده خواهد ساخت.

البته شیعه بر خلاف گروه های دیگر این شخص بزرگ و دست قدرت خداوندی را به خوبی می شناسد و با تاریخ ولادت و نام مقدس او و پدر و مادر عزیزش آشنا است؛ در حالی که دیگران اینها را نمی دانند.

این شناخت و اعتقاد علاوه بر ابعاد منطقی، فکری و استدلالی دارای جنبه های عاطفی، معنوی و ایمانی عمیق و بسیار مهمی است که همواره سرمایه عظیم حرکت های بزرگ در جوامع اسلامی و به ویژه شیعی شده است.

توجه به این نکته بایسته است که عصر انتظار، عصر آزمایش های بزرگ است. در این دوران انسان ها به شکل های مختلف امتحان می شوند و تنها کسانی از این میدان سربلند بیرون می آیند که ایمان خود را حفظ کرده، در مقام عمل، گوی سبقت از دیگران برآیند.

به لطف الهی اعتقاد به مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، شیعه را تا امروز از تمامی موانعی که بر سر راهش قرار داشته، به خوبی عبور داده است و امروزه عزت و سربلندی اسلام و قرآن، میراث گران بهایی است که در پرتو این باور سترگ به دست آمده است.

البته دشمنانِ تفکر و اعتقاد به مهدویت، همواره تلاش کرده اند تا با القای یأس و ناامیدی در دل مردم و یا پراکندن شبهات، آن را از ذهن ها پاک سازند و یا مفاهیم اعتقاد به مهدویت را تحریف کنند!! از این رو لازم است در برابر این تلاش دشمنان، با استواری در جهت اعتقاد و تبیین حقیقت «مهدویت» حرکت کنیم ... به یقین جامعه ای که در دوران ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به وجود خواهد آمد؛ همان جامعه ای است که همه پیامبران بزرگ الهی علیهم السلام، برای تهیه مقدمات آن مبعوث شده اند؛ یعنی، ایجاد جامعه ای که بشریت در آن، بتواند به رشد و کمال متناسب خود برسد و از تمامی قید و بندها رهایی یابد و امام گام نهایی را در ایجاد جامعه موعود بر می دارد.

نگارنده با توجه به این مسائل، بر آن شد تا به حول و قوه الهی، به آرزوی دیرینه خود تدوین درس‌نامه مهدویت جامه عمل بپوشاند. به ویژه آنکه با توفیق الهی و عنایات حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و مساعدت دوستان، مجموعه ای را با نام فرهنگ نامه مهدویت آماده نموده و به وسیله بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ و منتشر ساخت.

اما آنچه پیش روی شما خواننده محترم قرار دارد، اولین بخش از مجموعه ای چهار جلدی با عنوان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا امامت است. در این جلد به بحث و بررسی درباره موضوع مهدویت از ابتدای شکل‌گیری، تا آغاز امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرداخته شده است. در جلد دوم با عنوان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و دوران غیبت مباحث مربوط به پنهان‌زیستی آن امام بیان خواهد شد. در جلد سوم با عنوان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ظهور تا قیام به بررسی موضوعات مربوط به ظهور و مسائلی که تا قبل از قیام حضرت رخ می‌نماید، اشاره خواهد شد. بالاخره در جلد چهارم حکومت جهانی ایشان با عنوان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و حکومت جهانی بررسی خواهد شد.

نگارنده افتخار دارد مدتی از عمر خود را به مطالعه و پژوهش در باره مهدویت سپری نموده و بیش از ۲۵۰۰ روایت نورانی را از حدود یکصد منبع اولیه شیعه و سنی مورد بررسی و کنکاش قرار داده و صدها کتاب مربوط به این موضوع مهم را مطالعه کرده است.

بر این اساس این مجموعه را به عنوان قدمی کوچک در راه ترویج فرهنگ متعالی مهدویت تقدیم می‌دارد و با اعتراف به نقص‌ها، امیدوار است با تلاش دیگر ارادتمندان به ساحت مقدس مهدوی، هر روز شاهد کارهای بهتری در این زمینه باشیم.

در پایان بر خود لازم می‌دانم از تمامی دست‌اندرکاران بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و مرکز تخصصی مهدویت به ویژه از حجت الاسلام و المسلمین مجتبی کلباسی به جهت تلاش‌های خالصانه‌شان جهت چاپ و نشر این مجموعه و نیز اساتید محترمی که با راهنمایی و نظرهای خود این حقیر را یاری فرمودند، کمال سپاس و امتنان را داشته باشم.

و توفیق از خداوند است

خدایم‌راد سلیمیان



## درس اول: اندیشه موعود در ادیان ابراهیمی

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

بررسی اجمالی اندیشه موعود در:

آیین یهودیت

آیین مسیحیت



امید به آمدن «مصلح بزرگ آسمانی»، در آینده‌ای روشن و استقرار عدالت و صلح فراگیر و همگانی، امری فطری است. این انگاره با وجود آدمی، آمیخته شده است و محصور در زمان و مکان و ویژه قوم و ملتی خاص نیست.

همه افراد، طبق فطرت ذاتی خود، منتظرند جهان در پرتو ظهور رهبری الهی و آسمانی و با تأیید و عنایت پروردگار، از ظلم و ستم نجات یافته، از نابسامانی‌ها، ناامنی‌ها و تیره روزی‌ها خلاص شوند و سرانجام به کمال مطلوب و زندگی شرافتمندانه، نایل آیند.

در بیشتر ادیان و مذاهب جهان، از مصلحی سخن به میان آمده که در آخرالزمان ظهور کرده و به جنایت‌ها و خیانت‌ها خاتمه خواهد داد و شالوده حکومت واحد جهانی را بر اساس عدالت و آزادی واقعی، بنیان خواهد نهاد. تمامی پیامبران و سفیران الهی نیز در این زمینه به مردم با ایمان جهان، نویدهایی داده اند.

پیروان ادیان و مذاهب گوناگون، درباره نام آن بزرگوار با هم اختلاف نظر دارند. مسلمانان با ارائه کامل‌ترین تصویر، او را با نام «مهدی موعود» می‌شناسند.

عقیده به ظهور «نجات دهنده» و امید به یک «آینده ای روشن» که در آن، نگرانی‌ها و هراس‌ها مرتفع گردد و تاریکی‌ها از پهنه گیتی برچیده و ریشه ظلم و جهل و تباهی برکنده شود یک اعتقاد عمومی است که همواره بین بیشتر ملت‌ها وجود داشته است.

یکی از نویسندگان از این باور با عنوان «فوتوریسم» یاد کرده، می‌نویسد:

«فوتوریسم (۱)؛ یعنی، اعتقاد به دوره آخرالزمان و انتظار ظهور منجی غیبی و مصلح جهانی و

بزرگ، از جمله مسائلی است که در اصول عقاید ما، جای مهمی را اشغال کرده است. فوتوریسم عقیده ای است که در کیش های آسمانی زوراستریانیسم (مذهب زردشت) و جودائیسیم (مذهب یهود) و سه مذهب عمده مسیحیت (کاتولیک، پروتستان و ارتودکس) و به طور کلی در میان مدعیان نبوت، به مثابه یک اصل مسلم قبول شده و همگی به اتفاق، بشارت ظهور همچو مصلحی را داده اند...»<sup>(۱)</sup>.

«فوتوریسیم» یکی از مسائلی است که در بحث های تئولوژیک تمام مذاهب آسمانی، از آن بحث شده است.

دار مستتر در یکی از کنفرانس هایی که به مناسبت ظهور «مهدی متمدی» در سودان در فوریه سال ۱۸۸۵ میلادی برگزار گردید، می گوید:

«می دانید که محمد صلی الله علیه و آله و سلم چگونه شریعت خود را بنیان نهاد؟ وقتی که او ظهور کرد، در عربستان علاوه بر شرک ملی باستانی، سه دیانت بیگانه موجود بود: آیین یهود، دیانت عیسوی، کیش زردشت ... نکته مشترکی که در این سه دیانت یافت می شد، عبارت از اعتقاد به یک وجود فوق الطبیعه بود که بایستی در آخرالزمان ظهور کند و نظم و عدالت رفته را به جهان باز آورد و مقدمه خلود و سعادت دائم انسان را فراهم سازد»<sup>(۲)</sup>.

بر اساس تحقیقات پژوهشگران مسائل اسلامی، این عقیده پیوسته در میان بیشتر ملت ها و پیروان ادیان بزرگ وجود داشته و حتی اقوام مختلف جهان چون اسلاوها، ژرمن ها، اسن ها و سلت ها نیز معتقدند که سرانجام باید پیشوایی در آخرالزمان ظهور کند و بی عدالتی ها را از بین ببرد و حکومت واحد جهانی تشکیل داده، در بین مردم بر اساس عدالت و انصاف داوری کند.

در این درس با توجه به اهمیت موضوع، تنها به دو دیدگاه (یهود و مسیحیت) خواهیم پرداخت و دیدگاه های دیگر ادیان و مذاهب را مطرح نخواهیم کرد؛ به دلیل اینکه: بیشتر متون در دست، غیر قابل استناد قطعی به پیامبران این ادیان است و در نسبت دادن آنها به صاحبان این شریعت ها، تردیدهای جدی وجود دارد.

بیشتر این نوشته ها به صورت کنایه، استعاره و همراه با ابهام های فراوانی است که برداشت

۱- سید هادی خسروشاهی، مصلح جهانی و مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه اهل سنت، ص ۵۵.

۲- همان، به نقل از: دار مستتر، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در سیزده قرن، ترجمه محسن جهان سوز.

قطعی از این سخنان را غیر ممکن می سازد. اگر چه عده ای بر این مطلب پای می فشرند که قسمت های فراوانی از این نوشته ها، مربوط به «مهدوئیت» است!

پاره ای از متون این ادیان نگرش های پیروان آن ادیان است و استفاده صریح از آن متون را در باره «مهدوئیت» دور از دسترس می نماید.

در برخی از موارد، اصل کتاب هایی که در بحث «مهدوئیت در ادیان» بدان اشاره می شود، در دست نیست و تنها به نقل هایی از این کتاب ها بسنده شده، که این نیز مشکلی بر مشکلات یاد شده افزوده است.

اگر چه موارد یاد شده تا حدودی در باره متون کتاب مقدس نیز وجود دارد؛ اما نزدیکی صدور آنها به زمان ما و تا حدودی صراحت آنها در مباحث موعود و منجی، مقداری از دشواری کار می کاهد.

بنابراین در این موضوع تنها به دو کتاب تورات و انجیل بسنده می کنیم. علاقه مندان را به کتاب های مفصل توصیه می نمایم.

## ۱. اندیشه موعود در آیین یهود

### اشاره

یهودیان که خود را پیروان حضرت موسی علیه السلام می دانند منتظر موعودند. در آثار دینی یهود و سفرهای تورات و دیگر کتاب های انبیای آنان، همواره به موعود اشاره شده است.

از آنجایی که یهودیان، به حضرت مسیح علیه السلام ایمان نیاوردند، بالطبع موعود آنان هنوز ظهور نکرده است. اگر در آثار مقدس یهودی تأمل شود، چهره سه موعود، در آنها ترسیم می گردد:

۱. حضرت مسیح علیه السلام ،

۲. حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم ،

۳. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف .

با این حساب، انتظار، در یهودیت کیفیتی ویژه می یابد و چون این قوم، نه به حضرت مسیح علیه السلام و نه به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، نگریدند، باید در برابر مسأله موعود و انتظار، بسیار حساس و نگران باشند و از این همه اشاره ها و بشارت های موجود در کتاب های ایشان، به سادگی و غفلت نگذرند. آنان باید از دیگران منتظرتر باشند و بیشتر به انتظار و آمادگی برای ظهور فکر کنند.

البته تکاپوی آشکار یهودیان، در دوران حاضر و فعالیت‌های آنها در بازسازی هیکل سلیمان و

آماده ساختن بیت المقدس برای آمدن منجی، می تواند دلیلی بر این مدعا باشد؛ هر چند این دیدگاه دارای انحرافی آشکار است!!

اینک نام چند کتاب از کتاب‌های یهودیت و عهد عتیق که در آنها سخنانی درباره موعود آمده است همراه با بخش‌های مورد نظر ذکر می شود: (۱)

### ۱. کتاب دانیال پیامبر

«در آن وقت سرور بزرگ میکائیلی که از جانب پسران قومت قائم است خواهد ایستاد و زمان تنگنایی که از بودن طوایف تا به این زمان نبوده است، واقع خواهد شد و در آن زمان قوم تو هر کسی که در کتاب مکتوب شده است نجات خواهد یافت و از خوابندگان در خاک، زمین بسیاری بیدار خواهند شد. بعضی جهت حیات ابدی و بعضی از برای شرمساری و حقارت ابدی...» (۲)

### ۲. کتاب حگی

«خداوند لشکرها چنین می فرماید: هنوز وقت قلیلی است که من آسمان‌ها و زمین و بحر و خشکی را به هیجان می آورم؛ بلکه تمامی طوایف را به هیجان می آورم و مرغوب تمامی طوایف خواهد آمد و خداوند لشکرها می فرماید: این خانه را مملو از جلال خواهم کرد...» (۳)

### ۳. کتاب صفیناه پیامبر

«خداوند در اندرون آن عادل است، بی انصافی نمی کند. هر صبح بی نقصان حکم خود را به روشنایی بر می آورد؛ اما عاصی انفعال را نمی داند. طوایف را منقطع نمودم، برج‌های ایشان ویرانند. کوچه‌های ایشان را خراب کردم، به حدی که عبور کننده نیست و شهرهای ایشان بدون آدمی و ساکنی ویرانند و گفتم که شاید از من ترسیده، تأدیب را قبول کنی تا آنکه مسکن ایشان منقطع نشود. اما هر قدر که ایشان را عقوبت کردم، ایشان سحر خیزی نموده، تمامی اعمال خویشان را فاسد گردانیدند...» (۴)

۱- نقل‌های کتاب مقدس، مستقیم از کتاب مزبور و بدون هیچ کم و کاستی نقل شده است.

۲- کتاب مقدس، ترجمه فاضل خان همدانی، کتاب دانیال، ص ۱۵۶۷، فصل دوازدهم، بندهای ۱۳.

۳- کتاب مقدس، ترجمه فاضل خان همدانی، کتاب حگی، ص ۱۶۳۲، فصل دوم، بند های ۸۶.

۴- کتاب مقدس، ترجمه فاضل خان همدانی، کتاب صفینای نبی، ص ۱۶۲۹، فصل سوم، بندهای ۸۵.

#### ۴. کتاب اشعای پیامبر

«و نهالی از تنه یشی بر آمده، شاخه از ریشه هایش قد خواهد کشید و روح خدا که روح حکمت و فطانت و روح مشورت و جبروت و روح علم و خشیت از خداوند است بر آن خواهد آرمید و او را در خشیت خداوند تیز هوش گردانیده، موافق منظور نظرش حکم و مطابق مسموع گوش هایش تنبیه نخواهد فرمود؛ بلکه ذلیلان را به عدالت حکم و برای مسکینان زمین به راستی تنبیه خواهد نمود و زمین را به عصای دهانش زده به روح لب هایش شریب را خواهد کشت...»<sup>(۱)</sup>

#### ۵. کتاب زبور داود علیه السلام

در این کتاب نیز مطالبی ذکر شده است؛ چنان که قرآن کریم، به نقل از زبور از غلبه صالحان سخن گفته است:

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»<sup>(۲)</sup>

«و در حقیقت، در زبور پس از ذکر [تورات] نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.»

با مراجعه به زبور، می توان به رغم تحریف های صورت گرفته، این بشارت را چنین یافت:

«زیرا که شریبان منقطع می شوند؛ اما متوکلان به خداوند وارث زمین خواهند شد؛ اما متواضعان وارث زمین شده از کثرت سلامتی متلذذ خواهند شد...»<sup>(۳)</sup>

پس از حضرت موسی علیه السلام، حضرت عیسی علیه السلام آمد و دین موسی علیه السلام را نسخ کرد. اکنون دین یهود، دین منسوخ و شریعت باطله است. پس از حضرت عیسی علیه السلام، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، مبعوث شده و دین مسیح را نسخ کرد. اکنون دین مسیح، دین منسوخ و شریعت باطل است.<sup>(۴)</sup> از زمان طلوع اسلام تا کنون و تا قیامت، تنها دین به حق در روی زمین که مبتنی بر وحی و پیامبری است دین مقدس اسلام است و کتاب خدا، در میان خلق همواره، قرآن است. بر این اساس

۱- کتاب مقدس، ترجمه فاضل خان همدانی، کتاب اشعای نبی، ص ۱۲۲۰، فصل یازده، بند ۱۱۰.

۲- انبیاء (۲۱)، آیه ۱۰۶.

۳- کتاب مقدس، مزامیر داود، مزمو رسی و هفتم، بندهای ۳۷۹.

۴- این تعبیر چنان که پیدا است به این معنا نیست که شریعت موسای کلیم علیه السلام، یا شریعت عیسی علیه السلام، در زمان خود نیز باطل بوده است. این دو دین، هر یک در عهد خود و در دور زمانی خاص خود و نیز به دور از تحریف ها و تصرف ها، دین آسمانی و بر حق بوده است.



«موعود» همان مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و بشارت ها و اشارت هایی که از پیامبران و دیگر بزرگان رسیده است، در حق او صادق است و به ظهور او اشاره دارد.

## ۲. اندیشه موعود در آیین مسیحیت

### اشاره

دین مسیحیت به ویژه از دیدگاه مسائل معرفتی و شناختی ادامه دین یهود است. منبع اصلی دینی و فرهنگی آن، عهد عتیق است که همان کتاب مقدس یهودیان است. بنا براین هر چه درباره دین یهود گفته شود، تقریباً در باره دین مسیحیت نیز صدق می کند.

افزون بر آنچه در متون یهودی مورد اشاره قرار گرفت، در کتاب های ویژه مسیحیت نیز، بشارت های بیشتر و روشن تری، در باره موعود آخرالزمان، نقل شده است؛ زیرا:

یکم. با ظهور حضرت مسیح علیه السلام، زمان در مقیاس کلی، به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نزدیک تر شده است.

دوم. تحریف کمتری در این آثار پدید آمده است؛ زیرا از دوره نزول آثار مقدس یهود، زمان بسیار بیشتری می گذرد، تا دوره نزول کتاب مقدس مسیحیت. این امر باعث شده، تا دست تحریف و پوشیده داری، در این آثار، به اندازه آثار یهود فرصت کار نیابد؛ اگر چه دانشمندان مسیحی نیز در این باره کوشش بسیار کردند و در تأیید یا ردّ انجیل ها، به این مسائل نیز توجه داشتند و انجیل برنابا را کمتر تأیید می کردند. (۱)

در اینجا، به چند کتاب که در آنها بشارت هایی در باره ظهور منجی آمده است اشاراتی می شود:

### ۱. انجیل متی

« و چون فرزند انسان در جلال خود خواهد آمد؛ با جمیع ملائکه مقدسه بر کرسی بزرگی خود قرار خواهد گرفت. همه قبایل نزد وی جمع خواهند شد و آنها را از همدیگر جدا خواهد کرد؛ چنان که شبانی میش ها را از بزها جدا کند...» (۲)

۱- محمد رضا حکیمی، خورشید مغرب، صص ۵۲ ۵۸. (با تصرف)

۲- کتاب مقدس، انجیل متی، باب بیست و پنجم، ص ۶۰، بند های ۳۱۳۳.

## ۲. انجیل لوقا

«پس بایست که بسته باشد کمرهای شما و افروخته باشد چراغ های شما و خود باشید مانند آن کسانی که انتظار می کشند آقای خود را که کی از عروسی باز آید که چون آید و در زند، دفعتاً در را گشایند. خوشا به حال آن نوکران که چون آقا آید، بیدار یابد آنها را و من به شما می گویم که به درستی کمر خود را بسته آنها را نشانید و نزدشان آمده آنان را خدمت خواهد نمود».<sup>(۱)</sup>

## ۳. انجیل مرقس

«و بر حقیقت آن روز و آن ساعت سوای پدر نه ملائکه آسمان و نه فرزند، هیچ کس مطلع نیست. احتیاط نمایید که با حذر باشید و دعا نمایید؛ زیرا از هنگام رسیدن آن زمان مطلع نیستید؛ چنانچه شخصی به سفر بعیدی رفته و خانه خود را گذاشته و ملازمان خود را قدرت داده و هر کس را به شغل خاص مقرر فرموده و دربان را به بیدار بودن امر فرموده است. پس بیدار باشید از آنجا که نمی دانید بزرگ خانه چه وقت خواهد آمد. در شام یا نصف شب یا وقت بانگ خروس یا صبح؛ مبادا که ناگاه آمده، شما را در خواب یابد و آنچه من به شما می گویم، به همه می گویم بیدار باشید».<sup>(۲)</sup>

## ۴. مکاشفات یوحنا

«چنانچه پدر در ذات خود زندگانی دارد، به پسر نیز داده است که او در ذات خود زندگانی داشته باشد و قدرت به او داده است که هم حکم رانی بکند، به علت آنکه فرزند انسان است».<sup>(۳)</sup>

۱- کتاب مقدس، انجیل لوقا، ص ۱۵۴، باب دوازدهم، بند های ۳۵۳۷.

۲- کتاب مقدس، انجیل مرقس، باب سیزدهم، بندهای ۳۲ ۳۷.

۳- کتاب مقدس، انجیل یوحنا، باب پنجم، بندهای ۲۶ ۲۸.

## خودآزمایی

۱. مهم‌ترین ویژگی مشترک میان همه انسان‌ها در باره اعتقاد به منجی چیست؟
۲. فوتوریسم به چه معنا است و چه ارتباطی به بحث مهدویت دارد؟
۳. به چه دلایلی نمی‌توان به طور کامل، به منابع در دست ادیان پیش از اسلام اعتماد کرد؟
۴. در آیین یهود سه موعود مورد اشاره قرار گرفته است؛ آنها چه کسانی‌اند؟ کتاب‌های این آیین را که سخن در باره موعود آورده، نام ببرید.
۵. به دو نمونه از نقل‌های انجیل درباره منجی اشاره فرمایید.
۶. علاوه بر مواردی که در درس مورد اشاره قرار گرفته، به دو مورد از بشارت‌های کتاب مقدس درباره منجی اشاره کنید.

===

### منابع برای پژوهش

۱. سید اسدالله هاشمی شهیدی، ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، (انتشارات مسجد جمکران، قم، ۱۳۸۰ ه. ش).
۲. علی اکبر مهدی پور، او خواهد آمد، (مؤسسه انتشارات رسالت، چاپ نهم، قم، ۱۴۱۸ ه. ق).
۳. محمد بهشتی، ادیان و مهدویت، (انتشارات مرآتی، بی تا).
۴. حسین توفیقی، هزاره گرایی در فلسفه تاریخ مسیحیت، (دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۸ ه. ش).
۵. محمد صادقی تهرانی، بشارت عهدین، (انتشارات امید فردا، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۲ ه. ش).
۶. محمد تقی راشد محصل، نجات بخشی در ادیان، (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چ دوم، تهران، ۱۳۸۱ ه. ش).

## درس دوم: مهدویت در قرآن

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

بررسی برخی از آیات مهدویت:

آیه اول:

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ...»

آیه دوم:

«وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا...»

آیه سوم:

«وَوَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ...»

آیه چهارم:

«وَلِكُلِّ وِجْهَةٍ هُوَ مُوَلِّيهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ...»

آیه پنجم:

«بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ...»

آیه ششم:

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ...»



اندیشه «مهدویت»، در اسلام ریشه قرآنی دارد و این کتاب آسمانی، با قاطعیت تمام، پیروزی نهایی «حق» بر «باطل» را به تمامی انسان ها نوید داده است. قرآن در باره ظهور و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به صورت کلی بحث کرده و بشارت به تشکیل حکومت عدل جهانی و پیروزی صالحان داده است. مفسران شیعه و برخی از مفسران اهل سنت، این گونه آیات را به استناد روایات اهل بیت علیهم السلام و نظرات دانشمندان اسلامی مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دانسته اند.

در این درس از مجموع آیات قرآنی که ناظر به این موضوع است و صراحت بیشتری دارد تنها چند آیه نقل و بررسی می شود.

این درس در باره آیاتی از قرآن مجید است که با استفاده از سخنان گهربار معصومین علیهم السلام، در مورد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، تفسیر، تأویل و یا تطبیق شده است.

ابتدا تعریف و مفهوم این سه واژه به صورت مختصر بیان می گردد:

#### ۱. تفسیر

«تفسیر» از واژه «فَسَّرَ»، به معنای روشن کردن و آشکار ساختن است و در «اصطلاح» عبارت است از: «زدودن ابهام از لفظ مشکل و دشوار که در انتقال معنای مورد نظر، نارسا و دچار اشکال است». ماده «فَسَّرَ»، در باب «تفعیل» بیانگر مبالغه در دستیابی به معنا است. از این رو تفسیر، تنها کنار زدن نقاب از چهره لفظ مشکل و نارسا نیست؛ بلکه شامل زدودن ابهام موجود در دلالت کلام، نیز می شود.

تفسیر، در جایی است که گونه ای ابهام، در لفظ وجود دارد و این موجب ابهام در معنا و

دلالت کلام می شود و برای زدودن آن، کوشش فراوانی لازم است. (۱)

از آنجایی که فهم پاره ای از آیات قرآن، بر عموم مردم پوشیده است، ناگزیر نیازمند بیان و پرده برداری است و این مهم بر عهده کسانی است که صلاحیت و توانایی چنین امری را دارند و مورد تأیید خداوند متعال اند.

## ۲. تأویل

تفسیر و تأویل، در گذشته دو لفظ مترادف بود؛ لذا طبری در تفسیر جامع البیان آن دو را به یک معنا گرفته و در موقع تفسیر آیات گفته است: «القول فی تأویل الایه». در اصطلاح متأخران، «تأویل» به معنای مغایر با تفسیر و شاید اخص از آن به کار رفته است.

تأویل از «أول»، به معنای باز گشت به اصل است. تأویل یک چیز؛ یعنی، برگرداندن آن به مکان و مصدر اصلی خودش و تأویل لفظ متشابه؛ یعنی، توجیه ظاهر آن، به طوری که به معنای واقعی و اصیل خودش باز گردد. (۲)

این واژه در قرآن به سه معنا آمده است:

۲۱. توجیه ظاهر لفظ یا عمل متشابه؛ به گونه ای صحیح که مورد قبول عقل و مطابق با نقل باشد. (۳)

۲۲. تعبیر خواب؛ تأویل به این معنا، هشت بار در سوره یوسف آمده است.

۲۳. فرجام و حاصل کار؛ بر این اساس تأویل یک موضوع؛ یعنی، آنچه که آن موضوع، بدان منتهی می شود. (۴)

معنای چهارم که در قرآن نیامده، ولی در کلام پیشینیان هست عبارت است از: انتزاع مفهوم عام و گسترده، از آیه ای که در مورد خاصی نازل شده است... از تأویل به این معنا، گاهی به «بطن»؛ یعنی، معنای ثانوی و پوشیده ای که از ظاهر آیه به دست نمی آید، هم تعبیر شده است. در مقابل «ظهر»؛ یعنی، معنای اولیه ای که ظاهر آیه بر حسب وضع و کاربرد، آن

۱- رک: محمد هادی معرفت، تفسیر و مفسران، ج ۱، ص ۱۸.

۲- رک: محمد هادی معرفت، تفسیر و مفسران، ج ۱، ص ۲۲ و ۲۳.

۳- آل عمران (۳)، آیه ۷.

۴- کهف (۱۸)، آیه ۷۸.

معنا را می فهماند.

این معنا دارای دامنه ای گسترده و ضامن عمومیت قرآن است و موجب می شود قرآن شامل تمام زمان ها و دوران ها باشد؛ زیرا اگر مفاهیم فراگیر، برگرفته شده از موارد خاص، نباشد؛ بسیاری از آیات قرآن بی ثمر می شود و فایده ای جز ثواب تلاوت و ترتیل آن نخواهد داشت. (۱)

بی گمان در قرآن، آیات متشابهی وجود دارد که باید تأویل گردد؛ ولی جز خداوند و راسخان در علم، کسی آن را نمی داند. (۲) تأویل دارای شرایط و ملاک هایی است که در کتاب های مربوط بیان شده است.

### ۳. تطبیق

#### اشاره

در آیات قرآن، مطالب فراوانی به لفظ عام بیان شده که در هر زمان، بر عده ای قابل انطباق است. گاهی نیز لفظ آیه ای «خاص» است؛ ولی معنای آن «عمومیت» دارد و شامل کسانی نیز می شود که شبیه آن عمل از آنان صادر شده است.

با توجه به نکات یاد شده، برخی از آیات مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و انقلاب جهانی آن حضرت بدین شرح است:

#### آیه اوّل

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»؛ (۳)

«وهمانا، در زبور پس از ذکر نوشتیم که زمین را بندگان شایسته من، به ارث خواهند برد».

در این آیه به یکی از روشن ترین پاداش های دنیوی صالحان (حکومت روی زمین)، اشاره شده است. در روایاتی چند، این رویداد مهم، در عصر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دانسته شده است.

واژگان آیه

«زبور» داود (یا به تعبیر کتاب های عهد قدیم مزامیر داود) عبارت است از: «مجموعه ای

۱- محمد هادی معرفت، تفسیر و مفسران، ج ۱، ص ۲۵ و ۲۶.

۲- آل عمران (۳)، آیه ۷.

۳- انبیا (۲۱)، آیه ۱۰۵.



از مناجات‌ها و نیایش‌ها و اندرزهای داود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم.»

«ذکر»، در اصل به معنای چیزی است که مایه تذکر و یادآوری باشد؛ ولی در این آیه به قرینه معرفی آن قبل از زبور به کتاب آسمانی حضرت موسی علیه السلام، (تورات) تفسیر شده است.

«ارض»، به مجموع کره زمین گفته می‌شود؛ مگر اینکه قرینه خاصی در کار باشد.

«ارث»؛ یعنی، چیزی که بدون معامله و داد و ستد، به کسی انتقال می‌یابد. در قرآن کریم گاهی به معنای تسلط و پیروزی یک قوم صالح، بر قوم ناشایست و در اختیار گرفتن موهبت‌ها و امکانات آنها گفته شده است. (۱)

با توجه به اضافه شدن «بندگان» به «خدا»، ایمان و توحید آنان روشن می‌شود و با توجه به کلمه «صالحون»، همه شایستگی‌ها به ذهن می‌آید: عمل و تقوا، علم و آگاهی، قدرت و قوت، و تدبیر و نظم و درک اجتماعی.

هنگامی که بندگان با ایمان، این شایستگی‌ها را برای خود فراهم سازند، خداوند نیز یاری می‌کند تا آنان بر مستکبران غلبه یابند، دست‌های آلوده‌شان را از حکومت بر روی زمین کوتاه کنند و دارنده میراث‌های آنها گردند.

بنا بر این، تنها «استضعاف» دلیل بر پیروزی بر دشمنان و حکومت بر روی زمین نیست؛ بلکه وجود ایمان و کسب شایستگی‌ها بایسته است و مستضعفان جهان تا زمانی که این دو اصل را زنده نکنند، به حکومت روی زمین نخواهند رسید.

نکته‌ها

۱. آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم

در تفسیر آیه شریفه از امام باقر علیه السلام نقل شده است: «هُم آلُ مُحَمَّدٍ يَبْعَثُ اللَّهُ مَهْدِيَهُمْ بَعْدَ جَهْدِهِمْ فَيَعِزُّهُمْ وَيَذِلُّ عَدُوَّهُمْ»؛ (۲) «این بندگان صالح، همانا آل محمد هستند که خداوند، مهدی

۱- ر. ک: اعراف (۷)، آیه ۱۳۷.

۲- محمد بن حسن طوسی رحمه الله، کتاب الغیبه، ص ۱۸۴.

آنان را پس از کوشش ایشان مبعوث می کند. پس ایشان را عزّت داده، دشمنانشان را ذلیل خواهد کرد».

روشن است مفهوم این روایت، انحصار نیست؛ بلکه بیان یک مصداق عالی و آشکار است و این تفسیرها، هرگز عمومیت مفهوم آیه را محدود نمی کند. بنا براین در هر زمان و در هر جا بندگان صالح خدا قیام کنند، پیروز و موفق خواهند بود و سرانجام وارث زمین و حکومت آن خواهند شد.

## ۲. بشارت حکومت صالحان در مزامیر داود

در مزامیر داود تعبیر یاد شده و یا مشابه آن، در چند مورد دیده می شود و نشان می دهد با تمام تحریفات موجود در این کتاب ها، این قسمت همچنان از دستبرد مصون مانده است.

۲۱. «... شرّیران منقطع می شوند و اما متوکلان به خداوند، وارث زمین خواهند شد و حال اندک است که شریر نیست می شود؛ هر چند مکانش را استفسار نمایی، ناپیدا خواهد شد» (۱).

۲۲. «اما متواضعانه وارث زمین شده، از کثرت سلامتی شاد کام خواهند شد» (۲).

۲۳. «متبرکان خداوند، وارث زمین خواهند شد؛ اما ملعونان وی منقطع خواهند شد...» (۳).

۲۴. «صدیقان وارث زمین شده، همیشه در آن ساکن خواهند بود» (۴).

۲۵. «خداوند روزهای صالحان را می داند و میراث ایشان ابدی خواهد شد» (۵).

در این عبارات ها، عنوان «صالحان» که در قرآن آمده، با همان تعبیر در مزامیر داود به چشم می خورد. علاوه بر این تعبیرات دیگری نیز مانند صدیقان، متوکلان، متبرکان و متواضعان، در جمله های دیگر ذکر شده است. این تعبیرها، دلیل بر عمومیت حکومت «صالحان» است و با احادیث قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تطبیق می کند.

## ۳. حکومت صالحان یکی از قوانین آفرینش

باید دانست تمام این حکومت ها، بر خلاف جهت آفرینش و قوانین جهان خلقت است و آنچه با آن هماهنگ است، همان حکومت صالحان با ایمان است. نظام آفرینش، دلیل روشنی

۱- مزامیر داود، ۳۷، بند ۹.

۲- مزامیر داود، ۳۷، بند ۱۱.

۳- مزامیر داود، ۳۷، بند ۲۷.

۴- مزامير داود، ۳۷، بند ۲۹.

۵- مزامير داود، ۳۷، بند ۱۸.

بر پذیرش یک نظام صحیح اجتماعی در آینده است و این همان چیزی است که از آیه یاد شده و احادیث مربوط به قیام مصلح بزرگ جهانی استفاده می شود(۱).

## آیه دوم

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»؛(۲)

«وخواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرو دست شده بودند، ممت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم و ایشان را وارث [زمین] کنیم».

این آیه طبق فرمایش امام علی علیه السلام، در نهج البلاغه و روایاتی چند از دیگر امامان علیهم السلام، ناظر به پیروزی مستضعفان بر مستکبران است و اینکه سرانجام، جهان از آن شایستگان خواهد شد.

آیه یاد شده، هرگز از یک برنامه موضعی و خصوصی مربوط به بنی اسرائیل سخن نمی گوید؛ بلکه بیانگر یک قانون کلی برای همه عصرها و قرن‌ها است. این بشارتی در زمینه پیروزی حق بر باطل و ایمان بر کفر است. نمونه کامل تر آن، حکومت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و یاران آن حضرت بعد از ظهور اسلام بود.

گسترده ترین نمونه آن نیز، ظهور حکومت حق و عدالت در تمام کره زمین به دست حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود.

این آیه از جمله آیاتی است که به روشنی، بشارت به «ظهور» چنین حکومتی می دهد؛ از این رو اهل بیت علیهم السلام، در تفسیر آن به این ظهور بزرگ اشاره کرده اند. از امام علی علیه السلام در نهج البلاغه آمده است:

«لَتُعْطَفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَطْفَ الضَّرُوسِ عَلَى وَلَدِهَا وَ تَلَّا عَقِيبَ ذَلِكَ «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ

۱- ر.ک: ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۳، صص ۵۱۵-۵۲۴.

۲- قصص (۲۸)، آیه ۵.

نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (۱)؛

«دنیا پس از چموشی و سرکشی همچون شتری که از دادن شیر به دوشنده اش خودداری می کند و برای بچه اش نگه می دارد به ما روی می آورد ... سپس آیه و «نرید ان نمن...» را تلاوت فرمود.»

در حدیث دیگری می فرماید:

«هُمُ آلُ مُحَمَّدٍ يَبْعَثُ اللَّهُ مَهْدِيَهُمْ بَعْدَ جَهْدِهِمْ فَيَعِزُّهُمْ وَيَذِلُّ عَدُوَّهُمْ» (۲)؛ «این گروه آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستند، خداوند مهدی آنها را بعد از زحمت و فشاری که بر آنان وارد می شود، برمی انگیزد و به ایشان عزت می دهد و دشمنانشان را ذلیل و خوار می کند.»

### آیه سوم

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (۳)

«خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین، جانشین [خود] قرار دهد؛ همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین [خود] قرار داد. و آن دینی را که برایشان پسندیده است، به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند، [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند و هر کس پس از آن به کفر گراید؛ آنانند که نافرمانند.»

در آیات پیش از این آیه، سخن از اطاعت و تسلیم در برابر فرمان خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و

۱- سید رضی ۵، نهج البلاغه، ص ۵۰۶.

۲- محمد بن حسن طوسی رحمه الله، کتاب الغیبه، ص ۱۸۴.

۳- نور (۲۴)، آیه ۵۵.

در این آیه، بحث ادامه یافته و نتیجه این اطاعت که همان حکومت جهانی است بیان شده است. بر اساس آن، خداوند به کسانی که از شما ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند، وعده می دهد که آنان را قطعاً خلیفه روی زمین خواهد کرد؛ همان گونه که پیشینیان را خلافت روی زمین بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، به طور ریشه دار و پا بر جا در صفحه زمین مستقر خواهد ساخت و خوف و ترس آنها را، به امنیت و آرامش مبدل خواهد کرد. مردم تنها خدا را پرستیده و چیزی را شریک او قرار نخواهند داد.

بعد از این برتری و فراگیری حکومت توحید و استقرار آیین الهی و از میان رفتن هر گونه اضطراب، ناامنی و شرک، کسانی که بعد از آن کفر بورزند، به یقین فاسق واقعی خواهند بود!

به هر حال مجموع آیه نشانگر این است که خداوند به گروهی از مسلمانان صالح و مؤمن، سه نوید داده است:

۱. جانشینی و حکومت روی زمین؛

۲. نشر آیین حق به طور اساسی و ریشه ای در جهان؛

۳. از میان رفتن اسباب ترس و ناامنی .

نتیجه آنکه مردم در این دوران با نهایت آزادی، خدا را می پرستند، فرمان های او را گردن می نهند، هیچ شریک و شبیهی برای او قائل نمی شوند و توحید خالص را در همه جا می گسترانند.

نکته ها

۱. بر اساس این آیه، افرادی قبل از مسلمانان دارای خلافت روی زمین بودند؛ حال اینان چه کسانی اند؟ برخی از مفسران آن را اشاره به آدم و داود و سلیمان دانسته اند؛ چرا که قرآن درباره آدم می فرماید: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً»؛<sup>(۱)</sup> «من در زمین خلیفه ای قرار می دهم». درباره داود فرموده است: «يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ»؛<sup>(۲)</sup> «ای داود ما تو را خلیفه در روی زمین قرار دادیم». سلیمان نیز به مقتضای آیه

۱- بقره (۲)، آیه ۳۰.

۲- ص (۳۷)، آیه ۲۶.

شانزده سوره «نمل» وارث حکومت داود بود و خلیفه در روی زمین شد .

اما برخی دیگر مانند علامه طباطبائی رحمه الله این معنا را بعید شمرده‌اند؛ زیرا تعبیر «الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» را متناسب انبیا ندانسته... اند. به نظر ایشان در قرآن، این تعبیر در مورد پیامبران به کار نرفته است؛ از این رو اشاره به امت‌های پیشین است که دارای ایمان و عمل صالح بوده، در روی زمین حکومت یافتند.

جمعی دیگر معتقدند: این آیه اشاره به «بنی اسرائیل» است؛ زیرا آنها با ظهور موسی علیه السلام و در هم شکسته شدن قدرت فرعون، مالک حکومت روی زمین شدند؛ چنان که در آیه‌ای آمده است:

«وَأَوْزَتْهَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يَشْتَصِفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا»؛ [\(۱\)](#) «ما آن جمعیت مستضعف (مؤمنان بنی اسرائیل) را وارث مشارق و مغارب زمینی را که پر برکت کردیم قرار دادیم».

و نیز درباره همان‌ها می فرماید:

«وَنُكِّنَّا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ»؛ «ما اراده کرده ایم که قوم مستضعف (مؤمنان بنی اسرائیل) را در روی زمین تمکین دهیم (و صاحب نفوذ و مسلط سازیم)».

۲. این وعده الهی از آن کیست ؟

در این آیه خداوند وعده حکومت روی زمین، برتری دین و آیین و امنیت کامل را به گروهی از مؤمنان و صالحان داده است. اما در اینکه منظور از این گروه چه کسانی‌اند؛ میان مفسران گفت و گو است.

برخی آن را اشاره به حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می دانند که شرق و غرب جهان، در زیر لوای حکومت آن حضرت قرار می گیرد، آیین حق در همه جا نفوذ می کند، ناامنی و خوف و جنگ از صفحه زمین بر چیده می شود و عبادت خالی از شرک، برای جهانیان تحقق می یابد. [\(۲\)](#)

۱- اعراف (۷)، آیه ۱۳۷.

۲- ر.ک: محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۲۱۸.

بدون شك آیه، هم شامل مسلمانان نخستین و هم حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌شود. طبق عقیده عموم مسلمانان اعم از شیعه و اهل تسنن آن حضرت سراسر زمین را پر از عدل و داد می‌کند و او مصداق کامل این آیه است؛ ولی با این حال منعی از عمومیت و گستردگی مفهوم آن نیست.

اینکه برخی می‌گویند: کلمه «ارض» مطلق است و تمام روی زمین را شامل می‌شود و این منحصراً مربوط به حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است، با جمله «كما استخلف...» سازگار نیست؛ زیرا خلافت و حکومت پیشینیان به یقین در تمام پهنه زمین نبود.

به علاوه شأن نزول آیه نیز نشان می‌دهد که حداقل نمونه‌ای از این حکومت در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای مسلمانان (هر چند در اواخر عمر آن حضرت)، حاصل شده است.

گفتنی است ثمره تمامی کوشش‌های پیامبران و تبلیغات مستمر و پی‌گیر آنان و نمونه کامل حاکمیت توحید و امنیت کامل و عبادت، در زمانی تحقق می‌یابد که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور می‌کند (۱).

همان‌گونه که گفته شد این تفسیرها، به معنای انحصار مصداق آیه نیست؛ بلکه بیان مصداق کامل است. ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است: آن حضرت ذیل آیه شریفه چنین فرمود: «نزلت فی القَائِمِ وَ أَصْحَابِهِ» (۲) «[این آیه] در باره قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف و اصحاب ایشان نازل شده است».

علامه طباطبایی رحمه الله در این باره می‌نویسد: «... این مجتمع طیب و طاهر با صفاتی که از فضیلت و قداست دارد، هرگز تاکنون در دنیا منعقد نشده و دنیا از روزی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مبعوث به رسالت گشته، تاکنون، چنین جامعه‌ای به خود ندیده است. ناگزیر اگر مصداقی پیدا کند، در روزگار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود؛ چون اخبار متواتری که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اهل بیت علیهم السلام در خصوصیات آن حضرت وارد شده، از تشکیل چنین جامعه‌ای خبر می‌دهد. البته این در صورتی است که روی سخن در آیه را متوجه مجتمع صالح بدانیم، نه تنها حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف».

۱- ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۴، صص ۵۳۰-۵۳۲.

۲- محمد بن حسن طوسی رحمه الله، کتاب الغیبه، ص ۱۷۳؛ نعمانی رحمه الله، الغیبه، ص ۲۴۰، ح ۳۵.



آن گاه ایشان ادامه می‌دهد: «خواهید گفت: طبق این نظریه چه معنا دارد که روی سخن را در زمان نزول آیه به «الذین آمنوا و عملوا الصالحات» کند، در حالی که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آن روز نبود (نه خودش بود و نه یکی از اهل زمانش)؟

در پاسخ می‌گوییم: این سؤال ناشی از این است که پرسش‌کننده، میان خطاب‌های فردی با خطاب‌های اجتماعی خلط کرده است؛ چون خطاب ممکن است دو جور متوجه اشخاص شود: یکی اینکه اشخاصی را مورد خطابی قرار دهند؛ بدین جهت که خصوصیات خود آنان مورد نظر است. به طور دیگر اینکه همان اشخاص را مورد خطاب قرار دهند نه از این جهت که شخص خود آنان مورد نظر باشد، بلکه از این جهت که جمعیتی هستند دارای صفاتی معین. در صورت اول، خطاب از مخاطبان به غیر مخاطبان متوجه نمی‌شود و شامل آنها نمی‌گردد نه وعده‌اش، نه وعیدش و نه هیچ چیز دیگرش و در قسم دوم اصلاً اشخاص دخالتی ندارند و خطاب متوجه دارندگان صفات کذایی است که در این صورت به دیگران نیز متوجه می‌شود.

در آیه شریفه، خطاب از قبیل خطاب‌های دوم است که بیانش گذشت و اغلب خطاب‌های قرآنی که یا مؤمنان را مخاطب کرده و یا کفار را از این قبیل است» (۱).

در مجمع البیان در ذیل آیه «وَعَيَّدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ ...» آمده است: مفسران در اینکه «الذین آمنوا منکم» چه کسانی‌اند، اختلاف دارند و از اهل بیت عجل الله تعالی فرجه الشریف روایت شده که منظور، مهدی از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است.

عیاشی به سند خود از علی بن الحسین علیه السلام روایت کرده است: وقتی این آیه را تلاوت کرد، فرمود: به خدا سوگند! ایشان شیعیان ما اهل بیت‌اند که خدا این وعده خود را در حق ایشان، به وسیله مردی از ما تحقق می‌بخشد و او مهدی این امت است. او کسی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره اش فرمود: اگر از دنیا نماند مگر یک روز، خدا آن روز را آن قدر طولانی می‌کند تا مردی از عترتم قیام کند که هم نام من است. او زمین را پر از عدل و داد می‌کند، آن چنان که از ظلم و جور آکنده شده باشد. نظیر این روایت از ابی جعفر و ابی عبد الله علیهما السلام

نقل شده است.

علامه طباطبایی در جمع بندی مباحث می نویسد: «از ائمه اهل بیت علیهم السلام در این باره اخباری روایت شده است. در گذشته هم بیان انطباق آیه بر مضمون این روایات گذشت و نیز در مجمع البیان بعد از نقل روایت بالا آمده است: بنا بر این مراد از «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت او علیهم السلام است.» (۱)

### آیه چهارم

«وَلِكُلِّ وِجْهَةٍ هُوَ مُوَلِّيُهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»؛ (۲)

«و برای هر کسی قبله ای است که وی روی خود را به آن [سوی] می گرداند؛ پس در کارهای نیک بر یکدیگر پیشی گیرید. هر کجا که باشید، خداوند همگی شما را [به سوی خود باز] می آورد؛ در حقیقت، خدا بر همه چیز توانا است.»

نکته ها

۱. روز جمع شدن یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

در روایات متعددی از اهل بیت علیهم السلام، عبارت «أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا»، به جمع شدن یاران و اصحاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، هنگام ظهور تفسیر شده است. امام باقر علیه السلام در باره این آیه فرمود:

«يَعْنِي أَصْحَابَ الْقَائِمِ الثَّلَاثَ مَائِهِ وَالْبِضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا قَالَ وَ هُمْ وَ اللَّهُ الْأُمَّةَ الْمَعْدُودَةَ قَالَ يَجْتَمِعُونَ وَ اللَّهُ فِي سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ قَزَعٌ كَقَزَعِ الْخَرِيفِ»؛ (۳)

«منظور اصحاب امام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف است که سیصد و چند نفرند. به خدا سوگند! منظور از «امت

۱- محمد حسین طباطبایی، ترجمه المیزان، ج ۱۵، ص ۲۲۵.

۲- بقره (۲)، آیه ۱۴۸.

۳- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۸، ص ۳۱۳.

معدوده» آنان هستند. به خدا سوگند! در یک ساعت همگی جمع می شوند؛ همچون پاره های ابر پاییزی که بر اثر تند باد، جمع و متراکم می گردد».

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام نیز می فرماید: «وَذَلِكَ وَاللَّهِ أَنْ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا يَجْمَعُ اللَّهُ إِلَيْهِ شَيْعَتَنَا مِنْ جَمِيعِ الْبُلْدَانِ»؛ (۱) «به خدا سوگند! هنگامی که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند، خداوند پیروان ما را از تمام شهرها گرد او جمع می کند».

این تفسیر از مفاهیم بطون آیه است؛ چرا که طبق روایات، آیات قرآن گاهی معانی متعددی دارد که یک معنا ظاهری و عمومی است و دیگری مفهوم درونی و به اصطلاح بطن آیه است که جز پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام و کسانی که خدا بخواهد، از آن آگاه نیستند.

از منظر این روایات، خدایی که قدرت دارد ذرات پراکنده خاک انسانها را در قیامت، از نقاط مختلف جهان جمع آوری کند؛ به آسانی می تواند یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در یک روز و یک ساعت، برای افروختن نخستین جرقه های انقلاب و تأسیس حکومت عدل جهانی و پایان دادن به ظلم و ستم، گرد آورد.

علامه طباطبایی قدس سره در ذیل آیه می نویسد: «در اخبار فراوانی از طریق شیعه، نقل شده است: این آیه درباره اصحاب قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف است و از بعضی استفاده می شود: این از باب تطبیق و جری است» (۲).

### آیه پنجم

«بَقِيَتْ لِلَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَ مَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ»؛ (۳)

«اگر مؤمن باشید، باقی مانده خدا برای شما بهتر است و من بر شما نگاهبان نیستم».

در روایات گوناگونی آمده است: «بقیه الله» تفسیر به وجود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یا برخی دیگر از امامان علیهم السلام شده است. امام باقر علیه السلام فرمود:

«وَ أَوَّلُ مَا يَنْطِقُ بِهِ هَذِهِ الْآيَةُ «بَقِيَتْ لِلَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» ثُمَّ

۱- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۱، ح ۳۷.

۲- تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۴۶۷.

۳- هود (۱۱)، آیه ۸۶.

يَقُولُ: أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ»؛ (۱) «نخستین سخنی که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از قیام خود می گوید، این آیه است: «بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ»؛ سپس می فرماید: «منم بقیه الله بر روی زمین».

درست است که در آیه مورد بحث، مخاطب قوم شعیب بوده و منظور از «بقیه الله»، سود و سرمایه حلال و یا پاداش الهی است؛ ولی هر موجودی نافع که از طرف خداوند برای بشر باقی مانده و مایه خیر و سعادت او گردد «بقیه الله» محسوب می شود. بر این اساس تمام پیامبران الهی و پیشوایان بزرگ بقیه اللهاند. تمام رهبران راستین نیز که پس از مبارزه با یک دشمن سرسخت برای یک قوم و ملت باقی می مانند، از این نظر بقیه اللهاند. سربازانی که پس از پیروزی از میدان جنگ باز می گردند، آنان نیز بقیه اللهاند.

از آنجایی که مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، آخرین پیشوا و بزرگ ترین رهبر انقلابی پس از بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است، یکی از روشن ترین مصادیق «بقیه الله» و شایسته ترین فرد به این لقب است؛ به خصوص که تنها باقی مانده بعد از پیامبران و امامان است.

#### آیه ششم

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»؛ (۲)

«او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست فرستاد، تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند؛ هر چند مشرکان خوش نداشته باشند».

آیه شریفه، با همین الفاظ در سوره «صف»، آمده و با تفاوت مختصری در «سوره فتح»، تکرار شده است و خبر از رویدادی مهم می دهد. این اهمیت موجب تکرار آن شده است و از

۱- صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۰، باب ۳۳، ح ۱۶.

۲- توبه (۹)، آیه ۳۳.

جهانی شدن اسلام و فراگیری این آیین بر روی زمین خبر می دهد.

برخی از مفسران پیروزی مورد بحث آیه را به معنای پیروزی منطقه ای و محدود گرفته اند که در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و یا زمان‌های بعد از آن برای اسلام و مسلمین صورت پذیرفت ولی با توجه به اینکه در آیه هیچ گونه قید و شرطی نیست و از هر نظر مطلق است، دلیلی ندارد که معنای آن را محدود کنیم. مفهوم آن پیروزی همه جانبه اسلام بر همه ادیان جهان است؛ یعنی، سرانجام اسلام همه کره زمین را فرا گرفته، بر همه جهان چیره خواهد گشت.

شکی نیست در حال حاضر، این موضوع تحقق نیافته؛ ولی این وعده حتمی خدا به تدریج در حال تحقق است. طبق روایات تکامل این برنامه، هنگامی خواهد بود که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کند و برنامه جهانی شدن اسلام را تحقق بخشد.

شیخ صدوق رحمه الله، از امام صادق علیه السلام، در تفسیر این آیه نقل می کند:

«وَاللَّهِ مَا نَزَلَ تَأْوِيلُهَا بَعِيدٌ وَ لَمَّا نَزَلَ تَأْوِيلُهَا حَتَّى يَخْرُجَ الْقَائِمُ عَجَلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ يَبْقَ كَافِرٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَ لَا مُشْرِكٌ بِالْإِمَامِ إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ حَتَّى لَوْ كَانَ كَافِرٌ أَوْ مُشْرِكٌ فِي بَطْنِ صَخْرِهِ لَقَالَتْ يَا مُؤْمِنُ فِي بَطْنِي كَافِرٌ فَآكِسِرْزِي وَ أَقْتَلُهُ»؛ (۱) «به خدا سوگند! هنوز تأویل این آیه نازل نشده و نخواهد شد، تا آنکه قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف خروج کند. وقتی او ظهور کرد، دیگر هیچ کافر به خدا و منکر امامی نمی ماند؛ مگر اینکه از خروج آن حضرت ناراحت می شود! حتی اگر کافری در دل سنگی پنهان شود، آن سنگ می گوید: ای مؤمن! در دل من کافری پنهان شده، مرا بشکن و او را بیرون بیاور و به قتل برسان».

علامه طباطبایی رحمه الله پس از ذکر این حدیث در ذیل آیه شریفه می نویسد: نظیر این روایت را عیاشی از ابی مقدم، از ابی جعفر علیه السلام و نیز از سماعه از امام صادق علیه السلام نقل و طبرسی مثل آن را از ابی جعفر علیه السلام روایت کرده است.

در تفسیر قمی آمده است: این آیه درباره قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده و اینکه درباره آن

حضرت نازل شده، بدین معنا است که خروج او تأویل این آیه است. از روایت صدوق هم این برداشت استفاده می شد.

در الدر المنثور نقل شده است: سعید بن منصور، ابن منذر و بیهقی در سنن خود از جابر روایت کرده اند که او در تفسیر آیه «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» گفته است: معنای این آیه، صورت وقوع به خود نمی گیرد؛ مگر وقتی که هیچ یهودی و مسیحی و صاحب ملتی نماند جز اسلام. و نیز صورت نمی گیرد، مگر وقتی که گرگ و گوسفند، شیر و گاو و انسان و مار با هم زندگی کنند و از یکدیگر ایمن شوند. همچنین واقع نمی شود، مگر وقتی که هیچ موشی انبانی را سوراخ نکند و واقع نمی شود، مگر وقتی که جزیه به کلی لغو شود و صلیب ها شکسته و خوک ها کشته شوند و این وقتی است که عیسی بن مریم از آسمان فرود آید.

علامه طباطبایی پس از نقل این مطلب، در توضیح آن می نویسد: «منظور از لغو جزیه به قرینه صدر روایت این است که موضوعی برای جزیه باقی نمی ماند. و دلالت این روایت بر اینکه در آن روز کفر و شرکی در روی زمین باقی نمی ماند؛ معنایی است که روایت های دیگر نیز بر آن دلالت دارند»<sup>(۱)</sup>.

پیش از این نیز اشاره شد که برخی از دانشمندان شیعه، شمار آیات مربوط به «مهدویت» را افزون بر ۱۲۰ ذکر کرده اند که می توان به کتاب های مفصل در این زمینه مراجعه کرد.<sup>(۲)</sup>

۱- تفسیر المیزان، ج ۹، ص ۳۹۲.

۲- ر. ک: سید هاشم بحرانی، سیمای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن، ترجمه سید مهدی حایری قزوینی.

## خودآزمایی

۱. واژه های تفسیر، تأویل، تطبیق را به صورت مختصر توضیح دهید.

۲. چگونه از آیه ۱۰۵ سوره «انبیاء» بحث مهدویت استفاده می شود؟

۳. در آیه ۵۵ سوره «نور» سه نوید داده شده است؛ آنها کدامند؟

۴. با استفاده از روایات، کدام آیه منطبق بر جمع شدن یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ظهور می ... شود؟

۵. اولین آیه ای که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از ظهور تلاوت می کند، کدام است؟ توضیح دهید.

۶. علاوه بر آیه های یادشده دو آیه را بررسی کرده، دلالت آن را بر مهدویت توضیح دهید.

===

منابع برای پژوهش:

۱. محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، بیست جلد، چ یازدهم، (دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۶۱ ه. ش).

۲. سید هاشم بحرانی، سیمای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن، ترجمه سید مهدی حایری قزوینی، چ سوم، (نشر آفاق، تهران، ۱۳۷۶ ه. ش).

۳. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، چ چهارم، (دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰ ه. ش، ذیل آیات فوق).

۴. علی صفایی کاشانی، اثبات مهدویت از دیدگاه قرآن، (مفید، تهران، ۱۳۷۶ ه. ش).

۵. محمود شریعت زاده خراسانی، حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه قرآن و عترت، (دارالصادقین، چ سوم، ۱۳۷۹ ه. ش).

۶. محمدجواد مولوی نیا، سیمای مهدویت در قرآن، (امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، ۱۳۸۱ ه. ش).





## درس سوم: مهدویت در منابع روایی شیعه

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

آشنایی با کتاب‌های:

۱. کتاب سلیم بن قیس هلالی رحمه الله .
۲. المحاسن، اثر احمد بن محمد بن خالد برقی .
۳. بصائر الدرجات، اثر محمد بن حسن بن صفار رحمه الله .
۴. کتاب التفسیر، اثر محمد بن مسعود عیاشی رحمه الله .
۵. تفسیر القمی، اثر علی بن ابراهیم بن هاشم قمی .
۶. الکافی، تألیف محمد بن یعقوب کلینی رحمه الله .
۷. الغیبه، تألیف محمد بن ابراهیم بن جعفر نعمانی رحمه الله .
۸. کمال الدین و تمام النعمه، اثر شیخ صدوق رحمه الله .
۹. الارشاد، اثر شیخ مفید رحمه الله .
۱۰. کتاب الغیبه للحجه، اثر شیخ طوسی رحمه الله



در میان آموزه‌های اسلام، کمتر موضوعی به اندازه «مهدویت» مورد توجه و اهمیت قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که در هیچ یک از موضوعات بنیادین، به این اندازه سخن از معصومین علیهم السلام و بزرگان دین نرسیده است و کمتر کتابی هست که در آن، به این مهم نپرداخته باشد.

شناخت این منابع ارزشمند و سیر تدوین آنها، می‌تواند ما را به آگاهی بیشتر نسبت به این مسأله مهم و اساسی رهنمون شود.

به علت اختصار، در این درس، تنها به بررسی بعضی از کتاب‌های مهم درباره «مهدویت» اشاره می‌شود.

## شیعه و احادیث مهدویت

### اشاره

«مهدویت» در فرهنگ شیعه، از جمله آموزه‌های اعتقادی و بلکه از ضروریات مذهب به شمار می‌آید. احادیث مربوط به این موضوع، چنان فراوان و گسترده است که جای هیچ شک و تردیدی را باقی نمی‌گذارد. با مروری کوتاه در منابع حدیثی شیعه، به خوبی در می‌یابیم که موضوع ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و برپایی حکومت عدل جهانی به دست ایشان، جزو موضوعات کاملاً متواتر و مورد قبول تمام مسلمانان به خصوص شیعه دوازده امامی است.

ده‌ها تن از اصحاب ائمه علیهم السلام، پیش از تولد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، با استفاده از بیانات نورانی معصومین علیهم السلام، کتاب‌های مستقلی در رابطه با ولادت، غیبت، ظهور و نشانه‌های ظهور آن حضرت تألیف کرده‌اند که اسامی تعدادی از آنها بدین قرار است: (۱)

۱- به نقل از: علی اکبر مهدی پور، برگزیده آثار در قرون و اعصار، (مشعل جاوید)، ص ۱۷۱.

۱. ابواسحاق ابراهیم بن صالح انماطی، از اصحاب امام باقر علیه السلام، صاحب کتاب الغیبه. (۱)
  ۲. ابوالفضل عباس بن هشام ناشری، مشهور به «عیس» از اصحاب امام رضا علیه السلام (م ۲۲۰ق)، مؤلف کتاب الغیبه. (۲)
  ۳. علی بن حسن بن علی بن فضال، از اصحاب امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام، صاحب کتاب های الغیبه و الملاحم. (۳)
  ۴. ابوالحسن علی بن حسن بن محمد طائی جرمی، از اصحاب امام کاظم علیه السلام و صاحب کتاب الغیبه. (۴)
  ۵. ابوالحسن علی بن محمد بن علی سواق از سران واقفیه و صاحب کتاب الغیبه. (۵)
  ۶. ابوالحسن علی بن عمر اعرج، از اصحاب امام کاظم علیه السلام و صاحب کتاب الغیبه. (۶)
  ۷. ابو علی حسن بن محمد بن سماعه، از اصحاب امام کاظم علیه السلام، (م ۲۶۳ ق) و صاحب کتاب الغیبه. (۷)
  ۸. حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی، از اصحاب امام کاظم عجل الله تعالی فرجه الشریف و صاحب کتاب های: الغیبه، الرجعه، القائم و الملاحم. (۸)
- با مطالعه این تألیف ها و سایر کتاب های اختصاصی و عمومی حدیثی، روشن می شود که کمتر کتاب روایی شیعه است که به موضوع حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرداخته باشد. در اینجا بعضی از این منابع روایی، به اجمال معرفی می شود.

### یک. کتاب سلیم بن قیس هلالی

این کتاب از «ابو صادق سلیم بن قیس هلالی عامری کوفی رحمه الله» (م ۸۰ ق) است و از لحاظ تاریخی اولین کتاب حدیثی موجود می باشد. مؤلف آن از شخصیت های برجسته و از خواص

- ۱- محمد بن حسن طوسی، رجال، ص ۱۰۴؛ فهرست، ص ۳۰؛ نجاشی، رجال، ص ۳۲.
- ۲- نجاشی، رجال، ص ۲۸۰؛ محمد بن حسن طوسی، رجال، ص ۳۸۴.
- ۳- محمد بن حسن طوسی، فهرست، ص ۱۲۲؛ نجاشی، رجال، ص ۲۵۷؛ محمد بن حسن طوسی، رجال، ص ۴۱۹ و ۴۳۳.
- ۴- محمد بن حسن طوسی، رجال، ص ۳۵۷؛ نجاشی، رجال، ص ۲۵۵.
- ۵- نجاشی، رجال، ص ۲۵۹.
- ۶- نجاشی، رجال، ص ۲۵۶.
- ۷- محمد بن حسن طوسی، فهرست، ص ۸۱؛ نجاشی، رجال، ص ۴۱.



اصحاب امیر مؤمنان علیه السلام، امام حسن، حسین و سجاد علیهم السلام است و امام باقر علیه السلام را نیز درک کرده است. سلیم در نزد معصومین علیهم السلام، مورد وثوق بوده و از علوم سرشار آنان بهره مند شده است. وی همواره مورد تأیید ائمه علیهم السلام قرار گرفته، نزد آنان از محبوبیت خاصی برخوردار بوده است.

از امام سجاد علیه السلام نقل شده پس از آنکه کتاب سلیم برای آن حضرت خوانده شد فرمود: «صَدَقَ سَلِيمٌ رَحِمَهُ اللَّهُ»؛<sup>(۱)</sup> «راست گفت سلیم. خدایش بیامرزد».

در این کتاب احادیثی چند درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل شده که به لحاظ اهمیت کتاب، قابل توجه است.<sup>(۲)</sup>

گفتنی است درباره کتاب سلیم بن قیس و صحت روایات آن، تردید هایی وجود دارد که در محل خود به آنها پاسخ های مناسب داده شده است.<sup>(۳)</sup>

علامه شوشتری درباره کتاب سلیم می گوید: «[قول] صواب [و درست] در باره کتاب سلیم بن قیس این است که اصل کتاب صحیح بوده و سه استاد بزرگ ما، نعمانی، صفار و دیگران، از آن روایت کرده اند؛ ولی اصل کتاب [در مواردی بسیار اندک] از جانب دشمنان دچار تحریف گشته است (همان گونه که شیخ مفید بر این باور است)، و این گونه نیست که ابن غضائری پنداشته و تمام کتاب را به جهت روایت «نصیحت» محمد بن ابوبکر به پدرش در هنگام مرگ، جعلی دانسته است... ما جز روایت «نصیحت»، به روایت دروغی که محققاً ثابت شده باشد، برخورد نکردیم.<sup>(۴)</sup>

## دو. المحاسن

این کتاب نوشته ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد برقی (م ۲۷۴ یا ۲۸۰ق) است. وی از

۱- ر. ک: کشی، رجال، ۱۰۴؛ محمد بن حسن طوسی رحمه الله، کتاب الغیبه، ص ۱۹۴.

۲- ر. ک: سلیم بن قیس هلالی، کتاب سلیم بن قیس، ص ۵۶۵، ح ۱؛ ص ۶۲۴، ح ۱۰؛ ص ۸۵۶، ح ۴۵؛ ص ۷۷۵، ح ۲۵؛ ص ۹۰۹، ح ۶۲؛ ص ۹۴۰، ح ۷۷؛ ص ۹۵۷، ح ۹۱.

۳- در این باره خوشبختانه شیخ محمد باقر انصاری ما را از پاسخ بی نیاز کرده است؛ چرا که ایشان دوازده سال از عمر خویش را صرف تحقیق در باره کتاب سلیم نموده و آن را در سه جلد، به تفصیل به چاپ رسانده و همه جوانب تحقیق را انجام داده است.

۴- سید سامی البدری، پاسخ به شبهات احمد الکاتب، ترجمه ناصر ربیعی، ص ۷۵.

بزرگان شیعه به حساب می آید و بخشی از دوره امامت حضرت رضا علیه السلام و نیز دوران امامت امام جواد، هادی و عسکری علیهم السلام را درک کرده و مدتی نیز در دوره غیبت صغرا حیات داشته است.

این کتاب یکی از بهترین کتاب های روایی شیعه به شمار می آید و برخی اهمیت و اعتبار آن را ردیف «کتب اربعه»<sup>(۱)</sup> دانسته اند. کتاب محاسن یکی از منابع مهم کتاب کافی، نوشته کلینی قدس سرّه است و وی فراوان به این کتاب استناد و از آن روایت نقل کرده است. شیخ صدوق رحمه الله نیز به آن اعتماد کرده و آن را از جمله کتاب های مرجع من لایحضره الفقیه قرار داده است.<sup>(۲)</sup>

علامه مجلسی رحمه الله گفته است: محاسن برقی از اصول معتبر است که کلینی و متأخران وی، از این کتاب حدیث نقل کرده اند.<sup>(۳)</sup>

در کتاب محاسن فصل و باب خاصی به عنوان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف گشوده نشده؛ ولی در باب ۳۸ بیشتر این روایات ذکر شده است. نکته قابل توجه اینکه در هیچ روایتی در این کتاب، اشاره به کلمه «مهدی» نشده و از آن حضرت با عنوان قائم و یا مشتقات آن یاد شده است.

### سه. بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام

مؤلف این کتاب ابوجعفر محمد بن حسن بن فروخ صفّار قمی (م ۲۹۰ ق) یکی از یاران امام حسن عسکری علیه السلام و از چهره های سرشناس یاران ائمه علیهم السلام و راویان حدیث است. بصائرالدرجات، درباره فضایل و مقامات امامان علیهم السلام به رشته تحریر درآمده و جزو قدیمی ترین کتاب های حدیثی و معتبرترین اصول قدمای شیعه محسوب می شود. از زمان نگارش آن تاکنون، پیوسته مورد توجه دانشمندان، فقیهان و بزرگان شیعه بوده و در کتاب های ایشان فراوان به آن استناد شده است.

۱- این کتاب ها عبارتند از: کافی اثر مرحوم کلینی؛ تهذیب الاحکام و استبصار اثر ابوجعفر محمد بن حسن طوسی و من... لایحضره الفقیه، تألیف شیخ صدوق.

۲- ر. ک: صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵.

۳- ر. ک: مجلسی، بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۶.

شیخ حر عاملی رحمه الله در مقدمه وسائل الشیعه می نویسد: «کتاب بصائر الدرجات نوشته شیخ ثقه و مورد اطمینان محمد بن حسن صفار می باشد که دارای دو نسخه کوچک و بزرگ است».

علامه مجلسی رحمه الله در مقدمه بحار الانوار می نویسد: «کتاب بصائر الدرجات از اصول معتبره‌ای است که شخصیت‌هایی مانند کلینی و دیگر علما از آن روایت کرده‌اند».<sup>(۱)</sup>

البته با وجود این اعتماد، برخی نیز بر آن خرده گرفته‌اند.<sup>(۲)</sup>

این کتاب دارای ده بخش است که هر بخش شامل حدود بیست باب است.

در این کتاب موضوعات گوناگونی، بیان شده و بیشتر در باره ائمه معصومین علیهم السلام است؛ از این رو روایات مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز مورد توجه قرار گرفته است. در اغلب این روایت‌ها، به ویژگی‌های آن حضرت و یا مسائل مربوط به قیام و حکومت جهانی آن حضرت اشاره شده است.

#### چهار. کتاب التفسیر معروف به (تفسیر العیاشی)

این کتاب اثر محمد بن مسعود بن عیاش سمرقندی رحمه الله، معروف به «عیاشی» فقیه بزرگوار و عالم وارسته‌ای است که در رشته‌های فقه، ادب، حدیث و تفسیر تبحر فراوان داشته است. او از برجسته‌ترین دانشمندان و از بزرگان فقه‌های شیعه، در دوران غیبت صغرا و استاد کلینی بوده است.

وی در آغاز با توجه به محیط زندگی خود که حدود سمرقند و بخارا بوده و بیشتر ساکنان آن از اهل سنت بودند پیرو مکتب فقهی آنان بود؛ اما در اثر مطالعه و بررسی در کتاب‌های شیعه، مکتب پر فیض جعفری را پذیرفت و تمامی میراث پدر را (بالغ بر سیصد هزار دینار) در راه علم و نشر حدیث، انفاق و خرج کرد. گفته شده: خانه او بسان مسجد، پر از قاری، محدث، عالم، دانشجو و مفسر بود.<sup>(۳)</sup>

۱- ر. ک: مجلسی، بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۶.

۲- ر. ک: مامقانی، تنقیح المقال، ج ۳، ص ۱۰۳.

۳- ر. ک: مقدمه تفسیر، محمد حسین طباطبایی رحمه الله .



آقا بزرگ تهرانی رحمه الله درباره او می نویسد: «صاحب تفسیر عیاشی بالغ بر دویست جلد کتاب در زمینه های مختلف علوم اسلامی نگاشته است. او از مشایخ و اساتید روایت کشی، صاحب رجال معروف و از هم دوره های ثقه الاسلام کلینی می باشد و فرزندش جعفر، از کتاب های او روایت می کند که یکی از آنها همین تفسیر موجود است».<sup>(۱)</sup>

تفسیر عیاشی از برجسته ترین و معتبرترین تفاسیر کهن روایی شیعه بوده و در میان دانشمندان، از جایگاه خاصی برخوردار است. از نویسندگان آن در بیشتر کتاب های رجال و تراجم، به عظمت، جلالت، فضل و دانش یاد شده است.

این تفسیر در اصل در دو جلد بوده که دانشمندان و علمای تفسیر از آن روایت می کرده اند؛ اما متأسفانه در قرن های بعدی، قسمت دوم این کتاب مفقود می شود و لذا کتاب موجود (در دو مجلد) فقط تا آخر سوره کهف است. نسخه موجود نیز، بدون اسناد راویان آن است؛ ظاهراً یکی از نسخه برداران کتاب، برای سهولت و آسانی مطالعه و استنساخ، اسنادش را حذف کرده<sup>(۲)</sup> و زبانی جبران ناپذیر بر آن وارد ساخته است.

علامه طباطبایی رحمه الله، مقدمه ای بر این تفسیر نگاشته و اهمیت و جایگاه این تفسیر را بیان کرده است. ایشان می نویسد: «قسم به جانم! می توانم بگویم این کتاب بهترین اثری است که در زمان خود تألیف یافته است و اطمینان آمیزترین مجموعه ای است که از پیشینیان ما در زمینه کتب تفسیری مأثور به ارث رسیده است».

این تفسیر روایی در ذیل ده ها آیه از قرآن، به موضوع «مهدویتی» و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرداخته و روایاتی را در این زمینه نقل کرده است. نوع این احادیث، تطبیق و تأویل آیات بر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و حکومت جهانی آن حضرت است.

### پنج. تفسیر القمی

این تفسیر اثر ابو الحسن، علی بن ابراهیم بن هاشم قمی (م قرن ۴ ق) از راویان بزرگ

۱- آقا بزرگ تهرانی، الذریعه، ج ۱، ص ۱۲۱؛ ج ۲، ص ۴۷۸؛ ج ۳، ص ۱۱۲.

۲- سید محمد علی ایازی، شناخت نامه تفاسیر، ص ۹۹.

شیعه و از یاران امام حسن عسکری علیه السلام است. وی از مشایخ معتبر شیخ کلینی است و وی بسیاری از روایات کافی را از او نقل کرده است.

این تفسیر از قدیمی ترین تفاسیری است که پرده از روی آیاتی که در شأن ائمه علیهم السلام نازل شده است، بر می دارد. از این رو در میان مفسران شیعه، از ارزش و اعتبار خاصی برخوردار است؛ به گونه‌ای که آنان، اعتبار دیگر کتب «تفسیر روایی» را با این کتاب می‌سنجند.

نجاشی رحمه الله درباره او می‌گوید: «علی بن ابراهیم از بزرگ ترین راویان شیعه است که در عصر امام حسن عسکری علیه السلام زندگی می‌کرده و محمد بن یعقوب کلینی، در کتاب کافی بسیار از او روایت نقل می‌کند».

از ویژگی‌های این تفسیر، آن است که مؤلف همه روایات را، از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل کرده است. درباره مؤلف و شیوه تألیف و پاره‌ای مباحث مربوط به شناسنامه کتاب، بحث‌های مفصل و گسترده‌ای شده و برخی انتساب آن را به او مورد تردید قرار داده‌اند؛<sup>(۱)</sup> اما اصل کتاب به عنوان یکی از کتاب‌های حدیثی مرجع، مورد توجه بوده و هست. البته دقت در روایات آن خالی از فایده نیست.

دلایل و شواهد بر اینکه حداقل بخش‌هایی از این کتاب، از علی بن ابراهیم نیست، فراوان است؛ به عنوان نمونه مقدمه این کتاب، به گونه‌ای مباحث را طرح می‌کند که گویی شخص دیگری، سخن می‌گوید و گاه، حتی از علی بن ابراهیم نقل قول می‌کند. افزون بر آنکه این مقدمه، مشتمل بر انحرافات و عقاید نادرستی (مانند تحریف قرآن) است. در حقیقت این کتاب، مجموعه‌ای است از چند تفسیر: تفسیر علی بن ابراهیم، تفسیر ابوالجارود و نقلیات ابوالفضل عباس بن محمد بن قاسم.<sup>(۲)</sup>

کتاب یاد شده مشتمل بر سی روایت در رابطه با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و مضامین مختلفی در آن وجود دارد که عمدتاً به صورت تطبیق آیات بر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

۱- ر. ک: آقا بزرگ تهرانی، الذریعه، ج ۴، ص ۳۰۲.

۲- سید محمد علی ایازی، شناخت نامه تفاسیر، ص ۹۸.

## ش. الکافی

این کتاب ارزشمند، اثری گران سنگ از شیخ ابوجعفر، محمد بن یعقوب کلینی رازی رحمه الله (م ۳۲۹ ق)، از برجسته ترین علمای شیعه در نیمه دوم قرن سوم و آغاز قرن چهارم هجری است.

کلینی با سفر به شهرها و سرزمین های اسلامی و ارتباط با راویان احادیث و دستیابی به اصول چهارصد گانه شیعه (۱) و ارتباط با نواب خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، مجموعه ای ارزشمند و کتابی معتبر و جامع به نگارش در آورده است.

محمد بن یعقوب کلینی نام آورترین و بلند آوازه ترین اندیشمند عصر خود بود؛ دورانی که اوج تلاش محدثان و دانشمندان بزرگ و حتی نواب خاص حضرت بود. با اینکه این چهار تن از فقها و محدثان بزرگ شیعه بودند و شیعیان آنها را به جلالت قدر می شناختند؛ اما کلینی مشهورترین شخصیتی بود که در آن زمان، میان شیعه و سنی با احترام می زیست و به طور آشکار، به ترویج مذهب حق و نشر فضایل اهل بیت علیهم السلام همت می گماشت.

کتاب کافی از قدیمی ترین و معتبرترین کتاب های روایی شیعه و نگاشته شده در عصر غیبت صغرا است. این کتاب در طول بیش از هزار سال، پیوسته مورد توجه و عنایت خاص دانشمندان و فقهای شیعه قرار داشته است و آنان در منابع مهم روایی و تألیفات ارزشمند خود، به آن استناد کرده اند.

شیخ مفید رحمه الله کافی را چنین معرفی کرده است: «الکافی هو من اجل کتب الشیعه و اکثرها فائده»؛ (۲) «کافی از برجسته ترین کتاب های شیعه و پر فایده ترین آنها است».

شهید اول، محمد مکی درباره این کتاب نوشته است: «کتاب کافی، کتابی روایی است که تاکنون اصحاب و علمای شیعه مانند آن را نگاشته اند» (۳).

۱- این مجموعه به اصول اربعمائه شهرت دارد، یعنی، چهارصد اصل. اصول نوعی کتاب است جامع مقداری حدیث از معصومین علیهم السلام و علمای حدیث که نوعاً می گویند «له اصل»، یعنی احادیث کتاب را مؤلف از امام علیه السلام شنیده است یا اینکه از راوی امام استماع کرده است و از آن جهت چنین کتابی را اصل می گویند که از کتاب دیگر گرفته نشده است. ظاهراً اصول تا زمان امام عسکری علیه السلام نوشته شده و گرچه تاریخ تصنیف این کتب به طور قطع مسلم نیست ولی تألیف بیشتر آنها در زمان امام صادق علیه السلام بوده است.

۲- شیخ مفید رحمه الله، تصحیح الاعتقاد، ص ۶۸.

۳- علامه مجلسی رحمه الله، بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۱۸۸.

از ویژگی‌های مهم این کتاب، هم عصر بودن مؤلف آن، با نایبان چهارگانه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و دسترسی وی به آنان است. به خصوص که آنان در بغداد بودند و کلینی قدس سرّه نیز مدتی در آن شهر زندگی می‌کرده و سال وفات وی، مصادف با سال وفات آخرین سفیر امام عصر علیه السلام علی بن محمد سمری بوده است.

مؤلف در کتاب کافی، مقید به ذکر سند روایات تا معصوم علیه السلام است و این خود ارزش و اعتبار خاصی به آن بخشیده است. این کتاب شامل بیش از شانزده هزار روایت است. اگر چه روایات مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در مجموعه این کتاب، به نوعی پراکنده است؛ اما در باب‌هایی ویژه، روایات بیشتری نقل شده است.

به عنوان نمونه در قسمت اصول و در «کتاب الحجه»، مؤلف احادیثی را در بخش «فی الاشارة و النص الی صاحب الدار»، ذکر کرده و در ادامه همین باب، عناوین دیگری همانند «فی التسمیه من رآه، باب فی النهی عن الاسم، باب نادر فی الغیبه و باب فی کراهیه التوقیت» ذکر و در هر عنوان، چند حدیث را نقل کرده است. مجموع این احادیث در این قسمت، نزدیک به شصت حدیث می‌رسد. همچنین در باب «مولد الصاحب» بیش از سی روایت در باره ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و مباحث مربوط به آن است.

### هفت. الغیبه

این کتاب اثر ارزشمند ابو عبدالله محمد بن ابراهیم بن جعفر کاتب نعمانی رحمه الله، مشهور به ابن زینب (ابن ابی زینب)، از راویان بزرگ شیعه در اوایل قرن چهارم هجری است. وی نزد محمد بن یعقوب کلینی رحمه الله دانش حدیث را فرا گرفت و کاتب استادش شد و به همین جهت نیز عنوان «کاتب» پیدا کرد. او از شهرت، احترام و اعتبار خاصی در نزد دانشمندان و فقهای شیعه بهره‌مند است.

نعمانی علاوه بر اینکه نویسنده ای خوش نظر و دارای قدرت استنباط بود، از اطلاعات وسیعی در باره رجال و احادیث برخوردار بود.

کتاب الغیبه به یقین جزو یکی از بهترین کتاب‌ها در زمینه احادیث مربوط به خصوصیات

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، غیبت و عصر ظهور و ویژگی های آن دوران است. تمام احادیث، برخوردار از سند بوده و نوع اسناد هم، کوتاه و در بسیاری از موارد، اسناد خوب و مورد پسند اهل فن است.

مؤلف در آغاز کتاب، درباره انگیزه تألیف آن نگاشته است: «من در جامعه می دیدم شیعیان و علاقه مندان به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام، به گروه های مختلفی تقسیم شده و نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و ولّی امر و حجت پروردگار خود سرگردان گشته اند. پس از بررسی، دلیل آن را غیبت آن حضرت یافتم؛ چنان که رسول خدا و حضرت علی و ائمه معصومین علیهم السلام نیز به آن اشاره کرده اند؛ لذا به یاری خداوند بر آن شدم تا روایاتی را که مشایخ روایی بزرگ از امیرمؤمنان و ائمه معصومین علیهم السلام در باره غیبت امام عصر علیه السلام نقل کرده اند، جمع آوری کنم.

بسیاری از روایاتی که هم اکنون در اختیار من است، علمای اهل سنت نیز روایت کرده اند. البته روایات آنان در این باره، بسیار گسترده تر از روایاتی است که هم اکنون در اختیار من است» (۱).

کتاب الغیبه شامل ۴۷۸ روایت در ۲۶ باب است. از موضوعات کتاب می توان به موارد ذیل اشاره کرد: وجوب حفظ اسرار آل محمد علیهم السلام ، الهی بودن مسأله امامت، تعداد امامان علیهم السلام، کسی که به دروغ ادعای امامت کند، روایات درباره غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، صبر و انتظار فرج، امتحان، صفات امام منتظر، صفات لشکر آن حضرت و... .

### هشت. کمال الدین و تمام النعمه

نویسنده این کتاب ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (م ۳۸۱ ق)، مشهور به «شیخ صدوق» رحمه الله ، از بزرگ ترین شخصیت های جهان اسلام و از برجسته ترین چهره های درخشان علم و فضیلت است. در این کتاب به صورت ویژه احادیث مربوط به غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ذکر شده و در واقع یکی از کتاب های مرجع و عمده در حوزه مباحث مهدویّت است. کمتر نوشته و اثری در دوره های بعد، یافت می شود که به نوعی از این مجموعه، بهره نبرده باشد.

شیخ صدوق قدس سرّه نزدیک به عصر ائمه علیهم السلام می زیست و با جمع آوری روایات اهل بیت علیهم السلام و تألیف کتاب‌های نفیس و با ارزش، خدمت ارزنده و کم نظیری به اسلام و تشیع کرد. تألیفات فراوان وی در علوم و فنون مختلف اسلامی، هر کدام گنجینه ای پایان ناپذیر است که هم اکنون نیز با گذشت بیش از یک هزار سال از تاریخ تألیف آنها، روز به روز بر ارزش و اعتبار آن افزوده شده و جایگاهی بس بلند و والا یافته است و در صدر قفسه کتابخانه‌ها و در سینه دانشمندان جای دارد.

شیخ صدوق رحمه الله در مقدمه کتاب، انگیزه تألیف را چنین ذکر کرده است: «... چون آرزوی زیارت علی بن موسی الرضا علیه السلام برآورده شد، به نیشابور برگشتم و در آنجا اقامت گزیدم. دیدم بیشتر شیعیانی که به نزد من آمد و شد می کردند، در امر غیبت حیران اند و درباره امام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف شبهه دارند و از راه درست منحرف گشته و به رأی و قیاس روی آورده اند... تا اینکه شیخی از اهل فضل و علم و شرف که از دانشمندان قم بود از بخارا بر ما وارد شد... و از من درخواست کرد که در این موضوع (غیبت) کتابی برایش تألیف کنم. من نیز درخواست او را پذیرفتم و به او وعده دادم هرگاه خداوند وسایل مراجعتم را به وطنم فراهم کند، آنچه را خواسته است، گرد آورم.

در این میان، شبی در باره آنچه جا گذاشته‌ام از خانواده و فرزندان و برادران و دیگر نعمت‌ها اندیشه می کردم که ناگاه خواب بر من غلبه کرد و در خواب دیدم گویی در مکه هستم و به گرد بیت الله الحرام طواف می کنم. در شوط هفتم، به حجر الاسود رسیدم. آن را استلام کرده، این دعا را خواندم... آن گاه مولایمان صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را دیدم که بر در خانه کعبه ایستاده و من با دلی مشغول و حالی پریشان، به ایشان نزدیک شدم... بر او سلام کردم و او پاسخ داد و سپس فرمود: چرا در باب غیبت، کتابی تألیف نمی کنی تا اندوهت زایل شود؟ عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! درباره غیبت پیش تر رساله‌هایی را تألیف کرده‌ام. فرمود: نه به آن طریق، اکنون تو را امر می کنم که درباره غیبت، کتابی تألیف کنی و غیبت انبیا را در آن بازگو کنی...» (۱)

این کتاب به دو بخش اصلی تقسیم شده است:

بخش اول، شامل مباحث کلی و احادیث جامعی در باره غیبت در امت‌های پیشین و اثبات این موضوع است که غیبت حضرت مهدی علیه السلام امری تازه نیست؛ بلکه غیبت دارای سابقه

۱- شیخ صدوق رحمه الله، کمال الدین و تمام النعمه، مقدمه، صص ۴-۶.

طولانی بوده است.

در بخش دوم موضوعاتی مانند: ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، امامت او، غیبت، دلایل آن، افرادی که وی را دیده‌اند، توقیعات صادر شده از سوی آن حضرت، مسأله انتظار فرج، نشانه‌های ظهور و ... بیان شده است.

این کتاب به جهت اهمیتی که دارد، بارها تجدید چاپ و نیز به دست افراد مختلفی، به فارسی برگردان شده است.

### نه. الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد

این کتاب، اثر گران سنگ شیخ ابوعبد الله محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی، معروف به شیخ مفید رحمه الله (م ۴۱۳ ق) است. او این کتاب را در سال ۴۱۱ هجری؛ یعنی، دو سال قبل از وفات و در اوج شهرت علمی، تدوین کرده که این خود بر ارزش کتاب می افزاید.

آوازه و شهرت علمی شیخ مفید رحمه الله، جهان اسلام را فرا گرفته است و از او چهره های بسیار درخشان شیعه به شمار می ... آید. وی در این کتاب سعی وافری به کار برده تا روایاتی را در جهت معرفی معصومین علیهم السلام ارائه کند و در آخرین بخش آن اخبار مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف (حدود نود روایت) را ذکر کرده است. (۱)

الارشاد از معتبرترین منابع روایی شیعه، در باره زندگانی ائمه علیهم السلام به شمار می آید و بسیاری از منابع مهم شیعه این کتاب را مستند خود قرار داده اند.

ایشان در پایان کتاب شش باب را به شرح زیر به حضرت مهدی علیه السلام و موضوعات مربوط به آن حضرت اختصاص داده است:

۱. باب ذکر الامام القائم بعد ابي محمد علیه السلام و تاریخ مولده و دلائل إمامته و ذکر طرف من أخباره و غیبت و سیرته عند قیامه و مده دولته

۲. باب ذکر طرف من الدلائل علی إمامه القائم بالحق محمد بن الحسن علیهما السلام

۳. باب ما جاء من النص على إمامه صاحب الزمان الثاني عشر من الأئمة عليهم السلام في مجمل ومفصل على البيان

۴. باب ذكر من رأى الامام الثاني عشر عجل الله تعالى فرجه الشريف و طرف من دلائله و بيناته

۵. باب طرف من دلائل صاحب الزمان عجل الله تعالى فرجه الشريف و بيناته و آياته

۶. باب ذكر علامات قيام القائم عجل الله تعالى فرجه الشريف و مده أيام ظهوره و شرح سيرته و...

باب پایانی کتاب در ضمن پنج فصل ارائه شده که موضوعات این پنج فصل عبارت است از: ویژگی های جسمانی، وقت ظهور، چگونگی آغاز ظهور، روش حکومت و مدت حکومت حضرت مهدی علیه السلام.

شیخ مفید قدس سرّه در سال ۴۱۳ در بغداد و پس از ۷۵ سال تلاش و خدمت ارزنده دار فانی را وداع گفت و مورد تجلیل فراوان مردم و اهل علم قرار گرفت.

شیخ طوسی رحمه الله که خود در تشیع پیکر مطهر او حضور داشت می گوید: روز وفات او از کثرت دوست و دشمن برای ادای نماز و گریستن بر او، همانند و نظیر نداشته است. هشتاد هزار تن از شیعیان او را تشیع کردند و سید مرتضی علم الهدی قدس سرّه بر او نماز گزارد و در حرم مطهر امام جواد علیه السلام، پایین پای آن حضرت، نزدیک قبر استادش ابن قولویه، مدفون گردید.

#### ده. کتاب الغیبه للحجه

این کتاب ارزشمند تألیف شیخ الطائفه، ابوجعفر محمد بن حسن طوسی رحمه الله (م ۴۶۰ق)، از برجسته ترین چهره های علمی جهان تشیع و شخصیت مورد اعتماد شیعه در قرن پنجم هجری است.

او در فقه و اصول، حدیث، تفسیر، کلام و رجال، تألیفات فراوانی از خود به یادگار گذاشته است. مدت پنج سال نزد شیخ مفید رحمه الله درس خوانده و سالیانی دراز از محضر سید مرتضی قدس سرّه، بهره مند شده است.

بعد از رحلت سید مرتضی علم الهدی رحمه الله، رهبری و پرچم داری شیعه به شیخ طوسی رسید. در این هنگام منزل شیخ در محله کرخ بغداد، پناهگاه مسلمانان بود. جهت درک محضر او، دانشمندان فراوانی از سراسر سرزمین اسلامی، قصد بغداد می کردند تا از خرمن دانش و فضیلت آن عالم بزرگوار توشه برگیرند.



شیخ طوسی رحمه الله مؤلف دو کتاب از کتاب‌های چهارگانه شیعه تهذیب الاحکام و الاستبصار است که هر دو در زمینه روایات و احادیثی است که جنبه فقهی و حکمی دارند. از دیگر تألیفات ارزنده این دانشمند بزرگ کتاب الغیبه است.

بی‌گمان کتاب الغیبه از بهترین، مهم‌ترین و کامل‌ترین منابع شیعه در مورد «غیبت» حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. در این کتاب به علت و انگیزه غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و حکمت الهی که موجب آن گردیده، اشاره شده است.

شیخ طوسی رحمه الله در نگارش این اثر ارزشمند و گران بها، شیوه‌ای نو و ابتکاری به کار گرفته و به جوانب مختلف غیبت حضرت مهدی علیه السلام اشاره کرده است. همچنین با استدلال به قرآن و روایات معصومین علیهم السلام و حکم عقل، به پاسخ‌گویی به شبهات و اشکالات مخالفان پرداخته است.

این کتاب شامل فضایل امام عصر علیه السلام و سیره و روش آن حضرت در زمان غیبت و هنگام ظهور است و بسیاری از نشانه‌های ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را ذکر کرده است. از زمان نگارش آن تا کنون پیوسته مورد توجه علما و فقهای شیعه بوده و آنان در تألیفات خود، بسیار به آن استناد کرده اند.

آقا بزرگ طهرانی رحمه الله در مقدمه‌ای بر کتاب الغیبه نوشته است: «کتاب الغیبه نوشته شیخ طوسی از کتاب‌های قدیمی است که بر بسیاری از کتاب‌های دیگر برتری دارد. این کتاب در بردارنده بهترین حجّت‌ها و محکم‌ترین برهان‌های عقلی و نقلی بر وجود امام دوازدهم، محمد بن الحسن، صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و غیبت آن حضرت در این زمان و ظهور شان در آخر الزمان است»<sup>(۱)</sup>.

شیخ طوسی قدس سرّه در مقدمه کتاب در باره انگیزه خود از نگارش این کتاب نوشته است: «من این کتاب را به درخواست شیخ بزرگوار که خداوند عمر ایشان را طولانی گرداند نگاشتم. ایشان در خواست فرمود تا کتابی در باره غیبت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف املا نمایم و در آن سبب غیبت آن حضرت و علت طول کشیدن آن و ... را بیان کنم و اینکه چرا آن حضرت ظهور نمی‌کند؟ آیا مانعی در کار هست؟ آن مانع چیست و چرا ما نیازمند به آن حضرت هستیم؟ من هم در خواست او را اجابت و امر ایشان را اطاعت کردم...»

کتاب الغیبه (با حدود پانصد روایت) مشتمل بر هشت فصل است:

۱. الکلام فی الغیبه

در این فصل مؤلف به مباحث ذیل پرداخته است: دلیل بر وجوب عصمت امام، و دلیل بر فساد قول کیسانیه، ناووسیه، واقفه و سایر فرقه های منحرف در باب مهدویّت.

۲. ولادت حضرت حجّت علیه السلام

۳. مشاهده کنندگان حضرت مهدی علیه السلام در غیبت صغرا

۴. بیان پاره ای از کرامات آن حضرت

۵. برخی از موانع ظهور حضرت مهدی علیه السلام

۶. روایات مربوط به بحث نیابت و وکالت

در این بخش هم، درباره نواب و وکلای ممدوح و هم درباره نواب و وکلای مذموم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سخن به میان آمده است. همچنین به برخی از توقیعات آن حضرت اشاره شده است.

۷. عمر طولانی حضرت مهدی علیه السلام

در ضمن آن اشاره ای به وقت ظهور و پاره ای از نشانه های ظهور شده است.

۸. برخی فضایل و صفات و سیره آن حضرت

شیخ طوسی رحمه الله در شب دوشنبه ۲۲ محرم سال ۴۶۰ ه به رحمت ایزدی پیوست و در نجف اشرف در خانه خویش به خاک سپرده شد.

## خودآزمایی

۱. اولین منبع روایی شیعه که می توان در آن احادیث مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به دست آورد، چه نام دارد و به وسیله چه کسی تألیف شده است؟
۲. دو تفسیر روایی شیعی را که روایات مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نیز ذیل آیات ذکر کرده اند، نام برده، توضیح دهید.
۳. مهم ترین کتاب روایی موجود شیعه چه نام دارد؟ در باره آن توضیح دهید.
۴. برای دو کتاب الغیبه اثر نعمانی و شیخ طوسی توضیح مختصری ارائه فرمایید.
۵. یکی از مهم ترین کتاب های روایی مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را که به دستور آن حضرت تدوین شده نام برده، در باره آن توضیح دهید.
۶. علاوه بر منابع یاد شده، درباره دو منبع روایی شیعه را \_ که در باره مهدویت روایاتی نقل کرده اند \_ توضیح دهید.

===

منابع برای پژوهش:

۱. حاجی خلیفه، کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، دو جلد، (دار احیاء التراث العربی، بیروت).
۲. علی بن موسی التبریزی، مرآه الکتب، (مکتبه آیت الله مرعشی، قم، ۱۴۱۴ ه. ق).
۳. مجمع الفکر الاسلامی، موسوعه مؤلفی الامامیه، (مجمع الفکر الاسلامی، دو جلد، قم، ۱۴۲۰ ه. ق).
۴. سید اعجاز حسین النیسابوری، کشف الحجب الاستار عن اسماء الکتب و المنقار، (مکتبه آیت الله المرعشی، قم، ۱۴۰۹ ه. ق).
۵. آقا بزرگ تهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ۲۶ جلد، چ دوم، (دارالاضواء، بیروت، ۱۴۰۳ ه. ق).

## درس چهارم: مهدویت از نگاه اهل سنت (۱)

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

آشنایی با:

۱. جایگاه مهدویت در نگاه اهل سنت

۲. احادیث مهدویت در متون اهل سنت

الف. کتاب های عمومی

ب. کتاب های ویژه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۳. صحت احادیث مهدوی علیه السلام

۴. تواتر احادیث حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف



باورداشت «مهدویّت» و اندیشه ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر خلاف تصوّر عده ای نه تنها اختصاص به شیعه ندارد؛ بلکه بخش مهمّی از عقاید اسلامی به حساب می آید که بر اساس بشارت های پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، میان تمامی فرقه ها و مذاهب اسلامی شکل گرفته است.

در حوزه اعتقادات اسلامی، کمتر موضوعی را می توان یافت که تا این حد به آن اهمیت داده شده و در اصل اعتقاد به ظهور منجی، نوعی اتفاق نظر و وحدت فکر، شکل گرفته باشد.

احادیث مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، در بسیاری از کتاب های معروف اهل سنّت نیز آمده است. در بیشتر این کتاب ها، از اوصاف و زندگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، نشانه های ظهور، محل ظهور و بیعت، تعداد یاران و دیگر موضوعات سخن به میان آمده است.

مشهور میان مسلمانان در طول تاریخ، این است که در آخرالزمان، مردی از اهل بیت علیهم السلام ظهور کرده، عدالت را آشکار می کند. مسلمانان از او پیروی می کنند و او بر کشورهای اسلامی چیره می شود. نام او «مهدی» است. (۱)

البته عده کم شماری، از پذیرفتن اصل «مهدویّت» سر باز زده، با دلایلی سست و واهی، به انکار آن پرداخته و آن را فکری شیعی معرفی کرده اند!!

با مروری بر کتاب های روایی اهل سنّت روشن می شود که موضوع مهدویّت در این منابع

نیز به فراوانی مورد اشاره قرار گرفته است. (۱) علاوه بر روایات فراوانی که در منابع اهل سنت به صورت پراکنده به چشم می خورد، تدوین و تألیف کتاب های حدیثی مختص به حضرت مهدی علیه السلام، به وسیله دانشمندان اهل سنت، گویای جایگاه والای «مهدویت» نزد آنان است.

متون روایی اهل سنت را می توان به دو دسته تقسیم کرد:

یک. کتاب های عمومی:

بی گمان روایات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام در اغلب منابع روایی اهل سنت ذکر شده است. البته در پاره ای از این منابع، به روشنی به حضرت مهدی علیه السلام اشاره نشده؛ ولی در همان منابع نیز روایاتی وجود دارد که بر او قابل انطباق است.

دو. کتاب های ویژه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف :

در بین منابع روایی اهل سنت کتاب هایی چند ویژه موضوعات مربوط به آن حضرت نگارش یافته است.

### یک. کتاب های عمومی

#### اشاره

در این کتاب ها به موضوع «مهدویت» مانند بسیاری از مسائل دیگر به تناسب اشاره شده است. از جمله موضوعاتی که در این روایات آمده، می توان به این موارد اشاره کرد: بودن حضرت مهدی علیه السلام از خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و از فرزندان حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام، خصایص حضرت مهدی علیه السلام، زندگی و سیرت آن حضرت، چگونگی ظهور و حکومت ایشان و ...

اما بعضی از کتاب هایی که بیشتر روایات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام در آنها نقل شده، عبارت است از:

### ۱۱. المصنف عبد الرزاق

این کتاب اثر ابوبکر عبد الرزاق بن همام صنعانی (م ۲۱۱ ق) است. وی در این کتاب

۱- لازم به یادآوری است که در تدوین بخش هایی از این درس و درس آینده از تحقیقات و مطالب ارزشمند استاد مهدی اکبر نژاد بهره فراوانی برده ام. با تشکر از ایشان.

فصلی را با عنوان «باب المهدی» گشوده و در آن بیش از ده حدیث نقل کرده است. این احادیث از شماره ۲۰۷۶۹ آغاز و تا شماره ۲۰۷۷۹ ادامه دارد. وی پس از این باب، با عنوان باب «اشراط الساعه» به برخی موضوعات دیگر اشاره کرده است. این اولین کتابی از اهل سنت است که احادیث مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به شکلی منظم، گرد آورده است.

## ۱۲. کتاب الفتن

حافظ ابو عبد الله نعیم بن حماد المروری (م ۲۲۹ ق) در کتاب الفتن احادیث فراوانی درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و صفات، ویژگی‌ها و حوادث عصر او، روایت کرده است. مصنف در مجموع ده بخش را با عناوین مختلف به موضوعات مربوط به فتنه‌های آخرالزمان اختصاص داده است. چهار بخش نخست آن، درباره حوادث و فتنه‌هایی است که در روایات بدان‌ها اشاره شده است. عمده روایات مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در بخش پنج و بعد از آن ذکر شده است.

## ۳۱. المصنف فی الاحادیث و الآثار

حافظ عبد الله بن محمد بن ابی شیببه الکوفی (م ۲۳۵ ق)، مؤلف کتاب یاد شده، در فصل ۳۷ آن، بخشی را با عنوان «الفتن» قرار داده است. او در این بخش احادیثی را در رابطه با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و مباحث مربوط به او ذکر کرده است (حدیث ۳۷۶۳۷ تا حدیث ۳۷۶۵۳). در بعضی از این احادیث به نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تصریح شده است. از موضوعاتی که در این روایات مورد اشاره قرار گرفته، می‌توان به ویژگی‌های نسبی و اخلاقی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مدت حکومت و عمر آن حضرت، شرایط پیش از ظهور، نشانه‌های ظهور و ویژگی‌های دوران ظهور ایشان اشاره کرد.

## ۱۴. مسند احمد

احمد بن حنبل ابو عبد الله الشیبانی (م ۲۴۱ ق)، از پیشوایان چهار گانه اهل سنت است. وی در کتاب مسند احادیث مختلف و متعددی را درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ذکر کرده است. (۱) این

---

۱- این کتاب که از گسترده‌ترین جوامع حدیثی کهن اهل سنت است، در چاپ جدید با فهرس در پنجاه مجلد به چاپ رسیده است.



احادیث به ضمیمه کتاب البیان فی الاخبار صاحب الزمان و در مجموعه‌ای با نام احادیث المهدی من مسند احمد بن حنبل به چاپ رسیده است. (۱)

در این مجموعه، ۱۳۶ حدیث از مسند احمد استخراج و در موضوعات زیر تنظیم شده است: ۳۵ حدیث با عنوان «الخلفاء الاثنا عشر»؛ ۳۵ حدیث در بیان «علامات الظهور»؛ ۲۶ حدیث با عنوان «ظهور المهدی»؛ شش حدیث با عنوان «المهدی من عتره رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم»، چهار حدیث با عنوان «یواطئ اسم اسم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم؛ چهارده حدیث با عنوان «نزول عیسی و الامام هو المهدی» و چهل حدیث هم با عنوان «لاتزال طائفه یقاتلون علی الحق الی ان یاتی امر الله».

در میان کتاب های نخستین حدیثی، مسند احمد بیشترین حدیث را در این موضوع ذکر کرده است.

### ۱۵. سنن ابن ماجه

محمّد بن یزید ابو عبدالله القزوینی (م ۲۷۵ ق) از حدیث شناسان و محدثان معروف و زبردست اهل سنت بوده و سنن وی در زمره صحاح ششگانه قرار گرفته است. وی در کتاب الفتن این مجموعه، بخشی را به بیان احادیث مهدی با عنوان «باب خروج المهدی» اختصاص داده است. نسب حضرت مهدی علیه السلام، شرایط قبل از ظهور، زمینه سازان ظهور، یاران وی، مدت حکومت او و بالاخره ویژگی های اقتصادی و اجتماعی حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از جمله موضوعات این روایات است. نکته قابل توجه اینکه در شش حدیث از مجموع هفت حدیث، به نام امام مهدی علیه السلام تصریح شده است.

### ۱۶. سنن ابو داود

این کتاب نیز یکی از صحاح شش گانه اهل سنت بوده و به وسیله سلیمان بن الاشعث ابو داود السجستانی (م ۲۷۵ ق) نگارش یافته است. وی در این مجموعه بخشی را با عنوان

---

۱- ر. ک: سید محمّد جواد حسینی جلالی، احادیث المهدی من مسند احمد بن حنبل، (انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم).

«کتاب المهدی»<sup>(۱)</sup> به صورت مستقل ذکر کرده که با حدیث ۴۲۷۹ آغاز می‌شود.

بعضی از موضوعاتی که در این روایات مورد اشاره قرار گرفته، عبارت است از: حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است، ویژگی‌های نسبی وی، ویژگی‌های جسمی ایشان، شرایط قبل از ظهور، حتمی بودن ظهور، اوضاع اجتماعی اقتصادی عصر ظهور و بالاخره جهان پس از حضرت مهدی علیه السلام.

احادیث سنن ابو داود یکی از منابع قابل ملاحظه، در باره «مهدوئیت» نزد اهل سنت است.

### ۱۷. الجامع الصحیح

این کتاب از جمله صحاح شش گانه اهل سنت است که به وسیله محمد بن عیسی ابو عیسی ترمذی سلمی (م ۲۷۹ ق) به رشته تحریر در آمده است. وی در فصل «ما جاء فی المهدی»، سه حدیث به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آورده است. در دو حدیث اول این باب، به نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تصریحی نشده و صرفاً مسأله منجی و حتمی بودن حاکمیت شخصی از اهل بیت علیهم السلام و هم نام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بیان شده است. ترمذی در مورد حدیث اول گفته است: «هذا حدیث حسن صحیح» و درباره حدیث سوم گفته است: «هذا حدیث حسن».

هرچند در این مجموعه حدیثی، تعداد احادیث مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، بسیار اندک است؛ ولی با توجه به اسناد خوب آنها، این احادیث مهم و قابل توجه دارای اطلاعات جامعی در باره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشند.

### ۱۸. المستدرک علی الصحیحین

محمد بن عبدالله ابوعبد الله حاکم نیشابوری (م ۴۰۵ ق)، احادیث مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در فصلی خاص، در کتاب الفتن و الملاحم و در برخی قسمت‌های دیگر به صورت پراکنده ذکر کرده است. وی در این احادیث به برخی موضوعات مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اعم از نسب، ویژگی‌های جسمانی، شرایط قبل از ظهور، اصل ظهور و مسائل

۱- سلیمان ابن الاشعث، سنن ابی داود، ص ۷۱۲.

مختلف دیگر پرداخته است.

## ۱۹. کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال

علاء الدین علی المتقی بن حسام الدین الهندی (م ۹۷۵ ق) با تالیف کتابی چون کنز العمال شهرت به سزایی دارد. این جامع حدیثی از جمله معروف ترین مجموعه های حدیثی موجود اهل سنت است. مؤلف که جداگانه تألیفی درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با عنوان البرهان فی علامات مهدی الآخر الزمان دارد در مجموعه حدیثی کنز العمال علاوه بر روایات پراکنده (۱)، فصلی را با عنوان «خروج المهدی» گشوده و در آن ده ها حدیث را از منابع مختلف نقل کرده است. این احادیث از شماره ۳۸۶۵۱ آغاز شده و تا روایت ۳۸۷۰۸ ادامه یافته است.

در این مجموعه، ابعاد مختلف مهدویت از جمله شرایط قبل از ظهور، یاوران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران حکومت وی، حوادث و جریانات عصر ظهور، شرایط حاکم اقتصادی در آن زمان و ویژگی های جسمی آن حضرت بیان شده است.

## دو. کتاب های حدیثی ویژه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

### اشاره

دانشمندان اهل سنت همانند عالمان شیعه تنها به وجود روایات مهدویت در کتاب های مختلف بسنده نکرده، کتاب هایی چند، ویژه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تألیف کرده اند. بعضی از این آثار ارزشمند بدین قرار است:

### ۲۱. اربعون حدیث

ابونعیم اصفهانی (م ۴۲۰ ق)، از دانشمندان بنام اهل سنت، آثار و تألیفات فراوانی دارد. کتاب اربعون حدیث اکنون در دسترس نیست و اربلی در کتاب کشف الغمه فی المعرفه الائمه آن را آورده است. وی قبل از ذکر احادیث چنین گفته است: «من چهل حدیثی را که ابو نعیم اصفهانی آنها را درباره مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جمع آوری کرده، به طور کامل همان گونه که وی ذکر

---

۱- ایشان در بخشی با عنوان «جامع الاشراف الکبری» ده ها روایت دیگر را در باره موضوعات مهدویت ذکر کرده است. این روایات از شماره ۳۹۶۵۶ به بعد می باشد.

کرده آوردم و به راوی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اکتفا کردم (۱)» (۲).

## ۲۲. البیان فی اخبار صاحب الزمان علیه السلام

ابوعبد الله محمّد گنجی شافعی (م ۶۵۸)، احادیث مربوط به مهدی و خصایص و ویژگی های او را با ترتیب خاص و در ابواب منسجم، در این کتاب ذکر کرده است. وی در مقدمه کتابش برای ردّ اتهام شیعی بودن عقیده مهدویت و اثبات آن به عنوان یک موضوع اسلامی اذعان می کند که در این کتاب، تنها احادیثی را آورده که از طریق اهل سنت، روایت شده و از ذکر روایات شیعی پرهیز کرده است. (۳)

او مجموع این احادیث را (هفتاد حدیث) در ۲۵ باب منظم کرده و حتی به بعضی از جزئیات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام نیز اشاره نموده است.

عناوین باب های این کتاب عبارت است:

۱. فی ذکر خروجه فی آخر الزمان
۲. فی قوله صلی الله علیه و آله و سلم: المهدی من عترتی من ولد فاطمه
۳. فی ذکر المهدی من سادات اهل الجنه
۴. فی امر النبی صلی الله علیه و آله و سلم بمبايعه المهدی
۵. فی ذکر نصره اهل المشرق للمهدی
۶. فی مقدار ملكه بعد ظهوره
۷. فی بیان أنه یصلی بعیسی علیه السلام
۸. فی تحلیه النبی صلی الله علیه و آله و سلم المهدی علیه السلام
۹. فی تصریح النبی بانّ المهدی من ولد الحسین علیه السلام
۱۰. فی ذکر کرم المهدی علیه السلام

نکته قابل توجه اینکه وی به رغم انکار ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از طرف بیشتر علمای

- ۱- سند را تا راوی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حذف کرده است.
- ۲- علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۳، ص ۲۵۵.
- ۳- ابو عبد الله محمد کنجی شافعی، البیان فی اخبار صاحب الزمان، تحقیق مهدی حمد الفتلاوی، ۱۹.

اهل سنت آخرین باب را چنین نامیده است: «فی الدلاله علی جواز بقاء المهدی حياً». بر این اساس وی نه تنها ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را پذیرفته؛ بلکه هر گونه استبعاد در مورد طول عمر آن حضرت را منتفی دانسته است.

گنجی شافعی در آغاز این باب می نویسد: «هیچ امتناعی در بقای مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وجود ندارد؛ به دلیل اینکه عیسی، الیاس و خضر که از اولیای خداوند می باشند زنده هستند و دجال و ابلیس که از دشمنان خداوند می باشند نیز زنده هستند و زنده بودن اینها، به وسیله قرآن و سنت اثبات شده است. آن گاه که بر این موضوع اتفاق کرده اند، زنده بودن مهدی را انکار نموده اند... پس به سخن هیچ عاقلی بعد از این توجه نمی شود، در اینکه باقی بودن مهدی را انکار کند» (۱).

به باور تاریخ نگاران، نویسنده کتاب، در سال ۶۵۸ هـ در جامع اموی دمشق، به دست گروهی از عوام و به جهت تمایل وی به شیعه، مظلومانه کشته شد (۲).

آیت الله حسن زاده آملی در وصف این کتاب می نویسد: «کتاب بیان در عین حال که صغیر الحجم است، بسیار عظیم النفع است. این کتاب موجز حائز فوایدی گران قدر و ارزشمند است و هر چند هر یک از ابواب آن را در امر صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف اهمیتی به سزا است؛ لکن بعضی از ابواب به خصوص باب های دوم و هفتم و نهم و سیزدهم و بیست و چهارم و بیست و پنجم را شأنی دیگر و در خور دقت بیشتر و بهتر است» (۳).

### ۲۳. عقد الدرر فی اخبار المنتظر

این کتاب تألیف یوسف بن یحیی بن علی بن عبد العزیز مقدسی شافعی (م بعد ۶۵۸) است. عقد الدرر به لحاظ جامع بودن و گستردگی، در نوع خود کم نظیر و منبع مهمی برای کتاب های بعدی بوده است. مؤلف در مقدمه کتاب، انگیزه تألیف را چنین بیان می کند: «فساد زمان و مشکلات و گرفتاری مردم و مأیوس شدن آنها از اصلاح اوضاع و وجود کینه ها بین

۱- ابو عبد الله محمد گنجی شافعی، البیان فی اخبار صاحب الزمان، تحقیق مهدی حمد الفتلاوی، ص ۹۷.

۲- ابو عبد الله محمد گنجی شافعی، مقدمه التحقيق، ص ۱۲.

۳- حسن حسن زاده آملی، نهج الولایه، ص ۹۳.

آنان تا قیامت استمرار ندارد و از بین رفتن این مشکلات، با ظهور و خروج مهدی حاصل می‌گردد... برخی این مسأله را به طور کلی رد می‌کنند و برخی دیگر نیز گمان می‌کنند جز عیسی، مهدی‌ای وجود ندارد» (۱). مؤلف به تفصیل این دو دیدگاه را مردود دانسته، با شواهد کافی این را غیر قابل پذیرش می‌شمارد و برای تدوین کتاب، احادیث مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را بدون ذکر اسناد آن نقل و منابع اصلی آن را بیان می‌کند. در بیشتر احادیث از اظهار نظر درباره ضعیف یا صحیح بودن حدیث خودداری و فقط به ذکر آن بسنده کرده است.

مؤلف پس از مقدمه‌ای قابل توجه، مباحث مهدویت را در ابواب دوازده گانه تنظیم کرده است:

۱. فی بیان آنّه من ذریه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و عترته

در این باب به روایاتی در باره نسب آن حضرت اشاره شده است.

۲. فی اسم و خلقه و کنیت

مطالبی درباره نام آن حضرت، خصلت‌ها و کنیه آن حضرت در این باب گردآوری شده است.

۳. فی عدله و حلیته

در این باب به ویژگی‌های جسمانی آن حضرت و نیز عدالت گستره ایشان اشاره شده است.

۴. فی ما یظهر من الفتن الداله علی ولایت

این باب دارای چهار فصل در باره رخدادها و حوادث مربوط به ظهور ایشان است.

۵. فی أنّ الله تعالی یبعث من یوطیء له قبل امارته

در این باب به زمینه سازان و زمینه سازی حکومت مهدی علیه السلام اشاره شده است.

۶. فی ما یظهر له من الکرامات فی مده خلافته

این باب در باره آثار و کرامت‌های آن حضرت در دوران دولت ایشان است.

۷. فی شرفه و عظیم منزلته

۸. فی کرمه و فتوته

١- حسن حسن زاده آملی، نهج الولاية، ص ٩٧.



۹. فی فتوحاته و سیرته

۱۰. فی أنّ عیسی بن مریم علیه السلام یصلی خلفه و یبایعه و ینزل فی نصرته

۱۱. فی اختلاف الروایات فی مده اقامته

۱۲. فی ما یجری من الفتن فی ایامه و بعد انقضاء مدته

در این باب پس از ذکر یک مقدمه، مطالب را در ضمن هشت فصل و یک خاتمه تنظیم شده است.

### ۲۴. العرف الوردی فی الاخبار المهدی علیه السلام

جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر سیوطی (م ۹۱۱ ق) احادیث امام مهدی علیه السلام را در این کتاب به شکلی مبسوط و گسترده جمع آوری کرده است. این کتاب در ضمن مجموعه رساله هایی به نام الرسائل العشر در مجموعه ای بزرگ تر با عنوان الحاوی للفتاوی به چاپ رسیده است.

وی در ابتدای این رساله می نویسد: «این بخشی است که احادیث و آثار وارد شده راجع به مهدی را در آن جمع کردم و چهل حدیثی که حافظ ابو نعیم آنها را ذکر کرده، به صورت خلاصه آوردم و آنچه او نیاورده بر آن افزودم و به صورت (ک) آن را رمزگذاری کردم» (۱)

مجموع احادیثی که در این کتاب جمع آوری شده چه آنچه را از ابونعیم آورده و چه آنچه خودش بر آن افزوده بالغ بر دویست حدیث است. وی در پایان احادیث با عنوان تنبیهات، چهار نکته مهم را یاد آور شده است:

۱. مهدی علیه السلام یکی از خلفای دوازده گانه است که در حدیث جابر بن سمره ذکر شده است.

۲. مهدی علیه السلام نمی تواند از فرزندان عباس بن مطلب باشد.

۳. سند حدیث «لا مهدی الا عیسی بن مریم» ضعیف است؛ چون با نقل متواتر که گویای ظهور مهدی علیه السلام و اینکه او از فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است و عیسی پشت سر او نماز

می خواند- متعارض است.

۴. آنچه نقل شده که مهدی از مغرب ظهور خواهد کرد، هیچ گونه دلیل و پایه‌ای ندارد. (۱)

## ۲۵. البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان

این کتاب از جمله کتاب‌های حدیثی مفصل در باب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که بیش از ۲۷۰ حدیث را در بر گرفته و به وسیله علاء الدین علی بن حسام الدین مشهور به متقی هندی (م ۹۷۵ ق) نوشته شده است.

ابواب کتاب در باره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و موضوعات مربوط به ایشان، به شرح زیر است:

۱. فی الکرامات

۲. فی نسب المهدی علیه السلام

۳. فی حلیه المهدی علیه السلام

۴. فی احوال تقع قبل خروج المهدی علیه السلام

۵. فی جامع العلامات و ...

در باب‌های بعد به چگونگی بیعت با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، یاران، فتوحات، مدت حکومت و نازل شدن عیسی علیه السلام برای یاری آن حضرت اشاره شده است. مؤلف درباره کتاب خود می‌گوید: چون کتاب العرف الوردی فی اخبار المهدی تألیف جلال الدین سیوطی را مشاهده کردم، از آنجایی که آن کتاب دارای باب بندی و نظم لازم نبود، آن را باب بندی نمودم و برخی احادیث دیگر بر آن افزودم. (۲)

## سه. صحت احادیث مهدوی علیه السلام

نکته قابل توجه در باره روایات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام در منابع اهل سنت، این است که بزرگان فراوانی از ایشان، تصریح به صحت آنها کرده اند؛ از جمله:

۱. ترمذی (م ۲۹۷) درباره سه حدیث مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌گوید: «این حدیث نیکو و صحیح

۱- سیوطی، الحاوی للفتاوی، ص ۱۰۲.

۲- البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان، ص ۱۰.

است» (۱) در باره چهارمین حدیث نیز می گوید: «این حدیثی نیکو است» (۲).

۲. حاکم نیشابوری (م ۴۰۵) در باره هر یک از چهار حدیث چنین می گوید: «اسناد این حدیث صحیح است؛ ولی بخاری و مسلم آن را نقل نکرده اند» (۳) در مورد سه حدیث دیگر می گوید: «اسناد این حدیث صحیح است با شرط مسلم؛ ولی بخاری و مسلم نقل نکرده اند» (۴) نظرش در باره هشت حدیث دیگر این چنین است: «این حدیث صحیحی است با شرط شیخین (مسلم و بخاری)، ولی آن را نقل نکرده اند» (۵).

۳. بیهقی (م ۴۵۸) گوید: «حدیث های مربوط به خروج مهدی، صحیح ترین اسناد را دارد» (۶).

۴. بغوی (م ۵۱۰ یا ۵۱۶) در کتابش مصابیح السنه در فصل «الصحاح» یک حدیث و در فصل «الحسان» پنج حدیث نقل کرده است.

۵. قرطبی مالکی (م ۶۷۱) از معتقدان به متواتر بودن حدیث های مربوط به حضرت مهدی علیه السلام است. نکته مهم، اینکه وی ذیل حدیث ابن ماجه در مورد مهدی گوید: «اسنادش صحیح است» و تصریح می کند: حدیث «مهدی از عترت من، از فرزندان فاطمه است»، از حدیث محمد بن خالد الجندی صحیح تر است (۷).

علاوه بر موارد یاد شده، دانشمندان فراوانی از اهل سنت به صحیح بودن روایات مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تصریح کرده اند (۸).

۱- سنن ترمذی، ج ۴، ص ۵۰۵، ح ۲۲۳۰ و ۲۲۳۱ و ۲۲۳۳.

۲- سنن ترمذی، ج ۴، ص ۵۰۵، ح ۲۲۳۲.

۳- مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۴۲۹ و ۴۶۵ و ۵۵۳ و ۵۵۸.

۴- مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۴۵۰ و ۵۵۷ و ۵۵۸.

۵- مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۴۲۹ و ۴۴۲ و ۴۵۷ و ۴۶۴ و ۵۰۲ و ۵۲۰ و ۵۵۴ و ۵۵۷.

۶- الاعتقاد و الهدایه الی سبیل الرشاد، ص ۱۲۷.

۷- کتاب التذکره، ص ۷۰۴.

۸- ر.ک: مهدی منتظر در اندیشه اسلامی، صص ۵۴، ۶۰.

## چهار. تواتر احادیث مهدی

چهار. تواتر (۱) احادیث مهدی

احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، در باره حضرت مهدی علیه السلام، در کتاب های مذاهب اسلامی، به اندازه ای فراوان است که کمتر در باره موضوعی به این میزان، حدیث رسیده است. همین واقعیت باعث شده، تا دانشمندان علم حدیث، در موارد فراوانی، به «متواتر» بودن احادیث مهدی، تصریح کنند.

احمد بن محمد بن صدیق، ابو الفیض غماری حسنی شافعی مغربی، در کتاب ارزشمند ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون متواتر بودن حدیث های مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به شیوه ای بی نظیر و بی سابقه ثابت می کند و بی اساس بودن تضعیف های ابن خلدون را در باره این حدیث ها به خوبی نشان می دهد. در برابر، افرادی چون احمد امین مصری، محمد فرید وجدی و امثال آنها، اظهار نظرهای ابن خلدون را مستندی برای گفته های ناصحیح خود برگزیده اند!!

غماری مغربی، به تفصیل حدیث های مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را با تحقیق گسترده از کتاب های اهل سنت، استخراج و روایت کرده، راویان آنها را به ترتیب برشمرده است: نخست اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، سپس تابعین و تابعین تابعین و بالاخره محدثان.

ابوالفیض در بخشی از کتابش گوید: «بر کسی پوشیده نیست که به طور طبیعی و معمولی، غیرممکن است گروهی بیش از سی نفر از طبقات مختلف اجتماعی و بدون آشنایی با یکدیگر بر یک سخن متفق شوند. البته این تعدادی است که تا امروز توانسته ایم از آن آگاه شویم. ما روایات مربوط به حضرت مهدی را از برخی صحابه روایت می کنیم؛ مانند: ابو سعید خدری، عبدالله بن مسعود، علی بن ابیطالب علیه السلام، ام سلمه، ثوبان عبد الله بن جزء بن حارث زبیدی، ابوهیره، انس بن مالک، جابر بن عبدالله انصاری، قره بن ایاس مزنی، ابن عباس، ام حبیبه، ابوامامه، عبد الله بن عمرو بن عاص، عمار بن یاسر، عباس بن عبد المطلب، حسین بن علی علیهما السلام، تمیم داری، عبد الرحمن بن عوف، عبد الله بن عمر بن الخطاب، طلحه، علی

---

۱- «حدیث یا متواتر است یا آحاد. متواتر، در لغت، آمدن یکی پس از دیگری بلافاصله است و در اصطلاح علم الحدیث، منظور خبر جماعتی است که فی حد نفسه، نه به ضمیمه قرائن، اتفاق آنان بر دروغ محال، و در نتیجه، موجب علم به مضمون خبر باشد»: کاظم مدیر شانه چی، علم الحدیث، ص ۱۴۴.

هلالی، عمران بن حصین، عمرو بن مَرْه جهنی، معاذ بن جبل و مرسله شهر بن حوشب. البته خبرش مرفوعه است، نه موقوفه و مقطوعه؛ هر چند که احادیث موقوفه و مقطوعه در این مبحث بسان احادیث مرفوع به شمار می آیند و با پی گیری می توانیم تعداد بسیاری از آنها را ذکر کنیم؛ ولی معتقدیم که حدیث های مرفوع، ما و شما را بسنده باشد. (۱)

ابوالفیض غماری شافعی، حدیث های مربوط به حضرت مهدی علیه السلام را از بیش از سی صحابی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت و سلسله راویان و محدثان آنها را با دقت و تفصیل بیان کرده است. (۲)

برخی دیگر از کسانی که به تواتر احادیث مربوط به حضرت مهدی تصریح کرده اند، بدین قرارند:

۱. حافظ ابو عبدالله گنجی شافعی (م ۶۵۸ ق)، در کتاب البیان، می نویسد: «تَوَاتَرَتِ الْأَخْبَارُ وَ اشْتَفَاَصَتْ بِكَثْرَةِ رُؤَاتِهَا عَنِ الْمُصْطَفَى فِي أَمْرِ الْمَهْدِيِّ»؛ «احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره مهدی به دلیل راویان بسیاری که دارد، به حد تواتر رسیده است».

۲. ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ ق) که او را «حافظ عصر» خوانده اند، در کتاب فتح الباری در شرح صحیح بخاری می گوید: «تَوَاتَرَتْ الْأَخْبَارُ بِأَنَّ الْمَهْدِيَّ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ أَنَّ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ سَيُنزَلُ وَ يَصِلِي خَلْفَهُ»؛ (۳) «اخبار متواتر رسیده است که مهدی از این امت است و عیسی فرود خواهد آمد و پشت سر او نماز خواهد خواند».

۳. ابن حجر هیتمی (م ۹۷۴ ق) درباره این احادیث گفته است: «احادیثی که در آنها مهدی ذکر شده است، فراوان و متواتر می باشند» (۴) به جز موارد یاد شده، دانشمندان دیگری نیز به متواتر بودن روایات حضرت مهدی علیه السلام تصریح کرده اند. (۵)

۱- ابراز الوهم المکنون، ص ۴۳۷.

۲- سید ثامر هاشم العمیدی، مهدی منتظر در اندیشه اسلامی، ص ۵۰.

۳- فتح الباری، ۵، ص ۳۶۲.

۴- الاشاعه فی اشراط الساعه، ص ۸۷.

۵- ر. ک: لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۵، پانوش؛ و نیز ر. ک: مهدی منتظر علیه السلام در اندیشه اسلامی، صص ۶۰ ۶۷.

در پایان ذکر نکاتی درباره کتاب‌های یاد شده، خالی از فایده نیست:

یکم. کتاب‌هایی که که ویژه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نگارش یافته و یا فصل‌هایی که در دیگر کتاب‌ها، درباره آن حضرت آمده، بر اساس احادیث نبوی است.

دوم. در این کتاب‌ها، احادیث بسیار جالب، در باره مسائل حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، روایت شده است.

سوم. در برخی از اینها، آیاتی از «قرآن کریم»، در باره آن حضرت مطرح گشته است.

چهارم. در میان این کتاب‌ها، بعضی پیش از میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و برخی نیز در عصر غیبت صغرا و بعد از آن تألیف یافته است.

پنجم. در میان آنها از معتبرترین کتاب‌های اهل سنت نیز وجود دارد؛ مانند: صحاح شش گانه، مسند احمد بن حنبل و ...

ششم. بسیاری از این کتاب‌ها و چه بسا نوع آنها در محیط‌هایی فارغ از هر گونه وابستگی به شیعه، تألیف یافته است.

هفتم. در این کتاب‌ها، مسائل گوناگون و حقایق بسیاری در باره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آمده است. همچنین تأییدات و سخنانی مفید از خود عالمان، محدثان و مفسران اهل سنت در این باره ذکر شده است. (۱)

## خودآزمایی

۱. جایگاه مهدویت نزد اهل سنت را به استناد دو سخن از بزرگان ایشان بیان کنید.
۲. در میان کتاب‌های اولیه اهل سنت، کدام کتاب است که بیشترین احادیث مهدویت در آن ذکر شده است؟ در باره آن توضیح دهید.
۳. دو کتاب از کتاب‌های روایی اهل سنت که ویژه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نگاشته شده، نام برده، در باره هر کدام توضیح مختصری ارائه فرمایید.
۴. دو نفر از دانشمندان اهل سنت که روایات مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را صحیح دانسته‌اند، نام برده سخن ایشان را نقل فرمایید.
۵. تواتر به چه معنا است؟ برخی از کسانی که روایات مهدویت را متواتر دانسته‌اند، نام ببرید.
۶. دیدگاه دو تن از دانشمندان معاصر اهل سنت را (پس از تحقیق) توضیح دهید.

===

منابع برای پژوهش:

۱. سید اسدالله هاشمی شهیدی، ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، (انتشارات مسجد جمکران، ۱۳۸۰، ه. ش.).
۲. سید ثامر هاشم العمیدی، مهدی منتظر در اندیشه اسلامی، ترجمه، محمد باقر محبوب القلوب، (انتشارات مسجد جمکران، ۱۳۸۰، ه. ش.).
۳. سید هادی خسروشاهی، مصلح جهانی و مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه اهل سنت، چاپ دوم، (انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۴ ه. ش.).
۴. علی دوانی، دانشمندان عامه و مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ سوم، (دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۱ ه. ش.).
۵. مهدی فقیه ایمانی، الامام المهدی علیه السلام عند اهل السنه، چاپ دوم، (مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، قم، ۱۴۱۸ ه. ش.).

## درس پنجم: مهدویت از نگاه اهل سنت (۲)

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

مشترکات اهل سنت و شیعه در مهدویت:

۱. حتمی بودن ظهور و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۲. نسب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۲۱. مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
۲۲. مهدی علیه السلام از فرزندان علی علیه السلام
۲۳. مهدی علیه السلام از نسل فاطمه علیها السلام
۳. ویژگی های جسمانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۴. همنام بودن مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
۵. زمینه های ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۶. نشانه های ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۷. امور مربوط به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۸. ویژگی های حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف





همان گونه که در درس گذشته گفته شد، اهل سنت در روایات فراوانی به حقیقت «اندیشه مهدویت» اشاره کرده اند. اگر چه در پاره ای موارد تفاوت هایی با اعتقاد شیعه به چشم می خورد؛ اما موارد مشترک فراوانی نیز وجود دارد.

### مشترکات اهل سنت و شیعه در «مهدویت»

#### اشاره

مشترکات اهل سنت و شیعه در «مهدویت» (۱)

#### ۱. حتمی بودن ظهور و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اولین مسأله ای که بین شیعه و اهل سنت مورد اتفاق است، حتمی بودن ظهور و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. این موضوع یکی از مسلمات اعتقادی این دو گروه است؛ به گونه ای که دهها و بلکه صدها روایت در این زمینه، در منابع روایی آنها وجود دارد.

#### ۲. نسب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

#### اشاره

یکی از مواردی که بین شیعه و سنی تا حدودی اتفاق نظر وجود دارد، تبار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. شیعه این نسب را تا پدر بزرگوار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به روشنی تمام، مشخص

---

۱- از آنجایی که دسترسی به روایات شیعه برای مهدی پژوهان آسان تر است، تلاش شده تا در این درس به روایات اهل سنت بیشتر اشاره شود.

و معرفی کرده است، اما اهل سنت در موارد معینی، بدان اشاره کرده (۱) که از این قرار است:

## ۲۱. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از اهل بیت و فرزندان رسول خدا

ابن ماجه در سنن خود نقل کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «الْمُهْدِيُّ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ يَضِلُّهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي لَيْلِهِ»؛ (۲) «مهدی از ما اهل بیت است و خداوند یک شبه امر او را به سامان می آورد».

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «يُخْرَجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي عِنْدَ انْقِطَاعِ مِنَ الزَّمَانِ وَ ظُهُورِ مِنَ الْفِتَنِ يَكُونُ عَطَاؤُهُ حَشِيًّا»؛ (۳) «هنگام پایان زمان و آشکار شدن فتنه ها، مردی از اهل بیت من خروج خواهد کرد که بخشش او بسیار است».

صنعانی در المصنف از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آورده است: «... فَيَبْعَثُ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ عِثْرَتِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِي ...»؛ (۴) «... پس خداوند مردی از عترت و اهل بیت مرا برانگیزد ...»؛ (۵)

## ۲۲. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نسل حضرت علی علیه السلام

از دیگر موارد اتفاق روایات بین شیعه و سنی، این است که آن حضرت از نسل امام علی علیه السلام است. سیوطی در عرف الوردی نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، دست علی علیه السلام را گرفت و فرمود: «سَيُخْرَجُ مِنْ صَلْبِ هَذَا فَتَى يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا»؛ (۶) «از نسل این شخص، به زودی جوانی خروج خواهد کرد که زمین را پر از عدل و داد می کند...».

جوینی شافعی در فرائد السمطين از ابن عباس نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِمَامٌ أُمَّتِي وَ خَلِيفَتِي عَلَيْهَا بَعْدِي وَ مِنْ وُلْدِهِ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ الَّذِي يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ

۱- اگر چه در درس «نسب حضرت مهدی علیه السلام»، به موارد فراوانی اشاره خواهد شد، اما به تناسب در این درس نیز به پاره‌ای از موارد اشاره می شود.

۲- ابن ماجه، سنن، ج ۲، ح ۴۰۸۵؛ كشف الغمه، ج ۲، ص ۴۷۷؛ دلائل الامامه، ص ۲۴۷.

۳- ابن ابی شیبه، الكتاب المصنف، ح ۳۷۶۳۹؛ كشف الغمه، ج ۲، ص ۴۸۳.

۴- صنعانی، المصنف، ج ۱۱، ح ۲۰۷۷۰؛ طبرانی، معجم الكبير، ج ۱۰، ح ۱۰۲۱۳.

۵- و نیز: ر. ک: مقدسی شافعی، عقد الدرر، ص ۳۶.

۶- جلال الدین سیوطی، الحاوی للفتاوی، کتاب: العرف الوردی، ص ۷۴ و ص ۸۸.

الارض عدلا و قسطا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا...»<sup>(۱)</sup> «همانا علی بن ابی طالب امام امت من و جانشین من بر آنان بعد از من است. از فرزندان او، قائم منتظر است که خداوند به وسیله او زمین را پر از عدل و داد می کند؛ آن گونه که پر از ستم و بیداد شده باشد...».

شیخ صدوق رحمه الله از حضرت باقر علیه السلام چنین آورده است: «امیرمؤمنان علی علیه السلام هنگام بازگشت از نهروان در کوفه خطبه می خواند، در این میان خبر رسید که معاویه از او بدگویی می کند و بر او نفرین می فرستد و یارانش را می کشد، حضرت بلند شد و خطبه ای خواند تا بدان جا که فرمود: از فرزندان من است مهدی این امت»<sup>(۲)</sup>.

### ۲۳. حضرت مهدی از نسل فاطمه علیها السلام

در روایات فراوانی از اهل سنت، به این مطلب تصریح شده که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از فرزندان فاطمه علیها السلام است: این ماجه از ام سلمه نقل کرده که وی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چنین شنید: «الْمَهْدِي مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ»<sup>(۳)</sup> «مهدی از فرزندان فاطمه است»<sup>(۴)</sup>.

شیخ طوسی قدس سرّه نیز از امام باقر علیه السلام نقل کرده است: «مهدی مردی از فرزندان فاطمه علیها السلام است»<sup>(۵)</sup>.

### ۳. ویژگی های جسمانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

#### اشاره

در باره ویژگی های جسمانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ظهور، روایات فراوانی در کتاب های شیعه و اهل سنت آمده است. بعضی از این ویژگی ها بدین قرار است:

### ۳۱. قدرتمند بودن آن حضرت هنگام ظهور

در روایاتی تأکید شده که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ظهور دارای بدنی بسیار قدرتمند است<sup>(۶)</sup>.

۱- جوینی شافعی، فرائد السمطين، ج ۲، ۳۲۷، ح ۵۸۹؛ شیخ صدوق رحمه الله، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۷، باب ۲۵، ح ۷.

۲- شیخ صدوق رحمه الله، معانی الاخبار، ص ۶۱.

۳- سنن ابن ماجه، ح ۴۰۸۶؛ ابی داود، سنن ابی داود، ج ۴، ح ۴۲۸۴؛ نعیم بن حماد، الفتن، ص ۳۷۵؛ حاکم، المستدرک،

ج ٤، ص ٥٥٧.

٤- و نیز: ر. ك: كنجی شافعی، البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص ٣٠؛ مقدسی شافعی، عقد الدرر، ص ٣٥؛ جلال الدین سیوطی، الحاوی للفتاوی، ص ٦٩.

٥- محمد بن حسن طوسی رحمه الله، كتاب الغیبه، ص ١٨٧.

٦- البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص ٧٨؛ الحاوی للفتاوی، ص ٧٩.

**۳۲. چهره نورانی**

جوینی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده است: «الْمَهْدِي مِنْ وُلْدِي ... كَأَنَّ وَجْهَهُ كَوْكَبٌ دُرِّي...»؛<sup>(۱)</sup> «مهدی از فرزندان من است ... چهره اش همانند ستاره ای درخشان است».

**۳۳. پیشانی بلند و بینی کشیده**

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با پیشانی بلند و بینی کشیده، توصیف شده و این تعبیر فراوان در احادیث اسلامی آمده است. صنعانی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است: «ان المهدي اقنى اجلى»؛<sup>(۲)</sup> «مهدی بینی کشیده (با انحای وسط) و بلند پیشانی است».

این مضمون در کتاب های اهل سنت، مورد اشاره قرار گرفته است. از حضرت علی علیه السلام نقل شده که به امام حسین علیه السلام نگاه کرد و فرمود: «خداوند از نسل این، کسی را به وجود خواهد آورد که هم نام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باشد... او مردی است پیشانی بلند و کشیده بینی...».<sup>(۳)</sup>

**۳۴. خال بر گونه**

شیخ صدوق رحمه الله نقل کرده است: «بر گونه راست آن حضرت خالی است...».<sup>(۴)</sup> در منابع اهل سنت نیز بدان اشاره شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «... بر گونه راست مهدی، خالی مشکی وجود دارد...».<sup>(۵)</sup>

**۳۵. ظهور در سن چهل سالگی**

۳۵. ظهور در سن چهل سالگی<sup>(۶)</sup>

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «... مهدی از فرزندان من است، در سن چهل سالگی بر انگیخته خواهد شد...».<sup>(۷)</sup>

۱- جوینی، فرائد السمطين، ج ۲، ح ۵۶۵؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۷۰.

۲- صنعانی، المصنف، ح ۲۰۷۷۳؛ سنن ابی داود، ج ۴، ح ۲۴۸۵.

۳- نعمانی، الغیبه، ۲۱۴، ح ۲؛ کشف الغمه، ج ۳، ۲۵۹ و محمدبن جریر طبری، دلائل الامامه، ص ۲۵۸.

۴- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ج ۲، ۴۴۵، ح ۱۹.

۵- گنجی شافعی، البیان فی اخبار صاحب الزمان، باب ۸، ح ۵۱.

۶- البته تفاوت شیعه با اهل سنت در این است که شیعه ظهور حضرت مهدی را در سنّ پیری و هیئت چهل سالگی می داند، ولی اهل سنت در سنّ چهل سالگی.

۷- جوینی، فرائد السمطین، ج ۲، ح ۵۶۵، ح ۵۶۵؛ نیز ر. ک: الحاوی للفتاوی، ص ۷۸، عقد الدرر، ص ۶۱.

قطب راوندی نیز نقل کرده است: «نشانه قائم ما هنگام خروج این است که از لحاظ سن، کهنسال؛ ولی از نظر چهره، جوان است. تماشاگر وی گمان می برد که او چهل ساله یا نزدیک به آن است...» (۱). در برخی از روایات نیز بدون اشاره به سن حضرت هنگام ظهور، تنها به جوان بودن ایشان اشاره شده است. (۲).

#### ۴. هم نام بودن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

اهل سنت و شیعه اتفاق نظر دارند که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هم نام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است. (۳) حتی در روایاتی تصریح به نام آن حضرت شده؛ چنان که ابن مسعود از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است: «اسم المهدی محمد». (۴).

#### ۵. زمینه های ظهور

##### اشاره

بعضی از تحولات اجتماعی پیش از ظهور، هم در منابع شیعه و هم در منابع اهل سنت مورد اشاره قرار گرفته است:

#### ۵.۱. ناامیدی کامل مردم

داود ابن کثیر الرقی می گوید: به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: این موضوع (ظهور) برای ما طولانی شد تا بدان جا که سینه های ما تنگ شده است... حضرت علیه السلام فرمود: «هنگامی که ناامیدی از فرج ما بیش از همه چیز شد... منادی از آسمان به اسم قائم ندا خواهد داد...» (۵).

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به حضرت علی علیه السلام فرمود: «ای علی! ظهور مهدی هنگامی خواهد بود که شهرها دگرگون شده، بندگان خدا ضعیف و از فرج و ظهور مهدی مأیوس گردند؛ در این هنگام مهدی قائم از فرزندان من ظاهر گردد». (۶).

۱- راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۳، ۱۱۷۰؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ۳۱۵، ح ۲.

۲- البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۸۴، ح ۵۳؛ الحاوی للفتاوی، ص ۸۸؛ عقد الدرر، ص ۶۵.

۳- مقدسی شافعی، عقد الدرر، ص ۴۵، ص ۵۵.

۴- جلال الدین سیوطی، الحاوی للفتاوی، ص ۸۸.

۵- نعمانی، الغیبه، ص ۱۸۶، ح ۲۹.



٦- قندوزى، ينايع الموده، ص ٥٢٨؛ و نيز ر. ك: البيان فى اخبار صاحب الزمان، ص ٤٢، ح ٢١؛ الحاوى للفتاوى، ص ٩٢.

**۵۲. فراگیر شدن ستم**

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در این باره فرموده است: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا...»؛<sup>(۱)</sup> «اگر از دنیا بیش از یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را چنان طولانی خواهد کرد تا اینکه مردی از اهل بیتم بر انگیخته شود و زمین را آکنده از عدل و قسط کند؛ آن گونه که پر از ظلم و جور شده باشد».

**۶. نشانه های ظهور****اشاره**

در منابع روایی شیعه از پاره ای از حوادث آینده با عنوان نشانه های ظهور یاد شده است. این نشانه ها به دو دسته حتمی و غیر حتمی تقسیم شده و بعضی از آنها در منابع اهل سنت مورد اشاره قرار گرفته است:

**۶۱. ندای آسمانی**

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «در ماه محرم بانگی از آسمان برآید، بدین مضمون که: برگزیده خداوند فلان (مهدی) است؛ پس سخنش را بشنوید و از او پیروی کنید».<sup>(۲)</sup>

امام علی بن ابی طالب علیه السلام نیز فرمود: «هنگامی که بانگ برآورنده از آسمان، بانگی برآورد که حق در آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است؛ در این هنگام مهدی ظهور خواهد کرد...».<sup>(۳)</sup>

امام صادق علیه السلام فرمود: «النِّدَاءُ مِنَ الْمَحْتُمِ...»؛<sup>(۴)</sup> «ندا [ی آسمانی] از نشانه های حتمی است».

**۶۲. سفیانی**

یکی دیگر از نشانه های ظهور مهدی موعود، قیام شخصی با عنوان سفیانی است. در احادیث شیعه

۱- ابی داود، سنن ابی داود، ح ۴۲۸۲.

۲- نعیم بن حماد، الفتن، ص ۹۳؛ مقدسی شافعی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، ص ۷۹، ص ۸۳، ص ۹۹؛ ر. ک: فرائد السمطین، ج ۲، ص ۳۱۶؛ الحاوی للفتاوی، ص ۷۳.

٣- جعفر بن محمد ابن المنادى، الملاحم، ص ١٩٦، ح ١٤٣.

٤- نعمانى، الغيبه، ح ١١.

در روایات فراوانی بر حتمی بودن آن تاکید شده است. (۱) در برخی از احادیث اهل سنت نیز با صراحت از آن به عنوان یکی از نشانه های خروج مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یاد شده است. (۲)

گفتنی است روایات شیعه در این باره، به حدی است که برخی برای آن ادعای تواتر کرده اند. (۳)

### ۶۳. خسف در بیداء

واژه «خسف»، به معنای فرو رفتن و پنهان شدن است و «بیداء» نام سرزمینی بین مکه و مدینه است.

منظور از این نشانه این است که سفیانی با لشکری عظیم، به قصد جنگ با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عازم مکه می شود. آنان در بین مکه و مدینه و در محلی معروف به «بیداء»، به گونه ای معجزه آسا در زمین فرو می روند.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این باره فرمود: «... فَيَبْعَثُ إِلَيْهِ جَيْشٌ مِنَ الشَّامِ حَتَّى إِذَا كَانُوا بِالْبَيْدَاءِ خُسِفَ بِهِمْ...» (۴) «گروهی از شام به سوی او برانگیخته می شوند؛ چون به منطقه بیداء می رسند، به زمین فرو برده می شوند». (۵)

### ۶۴. قتل نفس زکیه

یکی از نشانه هایی که از آن به عنوان نشانه حتمی یاد شده و در برخی از منابع اهل سنت نیز بدان اشاره گشته است؛ کشته شدن انسانی پاک و بی گناه در آستانه قیام حضرت مهدی علیه السلام بین رکن و مقام است. (۶)

۱- ر. ک: نعمانی، الغیبه، ص ۲۵۷، ح ۱۵ و ص ۲۶۴، ح ۲۶؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۰، ح ۵؛ محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۳۵.

۲- الحاوی للفتاوی، ص ۸۰؛ عقد الدرر، ص ۷۶؛ و نیز ر. ک: متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۲۷۳.

۳- لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، فصل ۶، باب ۶، ص ۵۶۸.

۴- صنعانی، المصنف، ج ۱۱، ص ۳۷۱.

۵- و نیز ر. ک: طبرانی، المعجم الاوسط، ج ۲، ص ۳۵؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۲۷۷، ح ۳۱۵۱۳؛ البیان، ص ۴۴، ح ۲۳؛ عقد الدرر، ص ۸۰؛ الحاوی للفتاوی، ص ۷۱.

۶- ابن ابی شیبه، المصنف ج ۸، ص ۶۷۹؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۲۷۷؛ جلال الدین سیوطی، الحاوی للفتاوی، ص ۷۸.

## ۷. امور مربوط به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

### ۷۱. اصلاح امر ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در یک شب

از روایاتی استفاده می‌شود که امر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، در یک شب اصلاح و مهیّا می‌گردد. این مطلب نیز از اموری است که هم شیعه و هم اهل سنت بدان اشاره کرده‌اند. (۱)

### ۷۲. محل ظهور

درباره نقطه آغاز ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و پیوستن یاران خاص به او، احادیث فراوانی ذکر شده است. وجه اشتراک این روایات، این است که ظهور آن حضرت از مکه (۲) و بر اساس روایات فراوانی از کنار کعبه آغاز خواهد شد.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «دسته‌هایی از عراق و بزرگانی از شام، به سوی مهدی می‌آیند و با او میان رکن و مقام بیعت می‌کنند...» (۳) و نیز فرمود: «... با مهدی بین رکن و مقام بیعت می‌شود.» (۴)

البته روایات فراوانی به بیعت آن حضرت با یارانش در میان رکن و مقام اشاره کرده است. (۵)

### ۷۳. بیعت با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

یکی از موضوعاتی که در منابع شیعی و سنی مورد توجه قرار گرفته، بیعت یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با ایشان در طلوعه ظهور است. (۶) همچنین در باره محل بیعت با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف روایات مشترکی نقل شده است. (۷)

### ۷۴. نزول فرشتگان برای یاری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

از جمله موضوعات مشترک، بین شیعه و سنی، نزول فرشتگان برای یاری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱- البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۳۱، ح ۱۱؛ الحاوی للفتاوی، ص ۶۹؛ عقد الدرر، ص ۲۱۰.

۲- نعمانی، الغیبه، ص ۳۱۳، ح ۴ و ۳۱۵، ح ۹؛ مقدسی شافعی، عقد الدرر، باب ۲، ص ۵۶.

۳- نعیم بن حماد، الفتن، بخش چهارم، ص ۲۴۲، ح ۹۵۰.

- ٤- مقدسى شافعى، عقد الدرر، باب ٢، ص ٥٦.
- ٥- ر. ك: صنعانى، المصنف، ج ١١، ص ٣٧١؛ ابن حبان، صحيح ابن حبان، ج ١٥، ص ١٥٩؛ طبرانى، معجم الكبير، ج ٢٣، ص ٢٩٦؛ متقى هندی، كنز العمال، ج ١٤، ص ٢٦٥.
- ٦- گنجى شافعى، البيان فى اخبار صاحب الزمان، ص ٣٥، ح ١٥؛ الحاوى للفتاوى، ص ٨٣؛ عقد الدرر، ص ٨٨؛ فرائد السمطين، ج ٢، ص ٣١٥، ح ٥٦٩.
- ٧- البيان، ص ٤٤، ح ٢٣، عقد الدرر، ص ٥٦.

هنگام ظهور است. (۱)

## ۷۵. نزول عیسی علیه السلام و اقتدا به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

یکی از حوادث بسیار مهم در عصر ظهور بازگشت حضرت عیسی علیه السلام است. این رخداد در روایات بسیاری مورد اشاره قرار گرفته است.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «یلتفت المهدی و قد نزل عیسی بن مریم کانما یقطر من شعره الماء، فیقول المهدی: تقدم، وَصَلِّ بِالنَّاسِ فَيَقُولُ عِيسَى بِنِ مَرْيَمَ: انما اقيمت الصَّلاه لك فيصلي عيسى خلف رجل من ولدي...»؛ (۲)

«مهدی می بیند که عیسی فرود آمده و گویا آب از موهایش می چکد. پس به او می گوید: جلو برو و به نماز بایست؛ عیسی پاسخ می دهد: نماز برای تو، به پا شده و آن گاه پشت سر مهدی به نماز می ایستد...».

همچنین فرموده است: «... جبرئیل نزد من آمد و گفت: ای محمد! خداوند متعال از بنی هاشم هفت چیز را برگزید... و از شما است قائمی که عیسی بن مریم پشت سر وی به نماز می ایستد...» (۳).

امام صادق علیه السلام فرمود: «... وَ يَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ فَيَصِلُ إِلَى خَلْفَتِهِ...»؛ (۴) «... و روح الله عیسی بن مریم فرود آمده، پشت سر او به نماز خواهد ایستاد...».

## ۸. ویژگی های حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

### ۸۱. عدالت گستری

بر اساس روایات فراوانی عدل و قسط از مهم ترین اهداف قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. این مهم علاوه بر روایات شیعه، در انبوه روایات اهل سنت نیز مورد اشاره قرار گرفته است. (۵)

۱- عقد الدرر، ص ۴۶، صص ۱۱۷، ص ۱۸۵؛ الحاوی للفتاوی، ص ۸۸؛ البیان، ص ۸۴ ح ۵۳.

۲- مقدسی شافعی، عقد الدرر، ص ۲۹۲؛ علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۷۸.

۳- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۸، ص ۵۰، ح ۱۰.

۴- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۳۰، ح ۱۶.

۵- مصنف ابن ابی شیبہ، ح ۱۹۴۸۴؛ سنن ابی داود، ح ۴۲۸۲؛ معجم الکبیر طبرانی، ح ۱۰۲۱۹ و ح ۱۰۲۲۰.

## ۸۲. رفاه و آسایش عمومی

از دیگر ویژگی های حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رفاه عمومی است. این ویژگی نیز در روایات شیعه و سنی ذکر شده است (۱). رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «يكون في امتي المهدي... تعيش امتي في زمانه عيشاً لم تعشه قبل ذلك» (۲)؛ «مهدی در امت من خواهد بود... مردم در زمان او چنان زندگی خواهند کرد که هرگز قبل از آن نکرده بودند».

و نیز فرمود: «يكون في أمتي المهدي... يتنعم فيه أمتي نعمته لم يتنعموا مثلها قط» (۳) «مهدی در امت من خواهد بود... مردم در آن دوره به چنان نعمتی دست یابند که در هیچ دوره ای چنین متنعم نشده باشند».

## ۸۳. رضایت همگانی از حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

تمامی مردم پس از ظهور و در دوران حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از حاکمیت آن حضرت رضایت کامل خواهند داشت. این مهم هم در روایات شیعه و هم در روایات اهل سنت ذکر شده است (۴).

## ۸۴. امنیت همه جانبه و عمومی

از ویژگی های مهم جامعه عصر ظهور، امنیت فرا گیر و همگانی در کل کره زمین است (۵). امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید: «به خدا سوگند! [یاران مهدی] آن اندازه می جنگند، تا خدا به یگانگی پرستیده شود و به او شرک نوزند تا آنجا که پیرزنی سالخورده و ناتوان، از این سوی جهان به آن سوی جهان رهسپار می شود و کسی متعرض او نمی گردد» (۶).

## ۸۵. احساس بی نیازی در مردم

یکی از خصلت های مردم در عصر ظهور احساس بی نیازی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است:

۱- البیان، ص ۴۳، ح ۲۲؛ الحاوی للفتاوی، ص ۷۱، عقد الدرر، ص ۱۹۵.

۲- ابن ابی شیبہ، المصنف، ج ۷، ح ۱۹۴۸۴.

۳- ابن ماجه قزوینی، سنن، ح ۴۰۸۳؛ علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۳، ص ۲۵۷.

۴- صنعانی، المصنف، ح ۲۰۷۷۰، البیان، ص ۴۲، ح ۲۱؛ الحاوی للفتاوی، ص ۶۹؛ عقد الدرر، ص ۷۳؛ فرائد السمطین، ج ۲، ص ۳۱۰، ح ۵۶۱.



٥- مقدسى شافعى، عقد الدرر، ص ٢٠٧.

٦- طبرانى، المعجم الكبير، ج ٨، ص ١٧٩.

«أُبَشِّرُكُمْ بِالْمَهْدِي ... وَ يَمْلَأُ اللَّهُ قُلُوبَ أُمَّه مُحَمَّدٍ غَنِي ...»<sup>(۱)</sup>؛ «شما را به مهدی بشارت می دهم... [ به هنگام ظهور او] خداوند دل های امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را سرشار از بی نیازی می کند...»<sup>(۲)</sup>.

## ۸۶. غلبه اسلام بر سایر ادیان

از دیگر موضوعات مشترک بین شیعه و اهل سنت، غلبه اسلام بر دیگر ادیان، در عصر ظهور است.<sup>(۳)</sup>

## ۸۷. جهانی بودن حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

شمار زیادی از احادیث اسلامی بر فراگیری حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تأکید کرده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «... بیایع له الناس بين الركن و المقام، یردالله به الدین و یفتح له فتوحاً، فلا یبقی علی وجه الارض الا من یقول: لا اله الا الله»<sup>(۴)</sup> «...مردم در میانه رکن و مقام [با مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف] بیعت می کنند؛ خداوند به واسطه او، دین را برمی گرداند و پیروزی هایی برای او به وجود می آورد تا بدان جا که هیچ کس بر زمین باقی نمی ماند، مگر آنکه «لا اله الا الله» را می گوید.

امام صادق علیه السلام فرمود: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ لَا تَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا نُودِيَ فِيهَا شَهَادَهُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ»<sup>(۵)</sup> «هنگامی قائم قیام نماید هیچ زمینی نخواهد ماند، مگر آنکه در آن ندای شهادتین (اشهد أن لا إله إلا الله و أن محمداً رسول الله) سر داده خواهد شد».

۱- احمد بن حنبل، مسند، ج ۳، ص ۳۷؛ مقدسی شافعی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، باب ۸، ص ۲۱۹.

۲- و نیز: ر. ک: البیان، ص ۶۱، ح ۳۸؛ الحاوی للفتاوی، ۷۶.

۳- عقد الدرر، ص ۹۵.

۴- مقدسی شافعی، عقد الدرر، باب دوم، یک حدیث به آخر.

۵- عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۷، ح ۸۱.

## خود آزمایی

۱. برخی از موارد مشترک بین شیعه و سنی در باره نسب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نام برده به سه روایت اشاره فرمایید.
۲. حتمی بودن ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به چه معنا است؟ روایت مشترک بین شیعه و سنی را شرح دهید.
۳. در روایات شیعه و اهل سنت کدام یک از نشانه های ظهور به صورت مشترک ذکر شده است؟ به سه مورد اشاره فرمایید.
۴. ویژگی های حکومت مهدی علیه السلام در روایات شیعه و سنی کدام است؟
۵. از جمله مشترکات شیعه و سنی نزول حضرت عیسی علیه السلام و اقتدای ایشان به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. در این باره توضیح دهید.
۶. پس از تحقیق به دو مورد دیگر از مشترکات بین شیعه و اهل سنت در موضوع مهدویت اشاره نمایید.

===

منابع برای پژوهش:

۱. هاشم العمیدی، سید ثامر، مهدی منتظر در اندیشه اسلامی، ترجمه محمد باقر محبوب القلوب، (انتشارات مسجد جمکران، ۱۳۸۰ ه. ش).
۲. کورانی و دیگران، علی، معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، (موسسه معارف اسلامی، قم، ۱۴۱۱ ه.).
۳. مهدی فقیه ایمانی، الامام المهدی علیه السلام عند اهل السنه، چاپ دوم، (مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، قم، ۱۴۱۸ ه.).
۴. سید هادی خسروشاهی، مصلح جهانی و مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه اهل سنت، چاپ دوم، (انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۴ ه. ش).
۵. مهدی فقیه ایمانی، اصالت مهدویت در اسلام از دیدگاه اهل سنت (نویسنده، قم، ۱۴۱۸ ه.).

## درس ششم: انحراف در مهدویت، پیش از ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

برخی از فرقه ها و افراد مدعی مهدویت:

۱. کیساتیه

۲. زیدیه

۳. باقریه

۴. نفس زکيه

۵. ناووسیه

۶. اسماعیلیه

۷. موسویه

۸. محمدیه

۹. عسکریه



«مهدویت» و آموزه‌های آن، سابقه‌ای بس طولانی در اسلام دارد و نقش تأثیرگذار آن بر کسی پوشیده نیست و از طرفی مسلمانان به خصوص شیعیان به این امر بنیادین، اعتقاد راسخ دارند و آن را یکی از باورهای اصولی و اصیل خویش بر می‌شمرند. روشن است، هر چه باوری، واقعی و اصیل بوده و در قلوب توده‌های مردم رسوخ کرده و برای آنان با اهمیت باشد؛ چشم طمع افراد سودانگار و منحرف، بیشتر متوجه آن شده، در صدد سوء استفاده بر خواهند آمد. مهدویت به جهت ویژگی‌های اصیل و پرجاذبه آن برای مسلمانان، بیشتر در معرض بهره‌جویی و استفاده افراد منحرف قرار گرفته است. پیشینه طولانی فرقه‌های منحرف که به قرن نخست باز می‌گردد دلیلی بر این مدعا است؛ زیرا تا باوری اصیل و واقعی وجود نداشته باشد، باورهای دروغین و غیر واقعی بی‌معنا و لغو خواهد بود.

پس گروه‌های منحرف و کثرت آنها دو چیز را در مورد مهدویت آشکار می‌کند :

۱. وجود اصل مهدویت به عنوان یکی از باورهای اصیل مسلمانان؛

۲. مهم بودن اعتقاد به مهدویت در اذهان و قلوب آنان.

## مدعیان مهدویت

### اشاره

«مهدویت» برای جامعه اسلامی، یک مسأله قرآنی و روایی شناخته شده و قطعی است. به جهت استواری این واقعیت عقیدتی دینی، در تاریخ اسلام با شخصیت‌هایی روبه‌رو می‌شویم که بر اثر انگیزه‌های جاه طلبانه، وسوسه قدرت، شهرت و دنیا طلبی و ... به دروغ ادعای مهدویت نموده و

خویش را همان مهدی نجات بخش که قرآن و روایات نوید آمدن او را داده است معرفی کرده اند و یا طرفداران افراطی آنان، برای پیشرفت دنیوی و سیاست خویش، آنان را به عنوان مهدی نجات بخش مطرح ساخته‌اند!!

این افراد به چهار دسته قابل تقسیم اند:

۱. گروهی که از نظر نسب، هویت، هدف و مذهب ناشناخته اند.

۲. جمعی که با کارهای جنون آمیز خویش، خود را از نظرها ساقط کردند.

۳. برخی نام و نشان و دعوت و پیروانشان از صفحه روزگار، به گونه ای محو شده که نشانی از آنها نیست.

۴. عده ای نیز اگر چه مرده اند؛ اما نام و یادی از آنان هست.

در اینجا تنها به برخی از مهم ترین فرقه های و افراد منحرف در موضوع مهدویت قبل از ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره خواهد شد:

## ۱. کیسانیه

### ۱. کیسانیه (۱)

یکی از فرقه ها و شاید اولین فرقه ای که در مهدویت دچار انحراف شد «کیسانیه» است. درباره علت نام گذاری این فرقه به کیسانیه، اختلاف نظر هست؛ برخی نوشته اند: اینان پیروان کیسان آزاد شده امیرمؤمنان علیه السلام بودند. کیسان شاگرد محمد بن حنفیه بود؛ ولی از امام حسن و امام حسین علیهما السلام نیز علوم مختلف از جمله علم تأویل و باطن و علم آفاق و انفس آموخت. سپس به امامت محمد قائل شد و برای او مراتب و درجاتی دانست که خارج از حدّ وی بود. (۲)

برخی نوشته اند: کیسانیه پیروان مختار بن ابی عبیده ثقفی بودند؛ زیرا او ملقب به کیسان بود، از این رو کیسانیه خوانده شدند.

شماری هم نوشته اند: فرمانده پلیس (شرطه) مختار، کیسان نام داشت و کنیه اش ابو عمران بود. او

۱- لازم به یادآوری است که برخی از محققان معاصر، اساساً کیسانیه را انگاره ای عاری از حقیقت دانسته و آن را بسان قصه های هزار و یک شب بافته خیالات و اوهام و ساخته جاعلان سیاست بازی، ذکر کرده اند، که بدون سند و مدرک معتبر از کتابی به کتاب دیگر راه یافته است؟! ایشان بر این باورند که بیشترین مسؤلیت متوجه تاریخ نگارانی است که بی تعهدی نشان داده و در مسیر اغراض سیاسی و حکومتی، جاده صاف کن جاه طلبان و تشنگان ریاست گشته اند. ر. ک: مجله تخصصی کلام، شماره ۱۹-۲۴، مقاله کیسانیه افسانه یا حقیقت؟ اثر سید ابراهیم سید علوی.

٢- شہرستانی، الملل والنحل، ج ١، ص ١٤٧.



در اعمال خود بسیار افراط می کرد و محمد را وصی حضرت علی علیه السلام می دانست و مختار را نایب او معرفی می کرد! (۱)

در هر حال این گروه قائل به امامت محمد بن حنفیه بودند. مختار، نخست برای پیشرفت کار خود دعوت به علی بن الحسین علیه السلام و سپس دعوت به محمد حنفیه می کرد. البته کار او مبتنی بر اعتقاد وی به اهل بیت علیهم السلام نبود؛ بلکه می خواست از آن بهره برداری سیاسی کند و چون کارش بالا گرفت، خود دعوی دریافت وحی از خداوند کرد و عباراتی مسجع و با قافیه، به تقلید از قرآن به زبان راند. محمد حنفیه از وی بیزاری جست و وقتی مختار وی را به کوفه دعوت کرد، او نپذیرفت.

کیسانیه پنداشته‌اند: محمد حنفیه پس از کشته شدن برادرش حسین بن علی علیهما السلام، مختار را بر عراقین فرمانروایی داد و از او خواست از قاتلان آن حضرت، خونخواهی کند. کیسانیه شش سال بعد از شهادت امام حسین علیه السلام، قیام کرده، قائل به امامت محمد حنفیه شدند. آنان معتقد بودند: وی اسرار دین و علم تأویل و علوم باطنی را از دو برادرش حسن و حسین علیهما السلام فرا گرفته است. برخی از کیسانیه ارکان شریعت (مانند نماز و روزه) را تأویل کرده و قائل به تناسخ و حلول بودند. (۲)

عقاید مشترک کیسانیه:

تمام فرق کیسانیه، دارای بعضی عقاید مشترک هستند؛ از جمله:

الف. اعتقاد به امامت محمد بن حنفیه فرزند علی بن ابی طالب علیه السلام؛

ب. عقیده به مسأله بدا؛

ج. اعتقاد به تناسخ و حلول؛

د. اعتقاد به رجعت (با بیان خاص به خود)؛

ه. اعتقاد به نوعی غلو در حق ائمه و پیشوایان خویش.

غیر از اینها هر یک از این فرقه‌ها، دارای اعتقادی خاص نیز هستند که در کتاب‌های مربوط، ذیل هر فرقه به آن اشاره شده است. کیسانیه پس از درگذشت محمد بن حنفیه، به دو شعبه تقسیم شدند: دسته ای مرگ محمد را انکار کرده، گفتند: وی نمرده و نمی میرد و زنده است؛ امّا غایب شده و در «کوه رضوی» پنهان است تا روزی که به او امر شود و ظهور کند. این دسته وی را همان امام منتظر

۱- نوبختی، فرق الشیعہ، ص ۲۳ و ۲۴.

۲- محمد جواد مشکور، فرهنگ فرق اسلامی، ص ۳۷۳.

می دانند؛ از این رو هیچ کس را پس از وی امام نمی دانند!

گروه دیگر مرگ محمّد را باور کرده، پس از وی ابوهاشم عبدالله بن محمّد را به امامت برگزیدند و به حلول روح محمّد در ابوهاشم اعتقاد یافتند. شماری از کیسانیه نیز پس از مرگ محمّد بن حنفیه، به امامت راستین اعتقاد یافته، مستبصر شدند. (۱)

از جمله اینان می توان سید اسماعیل حمیری را نام برد که نخست کیسانی مذهب بود، تا آنکه به دیدار امام صادق علیه السلام نایل آمد و نشانه های امامت و وصایت را در او دید و از ایشان از امر غیبت پرسش کرد. امام صادق علیه السلام فرمود: آن حق است ولیکن غیبت در دوازدهمین امام واقع می شود. آن گاه سید را از مرگ محمد بن حنفیه آگاه فرمود و اینکه پدرش امام باقر علیه السلام شاهد به خاک سپردن او بوده است. حق بر سید روشن شد و از آن عقیده برگشت و استغفار کرد. پس به حق گرایید و به مذهب امامی در آمد. (۲)

در مجموع درباره فرقه کیسانیه گفته شده است:

یکم. محمّد بن حنفیه اصلاً ادعای مهدویّت نداشته است.

دوم. مختار ثقفی هم مدعی مهدویّت محمّد بن حنفیه نبود. این اتهامی است که عباسیان و برخی از دشمنان، با انگیزه های مختلف، به آن دامن زده اند.

سوم. این فرقه منقرض شده است و کسی در عصر حاضر، اعتقاد به امامت محمّد بن حنفیه ندارد. (۳)

«کیسانیه» بعد از محمد حنفیه دوازده فرقه شدند که نام ایشان، در کتاب های ملل و نحل ذکر شده است.

## ۲. زبیده

از فرقه های معروف شیعه و پیرو زید بن علی بن حسین بن علی علیهما السلام هستند. این گروه به روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تمسک کرده اند که فرمود: «مهدی از فرزندان حسین علیه السلام است و او با شمشیر به پا می خیزد و

۱- ر. ک: مقالات الاسلامیین، ص ۲۳.

۲- شیخ صدوق رحمه الله، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، مقدمه.

۳- ر. ک: محمد بن حسن طوسی رحمه الله، کتاب الغیبه، فصل ۱، الدلیل علی فساد قول الکیسانیه.

مادرش بهترین کنیزان خواهد بود». پس زمانی که زید بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب قیام خود را علیه امویان آغاز کرد؛ گفتند: چون او از نسل حسین علیه السلام است و قیام به سیف علیه ظالمان کرده و از سویی فرزند اسیر است، پس او مهدی موعود می باشد! (۱)

زید بن علی خود از بزرگان بود و خلفای اموی را بر حق نمی دانست. او علیه آنان قیام کرد و به طرف کوفه رفت و به همراهی چهار هزار نفر، با حاکم عراق (یوسف بن عمر)، به جنگ برخاست. کار زید در کوفه ده ماه طول کشید تا اینکه در سال ۱۲۲هـ به دستور هشام بن عبدالملک اموی، به دار آویخته شد. سرش را به دمشق نزد هشام و از آنجا به مدینه بردند. امام باقر علیه السلام درباره زید می فرمود: «خدایا! پشت مرا به زید محکم فرما». آن حضرت با مشاهده زید، آیه (یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط شهداء لله...) (۲) را تلاوت می کرد و می فرمود: «ای زید! تو نمونه عمل به این آیه هستی». (۳)

پیروان زید اطراف یحیی و فرزندش را گرفتند. یحیی در خراسان قیام کرد (۱۲۵هـ) و در جوزجان کشته شد. پیروان او به فرقه های مختلف (رافضیه، جارودیه، عجلیه، بتریه، صالحیه و زیدیه)، تقسیم و قائل به مهدویت زید و منتظر ظهور او شدند. (۴) زید از حیث علم، زهد، ورع، شجاعت و دیانت، از بزرگان اهل بیت علیهم السلام به شمار می رود. اینکه خود زید ادعای امامت یا مهدویت داشته باشد، در منابع یافت نشده است؛ بلکه روایتی از خود او، مؤید عقیده صحیحش در امر مهدویت است. ایشان می فرماید: پدرم علی بن حسین علیهما السلام از پدرش حسین بن علی علیهما السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده است: «ای حسین! تو امامی و نه تن از فرزندان تو امینان و امامان معصومانند و نه من آنان، مهدی ایشان است». (۵)

### ۳. باقریه

«باقریه»، به گروهی از شیعیان گفته می شود که معتقد به رجعت امام محمد باقر علیه السلام بودند. آنان

۱- سید محمد کاظم قزوینی، امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور، ص ۵۶۸.

۲- نساء (۴)، آیه ۱۳۵.

۳- علامه امینی، الغدير، ج ۳، ص ۱۷۰.

۴- شهرستانی، الملل و النحل، ج ۱، ص ۵۴.

۵- علی بن محمد خزاز رازی قمی، کفایه الاثر فی النصوص علی الائمه الاثنی عشر، ص ۳۲۷.

رشته «امامت» را از حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام به نواده او امام باقر علیه السلام کشانیده و او را «مهدی منتظر» می دانستند.

به نظر آنان جابر بن عبدالله انصاری روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به او فرموده است: «انک سَتُدْرِکُ رَجُلًا مِنْ اَهْلِ بَيْتِي اسْمُهُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ يُكْنَى اَبَا جَعْفَرٍ فَاقْرَئْهُ مِنْي السَّلَامَ»؛<sup>(۱)</sup> «همانا تو مردی از اهل بیت مرا که نام او محمد بن علی و کنیه اش اباجعفر است خواهی دید و چون او را دیدی سلام مرا به وی برسان».

جابر آخرین کس، از اصحاب پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بود که در سن پیری و نایبایی در گذشت. وی به دنبال امام محمدباقر علیه السلام که در آن وقت کودک بود در کوچه های مدینه می گشت و می گفت: «یا باقر! متی القاک؟» یعنی، ای باقر! من کی تو را دیدار خواهم کرد؟

روزی در یکی از کوچه های مدینه، به آن حضرت برخورد و او را به سینه خود چسبانید. سر و دستش را بوسید و گفت: «يَا بَنِي! حَيْدُكَ رَسُولُ اللَّهِ يَفْرَتُكَ السَّلَامُ»؛<sup>(۲)</sup> یعنی، ای فرزند من! جدت رسول خدا به تو سلام می رساند. گویند: جابر در همان شب پس از دیدار آن حضرت، در گذشت.

«باقریه» گویند: از آنجایی که جابر مأمور رسانیدن سلام از طرف جدش به وی بود، پس آن حضرت «مهدی منتظر» است!<sup>(۳)</sup> البته این استدلالی بسیار سست و واهی است.

بر خلاف این توهم، روایات فراوانی حتی از خود امام باقر علیه السلام این ادعا را باطل می داند. ابوبصیر نقل کرده که امام باقر علیه السلام فرمود: «بعد از حسین علیه السلام نه امام می آیند، نه من از آنان قائم ایشان است».<sup>(۴)</sup>

در روایت دیگر، ابراهیم بن عمر کناسی می گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود: «همانا برای صاحب این امر دو غیبت خواهد بود؛ قائم، قیام می کند، در حالی که بیعت کسی

۱- کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۰۴.

۲- ر.ک: بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۱۸۵.

۳- فرهنگ فرق اسلامی، ص ۹۶.

۴- محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۴۰.

بر گردش نیست» (۱).

#### ۴. نفس زکیه

او محمّد بن عبدالله، معروف به نفس زکیه، است. مادرش هند، دختر ابوعبیده بن عبدالله (۲) بود. برخی از خاندان او و فرقه جارودیه، وی را مهدی موعود (۳) دانسته اند. او در سال ۱۴۵هـ (۴) ادعای مهدویت نمود و به وسیله منصور دوانیقی کشته شد! جالب اینکه پدر او نیز با پسرش به عنوان مهدی بیعت کرده است. (۵)

نفس زکیه اولین کسی از علویان است که در روزگار عباسیان، قیام کرد و معاصر امام صادق (۶) علیه السلام بود. وی از بیعت با منصور خودداری کرد.

نام گذاری به نفس زکیه

علما و دانشمندان آل ابی طالب او را نفس زکیه و مقتول «أحجار الزّیت» می دانند. محدث قمی در تتمه المنتهی می گوید: «محمّد را از جهت کثرت زهد و عبادت، نفس زکیه لقب دادند».

محمّد در میان خاندان خویش، از همه برتر و نسبت به علم و دانش کتاب خدا، از همگان داناتر بود. شجاعت، بخشش، صلابت و سایر مزایای او از همگان بیشتر بود؛ از این رو پیروانش شک نداشتند که او همان مهدی موعود است.

امام صادق علیه السلام خطاب به عبدالله بن حسن فرمود: «گمان می بری که پسر همان مهدی است؟! چنین نیست و وقت آن نرسیده است». عبدالله به خشم آمد و گفت: من خلاف آنچه تو می گویی، می دانم. والله! خداوند تو را بر غیب خویش آگاه نکرده است. حسد بر پسر من، تو را به این بیان واداشت. حضرت فرمود: «به خدا سوگند! حسد مرا وادار نکرد؛ ولی این مرد و برادران و فرزندان، برابر شما هستند (آنها به خلافت می رسند، نه شما)». پس دست بر شانه عبدالله بن حسن زد و فرمود:

۱- نعمانی، الغیبه، ص ۱۱۳.

۲- ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۲۲۱.

۳- ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۲۲۲.

۴- ابوحنیفه احمد بن داود، اخبار الطوال، ص ۳۸۵.

۵- سید محمد کاظم قزوینی، امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور، ص ۵۷۰.

۶- حسن ابراهیم حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ج ۲، ص ۱۲۶.

«این خلافت به شما نخواهد رسید و به زودی هر دو پسر ت کشته می شوند».

## ۵. ناوسیه

«ناوسیه» برگرفته از اسم شخصی با نام «ناووس» از اهالی بصره است (۱). برخی گفتند: او عبدالله ابن ناووس یا عجلان بن ناووس نام داشت. وی می گفت: حضرت علی علیه السلام برترین فرد امت اسلام بود و هر که او را تفضیل ندهد، کافر است. آنان امامت را در حضرت جعفر بن محمد علیهما السلام متوقف می دانند و معروف به «صارمیه» هستند.

ناوسیه می گفتند: جعفر بن محمد علیهما السلام زنده است و نمی میرد. او مهدی آخر الزمان است. آشکار می شود و بر مردمان فرمانروایی می کند. آنان می پنداشتند: از وی روایت شده است: «اگر کسی بر شما فراز آید و بگوید که مرا بیمار یافته و مرده مرا شسته است؛ باور نکنید و بدانید که من سرور شما و دارنده شمشیر هستم». به جهت کلمه «شمشیر» این طایفه را «صارمیه» نیز خوانده اند. (۲)

این ادعا نسبت به امام صادق علیه السلام درست نیست؛ چرا که آن حضرت به شهادت رسیده و این امر در تاریخ ثبت شده است. (۳) اگر شک در شهادت حضرت بکنیم؛ باید شک در شهادت پدران و اجداد بزرگوارش هم بکنیم؛ و آن وقت است که باید مانند غالیان و مَفْوْضَه، منکر شهادت امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام شویم!

امام صادق علیه السلام خود می فرماید: «هنگامی که سه اسم محمّد، علی و حسن علیهم السلام، به طور متوالی در امامان علیهم السلام جمع شد، چهارمین آنان قائم است».

مفضل بن عمر گوید: بر امام صادق علیه السلام وارد شدم و عرض کردم: ای آقای من! کاش جانشین خودت را به ما معرفی می کردی. فرمود: «ای مفضل! امام بعد از من فرزندانم موسی است و امام خلف و موعود منتظر (محمد)، فرزند حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی است». (۴)

این گروه پس از چندی از بین رفتند و الآن وجود خارجی ندارند. (۵)

۱- شهرستانی، الملل والنحل، ج ۱، ص ۱۸۴.

۲- ر. ک: الفرق بین الفرق، ص ۳۳؛ فرهنگ فرق اسلامی، ص ۴۳۶.

۳- ر. ک: شیخ صدوق رحمه الله، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، مقدمه.

۴- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۴، ح ۴.

۵- ر. ک: محمد بن حسن طوسی رحمه الله، کتاب الغیبه، فصل ۱، الدلیل علی فساد قول الناوسیه.

**۶. اسماعیلیه**

«اسماعیلیه» به امامت شش امام اول شیعیان اثنی عشری معتقد بودند؛ اما پس از امام صادق علیه السلام بزرگ‌ترین فرزند او اسماعیل، یا فرزند او محمد را به امامت پذیرفتند. اسماعیل بزرگ‌ترین فرزند امام صادق علیه السلام و مورد علاقه آن حضرت بود.

اگر چه از بعضی روایات، خلاف این به دست می‌آید؛ ولی دانشمندان شیعه او را بزرگ داشته و از وی به نیکی یاد کرده‌اند. به نظر شیخ طوسی رحمه الله او جزو رجال امام صادق علیه السلام و اصحاب ایشان است. با توجه به علاقه امام صادق علیه السلام به اسماعیل، او مردی جلیل‌القدر بوده است.

ریشه پیدایش اسماعیلیه، شاید در این نکته نهفته باشد که اسماعیل فرزند ارشد امام صادق علیه السلام، مورد احترام آن حضرت بود؛ به همین دلیل برخی می‌پنداشتند پس از امام صادق علیه السلام او به امامت خواهد رسید. اما اسماعیل در زمان حیات امام ششم، از دنیا رفت و آن حضرت شیعیان را بر مرگ پسر گواه گرفت و جنازه او را به صورت آشکار تشییع و دفن کرد.

پس از شهادت امام صادق علیه السلام گروهی از اسماعیلیه، مرگ اسماعیل را در زمان آن حضرت انکار کرده و او را امام قائم دانستند که روزی رجعت خواهد کرد و جهان را از عدل و داد پر خواهد ساخت. اینان مراسم تشییع جنازه اسماعیل از طرف پدر را برای حفظ جان او تفسیر کردند. نوبختی این گروه را «اسماعیلیه خالصه» می‌نامد. (۱)

شیخ مفید قدس سرّه درباره او می‌گوید: اسماعیل بزرگ‌ترین پسر امام صادق علیه السلام بود و امام او را بسیار دوست داشت و نسبت به او بیش از دیگران نیکی و محبت می‌کرد؛ ولی اسماعیل در زمان حیات پدر در «عُریض» (دره ای در نزدیکی مدینه) از دنیا رفت. مردم جنازه اش را به مدینه نزد امام صادق علیه السلام آوردند و در قبرستان بقیع دفن کردند. روایت شده است: حضرت در مرگ او بسیار بی‌تابی می‌کرد؛ به گونه ای که با پای برهنه و بی ردا، به دنبال تابوت او می‌رفت. همچنین دستور فرمود: تابوت او را پیش از دفن، چندین بار به زمین نهادند و هر بار حضرت می‌آمد و پارچه از روی صورتش بر می‌داشت و در روی او نگاه می‌کرد. مقصود امام علیه السلام از این کار این بود که مرگ او را پیش چشم آنان که گمان امامت و جانشینی او را داشتند - قطعی کند و شبهه آنان را درباره زنده بودنش، برطرف سازد و به آنها



بفهماند که اسماعیل از دنیا رفته است.

افرادی از اصحاب که او را پس از حضرت صادق علیه السلام امام می پنداشتند، از این عقیده بازگشتند؛ گروهی اندک از مردمان بی خبر که نه در زمره نزدیکان امام بودند و نه از روایان حدیث آن بزرگوار گفتند: اسماعیل زنده و امام پس از پدرش است و بر این عقیده باقی ماندند! (۱) گروهی از شاخه اسماعیلیه (فرقه مبارکیه) هم محمد بن اسماعیل را مهدی و امام زنده غایب می دانند. (۲)

قرامطه (از گروه اسماعیلیه)، محمد بن اسماعیل را مهدی موعود می دانستند و عقیده داشتند که وی زنده است و در بلاد روم زندگی می کند. آنان در طول تاریخ بدنامی های بسیاری را برای شیعه به ارمغان آورده اند و هنوز هم رسوبات آن، در ذهن بسیاری از مخالفان شیعه مانده است؛ به گونه ای که عقاید قرامطیان را به شیعه نسبت می دهند!!

آنان در بحرین قدرت یافته و تشکیل دولت دادند و به شدت با عباسیان مخالفت کردند. قرامطه، قائم را کسی می دانند که با رسالت و شریعت جدیدی مبعوث می شود و شریعت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را منسوخ می کند! البته این فرقه سیاسی بودند، نه مذهبی و به دنبال اهداف خاص و منافع خود بودند.

طرفداران ابوالخطاب (متوفی ۱۳۸ هـ) قائل به الوهیت امام صادق علیه السلام بودند و ابوالخطاب را فرستاده امام صادق علیه السلام می دانستند! حتی برخی از آنان ابوالخطاب را قائم دانسته، گفتند: وی نمرده است! گروهی از پیروان وی، پس از مرگ اسماعیل، فرزندش محمد را امام دانستند و در هواداری او و فرزندانش، استوار ماندند.

تمام این گروه‌ها از طرف امام صادق علیه السلام مورد طرد و انکار قرار گرفتند. حتی روشن نیست خود محمد بن اسماعیل، ادعای امامت و مهدویت داشته باشد.

از آنجایی که طرح مسأله مهدویت، نوید برپایی حکومت عدل و داد و جایگزینی آن با حاکمیت فاسد و ستمگر عباسیان و حکومت های خشن و بیدادگر تابع آنان بود؛ قشرهای محروم در شهرها و روستاها را متوجه داعیان اسماعیلی می ساخت. آنان مردم را به سوی امامان مستور، که در نهان می زیستند، فرا می خواندند.

۱- شیخ مفید، الارشاد، ص ۵۵۳-۵۵۴.

۲- محدث نوری، نجم الثاقب، ص ۲۱۵.

## ۷. موسویه یا موسائیه

یکی از فرقه های منحرف در باب مهدویت، «موسویه» یا «موسائیه» هستند. آنان طرفدار امامت موسی بن جعفر علیهما السلام و منتظر رجعت او بودند. این گروه را واقفه نیز می گویند. (۱)

از دیدگاه این گروه: امام موسی بن جعفر علیهما السلام نمرده و زنده است تا اینکه شرق و غرب عالم از آن او گردد و جهان را پر از عدل و داد کند و او مهدی قائم است. آنان می گفتند: هارون الرشید و یاران او، به دروغ بر مردم وانمود کردند که آن حضرت مرده است! حال آنکه وی زنده و روی از مردم نهفته است. روایتی از پدرش حضرت جعفر بن محمد علیهما السلام درباره «مهدویت» او آورده اند که: «هُوَ الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ فَإِنْ يَدْهُ رَأْسُهُ عَلَيْكُمْ مِنْ جَبَلٍ فَلَا تُصَدِّقُوا فَإِنَّهُ الْقَائِمُ»؛ (۲) «او مهدی قائم است و اگر ببینید سر او غلتان غلتان از کوهی فرود می آید، باور نکنید و بدانید که او زنده و مهدی قائم آل محمد است».

گروهی گفتند: او امام قائم است و از دنیا رفته است. هیچ امامی جز وی نباشد؛ او پس از مرگ بازگشته و رجعت می کند و در جایی پنهان می شود. یاران او با وی دیدار می کنند و او به ایشان امر و نهی می کند و در این باره روایتی از پدرش آورده اند که گفت: «سَمِيَ الْقَائِمُ قَائِمًا لِأَنَّهُ يَقُومُ بَعْدَ مَا يَمُوتُ»؛ (۳) «بدان جهت قائم را قائم خوانند که پس از مرگ بر می خیزد».

عده ای گفتند: او مرده است؛ ولی دیگر باره بر می خیزد و رجعت می کند. او همانند عیسی بن مریم است؛ جز اینکه عیسی باز نگشت. او به هنگام خود باز می گردد و با قیام خود، گیتی را پر از داد می کند؛ زیرا پدرش درباره وی فرمود: او مانند عیسی بن مریم است و به دست بنی عباس کشته می شود و چنان که گفته بود، به دست ایشان کشته شد!!

گروهی دیگر گفتند: وی کشته نشده و خداوند او را به نزد خود به آسمان برده است و در هنگام قیامش، دیگر بار او را باز می گرداند.

گروهی دیگر که «بشیریه» و پیروان محمد بن بشیر کوفی بودند گفتند: موسی بن جعفر نمرده و هرگز به زندان نرفته است و او مهدی قائم است.

۱- محمد بن حسن طوسی رحمه الله، کتاب الغیبه، الکلام علی الواقفه.

۲- ر. ک: الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۷۱.

۳- ر. ک: کتاب الغیبه، ص ۸۳ و ص ۲۱۸ و ص ۴۷۱.

شیخ طوسی رحمه الله در کتاب الغیبه در ضمن بیان ده ها روایت از این دست، به همه آنها پاسخ داده است. (۱)

#### ۸. محمدیه

آنان طرفداران امامت محمد بن علی بن محمد بن علی بن موسی الرضا علیه السلام بودند. وی از سادات جلیل القدر علوی بود که در زمان حیات پدرش، درگذشت و قبرش (امام زاده سید محمد) امروز در نزدیکی «بلد» در دو فرسنگی سامرا و زیارتگاه است. گویند: محمد را نه پسر بود که چهار تن ایشان به خوی و سلماس در آذربایجان مسافرت کرده و کشته شدند و پنج تن دیگر به لار رفته و در آنجا به قتل رسیدند. طرفداران امامت او گفتند: وی نمرده و زنده است؛ زیرا پدرش او را به امامت نامزد کرد و یارانش را به امامت وی پس از خود آگاه ساخت. از آنجایی که نسبت دروغ بر امام جایز نیست و نیز نمی توان گفت که بدا رخ داده، پس او جانشین پدر است. البته در دیده و چشم مردمان نمودار گشت که او درگذشت؛ ولی او نمرده است و پدرش علی بن محمد از ترس مردم او را غایب ساخت و او مهدی قائم است. (۲)

#### ۹. عسکریه

فرقه‌ای از شیعیان امامیه بودند که حضرت امام حسن عسکری علیه السلام را مهدی موعود پنداشته، به غیبت او قائل شدند. شیخ صدوق رحمه الله از اینها با عنوان واقفیه یاد کرده، می نویسد: واقفیه ادعا کردند که امام حسن عسکری علیه السلام غیبت اختیار کرده است؛ ایشان نیز امر غیبت را صحیح می دانستند. اما در وقوع آن در حضرت عسکری علیه السلام اشتباه نموده، گمان کردند: قائم مهدی، امام یازدهم است! اما چون وفات آن حضرت ثابت شده، گفتار ایشان در این باب باطل است. (۳)

#### سه گروه مدعی مهدویت

از آنچه گفته شد می توان نتیجه گرفت، کسانی که در تاریخ بدین عنوان شهرت یافته اند، به اعتباری بر سه گروه قابل تقسیم اند:

۱. کسانی که دیگران روی انگیزه های خاصی، آنان را «مهدی» نجات بخش خواندند.

۱- ر. ک: کتاب الغیبه، ص ۸۳ و ص ۲۱۸ و ص ۴۷۱.

۲- کتاب الغیبه، ص ۳۹۴.

۳- شیخ صدوق رحمه الله، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، مقدمه.

۲. کسانی که به انگیزه جاه طلبی و قدرت خواهی، چنین ادعای دروغینی داشتند.

۳. کسانی که طبق نقشه استعمار و به اشاره بیدادگران، به چنین فریبی دست یازیدند و خود را مهدی نجات بخش، معرفی کردند.

گروه اول: این واقعیت از تاریخ به دست می آید که برخی از کسانی که ادعای مهدویت به آنها نسبت داده شده، نه از سوی خود آنان سرچشمه گرفته است و نه خود بدان راضی بوده اند؛ بلکه یاران و پیروانشان چنین ادعایی را به آنها نسبت داده و این اندیشه را گسترش دادند! البته می بایست خود آنان، چنین ادعاهای دروغین و نسبت های نادرست را به شدت نفی می کردند؛ اما روشن نیست چرا خود آنان در برابر این عنوان ساختگی، فریاد اعتراض بلند نکردند و پیروانشان کوشیدند تا برخی علایم و نشانه های حضرت مهدی را به این چهره ها تطبیق و تفسیر نمایند!!

برای نمونه از این گروه می توان بدین چهره ها اشاره کرد: ۱. محمد حنفیه، ۲. زید فرزند امام سجاد علیه السلام، ۳. محمد بن عبدالله محض.

گروه دوم: اینان کسانی بودند که به انگیزه های فریبکارانه و جاه طلبانه، ادعای مهدویت نمودند و برای جلب عواطف و به دست آوردن قدرت، به دروغ، خود را مهدی نجات بخش معرفی کردند!

از جمله این گروه، «مهدی عباسی» است. پدرش منصور دوانیقی ادعا کرد: پسرش «مهدی عباسی»، همان مهدی موعود است! این در حالی است که خود او پیش از این ادعا، به محمد بن عبدالله محض به عنوان مهدی نجات بخش است دست بیعت داده بود و او را مهدی نجات بخش می دانست!

گروه سوم: اینان عناصری بودند که بر اساس نقشه و خواست استعمارگران، ادعای مهدویت نمودند! استعمار پلید برای درهم کوبیدن اسلام و ایجاد اختلاف و کینه توزی در جامعه اسلامی، نقشه های خائنانه بسیاری کشید تا به هدف خویش برسد و جهان اسلام را ببلعد! از جمله نقشه های شیطانی آن در این میدان، ساختن مرام ها و مسلک های رنگارنگ در میان مسلمانان و بازی با مفاهیم و اعتقادات دینی آنان بود تا بدین وسیله، بی ایمانی و سست باوری و تزلزل دل ها را در جامعه اسلامی، پدید آورد! از چیزهایی که از آن در این میدان سوء استفاده کرد، اندیشه و عقیده به مهدی موعود بود. در این راه برخی عناصر را به دلخواه خویش تربیت کرد و به آنان دستور داد تا ادعای مهدویت کنند و با همه امکانات آنان را در این راه یاری رسانند!! (۱)

## خود آزمایی

۱. به وجود آمدن گروه های منحرف دو اصل را ثابت می کند؛ آن دو را توضیح دهید.
۲. در باره انحراف کیسانیه در موضوع مهدویت توضیح دهید.
۳. انحراف ناووسیه را در موضوع مهدویت بیان نمایید.
۴. دیدگاه اسماعیلیه را در باره امامت شرح داده، انحراف آنان در موضوع مهدویت را توضیح دهید.
۵. مدعیان مهدویت به اعتباری به سه دسته تقسیم می شوند؛ در این رابطه توضیح دهید.
۶. به دو گروه دیگر غیر از آنچه در درس ذکر شد از مدعیان مهدویت اشاره کرده، توضیح دهید.

===

منابع برای پژوهش:

۱. محمد جواد مشکور، فرهنگ فرق اسلامی، (بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، مشهد مقدس، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ه. ش).
۲. ، تاریخ شیعه و فرقه های اسلام، چ ششم، (انتشارات اشراقی).
۳. شیخ صدوق رحمه الله، کمال الدین و تمام النعمه، ۲ جلد، (دارالکتب الاسلامیه، قم، ۱۳۹۵ ه. ش).
۴. شیخ طوسی رحمه الله ، کتاب الغیبه، (مؤسسه معارف اسلامی، قم، ۱۴۱۱ ه. ش).
۵. مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان علیهم السلام ، (مؤسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق علیه السلام، قم، ۱۳۷۲ ه. ش).

## درس هفتم: شناخت امام زمان عجل الله تعالى فرجه الشريف

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

از شناخت خداوند تا شناخت امام زمان عجل الله تعالى فرجه الشريف

راه های شناخت امام عليه السلام

آثار شناخت و اعتقاد به امام زمان عجل الله تعالى فرجه الشريف

محبت به امام عجل الله تعالى فرجه الشريف

نجات از مرگ جاهلیت

مهدی شخصی و مهدی نوعی



در درس پیش روشن شد: عده ای به دلایلی، در موضوع مهدویت دچار انحرافات جدی شدند. بر این اساس یکی از وظایف مهم در برابر این نوع کژروی ها، شناخت واقعی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و موضوعات مربوط به ایشان است. از این رو این درس به موضوع شناخت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اختصاص دارد. در پایان نیز به مناسبت در باره «مهدی شخصی» و «مهدی نوعی» بحثی کوتاه ارائه خواهد شد.

### از شناخت خداوند تا شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

هدف از آفرینش، بندگی خداوند متعال است (۱) و اساس و پایه بندگی، شناخت او است. (۲) عالی ترین تبلور این معرفت، شناخت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اوصیای او است. بی گمان یکی از وظایف مهم بندگان در مقابل پروردگار، شناخت آن وجود مقدس است. این معرفت زمانی به کمال می رسد که پیامبران خداوند به ویژه پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم را به خوبی شناخته باشند. این مهم نیز حاصل نمی گردد؛ مگر با شناخت اوصیای او به خصوص آخرین حجّت الهی.

امام حسین بن علی علیهما السلام به اصحاب خود فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبَدُوهُ فَإِذَا عَبَدُوهُ اسْتَعْنَوْا بِعِبَادَتِهِ عَنْ عِبَادَةِ مَا سِوَاهُ»؛ «ای مردم! همانا خداوند متعال بندگان را نیافرید، مگر برای آنکه او را بشناسند. پس در آن هنگام که او را شناختند، بندگی او را خواهند کرد. و آن هنگام که او را بندگی کردند، با عبادت او از عبادت غیر او بی نیاز می گردند». شخصی

۱- آیه: (و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون) ؛ ذاریات (۱۵)، آیه ۵۶.

۲- «اول عبادة الله معرفة». شیخ صدوق، توحید، ص ۳۴؛ شیخ طوسی، امالی، ص ۲۲.



پرسید: «ای پسر رسول خدا! پدر و مادرم به فدایت، معنای شناخت خدا چیست؟» سالار شهیدان علیه السلام در پاسخ فرمود: «مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامِهِمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ»؛ (۱) «معرفت خدا عبارت است از اینکه اهل هر زمان امامی را که اطاعتش بر آنان واجب است، بشناسد».

بنابراین به روشنی معلوم می شود که شناخت امام، از معرفت خداوند جدا نیست؛ بلکه یکی از ابعاد آن است. در دعایی صادر شده از ناحیه مقدسه آمده است:

«اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرَّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرَّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حَجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حَجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرَّفْنِي حَجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي»؛ (۲) «خدایا! خودت را به من بشناسان که اگر خود را به من نشناسانی، پیامبرت را نمی شناسم. خدایا! رسول خود را به من بشناسان که اگر رسول خود را به من نشناسانی، حجت تو را نمی شناسم. خدایا! حجتت را به من بشناسان که اگر حجت خود را به من نشناسانی، از دین خود گمراه می شوم».

امامت نقش اساسی در حفظ نظام و کمال بشر و حرکت او به سوی خدا و اجرای احکام الهی دارد و اطاعت امر امام، از نظر شرع و عقل واجب است. از این رو در وجوب شناخت امام بر حسب حکم عقل و شرع جای هیچ گونه تردید و شبهه ای نیست؛ زیرا هم مقدمه اطاعت است و بدون وجوب آن، اطاعت و نصب امام بیهوده خواهد بود، و هم بر حسب آنچه در روایات استفاده می شود، بالخصوص واجب است. (۳)

امیرمؤمنان علی علیه السلام در این باره فرمود: «... وَ إِنَّمَا الْإِئِمَّةُ قُورَاءُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ عُرْفَاؤُهُ عَلَى عِبَادِهِ وَ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفَهُمْ وَ عَرَفُوهُ وَ لَا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرَهُمْ»؛ (۴) «پیشوایان، مدیران الهی بر مردمند و رؤسای بندگان او هستند. هیچ کس مگر شخصی که آنها را بشناسد و آنان نیز او را بشناسند وارد بهشت نخواهد شد. و کسی جز آنکه آنها را انکار کند و آنان نیز او را انکار کنند داخل دوزخ نگردد».

اگر برای کسی این معرفت به دست آمد، هرگز تقدیم یا تأخیر ظهور مهدی آل محمد علیهم السلام گرد

۱- شیخ صدوق رحمه الله، علل الشرایع، ج ۱، ص ۹.

۲- کافی، ج ۱، ص ۳۴۲.

۳- لطف الله صافی گلپایگانی، پیرامون معرفت امام علیه السلام، ص ۶۹.

۴- نهج البلاغه، ص ۲۱۲، خطبه ۱۵۲.

ملال بر خاطرش نشانند.

وقتی ابو بصیر از حضرت صادق علیه السلام پرسید: آیا برای من افتخار حضور در محضر قائم آل محمد علیهم السلام حاصل می‌شود؟ آن حضرت فرمود: «أَلَسْتَ تَعْرِفُ إِمَامَكَ؟» «آیا امام خود را نمی‌شناسی؟» عرض کرد: می‌شناسم؛ به خدا سوگند! شما هستید.

پس آن حضرت فرمود: «وَاللَّهِ مَا تُبَالِي يَا أَبَا بَصِيرٍ أَلَا- تَكُونُ مُحْتَبِئًا بِسَيِّفِكَ فِي ظِلِّ رِوَاقِ الْقَائِمِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ»؛ (۱) «به خداوند سوگند! [در این صورت] هیچ جای نگرانی نیست! اگر این توفیق را نیابی که به همراه قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف، شمشیر به دست گرفته باشی»؛ یعنی، با این شناخت به درجه کسی رسیده ای که در جوار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، در راه خدا به جهاد بر می‌خیزد.

امام همچنین می‌فرماید: «...اعْرِفْ إِمَامَكَ فَإِنَّكَ إِذَا عَرَفْتَ إِمَامَكَ لَمْ يَضُرَّكَ تَقَدُّمُ هَذَا الْأَمْرِ أَوْ تَأَخُّرُ وَ مَنْ عَرَفَ إِمَامَهُ ثُمَّ مَاتَ قَبْلَ أَنْ يَقُومَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ كَانَ بِمَنْزِلِهِ مَنْ كَانَ قَاعِدًا فِي عَسِيكَرِهِ لَا بَلْ بِمَنْزِلِهِ مَنْ قَعَدَ تَحْتَ لَوَائِهِ...»؛ (۲) «امام خود را بشناس! پس همانا هنگامی که امام خود را شناختی، هیچ آسیبی به تو نخواهد رسید؛ از اینکه امر ظهور جلو بیفتد و یا اینکه عقب بیفتد. هر کس که امام خویش را شناخت و آن گاه پیش از آنکه صاحب الامر قیام فرماید از دنیا رفت، بسان کسی است که در سپاه آن حضرت حضور پیدا کرده است. نه، بلکه بسان کسی است که زیر پرچم ایشان حاضر شده باشد...».

## راه‌های شناخت امام علیه السلام

### اشاره

عمده راه‌هایی که در شناخت امام می‌توان از آن استفاده کرد، سه راه است:

### ۱. نص

نص؛ یعنی، تعیین و تصریح پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که مفادش خبر دادن از نصب الهی و یا نصب امام به امر الهی است. در نوع اول نصب بدون واسطه انجام شده و فعل الهی است و نص پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم، مثل خبر دادن از آن است. در نوع دوم فعل الهی، با واسطه پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم است که به امر خدا انجام

۱- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۷۱.

۲- نعمانی، الغیبه، ص ۳۲۹، ح ۲؛ کافی، ج ۱، ص ۳۷۱.

می‌شود و استناد آن به او، مانند استناد افعال ملائکه به خداوند است.

## ۲. کرامت

ظهور کرامت به دست کسی که مدعی امامت باشد، دلیل بر صدق ادعای او است و به بیان برخی از بزرگان، دلیل بر نص و نصب او از جانب خداوند است. در این مسأله دو دیدگاه هست: یکی اینکه کرامت مستقلاً دلیل بر امامت است و دیگری اینکه دلیل اصلی، نصب و نص پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم یا امام سابق است و کرامت، دلیل بر نصب است. اگر نص مفقود باشد و کرامت باشد، کرامت، دلالت می‌کند که نص بر صاحب کرامت بوده و به دست ما نرسیده است.

## ۳. سیره عملی

اخلاق و رفتار، وضع زندگی و علم و دانش یکی از راه‌های شناخت امام، برای کسانی است که اهلیت تشخیص را داشته باشند و بتوانند از اخلاق، سلوک، گفتار و برخوردهای گوناگون، صاحب این مقام را بشناسند. (۱)

امروزه با توجه به انبوه روایات معتبر، راه برای شناخت امام زمان علیه السلام باز است. هشتمین پیشوای شیعیان امام علی بن موسی الرضا علیه السلام می‌فرماید: «...الإِمَامُ أَمِينُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَ حُجَّتُهُ عَلَى عِبَادِهِ وَ خَلِيفَتُهُ فِي بِلَادِهِ وَ الدَّاعِي إِلَى اللَّهِ وَ الدَّابُّ عَنْ حُرْمِ اللَّهِ الإِمَامُ الْمُطَهَّرُ مِنَ الذُّنُوبِ وَ الْمُبْرَأُ عَنِ الْعُيُوبِ الْمَخْصُوصُ بِالْعِلْمِ الْمُؤَسَّسِ بِالْحِلْمِ نِظَامِ الدِّينِ وَ عِزُّ الْمُسْلِمِينَ وَ عَيْظُ الْمُنَافِقِينَ وَ بَوَارُ الْكَافِرِينَ الإِمَامُ وَ أَحَدُ دَهْرِهِ لَا يُدَانِيهِ أَحَدٌ وَ لَا يُعَادِلُهُ عَالِمٌ وَ لَا يُوجِدُ مِنْهُ بَدَلٌ وَ لَا لَهُ مِثْلٌ وَ لَا نَظِيرٌ مَخْصُوصٌ بِالْفَضْلِ كُلِّهِ مِنْ غَيْرِ طَلَبٍ مِنْهُ لَهُ وَ لَا اِكْتِسَابٍ بَلِ اِخْتِصَاصٌ مِنَ الْمُفْضِلِ الْوَهَّابِ...»؛ (۲)

«امام امانت دار الهی در میان خلقش، حجت او بر بندگانش، خلیفه او در سرزمین هایش، دعوت کننده به سوی خدا و دفاع کننده از حقوق واجب او بر بندگان است. امام پاک از گناه و به دور از عیب‌ها است. دانش‌ها به او اختصاص دارد و او به بردباری شناخته می‌شود. امام نظام دهنده به دین و باعث سربلندی

۱- ر.ک: لطف الله صافی گلپایگانی، پیرامون معرفت امام علیه السلام، صص ۷۷-۷۸.

۲- محمدبن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۰۱.

مسلمانان و خشم منافقان و از بین رفتن کافران است. امام یگانه روزگار خویش است. هیچ کس در مقام، به منزلت او نزدیک نمی شود و هیچ دانشمندی با او برابری نمی کند و جایگزینی برای او پیدا نمی شود و شبیه و مانند ندارد. همه فضیلت ها مخصوص او است، بدون آنکه آنها را طلب کرده باشد. این امتیازی از طرف فضل کننده بسیار بخشنده، برای امام است...» (۱).

به راستی با شناخت همین چند ویژگی، قدم بلندی در راه شناخت امام برداشته می شود و آن گاه نوبت به اطاعت و فرمان برداری می رسد. (۲)

### آثار شناخت و اعتقاد به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

#### ۱. محبت و دوستی امام

یکی از وظایف مهم شیعیان، محبت و دوستی امام است و حتی از برجسته ترین آثار معرفت او، محبت به آن وجود مقدس است. این شناخت به هر میزان بیشتر باشد، محبت آنان فزون تر می شود و هر قدر محبت بیشتر شد، نشان از وجود سنخیت با آن انوار مقدس است. این هم سنخی نیز هر قدر افزایش یابد، نشان از تقرب به ذات اقدس الهی است و این والاترین کمال است.

از آنجایی که خود پیشوایان معصوم علیهم السلام به مقام والای امام و امامت شناختی کامل دارند؛ وقتی سخن از یک امام پیش می آید، در نهایت بزرگداشت از او یاد می کنند.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آن گاه که سخن از آخرین وصی خود به میان می آورد، در نهایت احترام از زیباترین واژگان محبت بهره برده، می فرماید: «بِأَبِي وَ أُمِّي سَيِّمِي وَ شَبِيهِ وَ شَبِيهِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ جُيُوبُ النُّور...»؛ (۳) «پدر و مادرم فدایش باد که او هم نام من و شبیه من و شبیه موسی بن عمران است که بر او نور هایی احاطه دارد...».

امام علی بن ابیطالب علیه السلام نیز می فرماید: «فَانظُرُوا أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ فَإِنْ لَبَدُوا فَالْبُدُوا، وَإِنْ

۱- این روایت مفصل است که علاقه مندان می توانند به متن کامل آن مراجعه می کنند.

۲- یکی از راه های شناخت امام مراجعه به متن ارزشمند «زیارت جامعه» است که به حق اوصاف بلندی از امام در آن ذکر شده است.

۳- علی بن محمد خزاز قمی، کفایه الاثر، ص ۱۵۶.

اِسْتَنْصِرُوكُمْ فَانصُرُوهُمْ، فَلْيَمْرَجَنَّ اللَّهُ [الْفِتْنَةَ] بِرَجُلٍ مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ. بِأَبِي ابْنِ خَيْرِهِ الْأَمَاءِ؛<sup>(۱)</sup> «شما همواره به اهل بیت پیامبرتان نگاه کنید؛ اگر آنان ساکت شدند و در خانه نشستند، شما نیز سکوت کرده، به زمین بچسبید و اگر از شما یاری طلبیدند، به یاری آنان بشتابید. خدای متعال به دست مردی از ما اهل بیت، ناگهان فرج عنایت خواهد کرد. پدرم فدای او باد که فرزند بهترین کنیزان است».

حضرت حسین بن علی علیهما السلام نقل کرده است: مردی نزد پدرم آمد و از اوصاف مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرسید. ایشان وقتی صفات او را ذکر کرد، با حالتی سرشار از عشق و شیدایی، به سینه خود اشاره کرده، آهی کشید و از شدت اشتیاق به ایشان، به سینه خود اشاره فرمود (وَ أَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ شَوْقًا إِلَى رُؤْيَيْهِ).<sup>(۲)</sup>

ابوحمره ثمالی می گوید: «روزی نزد امام باقر علیه السلام بودم که فرمود: «ای اباحمره! یکی از امور یقینی که خداوند آن را حتمی ساخته است قیام قائم ما اهل بیت است و اگر کسی در آنچه که می گویم تردید کند، خداوند را در حالی ملاقات خواهد کرد که به او کافر شده و انکار کننده او است. سپس فرمود: پدر و مادرم فدای او که هم نام من و هم کنیه من است و هفتمین فرد پس از من می باشد».<sup>(۳)</sup>

خلاد بن صفار می گوید: از امام صادق علیه السلام سؤال شد: آیا قائم به دنیا آمده است؟ حضرت فرمود: «لَا وَ لَوْ أَدْرَكْتَهُ لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي»؛<sup>(۴)</sup> «خیر! اگر او را درک کردم، در ایام زندگانی ام خدمت گزار او خواهم بود».

آن حضرت در روایتی دیگر فرموده است: «...أَمَا إِنِّي لَوْ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ لَأَبْقَيْتُ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ»؛<sup>(۵)</sup> «به درستی اگر من آن روز را درک می کردم، جانم را برای صاحب این امر نگه می داشتم».

امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام فرمود: «بِأَبِي وَ أُمِّي! سَمِيَ جَدِّي وَ شَبِيهِ وَ شَبِيهُ مُوسَى

۱- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۴، ص ۱۸ ا و ج ۴۱، ص ۳۵۳ ا و ج ۵۱، ص ۱۲۱.

۲- نعمانی، الغیبه، ص ۲۱۲، ح ۱.

۳- نعمانی، الغیبه، ص ۸۶.

۴- نعمانی، الغیبه، ص ۲۴۵، ح ۲۳.

۵- نعمانی، الغیبه، ص ۲۷۳، ح ۵۰.

بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ جُيُوبُ النُّورِ تَتَوَقَّدُ بِشُعَاعِ ضِيَاءِ الْقُدْسِ...»؛<sup>(۱)</sup> «پدر و مادرم فدای تو که هم نام جَدَم و شبیه من و شبیه موسی بن عمرانی...».

## ۲. نجات از مرگ جاهلی

در روایات فراوانی وارد شده است: «هر کس از دنیا برود و امام زمان خود را نشناسد، به مرگ جاهلی از دنیا رفته است». این روایت در مورد شناخت و معرفت تمامی ائمه علیهم السلام صادق است؛ ولی در خصوص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز روایاتی وارد شده است.

معاویه بن وهب گوید: «شنیدم از امام صادق علیه السلام می فرماید که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مِثَّةً جَاهِلِيَّةً»؛<sup>(۲)</sup> «هر کس بمیرد در حالی که امام خودش را نمی شناسد، به مرگ جاهلی مرده است».

محمد بن عثمان عمری گوید: از پدرم شنیدم که می گفت: من در حضور ابومحمد حسن بن علی علیهما السلام بودم. از آن حضرت درباره این خبر که زمین تا روز قیامت از حجت خداوند بر خلقش خالی نیست و هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلی مرده است پرسیده شد؛ فرمود: «إِنَّ هَذَا حَقٌّ كَمَا أَنَّ النَّهَارَ حَقٌّ»؛ «به راستی این درست است؛ چنان که روز درست است». به او عرض شد: ای فرزند رسول خدا! حجت و امام بعد از شما کیست؟ فرمود: «ابْنِي مُحَمَّدٌ وَ هُوَ الْإِمَامُ وَ الْحُجَّةُ بَعْدِي مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْهُ مَاتَ مِثَّةً جَاهِلِيَّةً أَمَّا إِنْ لَهُ غَيْبَةٌ يَحَارُ فِيهَا الْجَاهِلُونَ وَ يَهْلِكُ فِيهَا الْمُبْطِلُونَ وَ يَكْذِبُ فِيهَا الْوَقَاتُونَ ثُمَّ يَخْرُجُ فَكَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَى الْأَعْلَامِ الْبَيْضِ تَخْفِقُ فَوْقَ رَأْسِهِ بِنَجْفِ الْكُوفَةِ»؛<sup>(۳)</sup> «پسر محمد؛ او امام و حجت بعد از من است. هر کس بمیرد و او را نشناسد، به مرگ جاهلی مرده است. آگاه باشید برای او غیبتی است که نادانان در آن سرگردان می شوند و اهل باطل در آن هلاک می گردند و کسانی که برای آن، وقت معین کنند، دروغ می گویند. سپس خروج می کند و گویا به پرچم های سپیدی می نگرم که بر بالای سر او در نجف کوفه در اهتزاز است».

۱- شیخ صدوق رحمه الله، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷، باب ۳۵، ح ۳.

۲- الغیبه، ص ۱۲۹؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۰۹، ح ۹.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۸۱، ح ۸.

مرگ جاهلی؛ یعنی، مردن بدون شناخت خدا و رسول او صلی الله علیه و آله و سلم. کسی که امام زمان خود را نشناسد، در واقع از گمراهی زمان جاهلیت که خدا و پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم را نمی‌شناختند خارج نشده است. بنابراین، اگر معرفت خدا و رسول او، به معرفت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف منتهی نشود، فایده‌ای برای انسان نخواهد داشت و او را دین دار نمی‌کند.

شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: منظور از جاهلیت، جهل مطلق و نسبت به همه چیز است یا فقط نشناختن امام است؟ آن حضرت فرمود: «جَاهِلِيَّةٌ كُفْرٌ وَ نِفَاقٌ وَ ضَلَالٌ»؛ (۱) «منظور، جاهلیت کفر و نفاق و گمراهی است».

پس نتیجه عدم شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، کفر و نفاق و گمراهی است. البته ممکن است نشناختن، در اثر عدم معرفی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از سوی خدا باشد (بدون کوتاهی خود شخص). این حالت «ضلال» نامیده می‌شود و مرادف با «استضعاف» است. در این حالت، شخص مقصر نیست؛ ولی به هر حال از هدایت الهی و دین داری محروم گشته است. حالت کفر و نفاق مربوط به شخصی است که برایش معرفی الهی صورت گرفته؛ ولی او در پذیرفتن آن کوتاهی کرده است. این دو حالت دارد: یا انکار و عدم تسلیم خود را به صراحت ابراز می‌دارد که کفر نامیده می‌شود و یا آن را مخفی می‌دارد که «نفاق» است. در هر سه صورت، شخص از مسیر عبودیت خداوند، دور افتاده و عاقبت به خیر نیست.

پس شناخت و پیروی از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، نه از باب تعبد؛ بلکه به حکم عقل انسان است. چرا که انسان خداشناس راهی به سوی خدا ندارد؛ مگر از طریقیتی که خود خداوند قرار داده است. جز از این راه، نمی‌تواند از رضا و خشم الهی آگاه شود. مراجعه مردم به ائمه اطهار علیهم السلام، از باب مراجعه نادان به دانا است. این یک حکم عقلی است؛ همچنان که عاقل در امور مادی و دنیوی خود، به دانا و متخصص آن مراجعه می‌کند، در امور معنوی و غیر مادی نیز عقل همین گونه حکم می‌کند. (۲)

۱- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ۱، ص ۳۷۷.

۲- سید محمد بنی هاشمی، معرفت امام عصر علیه السلام، ص ۱۱۱.

## مهدی شخصی و مهدی نوعی

### مهدی شخصی و مهدی نوعی (۱)

بحث درباره مهدی شخصی و نوعی، ارتباط مستقیمی با موضوع شناخت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دارد. لفظ «مهدی» مفهوم عامی دارد و به کار بردن آن به هر فردی که خدا او را هدایت کرده باشد، جایز است. با این مفهوم همه پیامبران و اوصیا علیهم السلام، مهدی هستند و به کار بردن آن در حق شخص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امیر مؤمنان و سایر امامان علیهم السلام جایز است؛ زیرا همه مهدی و هدایت شده اند. حتی به کار بردن این واژه درباره افراد دیگری که در مکتب آن بزرگواران تربیت و هدایت یافته‌اند، جایز است. با این حال روشن است که مقصود از مهدی که بر زبان مبارک حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم جاری شده یک عنوان خاص و لقب شخصی معین و عزیز است. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به ظهور او بشارت داده و مسلمانان را فراخوانده است که در ردیف منتظران ظهور او باشند.

بر حسب اخبار معتبر، «مهدی» لقب موعود آخرالزمان است که حتی تبار و اوصاف او در احادیث معتبر مورد اشاره قرار گرفته است. این ویژگی‌ها بر هیچ کس، جز امام دوازدهم فرزند امام حسن عسکری علیه السلام قابل تطبیق نیست. لقب «مهدی» به این معنا (مورد هدایت خدا و احیا کننده اسلام و پرکننده جهان از عدل و داد و...) نخستین بار در مورد آن حضرت به کار رفت و این در عصر خود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم انجام گرفت و مهدی به عنوان منجی و رهایی بخش معرفی شد.

مهدویت به مفهوم نوعی از هیچ یک از روایات نقل شده از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام قابل استفاده نیست. بر اساس این برداشت، او فردی نامعین است که در زمانی مناسب، زاده خواهد شد و جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد.

از نظر منطق و برهان، «نوعی بودن مهدی» باطل و نادرست است؛ چرا که نقض غرض می‌شود! مقصود از قیام او، پرکردن جهان از عدل و داد است؛ ولی نوعی بودن مهدی، جهان را از ظلم و ستم پر خواهد کرد. در این صورت هر قدرتمند دروغ‌گویی، می‌تواند ادعا کند که مهدی است و به نام عدالت‌گستری، به جهان‌گیری پردازد!! پس مدعیان مهدویت بسیار خواهند شد و در هر زمان و مکانی، ممکن است چند تن، ادعای مهدی بودن کنند و عده‌ای ساده دل و نادان، گرد ایشان جمع شوند و به ظلم و ستم پردازند!! جنگ، سراسر زمین را فراگیرد و از خونریزی و فتنه و آشوب، آکنده گردد و... بنابراین، وجود مهدی نوعی، از نظر اجتماعی محال است.

در این صورت وعده‌های قرآن و پیامبران باطل و دروغ بوده و یا وجود مهدی پس از ظهور،

۱- اگر چه این اصطلاح در بعضی از کتاب‌های متأخرین به کار رفته؛ ولی در هیچ یک از آنها به روشنی تعریف نشده است؛ به گونه‌ای که به نظر می‌رسد هر یک، آن را در معنایی به کار برده‌اند.



قابل انکار و تردید خواهد بود؛ چون دلیلی برای آنکه او مهدی موعود است، وجود ندارد!

در تاریخ اسلام، دیده شده که مدعیان مهدویت، بسیار آمدند و رفتند؛ اما چه خون‌ها که نریختند چه ظلم‌ها و ستم‌ها که نکردند! پس بایستی، مهدی، شخص معینی باشد که شناختش، برای خلق آسان باشد و اشتباهی در تشخیص او رخ ندهد.

آموزه «مهدی نوعی»، با اسلام منافات دارد؛ چون روایات متواتری وارد شده که آن منجی موعود، شخصی معین و زنده است. از طرفی این امر مستلزم آن است که سال‌ها زمین، خالی از حجت باشد و این هم بر خلاف اصول و مبانی اسلام است. با این حال، مدعیان مهدویت، همگی از میان مسلمانان برخاسته‌اند؛ کسانی که از اصول و مبانی اسلام خبر نداشته‌اند و یا حقیقت را به مسلمانان نگفته بودند! (۱).

یکی از دانشمندان شیعه در این باره نوشته است: موضوع مهدی نه اندیشه چشم به راه نشستن کسی است که باید زاده شود و نه یک پیشگویی است که باید در انتظار مصداقش ماند؛ بلکه واقعیتی استوار و فردی مشخص است که خود نیز، در انتظار رسیدن هنگام فعالیتش به سر می‌برد. در میان ما با گوشت و خون خویش زندگی می‌کند؛ ما را می‌بیند و ما نیز او را می‌بینیم. در فضای دردها، رنج‌ها و آرزوهای ما است و در اندوه و شادی ما شریک است. شکنجه‌های آزرده‌گان و تیره‌روزی ناکامان زمین و بیداد ستمگران را از دور یا نزدیک می‌بیند و به انتظار لحظه‌ای است که فرا رسد و دست‌پرتوان خویش را به سوی همه رنج‌کشیدگان، محرومان و سیه‌روزان دراز کند و تومار ستمگران را بریده و درهم پیچید.

البته سرنوشت این رهبر موعود، این است که خود را آشکار نسازد و همراه با دیگران، لحظه موعود را انتظار کشد. ... در احادیث نیز، پیوسته، به «انتظار فرج» و درخواست ظهور مهدی، سفارش شده است تا مؤمنان همواره چشم به راه او باشند. این تشویق، تحقق همان همبستگی روحی و وابستگی وجدانی منتظران ظهور و رهبرشان است. این همبستگی و پیوند پدید نمی‌آید؛ مگر اینکه مهدی را هم اکنون انسانی تجسم یافته بشماریم. تجسم یافتن مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تحرک تازه‌ای به «فکر انتظار منجی» می‌بخشد و آن را از توانایی و آفرینندگی بیشتری برخوردار می‌کند. گذشته از آن، در انسانی که به طرد ستم‌ها پرداخته و رهبر منتظر خود را نیز هم درد، هم رنج، همسان و وابسته به خویش احساس می‌کند و نوعی مقاومت و شکیبایی در برابر دردهایی که در

۱- ر.ک: سید رضا صدر، راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۶۳ و ۶۴.

اثر محرومیت به او رسیده ایجاد می شود. (۱)

یکی از دانشمندان معاصر، بحث «مهدی نوعی» را بر اساس دیدگاه صوفیه چنین شرح کرده است: «صوفیه اعتقاد به ولایت عامّه و مهدویّت نوعیه دارند و اولیا را منحصر به دوازده امام نمی دانند. امروز هم اغلب عقیده دارند که پیر آنها در زمان خود ولی است و هر قطبی منصب ولایت دارد. کسانی امثال بایزید بسطامی، منصور حلاج، محی الدین عربی، احمد غزالی و جنید بغدادی را «ولی» می دانند».

آن گاه با اظهار شگفتی از این نگرش، می نویسد: «عجب است که صوفیان شیعه با این عقیده که مخالف اساس معتقدات شیعه است باز دم از تشیع و لاف محبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می زنند و سایر شیعیان و علمای ربانی را اهل ظاهر و قشری و خود را با انکار ضمنی ولی الله المطلق و مهدی موعود جهان که بعد از امام عسکری علیه السلام جز او ولی و قطب و امامی نیست اهل معنی و اهل لب و «اهل حق» می دانند!!

گویا مولوی نیز در مثنوی چنین دیدگاه ناروایی را مطرح می کند:

پس به هر دوری ولیی قائم است پس امام حی قائم آن ولی است! مهدی و هادی وی است ای راه جو! او چه نور است و خرد  
جبریل اوست

تا قیامت آزمایش دائم است خواه از نسل عمر خواه از علی است! هم نهان و هم نشسته پیش رو! و آن ولی کم از او قنديل  
اوست (۲)

بنابراین شیعه با ردّ این انگاره، تنها به مهدی شخصی معتقد است. چنان که آیت الله حسن زاده آملی می نویسد: «امام زمان در عصر محمدی صلی الله علیه و آله و سلم، انسان کاملی است که جز در نبوت تشریحی و دیگر مناصب مستأثره ختمی، حائز میراث خاتم به نحو اتم است و مشتمل بر علوم و احوال و مقامات او به طور اکمل است. او با بدن عنصری در عالم طبیعی و سلسله زمان موجود است؛ چنان که لقب شریف صاحب الزمان بدان مشعر است، هر چند احکام نفس کلیه الهیه وی بر احکام بدن طبیعی او، قاهر و نشأه عنصری او مقهور روح مجرّد کلی و لوی

۱- سید محمد باقر صدر، جستجو و گفتگو پیرامون حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۶-۸.

۲- علامه مجلسی، مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف (ترجمه جلد سیزدهم بحار الانوار)، ترجمه علی دوانی، ص ۳۴۰، پاورقی.

او است. و از وی به قائم، حجه الله، خلیفه الله، قطب عالم امکان، واسطه فیض و به عناوین بسیار دیگر نیز تعبیر می شود.

این چنین انسان که نامش می برم

من زوصفش تا قیامت قاصر

چنین کسی در این زمان سرّ آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم امام مهدی هادی فاطمی هاشمی ابوالقاسم م ح م د نعم الخلف الصالح و دُرّ یک دانه امام حسن عسکری علیه السلام است. ان هذا لهو الحق الیقین. الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما کنا لنهتدی لولا ان هدانا الله»(۱).

---

۱- حسن حسن زاده آملی، نهج الولاية، ص ۷.

## خود آزمایی

۱. امام حسین علیه السلام شناخت راستین خداوند را در چه دانسته است؟ توضیح دهید.
۲. مهم ترین راه های شناخت امام علیه السلام کدام است؟ توضیح دهید.
۳. بخشی از اظهار محبت معصومین علیهم السلام را درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیان کنید.
۴. دو اثر از آثار عدم شناخت و اعتقاد به امام زمان علیه السلام را توضیح دهید.
۵. مهدی شخصی و نوعی به چه معنا است؟ آن را توضیح دهید.
۶. دو راه دیگر از راه های شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را توضیح دهید.

===

منابع برای پژوهش:

۱. محمد بن یعقوب کلینی، کافی، (دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ ه. ش).
۲. سید رضا صدر، راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۸ ه. ش).
۳. سید محمد بنی هاشمی، معرفت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، (نیک معارف، چ ۳، ۱۳۸۳ ه. ش).
۴. لطف الله صافی گلپایگانی، پیرامون معرفت امام علیه السلام، (موسسه انتشارات حضرت معصومه علیها السلام، قم، ۱۳۷۵ ه. ش).
۵. (ش. ه).



## درس هشتم: نسب پدری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

۱. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، از فرزندان «عبد المطلب»
۲. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، از نسل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با عنوان های
  ۲۱. «عترت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم»
  ۲۲. «اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم»
  ۲۳. «ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم»
  ۲۴. «فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم»
۳. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، از «فرزندان حضرت علی علیه السلام»
۴. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، از «فرزندان فاطمه زهرا علیها السلام»
۵. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، از «فرزندان امام مجتبی علیه السلام»
۶. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، از «فرزندان امام حسین علیه السلام»
۷. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، از «فرزندان امام باقر علیه السلام»
۸. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، از «فرزندان امام صادق علیه السلام»
۹. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، از «فرزندان امام کاظم علیه السلام»
۱۰. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، از «فرزندان امام رضا علیه السلام»
۱۱. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، از «فرزندان امام محمد تقی علیه السلام»
۱۲. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، از «فرزندان امام هادی علیه السلام»



معصومین علیهم السلام پیش بینی می کردند که به لحاظ اهمیت موضوع «مهدویت»، افرادی شیاد پیدا شده و ادعاهای باطلی خواهند کرد. از طرفی موعود امت ها کسی نیست، جز آخرین جانشین پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و مردی از اهل بیت و عترت او، (از نسل دختر بزرگوار ایشان و از فرزندان امام حسین بن علی علیهما السلام) ... از این رو اهتمام ویژه‌ای داشتند تا آن منجی عالم بشریت را به روشنی برای جهانیان معرفی کنند.

ره آورد این اهتمام، صدها روایت نورانی است که به عنوان میراثی گران بها، رهبر آینده جهان را، فرا روی حقیقت جویان عالم نمایان کرده است.

البته در این میان دست های ناپاکی، به عناوین مختلف کار را دشوار کرده اند؛ از جعل روایاتی برای انکار اصل مهدویت گرفته تا روایاتی که او را از فرزندان عباس عموی پیامبر معرفی کرده است!! و نیز احادیثی که او را فرزند عبد الله نامی دانسته تا روایاتی که آن حضرت را از نسل امام مجتبی علیه السلام معرفی کرده است و...!

در یک نگاه کلی می توان روایاتی که در آنها به تبار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره شده، چنین دسته بندی کرد:

#### ۱. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان عبد المطلب»

براساس روایات شیعه و سنی، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از نسل عبد المطلب علیه السلام جد بزرگوار رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است. ابن ماجه و دیگران با سندهایشان از آنس بن مالک نقل کرده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «نَحْنُ وُلْدُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ سَادَةُ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَنَا وَ حَمْرَةُ وَ عَلِيٌّ وَ



جَعْفَرُ وَ الْحَسَيْنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ الْمَهْدِيُّ»؛<sup>(۱)</sup> «ما فرزندان عبد المطلب، سروران اهل بهشتیم؛ من، حمزه، علی، جعفر، حسن، حسین و مهدی».<sup>(۲)</sup>

## ۲. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، از نسل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

### اشاره

این مضمون در گروه های متعددی از روایات به چشم می خورد که بعضی از آنها بدین قرار است:

### ۲.۱ «عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم»

«عترت» در لغت معانی متعددی دارد؛ از جمله نزدیکان شخص از طرف فرزندان و فرزندان آنها؛ اما در اینجا مقصود، ائمه اطهار علیهم السلام است.<sup>(۳)</sup>

احادیث فراوانی با این مضمون که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از عترت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است، در منابع شیعی و سنی وجود دارد. شیخ طوسی رحمه الله با ذکر سند از ابوسعید خدری نقل کرده است: شنیدم رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بر فراز منبر می فرمود: «إِنَّ الْمَهْدِيَّ مِنْ عَتْرَتِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ تُنَزَلُ لَهُ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ تُخْرَجُ لَهُ الْأَرْضُ بَدْرَهَا فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَهَا الْقَوْمُ ظُلْمًا

۱- ابن ماجه، سنن، ج ۲، ص ۱۳۶۸، ح ۴۰۸۷؛ حاکم نیشابوری، مستدرک، ج ۳، ص ۲۳۳، ح ۴۹۴۰.

۲- ر. ک: محمد بن حسن طوسی رحمه الله، کتاب الغیبه، ص ۱۸۳؛ شیخ صدوق رحمه الله، الامالی، ص ۴۷۵.

۳- ر. ک: لسان العرب، ج ۴، ص ۵۳۸؛ مجمع البحرین، ج ۳، ص ۳۹۶، ریشه عتر.

وَ جَوْرًا؛<sup>(۱)</sup> «همانا مهدی از عترت و اهل بیت من است. در آخرالزمان خروج خواهد کرد. آسمان همه برکت هایش را برای او نازل خواهد کرد. و زمین آنچه در خود نهفته دارد، برای او بیرون خواهد ریخت. پس زمین را آکنده از عدل و قسط می کند، آن سان که مردم آن را پر از ستم و بیداد کرده اند.»

همچنین او از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است: «يقوم في آخرالزمان رجل من عترتي شاب حسن الوجه أجلى الجبين أفتى الأنف يملأ الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً...»؛<sup>(۲)</sup> «در آخرالزمان مردی جوان، نیکو صورت، بلند پیشانی، دارای بینی باریک، از عترت من قیام خواهد کرد و زمین را سرشار از قسط و عدل خواهد نمود، آن گونه که از ظلم و جور آکنده شده باشد...».

همو از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده که فرمود: «لا تقوم الساعة حتى تمتلأ الأرض ظلماً وعدواناً قال ثم يخرج رجل من عترتي و من أهل بيتي يملأها قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وعدواناً»؛<sup>(۳)</sup> «قیامت بر پا نمی شود، مگر آنکه دنیا مملو از ستم و دشمنی شود. سپس مردی از عترتم و اهل بیتم، خروج می کند و آن را سرشار از قسط و عدل می سازد، آن سان که از ظلم و دشمنی پر شده باشد.»

در تفسیر قرطبی، روایاتی که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را از عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بیان کرده، متواتر دانسته است: «تواترت على أن المهدى من عتره رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم...»؛ آن گاه با بررسی روایاتی که مهدی را همان عیسی علیه السلام دانسته است؛ بر احادیث مربوط به عترت بودن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف صحه می گذارد: «والأحاديث التي قبله في التنصيص على خروج المهدى و فيها بيان كون المهدى من عتره رسول الله صلى الله عليه وسلم أصح إسناداً...»؛<sup>(۴)</sup> یعنی، و احادیثی که نص بر خروج مهدی است و پیش از این مورد بررسی قرار گرفت که در آن بیان شده بود مهدی، از عترت پیامبر است از نظر سند صحیح تر است ....

## ۲۲. «اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم»

عبدالله بن مسعود می گوید: رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «لا تذهب الدنيا حتى يلي أمتي رجل من أهل بيتي يقال له المهدى»؛<sup>(۵)</sup> «دنیا به پایان نمی رسد؛ مگر اینکه امت مرا مردی

۱- محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۸۰، ح ۲۵.

۲- السنن الواردة فی الفتن، ج ۵، ص ۱۰۳۸.

۳- مسند احمد، ح ۱۱۳۳۱، ح ۱۱۶۸۶، ح ۱۱۲۳۹.

۴- تفسیر قرطبی، ج ۸، ص ۱۲۲.

۵- محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۸۲، ح ۱۴۱.

رهبری کند که از اهل بیت من است و به او مهدی گفته می شود».

و از حضرت علی علیه السلام نقل شده است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «الْمَهْدِي مِّنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ، يَضِلُّهُ اللَّهُ فِي لَيْلِهِ»؛ (۱) «مهدی از ما اهل بیت است و خداوند در یک شب به امر او را به سامان می آورد».

شیخ طوسی رحمه الله با ذکر سند از عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ نقل کرده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «لَا يَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَلِيَ أُمَّتِي رَجُلٌ مِّنْ أَهْلِ بَيْتِي يَقَالُ لَهُ الْمَهْدِي»؛ (۲) «دنیا به پایان نمی رسد؛ مگر اینکه امت مرا مردی رهبری کند که از اهل بیت من است و به او مهدی گفته می شود».

أَبُو سَعِيدٍ خُدْرِيٍّ نيز از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آورده است: «الْمَهْدِي مِّنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ»؛ (۳) «مهدی از ما اهل بیت است». امام باقر علیه السلام نیز در این رابطه از آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است: «خوشا بر احوال کسی که قائم اهل بیت مرا ادراک کند و در غیبت و پیش از قیامت پیرو او باشد. دوستانش را دوست بدارد و با دشمنانش دشمن باشد؛ چنین کسی در روز قیامت از رفیقان و دوستان من و گرامی ترین امت من خواهد بود». (۴)

ابوداود با ذکر سند از حضرت علی علیه السلام آورده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدَّهْرِ إِلَّا يَوْمٌ لَّبَعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِّنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَاهَا عَدْلًا...»؛ (۵) «اگر از عمر روزگار به جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند مردی از اهل بیت مرا بر انگیزد که دنیا را پر از عدل کند...».

نعیم بن حماد از ابو سعید خدری نقل کرده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «هُوَ رَجُلٌ مِّنْ أَهْلِ بَيْتِي»؛ (۶) «او مردی از اهل بیت من است».

۱- ابن ماجه، سنن، ج ۲، ص ۱۳۶۸، ح ۴۰۸۵.

۲- محمد بن حسن طوسی رحمه الله، کتاب الغیبه، ص ۱۸۲.

۳- ر. ک: مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۵۵۷.

۴- شیخ صدوق رحمه الله، کمال الدین و تمام النعمه، باب ۲۵، ج ۱، ص ۲۸۶، ح ۲.

۵- سنن ابو داود، ج ۴، ص ۱۰۷، ح ۴۲۸۳.

۶- نعیم بن حماد، الفتن، ج ۱، ص ۳۷۴، ح ۱۱۱۱.

### ۲۳. «ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم»

«ذریه»، در لغت عبارت است از نسل انسان که از طریق پسر و دختر، استمرار می یابد. ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، در اصطلاح به نسل رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم گفته می شود که از طریق بانوی بزرگ اسلام، زهرا ی مرضیه علیها السلام استمرار یافته است.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «مِنْ ذُرِّيَّتِي الْمَهْدِي إِذَا خَرَجَ نَزَلَ عَيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِنُصْرَتِهِ فَقَدَّمَهُ وَ صَلَّى خَلْفَهُ»؛ (۱) «از ذریه من مهدی است. آن هنگام که خروج کند، عیسی بن مریم علیهما السلام، برای یاری اش نازل می شود. پس [عیسی علیه السلام] او را جلو انداخته، و پشت سرش نماز می گزارد».

### ۲۴. «فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم»

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ نَقَلَ مِي كُنْد: اَز حُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ شَنِيدِمُ كِه چنين مي فرمود: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكُمْ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي يَمْلَأُهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا»؛ «اگر از دنيا بيش از يك روز باقى نماند، خداوند عزَّ و جلَّ آن روز را چنان طولانى مي كند تا اينكه مردى از خاندانم خروج نمايد و [زمين را] پر از عدل و داد كند، آن گونه كه پر از ظلم و جور شده باشد». [آن گاه امام حسين عليه السلام فرمود]: «اين گونه از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شنيدم». (۲)

امام صادق عليه السلام نقل کرده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «مَنْ أَنْكَرَ الْقَائِمَ مِنْ وُلْدِي فَقَدْ أَنْكَرَنِي»؛ (۳) «کسی که قائم از فرزندان مرا انکار کند، مرا انکار کرده است».

و نیز فرمود: «مَنْ أَنْكَرَ الْقَائِمَ مِنْ وُلْدِي فِي زَمَانِ غَيْبَتِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»؛ (۴) «کسی که

۱- شيخ صدوق، الامالی، ص ۲۱۸، ح ۴.

۲- محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۲۵.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۹، ص ۴۱۲، ح ۸.

۴- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۹، ص ۴۱۲، ح ۱۲.

قائم از فرزندان مرا در زمان غیبتش انکار کند، به مرگ جاهلی مرده است».

و فرمود: «الْمَهْدِيُّ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي وَجْهُهُ كَالْكَوْكَبِ الدُّرِّيِّ»؛ (۱) «مهدی، مردی از فرزندان من است؛ سیمای او چون ستاره درخشان است».

امام صادق علیه السلام به نقل از پدران بزرگوارش از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است: «قائم از فرزندان من است؛ نامش نام من و کنیه اش کنیه من است. شمایل او شمایل من و روش او روش من است. مردم را بر آیین و دینم دعوت کند و آنها را به کتاب پروردگام فراخواند. کسی که او را اطاعت کند، مرا اطاعت کرده است و کسی که او را نافرمانی کند، مرا نافرمانی کرده است...» (۲).

### ۳. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان حضرت علی علیه السلام»

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این رابطه فرمود: «... فَعِنْدَ ذَلِكَ خُرُوجُ الْمَهْدِيِّ وَهُوَ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ هَذَا وَ أَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِهِ يَمْحَقُ اللَّهُ الْكُذِبَ وَ يَذْهَبُ الزَّمَانُ الْكَلْبَ بِهِ يَخْرُجُ ذُلُّ الرَّقِّ مِنْ أَعْنَاقِكُمْ»؛ (۳) «... مهدی، مردی از فرزندان این است و با دست مبارک خود به علی علیه السلام اشاره فرمود خداوند به وسیله او، دروغ را محو می کند و سختی روزگار را بر طرف می گرداند و طوق بندگی را از گردن های شما بیرون می آورد».

امیرمؤمنان علیه السلام نیز فرموده است: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنِّي»؛ (۴) «اگر از دنیا بیش از یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را چنان طولانی خواهد کرد تا اینکه مردی از خاندانم برانگیخته شود».

۱- علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۶۹.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۹، ص ۴۱۱، ح ۶.

۳- کتاب الغیبه؛ ص ۱۸۵.

۴- کتاب الغیبه، ص ۴۶. ر.ک: کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۷، ح ۴.

و نیز آن حضرت فرمود: «صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ وُلْدِي»؛ (۱) «صاحب این امر، از فرزندان من است».

#### ۴. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، از «فرزندان فاطمه زهرا علیها السلام»

در این دسته از روایات نیز موارد مشترک فراوانی بین شیعه و سنی وجود دارد که به بعضی از آنها اشاره می شود:

ام سَیَلَمَه گوید: از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که فرمود: «الْمَهْدِي مِنْ عَثْرَتِي مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ»؛ (۲) «مهدی از عثرت من و از فرزندان فاطمه علیها السلام است».

نعیم بن حماد از کعب نقل کرده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «المهدی من ولد فاطمه»؛ (۳) «مهدی از فرزندان فاطمه است». همچنین او شبیه این روایت را از «زهری» و «زر بن حبیش» نقل کرده است. (۴)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به دختر بزرگوارش حضرت زهرا علیها السلام فرمود: «الْمَهْدِي مِنْ وُلْدِكِ»؛ (۵) «مهدی از فرزندان تو است». امام باقر علیه السلام نیز در این باره فرمود: «الْمَهْدِي رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ»؛ (۶) «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مردی از فرزندان فاطمه علیها السلام است».

نعیم بن حماد در الفتن آورده است: قتاده به سعید بن مسیب گفت: «المهدی حق هو؟ قال: حق. قال قلت: ممن هو؟ قال: من قریش. قلت: من ای قریش؟ قال: من بنی هاشم. قلت: من ای بنی هاشم؟ قال: من بنی عبد المطلب. قلت: من ای عبد المطلب؟ قال: من

۱- نعمانی، الغیبه، ص ۱۵۶، ح ۱۸.

۲- السنن الواردة فی الفتن، ج ۶، ص ۱۰۶۱، ح ۵۸۱.

۳- نعیم بن حماد، الفتن، ج ۱، ص ۳۷۴، ح ۱۱۱۲.

۴- ر. ک: نعیم بن حماد، الفتن، ج ۱، ص ۳۷۴، ح ۱۱۴ او ح ۱۱۱۷.

۵- علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۶۸.

۶- کتاب الغیبه، ص ۱۸۷.

ولد فاطمه»؛ (۱) «آیا مهدی حق است؟ گفت: آری حق است. گفتم: او از کدامین تیره است؟ گفت: از قریش. گفتم: از کدام شاخه قریش؟ گفت: از گروه بنی هاشم. گفتم: از کدام گروه بنی هاشم؟ گفت: از فرزندان عبدالمطلب. گفتم: از کدام فرزند عبدالمطلب؟ گفت: از فرزندان فاطمه علیها السلام.»

### ۵. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان امام حسن مجتبی علیه السلام»

بر اساس روایات، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به طور قطع از فرزندان حضرت زهرا و امام علی علیهما السلام است. اما از نسل کدامین فرزند؟ امام حسن علیه السلام یا امام حسین علیه السلام؟ در اینجا سه احتمال وجود دارد:

الف. از فرزندان امام حسن علیه السلام است.

ب. از فرزندان امام حسین علیه السلام است.

ج. از تبار امام حسن و امام حسین علیه السلام هر دو می باشد.

با دقت در احادیث گذشته، دو احتمال الف و ب، قابل بررسی است و نیازی به قبول یا رد احتمال سوم نیست. همچنین فرض احتمال چهارم یعنی «مهدی از فرزندان امام حسن و امام حسین علیهما السلام نیست» باطل و غیر معقول است؛ چرا که بر اساس روایات صحیح و متواتر، مهدی از اهل بیت علیهم السلام و از فرزندان فاطمه علیها السلام است.

حال می توان گفت: هرگاه نادرستی یکی از دو احتمال الف یا ب ثابت شود، نیازی به اثبات دیگری نخواهد بود و خود احتمال دیگر، یقینی شده و مطابق واقع خواهد بود.

در بررسی احتمال نخست (۲)، به این نتیجه می رسیم که در کتاب های اهل سنت و در تأیید این دیدگاه، مهم ترین روایت حدیثی است که در سنن ابوداود سجستانی است.

راوی می گوید: از هارون بن مغیره برایم حدیث کردند که او گفت: عمر بن ابی قیس از شعیب بن خالد از ابواسحاق روایت کرد و گفت: علی علیه السلام درحالی که به فرزندش حسن نگاه می کرد گفت: به درستی که این فرزندم آقا و سرور است، همان گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم او را چنین نامید. و

۱- نعیم بن حماد، الفتن، ج ۱، ص ۳۶۹، ح ۱۰۸۲.

۲- جای بسی تأسف است که به عنوان مؤید این دیدگاه نادرست برخی از اهل سنت گفته اند: «در اینکه مهدی از فرزندان حسن است، سری لطیف نهفته و آن اینکه چون او خلافت را به جهت رضای خداوند نادیده گرفت، پس خداوند نیز مهدی را از نسل او قرار داد تا به مقام خلافت برسد. بر خلاف حسین که به جهت کسب خلافت به جنگ و خونریزی دست زد...».

(ر.ک: محمد بن ابی بکر الحنبلی، المنار المنیف، ص ۱۵۱) [اعاذنا الله من شرور انفسنا]

از صلب او مردی متولد می شود که به نام پیامبرتان نامیده می شود و در اخلاق شبیه او است، ولی در خلقت شباهتی به او ندارد. سپس نقل کرد که: زمین را پر از عدل و داد می کند» (۱).

در مورد این حدیث، از دو طریق می توان بحث کرد: ۱. بررسی سند آن؛ ۲. مقایسه آن با روایات دیگر.

یکم. در بررسی متن و سند حدیث، می توان با دلایل زیر احتمال ساختگی بودن آن را بیان کرد:

۱-۱. اختلاف در نقل حدیث از ابو داود؛ جزری شافعی (م ۸۳۳ ه. ق) آن را از شخص ابو داود نقل کرده؛ ولی به جای «حسن»، «حسین» ثبت کرده است. (۲)

مقدسی شافعی در عقد الدرر، آن را با نام «حسن» روایت کرده؛ ولی پژوهشگر کتاب در حاشیه آن، به نسخه ای اشاره می کند که نام «حسین» در آن ثبت شده است. همچنین نقل سید صدر الدین صدر از عقد الدرر با نام «حسین»، نشانگر وجود چنین نسخه ای است. (۳)

برای رفع اختلاف در این حدیث، نمی توان بدون پشتوانه دیگر، یکی از دو نام را بر دیگری ترجیح داد. در مورد نام «حسن» چنین قرینه ای وجود ندارد؛ در حالی که برای ترجیح نام «حسین» قرینه های بسیاری وجود دارد.

۱-۲. سند حدیث ناپیوسته است؛ چون شخصی که از حضرت علی علیه السلام نقل کرده، ابو اسحاق سبعی است. درباره او ثابت نشده که حتی یک حدیث را خود از امام علی علیه السلام شنیده باشد و مندری در شرح حدیث به این مطلب تصریح کرده است. (۴) چون به گفته ابن حجر، او دو سال قبل از پایان خلافت عثمان متولد شده است. (۵) بنا بر این به هنگام شهادت علی علیه السلام هفت ساله بوده است.

۱-۳. سند حدیث مجهول است؛ چون ابو داود می گوید: «از هارون بن مغیره برایم حدیث شد» و معلوم نیست وی چه کسی بوده است؟ طبق مبانی محدثان اهل سنت، حدیثی که راوی مجهول دارد، قابل اطمینان نیست.

۱- سنن ابو داود، ج ۴، ص ۱۰۸، ح ۴۲۹۰؛ نعیم بن حماد، کتاب الفتن، ج ۱، ص ۳۷۴، ح ۱۱۱۳.

۲- ر.ک: جزری دمشقی شافعی، اسمی المناقب فی تهذیب اسنی المطالب، ص ۱۶۵، ۱۶۸، ح ۶۱.

۳- سید صدر الدین صدر، المهدی علیه السلام، ص ۶۸.

۴- مندری، مختصر سنن ابو داود، ج ۶، ص ۱۶۲، ح ۴۱۲۱.

۵- تهذیب التهذیب، ج ۸، ص ۵۶، ح ۱۰۰.



۴-۱. ابو صالح سلیلی یکی از بزرگان اهل سنت متن این حدیث را با اسناد خود، از امام موسی بن جعفر علیه السلام از امام صادق علیه السلام، از علی بن الحسین علیهما السلام، از علی بن ابی طالب علیه السلام نقل کرده و در آن نام «حسین» آمده است؛ نه «حسن» (۱).

۵-۱. این حدیث با روایت های فراوان دیگر که اهل سنت آنها را نقل کرده اند تعارض دارد؛ چون در آنها تصریح شده که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از فرزندان امام حسین علیه السلام است.

۱۶. با دلایل بیان شده، احتمال ساختگی بودن حدیث قوی می نماید و ادعای مهدویت محمد بن عبدالله بن حسن مثنی (فرزند امام حسن علیه السلام) این احتمال را تقویت می کند؛ هر چند او در سال ۱۴۵ ه. ق در دوران خلافت منصور عباسی کشته شد.

دوم. این حدیث به فرض صحت با روایات فراوان دیگر که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را از نسل امام حسین علیه السلام می داند تعارض ندارد و قابل جمع است؛ یعنی اینکه بگوییم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از طرف پدر حسینی و از طرف مادر، حسنی است و این خود حقیقتی مسلم است؛ زیرا همسر امام سجاد علیه السلام و مادر امام باقر علیه السلام، فاطمه دختر گرامی امام حسن مجتبی علیه السلام بود. از این رو امام باقر علیه السلام از طرف پدر حسینی و از طرف مادر، حسنی است. به دنبال آن دیگر امامان علیهم السلام واقعاً ذریه آن دو امام می باشند.

برخی روایات نیز این جمع را تأیید می کند؛ مانند: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به دختر خود فاطمه زهرا علیها السلام فرمود: «...و الذی بعثنی بالحق ان منهما مهدی هذه الامة...»؛ (۲) «سوگند به کسی که مرا به حق مبعوث فرمود! به درستی که مهدی این امت از آن دو (حسن و حسین) است».

در حدیثی دیگر آن حضرت فرمود: «...ان الله اختار... من علی الحسن و الحسین و اختار منهما تسعة تاسعهم قائمهم...»؛ (۳) «خداوند... حسن و حسین را از علی، برگزید و از آن دو، نه حجت را انتخاب کرد که نهمین ایشان قائم باشد...».

۱- سید بن طاووس، التشریف بالمنن، ص ۲۸۵، ص ۴۱۳، باب ۷۶.

۲- محب الدین طبری، ذخائر العقبی، ص ۱۳۶؛ کشف الغمه فی معرفه الائمه؛ ج ۳، ص ۴۶۸، به نقل از: ابو نعیم اصفهانی.

۳- مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۲۶۶.

بدین ترتیب و با جمع اخبار، می توان روایت ابو داود سجستانی را پذیرفت؛ هر چند شواهد مختلف، بر ضعف آن اقامه شده است. (۱)

### ۶. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان امام حسین علیه السلام»

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به حضرت علی علیه السلام فرمود: «آیا تو را بشارت ندهم؟ آیا تو را خبر ندهم؟ عرض کرد: بله، ای رسول خدا! آن حضرت فرمود: هم اینک جبرئیل نزد من بود و مرا خبر داد قائمی که در آخر الزمان ظهور می کند و زمین را پر از عدل و داد می سازد همان گونه که از ظلم و جور آکنده شده از نسل تو و از فرزندان حسین است». (۲)

امام حسین علیه السلام نیز فرمود: «دوازده مهدی از ما هستند؛ نخستین آنان، امیرمؤمنان علی علیه السلام و آخرین ایشان، نهمین فرزند من است. همو که به حق قیام می کند و خداوند به برکت وجود او، زمین مرده را زنده و آباد می سازد و دین حق را بر تمام ادیان پیروز می گرداند؛ هر چند مشرکان کراحت داشته باشند...». (۳)

امام سجاد علیه السلام از پدر بزرگوار خود نقل کرده است: «فِي التَّاسِعِ مِنْ وُلْدِي سُنَّةٌ مِنْ يَوْسُفَ وَ سُنَّةٌ مِنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ وَ هُوَ قَائِمًا أَهْلَ الْبَيْتِ يَصْلِحُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَمْرَهُ فِي لَيْلِهِ وَاحِدَةً»؛ (۴) «در نهمین فرزند من سنتی از یوسف علیه السلام و سنتی از موسی بن عمران علیه السلام است. او قائم ما اهل بیت است که خدای تبارک و تعالی امر او را در یک شب اصلاح می فرماید».

سلمان فارسی رحمه الله می گوید: [روزی] بر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم وارد شدم؛ در حالی که حسین علیه السلام بر زانوی ایشان نشسته بود و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چشمان و لب های او را می بوسید و می فرمود: «أَنْتَ سَيِّدُ بَنِي سَيِّدِ أَنْتَ إِمَامُ بَنِي إِمَامٍ أَبْوَالِئِمِهِ أَنْتَ حُجَّةُ بَنِي حُجَّةٍ أَبُو حُجَجٍ تَسْعُهُ مِنْ صُلْبِكَ تَأْسَعُهُمْ

۱- سید ثامر هاشم العمیدی، مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف در اندیشه اسلامی، ترجمه محمد باقر محبوب القلوب، صص ۹۰، ۹۱، (با تغییر و تصرف).

۲- نعمانی، الغیبه، ص ۳۵۷.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، باب ۳۰، ص ۳۱۷، ح ۳.

۴- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، باب ۳۰، ص ۳۱۶، ح ۱.

قائمهم»؛ (۱) «تو، آقا و فرزند آقایی. تو، امام و فرزند امامانی. تو، حجت و فرزند حجت و پدر نه حجت از صلب خود هستی. نهمین آنان قائم ایشان است».

و ابل می گوید: امیر مؤمنان علیه السلام در حالی که به فرزند عزیز خود حسین علیه السلام نگاه می کرد، فرمود: «إِنَّ أَيْبَى هَذَا سَيِّدٍ كَمَا سَيِّمَاهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سَيِّدًا وَ سَيَخْرِجُ اللَّهُ مِنْ صُلْبِهِ رَجُلًا بِاسْمِ نَبِيِّكُمْ يَشْبَهُهُ فِي الْخَلْقِ وَ الْخَلْقِ يَخْرُجُ عَلَى حِينِ غَفْلَةٍ مِنَ النَّاسِ ...»؛ (۲) «همانا این فرزندم آقا است؛ همان گونه که پیامبر او را آقا نامید. به زودی خداوند از نسل او مردی با نام پیامبرتان به وجود می آورد که هم در خلق و هم در خلق شبیه او است. ظهور خواهد کرد در حالی که مردم در غفلت به سر می برند...».

ابی سعید عقیصاء می گوید: وقتی حسن بن علی علیهما السلام با معاویه مصالحه کرد، مردم به نزد او آمدند و برخی از آنها امام را به واسطه بیعتش، مورد سرزنش قرار دادند!

پس آن حضرت فرمود: «وای بر شما! می دانید چه کردم؟ به خدا سوگند! این عمل برای شیعیانم از آنچه که آفتاب بر آن بتابد و غروب کند، بهتر است. آیا نمی دانید که من امام مفترض الطاعه بر شما هستم و به نص رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم یکی از دو سروران بهشتم؟ گفتند: آری،... فرمود: آیا می دانید که هیچ یک از ما ائمه نیست جز آنکه بیعت سرکش زمانش بر گردن او است؛ مگر قائمی که روح الله عیسی بن مریم پشت سر او نماز می خواند؟ خداوند ولادت او را مخفی می سازد و شخص او نهان می شود تا آن گاه که خروج کند. پس بیعت احدی بر گردن او نباشد. او نهمین از فرزندان برادرم حسین است و فرزند سرور کنیزان، خداوند عمر او را در دوران غیبتش طولانی می گرداند...»؛ (۳)

ابو سعید خُدَری گوید: «...رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در بیماری ای که به واسطه آن رحلت فرمود، وقتی بی تابی دختر خود فاطمه علیها السلام را مشاهده کرد، چنین فرمود: «...ای فاطمه! شش خصلت به ما اهل بیت داده شده که نه به احدی از اولین داده شده و نه احدی از آخرین آن را درک خواهد کرد: پیامبر ما بهترین پیامبران است و او پدر تو است. وصی ما بهترین اوصیا است و او همسر تو است».

۱- شیخ صدوق رحمه الله، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۵۲، ح ۱۷.

۲- نعمانی، الغیبه، ص ۲۱۴، ح ۲.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، باب ۲۹، ص ۳۱۵، ح ۲.

شهید ما بهترین شهیدان است و او حمزه عموی پدر تو است. دو سبط این امت از ما هستند و آن دو، پسران تو، هستند. مهدی این امت که پشت سر او عیسی نماز می خواند از ما است. آن گاه بر شانه حسین علیه السلام زد و فرمود: مهدی این امت از این است» (۱).

این حدیث را محمد بن حسن طوسی رحمه الله نیز در کتاب الغیبه بیان کرده است (۲).

#### ۷. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان امام محمد باقر علیه السلام»

امام باقر علیه السلام در این باره فرمود: «مِنَّا اثْنَا عَشَرَ مُخَيَّرًا السَّابِعُ مِنْ وُلْدِي الْقَائِمُ»؛ (۳) «دوازده محدث از ما است؛ قائم هفتمین از فرزندان من است».

#### ۸. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان امام صادق علیه السلام»

امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «مَنْ أَقَرَّ بِالْإِثْمِ مِنْ آبَائِي وَوُلْدِي وَجَحَدَ الْمَهْدِي مِنْ وُلْدِي كَانَ كَمَنْ أَقَرَّ بِجَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَجَحَدَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تُبَوَّتَهُ»؛ «هر کس به امامان، از پدرانم و فرزندانم اقرار کند و امامت فرزندانم «مهدی» را منکر شود؛ مانند کسی است که به همه پیامبران صلی الله علیه و آله و سلم عقیده داشته باشد و نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را انکار کند».

عرض کردم: ای آقای من! مهدی کدام یک از فرزندان شما است؟ فرمود: «الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ السَّابِعِ يَغِيبُ عَنْكُمْ شَخْصُهُ وَلَا يَجِلُّ لَكُمْ تَشْيِئُهُ»؛ (۴) «پنجمین از فرزندان امام هفتم (موسی بن جعفر) است که شخص او، از شما پنهان می شود و نام بردنش برایتان جایز نیست».

۱- علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج ۱، ص ۱۵۳؛ و نیز: ر.ک: مهدی منتظر علیه السلام در اندیشه اسلامی، ص ۱۳۷، پاورقی.

۲- محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۹۱.

۳- نعمانی، الغیبه، ص ۹۶، ح ۲۸.

۴- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۳، ص ۳۳۸، ح ۱۲.

### ۹. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان امام موسی کاظم علیه السلام»

امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ سُنَنَ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مَا وَقَعَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْغِيَابِ جَارِيَةٌ فِي الْقَائِمِ مِمَّا أَهْلَ الْبَيْتِ حَذْوُ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ وَالْقَعْدَةَ بِالْقَعْدَةِ»؛ «سنت های پیامبران با غیبت هایی که بر آنان واقع شده است، در قائم ما اهل بیت، مو به مو و مورد به مورد پدیدار می شود».

ابوبصیر می گوید: عرض کردم: قائم شما اهل بیت کیست؟ فرمود: «ای ابو بصیر! او پنجمین از فرزندان پسر موسی است. او فرزند بهترین کنیزان است و غیبتی کند که باطل جویان در آن شک کنند. پس خدای تعالی او را آشکار کند و به دست او، شرق و غرب عالم را بگشاید. روح الله عیسی بن مریم علیه السلام فرود آید و پشت سر او نماز گزارد. زمین به نور پروردگارش روشن گردد و در آن بقعه ای نباشد که غیر خدای تعالی در آن پرستش شود. همه دین از آن خدای تعالی گردد؛ گرچه مشرکان را ناخوش آید».<sup>(۱)</sup>

یونس بن عبدالرحمان از امام صادق علیه السلام پرسید: ای فرزند رسول خدا! آیا شما قائم به حق هستید؟ آن حضرت فرمود: «من قائم به حق هستم؛ لیکن قائمی که زمین را از وجود دشمنان خدا پاک کند و آن را از عدل و داد آکنده سازد چنان که پر از ظلم و جور شده باشد او پنجمین از فرزندان من است و او را غیبتی طولانی است؛ زیرا بر جان خود می هراسد...»<sup>(۲)</sup>

### ۱۰. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان امام رضا علیه السلام»

در روایتی آمده است: وقتی از امام رضا علیه السلام پرسیده شد: قائم از شما کیست؟ آن حضرت فرمود: «الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي ابْنُ سَيِّدِهِ الْأَمَاءِ يَطَهِّرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ وَيَقْدُسُهَا مِنْ كُلِّ ظُلْمٍ...»<sup>(۳)</sup> «چهارمین از فرزندان من، پسر سرور کنیزان است؛ خداوند به واسطه او زمین را از هر ستمی پاک گرداند...».

رِيَّانِ بْنِ صَلْتٍ می گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: آیا شما صاحب این امر هستید؟ فرمود:

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۳، ص ۳۳۸، ح ۳۱.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۴، ح ۵.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۵، ص ۳۷۱، ح ۵.

«من صاحب الامر هستم؛ اما آن کسی که زمین را از عدل آکنده می سازد همچنان که پر از جور شده باشد نیستم. چگونه او باشم؛ در حالی که ضعف بدن مرا می بینی! قائم کسی است که در سن پیران و منظر جوانان قیام می کند. او نیرومند است. به گونه‌ای که اگر دستش را به بزرگ‌ترین درخت روی زمین دراز کند، آن را از جای بر می کند و اگر بین کوه‌ها فریاد بر آورد، صخره‌های آن فرو می‌پاشد. عصای موسی و انگشتر سلیمان با او است. او چهارمین از فرزندان من است. خداوند او را در ستر خود نهان سازد؛ سپس او را ظاهر کند و به واسطه او، زمین را از عدل و داد آکنده سازد؛ همچنان که پر از ظلم و ستم شده باشد» (۱).

### ۱۱. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان امام محمد تقی علیه السلام»

عَبْدُ الْعَظِيمِ حَسَنِي مِي گويد: بر آقاي خود امام جواد عليه السلام وارد شدم؛ مي خواستم از قائم پرسش كنم كه آيا مهدى او است يا غير او؟ امام آغاز سخن كرد و فرمود: «يا ابا القاسمِ إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَجِبُ أَنْ يَنْتَظَرَ فِي غَيْبَتِهِ وَ يَطَاعَ فِي ظُهُورِهِ وَ هُوَ الثَّالِثُ مِنْ وُلْدِي...» (۲) «اي ابو القاسم ! قائم ما اهل بيت، همان مهدى [موعودى] است كه بايد در غيبتش، او را انتظار كشند و در ظهورش، او را فرمان برند. او سومين از فرزندان من است ...».

### ۱۲. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان امام هادی علیه السلام»

صقر بن ابي دلف گويد: از امام جواد عليه السلام شنيدم كه مي فرمود: «امام پس از من، فرزندم علي است. دستور او دستور پدرش و سخن او سخن پدرش و اطاعت او اطاعت پدرش است». سپس سكوت كرد. گفتم: اي فرزند رسول خدا! امام پس از حسن كيست؟ او به شدت گريست و سپس فرمود: «پس از حسن فرزندش قائم به حق امام منتظر است». گفتم: اي فرزند رسول خدا! چرا او را قائم مي گويند؟ فرمود: «زيرا پس از آنكه يادش از بين برود و اكثر معتقدان به امامتش مرتد شوند، قيام مي ... کند...» (۳).

۱- كمال الدين و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۵، ص ۳۷۱، ح ۸.

۲- كمال الدين و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۶، ح ۱.

۳- كمال الدين و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۷، ح ۳.

امام هادی علیه السلام نیز فرمود: «الْخَلْفُ بَعْدِي ابْنِي الْحَسَنِ فَكَيْفَ بِالْخَلْفِ بَعْدَ الْخَلْفِ فَقُلْتُ وَ لِمَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ قَالُوا لَأَنَّا نَكُنُّكُمْ لَا تَرَوْنَ شَخْصَهُ وَ لَا يَحِلُّ لَكُمْ ذِكْرُهُ بِاسْمِهِ قُلْتُ وَ كَيْفَ نَذْكُرُهُ فَقَالُوا الْحُجَّةُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ»؛ (۱) «جانشین پس از من پسر من حسن است و شما با جانشین پس از او چگونه خواهید بود؟ گفتم: فدای شما شوم! برای چه؟ فرمود: زیرا شما شخص او را نمی بینید و بردن نام او بر شما روا نباشد. عرض کردم: پس چگونه او را یاد کنیم؟ فرمود: بگویید: حجت از آل محمد علیهم السلام».

پس از این دسته روایات، روایت های فراوانی وجود دارد که پدر آن حضرت را به روشنی تمام معرفی کرده است و از آنجایی که بحث مفصلی را می طلبد، در درس بعد بیان خواهد شد.

---

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۷، ص ۳۸۱، ح ۵ و باب ۵۶.

## خودآزمایی

۱. چهار دسته از روایاتی که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را مستقیماً به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نسبت داده است، ذکر کنید و یک مورد آن را توضیح دهید.
۲. روایتی که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را از نسل امام حسن مجتبی علیه السلام دانسته است، چگونه پاسخ داده می‌شود؟
۳. به دو روایت که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را از نسل امام حسین علیه السلام معرفی کرده، اشاره کنید.
۴. روایتی که در آن از حضرت مهدی علیه السلام به عنوان نسلی از امام رضا علیه السلام یاد شده، کدام است؟ توضیح دهید.
۵. امام هادی علیه السلام به عنوان پدر بزرگ حضرت مهدی علیه السلام، در باره نسب آن حضرت چه فرموده است؟

===

منابع برای پژوهش:

۱. هاشمی شهیدی، سید اسدالله، ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، (انتشارات مسجد جمکران، ۱۳۸۰ ه. ش).
۲. العمیدی، سید ثامر هاشم، مهدی منتظر در اندیشه اسلامی، ترجمه، محمد باقر محبوب القلوب، (انتشارات مسجد جمکران، ۱۳۸۰ ه. ش).
۳. قزوینی، سید محمد کاظم، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا ظهور، ترجمه حسین فریدونی، (نشر آفاق، تهران ۱۳۷۹ ه. ش).
۴. محمد جواد طبسی، با خورشید سامرا، ترجمه عباس جلالی، (مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹ ه. ش).





**درس نهم: پدر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف**

**اشاره**

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

جلوه هایی از زندگی امام حسن عسکری علیه السلام

۱. کوشش های علمی

۲. گسترش شبکه و کالت

۳. فعالیت های سرّی

۴. حمایت و پشتیبانی مالی از شیعیان

۵. تقویت و توجیه سیاسی رجال و عناصر مهم شیعه

۶. استفاده گسترده از آگاهی غیبی

۷. معرفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان جانشین

۸. آماده سازی شیعیان برای دوران غیبت

حوادث ناگوار پس از شهادت امام عسکری علیه السلام

پدر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نگاه اهل سنّت



امام حسن عسکری علیه السلام فرزند امام علی النقی علیه السلام، پدر بزرگوار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یازدهمین پیشوای شیعیان است. آن حضرت در ماه ربیع الاول یا ربیع الثانی سال ۲۳۱ یا ۲۳۲ هـ در مدینه، چشم به جهان گشود. مادرش بانویی پارسا و شایسته به نام «حَدِیْثَه» علیها السلام، بود که برخی، از او به نام «سوسن» یاد کرده اند. (۱)

از آنجا که پیشوای یازدهم به دستور خلیفه عباسی در «سامرا»، در محله «عسکر» سکونت اجباری داشت، «عسکری» نامیده می شود. (۲) از مشهورترین القاب آن حضرت، «نقی»، «زکی»، «فاضل»، «امین» و کنیه اش «ابو محمد» است. او ۲۲ ساله بود که پدر ارجمندش به شهادت رسید. مدت امامتش شش سال و عمر شریفش ۲۸ سال بود. امام عسکری علیه السلام در سال ۲۶۰ هـ در حالی که تنها پسر او به عنوان آخرین حجت الهی در سن پنج سالگی قرار داشت، به شهادت رسید و در خانه خود در سامرا در کنار مرقد پدرش به خاک سپرده شد. (۳)

درباره ویژگی‌های آن حضرت آورده اند: رنگش گندم گون، چشمانش درشت و سیاه، رویش زیبا، قامتش معتدل و اندامش متناسب بود و با آنکه جوان بود، بزرگان قریش و دانشمندان زمان خود را تحت تأثیر و نفوذ قرار می داد. دوست و دشمن به برتری او در علم، حلم، جود، زهد، تقوا و سایر مکارم اخلاقی اذعان داشتند. (۴)

مدت کوتاه عمر امام به سه دوره تقسیم می شود: تا چهار سال و چند ماهگی (و بنا به یک قول تا

۱- ر. ک: محمد بن یعقوب محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۰۳.

۲- شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، باب ۱۷۶، ص ۲۳۰.

۳- ر. ک: مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان علیهم السلام، ص ۶۱۵.

۴- ر. ک: شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، مقدمه.

سیزده سالگی)، در مدینه به سر برد. تا ۲۳ سالگی به اتفاق پدر بزرگوارش در سامرا می زیست و تا ۲۸ سالگی (شش سال و اندی پس از شهادت امام دهم)، در سامرا ولایت بر امور و پیشوایی شیعیان را بر عهده داشت.

امام عسکری علیه السلام در مدت کوتاه امامت خویش با سه تن از خلفای عباسی (المعتز بالله، المهتدی بالله، المعتمد بالله) که هر یک از دیگری ستمگرتتر بودند؛ معاصر بود.

مشهور بین شیعه آن است که امام عسکری علیه السلام فرزندی جز امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از خود به یادگار نگذاشت. (۱) شیخ مفید در این باره تصریح کرده است: «... ولم یخلف ابوه ولداً ظاهراً ولا باطناً غیره...» (۲).

### جلوه‌هایی از زندگی امام حسن عسکری علیه السلام

#### اشاره

روایات بسیاری از ناحیه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت او علیهم السلام مبنی بر امامت پیشوایان دوازده گانه وارد شده و در آنها، به طور روشن، به نام مقدس ایشان از جمله امام حسن بن علی عسکری علیهما السلام اشاره شده است. اضافه بر آنکه در روایات نقل شده از پدر بزرگوارش، به امامت آن حضرت تصریح شده است.

جابر بن عبدالله انصاری، با اشاره به لوحی که در دستان مبارک حضرت زهرا علیها السلام مشاهده کرده بود؛ به امامت و نام امام عسکری علیه السلام تصریح کرده است. (۳)

آن حضرت، با همه فشارها و مراقبت‌های بی‌وقفه حکومت عباسی، یک سلسله فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و علمی، در جهت حفظ اسلام و مبارزه با افکار ضد اسلامی انجام می داد. گوشه‌ای از این فعالیت‌ها که ارتباط بیشتری با موضوع مهدویت دارد به شرح زیر است:

#### ۱. کوشش علمی در دفاع از اسلام و ردّ شبهات

امام عسکری علیه السلام گرچه به جهت شرایط نامساعد و محدودیت‌های شدید حکومت عباسی، موفق

۱- برخی مدعی شده اند امام عسکری علیه السلام بجز امام مهدی علیه السلام دارای فرزند یا فرزندان دیگری نیز بوده است. ر. ک: محمد جواد طیبی، حیاة الامام العسکری علیه السلام، ص ۵۹ و ۶۰.

۲- شیخ مفید، الارشاد، ص ۳۴۶.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، باب ۲۸، ح ۱.

به گسترش دانش بی کران خود در تمام جامعه نشد؛ اما شاگردانی تربیت کرد که هر کدام در نشر معارف اسلام و رفع شبهات دشمنان، نقش مؤثر و ارزنده‌ای داشتند.

شیخ طوسی رحمه الله تعداد شاگردان آن حضرت را افزون بر یک صد نفر ثبت کرده است.<sup>(۱)</sup> در میان آنان چهره‌ها و شخصیت‌های برجسته و وارسته‌ای به چشم می‌خورند؛ مانند: احمد بن اسحاق اشعری قمی، ابو هاشم داود بن قاسم جعفری، ابو عمرو عثمان بن سعید عمّری، علی بن جعفر و محمد بن حسن صفّار.

## ۲. ایجاد حلقه ارتباطی با شیعیان از طریق نمایندگان

در پی تلاش‌های فراوان امامان پیشین علیهم السلام، در زمان امام عسکری علیه السلام تشیع در مناطق و شهرهای مختلف، گسترده شده و شیعیان در نقاط فراوانی زندگی می‌کردند.

گسترده‌گی و پراکنندگی مراکز تجمع شیعیان، وجود سازمان ارتباطی منظمی را ایجاب می‌کرد تا پیوند شیعیان را با حوزه امامت و نیز ارتباط آنان را با هم دیگر برقرار سازد و از این رهگذر، آنان را از نظر دینی و سیاسی، رهبری و سازماندهی کند.

این نیاز، از زمان امام نهم علیه السلام احساس می‌شد و چنان که در سیره آن حضرت و امام دهم علیه السلام آمده، شبکه ارتباطی وکالت و نصب نمایندگان در مناطق گوناگون، از آن زمان وجود داشته است.

این برنامه در زمان امام عسکری علیه السلام نیز تعقیب گردید. بنا بر اسناد و شواهد تاریخی، آن حضرت نمایندگان از میان شخصیت‌های برجسته شیعیان، در مناطق متعدد منصوب کرده و با آنان در ارتباط بود و از این طریق، پیروان تشیع را در همه مناطق زیر نظر داشت.

یکی از نمایندگان امام «احمد بن اسحاق بن عبدالله قمی اشعری»، از یاران خاص امام و از شخصیت‌های بزرگ شیعی در قم بود. بعضی از دانشمندان علم رجال، از او به عنوان رابط بین قمی‌ها و امام و از جمله اصحاب خاص آن حضرت یاد کرده‌اند.<sup>(۲)</sup> اما دانشمندان دیگر، او را وکیل و نماینده امام دانسته‌اند.<sup>(۳)</sup> از روایتی در بحارالانوار استفاده می‌شود که او نماینده امام در موقوفات قم بوده است.

در رأس وکیلان امام، «محمد بن عثمان عمّری قدس سرّه» قرار داشت و وکلای دیگر، به وسیله او با امام در ارتباط بودند. آنان نوعاً اموال و وجوهات جمع‌آوری شده را به وی تحویل می‌دادند و او آنها را

۱- محمد بن حسن طوسی، رجال، ص ۴۲۷ به بعد.

۲- نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۶۶ - محمد بن حسن طوسی، الفهرست، ص ۲۳.

۳- طبسی، حیاة الامام العسکری علیه السلام، ص ۳۳۳.

به محضر امام علیه السلام می رساند. (۱)

علاوه بر شبکه ارتباطی و کالت، امام از طریق اعزام پیک‌ها، با شیعیان و پیروان خود ارتباط برقرار می ساخت و مشکلات آنان را برطرف می کرد.

گذشته از پیک‌ها، امام از طریق مکاتبه با شیعیان، ارتباط داشت و آنان را در موقعیت‌های حساس راهنمایی می کرد. نامه ای که امام به «ابن بابویه» نوشته، نمونه ای از این نامه ها است. امام دو نامه نیز به شیعیان قم و آبه (آوه) نوشته که متن آنها در کتاب ها مضبوط است. (۲) بر اساس روایتی، امام عسکری علیه السلام بامداد روز هشتم ربیع الأول سال ۲۶۰ هـ اندکی پیش از رحلت، نامه های فراوانی به مردم مدینه نوشت.

### ۳. فعالیت‌های سیاسی سّری

امام عسکری علیه السلام با وجود تمامی محدودیت‌ها و کنترل‌های دستگاه خلافت، یک سلسله فعالیت‌های سیاسی سّری را رهبری می کرد که با گزینش شیوه های پنهان کاری، از چشم بیدار و مراقب جاسوسان دربار، به دور می ماند.

در این زمینه نمونه های فراوانی وجود دارد که به یک مورد آن اشاره می شود: عثمان بن سعید عَمّری از نزدیک ترین و صمیمی ترین یاران امام علیه السلام در پوشش روغن فروشی فعالیت می کرد. شیعیان و پیروان آن حضرت، اموال و وجوه خود را به او می رساندند و او آنها را در ظرف های روغن قرار داده، به حضور امام علیه السلام می رساند. (۳)

### ۴. حمایت و پشتیبانی مالی از شیعیان

یکی دیگر از موضع گیری‌های امام عسکری علیه السلام، حمایت و پشتیبانی مالی از شیعیان به ویژه از یاران خاص و نزدیک آن حضرت بود. این اقدام امام، مانع از آن می شد که آنان زیر فشار مالی، جذب دستگاه حکومت عباسی شوند. (۴)

۱- محمد بن حسن طوسی، اختیار معرفه الرجال، ص ۵۳۲، ح ۱۰۱۵.

۲- حسن بن علی بن شعبه، تحف العقول، ص ۴۸۶.

۳- محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۱۴.

۴- شیخ مفید، ارشاد، ص ۳۴۳؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۴۳۹؛ مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۲۴۲؛

سید محسن امین، اعیان الشیعه، ص ۴۰؛ طبرسی، اعلام الوری، ط ۳، ص ۳۷۲؛ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۰۸.

## ۵. آگاهی بخشی سیاسی به چهره‌های برجسته شیعه

از دیگر فعالیت‌های سیاسی امام عسکری علیه السلام، تقویت و توجیه سیاسی رجال مهم شیعه، در برابر فشارها و سختی‌های مبارزات سیاسی، برای حمایت از آرمان‌های بلند تشیع بود. از آنجا که شخصیت‌های بزرگ شیعه در فشار بیشتری بودند، امام به تناسب مورد، آنان را راهنمایی می‌کرد و روحیه آنان را بالا می‌برد. همچنین می‌کوشید صبر و آگاهی آنان در برابر فشارها، تنگناها و تنگدستی‌ها فزونی یابد تا آنان بتوانند مسؤولیت بزرگ اجتماعی و سیاسی و وظایف دینی خود را به خوبی انجام دهند.

## ۶. بهره‌گیری از دانش غیبی برای ارشاد دیگران

امامان علیهم السلام، در پرتو ارتباط با پروردگار جهان، از دانش غیبی برخوردار بودند و در مواردی که اساس حقانیت اسلام یا مصالح عالی امت اسلامی، در معرض خطر قرار می‌گرفت، از این آگاهی به صورت «ابزار هدایت» استفاده می‌کردند. پیشگویی‌ها و گزارش‌های غیبی آنان، بخش مهمی از زندگی ایشان را در بر می‌گیرد؛ با مطالعه در زندگی امام عسکری علیه السلام، چنین به نظر می‌رسد که: آن حضرت بیش از امامان دیگر، دانش غیبی خود را آشکار می‌ساخته است. (۱)

شاید علت این امر، شرایط نامساعد و جوّ پر اختناق بود که امام یازدهم و پدرش امام هادی علیهما السلام، در آن زندگی می‌کردند؛ زیرا پس از انتقال امام هادی علیه السلام به سامرا، آن حضرت به شدت تحت مراقبت و کنترل بود. از این رو امکان معرفی فرزندش «امام حسن علیه السلام» به عموم شیعیان، به عنوان امام بعدی وجود نداشت و اصولاً این کار، حیات او را از ناحیه حکومت وقت، در معرض خطر جدی قرار می‌داد. به همین جهت کار معرفی امام عسکری علیه السلام به شیعیان و گواه گرفتن آنان در این باب، در ماه‌های پایانی عمر امام هادی علیه السلام صورت گرفت؛ (۲) به طوری که هنگام رحلت آن حضرت، عده‌ای از شیعیان از امامت حضرت «حسن عسکری علیه السلام» آگاهی نداشتند. (۳)

امام عسکری علیه السلام برای زدودن زنگار شک‌ها و تردیدها و نیز برای حفظ یاران خود از خطر و یا هدایت گمراهان، ناگزیر می‌شد پرده‌های حجاب را کنار زده، از آن سوی جهان ظاهر خبر دهد.

۱- محمد جواد طبسی، حیاة الامام العسکری علیه السلام، ص ۱۲۱.

۲- محمد جواد طبسی، حیاة الامام العسکری علیه السلام، ص ۲۱۷.

۳- مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۲۳۴.



## ۷. معرفی حضرت مهدی علیه السلام به عنوان جانشین

یکی از مسؤولیت های خطیر امام عسکری علیه السلام، معرفی حضرت مهدی علیه السلام به عنوان جانشین خود بود. این مهم زمانی سخت تر می شد که آن حضرت می بایست بنا به دلایلی، فرزند خود را در پرده «پنهان زیستی» نگه دارد تا از گزند بدخواهان در امان بماند.

با این حال در موارد فراوانی آن حضرت، به معرفی جانشین خود به افراد موثق پرداخته است. عمده تعابیری که امام یازدهم برای معرفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به کار برده، بدین قرار است:

«هذا صاحبكم بعدی...»؛<sup>(۱)</sup> «این بعد از من صاحب شما است...».

«ان ابني هو القائم من بعدی...»؛<sup>(۲)</sup> «همانا فرزندم قائم بعد از من است...».

«هذا امامكم من بعدی و خلیفتی علیکم...»؛<sup>(۳)</sup> «این پیشوای شما پس از من و جانشین من بر شما است...».

«ابنی محمد هو الامام الحجه بعدی...»؛<sup>(۴)</sup> «فرزندم محمد همان امام و حجت پس از من است...».

و مواردی از این قبیل که در کتاب ها بدان اشاره شده است.

## ۸. آماده سازی شیعیان برای دوران غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف

از آنجا که غایب شدن امام و رهبر هر جمعیتی، یک حادثه غیر طبیعی و نامأنوس است و باور کردن آن و نیز تحمل مشکلات ناشی از آن، برای نوع مردم دشوار است؛ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و امامان پیشین علیهم السلام، به تدریج مردم را با این موضوع آشنا ساخته، افکار را برای پذیرش آن آماده می کردند.

این تلاش در عصر امام هادی و عسکری علیهما السلام، به صورت محسوس تری به چشم می خورد؛ چنان که امام هادی علیه السلام بعضی از اقدامات را به وسیله نمایندگان انجام می داد و خود کمتر با افراد تماس می گرفت. این امر در زمان امام عسکری علیه السلام، جلوه بیشتری یافت؛ زیرا با وجود تأکید بر تولد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، او را تنها به شیعیان خاص و بسیار نزدیک نشان می داد. از طرف دیگر تماس مستقیم شیعیان با خود آن حضرت نیز روز به روز محدودتر و کمتر می شد؛ به طوری که حتی در شهر

۱- شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۴۸.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۲۴، ح ۴.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۳۵، ح ۲.

٤- شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمه، ج ٢، ص ٤٠٩، ح ٩.

سامرا از طریق نامه یا به وسیله نمایندگان خویش، به مردم پاسخ می داد. بدین ترتیب آنان را برای تحمل اوضاع و شرایط عصر غیبت و ارتباط غیر مستقیم با امام آماده می ساخت. این همان روشی است که امام دوازدهم علیه السلام در زمان غیبت صغرا در پیش گرفت و شیعیان را به تدریج برای دوران غیبت کبرا آماده ساخت. (۱)

### حوادث ناگوار پس از شهادت امام عسکری علیه السلام

#### اشاره

متأسفانه پس از شهادت امام عسکری علیه السلام، اتفاقات ناگواری رخ داد که برخی از آنها بدین قرار است:

#### ۱. بازجویی از خانه آن حضرت

لحظاتی از شهادت امام عسکری علیه السلام سپری نشده بود که دژخیمان، با سعایت افرادی، به خانه امام هجوم بردند تا شاید در این رهگذر به امام غایب دست یازند.

#### ۲. برخورد جعفر کذاب با مادر امام عسکری علیه السلام بر سر میراث

#### ۳. بازجویی از خانه‌ها و منازل برای دستیابی به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۳. بازجویی از خانه‌ها و منازل برای دستیابی به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ (۲)

#### ۴. ترور، حبس، تهدید و اذیت و آزار شیعیان

شیخ مفید از تهدیدات علیه شیعه پس از شهادت امام عسکری علیه السلام، به عنوان یکی از تلخ ترین فرازهای تاریخ تشیع یاد کرده است. (۳)

#### ۵. اختلاف و چند دستگی بین شیعیان

یکی از حوادث کمر شکن پس از شهادت امام عسکری علیه السلام، تفرقه ای بود که در میان برخی از شیعیان رسوخ کرد و آنها را از یکپارچگی خارج نمود. البته این تفرق پیش از آن، از سوی امام عسکری علیه السلام پیش بینی شده بود. ابوغانم می گوید: از امام عسکری علیه السلام شنیدم که می فرمود: در سال ۲۶۰ پیروانم فرقه فرقه می شوند.

آن گاه در ادامه ابوغانم می گوید: در آن سال امام عسکری علیه السلام رحلت فرمود و پیروان و یارانش

٢- ر. ك: كافي، ج ١، ص ٥٠٥؛ كمال الدين و تمام النعمه، ج ١، ص ٤٣.

٣- شيخ مفيد، الارشاد، ص ٣٢٥؛ بحار الانوار، ج ٥٠، ص ٣٣٤.

متفرق شدند. دسته ای خود را منتسب به جعفر (پسر امام دهم) کردند، گروهی سرگردان شدند، عده‌ای به شک افتادند، دسته‌ای در حالت تحیر ایستادند و جمعی دیگر به توفیق خدای تعالی، بر دین خود ثابت ماندند.<sup>(۱)</sup>

### پدر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نگاه اهل سنت

یکی از موارد اختلاف بین شیعه و سنی در موضوع مهدویت، اختلاف در پدر حضرت مهدی علیه السلام است. شیعه با ارائه ادله فراوان ثابت کرده که پدر حضرت مهدی علیه السلام، امام حسن عسکری علیه السلام است، در حالی که اغلب اهل سنت، با بیان برخی روایات در این زمینه، بر این باورند که نام پدر حضرت مهدی علیه السلام عبدالله، هم نام پدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است.

دانشمندان شیعه، اگر چه با حفظ امانت کامل، برخی از این احادیث را هر چند که صحیح نمی‌دانسته اند بدون کم و کاست از کتاب‌های اهل سنت نقل کرده‌اند؛ اما هرگز تردید در این موضوع به خود راه نداده‌اند.

بعضی از احادیثی که اهل سنت با استناد به آنها، چنین دیدگاهی را انتخاب کرده اند؛ بدین قرار است:

الف. ابن ابی شیبیه، طبرانی و حاکم، از عاصم بن ابی النجود، از زر بن حبیش از عبدالله بن مسعود روایت کرده‌اند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «لا تذهب الدنيا حتى يبعث الله رجلا يواطئ اسمه اسمي، و اسم ابيه اسم ابي»؛<sup>(۲)</sup> «دنيا از میان نمی رود، مگر اینکه خداوند مردی را بر می‌انگیزاند که نام او هم نام من و نام پدرش نام پدر من است».

ب. ابو عمرو دانی و خطیب بغدادی، از عاصم بن ابی النجود از زر بن حبیش، از عبدالله بن مسعود نقل کرده اند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «لا تقوم الساعة حتى يملك الناس رجل من اهل بيتي، يواطئ اسمه اسمي و اسم ابيه اسم ابي»؛<sup>(۳)</sup> «قیامت بر پا نمی شود؛ مگر آنکه مردی از خاندان من بر همه مردم پادشاهی کند، نام او هم نام من و نام پدرش نام پدر من است».

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۰۸، ح ۶.

۲- ابن ابی شیبیه، المصنف، ج ۱۵، ص ۱۹۸، ح ۱۹۴۹۳؛ طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۱۰، ص ۱۶۳، ح ۱۰۲۱۳ و ص ۱۶۶، ح ۱۰۲۲۲؛ مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۴۴۲؛ علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۶۱.

۳- سنن ابو عمرو دانی، ص ۹۴ و ۹۵؛ تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۳۷۰.

ج. نعیم بن حماد، خطیب و ابن حجر، همگی از عاصم، از زرّ بن حبیش از ابن مسعود روایت کرده اند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «المهدی یواطئ اسمه اسمی و اسم ابیه اسم ابی»؛<sup>(۱)</sup> «مهدی نامش هم نام من و نام پدرش نام پدر من است».

د. نعیم بن حماد به سند خودش از ابو الطفیل آورده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «المهدی اسمه اسمی و اسم ابیه اسم ابی»؛<sup>(۲)</sup> «مهدی نامش نام من و نام پدرش، نام پدر من است».

هیچ یک از این احادیث، نمی تواند حجّت و دلیلی محکم، بر ادعای کسانی باشد که نام پدر مهدی علیه السلام را «عبدالله» دانسته اند. سند حدیث چهارم به اتفاق همه محدثان ضعیف است؛ زیرا یکی از راویان آن رشدین بن سعد است؛ یعنی همان «رشدین بن ابی رشدین» است که همه بزرگان اهل سنت در علم رجال بر ضعف او اتفاق دارند.<sup>(۳)</sup> بدین ترتیب و بدون شک در چنین امر مهمی، نمی توان سخن این گونه افراد را پذیرفت.

سه حدیث نخستین، نیز نمی توانند حجّت و دلیل باشند؛ چون عبارت «نام پدرش نام پدر من است» را بزرگان و حافظان حدیث نقل نکرده اند و تنها جمله «نام او، نام من است» را همگان، بدون اضافه‌ای دیگر آورده‌اند.

برخی از پژوهشگران اهل سنت که روایت کنندگان از عاصم بن ابی النجود را مورد بررسی قرار داده اند به این مطلب تصریح کرده و گفته اند: این اضافه در اصل حدیث نیست.

از طرف دیگر، هر سه حدیث، فقط به ابن مسعود، ختم می شود و حال آنکه در مسند احمد در چند مورد، همین حدیث از ابن مسعود نقل شده که با جمله «نام او، نام من است»، پایان یافته است.<sup>(۴)</sup>

ترمذی می گوید: حدیث از علی علیه السلام، ابو سعید خدری، ام سلمه و ابوهریره، فقط با لفظ «نام او، نام من است» روایت شده است. آن گاه بعد از نقل حدیث ابن مسعود با این لفظ می افزاید: «در این باب، از علی، ابوسعید، ام سلمه و ابوهریره روایت شده و این حدیث نیکو و صحیح است».<sup>(۵)</sup>

طبرانی در المعجم الکبیر آن را از ابن مسعود، از چند طریق فقط با لفظ «نام او نام من است» در

۱- تاریخ بغداد، ص ۳۹۱؛ نعیم بن حماد، الفتن، ج ۱، ص ۳۶۷، ح ۱۰۷۶ و ۱۰۷۷؛ کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۸، ح ۳۸۶۷۸ به نقل از ابن عساکر.

۲- نعیم بن حماد، الفتن، ج ۱، ص ۳۶۸، ح ۱۰۸۰.

۳- ر. ک: تهذیب الکمال، ج ۹، ص ۱۹۱؛ تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۲۴۰.

۴- احمد بن حنبل، مسند، ج ۱، ص ۳۷۶ و ۳۷۷ و ۴۳۰ و ۴۴۸.

۵- سنن ترمذی، ج ۴، ص ۵۰۵، ح ۲۲۳۰.

حدیث های ۱۰۲۱۴ به بعد، نقل کرده است.

حاکم نیز در مستدرک، حدیث را از ابن مسعود فقط با جمله «نام او نام من است»، نقل کرده و گفته است: «این حدیث با شرط شیخین صحیح است و آنان آن را نقل نکرده اند» (۱).

بغوی در مصابیح السنه حدیث را بدون اضافه نقل کرده و گوید: حدیث نیکو است (۲). مقدسی شافعی تصریح می کند: این افزوده را بزرگان حدیث روایت نکرده اند. پس از نقل حدیث بدون آن اضافه می نویسد: «گروهی از بزرگان حدیث، در کتاب های خود به همین گونه آورده اند؛ مانند: ابو عیسی ترمذی در جامع، ابی داود در سنن و حافظ ابو بکر بیهقی و شیخ ابو عمر دانی» (۳).

سپس حدیث های دیگری در تأیید درستی نقل خود از بزرگانی چند مانند طبری، احمد بن حنبل، ترمذی، ابو داود، حافظ ابو داود و بیهقی به نقل از عبدالله بن مسعود، عبدالله بن عمر و حذیفه می آورد (۴).

همان گونه که اشاره شد، ترمذی این حدیث را از حضرت علی علیه السلام، ابوسعید خدری، ام سلمه و ابوهریره فقط با جمله «نام او، نام من است»، روایت کرده است. بنابراین اگر جمله «و نام پدرش، نام پدر من است» در متن اصلی روایت ابن مسعود می بود، قابل تصور نیست که همه این شخصیت های یاد شده، به اتفاق آن را حذف کرده باشند؛ هر چند آنان از عاصم بن ابی النجود هم روایت کرده باشند!

اما اینکه چگونه این افزوده به روایت ها راه یافته، احتمالاتی قابل طرح است:

۱. از سوی پیروان و یاران حسنی ها به منظور اثبات مهدویت محمد بن عبد الله بن حسن مثنی، اضافه شده است.
۲. از سوی طرفداران بنی عباس، جهت تأیید مهدویت محمد بن عبدالله (ابو جعفر) منصور عباسی، به حدیث ابن مسعود افزوده شده است. این احتمال، زمانی به واقعیت نزدیک می شود که بدانیم محمد بن عبد الله بن حسن مثنی، لکنت زبان داشته و لذا پیروانش دروغ دیگری به وایت ابوهریره افزوده و روایت را چنین نقل کرده اند: «به درستی که مهدی نامش محمد بن عبدالله است و در

۱- مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۴۴۲.

۲- مصابیح السنه، ص ۴۹۲، ح ۴۲۱۰.

۳- عقد الدرر، ص ۵۱، باب ۲.

۴- عقد الدرر، ص ۵۱، ۵۶، باب ۲.

زبان‌ش‌گندی وجود دارد»<sup>(۱)</sup>.

بر این اساس هر سه حدیث نخستین، با نقل حافظان حدیث از عاصم مخالفت دارد. از این رو حافظ ابو نعیم اصفهانی (م ۴۳۰ ه) در مناقب المهدی این حدیث را با ۳۳ سلسله راویان مختلف تا عاصم، نقل کرده است. در این نقل‌ها حتی یکی از آنها عبارت «و نام پدرش نام پدر من است» را ندارد و با عبارت «نام او نام من است» پایان یافته است.

گنجی شافعی (م ۶۳۸ ه) متن اصفهانی را نقل و اضافه می‌کند: «این حدیث را غیر از عاصم، دیگرانی هم مانند عمرو بن حره، از زرّ نقل کرده‌اند و همگی با «نام او نام من است»، آن را به پایان برده‌اند؛ جز روایتی که عبارت «و نام پدرش نام پدر من است» را دارد.

کوتاه سخن اینکه چنین اضافه‌ای پذیرفتنی نیست؛ به خصوص که: احمد بن حنبل «با دقتی که در ضبط حدیث دارد»، این حدیث را چند بار در مسندش با جمله «و نامش نام من است»، نقل کرده است»<sup>(۲)</sup>.

از بحث‌های گذشته روشن می‌شود که تبار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به امام حسین علیه السلام می‌رسد و دیگر احادیثی که خلاف این را می‌رسانند، ضعیف و بی اعتبار بوده هیچ قرینه‌ای بر صحت آنها در دست نیست. با توجه به نتیجه بحث‌های گذشته نیز به دست می‌آید: نقل متواتر نزد مسلمانان نیز، همین نتیجه را تأیید می‌کند.<sup>(۳)</sup>

۱- ر. ک: مقاتل الطالین، ص ۱۶۳ و ۱۶۴.

۲- گنجی شافعی، البیان فی اخبار صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۴۸۲.

۳- سید ثامر هاشم العمیدی، مهدی منتظر در اندیشه اسلامی، صص ۱۰۷۹۲ (با تصرف).



## خود آزمایی

۱. به سه جلوه از جلوه های زندگی امام عسکری علیه السلام اشاره کرده، آنها را شرح دهید.
۲. امام عسکری علیه السلام برای معرفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به عنوان جانشین خود از چه تعبیری استفاده فرمود؟
۳. امام عسکری علیه السلام چگونه مردم را برای تحمل دوران غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آماده می... کردند؟
۴. تفاوت دیدگاه شیعه و اهل سنت را در باره پدر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شرح دهید.
۵. به روایاتی که پدر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را هم نام پدر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دانسته اند، چگونه می توان پاسخ داد؟
۶. علاوه بر آنچه در درس آمده، به دلیلی در ردّ روایات «نام پدر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نام پدر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است»، اشاره کنید.

===

منابع برای پژوهش:

۱. محمد جواد طبسی، با خورشید سامرا، ترجمه عباس جلالی، (مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹، ه . ش).
۲. سید ثامر هاشم العمیدی، مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف در اندیشه اسلامی، ترجمه محمد باقر محبوب القلوب، (انتشارات مسجد جمکران، قم، ۱۳۸۰ ه . ش).
۳. مسجد جمکران، آخرین خورشید پیدا، نگرشی کوتاه بر زندگانی امام حسن عسکری علیه السلام، (مسجد جمکران، ۱۴۱۵ ه . ش).
۴. باقر شریف قرشی، تحلیلی از زندگانی امام حسن عسکری علیه السلام، (کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام، مشهد، ۱۳۷۱ ه . ش).
۵. سید محمد تقی مدرسی، زندگانی حضرت امام حسن عسکری علیه السلام، ترجمه محمد صادق شریعت، (محبان الحسین

عليه السلام، ١٣٧٩ هـ . ش).

## درس دهم: مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

نام های مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

سرگذشت مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

بررسی روایتی درباره مادر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

سرنوشت مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف



از آنجایی که امامان معصوم علیهم السلام دارای عظمتی خاص هستند، می‌بایست پدر و مادرشان نیز دارای کمالات فراوانی باشند و از رَجَم های پاک، به دور از هر گونه آلودگی، پای به عرصه عالم دنیا بگذارند. مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان کسی که آخرین حَبَّت الهی را به دنیا می‌آورد، باید از کمالات معنوی، بهره فراوانی داشته باشد.

متأسفانه به دلایلی شناخت ما از آن بانوی بزرگوار بسیار محدود و ناچیز است و در منابع روایی، سخن چندانی در باره ایشان وجود ندارد. با توجه به این نکته تلاش شده در این درس در حد امکان در باره آن بانوی بزرگ مطالبی ارائه شود.

### نام‌های مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

در کانون خانواده امام عسکری علیه السلام، آن بانوی گرامی را به نام های مختلفی از قبیل: «نرجس»، «سوسن»، «صقیل» (یا «صیقل»)، «حدیثه»، «حکیمه»، «ملیکه»، «ریحانه» و «خبط» صدا می‌زدند.

از دیدگاه یکی از پژوهشگران علت تعدد نام های آن بانو، می‌تواند چند چیز باشد:

۱. علاقه و محبت فراوان مالک او به وی، باعث شده بود با بهترین اسم ها و زیباترین نام ها، او را صدا بزنند. از این رو تمام نام های آن بانو، از اسامی گل ها و شکوفه ها است؛ چون مردم این صداها و نام های مختلف را شنیده بودند، می‌پنداشتند که تمام اینها اسامی آن بانوی بزرگوار است.

۲. این بانوی گرامی پس از اینکه وارد کانون خانواده امام علیه السلام شد، خط مشی و مسیر دیگری بر خلاف سایر کنیزان داشت؛ زیرا او مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بود. او فشار و ظلم

ستمگران و حکومت ها را می دید و می دانست مدتی باید در زندان به سر برد. او می دانست که باید برای حفظ خود و فرزند گرامی اش، نقشه هایی بیندیشد، تا حاکمان وقت، ندانند صاحب کدام نام را باید زندانی کنند و حامل نور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کدام است. بر این اساس هر روز نامی تازه برای خود می نهاد و در خانواده امام علیه السلام او را به این نام ها می خواندند تا دشمنان خیال کنند که این نام های مختلف، مربوط به چند نفر است و نفهمند این اسامی، همه مربوط به یک نفر است. (۱)

### سر گذشت مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اگر چه از سر گذشت مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سخن صریح و روشنی در دست نیست؛ اما طبق قول مشهور که از برخی روایات به دست می آید ایشان کنیزی بود که در جنگ اسیر شد و پس از آن به خانواده گرامی امام عسکری علیه السلام پیوست.

در مجموع می توان روایات مربوط به مادر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به چهار دسته تقسیم کرد:

۱. روایاتی که آن بانوی بزرگوار را شاهزاده ای رومی معرفی کرده است.

۲. روایاتی که آن بانوی بزرگ را تربیت شده خانه حکیمه خاتون دانسته است.

۳. روایتی که علاوه بر تربیت ایشان، ولادت آن بانوی بزرگ را نیز در خانه حکیمه ذکر کرده است. (۲)

۴. روایاتی که مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را بانویی سیاه پوست دانسته است.

بررسی روایات دسته نخست:

یکی از روایت های مشهور، حکایت از آن دارد که مادر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، شاهزاده ای رومی است که اعجاز گونه، به بیت شریف امام عسکری علیه السلام راه یافته است. شیخ صدوق در داستان مفصلی، حکایت مادر حضرت مهدی علیه السلام را این گونه نقل کرده است:

بشر بن سلیمان نخّاس گفت: من از فرزندان ابویوب انصاری و یکی از موالیان امام هادی

۱- پژوهشی در زندگی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نگرشی به غیبت صغرا، ص ۲۰۴ و ۲۰۵.

۲- مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۲۷۲.

و امام عسکری علیهما السلام و همسایه آنان در «سرّ من رای» بودم. مولای ما امام هادی علیه السلام مسائل «برده فروشی» را به من آموخت و من جز با اذن او، خرید و فروش نمی کردم. از این رو از موارد شبهه ناک پرهیز می کردم تا آنکه معرفتم در این باب کامل شد و فرق میان حلال و حرام را نیکو دانستم.

یک شب در «سرّ من رای» که در خانه خود بودم و پاسی از شب گذشته بود کسی در خانه را کوفت. شتابان به پشت در آمدم، دیدم کافور فرستاده امام هادی علیه السلام است که مرا به نزد آن حضرت فرا می خواند. لباس پوشیدم و بر ایشان وارد شدم. دیدم با فرزندش ابومحمد و خواهرش حکیمه خاتون از پس پرده گفت و گو می کند. وقتی نشستیم، فرمود: ای بشر! تو از فرزندان انصاری و ولایت ائمه علیهم السلام پشت در پشت، در میان شما بوده است و شما مورد اعتماد ما اهل بیت هستید. من می خواهم تو را مشرف به فضیلتی سازم که بدان بر سایر شیعیان در موالات ما سبقت بجویی. تو را از سرّی مطلع می کنم و برای خرید کنیزی گسیل می دارم. آن گاه نامه ای به خط و زبان رومی نوشت و آن را به هم پیچید و با خاتم خود مهر کرد. دستمال زرد رنگی را که در آن ۲۲۰ دینار بود بیرون آورد و فرمود: آن را بگیر و به بغداد برو و ظهر فلان روز، در معبر نهر فرات حاضر شو و چون زورق های اسیران آمدند، جمعی از و کیلان فرماندهان بنی عباس و خریداران و جوانان عراقی دور آنها را بگیرند.

وقتی چنین شد، شخصی به نام عمر بن یزید برده فروش را زیر نظر بگیر و چون کنیزی را که صفتش چنین و چنان است و دو تکه پارچه حریر در بر دارد، برای فروش عرضه بدارد و آن کنیز از گشودن رو و لمس کردن خریداران و اطاعت آنان سرباز زند، تو به او مهلت بده و تأملی کن. برده فروش آن کنیز را بزند و او به زبان رومی ناله و زاری کند و گوید: وای از هتک ستر من! یکی از خریداران گوید: من او را سیصد دینار خواهم خرید که عفاف او باعث فزونی رغبت من شده است و او به زبان عربی گوید: اگر در لباس سلیمان و کرسی سلطنت او جلوه کنی، در تو رغبتی ندارم، اموالت را بیهوده خرج مکن! برده فروش گوید: چاره چیست؟ گریزی از فروش تو نیست! آن کنیز گوید: چرا شتاب می کنی باید خریداری باشد که دلم به امانت و دیانت او اطمینان یابد. در این هنگام برخیز و به نزد عمر بن یزید برو و بگو: من نامه ای سر بسته از یکی از اشراف دارم که به زبان و خط رومی نوشته و کرامت و وفا و بزرگواری و سخاوت خود را در آن نوشته است.

نامه را به آن کنیز بده تا در خُلق و خوی صاحب خود تأمل کند. اگر بدو مایل شد و بدان رضایت داد، من وکیل آن شخص هستم تا این کنیز را برای وی خریداری کنم.

بشرین سلیمان گوید: همه دستورات مولای خود امام هادی را درباره خرید آن کنیز به جای آوردم و چون در نامه نگریست، به سختی گریست و به عمر بن یزید گفت: مرا به صاحب این نامه بفروش! و سوگند اکید بر زبان جاری کرد که اگر او را به صاحب نامه نفروشد، خود را خواهد کشت. درباره بهای آن گفت و گو کردم تا آنکه بر همان مقداری که مولایم در دستمال زرد رنگ همراه کرده بود، توافق کردیم. دینارها را از من گرفت و من هم کنیز را خندان و شادان تحویل گرفتم و به حجره ای که در بغداد داشتم، آمدم. چون به حجره در آمد، نامه مولایم را از جیب خود در آورده، آن را می بوسید و به گونه ها و چشمان و بدن خود می نهاد و من از روی تعجب به او گفتم: آیا نامه کسی را می بوسی که او را نمی شناسی؟ گفت: ای درمانده و ای کسی که به مقام اولاد انبیا معرفت کمی داری! به سخن من گوش فرا دار و دل به من بسپار که من ملیکه دختر یسوعا، فرزند قیصر روم هستم. مادرم از فرزندان حواریون (شمعون وصی مسیح) است. برای تو داستان شگفتی نقل می کنم: جدّم قیصر روم می خواست مرا در سنّ سیزده سالگی، به عقد برادر زاده اش در آورد و در کاخش محفلی از افراد زیر تشکیل داد: سیصد تن از فرزندان حواریون و کشیشان، هفتصد تن از رجال و بزرگان و چهار هزار تن از امیران لشکری و کشوری. تخت زیبایی که با انواع جواهر آراسته شده بود، در پیشاپیش صحن کاخش و بر بالای چهل سکو قرار داد و چون برادر زاده اش بر بالای آن رفت و صلیب ها افراشته گردید و کشیش ها به دعا ایستادند و انجیل ها را گشودند؛ ناگهان صلیب ها به زمین سرنگون گردید. ستون ها فرو ریخت و به سمت میهمانان پرتاب شد. و آن که بر بالای تخت رفته بود، بیهوش بر زمین افتاد. رنگ از روی کشیشان پرید و پشتشان لرزید و بزرگ آنها به جدّم گفت: ما را از ملاقات این نحس ها - که دلالت بر زوال دین مسیحی دارد - معاف کن! جدّم از این حادثه فال بد زد و به کشیش ها گفت: این ستون ها را بر پا سازید و صلیب ها را بر افزایش و برادر این بخت برگشته بدبخت را بیاورید تا این دختر را به ازدواج او در آورم و نحوست او را به سعادت آن دیگری دفع سازم. چون دوباره مجلس جشن برپا شد، همان پیشامد اوّل برای دوّمی نیز تکرار گردید. مردم پراکنده شدند و جدّم قیصر اندوهناک گردید و به داخل کاخ خود در آمد و پرده ها افکنده شد.



در آن شب خواب دیدم که مسیح، شمعون و جمعی از حواریون، در کاخ جدّم گرد آمدند و در همان موضعی که او تخت را قرار داده بود، منبری نصب کردند. پس حضرت محمد به همراه جوانان و شماری از فرزندان او وارد شدند.

مسیح به استقبال او آمد و با او معانقه کرد. آن گاه حضرت محمد به او گفت: ای روح الله! من آمده ام تا از وصی تو شمعون، دخترش ملیکا را برای این پسرم خواستگاری کنم و با دست خود اشاره به ابومحمد صاحب این نامه کرد. مسیح به شمعون نگریست و گفت: شرافت نزد تو آمده است؛ با رسول خدا خویشاوندی کن. گفت: چنین کردم، آن گاه محمد بر فراز منبر رفت و خطبه خواند و مرا به پسرش تزویج کرد. مسیح و فرزندان محمد و حواریون همه گواه بودند و چون از خواب بیدار شدم، ترسیدم اگر این رؤیا را برای پدر و جدّم باز گو کنم، مرا بکشند. آن را در دلم نهان ساخته و برای دیگران باز گو نکردم.

سینه ام از عشق ابومحمد لبریز شد تا به غایتی که دست از خوردن و نوشیدن کشیدم و ضعیف و لاغر و سخت بیمار شدم. در شهرهای روم، طیبی نماند که جدّم او را بر بالین من نیاورد و درمان مرا از وی نخواست و چون نا امید شد، به من گفت: ای نور چشمم! آیا آرزویی در این دنیا داری تا آن را بر آورده سازم؟ گفتم: ای پدر بزرگ! همه درها به رویم بسته شده است، اگر شکنجه و زنجیر را از اسیران مسلمانی که در زندان هستند، بر داری و آنان را آزاد کنی، امیدوارم که مسیح و مادرش شفا و عافیت به من ارزانی کنند. چون پدر بزرگم چنین کرد، اظهار صحت و عافیت نمودم و اندکی غذا خوردم. پدر بزرگم بسیار خرسند شد و به عزّت و احترام اسیران پرداخت. پس از چهار شب دیگر حضرت فاطمه سرور زنان را در خواب دیدم که به همراهی مریم و هزار خدمتکار بهشتی، از من دیدار کردند. مریم به من گفت: این سرور زنان مادر شوهرت ابومحمد است. من به او در آویختم و گریستم و گلایه کردم که ابومحمد به دیدارم نمی آید، آن بانو فرمود: تا تو مشرک و به دین نصارا باشی، فرزندم ابومحمد به دیدار تو نمی آید! این خواهرم مریم است که از دین تو به خداوند تبری می جوید.

اگر تمایل به رضای خدای تعالی و خشنودی مسیح و مریم داری و می خواهی ابومحمد تو را دیدار کند، پس بگو: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ».

چون این کلمات را گفتم، مرا در آغوش کشید و فرمود: اکنون در انتظار دیدار ابومحمد باش که او را نزد تو روانه می سازم. پس از خواب بیدار شدم و گفتم: خوشا از دیدار ابومحمد!

چون فردا شب فرا رسید، ابومحمد در خواب به دیدارم آمد. گویا به او گفتم: ای حبیب من! بعد از آنکه همه دل مرا به عشق خود مبتلا کردی، در حق من جفا نمودی! او فرمود: تأخیر من برای شرک تو بود. حال که اسلام آوردی، هر شب به دیدار تو می آیم تا آنکه خداوند وصال عیانی را میسر گرداند. از آن زمان تا کنون هرگز دیدار او از من قطع نشده است.

بشر گوید از او پرسیدم: چگونه در میان اسیران در آمدی؟ او پاسخ داد: یک شب ابومحمد به من گفت: پدربزرگت در فلان روز، لشکری به جنگ مسلمانان می فرستد و خود هم به دنبال آنان می رود. بر تو است که در لباس خدمت گزاران در آیی و به طور ناشناس از فلان راه بروی و من نیز چنان کردم. طلایه داران سپاه اسلام بر سر ما آمدند و کارم بدان جا رسید که مشاهده کردی. هیچ کس جز تو نمی داند که من دختر پادشاه رومم. آن مردی که من در سهم غنیمت او افتادم، نامم را پرسید و من آن را پنهان داشتم و گفتم: نامم نرجس است و او گفت: این نام کنیزان است.

گفتم: شکفتا! تو رومی هستی؛ امّا به زبان عربی سخن می گویی! گفت: پدربزرگم در آموختن ادبیات به من حریص بود و زن مترجمی را بر من گماشت. او هر صبح و شبانگاه به نزد من می آمد و به من عربی می آموخت تا آنکه زبانم بر آن عادت کرد.

بشر گوید: چون او را به «سیر من رای» رسانیدم و بر مولایمان امام هادی علیه السلام وارد شدم، بدو فرمود: چگونه خداوند عزّت اسلام و ذلّت نصرانیت و شرافت اهل بیت محمد را به تو نمایاند؟ گفت: ای فرزند رسول خدا! چیزی را که شما بهتر می دانید، چگونه بیان کنم؟ فرمود: من می خواهم تو را اکرام کنم، کدام را بیشتر دوست می داری: ده هزار درهم یا بشارتی که در آن شرافت ابدی است؟ گفت: بشارت را، فرمود: بشارت باد تو را به فرزندی که شرق و غرب عالم را مالک شود و زمین را آکنده از عدل و داد کند؛ همچنان که پر از ظلم و جور شده باشد. نرجس پرسید: از چه کسی؟ فرمود: از کسی که رسول خدا در فلان شب از فلان ماه سال رومی، تو را برای او خواستگاری کرد. پرسید: از مسیح و جانشین او؟ فرمود: پس مسیح و وصی او، تو را به چه کسی تزویج کردند؟ گفت: به پسر شما ابومحمد! فرمود: آیا او را می شناسی؟ گفت: از آن شب که به دست مادرش سیدهاالنساء اسلام آورده ام، شبی نیست که او را نبینم.

امام هادی علیه السلام فرمود: ای کافور! خواهرم حکیمه را فراخوان و چون حکیمه آمد... نرجس را

زمانی طولانی در آغوش کشید و به دیدار او مسرور شد. بعد از آن مولای ما فرمود: ای دختر رسول خدا! او را به منزل خود ببر و تکالیف دینی را به وی بیاموز که او زوجه ابومحمد و مادر قائم است. (۱)

این روایت، نخست از طریق شیخ صدوق، در کتاب کمال الدین و تمام النعمه نقل شده است. آن گاه محمد بن جریر طبری آن را با سندی متفاوت، در کتاب دلائل الامامه آورده و (۲) شیخ طوسی در کتاب الغیبه به نقل آن پرداخته است. (۳) ایشان، روایت را درست مانند آنچه در کمال الدین و تمام النعمه بود، آورده؛ اما سند وی با سند کتاب کمال الدین متفاوت است.

قتال نیشابوری در روضه الواعظین، ابن شهر آشوب در مناقب آل ابی طالب، (۴) عبدالکریم نیلی در منتخب الأنوار المضيئه (۵) و از متأخرین صاحب إثبات الهداه فی النصوص و المعجزات از جمله کسانی هستند که این حکایت را نقل کرده‌اند.

علامه مجلسی در بحارالانوار قضیه را، یک جا از کتاب الغیبه و در جای دیگر، از کمال الدین و تمام النعمه نقل کرده است. (۶)

ممکن است پرسیده شود: این قضیه پس از سال ۲۴۲هـ اتفاق افتاده است؛ در حالی که از سال ۲۴۲هـ به بعد، جنگ مهمی میان مسلمانان و رومیان، رخ نداده است تا نرجس خاتون اسیر مسلمانان شوند. (۷)

در پاسخ گفتنی است: در این دوران و پس از آن، درگیری و جنگ هایی میان آنان رخ داده است که در بسیاری از کتاب... های تاریخی، می توان نمونه هایی از این درگیری ها را یافت. (۸)

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۱، ح ۱.

۲- محمد بن جریر طبری، دلائل الامامه، ص ۲۶۲.

۳- محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۰۸، ح ۱۷۸.

۴- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۴۴۰.

۵- عبدالکریم نیلی، منتخب الأنوار المضيئه، ص ۱۰۵.

۶- محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۶.

۷- جاسم حسین، تاریخ سیاسی امام دوازدهم، ص ۱۱۵.

۸- ر.ک: محمد بن جریر طبری، تاریخ الأمم والملوک، ج ۹، ص ۲۰۱؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۷، ص ۸۰، ۸۱، ۸۵.

۹۳؛ ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۱۰، ص ۳۲۳، ۳۴۳، ۳۴۵، ۳۴۷.

شواهد دیگری نیز وجود دارد که میان مسلمانان و روم، جنگ و درگیری واقع شده است. حال اگر منظور از جنگ بزرگ، این باشد که خود قیصر روم هم با برخی از اهل و خاندانش در آن شرکت کرده باشد، این امر ضرورتی ندارد؛ چون آنچه در این روایت آمده، این است که نرجس، به امر امام به صورت ناشناس و مخفیانه، با سپاهیان همراه شد و در پوشش کنیزان در آمد.

#### روایات دسته دوم

در بعضی از احادیث بدون اشاره به سرگذشت آن بانوی بزرگوار تنها به تربیت ایشان در بیت شریف حکیمه دختر امام جواد علیه السلام اشاره شده است.

محمد بن عبد الله طهوی، در بخشی از یک حکایت مفصل از زبان حکیمه نقل کرده است: «... آری، کنیزی داشتم که بدو نرجس می گفتند. برادرزاده ام به دیدارم آمد و به او نیک نظر کرد. بدو گفتم: ای آقای من! دوستش داری، او را به نزد بفرستم؟ فرمود: نه عمه جان! اما از او در شگفتم! گفتم: شگفتی شما از چیست؟ فرمود: به زودی فرزندی از وی پدید آید که نزد خدای تعالی، گرامی است و خداوند به واسطه او زمین را از عدل و داد آکنده سازد؛ همچنان که پر از ظلم و جور شده باشد. گفتم: ای آقای من! آیا او را به نزد شما بفرستم؟ فرمود: از پدرم در این باره کسب اجازه کن. گوید: جامه پوشیدم و به منزل امام هادی علیه السلام در آمدم. سلام کردم و نشستم. او خود آغاز سخن کرد و گفت: ای حکیمه! نرجس را نزد فرزندم ابی محمد بفرست. گوید: گفتم: ای آقای من! بدین منظور خدمت شما رسیدم که در این باره اجازه بگیرم. فرمود: ای مبارک! خدای تعالی دوست دارد که تو را در پاداش این کار شریک کند و بهره ای از خیر برای تو قرار دهد. حکیمه گوید: بی درنگ به منزل برگشتم و نرجس را آراستم و در اختیار ابو محمد قرار دادم و پیوند آنها را در منزل خود برقرار کردم. چند روزی نزد من بود؛ سپس به نزد پدرش رفت و او را نیز همراهش روانه کردم... (۱).

عموم روایات این دسته با احادیث دسته نخست منافاتی ندارد؛ زیرا می توان روایات مربوط به نرجس خاتون را پس از ورود او به خانه آن بانوی بزرگ دانست.

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۲، ح ۲.

مسعودی در اثبات الوصیه پس از نقل روایت قبلی، افزوده است: نرجس خاتون علاوه بر اینکه در بیت شریف عمه امام عسکری علیه السلام تربیت یافته بود؛ در همان بیت شریف نیز به دنیا آمده بود:

«روی لنا الثقات من مشایخنا أَنَّ بَعْضَ أَخَوَاتِ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ كَانَتْ لَهَا جَارِيَةٌ وُلِدَتْ فِي بَيْتِهَا وَرَبَّتُهَا تُسَمِّي نَرْجِسَ فَلَمَّا كَبُرَتْ وَعَبِلَتْ دَخَلَ أَبُو مُحَمَّدٍ فَنَظَرَ إِلَيْهَا فَاعْجَبَهُ فَقَالَتْ عَمَتُهُ أَرَاكَ تَنْظُرُ إِلَيْهَا فَقَالَ إِنِّي مَا نَظَرْتُ إِلَيْهَا إِلَّا مُتَعَجِّبًا أَمَا إِنَّ الْمُؤَلُودَ الْكَرِيمَ عَلَى اللَّهِ يَكُونُ مِنْهَا ثُمَّ أَمَرَهَا أَنْ تَسْتَأْذِنَ أَيُّهَا الْحَسَنُ فِي دَفْعِهَا إِلَيْهِ فَفَعَلَتْ...»؛<sup>(۱)</sup> «موثقین از بزرگان ما نقل کرده اند: یکی از خواهران امام هادی علیه السلام کنیزی داشت که در خانه او به دنیا آمده بود. آن بانو به تربیت او همت گماشت و او نرجس نامیده می شد. پس چون بزرگ شد و زمان شوهر دادنش فرا رسید؛ امام عسکری علیه السلام بدان خانه وارد شد و نگاهی از روی شگفتی به آن کنیز انداخت. پس عمه ایشان (حکیمه) گفت: می بینم به او توجه کردی؟! آن حضرت فرمود: نظر خاصی به او ندارم. اما از این در شگفتم آن مولود بزرگوار (موعود) از او به دنیا می آید. آن گاه به حکیمه امر فرمود با اجازه امام هادی علیه السلام، نرجس خاتون را به او بدهد و حکیمه نیز چنین کرد».

شیخ طوسی رحمه الله این روایت را ذکر کرده است؛ البته با این تفاوت که جمله «ولدت فی بیتها» را نقل نکرده است.<sup>(۲)</sup>

در سه دسته روایت یاد شده، چند مطلب مورد اتفاق است:

الف. ایشان کنیز بوده است.

ب. او در خانه حکیمه خاتون دختر امام جواد علیه السلام بوده است.

ج. حکیمه در موضوع ازدواج امام عسکری علیه السلام، از این کنیز صحبت کرده است.

۱- مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۲۷۲.

۲- محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۴۴.

## روایات دسته چهارم

در این دسته بر خلاف روایات پیشین سخن از کنیزی سیاه پوست به میان آمده است و عده ای نیز با تمسک به این روایات، خواسته اند دیدگاه مشهور را خدشه دار سازند. طرفداران این دیدگاه به روایت زیر از کناسی (۱) استناد کرده اند:

او می گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: «إِنَّ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ فِيهِ سَيِّئَةٌ مِنْ يَوْسُفَ ابْنِ أُمِّهِ سَوْدَاءَ يَصْلِحُ اللَّهُ أَمْرَهُ فِي لَيْلِهِ وَاحِدَةٍ»؛ (۲) «همانا در صاحب این امر سستی از یوسف علیه السلام است و آن اینکه او فرزند کنیزی سیاه است. خداوند امرش را در یک شب اصلاح می فرماید».

علامه مجلسی با بیان اینکه این روایت، با بسیاری از روایات در باره مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مخالفت دارد؛ (۳) راه حل را در این دانسته که مقصود از روایت، می تواند مادر با واسطه و یا مربی آن حضرت باشد. (۴)

### سرنوشت مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

در منابع معتبر هیچ گونه اشاره ای به سرگذشت مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از ولادت آن حضرت نشده است. البته سخنی که در این باره نقل شده این است که: «ابوعلی خزیزرانی، کنیزی داشت که او را به امام حسن عسکری علیه السلام اهدا کرد و چون جعفر کذاب خانه امام را غارت نمود؛ وی از دست جعفر گریخت و با ابوعلی ازدواج کرد. ابوعلی می گوید: او گفته است در ولادت سید حاضر بود و مادر او صقیل نام داشت. امام حسن عسکری علیه السلام صقیل را از آنچه بر سر خاندانش می آید، آگاه کرد و او از امام درخواست کرد که از خدای تعالی بخواهد تا مرگ

۱- قابل توجه این که این روایت در غیبت نعمانی از یزید کناسی و در کمال الدین و تمام النعمه از ضریس کناسی نقل شده است.

۲- ر. ک: نعمانی، الغیبه، ص ۱۶۳؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۹، باب ۳۲، ح ۱۲.

۳- گفتنی است: روایات فراوانی از طرف مدعیان مهدویت و طرفداران آنها در طول تاریخ این بحث مهم، جعل و به امامان معصوم علیهم السلام نسبت داده شده است.

۴- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۹، باب ۱۳.

وی را پیش از آن برساند. او در حیات امام حسن عسکری علیه السلام در گذشت و بر سر قبر وی لوحی است که بر آن نوشته اند: این قبر مادر محمد است»<sup>(۱)</sup>.

---

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۳۱، ح ۷.

## خود آزمایی

۱. داستان مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را طبق نقل شیخ صدوق رحمه الله و شیخ طوسی رحمه الله بیان کنید.
۲. کتاب‌هایی که داستان مشهور مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را ذکر کرده اند، نام ببرید (چهار مورد).
۳. وجه جمع روایات نخست و روایات دسته دوم را بیان کنید.
۴. در کدام کتاب ذکر شده که مادر حضرت مهدی علیه السلام، در خانه حکیمه خاتون به دنیا آمده است؟ علامه مجلسی چه پاسخی داده است؟
۵. درباره سرنوشت مادر حضرت مهدی علیه السلام توضیح دهید.
۶. افزون بر آنچه در درس آمده، داستان مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را تحلیل نمایید.

===

منابع برای پژوهش:

۱. سید محمد صدر، تاریخ الغیبه الصغری، ترجمه سید حسن افتخارزاده، (نیک معارف، تهران، ۱۳۷۱ ه. ش).
۲. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، (مکتبه الصدوق، تهران ۱۳۹۷ ه.).
۳. محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، (موسسه معارف اسلامی، قم، ۱۴۱۱ ه.).
۴. محمد بن علی بن حسین بن بابویه صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، دو جلد، (دارالکتب الاسلامیه، قم، ۱۳۹۵ ه.).
۵. علی اکبر مهدی پور، او خواهد آمد، (رسالت، قم، ۱۳۷۹ ه. ش).



## درس یازدهم: ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

چگونگی ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

مخفی بودن ولادت

فلسفه مخفی بودن ولادت

۲. اثبات ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

الف. نوید امام عسکری علیه السلام ، به ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

ب. خبر دادن امام حسن عسکری علیه السلام از ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

ج. خبر دادن حکیمه (عمه امام عسکری علیه السلام) از ولادت آن حضرت

د. خبر دادن نسیم و ماریه به عنوان خادمین بیت امامت

از ولادت آن حضرت

ه. گزارش عده فراوانی از بزرگان شیعه

از دیدن آن حضرت پس از ولادت و در کودکی

و. گزارش برخی از دانشمندان اهل سنت از ولادت آن حضرت

۳. زمان ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

پاسخ به برخی شبهات در باره ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف



یکی از حوادث مهم در تاریخ بشر، ولادت آخرین ذخیره الهی و موعود امت‌ها حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است به گونه ای که اصل ولادت آن حضرت، جزو مسلمات تاریخ به شمار می آید و نه تنها ائمه معصومین علیهم السلام و دانشمندان و تاریخ نویسان شیعه به این مهم اشاره کرده‌اند؛ بلکه مورخان و محدثانی چند از اهل سنت نیز به این حادثه بزرگ تصریح نموده، آن را یک واقعیت دانسته‌اند. این ولادت نقطه عطفی در تاریخ زندگی بشر بر روی کره زمین است. و می‌رود تا پس از گذشت قرن‌ها با ظهور آن منجی موعود، امید انسان‌های مظلوم و حقیقت خواه، تحقق یابد.

### ۱. چگونگی ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

#### اشاره

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ولادت استثنایی داشته و این برای بسیاری سؤال انگیز بوده است. از این رو، ترسیم و تصویر مقدمات ولادت و برخورد مخالفان و دشمنان اهل بیت علیهم السلام، در برابر این پدیده، ضروری می‌نماید.

جریان امامت پیشوایان معصوم علیهم السلام، پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فراز و فرودهای فراوانی پیدا کرد. امامان معصوم علیهم السلام، با حفظ استراتژی کلی و خطوط اساسی امامت، در رابطه با حفظ مکتب و ارزش‌های آن، روش‌های گوناگونی را در برابر ستمگران، در پیش گرفتند. این فراز و نشیب‌ها، تا زمان امامت علی بن موسی الرضا علیهما السلام، استمرار داشت و ائمه علیهم السلام تا آن زمان، هر یک به تناسب زمان و مکان و ارزیابی شرایط سیاسی و اجتماعی، موضعی خاص انتخاب می‌کردند. پس از امام رضا علیه السلام، جریان امامت شکل دیگری یافت. امام جواد، هادی و

عسکری علیهم السلام، در برابر دستگاه حاکم و خلفای عباسی موضعی یگانه برگزیدند. (۱)

پس از اینکه دو قرن و اندی از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سپری شد و امامت به آنان رسید، اندک اندک در میان حکومتگرانِ مسلمین در مرکز خلافت، نگرانی هایی عمیق جان گرفت. این نگرانی ها مربوط به اخبار و احادیث بسیاری بود که در آنها آمده بود: از امام عسکری علیه السلام فرزندی تولد خواهد یافت که برهم زننده اساس حکومت ها است. این پیشگویی، هم در کتاب های پیشینیان آمده بود و به وسیله آگاهان در میان مسلمین نقل می شد و هم در اخبار اسلامی، به تواتر از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده بود. بر مبنای این بشارت ها، قرار بود از امام یازدهم فرزندی پدید آید که ویران کننده تخت ها و فرو افکننده تاج ها و پایمال کننده قدرت های ستمگرا باشد...

از این رو بر فشارها و سخت گیری ها نسبت به امام حسن عسکری علیه السلام افزوده شد تا شاید با نابودی ایشان، از تولد مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تداوم امامت جلو گیری شود. اما بر خلاف برنامه ریزی ها و پیشگیری های دقیق و پی در پی دشمنان، مقدمات ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آماده شد و توطئه های ستمگران، راه به جایی نبرد.

بدین علت دورانی که آن حضرت در شکم مادر بزرگوار خود بود و سپس تولدش، همه و همه، از مردم پنهان بود و جز چند تن از نزدیکان، شاگردان و اصحاب خاص امام عسکری علیه السلام، کسی او را پس از ولادت نمی دید. آنان نیز مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را گاه گاه می دیدند؛ نه پیوسته و به صورت عادی (۲).

درباره چگونگی ولادت ایشان مشهورترین نظر، سخنان ارزشمند بانوی بزرگوار، حضرت حکیمه علیها السلام عمه امام عسکری علیه السلام است. شیخ صدوق رحمه الله، این حادثه بزرگ را از زبان او چنین آورده است:

امام حسن عسکری علیه السلام مرا به نزد خود فرا خواند و فرمود: ای عمه! امشب افطار نزد ما باش که شب نیمه شعبان است و خدای تعالی امشب حجت خود را که حجت او در روی زمین است ظاهر سازد. گفتم: مادر او کیست؟ فرمود: نرجس. گفتم: فدایت شوم! اثری از حمل در

۱- جمعی از نویسندگان، چشم به راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۳۱۸.

۲- محمد رضا حکیمی، خورشید مغرب، صص ۲۱۲۲. (با تصرف)

او نیست، فرمود: همین است که به تو می گویم.

گوید: آمدم و چون سلام کردم و نشستم؛ نرجس آمد و کفش مرا برداشت و گفت: ای بانوی من و بانوی خاندانم! حالتان چگونه است؟

گفتم: تو بانوی من و بانوی خاندان من هستی، از کلام من ناخرسند شد و گفت: ای عمه جان! این چه فرمایشی است؟ بدو گفتم: ای دختر جان! خدای تعالی امشب به تو فرزندی عطا فرماید که در دنیا و آخرت آقا است. نرجس خجالت کشید و حیا نمود.

چون از نماز عشا فارغ شدم، افطار کردم و در بستر خود خوابیدم. در دل شب برای ادای نماز برخاستم و آن را به جای آوردم؛ در حالی که نرجس خوابیده بود. برای تعقیبات نشستم و پس از آن نیز دراز کشیدم و هراسان بیدار شدم. او همچنان خواب بود، پس برخاست و نماز گزارد و خوابید.

حکیمه گوید: بیرون آمدم و در جست و جوی فجر به آسمان نگریستم و دیدم فجر اول دمیده است و او در خواب است. شک بر دلم عارض گردید، ناگاه ابومحمد از محل خود فریاد زد: ای عمه! شتاب مکن که اینجا کار نزدیک شده است. گوید: نشستم و به قرائت سوره های «الم سجده» و «یس» پرداختم. در این میان او هراسان بیدار شد و من به نزد او پریدم و بدو گفتم: نام خدا بر تو باد، آیا چیزی احساس می کنی؟ گفت: ای عمه! آری. گفتم: خودت را جمع کن و دلت را استوار دار که همان است که با تو گفتم. حکیمه گوید: من و نرجس را ضعفی فرا گرفت و به ندای سرورم به خود آمدم و جامه را از روی او برداشتم و ناگهان سرور خود (فرزند نرجس) را دیدم که در حال سجده بوده و مواضع سجودش بر زمین است. او را در آغوش گرفتم، دیدم پاک و نظیف است. ابومحمد فرمود: ای عمه! فرزندم را به نزد من آور! او را نزد وی بردم و او دو کف دستش را گشود و فرزند را در میان آن قرار داد و دو پای او را به سینه خود نهاد. پس زبانش را در دهان او گذاشت و دستش را بر چشمان و گوش و مفاصل وی کشید. سپس فرمود: ای فرزندم! سخن گوی. گفت: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ». سپس بر امیرمؤمنان و سایر امامان علیهم السلام درود فرستاد تا آنکه بر پدرش رسید و زبان در کشید». (۱)

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۲، ح ۱؛ همچنین ر.ک: کتاب الغیبه، ص ۲۳۸؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۴۹.

## پنهانی بودن ولادت

یکی از ویژگی‌های مهم ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مخفی بودن آن است. این امر در سخنان معصومین علیهم السلام مورد اشاره قرار گرفته و با تعبیر متفاوت و فراوانی به آن اشاره شده است.

امام سجّاد علیه السلام فرمود: «فِي الْقَائِمِ مِنَّا سِتْنٌ مِنْ سُنَنِ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ... وَ سُنَّةٌ مِنْ إِبْرَاهِيمَ ... وَ أَمَّا مِنْ إِبْرَاهِيمَ فَخَفَاءُ الْوِلَادَةِ وَ اغْتِرَالُ النَّاسِ ...»؛<sup>(۱)</sup> «در قائم ما سنت‌هایی از انبیا وجود دارد: ... و سنتی از ابراهیم ... و اما از ابراهیم پنهانی ولادت و کناره‌گیری از مردم...».

امام باقر علیه السلام فرمود: «انظروا مَنْ تَخْفَى عَلَى النَّاسِ وَ لَادَتْهُ فَهُوَ صَاحِبُكُمْ»؛<sup>(۲)</sup> «بنگرید آن کس که ولادتش بر مردم پنهان است، همو صاحب شما است».

امام باقر علیه السلام فرمود: «انظرو مَنْ لَا يَدْرِي النَّاسُ أَنَّهُ وُلِدَ أَمْ لَا فَذَاكَ صَاحِبُكُمْ»؛<sup>(۳)</sup> «بنگرید آن کس که مردم نمی‌دانند او متولد شده یا نه؛ پس همو صاحب شما است».

امام صادق علیه السلام فرمود: «فِي الْقَائِمِ سِتْنَةٌ مِنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ وَ مَا سِتْنَةُ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ قَالَ خَفَاءُ مَوْلِدِهِ...»؛<sup>(۴)</sup> «در قائم سنتی از موسی بن عمران است، گفتم: سنت موسی بن عمران چه بود؟ فرمود: مخفی بودن ولادت او...».

امام صادق علیه السلام فرمود: «صِيَّاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ تَعْمَى وَ لَادَتْهُ عَلَى هَذَا الْخَلْقِ لِنَّا يَكُونُ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ إِذَا خَرَجَ»؛<sup>(۵)</sup> «ولادت صاحب الامر بر این خلق پوشیده است تا چون ظهور کند، بیعت کسی بر گردنش نباشد».

امام رضا علیه السلام فرمود: «...حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ لِهَذَا الْأَمْرِ غُلَامًا مِنَّا خَفِيَ الْمَوْلِدِ...»؛<sup>(۶)</sup> «تا اینکه

۱- شیخ صدوق رحمه الله، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۶۷.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۵، ح ۲.

۳- نعمانی، الغیبه، ص ۱۶۸.

۴- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۴۰، ح ۱۸.

۵- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۷۹، ح ۱.

۶- کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۴۱.

خداوند بر انگیزد جوانی از ما که دارای ولادتی پنهانی است...».

امام جواد علیه السلام در این باره فرمود: «...و لكن القائم الذي يطهر الله عز و جل به الارض من أهل الكفر و الجحود و يملاها عدلا و قسطا هو الذي تخفى على الناس ولادته...»؛<sup>(۱)</sup> «اما قائمی که خدای تعالی به توسط او زمین را از اهل کفر و انکار پاک سازد و آن را پر از عدل و داد کند، کسی است که ولادتش بر مردم پوشیده...».

### فلسفه مخفی بودن ولادت

از روایات استفاده می شود، مهم ترین فلسفه غیبت «مصون ماندن ایشان از خطر نابودی» است. به این بیان که خداوند متعال می دانست اگر امامان پیشین ظاهر شوند، از کشته شدن در امان خواهند بود؛ برخلاف مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که اگر ظاهر شود، کشته خواهد شد. اگر یکی از پدران مهدی کشته می شد، حکمت و تدبیر الهی اقتضا می کرد، دیگری به جای او نصب گردد؛ ولی اگر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کشته شود، مصلحت و تدبیر امور انسانها اقتضا نمی کرد که، امام دیگری به جای او نصب گردد.

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام نقل کرده است: «صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ تَغِيبُ وِلَادَتُهُ عَنْ هَذَا الْخَلْقِ لِئَلَّا يَكُونَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ إِذَا خَرَجَ وَ يَضِلُّحُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَمْرَهُ فِي لَيْلِهِ»؛<sup>(۲)</sup> «ولادت صاحب الامر بر این مردم نهران است تا چون خروج کند، بیعت هیچ کس بر گردنش نباشد و خدای تعالی امر وی را در یک شب به سامان رساند».

مخفی بودن ولادت، درباره برخی از بزرگان نقل شده که می توان از آن جمله به ولادت مخفیانه ابراهیم خلیل علیه السلام از ترس کشته شدن به دست پادشاه زمانش و نیز به ولادت پنهانی موسی بن عمران علیه السلام از ترس کشته شدن به دست فرعون اشاره کرد.

به همین جهت شیخ طوسی رحمه الله، ولادت پنهانی حضرت مهدی علیه السلام را امری عادی و معمولی دانسته، می نویسد: «این نخستین و آخرین حادثه نبوده و در طول تاریخ بشری، نمونه های فراوان داشته است».<sup>(۳)</sup>

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۷، ح ۲.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۰، باب ۴۴، ح ۵.

۳- محمد بن حسن طوسی رحمه الله، کتاب الغیبه، ص ۷۷، ح ۱۰۵.

این حقیقت را صاحب منتخب الاثر این گونه بیان کرده است: «راز مخفی نگه داشتن ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این بود: خلفای بنی عباس، از طریق روایاتی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه طاهرین علیهم السلام نقل شده بود، می دانستند دوازدهمین امام، همان مهدی است که زمین را پر از عدل و داد می کند و دژهای گمراهی و فساد را در هم می کوبد. دولت جباران را سرنگون می سازد و طاغوت را به قتل می رساند و خود، امیر مشرق و مغرب جهان می شود. چون این امر را می دانستند، در صدد بر آمدند تا این نور را خاموش کنند و او را به قتل رسانند. از این رو، جاسوسان و مراقبانی چند گماشتند؛ حتی قابله هایی را مأمور کردند تا داخل منزل امام عسکری علیه السلام را زیر نظر بگیرند. لیکن خداوند، در هر حال، نور هدایت را پاینده خواهد داشت. این بود که خدا به اراده خویش، دوران بارداری مادر او را پنهان ساخت. مورخان گفته اند: معتمد عباسی به قابله ها امر کرده بود تا وقت و بی وقت، سرزده، وارد خانه سادات شوند به ویژه خانه امام حسن عسکری علیه السلام و در درون خانه بگردند و تفتیش کنند و از حال همسر او باخبر گردند و گزارش دهند. اما آنان از هیچ چیز آگاه نگشتند. خداوند در باره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، همان کار را کرد که در باره موسی علیه السلام کرد؛ چنان که دشمنان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز، همان روش فرعونی و سیاست فرعونی را دنبال کردند.

فرعون دانست که زوال سلطنت او به دست مردی از بنی اسرائیل خواهد بود. این بود که بازرسانی گماشت تا زنان حامله بنی اسرائیل را زیر نظر گیرند و کودکانی را که متولد می شوند، تحت مراقبت شدید قرار دهند و اگر کودک پسر بود، او را بکشند. بدین گونه کودکان بسیاری را کشتند تا موسی پدید نیاید. چنان که در قرآن کریم ذکر شده است (۱) و با این همه خدای متعال، پیامبر خود موسی علیه السلام را حفظ کرد و ولادت او را مخفی داشت. سپس به مادر موسی امر فرمود: تا او را در صندوقی گذارد و به نیل سپارد. (۲) در احادیث بسیاری آمده است: حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شباهت... هایی به حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت موسی علیه السلام دارد. (۳)

۱- اعراف (۷)، آیه ۱۴.

۲- قصص (۲۸)، آیه ۷.

۳- لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۳۵۳.



## ۲. اثبات ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

### اشاره

ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، هر چند به دلایلی مخفیانه صورت گرفت و باعث شد تا عده‌ای آن را انکار کنند؛ اما شیعه برای اثبات ولادت آن حضرت، ادله فراوانی اقامه کرده است.

### الف. نوید امام عسکری علیه السلام به ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

در روایتی آمده است: امام حسن عسکری علیه السلام گاهی، نوید مولودش را به یاران خاص می‌داد: «... سیرزقنی الله ولداً بمنه و لطفه»؛<sup>(۱)</sup> «به زودی خداوند به من و کرمش، به من فرزندی ارزانی خواهد داشت».

و نیز: در نویدی به همسر بزرگوار خود حضرت نرجس علیها السلام چنین فرمود: «سَيَتَحْمِلِينَ وَلِداً وَ اسْمُهُ مُحَمَّدٌ وَ هُوَ الْقَائِمُ مِنْ بَعْدِي»؛<sup>(۲)</sup> «در آینده ای نزدیک دارای فرزندی خواهی شد. نامش محمد است. او قائم از بعد من است».

### ب. خبر دادن امام عسکری علیه السلام از ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

امام حسن عسکری علیه السلام پدر بزرگوار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در روایات فراوانی، برای یاران ویژه، به ولادت فرزند خود تصریح کرده است.

احمد بن اسحاق می‌گوید: از امام عسکری علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى أَرَانِي الْخَلْفَ مِنْ بَعْدِي أَشْبَهَ النَّاسِ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ خُلُقاً وَ خُلُقاً يَحْفَظُهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِي غَيْبَتِهِ ثُمَّ يَظْهَرُهُ فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا»؛<sup>(۳)</sup> «سپاس از آن خدایی است که مرا از دنیا نبرد تا آنکه جانشین مرا به من نشان داد. او از نظر آفرینش و اخلاق شبیه ترین مردم به رسول خدا است. خدای تعالی او را در غیبتش حفظ فرماید؛

۱- مجلسی رحمه الله، بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۳۱۳.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۰۸، ح ۴.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۰۸، ح ۴.

سپس او را آشکار کند. او زمین را از عدل و داد آکنده سازد؛ همچنان که مملو از جور و ستم شده باشد».

ابوهاشم جعفری می گوید: به امام عسکری علیه السلام عرض کردم: بزرگواری تان مانع از آن می شود تا از شما پرسش کنم؛ اجازه بفرمایید از شما چیزی بپرسم. آن حضرت فرمود: هر آنچه می خواهی بپرس. عرض کردم: ای آقای من! آیا برای شما فرزندی هست؟ فرمود: آری. پس گفتم اگر برای شما حادثه ای پیش آید، کجا به دنبال او باشیم؟ فرمود: «بِالْمَدِينَةِ» (در مدینه).

ابراهیم بن ادریس می گوید: امام عسکری علیه السلام گوسفندی به من داد و فرمود: «عُقَّةُ عَنِ ابْنِي فُلَانٍ وَ كُؤْلٌ وَ أَطْعِمُ أَهْلَكَ»؛ «این را برای فرزندم فلان عقیقه کن و خود و نزدیکانت از آن بخورید». سپس دو گوسفند داد و فرمود: «عُقَّةُ هَذَيْنِ الْكَبْشَيْنِ عَنْ مَوْلَاكَ وَ كُؤْلٌ هُنَّاكَ اللَّهُ وَ أَطْعِمُ إِخْوَانَكَ»؛ (۱) «این دو گوسفند را از مولای خود عقیقه کن؛ و بخور که خداوند بر تو گوارا نماید و به برادران دینی خود نیز از آن بده».

### ج. خبر حکیمه (عمه امام عسکری علیه السلام) از ولادت آن حضرت

حکیمه دختر امام جواد علیه السلام و عمه امام حسن عسکری علیه السلام، از زنان والا مقام نزد امامان علیهم السلام بوده است. وی به دستور مستقیم امام عسکری علیه السلام، در شب ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حضور داشت و بخش فراوانی از روایات ولادت آن حضرت، از سوی این بانوی بزرگوار نقل شده است.

ایشان تنها کسی بود که در جریان تمام رخدادهای شب ولادت آن حجت الهی قرار داشت و روایت تولد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از طریق وی نقل شده است.

### د. خبر نسیم و ماریه (خادمان بیت امامت)

ایشان دو تن از خدمتگزاران بیت شریف امامت بوده اند و از روایات استفاده می شود که آنان

در شب ولادت در خانه ام‌عسکری علیه السلام حضور داشته اند. شیخ طوسی و شیخ صدوق با ذکر سند می نویسند:

نسیم و ماریه گویند: «أَنَّه لَمَّا سَقَطَ صَاحِبُ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ بَطْنِ أُمِّهِ سَقَطَ جَائِئًا عَلَى رُكْبَتَيْهِ رَافِعًا سَبَابَتَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ عَطَسَ فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ زَعَمَتِ الظَّلَمَةُ أَنَّ حُجَّهَ اللَّهِ دَاحِضَهُ وَ لَوْ أُذِنَ لَنَا فِي الْكَلَامِ لَزَالَ الشُّكُّ»؛ (۱) «چون صاحب الزمان از رحم مادر به دنیا آمد، دو زانو بر زمین نهاد و دو انگشت سبابه را به جانب آسمان بلند کرد. آن گاه عطسه کرد و فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ». ستمکاران پنداشته اند که حجّت خدا از میان رفته است، اگر برای ما اذن در کلام بود، شک زایل می گردید».

همچنین نسیم خادم می گوید: پس از ده شب از ولادت صاحب الزمان علیه السلام بر ایشان وارد شدم؛ پس عطسه کردم. آن حضرت فرمود: «يَزَحْمُكَ اللَّهُ»؛ از این فرمایش شادمان شدم. آن گاه ایشان فرمود: «أَلَا أُبَشِّرُكَ فِي الْعَطَاسِ هُوَ أَمَانٌ مِنَ الْمَوْتِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ»؛ (۲) «آیا تو را در باره عطسه کردن نوید ندهم؟ آن تا سه روز امان از مردن است».

#### ه . گزارش عده فراوانی از بزرگان شیعه

موارد فراوانی از سخنان شیعیان و اصحاب ائمه علیهم السلام در دست است که در آن، خبر از دیدن آن حضرت پس از ولادت به چشم می خورد.

«أَبُو الْأَدْيَانِ» یکی از خدمتکاران بیت شریف امام حسن عسکری علیه السلام بود که علاوه بر حضور در بیت آن بزرگوار، متصدی امور نامه های آن حضرت و بردن آنها به شهرهای مختلف بود. او یکی از کسانی است که روایت شهادت امام عسکری علیه السلام و نماز خواندن حضرت

۱- کتاب الغیبه، ص ۲۴۴، ح ۲۱۱؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۲، ح ۵؛ همچنین ر.ک: الخرائج والجرائح، ج ۱۰، ص ۴۵۷، ح ۲.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۳۰، ح ۵.

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر آن حضرت را ذکر کرده است.<sup>(۱)</sup>

### و. گزارش برخی از دانشمندان اهل سنت از ولادت آن حضرت

اغلب اهل سنت آن گونه که شیعه باور دارند اعتقادی به تولد مهدی موعود ندارند؛ اما دانشمندانی چند از ایشان علاوه بر تصریح و یا اشاره به ولادت آن حضرت در سال ۲۵۵هـ او را همان موعود مورد اشاره در کلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دانسته‌اند.

افرادی که در نوشته‌های خود به ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره کرده‌اند، دو دسته هستند:<sup>(۲)</sup>

یک. کسانی که ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را گزارش کرده؛ ولی نسبت به موعود بودن او ساکت مانده‌اند.<sup>(۳)</sup>

۱۱. ابن اثیر (م ۶۳۰هـ)، در کتاب الکامل فی التاریخ درباره حوادث سال ۲۶۰ چنین می نویسد: «در این سال، ابومحمد علوی عسکری وفات کرد. او یکی از دوازده امام مذهب امامیه و پدر محمد است که معتقدند او منتظر می باشد».<sup>(۴)</sup>

۱-۲. ابن خلکان (م ۶۸۱هـ) در کتاب وفيات الاعیان می گوید: «ابوالقاسم محمد بن حسن عسکری، فرزند علی الهادی، فرزند محمد الجواد که پیشینیان او ذکر شد. بر اساس اعتقاد امامیه، دوازدهمین از دوازده امام و معروف به «الحجه» است... ولادتش در روز جمعه نیمه شعبان سال ۲۵۵هـ بود».<sup>(۵)</sup>

۱۳. ذهبی (م ۷۴۸هـ) در کتاب العبر گوید: «در آن سال (یعنی ۲۵۶هـ) محمد فرزند

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۷۵؛ باب ۴۳، ح ۲۵. همچنین ر.ک: منتخب الأنوار المضيئه، ص ۱۵۷؛ الخرائج والجرائح، ج ۳، ص ۱۱۰۱.

۲- در اینجا تنها به موارد اندکی اشاره شده است. برای تفصیل بیشتر ر. ک: لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر؛ سید ثامر هاشم العمیدی، مهدی منتظر در اندیشه اسلامی، ص ۱۸۵ تا ص ۲۰۰؛ همو، در انتظار ققنوس، ترجمه و تحقیق، مهدی عزیزاده، ص ۱۸۸ تا ۱۹۸.

۳- برخی از اهل سنت که ولادت حضرت مهدی علیه السلام را گزارش کرده‌اند، تنها آن را از دیدگاه شیعه بیان کرده‌اند، در حالی که عده ای گمان کرده‌اند کسانی که ولادت آن حضرت را نقل کرده‌اند بر این باور هستند که آن حضرت به دنیا آمده است.

۴- سید ثامر هاشم العمیدی، مهدی منتظر در اندیشه اسلامی، ص ۱۸۶، به نقل از: الکامل فی التاریخ، ج ۷، ص ۲۷۴ در پایان حوادث سال ۲۶۰هـ. ق.

۵- سید ثامر هاشم العمیدی، مهدی منتظر در اندیشه اسلامی، ص ۱۸۶، به نقل از: وفيات الاعیان، ج ۴، ص ۱۷۶، ح ۵۶۲.

حسن، فرزند علی الهادی، فرزند محمد الجواد، فرزند علی الرضا، فرزند موسی الکاظم، فرزند جعفر الصادق علوی حسینی، ابوالقاسم به دنیا آمد که رافضی ها او را «الخلف الحجه» و «مهدی منتظر» و «صاحب الزمان» لقب داده اند و او آخرین از دوازده امام است»<sup>(۱)</sup>.

دو. کسانی که علاوه بر گزارش ولادت آن حضرت، تصریح به موعود بودن آن حضرت نموده اند (البته این دسته در نهایت اقلیت هستند):

۲۱. کمال الدین محمد بن طلحه شافعی (م ۶۵۲هـ) در کتاب مطالب السؤل گوید: «ابوالقاسم محمد بن حسن خالص، پسر علی متوکل، پسر قانع، پسر علی الرضا، پسر موسی الکاظم، پسر جعفر الصادق، پسر محمد الباقر، پسر علی زین العابدین، پسر حسین الزکی، پسر علی المرتضی امیرالمؤمنین، پسر ابوطالب، مهدی، حجت، خلف، صالح، المنتظر علیهم السلام و رحمت و برکات خداوند بر او باد»<sup>(۲)</sup>.

۲۲. نور الدین علی بن محمد بن صباغ مالکی (م ۸۵۵هـ) فصل دوازدهم از کتاب الفصول المهمه را با این عنوان آورده است: «در شرح حال ابوالقاسم حجت، خلف صالح، پسر ابومحمد حسن خالص، او امام دوازدهم است»

در این فصل به گفته گنجی شافعی چنین احتجاج می کند: «از جمله چیزهایی که دلالت می کند مهدی از هنگام غیبتش تاکنون زنده و باقی است، کتاب و سنت است. در بقای او هیچ مانعی نیست؛ همانند باقی ماندن عیسی بن مریم و خضر و الیاس از اولیای خدا و دجال کور و ابلیس ملعون از دشمنان خدا».

سپس دلایل خود را از کتاب و سنت بیان می کند و تاریخ ولادت، دلایل امامت، گوشه‌هایی از اخبار زندگانی، غیبت، مدت دولت کریمه، کنیه، خاندان و مطالب دیگری از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به تفصیل ذکر می کند<sup>(۳)</sup>.

## زمان ولادت

مطابق روایت های بسیاری از شیعه و برخی از اهل سنت، میلاد خجسته امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در

۱- سید ثامر هاشم العمیدی، مهدی منتظر در اندیشه اسلامی، ص ۱۸۶، به نقل از: وفیات الاعیان، ج ۴، ص ۱۷۶، ح ۵۶۲.

۲- مطالب السؤل، ج ۲، ص ۷۹، باب ۱۲.

۳- ابن صباغ مالکی، الفصول المهمه، ص ۲۸۷.

شب نیمه شعبان ۲۵۵ هـ واقع و باعث مزید فضیلت این شب مبارک شده است. البته عده اندکی، زمان های دیگری را نیز نقل کرده اند. (۱)

عصام از کلینی از علی بن محمد نقل کرده است: «وُلِدَ الصَّاحِبُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي النُّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ سَيِّئَةَ خَمْسٍ وَ خَمْسِيَّتَيْنِ وَ مَائَتَيْنِ»؛ (۲) «صاحب علیه السلام نیمه شعبان ۲۵۵ هـ به دنیا آمد».

درباره چگونگی زندگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران پدر بزرگوارشان، احتمالات مختلفی ذکر شده است؛ از جمله:

الف. او تا آخر عمر امام عسکری علیه السلام، در سامرا زندگی کرده است.

ب. مدتی پس از ولادت، برای حفاظت و رشد، به مدینه برده شد.

الف. دلایل احتمال نخست:

۱. روایاتی که بیانگر تهنیت شیعیان، بر امام عسکری علیه السلام است: ابو الفضل حسین بن حسن علوی گوید: «دخلت علی ابی محمد بسر من رأى فهنأته بسيدنا صاحب الزمان عليه السلام لما ولد»؛ (۳) «در سامرا، به منزل امام حسن علیه السلام رفتم و ولادت سرورمان، صاحب الزمان علیه السلام را به وی تبریک گفتم».

۲. روایاتی که از زبان حکیمه خاتون، بر دیدن آن حضرت در خانه امام حسن عسکری علیه السلام دلالت دارد.

۳. روایاتی که بیانگر دیده شدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از سوی گروهی از اصحاب در منزل امام عسکری علیه السلام است.

ب. دلایل احتمال دوم:

بر اساس این احتمال، آن حضرت مدتی پس از ولادت، به جهت مسائل امنیتی به ناگزیر سامرا را ترک کرد و به مدینه منوره برده شد. برای تأیید این دیدگاه به روایات و گزارش های چندی اشاره شده است: ابوهاشم جعفری گوید: به امام حسن عسکری علیه السلام عرض کردم:

۱- ر. ک: کافی، ج ۱، ص ۳۲۹؛ کتاب الغیبه، ص ۲۳۱.

۲- کافی، ج ۱، ص ۵۱۴؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۲۴؛ کتاب الغیبه، ص ۱۴۷.

۳- کتاب الغیبه، ص ۲۲۹؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۷.

بزرگواری شما مانع از آن است که من از شما پرسش کنم؛ اجازه می دهید چیزی پرسم! حضرت فرمود: پرس؛ گفتم: آقای من! آیا برای شما فرزندی هست؟ فرمود: بله. گفتم: اگر اتفاق ناگواری برای شما رخ داد، در کجا او را جست و جو کنم؟ فرمود: «در مدینه».<sup>(۱)</sup>

از این روایت استفاده می شود آن حضرت پس از ولادت، مدت نامعلومی در زادگاه خود سپری کرده است؛ آن گاه قبل از شهادت پدر خود به مدینه رفته است.

البته وجود روایت های مختلف، مبنی بر دیده شدن حضرت مهدی علیه السلام در زمان های مختلف در دوران حیات امام عسکری علیه السلام و نماز خواندن ایشان بر پیکر مطهر پدر، این احتمال را ضعیف می نماید. علاوه بر اینکه، در این روایت اشاره شده است: پس از رخ دادن حادثه ای برای امام عسکری علیه السلام (شهادت آن حضرت)، از مهدی علیه السلام در مدینه جست و جو شود. مؤید این سخن، روایاتی است که جایگاه حضرت را در مدت غیبت، در مدینه منوره ذکر کرده اند.

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است: «لَا بُدَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ غَيْبِهِ وَلَا بُدَّ لَهُ فِي غَيْبَتِهِ مِنْ عَزْلِهِ وَنِعْمِ الْمَنْزِلِ طَبِيبُهُ وَمَا بَثَلَاثِينَ مِنْ وَحْشِهِ»؛<sup>(۲)</sup> «صاحب این امر ناگزیر از غیبتی است و در این مدت ناچار از گوشه گیری و کناره جویی از دیگران است و طیبیه (مدینه) خوش منزلی است و با وجود سی تن (یا به همراهی سی نفر) در آنجا وحشت و ترسی نیست».

بنابراین حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، در نهان می زیست و مردم به طور عموم از او خبر نداشتند. در این مدت جز تنی چند، کسی او را ندیده بود تا اینکه روز درگذشت امام یازدهم (روز هشتم ماه ربیع الاول سال ۲۶۰ هـ) فرا رسید. در این روز، چهار امر باعث شد تا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، خود را به گروهی از مردم بنمایاند و کسانی که برای مراسم تشییع و خاک سپاری امام یازدهم حاضر شده بودند، او را ببینند:

یکم. باید امام بر جنازه امام نماز گزارد. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای رعایت این سنت الهی و سر ربانی، می بایست ظاهر شود و بر پیکر پدر نماز گزارد.

دوم. مانع این شود که کسی از سوی خلیفه بیاید و بر پیکر امام نماز بخواند و سپس جریان

۱- کتاب الغیبه، ص ۲۳۲، ح ۱۹۹، کافی، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۲.

۲- کافی، ج ۱، ص ۳۴۰؛ الغیبه، ص ۱۸۸، ح ۴۱؛ کتاب الغیبه، ص ۱۶۲، ح ۱۲۱.

امامت ختم شده اعلام گردد. در نهایت خلیفه ستمگر عباسی، وارث امامت شیعی معرفی شود!!

سوم. از روی دادن انحراف داخلی در جریان امامت جلو گیری شود؛ زیرا جعفر بن علی الهادی، معروف به جعفر کذاب (برادر امام عسکری علیه السلام)، در صدد ادعای امامت بود و می خواست بر پیکر آن حضرت نماز گزارد.

چهارم. ادامه جریان امامت و ولایت آن حضرت تثبیت شود و بر معتقدان معلوم گردد که پس از امام حسن عسکری علیه السلام، امام دوازدهم، حامل این وراثت معنوی و ولایت دینی و دنیایی است. او تولد یافته و موجود است.

بر این اساس مردمی که برای انجام مراسم آمده بودند، ناگاه کودکی خردسال را دیدند که در نهایت شکوه و حشمت همچون خورشیدی فروزان، از اندرون منزل خارج شد و عمویش جعفر را که آماده نماز گزاردن بر پیکر پیشوای یازدهم شده بود به یک سو زد و بر پیکر پدر نماز گزارد. (۱)

### پاسخ به برخی پرسش ها و شبهات

از آنجایی که مخفی بودن ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، پرسش های فراوانی را در ذهن ها به وجود آورده، بسیار مناسب است به پاره ای از آنها (با توجه به دیدگاه دانشمندان بزرگ شیعه) پاسخ داده شود.

شیخ مفید رحمه الله در کتاب ارزشمند الفصول العشره با بیانی کوتاه و جامع، به برخی از این پرسش ها پاسخ داده است.

شبهه اول: پنهان بودن تولد مهدی پسر حسن بن علی علیهم السلام از افراد خانواده و سایر مردم و ادامه پنهان زیستی اش، بر خلاف عرف و عادت است.

پاسخ: این شبهه بسیار سست و بی اساس است؛ زیرا چنین کاری، خارج از متعارف و یا مخالف عادت نیست؛ بلکه عقل و برهان چنین عملی را در پاره ای از اوقات ضروری می داند و



تاریخ نظایر آن را در فرزندان «پادشاهان» و «دولت مردان» به خاطر پاره ای از مصالح حیاتی تأیید می کند. ... همان گونه که این امر درباره عده ای از پادشاهان «ایران»، «روم» و «هند» نقل شده است.

تمام تاریخ نویسان اسلامی و غیر اسلامی، نقل کرده اند که ولادت «ابراهیم خلیل» از ترس کشته شدن به دست پادشاه زمانش، به گونه ای بود که احدی از خویشان او بر آن آگاهی نیافت. ولادت «موسی بن عمران» نیز از ترس کشته شدن به دست «فرعون»، پنهانی انجام گرفت و قرآن به صراحت بیان می کند که «مادر موسی»، او را در میان صندوقی نهاده، به میان دریا انداخت. او از طریق وحی اطمینان یافته بود فرزندش سالم خواهد ماند و این کار را به جهت حفظ مصالح موسی انجام داد.

با توجه به این مطالب آیا می توان امکان پنهان ماندن ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را از خویشاوندان و دوستان، انکار کرد و این کار را خلاف عقل و عادت دانست؟! حال اینکه عوامل پنهان کردن ولادت او، به مراتب بیشتر از عوامل پنهان شدن ولادت افراد یاد شده بوده است.

اما اینکه هیچ کس از وجود پسری برای «حسن بن علی» خبر نداده، مطلبی بسیار نادرست و مخالف با واقع است؛ بلکه اطمینان به وجود فرزندی به نام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای «حسن بن علی» بیشتر از اطمینانی است که درباره وجود سایر فرزندان افراد از راه های متعارف حاصل می گردد.

شبهه دوم: «جعفر بن علی» تولد فرزندی برای برادرش را به شدت انکار کرد و به همین جهت پس از مرگ وی، اموالش را تصاحب نمود ... و ریختن خون کسانی را که ادعای پسری برای برادرش می کردند، جایز شمرد!

پاسخ: این انتقاد نیز از چند جهت مردود است:

استدلال به عمل یک شخص، در صورتی صحیح و پذیرفتنی است که آن شخص از خطا و اشتباه به دور باشد و هرگز گناهی از او سر نزنند. همگان در این امر اتفاق دارند که «جعفر بن علی» این مقام را نداشت و وجود او به عنوان فرزند امام علیه السلام، این مقام (عصمت از گناه) را برای او ممکن نمی کرد. در گذشته نیز افراد فراوانی، فرزند پیامبران و صالحان بوده اند؛ اما گناهان بزرگی مرتکب شده اند!!

انکار «جعفر» نسبت به فرزند برادرش، بسیار طبیعی و بر طبق انتظار است؛ زیرا حسن بن علی علیهما السلام دارای اموال فراوانی بود که اگر به دست «جعفر» می‌رسید، می‌توانست به وسیله آن به تمام خواسته‌های نفسانی و آرزوهای مادی خود برسد.

از طرفی امام عسکری علیه السلام، در انظار شیعیان دارای آن چنان مقام ارجمند و والایی بود که شیعیان او را در همه امور، بر خود مقدم داشته و در برابر او مطیع و فرمانبردار بودند. خشنودی او را رضای خداوند و خشم او را غضب خداوند می‌دانستند.

آن حضرت در زمان خود مرجع و مسؤول امور مادی و معنوی شیعیان بود و آنان خمس و زکات اموال خود را به عنوان یک وظیفه دینی، به او یا به وکیلش تقدیم می‌کردند تا به افراد مستحق برساند. جعفر می‌دانست شیعیان این عمل را پس از «حسن بن علی» با جانشین او انجام خواهند داد.

حال آیا با وجود این همه انگیزه‌های مختلف برای انکار «مهدی»، باز هم می‌توان به انکار جعفر استدلال کرد و انکارش را شاهی بر درستی مدعای خود دانست؟!

تاریخ نویسان گوشه‌ای از رفتارهای اخلاقی و عواملی را نقل کرده اند که موجب انکار جعفر نسبت به مهدی (ع) فرزند برادرش گردید و او را وادار کرد خلیفه وقت را نسبت به جانشین حسن و شیعیانش تحریک کند...

شبهه سوم: «حسن بن علی» در هنگام مرگ مادر خود «حدیث، ام الحسن» را وصی و سرپرست جمیع اوقاف و اموال خود قرار داد و اختیار تصرف در آنها را به او واگذار کرد. این خود دلیل بر آن است که آن حضرت فرزندی نداشته است.

پاسخ: این شبهه نیز سست و بی اساس است و نمی‌توان به آن در انکار فرزند حسن بن علی علیهما السلام اعتماد کرد. وصیت امام حسن علیه السلام به مادرش، مؤید این مطلب است که وی می‌خواست، ولادت و وجود فرزندش را پنهان نگه دارد و از ریختن خونس به دست حاکمان جور جلوگیری کند. اگر در وصیت، نامی از فرزند خود می‌برد و یا شخصاً به او وصیت می‌کرد، نقض غرض می‌شد و هدف نهایی (حفظ کردن مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای زمان لازم و مناسب) به دست نمی‌آمد. به خصوص آنکه امام عسکری علیه السلام مجبور گردید، اسامی در باریان نزدیک خلیفه (مانند «واثق» و «محمد بن مأمون» و «فتح بن عبد ربه» و ...) را در وصیت نامه درج کند، تا این وصیت از نظر دولت عباسی، معتبر باشد و موجب حساسیت آنها نسبت به فرزندش

و سبب کوشش آنان برای پیدا کردنش نگردد. ضمناً شیعیان را از تهمت اعتقاد به وجود فرزندی برای خود و نیز از اعتقاد به امامتش برهاند. (۱) البته چنین حرکتی، قبلاً نیز به دلایلی از ائمه علیهم السلام صورت گرفته بود. (۲)

- 
- ۱- شیخ مفید، فصول العشره فی الغیبه (۱۰ انتقاد و پاسخ پیرامون غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ترجمه محمد باقر خالصی، صص ۱۸ ۴۸. (با تصرف و تلخیص)
- ۲- ر. ک: داستان وصیت امام صادق علیه السلام.

## خود آزمایی

۱. در باره چگونگی ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف توضیح دهید.
۲. مهم ترین ویژگی ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کدام است؟ در باره آن شرح دهید.
۳. از چه راه هایی می توان ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را اثبات کرد؟ دو راه را توضیح دهید.
۴. در باره زمان ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف توضیح دهید.
۵. مهم ترین علت برای مخفی بودن ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کدام است؟
۶. در باره دیدگاه اهل سنت نسبت به ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف توضیح دهید.

===

منابع برای پژوهش:

۱. جمعی از نویسندگان، چشم به راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، چ دوم، (مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۸ ه. ش).
۲. سید ثامر هاشم العمیدی، مهدی منتظر در اندیشه اسلامی، ترجمه محمد باقر محبوب القلوب، (انتشارات مسجد جمکران، قم، ۱۳۸۰ ه. ش).
۳. شیخ مفید، فصول العشره فی الغیبه (۱۰ انتقاد و پاسخ پیرامون غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ترجمه محمد باقر خالصی، (انتشارات راه امام، تهران، بی تا).
۴. لطف الله صافی گلپایگانی، امامت و مهدویت، (انتشارات حضرت معصومه علیها السلام، قم، ۱۳۷۷ ه. ش).
۵. قزوینی، سید محمد کاظم، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا ظهور، ترجمه حسین فریدونی، (نشر آفاق، تهران ۱۳۷۹ ه. ش).

## درس دوازدهم: نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

انواع روایات در باره نام بردن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به نام خاص (محمد)

۱. روایات عدم جواز نام بردن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در همه حال

۲. روایات عدم جواز تا هنگام ظهور

۳. روایت جواز در جایی که بیم خطری نیست

۴. روایات جواز نام بردن

نام حضرت در کلام دانشمندان شیعه

نام حضرت در دعاها

نام حضرت در گفتار اهل سنت



در آموزه های اعتقادی شیعه، «مهدویت»، از پر رمز و رازترین معارف اعتقادی است. از ولادت پنهان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف گرفته، تا پنهان زیستی او؛ از چگونگی زندگی آن حضرت گرفته تا عمر طولانی اش؛ از چگونگی غیبت ایشان گرفته تا ظهور، قیام و حکومت جهانی بر کره زمین و... اینها، اسراری است که بر عموم مردم، پوشیده مانده و برخی جزو اسرار الهی تلقی شده است.

یکی از این موارد، نام بردن آن حضرت به نام مخصوص (م ح م د) است. این بحث همواره مورد توجه دانشمندان و بزرگان شیعه بوده و در روایات فراوانی از معصومین علیهم السلام مورد اشاره قرار گرفته است.

وجود روایات متعارض در این موضوع، باعث شده نظرات مختلفی ارائه گردد. گروهی با استناد به روایاتی که ناظر به تحریم می باشند، بردن نام خاص آن حضرت را، ممنوع و حرام دانسته اند. عده ای جواز را مفید به زمان غیر از تقیه و ترس دانسته و برخی نیز با استناد به روایاتی که در آنها نام آن حضرت به صراحت ذکر شده، قائل به جواز شده اند.

بنابر این می توان مستند روایی دیدگاه های فوق را چنین بیان کرد:

۱. روایاتی که حرمت را مربوط به هر زمان و هر مکان دانسته است؛

۲. روایاتی که حرمت را تا زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام دانسته است؛

۳. روایاتی که نام بردن را تنها در شرایط تقیه و ترس بر آن حضرت، جایز نمی داند؛

۴. روایاتی که بدون هیچ قیدی، نام بردن را جایز می داند و ائمه علیهم السلام و یارانشان نیز در آنها تصریح به نام آن حضرت کرده اند.

## انواع روایات درباره نام بردن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به نام خاص (محم د)

### یک. روایات عدم جواز به صورت مطلق

روایات دسته اول را می توان به گروه‌هایی چند تقسیم کرد:

۱۱. نام بردن حضرت با نام مخصوص برابر با کفر است:

محمد بن یعقوب کلینی در کافی با ذکر سند از امام صادق علیه السلام نقل کرده است: «صاحبُ هذا الأمرِ لا یسمیهِ بِاسْمِهِ إِلَّا كَافِرٌ»؛ (۱) «صاحب این امر کسی است که جز کافر، نام او را به اسم خودش نبرد».

این حدیث را شیخ صدوق در کمال الدین و تمام النعمه (۲) و مسعودی در اثبات الوصیه (۳) نقل کرده اند و اگر در منابع بعدی نیز ذکر شده، عمدتاً از این منابع است.

این روایت صریح در حرمت است؛ اگر چه عده ای آن را حمل بر مبالغه کرده اند. برخی از شارحان کافی، درباره این حدیث گفته اند: شاید مراد از کافر در این روایت، کسی باشد که اوامر الهی را ترک و نواهی او را انجام می دهد؛ نه کسی که منکر پروردگار و یا مشرک به او است. شاید این مختص به زمان تقیه باشد؛ چرا که روایات فراوانی، به نام آن حضرت تصریح کرده است. (۴)

برخی دیگر از شارحان، همچنان بر استفاده حرمت، از این گونه روایات پافشاری کرده اند. (۵)

۱۲. نام بردن ایشان جایز نیست؛ همان گونه که ولادت ایشان، مخفی است:

صدوق رحمه الله در کمال الدین و تمام النعمه از امام کاظم علیه السلام نقل کرده است: «...ذَلِكَ إِنْ»

۱- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۳، ح ۴.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۴۸، ح ۱.

۳- اثبات الوصیه، ص ۲۸۰.

۴- ر.ک: مولی صالح مازندرانی، شرح اصول کافی، ج ۶، ص ۲۲۴.

۵- ر.ک: محمد باقر مجلسی، مرآه العقول، ج ۴، صص ۱۸، ۱۶.



سَيِّدَهُ الْإِمَاءِ الذِّي تَخْفَى عَلَى النَّاسِ وِلَادَتُهُ، وَلَا يَحِلُّ لَهُمْ تَسْمِيَتُهُ...»؛ (۱) «او فرزند سرور کنیزان است؛ کسی که ولادتش بر مردمان پوشیده و ذکر نامش بر آنها روا نیست...».

در این دسته از روایات به دو چیز اشاره شده است: یکی مخفی بودن ولادت و دیگری حرمت نام بردن حضرت با نام خاص. اگرچه ولادت آن حضرت بر عموم مردم پوشیده بود؛ ولی عده ای از این امر آگاه بودند. بنابراین می توان احتمال داد، این عدم جواز، برای همه مردم نیست. از طرفی مرجع ضمیر در «وَلَا يَحِلُّ لَهُمْ» به «الناس» برمی گردد؛ یعنی، بر کسانی که ولادت آن حضرت بر آنها پوشیده است؛ از این رو نام بردن، برای ایشان نیز جایز نیست. با وجود این احتمالات، نمی توان گفت که این روایت صریح در حرمت مطلق است.

۱۳. نام بردن آن حضرت جایز نیست؛ همان گونه که جسم ایشان دیدنی نیست:

داود بن قاسم جعفری گوید: از امام هادی علیه السلام شنیدم که فرمود: «الْخَلْفُ مِنْ بَعْدِي إِبْنِي الْحَسَنِ فَكَيْفَ لَكُمْ بِالْخَلْفِ مِنْ بَعْدِ الْخَلْفِ؟ فَقُلْتُ: وَلِمَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ؟ فَقَالَ: لِأَنَّكُمْ لَا تَرَوْنَ شَخْصَهُ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ ذِكْرُهُ بِاسْمِهِ قُلْتُ فَكَيْفَ نَذْكُرُهُ؟ قَالَ: قُولُوا: الْحُجَّةُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ»؛ (۲) «جانشین پس از من فرزندم حسن است و شما با جانشین پس از جانشین من چگونه خواهید بود؟ گفتم: فدای شما شوم! برای چه؟ فرمود: زیرا شما شخص او را نمی بینید و بردن نام او به اسمش بر شما روا نباشد، گفتم: پس چگونه او را یاد کنم؟ فرمود: بگوئید: حجت از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم».

امام صادق علیه السلام در جواب کسی که پرسید «مهدی از فرزندان کیست»؛ فرمود: «الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ السَّابِعِ يَغِيْبُ عَنْكُمْ شَخْصُهُ، وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ تَسْمِيَتُهُ»؛ (۳) «پنجمین امام از فرزندان امام هفتم که شخص او از دیدگان شما نماند و نام بردنش روا نباشد».

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۶۸، ح ۶.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۸۱، ح ۵؛ کتاب الغیبه، ص ۲۰۲، ح ۱۶۹؛ مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۲۷۸؛ فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ص ۲۶۲؛ شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۱۳.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۱۱، ح ۱۲.

در این دسته از روایات نیز به جهت وجود ضمائر مخاطب در «يَغِيبُ عَنْكُمْ» و «لَا يَحِلُّ لَكُمْ»، ممکن است گفته شود، حرمت تنها متوجه مخاطبان آن حضرت بود و این به دلیل فشارهایی است که از طرف ظالمان بر شیعیان به جهت نام بردن حضرت وارد می کردند. (۱)

همچنین «یغیب عنکم» به ملاقات‌های قطعی تخصیص خورده و این غیبت همگانی نیست؛ بر این اساس عدم جواز نام بردن نیز تخصیص خورده است. به علاوه روایاتی نیز وجود دارد که می گوید حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در دوران غیبت می بینند.

بنابراین از این دسته روایات، به خاطر وجود احتمالات، نمی توان قطع به حرمت را برای همگان استفاده کرد.

۱۴. نام برنده آن حضرت بین مردم ملعون است:

با این مضمون توقیعی از امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف صادر شده است که می فرماید: «مَنْ سَيَّمَانِي فِي مَجْمَعٍ مِنَ النَّاسِ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ»؛ (۲) «لعنت خدا بر کسی که مرا در میان جمعی از مردم نام برد».

در این روایت نیز احتمالاتی وجود دارد: مقصود روایت، دوران غیبت صغرا است؛ یعنی، زمانی که آن حضرت در میان جمعی حضور می یافتند و اگر کسی نام او را افشا می کرد، موجب فاش شدن اسرار می شد و خطری متوجه آن حضرت می گردید؛ و گرنه صرف نام بردن بدون اشاره به وجود ظاهری ایشان مایه ضرر و زیانی نخواهد شد. احتمال دیگر اینکه مقصود از «فی مجمع من الناس» مخالفان و اهل سنت باشد.

### دو. روایات عدم جواز تا هنگام ظهور

محمد بن زیاد ازدی از امام موسی بن جعفر علیه السلام درباره امام غایب علیه السلام نقل کرده است: «...تَخْفَى عَلَى النَّاسِ وَلَا تَدُلُّهُ وَلَا تَحِلُّ لَهُمْ تَسْمِيَّتُهُ حَتَّى يَظْهَرَ اللَّهُ فَيَمْلَأَ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ

۱- ر. ک: مولی صالح مازندرانی، شرح اصول کافی، ج ۶، ص ۲۲۴.

۲- مولی صالح مازندرانی، شرح اصول کافی، ج ۲، ص ۴۸۳، ح ۳.

قِسْطًا كَمَا مُلِئْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا»؛ (۱) «...کسی که ولادتش بر مردمان پوشیده و ذکر نامش بر آنها روا نیست، تا آن گاه که خدای تعالی او را ظاهر ساخته و زمین را از عدل و داد آکنده سازد؛ همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد».

عبدالعظیم حسنی گوید: ... امام هادی علیه السلام فرمود: «... وَ مِنْ بَعْدِي اِثْنِي الْحَسَنُ فَكَيْفَ لِلنَّاسِ بِالْخَلْفِ مِنْ بَعْدِهِ قُلْتُ وَ كَيْفَ ذَلِكَ قَالَ لَانَّهُ لَا يَرَى شَخْصَهُ وَلَا يَحِلُّ ذِكْرُهُ بِاسْمِهِ حَتَّى يَخْرُجَ فَيَمْلَأَ الْاَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا»؛ (۲) «... و پس از من پسر من حسن است و مردم با جانشین او چگونه باشند؟ گفتم: فدای شما شوم برای چه؟ فرمود: زیرا شخص او را نمی بینند و بردن نام او روا نباشد؛ تا آنکه قیام کند و زمین را پر از عدل و داد نماید...».

### سه. روایات جواز بدون بیم خطر

در این دسته از روایات، به علت نام بردن حضرت اشاره شده است. در این صورت اگر آن علت وجود نداشته باشد، نهی نیز ساقط است.

امام باقر علیه السلام در جواب ابو خالد کابلی که از نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرسیده بود فرمود: «...سَأَلْتَنِي وَاللَّهِ يَا اَبَا خَالِدٍ عَنْ سُؤَالٍ مُجْهِدٍ، وَلَقَدْ سَأَلْتَنِي عَنْ اَمْرِ مَا كُنْتُ مُجِدِّئًا بِهِ اَحَدًا وَ لَوْ كُنْتُ مُحَدِّثًا بِهِ اَحَدًا لَحَدَّثْتُكَ، وَلَقَدْ سَأَلْتَنِي عَنْ اَمْرِ لَوْ اَنَّ بَنِي فَاطِمَةَ عَرَفُوهُ حَرَصُوا عَلَيَّ اَنْ يَقَطَعُوهُ بَضْعَةً بَضْعَةً»؛ (۳) «به خدا سوگند ای اباخالد! پرسش سختی پرسیدی که مرا به تکلیف و زحمت می اندازد؛ همانا از امری سؤال کردی که [هرگز آن را به هیچ کس نگفته ام و] اگر آن را به کسی گفته بودم، مسلماً، به تو می گفتم. همانا تو از من چیزی را سؤال کردی که اگر بنی فاطمه او را بشناسند، حرص ورزند که او را قطعه قطعه کنند».

از روایت یاد شده استفاده می شود که اگر ضرر و خطری بر آن حضرت به وجود نیاید،

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ۲، ص ۳۶۸، ح ۶.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ۲، ص ۳۷۹، ح ۱.

۳- نعمانی، الغیبه، ص ۲۸۸، ح ۲ و نیز ر.ک: محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۳۳، ح ۲۸۸.

دانستن و نقل نام آن حضرت، بدون اشکال است.

از خود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در توقیعی آمده است: «...فَانَّهُمْ اِنْ وَقَفُوا عَلٰى الْاِسْمِ اذَاعُوهُ وَاِنْ وَقَفُوا عَلٰى الْمَكَانِ دَلُّوا عَلَيْهِ»؛ (۱) «پس به درستی که آنان اگر اسم را بدانند، آن را رایج ساخته و اگر بر مکان آگاهی یابند، آن را نشان خواهند داد». شیخ حر عاملی رحمه الله ذیل این روایت نوشته است: این دلالت می کند بر اینکه نهی اختصاص به ترس و ترتب مفسده دارد. (۲)

بنابراین، این دسته از روایات، دایر مدار ترس و تقیّه است و با منتفی شدن آن، حرمت نام بردن نیز منتفی خواهد شد.

### چهار. روایات جواز نام بردن

بی گمان در روایات فراوانی وقتی سخن از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به میان آمده، به نام آن حضرت تصریح شده است. در اینجا به بعضی از این روایات، اشاره می شود:

۴۱. روایاتی که قبل از ولادت ایشان، به نام مبارک آن حضرت اشاره کرده است:

۴۱۱. شیخ صدوق رحمه الله در کمال الدین و تمام النعمه از حضرت علی علیه السلام، نقل کرده است: رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، نام امامان بعد از حضرت علی علیه السلام را یکی پس از دیگری برای آن حضرت برشمرد، تا اینکه فرمود: «...مَهْدِيْ اُمَّتِيْ مُحَمَّدٌ الَّذِيْ يَمْلَأُ الْاَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا...»؛ (۳) «مهدی امتم [در میان ایشان] محمد است که زمین را از عدل و داد آکنده سازد...»

۴۱۲. حضرت علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده که ضمن بردن نام ائمه دوازده گانه علیهم السلام، فرمود: «...فَاِذَا حَضَرَ رَتَّهُ (الحسن) الْوَفَاةَ فَلْيَسْلِمْهَا اِلَى اِيْنِهِ مُحَمَّدٌ...»؛ (۴) «پس هنگام رحلت حسن آن را تسلیم به فرزندش محمد می کند...».

۱- کتاب الغیبه، ص ۳۶۴، ح ۳۳۱.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۴۰.

۳- شیخ صدوق رحمه الله؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۴، ح ۳۷.

۴- محمد بن حسن طوسی رحمه الله؛ کتاب الغیبه ص ۱۵۰، ح ۱۱۱.

۴۱۳. در الفضائل نیز شبیه این روایت آمده و تصریح به نام «محمد» شده است. (۱)

همچنین در الاحتجاج طبرسی، از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که فرمود: از جبرئیل شنیدم: «... ثُمَّ إِنَّهُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ مَهْدِي أُمَّتِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ صَاحِبِ الزَّمَانِ...»؛ (۲) «... سپس فرزندش قائم به حق، مهدی امتم، محمد بن حسن صاحب الزمان...».

۴۱۴. در کلام امیرمؤمنان علی علیه السلام به این نام، اشاره شده است؛ چنان که شیخ صدوق رحمه الله در کمال الدین و تمام... النعمه آورده است: حضرت علی علیه السلام بر فراز منبر درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: «... إِنَّهُ إِسْمَانٌ يَخْفَى وَإِسْمٌ يَغْلَسُ، فَأَمَّا الَّذِي يَخْفَى فَأَخْوَدٌ، وَأَمَّا الَّذِي يَغْلَسُ فَمُحَمَّدٌ...»؛ (۳) «برای او دو نام است: یکی نهان و دیگری آشکار؛ اما نهان احمد و نام آشکار محمد است».

۴۱۵. از موارد دیگری که قائلان به جواز نام بردن حضرت، بدان اشاره کرده اند، حدیث لوح حضرت زهرا علیها السلام است. در قسمتی از این لوح که هدیه ای از طرف پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به حضرت زهرا علیها السلام بود آمده است: «... وَأُكْمِلُ ذَلِكَ بِإِنِّي مُحَمَّدٌ رَحْمَةٌ لِلْعَالَمِينَ عَلَيْهِ كَمَالُ مُوسَى وَبِهَاءُ عِيسَى وَصَبْرُ أَيُّوبَ...»؛ (۴) «... و اوصیا را به وجود فرزندش محمد - رحمت برجهانیان - تکمیل خواهم کرد؛ کسی که کمال موسی علیه السلام و بهاء عیسی علیه السلام و صبر ایوب علیه السلام را دارا است...».

۴۱۶. شیخ صدوق رحمه الله، قسمت مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را این گونه آورده است: «... أَبُو الْقَاسِمِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ هُوَ حُجَّةُ اللَّهِ تَعَالَى عَلَى خَلْقِهِ...»؛ (۵) «... ابو القاسم همو حجت خداوند متعال بر بندگان است...».

خود جابر نیز در مواردی تصریح کرده که از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آن لوح، به عنوان محمد

۱- ابن شاذان، الفضائل، ص ۱۵۸.

۲- شیخ طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۶۸، ح ۳۴.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۳، ح ۱۷؛ ر.ک: اعلام الوری، ص ۴۶۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۴۴.

۴- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۲۷، ح ۳.

۵- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، باب ۲۷.

یاد شده است.

۴۱۷. امام باقر علیه السلام نیز در ذیل آیه شریفه: (إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ...<sup>(۱)</sup>) یک یک نام ائمه را برد تا اینکه فرمود: «...وَالِي إِيَّهِ الْحَسَنُ وَالِي إِيَّهِ مُحَمَّدُ الْهَادِي الْمَهْدِي، إِيْنَا عَشَرَ إِمَامًا...»؛<sup>(۲)</sup> «و به فرزندش حسن و به فرزندش محمد هدایت کننده هدایت شده، دوازده امام هستند».

۴۱۸. از امام صادق علیه السلام نیز در مواردی هنگام معرفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به نام «محمد» تصریح شده است؛ چنان که می فرماید: «الْخَلْفُ الصَّالِحُ مِنْ وُلْدِي هُوَ الْمَهْدِي، إِسْمُهُ مُحَمَّدٌ وَكُنْيَتُهُ أَبُو الْقَاسِمِ يُخْرَجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ يُقَالُ لِأُمِّهِ صَقِيلٌ»؛<sup>(۳)</sup> «خلف صالح از فرزندانم مهدی است. نامش محمد و کنیه اش ابوالقاسم، در آخر الزمان خروج می کند و مادرش صقیل نامیده می شود».

شیخ صدوق رحمه الله شبیه این روایت را در کمال الدین و تمام النعمه آورده است.<sup>(۴)</sup>

۴۱۹. امام صادق علیه السلام وقتی خواست در جواب زید شحام نام امامان معصوم علیهم السلام را برشمرد، فرمود:

«نَحْنُ اثْنَا عَشَرَ - هَكَذَا - حَوْلَ عَرْشِ رَبِّنَا جَلَّ وَعَزَّ فِي مُبْتَدِئِ خَلْقِنَا أَوْلَانَا مُحَمَّدٌ وَأَوْسَطُنَا مُحَمَّدٌ وَآخِرُنَا مُحَمَّدٌ»؛<sup>(۵)</sup> «ما دوازده تن بدین گونه (اشاره با دست به صورت دایره) از آغاز آفرینش گرداگرد عرش پروردگارمان قرار داشته ایم، نام اولین فرد ما محمد و نفر میانه محمد و آخرین فرد ما نیز محمد است».

۴۱۱۰. از امام عسکری علیه السلام در موارد فراوانی نقل شده که به نام آن حضرت تصریح کرده است. زمانی که مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به ایشان حامله شد، امام عسکری علیه السلام به او فرمود:

۱- سوره توبه (۹)، آیه ۳۶.

۲- محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۴۹، ح ۱۱۰.

۳- کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۷۵.

۴- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۳۴، ح ۴.

۵- نعمانی، الغیبه، ص ۸۵، ح ۱۶.

«سَيَتَحْمِلِينَ ذَكَرًا وَاسْمُهُ مُحَمَّدٌ وَهُوَ الْقَائِمُ مِنْ بَعْدِي»؛<sup>(۱)</sup> «تو حامل پسری هستی که نامش محمد است و او قائم پس از من است.»

همچنین آن حضرت در ضمن حدیثی فرمود: «...إِنِّي مُحَمَّدٌ، هُوَ الْإِمَامُ وَالْحُجَّةُ بَعْدِي مَيَّنْ مَاتَ وَلَعَمَّ يَعْرِفُهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَةً...»؛<sup>(۲)</sup> «فرزندم محمد، او است امام و حجت پس از من، هر کس بمیرد و او را نشناسد، به مرگ جاهلی از دنیا رفته است.»

۴۲. گروه دوم شامل سخنانی است که پس از ولادت ایشان، از آن حضرت با نام محمد یاد کرده اند:

۴۲۱. ابراهیم کوفی، نقل کرده است که امام عسکری علیه السلام گوسفندی سربرید و برای من فرستاد و فرمود: «هَذَا مِنْ عَقِيْقَةِ ابْنِي مُحَمَّدٍ»؛<sup>(۳)</sup> «این بخشی از عقیقه فرزندم محمد است.»

۴۲۲. محمد بن یعقوب کلینی رحمه الله از احمد بن محمد بن عبدالله، ضمن روایتی نقل کرده است: «...وَوُلِدَ لَهُ (أَبِي مُحَمَّدٍ) وَوُلِدَ سَمَاءُ مُحَمَّدٍ...»؛<sup>(۴)</sup> «برای او (امام عسکری علیه السلام) فرزندی به دنیا آمد که او را محمد نامید.»

۴۲۳. شیخ طوسی رحمه الله، در کتاب الغیبه در بخشی از یک حکایت نقل کرده که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با عنوان «محمد بن الحسن» از خود نام برده است.<sup>(۵)</sup>

۴۲۴. از ابی غانم خادم نقل شده است: «وَأُتِدَلَّابِي مُحَمَّدٌ مَوْلُودٌ فَسَمَّاهُ مُحَمَّدًا...»؛<sup>(۶)</sup> «برای ابو محمد (امام عسکری علیه السلام) فرزندی به دنیا آمد که او را محمد نام نهاد و...».

۴۲۵. شیخ صدوق رحمه الله، به نقل از عبدالله سوری، در ضمن داستانی از ملاقات با حضرت مهدی علیه السلام در دوران غیبت صغرا، نوشته است: «...پس دیدم جوانانی را که در برکه، آب بازی

۱- کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۷۵.

۲- کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۰۹، ح ۹.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۳۲، ح ۱۰.

۴- کافی، ج ۱، ص ۳۲۹، ص ۵۱۴.

۵- ر.ک: کتاب الغیبه، ص ۲۶۹، ح ۲۳۴.

۶- وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۴۳، ح ۲۱۴۶۷.

می کردند. جوانی بر سجاده ای نشسته بود و آستین لباس خود را مقابل دهان قرار داده بود. پس گفتم: این جوان کیست؟ گفتند: محمد بن الحسن است و شبیه پدرش بود...» (۱).

۵۲۶. در کمال الدین و تمام النعمه ضمن بیان سرگذشت مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، آمده است: «...وَعَلَى قَبْرِهَا مَكْتُوبٌ عَلَيْهِ هَذَا قَبْرُ أُمِّ مُحَمَّدٍ»؛ (۲) «و بر آرامگاه او نوشته شده بود، این قبر مادر محمد است».

با توجه به اینکه از ایشان به عنوان «ام محمد» یاد نشده تا گفته شود لقب ایشان بوده است؛ بنابراین دلیل برای جواز نام بردن نام خاص آن حضرت است.

### نام حضرت در کلام دانشمندان شیعه

علاوه بر روایاتی که ذکر شد، عده ای از دانشمندان شیعه، از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با عنوان، محمد، محمد المهدی، محمد بن الحسن و محمد بن الحسن العسکری علیهما السلام، یاد کرده اند. این خود نشانگر آن است که این بزرگان، ذکر نام آن حضرت را جایز می دانسته اند که به برخی از آنها اشاره می شود:

۱. شیخ مفید رحمه الله در معرفی آن امام همام علیه السلام می نویسد: «...مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَنَّ الْمَهْدِيَّ الْمُنْتَظَرَ خُرُوجُهُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَأَنَّ غَائِبٌ بَعْدَ فِتْرَةٍ مِنْ وِلَادَتِهِ...»؛ (۳) «...محمد فرزند حسن عسکری و او است مهدی؛ همو که خروجش در آخرالزمان انتظار کشیده می شود و مدتی بعد از ولادتش غایب شد».

۲. سید مرتضی قدس سره در بیان اعتقادات شیعه درباره ائمه علیهم السلام می نویسد: «وَيَذْهَبُ الْإِمَامِيَّةُ بِأَجْمَعِهِمْ إِلَى أَنَّهَا بِالنَّصِ الْجَلِيِّ عَلَى الْأَئِمَّةِ الْإِثْنِي عَشَرَ أَوْلَهُمْ عَلِيٌّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ وَآخِرُهُمْ

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۴۱، باب ۴۳، ح ۱۳؛ الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۹۵۹.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۳۱، ح ۷.

۳- شیخ مفید، الرسائل فی الغیبه، ج ۱، ص ۴.



محمد بن الحسن المهدي المنتظر...»؛<sup>(۱)</sup> «اعتقاد امامیه بنا بر نص آشکار این است که امامان دوازده نفرند؛ نخستین ایشان علی بن ابی طالب و آخرین آنان محمد فرزند حسن، مهدی منتظر است».

۳. شیخ طوسی رحمه الله درباره ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از زبان اسماعیل علی نوبختی نوشته است: «...مَوْلِدُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى...».<sup>(۲)</sup>

۴. شیخ صدوق رحمه الله آورده است: «...أَبُو الْقَاسِمِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ هُوَ حُجَّةُ اللَّهِ الْقَائِمُ...».<sup>(۳)</sup>

۵. علامه حلی قدس سرّه در تحریر الاحکام (ج ۲، ص ۱۰۹) و شرح منهاج الکرامه، (ص ۲۵۲) و الرساله السعديه (ص ۱۹)، از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با عنوان محمد بن الحسن العسكري علیهما السلام یاد کرده است.

۶. علی بن یوسف حلی پس از نام بردن از امامان دوازده گانه، نام امام زمان علیه السلام را چنین می نویسد: «...حتی انتهى الی ابی القاسم محمد بن الحسن الحجه القائم...».<sup>(۴)</sup>

۷. محقق کرکی رحمه الله می نویسد: «تُعَمُّ الْخَلْفُ الْحُجَّةُ الْقَائِمُ الْمُنتَظَرُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْمَهْدِي الْمُسْتَتَرَّ خَوْفًا مِنَ الْأَعْدَاءِ...»؛<sup>(۵)</sup> «سپس خلف، حجت، قائم، منتظر، محمد فرزند حسن، مهدی که به جهت ترس از دشمنان پنهان است...»

۸. اربلی رحمه الله نوشته است: «...وَأَمَّا إِسْمُهُ فَمُحَمَّدٌ وَكُنْيَتُهُ أَبُو الْقَاسِمِ وَلَقَبُهُ الْحُجَّةُ وَالْخَلْفُ الصَّالِحُ وَقِيلَ الْمُنتَظَرُ...»؛<sup>(۶)</sup> «اما اسم او محمد و کنیه اش ابوالقاسم و لقبش حجت و خلف صالح و گفته شده منتظر است».

۹. علامه مجلسی قدس سرّه اگر چه قائل به حرمت نام بردن ایشان است؛ ولی در موارد فراوانی با نام مخصوص از ایشان یاد کرده است: «... الْمَهْدِي الَّذِي بَشَّرَ بِخُرُوجِهِ النَّبِيُّ الْمَعْظَمُ -صَلَّى

۱- سید مرتضی، الانتصار، ص ۲۵.

۲- طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۷۱.

۳- شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۴۰.

۴- العدد القویه، ص ۷۰.

۵- محقق کرکی، رسائل الکرکی، ج ۱، ص ۶۳.

۶- کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۳۷.

الله عليه وآله - في روايات مُتَوَاتِرَةٍ مِنَ الْخَاصَّةِ وَالْعَامَّةِ وَهُوَ الْإِمَامُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ الْمَهْدِيِّ الْمُنْتَظَرِ...» (۱).

۱۰. شهید اول قدس سره می گوید: «الثانی عَشَرَ: الْإِمَامُ الْمَهْدِيُّ الْحُجَّجُ صَاحِبُ الزَّمَانِ أَبُو الْقَاسِمِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ...» (۲).

۱۱. حسین عبدالصمد عاملی پدر شیخ بهایی رحمه الله با عنوان محمد بن الحسن العسکری المهدی قائم از آن حضرت یاد کرده است. (۳).

۱۲. قاضی نعمان مغربی نوشته است: «...وَمِنْ الْمُتَوَقَّعِ أَنَّ هَذِهِ الرَّوَايَةَ وَرَدَتْ فِي الْمَهْدِيِّ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ...» (۴).

۱۳. طریحی رحمه الله می نویسد: «يَكْنَى بِهِ (القائم) عَنْ صَاحِبِ الْأَمْرِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ...» (۵) و (۶).

### نام حضرت در دعاها

در دعاهای فراوانی از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با عنوان محمد یاد شده است که به بعضی از آنها اشاره می شود:

۱. مشهور در دعای فرج «اللهم کن لوليک الحجة بن الحسن» است؛ ولی در منابع اصلی،

۱- بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۲۸۴، ج ۲۸، ص ۴۶.

۲- شهید اول، الدروس، ج ۲، ص ۱۶.

۳- ر. ک: وصول الاخبار الى اصول الاخبار.

۴- نعمان بن محمد تمیمی مغربی، شرح الاخبار، ج ۲، ص ۶۳.

۵- طریحی، مجمع البحرين، ج ۳، ص ۵۷۱.

۶- از دیگر کسانی که در نوشتار و یا نقل قول های خود به کلمه محمد، به عنوان نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تصریح کرده اند، می توان از شیخ علی یزدی حایری در الزام الناصب، (ج ۱، صفحه ۱۲۱)، سید هاشم بحرانی در غایه المرام، (ج ۷، صفحه ۱۳۴) و محمد جواد مغنیه در الشیعه فی المیزان، (ص ۲۶۶)، سید علی میلانی در دراسات فی منهاج السنه، (ص ۴۱)، شیخ عباس قمی در منازل الاخره، (ص ۲۸۸) و در الکنی و الالقاب، (ج ۳، صفحه ۱۹)، مولی صالح مازندرانی در شرح اصول کافی، (ج ۶، ص ۲۶)، شیخ جعفر سبحانی در اضواء علی عقاید الشیعه الامامیه، (ص ۲۱۸)، به عنوان نمونه یاد کرد.

(مانند مصباح کفعمی) دعا به گونه ای دیگر نیز آمده است: «اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ الْمَهْدِي فِي هَذِهِ السَّاعَةِ...» (۱). سید بن طاووس نیز در اقبال الاعمال همین گونه نقل کرده است. (۲).

۲. در البلد الامین تحت عنوان دعای «کنز العرش» آمده است: «وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ وَالْحُجَّةِ عَلِي عِبَادِكَ...».

۳. علامه مجلسی رحمه الله در دعای پس از زیارت آل یس آورده است: «... اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ حَبَّتِكَ فِي أَرْضِكَ وَ...».

علامه مجلسی این روایت را از احتجاج طبرسی نقل کرده است؛ هر چند در احتجاج کلمه محمد بن الحسن نیست؛ ولی این احتمال وجود دارد که در نسخه علامه مجلسی، چنین بوده و بعداً این کلمات از احتجاج حذف شده است.

### نام حضرت در گفتار اهل سنت

بسیاری از اهل سنت، وقتی در کتاب های خود اعتقاد به مهدویت و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نقل کرده اند؛ به نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تصریح کرده، آن را به شیعه نسبت داده اند. در این بخش تنها به بعضی از این اقوال اشاره می شود:

۱. ابن کثیر در البدایه و النهایه می نویسد: «...يَعْتَقِدُ فِيهِمُ الرَّافِضَةُ الَّذِينَ أَوْلَاهُمْ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَآخِرُهُمُ الْمُنتَظَرُ بِسَرْدَابِ سَامِرَا وَهُوَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ...» (۳).

وی در جای دیگر (۴) نیز پس از ردّ اعتقادات شیعه، از حضرت مهدی علیه السلام با نام محمد بن الحسن المهدی یاد کرده است.

۱- مصباح کفعمی، ص ۵۸۶؛ ر.ک: اقبال الاعمال، ص ۵۸؛ بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۳۹۲.

۲- سید بن طاووس، اقبال الاعمال، ص ۵۸.

۳- البدایه و النهایه، ج ۱، ص ۱۷۷.

۴- البدایه و النهایه، ج ۱۴، ص ۹۵.

۲. ابن خلدون در تاریخ خود، وقتی از اعتقاد شیعه درباره حضرت مهدی علیه السلام سخن گفته چنین می نویسد: «...وْخُصُوصاً الْإِثْنَا عَشْرِيهِ مِنْهُمْ يَزْعُمُونَ أَنَّ الثَّانِي عَشْرَ مِنْ أَيْمَتِهِمْ وَهُوَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ وَيَلَقَّبُونَهُ الْمَهْدِيَّ...» (۱).

۳. زرکلی در الاعلام می گوید: «مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ بْنِ عَلِيِّ الْهَادِي أَبُو الْقَاسِمِ آخِرُ الْأَيْمَةِ الْإِثْنَيْ عَشَرَ عِنْدَ الْإِمَامِيَّةِ...» (۲).

۴. ذهبی در سیر اعلام النبلاء، به دنبال کلمه «المنتظر» نوشته است: «...الشَّرِيفُ أَبُو الْقَاسِمِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ بْنِ عَلِيِّ الْهَادِي...» (۳).

۵. در پاورقی سنن ابی داود، آمده است: «وَالشَّيْعَةُ الْإِمَامِيَّةُ الْإِثْنَا عَشْرِيَهُ تَقُولُ إِنَّ إِمَامَهُمُ الثَّانِي عَشَرَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ الَّذِي غَابَ وَسَيُظْهَرُ مِنْ غَيْبَتِهِ...» (۴).

۶. در تحفه احوذی آورده است: «...وَفِيهِ رَدُّ عَلَى الشَّيْعَةِ حَيْثُ يَقُولُونَ الْمَهْدِيَّ الْمَوْعُودَ هُوَ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ هُوَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ...» (۵).

۷. قندوزی در ینابیع الموده نوشته است: «فَإِذَا مَضَى الْحَسَنُ فَابْنُهُ الْحُجَّةُ مُحَمَّدُ الْمَهْدِيَّ...»؛ «پس آن گاه که [امام] حسن در گذشت، پس فرزند او حجت محمد مهدی...» (۶).

اقوال اهل سنت بر دو چیز دلالت دارد:

الف. این نام کم و بیش نزد شیعیان و علما شهرت داشته و استعمال می شده است.

ب. همه قائل به حرمت، آن نام نبوده اند؛ و گرنه به عنوان نکته ای قابل تأمل از طرف اهل

۱- ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۱، ص ۱۹۹.

۲- الاعلام، ج ۶، ص ۸۰، پاورقی.

۳- سیر اعلام النبلاء، ج ۱۳، ص ۱۱۹.

۴- سنن ابی داود، ج ۲، ص ۲۱۰.

۵- تحفه احوذی، ج ۶، ص ۴۰۳.

۶- ینابیع الموده، ج ۳، ص ۲۸۲ و ص ۳۱۶.

سنت مطرح می شد.

### نکته پایانی

برخی از بزرگان معاصر، پس از نقل چهار گروه روایات یاد شده، نوشته اند: «شکی نیست که قول به منع نام بردن از روی تعبد، خالی از تحقیق است؛ اگر چه برخی از بزرگان بدان تصریح کرده اند... ظاهر این است که منع، دایر مدار وجود ملائک تقیه است. بنابراین نام بردن از آن حضرت به این نام در زمان ما هیچ گونه منعی ندارد. به علاوه دسته چهارم روایات که دلالت بر جواز می کرد از دسته های دیگر به مراتب، هم از نظر عدد بیشتر و هم از نظر دلالت اقوا است.

آن گاه ایشان نتیجه می گیرند: «حرمت تنها در هنگام تقیه بوده و تنها راه جمع بین روایات همین قول است، و گرنه باید هر دو دسته روایت را قبول نکنیم و به اصطلاح از اعتبار ساقط بدانیم و یا قائل به تخییر شویم \_ اگر بگوییم روایات ظنی هستند \_ و حاصل این هم این می شود که قائل به جواز شویم».

در پایان ایشان قوی ترین قرینه بر نظر خود (جواز نام بردن) را همان دسته چهارم از روایات دانسته، احتیاط را نیز لازم نمی دانند: «فتلخص عن جميع ما ذكر جواز التسمية باسمه الشريف و هو (محمد)»<sup>(۱)</sup> با توجه به آنچه ذکر شد به نظر می رسد، در زمان غیبت کبرا اگر نام بردن آن حضرت موجب ضرر و زیان نگردد، جایز است.

۱- ر.ک: ناصر مکارم شیرازی، قواعد الفقهیه، ج ۱، ص ۵۰۴.

## خود آزمایی

۱. برخی روایاتی که از آنها حرمت نام بردن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف استفاده می شود، بیان کنید.
۲. چهار روایتی که در آنها به صراحت نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برده شده، بیان کنید.
۳. به سه نقل از بزرگان شیعه اشاره کنید که در آن به صراحت نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ذکر شده است.
۴. دو دعا را که در آن نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برده شده، بنویسید.
۵. نظر آیت الله مکارم شیرازی را در باره حکم نام بردن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف توضیح دهید.
۶. برخی از کسانی را که اصرار دارند در زمان ما نیز بردن نام حضرت حرام است نام ببرید و دلیل های ایشان را بررسی کنید.

===

منابع برای پژوهش:

۱. میر داماد، شرعه التسمیه حول حرمه تسمیه صاحب الامر، (مهدیه میر داماد، اصفهان).
۲. ناصر مکارم شیرازی، القواعد الفقهیة، (مدرسه الامام امیر المؤمنین علیه السلام، قم، ۱۴۱۱ هـ).
۳. قزوینی، سید محمد کاظم، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا ظهور، ترجمه حسین فریدونی، (نشر آفاق، تهران ۱۳۷۹ هـ).

## درس سیزدهم: القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

برخی از القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف:

۱. بقیت الله

۲. حجت

۳. خاتم الاوصیاء

۴. شرید

۵. صاحب الامر

۶. صاحب الدار

۷. صاحب الزمان

۸. صاحب السیف

۹. صاحب الغیبه

۱۰. غریم

۱۱. غلام

۱۲. فرید

۱۳. قائم

۱۴. مضطر

۱۵. منتظر

۱۶. منتقم

۱۷. منصور

۱۸. مهدی





یکی از اموری که می تواند معرفت و شناخت ما را نسبت به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف افزایش دهد، آشنایی با القاب آن حضرت و معانی آنها است. با توجه به عنایت معصومین علیهم السلام به استفاده از القاب خاص برای آن حضرت، روشن می شود که برخی از اوصاف و ویژگی های آن حضرت چگونه است.

در این درس تلاش بر این است در حد اختصار، به بعضی از القاب مشهور آن حضرت اشاره گردد. (۱)

### ۱. بَقِيَةُ اللَّهِ

واژه «بقیه»؛ یعنی، باز مانده و پاینده و آنچه از چیزی باقی گذاشته شود. عبارت «بقیه الله» هم در قرآن مجید و هم در روایات آمده است. در قرآن فقط یک بار در داستان حضرت شعیب علیه السلام ذکر شده است؛ یعنی، آنجا که وی قوم خود را از کم فروشی نهی کرده، می گوید: (بَقِيْتُ اللَّهُ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ)؛ (۲) «آنچه را که خداوند [در ازای چشم پوشی از منافع نامشروع دنیوی] برای شما باقی می گذارد، برای شما بهتر است».

در این آیه هر چند مخاطب قوم شعیب هستند و منظور از «بقیه الله»، سود و سرمایه حلال و یا پاداش الهی است؛ ولی هر موجود نافع که از طرف خداوند برای بشر باقی مانده و مایه

۱- گفتنی است با استفاده از روایات و ادعیه مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، القاب فراوانی برای آن حضرت شمرده شده است. علل فراوانی این القاب در کتاب های مربوط مورد اشاره قرار گرفته است. البته برخی نیز در بیان القاب آن حضرت زیاده روی کرده، به هر مناسبتی کلمه ای را به عنوان لقب آن حضرت برشمرده اند!

۲- هود(۱۱)، آیه ۸۶.

خیر و سعادت او گردد «بقیه الله» محسوب می شود. از این رو تمام پیامبران و پیشوایان بزرگ «بقیه الله» اند. تمام رهبران راستین که پس از مبارزه با یک دشمن سرسخت برای یک قوم و ملت باقی می مانند، از این نظر «بقیه الله» هستند...

از آنجایی که مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف آخرین پیشوا و بزرگ ترین رهبر انقلابی، پس از قیام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است؛ یکی از روشن ترین مصادیق «بقیه الله» است. او از دیگران به این لقب شایسته تر است؛ به خصوص که تنها باقی مانده بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام است.

در روایات، دعاها و زیارات، ائمه اطهار علیهم السلام به عنوان «بقیه الله» توصیف شده اند. برای نمونه به بعضی از آنها اشاره می شود:

۱. به دستور هشام بن عبدالملک، امام باقر علیه السلام را به شام بردند. موقع مراجعت به مدینه، هشام فرمان داد بازارها را بر روی آن حضرت و همراهانش ببندند و آنان را از خوراک و آشامیدنی محروم سازند! وقتی به شهر مدینه رسیدند، مردم در شهر را بر رویشان بستند و اصحاب آن حضرت از جهت کمبود آب و غذا به زحمت افتادند و به آن بزرگوار شکایت بردند. امام باقر علیه السلام به بالای کوهی مشرف به شهر رفت و با صدای بلند فرمود: «ای اهل شهری که مردمانش ستمگرند! به خداوند سوگند من بقیه الله هستم. خداوند فرمود: بقیه الله برایتان بهتر است، اگر ایمان دارید» (۱).

۲. در «زیارت جامعه کبیره»، آمده است: «السَّلَامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ... وَ بَقِيَةِ اللَّهِ...»؛ «سلام بر امامان که... بقیه الله هستند...» (۲).

۳. در دعای ندبه می خوانیم: «أَيْنَ بَقِيَةِ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُو مِنَ الْعِثْرَةِ الْهَادِيَةِ...»؛ «کجا است آن بقیه الله که از عترت هدایتگر بیرون نیست» (۳).

۴. در حدیثی آمده است: مردی از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا بر امام قائم می توان با عنوان

۱- شیخ محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۷۱، ح ۵.

۲- شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۰۹.

۳- سید بن طاووس، الاقبال، ص ۲۹۷.

«امیر مؤمنان» سلام کرد؟ فرمود: «لا ذَاكَ إِسْمٌ سَيَمَى اللَّهُ بِهِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ لَمْ يَسْمَ بِهِ أَحَدٌ قَبْلَهُ وَلَا يَتَسَمَى بِهِ بَعْدَهُ إِلَّا كَافِرٌ»؛ «خیر؛ خداوند این نام را به حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام اختصاص داده است. پیش از او کسی این نام بر خود ننهاد و پس از او نیز مگر کافر این نام را به خود نبندد».

راوی گوید: پرسیدم: فدایت گردم! پس چگونه بر او سلام کنند؟ فرمود: می گویند «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَةَ اللَّهِ». سپس این آیه شریفه را تلاوت فرمود: «بَقِيْتُ اللَّهُ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (۱).

۵. امام باقر علیه السلام فرمود: «نخستین سخن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از ظهور این آیه است که می گوید: بقیه الله برایتان بهتر است اگر ایمان دارید. آن گاه می فرماید: «منم بقیه الله و حجّت و خلیفه او در میان شما». در آن زمان هر کس بر آن حضرت سلام کند، می گوید: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ» (۲).

۶. روایت شده است. وقتی احمد بن اسحاق بن سعد اشعری، به محضر امام عسکری علیه السلام شرفیاب شد؛ درباره جانشین آن حضرت سؤال کرد. آن حضرت کودک خردسال، همچون قرص ماه را به او نشان داد. احمد بن اسحاق پرسید: آیا نشانه ای هست تا قلبم اطمینان یابد؟ آن کودک زبان گشود و با زبان عربی فصیح فرمود: «أَنَا بَقِيَةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَالْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ فَلَا تَطْلُبْ أَثْرًا بَعْدَ عَيْنٍ يَا أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ»؛ (۳) «من بقیه الله بر روی زمین و منتقم از دشمنان او هستم. ای احمد بن اسحاق! بعد از دیدن [این کرامت] نشانه ای طلب نکن».

## ۲. حَجَّت

«حجّت» از نظر لغت، به معنای برهان و دلیل است که با آن حریف را قانع یا دفع کنند و

۱- کافی، ج ۱، ص ۴۱۱، ح ۲؛ تفسیر فرات کوفی، ص ۱۹۳، ۲۴۹؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۷۶.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۰، ح ۱۶.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۸۴، ح ۱.

جمع آن حجج و حجاج است. (۱)

این کلمه در قرآن مجید در موارد مختلفی به کار رفته است؛ از جمله: «لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا»؛ (۲) «تا اینکه برای مردم، پس از فرستادن پیامبران، در مقابل خدا بهانه و حجتی نباشد و خدا توانا و حکیم است».

و نیز «قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ»؛ (۳) «بگو برهان رسا (حجت) ویژه خداوند است و اگر او می خواست، قطعاً همه شما را هدایت می کرد».

امام کاظم علیه السلام فرموده است: «إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ حُجَّةَ ظَاهِرَةً وَحُجَّةَ بَاطِنَةً فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَالْأَنْبِيَاءُ وَالْأَيْمَةُ وَأَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ»؛ (۴) «خداوند را بر مردم دو حجت است: یکی ظاهر که آن عبارت است از پیامبران و رهبران دینی و دیگری باطن که آن عقول مردم است».

پیامبران و اوصیای آنان علیهم السلام از این جهت «حجت» نامیده شده اند که خداوند به وجود ایشان، بر بندگان خود احتجاج کند. آنان همچنین دلیل بر وجود خدا هستند و گفتار و کردارشان دلیل بر نیاز مردم به قانون آسمانی است.

بر اساس روایات فراوانی، هرگز زمین خالی از حجت نیست؛ چنان که از امام رضا علیه السلام پرسیده شد: آیا زمین از حجت خالی می ماند؟ حضرت فرمود: «لَوْ بَقِيَتْ بَعْدَ إِمَامِ لَسَاخَتْ»؛ (۵) «اگر زمین به اندازه چشم برهم زدن از حجت خالی باشد، اهلش را فرو می برد».

از دیدگاه شیعه، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان آخرین حجت الهی است؛ از این رو به حجه بن الحسن العسکری علیهما السلام شهرت دارد. (۶)

داود بن قاسم گوید: از امام دهم علیه السلام شنیدم که می فرمود: «الْخَلْفُ مِنْ بَعْدِي الْحَسَنُ

۱- ر.ک: لسان العرب، ج ۲، ص ۲۲۸.

۲- نساء (۴)، آیه ۱۶۵.

۳- انعام (۶)، آیه ۱۴۹.

۴- کافی، ج ۱، ص ۱۵.

۵- شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۹۸.

۶- بحار الانوار، ج ۲۵، ح ۶ و ج ۹۷، ص ۳۴۳.

فَكَيْفَ لَكُمْ بِالْخَلْفِ مِنْ بَعْدِ الْخَلْفِ فَقُلْتُ لِمَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ فَقَالَ: إِنَّكُمْ لَا تَرَوْنَ شَخْصَهُ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ ذِكْرُهُ بِاسْمِهِ فَقُلْتُ كَيْفَ نَذْكُرُهُ فَقَالَ: قُولُوا الْحُجَّةَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ؛<sup>(۱)</sup> «جانشین من، پسر من حسن است. شما نسبت به جانشین پس از جانشین من چه حالی خواهید داشت؟ عرض کردم: خداوند مرا قربانت کند؛ چرا؟ فرمود: برای آنکه شخص او را نمی‌توانید ببینید و ذکر او به نام مخصوصش روا نیست. عرض کردم: پس چطور او را یاد کنیم؟ فرمود: بگوئید حجت از خاندان محمد صلی الله علیه و آله و سلم».

در بیشتر روایات این لقب به صورت «الْحُجَّةَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ» به کار رفته است.<sup>(۲)</sup>

### ۳. خاتم الاوصیاء

یکی از القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خاتم الاوصیا (پایان بخش جانشینان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم) است. این لقب ابتدا بر زبان خود آن حضرت در کودکی آن گاه که در آن سنین لب به سخن گشود جاری شد. البته این لقب درباره حضرت علی علیه السلام به عنوان پایان بخش اوصیای آخرین پیامبر به کار رفته است.<sup>(۳)</sup>

طریف ابونصر گوید: «بر صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف وارد شدم؛ آن حضرت فرمود: برای من صندل احمر (نوعی چوب خوش بو) بیاور. پس برای ایشان آوردم؛ آن حضرت رو به من کرد و فرمود: آیا مرا می‌شناسی؟ گفتم: بله. سپس فرمود: من کیستم؟ عرض کردم: شما آقای من و فرزند آقای من هستید. پس آن حضرت فرمود: مقصودم این نبود! گفتم: خداوند مرا فدای شما گرداند! بفرمایید مقصودتان چه بود؟ حضرت فرمود: «أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ وَبِي يَدْفَعُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِ وَشِيعَتِي»؛<sup>(۴)</sup> «من خاتم الاوصیاء هستم که خداوند به وسیله من، بلا را از اهل و شیعیانم دور می‌سازد».

۱- کتاب الغیبه، ص ۲۰۲، ح ۱۶۹؛ کافی، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۱۳.

۲- ر.ک: همان؛ شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۴۵؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۴۸.

۳- ر.ک: بحار الانوار، ج ۵۴، ص ۹۳ و ج ۹۷، ص ۳۳۱.

۴- کتاب الغیبه، ص ۲۴۶، ح ۲۱۵؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۴۱، ح ۱۲.

علاوه بر خاتم الاوصیاء از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان «خاتم الائمه» نیز یاد شده است؛ چنان که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «مَعَاشِرَ النَّاسِ اِنِّي نَبِيٌّ وَعَلَى وَصِيِّي الْاِ- اِنَّ خَاتَمَ الْاِئِمَّةِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ...»؛<sup>(۱)</sup> «ای مردمان! من پیامبرم و علی جانشین من. آگاه باشید که خاتم الائمه، قائم و مهدی از ما است».

#### ۴. شریذ

یکی از القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف «شَرِيذ»، به معنای آواره است. از آنجایی که ایشان در دوران غیبت، منزلی معین و خاص ندارد، به این لقب خوانده شده است.

اصبغ بن نباته گوید: از امیرمؤمنان علیه السلام شنیدم که می فرمود: «صاحب این امر، شریذ (آواره)، طریذ (رانده)، فرید (تک) و وحید (تنها) است».<sup>(۲)</sup>

#### ۵. صاحب الامر

یکی از لقب های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف «صاحب الامر» است. امام صادق علیه السلام درباره اتفاقات هنگام ظهور می فرماید: «... يَوْمَئِذٍ مَنْ كَانَ بِالْمَدِينَةِ مِنْ وُلْدِ عَلِيٍّ اِلَى مَكَّةَ فَيَلْحَقُونَ بِصَاحِبِ الْاَمْرِ وَيَقْبَلُ صَاحِبُ الْاَمْرِ نَحْوَ الْعِرَاقِ...»؛<sup>(۳)</sup> «... در این زمان هر کس از فرزندان علی علیه السلام که در مدینه است، به مکه می گریزد و به صاحب امر می پیوندد و او به سوی عراق روی می آورد...».

اگرچه همه امامان علیهم السلام صاحب امر امامت بوده اند؛ ولی به جهت عظمت امر امامت و قیام آن حضرت، این لقب درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف متداول تر است. ریان بن صلت گوید: به امام رضا علیه السلام گفتم: آیا شما صاحب الامر هستید؟ فرمود: «اَنَا صَاحِبُ هَذَا الْاَمْرِ وَلَكِنِّي لَسْتُ

۱- فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ص ۹۷.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، باب ۲۶، ح ۱۳.

۳- الغیبه، ص ۲۷۰، باب ۱۴، ح ۴۳.

بِالَّذِي أَمْلَاهَا عَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ جَوْرًا، وَكَيْفَ أَكُونُ ذَلِكَ عَلَى مَا تَرَى مِنْ ضَعْفِ بَدَنِي، وَإِنَّ الْقَائِمَ هُوَ الَّذِي إِذَا خَرَجَ كَانَ فِي سِنِّ الشُّيُوخِ وَمَنْظَرِ الشَّبَابِ...»؛<sup>(۱)</sup> «من صاحب الامر هستم؛ امانه آن کسی که زمین را از عدل آکنده سازد، همان گونه که پر از جور شده باشد و چگونه او باشم، در حالی که ضعف بدن مرا می بینی و قائم کسی است که در سن پیران و منظر جوانان قیام می کند...».

البته آنچه بیشتر در روایات آمده «صاحبُ هذا الامر» است؛ ولی رفته رفته این ترکیب به «صاحب الامر» تبدیل شده و به عنوان یکی از القاب آن حضرت در آمده است.

## ۶. صاحب الدار

در برخی از روایات از «صاحب الدار» به عنوان لقب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یاد شده است. مقصود از «دار» (خانه)، خانه پدری و جدّ آن حضرت است که در آنجا غایب شده است. از آنجایی که ذکر نام آن حضرت، در آن دوران جایز نبود، از انواع کنایه ها استفاده شد که از جمله آنها «صاحب الدار» است.

اسحاق بن یعقوب می گوید: از محمد بن عثمان عمری قدس سرّه خواستم تا نامه ای که در آن پرسش های سختی را مطرح کرده بودم، به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برساند. پس توقیعی به خط مولایمان «صاحب الدار» صادر شد...».<sup>(۲)</sup>

ممکن است این لقب، مانند برخی دیگر از القاب آن حضرت، در موارد تقیه و ترس از دشمنان به کار می رفته است.

## ۷. صاحب الزمان

یکی از القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف «صاحب الزمان» است. این لقب اگرچه در متن روایات به ندرت ذکر شده است؛ ولی در زبان راویان و اصحاب و شیعیان، فراوان مورد استفاده قرار

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۵، ح ۸.

۲- کتاب الغیبه، ص ۲۹۰؛ ص ۳۶۲؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۴۹.



گرفته است. (۱)

امام صادق علیه السلام می فرماید: «... وَ آخِرُهُمُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَصَاحِبُ الزَّمَانِ»؛ (۲) «و آخرین آنها قائم به حق، بقیه‌الله در زمین و صاحب الزمان است».

فضل بن شاذان در کتاب فضایل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ وَ قَدْ كَمَلَ إِيْمَانُهُ وَ حَسَنَ إِسْلَامُهُ فَلْيُوَالِ الْحُجَّةَ صَاحِبَ الزَّمَانِ الْقَائِمَ الْمُتَنَزَّرَ الْمَهْدِيَّ...»؛ (۳) «هر آن کس که دوست دارد خداوند را در حال کمال ایمان و حسن اسلام ملاقات کند، پس باید حجت، صاحب الزمان، قائم، منتظر و مهدی را دوست داشته باشد».

اگرچه هر یک از ائمه علیهم السلام، صاحب زمان خویش اند؛ ولی به اعتبار طول عمر فراوان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و اینکه مدت زمانی بیشتر از بقیه ائمه علیهم السلام زندگی کرده است، ایشان بیشتر به این لقب شهرت یافته است.

#### ۸. صاحب السِّيف

یکی از القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که در پاره ای از روایات معصومین علیهم السلام به آن اشاره شده «صاحب السیف» (صاحب شمشیر) است. درباره سلاح حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ظهور، صراحتی وجود ندارد؛ ولی ممکن است، این گونه روایات را حمل بر ظاهر کرد؛ یعنی، آن حضرت با همان سلاح های متداول عصر بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ظهور خواهد فرمود. در این صورت «صاحب السیف» در معنای حقیقی خود به کار می رود؛ اگر چه در مقابل می توان آن را کنایه از «صاحب القدره والعظمه» دانست و «سیف» را در اینجا به معنای ابزار غلبه و قدرت معنا کرد.

در کتاب کافی نقل شده است: وقتی از امام صادق علیه السلام درباره قائم علیه السلام پرسیده شد، آن

۱- کتاب الغیبه، ص ۲۴۴، ح ۲۱۱ و ص ۲۷۱، ح ۲۳۷.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۴۲، ح ۲۳.

۳- شاذان بن جبرئیل، الفضایل، ص ۱۶۶.

حضرت فرمود: «كُنَّا قَائِمًا بِأَمْرِ اللَّهِ وَاحِدًا بَعِيدًا وَاحِدًا حَتَّى يَجِيءَ صَاحِبُ السَّيْفِ فَمَازَا جَاءَ صَاحِبُ السَّيْفِ جَاءَ بِأَمْرِ غَيْرِ الَّذِي كَانَ»؛ (۱) «همه ما قائم به امر خداييم؛ يكي پس از ديگري تا زماني كه صاحب شمشير بيايد. چون صاحب شمشير آمد، امر و دستوري غير از آنچه بوده، مي آورد (پدرانش مأمور به تقیّه و صبر بودند و او مأمور به جهاد و برانداختن ظلم است)».

گفتني است اين لقب، همانند بسياري از القاب ديگر حضرت مهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، اختصاص به آن حضرت ندارد و بقيه ائمه عليهم السلام نيز به اين عنوان، ملقب بوده اند. در اين باره حکم بن ابی نعیم گوید: در مدینه خدمت امام باقر عليه السلام رسيدم و عرض کردم: من بين رکن و مقام نذر کرده و به عهده گرفته ام که اگر شما را ملاقات کنم، از مدینه بيرون نروم تا زماني که بدانم شما قائم آل محمد صلی الله عليه و آله و سلم هستيد يا نه؟ حضرت هيچ پاسخی به من نفرمود. من سي روز در مدینه بودم، سپس در بين راهی به من برخورد کرد و فرمود: ای حکم! تو هنوز اينجايی؟ گفتم آری، من نذر خود را به شما عرض کردم و شما مرا امر و نهی نکرده و پاسخی نفرموديد.

فرمود: فردا صبح زود به منزل من بيا. فردا خدمتش رفتم، فرمود: مطلبت را بپرس. عرض کردم: من بين رکن و مقام، نذر کرده و روزه و صدقه ای برای خدا به عهده گرفته ام که اگر شما را ملاقات کردم، از مدینه بيرون نروم؛ جز آنکه بدانم آیا شما قائم آل محمد هستيد يا نه؟ اگر شما هستيد، ملازم خدمتتان باشم و اگر نيستيد، در روی زمین بگردم و در طلب معاش برآيم. فرمود: ای حکم! همه ما قائم به امر خدا هستيم.

عرض کردم: شما مهدي هستی؟ فرمود: همه ما به سوی خدا هدايت می کنيم. عرض کردم: شما صاحب شمشيري؟ فرمود: همه ما صاحب شمشير و وارث شمشيريم (شمشير پيغمبر به ما به ارث رسیده و همراه ما است). عرض کردم: شما هستيد آن که دشمنان خدا را می کشد و دوستان خدا به وسيله او عزيز می شود و دين خدا آشکار می گردد؟ فرمود: ای حکم! چگونه من او باشم، در صورتی که به ۴۵ سالگی رسیده ام؛ حال آنکه صاحب اين امر از من به دوران شیرخوارگی نزديک تر و هنگام سواری چالاک تر است» (۲).

۱- کافی، ج ۱، ص ۵۳۶، ح ۲.

۲- کافی، ج ۱، ص ۵۳۶، ح ۱.

## ۹. صاحب الغیبه

در برخی روایات از این لقب، برای معرفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و اثبات غیبت برای ایشان استفاده شده است. امام رضا علیه السلام فرمود: «... وَهُوَ صَاحِبُ الْغَيْبَةِ قَبْلَ خُرُوجِهِ»؛<sup>(۱)</sup> «او است صاحب غیبت قبل از ظهورش...».

همچنین از امام حسین علیه السلام نقل شده است: «قَائِمٌ هَذِهِ الْأُمَّةِ هُوَ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِي وَهُوَ صَاحِبُ الْغَيْبَةِ...»؛<sup>(۲)</sup> «قائم این امت، نهمین از فرزندان من است و او صاحب الغیبه است...»

البته احتمال دارد مقصود از این ترکیب، لقب نباشد؛ بلکه ترجمه آن مقصود باشد؛ یعنی، کسی که دارای غیبت است. احتمال دیگر اینکه این لقب نیز مانند بعضی از القاب، جهت تقیه به کار می رفته است.

## ۱۰. غریم

این واژه در کتاب های لغت، هم به معنای طلبکار آمده است و هم به معنای بدهکار.<sup>(۳)</sup> در روایات فراوانی از آن، به عنوان یکی از القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یاد شده است. بیشتر به نظر می رسد مقصود، معنای نخست آن باشد. این لقب نیز، از روی تقیه بوده که هرگاه شیعیان می خواستند مالی را نزد آن حضرت یا وکیلان ایشان بفرستند، یا وصیت کنند و یا از جانب آن حضرت مطالبه کنند، این لقب را به کار می بردند.

شیخ مفید رحمه الله به این نکته تصریح کرده، می نویسد: «کلمه غریم، رمزی بود بین شیعه که وقتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را از روی تقیه یاد می کردند، از آن استفاده می نمودند».<sup>(۴)</sup>

بنابراین استفاده از این لقب بیشتر در ارتباطات مالی شیعیان با حضرت مهدی علیه السلام آن هم در طول غیبت صغرا بوده است.<sup>(۵)</sup>

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۲، ح ۵.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۷.

۳- مجمع البحرین، ج ۶، ص ۱۲۵؛ لسان العرب، ج ۱۲، ص ۴۳۶.

۴- الارشاد، ص ۳۵۴.

۵- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۵، ح ۵.

محمد بن صالح گوید: «وقتی پدرم از دنیا رفت و امر به من رسید، حواله هایی نزد پدرم بود که نشان می داد، مربوط به اموال غریم است»<sup>(۱)</sup>. اسحاق بن یعقوب گوید: «از شیخ عمری قدس سرّه شنیدم که می گفت: با مردی شهری مصاحبت داشتم و به همراه او مالی برای غریم بود و آن را برای او فرستاد»<sup>(۲)</sup>. محمد بن هارون گوید: «از اموال غریم، پانصد دینار بر ذمه من بود»<sup>(۳)</sup>.

## ۱۱. غلام

«غلام» در لغت به معنای پسر بچه است<sup>(۴)</sup>. در برخی روایات از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، با عنوان «غلام» یاد شده است.

امام صادق علیه السلام می فرماید: پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «لَا بُدَّ لِلْغُلَامِ مِنْ غَيْبِهِ» فَقِيلَ لَهُ: وَلِمَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: «يَخَافُ الْقَتْلَ»؛<sup>(۵)</sup> «به ناگزیر برای غلام غیبتی است». گفته شد: ای رسول خدا! برای چه؟ فرمود: «از ترس مرگ».

این لقب نیز، گاهی در معنای لغوی خود به کار می رفته و مقصود همان پسر بچه و جوان بوده است و گاهی به جهت شرایط حاکم بر زمان آن عصر، از روی تقیه گفته می شده و به عنوان لقب به کار می رفته است.

## ۱۲. فرید

«فرید» در لغت به معنای «تک» است. در روایات به عنوان یکی از القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به کار رفته است. اصبح بن نباته می گوید: «از امیر مؤمنان علیه السلام شنیدم که می فرمود: «صاحب این امر شریک (آواره)، طرید (رانده)، فرید (تک) و وحید (تنها) است»<sup>(۶)</sup>.

۱- کافی، ج ۱، ص ۵۲۱، ح ۱۵.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۵، ح ۶.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۵، ح ۱۷.

۴- طریحی، مجمع البحرین، ج ۶، ص ۱۲۷.

۵- علل الشرایع، ج ۱ ص ۲۴۳، ح ۱؛ کافی، ج ۱، ص ۳۳۷، ح ۵ و ص ۴۴۲، ح ۲۹.

۶- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، باب ۲۶، ح ۱۳.

با مراجعه به روایات مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، می توان گفت: هیچ لقبی به اندازه «قائم»، برای آن حضرت استعمال نشده است. گویا از آنجایی که قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، درخشان ترین فصل زندگی ایشان است؛ اتصاف به این صفت و لقب، همواره در کلام معصومان علیهم السلام مورد تصریح قرار گرفته است.

بنابر این مهم ترین علت اتصاف به این لقب، آن است که وی در برابر اوضاع سیاسی و انحرافات دینی و اجتماعی، بزرگ ترین قیام تاریخ را رهبری خواهد کرد. (۱) البته می توان تمامی ائمه علیهم السلام را قائم دانست؛ اما ویژگی های قیام امام مهدی علیه السلام، آن حضرت را از دیگر امامان ممتاز ساخته است.

درباره وجه نامیده شدن حضرت به «قائم»، می توان به روایات زیر اشاره کرد: ابوحزمه ثمالی می گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: ای فرزند رسول خدا! آیا همه شما قائم و به پا دارنده حق نیستید؟ فرمود: بلی؛ عرض کردم: چرا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را قائم نامیده اند؟ فرمود: هنگامی که جدّ من حضرت سیدالشهدا حسین بن علی علیهما السلام شهید شد، ملائکه به درگاه خداوند ضجه و ناله نموده، نزد او شکایت کردند... پس خدای عزوجل امامان از فرزندان حسین علیه السلام را به آنان نشان داد و ملائکه از دیدن آنان خوشحال شدند. در آن هنگام دیدند که یکی از ایشان در حال قیام است و نماز می خواند. پس خداوند عزّ و جلّ فرمود: به وسیله این قائم (ایستاده) از آنان (قاتلان حسین) انتقام خواهم گرفت. (۲)

از امام جواد علیه السلام پرسیده شد: چرا او را قائم می نامند؟ فرمود: «لَاِنَّهُ يَقُومُ بَعْدَ مَيُوتِ ذِكْرِهِ وَازْتِدَادِ اَكْثَرِ الْقَائِلِينَ بِاِمَامَتِهِ» (۳) «چون پس از آن قیام می کند که از یادها رفته است و بیشتر معتقدان به امامتش برگشته اند».

لقب «قائم» اگرچه درباره ای از موارد به تنهایی به کار رفته است؛ ولی در بعضی از موارد، به

۱- الارشاد، ص ۷۰۴، ح ۲.

۲- دلائل الامامه، ص ۲۳۹.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۸، ح ۳.

کلماتی دیگر اضافه شده که هر کدام گویای معنایی خاص است؛ مانند:

### ۱-۱۳. «الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِي» (قیام کننده از فرزندانم)

برخی از معصومان علیهم السلام اصرار داشته اند که آن قیام کننده را از فرزندان خود معرفی کنند تا کسانی که از غیر آنان خود را قائم معرفی می کنند، رسوا شوند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «مَنْ أَنْكَرَ الْقَائِمَ مِنْ وُلْدِي فِي زَمَانِ غَيْبَتِهِ فَمَاتَ فَقَدْ مَاتَ مِثَّةَ جَاهِلِيَّةٍ»؛ (۱) «کسی که قائم از فرزندان مرا در زمان غیبتش انکار کند، به مرگ جاهلی مرده است».

امام صادق علیه السلام فرمود: «الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِي يَعْمُرُ عُمَرَ خَلِيلِ الرَّحْمَنِ...»؛ (۲) «قائم از فرزندان من عمر می کند، عمر او به اندازه عمر خلیل الرحمان است...».

### ۲-۱۳. «قَائِمُهُمْ» (قائم آنان)

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم زمانی که ائمه علیهم السلام را معرفی می کند و سخن از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به میان می آورد بیشتر از آن حضرت با عنوان قیام کننده آنان (اهل بیت) یاد می فرماید؛ چنان که خطاب به حسین بن علی علیهما السلام فرمود: «تو آقا و فرزند آقا هستی. تو امام و فرزند امام هستی. تو حجت، فرزند حجت و پدر حجت های نه گانه هستی که نهمین آنان قائم ایشان است»؛ (۳)

گویا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تنها قیام کننده (موفق) از فرزندان امام حسین علیه السلام را، آخرین ایشان معرفی کرده و او را از فرزندان آن حضرت دانسته است.

### ۳-۱۳. «قَائِمٌ لِلْحَقِّ مَنَّا» (قیام کننده برای حق از ما)

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در روایتی فرمود: «قیامت بر پا نمی شود؛ مگر اینکه قیام کننده ای

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۹، ح ۱۲.

۲- دلائل الامامه، ص ۲۵۸؛ الغیبه، ص ۱۸۹، ح ۴۴.

۳- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۵۲، ح ۱۷.

برای حق از ما (اهل بیت) به پا خیزد» (۱).

از این حدیث به دست می آید که تنها قیام برای اقامه حق، مطلوب است. همچنین قیامی که به تمامی صالحان وعده داده شده، تنها به وسیله فردی از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تحقق خواهد یافت.

#### ۴-۱۳. «قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ» (قائم ما اهل بیت)

امام باقر علیه السلام فرمود: «بهترین لباس هر زمان، لباس اهل آن زمان است؛ اما آن گاه که قائم ما اهل بیت قیام می کند، لباس علی علیه السلام را بر تن کرده و بر روش او حکومت خواهد نمود» (۲).

#### ۵-۱۳. «قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ» (قیام کننده از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم)

امام رضا علیه السلام فرمود: «تَمَامُ الْأَمْرِ بِقَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ»؛ (۳) «تمام امر به دست قائم آل محمد است».

#### ۱۴. مُضْطَرٌ

«مضطّر» در لغت به معنای کسی است که بیماری، فقر و یا سختی های روزگار، او را ناگزیر به تضرع در درگاه خداوند کرده است. (۴) در برخی روایات از این لقب، به عنوان یکی از القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یاد شده و در قرآن مجید نیز مورد اشاره قرار گرفته است: «أَمَّنْ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ»؛ (۵) «ای کسی که دعای مضطر را اجابت می کند و گرفتاری را بر طرف می سازد».

در برخی از روایات، این آیه تفسیر به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و قیام ایشان شده است. امام صادق علیه السلام می فرماید: «این آیه در مورد مهدی از آل محمد علیهم السلام نازل شده است؛ به خدا سوگند!

۱- عیون اخبارالرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۵۹، ح ۲۳۰.

۲- کافی، ج ۱، ص ۴۱۱.

۳- شیخ صدوق، التوحید، ص ۲۳۲، ح ۱.

۴- مجمع البحرین، ج ۳، ص ۳۷۳.

۵- نمل (۲۷)، آیه ۶۲.

مضطرب او است؛ هنگامی که در مقام ابراهیم دو رکعت نماز به جا می آورد و دست به درگاه خداوند متعال بر می دارد؛ خداوند دعای او را اجابت می کند، ناراحتی ها را بر طرف می سازد و او را خلیفه روی زمین قرار می دهد» (۱).

بدون شک منظور از این تفسیر، منحصر ساختن مفهوم آیه، به وجود مبارک حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیست؛ بلکه آیه معنای گسترده ای دارد که یکی از مصداق های روشن آن، وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. پس زمانی که همه جا را فساد می گیرد، درها بسته می شود، کارد به استخوان می رسد، بشریت در بن بست سختی قرار می گیرد و حالت اضطراب در کل عالم نمایان می شود؛ در این هنگام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در مقدس ترین نقطه روی زمین، دست به دعا بر می دارد و تقاضای کشف سوء می کند. خداوند نیز این دعا را سرآغاز انقلاب مقدس جهانی او قرار می دهد و به مصداق «یجعلکم خلفاء الارض» او و یارانش را جانشینان روی زمین می کند» (۲).

### ۱۵. منتظر

یکی از القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، «منتظر» است که در روایات فراوانی به آن اشاره شده است. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خود نیز همانند دیگر انسان ها، منتظر است تا روزی فرا رسد و اراده خداوند متعال، به برپایی حاکمیت جهانی عدل و قسط تعلق گیرد. اما تنها کسی است که انتظار ظهورش کشیده می شود؛ از این رو «منتظر» نیز نامیده شده است.

از امام جواد علیه السلام پرسیده شد: ای فرزند رسول خدا! مهدی، به چه دلیل منتظر نامیده شده است؟ فرمود: «لأنَّ لَهُ غَيْبَةً يَكْتُمُ أَيَّامَهَا وَيَطُولُ أَمْدُهَا فَيَنْتَظِرُ خُرُوجَهُ الْمُخْلِصُونَ وَيَنْكِرُهُ الْمُؤْتَابُونَ...»؛ (۳) «به این علت که برای او غیبتی است که روزهایش زیاد می شود و مدتش بسیار طول می کشد. پس مخلصان، انتظار ظهورش را می کشند و اهل تردید او را نکار خواهند کرد...».

۱- تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۹۴؛ ر.ک: الغیبه، ص ۱۸۱، ح ۳۰.

۲- تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۲۱ و ۵۲۲.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۸، ح ۳.



زراره بن اعین نیز می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: «إِنَّ لِلْقَائِمِ غَيْبَةً قَبْلَ أَنْ يَقُومَ»؛ «قُلْتُ لَهُ: وَ لِمَ؟ قَالَ: «يَخَافُ»؛ وَ أَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى بَطْنِهِ \_ ثُمَّ قَالَ: يَا زُرَّارَةُ وَهُوَ الْمُتَنَتِّظُ الَّذِي يَشْكُ النَّاسُ فِي وِلَادَتِهِ...»؛ (۱) «به درستی که برای قائم پیش از آنکه قیام کند، غیبتی است. عرض کردم: قربانت شوم! برای چه؟ فرمود: می ترسد و به شکم خود اشاره کرد سپس فرمود: او است منتظری که مردم در تولدش شک کنند...».

#### ۱۶. منتقم

«منتقم»، به معنای انتقام گیرنده و یکی از القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. آن حضرت می فرماید: «أَنَا بَقِيَةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَالْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ»؛ (۲) «من باقی مانده خدا در روی زمین و انتقام گیرنده از دشمنان او هستم».

امام صادق علیه السلام نیز فرمود: «چون حسین بن علی علیهما السلام به شهادت رسید، فرشتگان الهی ضجه سردادند و گفتند: پروردگارا! با حسین چنین شد؛ درحالی که او صفی تو و فرزند پیامبرت است!؟ پس خداوند نور قائم علیه السلام را به آنان نشان داد و فرمود: به وسیله این [شخص] انتقام او را خواهم گرفت». (۳)

البته در پاره ای از روایات نیز گفته شده است: «آن حضرت انتقام گیرنده خون تمامی امامان علیهم السلام و مظلومان است». (۴)

#### ۱۷. منصور

در احادیث فراوانی رسیده است که حضرت مهدی علیه السلام، «مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ» وَ «مُؤَيَّدٌ بِالنَّصِيرِ» است؛ یعنی، به هنگام ظهور، رعب او در دل های قدرت مندان می افتد و نیروهای

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۴۲، ح ۲۴.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۸۴، ح ۱.

۳- کافی، ج ۱، ص ۴۶۵، ح ۶؛ شیخ طوسی، امالی، ج ۲، ص ۳۳.

۴- ر.ک: الغیبه، ص ۱۴۰، ح ۱؛ کافی، ج ۲، ص ۸، ح ۱.

غیبی و نامرئی، به کمک او و یاران او می شتابند. البته آنچه درباره یاری آن حضرت به وسیله نیروهای غیبی گفته شده، منافاتی با لزوم حضور مردم در صحنه ندارد و بایسته است که مردم، آن حضرت را تا رسیدن به اهداف متعالی اش یاری رسانند.

امام صادق علیه السلام فرمود: «انقلاب مهدی را سه سپاه یاری می کنند و در پیروزی او شرکت دارند: سپاهی از فرشتگان، سپاهی از مؤمنان و سپاهی از رعب و وحشت».(۱)

محمد بن مسلم ثقفی از امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود: «الْقَائِمُ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ»؛(۲) «قائم ما به [افتادن] ترس در دل دشمنان، یاری شده است».

## ۱۸. مهدی

یکی از مشهورترین القاب قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف، مهدی است. «مهدی»، اسم مفعول و به معنای هدایت شده است. کلمه «مهدویت» نیز برگرفته از همین ریشه است. این واژه در بین اهل سنت، از شهرت بیشتری برخوردار است؛ به گونه ای که آن حضرت بیشتر با این واژه نزد آنها شناخته می شود.

البته گاهی نیز در معنای فاعلی به معنای «هدایت کننده» به کار رفته است. محمدبن عجلان از امام صادق علیه السلام نقل کرده است: «... و قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را از آن جهت مهدی گفته اند که مردم را به آیینی که از دست داده اند، هدایت می کند...».(۳)

اما آنچه بیشتر در روایات آمده، همان معنای نخست است. امام باقر علیه السلام در این باره فرمود: «به درستی که مهدی نامیده شد؛ به جهت اینکه به امر مخفی هدایت می شود. او تورات و سایر کتاب های الهی را از غاری در انطاکیه بیرون خواهد آورد».(۴)

امام صادق علیه السلام نیز در پاسخ پرسشی فرمود: «لأنَّه يَهْدِي إِلَى كُلِّ أَمْرٍ خَفِيٍّ»؛(۵) «به جهت

۱- الغیبه، ص ۱۹۸، ح ۹، ص ۲۴۳، ح ۴۳؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۹.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۰، ح ۱۶.

۳- الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۳، ح ۲.

۴- علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۶۱، ح ۳؛ الغیبه، ص ۲۳۷، ح ۲۶.

۵- کتاب الغیبه، ص ۴۷۱؛ الغیبه، ص ۲۳۷.

اینکه به تمامی امور پنهان هدایت می شود».

گفتنی است لقب «مهدی»، بیشتر درباره آن حضرت بعد از ظهور و قیام و لقب «قائم»، قبل از ظهور و قیام استفاده شده است. امام صادق علیه السلام درباره برخی از وقایع پس از ظهور می فرماید: «... ثُمَّ يَأْمُرُ مُنَادِيًا فَيُنَادِي: هَذَا الْمَهْدِيُّ...»؛ <sup>(۱)</sup> «به منادی دستور داده خواهد شد؛ پس ندا در می دهد که این است مهدی».

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز فرمود: «پس از ظهور کسی نزد او آمده، می گوید: ای مهدی! به من عطا کن! و آن حضرت می فرماید: بگیر» <sup>(۲)</sup>.

لقب مهدی، اگرچه اختصاص به آخرین امام ندارد و بقیه امامان علیهم السلام نیز مهدی هستند؛ ولی تنها از پیشوای دوازدهم، به عنوان «مهدی» یاد شده است.

این لقب از همان آغاز شکل گیری بحث «مهدویت»، بر زبان معصومین علیهم السلام رایج بوده و در روایات فراوانی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، این لقب بیان شده است. بنابراین در کتاب های اهل سنت نیز فراوان این لقب آمده است <sup>(۳)</sup>.

امام حسین علیه السلام فرمود: «دوازده مهدی از ما است: نخستین ایشان امیر مؤمنان علی علیه السلام بود و آخرین ایشان نهمین فرزند از نسل من است...» <sup>(۴)</sup>.

محمد بن عمران گفت: من از امام ششم علیه السلام شنیدم که می فرمود: «ما دوازده مهدی هستیم» <sup>(۵)</sup>.

۱- الغیبه، ص ۳۱۳، ح ۵.

۲- الغیبه، ص ۹۲.

۳- ر.ک: الصنعانی، المصنف، ج ۱۱، ح ۲۰۷۷۳؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۳۰، ح ۴۰۸۵، ۴۰۸۶، ۴۰۸۷، ۴۰۸۸؛ سنن ابوداود، ج ۴، ص ۱۰۷، ح ۲۴۸۵.

۴- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۶۸، ح ۳۶.

۵- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴.

## خود آزمایی

۱. در باره لقب «بقیه الله» توضیح دهید.
۲. «حجّت» به چه معنا است؟ در باره آن توضیح دهید.
۳. «غریم» از نظر لغت به چه معنا است و چرا به حضرت مهدی علیه السلام «غریم» گفته‌اند؟
۴. درباره لقب «قائم» توضیح دهید.
۵. «مهدی» از نظر لغت به چه معنا است و چرا به امام دوازدهم مهدی گفته‌اند؟
۶. علاوه بر القاب یادشده، پنج لقب مهم دیگر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را توضیح دهید.

===

منابع برای پژوهش:

۱. میرزا حسین طبرسی، منجم الثاقب، چ دوم، (انتشارات مسجد جمکران، قم، ۱۳۷۷ ه. ش).
۲. علی سلیمانی بروجردی، شهاب الثاقب در اسماء و القاب امام الغائب، (هم میهن، قم، ۱۳۸۱ ه. ش).
۳. طاهره مسلمی زاده، فراتر از اشتیاق (جستجوی القاب و اوصاف مبارک حضرت اباصالح المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در ادعیه و زیارات)، خانه کتاب ایران، مشهد، ۱۳۷۸ ه. ش.
۴. سید حسین حسینی، نام محبوب (بررسی در نام‌ها و القاب امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف)، (آفاق، تهران، ۱۳۷۵ ه. ش).
۵. محمد کاظم بهنیا، نام‌نامه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، (رایحه، تهران، ۱۳۷۶ ه. ش).



## درس چهاردهم: شمایل و ویژگیهای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

شمایل و ویژگی های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

شمایل مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از ولادت و دوران کودکی

شمایل مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت.

شمایل مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ظهور

برخی ویژگی های خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱. مخفی بودن آثار حمل در مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۲. مخفی بودن ولادت آن حضرت

۳. روشن شدن چراغی در «بیت الحمد» از ولادت تا هنگام ظهور

۴. خاتم الاوصیا بودن

۵. پنهان زیستی

۶. میراث انبیا نزد ایشان

۷. نبودن بیعت احدی بر گردن ایشان

۸. طول عمر فراوان آن حضرت

۹. کشته شدن شیطان به دست آن حضرت

۱۰. نزول حضرت عیسی علیه السلام برای یاری آن حضرت

۱۱. ایجاد حکومت واحد جهانی

۱۲. آکنده شدن زمین از عدل و داد به دست ایشان





پیشوایان معصوم ما علیهم السلام، همگی نور واحد و دارای اشتراکات فراوانی اند؛ اما در بعضی روایات، برای هر یک از ایشان ویژگی‌هایی خاص بیان شده است. این ویژگی‌ها در کنار خصلت‌های مشترک، به عنوان نکات قابل توجه در هر یک از امامان علیهم السلام مطرح است. حضرت مهدی علیه السلام به عنوان آخرین پیشوای شیعیان، اگر چه بسان دیگر ائمه علیهم السلام دارای صفات و ویژگی‌هایی است؛ اما دارای خصوصیتی است که تنها در باره ایشان گفته شده است.

در این درس ابتدا برخی از ویژگی‌های جسمانی آن حضرت و سپس به پاره‌ای از ویژگی‌های اختصاصی ایشان پرداخته می‌شود.

محدثان معتبر از شیعه و اهل سنت بنا بر احادیث بسیاری، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام، شمایل و اوصاف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در کتاب‌های خویش بیان کرده‌اند. مجموعه این روایات را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱. روایاتی که شمایل آن حضرت را پس از ولادت و دوران کودکی توصیف کرده است.
۲. حکایاتی که ملاقات کنندگان با آن حضرت در طول دوران غیبت، ذکر کرده‌اند.
۳. احادیثی که به نقل از معصومین، شمایل و ویژگی‌های جسمانی آن حضرت را هنگام ظهور و حکومت ایشان بیان کرده است.

### ۱. شمایل مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از ولادت و دوران کودکی

ضوء بن علی از مردی از اهل فارس، حکایتی نقل و در ضمن آن، برخی از اوصاف حضرت را در نوزادی بیان کرده است: «...پسر بچه‌ای سفید و زیبا روی بود... مویی از بالای سینه تا ناف، به

رنگ سبز نه سیاه روییده بود ...» (۱).

یعقوب منقوش گوید: «خدمت امام حسن عسکری ۷ وارد شدم. داخل حیاط بر سکویی نشسته بود. سمت راستش اتاقی قرار داشت و بر آن پرده ای آویخته بود. عرض کردم: ای سید من! صاحب امر امامت، بعد از شما کیست؟

فرمود: این پرده را بالا بزن! آن را بالا زدم. پسر بچه ای به قامت پنج و جب که به نظر می آمد هشت الی ده سال داشت بیرون آمد؛ با پیشانی درخشان، روی سفید، دو چشم براق، دو کتف ستبر و دو زانوی برگشته. در گونه راستش خالی و در سرش گیسوانی بود. بر زانوی پدر خود ابی محمد علیه السلام نشست؛ پس به من فرمود: این است صاحب الامر شما» (۲).

## ۲. شمایل مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت

این دسته حکایات را می توان به دو گروه تقسیم کرد:

الف. حکایاتی که شمایل آن حضرت را در دوران غیبت صغرا توصیف کرده است. (۳) در این گروه، گاهی ویژگی های جسمانی آن حضرت، مانند پدر بزرگوارشان دانسته شده (۴) و در برخی موارد نیز به صورت جزئی تر، مورد اشاره قرار گرفته است.

از اوصاف آن حضرت در این دوران می توان به موارد ذیل اشاره کرد: صورتی گندم گون، (۵) گردنی بسیار زیبا، (۶) دارای قامتی نه بسیار بلند و نه چندان کوتاه، پیشانی بلند، چهار شانه، بینی کشیده، بر روی گونه راستش خالی زیبا و ... (۷).

ب. حکایاتی که سخن از شمایل آن حضرت در دوران غیبت کبرا به میان آورده است. (۸)

۱- کافی، ج ۱، ص ۳۲۹، ح ۶؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۳۵، باب ۴۳، ح ۴.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۷۸، ح ۱؛ رک: کافی، ج ۱، ص ۵۱۴، ح ۲.

۳- اگر چه این دسته حکایات کم و بیش در دست است؛ اما در کمتر حکایتی به روشنی از ویژگی های آن حضرت صحبت شده است.

۴- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۴۱، ح ۱۲.

۵- کتاب الغیبه، ص ۲۵۷.

۶- کتاب الغیبه، ص ۳۵۵.

۷- کتاب الغیبه، ص ۲۶۶.

۸- البته قبول این اوصاف منوط به این است که ما اساساً ادعای ملاقات با آن حضرت را در دوران غیبت کبرا بپذیریم. به علاوه در اغلب آن حکایات به روشنی به اوصاف حضرت اشاره ای نشده است.

### ۳. شمایل مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ظهور

در بعضی از روایات شمایل حضرت، به هنگام ظهور، قیام و عصر حکومت ذکر شده است. یکی از مهم ترین ویژگی های آن حضرت در این دوران، قوت فوق العاده جسمانی ایشان است.

امام رضا علیه السلام فرمود: «... وَإِنَّ الْقَائِمَ هُوَ الَّذِي إِذَا خَرَجَ كَانَ فِي سِنِّ الشُّيُوخِ وَمَنْظَرِ الشُّبَّانِ قَوِيًّا فِي يَدَيْهِ حَتَّى لَوْ مَيَّدَ يَدَهُ إِلَى أَعْظَمِ شَجَرَةٍ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ لَقَلَعَهَا وَلَوْ صَاحَ بَيْنَ الْجِبَالِ لَتَدَكَّمَدَكَتْ صُيُُورُهَا...»؛ (۱) «... قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف آن است که چون ظهور کند، در سن پیران است و سیمای جوان دارد. نیرومند باشد تا جایی که اگر دست به بزرگ ترین درخت زمین اندازد، آن را از جا بکند و اگر میان کوه ها نعره کشد، سنگ های آنها را از هم بپاشد».

امیرمؤمنان علی علیه السلام درباره برخی از ویژگی های ظاهری جسمانی ایشان در عصر ظهور فرمود: «يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ أَيْضُ اللَّوْنِ مُشْرَبٌ بِالْحُمْرَةِ مَبْدَحُ الْبَطْنِ عَرِيضُ الْفَحْدَيْنِ عَظِيمُ مَشَاشِ الْمُنْكَبِينَ بَظْهَرِهِ شَامَتَانِ: شَامَةٌ عَلَى لَوْنِ جِلْدِهِ وَ شَامَةٌ عَلَى شَبِيهِ شَامَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَمٍ...»؛ (۲) «مردی از فرزندانم در آخر الزمان ظهور می کند. رنگش سفید آمیخته به سرخی و شکمش بر آمده است. دو رانش ستبر و هر دو شانه اش قوی است. در پشتش دو خال است (مانند مهر)؛ یکی به رنگ پوستش و دیگری چون مهر نبوت پیغمبر».

آن حضرت همچنین فرمود: «... وَهُوَ رَجُلٌ أَجَلَى الْجَبِينِ، أَقْنَى الْأَنْفِ، ضَخْمُ الْبَطْنِ، أَزِيلُ الْفَحْدَيْنِ بِفَحْدِهِ الْيَمْنِيِّ شَامَةٌ، أَفْلَجُ الثَّنَائِيَا، وَيَمَلَا الْأَرْضَ عَيْدَلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجُورًا»؛ (۳) «... او مردی بلند پیشانی و دارای بینی باریکی است که میانش اندک برآمدگی دارد. برآمده شکم و دارای ران های درشت و پهن است. خالی بر ران راست او قرار دارد. میان دو دندان پیشین او، گشاده است...».

امام باقر علیه السلام نیز در وصف آن حضرت فرمود: «... او شخصی سرخ و سفید و دارای چشمانی گرد و فرو رفته است. ابروانی پر پشت و برجسته و شانه ای پهن دارد...»؛ (۴)

۱- رک: کافی، ج ۱، ص ۵۱۴، ح ۲؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸، ح ۷.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۳، ح ۱۷.

۳- نعمانی، الغیبه، ص ۲۱۴، ح ۲.

۴- نعمانی، الغیبه، ص ۲۱۵، ح ۳.

امام علی علیه السلام فرمود: «مهدی دارای چشمانی سیاه و درشت است. موهایی مجعد و خالی بر گونه دارد...» (۱).

ایشان در کمال جوانی ظهور خواهد کرد؛ چنان که امام باقر علیه السلام فرمود: «مهدی در حالی قیام خواهد کرد که یک تار موی سفید، در سر و محاسن او دیده نمی شود» (۲).

همین معنا در کلام نورانی امام مجتبی علیه السلام آمده است که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در سن و سالی کمتر از چهل، ظهور خواهد کرد (۳).

### برخی ویژگی‌های خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

#### ۱. مخفی بودن آثار حمل در مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

یکی از ویژگی‌های خاص آن حضرت این است که زمانی که مادر آن حضرت به ایشان باردار بوده، اثری از حمل در آن بانوی بزرگوار مشاهده نمی شد. این موضوع هر چند در برخی از پیامبران علیهم السلام سابقه داشته؛ ولی در باره امامان معصوم علیهم السلام این چنین، گزارش نشده است.

وقتی امام حسن عسکری علیه السلام نوید ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به عمه بزرگوار خود (حکیمه خاتون) می دهد، آن بانو با کمال شگفتی می پرسد: چگونه امشب آن نور پاک از نرجس به دنیا می آید؛ در حالی که اثری از بارداری در او مشاهده نمی شود؟ (۴)

#### ۲. مخفی بودن ولادت آن حضرت

از مهم ترین ویژگی های ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، مخفی بودن آن است. سَعِيدُ بْنُ جُبَيْرٍ می گوید: از امام سجاد علیه السلام شنیدم که می فرمود: «فِي الْقَائِمِ مَنَّا سُنُّنٌ مِنْ سُنَنِ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ... وَ سُنَّتُهُ مِنْ إِبْرَاهِيمَ ... وَ أَمَّا مِنْ إِبْرَاهِيمَ فَخَفَاءُ الْوِلَادَةِ وَ اعْتَرَأَ النَّاسَ ...» (۵) «در قائم ما سنت هایی از پیامبران وجود دارد ... اما از ابراهیم پنهانی ولادت و کناره گیری از مردم...».

۱- نعمانی، الغیبه، ص ۳۰۴، ح ۱۴.

۲- نعمان بن محمد بن منصور، شرح الاخبار، ج ۳، ص ۳۸۰.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۵.

۴- ر.ک: کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۲۶، ح ۲؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۹۸؛ دلائل الامامه، ص ۲۶۸.

۵- شیخ صدوق رحمه الله، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، باب ۳۱، ح ۳.

### ۳. روشن شدن چراغی در بیت الحمد، از ولادت تا هنگام ظهور

«بیت» در لغت به معنای خانه و «حمد» به معنای ستایش و ثنا است. این واژه در بعضی از روایات، به کار رفته و از آن به عنوان جایگاهی مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یاد شده است.

مفضل گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ بَيْتًا يُقَالُ لَهُ بَيْتُ الْحَمْدِ فِيهِ سِرَاجٌ يَزْهَرُ مُنْذُ وُلِدَ إِلَى يَوْمٍ يَقُومُ بِالسَّيْفِ لَا يَطْفَأُ»؛<sup>(۱)</sup> «همانا برای صاحب این امر خانه ای است که بدان «بیت الحمد» می گویند. در آن چراغی هست که از هنگام ولادت روشنی می بخشد؛ تا روزی که با شمشیر قیام می کند، خاموش نخواهد شد».

اگر چه به روشنی جایگاه این خانه و چگونگی روشنایی آن، بیان نشده است؛ ولی احتمال می رود مقصود، معنای کنایی باشد که با ولادت آخرین حجت الهی، چراغ هدایت بشر با فروغی هر چه بیشتر، به پرتو افشانی پرداخته و زمین را از نور وجود خود آکنده ساخته است. این روایت با همین مضمون از امام باقر علیه السلام نیز نقل شده است.<sup>(۲)</sup>

### ۴. خاتم الاوصیا بودن ایشان

«خاتم الاوصیاء»، به معنای پایان بخش جانشینان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است. یکی از ویژگی های اختصاصی آن حضرت، آن است که پایان بخش سلسله امامت است. این لقب ابتدا بر زبان خود آن حضرت در کودکی، جاری شد.

طریف ابونصر گوید: «بر صاحب الزمان وارد شدم؛ آن حضرت فرمود: برای من صندل احمر (نوعی چوب خوش بو) بیاور. پس برای ایشان آوردم؛ آن حضرت به من رو کرد و فرمود: آیا مرا می شناسی؟ گفتم: بله سپس فرمود: من کیستم؟ عرض کردم: شما آقای من و فرزند آقای من هستید. پس آن حضرت فرمود: مقصودم این نبود! گفتم: خداوند مرا فدای شما گرداند. بفرمایید مقصودتان چه بود؟»

حضرت فرمود: «أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ وَبِي يَدْفَعُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِ وَشِيعَتِي»؛<sup>(۳)</sup> «من خاتم الاوصیاء هستم که خداوند به وسیله من، بلا را از اهل و شیعیانم دور می سازد».

۱- نعمانی، الغیبه، ص ۲۳۹، ح ۳۱.

۲- محمد بن حسن طوسی رحمه الله، کتاب الغیبه، ص ۴۶۷، ح ۴۸۳.

۳- کتاب الغیبه، ص ۲۴۶، ح ۲۱۵؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۴۱، ح ۱۲.

علاوه بر خاتم الاوصیاء از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان خاتم الائمه نیز یاد شده است؛ چنان که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «مَعَاشِرَ النَّاسِ اِنِّي نَبِيٌّ وَعَلَى وَصِيِّي اِلَّا اِنَّ خَاتَمَ الْاِئِمَّةِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ...»؛<sup>(۱)</sup> «ای مردمان! من پیامبرم و علی جانشین من است. آگاه باشید که خاتم الائمه، قائم مهدی از ما است».

این ویژگی نیز اختصاص به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دارد.

### ۵. پنهان زیستی ایشان

با مراجعه به مجموعه های روایی روشن می شود که شمار بسیاری از احادیثی که درباره وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده و از ظهور او نوید داده است؛ از غیبت غمبار او نیز خبر می دهد. غیبت آن حضرت با ویژگی های خاص خود به این صورت نه تنها برای هیچ یک از امامان علیهم السلام رخ نداده، که برای هیچ یک از پیامبران نیز اتفاق نیفتاده است. البته از برخی روایات استفاده می شود که یک نحوه غیبتی، برای برخی از انبیا بوده است.

### ۶. میراث انبیا نزد ایشان

یکی از ویژگی های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این است که هنگام ظهور، بسیاری از میراث های پیامبران را به همراه خواهد داشت. درباره اینکه این امور به چه منظور نزد او جمع شده، سخن صریحی وجود ندارد؛ ولی با توجه به نقش آن حضرت که همان نقش انبیا و اولیا است و او آرزوی همه آنان را تحقق خواهد بخشید می توان نتیجه گرفت که تمامی ابزار آنان، در اختیار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار خواهد گرفت. دیگر اینکه آن حضرت وظیفه دارد تا همه پیروان ادیان را به دین مقبول الهی (اسلام) دعوت کند و این موارث، نشانه هایی از حقانیت آن حضرت است. از این رو همان گونه که در روایات از زنده ماندن حضرت مسیح علیه السلام، به عنوان هدایت مسیحیان و ارجاع ایشان به پیروی از حضرت مهدی علیه السلام یاد شده؛ می توان سایر میراث ها را به عنوان وسیله ای برای اتمام حجّت بر آنان دانست.

برخی از آنچه در روایات مورد اشاره قرار گرفته، عبارت است از:

۶۱. پیراهن رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم

یعقوب بن شعیب از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که به وی فرمود: «آیا پیراهن قائم را که هنگام قیام می پوشد نشانت ندهم؟ عرض کردم: چرا؛ پس آن حضرت جعبه ای را خواست و آن را گشود و از آن پیراهن کرباسی را بیرون آورد. آن را باز کرد که ناگهان دیدم در آستین چپ آن، آثار خون مشاهده می شود. سپس فرمود: این پیراهن پیامبر گرامی خداوند است؛ در روزی که دندان های پیشین آن حضرت ضربه دید. آن خون را بوسیدم و بر صورت خویش نهادم. سپس امام صادق علیه السلام آن را در هم پیچید و برداشت» (۱).

۲۶. عمامه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم،

۳۶. زره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، (۲)

۴۶. سلاح حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، (۳)

۵۶. پرچم پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، (۴)

۶۶. سنگ حضرت موسی علیه السلام، (۵)

۷۶. عصای حضرت موسی علیه السلام، (۶)

امام صادق علیه السلام فرمود: «عصای موسی چوب آسی از یک نهال بهشتی بود. هنگامی که وی به سوی مدین می رفت، جبرئیل آن را برایش آورد و آن عصا همراه با تابوت آدم، در دریاچه طبریه (در شمال فلسطین) است و هرگز آن دو نمی پوسند و تغییر نمی یابند تا اینکه حضرت قائم هنگام قیام، آن دو را بیرون می آورد».

۸۶. انگشتری سلیمان علیه السلام، (۷)

۹۶. تشتی که حضرت موسی علیه السلام در آن قربانی می کرد. (۸)

۱- الغیبه، ص ۳۵۰، ج ۴۲.

۲- کافی، ج ۸، ص ۲۲۴، ح ۲۸۵.

۳- الغیبه، ص ۳۴۹، ح ۴۰؛ کافی، ج ۸، ص ۲۲۴، ح ۲۸۵.

۴- الغیبه، ص ۳۴۳، ح ۲۸ و ۴۳۵، ح ۱.

- ٥- كافي، ج ١، ص ٢٣١، ح ٣.
- ٦- كافي، ج ١، ص ٢٣١، ح ١؛ الغيبة، ص ٢٣٨، ح ٢٨، كمال الدين و تمام النعمه، ج ٢، ص ٣٧٦، ح ٧.
- ٧- الغيبة، ص ٣٤٣، ح ٢٧؛ كافي، ج ١، ص ٢٣١، ح ١.
- ٨- كافي، ج ١، ص ٢٣٢، ح ١.



امام علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: «الْمَهْدِي مِنْ وُلْدِي، تَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ وَ حَيْرَةٌ تَضِلُّ فِيهَا الْأُمَّمُ، يَأْتِي بِذَخِيرِهِ الْأَنْبِيَاءِ فَيَمْلَأُهَا عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مُلِئْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا»؛ (۱) «فرزندم مهدی یک غیبت و حیرتی دارد که امت ها در آن گمراه شوند. او با ذخیره پیغمبران می آید و زمین را پر از عدل و داد می کند؛ آن گونه که پر از جور و ظلم شده باشد».

همان گونه که اشاره شد، شاید یکی از حکمت های این میراث داری، این است که پیروان تمامی ادیان، با دیدن میراث پیامبر خود، به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ایمان آورند و نیز اهداف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و قیام ایشان، در برگیرنده تمامی اهداف پیامبران بزرگ است. از این رو در آن هنگامه عظیم، آن حضرت با در اختیار گرفتن میراث پیامبران بزرگ، هدف خود را که در واقع هدف جمیع آنان بوده است تحقق می بخشد.

### ۷. نبودن بیعت احدی بر گردن ایشان

مضمون برخی از روایات این است که آن حضرت با غیبت خود، مجبور به بیعت با طاغوت های زمان نمی شود. امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید: «إِنَّ الْقَائِمَ مَنَّا إِذَا قَامَ لَمْ تَكُنْ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ فَلِذَلِكَ تُخْفَى وَ لَادَتُهُ وَ يَغِيبُ شَخْصُهُ»؛ (۲) «همانا قائم از ما اهل بیت، هنگامی که قیام می کند، بیعت احدی بر گردن او نیست و به همین علت است که ولادتش، مخفی نگه داشته می شود و شخص او غایب است».

همین معنا در کلامی از پیشوای دوم آن هنگام که به جهت مصالح اسلام و مسلمین تن به مصالحه با معاویه داد و مردم زبان به ملامت آن حضرت گشودند انعکاس یافت: «آیا ندانستید که هیچ یک از ما امامان نیست؛ مگر اینکه بیعت با ستمگری بر گردن او قرار می گیرد؛ به جز قائم که عیسی بن مریم پشت سرش نماز می گزارد. پس به درستی که خداوند تبارک و تعالی ولادتش را مخفی و شخصش را پنهان می سازد تا هنگام قیام، بیعت هیچ کس بر گردنش نباشد»؛ (۳)

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خود در توقیعی می فرماید: «در خصوص علت غیبت سؤال کرده بودید،

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ص ۲۸۷، ح ۵.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۰۳؛ امین الاسلام طبرسی، اعلام الوری، ص ۴۲۶.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۵؛ الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۸۹.

خداوند در قرآن کریم می فرماید: «ای اهل ایمان از چیزهایی سؤال نکنید که اگر برای شما روشن شود، ناراحت می شوید». بدانید که هر کدام از پدران من، بیعت یکی از طاغوت های زمان خویش را برگردن داشتند؛ ولی من وقتی قیام می کنم، بیعت هیچ یک از گردن کشان و طاغوت های زمان را برگردن ندارم» (۱).

### ۸. طول عمر آن حضرت

حضرت مهدی علیه السلام، با قدرت الهی زنده است و در میان مردم، به حیات خود ادامه می دهد. به یقین همان خدایی که آتش را برای ابراهیم سرد و وسیله سلامت قرار می دهد و گل را برای عیسی علیه السلام تبدیل به پرند می کند و عیسی و خضر را پس از قرن ها زنده نگه می دارد؛ می تواند مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نیز با قدرت الهی خود زنده نگه دارد.

این حقیقت در روایات فراوانی منعکس شده است:

امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود: «ذَاكَ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِ أَخِي الْحُسَيْنِ ابْنِ سَيِّدَةِ الْأَمَاءِ يَطِيلُ اللَّهُ عُمَرَهُ فِي غَيْبَتِهِ ثُمَّ يَظْهَرُهُ بِقُدْرَتِهِ فِي صُورِهِ شَابُّ ابْنِ دُونَ الْأَرْبَعِينَ سِنَّةً ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»؛ (۲) «او نهمین از فرزندان برادرم حسین و فرزند سرور کنیزان است. خداوند عمر او را در دوران غیبتش طولانی می گرداند. سپس با قدرت خود، او را در سیمای جوانی که کمتر از چهل سال دارد، ظاهر می سازد تا بدانند که خداوند بر هر کاری توانا است».

امام سجاد علیه السلام فرمود: «فِي الْقَائِمِ سُنَّةٌ مِنْ نُوحٍ وَهُوَ طُولُ الْعُمَرِ»؛ (۳) «در قائم سنتی از نوح است که آن طول عمر می باشد».

### ۹. کشته شدن شیطان به دست آن حضرت

از وهب بن جمیع نقل شده است: «از حضرت صادق علیه السلام درباره این گفته ابلیس که «پروردگارا! پس مرا تا روزی که خلائق برانگیخته می شوند، مهلت ده؛ خداوند فرمود: البته تو از

۱- کتاب الغیبه، ص ۲۹۰؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۳، ح ۴.

۲- کشف الغمه، ج ۲، ص ۵۲۱؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۵، باب ۲۹، ح ۲.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۲، باب ۳۱، ح ۴.

مهلت داده شده گانی تا وقت معین و معلوم» پرسیدم: این کدام روز خواهد بود؟ فرمود: «یا وَهْبُ أَتَحْسَبُ أَنَّهُ يَوْمٌ يَبْعَثُ اللَّهُ النَّاسَ لَا وَلكِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَنْظَرَهُ إِلَى يَوْمٍ يَبْعَثُ اللَّهُ قَائِمًا فَيَأْخُذُ بِنَاصِيَتِهِ فَيَضْرِبُ عَنْقَهُ فَذَلِكَ الْيَوْمُ هُوَ الْوَقْتُ الْمَعْلُومُ»؛ (۱)

«آیا گمان می‌کنی آن روز، رستاخیز بزرگ است؟ هرگز! بلکه خداوند او را تا روزی که قائم ما قیام می‌کند، فرصت داده است. آن گاه [قائم ما] از پیشانی او را گرفته، گردنش را خواهد زد. آن هنگام وقت معلوم است».

بعید نیست مقصود از روایت، این باشد که با روشن شدن حقایق در عصر ظهور و رشد بسیار بالای عقلانی انسان‌ها در آن عصر، دیگر مجالی برای اغوای شیطان باقی نخواهد ماند و او خلع سلاح و نابود می‌گردد و این پایان مهلت او است. (۲)

### ۱۰. نزول حضرت عیسی علیه السلام و اقتدا به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

فروید آمدن پیامبر بزرگ خدا عیسی بن مریم، به هنگام قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از دیدگاه همه مسلمانان با وجود اختلاف در مذهب یک واقعیت ثابت و از اموری است که تردید در آن راه ندارد. شاید حکمت فرود آمدن آن حضرت در هنگام ظهور، تقویت حرکت جهانی آن حضرت و اعتراف و تصدیق به حقانیت آن وجود گران مایه است. به ویژه آنکه حضرت عیسی، به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، اقتدا می‌کند و به امامت او نماز می‌گزارد و امامت جهانی و آسمانی او را تصدیق و تأیید می‌کند.

نزول عیسی علیه السلام، از مهم‌ترین حوادث تاریخ، و بزرگ‌ترین نشانه‌ها و دلایل بر حقانیت امام مهدی علیه السلام خواهد بود. آیا شگفت‌انگیز نیست که انسانی، مدتی در روی زمین زندگی کند؛ آن گاه خداوند به او رفعت بخشیده و بالا ببرد و در آن حال هزاران سال زندگی کند؛ سپس با قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام، فرود آید و ضمن تصدیق و اقرار به امامت آن حضرت، با او نماز بگزارد و با حرکت نجات بخش و آسمانی او همراه شود؟

ابوبصیر گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! قائم شما اهل بیت کیست؟

۱- دلائل الامامه، ص ۲۴۰.

۲- ر. ک: کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۲، ح ۵؛ الثاقب فی المناقب، ص ۳۱۰؛ دلائل الامامه، ص ۲۴۶؛ اثبات الوصیه، ص ۱۵.

فرمود: «یا ابا بصیر هو الخامس من ولد ابني موسى، ذلتك ابن سيده الاماء، يغيب غيبه يزتاب فيها المبطلون، ثم يظهره الله عز وجل فيفتح الله على يده مشارق الارض ومغاربها، وينزل روح الله عيسى بن مريم فيصلي خلفه وتشرق الارض بنور ربها...»؛<sup>(۱)</sup> «ای ابوبصیر! او پنجمین از فرزندان پسر موی است. او فرزند سرور کنیزان است و غیبی کند که باطل جویان در آن تردید کنند. پس خدای تعالی او را آشکار کند و به دست او شرق و غرب عالم را بگشاید و روح الله عیسی بن مریم فرود آید و پشت سر او نماز گزارد و زمین به نور پروردگارش روشن گردد...».

## ۱۱. ایجاد حکومت واحد جهانی

ویژگی ها، اختیارات و عملکردهای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر ظهور، جز با تشکیل حکومت واحد جهانی محقق نخواهد شد. بر اساس روایات، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظلم و جور را از روی زمین برمی اندازد و عدالت و دین حق را در سطح جهان برای همیشه مستقر می سازد. او دارای قدرت و امکانات مطلق و جهانی خواهد بود که نتیجه آن، چیرگی بر عالم و تشکیل حکومت مقتدر جهانی است و ...

امام باقر علیه السلام می فرماید: «القائم منا منصور بالرب مؤيد بالنصر تطوى له الأرض وتظهر له الكون يبلغ سلطانه المشرق والمغرب ويظهر الله عز وجل به دينه على الدين كله ولو كره المشركون فلا يبقى في الأرض خراب إلا قد عمر وينزل روح الله عيسى بن مريم فيصلي خلفه»؛<sup>(۲)</sup> «قائم ما با افکندن بيم و هراس در دل ستمگران، یاری می شود و با پشتیبانی الهی تأیید می گردد. زمین برایش خاضع و تسلیم می شود و گنج ها برای او نمایان می گردد. حکومت او شرق و غرب عالم را فرا می گیرد. خداوند به وسیله او دینش را بر تمامی ادیان چیرگی و غلبه می بخشد؛ هر چند مشرکان کراهت داشته باشند. در عصر ظهور در زمین خرابی و ویرانی نمی ماند؛ مگر آنکه آباد می شود. عیسی بن مریم فرود می آید و پشت سر او نماز می گزارد».

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۳، ح ۳۱.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۱، ح ۱۶.

## ۱۲. آکنده کردن زمین از عدل و داد

از مهم ترین اهداف قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، بر پایی عدل و قسط در جامعه بشری و بسط و توسعه آن بر کل کره زمین و بین تمام انسان ها است.

بدون تردید، کمتر مسأله ای هست که در اسلام به اهمیت «عدالت» باشد. «عدل» همانند مسأله «توحید»، در تمام اصول و فروع اسلام، ریشه دوانده است؛ یعنی، همان طور که هیچ یک از مسائل عقیدتی، عملی، فردی، اجتماعی، اخلاقی و حقوقی، از حقیقت توحید و یگانگی جدا نیست؛ همین طور هیچ یک از آنها خالی از روح «عدل» نمی باشد. بنابراین «عدل» به عنوان یکی از اصول مذهب شیعه و یکی از زیربنای فکری مسلمانان شناخته می شود.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم درباره عظمت عدل فرمود: «بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ»؛ (۱) «آسمان ها و زمین بر اساس عدل استوارند». این تعبیر رساترین تعبیر درباره عدالت است؛ یعنی، نه تنها زندگی محدود بشر در کره خاکی، بدون عدالت بر پا نمی شود؛ بلکه سرتاسر جهان هستی و آسمان ها و زمین، همه در پرتو عدالت و تعادل نیروها و قرار گرفتن هر چیزی در مورد مناسب خود، برقرار است و اگر لحظه ای و به مقدار سرسوزنی، از این اصل منحرف شود، رو به نیستی خواهد گذاشت. از این رو خداوند متعال در آیات فراوانی، انسان ها را به اقامه عدل توصیه و امر فرموده است. (۲)

«عدالت»، عبارت است از اینکه انسان، حق هر کس را پردازد و نقطه مقابلش، آن است که ظلم و ستم کند و حقوق افراد را از آنها دریغ دارد. «قسط» مفهومش آن است که حق کسی را به دیگری ندهد و به تعبیر دیگر «تبعیض» روا ندارد و نقطه مقابلش آن است که حق کسی را به دیگری دهد.

مفهوم وسیع این دو کلمه به خصوص زمانی که جدا از یکدیگر استعمال می شوند تقریباً مساوی است و به معنای رعایت اعتدال در همه چیز و همه کار و قرار دادن هر چیز به جای خویش است. (۳) در روایات فراوانی مهم ترین هدف قیام حضرت مهدی «اقامه عدل و قسط» بیان شده است که تنها به بعضی از آنها اشاره می شود:

۱۲۱. امام علی علیه السلام فرمود: «...الْحَادِي عَشْرَ مِنْ وُلْدِي هُوَ الْمَهْدِي الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا»

۱- ابن ابی جمهور احسائی، عوالی اللآلی، ج ۴، ص ۱۰۲.

۲- مائده (۵)، آیه ۸.

۳- تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۱۴۳.

وَقَسِيطًا كَمَا مُلِئَتْ جُورًا وَظُلْمًا»؛ (۱) «... یازدهمین از فرزندانم مهدی است که زمین را از عدل و قسط آکنده می سازد؛ آن گونه که پر از جور و ظلم شده باشد».

۱۲۲. امام باقر علیه السلام فرمود: «إِنَّ الْقَائِمَ يَمْلِكُ ثَلَاثِمِائَةٍ وَتَشَعَّ سَنِينَ كَمَا لَبِثَ أَهْلُ الْكَهْفِ فِي كَهْفِهِمْ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقَسِيطًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجُورًا»؛ (۲) «همانا قائم ۳۰۹ سال به اندازه درنگ اصحاب کهف در غارشان حکومت خواهد کرد. [پس] زمین را پر از عدل و قسط می کند همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد».

۱۲۳. امام هادی علیه السلام فرمود: «إِنَّ الْإِمَامَ بَعْدِي الْحَسَنُ ابْنِي وَبَعْدَ الْحَسَنِ ابْنُهُ الْقَائِمُ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قَسِيطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جُورًا وَظُلْمًا»؛ (۳) «همانا امام پس از من، فرزندم حسن و پس از او فرزندش قائم است؛ کسی که زمین را از عدل و داد آکنده می سازد همچنان که پر از ظلم و جور شده باشد».

۱۲۴. عبدالعظیم حسنی می گوید: به امام جواد علیه السلام عرض کردم: امیدوارم شما قائم اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله و سلم باشید؛ کسی که زمین را پر از عدل و داد می کند، همچنان که آکنده از ظلم و جور شده باشد. فرمود: «ای ابوالقاسم! هیچ یک از ما نیست، جز آنکه قائم به امر خداوند و هادی به دین الهی است؛ اما قائمی که خدای تعالی، به وسیله او زمین را از اهل کفر و انکار پاک می سازد و آن را پر از عدل و داد می کند، کسی است که ولادتش بر مردم پوشیده و وجودش از ایشان نهان و بردن نامش حرام است. او هم نام و هم کنیه پیامبر است و...»؛ (۴)

بنابراین می توان گفت اگر چه بسط و گسترش عدالت بر پهنه زمین، از اهداف مهم و اساسی تمامی اهل بیت علیهم السلام بوده است؛ اما به جهت ویژگی های حاکم بر شرایط زمان و مکانی اهل بیت علیهم السلام، چنین هدف مقدسی تحقق نیافت. ولی در عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام به جهت فراهم آمدن تمامی شرایط لازم این مهم تحقق خواهد یافت.

۱- کافی، ج ۱، ص ۳۳۸، ح ۷.

۲- کتاب الغیبه، ص ۴۷۴.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۸۳، باب ۳۷، ح ۱۰.

۴- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۷، باب ۳۶، ح ۲؛ همچنین ر.ک: طبرانی، المعجم الصغیر، ج ۲، ص ۱۴۸؛

کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۷۰، ح ۳۸۶۸۹، ح ۳۸۷۰۷؛ تفسیر ابن کثیر، ج ۳، ص ۳۱۲.

## خود آزمایی

۱. در باره اوصاف و شمایل حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ولادت و کودکی توضیح دهید.
۲. شمایل حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت صغرا چگونه بوده است؟
۳. پنج ویژگی جسمانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ظهور را توضیح دهید.
۴. یکی از ویژگی‌های خاص مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این است که بسیاری از میراث‌های پیامبران علیهم السلام نزد ایشان است؛ آنها را نام برده و بنویسید به چه منظور نزد ایشان است؟
۵. درباره نبودن بیعت کسی بر گردن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، توضیح دهید.
۶. پس از تحقیق دو ویژگی اختصاصی دیگر در باره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را توضیح دهید.

===

منابع برای پژوهش:

۱. علی سعادت پرور، ظهور نور، ترجمه سید محمدجواد وزیری فرد، چ اول، (احیاء کتاب، تهران، ۱۳۸۰ ه. ش).
۲. قزوینی، سید محمد کاظم، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا ظهور، ترجمه حسین فریدونی، (نشر آفاق، تهران ۱۳۷۹ ه. ش).
۳. میرزا حسین طبرسی، نجم الثاقب، چ دوم، (انتشارات مسجد جمکران، قم، ۱۳۷۷ ه. ش).
۴. محمدرضا حکیمی، خورشید مغرب، چ شانزدهم، (دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۹ ه. ش).

**درس پانزدهم: کتاب شناسی مهدویت (۱)**

**اشاره**

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

آشنایی با کتاب های:

۱. خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی.
۲. عصر زندگی، محمد حکیمی.
۳. حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ناصر مکارم شیرازی.
۴. دادگستر جهان، ابراهیم امینی.
۵. در فجر ساحل، محمد حکیمی.
۶. راه مهدی علیه السلام، سید رضا صدر.
۷. مجموعه فرمایشات حضرت بقیت الله، محمدخادمی شیرازی.
۸. نجم الثاقب فی احوال الامام الغائب، محدث نوری.
۹. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا ظهور، سید محمد کاظم فروینی.
۱۰. رهبری بر فراز قرون، سید محمد باقر صدر.





**۱. خورشید مغرب**

کتاب خورشید مغرب، نوشته محمد رضا حکیمی (۱) از دانشمندان اسلامی در عصر حاضر است. این کتاب جایگاه ویژه‌ای در میان کتاب‌های مربوط به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دارد. عنوان فرعی کتاب «غیبت، انتظار و تکلیف» است. مؤلف کوشیده تا مسأله مهدویت را از زوایای علمی، عقلی، تاریخی، روایی، قرآنی و ملل و نحل مورد بحث و بررسی قرار دهد.

خورشید مغرب، نخستین بار در ۵۱ صفحه در سال ۱۳۴۹ از سوی انتشارات غدیر در تهران به چاپ رسید. در سال ۱۳۶۰ مباحث و نکات دیگری بر آن افزوده شده و در همان قطع به همت دفتر نشر فرهنگ اسلامی چاپ شد. مؤلف در سال ۱۳۶۲ آن را در قطع وزیری، با ۳۹۰ صفحه به شکل کنونی درآورد و از آن زمان تاکنون بارها چاپ و منتشر شده است. خورشید مغرب، چهارده فصل (به عدد معصومین علیهم السلام) و یک یادآوری مهم دارد:

۱. میلاد، ۲. شمایل و سیرت، ۳. غیبت، ۴. در کتاب‌های پشینان، ۵ و ۶. در کتاب‌های مسلمین، ۷. در «قرآن کریم»، ۸. در «سوره قدر»، ۹. در علوم عقلی، ۱۰. در علوم تجربی، ۱۱. در فلسفه تربیتی و سیاسی، ۱۲. عینیت مقاومت نه عینیت تسلیم، ۱۳. انتظار، ۱۴. در طلب خورشید.

وی در بخشی از کتاب چنین نوشته است: «یکی از ابعاد عظیم تکلیف حساس و بزرگ، در

---

۱- استاد محمد رضا حکیمی سال ۱۳۱۴ در مشهد مقدس در خانواده‌ای اهل دین و معرفت زاده شد. حدود دوازده سالگی به مدرسه نواب یکی از مهمترین مدرسه حوزه علمیه مشهد در آن روزگار وارد شد و سال‌ها از محضر دانشمندان برجسته بهره‌های علمی و معنوی وافری برد. استاد حکیمی بعد‌ها بیشتر به پژوهش و نگارش پرداخت و ده‌ها جلد اثر ارزشمند با نثری زیبا و محتوایی عمیق، پدید آورد.

روزگاران غیبت و انتظار، حفظ دین، نگهبانی مرزهای عقیدتی، و حراست از باروهای باورهای مقدس است. جامعه منتظر، نباید در باره این امر عظیم سستی روا بدارد.

لازم است فروغ ایمان و نور یقین و پرتو عقیده به حق و تشعشع اعتقادات راستین، همواره در دل و جان مردم محفوظ باشد و پیوسته ژرف تر و ژرف تر شود و بارورتر و بارورتر گردد. لازم است جان و دل نوباوگان، نوجوانان و جوانان، هر دم در برابر تابش اعتقادات حقه قرار گیرد و از این تابش و تجلی آکنده گردد. ایمان، جزء وجود آنان و مایه تقوم هویت اصلی آنان باشد؛ تا کم کم، حق و فداکاری در راه اعتلای حق، چون خون، همه وجود آنان را گرم کند و چون روح، جوهر حیات آنان باشد» (۱).

گفتنی است نام کتاب از روایاتی گرفته شده که طلوع خورشید از مغرب را از حوادث مهمی دانسته است که در آستانه قیامت رخ خواهد داد. (۲) شیخ مفید رحمه الله درباره چگونگی این اتفاق نوشته است: «خورشید هنگام ظهر در آسمان راکد می شود و ساعتی چند تا به هنگام عصر پیدا نباشد؛ آن گاه از مغرب آشکار گردد» (۳).

این کتاب علاوه بر نثر زیبا، از استحکام خوبی برخوردار است که می تواند برای عموم علاقه مندان به مباحث مهدویت به ویژه اهل فرهنگ مفید باشد.

## ۲. عصر زندگی

این کتاب اثر ارزشمندی است از محمد حکیمی که نگاهی بدیع و کاربردی به موضوعات و مسائل مهدویت دارد. نویسنده در این راستا کوشیده مباحث را به صورت تحلیلی، با کمک گرفتن از آیات و روایات، تبیین و تفسیر کند.

مؤلف با بهره گیری از حدود سیصد آیه و روایت، مخاطب را به تأمل بیشتر در آیات و روایات فرا می خواند. عصر زندگی می کوشد با تحلیل های نسبتاً مناسب، به بعضی از بیماری ها و آفت های اخلاقی و مشکلات و لغزش های جریان های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی پیش از ظهور پرداخته و علت

۱- محمد رضا حکیمی، خورشید مغرب، ص ۲۷۶.

۲- محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۳۶، ح ۴۲۶.

۳- شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۶۸.

پیدایش و راه بر طرف شدن آنها را توضیح دهد. نویسنده به دنبال گشودن دریچه امید برای بشریت گرفتار یأس و سرخوردگی‌ها است که با ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقق خواهد یافت و برای این کار، مطالب ارزشمند و وزینی ارائه می‌دهد.

کتاب مورد نظر ۲۵ بخش دارد که بعضی از آنها بدین قرار است:

۱. عدالت اجتماعی، ۲. در سایه شمشیر، ۳. تدارک جنگ و تربیت جنگاوران، ۴. سازش ناپذیری، ۵. تصحیح انحراف‌های فکری، ۶. وحدت عقیدتی و مرامی، ۷. رفاه اقتصادی، ۸. مساوات، ۹. حاکمیت فراگیر جهانی، ۱۰. حکومت مستضعفان، ۱۱. آیین و روش جدید، ۱۲. رشد عقلی و تکامل علم، ۱۳. امنیت اجتماعی، ۱۴. رشد تربیت انسانی، ۱۵. اصول بیعت و ...

در بخشی از این کتاب این گونه می‌خوانیم: «از اقدامات مهم امام، تصحیح انحراف‌هایی که به مرور ایام در تفسیر احکام و توجیه مبانی دین روی داده و حذف برداشت‌های غیر اسلامی و نادرست است که به نام اسلام به اذهان القا شده و در مبانی دین تحریف معنوی یا موضعی پدید آورده است. کوشش امام و رسالت او، تطبیق درست و دقیق تعالیم قرآن، بر مسائل حیات بشری و مشخص کردن حد و مرزهای واقعی احکام اسلام است؛ به گونه‌ای که توجیه و تأویل بردار نباشد و مانع هر گونه انحراف و کژی و بدآموزی شود. دگروار تفسیر کردن تعالیم اسلامی، منحصر به احکام فرعی و فقهی و مسائل اجتماعی و اقتصادی نیست؛ بلکه اصول دین نیز مشمول این جریان است».

این کتاب با نثری زیبا و روان، می‌تواند مورد استفاده عموم علاقه‌مندان به مباحث مهدویت باشد.

### ۳. حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

کتاب حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نوشته آیت الله ناصر مکارم شیرازی، پژوهشی درباره ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و ویژگی‌های حکومت جهانی آن حضرت است.

مؤلف در این کتاب، با بهره‌گیری از روایات و منابع تاریخی شیعه و سنی و برخی از پژوهش‌های غربیان، مطالب ارزشمندی ارائه کرده است. ایشان نخست در خصوص آینده جهان و سیر تکاملی جامعه، به بیان نظریات بعضی از ادیان و کتاب‌های

آسمانی (نظیر زرتشتی، هندو، یهود و مسیحیت) و نیز دانشمندان غربی درباره مصلح بزرگ پرداخته است. سپس درباره انواع حکومت ها، فلسفه انتظار و غیبت، مصلح بزرگ جهانی در منابع اسلامی، نشانه های ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و روش حکومت آن حضرت بحث کرده، به این پرسش ها پاسخ داده است:

آیا سرنوشت آینده بشریت، صلح، عدالت، امنیت و آزادی انسان ها از چنگال هر گونه ظلم و ستم و تبعیض و استعمار است؟ یا آن گونه که بعضی پیش بینی می کنند، هرج و مرج ها روز افزون، فاصله ها بیشتر، ناهماهنگی ها و نابسامانی ها فراوان تر و سرانجام یک جنگ اتمی یا فوق اتمی عالم گیر، پایه های تمدن انسانی را ویران خواهد ساخت و اگر انسان هایی بر روی کره زمین باقی بمانند، افرادی عقب مانده، معلول، بینوا و درمانده خواهند بود؟

اگر عقیده نخست صحیح است، دلیل آن چیست؟ اگر بنا هست جهان به سوی عدل و صلح و برادری گام بردارد، آیا اجرای این اصول بدون انقلاب ممکن است؟ به تعبیر دیگر آیا اصلاحات تدریجی توانایی دگرگون ساختن چهره عمومی جهان، با این همه ناهنجاری ها را دارند؟ اگر لازم است انقلابی صورت گیرد، آیا تنها از طریق قوانین مادی امکان پذیر است؟ یا بدون استمداد از اصول معنوی و ارزش های اصیل انسانی، ممکن نیست؟

اگر قبول کنیم چنین انقلابی به هر حال رخ خواهد داد، رهبر این انقلاب چه صفاتی باید داشته باشد؟ آیا این انقلاب الزاماً به حکومت واحد جهانی می انجامد؟ آیا آمادگی های خاصی برای چنان حکومتی لازم است؟ این آمادگی ها در دنیای کنونی وجود دارد یا نه؟ و اگر ندارد، آیا در حال حاضر جهان به سوی این آمادگی ها گام بر می دارد، یا بر عکس آن؟

آیا این امور با عقیده عمومی مذاهب جهان، نسبت به ظهور یک مصلح بزرگ آسمانی ارتباطی دارد؟ اعتقاد عمومی مسلمانان به ظهور مهدی علیه السلام چگونه است و پیوند آن با مسائل سرنوشت ساز چیست؟ آیا اعتقاد به چنان ظهوری، ما را به اصلاح عمومی جهان از طریق یک انقلاب همه جانبه نزدیک تر می سازد؟ یا آن چنان که برخی می اندیشند، دور می کند؟

آیا این فکر و عقیده عمومی مذهب، یک واقعیت عینی و مولود دلایل منطقی است و یا یک تخیل برای اشباع کاذب تمایلات سرکوفته انسان ها، در مسیر گمشده عمومی (یعنی صلح و عدالت) است؟

نویسنده در بخشی از کتاب درباره «فلسفه انتظار» بر این باور است که: «اگر اعتقاد و

انتظار به حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به صورت ریشه دار حلول کند، سرچشمه دو رشته اعمال دامنه... دار خواهد شد. این دو رشته اعمال عبارت است از: ترک هر گونه همکاری و هماهنگی با عوامل ظلم و فساد و حتی مبارزه و درگیری با آنها از یک سو و خود سازی و خود یاری و جلب آمادگی های جسمی، روحی، مادی و معنوی برای شکل گرفتن آن حکومت واحد جهانی و مردمی از سوی دیگر».

این اثر ارزشمند، دارای محتوای غنی و خوبی است که می تواند برای علاقه مندان به مباحث مهدویت مفید باشد.

#### ۴. دادگستر جهان

کتاب دادگستر جهان نوشته آیت الله ابراهیم امینی (۱)، در ۳۴۴ صفحه رقعی منتشر شده است. نویسنده کتاب، علت تألیف آن را رخنه شبهات در اعتقادات جوانان و دانش آموختگان می داند که از سوی نویسندگان، پاسخی مناسب و شایسته نگرفته اند. از این رو ایشان تصمیم می گیرد چنین کتابی تألیف کند و در سال ۱۳۴۶ توفیق می یابد آن را منتشر سازد. این کتاب نزدیک به بیست بار تجدید چاپ شده و به برخی از زبان ها نیز ترجمه شده است.

دادگستر جهان عمدتاً به صورت پرسش و پاسخ، بین برخی از فرهیختگان تنظیم شده و با استفاده از روایات معصومین علیهم السلام، مطالب ارزنده ای برای استفاده عموم به ویژه جوانان ارائه کرده است.

نویسنده در دوازده فصل، با استناد به یافته های عقلی و نقلی محدثان، مفسران و مورخان

۱- آیت الله ابراهیم امینی در سال ۱۳۰۴ در شهر نجف آباد متولد شد. پس از پایان دوره ابتدایی، در سال ۱۳۲۱ برای تحصیل علوم دینی به حوزه علمیه اصفهان رفت. ادبیات زبان عربی و کتاب های سطح فقه و اصول و منطق را در آنجا خواند و در سال ۱۳۲۶ برای ادامه تحصیلات به حوزه علمیه قم رفت و برای دروس خارج فقه و اصول در محضر اساتید بزرگ زمان حاضر شد. وی در حوزه علمیه قم و اصفهان به تدریس کتاب های ادبیات، فقه و اصول و فلسفه پرداخت. وی از سال ۱۳۴۴ در باره موضوعاتی چون تعلیم و تربیت، حقوق خانواده، اخلاق و سیره پیامبر و ائمه اطهار علیهم السلام و ... کتابهایی چند طبع رسانیده است. (ر.ک: مشعل جاوید، ص ۵۹۱).

امامیه و عامّه و نیز دستاوردهای علوم تجربی، به تشکیک های گوناگون درباره مهدویت پاسخ داده است. طرح مباحث به شیوه مناظره بوده که بر جذابیت کتاب افزوده است. مؤلف آغاز عقیده به مهدویت را از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می داند و شخصیت و تبار امام را بررسی می کند. او همچنین ادعای مهدی بودن محمد بن حنفیه، اعتقاد زیدیه به مهدویت محمد بن عبدالله بن حسن و باور واقفیه به عروج امام صادق علیه السلام را رد می کند و این نکته را که منشأ مهدویت از تعالیم یهود و زرتشتی است و عبدالله بن سبا در ایجاد آن نقش داشته، مردود می داند.

عالم غیب و امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، امامت کودک پنج ساله، فلسفه طولانی شدن غیبت، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در کتاب های اهل سنت، نشانه ها و شرایط ظهور، یاوران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، چگونگی ظهور و احادیث، منابع، تألیفات و اقوال بزرگان اهل سنت در باره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، طول عمر، محل زندگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و جهان در عصر آن حضرت، از مباحث مهم دادگستر جهان است.

تجدید مکرر چاپ کتاب، نشانگر استقبال خوب از این اثر ارزنده است. این کتاب برای علاقه مندان به مباحث مهدویت بسیار مفید است.

## ۵. در فجر ساحل

کتاب در فجر ساحل به وسیله محمد حکیمی، به رشته تحریر در آمده و تا کنون ده ها مرتبه تجدید چاپ شده است. نویسنده با بهره گیری از قلمی شیوا و ادبی، به پژوهش درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرداخته، دنیای آینده را از نظر مذهب شیعه تصویر کرده است. وی علاوه بر بهره مندی از آیات نورانی قرآن و روایات شیعی، از دیگر کتاب های آسمانی نیز به طور فراوان بهره برده است. مطالب کتاب در پنج بخش ارائه شده است:

۱. مدینه فاضله اسلامی، ۲. نویدها، دوران حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه روایات و بشارت های مذهبی و پیشگویی اجمالی از چگونگی آینده زندگی در نظر شیعه، ۳. حماسه انتظار، ۴. یأس و امید، شکست و پیروزی، ۵. به سوی ساحل.

در آخرین فصل کتاب می خوانیم: کاروان بشریت به سان کشتی گرداب گرفته و در کام موج فرو افتاده است. سرگذشت انسان تا کنون به سرگذشت غریقی همانند است که لحظات

مرارت باری را می گذراند و با همه هستی خویش، تلاش می کند تا خود را به ساحل برساند... عاقبت روزی می رسد که ناخدای بزرگی، کشتی را به مقصود می رساند و در تاریخ نوع بشر، به نام «قهرمان بزرگ بنی نوع بشر» مشهور خواهد گردید...» (۱).

### ۶. راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

کتاب راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نوشته آیت الله سید رضا صدر بوده و به اهتمام سید باقر خسرو شاهی در اختیار علاقه مندان قرار گرفته است.

سید رضا صدر برادر بزرگ امام موسی صدر و فرزند مرحوم آیت الله سید صدر الدین صدر است که در سال ۱۳۳۹ هـ در مشهد مقدس به دنیا آمد. خاندان او از جمله پدر، عمو و پدر بزرگش از علمای برجسته و مراجع نامدار بودند.

آیت الله سید رضا صدر در دوران تحصیل در مشهد و قم، همدرس شهید مطهری قدس سرّه و آیت الله مدنی و در دوران تحصیلات عالی از شاگردان برجسته آیت الله بروجردی رحمه الله، آیت الله حجّت رحمه الله و امام خمینی قدس سرّه بوده است. او به سرعت مدارج ترقی را طی کرد و به درجه اجتهاد رسید. و بسیاری از فضلاء حوزه های قم و تهران از جمله سید مصطفی خمینی رحمه الله در محضر او کسب علم و دانش نموده اند.

چهارمی که مساوی است با یک،

وی در بخشی از کتاب (چهارمی که مساوی است با یک) با اثبات اینکه راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همان راه محمد صلی الله علیه و آله و سلم و راه علی علیه السلام و راه قرآن است، بیان کرده که راه محمد راه خدا است؛ راه علی علیه السلام راه خدا است، راه قرآن راه خدا است و راه مهدی علیه السلام نیز راه خدا است. چهار راهی است که نظیر ندارد و بی مانند است. این چهار راه، مساوی با یک است.



۱. نظریه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲. عدل عالم گیر، ۳. حکومت الهی در جهان، ۴. شرایط عدل گستر، ۵. دادور و دادگر و دادگستر، ۶. مهدی نوعی و شخصی، ۷. ویژگی ها و خصایص مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۸. انتظار فرج، ۹. تعلق اراده ازلی به اقامه عدل جهانی، ۱۰. بشارت ها و اشارات، ۱۱. پدران و نیاکان، ۱۲. سفرای کبار، ۱۳. کراماتی چند از آن حضرت در زمان غیبت صغرا ۱۴. شرفیابی افرادی چند در غیبت صغرا.

وی در باره خصایص مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نوشته است: مهدی امید بشر، برگزیده خدا، انجام دهنده هدف انبیا، دادگر کل، بنیان گذار عدل مؤید جهانی، انسانی بزرگ، پاکیزه ترین فرد بشر هنگام قیام و دادگستری زنده و پاینده است که سراپای وجودش، از فضیلت، عدالت و بزرگواری آکنده است.

این کتاب برای استفاده دانشجویان و دانش پژوهان در حوزه معارف مهدوی، بسیار مفید و ارزنده است.

#### ۷. مجموعه فرمایشات حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف

کتاب مجموعه فرمایشات حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف به وسیله محمد خادمی شیرازی گردآوری شده و همراه با ترجمه ارائه گردیده است. این کتاب مجموعه ای از سخنان و توقیعات صادر شده از حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف همراه با دعاهای آن حضرت است.

نگارنده در فصل های کتاب، به نقل سخنان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از پیش از ولادت تا آغاز غیبت صغرا توقیعات صادره از ناحیه مقدسه در غیبت صغرا و کبرا و گفتارهای ایشان در روزهای آغازین ظهور می پردازد. ارزش این اثر در جمع آوری سخنان امام و ترجمه و شرح آنها در یک مجموعه مستقل است.

مؤلف محترم دو ویژگی مهم این اثر را در مقدمه کتاب این گونه بیان کرده است:

۱. تاکنون مجموعه سخنان در باره حضرت مهدی علیه السلام در یک کتاب جمع آوری نشده است و علمای ما در کتاب های معتبر مشروحاً ولی به صورت پراکنده آن را بیان فرموده اند.

۲. مجموعه کلمات آخرین حجت خداوند و زنده کننده جهان هستی، با ترجمه فارسی و

بعضاً با شرح مختصر و نیز ابعاد پر فروغ زندگی حضرت خاتم الاوصیا عجل الله تعالی فرجه الشریف (به ویژه در مورد برنامه... های دولت کریمه آن حضرت)، در اختیار برادران و خواهرانی که مایه علمی زیادی ندارند قرار نگرفته است»<sup>(۱)</sup>.

### ۸. نجم الثاقب فی احوال الامام الغائب

کتاب نجم الثاقب فی احوال الامام الغائب علیه السلام نوشته میرزا حسین نوری طبرسی قدس سرّه (محدث نوری) است.

محدث نوری، در یکی از قرای نور، در سال ۱۲۵۴ هـ دیده به جهان گشود. در تهران از محضر شیخ عبدالرحیم بروجردی، دانش فرا گرفت و در سال ۱۲۷۸ هـ به عراق هجرت کرد و از خرمن پرفیض شیخ عبدالحسین تهرانی و شیخ اعظم انصاری بهره جست. به هنگام مهاجرت میرزا حسن شیرازی به سامرا، با وی بدان جا رفت. چند سال در سامرا بود و آن گاه به نجف اشرف، بازگشت و در آنجا اقامت گزید و در همان جا به سال ۱۳۲۰ هـ دیده از جهان فرو بست. وی آثار بسیار دارد.

طبرسی (ره) در باره انگیزه خود از تألیف این اثر می نویسد: «در سال ۱۳۰۳ هـ در خدمت میرزای بزرگ بودم. ایشان فرمود: خوب است، کتابی مستقل درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به زبان فارسی نگاشته شود و شما شایستگی انجام این مهم را دارید.

عرض کردم: مقدمات امر فراهم نیست؛ ولی از آنجا که در سال گذشته، رساله ای درباره کسانی که در غیبت کبرا، به زیارت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مشرف شده اند (تحت عنوان جنهالمأوی نگاشته ام)، اگر مصلحت باشد همان رساله را، با افزودن مطالبی بر آن ترجمه کنم. پیشنهاد پذیرفته شد؛ لکن میرزا فرمود: شمه ای از حالات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هر چند به اختصار بر آن افزوده شود. بر اساس دستور او، به انجام این اثر اقدام شد و با استمداد از

---

۱- محمد خادمی شیرازی، مجموعه فرمایشات حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۱۱.

عسکریین علیهما السلام، بحمدالله در اندک زمانی این خدمت به انجام رسید.

نجم الثاقب مشتمل بر دوازده باب، به شرح زیر تنظیم شده است:

۱. چگونگی ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف (شامل نحوه ولادت آن حضرت شمه ای از احوال شخصی حکیمه خاتون)؛

۲. اسامی، القاب و کنیه های آن حضرت؛

۳. شمایل و توجهات الهی به آن حضرت؛

۴. اختلاف مسلمانان نسبت به امر غیبت، پس از اتفاق بر درستی صدور اخباری که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر آمدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رسیده است (کتاب هایی که عالمان اهل سنت، در باب حضرت مهدی موعود علیه السلام، تألیف کرده اند، مطالب مورد اختلاف، نسب، اسم پدر تشخیص و تعیین آن حضرت و دیدگاه های علمای فرقه های اسلامی در مورد هر یک از مباحث فوق و نقد و بررسی هر یک و ارائه دیدگاه مورد قبول خود)؛

۵. حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، فرزند امام حسن عسکری علیه السلام؛

۶. نقل کراماتی جهت اثبات اینکه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرزند امام عسکری علیه السلام است؛

۷ و ۸. کسانی که در عصر غیبت کبرا، به محضر حضرت شرفیاب شده اند، یا بر معجزات حضرت آگاهی یافته اند (و جمع بین روایاتی که می فرماید: «مدعی دیدار با حضرت را باید درغگو خواند» و داستان هایی که بیانگر دیدار بزرگان و اولیا با حضرت هستند و...)

۹. برای هر حاجت، به امامی خاص باید توسل جست و اثبات این نکته که یکی از مناصب خاصه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، پناه دل سوختگان است؛

۱۰. در بیان گوشه ای از تکالیف و آداب مسلمانان، نسبت به آن حضرت علیه السلام؛

۱۱. روزهای ویژه آن حضرت و تکلیف پیروان ایشان در آن روزها؛

۱۲. در ذکر اعمال و آدابی است که بتوان به برکت آنها به سعادت دیدار آن حضرت نایل شد.

در پایان گفتنی است که در مطالعه این کتاب، باید کمال دقت و توجه را نشان داد و در پذیرفتن همه مطالب آن (به ویژه حکایت های ملاقات کنندگان)، وسواس داشت.

## ۹. امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور

این کتاب ترجمه کتاب الامام المهدی من المهد الی الظهور اثر ارزشمند سید محمد کاظم قزوینی قدس سرّه (۱) است.

مؤلف در این کتاب، موضوعاتی را در مورد شخصیت والای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مورد بحث قرار داده که عبارت است از:

۱. امام مهدی علیه السلام کیست؟ ۲. نام و نسب آن حضرت، ۳. قرآن و نوید از آن حضرت، ۴. نویدها در سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، ۵. نوید از آن حضرت در روایات امامان نور علیهم السلام، ۶. آیا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جهان را به نور وجودش روشن ساخته است؟ ۷. چگونه از دیدگان نهان گشت؟ ۸. غیبت کوتاه آن حضرت، ۹. سفیران چهارگانه یا چهار نایب خاص، ۱۰. چه کسانی در دوران غیبت کوتاه او، به دیدارش مفتخر شده اند؟ ۱۱. غیبت طولانی او، ۱۲. چه کسانی در غیبت طولانی او به دیدارش نایل شده اند؟ ۱۳. چگونه تا کنون زیسته است؟ ۱۴. چه زمانی ظهور خواهد کرد؟ ۱۵. ویژگی های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نشانه های او، ۱۶. نشانه های ظهور آن حضرت، ۱۷. مدعیان دروغین، ۱۸. چگونه و از کجا ظهور می کند؟ ۱۹. پس از ظهور چگونه حکومت خواهد کرد؟ ۲۰. چگونه دولت ها و قدرت ها در برابر او سر فرود خواهند آورد؟ ۲۱. زندگی جامعه در عصر طلایی او، ۲۲. مدت حکومت عادلانه او، ۲۳. چگونه روزگارش به پایان می رسد و...

کلیه مطالب کتاب مستند به احادیث و روایات است. کتاب شامل، چندین فهرست است که کار را برای خوانندگان آسان نموده است.

۱- نویسنده در روز ۱۲ شوال سال ۱۳۴۸ ه.ق. در شهر مقدس کربلا دیده به جهان گشود. تحصیلات سطح و خارج را در نزد اساتید معروف از جمله آیت الله سید هادی میلانی، آیت الله سید محمد حسین قزوینی، آیت الله شیخ جعفر رشتی و شیخ محمد خطیب و... فرا گرفت. او خطیبی توانا و زبر دست بود؛ آثار فراوانی از ایشان نشر یافته است، مهم ترین آنها «موسوعه امام صادق علیه السلام است که تا کنون هفده جلد آن نشر یافته است. بالاخره ایشان پس از عمری تلاش، جهاد و فداکاری در ابعاد گوناگون علمی، دینی و اجتماعی، در سیزدهم جمادی الثانی (۱۴۱۵ه) جهان را بدرود گفت. (ر.ک: مشعل جاوید، ص ۵۸۹).

## ۱۰. رهبری بر فراز قرون

(پژوهشی درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف)

کتاب رهبری بر فراز قرون به دست آیت الله شهید سید محمد باقر صدر (۱) تألیف و به قلم مصطفی شفیع به فارسی برگردان شده است. این کتاب ترجمه کتاب بحث حول المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. اگرچه حجم آن به ظاهر اندک است؛ ولی مطالب ارزنده ای را در خود جای داده است. مقدمه و تحقیق دکتر عبد الجبار شراره بر غنای این اثر افزوده است.

در این کتاب به روش عقلی، علمی و دینی، به برخی از پرسش های مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به روش عقلی پاسخ داده شده است. محقق، در مقدمه ای طولانی، روش های پژوهش درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را دو گونه دانسته است:

۱. روش کسانی که در وجود آن حضرت پیوسته، در صدد شک اندازی و القای شبهه بوده اند!

۲. روش موافقان که از دو روش عقلی و نقلی پیروی می کنند.

وی ضمن بیان فشرده دلایل استفاده کنندگان از روش های یاد شده، روش شهید صدر را در این اثر، دنبال کردن موضوع، به روش عقلی دانسته است.

مؤلف در هشت گفتار، به پرسش هایی در باره، وجود، طول عمر، شایستگی ها، ظهور و حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف پاسخ گفته است.

وی در خصوص طول عمر امام علیه السلام بر این نظر است که این امر امکان علمی، عملی، منطقی و فلسفی دارد. افزون بر آن با توجه به رسالت بزرگ مهدی موعود علیه السلام و پدیده ای آن چنان بزرگ و غیر مأنوس، ایجاد چنین پدیده ای در روند هستی نسبت به خداوند امری طبیعی

۱- ایشان در ۲۵ ذی القعدة ۱۳۵۲ ه. ق در کاظمین و در خانواده ای روحانی و جلیل القدر دیده به جهان گشود. پدرش آیت الله سید حیدر صدر از علمای بزرگ و مادرش دختر آیت الله شیخ عبدالحسین آل یاسین بود. ایشان علاوه بر آثار ارزشمندی که از خود به یادگار گذاشت، زندگی خود را با مبارزه در برابر رژیم بعث عراق و شهادتی سرخ به نیک ترین صورت ممکن به پایان رساند.

است؛ چنان که معراج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در برابر رسالت بزرگ آن حضرت، کاری عادی بود.

به نظر نویسنده، طولانی شدن عمر امام، نوعی اعجاز است. اصرار به رهبری شخصی خاصّ چون امام و چگونگی کمال یافتن شایستگی های رهبر منتظر و وجود خارجی امام؛ علت تأخیر در ظهور، چگونگی تغییر سرنوشت بشریت به دست یک فرد و روش هایی که در روز موعود برای تغییر جهان صورت می گیرد، پرسش های دیگری است که در این اثر به آنها پاسخ داده شده است.

===



## منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم، ترجمه: محمد مهدی فولادوند.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن طاوس، علی بن موسی، اقبال الاعمال، یک جلد، چ دوم، دارالکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۶۷ ه. ش.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرّم، لسان العرب، هیجده جلد، دار احیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۰۸ ه. ش.
۵. احسائی، ابن ابی جمهور، عوالی اللآلی، سید الشهداء، قم: ۱۴۰۵ ه. ش.
۶. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه علیهم السلام، دو جلد، مکتبه بنی هاشمی، تبریز: ۱۳۸۱ ه. ش.
۷. اسفراینی، طاهر بن محمد، تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم، میراث مکتوب، تهران: ۱۳۷۵ ه. ش.
۸. الهامی، داود، آخرین امید، چ دوم، انتشارات مکتب اسلام، قم: ۳۷۷ ه. ش.
۹. امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، چ نوزدهم، شفق، قم: ۱۳۷۹ ه. ش.
۱۰. ایازی، سید محمد علی، شناخت نامه تفاسیر، کتاب مبین، رشت: ۱۳۷۸ ه. ش.
۱۱. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، پنج جلد، مؤسسه بعثت، ۱۴۱۷ ه. ش.
۱۲. المحججه فیما نزل فی القائم الحججه عجل الله تعالی فرجه الشریف، مؤسسه الوفاء، قم: ۱۳۷۸ ه. ش.
۱۳. سیمای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن، ترجمه سید مهدی حایری قزوینی، چ سوم، نشر آفاق، تهران: ۱۳۷۶ ه. ش.
۱۴. البخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، شش جلد، دار ابن کثیر، بیروت: ۱۴۰۷ ه. ش.
۱۵. البدری، سید سامی، پاسخ به شبهات احمد الکاتب، ترجمه ناصر ربیعی، انتشارات انوار الهدی، قم: ۱۳۸۰ ه. ش.
۱۶. البرقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، چ دوم، دارالکتب الاسلامیه، قم: ۱۳۷۰ ه. ش.



۱۷. برنجکار، رضا، آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی، مؤسسه فرهنگی طه، قم: ۱۳۷۸ ه. ش.
۱۸. بغدادی، ابومنصور عبدالقاهر، الفرق بین الفرق، ترجمه محمد جواد مشکور، انتشارات اشراقی.
۱۹. البغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل فی التفسیر والتأویل، پنج جلد، دارالفکر للطباعه والنشر والتوزیع، ۱۴۰۵ ه. ش.
۲۰. بنی هاشمی، سید محمد، معرفت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، نیک معارف، چ ۳، ۱۳۸۳ ه. ش.
۲۱. البیضاوی، ناصرالدین ابو سعید، انوارالتنزیل و اسرار التأویل، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۰ ه. ش.
۲۲. بهشتی، محمد، ادیان و مهدویت، انتشارات مرآتی، بی تا.
۲۳. پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان علیهم السلام، مؤسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق علیه السلام، قم: ۱۳۷۲ ه. ش.
۲۴. الترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، پنج جلد، داراحیاء التراث العربی، بیروت.
۲۵. التیمی المغربي، نعمان بن محمد، شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار علیهم السلام، مؤسسه النشر الاسلامی، قم: بی تا.
۲۶. توفیقی، هزاره گرای، در فلسفه تاریخ مسیحیت، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۸ ه. ش.
۲۷. تهرانی، آغا بزرگ، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ۲۶ جلد، چ دوم، دارالاضواء، بیروت: ۱۴۰۳ ه. ش.
۲۸. جاسم حسین، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم علیه السلام، ترجمه سید محمد تقی آیت اللهی، چ دوم، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران: ۱۳۷۷ ه. ش.
۲۹. جمعی از نویسندگان، چشم به راه مهدی علیه السلام، چ دوم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم: ۱۳۷۸ ه. ش.
۳۰. جمعی از نویسندگان، مجموعه مقالات و گفتارها پیرامون حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، دبیرخانه اجلاس دو سالانه ابعاد وجودی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰ ه. ش.
۳۱. جمعی از نویسندگان، نور مهدی علیه السلام، نشر آفاق، تهران: ۱۴۰۱ ه. ش.
۳۲. جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه ولایت فقاها و عدالت، مرکز نشر اسراء، قم: ۱۳۷۹ ه. ش.
۳۳. تفسیر موضوعی قرآن کریم، مرکز نشر اسراء، قم.
۳۴. الحرائی، حسن بن علی بن حسین بن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول علیهم السلام، به تصحیح علی اکبر غفاری،

انتشارات جامعه مدرسین، قم: ۱۴۰۴ ه .

۳۵. حسن زاده آملی، حسن، نهج الولاية، انتشارات قیام، قم: ۱۳۷۹ ه .ش .

۳۶. حکیمی، محمد، در فجر ساحل، چ ۲۱، نشر آفاق، تهران: ۱۳۷۸ ه .ش .

۳۷. ، عصر زندگی، چ ۲۱، نشر آفاق، تهران: ۱۳۷۸ ه .ش .

۳۸. حکیمی، محمدرضا، خورشید مغرب، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، تهران: ۱۳۷۹ ه .ش .

۳۸. حلی، علی بن یوسف، العدد القویه، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم: ۱۴۱۸ ه .
۳۹. حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، پنج جلد، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۴۰. خادمی شیرازی، محمد، مجموعه فرمایشات بقیه‌الله عجل الله تعالی فرجه الشریف، انتشارات رسالت، قم: ۱۳۷۷ ه .ش.
۴۱. خزاز قمی، علی بن محمد، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم: ۱۴۰۱ ه .
۴۲. خسروشاهی، سید هادی، مصلح جهانی و مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه اهل سنت، چاپ دوم، انتشارات اطلاعات، تهران: ۱۳۷۴ ه .ش.
۴۳. دوانی، علی، دانشمندان عامه و مهدی موعود علیه السلام، چاپ سوم، دار الکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۶۱ ه .ش.
۴۵. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، دانشگاه تهران، تهران: ۱۳۷۳ ه .ش.
۴۶. دیلمی، حسن بن ابی الحسن، الارشاد القلوب، دو جلد، انتشارات شریف رضی ۱۴۱۲ ه .ش.
۴۷. الرازی، ابوالفتوح، روض الجنان و روح الجنان، اسلامیه، تهران: ۱۳۴۶ ه .
۴۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، چ دوم، دفتر نشر الکتاب.
۴۹. راوندی، قطب الدین، الخرائج والجرائح، سه جلد، مؤسسه امام مهدی علیه السلام، قم: ۱۴۰۹ ه .ش.
۵۰. سجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، دار الفکر، بیروت: ۱۴۱۰ ه .
۵۱. سعادت پرور، علی، ظهور نور، ترجمه سید محمد جواد وزیری فرد، احیاء کتاب، تهران، ۱۳۸۰ ه .ش.
۵۲. سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن، الحاوی للفتاوی، دار الفکر، بیروت: ۱۴۱۴ ه .
۵۳. شوشتری، محمد تقی و دیگران، جزیره خضرا افسانه یا واقعیت؟، ترجمه و تحقیق ابوالفضل طریقه دار، بوستان کتاب، قم: ۱۳۸۰ ه .ش.
۵۴. شهرستانی، محمد بن عبد الکریم، الملل و النحل، دو جلد، دار و مکتبه الهلال، بیروت: ۱۹۹۸ م.
۵۵. شهید اول، الدروس، مؤسسه النشر الاسلامی، قم: ۱۴۱۲ ه .
۵۶. الشیبانی، احمد بن حنبل، مسند احمد، شش جلد، مؤسسه قرطبه، مصر.

۵۷. صادقی تهرانی، محمد، بشارات عهدین، انتشارات امید فردا، چاپ اول، تهران: ۱۳۸۲ ه. ش.

۵۸. صافی گلپایگانی، لطف‌الله، منتخب‌الاثر، مؤسسه سیده‌المعصومه علیها السلام، قم: ۱۴۱۹ ه. ش.

۵۹. فروغ ولایت در دعای ندبه، انتشارات حضرت معصومه علیها السلام، قم: ۱۳۵۷ ه. ش.

۶۰. امامت و مهدویت، انتشارات حضرت معصومه علیها السلام، قم: ۱۳۷۷ ه. ش.

۶۱. پیرامون معرفت امام، انتشارات حضرت معصومه علیها السلام، قم: ۱۳۷۵ ه. ش.

۶۲. صدر حاج سید جوادی، احمد و دیگران، دایره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران: ۱۳۸۱ ه. ش.

۶۳. صدر، سید رضا، راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، قم: ۱۳۷۸ ه. ش.

۶۴. صدر، سید محمد، تاریخ الغیبه الصغری، ترجمه سید حسن افتخارزاده، نیک معارف، تهران: ۱۳۷۱ ه. ش.

۶۵. ، تاریخ الغیبه الکبری، مکتبه امیرالمؤمنین، اصفهان: ۱۴۰۲ ه. ش.

۶۶. ، تاریخ ما بعد الظهور، مکتبه الامام امیرالمؤمنین، اصفهان: بی تا.

۶۷. صدر، سید محمد باقر، رهبری بر فراز قرون، موسسه موعود، تهران: ۱۳۷۹ ه. ش.

۶۸. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، دو جلد، دارالکتب الاسلامیه، قم: ۱۳۹۵ ه. ق.

۶۹. ، عیون اخبار الرضا علیه السلام، دو جلد، انتشارات جهان، تهران: ۱۳۷۸ ه. ق.

۷۰. ، معانی الاخبار، انتشارات جامعه مدرسین، قم: ۱۳۶۱ ه. ش.

۷۱. ، من لایحضره الفقیه، انتشارات جامعه مدرسین، قم: ۱۴۱۳ ه. ش.

۷۲. ، ثواب الاعمال، انتشارات شریف رضی، قم: ۱۳۶۴ ه. ش.

۷۳. ، الأمالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، ۱۳۶۲ ه. ش.

۷۴. ، الخصال، دو جلد در یک مجلد، چ دوم، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۳ ه. ق.

۷۵. صفری فروشانی، نعمت الله، غالیان، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد: ۱۳۷۸ ه. ش.

۷۶. طاهری، حبیب الله، سیمای آفتاب، انتشارات زائر، قم: ۱۳۸۰ ه. ش.

۷۷. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیست جلد، چ یازدهم، دفتر انتشارات اسلامی، قم: ۱۳۶۱ ه. ش.

۷۸. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، ۲۵ جلد، چ دوم، مکتبه ابن تیمیه، قاهره.

۷۹. ، المعجم الاوسط، نه جلد، دارالحریمین، ۱۴۱۵ ه. ش.

۸۰. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، نشر مرتضی، مشهد مقدس: ۱۴۰۳ ه. ش.

۸۱. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری، دارالکتب الاسلامیه، تهران.

۸۲. طبرسی، میرزا حسین، نجم الثاقب، چ دوم، انتشارات مسجد جمکران، قم: ۱۳۷۷ ه. ش.

۸۳. طبری، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الامامه، دارالذخائر للمطبوعات، قم.

۸۴. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم والملوک، هشت جلد، موسسه الاعلمی، بیروت.

۸۵. طبری، آملی، محمد بن ابی القاسم، بشاره المصطفی لشيعه المرتضى، چ دوم، کتابخانه حیدریه، نجف: ۱۳۸۳ ه. ق.
۸۶. طبسی، محمدرضا، شيعه و رجعت، ترجمه محمد میرشاه ولد، انتشارات دارالنشر اسلام.
۸۷. طبسی، محمد جواد، با خورشید سامرا، ترجمه عباس جلالی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، قم: ۱۳۷۹ ه. ش.
۸۸. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرين، پنج جلد، دار احیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۰۳ ه. ش.
۸۹. طوسی، محمد بن الحسن، کتاب الغیبه، موسسه معارف اسلامی، قم: ۱۴۱۱ ه. ش.
۹۰. رجال، انتشارات حیدریه، نجف: ۱۳۸۱ ه. ش.
۹۱. التبیان فی تفسیر القرآن، ده جلد، دار احیاء التراث العربی.
۹۲. مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، موسسه فقه شيعه، بیروت: ۱۴۱۰ ه. ش.
۹۳. رساله العقاید الجعفریه، موسسه النشر الاسلامی، قم.
۹۴. تهذیب الاحکام، ده جلد، چ چهارم، دارالکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۷۵ ه. ش.
۹۵. الامالی، انتشارات دارالثقافه، قم: ۱۴۱۴ ه. ش.
۹۶. جمعی از نویسندگان، مشعل جاوید، انتشارات دلیل ما، قم: ۱۳۸۰ ه. ش.
۹۷. جوینی خراسانی، علی بن محمد، فرائد السمطين، مؤسسه محمودی، قم: ۱۴۰۰ ه. ش. ۹۸. عاملی، جعفر مرتضی، جزیره خضراء در ترازوی نقد، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم: ۱۳۷۷ ه. ش.
۹۸. العاملی، محمد بن حسن، الايقاظ من الهجعه فی اثبات الرجعه، ترجمه احمد جنتی، انتشارات نوید، تهران: ۱۳۶۲ ه. ش.
۹۹. وسائل الشيعه، ۲۹ جلد، موسسه آل البيت، قم: ۱۴۰۹ ه. ش.
۱۰۰. العکبری، محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید)، الاختصاص، مصحح علی اکبر غفاری، کنگره شیخ مفید، قم: ۱۴۱۳ ه. ش.
۱۰۱. اربع رسالات فی الغیبه، کنگره شیخ مفید، قم: ۱۴۱۳ ه. ش.
۱۰۲. الارشاد، دو جلد در یک مجلد، کنگره شیخ مفید، قم: ۱۴۱۳ ه. ش.

١٠٣. الرسائل في الغيبه، دار المفيد، بيروت: ١٤١٤ هـ .

١٠٤. علم الهدى، سيد مرتضى، جوابات المسائل التبانيات (رسائل الشريف)، دارالقران الكريم، قم.

١٠٥. الانتصار، مؤسسه النشر الاسلامى، قم: ١٤١٥ هـ .



۱۰۶. علی بن حسام الدین، البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان، دارالغدير الجديد المنصوره، مصر: ۱۴۲۵ هـ .
۱۰۷. العمیدی، سید ثامر هاشم، در انتظار ققنوس، ترجمه و تحقیق، مهدی علیزاده، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، قم: ۱۳۷۵ هـ.ش.
۱۰۸. مهدی منتظر علیه السلام در اندیشه اسلامی، ترجمه محمد باقر محبوب القلوب، انتشارات مسجد جمکران، قم: ۱۳۸۰ هـ.ش.
۱۰۹. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، منشورات اعلمی، بیروت: ۱۴۱۷ هـ.ش.
۱۱۰. غفار زاده، علی، پژوهشی پیرامون زندگانی نواب خاصّ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، انتشارات نبوغ، قم: ۱۳۷۵ هـ.ش.
۱۱۱. فقیه ایمانی، مهدی، الامام المهدی علیه السلام عند اهل السنه، چاپ دوم، مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، قم: ۱۴۱۸ هـ.
۱۱۲. قرطبی، محمد بن احمد، تفسیر القرطبی، بیست جلد، دارالشعب، قاهره: ۱۳۷۲ هـ .
۱۱۳. قرطبی انصاری، القاب الرسول و عترته علیهم السلام.
۱۱۴. قزوینی، سید محمد کاظم، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا ظهور، ترجمه حسین فریدونی، نشر آفاق، تهران: ۱۳۷۹ هـ.ش.
۱۱۵. قزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دار الفکر، بیروت.
۱۱۶. قشیری، مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، محمد فؤاد عبدالباقی، پنج جلد، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۱۱۷. قمی، ابن قولویه، کامل الزیارات، انتشارات مرتضویه، نجف: ۱۳۵۶ هـ .
۱۱۸. قمی، شیخ عباس، منتهی الآمال، انتشارات پیام آزادی، تهران: ۱۳۷۹ هـ.ش.
۱۱۹. ، تتمه المنتهی، انتشارات پیام آزادی، تهران: ۱۳۷۹ هـ.ش.
۱۲۰. ، سفینه البحار، چ اول، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، ۱۴۱۶ هـ .
۱۲۱. قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، چ دوم، انتشارات رضی، قم: ۱۳۶۳ هـ.ش.

۱۲۲. کشی، محمد بن عمر، رجال کشی، دانشگاه مشهد، مشهد: ۱۳۴۸ ه. ش.

۱۲۳. کفعمی، ابراهیم بن علی، المصباح، انتشارات رضی، قم: ۱۴۰۵ ه. ش.

۱۲۴. گنجی الشافعی، ابو عبدالله محمد، البیان فی اخبار صاحب الزمان علیه السلام، تحقیق مهدی حمد الفتلاوی، دار المحججه البيضاء، بیروت، ۱۴۲۱ ه. ش.

۱۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، هشت جلد، چ چهارم، دارالکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۶۵ ه. ش.

۱۲۶. کورانی، علی، عصر ظهور، ترجمه عباس جلالی، شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، تهران: ۱۳۷۸ ه. ش.
۱۲۷. کورانی و دیگران، علی، معجم احادیث الامام المهدي عليه السلام، موسسه معارف اسلامی، قم: ۱۴۱۱ ه.
۱۲۸. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات، موسسه چاپ و نشر، ۱۴۱۰ ه.
۱۲۹. مازندرانی، مولی محمد صالح، شرح اصول کافی، بی تا.
۱۳۰. مازندرانی، محمد بن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، تصحیح و تعلیق سید هاشم رسولی محلاتی، ۴ جلد، موسسه انتشارات علامه، قم: ۱۳۷۹ ه. ش.
۱۳۱. المتقی الهندی، علاء الدین علی، کنز العمال، شانزده جلد، موسسه الرساله، بیروت: ۱۴۰۹ ه.
۱۳۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ۱۱۰ جلد، موسسه الوفاء، بیروت: ۱۴۰۴ ه.
۱۳۳. ، حق الیقین، انتشارات کانون پژوهش، ۱۳۸۰ ه. ش.
۱۳۴. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، پانزده جلد، دارالحدیث قم، ۱۳۷۷ ه. ش.
۱۳۵. مرکز فرهنگ و معارف قران، دایرهالمعارف قران کریم، انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، قم: ۱۳۸۲ ه. ش.
۱۳۶. المروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر، بیروت: ۱۴۲۴ ه.
۱۳۷. مسعودی، علی بن الحسین، اثبات الوصیه، موسسه انصاریان، قم: ۱۴۱۷ ه.
۱۳۸. مشکور، محمد جواد، فرهنگ فرق اسلامی، چ سوم، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد: ۱۳۷۵ ه. ش.
۱۳۹. ، تاریخ شیعه و فرقه های اسلام، چ ششم، انتشارات اشراقی،
۱۴۰. مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدی علیه السلام، انتشارات صدرا، قم: ۱۳۷۹ ه. ش.
۱۴۱. المظفر، محمدرضا، عقاید الامامیه، ترجمه علیرضا مسجد جامعی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران: ۱۳۸۰ ه. ش.

۱۴۲. معرفت، محمدهادی، ولایت فقیه، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، قم: ۱۳۷۷ ه. ش.

۱۴۳. ، تفسیر و مفسران، مؤسسه فرهنگی التمهید، قم: ۱۳۷۹ ه. ش.

۱۴۴. المقدسی الشافعی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، انتشارات ناصح، قم: ۱۴۱۶ ه.

۱۴۵. مکارم شیرازی ، ناصر، تفسیر نمونه، چ چهلم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰ ه. ش.

۱۴۶. ، حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مدرسه امام علی علیه السلام ، قم: ۱۳۸۰ ه. ش.

۱۴۷. ، القواعد الفقهیه، مدرسه الامام امیر المؤمنین علیه السلام، قم: ۱۴۱۱ ه. ش.

۱۴۸. موسوی اصفهانی، سید محمد تقی، مکیال المکارم، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، دو جلد، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، ۱۳۷۹ ه. ش.

۱۴۹. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، دو جلد، انتشارات جامعه مدرسین، قم: ۱۴۰۷ ه. ش.

۱۵۰. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، مکتبه الصدوق، تهران: ۱۳۹۷ ه. ش.

۱۵۱. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، هیجده جلد، موسسه آل البیت علیهم السلام، قم: ۱۴۰۸ ه. ش.

۱۵۲. نیشابوری، محمد بن حسن فتال، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم.

۱۵۳. هاشمی شهیدی، سید اسدالله، زمینه سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، چ دوم، پرهیزکار، قم: ۱۳۸۰ ه. ش.

۱۵۴. هلالی کوفی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس، انتشارات الهادی، قم: ۱۴۱۵ ه. ش.

بسم الله الرحمن الرحيم

(و نريد ان نمى على الذين استضعفوا فى الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثين)

(قصص/۵)

(اللهم اعنا على تاديه حقوقه اليه)

«خدایا! ما را در ادای حقوقی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بر ما دارد یاری فرما»

ضرورت تأسیس: اندیشه «مهدویت» به دلیل دارا بودن ویژگی‌های منحصر به فرد بسیار، یکی از توان‌مندترین عوامل رشد جامعه دینی ما است. طرح درست و گسترش این فرهنگ نورانی در جامعه، باعث رشد، بالندگی هر چه بیشتر جامعه و حفظ آن از فروغلتیدن در فسادها و تباهی‌ها است.

مهدویت، از مظلوم‌ترین مسائل بوده است، چه پیش از انقلاب و چه پس از آن، پیش از انقلاب اسیر کج فکری برخی گروه‌ها بود و پس از آن نیز ترس از اتهام انتساب به گروه‌های انحرافی، برای بازداشتن و انزوای افراد کافی بود، ولی در چند سال اخیر، با کوشش برخی مراکز و با به میدان آمدن تنی چند از افراد شناخته شده و همراه و هماهنگ با انقلاب اسلامی، این سد غربت شکسته شد و این مسأله از انزوا خارج گردید. البته آن گونه که شایسته است، به آن پرداخته نشد و در نتیجه بیش از دو دهه رکود بر این مباحث سایه انداخت. این رکود، تنها با تلاش مضاعف همه نهادها، مسئولان، پژوهشگران و اندیشمندان جبران می‌شود.

کوتاهی و کم‌کاری در این امر مقدس و خطیر، از یک سو زمینه ساز بروز خرافات و سطحی‌نگری و از سوی دیگر موجب در دست گرفتن این مقوله سترگ به وسیله افرادی ناشایست کم‌دانش و یا بی‌دانش شده است. از این رو بایسته است، حوزه علمیه به عنوان متولی این امر گام‌های جدی‌تری در این راه بردارد و با تقویت مرکز تخصصی و مشارکت و نظارت بر مراکزی که در این جهت فعالیت می‌کنند، به آموزش و پژوهش در این عرصه و سپس ارائه و تبلیغ آن در داخل و خارج کشور همت گمارند، چه اینکه اگر حقیقت تبیین و تقویت نشود، باطل تعزیه گردان می‌شود!!

شب پره بازیگر میدان شود

شمع فروزنده چو پنهان شود

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف در سال ۱۳۷۹ به پیشنهاد حجه الاسلام و المسلمین محسن قرائتی و با همکاری برخی از شخصیت های علمی و فرهنگی و موافقت مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای -دام ظلّه العالی- تأسیس گردید این بنیاد در سال ۱۳۸۰ با هدف گسترش و تعمیق فرهنگ مهدویت در سطح جامعه (به ویژه نسل جوان و فرهیخته) و تربیت مبلغ، پژوهشگر و مدرّس مباحث مهدویت و به منظور پشتوانه علمی و فرهنگی - با کسب مجوز از شورای عالی حوزه علمیه قم - مرکز تخصصی «امامت و مهدویت» را در قم راه اندازی کرد.

محور فعالیت ها:

محور اول: آموزش

۱. آموزش تخصصی ویژه طلاب حوزه علمیه؛ دانش پژوهان پس از قبولی در آزمون کتبی و مصاحبه علمی، طی مدت سه سال و گذراندن ۶۰ واحد درسی تخصصی، ۱۵ واحد عمومی، ۱۸ واحد پیش نیاز، ۸ واحد مطالعاتی، ۸ واحد گرایش و ۴ واحد پایان نامه در مقطع سطح ۳ حوزه (کارشناسی ارشد) فارغ التحصیل می شوند. تا کنون بیش از ۱۴۰ نفر پذیرش و ۷۰ نفر، فارغ التحصیل شده اند. برخی از عناوین آموزشی عبارتند از:

«تاریخ تحلیلی اسلام، امامت عامه و خاصه، مبانی اعتقادی مهدویت، مهدویت در قرآن، تاریخ عصر غیبت، مستشرقین و مهدویت، فرجام شناسی، فرقه ها و جریان های انحرافی، مهدویت و مسائل جدید کلامی، منجی در ادیان، منبع شناسی، حدیث شناسی، جهانی شدن و جهانی سازی، آسیب شناسی، شبهه شناسی و...».

۲. آموزش کوتاه مدت: به منظور گسترش و تعمیق فرهنگ مهدویت در میان عموم جامعه و پاسخ گویی به نیازهای فکری و اعتقادی آنها و مقابله با شبهات و افکار انحرافی بخش آموزش کوتاه مدت راه اندازی و مباحث مهم مهدویت در سطوح مختلف آموزش داده شد. تا کنون بیش از ۹۰ مرکز حوزوی، دانشگاهی، نظامی و ... این دوره را گذرانده اند. مرکز آماده ارائه این دوره ها برای عموم علاقه مندان است

۳. آموزش مکاتبه ای: علاقمندان فراگیری مباحث مهدویت، می توانند با این بخش تماس گرفته و تقاضای خود را اعلام کنند. پس از ثبت نام، جزوات و کتاب های آموزشی به همراه نوار کاست یا CD، به نشانی ایشان ارسال می گردد و بعد از گذراندن مباحث، امتحان به عمل می آید.

۴. مرکز آموزش مجازی مهدویت؛ با توجه به گسترش فن آوری اطلاعات و لزوم فراگیری مباحث مهدویت، مدرسه مجازی مهدویت در سه بخش تأسیس گردید:

بخش اول: آموزش در سطوح مختلف عمومی شامل مباحث آموزشی کوتاه مدت؛

بخش دوم: آموزش نیمه تخصصی؛ شامل برخی از عناوین تخصصی مهدویت و پاسخ به شبهات؛

بخش سوم: آموزش تخصصی؛ شامل مباحث سطح ۳ (کارشناسی ارشد)

همچنین دوره های ویژه ای برای اقشار مختلف مانند: دانشجویان، اساتید و... برگزار می گردد. تا کنون بیش از سه هزار نفر در بخش کوتاه مدت ثبت نام کرده و آموزش دیده اند.

علاقه مندان جهت ثبت نام در دوره کوتاه مدت می توانند به نشانی ذیل مراجعه کنند.

[www.mahdaviat.net](http://www.mahdaviat.net)

[www.imammahdi-s.com](http://www.imammahdi-s.com)

و مشتاقان مراکز علمی و فرهنگی با تماس با این مرکز، می توانند به صورت گروهی این دوره را بگذرانند. بخش پژوهش مجازی و بهینه سازی و ساماندهی امور پژوهشی، در آینده راه اندازی خواهد شد.

محور دوم: پژوهش

با توجه به اهداف بیناد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و مرکز تخصصی مهدویت - به منظور ایجاد زمینه مناسب جهت پژوهش در موضوعات گوناگون مهدویت و ساماندهی آن، معاونت پژوهش شکل گرفت.

بعضی از فعالیت های پژوهشی به شرح ذیل است:

۱. پژوهش های کلان نگر در عرصه مهدویت؛

۲. شناسایی و طرح عرصه های جدید پژوهش؛



۳. ارائه مشاوره در زمینه پایان نامه های کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکترا و دیگر تحقیقات حوزوی و دانشگاهی؛

۴. پشتیبانی علمی کانون های فرهنگی؛ دانشگاهی و حوزوی؛

۵. رشد توان مندی علمی دانش پژوهان مرکز تخصصی مهدویت؛

۶. گروه های تخصصی پژوهش در عرصه های مختلف (نظیر نقد آثار غرب درباره آخرالزمان و ...)

۷. بررسی و نقد رسانه ها، صدا و سیما و مطبوعات؛ به همراه ارائه پیشنهادها و موضوعات کارشناسی، جهت ارتقای کمی و کیفی برنامه ها و آسیب شناسی ها

۸. انجام پژوهش های میدانی؛ جهت آسیب شناسی و گسترش و تعمیق فرهنگ مهدویت.

پایگاه اطلاع رسانی مهدویت (سایت):

در جهت گسترش فرهنگ مهدویت، با بهره گیری از فن آوری های جدید، «پایگاه اطلاع رسانی مهدویت» با موضوعات متنوع، در سال ۱۳۸۱ راه اندازی گردید. از مهم ترین بخش های این پایگاه

۱- ارائه اطلاعات مربوط به کتاب ها، مقالات و پایان نامه هایی است که در این زمینه نگارش یافته است.

۲- مقالات فصلنامه تخصصی انتظار، در این سایت قابل دسترسی است. در بخش دیگر سایت.

۳- متن کامل کتاب های منتشر شده بنیاد در اختیار علاقه مندان قرار می گیرد.

۴- میزگرد از دیگر بخش های این پایگاه است که کاربران علاقه مند به موضوعات مهدوی را قادر می سازد تا در این بخش با هم به گفت و گو پردازند.

۵- بخش مسابقه پایگاه نیز فعال بوده و هر ماه به برندگان جوایزی اهدا می گردد.

۶- بخش «مهدیه» که حاوی سخنان استادان کارشناس در عرصه مهدویت بوده و مورد استقبال بسیاری قرار گرفته است.

بانک اطلاعات: شامل ده ها نرم افزار در منابع و متون مهدویت و ..

کتابخانه تخصصی مهدویت: کتابخانه ای غنی شامل صدها عنوان کتاب و نشریات مختلف فارسی و عربی و پایان نامه ها.

کتابخانه الکترونیکی جامع مهدویت: ارائه متن کلیه کتابها و منابع مهدویت با نمایه گذاری موضوعی، از طریق پایگاه اطلاع رسانی مهدویت به همراه ارائه نرم افزار (در دست اقدام).

دانشنامه الکترونیکی: تبیین اعلام، معارف و اماکن و اصطلاحات روز و موضوعات مربوط به مهدویت (به صورت الکترونیکی و ارائه CD)

تدوین و تألیف: بنیاد تا کنون ۳۰ عنوان کتاب و پایان نامه با موضوعات مهدویت برای سطوح مختلف سنی تدوین، تالیف و چاپ نموده است؛ از آن جمله: زنان در حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، نگاهی دوباره به انتظار، از حسین علیه السلام تا مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در سنت نبوی، حکومت جهانی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در حدیث ثقلین، فرهنگنامه مهدویت، نگین آفرینش، نینوا و انتظار، انتظار پویا، آینده جهان، دکترین مهدویت، درسنامه مهدویت، ضرورت طرح مباحث مهدویت، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در روایات شیعه و سنی، اندیشه مهدویت و آسیب ها، مهدی ستیزان، شمیم و... می باشد. جهت خرید و سفارش با بخش انتشارات تماس حاصل نمایید.

کتاب شناسی جامع، جهت معرفی منشورات مهدویت:

این پروژه به بررسی بیش از ۳۳۰۰ عنوان کتاب، پایان نامه و مقاله با موضوع مهدویت پرداخته است. محصول این کار در اسفند ماه ۱۳۸۳ با عنوان «مرجع مهدویت» به همراه لوح فشرده عرضه گشته است. همچنین در پایگاه اطلاع رسانی انعکاس یافته و به روز می گردد. بررسی نسخه های خطی و آثار جدید، قسمت بعدی این پروژه است.

فصلنامه انتظار:

یکی از دستاوردهای مهم و با برکت بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، فصلنامه علمی - تخصصی «انتظار» است این نشریه حاصل تلاش جمعی از فرهیختگان و اساتید حوزه و دانشگاه است و از سوی مرکز تخصصی مهدویت قم تدوین و منتشر می شود.

فصلنامه مزبور عهده دار مباحث و موضوعات مهدویت به طور علمی و دقیق بوده و تا کنون ۱۶ شماره آن منتشر شده است. دو ویژه نامه دکترین مهدویت و عدالت مهدوی نیز از جمله شمارگان فصلنامه می باشد.

بروشور:

بنیاد برای ارائه معارف مهدویت به صورت فراگیر و مختصر تا کنون مبادرت به تدوین و تنظیم چند بروشور کرده است:

۱. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و رشد تربیت انسان،

۲. انتظار و عاشورا،

۳. در عصر غیبت تکلیف چیست؟

۴. سیمای مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، سیرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف،

۵. چلچراغ امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف،

۶. در انتظار خورشید،

۷. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در یک نگاه،

۸. مهدی یاوران و...،

یاوران افتخاری

جهت انجام فعالیت‌های مهدوی و گسترش فرهنگ مهدویت، بخشی به نام «یاوران افتخاری فرهنگ مهدویت» تشکیل شده است. علاقه‌مندان در زمینه‌هایی که دارای توانمندی هستند مانند: رایانه، امور هنری و... با یاری و راهنمایی اساتید مرکز تخصصی مهدویت، می توانند، به فعالیت بپردازند.

پاسخ به سئوالات

از جمله فعالیت‌های مرکز، پاسخ به پرسش‌ها و شبهات در موضوع مهدویت و مباحث مربوط به آن است و تا کنون به صدها پرسش در این زمینه به صورت مکتوب و تلفنی پاسخ داده شده است. این بخش آمادگی دارد به کلیه پرسش‌ها و شبهات دریافتی، به صورت تلفنی، مکاتبه ای و از طریق اینترنت پاسخ دهد.

در همین راستا مرکز اقدام به انتشار برگه‌های پست جواب قبول نموده است. که علاقه‌مندان می توانند پرسش‌ها و شبهات

خود را مطرح کرده و بدون

پرداخت هزینه ایی به صندوق پستی انداخته و پاسخ های خود را دریافت نمایند.

محور سوم:

تبلیغ و ارتباطات:

جهت گسترش و نشر فرهنگ صحیح مهدویت و تعمیق آن در سطوح مختلف جامعه، «معاونت تبلیغ و ارتباطات» بنیاد فعال بوده و در موارد ذیل فعالیت می کند:

۱. اعزام مبلغ و کارشناس: کارشناسان مرکز تخصصی مهدویت - در حین تحصیل و یا بعد از فراغت از آن- با توجه به نوع مخاطب، به گروه های تخصصی تقسیم شده و به مراکز علمی و فرهنگی اعزام می شوند. تا کنون در بیشتر دانشگاه های کشور، مدارس، حوزه های علمیه، همایش های استانی و بین المللی، صدا و سیما، اردوگاه ها، مراکز نظامی و انتظامی و... در مناسبت های مختلف، اعزام شده و با برپایی جلسات سخنرانی، پرسش و پاسخ، کلاس های کارورزی و کارگاهی، به نشر معارف مهدویت پرداخته اند. رایزنی با مراکز علمی، مساجد، صدا و سیما و... جهت اعزام کارشناس و مشاوره ادامه دارد.

۲. کانون های دانشجویی: به منظور ایجاد فضای معطر «انتظار» در دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی، با مشارکت نهاد مقام معظم رهبری، سازمان بسیج دانشجویی، جهاد دانشگاهی و دیگر نهادهای دانشجویی به همت دانشجویان عزیز، «کانون مهدویت» تأسیس شده و در زمینه های زیر فعال بوده است:

برگزاری جلسات سخنرانی، پرسش و پاسخ، نقد فیلم های مرتبط با موضوع مهدویت، آموزش کوتاه مدت حضوری، اینترنتی و کلاس های کارگاهی و پژوهشی معرفی کتاب ها و منابع معتبر و برنامه مدون به همراه سرفصل های مطالعاتی و برپایی اردوی زیارتی به مسجد مقدس جمکران و...

۳. مسابقات: بنیاد و مرکز تخصصی قم جهت ایجاد انگیزه در افراد، برای مطالعه و کسب شناخت و ارتقای سطح معرفت عمومی درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، تا کنون اقدام به برگزاری بیش از ده مسابقه سراسری متنوع، برای اقشار مختلف - همراه با جوایز ارزنده - نموده است.

۴. امور هنری: با توجه به اینکه دنیای امروز، دنیای تصویر و رسانه است بنیاد با ارائه موضوعات مناسب و متنوع به هنرمندان، آنان را به فعالیت

در عرصه مهدویت تشویق کرده است و همچنین جلسات متعددی با ارباب هنر و اندیشه داشته و هنرمندان را برای نگارش فیلمنامه و نمایشنامه به سوی موضوعات مهدوی رهنمون ساخته است.

۵. ارتباط با رسانه ها: به منظور ترویج مباحث مهدویت و پاسخ گویی به شبهات مطرح شده، بنیاد و مرکز تخصصی مهدویت، با تشویق و ترغیب اساتید و دانش پژوهان خود، برای ارائه مقالات در مطبوعات و معرفی کارشناسان به صدا و سیما (در برنامه های متعدد و شبکه های مختلف) و نیز راهنمایی و تشویق سازندگان برنامه های صدا و سیما ....، گامی دیگر در بسط فرهنگ انتظار برداشته شده است.

۶. تولید ابزار صوتی و تصویری: تولید و پخش کاست و CD برای اقشار مختلف جامعه، از دیگر اقدامات می باشد که گلچین مولودی خوانی مداحان مطرح و مناجات حضرت ولی عصر (عج) به بازار عرضه گردید.

۷. غنا بخشی جشن های نیمه شعبان و نهم ربیع الاول: بنیاد با چاپ پوستر، بروشور و مشارکت در این جشن ها اقدامات مختلفی صورت داده است.

۸. اردوگاه یاوران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف: مسجد مقدس جمکران تجلی گاه یاد و نام حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و مورد توجه عاشقان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده و هست، بنیاد جهت ایجاد فرصت و فضای مناسب و ارتقای سطح معرفتی و عاطفی زائران و اسکان آنها، اقدام به احداث اردوگاهی در کنار مسجد مقدس جمکران برای نسل نو- بویژه دانش آموزان و دانشجویان- نموده است.

این بنای عظیم در زمینی به مساحت ده هزار متر مربع در حال احداث است. آرزومندیم با عنایات حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و کمک مؤمنان در آینده نه چندان دور شاهد بهره برداری از آن باشیم.

آدرس بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف:

تهران خیابان شریعتی - خیابان ملک - نبش خیابان شهید یوسفیان - پلاک ۱

ص.پ ۱۵۶۵۵-۳۵۵

تلفن ۸۸۴۰۸۴۱۹

فاکس ۸۸۴۰۸۰۲۴

آدرس مرکز تخصصی مهدویت:

قم - خیابان شهداء (صفائیه) - کوچه ۲۲ (آمار) بن بست شهید علیان - مرکز تخصصی مهدویت

ص.پ ۳۷۱۳۵ - ۱۱۹

تلفن ۷۸۳۳۷۷۰ - ۷۷۴۰۲۹۷ - ۷۷۳۷۸۰۱

فاکس ۷۷۴۹۵۶۵ - ۷۷۳۷۱۶۰

آدرس سایت: [www.imammahdi-s.com](http://www.imammahdi-s.com)

پست الکترونیکی: [info@imammahdi-s.com](mailto:info@imammahdi-s.com)

جهت خرید و سفارش کتب مهدویت و اشتراک فصل نامه انتظار، با واحد انتشارات تماس بگیرید و مبلغ کتاب را به حساب جاری ۳۴۸۹ و یا سیبا ۰۳۰۳۰۱۷۸۴۷۶۵۰ بانک ملی شعبه حجثیه قم کد ۲۷۱۱ به نام بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف واریز کرده و اصل فیش را به همراه آدرس پستی خود، و نام کتاب یا مجله به آدرس مرکز تخصصی مهدویت قم ارسال نمایید.

لیست محصولات انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

ردیف

نام کتاب قیمت (ریال) ۱

نگین آفرینش

۲۱۵۰۰۰

مرجع مهدویت با CD

۱۲۰۰۰۰

۳

آینده جهان (کتاب سال حوزه)

۲۸۰۰۰

۴

فرهنگ نامه مهدویت

۲۵۰۰۰

۵

دکترین مهدویت

۹۰۰۰

۶

مهدویت از دیدگاه دین پژوهان غربی

۱۴۰۰۰



۷

انتظار پویا

۵۰۰۰

۸

جوانان یاوران مهدی

۴۰۰۰

۹

نینوا و انتظار

۷۰۰۰

۱۰

ضرورت طرح مباحث مهدویت

۲۰۰۰

۱۱

امام زمان در کلام آیت الله بهجت

۶۰۰۰

۱۲

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن

۶۰۰۰

۱۳

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در احادیث شیعه و سنی

۶۰۰۰

۱۴

زمزمه های انتظار

۶۰۰۰

ردیف

نام کتاب قیمت (ریال) ۱۵

مهدی ستیزان

۲۵۰۰

۱۶

مهدویت و آسیب ها

۳۵۰۰

۱۷

فصلنامه علمی - تخصصی انتظار (۱-۱۷)

۸۰۰۰

۱۸

پژوهشی عقلی پیرامون حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۲۵۰۰

۱۹

طلوع خورشید

۲۵۰۰

۲۰

امام مهدی در حدیث ثقلین

۶۰۰۰

۲۱

زنان در حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

۲۰۰۰

۲۲

شمیم

۳۰۰۰

۲۳

دولت مهدی سیرت مهدی

۴۰۰۰

۲۴

CD نقد فیلم نوستر آداموس

۱۵۰۰۰

۲۵

نگاهی دوباره به انتظار

۵۵۰۰

۲۶

درسنامه مهدویت

## کارت بازی انتظار

۶۰۰۰

نحوه تقاضا: وجه کتاب درخواستی را به حساب سیبا (۰۱۰۱۷۸۴۷۶۵۰۰۳) بانک ملی شعبه حجتیه قم کد ۲۷۱۱ به نام بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف واریز نموده و اصل فیش بانکی را همراه با نام و تعداد کتاب های درخواستی به نشانی ذیل از طریق پست یا فکس ارسال نمایید.

نشانی: قم- خیابان شهداء (صفائیه)- کوچه آمار (۲۲)- بن بست شهید علیان- پلاک ۲۴-

تلفن: ۷۷۳۷۱۶۰- کد پستی: ۱۱۹/۳۷۱۳۵

یادآوری: (۱) هزینه ارسال بعهده این مرکز می باشد. (۲) خریداران عمده از تخفیف ویژه برخوردار می باشند.

جلد ۲

اشاره

ص: ۱

درسنامه مهدویت (جلد ۲)

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

و

دوران غیبت

خدامراد سلیمان

در سنانه مهديت (۲)

مؤلف: خدامراد سليميان

ناشر: انتشارات بنياد فرهنگي حضرت مهدي موعود عجل الله تعالى فرجه الشريف

نوبت چاپ: دوازدهم زمستان ۹۱

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۴۲-۲

شمارگان: دو هزار نسخه (تاکنون سی و شش هزار نسخه)

قيمت: ۷۰۰۰ تومان

تمامي حقوق © محفوظ است.

\* قم: انتشارات بنياد فرهنگي حضرت مهدي موعود عجل الله تعالى فرجه الشريف، مرکز تخصصي مهديت / خيابان شهدا /

کوچه آمار (۲۲) / بن بست شهيد عليان / ص.پ: ۱۱۹ - ۳۷۱۳۵ / همراه: ۰۹۱۰۹۶۷۸۹۱۱ / تلفن: ۷۷۳۷۸۰۱ / فاکس: ۷۷۳۷۱۶۰

\* تهران: بنياد فرهنگي حضرت مهدي موعود عجل الله تعالى فرجه الشريف / تلفن: ۸۸۹۵۹۰۴۹ / فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹ /

ص.پ: ۳۵۵-۱۵۶۵۵

[www.imammahdi-s.com](http://www.imammahdi-s.com) m info@imammahdi-s.com

با قدرداني و تشکر از همکاراني که در توليد اين اثر نقش داشته اند:

اعضاي محترم شوراي کتاب حجج اسلام مجتبي کلباسي، محمدصاير جعفري، مهدي يوسفیان، محمدرضا فؤاديان و آقايان

احمد مسعوديان (مدیر داخلی)، عبدا... شريفی (مدیر فروش)، مرتضی دانش طلب (مدیر مالی)، رضا فريدي (صفحه آرا) و

کليه کساني که ما را ياري نمودند.

مدیر مسئول انتشارات بنياد فرهنگي حضرت مهدي موعود عجل الله تعالى فرجه الشريف حسين احمدی

ص: ٣

بسم الله الرحمن الرحيم





## فهرست مطالب

پیشگفتار. ۱۲

درس اول

آغاز امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۱۵

پیش درآمد.. ۱۶

تأکید بر پیشوایی آخرین امام معصوم. ۱۷

۱. حدیث معراج.. ۱۷

۲. حدیث لوح حضرت زهرا علیها السلام ۱۸

۳. حدیث غدیر. ۱۸

۴. حدیث رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم.. ۱۸

۵. حدیث امام علی علیه السلام ۱۹

نخستین اقدام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آغاز امامت... ۲۲

آغاز پیشوایی در خردسالی.. ۲۲

پیامبری حضرت عیسی علیه السلام از هنگام ولادت... ۲۴

پیامبری حضرت یحیی علیه السلام در کودکی.. ۲۴

پیشینه امامت در خردسالی.. ۲۵

نخستین امام خردسال.. ۲۶

کودکان نابغه، انسان هایی استثنایی.. ۲۸

خودآزمایی.. ۲۹

غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف (کلیات) ۳۱

پیش درآمد... ۳۲

مفهوم غیبت... ۳۳

پیشگویی غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۳۳

تأکید بر حتمی بودن غیبت... ۳۵

چگونگی غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۳۶

۱. پنهان بودن جسم... ۳۶

۲. پنهان بودن عنوان.. ۳۹

۳. پنهان بودن جسم و پنهان بودن عنوان، به تناسب شرایط... ۴۰

انواع غیبت... ۴۱

طولانی بودن غیبت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۴۲

خودآزمایی.. ۴۴

ص: ۶

منابع برای پژوهش.... ۴۴

درس سوم

فلسفه و علل غیبت... ۴۵

پیش درآمد... ۴۶

غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ؛ رازی از رازهای خداوند... ۴۷

۱. برای حفظ جان آن حضرت... ۴۸

۲. برای امتحان و آزمایش انسان ها ۵۰

۳. برای آزادگی از بیعت دیگران.. ۵۲

۴. برای تأدیب انسان ها ۵۳

خودآزمایی.. ۵۶

منابع برای پژوهش.... ۵۶

درس چهارم

فواید امام غایب عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۵۷

پیش درآمد... ۵۸

۱. نگرهبانی از آیین خداوند با هدایت های باطنی.. ۶۱

۲. نگهداشت جامعه از ناامیدی و سرخوردگی.. ۶۲

۳. ایمنی بخش از بلاها ۶۳

۴. ایجاد پروای الهی در پرتو باور وجود امام زنده در جامعه. ۶۴

۵. یاری برخی نیازمندان.. ۶۵

۶. دعای خیر آن حضرت در حق مؤمنان.. ۶۶

۷. تصویب امور سال در شب های قدر. ۶۶

امام غایب، بسان خورشید پشت ابر. ۶۶

خودآزمایی.. ۷۰

منابع برای پژوهش.... ۷۰

درس پنجم

غیبت صغرا و نیابت خاص... ۷۱

پیش درآمد.. ۷۲

ویژگی های غیبت صغرا ۷۳

۱. محدود بودن به زمان معین.. ۷۳

۲. پنهان نبودن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از همگان.. ۷۳

۳. ارتباط حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با مردم به وسیله افراد مشخص.... ۷۴

نیابت خاص.... ۷۴

سفیران چهارگانه (خاص). ۷۶

۱. عثمان بن سعید عمری.. ۷۶

۲. محمد بن عثمان بن سعید عمری.. ۷۹

۳. حسین بن روح نوبختی.. ۸۱

۴. علی بن محمد سمری.. ۸۳

چگونگی ارتباط شیعیان با نواب چهارگانه. ۸۴

وظایف نمایان خاص.... ۸۴

۱. بر طرف کردن تردید شیعیان درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.... ۸۵

۲. پنهان نگه داشتن مکان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.... ۸۵

۳. پاسخگویی به پرسش های فقهی و مشکلات علمی و عقیدتی.. ۸۵

۴. سازماندهی و کیل های حضرت... ۸۶

۵. آماده کردن شیعیان برای غیبت کبرا ۸۸

۶. رهبری دوستداران و طرفداران امام زمان علیه السلام و حفظ مصالح اجتماعی شیعیان.. ۸۸

۷. جلوگیری از فرقه گرایی و گروه گروه شدن شیعیان.. ۸۸

۸. مبارزه با مدعیان دروغین نیابت... ۸۹

۹. گرفتن اموال متعلق به امام و مصرف آن در موارد لازم. ۸۹

خودآزمایی.. ۹۰

منابع برای پژوهش.... ۹۰

درس ششم

فرمایش های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۹۱

پیش درآمد.. ۹۲

مجموعه نخست: از ولادت تا آغاز امامت... ۹۳

مجموعه دوم: سخنان دوران غیبت... ۹۴

توقیعات... ۹۴

چگونگی صدور توقیعات... ۹۵

بیشتر توقیعات به خط حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۹۶

دعاها ۱۰۰

۱. دعای افتتاح.. ۱۰۰

۲. دعای سمات... ۱۰۰

۳. دعای «اللهم ارزقنا توفیق الطاعه...» ۱۰۰

۴. دعای فرج «اللهم عظم البلاء» ۱۰۱

۵. دعای روزهای ماه رجب... ۱۰۱

۶. دعای «اللهم رب النور العظیم و رب الكرسی الرفیع و رب البحر المسجور...» ۱۰۱

۷. دعای ابوالحسن ضراب... ۱۰۱

زیارت نامه ها ۱۰۲

۱. زیارت آل یس... ۱۰۲

۲. زیارت ناحیه مقدسه. ۱۰۳

۳. زیارت رجبیه. ۱۰۳

مجموعه سوم: سخنان دوران ظهور. ۱۰۴

خودآزمایی.. ۱۰۵

منابع برای پژوهش... ۱۰۵

درس هفتم

ارتباط با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر غیبت... ۱۰۷

پیش درآمد... ۱۰۸

۱. عدم امکان ملاقات به طور مطلق.. ۱۱۱

۲. امکان ملاقات بدون شناخت... ۱۱۴

۳. وقوع ملاقات همراه با شناخت و عدم پذیرش ادعا ۱۱۵

۴. امکان ملاقات و پذیرش ادعا ۱۲۱

خودآزمایی... ۱۲۳

منابع برای پژوهش... ۱۲۳

درس هشتم

زندگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر غیبت (همسر و فرزندان) ۱۲۵

پیش درآمد... ۱۲۶

احتمال نخست: اثبات همسر و فرزند... ۱۲۷

احتمال دوم: انکار همسر و فرزند... ۱۳۵

خودآزمایی... ۱۴۰

منابع برای پژوهش... ۱۴۰

درس نهم

محل زندگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۱۴۱

پیش درآمد... ۱۴۲

۱. دوران زندگی با امام عسکری علیه السلام (۲۵۵۲۶۰ق). ۱۴۳

۲. دوران غیبت صغرا (۲۶۰۳۲۹ق). ۱۴۷



۳. دوران غیبت کبرا ۱۴۸

۴. دوران ظهور. ۱۵۱

بررسی داستان جزیره خضرا ۱۵۳

بررسی داستان.. ۱۵۷

الف. از نظر سند.. ۱۵۷

ب. از نظر محتوا ۱۵۸

خودآزمایی.. ۱۶۵

منابع برای پژوهش.... ۱۶۵

درس دهم

انحراف از مهدویت (۱) ۱۶۷

پیش درآمد.. ۱۶۸

ادعای دروغین نیابت، آغاز انحراف های بزرگ.... ۱۶۸

آغاز شکل گیری مدعیان دروغین.. ۱۷۱

۱. جایگاه ویژه نایب نخست... ۱۷۱

۲. شرایط سیاسی و اجتماعی.. ۱۷۱

۳. عدم عادت مردم. ۱۷۱

برخی از معروف ترین مدعیان دروغین.. ۱۷۳

۱. ابومحمد حسن شریعی.. ۱۷۳

۲. محمد بن نصیر نمیری.. ۱۷۵

۳. ابوطاهر محمد بن علی بن هلال.. ۱۷۶

۴. حسین بن منصور حلاج.. ۱۷۶

۵. ابوجعفر محمد بن علی شلمغانی.. ۱۷۸

۶. احمد بن هلال کرخی.. ۱۸۰

خودآزمایی.. ۱۸۲

منابع برای پژوهش.... ۱۸۲

درس یازدهم

انحراف از مهدویت (۲) ۱۸۳

پیش درآمد.. ۱۸۴

شیخیه، بستر پیدایش یک انحراف بزرگ.... ۱۸۴

بابیه، یک انحراف بزرگ.... ۱۸۹

آرا و عقاید باب... ۱۹۲

بهائیت، استمرار انحراف... ۱۹۳

پیدایش فرقه «بهائیه» ۱۹۳

سرانجام دعوت میرزا بهاء. ۱۹۴

آیین ها و باورهای بهائیان.. ۱۹۵

انجمن حجّیه، یکی از گروه های مبارز با بهائیت... ۱۹۷

خودآزمایی.. ۱۹۹

منابع برای پژوهش.... ۱۹۹

درس دوازدهم

انتظار در فرهنگ شیعه. ۲۰۱

پیش درآمد.. ۲۰۲

معنای لغوی و اصطلاحی «انتظار فرج» ۲۰۲

جایگاه انتظار در فرهنگ شیعه ۲۰۴

۱. انتظار فرج به معنای عام. ۲۰۴

۱۱. عبادت و بندگی.. ۲۰۴

۱۲. برترین عبادت... ۲۰۴

۱۳. برترین کارها ۲۰۵

۱۴. فرج بودن خود فرج.. ۲۰۵

۱۵. برترین جهاد. ۲۰۵

۲. انتظار فرج به معنای خاص.... ۲۰۶

انواع انتظار. ۲۰۷

۱. انتظار صحیح و سازنده. ۲۰۷

۲. انتظار غلط و ویرانگر. ۲۰۸

بنیان های اساسی پدیده انتظار. ۲۱۰

الف. قانع نبودن نبودن از وضع موجود. ۲۱۰

ب. امید و توقع دستیابی به وضع مطلوب... ۲۱۰

ج. حرکت و تلاش برای گذر از وضع موجود و قرار گرفتن در وضع مطلوب... ۲۱۰

۱. آگاهی به عدم حضور ظاهری امام. ۲۱۱

۲. احساس نیاز به وجود امام حاضر. ۲۱۱

۳. یقین به ظهور امام غایب... ۲۱۱

۴. دوست داشتن ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۲۱۲

۵. نزدیک دانستن ظهور. ۲۱۲

آثار فردی و اجتماعی تربیتی انتظار. ۲۱۳

۱. گسترش امیدهای واقعی.. ۲۱۳

۲. پویایی در جهت رسیدن به هدف... ۲۱۴

۳. ایجاد وحدت و همگرایی.. ۲۱۴

۴. احساس حضور. ۲۱۴

خودآزمایی.. ۲۱۶

منابع برای پژوهش... ۲۱۶

درس سیزدهم

منتظر، فضیلت ها، وظیفه ها ۲۱۷

پیش درآمد.. ۲۱۸

۱. منتظران راستین، برترین مردم همه روزگاران.. ۲۱۸

۲. بسان حاضران در خیمه آن حضرت هنگام ظهور. ۲۱۹

۳. ثواب ایشان مانند پاداش نماز گزار و روزه دار. ۲۱۹

۴. گرامی ترین امت و رفیق پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم.. ۲۲۰

۵. بسان مجاهدان در راه خدا در رکاب حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم.. ۲۲۰

۶. پاداش هر یک از آن ها برابر هزار شهید از شهیدان صدر اسلام. ۲۲۰

بایسته های عصر انتظار. ۲۲۲

الف. وظایف عام. ۲۲۲

۱. شناخت امام هر زمان.. ۲۲۲

۲. پایداری در محبت اهل بیت علیهم السلام ۲۲۵

۳. پرهیزگاری و رعایت تقوای الهی.. ۲۲۷

۴. پیروی از دستور های امامان علیهم السلام ۲۲۷

۵. دست گیری از ضعفا و فقیران.. ۲۲۸

ب. وظایف خاص.... ۲۲۸

۱. دوستی با دوستان و دشمنی با دشمنان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.... ۲۲۹

۲. صبر بر سختی های دوران غیبت... ۲۲۹

۳. دعا برای فرج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.... ۲۳۰

۴. آماده باش دائمی.. ۲۳۱

۵. بزرگداشت نام و یاد آن حضرت... ۲۳۲

۶. حفظ پیوند با مقام ولایت... ۲۳۳

خودآزمایی.. ۲۳۴

منابع برای پژوهش.... ۲۳۴

درس چهاردهم

غیبت کبرا و نیابت عام. ۲۳۵

پیش درآمد.. ۲۳۶

نیابت عام. ۲۳۸

ولایت فقیه. ۲۴۱

جایگاه ولایت فقیه در باورهای شیعه. ۲۴۱

ادله ولایت فقیه. ۲۴۲

ولی فقیه. ۲۴۳

حکومت از نگاه آموزه های اسلامی.. ۲۴۵

اندیشه سیاسی شیعه. ۲۴۷

مقطع حضور امام معصوم علیه السلام ۲۴۷

دوران غیبت امام عصر علیه السلام ۲۴۸

خودآزمایی.. ۲۴۹

منابع برای پژوهش.... ۲۴۹

درس پانزدهم

کتاب شناسی مهدویت... ۲۵۱

پیش درآمد... ۲۵۲

امامت و مهدویت... ۲۵۳

المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۲۵۵

تاریخ غیبت کبرا ۲۵۷

مکیال المکارم فی فواید الدعاء للقائم.. ۲۵۸

مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف (ترجمه جلد سیزدهم بحار الانوار). ۲۵۹

تاریخ عصر غیبت... ۲۶۰

تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم.. ۲۶۲

روزگار رهایی ( ترجمه کتاب يوم الخلاص). ۲۶۳

پژوهشی پیرامون زندگانی نواب خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۲۶۴

جزیره خضرا در ترازوی نقد.. ۲۶۵

منابع و مآخذ.. ۲۶۷

## پیشگفتار

دوران پنهان زیستی آخرین پیشوای معصوم عجل الله تعالی فرجه الشریف، از فرازهای مهم زندگی آن حضرت است که از آن، با عنوان رازی از رازهای خداوند و غیبی از غیب های پروردگار، یاد شده است.

این دوران پر رمز و راز، نه فقط برای آن پرده نشین که برای پیروان آن یار سفر کرده نیز دارای اهمیت فراوانی است.

این ارجمندی و اهمیت، سبب شده است از چرایی و سبب های غیب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، تا چگونگی آن پنهان زیستی و از انواع پنهان زیستی تا فلسفه و علل آن همه و همه، در کلام پیشوایان نور به روشنی مطرح شود؛ البته آن اندازه که ما شایسته فهم آن بوده ایم.

اگر چه سر بودن این دوران، بسیاری از حقیقت های آن را در هاله ای قرار داده است، سخنان ارزشمند پیشوایان معصوم علیهم السلام، همواره افق های نوینی را برابر دیدگان مشتاقان و پژوهندگان قرار داده است.

بنابراین، بررسی های ژرف در موضوعات یادشده و مانند آن، می تواند در فهم هر چه بیشتر مفاهیم مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و دوران غیب آن حضرت مفید باشد.

اگر چه تلاش های شایسته در این عرصه، میوه های ارجمندی به بار آورده است، یکی از کاستی های این بحث، متنی آموزشی برای انسجام بخشی به بررسی های موضوعی این مباحث است که جای آن بسی خالی است.



بدین سان با اتکا به لطف بی پایان حضرت حق و عنایات قلب عالم امکان و دلگرمی دوستان فرهیخته با دست مایه ای اندک به اقدامی بس بزرگ دست زده، قدمی، گرچه کوتاه در این راه برداشته ام. باشد با آثار ارزنده دیگر پژوهشیان کمبودهای آن به زیور تکامل آراسته شود.

اینک آنچه پیش روی شما خواننده گرامی قرار دارد، دومین بخش از مجموعه چهار جلدی درسنامه مهدویت با عنوان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و دوران غیبت است. در این کتاب، مباحث مربوط به پنهان زیستی آن امام همام بحث و بررسی می شود.

پیش از این در جلد نخست، با عنوان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا امامت به بحث و بررسی موضوع مهدویت از ابتدای شکل گیری، تا آغاز امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، پرداختم. به یاری خداوند، پس از این در جلد سوم با عنوان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ظهور تا حکومت جهانی به بررسی موضوعات مربوط به ظهور و مسایلی که تا حکومت جهانی آن حضرت رخ می نماید، می پردازم و سرانجام در جلد پایانی، حکومت جهانی آن بزرگوار با عنوان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و حکومت جهانی را بررسی می کنم.

سپاسگزاری خود را از همه اساتید بزرگواری که با راهنمایی های خود، این کمترین را یاری فرمودند، اعلام کرده، از همه کوشندگان در بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و مرکز تخصصی مهدویت به ویژه حضرت حجت الاسلام و المسلمین کلباسی قدردانی می نمایم که این کتاب را در کنار مجموعه ارجمندی از میراث فرهنگی متعالی و معارف دریاوش پیشوایان دین علیهم السلام و دانشوران محترم که آن بنیاد ارجمند به چاپ و نشرش همت می گمارد، پذیرفته و به شایستگی آن را چاپ و منتشر کردند.

امید آن که این تلاش اندک، مورد پذیرش خداوند یگانه و رضایت آن پیشوای پنهان قرار گرفته، در جهت شناختن فرهنگ و معارف مهدویت مفید افتد.

و توفیق از خداوند است.

خدامراد سلیمیان



## درس اول: آغاز امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

تأکید بر پیشوایی آخرین امام معصوم

نخستین اقدام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آغاز امامت

آغاز پیشوایی در خردسالی

پیامبری حضرت عیسی علیه السلام از هنگام ولادت

پیامبری حضرت یحیی علیه السلام در کودکی

پیشینه امامت در خردسالی

کودکان نابغه، انسان هایی استثنایی

## پیش درآمد

شیعه با بهره مندی از برهان های عقلی و آموزه های آفتاب گون پیشوایان معصوم علیهم السلام ، بر این باور است که در هر زمان، برای انسان ها، ناگزیر باید حجّتی (۱) از طرف خداوند نصب شود. (۲)

بر اساس روایات قابل اعتماد، این حجّت ها، پس از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، در دوازده پیشوا منحصرند، که با گزینش خداوند و گزارش آن آخرین سفیر الهی، امامت مردم را بر عهده گرفتند. هم آنان که یازدهمین ایشان امام حسن عسکری علیه السلام و آخرین آن ها، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و دیگری شایستگی چنین جایگاهی را ندارد؛ بدون تردید.

اِیّا آنچه این جا بیشتر محل بحث و نظر است، به امامت رسیدن آخرین حجّت خداوند، در سنّ خردسالی است. اگر چه این مسأله، افزون بر برخی پیامبران در برخی پیشوایان معصوم علیهم السلام پیش از آن، رخ نموده بود، همواره از طرف مخالفان، به صورت چالشی در مباحث مهدویّت مطرح شده است.

۱- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۷۸ (باب ان الارض لاتخلو من حجه).

۲- بقره (۲): ۱۲۴.

از روایت‌ها و حکایت‌های تاریخی به روشنی به دست می‌آید، سال‌ها پیش از آن که نهم ربیع الاول سال ۲۶۰ ق فرا رسد، پیشوایان معصوم علیهم السلام و به ویژه واپسین فرستاده خداوند، پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم امامت آخرین حجّت الهی، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نوید داده بودند.

نه فقط پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام که برخی از دانشوران اهل سنت، در روایاتی چند به این حقیقت بزرگ اشاره کرده اند. (۱)

### تأکید بر پیشوایی آخرین امام معصوم

#### اشاره

از آن جا که شرایط امامت آخرین امام، با پیشوایان پیشین دیگر گون بود، پافشاری‌های فراوانی بر آگاهی بخشی امامت ایشان شده است.

برخی روایت‌ها که بر این امر اصرار داشت، بدین قرار است:

#### ۱. حدیث معراج

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره آنچه در شب معراج دیده بود، پس از بیان دیدن نور پیشوایان معصوم علیهم السلام و آخرین جانشین خود میان آن‌ها، می‌فرماید:

...فَقُلْتُ: «يَا رَبِّ مَنْ هَؤُلَاءِ؟ فَقَالَ: «هَؤُلَاءِ الْأَئِمَّةُ وَ هَذَا الْقَائِمُ يُحِلُّ حَلَالِي وَ يُحَرِّمُ حَرَامِي وَ يَنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِي. يَا مُحَمَّدُ! أَحِبَّهُ فَإِنِّي أَحِبُّهُ وَ أَحِبُّ مَنْ يُحِبُّهُ...»؛ (۲)

...عرض کردم: «پروردگارا! اینان چه کسانی هستند؟» فرمود: ایشان پیشوایانند و این قائم است؛ همو که حلال مرا حلال می‌کند و حرام مرا حرام می‌سازد و از دشمنان من انتقام می‌گیرد. ای محمد! او را دوست بدار. پس همانا من او را دوست می‌دارم و هر کس که او را دوست بدارد، نیز دوست می‌دارم...».

۱- ر.ک: صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، (الفصل الاوّل فیما یدلّ علی أنّ الائمة اثنا عشر...) .

۲- نعمانی، الغیبه؛ ص ۹۳؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۲.

**۲. حدیث لوح حضرت زهرا علیها السلام**

لوح حضرت زهرا علیها السلام که هدیه خداوند به آن بانوی بزرگوار است. اسامی همه پیشوایان معصوم علیهم السلام را ذکر کرده است. در پایان این لوح پس از یاد از امامت امام عسکری علیه السلام، چنین می خوانیم:

...أَكْمَلُ ذَلِكَ بِإِنِّهِ مُحَمَّدٌ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ...؛ (۱)

[...امامت را با فرزندش، محمد که رحمت برای جهانیان است، کامل خواهم کرد.

**۳. حدیث غدیر**

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در واپسین ماه های عمر خود ضمن پافشاری بر امامت نخستین پیشوای مسلمانان، درباره آخرین پیشوا چنین فرمود:

...مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنِّي نَبِيٌّ وَعَلِيٌّ وَصِيٌّ. أَلَا إِنَّ خَوَاتِمَ الْمَأْتَمَةِ مِنَّا الْقَوَائِمُ الْمَهْدِيُّ. أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ. أَلَا إِنَّهُ الْمُتَّقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ؛ (۲)

...ای مردمان! همانا به درستی که من پیامبرم و علی جانشین من است. آگاه باشید! ختم کننده پیشوایان از ما است. او قائم مهدی است. آگاه باشید! هو است که دین را برتری خواهد بخشید و انتقام گیرنده از ستمگران است.

**۴. حدیث رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم**

از دیگر سخنانی که در آن به روشنی به شمار پیشوایان معصوم اشاره شده، بیان نورانی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است که فرمود:

الْأئِمَّةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَوْلَهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ آخِرُهُمُ الْقَائِمُ فَهُمْ خُلَفَائِي وَ أَوْصِيَاءِي وَ أَوْلِيَائِي وَ حُجَجُ اللَّهِ عَلَى أُمَّتِي بَعْدِي الْمُقَرَّبِينَ بِهِمْ مُؤْمِنٌ وَ الْمُنْكَرُ لَهُمْ كَافِرٌ؛ (۳)

پیشوایان پس از من، دوازده نفرند. نخستین ایشان، علی بن ابی طالب، و

۱- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۲۷.

۲- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۲۱۳.

۳- شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ۱۷۹.

آخرین آن‌ها قائم است. آن‌ها جانشینان و اوصیای و اولیای من و حجت‌های خداوند پس از من، بر امت من هستند. اقرار کننده به آن‌ها مؤمن و انکار کننده ایشان کافر است.

### ۵. حدیث امام علی علیه السلام

پیشوایان معصوم علیهم السلام نیز به پیروی از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم همواره به زنجیره امامان دوازدهگانه اشاره کرده‌اند؛ به روشنی از دوازدهمین ایشان یاد نموده، شیعیان را از افتادن در دام انحراف و مدعیان، برحذر داشته‌اند.

آن‌گاه که از حضرت علی علیه السلام درباره معنای روایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که فرموده بود: «إِنِّي مُخَلَّفٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِثْرَتِي» پرسیده شد «عترت» چه کسانی هستند؟ فرمود:

أَنَا وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ الْأَئِمَّةُ الشَّيْعَةُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ تَأْسِعُهُمْ مَهْدِيُّهُمْ وَ قَائِمُهُمْ لَا يُفَارِقُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَ لَا يُفَارِقُهُمْ حَتَّى يَرِدُوا عَلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سلم حَوْضَهُ؛<sup>(۱)</sup>

من و حسن و حسین و پیشوایان نهگانه از فرزندان حسین. نهمین آن‌ها مهدی آن‌ها است. هرگز از کتاب خدا جدا نمی‌شوند و کتاب خدا نیز از آن‌ها جدا نمی‌شود. تا آن‌که کنار حوض پیامبر، بر او بازگردند.

افزون بر روایت‌های یاد شده که از مهم‌ترین دلایل‌ها بر امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است، دیگر پیشوایان معصوم علیهم السلام نیز سخنان ارزشمندی در این باره فرموده‌اند. که برخی بدین قرار است:

دومین پیشوای شیعیان، امام حسن مجتبی علیه السلام، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نهمین فرزند برادر خود حسین و پسر سرور کنیزان دانسته است.<sup>(۲)</sup>

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۴۰.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۵.

امام حسین علیه السلام در اشاره به امامت نهمین پیشوای هدایتگر از نسل خود، از وی با «قائم به حق» یاد کرده است. (۱)

امام سجّاد علیه السلام نیز در سخنی ارزشمند به امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره کرده، آن حضرت را دوازدهمین جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و پیشوایان پس از او دانسته است. (۲)

امام باقر علیه السلام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نهمین پیشوای پس از حسین بن علی علیهما السلام و قائم آن ها خوانده است. (۳)

ششمین پیشوای شیعیان، به روشنی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را دوازدهمین از پیشوایان هدایت پس از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ذکر کرده است. (۴)

هفتمین امام معصوم نیز آن حضرت را پنجمین از فرزندان خود دانسته، فرمود:

برای او غیبتی است که مدتش طولانی خواهد شد. (۵)

امام رضا علیه السلام پس از اشاره به دوران غیبت و سختی های آن، سبب آن سختی ها را پنهان بودن پیشوای ایشان ذکر کرده است. (۶)

امام جواد علیه السلام نیز درباره آن حضرت، وی را سومین از فرزندان خود دانسته است. (۷)

امام هادی علیه السلام، جدّ بزرگوار آن حضرت نیز به پیشوایی آن حضرت پس از فرزند خود امام عسکری علیه السلام تأکید کرده است. (۸)

و سرانجام این تلاش پیوسته، به دست یازدهمین پیشوای معصوم علیه السلام به اوج خود رسید که در آن، آخرین ذخیره الهی به نیکوترین صورت ممکن، معرفی شده است.

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۷.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۹.

۳- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۳۳، ح ۱۵.

۴- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۴۲.

۵- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۶۱.

۶- شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۷۳.

۷- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۷.

۸- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۸۳.



آن جا که از آن حضرت درباره درستی یا چگونگی این خبر که به نقل از پدران بزرگوارش رسیده است، پرسیدند که:

أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّهِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَأَنَّ مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؛

زمین، هیچ گاه از حجت خدا بر خلقش خالی نیست. هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است.

آن حضرت فرمود:

إِنَّ هَذَا حَقٌّ كَمَا أَنَّ النَّهَارَ حَقٌّ؛

این مطلب حق است؛ آن گونه که روز، حق است.

سپس از آن حضرت سؤال شد: «ای پسر پیامبر! حجت و امام پس از شما کیست؟»

فرمود:

إِنِّي مُحَمَّدٌ وَهُوَ الْإِمَامُ وَالْحُجَّةُ بَعْدِي مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؛<sup>(۱)</sup>

فرزندم محمد. او امام و حجت پس از من است. هر کس بمیرد و او را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است.

تا این که با شهادت یازدهمین پیشوای شیعیان در هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ ق<sup>(۲)</sup>، در حالی که بیش از پنج بهار<sup>(۳)</sup> از عمر آخرین ذخیره الهی سپری نشده بود، فصل بهره مندی مستقیم انسان ها از امام ظاهر به پایان رسید و در پی آن، دورانی بسیار مهم در زندگی پیروان اهل بیت علیهم السلام پیش آمد. این دوران، همزمان با دو رخداد مهم آغاز شد:

نخست: رسیدن آخرین حجت الهی به مقام امامت؛

دیگر: قرار گرفتن آن حضرت در پرده پنهان زیستی.

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۰۹، باب ۳۸، ح ۹.

۲- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۰۳.

۳- شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۳۹.

اگر چه برگزیدگانی از شیعه برای این مرحله آمادگی کامل داشتند، می بایست هر دو رخداد (امامت و غیبت)، برای عموم شیعیان به اثبات برسد؛ چرا که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نخستین روز امامت را در حالی آغاز کرد که جز افرادی اندک که پیش از آن، در دوره امام عسکری علیه السلام آن حضرت را دیده بودند<sup>(۱)</sup>، کسی او را ندیده بود.

### نخستین اقدام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آغاز امامت

#### اشاره

بنابراین، روز در گذشت امام یازدهم و نخستین روز امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، فرا رسید و آن حضرت، ناگزیر میان مردم آمده، بر پیکر پدر نماز گزارد.

این رخداد، به گونه هایی چند روایت شده است. در یک روایت، شیخ صدوق، آن را به صورت مفصل از زبان ابوالادیان یکی از خدمتکاران خانه و متصدی امور نامه های امام عسکری علیه السلام گزارش کرده است.<sup>(۲)</sup>

به نظر می رسد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از شهادت پدر، در نخستین ساعت های غیبت با حضور در کنار بدن پدر و اقامه نماز بر آن حضرت، مسایلی را مورد توجه قرار داد که همگی به نوعی در ارتباط با بحث امامت خود بود:

۱. اجرای سنت الهی در اقامه نماز امام بر امام؛

۲. پیشگیری از اعلام ختم امامت؛

۳. پیشگیری از انحراف داخلی در قضیه امامت؛

۴. تثبیت ادامه جریان امامت بر حق و اعلام استمرار امامت در امام زنده.<sup>(۳)</sup>

### آغاز پیشوایی در خردسالی

در این رخداد آنچه برای مردم، از همه شگفت آورتر بود، این بود که با کودکی پنج ساله روبه رو بودند که می گفت جانشین امام عسکری علیه السلام است.

۱- ر.ک: شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۸۴ و ۴۵۷.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۷۵، باب ۴۳، ح ۲۵. همچنین ر.ک: نیلی نجفی، منتخب الانوار المضيئه، ص ۱۵۷؛ راوندی، قطب الدین، الخرائج والجرائح، ج ۳، ص ۱۱۰۱.

٣- ر.ك: حكيمى، محمد رضا، خورشيد مغرب، ص ٢٤ ٢٥.

همان گونه که یاد شد، پیش از آن، با هدایت های پیوسته پیامبر و امامان نور علیهم السلام شیعه به این نکته باور پیدا کرده بود که خداوند متعال، از طریق آخرین پیامبر خود، مقام امامت و ولایت را به سبب قابلیت های ذاتی به افرادی خاص عطا فرموده و فقط از طرف او است که برای جامعه امام نصب می شود. نیز این که این قابلیت، هیچ ارتباطی به کمی یا زیادی سن ندارد.

جالب این که این گونه پیشوایی، پیش از آن، هم بین امامان علیهم السلام و هم در زنجیره پیامبران علیهم السلام دارای سابقه بود.

یکی از دانشوران معاصر، امامت در سنین کم را پدیده ای واقعی دانسته، چنین استدلال کرده است:

... امامی که در کودکی به پیشوایی روحی و فکری مردم رسیده، و مسلمانان حتی در کشاکش آن همه موج ویرانگر، باز خویشتن خویش را به پیروی و دوستی او گماشتند، به طور مسلم باید از دانش و آگاهی و گستردگی دید و دانا بودن به فقه و تفسیر و عقاید، بهره ای آشکار و چشمگیر داشته باشد؛ چون در غیر این صورت نمی توانسته مردم را به پیروی از خویش وادارد...

به فرض محال که مردم نتوانستند حقیقت و واقعیت امر را دریابند، دستگاه خلافت و نیروی حاکم که آن همه دشمنی علنی با امام داشته، چرا بر نخاسته و پرده از رخسار حقیقت نینداخته است؟

اگر امام خردسال، از دانش و سطح تفکر عالی برخوردار نبود، خلفای معاصر، خیلی خوب می توانستند جنجال به پا کنند؛ اما سکوت آن ها و سکوت تاریخ، گواه است که امامت در سنین کم، پدیده ای حقیقی بوده است، نه ساختگی. (۱)

البته پیش از آن که در مسیر هدایت جامعه، نوبت به پیشوایی جانشینان آخرین فرستاده الهی برسد، خداوند متعال، پیامبرانی را در کودکی به مقام نبوت مفتخر ساخته بود؛ بدین قرار:

---

۱- صدر، سید محمد باقر، جست و جو و گفت و گو پیرامون امام مهدی علیه السلام، ص ۴۷۴۸.

### پیامبری حضرت عیسی علیه السلام از هنگام ولادت

از میان پیامبران اولوالعزم، یگانه پیامبری که از هنگام ولادت، به نبوت خویش به طور آشکار تصریح کرده، حضرت عیسی بن مریم علیها السلام است.

خداوند در آیات قرآن، در بخشی از داستان حضرت مسیح علیه السلام از زبان پیامبر خود در پاسخ منکران چنین می فرماید:

«قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِي الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا»؛<sup>(۱)</sup>

[کودک] گفت: من بنده خدا هستم، به من کتاب داده و مرا پیامبر قرار داده است.

یزید کناسی می گوید:

از امام باقر علیه السلام پرسیدم: «آیا عیسی بن مریم علیهما السلام، هنگامی که در گهواره سخن گفت، حجت خدا بر اهل زمان خود بود؟» حضرت فرمود:

«او آن زمان پیغمبر و حجت غیر مرسل خدا بود [=یعنی در آن زمان، مأمور به تبلیغ و دعوت نبود]. مگر نمی شنوی گفته خود او را که می گوید: «من بنده خدایم. خدا به من کتاب داده و پیغمبر ساخته و هر جا باشم پر برکتتم قرار داده و تا زنده باشم، مرا به نماز و زکات سفارش کرده است.»

عرض کردم: «در آن زمان و در همان حالی که در گهواره بود، حجت خدا بود بر زکریا؟».

فرمود: «...چون عیسی هفت ساله شد و خدای تعالی به او وحی فرستاد، از نبوت و رسالت خود سخن گفت و بر یحیی و همه مردم حجت شد...».<sup>(۲)</sup>

### پیامبری حضرت یحیی علیه السلام در کودکی

حضرت یحیی علیه السلام یکی دیگر از پیامبرانی است که در کودکی به مقام نبوت رسید. خداوند در این باره خطاب به وی می فرماید:

«يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتِنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا»<sup>(۳)</sup>

ای یحیی! کتاب خدا را به جدّ و جهد بگیر. ما از کودکی به وی حکم [نبوت] دادیم.

٢- شيخ كليني، كافي، ج ١، باب حالات الأئمة عليهم السلام في السن.

٣- مريم (١٩): ١٢.

یکی از مفسران اهل سنت، حکمی را که خداوند به حضرت یحیی علیه السلام داد، همان نبوت دانسته، بر این باور است که خداوند متعال، عقل او را در سنین کودکی محکم و کامل کرد و به او وحی فرستاد. (۱)

در یکی از تفسیرهای معاصر، پس از آیه پیشین می خوانیم:

درست است که دوران شکوفایی عقل انسان به صورت معمول حد و مرز خاصی دارد؛ ولی می دانیم همیشه در انسان ها افرادی استثنایی وجود داشته اند. چه مانعی دارد که خداوند این دوران را برای بعضی از بندگانش به خاطر مصالحی فشرده تر کند و در سال های کمتری چکیده نماید؛ همان گونه که برای سخن گفتن، به صورت معمول گذشتن یکی دو سال از تولد لازم است؛ در حالی که می دانیم حضرت عیسی علیه السلام در همان روزهای نخست زبان به سخن گشود؛ آن هم سخنی پر محتوا که طبق روال عادی در شأن انسان های بزرگسال بود. (۲)

در ادامه، این آیه را دلیل روشنی بر درست بودن امامت برخی ائمه علیهم السلام در خردسالی دانسته است.

بنابراین، همان گونه که خداوند متعال، مقام نبوت را به کودک خردسالی داد، می تواند مقام امامت را نیز با تمام ویژگی های لازم، به کودکی عطا فرماید.

### پیشینه امامت در خردسالی

همان گونه که پیش از این نیز یاد شد، روایت های فراوان و شواهد تاریخی، گویای آن است که پیش از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دو امام (امام جواد و امام هادی علیهما السلام) نیز پیش از سن بلوغ جسمانی به امامت رسیدند. این، خود ایجاد آمادگی برای پذیرش امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، در کودکی بود.

۱- فخر رازی، تفسیر فخر رازی، ج ۱۱، ص ۱۹۲.

۲- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۲۷.

## نخستین امام خردسال

در میان امامان دوازدهگانه، نخستین پیشوایی که در سن کودکی به امامت رسید، حضرت جواد الائمه علیه السلام بود.

حضرت امام محمد تقی علیه السلام نهمین پیشوای شیعیان و یگانه فرزند حضرت رضا علیه السلام، در روز دهم رجب سال ۱۹۵ق در مدینه چشم به جهان گشود. آن حضرت، در هفت سالگی به مقام امامت رسید. (۱)

از آن جا که این مسأله در دوران امامت بی سابقه بود، در ابتدا برخی بدان اعتراض کردند؛ ولی رفته رفته با هدایت های قبلی امام رضا علیه السلام و کرامت هایی از خود آن حضرت، دل شیعیان آرام گرفت.

معمربن خلاد گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم مطلبی درباره امر امامت بیان کرد و سپس فرمود:

مَا حَاجْتُكُمْ إِلَى ذَلِكَ هَذَا أَبُو جَعْفَرٍ قَدْ أَجْلَسْتُهُ مَجْلِسِي وَ صَيَّرْتُهُ مَكَانِي وَقَالَ إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ يَتَوَارَثُ أَصَاغِرُنَا عَنْ أَكَابِرِنَا الْقُدَّةَ بِالْقُدَّةِ؛

چه احتیاجی به این موضوع دارید؟ این ابوجعفر است که او را به جای خود نشانیده و قائم مقام خود ساخته ام و فرمود: ما خاندانی هستیم که خردسالانمان مو به مو از بزرگسالانمان ارث می برند. (۲)

این روایت بیانگر آن است که مقام امامت، به کمی و یا زیادی سن ربطی ندارد.

ابوبصیر گوید: خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم، در حالی که کودک نابالغی عصاکش من بود. حضرت به من فرمود:

كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا اخْتَجَّ عَلَيْكُمْ بِمِثْلِ سِنَّهُ أَوْ قَالَ سَيَلَى عَلَيْكُمْ بِمِثْلِ سِنَّهُ؛

چگونه خواهید بود زمانی که حجت بر شما هم سال این کودک باشد؟ (۳) [یا فرمود: همسال این کودک بر شما ولایت داشته باشد]. (۴)

۱- شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۲۷۳.

۲- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۲۰، ح ۲.

۳- به نظر می رسد مقصود آن حضرت، امام جواد علیه السلام بوده است. اگر چه می تواند اشاره به امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز باشد.

۴- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، (حالات الائمه علیهم السلام فی السن، ح ۴).



صفوان بن یحیی گوید: «به امام رضا علیه السلام عرض کردم: پیش از آن که خدا ابو جعفر را به شما ببخشد، درباره جانشین تان از شما می پرسیدیم و شما می فرمودید؛ خدا به من پسری عنایت می کند. اکنون او را به شما عنایت کرد و چشم ما را روشن نمود. اگر خدای ناخواسته برای شما پیش آمدی کند، به که بگرویم؟ حضرت با دست اشاره به ابی جعفر فرمود که در برابرش ایستاده بود، عرض کردم: قربانت گردم، این پسر سه ساله است: فرمود:

وَمَا يَضُرُّهُ مِنْ ذَلِكَ فَقَدْ قَامَ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْحُجَّةِ وَهُوَ ابْنُ ثَلَاثِ سِنِينَ؛

چه مانعی دارد عیسی سه ساله [کمتر] بود که به حجّت قیام کرد. (۱)

اگر چه برخی در برابر این اراده از خود واکنش های نامناسبی نشان دادند، اما کم نبودند انسان های وارسته ای که در برابر این خواست الهی، در کمال تواضع سر فروتنی و پذیرش فرود آورده، با خشنودی کامل آن را پذیرفتند.

از جمله ایشان علی بن جعفر بن محمد "عموی امام رضا علیه السلام" بود که در برابر امام جواد علیه السلام در نهایت فروتنی بر پیروی از ایشان تأکید می نمود. (۲)

از این جا بود که پیروان خالص اهل بیت علیهم السلام با این باورمندی که مقام امامت امری فراتر از محاسبات ظاهری است در امامت امام هادی علیه السلام، با اطمینان بیشتری آن را پذیرفتند. چرا که ایشان نیز در سنّ هشت سالگی به امامت رسید. (۳)

از آن جایی که شرایط حاکم بر امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این روند را به گونه ای دیگر رقم زد، تردیدهای شکننده ای را در ذهن شیعه پدید آورده، کار امام حسن عسکری علیه السلام را مشکل ساخت. آن حضرت نه فقط در سن و سالی کمتر از دیگر امامان به امامت رسید، بلکه به خاطر مصالحتی ولادتش نیز پنهانی بود. و تا زمان امامت، جز اندکی، جمال دل آرای او را ندیده بودند.

۱- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، (باب الاشارة والنص علی ابی جعفر الثانی).

۲- شیخ کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۲۲، ح ۱۲.

۳- ر.ک: شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۲۹۷.

البته حافظه شیعه های راستین، آموزه های پیشوایان معصوم علیهم السلام پیشین را که با اقداماتی مناسب، برای این امر زمینه سازی کرده بودند<sup>(۱)</sup>، هرگز فراموش نکرده بود.

این زمینه سازی هر چه به زمان ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نزدیک تر می شود، شتاب بیشتری به خود می گرفت، به گونه ای که امام عسکری علیه السلام هرگاه موقعیت را مناسب می یافت فرزند خود را معرفی و به جانشینی وی تصریح می نمود.

### کودکان نابغه، انسان هایی استثنایی

افزون بر پیامبران و پیشوایان معصوم علیهم السلام که به تأیید الهی دارای ویژگی های خاصی هستند، بین انسان های معمولی نیز کسانی یافت می شوند که دارای نبوغ خاصی هستند که آن ها را از دیگران متمایز می کند.

یکی از پژوهشگران معاصر پس از بیان آیات و روایات، از کودکان نابغه به عنوان مؤید رخداد فوق یاد کرده، افرادی چون ابو علی سینا، فاضل هندی، توماس یونگ، را فقط نمونه ای از این گونه انسان ها دانسته است.<sup>(۲)</sup>

برآیند سخن آن که: امامت مانند نبوت موهبتی الهی است که خدای متعال به بندگان برگزیده و شایسته خود بخشیده است و در این بخشش سن و سال، دخالتی ندارد؛ از این رو امر پیشوایی در کودکی، نه فقط امری بعید نیست که در طول تاریخ میان پیامبران الهی علیهم السلام، سابقه ای دیرینه دارد. و کسانی که جهت خرده گیری بر پیروان مکتب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام این مطلب را دستاویز خود قرار داده اند، در بیان پیامبری برخی پیامبران و نبوغ برخی بزرگان دین و دانش هیچ تردیدی به خود راه نداده اند.

۱- نعمانی، الغیبه، ص ۳۲۲، ح ۱.

۲- امینی، ابراهیم، داد گستر جهان، ص ۱۲۳ و ۱۲۴.

## خودآزمایی

۱. درباره نخستین اقدام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آغاز امامت توضیح دهید.
۲. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از شهادت پدر بزرگوار خود در نخستین ساعت های غیبت با حضور در کنار پیکر مطهر پدر و اقامه نماز بر آن، مسایلی چند را مورد توجه قرار داد که همگی به نوعی مربوط به بحث امامت ایشان بود. برخی از آن ها را توضیح دهید.
۳. پیش از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کدام یک از دیگر پیشوایان معصوم علیهم السلام پیش از رسیدن به بلوغ جسمانی به امامت رسیدند؟ در این باره توضیح دهید.
۴. در سلسله پیامبران، کدام یک از پیامبران در سن کودکی به مقام پیامبری رسیدند؟ آیاتی که از این رخ داد مهم، پرده برداشته است را بیان نمایید.
۵. برخی حکمت های امامت در خردسالی را توضیح دهید.

===

## منابع برای پژوهش

۱. امینی، ابراهیم، داد گستر جهان، نوزدهم، قم، شفق، ۱۳۷۹ ش.
۲. رضوانی، علی اصغر، فصلنامه انتظار، ش ۳، مقاله «امامت در سنین کودکی»، قم، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۱ ش.
۳. صافی گلپایگانی، لطف الله، امامت و مهدویت، قم، انتشارات حضرت معصومه ۳، ۱۳۷۷ ش.
۴. قزوینی، سید محمد کاظم، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا ظهور، ترجمه حسین فریدونی، تهران، آفاق، ۱۳۷۹ ش.
۵. محسنی کبیر، ذبیح الله، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آخرین سفیر انقلاب، تهران، رسا، ۱۳۷۹ ش.



## درس دوم: غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف (کلیات)

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

مفهوم غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

پیشگویی از غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

تأکید بر حتمی بودن غیبت

چگونگی غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

الف. پنهان بودن جسم؛

ب. پنهان بودن عنوان؛

ج. پنهان بودن جسم و عنوان.

انواع غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

طولانی بودن غیبت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

**پیش درآمد**

سال ها پیش از زاده شدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آن گاه که معصومان علیهم السلام از آن حضرت سخن می گفتند، بی درنگ به پنهان زیستی آن حضرت نیز اشاره می کردند. این پافشاری، بیش از آن که در جهت آگاه کردن شیعیان باشد، برای زمینه سازی و آماده کردن آن ها بود.

آنچه بر رمز و راز این مسأله می افزود، پافشاری معصومان علیهم السلام بر ستر بودن این حادثه بود؛ اگر چه گاهی به تناسب، گفته های ارزنده ای درباره آن، به پیروان خود می فرمودند.

بدین سان آنچه در رهیافت بررسی سخنان ایشان می توان به دست داد، نسبت به آنچه بر ما پوشیده است، بسیار اندک و ناچیز است.

در این درس، با بهره گیری از آن بیانات ارزشمند، کلیاتی از مباحث مربوط به غیبت آن حضرت مطرح شده است، تا دریچه ای باشد به موضوعات دیگر که در درس های آینده مطرح می شود.

## مفهوم غیبت

این که «غیبت» در لغت به چه معناست، خود اهمیت بسزایی دارد.

«غیبت»، به معنای «پنهان شدن از دیدگان» است و غایب به کسی گفته می شود که حاضر و ظاهر نیست (۱) و در اصل، درباره پنهان شدن خورشید، ماه و ستارگان به کار می رود (۲). همچنین درباره کسی به کار می رود که مدتی در جایی حضور دارد و پس از آن، از دیدگان رفته و دیگر دیده نمی شود. (۳) در اصطلاح مهدویت نیز به پنهان زیستی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف گفته می شود.

## پیشگویی غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

بی گمان بسیاری از روایات و احادیثی که درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است، از غیبت او نیز خبر داده است.

برخی از این روایات که با تعبیرهای مختلفی بیان شده، بدین قرار است:

۱. امام علی علیه السلام به غیبت آن حضرت این گونه اشاره کرده است:

الْحَادِي عَشْرَ مِنْ وُلْدِي هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا تَكُونُ لَهُ عَيْبُهُ وَحَيْرُهُ؛ (۴)

یازدهمین از فرزندان من، مهدی است که زمین را از عدل و قسط سرشار می سازد؛ همان گونه که از ظلم و بیداد پر شده باشد. برای او غیبت و حیرتی است.

۲. امام صادق علیه السلام به روشنی غیبت آن حضرت را مورد تأکید قرار داده، می فرماید:

إِنَّ لِلْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَيْبَةً قَبْلَ أَنْ يَقُومَ؛ (۵)

همانا برای قائم غیبتی است، پیش از آن که قیام نماید.

۱- ر.ک: فخر الدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۲، ماده غیبت؛ لسان العرب، ج ۴، ص ۴۵۴؛ زبیدی، تاج العروس، ج ۳، ص ۱۴۶؛

فیروزآبادی، القاموس المحيط، ج ۲، ص ۱۰؛ جوهری، الصحاح، ج ۲، ص ۶۳۳..

۲- جوهری، الصحاح، ج ۱، ص ۱۹۶.

۳- ابوهلال عسکری، الفروق اللغویه، ص ۶۳.

۴- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۸، ح ۷.

۵- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۸، ح ۹؛ نعمانی، الغیبه، ص ۱۶۶، ح ۶.

۳. امام رضا علیه السلام فرمود:

ذَآكَ الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي يُعَيَّبُهُ اللَّهُ فِي سِتْرِهِ مَا شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ يُظْهِرُهُ فَيَمْلَأُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا؛ (۱)

او چهارمین از فرزندان من است. خداوند او را در پرده خویش تا آن گاه که بخواهد پنهان خواهد ساخت. آن گاه او را ظاهر می سازد؛ پس زمین را سرشار از عدل و قسط می سازد؛ آن گونه که سرشار از ظلم و جور شده باشد.

یادآوری: در برخی روایات، افزون بر واژه «غیبت»، «حیرت» نیز به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نسبت داده شده است. این پرسش پیش می آید که چگونه ممکن است امام معصوم دچار حیرت شود؟ برای روشن شدن این نکته، به معنای حیرت اشاره ای کوتاه می کنیم.

«حیرت» از نظر لغت درباره کسی به کار می رود که در کار خود سرگردان است (۲) و گشایشی در آن نمی بیند. (۳) این، به تناسب افراد متفاوت خواهد بود؛ از این رو سرگردانی آن حضرت، با آنچه درباره عموم مردم گفته شده، به طور کامل متفاوت است. با در نظر گرفتن یکی از معانی لغوی و به دور از معنای عرفی و اصطلاحی، اطلاق آن بر خود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز بدون اشکال خواهد بود.

امام باقر علیه السلام آن گاه که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در دوران غیبت به حضرت یوسف علیه السلام تشبیه کرد، در پاسخ راوی که از وجه شباهت می پرسد، می فرماید: «الْحَيْرَةُ وَالْغَيْبَةُ». (۴)

روشن است که حضرت یوسف همواره در مشکلات و مصیبت ها، گشایشی در کار خود نمی دید.

بنابراین، بدان سبب که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در کار خود گشایشی نمی بیند، تا آن زمان که خداوند اراده ظهور فرماید، در حیرت است.

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۶، ح ۷.

۲- جوهری، الصحاح، ج ۲، ص ۶۴۰.

۳- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۶۰۴.

۴- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۶۳.



**تأکید بر حتمی بودن غیبت**

پیشوایان معصوم علیهم السلام در پاره ای از سخنان خود، غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را امری حتمی و غیر قابل تردید دانسته اند.

برخی روایات که این معنا را منعکس ساخته، از این قرار است:

امام رضا علیه السلام از پدران خود و ایشان از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل کردند که آن حضرت با استفاد از واژگان سوگند فرمود:

وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا لِيُغَيَّبَنَّ الْقَائِمَ مِنْ وُلْدِي؛ (۱)

و سوگند به آن کسی که به حق مرا بشارت دهنده برانگیخت! هر آینه قائم از فرزندان من، غایب خواهد شد.

مفضل می گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

إِيَّاكُمْ وَ التَّنْوِيَةَ أَمَا وَ اللَّهُ لِيُغَيَّبَنَّ إِمَامَكُمْ سَنِيئًا مِنْ دَهْرِكُمْ وَ لَتَمَحَّضُنَّ ...؛ (۲)

فریاد نکنید. به خدا سوگند! امام شما سالیانی از روزگارتان غیبت کند و ناگزیر مورد آزمایش واقع شوید....

آن حضرت همچنین فرمود: «أَمَا وَ اللَّهُ لِيُغَيَّبَنَّ عَنْكُمْ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ»؛ (۳)

و نیز فرمود: «إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً لَا بُدَّ مِنْهَا»؛ (۴)

و نیز آن حضرت فرمود: «لَا بُدَّ لِلْغُلَامِ مِنْ غَيْبِهِ»؛ (۵)

امام عسکری علیه السلام فرمود: «وَ اللَّهُ لِيُغَيَّبَنَّ غَيْبَهُ»؛ (۶)

تعبیرهای یاد شده، در بیان تأکید بر قطعی بودن غیبت برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

۱- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۵۱.

۲- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۶، ح ۳.

۳- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۸.

۴- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۱، ح ۱۱.

۵- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۴۲، ح ۲۹.

٦- شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمه، ج ٢، ص ٣٨٤.

تأکید فراوان پیشوایان معصوم علیهم السلام باعث شد این باور در عمق اذهان مسلمانان ریشه دوانده، از باورها خدشه ناپذیر آن ها شود، به همین دلیل، برخی افراد که مدعی مهدویت شدند، در پاره ای موارد، سخن از غیبت نیز به میان آوردند (۱).

همچنین تأکیدهای یاد شده سبب شد کتاب های فراوانی با همین عنوان پیش از ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به رشته تحریر در آید.

### چگونگی غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

#### اشاره

با بهره گیری از بیانات معصومان علیهم السلام، سه دیدگاه کلی و قابل توجه درباره چگونگی غیبت حضرتش قابل ارائه است:

۱. پنهان بودن جسم (ناپیدایی)؛

۲. پنهان بودن عنوان (ناشناسی)؛

۳. پنهان بودن جسم و پنهان بودن عنوان به تناسب شرایط.

اما بررسی دیدگاه های یاد شده:

#### ۱. پنهان بودن جسم

پاره ای روایات، چگونگی غیبت آن حضرت را به پنهان بودن جسم دانسته است.

این دیده نشدن جسم، در دوران غیبت به دو گونه قابل تفسیر است:

۱.۱. آن حضرت، بسان فرشتگان، ارواح و جنّ، جسمی نامرئی دارد که با وجود این که در میان جوامع بشری حضور دارد قابل دیدن نیست.

۱.۲. آن بزرگوار، جسمی مرئی دارد؛ اما به قدرت الهی در دیدگان مردم تأثیر و تصرّف نماید که آن حضرت را نبینند این کار از اولیای الهی که از سوی خدا دارای قدرت در جهان آفرینش هستند، بعید نیست.

از قرآن کریم نیز می توان امکان استتار و اختفای انسان از دیدگان را چه به صورت کوتاه مدت یا دراز مدت دریافت کرد. (۲)

۱- از جمله این گروه ها می توان به کیسانیه, زیدیه, جارودیه و اسماعیلیه اشاره کرد.

۲- ر.ک: یس (۳۶): ۹ و اسراء (۱۷): ۴۵.

به نظر می رسد تفسیر نخست، غیر قابل پذیرش باشد؛ چرا که هیچ دلیلی وجود ندارد که آن حضرت دارای جسمی با ویژگی این تفسیر باشد. بلکه بر عکس، آن حضرت مانند تمام انسان ها دارای جسمی مادی است. آن گونه که پدران بزرگوارشان و رسول گرامی اسلام علیهم السلام بودند.

با این بیان، تفسیر دوم مورد پذیرش است.

در یک بررسی جامع در سخنان معصومان علیهم السلام برخی روایات که بیان کننده این دیدگاه کلی است، بدین قرار است:

امام علی علیه السلام در این باره در روایتی طولانی فرمود:

...تا آن گاه که از فرزندان من از دیدگان مردمان پنهان شود...پس به پروردگار علی سوگند! حجت حق بر زمین استوار است. در جاده ها حرکت می کند. در خانه ها و قصرها وارد می شود و در شرق و غرب زمین به گردش می پردازد. سخن مردم را می شنود و بر گروه مردم سلام می کند. می بیند و دیده نمی شود، تا زمان ظهور وعده الهی و ندای آسمانی. هان! آن روز، روز شادی فرزندان علی و پیروان او است (۱).

امام صادق علیه السلام فرمود:

يَقْفِدُ النَّاسُ اِمَامَهُمْ يَشْهَدُ الْمَوْسِمَ فَيَرَاهُمْ وَلَا يَرَوْنَهُ؛ (۲)

مردم امام خویش را گم می کنند؛ پس آن امام در موسم حج حضور می یابد و مردم را می بیند؛ ولی مردم او را نمی بینند.

همان حضرت فرمود:

لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ يَشْهَدُ فِي إِحْدَاهُمَا الْمَوْاسِمَ يَرَى النَّاسَ وَلَا يَرَوْنَهُ؛ (۳)

برای قائم دو غیبت است که در یکی از آن دو در موسم حج حاضر می شود مردم را می بیند؛ ولی مردم او را نمی بینند.

۱- نعمانی، الغیبه، ص ۱۴۴.

۲- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۶۱، ح ۱۱۹؛ شیخ کلینی، کافی، ج ۱ ص ۳۳۷، ح ۶؛ نعمانی، الغیبه، ص ۱۷۵ ح ۱۴؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۳، ص ۳۴۶، ح ۳۳.

۳- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۹؛ نعمانی، الغیبه، ص ۱۷۵.

آن گاه که از امام صادق علیه السلام درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از فرزندان آن حضرت پرسش شد که چه کسی است، فرمود: «پنجمین از فرزندان هفتمین». آن گاه ادامه داد:

«يَغِيبُ عَنْكُمْ شَخْصُهُ...؛ (۱) شخص او از شما غائب می شود...».

وقتی درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از امام رضا علیه السلام پرسش شد، فرمود:

«لَا يُرَى جِسْمُهُ...؛ (۲) جسمش دیده نمی شود».

عبد العظیم حسنی هنگامی که باورهای دینی خود را بر امام هادی علیه السلام عرضه می کرد، آن گاه که به اعتقاد مربوط به امامان علیهم السلام رسید، تا امام هادی علیه السلام را شمرده اقرار به امامت ایشان کرد. آن گاه امام هادی ادامه داد: «و پس از من، پسر من حسن است. پس مردم چگونه خواهند بود با جانشین او؟» عرض کردم: «چگونه خواهند بود؟» فرمود:

«لِأَنَّهُ لَا يُرَى شَخْصُهُ؛ (۳) به دلیل آن که شخص او دیده نمی شود...».

داود بن قاسم می گوید از امام هادی علیه السلام شنیدم که فرمود:

«الْخَلْفُ مِنْ بَعْدِي الْحَسَنُ فَكَيْفَ لَكُمْ بِالْخَلْفِ مِنْ بَعْدِ الْخَلْفِ فَقُلْتُ وَ لِمَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ فَقَالَ إِنَّكُمْ لَا تَرَوْنَ شَخْصَهُ...؛ (۴)

جانشین پس از من حسن است. پس چگونه خواهید بود با جانشین پس از جانشین؟ عرض کردم: خدا مرا قربانت گرداند برای چه؟ فرمود: همانا شما شخص او را نمی بینید.

و سرانجام در فرازی از دعای ندبه چنین می خوانیم:

...عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الْخَلْقَ وَ لَا تُرَى...؛ (۵)

سخت است بر من که مردمان را ببینم؛ اما تو دیده نشوی....

۱- شیخ کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۳۳، ح ۱.

۲- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۳؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۰.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۹.

۴- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۲۸؛ شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۰۲؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۸۱.

۵- سید بن طاووس، الاقبال، ص ۲۹۸.

روشن است که همه روایات پیشین و احادیثی مانند آن، بر دیده نشدن آن حضرت دلالت دارد و قابل تأویل بر شناخته نشدن، نخواهد بود؛ چرا که صراحت در معنای دیده نشدن دارد.

یکی از نویسندگان معاصر، پس از اشاره به برخی روایات یاد شده، این نظریه را ساده ترین طرح و فرضیه عملی و قابل قبول درباره پنهان شدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و رهایی آن حضرت از ظلم ستمگران دانسته، بر این باور است با این گونه اختفا، آن حضرت در پناهگاهی امن به سر برده، هیچ آسیبی نخواهد دید. سپس می افزاید:

این گونه اختفا و پنهانی از راه اعجاز خدایی امکان دارد؛ به همان گونه که دیرزستی حضرت در طول این همه سال نیز با اعجاز الهی درست می شود. (۱)

این برداشت، افزون بر آن که با معنای لغوی غیبت مطابقت دارد، با روایاتی که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت را به خورشید پس ابر تشبیه نموده، همخوانی بیشتری دارد.

## ۲. پنهان بودن عنوان

این دیدگاه، بر این است که آن حضرت، افزون بر این که در جوامع انسانی، عمر شریف خود را سپری می کند و مردم را می بیند، مردم نیز او را می بینند، اما او را نمی شناسند. به تعبیر دیگر، فقط از نگاه معرفتی و شناختی مردم پنهان است، نه از دید ظاهری.

افرادی که بر این دیدگاه پافشاری می کنند به روایاتی استدلال کرده اند؛ از جمله به روایتی که سدید از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که:

در قائم، سنتی از یوسف است... چرا این مردم منکرند که خدای تعالی با حجت خود همان کند که با یوسف کرد؟ در بین ایشان گردش کند و در بازارهای آن ها راه رود و بر بساط آن ها پا نهد و آن ها او را نشناسند. تا آن گاه که خدای تعالی به او اذن دهد که خود را به آن ها معرفی سازد؛ همان گونه که به یوسف اذن داد.... (۲)

۱- صدر، سید محمد، تاریخ غیبت کبرا، ص ۴۸.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۱۴۴، باب ۵، ح ۳.

و نیز سخن نایب خاص آن حضرت محمد بن عثمان که در این باره می گوید:

وَ اللَّهُ إِنَّ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ لَيَحْضُرُ الْمَوْسِمَ كُلَّ سَنَةٍ يَرَى النَّاسَ وَيَعْرِفُهُمْ وَيَرُونَهُ وَلَا يَعْرِفُونَهُ؛<sup>(۱)</sup>

به خدا سوگند! همانا صاحب این امر، هر سال در موسم حج حاضر می شود؛ مردم را می بیند و آن ها را می شناسد و مردم او را می بینند؛ ولی نمی شناسند.

برخی دانشمندان معاصر درباره این دیدگاه، بر این باورند که مقصود از غیبت، آن نیست که حضرتش در یکی از قله های کوه ها یا در دژی محکم یا در غاری از غارهای زمین نهان است؛ بلکه مقصود از غیبت، ناشناخته بودن آن حضرت است. وی معتقد است در حالی که آن حضرت میان مردم است، همگان او را می بینند؛ ولی او را نمی شناسند.<sup>(۲)</sup>

لازم به یادآوری است که با توجه به معنای لغوی غیبت، بهره برداری این معنا از روایاتی که به صورت مطلق غیبت را برای آن حضرت ثابت کرده اند، نیازمند قرینه است.

### ۳. پنهان بودن جسم و پنهان بودن عنوان، به تناسب شرایط

اگر چه به راستی آگاهی به چگونگی غیبت حضرت فقط نزد پروردگار متعال است؛ اما از مجموع روایات می توان دیدگاه سومی ارائه نمود. و آن عبارت است از این که:

حضرت در مواردی که صلاح بدانند از دیدگان مردم پنهان است. البته با تصرّفی که به قدرت الهی در دیدگان افراد می نماید. نه نامرئی کردن جسم خویش. و در مواردی که آن حضرت مصلحت بدانند به صورت آشکار در جامعه حرکت می کند و مردم ایشان را می بینند ولی نمی شناسند.

برخی از اندیشوران معاصر نیز به این دیدگاه اشاره کرده، نوشته اند:

درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف غیبت به هر دو نحو غیبت جسم، غیبت عنوان تحقق دارد و فلسفه و فایده غیبت به هر دو نحو حاصل می شود. از جمع بین روایات و حکایات تشرف افراد به خدمت آن حضرت و بهره برداری از تفسیر بعضی از

۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۶۲؛ شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۲۰.

۲- صدر، سید رضا، راه مهدی علیه السلام، ص ۷۸.



آن ها از برخی دیگر دانسته می شود که غیبت آن حضرت به هر دو نحو وقوع پیدا کرده است. (۱)

چه این که به هر یک از گونه های پیشین باور پیدا کنیم، باید توجه داشت که در برخی پیامبران پیشین نیز چنین پنهان زیستی البته با ویژگی های خاص خود سابقه داشته است. به گونه ای که شیخ صدوق اساس تألیف کتاب ارزشمند کمال الدین و تمام النعمه را بر این باور بنا نهاده است.

### انواع غیبت

همزمان با مطرح شدن اصل غیبت برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از طرف معصومین علیهم السلام در روایاتی غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به دو بخش کوتاه و دراز تقسیم می شود. (۲) که هر یک دارای ویژگی های خاصی است.

این مطلب با تعبیرهای متفاوتی در سخنان معصومین علیهم السلام به چشم می خورد:

زراره می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

إِنَّ لِلْقَائِمِ غَيْبَتَيْنِ يَرْجِعُ فِي إِحْدَاهُمَا وَفِي الْأُخْرَى لَا يُدْرَى أَيْنَ هُوَ يَشْهَدُ الْمَوَاسِمَ يَرَى النَّاسَ وَلَا يَرُونَهُ؛ (۳)

همانا برای قائم دو غیبت است که در یکی از آن ها به خانواده اش بر می گردد و در دیگری دانسته نیست کجا است. هر سال در مناسک حج حاضر می شود؛ مردم را می بیند؛ در حالی که مردم او را نمی بینند.

امام صادق علیه السلام در روایتی به کوتاه و بلند بودن دو غیبت امام اشاره کرده است:

لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ إِحْدَاهُمَا قَصِيرَةٌ وَالْأُخْرَى طَوِيلَةٌ الْغَيْبَةُ الْأُولَى لَا يَعْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّةٌ مَوَالِيهِ؛ (۴)

۱- صافی گلپایگانی، لطف الله، پاسخ ده پرسش، ص ۶۷.

۲- اگر چه امروزه از این دو غیبت با نام های "غیبت صغرا" و "غیبت کبرا" یاد می شود، اما در بیان اندیشوران شیعه از آن با عنوان هایی چون "غیبت قصری" و "غیبت طولی" و مانند آن نیز یاد شده است. ر.ک: شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۳۹.

۳- نعمانی، الغیبه، ص ۱۷۵، ح ۱۵.

۴- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۴۰.

برای قائم، دو غیبت است: یکی از آن‌ها کوتاه مدت و دیگری دراز مدت. در غیبت نخست، جز شیعیان مخصوص، از جایگاه او کسی خبر ندارد و در دیگری جز خدمتکار ویژه آن حضرت، کسی از مکانش، آگاه نیست.

لازم به یادآوری است آن حضرت در دوران پدر بزرگوار خویش نیز نوعی پنهان زیستی داشته است و به گونه ای نبوده که همگان بتوانند آن حضرت را ملاقات کنند. همین باعث شده است برخی آغاز غیبت آن حضرت را از هنگام ولادت بدانند (۱).

### طولانی بودن غیبت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

در روایاتی پس از تصریح به اصل غیبت، به طولانی بودن آن نیز تأکید شده است.

علی علیه السلام فرمود:

لِلْقَائِمِ مَنَا غَيْبَهُ أَمَدًا طَوِيلًا؛ (۲)

برای قائم ما غیبتی است که مدت آن طولانی خواهد شد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز در این باره فرمود:

...التَّاسِعُ مِنْهُمْ قَائِمٌ أَهْلُ بَيْتِي وَ مَهْدِي أُمَّتِي أَشْبَهُ النَّاسِ بِي فِي شَمَائِلِهِ وَ أَقْوَالِهِ وَ أَفْعَالِهِ لِيُظْهَرَ بَعْدَ غَيْبِهِ طَوِيلَهُ؛ (۳)

نهمین از ایشان، قائم اهل بیت من و مهدی امت من است. شبیه ترین مردم به من در شمایل، گفتار و کردار است. ظهور خواهد کرد در حالی که غیبتی طولانی را سپری کرده باشد.

امام مجتبی علیه السلام در این باره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود:

ذَاكَ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِ أَخِي الْحُسَيْنِ ابْنِ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ يُطِيلُ اللَّهُ عُمُرَهُ فِي غَيْبَتِهِ؛ (۴)

او نهمین از فرزندان برادرم حسین است. فرزند بهترین کنیزان که در دوران غیبت، عمری طولانی خواهد داشت.

۱- شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۴۰.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۰۳.

۳- خزاز قمی، علی بن محمد، کفایه الاثر، ص ۱۰.

۴- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۵.

امام جواد علیه السلام در پاسخ به این پرسش که چرا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را منتظر نامند فرمود:

إِنَّ لَهُ غَيْبَةً يَكْثُرُ أَيَّامُهَا وَ يَطْوِلُ أَمَدُهَا فَيَنْتَظِرُ خُرُوجَهُ الْمُخْلِصُونَ؛ (۱)

همانا برای او غیبتی است که روزهای آن فراوان و مدت آن طولانی خواهد شد پس افرادی که دارای اخلاص باشند منتظر ظهور او خواهند بود.

بنابراین می توان نتیجه گرفت سخنان نورانی پیشوایان معصوم علیهم السلام آن مقدار که مخاطبان می فهمیدند از حقایق مربوط به غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در اختیار آن ها قرار می داد و بیش از آن را به دوران ظهور حضرتش واگذار می کردند که آن دوران، عصر ظهور حقایق است.

---

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۸.

## خودآزمایی

۱. چگونه می توان غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را اثبات کرد؟ توضیح دهید.
۲. دیدگاه های متفاوت درباره چگونگی غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به اختصار بیان کنید.
۳. درباره انواع غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف توضیح دهید.
۴. روایتی را که در آن به قطعی بودن غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره شده، توضیح دهید.
۵. دو روایت از روایات مربوط به طولانی بودن غیبت را توضیح دهید.

===

## منابع برای پژوهش

۱. سید مرتضی، امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام، (ترجمه کتاب المقنع فی الغیبه)، قم، انتشارات مسجد جمکران، ۱۳۷۸ ش.
۲. صدر، سید محمد، تاریخ الغیبه الصغری، ترجمه سید حسن افتخارزاده، تهران، معارف، ۱۳۷۱ ش.
۳. تاریخ الغیبه الکبری، اصفهان، کتابخانه امیرالمؤمنین، ۱۴۰۲ ق.
۴. جاسم حسین، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم علیه السلام، ترجمه: سید محمد تقی آیت اللهی، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۷ ش.
۵. شیخ مفید، ده انتقاد و پاسخ پیرامون غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف (ترجمه کتاب الفصول العشره)، ترجمه: محمد باقر خالصی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸ ش.

## درس سوم: فلسفه و علل غیبت

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

فلسفه و علل غیبت

غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رازی از رازهای خداوند

غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ برای:

۱. حفظ جان آن حضرت؛

۲. امتحان و آزمایش انسان ها؛

۳. آزادگی از بیعت دیگران؛

۴. تأدیب انسان ها.

## پیش در آمد

بحث از چرایی ها و سبب های پنهان زیستی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یکی از بحث هایی است که همواره مورد توجه علاقه مندان به مباحث مهدویت بوده است (۱). اما آنچه پیش از آن می بایست مورد نظر قرار گیرد، این که فلسفه و علل غیبت امام فرع بر پذیرش امامت ایشان است؛ بنابراین، این بحث، فقط برای کسانی به طور کامل مفید خواهد بود که اصل امامت آن امام همام را پذیرفته باشند؛ همان گونه که امامت ایشان نیز فرع بر وجود آن حضرت است و کسی که اعتقاد به زنده بودن ایشان نداشته باشد، سخن از امامت برای وی بی حاصل و اتلاف وقت به شمار می آید.

اما افرادی که هم به امامت آن حضرت باورمند هستند و هم به زنده بودن او، بررسی فلسفه و علل غیبت می تواند باور ایشان را درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف استوارتر کند. اگر چه آن ها برابر اراده الهی در پنهان زیستی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به طور کامل تسلیم بوده، معتقدند تمام کارهای خداوند از روی حکمت است.

همان گونه که پیش از این نیز یاد شد، پنهان زیستی آخرین حجّت الهی، حضرت

۱- البته توجه به این نکته ضروری است که دانش دقیق و تفصیلی درباره این چرایی ها و سبب ها، اگر چه می تواند در باور به مهدویت مؤثر باشد، بدان معنا نیست که ندانستن آن خللی در این باور ایجاد نماید؛ از این رو، آگاهی اجمالی به آن نیز کافی است.

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، با ویژگی های خاص خود (۱) پدیده ای است که هرگز در طول تاریخ رخ نداده و طبیعی است که ذهن جست و جو گر انسان، همواره این پرسش را مطرح کند که چرا چنین رخدادی پدید آمده است؟

در پاسخ به این پرسش که از همان ابتدای مطرح شدن مهدویت از طرف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و پیشوایان معصوم علیهم السلام همواره مورد توجه بوده است، به برخی از حکمت ها و علت های این رویداد، با بهره برداری از کلام معصومان علیهم السلام اشاره می شود.

### غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ رازی از رازهای خداوند

#### اشاره

پیش از آن که به برخی حکمت ها و علت های ظاهری غیبت آن حضرت اشاره شود، لازم به یادآوری است در بررسی های که روی روایات انجام شده است، نخستین نکته ای که در این باره به چشم می خورد، این است که، پنهان زیستی آخرین ذخیره الهی، به طور قطع از اسرار خداوند است.

حقیقت سرّ بودن این امر را رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم چنین بیان فرموده است:

يَا جَابِرُ إِنَّ هَذَا أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ سِرٌّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ عَلَيْهِ مَطْوِيٌّ عَنْ عِبَادِ اللَّهِ إِيَّاكَ وَ الشُّكَّ فِيهِ فَإِنَّ الشُّكَّ فِي أَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ كُفْرٌ؛ (۲)

ای جابر! همانا این امر، امری است از امر خداوندی و سِرّی است از سِرّ خدا که بر بندگان او پوشیده است؛ پس بر حذر باش که دچار تردید نشوی. همانا شک درباره خدا کفر است.

عبد الله بن فضل هاشمی گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

برای صاحب الامر، ناگزیر، غیبتی است که هر باطل جویی در آن به شک می افتد.

۱- در بحث چگونگی غیبت به صورت مفصل بدان پرداخته شد. از جمله می توان به روایاتی اشاره کرد که سخن از ناپیدایی آن حضرت در دوران غیبت به میان آورده است؛ در حالی که این نحوه ناپیدایی، آن هم طولانی مدت، برای پیامبران ذکر نشده است. البته دیدگاه ناشناسی برای برخی از پیامبران نقل شده است. ر.ک: شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۷.

گفتم: فدای شما شوم! برای چه؟

فرمود:

به سبب امری که ما اجازه نداریم آن را هویدا کنیم.... ای پسر فضل! این امر، امری از امرهای الهی و رازی از رازهای خدا و غیبی از غیب های پروردگار است و زمانی که می دانیم خداوند بزرگ مرتبه حکیم است، تصدیق می کنیم که همه کارهای او از روی حکمت است؛ گرچه علت آن کارها بر ما روشن نباشد. (۱)

احمد بن اسحاق، نیز گوید: بر امام عسکری علیه السلام وارد شدم و می خواستم از جانشین پس از وی پرسش کنم. آن حضرت سخن آغاز کرد و فرمود:

...يَا أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ هَذَا أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ وَ سِرٌّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ وَ غَيْبٌ مِنْ غَيْبِ اللَّهِ...؛ (۲)

ای احمد بن اسحاق! این، امری از امر الهی و سری از سر ربوبی و غیبی از غیب پروردگار است....

بی گمان این حکمت، اساسی ترین دلیل بر این رخداد بزرگ است؛ اما از آن جا که برخی شیعیان، همواره این پرسش را مطرح می کردند، در سخنان پیشوایان معصوم علیهم السلام به برخی حکمت های ظاهری غیبت آن حضرت نیز اشاره شده است؛ از این رو بدان ها نیز اشاره ای گذرا می کنیم.

### ۱. برای حفظ جان آن حضرت

یکی از اموری که از نظر عقل و شرع بر همه انسان ها واجب است، دوری جستن از ضررها و حفظ خویشتن از نابودی است، مگر در مواردی که پروردگار متعال اجازه فرموده است؛ مانند جهاد در راه خداوند.

در بررسی روایات مربوط به غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در می یابیم یکی از

۱- . شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۴، ح ۱۱.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۸، ح ۱.



حکمت های ظاهری پنهان زیستی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، امان ماندن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از گزند بدخواهان و ستمگران است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

إِنَّ لِلْقَائِمِ غَيْبَةً قَبْلَ أَنْ يَقُومَ إِنَّهُ يَخَافُ "وَأَوْمَأَ إِلَى بَطْنِهِ يَعْنِي الْقَتْلَ"؛<sup>(۱)</sup>

همانا برای قائم، پیش از آن که قیام فرماید، غیبتی است؛ چرا که در هراس است. [و حضرت اشاره به شکم خود کرد؛ یعنی بیم کشته شدن دارد].

شیخ طوسی در کتاب الغیبه، ابتدای فصل پنجم، بدون اشاره به حکمت نخست چنین نوشته است:

هیچ علتی جز بیم حضرت از کشته شدن خویش، مانع ظهور وی نیست. اگر این گونه نباشد، پنهان بودن در پس پرده غیبت برایش روا نخواهد بود. آن محبوب دل ها دشواری ها و آزار و اذیت را تحمل می کند؛ زیرا مقام و جایگاه والای امامان و پیامبران علیهم السلام به سبب تحمل رنج و دشواری های بزرگ آنان در راه خدا بوده است.

البته این نه بدان معنا است که آن حضرت، از شهادت و کشته شدن در راه خدا هراس دارد؛ بلکه آن حضرت، چون آخرین ذخیره الهی در زمین است و آن حاکمیت فراگیر و جهانی که در تمام ادیان وعده داده شده است، فقط به دست او تحقق می یابد؛ بنابراین بر خداوند است که به هر وسیله ممکن، او را تا روز موعود حفاظت نماید و حکمت الهی نیز بر پنهان زیستی او تعلق گرفته است.

البته شبیه این پنهان زیستی با ویژگی های خاص خود درباره برخی از پیامبران هنگامی که بر جان خویش بیم داشتند اتفاق افتاده بود که می توان به پنهان شدن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در شعب ابی طالب علیه السلام و نیز در غار حرا در برخی زمان ها اشاره کرد. می دانیم هیچ دلیلی برای چنین پنهان شدنی نبود، مگر ترس از ضررهایی که آن حضرت را تهدید می کرد.

۱- . شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۴۰؛ شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۲۹؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۴۲.

شیخ مفید در این باره با اشاره به هر دو حکمت پیشین نوشته است:

وجه استتار آن حضرت، دشمنان فراوان و یاران اندک است و ممکن است به دلیل مصلحت پنهانی باشد که فقط خداوند از آن آگاه است. (۱)

در برخی روایات اشاره شده است که خود آن حضرت، از این حکمت غیبت "حفظ جان خویش"، پس از ظهور سخن به میان خواهد آورد.

امام باقر علیه السلام در این باره فرمود:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: «فَفَرَزْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ»؛ (۲)

آن گاه که قائم قیام فرماید، این آیه را تلاوت خواهد کرد: «و چون از شما ترسیدم، از شما گریختم، تا پروردگارم به من دانش بخشید و مرا از پیامبران قرار داد». (۳)

این آیه، سخن حضرت موسی علیه السلام را نقل می کند. در روایاتی نیز غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به غیبت حضرت موسی علیه السلام تشبیه شده است.

## ۲. برای امتحان و آزمایش انسان ها

بدون تردید، یکی از سنت های خداوند، آزمایش انسان ها و گزینش انسان های موفق است؛ از این رو صحنه زندگی همواره صحنه آزمایش است، تا انسان ها در پرتو باورهای صحیح، انجام دستورهای الهی و شکیبایی در برابر ناملازمات، تربیت یافته و به کمال برسند.

یکی دیگر از حکمت های غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آزمایش مردم است. از آن جا که این نوع آزمایش، به دلیل عدم حضور ظاهری امام، بسیار مشکل و طاقت فرسا است، در تکامل روحی انسان ها نقش بسیار مهم و مؤثری دارد. با این آزمایش است که آشکار می شود چه کسی ثابت قدم و استوار، و چه کسی در ایمان و اعتقاد سست و مردد است.

۱- شیخ مفید، النکت الاعتقادیه، ص ۴۵.

۲- شعراء (۲۶): ۲۱.

۳- نعمانی، الغیبه، ص ۱۷۴، ح ۱۱.

جابر جعفی می گوید به امام باقر علیه السلام عرض کردم فرج شما چه هنگام خواهد بود؟ حضرت فرمود:

هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لَا يَكُونُ فَرْجُنَا حَتَّى تُعْزَبُوا ثُمَّ تُعْزَبُوا ثُمَّ تُعْزَبُوا يَقُولُهَا ثَلَاثًا حَتَّى يَذْهَبَ الْكُدِرُ وَ يَبْقَى الصَّفْوُ؛ (۱)

هیئات، هیئات [و سه بار تکرار کرد] فرج ما فرا نمی رسد تا زمانی که شما غربال شوید، تا خداوند ناخالصی ها را محو و نابود کند و آنچه خالص و زلال است باقی نهد.

علی بن جعفر از برادرش امام کاظم علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

هرگاه پنجمین پیشوا از سلاله هفتمین پیشوا ناپدید شود، پس خدا را خدا را مواظب باشید! در حفظ دین و آیین خود. در نظر داشته باشید، هیچ کس شما را از دینتان جدا نسازد. فرزندم صاحب الأمر، ناگزیر دارای غیبتی خواهد بود، تا کسی که به این امر قائل است از آن باز گردد. همانا آن، آزمایشی از جانب خدا است که خداوند خلق خود را به آن وسیله می آزماید. (۲)

روشن است کسانی در این امتحان بزرگ سربلند خواهند بود که دارای مرتبت والایی از ایمان و عمل صالح باشند و کسانی که در این امور دچار کاستی باشند، بیشتر دچار لغزش و سقوط خواهند شد.

امام صادق علیه السلام تبلور این حقیقت را چنین بیان کرده است:

واین گونه است که غیبت قائم طولانی خواهد بود، تا این که حق محض آشکار شود و ایمان از کدورت ها و پیرایه ها صاف و زلال گردد. این آشکار شدن، با بازگشت افرادی صورت می پذیرد که دارای طینت ناپاکی هستند از پیروان ظاهری اهل بیت علیهم السلام؛ یعنی همان ها که ترس نفاق بر آن ها می رود. (۳)

۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۳۹.

۲- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۶؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۵۹.

۳- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۷۰، شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۵۵.

از مجموع سخنان معصومان علیهم السلام به دست می آید که مهم ترین ویژگی مرتبط با امتحان و آزمایش انسان ها در این دوران، گریز آن ها از دین و آموزه های آن و به اوج رسیدن دنیا پرستی است (۱) که آن را از دوره های دیگر متمایز نموده است.

معصومان علیهم السلام برای این دوران، پس از بیان برخی ویژگی ها، هشدارهایی را نیز داده اند، که با توجه به آن ها درمی یابیم آزمایش های بزرگ از مهمترین ویژگی این دوران است. (۲)

افرادی که با ویژگی های این دوران، ایمان خود را به خوبی حفظ کرده، پروای الهی داشته باشند، ارزش والایی دارند. در این باره وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از چهره های پیروز این دوران یاد می کند، با شگفتی به حضرت علی علیه السلام چنین می فرماید:

يَا عَلِيُّ أَعْجَبُ النَّاسِ إِيْمَانًا وَعَظْمُهُمْ يَقِينًا قَوْمٌ يَكُونُونَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ لَمْ يَلْحَقُوا النَّبِيَّ وَحَجِبَ عَنْهُمْ الْحُجَّةُ فَأَمَّنُوا بِسِوَايِ عَلِيٍّ بِيَاضٍ...؛

ای علی! بدان شگفت آورترین مردم در ایمان و بزرگ ترین آنان در یقین، کسانی هستند که در پایان دوران با آن که پیامبر خود را درک نکرده اند و از امام خود در پرده اند به نوشته ای سیاه بر صفحه ای سپید، ایمان می آورند. (۳)

افسوس بر آنان که در این دوران، اسیر وسوسه های بی پایان شیطان و هواهای نفسانی شده، در دام تاریک نادانی و عصیان، زندگی می کنند.

### ۳. برای آزادگی از بیعت دیگران

مضمون برخی روایات، این است که آن حضرت، با غیبت خود، از بیعت با طاغوت های زمان در امان خواهد بود.

امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

إِنَّ الْقَائِمَ مِمَّا إِذَا قَامَ لَمْ تَكُنْ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ فَلِذَلِكَ تُخْفِي وِلَادَتَهُ وَيَغِيبُ شَخْصَهُ؛ (۴)

۱- شیخ کلینی، کافی، ج ۸، ص ۳۰۶، ح ۴۷۶؛ ر.ک: شیخ صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۲۵۳.

۲- . محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۷۹، ح ۱۳۳۰۵؛ و نیز: ر.ک: مسلم بن حجاج قشیری، صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۳۱.

۳- شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۶۶؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۸، باب ۲۵، ح ۸.

۴- . شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۰۳؛ طبرسی، اعلام الوری، ص ۴۲۶.

همانا قائم از ما اهل بیت، هنگامی که قیام می کند، بیعت احدی بر گردن او نیست و به همین علت است که ولادتش پنهان نگه داشته می شود و شخص او غایب است.

و نیز امام مجتبی علیه السلام آن هنگام که به جهت مصالح اسلام و مسلمین تن به مصالحه با معاویه داد و مردم زبان به ملامت حضرتش گشودند چنین فرمود:

آیا ندانستید که هیچ یک از ما ائمه نیست، مگر این که بیعت با ستمگری بر گردن او قرار می گیرد؛ جز قائم که عیسی بن مریم پشت سرش نماز می گزارد. پس به درستی که خداوند تبارک و تعالی ولادتش را پنهان و شخصش را مخفی می سازد، تا آن گاه که قیام می کند، بیعت هیچ کس بر گردنش نباشد. (۱)

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در توقیعی در پاسخ به برخی پرسش ها می فرماید:

درباره علت غیبت پرسش کرده بودید؛ خداوند در قرآن کریم می فرماید: «ای اهل ایمان! از چیزهایی پرسش نکنید که اگر برای شما روشن شود، ناراحت می شوید» (۲) بدانید که هر کدام از پدران من، بیعت یکی از طاغوت های زمان خویش را برگردن داشتند؛ ولی من هنگامی قیام می کنم، بیعت هیچ یک از گردنکشان و طاغوت های زمان را بر گردن ندارم. (۳)

به نظر می رسد سه علت یاد شده را می توان زیر یک عنوان جمع کرد و آن "نبود یاران کافی" برای یاری آن حضرت در اجرایی کردن اهداف او دانست.

#### ۴. برای تأدیب انسان ها

ادب کردن انسان ها به ویژه مسلمان ها یکی دیگر از فلسفه های غیبت است؛ چرا که بیشتر آن ها در زمان حیات و حضور امامان پیشین، آن گونه که شایسته بود از ایشان استفاده و حمایت نکردند. افزون بر آن، گاهی با برخوردهای ناشایست خود باعث محروم شدن جامعه بشری از فیض آن ها شدند.

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۵؛ طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۸۹.

۲- مائده (۵): ۱۰۱.

۳- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۹۰، شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۳، ح ۴.

امیر مؤمنان، علی علیه السلام در این باره فرمود:

...وَاعْلَمُوا أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّهِ لِلَّهِ وَ لَكِنَّ اللَّهَ سَيُعْصِمِي خَلْقَهُ مِنْهَا بِظُلْمِهِمْ وَ جَوْرِهِمْ وَ إِسْرَافِهِمْ عَلَي أَنْفُسِهِمْ...؛ (۱)

آگاه باشید زمین از حجت الهی خالی نمی ماند؛ ولی خداوند به دلیل ستم پیشگی و زیاده روی انسان ها، آنان را از وجود حجت خود محروم می کند.

امام باقر علیه السلام نیز در این باره می فرماید:

...وَ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُجِبُونَنا بِقُلُوبِكُمْ وَ يُخَالِفُ ذَلِكَ فِعْلُكُمْ وَ اللَّهُ مَا يَسْتَوِي اخْتِلَافُ أَصْحَابِكَ وَ لِهَذَا أُسِرَّ عَلَي صَاحِبِكُمْ...؛ (۲)

شما مردمی هستید که با دل، ما را دوست می دارید؛ ولی عمل شما با این محبت، ناسازگار است. به خدا سوگند! اختلاف اصحاب پدید نمی آید و به همین دلیل صاحب شما از دست شما گرفته می شود....

بدین سان غیبت آخرین حجت خداوند نماد خشم خداوند بر زمینیان است که با چراغ های هدایت به گونه ای ناشایست برخورد کردند.

امام باقر علیه السلام در نامه ای به "محمد بن فرج" چنین نوشت:

إِذَا غَضِبَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَي خَلْقِهِ نَحْنًا عَنْ جَوَارِهِمْ (۳)؛

در آن هنگام که خداوند بر بندگانش خشمگین شود، ما را از همسایگی آن ها دور سازد.

افزون بر آنچه یاد شد، به مواردی همچون: تربیت انسان های مناسب برای قیام و حکومت جهانی و ایجاد اشتیاق جهانی برای حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز اشاره شده است.

### آشکار شدن فلسفه های اساسی غیبت پس از ظهور

با توجه به آن که روایات یاد شده فقط به برخی از حکمت های غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره کرده بود و در روایاتی نیز اساس حکمت غیبت آن حضرت، رازی از رازهای خداوند دانسته شده و با توجه به این که عصر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عصر

۱- نعمانی، الغیبه، ص ۱۴۱، ح ۲.

۲- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۰.

۳- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۴۳، ح ۳.

آشکار شدن حقایق است، از روایات استفاده می شود حکمت های اساسی غیبت آن حضرت، پس از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آشکار خواهد شد.

امام صادق علیه السلام در این باره فرمود:

...حکمت غیبت او، همان حکمتی است که در غیبت حجت های الهی پیش از او بوده است و وجه حکمت غیبت او پس از ظهورش آشکار شود؛ همچنان که وجه حکمت کارهای خضر از شکستن کشتی و کشتن پسر و به پا داشتن دیوار بر موسی علیه السلام روشن نبود، تا آن که هنگام جدایی آن ها فرا رسید. (۱)

بدین سان روشن است پرسش بیش از این، درباره فلسفه و علل غیبت، کاری غیر لازم است. به امید آن که در آن هنگامه آشکار شدن حقایق، توفیق حضور در محضر آن امام همام را داشته باشیم.

---

۱- . شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۴، ح ۱۱.

## خودآزمایی

۱. مهم ترین ویژگی غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از اسرار الهی بودن آن است؛ در این باره توضیح دهید؟
۲. با توجه به این که ترس، از صفات ناپسند است، ترس از کشته شدن به عنوان یکی از حکمت های غیبت چگونه قابل پاسخ است؟
۳. چگونه غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باعث امتحان مردم است؟ توضیح دهید.
۴. دو ویژگی مهم دوران غیبت کدامند؟ توضیح دهید.
۵. درباره آزاد بودن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از بیعت دیگران به دو روایت اشاره کرده، توضیح دهید.

===

## منابع برای پژوهش

۱. مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، مدرسه امام علی علیه السلام، ۱۳۸۰ ش.
۲. صدر، سید محمد باقر، رهبری بر فراز قرون، تهران، موسسه موعود، ۱۳۷۹ ش.
۳. الهامی، داود، آخرین امید، قم، مکتب اسلام، ۳۷۷ ش.
۴. جمعی از نویسندگان، چشم به راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
۵. قزوینی، سید محمد کاظم، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا ظهور، ترجمه: حسین فریدونی، تهران، آفاق، ۱۳۷۹ ش.



## درس چهارم: فواید امام غایب عجل الله تعالی فرجه الشریف

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

فواید امام غایب

امام غایب، بسان خورشید پشت ابر

افزون بر هزار سال است که دست جامعه بشری از دامن پرتوهای ظاهری آخرین پیشوای آسمانی کوتاه است.

آن سان که پیش از این نیز یاد شد، همزمان با اعلام غیبت آخرین پیشوای معصوم علیه السلام، برخی این پرسش را مطرح کردند که امامی که غایب است چه فایده ای دارد؟ از این رو روایات فراوانی به روشنی تمام، به این پرسش پاسخ داده اند.

این پرسش به طور عمده از طرف کسانی مطرح می شد که آگاهی چندانی از جایگاه امامت نداشتند. البته با بررسی شئون امام معصوم علیه السلام و این که چه مقدار از آن با غیبت و پنهان زیستی معطل می ماند، می توان پاسخ این پرسش را تکمیل کرد.

تردیدی نیست که آخرین حجت الهی در پرده غیبت است. حال به هر دلیلی که امام غایب شده باشد، بخشی از فلسفه وجودی او در هاله پنهان زیستی قرار می گیرد و مردم از او محروم می شوند و آن، بخش مباشرت او در هدایت ظاهری و تشکیل حکومت و اجرای عدالت است؛ ولی هدایت معنوی و با واسطه او به وسیله نمایندگان او برای بیان احکام و اجرای حکومت و عدالت به حال خود باقی است؛ همان گونه که در زمان ظهورش گاهی هدایت یا ولایت و فرماندهی بخشی را به نخبگان خود وا می گذارد و مردم از آنان بهره مند می شوند، در زمان غیبت نیز این نمایندگی ادامه دارد و کار نمایندگان، کار امام معصوم است، چه این که آن ها از جانب او نصب شده اند.

تفاوت بین زمان ظهور و غیبت، فقط از جهت محروم بودن مردم از درک حضور و مباشرت هدایت ظاهری و تصدّی امور است که این به جهتی از جهات چه بدانیم و چه ندانیم واقع شده است و مسأله غیبت از مسایل روشن و یقینی معارف اسلامی است که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم از آن خبر داده است.

افزون بر هدایت معنوی امام، اصل وجود او هم حکمت و لطف است که در نظام حکیمانه الهی وجود او ضرورت دارد. از سخنان معصومان علیهم السلام به دست می آید که نه فقط پدید آمدن مجموعه هستی، بلکه دوام نظام آفرینش، به واسطه وجود انوار مقدّس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام بوده است؛ به گونه ای که استمرار وجود موجودات بدون وجود یکی از آن ها غیر ممکن است.

باید توجه داشت که اصل وابستگی سایر ممکنات به امام علیه السلام و چگونگی آن و مسایل مشابه آن را دانشمندان و عالمان حکمت و عرفان با دلایل عقلی و فلسفی و عرفانی در محل خود اثبات کرده اند؛ چنان که به وسیله وحی و خبر آنان که با عالم غیب ارتباط و اتصال دارند و از غیب عالم و علم کتاب و رابطه نهانی و پنهانی ممکنات با یکدیگر به اذن الهی و به عنایت و لطف او مطلع می باشند نیز ثابت است. طبق همین اطلاعاتی که ایشان به ما می دهند، بر فرض که دلیل عقلی مستقلی هم نباشد، به آنچه خبر می دهند اعتقاد می یابیم؛ زیرا برای تحقیق این گونه موضوعات به ویژه تفاسیل آن راهی مطمئن تر و باوربخش تر از وحی و اخبار انبیا و اوصیای آن ها نیست. (۱)

در روایات فراوانی به این حقیقت اشاره شده که جهان هستی به برکت وجود انوار پاک معصومان علیهم السلام آفریده شده است.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به مولای متقیان علیه السلام فرمود:

يَا عَلِيُّ! لَوْ لَا نَحْنُ مَا خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ وَ لَا حَوَاءَ وَ لَا الْجَنَّةَ وَ لَا النَّارَ وَ لَا السَّمَاءَ وَ لَا الْأَرْضَ...؛ (۲)

ای علی! اگر ما نبودیم، خداوند، آدم و حوا را و بهشت و جهنم و آسمان و زمین را خلق نمی کرد....

۱- صافی گلپایگانی، لطف الله، وابستگی جهان به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۷.

۲- شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۶۲.

بدون شک به همان میزان که موجودات در هنگام پدید آمدن، نیازمند فیض الهی هستند، در دوام و استمرار وجود نیز نیازمند فیض خداوندی هستند.

در روایات فراوانی پیشوایان معصوم علیهم السلام واسطه های فیض الهی معرفی شده اند.

بدون هیچ توضیحی به روایتی اشاره می کنیم که امام صادق علیه السلام از پدرش و او از امام سجّاد علیه السلام نقل کرده است که فرمود:

ما پیشوایان مسلمین و حجّت های خداوند بر جهانیان و سرور مؤمنان و رهبر سپیدجبینان و مولای اهل ایمانیم. و ما امان اهل زمینیم همچنان که ستارگان امان اهل آسمانند. و ما کسانی هستیم که خداوند به واسطه ما آسمان را نگاه داشته تا بر زمین نیفتد، مگر به اذن او و به واسطه ما زمین را نگاه داشته که اهلش را نلرزاند. به سبب ما باران را فرو فرستد و رحمت را منتشر کند و برکات زمین را خارج سازد. و اگر نبود که ما بر روی زمینیم، اهلش را فرو می برد. (۱)

پس به سبب وجود امام و پیامبر علیهم السلام است که نه فقط ما، که جهان هستی از برکت فیض های الهی بهره مند می شوند.

امام صادق علیه السلام درباره حضور حجّت بر روی زمین می فرماید:

لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَسَاخَتْ (۲)؛

اگر زمین بدون امام بماند، فرو می ریزد.

آن حضرت، در سخنی دیگر به جزئیات بیشتری درباره فواید تکوینی امام اشاره فرموده است:

...بِنَا أَثْمَرَتِ الْأَشْجَارُ وَ أُيْنَعَتِ الثَّمَارُ وَ جَرَتِ الْأَنْهَارُ وَ بِنَا يَنْزِلُ غَيْثُ السَّمَاءِ وَ يَنْبُتُ عُشْبُ الْأَرْضِ وَ بِعِبَادَتِنَا عَبْدَ اللَّهِ وَ لَوْ لَا نَحْنُ مَا عَبَدَ اللَّهُ... (۳)؛

...به سبب ما درختان میوه می دهند و میوه ها به ثمر می رسند و رودها جاری می شوند، و به سبب ما ابر آسمان می بارد و گیاهان از زمین می رویند و به بندگی ما خداوند پرستیده می شود و اگر ما نبودیم، هرگز خداوند پرستیده نمی شد....

بدین سان بهره مندی همه آفریده ها از هستی و ادامه وجود، بسته به وجود حجّت روی زمین است.

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۰۷، ح ۲۲.

۲- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۷۹، ح ۱۰.

٣- شيخ كلینی، کافی، ج ١، ص ١٤٤، ح ٢٣.

البته این نوع بهره مندی، ارتباطی به پذیرش یا ردّ امام ندارد و خداوند به واسطه وجود امام، تمام موجودات را بهره مند می کند.

بنابراین، این دسته از فایده ها که تمام هستی را شامل می شود ویژه هیچ گروه یا بخشی از موجودات نیست. بر خلاف فایده های دسته دوم که به شناخت و معرفت امام بستگی دارد و شامل افراد معتقد به آن حضرت می شود.

بنابراین اگر تقدیر خداوند توانای حکیم، چنان باشد که چنان که بعضی از فرشتگان، واسطه نزول برخی برکات شده اند فیض های عام و خاص به واسطه امام به آفریدگان برسد و امام مجرای فیض باشد، خواه ناخواه وجود و بقای سایر ممکنات که به فیض الهی حدوث و بقا دارند، به مجرای فیض مرتبط خواهند بود. در فرض عدم این مجاری فیض، باز هم فیاضیت خدا اگر قصور در مفاض نباشد برقرار است؛ اما می توان گفت ممکنات همه آن استعداد را ندارند که بدون واسطه، تلقی فیض کنند و قصور خودشان مانع از کسب فیض مستقیم است (۱).

شکی نیست که تمام آنچه در شأن امام علیه السلام گفته شد، ارتباطی به حضور ظاهری او ندارد و امام غایب نیز مانند امام حاضر، واسطه فیض الهی است.

افزون بر بهره های یاد شده، فایده های دیگری هست که البته مشروط به اعتقاد و باور به ایشان است. برخی از فواید این بخش بدین قرار است:

### ۱. نگاهی از آیین خداوند با هدایت های باطنی

بی گمان پیشوایان معصوم علیهم السلام، معلّمان و مرّیان اصلی انسان ها هستند و مردم، همواره از زلال معارف ناب آن بزرگواران بهره ها برده اند. در زمان غیبت نیز، اگرچه دسترسی مستقیم و استفاده همه جانبه از محضر امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ممکن نیست، آن معدن علوم الهی به راه های مختلف، گره از مشکلات علمی و فکری شیعیان باز می کند.

این مهم نه فقط در در دوره غیبت صغرا، با پاسخگویی به پرسش های مردم و دانشمندان، از طریق نامه های امام که به توقیعات مشهور است، تحقق یافت، بلکه در دوران غیبت کبرا نیز به صورت هدایت های باطنی صورت پذیرفت.

۱- ر.ک: صافی گلپایگانی، لطف الله، وابستگی جهان به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۳۷.

بنابراین شکی نیست که بقای مکتب تشیع در گرو حمایت های آن امام پنهان بوده است. شیعه بر این باور است که آن حضرت همواره در هنگامه های حساس و حوادث تعیین کننده، بسان دستی غیبی اراده های نقش آفرین را در جهت اصلاح امور، هدایت کرده، این باور الهی را از نابودی در پناه گرفته است.

این اصلاحات به طور عمده با هدایت های باطنی صورت می پذیرد. هدایت هایی که گاهی به وسیله شخص امام و گاهی به وسیله دیگران درباره صالحان و شایستگان انجام می گیرد.

امام از راه باطن، بر نفوس افراد اشراف دارد و آنان را مورد هدایت و تربیت خود قرار می دهد. با القا های نیکو، یا با ننگ داشتن های باطنی، راه برخی از افراد را عوض می کند یا آن ها را در راه صحیحی که دارند، استوار و ثابت قدم می دارد؛ گر چه این هدایت، از دیدگان پنهان است.

چه بسیار افرادی که یکباره از راهی که داشتند، برگشتند و هرگز حاضر نشدند دوباره بدان برگردند و چه بسیار افرادی که در کار خود متزلزل و مردد بودند؛ ولی یکباره در آن مستقر شدند.

## ۲. نگهداشت جامعه از ناامیدی و سرخوردگی

بدون شک باور به امام غایب عجل الله تعالی فرجه الشریف سبب امیدواری مسلمانان به آینده روشن می شود. این امیدواری، از بزرگ ترین اسباب موفقیت و پیشرفت است. جامعه شیعی، طبق باور خویش به وجود امام شاهد و زنده، همواره منتظر ظهور آن حضرت است. او را در میان خود نمی بیند؛ اما خود را یگانه و جدا از او نمی داند. باری، امام پنهان، همواره مراقب حال و وضع شیعیان است و همین مسأله باعث می شود پیروانشان به امید لطف و عنایت حضرتش، برای رسیدن به وضع مطلوب جهانی تلاش کنند.

به بیان دیگر، امام اگر چه غایب نقطه اتکایی است که پیروان خود را در ورطه های نابودی و ناامیدی در حمایت و پناه خود می گیرد و بسان پناهگاهی مطمئن پیروان خود را به تلاش و کوشش در راه رشد و تعالی وا می دارد.

بنابراین حالت امید و انتظار به آینده از فواید دیگری است که بر وجود آن حضرت مترتب است. بدون تردید جامعه ای که به پیشوای زنده اگر چه غایب معتقد است،

همواره از فرو افتادن در ناامیدی در امان خواهد بود. و شکی نیست جامعه ای که دچار ناامیدی شد، رو به انحطاط خواهد رفت.

امروزه جامعه شیعی، استواری، پویایی و شادابی خود را مرهون این باورمندی می داند که از فواید آن امام پنهان به حساب می آید.

آری، اوضاع نابسامان و اسفبار جهان و سیل بنیان کن ستم و بیداد، خیرخواهان بشریت را نگران کرده است؛ به گونه ای که ممکن است گاهی در اصل قابلیت اصلاح بشر تردید کنند. در این صورت، یگانه روزنه امیدی که برای بشر باز می ماند و یگانه بارقه امیدی که در این جهان ظلمت زده، امید می آفریند، همان انتظار فرج و فرا رسیدن عصر سراسر عدل حکومت توحید و نفوذ دستورهای الهی است.

### ۳. ایمنی بخش از بلاها

بدون تردید، امتیت، از اساسی ترین نیازهای زندگی است. پدید آمدن رخدادهای ناگوار، همواره این نیاز را مورد تهدید جدی قرار داده، زندگی و حیات طبیعی موجودات را به مخاطره انداخته است.

بخشی از این نگرانی ها با کنترل عوامل شناخته شده بر طرف می شود؛ امّا در موارد فراوانی عواملی ناشناخته و خارج از کنترل، ناامنی هایی را بر زندگی تحمیل می کند.

در برخی روایات، امام و حجت الهی، عامل امتیت زمین و اهل آن، دانسته شده است.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خود فرموده است:

وَإِنِّي لَأَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ...؛<sup>(۱)</sup>

من سبب ایمنی [از بلاها] برای ساکنان زمین هستم.

حجت خداوند و امام معصوم، مانع از آن است که مردم به سبب انواع گناهان و مفسدتی که انجام می دهند به عذاب های سخت الهی گرفتار آیند و طومار حیات زمین و اهل آن در هم پیچیده شود.

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۳، ح ۴.



قرآن کریم در این باره، خطاب به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم که بزرگ ترین حجت الهی است، می فرماید:

«وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ...» (۱)؛

[ای رسول ما] تا زمانی که تو در میان ایشان [مسلمانان] هستی، خداوند هرگز آن ها را به عذاب [عمومی] گرفتار نخواهد کرد.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که نمونه کامل رحمت و مهر پروردگار است نیز به عنایت خاص خود بلاهای بزرگ را به ویژه از جامعه شیعیان و فرد فرد آن ها دور می کند؛ گرچه در بسیاری از موارد، شیعیان به لطف و کرامت او توجه نداشته باشند و دست یاری گر او را بر سر خود نشانند.

آن گرامی در مقام معرفی خود فرموده است:

أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ وَ بِي يَدْفَعُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الْبَلَاءَ مِنْ أَهْلِ وَ شِيعَتِي؛ (۲)

من آخرین جانشین پیامبر خدا هستم و خدای تعالی به واسطه من بلاها را از خاندان و شیعیانم دور می کند.

از موارد آشکار این فائده را می توان در جریان شکل گیری انقلاب اسلامی ایران و سال های پراکندگی دفاع مقدس، جست و جو کرد. دیده ها و شنیده ها حکایت از آن دارد که بارها لطف و محبت آن امام بزرگوار بر سر ملت و مملکت سایه افکند و نظام اسلامی و ملت مسلمان و مهدوی را از گردنه توطئه های سنگین دشمن عبور داد.

#### ۴. ایجاد پروای الهی در پرتو باور وجود امام زنده در جامعه

از روایات اسلامی به دست می آید که در دوران غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و در زمان های معینی، اعمال انسان ها به آن حضرت عرضه می شود. این باور خود در ایجاد پروای الهی، و خویشتن داری برابر انجام کارها، نقشی بسیار مهم و اساسی دارد.

مرحوم کلینی در کتاب کافی، بخشی را با عنوان «بَابُ عَرْضِ الْأَعْمَالِ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سلم

۱- انفال (۸): ۳۳.

۲- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۴۶.

وَ الْأُتْمَهُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ»، پدید آورده و در آن روایاتی را یادآور شده که در آن، سخن از عرضه اعمال بر امام زنده هر عصر دارد.

در روایت چهارم این باب، عبد الله بن ابان زبّات که جایگاه خوبی نزد حضرت رضا علیه السلام داشت، از آن حضرت خواست برای او و اهل بیتش دعا کند آن حضرت فرمود:

أَوْ لَسْتُ أَفْعَلُ وَاللَّهِ إِنَّ أَعْمَالَكُمْ لَتُعْرَضُ عَلَيَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ؛

مگر چنین نمی کنم؟ به خدا سوگند اعمال شما در هر روز و شب بر من عرضه می شود.

عبد الله بن ابان گفت: «از این فرمایش حضرت شگفت زده شدم». حضرت در پاسخ فرمود:

أَمَّا تَقْرَأُ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «وَقُلْ أَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ»؟ قَالَ: هُوَ وَاللَّهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ (۱)

مگر کتاب خدا را نخوانده ای که فرمود: «و بگو هر کار می خواهید انجام دهید؛ پس به یقین خداوند، پیامبرش و مؤمنان عملتان را می بینند»؟ فرمود: به خدا سوگند! مقصود از او [= مؤمن] علی بن ابی طالب است.

این آگاهی، آثار تربیتی فراوانی دارد و که مهم ترین آن ها، این است که انسان را به نوعی مراقبت دائمی در رفتار خود وا می دارد. انسانی که بداند افزون بر خداوند، پیامبران و فرشتگان، امامی زنده نیز وجود دارد که اعمال او بر وی عرضه می شود، به طور قطع رفتار خود را با دقت بیشتری انجام می دهد.

## ۵. یاری برخی نیازمندان

جدای از این که در همه حالت ها، خود آن حضرت به یاری استمداد کنندگان می آید یا این که ملازمان و اولیای او و نیز این که یاری شدن توسط آن حضرت، همراه ملاقات باشد یا نه، شکی نیست که در طول تاریخ غیبت، انسان های بسیاری به دست آن حضرت یا اراده ایشان از سختی ها و مشکلات نجات یافته اند.

طبق نقل مرحوم طبرسی از سوی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نوشته و توقیعی برای شیخ مفید صادر شده است که در آن، نکته های ارزشمندی درباره فایده یاد شده است. آن جا می خوانیم:

إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَ اضْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ فَاتَّقُوا اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ... (۱)؛

ما در رعایت احوال شما کوتاهی نمی کنیم و شما را فراموش نمی نماییم. اگر این چنین نبود، شر و بدی بر شما نازل می شد و دشمنان بر شما چیره می گشتند؛ پس تقوای الهی پیشه کنید....

### ۶. دعای خیر آن حضرت در حق مؤمنان

شکی نیست که امام معصوم علیه السلام از هر پدری و مادری مهربان تر است و در همه حال، خوبی بندگان خدا به ویژه مؤمنان را می خواهد؛ از این رو همواره برای موفقیت آن ها و نیز دوری مصیبت ها و مشکلات از آن ها، دعا می کند. این هم در موارد فراوانی رخ داده است.

### ۷. تصویب امور سال در شب های قدر

طبق برخی روایات، تقدیرات الهی با امضای آن حضرت صورت می گیرد.

اگر چه در منابع مفصل، فوایدی افزون تر از آنچه ذکر شد، مورد اشاره قرار گرفته است، به همین مقدار بسنده کرده، علاقه مندان را به کتاب های بزرگان ارجاع می دهیم.

در پایان، مناسب است درباره روایاتی که از آن حضرت با عنوان «خورشید پس ابر» یاد شده، توضیح دهیم.

### امام غایب، بسان خورشید پشت ابر

در سخنان پیشوایان معصوم علیهم السلام درباره فواید امام غایب، تشبیه زیبایی ذکر شده که در آن، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت، به آفتاب پشت ابر تشبیه شده است.

نخست، در بیان نورانی رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، آن گاه ششمین پیشوای شیعیان، امام صادق علیه السلام و سرانجام در بیانی نورانی از واپسین حجت الهی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به این تشبیه زیبا، اشاره شده است که به آن ها می پردازیم:

۱. جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم پرسید: «آیا شیعیان در زمان غیبت قائم از وجود مبارک او بهره مند می شوند؟» پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در پاسخ فرمود:

إِي وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْبُؤْهِ إِنَّهُمْ يَسْتَضِيئُونَ بِنُورِهِ وَيَتَنَفَعُونَ بِوِلَايَتِهِ فِي غَيْبَتِهِ كَانْتِفَاعِ النَّاسِ بِالشَّمْسِ وَإِنْ تَجَلَّلَهَا سَحَابٌ. يَا جَابِرُ! هَذَا مِنْ مَكْنُونِ سِرِّ اللَّهِ وَمَخْزُونِ عِلْمِهِ، فَارْتَمُوا إِلَيَّ عَنِ أَهْلِهِ؛ (۱)

آری! سوگند به خدایی که مرا به نبوت برانگیخت! آنان در غیبت او، از نورش روشنایی می گیرند و از ولایت او، بهره مند می شوند؛ همانند بهره مندی مردم از خورشید؛ اگرچه ابرها چهره آن را بپوشانند. ای جابر! این از اسرار پوشیده خداوند و از علوم ذخیره شده او است. آن را مخفی کن، مگر از اهلس.

۲. سلیمان بن اعمش از امام صادق علیه السلام و او از امام باقر علیه السلام و او از امام سجاد علیه السلام چنین نقل کرده است که فرمود:

زمین از آفرینش آدم تا کنون و تا همیشه تاریخ، از حجت خدا تهی نخواهد بود؛ خواه حجت حق، ظاهر و آشکار و شناخته شده باشد یا بنا به مصالحی، نهان و پوشیده. تا رستاخیز نیز چنین خواهد بود که اگر جز این باشد، خدای یگانه پرستیده نمی شود. (۲)

سلیمان می گوید: گفتم: «سرورم! مردم چگونه از امام غایب از نگاه، بهره ور می شوند؟»

حضرت فرمود:

همان گونه که از خورشید زمانی که ابرها آن را می پوشانند، بهره می برند.

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۳، ح ۳.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۰۷، ح ۲۲.

۳. در توفیق مبارکی که از سوی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای اسحاق بن یعقوب صادر شده آمده است:

...وَأَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي فَكَالْإِنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَيَّبَتْهَا عَنِ الْإِبْصَارِ السَّحَابُ...؛ (۱)

... و اما چگونگی بهره مندی از من در عصر غیبت، درست همانند بهره مندی، از خورشید است؛ هنگامی که ابرها آن را از چشم ها بپوشاند....

بی گمان این تشبیه، از روی حکمت بوده است؛ از این رو دانشوران شیعه در بیان این تشبیهات نکته های ارزشمندی را یادآور شده اند که این جا فقط به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱. خورشید، در منظومه شمسی محور و مرکز است. امام زمان علیه السلام نیز در منظومه زندگی انسان ها محور و اساس است.

۲. خورشید، در مجموعه هستی دارای فواید بی شماری است که فقط یکی از آن ها نور افشانی است. امام زمان علیه السلام نیز در نظام آفرینش دارای فواید بی شماری است که فقط فواید اندکی از آن، وابسته به آشکاری او است.

۳. ابر، فقط چهره خورشید را بر زمینی ها می پوشاند؛ ولی هرگز زمین را تاریک نمی کند. پرده غیبت نیز فقط انسان ها را از دیدار مستقیم حضرت محروم می کند و هرگز مانعی بر نورافشانی او بر مردمان نخواهد شد.

۴. ابری شدن از عوارض زمین و زمینیان است، نه خورشید؛ غیبت نیز نتیجه رفتار انسان ها است.

۵. ابر، فقط برای کسانی مانع است که زیر آن باشند. اگر کسی بر جاذبه زمین غالب شد و از ابرها بالا رفت، دیگر ابر مانع او نخواهد بود. در غیبت نیز اگر کسی بر جاذبه های دنیایی چیره و غالب شد و آن سان که شایسته است، تعالی یافت، ممکن است از پرده غیبت فراتر رفته به دیدار آن خورشید پنهان نایل شود.

---

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۳، ح ۴.

۶. در بهره مندی از خورشید، میان افرادی که خورشید را باور کرده اند با افرادی که منکر او هستند تفاوتی نیست. در بهره مندی از فواید تکوینی امام نیز بین منکر و قائل به امام فرقی نیست.

۷. فقط مردمی در انتظار راستین کنار رفتن ابرها به سر می برند که به فواید خورشید آگاهی کامل دارند. در دوران غیبت نیز معرفت به امام، باعث حقیقی تر شدن انتظار می شود.

۸. فقط انسان های نابینا از نورافشانی خورشید محرومند؛ همان گونه که فقط انسان های کوردل منکر نور وجود پیشوای معصوم و از آن بی بهره هستند.

بنابراین شکی نیست که میزان بهره مندی موجودات از آفتاب عالم تاب در زمانی که چیزی حایل نباشد بیشتر و کامل تر است؛ اما این بدان معنا نیست که وجود پرده بر روی خورشید، تمام یا بیشتر بهره مندی ها را از بین ببرد؛ بلکه این مانع، فقط برخی از فواید را از میان برده یا کم می کند.

وجود ظاهری امام در عصر حضور و ظهور نیز به معنای آن است که تمام منافع امام می تواند به مردم برسد. حال اگر چیزی مانع رسیدن فیض های کامل امام به دیگران شود بدان معنا نیست که وجود او بی فایده است.

وجود امام در پس پرده غیبت، به همان میزان مفید است که وجود او در زندان های حاکمان ستمگر دارای فایده بود. البته بین زندان غیبت و زندان حاکمان مستبد، تفاوت های فراوانی است؛ ولی هر کدام به نوعی مانع رسیدن فیض کامل امام به عالم وجود و انسان ها می شوند.

فشرده سخن این که مسأله غیبت، فلسفه ضرورت وجود امام معصوم علیه السلام را نقض نمی کند؛ زیرا امام معصوم در حال غیبت وجود دارد و فواید او هم به دیگران می رسد. فقط بخشی از فواید او است که در اثر تقصیر خود مردم در حال غیبت به آنان نمی رسد؛ ولی وجود او حجت را بر همگان تمام کرده است و این، خود مردم هستند که می بایست با ایجاد آمادگی لازم شرایط را برای ظهور آن حضرت فراهم کنند.

## خودآزمایی

۱. امام غایب به خورشید پشت ابر تشبیه شده است. به دو حدیث در این باره اشاره کرده، توضیح دهید.
۲. به چهار وجه شباهت میان خورشید پشت ابر و امام غایب اشاره کرده، آن ها را توضیح دهید.
۳. مهم ترین فایده تکوینی امام غایب را توضیح دهید.
۴. چگونه امام غایب، از بلاها ایمن می بخشد؟
۵. درباره هدایت های باطنی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت توضیح داده به مواردی اشاره کنید.

===

## منابع برای پژوهش

۱. صافی گلپایگانی، لطف الله، وابستگی جهان به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، حضرت معصومه علیها السلام، ۱۳۷۵ ش.
۲. جوادی آملی، عبد الله، عصاره خلقت، قم، اسراء، ۱۳۷۸ ش.
۳. بنی هاشمی، سید محمد، آفتاب در عزیمت، تهران، میقات، ۱۳۸۰ ش.
۴. مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، مدرسه امام علی علیه السلام، ۱۳۸۰ ش.
۵. صدر، سید محمد، تاریخ الغیبه الکبری، اصفهان، کتابخانه امیرالمؤمنین، ۱۴۰۲ ق.

## درس پنجم: غیبت صفرا و نیابت خاص

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

ویژگی های غیبت صفرا

نیابت خاص

نواب چهارگانه (خاص)

۱. عثمان بن سعید عمری

۲. محمد بن عثمان بن سعید عمری

۳. حسین بن روح

۴. علی بن محمد سمري

وظایف نایبان خاص



## پیش درآمد

پیش تر یاد شد، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دارای دو غیبت است؛ یکی کوتاه و ناتمام و دیگری طولانی و تمام.

امّا این که چرا چنین شد؟ باید توجه داشت اگر آن غیبت، یکباره رخ می نمود، ضربه سنگینی به پایگاه های مردمی و طرفداران امامت وارد می شد؛ زیرا مردم، پیش از آن با امام خود ارتباط داشتند و در مشکلات به او رجوع می کردند؛ اگر ناگهان امام غایب می شد و مردم احساس می کردند دیگر به رهبر فکری و معنوی خود دسترسی ندارند، ممکن بود همه چیز از دست برود و آن جمع به تفرقه دچار شوند.

بنابراین لازم بود که برای «غیبت تامّه» زمینه سازی شود، تا مردم به تدریج با آن خو بگیرند و خود را بر اساس آن بسازند. با غیبت صغرا، در واقع این زمینه سازی صورت گرفت. در این زمان، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیده ها پنهان بود؛ ولی از راه نمایندگان، و کیلان و یاران مورد وثوق با شیعیان خود ارتباط داشت. (۱)

رفته رفته پس از گذشت ۶۹ سال، با پدید آمدن آمادگی، آن حضرت در پرده پنهان زیستی تمام، قرار گرفت.

در این درس بر آن هستیم تا درباره غیبت صغرا و نیابت خاص آن حضرت توضیح دهیم.

دوران غیبت صغرا که برخی آغاز آن را از همان ابتدای ولادت (۱) و برخی از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام (۲) دانسته اند. در واقع نوعی آماده سازی برای غیبت طولانی بود و غیبت طولانی هم مقدمه ظهور و حضور ظاهری آن حضرت در جامعه انسانی است.

## ویژگی های غیبت صغرا

### اشاره

غیبت صغرا، با ویژگی های خاص خود، دورانی لازم و ضروری بود که به حکمت خداوند، در تاریخ شیعه رقم خورد، تا جامعه شیعی را به کامل ترین صورت ممکن مهیای فصلی تازه از زندگی خود کند. برخی از این ویژگی های غیبت صغرا بدین قرار است:

### ۱. محدود بودن به زمان معین

زمان غیبت صغرا محدود بود و از نگاه زمانی ۶۹ سال و چند ماه طول کشید و به دلیل کوتاه بودن مدت آن «غیبت صغرا» نامیده شد؛ به خلاف غیبت کبرا که غیر از خدا کسی از مدت آن آگاهی ندارد.

### ۲. پنهان نبودن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از همگان

در دوران غیبت صغرا، امام از نگاه ها پنهان بود؛ لیکن این غیبت، همگانی نبود؛ بلکه کسانی مانند نواب خاص و برخی از وکلای آن حضرت، می توانستند با آن حضرت در تماس باشند و پرسش ها و نامه های مردم را خدمت امام ببرند و پاسخ او را به مردم برسانند.

اما در غیبت کبرا، امام به طور کلی از نگاه ها پنهان است و راه نامه نگاری بسته است؛ یعنی بنای غیبت کبرا و اقتضای آن، این است که حضرت دیده نشود. البته این بدان معنا نیست که امکان ندارد دیده شود؛ بلکه ممکن است برخی افراد، حضرت را ببینند.

۱- شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۴۰.

۲- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۵۹؛ شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۴۱؛ نعمانی، الغیبه، ص ۱۴۹.

### ۳. ارتباط حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با مردم به وسیله افراد مشخص

در غیبت صغرا، حضرت چهار نماینده داشت که آن ها را به صورت معین و مشخص تعیین کرده و برگزیده بود. آنان موظف بودند بین امام و مردم ارتباط برقرار کنند. اقامتگاه و مکان حضرت را نیز می دانستند؛ ولی در غیبت کبرا چنین نیست.

#### نیابت خاص

با توجه به ویژگی های پیشین، روشن می شود یکی از مباحث مهم در این دوران، بحث نیابت خاص است.

در دوره غیبت صغرا، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به واسطه چهار نفر نایب خاص خود با شیعیان در رابطه بود و امور آنان را سر و سامان می داد. این امور، افزون بر مسایل مالی، شامل مسایل عقیدتی و فقهی نیز می شد.

رابطان میان آن حضرت و شیعیان، چهار نفر از اصحاب با سابقه و مورد اعتماد امامان پیشین بودند که یکی پس از دیگری این وظیفه مهم را بر عهده داشتند. آنان، به «نواب خاص» آن حضرت معروفند. این افراد، با وکیلان حضرت در دورترین نقاط شهرهای اسلامی در تماس بوده و نامه ها و خواسته های شیعیان را به محضر مقدس او می رساندند و در جواب، تویعاتی از طرف آن حضرت صادر می شد.

نکته قابل توجه آن که در این دوره، نه فقط شخص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیده ها پنهان بود، بلکه بیشتر سفرای ایشان نیز به طور ناشناس و بدون آن که جلب توجه کنند، عمل می کردند.

نیابت خاص، بدان سان بود که امام شخص معین و مشخصی را نایب خود قرار دهد و به اسم و خصوصیات، او را معرفی کند؛ همان گونه که پیش از آن امام حسن عسکری علیه السلام این کار را انجام داده و فرمود:

الْعَمْرِي وَابْنُهُ تَقْتَانِ فَمَا آدِيَا إِلَيْكَ عَنِّي فَعَنِّي يُؤَدِّيَانِ وَ مَا قَالَا لَكَ فَعَنِّي يَقُولَانِ؛(۱)

عمری و پسرش [= عثمان بن سعید، نایب اول و محمد بن عثمان، نایب دوم]

۱- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۲۹، ح ۱؛ شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۴۳ و ص ۳۶۰.

مورد اعتماد هستند. هر چه آنان به تو برسانند، از من می‌رسانند و آنچه به تو بگویند، از جانب من می‌گویند.

و در جای دیگر فرمود:

وَأَشْهَدُ وَعَلَىٰ أَنَّ عُثْمَانَ بْنَ سَعِيدِ الْعَمْرِيِّ وَكَيْلِي وَأَنَّ ابْنَهُ مُحَمَّدًا وَكَيْلُ ابْنِي مَهْدِيٌّكُمْ؛ (۱)

گواه و شاهد باشید که عثمان بن سعید عمری [= نایب اول] و کیل من و فرزندش محمد بن عثمان [= نایب دوم] و کیل فرزند من، مهدی شما است.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، نایبان پس از عثمان بن سعید (نایب اول) را به وسیله نایب قبل او معین و به مردم معرفی می‌کرد. (۲)

نیابت و سفارت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت صغرا، از پست‌ها و مسؤولیت‌های بسیار خطیر و با اهمیت شناخته شده است. این مقام ارجمند، فقط براننده کسی است که ویژگی‌ها و ارزش‌های خاصی داشته باشد. برخی از این ویژگی‌ها چنین است:

ایمانی استوار و خلل‌ناپذیر

امانت‌داری به مفهوم واقعی آن؛

تقوا پیشگی و پرهیزکاری؛

رازداری و پوشیده داشتن اموری که باید نهان بماند؛

دخالت‌ندادن رأی و نظر شخصی خویش در امور مخصوص به آن حضرت؛

اجرای دستورهای امام.

...

روشن است که «نیابت خاص» آن حضرت، با «نیابت عام» که مجتهد جامع شرایط دارد، مسؤولیتی بس متفاوت است.

۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۵۵.

۲- ر.ک: غفارزاده، علی، پژوهشی پیرامون زندگانی نواب خاص امام زمان علیه السلام، ص ۳۴.

اگرچه در نیابت خاص ویژگی هایی در نظر بود، آنچه دارای اهمیت ویژه ای بود، رازداری نواب خاص بود.

شیخ طوسی در کتاب الغیبه نوشته است:

عده ای از ابوسهل نوبختی پرسیدند: «چطور شد امر «نیابت» به ابوالقاسم حسین بن روح واگذار شد؛ ولی به تو واگذار نگردید؟» او پاسخ داد: «آنان [= ائمه اطهار علیهم السلام] بهتر از هر کس می دانند چه کسی را به این مقام برگزینند. من آدمی هستم که با دشمنان، رفت و آمد دارم و با ایشان مناظره می کنم. اگر آنچه ابوالقاسم بن روح درباره امام می داند، می دانستم، شاید در بحث هایم با دشمنان و جدال با آنان، می کوشیدم دلیل های بنیادی را بر وجود امام ارائه کنم و در نتیجه محل اقامت او را آشکار سازم؛ اما اگر ابوالقاسم، امام را در زیر جامه خود پنهان کرده باشد، و بدنش را با قیچی قطعه قطعه کنند تا او را نشان دهد، هرگز چنین نخواهد کرد».<sup>(۱)</sup>

### سفیران چهارگانه (خاص)

#### اشاره

در مدت غیبت صغرا طبق دیدگاه مشهور چهار سفیر یا نایب خاص، درخواست های مردم را به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نیز نامه ها و توقیعات آن حضرت را به مردم می رساندند و خود به زیارت ایشان نایل می شدند. این سفیران یا نواب چهارگانه، به ترتیب عبارتند از:

#### ۱. عثمان بن سعید عمری

#### اشاره

نخستین نایب خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ابوعمرو عثمان بن سعید عمری بود. شیخ طوسی، درباره سفیران حضرت و اولین ایشان چنین نوشته است:

سفیرانی که از جانب ائمه اطهار علیهم السلام به نیکی یاد شده اند؛ نخستین آنان مرد بزرگواری است که حضرت امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام او را توثیق فرموده اند و او، شیخ موثق ابوعمرو عثمان بن سعید عمری است.<sup>(۲)</sup>

۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۹۱، ح ۳۵۸.

۲- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۵۳.

نام وی «عثمان بن سعید»، کنیه اش «ابوعمر و» و لقبش «العمری»، «سَمَان» (۱)، «اسدی» (۲) و «عسکری» (۳) می باشد.

وی از یاران، اصحاب و شاگردان مورد وثوق امام دهم و امام یازدهم بود. او مردی بزرگووار و مورد اطمینان بود که از یازده سالگی در محضر امام هادی علیه السلام به خدمت گزار و یادگیری احکام، حدیث و آموزه های اسلامی اشتغال داشت و شاگرد تربیت یافته در زیر سایه ولایت و امامت بود. (۴)

شاید یکی از دلایلی که وی در پیشگاه دو امام قبل از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گرفته بود، این بود که دیگر کسی در شأن و عظمت او تردید نداشت و مردم، به راحتی نیابت او از طرف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را می پذیرفتند.

از احمد بن اسحاق نقل شده است:

از حضرت هادی علیه السلام پرسیدم: «با چه کسی داد و ستد کنیم و از چه کسی مطلب را بگیریم و گفته چه کسی را بپذیریم؟» امام فرمود: «عمری مورد اعتماد من است؛ آنچه را از من به تو برساند، به طور قطع از من می رساند و آنچه را از قول من برای تو گوید، به طور قطع از من می گوید. سخن وی را گوش کرده، اطاعت نما؛ زیرا او مورد اعتماد و امین است.» (۵)

عثمان بن سعید از سال ۲۶۰ق به نص صریح امام حسن عسکری علیه السلام به نیابت از امام غایب معرفی شد. همچنین حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به وکالت و نیابت عثمان بن سعید برای جمعیت و اهالی قم اشاره کرد و آن ها را به عثمان بن سعید ارجاع داد. (۶)

۱- علت ملقب شدن او به «سَمَان» این بود که به تجارت روغن می پرداخت، تا در پس این کار، به مسؤولیت اصلی خود بپردازد و از شر حکومت در امان باشد.

۲- به دلیل آن که از قبیله بنی اسد بود.

۳- زیرا او از محله «عسکر» سامرا بود.

۴- غفارزاده، علی، پژوهشی پیرامون زندگانی نواب خاص امام زمان علیه السلام، ص ۱۰۶، به نقل از: رجال شیخ طوسی، رقم ۲۲، ص ۴۳۴.

۵- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۲۰؛ شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۵۴، ح ۳۱۵.

۶- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۷۶، ح ۲۶.

از مهم ترین ویژگی های نخستین نایب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به موارد زیر می توان اشاره کرد:

۱. مورد اطمینان سه امام معصوم علیهم السلام و امین ایشان بود؛<sup>(۱)</sup>

۲. در اجرای مراسم ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حضور چشمگیری داشت؛<sup>(۲)</sup>

۳. مراسم کفن و دفن امام عسکری علیه السلام را به عهده گرفت؛<sup>(۳)</sup>

۴. به دستور امام عسکری علیه السلام پس از شهادت آن حضرت، عهده دار نیازهای خانواده آن حضرت شد؛

۵. افزون بر آن که از طرف امام عسکری به نیابت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نصب شده بود، توسط خود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز به این مقام گماشته شد؛

۶. نقش مهمی در رسوایی جعفر کذاب داشت؛

۷. پس از وفات وی، نامه تسلیتی از طرف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف صادر شد و در آن، از او تجلیل فراوانی شد.

وی اندکی پیش از سپری شدن عمر شریفش، به دستور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، فرزندش، محمد بن عثمان را نایب خاص پس از خود منصوب کرد. البته پیش از این، فرزند عثمان بن سعید از سوی امام عسکری علیه السلام فردی مورد اطمینان برای فرزندش حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی و معین شده بود.<sup>(۴)</sup>

## وفات نایب اول

یکی از پژوهشگران معاصر درباره مدت نیابت نایب نخست، چنین نگاشته است:

علی رغم نقش تعیین کننده عثمان بن سعید در سازماندهی و تحکیم پایگاه شیعیان، بسیاری از ابعاد شخصیت و زندگانی او در دوران کودکی و جوانی و چگونگی رشد و نمو او، از جمله تولد، وفات و مدت نمایندگی او در بستر تاریخ مبهم مانده است.

۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۵۴، ح ۳۱۵.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۲، ح ۶.

۳- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۵۶، ح ۳۱۸.

۴- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۵۶.

هیچ نویسنده و مورخی به صورت قطع و یقین، تاریخ وفات او را مشخص نکرده است. بعضی ها به طور کلی متعرض این مسأله نشده اند و بعضی هم با بیان تاریخ های احتمالی، از کنار مسأله رد شده اند.

این تحقیق، پس از نقل برخی دیدگاه ها در این زمینه، دو دیدگاه را مطرح کرده است. سپس نخستین آن دو را انتخاب کرده، این گونه نوشته است:

وفات او پیش از سال ۲۶۷ق بوده است و مشخصاً دانسته نیست کدام سال می باشد. اکثر مورخان و عالمان رجال همین احتمال را انتخاب کرده اند و این، اقرب به واقع است. (۱)

ابونصر هبه الله بن محمد می گوید:

قبر عثمان بن سعید در طرف غربی بغداد در خیابان «میدان» در اول محل، که به «درب جبله» معروف است، در داخل مسجد، درب راست که داخل می شوند و قبر در خود قبله مسجد قرار دارد. (۲)

## ۲. محمد بن عثمان بن سعید عمری

### اشاره

دومین نایب از «نواب چهارگانه» امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، محمد بن عثمان، فرزند نایب نخست است. وی پیش از آن، در زمان حیات پدرش، از سوی امام عسکری علیه السلام به نیابت امام غایب معرفی شده بود. بدین صورت که آن حضرت، هنگامی که گروهی از شیعیان یمن در شهر «سامرا» به حضورش شرفیاب شدند، عثمان بن سعید را نزد خود فرا خواند و بر وکالت و وثاقت او تصریح کرد. سپس فرمود:

گواه باشید عثمان بن سعید عمری، وکیل من است و فرزندش محمد بن عثمان وکیل فرزند من، مهدی شما است. (۳)

۱- غفارزاده، علی، پژوهشی پیرامون زندگانی نواب خاص امام زمان علیه السلام، ص ۱۴۲.

۲- پیشین، ص ۱۴۴.

۳- ر.ک: شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۵۶، ح ۳۱۷.



عثمان بن سعید هنگام مرگ خود، به دستور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیابت را به فرزند خود «محمد» سپرد. به علاوه خود حضرت ولی عصر علیه السلام نیز در توقیعاتی، به نیابت او تصریح فرمود. (۱)

آن حضرت در توقیعی چنین فرمود:

ما برای خداییم و بازگشتمان به سوی او است. تسلیم فرمان خدا و خشنود به قضای الهی هستیم. پدرت سعادت‌مندانه زیست و نیکو از این جهان، دیده بر بست. خدای رحمتش کند و او را به اولیا و موالی خود ملحق سازد! که همواره در راه آنان کوشا بود و در چیزهایی که او را به خدا نزدیک سازد، تلاش فراوانی داشت. خداوند تبارک و تعالی رویش را سفید و درخشنده کند و لغزش هایش را ببخشد! (۲)

در بخش دیگری از آن توقیع فرمود:

از کمال سعادت او بود که خداوند چون تو فرزندی را روزی اش ساخت که جانشین او باشد و به امر او قیام کند. (۳)

همچنین در توقیع دیگری فرمود:

... و اما محمد بن عثمان عمری، خداوند از او و پدرش خشنود و راضی باشد! همانا او مورد وثوق من و نوشته او، نوشته من است. (۴)

محمد بن عثمان، به رغم مخالفت هایی که از سوی مدعیان دروغین نیابت با وی صورت می گرفت و با وجود فشارهایی که از حاکمان و خلفای آن دوران بر وی وارد می شد، توانست جایگاه نیابت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را به گونه ای شایسته نگه داشته، امور واگذار شده را به شایستگی انجام دهد. او نگذاشت غالیان با ترفندهای دروغین خود، شیعیان را

۱- ر.ک: شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۱۰، ح ۴۱؛ شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۶۱.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۱۸۸، ح ۳۸.

۳- پیشین.

۴- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۶۲، ح ۳۲۶.

متوجه خود سازند و نیابت او را متزلزل کنند؛ از این رو دوستان ائمه علیهم السلام هیچ گاه درباره نیابت و وثاقت وی شک و تردید نکردند.

نایب دوم، میان نواب چهارگانه بیشترین مدت را در جایگاه نمایندگی امام زمان علیه السلام به خود اختصاص داد و حدود چهل سال نایب و رابط بین امام و شیعیان بود؛ از این رو توانست مسایل فقهی، کلامی، اجتماعی و... بیشتری از محضر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرسیده، پاسخ های آن حضرت را در اختیار عموم مردم قرار دهد.

### برخی ویژگی های نایب دوم

۱. وی فرزند نخستین نایب بود؛ از این رو از موقعیت نیابت به طور کامل آگاهی داشت.

۲. همانند پدرش، از طرف دو امام به نیابت امام زمان علیه السلام نصب شده بود.

۳. در مقایسه با دیگر نایبان، مدت زمان بیشتری نایب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده است.

۴. وی مرجع و پناهگاه شیعیان در مسایل کلامی، فقهی، اجتماعی و... بود.

۵. افزون بر رسیدگی به امور شیعیان، از حساس ترین وظایف او در دوران نیابت، مبارزه با مدعیان دروغین نیابت بود.

ابوجعفر محمد بن عثمان، طبق دیدگاه مشهور، در سال ۳۰۵ ق در آخر ماه جمادی الاولی وفات یافت.

قبر ابوجعفر محمد بن عثمان، در کنار قبر مادرش، بر سر راه کوفه در محلی که خانه اش آن جا بود، واقع است. این محل در سمت غربی بغداد است. (۱)

### ۳. حسین بن روح نوبختی

#### اشاره

سومین نایب خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، محدث، فقیه و متکلم شیعی ایرانی، حسین بن روح نوبختی است. وی میان شیعیان بغداد، شهرت ویژه ای داشت و یکی از افراد مورد اعتماد محمد بن عثمان عمری به شمار می رفت.

او در سال های ۳۰۵ تا ۳۲۶ ق نایب امام زمان علیه السلام و واسطه بین حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و شیعیان بود. حسین بن روح دارای برتری های فراوانی بود؛ اما به طور عمده شهرت و

۱- غفارزاده، علی، پژوهشی پیرامون زندگانی نواب خاص امام زمان علیه السلام، ص ۲۳۰، به نقل از: کتاب الغیبه، ص ۳۶۶..

اعتبار او، به مسأله نیابتش باز می گردد.

پیش از آن، محمد بن عثمان، او را حلقه اتصال بین خود و وکلای دیگرش در بغداد قرار داده بود. وی در زمان حیات نایب دوم، در دربار عباسی نفوذ چشمگیری داشت و از ناحیه برخی مقامات دولتی کمک های مالی به او می رسید. (۱)

نایب دوم، از دو یا سه سال پیش از درگذشت خود، با ارجاع برخی از شیعیان که اموالی از سهم امام و غیر آن پیش او می بردند به حسین بن روح نوبختی، زمینه را برای نیابت وی از طرف امام زمان علیه السلام هموار می کرد. او به کسانی که در این موضوع دچار شک و تردید می شدند، تأکید می کرد این دستور، از طرف امام علیه السلام صادر شده است. (۲)

وی در انتصاب حسین بن روح به جانشینی خود، تأکید فراوانی می کرد. گاهی به صورت انفرادی و گاهی میان عموم شیعیان مخلص و وکلای خویش، این مطلب را یادآور می شد. این تأکید، بدان علت بود که از طرف امامان علیهم السلام، سخن صریحی که بیانگر وثاقت، امانت و نیابت حسین بن روح صادر باشد، نشده بود. از طرفی میان وکلای بغداد، کسانی بودند که در ظاهر ارتباط محمد بن عثمان با آنان بیشتر بود؛ از این رو عوام و خواص شیعیان، تصور نمی کردند حسین بن روح به جانشینی انتخاب شود؛ بدین سبب، نایب دوم از هر فرصتی برای تبیین نیابت خود از طرف امام زمان علیه السلام، برای رفع شک و تردید از آنان استفاده می کرد. (۳)

پس از وفات ابوجعفر عمری و وصیت او درباره نصب حسین بن روح به عنوان نایب سوم امام غایب، ابوالقاسم حسین بن روح به «دارالنیابه» در بغداد آمد و بزرگان شیعه به گرد او جمع شدند.

حسین بن روح، با همکاری وکلای بغداد و سایر مناطق، کار خویش را در جایگاه نیابت امام زمان علیه السلام آغاز کرد و توانست با روش عالمانه و منطقی، در بین دوست و دشمن از پذیرش بالایی برخوردار شود.

۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۷۲، ح ۳۴۳، با تصرف.

۲- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۶۹، ح ۳۳۷ و ح ۳۳۵.

۳- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۶۹، ح ۳۳۶.

روایت‌ها، حکایت از آن دارد که بر خلاف سفیر اول و دوم، موقعیت حسین بن روح در جایگاه سفیر امام دوازدهم بین شیعیان امامیه آشکار بود؛ به همین دلیل عده‌ای از عوام امامیه، بر آن شدند که وکلای نواحی خود را نادیده گرفته، به طور مستقیم با خود او در تماس باشند؛ ولی رفته رفته با انجام تغییراتی در دستگاه حاکمه و برکناری برخی حامیان او، وضع دگرگون شد؛ به گونه‌ای که وی بخشی از پایان عمر خود را در زندان به سر برد. (۱)

از جمله حوادث مهم دوران نیابت حسین بن روح، جدا شدن ابوجعفر محمد بن علی شلمغانی (معروف به ابن ابی عزافر) از آیین شیعی و تکفیر او به دست حسین است. (۲)

### مدت نیابت

حسین بن روح، با وفات ابوجعفر محمد بن عثمان عمری، در سال ۳۰۵ق منصب نیابت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را عهده دار شد و در سال ۳۲۶ق وفات یافت.

بدین سان مدت نیابت وی نزدیک به ۲۱ سال بود.

در وفات وی که در سال ۳۲۶ق بوده، هیچ اختلافی نیست، و محدثان و مورخان در این مسأله اتفاق نظر دارند؛ لیکن در محل قبر او، اختلاف و شبهاتی وجود دارد. مسلم است که قبر او در بغداد است؛ ولی این که قبر در قسمت غربی بغداد است یا قسمت شرقی، مورد اختلاف است. (۳)

### ۴. علی بن محمد سمری

ابوالحسن علی بن محمد سمری، چهارمین و آخرین سفیر حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است. وی پس از درگذشت حسین بن روح به مقام سفارت رسید و مدت سه سال عهده دار این جایگاه بود.

سمری از خاندانی دیندار و شیعه بود که در خدمتگزاری به «سازمان امامیه» شهرت فراوانی داشت. همین اصالت خانوادگی او، باعث شد در امر سفارت، با مخالفت چندانی روبه رو نشود. (۴)

۱- ر.ک: شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۰۲، ح ۲۵۶.

۲- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۸۹، ح ۳۵۵.

۳- غفارزاده، علی، پژوهشی پیرامون زندگانی نواب خاص امام زمان علیه السلام، ص ۲۷۶.

۴- الهامی، داود، آخرین امید، ص ۱۰۹.

سمری، فرصت زیادی برای فعالیت نداشت؛ به همین دلیل، مانند نایب های پیش از خود، نتوانست فعالیت های گسترده ای انجام داده، تغییرات قابل ملاحظه ای در روابط خود و وکلا- پدید آورد؛ لیکن اعتقاد شیعیان به بزرگواری و مورد اطمینان بودن او، مثل سایر نایبان بود و وی مورد پذیرش عموم شیعیان قرار گرفت. (۱)

شش روز پیش از رحلت او، توقیعی از سوی امام دوازدهم به دستش رسید که مرگ وی را پیشگویی و زمان مرگ را نیز تعیین کرده بود. متن این توقیع شریف، نمایانگر پایان غیبت صغرا و نیابت خاص و آغاز غیبت کبرا و نیابت عام است. (۲)

وفات علی بن محمد در سال ۳۲۹ق رخ داد و قبر او در بغداد است.

### چگونگی ارتباط شیعیان با نواب چهارگانه

در آغاز نیابت خاص، جایگاه سفارت برای مردم روشن نبود. فقط عده اندکی از خواص و وکیلان، با نایب آن حضرت در ارتباط بوده، مسایل مورد نیاز خود را با او در میان می گذاشتند؛ اما پس از گذشت زمان، با تلاش های خالصانه وکیلان، نزد شیعیان، نیابت خاص حضرت، جایگاه خود را پیدا کرد.

بنابراین ارتباط شیعیان با نواب خاص در دوره های نخست، به طور عمده به واسطه وکیلان بود. به این صورت که مردم، خواسته های خود را با وکیلان در میان می گذاشتند یا وجوهات شرعی خود را به آنان می پرداختند. وکیلان نیز آن ها را به سفیر و نایب امام عجل الله تعالی فرجه الشریف منتقل می کردند و با واسطه سفیر، از ناحیه مقدسه پاسخ پرسش های خود را می گرفتند. با روشن شدن جایگاه نواب خاص، برخی شیعیان به صورت پنهانی توانستند به طور مستقیم با آنان تماس برقرار کنند. این کار، به طور عمده از زمان سفارت دومین سفیر آغاز شد و ادامه یافت.

### وظایف نایبان خاص

#### اشاره

برخی وظایف و فعالیت های نایبان خاص عبارت است از:

- ۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۱۷.
- ۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۱۶.

### ۱. بر طرف کردن تردید شیعیان درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

ولادت آخرین ذخیره الهی به صورت پنهانی صورت گرفت و جز اندکی از شیعیان، آن حضرت را در دوران پدر بزرگوارش ندیده بودند و تردیدهایی میان شیعیان پدید آمده بود؛ از این رو، یکی از مسؤولیت های مهم و حساس نواب خاص، از میان بردن تردیدهای موجود درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بود. این تلاش ها، بیشتر در دوران نایبان اول و دوم انجام شد؛ ولی در موارد مورد نیاز در دوره دیگر نواب نیز بدان توجه می شد.

از آن جا که این مسأله بسیار مهم و حساس بود، افزون بر ارائه کراماتی از طرف نایبان خاص، خود حضرت در موارد مورد نیاز، با صدور توقیعاتی این امر را بر ایشان آسان می کرد. در میان توقیعاتی که هم اکنون از آن حضرت در دست است، تعدادی درباره همین مسأله است. (۱)

### ۲. پنهان نگه داشتن مکان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

از احادیث نقل شده توسط نواب خاص و توقیعات صادر شده از طرف امام زمان علیه السلام به دست آنان (۲)، دانسته می شود نواب وظیفه ای دوجانبه داشته اند:

از سویی محل زندگی امام را نه فقط از دشمنان، بلکه از شیعیان پنهان نگه می داشتند و به وکلای خود آموزش می دادند مبادا اسمی از آن حضرت به میان آورند؛ از این رو توانستند شیعیان را از خطر عباسیان مصون دارند.

### ۳. پاسخگویی به پرسش های فقهی و مشکلات علمی و عقیدتی

نایبان خاص، پرسش های فقهی و شرعی شیعیان را خدمت امام و پاسخ آن ها را به مردم می رساندند. به ویژه در دوره نیابت نایب دوم، محمد بن عثمان، پرسش های فقهی بسیاری مطرح شد و امام، ضمن توقیعات متعدد و طولانی به آن ها پاسخ داد.

فعالیت های نایبان خاص به مسایل فقهی محدود نمی شد؛ بلکه وظیفه دیگر آنان حل مشکلات علمی و شرکت در بحث ها و مناظرات عقیدتی بود. (۳)

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۳۵.

۲- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۲۲.

۳- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۷۶.

#### ۴. سازماندهی وکیل های حضرت

یکی از تشکلهای مهمی که در دوران امامان پیش از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شکل گرفت، «تشکیلات وکالت» بود. ایشان این سازمان را برای آماده کردن هرچه بیشتر مردم، برای تحمل دوران غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به وجود آوردند؛ از این رو هر چه بیشتر می کوشیدند تا از مواجهه مستقیم، کم کرده، امور را به عهده افراد شایسته بگذارند.

این تشکیلات، به طور رسمی در زمان امام کاظم علیه السلام پدید آمد؛ اما در زمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به اوج خود رسید.

بنابراین، سیاست تعیین وکیل برای اداره امور نواحی گوناگون و برقراری ارتباط میان شیعیان و امامان، از دوران های امامان پیشین وجود داشت. در عصر غیبت، این تماس با امام زمان، قطع شد و محور ارتباط وکیلان با امام، نایبی بود که امام زمان تعیین می کرد.

مناطق شیعه نشین تقریباً مشخص بود و بنا به ضرورت در هر منطقه ای، وکیلی تعیین می شد. گاهی چند وکیل در مناطق کوچک تر، تحت سرپرستی وکیلی بودند که امام و یا نایب خاص برای آن ها تعیین می کرد. این وکلا، اموالی را که بابت وجوهات می گرفتند، به شیوه های گوناگونی به بغداد، نزد نواب می فرستادند و آنان نیز طبق دستور امام، در موارد بایسته به کار می گرفتند.

در مواردی ممکن بود برخی از وکیلان برای یک بار امام زمان علیه السلام را ملاقات کنند؛ چنان که «محمد بن احمد قطن» (از وکیلان ابوجعفر نایب دوم) به ملاقات امام نایل شد.<sup>(۱)</sup> اما به طور معمول، آنان تحت نظر نایب خاص امام، انجام وظیفه می کردند. بنابر نقل احمد بن متیل قمی، ابوجعفر، ده وکیل در بغداد داشت که نزدیک ترین آنان به وی «حسین بن روح» بود<sup>(۲)</sup> که پس از او نایب سوم شد. از دیگر نزدیکان وی، «جعفر بن احمد بن متیل» بوده که از دید بسیاری، وی جانشین ابوجعفر خواهد بود. از روایتی دیگر، دانسته می شود در برابر اموال داده شده به وکیلان، قبضه هایی از آنان دریافت

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۴۴۲.

۲- نعمانی، الغیبه، ص ۲۲۵.



می شد؛ اما از نایب خاص، چنین قبض هایی دریافت نمی کردند. زمانی که ابوالقاسم، حسین بن روح را به جانشینی برگزید، دستور داد از وی قبض هایی نخواهند. (۱)

برخی از این وکیلان، عبارت بودند از:

۱. احمد بن اسحاق (وکیل در قم)؛

۲. محمد بن شاذان (نایب در نیشابور)؛

۳. محمد بن حفص؛

۴. محمد بن صالح همدانی (وکیل در همدان)؛

۵. قاسم بن علا (وکیل در آذربایجان)؛

۶. ابوالحسین محمد بن جعفر اسدی (وکیل در ری) (۲)؛

۷. ابراهیم بن محمد همدانی؛

۸. ابراهیم بن مهزیار (وکیل در اهواز)؛

۹. محمد بن ابراهیم بن مهزیار؛

۱۰. احمد بن حمزه بن یسع قمی؛

۱۱. داوود بن قاسم بن اسحاق؛

۱۲. محمد بن علی بن بلال؛

۱۳. ابو محمد وجنائی؛

۱۴. عبدالله بن ابی غانم قزوینی؛

۱۵. حسین بن علی بزوفری؛

۱۶. احمد بن هلال عبرتائی؛

۱- حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص ۲۳۶؛ غفارزاده، علی، پژوهشی پیرامون زندگانی نواب خاص امام زمان علیه السلام، ص ۸۵.

۲- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۱۵، ح ۳۹۱؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ح ۲، باب ۴۳، ۱۶

۳- ر.ک: رجال کشی؛ کمال الدین و تمام النعمه؛ کتاب الغیبه.

البته سه تن از این افراد محمد بن علی بن بلال، محمد بن صالح همدانی و احمد بن هلال منحرف و از وکالت امام برکنار شدند.

### ۵. آماده کردن شیعیان برای غیبت کبرا

یکی از مسؤولیت های اساسی سفرای چهارگانه بویژه آخرین نایب آماده کردن اذهان عمومی برای «غیبت کبرا» و عادت دادن تدریجی مردم به پنهان زیستی امام و جلوگیری از غافلگیر شدن در موضوع غیبت بود.

غیبت ناگهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چه بسا باعث انکار مطلق وجود آن حضرت و انحراف افکار عمومی می شد. نمایندگان خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت صغرا، به این هدف و غرض نایل شدند و افکار و اذهان عمومی را برای «غیبت کبرا» آماده ساختند.

### ۶. رهبری دوستان و طرفداران امام زمان علیه السلام و حفظ مصالح اجتماعی شیعیان

خلأ و کمبودی که به واسطه عدم حضور و فقدان امام، در اجتماع شیعیان پیدا شده بود، پر شد. امام زمان علیه السلام توانست به وسیله نایبان خاص رهبری خویش را در جامعه اعمال کرده و خسارت های ناشی از عدم حضور مستقیم خود را جبران کرد. آن حضرت، مصالح اجتماع آن زمان و دوستان را در سخت ترین و پیچیده ترین شرایط اجتماعی و سیاسی حفظ کرد و نگذاشت شیعیان منحرف شده و متلاشی شوند. (۱)

### ۷. جلوگیری از فرقه گرایی و گروه گردن شدن شیعیان

از مسؤولیت های مهم نایبان خاص، این بود که شیعیان را از پراکندگی بیشتر مصون دارند. ایشان همواره آن دسته از گفتارهای پیامبر و امامان علیهم السلام را که دلالت داشت مجموع پیشوایان معصوم علیهم السلام به دوازده ختم می شود و واپسین آنان غیبت خواهد کرد، بیان می کردند.

نواب خاص در این مرحله، به پیروزی چشمگیری دست یافتند و توانستند انشعابات پدید آمده در مکتب تشیع را کمتر کرده و در نهایت، به حد اقل برسانند.

## ۸. مبارزه با مدعیان دروغین نیابت

یکی از مسؤولیت های مهم نمایان خاص، مبارزه با مدعیان دروغین نیابت بود. این مبارزه به طور عمده، با هدایت های امام با صدور توقیعات از طرف آن حضرت صورت می گرفت. (۱)

## ۹. گرفتن اموال متعلق به امام و مصرف آن در موارد لازم

هر کدام از نواب خاص امام، در دوران سفارت خود، وجوه و اموال متعلق به حضرت را تحویل می گرفت و در مواردی که امام دستور می داد، مصرف می کرد.

---

۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۴۴.

## خودآزمایی

۱. دو ویژگی از ویژگی های غیبت صغرا را نام برده، توضیح دهید.
۲. نیابت خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در غیبت صغرا را بیان کنید.
۳. درباره هر یک از نواب چهارگانه به صورت مختصر توضیح دهید.
۴. چهار وظیفه از وظایف نواب خاص را توضیح دهید.
۵. پنج نفر از وکلای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در غیبت صغرا را نام ببرید.

===

## منابع برای پژوهش

۱. سید محمد صدر، تاریخ الغیبه الصغری، ترجمه سید حسن افتخارزاده، تهران، نیک معارف، ۱۳۷۱ ش.
۲. علی غفار زاده، پژوهشی پیرامون زندگانی نواب خاص امام زمان علیه السلام، قم، نبوغ، ۱۳۷۵ ش.
۳. مسعود پورسیدآقایی و دیگران، تاریخ عصر غیبت، قم، حضور، ۱۳۸۳ ش.
۴. سید محمد باقر صدر، رهبری بر فراز قرون، تهران، موعود، ۱۳۷۹ ش.
۵. جاسم حسین، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم علیه السلام، ترجمه سید محمد تقی آیت اللهی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷ ش.

## درس ششم: فرمایش های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

فرمایش های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در:

۱. دوران زندگی با امام عسکری علیه السلام

۲. دوران غیبت

توقعات

دعاها

زیارتنامه ها

۳. دروان ظهور

## پیش درآمد

اگرچه پنهان زیستی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باعث شده است، در مقایسه با بقیه پیشوایان معصوم علیهم السلام سخنان کمتری از آن حضرت به دست ما برسد؛ اما آنچه در دست است میراث گران بهایی است که می باید هر چه بهتر، از آن، پاسداری و به مضامین آن توجه کرد.

البته شکی نیست سخنان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همانند تمام سخنان دیگر امامان علیهم السلام می باید، هم از جهت سند و هم از جهت دلالت مورد بررسی و دقت قرار گیرد. روشن است در پاره ای موارد، بلندای مضمون این سخنان، ما را از بررسی سند، بی نیاز می کند؛ اما باید توجه داشت، این کار فقط از دست کارشناسان مربوط بر می آید. البته در برخی موارد نیز سخنانی به آن حضرت نسبت داده می شود که غیر قابل پذیرش است.

آنچه در این درس دنبال می شود، نگاهی است کوتاه به بخش هایی از سخنان و نوشته های ارزشمند آخرین پیشوای معصوم علیه السلام .

با توجه به تمام محدودیت هایی که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران پدر بزرگوار خود و نیز دوران غیبت صغرا داشت، نباید انتظار داشت مطالب فراوانی از آن حضرت به دست ما رسیده باشد؛ اما با وجود این همه تنگناها، از آن حضرت، آثار پر برکتی به یادگار مانده که بسیار مهم و کار گشا است.

در یک نگاه کلی، می توان فرمایش های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به سه مجموعه تقسیم کرد:

## مجموعه نخست: از ولادت تا آغاز امامت

این دوران، با ولادت آن حضرت آغاز و با شهادت امام عسکری علیه السلام پایان می یابد. در این مدت، سخنانی چند از آن بزرگوار نقل شده که به بیان برخی از آن ها می پردازیم.

نخستین سخنی که در این دوران در دست است، فرمایش آن حضرت لحظاتی پس از ولادت است که کرامتی از آن حضرت یاد شده است.

حکیمه دختر گرامی امام جواد علیه السلام در بخشی از حکایت شب ولادت حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف آورده است:

... ابو محمد با صدای بلند فرمود: «ای عمه! فرزندم را نزد من آور». او را نزد وی بردم. او دو کف دستش را گشود و فرزند را میان آن قرار داد و دو پای او را به سینه خود نهاد. پس زبانش را در دهان او گذاشت و دستش را بر چشمان و گوش و مفاصل وی کشید. سپس فرمود: «ای فرزندم! سخن گوی». نوزاد لب به سخن گشوده، گفت:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ؛ سپس بر امیرالمؤمنین و امامان علیهم السلام درود فرستاد تا آن که بر پدرش رسید و سکوت کرد. (۱)

شیخ طوسی و شیخ صدوق با ذکر سند می نویسند: نسیم و ماریه گویند:

چون صاحب الزمان به دنیا آمد، دو زانو بر زمین نهاد و دو انگشت اشاره را به سوی آسمان بلند کرد. آن گاه عطسه کرد و فرمود:

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ زَعَمَتِ الظُّلَمَةُ أَنَّ حُجَّةَ اللَّهِ دَاحِضَةٌ وَ لَوْ أُذِنَ لَنَا فِي الْكَلَامِ لَزَالَ الشُّكُّ؛ (۲)

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۲، ح ۱؛ همچنین ر.ک: شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۳۸؛ اربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه علیهم السلام، ج ۲، ص ۴۴۹.

۲- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۴۴، ح ۲۱۱؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۲، ح ۵؛ همچنین ر.ک: راوندی، الخرائج والجرائح، ج ۱۰، ص ۴۵۷، ح ۲.



سپاس پروردگار جهانیان را و خداوند بر محمد و آل او درود فرستد. ستمکاران پنداشته اند حجت خدا از میان رفته است. اگر برای ما اجازه در سخن گفتن بود، تردیدها از میان می رفت.

از جمله فرمایش های آن حضرت در این دوران، مطلب موجود در حکایت «احمد بن اسحاق» است. آن حضرت به زبان عربی فصیح به وی فرمود:

أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَالْمَنْتَقِمُ مِنَ أَعْدَائِهِ؛

من باقی مانده خداوند بر زمین او و انتقام گیرنده از دشمنان او هستم. ای احمد بن اسحاق! پس از دیدن، جست و جوی نشانه مکن» (۱)....

### مجموعه دوم: سخنان دوران غیبت

#### اشاره

آن گونه که پیش از این نیز یاد شد، این دوره به دو بخش متفاوت با عنوان غیبت صغرا و غیبت کبرا تقسیم شده است.

شکی نیست که آن حضرت در دوران غیبت نخست، پیام ها و سخنان فراوانی به واسطه سفیران خاص، به یادگار گذاشته است؛ امّا از آن جا که ما دلیل روشن و قابل اعتمادی بر پذیرش ادعای ملاقات و نقل سخن از آن حضرت، در دوران غیبت کبرا در دست نداریم، فقط به بررسی آثار آن حضرت در دوران غیبت صغرا می پردازیم.

مجموعه آنچه در این دوران به دست رسیده، به طور عمده به صورت توقیع بوده است؛ اگر چه مطالبی نیز به صورت شفاهی از آن حضرت نقل شده است.

اکنون بحث را با عنوان های: توقیعات، دعاها و زیارتنامه ها ادامه می دهیم.

#### توقیعات

#### اشاره

«توقیع» در لغت به معنای «نامه را نشان کردن»، «نوشتن عبارتی در ذیل نامه و نوشته» است. همچنین «پاسخ های مکتوب بزرگان و دولتمردان به پرسش ها و درخواست های کتبی که از ایشان می شود» (۲).



از بررسی نوشته های تاریخی به دست می آید، از زمان های دور بین حاکمان و فرمانروایان، «توقیع نویسی» رواج داشته و موارد فراوانی از توقیعات آن ها در متن های تاریخی ثبت و ضبط شده است. افزون بر موارد پیشین، در منابع روایی، فقهی و تاریخی شیعه نیز سخن از توقیع به چشم می خورد. توقیع در این کتاب ها به طور عمده، به قسمتی از نوشته های پیشوایان دینی علیهم السلام اطلاق شده است که برای پیروان خود مرقوم فرموده اند.

امروزه به سبب کاربرد بیشتر توقیعات در منابع مهدویت، هنگامی که سخن از «توقیع» به میان می آید، ذهن به توقیعات واپسین پیشوای معصوم، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف منصرف می شود؛ اما از امامان علیهم السلام دیگر نیز نوشته هایی با عنوان «توقیع» صادر شده است. (۱)

### چگونگی صدور توقیعات

درباره چگونگی صدور توقیعات از سوی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به طور دقیق آگاهی روشنی در دست نیست؛ اما بدون شک، بسیاری از این توقیعات، به گونه ای معجزه آسا صادر شده است؛ به گونه ای که می توان گفت: صدور آن ها به نحو عادی و از شخص معمولی صورت نگرفته است.

برای نمونه، می توان به حکایتی که در این باره رسیده است اشاره کرد.

«محمد بن فضل موصلی» یکی از شیعیان بود که نیابت «حسین بن روح» را قبول نداشت. روزی هنگام بحث با یکی از دوستانش (حسن بن علی وجنا) و بنا به پیشنهاد او، در صدد آزمودن نایب امام برآمدند. آنان بر مطلبی کاملاً محرمانه توافق کردند. حسن بن علی وجنا کاغذی از دفتر موصلی جدا کرد و قلمی تراشید. سپس با قلم بدون مرکب، مطالبی را بر روی آن ورقه نوشت و آن کاغذ سفید را مهر کرد و به وسیله خدمتکار نزد حسین بن روح فرستاد.

ظهر همان روز در حالی که محمد بن فضل مشغول غذا خوردن بود، پاسخ نامه وارد آمد که دقیقاً در همان ورقه فرستاده شده، پاسخ ها با مرکب نوشته شده بود. محمد بن فضل، در حالی که سخت تحت تأثیر قرار گرفته بود، همراه حسن بن وجنا به محضر

۱- اربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه علیهم السلام، ج ۳، ص ۳۶؛ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۴۵، ح ۴.

حسین بن روح وارد شد و از آن حضرت به سبب گمان نادرست خود عذرخواهی کرد. (۱)

افزون بر کرامت های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در صدور توقیعات که به یک نمونه آن اشاره شد، در متن توقیعات نیز، موارد فراوانی از کرامت به چشم می خورد که بیشتر به صورت آگاهی بخشی غیبی، از حوادث آینده، اتفاقات پنهانی، شفای بیماران و مانند آن می باشد.

یک نمونه از این توقیعات، آن گاه صادر شد که درباره وکلا و نمایندگان حضرت، نزد خلیفه غاصب وقت، بدگویی شده بود. خلیفه، برای شناسایی و دستگیری آنان، دستور داد افراد ناشناسی را همراه پول نزد وکلا به جاسوسی بفرستند. اگر کسی از آن ها چیزی پذیرفت، او را دستگیر کنند.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در توقیعی خطاب به تمام وکیل ها، دستوری فرمود از هیچ کس و تحت هیچ شرایطی چیزی نپذیرند و خود را بی اطلاع نشان دهند. (۲)

در ماجرای دیگری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، با صدور توقیعی، شیعیان را از زیارت کربلا و کاظمین برحذر داشت. پس از چند ماه، دانسته شد خلیفه در آن موقع، دستور داده بود هر کس به زیارت رود، در کمینش باشند و او را دستگیر کنند. (۳)

### بیشتر توقیعات به خط حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

درباره این که آیا توقیعات به خط مبارک حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده باید گفت: عده ای از افرادی که توقع ها را روایت و نقل نموده اند، تصریح کرده اند برخی از این نوشته ها به خط شریف آن حضرت است. در ذیل، به نمونه هایی از آن اشاره می شود:

۱. شیخ طوسی به نقل از راوی یک توقیع، این جمله را در کتاب خود نقل کرده است:

در پاسخ نوشته آنان، به خط امام زمان علیه السلام وارد شده است که: به نام خداوند بخشنده

۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۱۵، ح ۲۶۴.

۲- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۲۵، ح ۳۰.

۳- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۲۵، ح ۳۱.

مهربان؛ خداوند ما و شما را از گمراهی و فتنه‌ها سلامت بخشد و به ما و شما روح یقین عطا کند و ما و شما را از عاقبت بد پناه دهد!...» (۱).

۲. شیخ صدوق؛ نقل کرده است، محمد بن عثمان عمری می گوید:

خَرَجَ تَوَقِّعٌ بِخَطِّهِ نَعْرِفُهُ...؛

توقیعی به خطی که ما آن را می شناختیم، خارج شد... (۲).

۳. وی همچنین نقل کرده است؛ اسحاق بن یعقوب گوید: از محمد بن عثمان عمری خواهش کردم پاسخ نامه ای را که در آن از مسایل مشکلی پرسش کرده بودم، به من برساند. پس در توقیع به خط مولایمان صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف وارد شده بود:

اما آنچه درباره آن پرسیدی که خدایت هدایت کند و پایداریت بدارد! راجع به امر منکران من از خاندان و عموزادگان خودم؛ بدان که میان خدا و کسی خویشاوندی نیست و هر کس مرا منکر باشد، از من نیست و راه او راه فرزند نوح علیه السلام است اما راه عمویم جعفر و فرزندان او، راه برادران یوسف است... (۳).

عبارت های یادشده بیانگر این مطلب است که بزرگان محدث، اطمینان داشته اند همه توقیعات یا بیشتر آن ها، به خط خود حضرت نگاشته شده است.

این توقیعات، به وسیله نواب خاص در دوران غیبت صغرا، برای افراد صادر می شد و ارتباط نوشتاری با حضرت، فقط از راه آنان امکان پذیر بود؛ به صورتی که حتی وکیل های آن حضرت، نامه های خود و دیگران را نزد نایب امام می فرستادند و از ایشان پاسخ دریافت می کردند. به طور اساسی، فلسفه نیابت خاص نیز همین است؛ وگرنه چنانچه هر کس می توانست به شرف گرفتن توقیع نایل آید، دیگر نیازی به نایب خاص نبود.

یادآوری این نکته لازم است که بیشتر دانشمندان دینی بر این باورند که توقیعات صادر شده از ناحیه صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف فقط در دوران غیبت صغرا و نیابت نواب خاص

۱- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۸۵.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۱۶۰، ح ۳.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۱۶۰، ح ۴.

بوده است و بدین سان نمی توان به آن دسته از توقیعات صادر شده پس از این دوران چندان اعتماد کرد و به صدور آن ها از طرف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اطمینان یافت.

برخی از این نوشته ها که پس از دوران غیبت صغرا به آن حضرت نسبت داده شده، از این قرار است:

۱. نامه هایی که گفته شده از طرف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به شیخ مفید رسیده است.

این توقیعات برای نخستین بار، به وسیله ابومنصور طبرسی (از عالمان قرن ششم)، بدون سند، افزون بر یک صد سال پس از وفات شیخ مفید، در کتاب احتجاج نقل شده است. آن گاه شاگرد وی، ابن شهر آشوب (متوفای ۵۸۸ق) به آن اشاره کرده و ابن بطریق (متوفای ۶۰۰ق) شاگرد ابن شهر آشوب آن ها را مطرح کرده است. در آن کتاب گفته شده: این نامه ها به وسیله شخص مورد اعتمادی به شیخ مفید می رسید؛ ولی نام آن شخص ذکر نشده است. (۱)

آنچه این تردید را جدی تر می کند این است که شاگردان شیخ مفید، از جمله آن ها: سید مرتضی، ابن ادریس، نجاشی، شیخ طوسی، ابویعلی جعفری، ابوالفتح کراچکی، سلاربن عبدالعزیز دیلمی و... با این که تألیفات فراوانی داشته و بیشتر شرح حال نگار بوده اند هرگز به این توقیعات اشاره نکرده اند (۲)؛ در حالی که اگر چنین سخنانی به شیخ مفید رسیده بود، با توجه به اهمیت شایان آن، به طور حتم، شاگردان او، نقل می کردند (۳).

افزون بر آن، خود شیخ مفید نیز در آثار ارزشمند و فراوان خود، هیچ اشاره ای به این نامه ها نکرده است. جای تأمل است که چگونه برخی بر توقیع بودن این سخنان پافشاری می کنند. (۴)

۱- طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ص ۴۹۷.

۲- ر.ک: گروهی از نویسندگان، چشم به راه مهدی علیه السلام، ص ۹۸.

۳- ر.ک: مقاله: سفارت و نیابت خاصه، نجم الدین طوسی، فصلنامه انتظار، ش ۱۸، ص ۱۵۲.

۴- یادآوری این مطلب ضروری است که اثبات نامه حضرت برای شیخ مفید، فضل بزرگی برای شیخ محسوب می شود؛ اما نفی آن، هرگز چیزی از مقام رفیع و بلند آن شخصیت بزرگ اسلامی نمی کاهد. چه این که دانشمندان بسیار بزرگی از میان علمای شیعه هستند که هرگز رسیدن نامه از سوی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای آنها ادعا نشده است.

علامه بحر العلوم طباطبایی نیز در کتاب رجالی خود و آقای خوبی در معجم رجال الحدیث، در این توقیعات، تردید کرده اند. پیش بینی این توقیعات از حوادث آینده دلیل بر درستی آن نخواهد بود؛ زیرا آنچه به دست ما رسیده است پس از حوادث بوده که امکان جعل آن ها وجود دارد.

۲. برخی نویسندگان، پیامی را که برای مرحوم آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی به وسیله مرحوم شیخ محمد کوفی شوشتری نقل شده است، در شمار توقیعات و سخنان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ذکر کرده اند.

در این نامه چنین آمده است:

خودت را در اختیار [مردم] بگذار و محل نشستن خویش را در محل در ورود خانه قرار بده [تا مردم سریع تر بتوانند با تو ارتباط پیدا کنند] و حوایج مردم را بر آور؛ ما تو را یاری می کنیم. (۱)

در پایان بخش توقیعات و با این توضیحات، نیازی به این نیست که بگوییم برخی نوشته هایی که این روزها به عنوان دست خط آن حضرت ارائه می شود هیچ پایه و اساسی ندارد. و این احتمال بعید نمی نماید که ممکن است این کارها، از طرف دشمنان و برای مخدوش ساختن چهره تابناک شیعه انجام شده باشد.

همان گونه که اشاره شد، درباره چگونگی صدور توقیعات در عصر غیبت صغرا، سخن روشنی در دست نیست؛ اما از برخی نقل ها استفاده می شود، سفیران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرسش ها و درخواست های مراجعه کنندگان را در یک برگه به نوبت می نوشتند. آن گاه پاسخ آن ها که حداکثر ظرف سه روز صادر می شد، یک جا می آمد. گاهی نیز پاسخ پرسش ها به صورت شفاهی، به نواب خاص گفته شده و آنان به قلم خود، آن را می نگاشتند یا به صورت حضوری به پرسش کننده پاسخ می دادند. در پاره ای از موارد نیز به سبب مصلحتی که حضرت می دانستند اصلاً پاسخی صادر نمی شد. برخی از توقیعات نیز به صورت ابتدایی و بدون این که در پاسخ به پرسشی باشد، صادر شده است.

۱- ر.ک: خادمی شیرازی، محمد، مجموعه فرمایشات حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۱۷۰.

موضوعات مندرج در توقیعات، گستره وسیعی را در بر می گیرد؛ از معارف و حقایق دینی گرفته تا امور تربیتی و برنامه های زندگی فردی و اجتماعی و ... .

## دعاها

## اشاره

برخی دعاهایی که از آن حضرت در دست است، از توقیعات آن حضرت محسوب می شود؛ امّا به لحاظ اهمّیت آن، در بخشی جداگانه مورد اشاره قرار می گیرد.

از کتاب های روایی و ادعیه استفاده می شود، دعاهای زیر، برخی از دعاهای منسوب به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است:

### ۱. دعای افتتاح

یکی از دعاهایی که از محمد بن عثمان بن سعید عمری برای هر شب ماه رمضان نقل شده، دعای افتتاح است. در آغاز این دعا، این گونه می خوانیم: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَمْدِكَ... (۱)**.

### ۲. دعای سمات

این دعا از عمری نقل شده است؛ اما به دلیل جایگاه او که نایب خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است می توان نسبت این دعا به آن حضرت را قوی دانست.

شیخ طوسی در مصباح المتعجل با عنوان «دعاء السمات مروی عن العمری یستحب الدعاء به آخر ساعه من نهار یوم الجمعة» آورده است. در آغاز این دعا چنین می خوانیم: «اللهم انی اسألك باسمک العظیم الاعظم...».

### ۳. دعای «اللهم ارزقنا توفیق الطاعة...»

کفعمی در مصباح با عنوان «مروی عن المهدی علیه السلام» این دعا را به آن حضرت منسوب دانسته است. (۲) این دعا، از دعاهای بسیار ارزشمندی است که مداومت بر خواندن و عمل به مضامین آن، اهمّیت والایی دارد.



١- سید بن طاوس، الاقبال، ص ٥٨.

٢- عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، المصباح، ص ٢٨٠.

**۴. دعای فرج «اللهم عظم البلاء»**

سید بن طاووس در جمال الاسبوع این دعا را در پی نماز امام زمان علیه السلام ذکر کرده است؛ اما آن جا اشاره ای به صدور این دعا از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نشده است. (۱)

**۵. دعای روزهای ماه رجب**

۵۱. شیخ طوسی در مصباح المتعجل با عنوان توقیعی صادر شده از محمد بن عثمان بن سعید از ناحیه مقدسه این دعا را آورده است. ابتدای این دعا چنین است: «اللهم انی اسئلك بمعانی جمیع ما یدعوک به...» (۲).

۵۲. دعای دیگری نیز در روزهای ماه رجب از آن حضرت نقل شده که آغاز آن این گونه است: «اللهم انی اسئلك بالمولودین فی رجب...».

**۶. دعای «اللهم رب النور العظیم و رب الكرسي الرفیع و رب البحر المسجور...»**

کفعمی در البلد الامین این دعا را در شمار دعاهای صادر شده از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شمرده است.

**۷. دعای ابوالحسن ضراب**

شیخ طوسی در مصباح المتعجل دعایی را به آن حضرت منسوب کرده که برای ابوالحسن ضراب اصفهانی صادر شده است. در آغاز این دعا، این گونه می خوانیم:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ حُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الْمُتَّجِبِ فِي الْمِيثَاقِ الْمُصْطَفَى فِي الظَّلَالِ الْمُطَهَّرِ مِنْ كُلِّ آفَةٍ الْبَرِيءِ مِنْ كُلِّ عَيْبٍ الْمُؤَمَّلِ لِلنَّجَاهِ الْمُتَجَيِّ لِلشَّفَاعَةِ الْمُفَوَّضِ إِلَيْهِ دِينُ اللَّهِ... (۳).

افزون بر دعاهای پیشین، برخی نیایش های آن حضرت به ویژه قنوت و نیز برخی دعاهای پیشوایان قبل توسط آن حضرت، در کتاب های ادعیه مفصل آمده است.

۱- سید بن طاووس، جمال الاسبوع، ص ۲۸۰؛ نیز ر.ک: المصباح، ص ۱۷۶.

۲- نیز ر.ک: سید بن طاووس، اقبال، ص ۶۴۶.

۳- شیخ طوسی، مصباح المتعجل، ص ۴۰۶.

## زیارت نامه ها

## اشاره

یکی از کارهای مهمی که شیعه همواره به آن توجه ویژه داشته، زیارت امامان علیهم السلام و فرزندان آن ها است. در این زیارت ها همواره تلاش کرده است از سخنان معصومان علیهم السلام و بزرگان دین بهره ببرد؛ از این رو برخی از زیارت نامه هایی که در دست است، از امامان معصوم علیهم السلام و بزرگان دین نقل شده است.

بخشی از میراث گرانسنگ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، زیارت نامه هایی است که به آن حضرت منسوب است. برخی از این زیارت ها از این قرار است.

## ۱. زیارت آل یس

زیارت «آل یس»، یکی از زیارت های مشهور حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف است. راوی و ناقل این زیارت، ابوجعفر محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری است که همه عالمان رجال و حدیث، از او به بزرگی و قداست یاد کرده اند. (۱)

این زیارت، با بیست و سه سلام آغاز شده است: سلام اول به آل یس (عترت پاک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) و سلام های بعدی، هر یک خطاب به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با القاب و عناوین خاص آن حضرت می باشد. سپس با اظهار و اقرار به اصول اعتقادی صحیح و گواه گرفتن امام بر آن ها و تجدید عهد وفاداری برای اولیای دین، زیارت به پایان می رسد.

این زیارت، به تصریح برخی از عالمان، جامع و کامل و بهترین زیارت های آن حضرت است و در همه اوقات می شود آن را خواند. سندهای این زیارت، صحیح و معتبر بوده و در مجامع مهم حدیثی و دعایی نقل شده است. (۲)

جمع فراوانی از شیعیان به خواندن این زیارت و دعای پس از آن مداومت دارند و برای خواندن آن به طور گروهی در شهرهای گوناگون شیعه نشین جلسات خاصی برگزار می گردد.

۱- طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۲.

۲- ر.ک: نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۶۴؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۱.

## ۲. زیارت ناحیه مقدسه

زیارت نامه ای است که به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نسبت داده شده است. مضامین بلند و نیز تأیید برخی از عالمان شیعه، این نسبت را تقویت می کند، (۱) اگر چه برخی نیز به انتساب آن به حضرت ولی عصر علیه السلام تردید کرده، آن را از تألیفات سید مرتضی دانسته اند. (۲) ممکن است گفته شود اصل زیارت از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل شده؛ اما سید مرتضی بخش هایی را به تناسب به آن افزوده است. (۳)

متن زیارت، خطاب به سیدالشهدا علیه السلام و شهیدان کربلا است و نام یکایک آنان، اغلب با ذکر اوصاف و خصوصیاتشان و نیز اسامی قاتلان آن شهیدان در آن آمده است.

آغاز زیارت، این گونه است: «السلام عَلَیْكَ يَا أَوَّلَ قَتِيلٍ مِنْ نَسْلِ خَيْرِ سَلِيلٍ...».

این زیارت در کتاب مفاتیح الجنان ذکر نشده است؛ ولی این، چیزی از آن کم نکرده و همچنان مورد توجه بزرگان شیعه بوده است.

زیارت ناحیه مقدسه، همانند زیارت عاشورا برای روز عاشورا وارد شده و در غیر عاشورا نیز خوانده می شود.

در این رابطه، شیخ مفید در جایگاه نخستین ناقل زیارت ناحیه و شیخ محمد بن مهدی فرموده اند: زیارت ناحیه مقدسه، مخصوص روز عاشورا است؛ ولی بزرگان دیگر نظیر سید مرتضی، سید بن طاووس و علامه مجلسی، این زیارت را مطلقه دانسته اند؛ (۴) یعنی، در هر زمان دیگر نیز می توان آن را قرائت کرد.

## ۳. زیارت رجبیه

این زیارت، توسط ابوالقاسم حسین بن روح از آن حضرت نقل شده است. (۵)

۱- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۳۲۸.

۲- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۲۳۱، ح ۳۸ «در صدر روایت نوشته است: وَالظَّاهِرُ أَنَّهُ مِنْ تَأْلِيفِ السَّيِّدِ الْمُرْتَضَى...».

۳- ر.ک: علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۲۳۱، ح ۳۸.

۴- ر.ک: علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۳۲۸، ح ۹.

۵- شیخ طوسی، مصباح المتعجد، ص ۸۲۱.

البته زیارت نامه های دیگری نیز به آن حضرت منسوب است که علاقه مندان می توانند به کتاب های مفصل مراجعه کنند.

### مجموعه سوم: سخنان دوران ظهور

آن زمان، هنوز نیامده است تا روشن شود آن حضرت، چه سخنانی ایراد خواهد کرد؛ اما پاره ای از این فرمایش ها در سخنان برخی از معصومان علیهم السلام پیشگویی شده است.

از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود:

به خدا سوگند! گویا می بینم قائم پشت خود به "حجرالاسود" تکیه داده، از خداوند می خواهد به حق خود برسد. آن گاه (قائم) می فرماید:

ای مردم! هر کس درباره حضرت آدم با من مجادله کند، بدانند من از او به آدم برترم و آن که در رابطه با شخصیت نوح با من محاجه کند، من بر او نسبت به نوح مقدم هستم. و هر کس بخواند در ارتباط با ابراهیم با من مجادله کند، من از او نسبت به ابراهیم برتری دارم... و اگر کسی بخواند با شخصیت محمد صلی الله علیه و آله و سلم با من محاجه کند، به طور مسلم من نسبت به حضرت محمد از او اولی هستم و هر کس که بخواند در قرآن با من مجادله نماید، من از همه اولی به قرآن خداوند هستم...» (۱).

آن گاه حضرت، ظهور خویش را برای عموم جهانیان آشکارا بیان می نماید.

آنچه یاد شد، فقط بخشی از مجموعه میراث حدیثی آخرین حجت الهی است. بدون شک با استفاده از منابع روایی معتبر و بررسی های بیشتر، آثار ارزنده افزون تری در دسترس قرار خواهد گرفت.

۱- نعمانی، الغیبه، ص ۱۸۱؛ با اندک تفاوتی: تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۵۶؛ تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۰۴.

## خودآزمایی

۱. به دو سخن از سخنان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران امام عسکری علیه السلام اشاره کرده آن ها را توضیح دهید.
۲. تویع به چه چیزی گفته می شود؟ درباره چگونگی صدور توقیعات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شرح دهید.
۳. سه دعا از دعاهای منسوب به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را توضیح دهید.
۴. یکی از زیارت نامه های صادر شده از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را بیان کنید.
۵. در کلام برخی معصومان علیهم السلام خطبه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ظهور، مورد اشاره قرار گرفته است. آن را توضیح دهید.

===

## منابع برای پژوهش

۱. محمد خادمی شیرازی، مجموعه فرمایشات حضرت بقیه الله علیه السلام، قم، رسالت، ۱۳۷۷ش.
۲. محمد غروی، المختار من کلمات الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، دارالمجتبی علیه السلام، ۱۴۱۴ق.
۳. سید مجتبی مجتهدی سیستانی، صحیفه مهدویّه، مترجم: محمد حسین رحیمیان، قم، دارالثقلین، ۱۳۷۹ش.
۴. سید حسن شیرازی، کلمه الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، بیروت، الوفاء، ۱۹۸۳م.
۵. عزیز الله حیدری، تجسم امید و نجات، قم، مسجد جمکران، ۱۳۸۰ش.



## درس هفتم: ارتباط با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر غیبت

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

دیدگاه های چهارگانه:

۱. عدم امکان ملاقات به طور مطلق؛
۲. امکان ملاقات، بدون شناخت؛
۳. وقوع ملاقات همراه با شناخت و عدم پذیرش ادعا؛
۴. امکان ملاقات و پذیرش ادعا.



## پیش درآمد

بی گمان یکی از آرزوهای پیروان راستین امامان معصوم علیهم السلام آن است که در دوران پنهان زیستی آخرین پیشوای معصوم خویش به دیدار جمال نورانی آن امام همام نایل شوند.

از آن جا که در روایات، پنهان زیستی آن امام بزرگوار، رازی از رازهای خداوند دانسته شده و درباره چگونگی آن غیبت، دیدگاه های متفاوتی ذکر شده، درباره ملاقات با آن حضرت در عصر غیبت، نگاه های مختلفی ارائه شده است.

بنابراین یکی از بحث هایی که درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف لازم است به طور ویژه مورد توجه قرار گیرد، بحث «ملاقات با آن حضرت در دوران غیبت» است.

دانشوران شیعه، زندگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را از زوایای گوناگون به گونه های متفاوت تقسیم کرده اند.

در یکی از این تقسیم ها، عمر آن حضرت به چهار دوره متفاوت تقسیم شده است.

۱. دوران زندگی با پدر خود؛

۲. دوران غیبت صغرا؛

۳. دوران غیبت کبرا؛

۴. دوران ظهور.

بحث ارتباط با آن حضرت نیز به تناسب دوره های مختلف، متفاوت خواهد بود.

شکی نیست که در دوره نخست، افرادی به صلاح‌دید امام یازدهم علیه السلام به دیدار آخرین حجت الهی نایل شدند.

درباره دوره دوم و پس از شهادت آن حضرت نیز از روایات و حکایات استفاده می‌شود دیدار با حضرت حجت، مانند دوران حیات پدر بزرگوارشان نبوده است؛ ولی در عین حال گروهی با آن حضرت دیدار داشته‌اند که شیخ صدوق، در کتاب کمال الدین و تمام النعمه و نیز دیگران، اسامی آنان را ذکر کرده‌اند.

دوره سوم که با مرگ آخرین نایب خاص آغاز شده است و همچنان ادامه دارد، به دلیل وجود روایات متعارض، همچنان محل بحث و گفت‌وگو بوده است.

سرانجام درباره دوره چهارم، شکی نیست که جهانیان از دیدار آن حضرت به کامل‌ترین صورت بهره‌مند خواهند شد.

از آن جا که دوره نخست و دوم و نیز دوره چهارم چندان محل مناقشه نیست، در این مجال، فقط به دوره سوم خواهیم پرداخت.

پیش از آن که به بحث در این باره پردازیم اشاره به این نکته لازم است که درباره تلاش برای ملاقات با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دو دیدگاه وجود دارد:

برخی دستورالعمل‌هایی را برای دیدار با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ارائه می‌کنند، ایشان طلب دیدار را نوعی ابراز ارادت نسبت به آن حضرت می‌دانند و آن را برخاسته از شیدایی و عشق خود به ایشان می‌دانند. اگرچه چنین باوری قابل تقدیر و به عنوان امری شخصی بین افراد با آن حضرت قابل قبول است اما به عنوان یک دستورالعمل شرعی، نیازمند روایت و دلیل است که به نظر می‌رسد در میان روایات معتبر چنین توصیه‌ای صورت نگرفته است. در مقابل برخی بر این باورند از هیچ روایت موثقی به دست نمی‌آید که توصیه شده باشد کاری انجام دهیم تا به ملاقات با آن حضرت نایل شویم. اگر در برخی دعاها نیز از خداوند می‌خواهیم که چهره نورانی آن حضرت را ببینیم، به زمان ظهور آن حضرت انصراف دارد و به نوعی دعا برای ظهور آن حضرت است.

اینها معتقدند در برخی روایات سفارش شده است دنبال چنین کاری نباشیم.

از جمله خود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تأکید فرموده است شیعیان در دوران غیبت در جست و جو و دیدار با آن حضرت نباشند. آن حضرت در تویع شریف، در پاسخ کسی که از خانه و دیار خود دل کنده بود و در پی دیدار آن حضرت تلاش فراوانی می کرد، وی را از این تلاش برحذر داشته، فرموده است:

مَنْ بَحَثَ فَقَدْ طَلَبَ وَ مَنْ طَلَبَ فَقَدْ دَلَّ وَ مَنْ دَلَّ فَقَدْ أَشَاطَ وَ مَنْ أَشَاطَ فَقَدْ أَشْرَكَ؛<sup>(۱)</sup>

هر کس جست و جو کند، هر آینه می طلبد و هر کس بطلبد، به دیگران بنماید و هر کس به دیگران بنماید، به کشتن دهد و هر کس به کشتن دهد، مشرک شود.

آن شخص نیز در امتثال امر مولای خود چنین کرده، به دیار خود باز گشت.

نیز آن حضرت در تویعی دیگر، پس از آن که سیر امامت را تا امام عسکری علیه السلام بیان می فرماید، این گونه ادامه می دهد:

... وَصِيَّيْ بِهَا إِلَى وَصِيٍّ سَتَرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِأَمْرِهِ إِلَى غَايَةِ وَ أَخْفَى مَكَانَهُ بِمَشِيَّتِهِ... فَلْيَدْعُوا عَنْهُمْ اتِّبَاعَ الْهَوَى وَ لِيُقِيمُوا عَلَى أَصْلِهِمُ الَّذِي كَانُوا عَلَيْهِ وَ لَا يَبْحَثُوا عَمَّا سَتَرَ عَنْهُمْ فَيَأْتُوا وَ لَا يَكْشِفُوا سِتْرَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَيَنْدُمُوا...؛<sup>(۲)</sup>

...وصایاتی که در دست داشت، به وصی خود سپرد که خدای عز و جل او را پنهان کرد، تا مدتی که دارد. و به مشیت خود جایش را نهان داشت... و باید پیروی هوای نفس را از سر بگذارند و بر اساسی که داشتند و بر آن بودند، بر سر پا بایستند. و از آنچه بر آن ها پوشیده شده است، کاوش نکنند که به گناه می افتند. و پرده ای که خدای عز و جل افکنده است، بالا نزنند، تا پشیمان شوند...».

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۰۹، ح ۱۴؛ شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۲۲؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۴۰.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۱۰، ح ۴۲؛ الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۱۰.

برخی مراجع تقلید نیز در پاسخ به این پرسش که «آیا از جمله تکالیف شیعه در عصر غیبت، درخواست و تقاضای دیدار با امام است یا چنین تکلیفی نیست؟» گفته است:

نه؛ ما مأ مور نیستیم که اصرار به دیدن حضرت داشته باشیم. کسی ممکن است خدمت حضرت مشرف بشود؛ اما آنانی که مشرف شدند، خبری نمی دهند. آنان، تظاهر به این مسایل نمی کنند. بر اساس رواج همین تفکر غلط، خیلی ها می آیند پیش ما و می گویند: «آقا! دعا کنید تا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را ببینیم».<sup>(۱)</sup>

یکی دیگر از مراجع، این مطلب را این گونه بیان کرده است:

نباید این مطلب را در جامعه گسترش دهیم که باید بیابان ها و کوه و دشت را طی کنیم تا آن حضرت را ببینیم. خود آن حضرت نیز فرموده اند: «هر کسی ادعای مشاهده نموده، بایستی او را تکذیب کنید.» اصلاً ما نیازی به این حرف ها نداریم. آنچه وظیفه ما و همه شیعیان و دوستان آن حضرت است، اشاعه فرهنگ صحیح «مهدویت»، «مهدی زیستی» و «ترویج افکار ائمه علیهم السلام» است.<sup>(۲)</sup>

صرف نظر از این که به دنبال دیدار حضرت بودن، امری لازم و یا غیر لازم است، می پردازیم به دیدگاه های متفاوت درباره ملاقات با آن حضرت.

همان گونه که پیش از این یاد شد، به دلیل وجود روایات و حکایات متعارض، در این بحث، دیدگاه های متفاوتی وجود دارد:<sup>(۳)</sup>

#### ۱. عدم امکان ملاقات به طور مطلق

این دیدگاه، به طور اساسی از روایاتی قابل استفاده است که از ناپیدایی آن حضرت در دوران غیبت سخن به میان آورده است. برخی از این روایات، با مضامین ذیل<sup>(۴)</sup> این دیدگاه را شکل می دهند:

۱- آیت الله مکارم شیرازی در دیدار با دانش پژوهان مرکز تخصصی مهدویت، فصلنامه انتظار، ش ۱۱، ص ۲۹۳۰.

۲- آیت الله فاضل لنکرانی در دیدار با دانش پژوهان مرکز تخصصی مهدویت، فصلنامه انتظار، ش ۳، ص ۲۷.

۳- این نکته در خور دقت است که نه آنان که ادعای ملاقات در غیبت کبرا را نمی پذیرند از اسلام و تشیع دورند و نه کسانی که به آن عقیده دارند، از ایمان بیشتری برخوردارند؛ چرا که هر یک، ادله ای بر ادعای خود ارائه می کنند و به روایاتی تمسک می جویند.

۴- از آن جا که در درس مربوط به چگونگی غیبت، به صورت مفصل روایات مورد نظر را نقل کردیم، این جا فقط به برخی از آن ها اشاره می کنیم.

۱. «تَرَىٰ وَلَا تُرَىٰ؛ می بیند و دیده نمی شود». (۱)

۲. «لَا يَرَوْنَهُ؛ او را نمی بینند». (۲)

۳. «يَرَى النَّاسَ وَلَا يَرَوْنَهُ؛ مردم را می بیند و مردم او را نمی بینند». (۳)

۴. «يَغِيبُ عَنْكُمْ شَخْصُهُ؛ شخص او از شما غایب می شود». (۴)

۵. «لَا يُرَى جِسْمُهُ؛ جسم او دیده نمی شود». (۵)

۶. «لَا يُرَى شَخْصُهُ؛ شخص او دیده نمی شود». (۶)

۷. «لَا تَرَوْنَ شَخْصَهُ؛ شخص او را نمی بینید». (۷)

۸. «أَرَى الْخَلْقَ وَلَا تُرَى؛ مردمان را می بینم و تو دیده نمی شوی». (۸)

روشن است که همه روایات پیشین و احادیثی مانند آن، دلالت می کنند آن حضرت با وجود این که زنده است و بین مردم زندگی می کند و مردم را می بیند، مردم آن او را نمی بینند.

روایات پیشین و مانند آن، باعث شده است ابن ابی زینب نعمانی در جایگاه نخستین کسی که به طور شایسته روایات مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را گردآوری و بررسی کرده است در فصلی از کتاب خود، به روشنی مشاهده حضرت را در عصر غیبت جایز ندانسته و تحقیق در این زمینه را ممنوع و شیعیان را در ندیدن حضرت، معذور بداند. وی به این نکته مهم، این گونه اشاره کرده است:

... و هم معذورون فی أن لا یروا حجتهم و إمام زمانهم فی أيام الغیبه و یضیق علیهم فی کل عصر و زمان قبله أن لا یعرفوه بعینه و اسمه و نسبه

۱- نعمانی، الغیبه، ص ۱۴۴.

۲- شیخ کلینی، کافی، ج ۱ ص ۳۳۷، ح ۶؛ نعمانی، الغیبه، ص ۱۷۵ ح ۱۴؛ شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۶۱، ح ۱۱۹؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۳، ص ۳۴۶، ح ۳۳.

۳- شیخ کلینی، کافی، ج ۱ ص ۳۳۹؛ همان.

۴- شیخ کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۳۳، ح ۱.

۵- شیخ کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۳۳؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۰.

۶- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۹.

٧- شيخ كليني، كافي، ج ١، ص ٣٢٨؛ شيخ طوسي، كتاب الغيبة، ص ٢٠٢؛ شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمه، ج ٢، ص ٣٨١.

٨- سيد بن طاووس، الاقبال، ص ٢٩٨.

و محظور عليهم الفحص و الكشف عن صاحب الغيبه و المطالبه باسمه أو موضعه أو غيابه أو الإشاده بذكره فضلا عن المطالبه بمعاینته(۱)؛

... برای شیعیان، جست وجوی امام و کشف صاحب غیبت و در پی نام و محل سکونت و محل غیبت او بودن یا اشاره به ذکر او کردن، ممنوع است، چه رسد بر آن که بخواهند آشکارا او را ببینند.

با وجود آن که این دیدگاه، از روایات پیشین قابل استفاده است، و نیز به روایاتی که امام را بسان خورشید پس ابر معرفی کرده، نزدیک تر است، کسی به روشنی قائل به آن نشده و امکان ملاقات را ممتنع ندانسته است؛ به دلیل آن که:

۱. در دسته دوم روایات، برخی روایات، امکان ملاقات را منتفی ندانسته، دیدن بدون شناخت را ممکن دانسته اند.

۲. شکی نیست در دوران غیبت صغرا که بخشی از دوران غیبت آن حضرت است، برخی شیعیان به ویژه نایبان خاص آن حضرت را ملاقات کرده اند؛ بنابراین شکی نیست که روایت های یاد شده، تخصیص خورده و ملاقات با آن حضرت امکان دارد.

درباره امکان ملاقات، برخی اندیشوران شیعه نیز چنین نوشته اند:

۱. سید مرتضی می نویسد:

... همانا ممتنع نیست که امام برای برخی دوستانش آشکار شود؛ از افرادی که از سوی آن ها ترسی وجود ندارد.(۲)

۲. شیخ طوسی نیز می نویسد:

نخست ما با جزم و یقین نمی دانیم که آن محبوب دل ها از دیده همه دوستدارانش نهان و غایب است؛ بلکه امکان دارد برای بیشتر آنان ظاهر شود(۳).

۳. سید بن طاووس نیز خطاب به فرزند خود در این باره فرموده است:

امام، اکنون از جمیع شیعیان غایب است؛ ولی ممتنع نیست گروهی از آنان به ملاقات حضرت مشرف شده، از گفتار و کردار او استفاده کنند(۴).

۱- ر.ک: نعمانی، الغیبه، ص ۱۶۰.

۲- سید مرتضی، تنزیه الانبیاء، ص ۲۳۸.

۳- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۹۹.





## ۲. امکان ملاقات بدون شناخت

در این دیدگاه، بر خلاف دیدگاه نخست، امکان ملاقات مورد پذیرش است؛ ولی وقوع ملاقات همراه شناخت آن حضرت را در این دوران، غیر قابل پذیرش و آن را با فلسفه غیبت در تعارض می‌داند.

در این دیدگاه، به طور عمده به روایاتی استناد می‌شود که در آن، سخن از دیده شدن حضرت به میان آمده است؛ اما تصریح شده که در آن دیدار، هرگز شناختی از حضرت صورت نمی‌گیرد؛ بنابراین امکان دیدار هست؛ اما چون فرد، آن حضرت را نخواهد شناخت.

شیخ صدوق در کمال الدین و تمام النعمه و نیز در علل الشرایع با ذکر سند از سدیر نقل کرده است که امام صادق علیه السلام فرمود:

إِنَّ فِي الْقَائِمِ سُنَّةَ مَنْ يُوسُفُ... فَمَا تَنكَرَ هَذِهِ الْأَمَّةُ أَنْ يَكُونَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَفْعَلُ بِحُجَّتِهِ مَا فَعَلَ بِيُوسُفَ أَنْ يَكُونَ يَسِيرٌ فِي أَسْوَاقِهِمْ وَيَطَّأُ بُسْطَهُمْ وَهُمْ لَا يَعْرِفُونَهُ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ أَنْ يَعْرِفَهُمْ نَفْسَهُ كَمَا أَدَانَ لِيُوسُفَ...؛

در قائم، سنتی از یوسف است... چرا این مردم منکرند که خدای تعالی با حجت خود همان کند که با یوسف کرد؟ بین ایشان گردش کند و در بازارهای آن ها راه رود و بر بساط آن ها پا نهد و آن ها او را نشناسند، تا آن گاه که خدای تعالی به او اذن دهد که خود را به آن ها معرفی سازد؛ همان گونه که به یوسف اذن داد... (۱)

برخی، این روایت را دلیلی بر امکان ملاقات و وقوع آن و نیز پذیرش ادعای ملاقات انگاشته‌اند؛ در حالی که با کمی تأمل در می‌یابیم که نه فقط چنین استفاده‌ای از روایت نادرست است، بلکه برای دیدگاه عدم شناخت، بهتر به کار می‌آید. چرا که از حکایات تاریخی و روایات، هرگز به دست نمی‌آید تا زمانی که حضرت یوسف خود را معرفی نکرد، کسی او را با عنوان یوسف شناخته باشد.

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۱۴۴، باب ۵، ح ۳.

این پاسخ، زمانی قاطعیت بیشتری می یابد که بدانیم صریح آیه قرآن، از این حکایت دارد که حتی برادران یوسف که مدت ها با وی زندگی کردند، در دیدار نخست او را نشناختند.

بنابراین دست کم، با استناد به این روایت و مانند آن، شباهت آن حضرت با یوسف اقتضا دارد که هرگز با عنوان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شناخته نشود.

سخن دیگری نیز در تأیید این دیدگاه از نایب خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف محمد بن عثمان نقل شده است که می گوید:

وَ اللَّهُ إِنَّ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ لَيَحْضُرُ الْمَوْسِمَ كُلَّ سَنَةٍ يَرَى النَّاسَ وَ يَعْرِفُهُمْ وَ يَرَوْنَهُ وَ لَا يَعْرِفُونَهُ؛

به خدا سوگند! همانا صاحب این امر، هر سال در موسم حج حاضر می شود؛ مردم را می بیند و آن ها را می شناسد و مردم، او را می بینند؛ ولی نمی شناسند. (۱)

از این روایات، استفاده می شود نه فقط هنگام ملاقات که پس از آن هم، حضرت شناخته نمی شود. منطقی است گفته شود کسی که هنگام دیدار، آن حضرت را نشناخته است، دلیلی وجود ندارد پس از آن بگوید آن کسی را که دیده، به طور حتم حضرت بوده است. چه بسا از ملازمان آن حضرت یا یکی از اولیای الهی بوده که به دستور آن حضرت، برای رفع مشکل او اقدام کرده است. این نکته، قابل تأمل است.

حجم روایات این دیدگاه، بسیار کمتر از دسته نخست است؛ اما به هر حال می توان دیدگاه یاد شده را از آن به دست آورد.

جمع بین دو دیدگاه یاد شده به این صورت است که آن حضرت، از نگاه عموم مردم پنهان است و اگر اراده کند کسی آن حضرت را ببیند، او را نخواهد شناخت.

### ۳. وقوع ملاقات همراه با شناخت و عدم پذیرش ادعا

در این دیدگاه، نه فقط امکان و وقوع ملاقات مورد پذیرش است، بلکه ملاقات همراه با شناخت آن حضرت نیز پذیرفته شده است؛ اما آنچه مورد انکار است این که ملاقات

۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۶۲؛ شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۲۰.

کننده، حق ندارد مشاهده خود را برای دیگران نقل نماید. به بیان دیگر ادعای ملاقات نماید.

این دیدگاه، به طور عمده از توقیعی با این مضمون استفاده شده است. در این توقیع که شش روز پیش از مرگ علی بن محمد سمري، واپسین سفیر خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از ناحیه آن حضرت صادر شده، (۱) چنین آمده است:

به نام خداوند بخشنده مهربان. ای علی بن محمد سمري! خداوند پاداش برادرانت را درباره تو بزرگ نماید. تو در فاصله شش روز می میری. کارهای خود را انجام بده و به هیچ کس وصیت نکن که پس از تو جانشینت باشد که غیبت دوم و کامل واقع شد و ظهوری نیست، مگر پس از اذن خداوند. این اذن پس از مدتی طولانی است که دل ها قسی و سخت شود و زمین، از ستم پر گردد.

به زودی از شیعیان من، کسانی خواهند آمد که ادعای مشاهده بکنند. آگاه باشید هر کس پیش از خروج سفیانی و صیحه آسمانی ادعای مشاهده کند او دروغگوی افترا زننده است. و توان و نیرویی نیست مگر از سوی خداوند بزرگ. (۲)

این توقیع شریف، حد اقل به سه نکته اساسی تصریح کرده است:

۱. نیابت خاصی که با عثمان بن سعید آغاز شده بود، با رحلت سمري به پایان رسید (وَلَا تُوصِ إِلَى أَحَدٍ فَيَقُومَ مَقَامَكَ بَعْدَ وَفَاتِكَ)؛

۲. غیبتی که در دوران پیش به دلایلی ناقص بود، اینک با رفع آن عوامل، تمام و کامل شده است (فَقَدْ وَقَعَتِ الْغَيْبَةُ التَّامَةُ)؛

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۱۶، ح ۴۴؛ شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۹۵؛ راوندی، قطب الدین، الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۱۱۲۸؛ طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۴۷۸؛ اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۲، ص ۵۳۸؛ نیلی نجفی، علی بن عبد الکریم، منتخب الانوار المضيئه، ص ۱۳۰، و... این کثرت نقل، خود شاهدی بر اعتماد نقل کنندگان بر مضمون روایت است.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۱۶، ح ۴۴.

۳. مدعی مشاهده، دروغگویی افترا زننده است (أَلَا فَمَنْ ادَّعَى الْمَشَاهِدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ الشُّفِيَانِيِّ وَالصَّيْحَةِ فَهُوَ كَذَّابٌ مُفْتَرٍ).

در این جا مدعی، اعم از این است که به ادعای خویش اطمینان داشته باشد یا به دروغ، ادعایی را مطرح کند یا بپندارد حق است.

البته برخی بزرگان، اشکالاتی به توفیق وارد ساخته، نوشته اند:

این خبر، ضعیف و غیر آن خبر؛ واحد است که جز ظنی از آن حاصل نشود و مورث جزم و یقین نباشد؛ پس قابلیت ندارد که معارضه کند با وجدان قطعی که از مجموع آن قصص و حکایات پیدا می شود. هر چند از هر یک آن ها پیدا نشود؛ بلکه از جمله ای از آن ها دارا بود کرامات و خارق عاداتی را که ممکن نباشد صدور آن ها از غیر آن جناب؛ پس چگونه روا است اعراض از آن ها به جهت وجود خبر ضعیفی که ناقل آن که شیخ طوسی است عمل نکرده به آن، در همان کتاب (۱).

در مجموع، این مؤلف بزرگوار بر توفیق چهار اشکال وارد کرده است:

۱. توفیق، خبر واحد و غیر قابل اعتماد است؛

۲. خبر، مرسل و ضعیف است؛

۳. شیخ طوسی که توفیق را نقل کرده به آن عمل نکرده است؛

۴. توفیق، معرض عنه است؛ چرا که اصحاب، حکایات زیادی نقل کرده اند که اشخاص با امام زمان علیه السلام دیدار داشته اند.

در پاسخ به اشکال های پیشین، گفته شده است:

۱. توفیق مرسل نیست؛ چرا که شیخ صدوق در کمال الدین آن را با سند ذکر کرده است. افزون بر آن، شیخ طوسی این حدیث را از ابن بابویه نقل می کند و می گوید: «اخبرنا جماعه»؛ پس توفیق از یک طریق نیست؛ بلکه از طرقی گوناگون آن را نقل می کند. سرانجام آن که، اگر در کتاب احتجاج طبرسی به صورت مرسل ذکر شده

است، وی در ابتدای کتاب خود می گوید: «سند روایات را نیاورده ام یا به سبب شهرت یا مطابقت با عقول یا این که مجمع علیه است».

۲. توقیع ضعیف نیز نیست؛ چرا که همه راویان آن، ثقه هستند و خبر واحد ثقه است که حجیت آن در اصول ثابت شده است و می توان به آن اعتماد کرد.

از نقل های متعدد استفاده می شود که به این حدیث، توجه و اعتنا شده است؛ گر چه منظور ما، شهرت اصطلاحی نیست. این تعدد نقل در کتاب های بزرگان مذهب از قدما و متأخران و معاصران، بدون اشاره به ضعف و رد آن را می توان یکی از شواهد نه دلایل اعتبار قرار داد. (۱)

۳. این که گفته شده است: «راوی آن، شیخ طوسی، به توقیع عمل نکرده است»، درست نیست؛ چرا که آنچه شیخ طوسی نقل کرده است، به دوران غیبت صغرا مربوط می شود و توقیع، نفی ادعای دیدن در دوران غیبت کبرا را مورد نظر دارد و مدعی دیدار در این زمان را باید تکذیب کرد.

۴. این که گفته اند: «از توقیع اعراض شده است» درست نیست؛ زیرا عالمان بزرگوار ما که پس از شیخ صدوق، به نقل توقیع پرداخته اند، به آن، باور داشته و در سند و دلالت آن، تردیدی نکرده اند.

افزون بر آن، این که هنگامی اعراض اصحاب از توقیع اثبات می شود که همه ناقلان حدیث یاد شده، ادعای ملاقات را باور داشته باشند و چون چنین چیزی نه به دلالت مطابقی و نه التزامی از کلام آن ها قابل برداشت نیست و بلکه در مواردی بر خلاف آن است، نمی توان گفت به طور کلی اصحاب از آن اعراض کرده اند. علاوه بر آن، اعراض برخی باعث ضعف حدیث نمی شود.

ممکن است گفته شود منظور توقیع، مشاهده همراه با ادعای سفارت یا وکالت از جانب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و رساندن پیام به آن حضرت و گرفتن پاسخ از ایشان است.

این احتمال، خلاف ظاهر عبارت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در توقیع شریف است؛ زیرا در آن صورت، امام باید می فرمود: أَلَا فَمَنْ ادْعَى الْمَشَاهِدَةَ مَعَ السَّفَارَةِ أَوْ الْوَكَالَةَ فَهُوَ كَذَّابٌ؛ در حالی که به صورت مطلق می گوید: «هر کس ادعای مشاهده کند، دروغگو است».

این جا لازم است به برخی سخنان بزرگان اشاره کنیم که در آن، ضمن پذیرش امکان ملاقات، گفته اند در صورت ملاقات، فرد ملاقات کننده پرده از راز دیدار خود بر نخواهد داشت و این، همان تکذیب ادعای ملاقات است.

۱. سید مرتضی، بدون آن که قاطعانه ملاقات با حضرت را بپذیرد، عدم امکان ملاقات را غیر قطعی دانسته، می نویسد:

انا غیر قاطعین علی ان امام لایصل الیه احد و لایلقاه بشر فهذا امر غیر معلوم ولا سبیل الی القطع علیه...؛ (۱)

ما قطع نداریم دست کسی به امام نمی رسد و بشر نمی تواند او را ملاقات کند. این، امری غیر معلوم است که راهی بر قطع به آن نیست.

وی آن گاه با فاصله چند صفحه، در پاسخ به این پرسش که اگر غیبت حضرت به سبب ترس از دشمنان است، چرا از دوستان پنهان است؟ می نویسد:

...انه غیر ممتنع ان یکون الامام علیه السلام یظهر لبعض اولیائه ممن لایخشی من جهة شیئاً من اسباب الخوف، فان هذا مما لایمکن القطع علی ارتفاعه و امتناعه، و انما یعلم کل واحد من شیعتہ حال نفسه ولا سبیل له الی العلم بحال غیره؛ (۲)

... همانا ممتنع نیست که امام برای برخی دوستانش آشکار شود؛ از افرادی که از سوی آن ها ترسی وجود ندارد. پس به درستی که این، از اموری است که قطع بر امتناع و ارتفاع آن ممکن نیست. و هر یک از شیعیان حال خودش را می داند و راهی نیست برای آگاهی به حال دیگران.

۱- سید مرتضی، تنزیه الانبیاء، ص ۲۳۵.

۲- سید مرتضی، تنزیه الانبیاء، ص ۲۳۸.

درباره فرمایش سید مرتضی نکاتی قابل تأمل است:

الف. در بخش نخست گفتار خود فقط استبعاد عدم امکان ملاقات را رد کرده و این، به معنای پذیرش ادعای ملاقات نیست؛ چرا که اگر او دست کم ادعای ملاقات را قبول داشت، به طور حتم بر آن تأکید می کرد.

ب. او در واپسین جمله کلام خویش (راهی نیست برای آگاهی به حال دیگران) به اشاره، ادعای ملاقات را نیز رد کرده است.

۲. شیخ طوسی نیز منظور از استاد کیست؟ آن مضمون را این گونه بیان کرده است:

إنا أولاً لانقطع على استتاره عن جميع أوليائه؛ بل يجوز أن يظهر لأكثرهم ولا يعلم كل إنسان إلا حال نفسه؛(۱)

اولاً- ما با جزم و یقین نمی دانیم آن حضرت از دیده همه دوستانش نهان و غایب است؛ بلکه امکان دارد برای بیشتر آنان ظاهر شود و هر فرد، فقط از حالات خود خبر دارد.

این بیان، دیدن آن حضرت را ممکن می داند؛ اما درباره ادعای وقوع ملاقات، به نظر می رسد، آن را منتفی می داند.

۳. سید بن طاووس نیز خطاب به فرزند خود، در این باره فرموده است:

و اذا كان غير ظاهر الآن لجميع شيعته فلا يمتنع أن يكون جماعه منهم يلقونه و ينتفعون بمقاله و فعاله و يكتفونه...؛(۲)

اگر امام اکنون از جمیع شیعیان غایب است؛ ولی ممتنع نیست گروهی از آنان به ملاقات حضرت مشرف شده، از گفتار و کردار او استفاده کنند و از دیگران پوشانند....

فرمایش سید بن طاووس مؤید دیدگاه تکذیب ادعای مشاهد است؛ چه این که پوشاندن تشرّف هنگامی که در مقیاس کلی باشد، به معنای ردّ تمام ادعاهایی است که در دست است.

۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۹۹.

۲- سید بن طاووس، الطرائف، ص ۱۸۵.

۴. محقق اربلی نیز پس از نقل کلامی از مرحوم طبرسی که گفته است: ما قطع نداریم کسی در دوران غیبت به امام نمی رسد، اظهار شگفتی کرده نوشته است:

مرحوم طبرسی چرا چنین گفته است؟ در حالی که باید قطع به این داشته باشد؛ چرا که با فاصله اندکی پیش از این، او تویع نفی ملاقات را (فمن ادعی المشاهده...) را ذکر کرده بود.

محقق اربلی آن گاه دیدگاه خود را در توجیه سخن مرحوم طبرسی، این گونه بیان کرده است:

حتماً او نظر به این نکته داشته است که افرادی که احیاناً به دیدار نایل می شوند، هرگز آن دیدار را افشا نخواهند کرد و افرادی که به چنین ادعایی دست می زنند، دروغگویند. (۱)

#### ۴. امکان ملاقات و پذیرش ادعا

گروهی از دانشمندان شیعه بر این باورند که در غیبت کبرا، ملاقات های فراوانی با آن حضرت صورت گرفته است. این دیدگاه، بین متأخران شهرت بیشتری پیدا کرده است. این گروه بر قبول امکان، وقوع و ادعای ملاقات با حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف در غیبت کبرا به حکایت هایی که در این باره در دست است، استناد کرده اند

ایشان بر این باورند که در کتاب های بسیاری، داستان های گوناگونی نقل شده که سخن از ملاقات با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به میان آورده است و هرگز انبوه این ادعاها را نمی توان انکار نمود.

مهم ترین دلیل ایشان، این است که چگونه ممکن است این همه ادعای ملاقات دروغ باشد؟

برخی در پاسخ به این استدلال گفته اند: چگونه از مجموع حکایت ها می توان به یقین رسید؟ در حالی که ملاقات ها تک تک یقین آور نیست. مجموع تشکیل شده از این تک تک ها چگونه یقین آور است؟

---

۱- اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۲، ص ۵۳۸.



و نیز گفته اند: کسی نگوید این مجموع، مانند متواتر، یقین خواهد آورد؛ زیرا گفته می شود: درباره تواتر، مفاد همه خبرها یکی است؛ امّا این جا چنین نیست. و موارد حکایات، گوناگون است؛ بنابراین قطعی نیز از این حکایات به دست نمی آید؛ مگر برای کسی که شگفت زده فراوانی شمار این حکایت ها شود و چنین قطعی به قطع قطع بیشتر شبیه است.

افزون بر آنچه ذکر شد، برخی ملاقات ها را به دسته هایی تقسیم کرده، آن گاه نتیجه گرفته اند بخش اندکی از آن ها با توقیع، در تعارض است.

دسته های ملاقات های موجود در کتاب ها بدین قرار است:

۱. بسیاری از ملاقات ها مربوط به زمان غیبت صغرا است.

۲. برخی ملاقات ها به بزرگان نسبت داده شده است؛ امّا سند معتبر و محکمی ندارد.

۳. در بخشی از آن ها، شخص، در عالم رؤیا به محضر آن حضرت مشرف شده است.

۴. بسیاری از آنچه در باب ملاقات و تشرف آمده، شنیدن صدای امام بوده است، نه مشاهده آن حضرت.

۵. بسیاری از آنچه ادعا شده، فقط حدس است.

۶. بسیاری از آنچه ذیل عنوان ملاقات و تشرف ذکر می شود، کرامت هایی است که از سوی آن حضرت برای فرد صادر شده و هیچ ملاقاتی در آن ذکر نشده است.

۷. بسیاری از آنچه با عنوان مشاهده در کتاب ها گفته شده، از نظر محتوا و متن دارای اشکال و ایرادهای فراوانی است. بارزترین نمونه آن، داستان جزیره خضرا است.

۸. برخی از آنچه گفته شده، مشاهده است، مکاشفه بوده و آن هم از محل بحث خارج است.

آنچه باقی می ماند، شمار اندکی از مشاهده است که مورد توجه بزرگان قرار گرفته است.

باید توجه داشت ملاقات حضرت فضیلت بزرگی است؛ امّا آنچه مهم تر است، شناخت و معرفت آن بزرگوار و عمل به دستورهایی است که رضایت خداوند و آن حضرت را در پی دارد. فراموش نشود کم نبودند افرادی که همواره در زمان پیامبر و امامان علیهم السلام با آن بزرگواران دیدار می کردند؛ اما بهره معرفتی چندانی از آن ملاقات ها نمی بردند و گاهی هم مورد خشم و غضب ایشان واقع می شدند.

## خودآزمایی

۱. دوره های چهارگانه زندگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در رابطه با ملاقات آن حضرت به اختصار توضیح دهید.
۲. به سه روایت از روایاتی که امکان دیده شدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را منتفی می داند اشاره کرده، آن ها را شرح دهید.
۳. روایتی را که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به حضرت یوسف تشبیه کرده است، توضیح دهید.
۴. دیدگاهی که در آن، هرگونه ادعای ملاقات مردود دانسته شده است را بیان کرده، نظر خود را درباره حکایت های ملاقات ها بیان نمایید.
۵. به نظر شما، غفلت از مباحث اساسی و پرداختن به برخی خواب ها و ملاقات ها، چه نتایجی را در پی داشته است؟

===

## منابع برای پژوهش

۱. سید محمد صدر، تاریخ الغیبه الکبری، اصفهان، مکتبه امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۴۰۲ ق.
۲. جمعی از نویسندگان، چشم به راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
۳. سید محمّد کاظم قزوینی، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا ظهور، مترجم: حسین فریدونی، تهران، آفاق، ۱۳۷۹ ش.
۴. نجم الدین طبسی، مقاله: سفارت و نیابت خاصه، فصلنامه انتظار، قم، مرکز تخصصی مهدویت، ش ۱۸، ۱۳۸۵ ش.
۵. علی اصغر رضوانی، موعود شناسی و پاسخ به شبهات، قم، مسجد جمکران، ۱۳۸۴ ش.



**درس هشتم: زندگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر غیبت (همسر و فرزندان)**

**اشاره**

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

دو دیدگاه در بحث:

۱. اثبات همسر و فرزند؛

۲. انکار همسر و فرزند.

## پیش در آمد

یکی از موضوعات مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که همواره مورد توجه واقع شده، زندگی شخصی و خانوادگی آن حضرت است.

این که آن حضرت ازدواج کرده است یا نه؟ اگر ازدواج کرده است، آیا فرزند یا فرزندان دارد یا نه؟ اگر چنانچه دارای فرزند است، در کجای این کره خاکی و چگونه زندگی می کنند؟ فقط بخشی از پرسش هایی است که در موضوع یاد شده مطرح شده است. البته معمولاً با پاسخ های نه چندان یکنواخت و همسو مواجه بوده است.

همان گونه که پیش از این نیز یاد شد، سرّ بودن پنهان زیستی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بسیاری از چگونگی های زندگی آن حضرت را در هاله ای از ابهام و اختلاف دیدگاه، قرار داده است.

از آن جا که روایت صریح و روشنی در این باره در دست نیست و روایت های موجود نیز دیدگاه های مختلفی را ارائه می کنند، دو دیدگاه متفاوت بین دانشمندان شیعه پدید آمده است.

گمانه های دو گانه ای که مطرح شده، بدین قرار است:

۱. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ازدواج کرده و دارای فرزندان نیز هست. (۱)

۲. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ازدواج نکرده است. (۲)

۱- طبرسی نوری، میرزا حسین، نجم الثاقب، ص ۴۰۲.

۲- البته برخی از بزرگان، دیدگاه سومی را مطرح کرده اند که در آن، احتمال داده شده آن حضرت ازدواج کرده است؛ ولی دارای فرزند نیست. سید محمد صدر، تاریخ الغیبه الکبری، مقدمه ص ۲۳.

**احتمال نخست: اثبات همسر و فرزند****اشاره**

کسانی که بر این باورند، اعتقاد دارند آن حضرت به طور قطع ازدواج کرده، و دارای فرزندی نیز هست. ایشان به طور عمده، دو دسته دلیل برای این ادعا ذکر کرده اند:

۱. ازدواج، امری مستحب است و ساحت حضرت ولی عصر علیه السلام از ترک این مستحب مبرا می باشد.

۲. در کتاب های روایی، برخی روایت ها و ادعیه، بر همسر و فرزند داشتن حضرت دلالت دارد.

**دلیل نخست: استحباب ازدواج**

برخی افرادی که این احتمال را ترجیح داده اند، در پاسخ منکران وجود همسر و فرزند برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چنین نوشته اند:

چگونه ترک خواهند کرد چنین سنت عظیمه جد اکرم خود را با آن همه ترغیب و تحریص که در فعل آن و تهدید و تخویف در ترک آن شده، و سزاوارترین امت در اخذ به سنت پیغمبر، امام هر عصر است، و تا کنون کسی ترک آن سنت را از خصایص آن حضرت نشمرده است. (۱)

نیز یکی از دانشوران معاصر در این باره نوشته است:

بنابراین آن حضرت، فرزندان و نوادگان زیادی خواهد داشت که شمارش آن ها به سادگی ممکن نیست. اگر در این زمینه (داشتن همسر و فرزند) هیچ نقل روایی وجود نداشت، و فقط همین مطلبی که آن حضرت با وجود سن زیاد از نظر جسمی جوانی قوی البینه است... و نیز می دانیم که آن حضرت به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عمل می کند، در قبول این مطلب که آن جناب همسر و فرزندی دارد کافی بود. (۲)

بررسی این دیدگاه

الف: استحباب ازدواج

استدلال پیشین، دارای دو مقدمه است:

۱- طبرسی نوری، میرزا حسین، نجم الثاقب، ص ۴۰۲.

۲- سعادت پرور، علی، ظهور نور، ص ۱۲۳.

۱. ازدواج، سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، و کاری شایسته و مستحب است.

۲. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ناگزیر این سنت را انجام می دهد.

اما مقدمه نخست

شکی نیست که استحباب ازدواج از آیات و روایات فراوانی استفاده می شود. برخی آیاتی که بر استحباب ازدواج دلالت دارند، عبارتند از: «فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ»؛ (۱) «از زنان، هر چه شما را پسند افتد، به نکاح در آورید». و آیه «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ»؛ (۲) «و عزب هایتان و غلامان و کنیزان خود را که شایسته باشند، همسر دهید».

امریا از روایاتی که در این باره در دست است، می توان به فرمایش رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم اشاره کرد که فرمود:

النِّكَاحُ سُنَّتِي فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي؛ (۳)

نیز در اهمیت و تشویق به ازدواج، چنین آمده است:

هر کس ازدواج کند، نصف دینش را بدست آورده است (۴).

امام صادق علیه السلام نیز در این باره می فرماید:

دو رکعت نماز کسی که ازدواج کرده با فضیلت تر است از هفتاد رکعت نماز کسی که بدون همسر است (۵).

امیر مؤمنان علی علیه السلام در این باره فرمود:

تَزَوَّجُوا فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَتَّبِعَ سُنَّتِي فَإِنَّ مِنْ سُنَّتِي التَّزْوِيجَ؛ (۶)

ازدواج کنید که همانا رسول گرامی اسلام فرمود: «هر کس دوست دارد از روش من پیروی کند، پس به درستی که از سنت من ازدواج است».

۱- نساء (۴): آیه ۳.

۲- نور (۲۴): آیه ۳۲.

۳- علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۰.

۴- شیخ کلینی، کافی، ج ۵، ص ۳۲۸.

٥- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ٧٩، ص ٢١١.

٦- شیخ کلینی، کافی، ج ٥، ص ٣٢٩.



با توجه به آیات و روایات پیشین و وجود کلمات امر، مانند «انکحوا» در آیات، و تشویق به ازدواج در روایات، و سفارش در عمل به سنت پیامبر خدا، استحباب شرعی ازدواج قابل استنباط است.

اما مقدمه دوم

لزوم عمل امام علیه السلام به امر شرعی و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پرسش هایی را پدید می آورد؛ از جمله این که:

با توجه به مستحبات بسیار زیاد، آیا امام علیه السلام به همه آن ها عمل می کند؟ یا از آن امور انتخاب کرده و گزینشی عمل می کند؟

بدون تردید پیشوایان معصوم علیهم السلام مانند پیامبران، چون هدایت مردم را به عهده دارند همیشه در عمل به احکام الهی پیشگام بوده اند. به صورت اساسی، رسالت آنان ایجاب می کرد نخست خود عامل به دستورهای الهی باشند و در صحنه عمل برای دیگران الگو و نمونه باشند؛ بنابراین، در لزوم عمل کردن امام به مستحبات دو نکته وجود دارد:

۱. هدایت و رهبری و الگوی کامل بودن برای مردم که ایجاب می کند امام در زندگی و معاشرت و در برخورد با دیگران به گونه ای شایسته عمل کند و در عمل به دستورهای دینی (واجب و مستحب) پیشگام باشد.

۲. اقتضای جایگاه و منزلت انسان کامل، ایجاب می کند به مستحبات عمل کند.

بدون تردید، نکته اول در زمان غیبت امام علیه السلام موضوعیت ندارد؛ زیرا امام علیه السلام در دید مردم نیست، و امامت وی در باطن است، نه در ظاهر؛ ولی نکته دوم در رسیدن به مطلوب (امام به مستحبات شرعی پایبند و سزاوارتر از دیگران است) کافی است.

با توجه به دو مقدمه ای که گذشت، عده ای معتقدند امام زمان علیه السلام در عصر غیبت ازدواج کرده و صاحب همسر و فرزند است.

در پاسخ این دلیل گفته شده است:

اگر انجام ازدواج را بر استحباب نیز حمل کنیم، نکته قابل توجه این است که این استحباب، با مسأله بسیار مهم غیبت و فلسفه آن، در تعارض است.

این پرسش پیش می آید که اهمیت ازدواج، در جایگاه یک مستحب بیشتر است یا امر بسیار مهم «امر به معروف ونهی از منکر»؟ حتماً پاسخ داده خواهد شد: امر به معروف مهم تر است. حال آیا امام عصر علیه السلام از این همه منکری که رخ می دهد خبر دارد یا خیر؟ حتماً گفته می شود: خبر دارد؛ پس چرا نهی از منکر نمی کند؟ خواهد گفت: با مقام غیبت حضرت در تعارض است. حال این پرسش پیش می آید که آیا واجبی به این اهمیت در تعارض با غیبت ترک می شود؛ اما امر مستحب نه؟

نه فقط امر به معروف که بسیاری از شؤونات امام است که به دلیل غیبت او به صورت موقت ترک می شود.

افزون بر این که روایت نبوی می گوید: «فَمَنْ رَغِبَ عَن سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي» (۱) و آن، بدین معناست که با آن، به مخالفت برخیزد. بر ما روشن است که هر کس اگر به دلیل هایی نتوانست ازدواج کند، به این معنا نیست که با آن مخالف است.

### دلیل دوم: برخی روایات و ادعیه

افزون بر دلیل پیشین که مهم ترین دلیل در این باره یاد شده است، ادله ای دیگر بر فرزند دار بودن آن حضرت نیز بیان شده که همراه نقد بیان می شود:

۱. شیخ طوسی از مفضل بن عمر نقل کرده است که امام صادق علیه السلام فرمود:

إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيِّبَيْنِ إِحْدَاهُمَا تَطُولُ حَتَّى يَقُولَ بَعْضُهُمْ مَاتَ وَيَقُولَ بَعْضُهُمْ قُتِلَ وَيَقُولَ بَعْضُهُمْ ذَهَبَ حَتَّى لَا يَبْقَى عَلَى أَمْرِهِ مِنْ أَصْحَابِهِ إِلَّا نَفَرٌ يَسِيرٌ لَا يَطَّلِعُ عَلَى مَوْضِعِهِ أَحَدٌ مِنْ وُلْدِهِ وَلَا غَيْرِهِ إِلَّا الْمَوْلَى الَّذِي يَلِي أَمْرَهُ؛ (۲)

برای صاحب این امر، دو غیبت است که یکی از آن ها، به اندازه ای طولانی می شود که برخی از مردم گویند: از دنیا رفته است، برخی گویند: کشته شده و برخی گویند: آمده و رفته است؛ جز اندکی از شیعیان، بر باور خود استوار

۱- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۰.

۲- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۶۱.

نماند. کسی از فرزندان و غیر آنان؛ از اقامتگاه او آگاه نمی شود، جز کسی که متصدی امور او است.

برخی، از این روایت استفاده کرده اند که آن حضرت، در دوران غیبت، دارای فرزند است؛ چرا که اگر فرزند نداشت، این روایت بی معنا می شد.

نقد و بررسی کوتاه

استدلال به این روایت، از چند جهت درست نمی باشد؛ زیرا:

الف. نعمانی همین روایت را نقل کرده است؛ در حالی که به جای «من ولده»، «من ولی» (۱) آورده است.

با توجه به این که کتاب الغیبه نعمانی به مراتب بر کتاب الغیبه شیخ طوسی مقدم بوده و بخشی از سند هر دو کتاب مشترک است و نیز بین کلمه «ولی» و «ولد» از نظر نوشتار، نزدیکی وجود دارد، احتمال تصحیف، بسیار قوی می نماید؛ بنابراین، استدلال به این روایت، بی اعتبار خواهد شد.

یکی از دانشمندان معاصر پس از ذکر هر دو روایت می نویسد:

با وجود این اختلاف، استناد به نقل «غیبت شیخ» اطمینان بخش نیست؛ بلکه نقل «غیبت نعمانی» از برخی جهات، مانند علو سند و لفظ حدیث، معتبرتر به نظر می رسد. (۲)

یکی دیگر از اندیشه وران معاصر پس از اشاره به اختلاف نقل شیخ طوسی و نعمانی، درباره این روایت نوشته است:

کمترین احتمالی که در این باره وجود دارد، این است که مقصود از عبارت «هیچ یک از فرزندان و نه دیگران، از جای آن حضرت آگاه نیستند» مبالغه در شدت پنهانی باشد؛ بدین معنا که اگر هم بر فرض آن حضرت را فرزندی باشد، حتی او هم از شخصیت حقیقی حضرت آگاه نخواهد بود، تا چه رسد به دیگران و لذا چنان که واضح است این عبارت دلیلی بر وجود فرزند بالفعل

۱- نعمانی، الغیبه، ص ۱۷۲.

۲- صافی گلپایگانی، لطف الله، پاسخ ده پرسش، ص ۵۴.

نمی باشد. و همین اندازه که چنین معنایی برای روایت محتمل باشد، برای ساقط کردن استدلال بدان کفایت می کند؛ زیرا آن گاه که احتمال به میان آید، استدلال باطل است. (۱)

ب. درباره روایت شیخ طوسی گفته می شود که مورد تحریف واقع شده است. زیرا در این روایت، ضمیر مفرد به جای جمع استفاده شده است:

[در روایات] می گوید: «از فرزندان او و دیگری»؛ در حالی که صحیح این بود که بگوید «از فرزندان او و دیگران». مگر این که کسی بگوید ضمیر «هاء» در کلمه «ولده» از سوی نسخه نویسان اضافه شده است یا این که بگویند مقصود روایت اشاره به این مطلب است که امام علیه السلام فقط یک فرزند دارد. یا این که بگوید مراد از لفظ «ولد» اسم جنس است و برای مراعات این نکته ضمیر مفرد به کار رفته است. (۲)

۲. حکایت جزیره خضراء که سخن از فرزندان حضرت در جزیره ای دور دست دارد.

در آن داستان، ادعا شده است برخی فرزندان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در جزایری دور دست و ناشناخته، بر شهرهایی حکومت می کنند.

این داستان، ابتدا به وسیله علامه مجلسی در بحار الانوار (۳) و پس از نزدیک دو قرن، به وسیله محدث نوری در کتاب نجم الثاقب (۴) شهرت یافت.

در درس های آینده به صورت مفصل درباره این داستان سخن خواهیم گفت. این نتیجه خواهیم رسید که این داستان از اساس ساختگی است.

بنابراین استدلال به این داستان و مانند آن، بر این مسأله غیر قابل پذیرش است.

۱- صدر، سید محمد، تاریخ غیبت کبرا، ترجمه سید حسن افتخار زاده، ص ۸۵.

۲- سید جعفر مرتضی، جزیره خضراء در ترازوی نقد، ترجمه: محمد سپهری، ص ۲۱۸.

۳- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۹.

۴- محدث نوری، نجم الثاقب، باب هفتم، حکایت ۳۷. با وجود این که وی حکایت را از بحار الانوار نقل کرده است، ولی تفاوت های فراوانی با نقل علامه مجلسی دارد.

۳. علامه مجلسی می گوید: مؤلف کتاب مزار کبیر به اسناد خود از ابو بصیر از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که آن حضرت فرمود:

كَأَنِّي أَرَى نُزُولَ الْقَائِمِ فِي مَسْجِدِ السَّهْلَةِ بِأَهْلِهِ وَ عِيَالِهِ؛ (۱)

گویا می بینم فرود آمدن قائم را در مسجد سهله با اهل و عیالش.

این روایت برای آن حضرت همسر و فرزند اثبات کرده است، ولی هیچ دلالتی ندارد در دوران غیبت نیز دارای زن و فرزند است؛ چرا که احتمال دارد این زن و فرزند پس از ظهور برای او حاصل آید.

۴. در روایتی که ابن طاووس از امام رضا علیه السلام در صلوات بر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل کرده است، عبارت زیر به چشم می خورد:

...اللَّهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَ أَهْلِهِ وَ وُلْدِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ أُمَّتِهِ وَ جَمِيعَ رَعِيَّتِهِ مَا تُقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ وَ تَسُرُّ بِهِ نَفْسُهُ وَ تَجْمَعُ لَهُ مُلْكَ الْمَمْلَكَاتِ كُلِّهَا قَرِيبَهَا وَ بَعِيدَهَا وَ عَزِيزَهَا وَ ذَلِيلَهَا حَتَّى يَجْرِيَ حُكْمُهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ وَ يُغْلَبَ بِحَقِّهِ كُلُّ بَاطِلٍ...؛ (۲)

خدایا! به او و خاندان و فرزندان و نسل و تمام پیروانش، چیزی ببخش که مایه روشنی چشم و خوشحالی دل او شده و حکومت تمام حکومت های دور و نزدیک، عزیز و ذلیل را در اختیار او قرار دهد، به گونه ای که حکومت او بر تمام حکومت ها غالب و حق، بر تمام باطل ها چیره شود.

برخی بزرگان درباره روایت پیشین نوشته اند:

اولاً: سند روایت قابل اعتماد نیست.

ثانیاً: حداکثر چیزی که از این دعای منقول از امام رضا علیه السلام که حدود پنجاه سال پیش از ولادت امام زمان علیه السلام فرموده اند، می توان استنباط کرد، این است که امت اسلام، دارای مهدی است و او دارای فرزندان خواهد شد؛ اما در روایت اشاره ای به زمان ولادت فرزندان حضرت نشده است.

۱- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۱، باب ۲۷.

۲- سید بن طاووس، جمال الاسبوع، ص ۵۰۶.

سیاق کلام، بیشتر حاکی از آن است که این موضوع به عصر ظهور امام و قیام و حکومت ایشان مربوط می شود. (۱)

۵. روایت دیگری که سید بن طاووس نقل کرده است که امام رضا علیه السلام فرمود:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ وَوَلَاةِ عَهْدِي وَالأئمةِ مِنْ وُلْدِهِ...؛ (۲)

اما این روایت نیز به دلایلی بر مدعا غیر قابل پذیرش است.

الف. روایت از نظر سند ضعیف است.

ب. این روایت بنابر تصریح خود ابن طاووس، دارای متن دیگری نیز می باشد که به این شکل است: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ وَوَلَاةِ عَهْدِي وَالأئمةِ مِنْ بَعْدِهِ...» که در آن، کلمه «من ولده» نیست.

جالب این که شیخ طوسی در کتاب مصباح المتهدجد (۳) و کفعمی در مصباح (۴) به همین صورت دوم نقل کرده اند.

ج. بر فرض هم که درستی روایت را بپذیریم، باز هم در روایت، نکته ای که حاکی از زمان ولادت فرزندان امام باشد، وجود ندارد و ممکن است به فرزندان آن حضرت پس از ظهور اشاره کرده باشد.

۶. میرزا حسین طبرسی نوری در کتاب نجم الثاقب با عنوان «دفع شبهه نبودن اولاد برای آن حضرت» آورده است:

سید بن طاووس در اواخر کتاب جمال الاسبوع (۵) گفته که: «من یافتم روایتی به سند متصل به این که از برای مهدی گروهی از اولاد است که والیاند در اطراف شهرها که در دریا است و ایشان داریند غایت بزرگی و صفات نیکان را». (۶)

۱- سید جعفر مرتضی، جزیره خضرا در ترازوی نقد، ترجمه: محمد سپهری، ص ۲۲۰.

۲- جمال الاسبوع، ص ۵۱۲.

۳- شیخ طوسی، مصباح المتهدجد، ص ۴۰۹.

۴- کفعمی، المصباح، ص ۵۴۸.

۵- سید بن طاووس، جمال الاسبوع، ص ۵۱۲.

۶- طبرسی نوری، میرزا حسین، نجم الثاقب، ص ۴۰۲.

در مراجعه به جمال الاسبوع در خواهیم یافت که نه فقط سندی بر این ادعا نیاورده، بلکه مشخص نکرده این سخن از چه کسی ذکر شده است.

البته به روایات دیگری نیز استدلال شد که به نظر می رسد آنچه ذکر شد، اهمیت بیشتری دارد و آن هم که ملاحظه شد، قابلیت استدلال بر این موضوع را ندارند.

افزون بر روایات، به برخی از ادعیه و زیارتنامه ها نیز استدلال شده که در آن ها نیز استدلال ناتمام است؛ زیرا استناد قطعی آن ها به معصوم علیه السلام مورد تردید است.

یکی از بزرگان، درباره برخی از آنچه به عنوان دلیل قائلان به زن و فرزند دار بودن حضرت آمده است، می نویسد:

بعضی از روایات، مثل خبر «کمال الدین انباری» و خبر «زین الدین مازندرانی» از جهت غرابت و ضعف ظاهری که در متن آن ها است، قابل استناد نمی باشد و بعضی دیگر، همچون فقرات برخی از «ادعیه و زیارات» نیز صراحت ندارد و قابل حمل بر عصر ظهور می باشد. (۱)

پس دلیل دوّم قائلان به ازدواج آن حضرت که روایات است، مخدوش می شود و جایی برای استفاده و استدلال به آن باقی نمی ماند؛ لذا نمی توانیم به آن روایات تمسک کنیم.

### احتمال دوم: انکار همسر و فرزند

#### اشاره

در این احتمال نیز به دو دلیل تمسک شده است:

الف. ازدواج با فلسفه غیبت منافات دارد؛

ب. روایاتی که به ازدواج نکردن تصریح دارد.

#### دلیل نخست

در این احتمال گفته شده است اصلاً اختیار همسر برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با فلسفه غیبت در تعارض است؛ چرا که فلسفه غیبت، دور و پنهان بودن از مردم است، تا این که صدمه و گزند به او نرسد، و از شرّ دشمنان در امان باشد؛ از این رو هر چیزی که خلاف آن باشد، بر آن حضرت روا نیست و ازدواج با این امر و فلسفه منافات دارد.

بنابراین ازدواج کاری مستحب، پسندیده و مهم است و حفظ اسرار و پنهان زیستی و حفظ جان از گزند دشمنان امری مهم تر است؛ پس هر گاه امری دایر شود بین مهم و مهم تر، عقل، مهم تر را برمی‌گزیند. به عبارت دیگر، مصلحت فلسفه غیبت از مصلحت ازدواج بیشتر است؛ از این رو فلسفه غیبت، مانعی است برای ازدواج و می‌تواند از تحقق ازدواج جلوگیری کند. حال که ازدواج مانع دارد، ازدواج نکردن آن حضرت نمی‌تواند اعراض از سنت تلقی شود؛ چون آن حضرت وی اعراض نکرده، بلکه امر مهم تر را برگزیده است.

### دلیل دوم

این گروه، افزون بر آنچه یاد شد، به روایاتی نیز استدلال کرده اند:

۱. مسعودی در اثبات الوصیه نقل کرده است: علی بن حمزه و ابن سراج و ابن ابی سعید مکاوی به محضر امام رضا علیه السلام وارد شدند.

علی بن ابی حمزه سخن را آغاز کرده، گفت: «برای ما از پدرانتان نقل شده است که تمام وظائف امام، پس از رحلت به امامی مانند او منتقل می‌شود».

امام رضا علیه السلام به او فرمود: «خبر بده مرا از حسین بن علی علیهما السلام امام بود یا نه؟» گفت: «امام بود». حضرت فرمود: «پس چه کسی جانشین او شد؟» عرض کرد: «علی بن حسین علیهما السلام».

این پرسش و پاسخ ادامه یافت تا این که ابن ابی حمزه گفت: «برای ما روایت شده است که امام در نخواهد گذشت، تا این که جانشین و نسل خود را ببیند».

امام رضا علیه السلام فرمود: «أما رویتم فی هذا الحدیث غیر هذا؟ آیا در این روایت، بیش از این چیزی برای شما گفته نشده است؟» گفت: «نه». حضرت فرمود:

بلی و الله لقد رویتم فیہ إلا القائم...؛

بله؛ به خدا سوگند! برایتان روایت شده است، مگر قائم....

ابی حمزه (با حالتی شبیه اعتراض) گفت: «این قسمت در حدیث است؟»



امام رضا علیه السلام فرمود: «ویلک کیف اجترأت علی بشیء تدع بعضه؛ «وای بر تو! چگونه جرأت کردی به چیزی که بخشی از آن را رها کرده ای، بر من احتجاج کنی؟» (۱).

افزون بر مسعودی، کشی نیز در رجال خود (۲) این روایت را با اندک تفاوتی آورده است.

روشن است که این روایت نه فقط در دوران غیبت، بلکه در تمام عمر آن حضرت داشتن فرزند برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را منتفی می داند.

۲. شیخ طوسی در کتاب الغیبه نزدیک به همین مضمون را در روایتی دیگر آورده است.

حسن بن علی خزاز گفت: علی بن ابی حمزه وارد بر امام رضا علیه السلام شد و پرسید: «آیا تو امام هستی؟» حضرت فرمود: «آری». علی بن ابی حمزه گفت: «از پدر بزرگ شما جعفر بن محمد شنیدم که امامی نیست، مگر این که فرزندی دارد». امام فرمود:

«آیا فراموش کردی یا خود را به فراموشی زدی؟ این چنین که گفتمی نفرمود. بلکه ایشان فرمود:

لَا يَكُونُ الْإِمَامُ إِلَّا وَ لَهُ عَقِبٌ إِلَّا الْإِمَامُ الَّذِي يَخْرُجُ عَلَيْهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّهُ لَا عَقِبَ لَهُ؛ (۳)

امامی نیست، مگر این که فرزندی داشته باشد مگر امامی که حسین بن علی برای او خارج می شود (رجعت می کند)؛ پس همانا او فرزندی نخواهد داشت.

علی بن ابی حمزه گفت: «راست فرمودی. این چنین فرمود جدّ بزرگوارت».

دو روایت پیشین در اثبات ادعا کافی است؛ لکن به برخی امور دیگری را می توان شاهد آورد:

۳. روایاتی حضرت خضر را کسی معرفی کرده است که وحشت تنهایی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در دوران غیبت برطرف می سازد، در حالی که اگر آن حضرت زن و فرزند داشت، به ملازم و همراه نیازی نبود.

۱- مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیه للإمام علی بن ابی طالب علیه السلام، ص ۲۰۸.

۲- کشی، محمد بن عمر، رجال کشی، ص ۴۶۵.

۳- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۲۴.

امام رضا علیه السلام فرمود:

إِنَّ الْخَضِرَ شَرِبَ مِنْ مَاءِ الْحَيَاةِ فَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ... وَ سَيُؤْنَسُ اللَّهُ بِهِ وَخَشَهُ قَائِمًا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي غَيْبَتِهِ وَ يَصِلُ بِهِ وَخَدَتُهُ؛(۱)

خضر علیه السلام از آب حیات نوشید و او زنده است... خداوند به واسطه او تنهایی قائم ما را در دوران غیبتش به انس تبدیل کند و غربت و تنهایی اش را با وصلت او مرتفع سازد.

۴. در روایات فراوانی از آن حضرت با القاب فرید (تك) و وحید (یگانه) یاد شده است و این، با زن و فرزند داشتن منافات دارد.(۲)

۵. دسته ای از روایات، ملازمان حضرتش را در دوران غیبت، فقط سی تن از یاران خاص آن حضرت ذکر کرده است.

امام صادق علیه السلام در این باره فرمود:

لَا بُدَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ غَيْبِهِ وَلَا بُدَّ لَهُ فِي غَيْبَتِهِ مِنْ عَزْلِهِ وَ نِعَمِ الْمَنْزِلِ طَيِّبِهِ وَ مَا بِثَلَاثِينَ مِنْ وَخْشِهِ؛(۳)

صاحب این امر، از غیبتی ناگزیر است و در غیبت خود، ناچار از گوشه گیری و کناره جویی از دیگران است. طیبه [=مدینه] خوش منزلی است و با وجود سی تن [یا به همراهی سی نفر] در آن جا وحشت و ترسی نیست.

علامه محمد تقی شوشتری درباره فرزند دار بودن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نوشته است:

باید گفت: در هیچ خبری وارد نشده است که آن حضرت پیش از ظهور فرزند داشته باشد، و در خصوص فرزند دار شدن آن امام پس از ظهور هم اختلاف است.(۴)

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۸۵، ح ۱.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۸۵، باب ۲۶، ح ۱۳.

۳- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۴۰، ح ۱۶؛ شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۶۲؛ نعمانی، الغیبه، ص ۱۸۸.

۴- جزیره خضراء افسانه یا واقعیت، ص ۲۲۶، به نقل از: الاخبار الدخیله، ج ۲، ص ۷۲.

در پایان، توجه به این نکته خالی از لطف نیست که با عنایت به این که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نزدیک به هفتاد سال از عمر خود را در دوران غیبت صغرا سپری کرده و مخدورات این دوران در ازدواج کردن، به مراتب کمتر از دوران غیبت کبرا بوده است، و نیز این که در هیچ یک از منابع معتبر یا سخنان نواب خاص به این نکته اشاره ای نشده است، می توان دیدگاه زن و فرزند نداشتن را ترجیح داد. و خداوند آگاه تر است.

در پایان یادآوری این نکته ضروری است که برخی معتقدند نباید به این گونه مباحث پرداخت و در نهایت باید توقّف کرد. ایشان بر این باورند که هرگز ازدواج یا عدم آن، دخالتی در پذیرش امام نخواهد داشت. این نوع موضوعات از مسایل شخصی است که به طور معمول در روایات نیامده و کسی هم به آن نپرداخته است. حتی امام عسکری علیه السلام نیز در رابطه با ازدواج فرزندش چیزی نفرموده است.

در پاسخ می گوئیم: اگر چه این گونه مسایل جنبه شخصی دارند و دانستن یا ندانستن آن، تأثیری در زندگی ما ندارد، ولی امامان ما بسان انسان های معمولی نیستند، تا از کنارشان به سادگی عبور کنیم.

بنابراین، اساس بحث از زندگانی شخص آن امام مانعی ندارد؛ گرچه به علت موقعیت استثنایی آن حضرت که همان پنهان زیستی است، آگاهی چندانی نداریم و ناچاریم به همان مقدار از دلیل ها و سخنان بزرگان دین بسنده کنیم.

## خودآزمایی

۱. درباره زن و فرزند داشتن یا نداشتن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سه دیدگاه کلی موجود است. آن‌ها را نام ببرید.
۲. دلیل دیدگاهی که برای آن حضرت زن و فرزند اثبات می‌کند چیست؟ آن را توضیح دهید.
۳. انگیزه اساسی افرادی که می‌گویند حضرت ازدواج کرده است؛ ولی دارای فرزند نیست، کدام است؟ شرح دهید.
۴. دلیل افرادی که زن و فرزند داشتن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را مردود دانسته‌اند را توضیح دهید.
۵. با توجه به دیدگاه‌های یاد شده، برداشت خود را از آن‌ها بیان کنید.

===

## منابع برای پژوهش

۱. سید محمد صدر، تاریخ الغیبه الکبری، اصفهان، مکتبه امیرالمؤمنین، ۱۴۰۲ ق.
۲. میرزا حسین طبرسی، نجم الثاقب، قم، جمکران، ۱۳۷۷ ش.
۳. لطف الله صافی گلپایگانی، امامت و مهدویت، انتشارات حضرت معصومه علیها السلام، قم: ۱۳۷۷ ش.
۴. محمد تقی شوشتری، و دیگران، جزیره خضرا افسانه یا واقعیت؟، ترجمه و تحقیق ابوالفضل طریقه دار، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۰ ش.
۵. سید محمد کاظم قزوینی، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا ظهور، ترجمه حسین فریدونی، تهران، آفاق، ۱۳۷۹ ش.

## درس نهم: محل زندگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

بررسی محل زندگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در:

۱. دوران زندگی با امام عسکری علیه السلام (۲۵۵۲۶۰ق)

۲. دوران غیبت صغرا (۲۶۰۳۲۹ق)

۳. دوران غیبت کبرا

۴. دوران ظهور

بررسی داستان جزیره خضرا

## پیش درآمد

پنهان زیستی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نه فقط چگونگی زندگی آن حضرت را در هاله ای از اسرار فرو برده که بسیاری از موضوعات مربوط به حیات آن حضرت را نیز جزو امور پنهان نظام هستی قرار داده است.

یکی از مهم ترین این امور پنهان، محل زندگی آن حضرت در طول غیبت است. بسیاری علاقه مندند بدانند آن خورشید پنهان در کدامین بخش از این کره خاکی به گذران عمر می پردازد. به بیان دیگر، کدامین قسمت از زمین، افتخار این منزلت را دارد؟

میلیون ها انسان واله و شیفته، صدها سال است که در هر پگاه آدینه سخن به ندبه می گشایند و این گونه می سرایند: «ای کاش می دانستم چه جایی منزل گرفته ای و چه سرزمینی و مکانی تو را در بر گرفته است! آیا در کوه رضوایی یا جای دیگری یا در ذی طوی هستی؟ دشوار است بر من که مردمان را بینم و تو دیده نشوی».<sup>(۱)</sup>

در این درس، برای روشن شدن این موضوع، پای به گلستان کلام معصومان علیهم السلام می گشایم و با سیری در کلام نورانی ایشان، از آن انفاس قدسی برای حل این راز، استمداد می طلبیم.

---

۱- «...لَيْتَ شِعْرِي أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى بَلْ أَيْ أَرْضٍ تُقْلِكُ أَوْ تُرَى أَمْ بِرَضْوَى أَمْ غَيْرَهَا أَمْ ذِي طُوًى عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الْخُلُقَ وَ لَا تُرَى...»؛ سید بن طاوس، اقبال، ص ۲۹۸.

با یک نگاه کلی در این بوستان پرطراوت، به چهار دسته روایت در این موضوع بر خواهیم خورد که هر یک محل زندگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در دوره ای از حیات پر برکت او به تصویر کشیده است؛ اگر چه برای برخی دوره ها صراحت و روشنی بیشتری وجود دارد و برخی دوره ها به دلایلی به اجمال و ابهام پاسخ داده شده است.

این دوره ها عبارتند از:

### ۱. دوران زندگی با امام عسکری علیه السلام (۲۵۵-۲۶۰ق)

شکی نیست که آن امام همام، در شهر سامرا و در خانه پدر ارجمند خود امام حسن عسکری علیه السلام دیده به جهان گشود و تا پایان عمر شریف پدر خود در کنار آن حضرت می زیست.

این دوره بنا بر دیدگاه مشهور از هنگام ولادت حضرت (نیمه شعبان سال ۲۵۵ق) آغاز و تا رحلت امام عسکری علیه السلام (هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ق) پایان یافت.

افزون بر نقل موثق تاریخی، افرادی نیز از این حادثه بزرگ پرده برداشته اند:

شیخ صدوق در کتاب شریف کمال الدین و تمام النعمه که یکی از مهم ترین کتاب های نگاشته شده در موضوع مهدویت است، داستان ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به صورت مفصل ذکر کرده است. (۱) این روایت، از مهم ترین روایات درباره ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و به روشنی دلالت دارد که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در خانه امام عسکری علیه السلام در سامرا دیده به جهان گشود.

از سوی دیگر، روایاتی نیز حکایت از که در این دوره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با صلاح‌دید امام عسکری علیه السلام برای افرادی ویژه نمایان می شد و این اتفاق در سامرا و در جوار پدر بزرگوارش صورت می گرفت.

«ضوء ابن علی» از مردی از اهل فارس که نامش را برده است نقل می کند:

به سامرا آمدم و بر در خانه امام حسن عسکری علیه السلام ملازم شدم. حضرت مرا طلبید. وارد شدم و سلام عرض کردم. فرمود: «برای چه آمده ای؟» عرض

۱- ر.ک: شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ترجمه منصور پهلوان، ج ۲، ص ۱۴۳.

کردم: «برای اشتیاقی که به شما داشتم». فرمود: «پس دربان ما باش». من همراه خادمان، در خانه حضرت بودم، گاهی می رفتم. هر چه احتیاج داشتند از بازار می خریدم و زمانی که مردها در خانه بودند، بدون اجازه وارد می شدم.

روزی [بدون اجازه] بر حضرت وارد شدم و او در اتاق مردها بود. ناگاه در اتاق حرکت کرد و صدایی شنیدم؛ پس فریاد زد: «بایست، حرکت مکن». من جرأت در آمدن و بیرون رفتن نداشتم؛ پس کنیزی که چیز سرپوشیده ای همراه داشت. از نزد گذشت. آن گاه مرا صدا زد که در آی. وارد شدم. کنیز را هم صدا زد. کنیز نزد حضرت باز گشت. حضرت به او فرمود: «از آنچه همراه داری روپوش بردار». کنیز از روی کودک سفید و نیکو روی پرده برداشت و خود حضرت روی شکم کودک را باز کرد. دیدم مویی سبز که به سیاهی آمیخته بود از زیر گلو تا نافش روییده است. پس فرمود: «این است صاحب شما» و به کنیز امر فرمود که او را ببرد. پس من آن کودک را ندیدم، تا امام عسکری علیه السلام وفات کرد. (۱)

نه فقط بستگان نزدیک و خدمتگزاران بیت امامت، آن حضرت را در سامرا و در خانه امام عسکری علیه السلام دیده اند که بسیاری از یاران و برگزیدگان اصحاب امام به شرف دیدار آن جمال چون آفتاب نایل شده اند که همگی از زندگی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در کنار پدر در سامرا حکایت دارد.

«یعقوب بن منقوش» گوید:

بر امام عسکری علیه السلام وارد شدم و او بر سکویی در سرا نشسته بود و سمت راست او اتاقی بود که پرده های آن آویخته بود. گفتم: «ای آقای من! صاحب الامر کیست؟» فرمود: «پرده را بردار». پرده را بالا زدم؛ پسر بچه ای به قامت پنج و جب بیرون آمد، با پیشانی درخشان و روی سپید و چشمانی درافشان و دو کتف ستبر و دو زانوی برگشته. خالی بر گونه راستش و گیسوانی بر سرش بود. آمد و بر زانوی پدرش ابو محمد نشست. آن گاه به من فرمود: «این،



صاحب شما است». سپس امام بدو فرمود: «پسرم! تا هنگام معلوم داخل شو». داخل اتاق شد و من بدو می نگریستم. پس به من فرمود: «یعقوب! به داخل اتاق برو و بین آن جا کیست». من داخل شدم اما کسی را ندیدم. (۱)

همچنین «احمد بن اسحاق» نقل کرده حضرت را در سامرا دیده است. (۲)

بنابراین روایات و ده ها روایت دیگر، تردیدی نخواهد ماند بر این که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در طول حیات امام عسکری علیه السلام همراه آن حضرت و در شهر سامرا مسکن و مأوا داشته است. اگرچه در این دوران نیز پنهانی زندگی می کرده است، عده فراوانی از نزدیکان و شیعیان آن حضرت را دیده اند.

یادآوری این نکته است که برخی محققان، احتمال فراوانی داده اند آن حضرت بخش عمده دوران کودکی خود را در مدینه گذرانده باشد. ایشان با استناد به روایت مسعودی، مبنی بر این که امام عسکری علیه السلام در سال ۲۵۹ق از حدیث مادر خود درخواست کرد به حج مشرف شود و برای حفظ جان فرزندش وی را به همراه ببرد، دیدگاه یادشده را بیان نموده، اضافه کرده اند:

به نظر می رسد آنان پس از برگزاری مناسک حج به مدینه عزیمت کرده باشند و آن را محل اختفای امام دوازدهم قرار داده اند.

این نویسنده وی افزون بر نقل یادشده، دلیل های دیدگاه خود را چنین بیان کرده است:

۱. ترس امام عسکری علیه السلام بر جان فرزند خود؛

۲. روایاتی که محل آن حضرت را پس از رحلت پدر، مدینه دانسته است؛

۳. روایاتی که ظهور حضرت را در مکه دانسته است؛

۴. روایاتی که حکایت دارد هر سال حضرت مهدی در موسم حج به مکه می رود. (۳)

به نظر می رسد هیچ یک از دلیل های یاد شده قابل پذیرش نیست.

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۱۶۴.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۸۰.

۳- جاسم حسین، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۲۴؛ و نیز: پورسیدآقایی و دیگران، تاریخ عصر غیبت، ص ۴۵.

اما دلیل نخست؛ با توجه به این که این رخداد طبق نقل یاد شده در چهار سالگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده و آن حضرت چهار سال در حمایت پدر بزرگوار بدون هیچ اتفاق تغییری در شرایط زندگی کرده است، لزومی نداشته است آن حضرت این حمایت جدی را از دست بدهد. افزون بر آن، این که امام عسکری علیه السلام به مناسبت های مختلف، فرزند خود را به افراد مورد اطمینان نشان می داد، تا پس از وی مشکل چندانی پیش نیاید و این، با دور کردن حضرت از خود سازگاری ندارد.

دیگر این که از برخی روایات استفاده می شود آن حضرت، حتی در دوران پدر به صورت معجزه آسا پنهان می شد (۱) و این، با نگرانی امام عسکری علیه السلام منافات دارد. سرانجام، این که روایاتی حکایت از نماز خواندن آن حضرت بر پیکر پدر دارد. البته بازگشت آن حضرت از مدینه پیش از رحلت پدر گزارش نشده است.

اما دلیل دوم؛ این دلیل نیز قابل پذیرش نیست؛ چرا که در روایت به روشنی بیان شده است آن حضرت پس از رحلت پدر در مدینه خواهد بود، بنابراین رفتن آن حضرت به مدینه پس از رحلت امام عسکری علیه السلام اتفاق افتاده است.

دلیل سوم نیز این که روایاتی محل ظهور را مکه دانسته است؛ پس حضرت در دوران پدر در مدینه زندگی می کرده است که کاملاً غیر قابل پذیرش است؛ چرا که روایات فراوانی سخن از دو غیبت به میان آورده و به ویژه یکی از غیبت ها را بسیار طولانی دانسته است. همان گونه که گفته خواهد شد، در روایاتی به محل زندگی آن حضرت در این دوره اشاره شده است. علاوه بر آن که محل ظهور مکه دانسته شده است و به حضور آن حضرت در چهارسالگی در مدینه به این مناسبت ربطی نخواهد داشت.

اما این که چون در روایات آمده است، حضرت هر سال هنگام مناسک حج به مکه می رود، پس در چهارسالگی به طور حتم در مدینه حضور داشته است، سخنی شگفت آور است.

---

۱- ر. ک: شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۱۶۴.

همه آنچه یاد شد، می تواند حضور مستمر حضرت را در دوران پدر اثبات کند؛ اگر چه دور از ذهن نیست که در این مدت، آن حضرت با نظارت پدر به مسافرتی رفته و سپس نزد او بازگشته باشد.

## ۲. دوران غیبت صغرا (۲۶۰-۳۲۹ق)

غیبت صغرا عبارت است از دوران پنهان زیستی کوتاه مدت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که طبق نظر مشهور، با شهادت امام عسکری علیه السلام (۲۶۰ق) آغاز شده و با رحلت چهارمین نایب خاص آن بزرگوار (۳۲۹ق) به پایان رسیده است که مجموعاً قریب هفتاد سال می شود.

محل زندگی آن حضرت در این دوران، به روشنی مشخص نیست؛ ولی از برخی روایات و قرائن به دست می آید حضرت که این مدت را به طور عمده در دو منطقه سپری کرده است: یکی منطقه عراق و دیگری مدینه منوره که البته روایات متعددی بر این مطلب دلالت دارد.

از امام صادق علیه السلام در این زمینه نقل شده است که فرمود:

برای قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف دو غیبت است: یکی کوتاه و دیگری طولانی. در غیبت اول جز شیعیان مخصوص از جای او خبر ندارند و در غیبت دیگر جز، دوستان مخصوصش از جای او خبر ندارند. (۱)

در دوران غیبت صغرا، از سفیران چهارگانه (نواب خاص) کسی نزدیک تر به آن حضرت ذکر نشده است و ایشان هم تماماً در عراق بوده و همواره با حضرت در ارتباط بوده اند. توقیعات فراوانی نیز از طرف حضرت به دست آن ها شرف صدور یافته است؛ بنابراین می توان گفت دست کم بخشی از عمر آن حضرت در این دوران در عراق سپری شده است.

دسته ای دیگر از روایات به صورت مطلق (بدون در نظر گرفتن صغرا و کبرا بودن غیبت) زندگی حضرت را در دوران غیبت، در مدینه منوره ذکر کرده اند که با توجه به

روایات دسته نخست، می توان گفت ممکن است بخشی از دوران غیبت صغرا نیز در مدینه سپری شده باشد.

امام باقر علیه السلام در این باره فرمود:

لابد لصاحب هذا الامر من عزله... و نعم المنزل طيبه(۱)؛

به ناگزیر برای صاحب این امر عزلت و گوشه گیری خواهد بود... و طیبه [=مدینه] چه منزلگاه خوبی است!

بنابراین جمع بین دو دسته روایات به این صورت است که آن حضرت در مدینه حضور داشته است؛ ولی به دلیل ارتباط با نواب خاص داشته اند، بخشی از عمر خود را در عراق سپری کرده است.

### ۳. دوران غیبت کبرا

#### اشاره

غیبت کبرا، به مدت زمان پنهان زیستی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف گفته می شود که با وفات واپسین نایب خاص در سال ۳۲۹ ق آغاز و همچنان ادامه دارد و فقط خداوند متعال است که پایان آن را می داند. این دوران، ویژگی های خاصی دارد که آن را به طور کامل از دوران غیبت صغرا متمایز می سازد. از این ویژگی ها، کامل شدن غیبت آن حضرت است.

همان گونه که پنهان زیستی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در این دوران به کمال می رسد و نیابت و سفارت، همانند دوران غیبت صغرا وجود ندارد، محل زندگی آن حضرت نیز نامشخص تر می شود. در این دوران است که هرگز نمی توان به طور قطع مشخص کرد آن حضرت کجا زندگی می کند. البته روایات در این باره به محل های گوناگونی اشاره کرده اند که برخی از آن ها از این قرارند:

#### الف. مدینه منوره

همان طور که پیش تر نیز اشاره شد، برخی روایات به صورت عام و بدون قید زمان غیبت صغرا مدینه را جایگاه آن حضرت در دوران غیبت می داند.

۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۶۲.

**ب. ناحیه ذی طوی**

ناحیه ذی طوی در یک فرسخی مکه و داخل حرم قرار دارد و از آن جا خانه های مکه دیده می شود. برخی از روایات، آن محل را مکانی معرفی می کند که حضرت بخشی از زمان غیبت را در آن سپری می کند.

امام باقر علیه السلام در این باره فرمود:

صاحب این امر را در برخی از این درّه ها غیبتی است (و با دست خود به ناحیه ذی طوی اشاره کرد).<sup>(۱)</sup>

**ج. دشت ها و بیابان ها**

از برخی روایات نیز استفاده می شود که آن حضرت در طول غیبت، محل خاصی ندارد و همواره در سفر به سر می برد.

از امام باقر علیه السلام نقل شده است درباره شباهت های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به پیامبران الهی، چنین فرمود:

... و اما شبهه من عیسی فالسیاحه<sup>(۲)</sup>؛

و اما شباهت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به حضرت عیسی علیه السلام پس جهانگردی [نداشتن مکان خاص] است.

همچنین، در توقیعی که به نام شیخ مفید صادر شده است اگر صدور آن را بپذیریم نیز به نامعلوم بودن مکان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره شده است. در آن نوشته چنین بیان شده است:

با این که ما بر اساس فرمان خداوند و صلاح واقعی ما و شیعیان مؤمن خود تا زمانی که حکومت در دنیا در اختیار ستمگران است در نقطه ای دور و پنهان از دیده ها به سر می بریم.<sup>(۳)</sup>

۱- نعمانی، الغیبه، ص ۱۸۱.

۲- طبری، دلائل الامامه، ص ۲۹۱.

۳- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴.

یادآوری این مطلب لازم است که این نامعلوم بودن محل زندگی آن حضرت در دوران غیبت کبرا، سبب شده است عده ای به گمانه زنی هایی در مواردی سست و واهی پردازند و به طرح محل هایی که اثبات آن ها کاری بس مشکل است، روی آوردند.

افسانه جزیره خضرا و مثلث برمودا و مانند آن، حکایت هایی است که در تاریخ پر فراز و فرود این اعتقاد سترگ رخ نموده است؛ ولی همواره روشنگران این عرصه، مردم را از فرو غلطیدن در کجراهه ها و بیراهه ها حفظ کرده اند.

البته پیش از آن نیز برخی مخالفان شیعه نسبت داده اند که شیعیان بر این باورند که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت در سرداب سامرا زندگی می کند. در این جا مناسب است اشاره ای کوتاه بدان نماییم.

از گذشته بیشتر خانه ها در مناطق گرمسیر عراق سرداب (زیرزمین) داشت، تا ساکنان خانه، از شدت گرمای تابستان در امان باشند<sup>(۱)</sup>. خانه حضرت عسکری علیه السلام در سامرا نیز دارای سرداب بود. این سرداب، محل زندگی و عبادت امام هادی، امام حسن عسکری و حضرت بقیه الله علیه السلام بود و اغلب دیدارها با حضرت ولی عصر در عهد پدر در همین منزل و در همین سرداب انجام می گرفت؛ به همین سبب شیعیانی که پس از رحلت امام حسن عسکری علیه السلام، برای زیارت قبر آن امام و پدر بزرگوارش وارد سامرا می شدند، پس از زیارت قبر آن بزرگوار، در محل عبادت سه امام بزرگوار نماز می خواندند و آن جا را زیارت می کردند.

اما همان گونه که اشاره شد، متأسفانه برخی دشمنان متعصب، با نسبت دادن تهمت های ناروا، خواسته اند از این موضوع بهره برداری های نادرست کنند. آنان به شیعه تاخته و معتقدان به غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به استهزا گرفته اند؛ با این که می دانند حتی یک نفر شیعه راستین را نخواهند یافت که معتقد باشد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در سرداب پنهان شده یا در سرداب سکونت و اقامت گزیده است.

۱- فخر الدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۴۶۷.

بنابراین زائران، فقط از آن جهت به این مکان مقدس احترام می گذارند که محل سکونت، زندگی، عبادت، نیایش و تلاوت قرآن انسان های کامل بوده است. با این بیان، آن جا مکان مقدس و خانه پر برکتی است که خداوند اجازه داده است چنین مکانی، رفعت مقام یابد و در آن جا نام خدا به عظمت برده شود؛ به همین سبب مسلمانان پیرو مذهب خاندان وحی و رسالت، آن جا نماز می خوانند و بر پیامبر و خاندانش علیهم السلام درود می فرستند؛ آن جا را زیارت می کنند و کسی بر این عقیده نیست که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آن سرداب سکونت دارد یا این که از آن جا ظهور خواهد کرد.

#### ۴. دوران ظهور

دوران ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که درخشان ترین فراز تاریخ و روشن ترین دوران زندگی انسانی است، ویژگی های فراوانی دارد از جمله مهم ترین آن ها حاکمیت واپسین معصوم و حجت الهی است. درباره محل زندگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و حکومت آن حضرت در عصر ظهور، روایات فراوانی وجود دارد. در این روایات، به طور عمده مسجد سهله را منزل آن حضرت و شهر کوفه را به عنوان پایگاه حکومتی آن حضرت معرفی کرده اند. (۱)

۱. روزی در محضر مقدس رئیس مذهب، حضرت امام صادق علیه السلام از مسجد سهله گفت و شنود شد، آن حضرت فرمود:

أما إِنَّهُ مَنْزِلُ صَاحِبِنَا إِذَا قَامَ بِأَهْلِهِ؛ (۲)

آن جا اقامتگاه صاحب ما است؛ هنگامی که با خانواده اش قیام کند.

در برخی از منابع، به جای «قام»، «قدم» تعبیر شده است؛ یعنی هنگامی که تشریف بیاورد (۳).

۱- شیخ صدوق، تهذیب، ج ۳، ص ۲۵۲.

۲- شیخ کلینی، کافی، ج ۳، ص ۴۹۵؛ شیخ صدوق، تهذیب، ج ۳، ص ۲۵۲.

۳- شیخ مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۳۸۰؛ شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۷۱.

۲. امیر مؤمنان علی علیه السلام هنگام ترسیم خط سیر حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در آستانه ظهور، می فرماید:

گویی او را با چشم خود می بینم که از وادی السلام عبور کرده، بر فراز اسبی که سپیدی پاها و پیشانی اش همی درخشد، به سوی مسجد سهله در حرکت است و زیر لب زمزمه دارد و خدا را این گونه می خواند: لا اله الا الله حقاً حقاً... (۱).

۲. امام صادق علیه السلام خطاب به یار با وفایش ابوبصیر فرمود:

ای ابا محمد! گویی فرود آمدن قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را با اهل و عیالش در مسجد سهله، با چشم خود می بینم.

ابوبصیر عرض کرد: «آیا محل اقامت دائمی آن حضرت، در مسجد سهله خواهد بود؟»

حضرت فرمود: «آری».

سپس فرمود:

مسجد سهله، اقامتگاه حضرت ادریس علیه السلام بود. مسجد سهله اقامتگاه حضرت ابراهیم علیه السلام بود. خداوند، پیامبری را مبعوث نکرده، جز این که در مسجد سهله نماز گزارده است. مسجد سهله، پایگاه حضرت خضر علیه السلام است. کسی که در مسجد سهله اقامت کند، همانند کسی است که در خیمه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اقامت کند. مرد و زن با ایمانی یافت نمی شود، جز این که دلش به سوی مسجد سهله پر می زند... (۲).

البته چگونگی زندگی در عصر ظهور مشخص نشده است؛ ولی به نظر می رسد تفاوت بسیاری با نحوه زندگی امروزی داشته باشد. تکامل علوم بشری، کمال عقلانی بشر، گسترش خارق العاده امکانات و رفاه عمومی، امنیت فراگیر بر کل کره زمین و... به طور قطع ویژگی هایی را برای زندگی در آن زمان ایجاد خواهد کرد که به راستی در تصوّر ما نمی گنجد.

---

۱- طبری، دلائل الامامه، ص ۲۴۳.

۲- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۴۳۵، ح ۳.



## اشاره

تاریخ پر فراز و فرود اسلام، همواره باورها و افکاری را در امت اسلام دیده است که گاهی جای خرسندی و دیگر زمان، جای بسی نگرانی بوده است. اندیشوران سترگ مدرسه اهل بیت علیهم السلام همواره تلاش کرده اند با روشنگری های خود غبار نگرانی از چهره پیروان امامان معصوم علیهم السلام برگیرند؛ اما همواره دست هایی از روی غفلت یا عمد بر این نگرانی افزوده اند.

از آن جا که اغلب آموزه های دینی برگرفته از سخنان نورانی پیشوایان معصوم است، کسانی در پی آن بوده اند که این زلال ارجمند را به پیرایه هایی آلوده سازند. در برابر، کم نبودند بزرگانی که سعی بر نگرانی از این میراث گرانسنگ کرده اند.

دروغ آفرینی، وارونه سازی، و تحریف، به انگیزه های گوناگون، حرکتی تأسف بار در فرهنگ اسلامی است که پیشینه ای بسیار کهن دارد؛ از این رو پالایش منابع روایی کاری بس ارزشمند از مهم ترین دغدغه های بزرگان دین بوده و هست. بخشی از این پالایش به حکایت هایی مربوط است که به انگیزه هایی گوناگون به این منابع ارزشمند راه یافته اند.

موضوعات مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به دلیل هایی، همواره مورد این هجوم بوده است. محل زندگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت که یکی از بحث های مهم و قابل توجه است، از جمله عرصه هایی بوده که از این گونه خیال پردازی ها مصون نبوده است.

داستان «جزیره خضراء» از داستان هایی است که در زمینه محل زندگی آن حضرت در پاره ای متون اسلامی وجود دارد و لازم است درباره آن بحث شود. (۱)

۱- البته درباره نقد این داستان، در سال های اخیر آثار ارزشمندی از طرف دانشوران شیعه در دسترس قرار گرفته که هر یک در نوع خود قابل استفاده و ستایش است. از جمله این تلاش ها می توان به مقالات استاد کلباسی اشاره کرد که مبنای تدوین این بخش از درس نیز بوده است. ر.ک: فصلنامه انتظار، ش ۱، ۲، ۳، ۴، مجتبی کلباسی، مقاله: بررسی افسانه جزیره خضراء.

به نظر می‌رسد بین منابع موجود، نخستین اثری که به نقل داستان جزیره خضراء پرداخته بحار الانوار<sup>(۱)</sup> است. پس از آن، مرحوم محدث نوری در کتاب‌های خود<sup>(۲)</sup> در کنار نقل حکایاتی از این دست، به نقل این داستان و مانند آن مبادرت کرده است.

نخست لازم است به چکیده این داستان که به دو داستان بر می‌گردد اشاره کنیم.

علامه مجلسی در بحار الانوار در بابی با عنوان «نادر فی ذکر من رآه علیه السلام فی الغیبه الکبری قریباً من زماننا» فقط به دلیل این که مشتمل بر دیدار با آن حضرت و نیز رخدادهای عجیب و غریب است به نقل آن پرداخته، می‌نویسد: «رساله ای یافتیم مشهور به داستان جزیره خضراء... و چون آن را در کتاب‌های روایی معتبری ندیدم، آن را در فصل جداگانه ای آوردم».

چکیده رساله ای که این عالم بزرگوار یافته چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم... نوشته ای یافتیم به خط شیخ فاضل عالم عامل «فضل بن یحیی بن علی طیبی کوفی» که متن آن چنین است:

... من در سال ۶۹۹ق در کربلا از دو نفر، داستانی شنیدم. آن‌ها داستان راه، از «زین الدین علی بن فاضل مازندرانی»، نقل می‌کردند. داستان مربوط به جزیره خضراء در دریای سفید بود. مشتاق شدم داستان را از خود علی بن فاضل بشنوم؛ به همین دلیل به شهر حله رفتم و در خانه سید فخرالدین، با علی بن فاضل ملاقات کردم و اصل داستان را پرسیدم.

او، داستان را در حضور عده ای از دانشمندان حله و نواحی آن چنین بازگو کرد:

سال‌ها در دمشق نزد شیخ عبدالرحیم حنفی و شیخ زین الدین علی مغربی اندلسی دانش آموختم. روزی شیخ مغربی عزم سفر به مصر کرد. من و عده ای از شاگردان با او همراه شدیم. به قاهره رسیدیم. استاد مدتی در الازهر به

۱- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۹.

۲- محدث نوری، نجم الثاقب، باب هفتم، حکایت ۳۷. با این وجود این که وی حکایت را از بحار الانوار نقل کرده است، تفاوت‌های فراوانی با نقل علامه مجلسی دارد.

تدریس پرداخت، تا این که نامه ای از اندلس آمد که خبر از بیماری پدر استاد می داد. استاد عزم اندلس کرد. من و برخی از شاگردان با او همراه شدیم. به نخستین روستای اندلس که رسیدیم، من بیمار شدم. به ناچار، استاد مرا به خطیب آن قریه سپرد و خود به سفر ادامه داد.

سه روز بیمار بودم، پس از آن، روزی در اطراف ده قدم می زدم که کاروانی از طرف کوه های ساحل دریای غربی وارد شدند. پرسیدم: «از کجا می آیند؟» گفتند: «از دهی از سرزمین بربرها می آیند که نزدیک جزایر رافضیان است».

هنگامی که نام جزیره رافضیان را شنیدم، مشتاق زیارت آنان شدم. تا محل آنان، بیست و پنج روز راه بود که دو روز بی آب و آبادی و بقیه آباد بودند. حرکت کردم و به سرزمین آباد رسیدم. به جزیره ای رسیدم با دیوارهای بلند و برج های مستحکم که بر ساحل دریا قرار داشت. مردم آن جزیره، شیعه بودند و اذان و نماز آن ها بر هیأت شیعیان بود.

آنان از من پذیرایی کردند. پرسیدم: «غذای شما از کجا تأمین می شود؟» گفتند: «از جزیره خضرا در دریای سفید که جزایر فرزندان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است که سالی دو مرتبه، برای ما غذا می آورند».

چهل روز منتظر ماندم تا کاروان کشتی ها از جزیره خضرا رسید. فرمانده آن، پیرمردی بود که مرا می شناخت و اسم من و پدرم را نیز می دانست. او مرا با خود به جزیره خضرا برد.

شانزده روز که گذشت، آب سفیدی در اطراف کشتی دیدم و علت آن را پرسیدم. شیخ گفت: «این دریای سفید است و آن جزیره خضرا. این آب های سفید، اطراف جزیره را گرفته است و هرگاه کشتی دشمنان ما وارد آن شود، غرق می گردد». وارد جزیره شدیم. شهر دارای قلعه ها و برج های زیاد و هفت حصار بود. خانه های آن از سنگ مرمر شفاف بود....

در مسجد جزیره، سید شمس الدین محمد را که عالم آن جزیره بود، ملاقات کردم. او مرا در مسجد جای داد. آنان نماز جمعه می خواندند. از سید شمس الدین پرسیدم: «آیا امام حاضر است؟» گفت: «نه؛ ولی من نایب خاص او

هستم». به او گفتم: «امام را دیده ای؟» گفت: «نه؛ ولی پدرم، صدای او را شنیده و جدم، او را دیده است».

سید مرا به اطراف برد. آن جا کوهی مرتفع بود که قُبه ای در آن وجود داشت و دو خادم آن جا بودند. سید گفت: «من هر صبح جمعه آن جا می روم و امام زمان را زیارت می کنم و آن جا ورقه ای می یابم که مسایل مورد نیاز در آن نوشته شده است».

من نیز به آن کوه رفتم و خادمان قبه از من پذیرایی کردند... درباره دیدن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از آنان پرسیدم، گفتند: «غیر ممکن است».

درباره سید شمس الدین از شیخ محمد (که با او به خضرا آمدم) پرسیدم. گفت: «او از فرزندانِ فرزندانِ امام است و بین او و امام، پنج واسطه است».

با سید شمس الدین، گفت و گوی بسیار کردم و قرآن را نزد او خواندم. از او درباره ارتباط آیات و این که برخی آیات، با پیش بی ارتباط هستند، پرسیدم.

پاسخ داد: «...مسلمانان پس از رسول خدا و به دستور خلفا، قرآن را جمع آوری کردند؛ از همین رو، آیاتی که در قدح و مذمت خلفا بود، از آن ساقط کردند؛ لذا آیات را نامربوط می بینی؛ ولی قرآن علی علیه السلام که نزد صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف است، از هر نقصی مبرا است و همه چیز در آن آمده است».

در جمعه دومی که آن جا بودم، پس از نماز، سر و صدای فراوانی از بیرون مسجد شنیده شد. پرسیدم: «این صداها چیست؟» سید پاسخ داد: «فرماندهان ارتش ما هر دو جمعه میانی ماه سوار می شوند و منتظر فرج هستند». پس از این که آنان را در بیرون مسجد دیدم، سید گفت: «آیا آنان را شمارش کردی؟» گفتم: نه. گفت: «آنان، سیصد نفرند و سیزده نفر باقی مانده اند».

از سید پرسیدم: «عالمان ما احادیثی نقل می کنند که هر کس پس از غیبت ادعا کند مرا دیده است، دروغ می گوید. حال چگونه است که برخی از شما او را می بینید؟»

سید گفت: «درست می گویی؛ ولی این حدیث به زمانی مربوط است که دشمنان آن حضرت و فرعون های بنی العباس فراوان بودند؛ اما اکنون که این چنین نیست و سرزمین ما از آنان دور است، دیدار آن حضرت ممکن است.

سید شمس الدین ادعا کرد: تو نیز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را دو مرتبه دیده ای، ولی نشناخته ای. همچنین گفت: آن حضرت، خمس را بر شیعیان خود مباح کرده است.

سپس جناب سید شمس الدین به من دستور داد در بازگشت درنگ نکنم و در سرزمین های مغرب توقف نکنم. پس از آن با همان کشتی که آمده بودم بازگشتم.

واپسین مطلبی که که از علی بن فاضل شنیدم این بود که: «در جزیره خضرا فقط نام پنج تن از دانشمندان شیعه مطرح بود: سید مرتضی، شیخ طوسی، شیخ کلینی، شیخ صدوق، شیخ ابوالقاسم جعفر بن اسماعیل حلی».

## بررسی داستان

### الف. از نظر سند

۱. همان گونه که در اول متن آمده بود، ناقل داستان، نامعلوم است.

بنابراین داستان از نگاه سند نه فقط ضعیف، بلکه فاقد استناد است و جز اشتهار در کتب متأخران به ویژه پس از علامه مجلسی هیچ مستند دیگری ندارد.

آشکار است چنین نقل هایی باعث ارزش و اعتبار خیر نمی شود.

۲. این مرد «ناشناخته» چگونه فهمید آنچه پیدا کرده است همان خط طیبی است؟ آیا خط طیبی که صد سال پیش از او وفات کرده بود، تا این حد برای مردم متداول و شناخته شده بود که این مرد ناشناخته نیز آن را می شناخته است؟

۳. معاصران او از قبیل علامه حلی و ابن داود که کتابش را در سال ۷۰۷ق به پایان رسانده هیچ اشاره ای به وی نکرده اند.

۴. علی بن فاضل در روایت مذکور تصریح می کند از اوّل تا آخر روایت خویش را در حضور طیبی و گروهی از عالمان حله و اطراف آن که برای دیدار این شیخ آمده بودند، نقل کرده است.

اما با این وجود ما هیچ یک از عالمان را نمی شناسیم که به طور مسقیم یا با واسطه روایت یاد شده را نقل کرده باشند.<sup>(۱)</sup>

### ب. از نظر محتوا

اما آنچه مهم تر است بررسی داستان از نگاه متن و محتوا است.

برخی از مهم ترین ایرادهای متنی داستان از این قرار است:

#### ۱. دلالت قصه بر تحریف قرآن

از مطالبی که در ضمن گفت و گوی علی بن فاضل (مجهول) با شمس الدین (مجهول) آمده است، تصریح به تحریف قرآن است.<sup>(۲)</sup> حال آن که نص قرآن به حفظ آن از هر گونه تحریف، تصریح دارد «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ».<sup>(۳)</sup>

شاید اعتماد به این حکایت و روایاتی مانند آن بوده که برخی به تحریف قرآن قائل شده اند.

البته در پاسخ به این پندار، بزرگان شیعه مطالب ارزنده ای بیان کرده اند. حضرت امام خمینی قدس سرّه در مبحث اصولی «حجیت ظواهر کتاب» و هنگام بحث «عدم تحریف قرآن» می فرماید:

... غالب کتاب های روایی صاحب فصل الخطاب مانند مستدرک الوسایل نه فایده علمی دارد و نه فایده عملی و مملو از احادیث ضعیفی است که عالمان شیعه از آن ها رویگرداندند و صاحب نظران از بزرگان شیعه، مانند کلینی و صدوق و طوسی به آن ها وقعی نمی نهند. و از کتاب های غیر روایی او نپرس که پر است از داستان ها و حکایات عجیب که اکثر آن ها به شوخی شبیه تر

۱- سید جعفر مرتضی، جزیره خضرا در ترازوی نقد، ترجمه: محمد سپهری، ص ۱۸۶.

۲- ر.ک: سید جعفر مرتضی، جزیره خضرا در ترازوی نقد، ترجمه: محمد سپهری، ص ۲۰۹.

۳- حجر(۱۵): آیه ۹.

است. البته او که خدا رحمتش کند فرد صالح و محقق بود، لکن علاقه اش به جمع آوری منقولات ضعیف و عجیب و غریب و چیزهایی که عقل سلیم و نظر صائب آن ها را نمی پذیرد بیشتر بود، تا گردآوری مطالب نافع... (۱).

آیت الله حسن زاده آملی، اندیشور معاصر، در کتاب نفیس هشت رساله عربی بحث مفصلی را درباره عدم تحریف قرآن در رساله ای مستقل با عنوان «فصل الخطاب فی عدم تحریف کتاب رب الارباب» آورده است. وی در خاتمه رساله می نویسد:

محدث نوری به داستان ها و حکایت های سست و روایت های بی اساس تمسک جسته است، تا با ربط بعضی از آن ها به بعضی دیگر، استدلال کند قرآنی که فرود آورده اش فرموده: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (۲) تحریف شده است...

کتاب های دیگر محدث نوری هم بهترین گواه است که ایشان گرچه چند محدث بوده؛ ولی محقق و پژوهشگر نبوده است؛ پس بهتر آن بود که پای از گلیم خویش، بیرون نهد و به قدر خویش سخن بگوید...

استاد حسن زاده آملی سپس مطالبی را از یک نسخه خطی متعلق به استاد خود، مرحوم آیت الله شعرانی می آورد که در آن، کتاب فصل الخطاب محدث نوری نقد شده است. در یک فراز از آن نسخه، مرحوم آیت الله شعرانی به مناسبت این که محدث نوری برای اثبات مدعای خود به داستان جزیره خضراء استناد می کند، به این داستان اشاره کرده و می فرماید:

حکایت جزیره خضراء، جعلی است و در جعلی بودن آن، هیچ شکی نیست. (۳)

۱- «...صاحب فصل الخطاب الذی کان کتبه لایفید علماً و لاعمالاً و انما هو ایراد روایات ضعاف اعرض عنها الاصحاب و تنزه عنها اولوالالباب من قدما اصحابنا کالمحمدین الثلاثه المتقدمین رحمهم الله هذا حال کتب روایته غالباً کالمستدرک ولاتسال عن سائر کتبه المشحونه بالقصص و الحکایات الغریبه التي غالبها بالهزل اشبه منه بالجد و هو شخص صالح متبع الا ان اشتیاقه لجمع الضعاف و الغرائب و العجائب و مالایقبلها العقل السليم و الراى المستقیم اکثر من الکلام النافع...»؛ موسوی خمینی، روح الله، انوار الهدایه فی التعلیقہ علی الکفایه، ج ۱، صص ۲۴۴، ۲۴۵.

۲- حجر (۱۵): آیه ۹.

۳- جزیره خضراء افسانه یا واقعیت؟، ص ۲۲۷، به نقل از: آیت الله حسن زاده آملی، هشت رساله عربی، ص ۲۸۸.

شیخ جعفر کاشف الغطا از فقیهان نامدار شیعه و از شاگردان سید بهبهانی و سید بحر العلوم و به زهد و تقوا مشهور بود.

وی درباره جزیره خضرا می گوید:

و از اخبار شگفت انگیز اخباریان، اعتماد آنان بر هر روایتی است. حتی برخی از فضلاء آنان از کتاب های مهجور و ساختگی، حکایتی را می آورند که افسانه سرایان نقل کرده اند: جزیره ای است در دریا به نام جزیره خضرا و در آن، خانه های صاحب الزمان و خانواده و اولادش قرار دارد. او نیز به آن جا می رود و می بیند که در آن جزیره، گروهی از نصارا وجود دارند.

گویا او اخباری که بر عدم وقوع رؤیت در غیبت کبرا، دلالت دارد ندیده و نه کلمات عالمان را که بر این مطلب دلالت می کند، تتبع کرده است.<sup>(۱)</sup>

۲. در متن داستان آمده است:

«این آب های سفید، اطراف جزیره را گرفته است و هرگاه کشتی دشمنان ما وارد آن شود، غرق می گردد».

ولی علی بن فاضل هنگام گزارش از جزیره، آن را دارای هفت حصار می داند و از برج های محکم دفاعی آن یاد می کند. حال اگر این جزیره به وسیله آب های سفید و نیروی غیبی، محافظت می شده، به حصارهای محکم چه نیازی داشته است؟

۳. در ضمن داستان، به نقل از خادمان قُبه می نویسد: «رؤیت امام غیرممکن است»؛ ولی در گفت و گوی با سید شمس الدین، او سخن دیگری بر زبان می راند و می گوید: «ای برادرم! هر مؤمن با اخلاصی می تواند امام را ببیند؛ ولی او را نمی شناسد». حال چگونه بین غیرممکن بودن رؤیت و دیدن مشروط می توان جمع کرد؟

۴. در یکی از روزهای جمعه، وقتی علی بن فاضل، سر و صدای زیادی از بیرون مسجد می شنود و علت را از سید شمس الدین جويا می شود، وی اظهار می دارد سیصد نفر از فرماندهان، منتظر ظهور حضرت هستند و منتظر سیزده نفر دیگرند.

۱- جزیره خضراء افسانه یا واقعیت؟، ص ۲۲۷، به نقل از: حق المبین فی تصویب المجتهدین، ص ۸۷.



بر این اساس، این سیصد نفر که از خواص حضرت هستند، نیز باید دارای عمرهای طولانی باشند و پس از آن نیز به زندگی ادامه دهند، تا زمان ظهور فرا رسد.

آیا ما بر چنین سخن گزافی دلیلی داریم؟ دلیل ها فقط درباره امام زمان و برخی دیگر از انبیای الهی است؛ ولی درباره سیصد نفر که آنان نیز چنین عمرهایی داشته باشند، دلیلی در دست نداریم.

افزون بر آن، چگونه ممکن است تا زمان داستان پیشین که حدود چهار قرن از غیبت امام گذشته بود، سیصد نفر آماده شده باشد و پس از آن تا زمان ما که نزدیک به دو برابر آن مقدار گذشته است، سیزده نفر آماده نشده باشد؟

۵. به مقتضای این خبر، خمس بر شیعیان حضرت، حلال است و ادای آن واجب نیست. این مطلب، خلاف نظر بیشتر فقهای اسلام از آغاز غیبت تا کنون است.

۶. علی بن فاضل از سید شمس الدین می پرسد: «آیا تو امام علیه السلام را دیده ای؟» گفت: «نه؛ ولی پدرم به من گفت که سخن امام را شنیده، ولی شخص او را ندیده و جدم سخنانش را شنیده و شخص او را دیده است؛» ولی سید شمس الدین در جای دیگر همین داستان می گوید: «هر مؤمن با اخلاصی می تواند امام را ببیند؛ ولی او را نشناسد». گفتم: «من از جمله مخلصان هستم؛ ولی او را ندیده ام». گفت: «دو بار او را دیده ای؛ یک بار در راه سامرا و یک بار در سفر مصر...».

حال پرسش این است: چگونه کسی که ادعای نیابت خاص دارد و از ملاقات های امام علیه السلام آگاه است، خود، آن حضرت را ندیده است و اظهار می دارد که پدرش، سخن آن حضرت را شنیده است؟

۷. در پایان داستان گفته شده است در جزیره خضرا فقط نام پنج تن از علمای شیعه مطرح بود: سید مرتضی، شیخ طوسی، شیخ کلینی، شیخ صدوق، شیخ ابوالقاسم جعفر بن اسماعیل حلی.

حال این پرسش پیش می آید: چرا فقط پنج نفر؟ چرا آن جا نامی از شیخ مفید با آن همه عظمت و بزرگی او نبوده است. آیا این توهم پیش نمی آید که آن بزرگوار و امثال ایشان، در ذهن سازنده داستان نبوده است.

با توجه به اشکالات یاد شده و دو چندان اشکال دیگر، این داستان غیر قابل پذیرش است.

علامه شیخ محمد تقی شوشتری در الاخبار الدخیله پس از نقد عالمانه این داستان و داستان بعدی می نویسد:

شاید ناقل این دو داستان، از دشمنان شیعه بوده که چنین داستانی را جعل کرده است تا حقایق را وارونه جلوه دهد.

و نیز می نویسد:

در داستان جزیره خضرا آمده است که: «تعداد فرمانده های لشکر امام زمان علیه السلام سیصد نفر بودند» و در داستان ابن انباری آمده است که «مسافت سرزمین فرزندان امام زمان علیه السلام به اندازه یک سال راه و جمعیت آن ها بسیار زیاد است».

اگر یاران حضرت حجّت عجل الله تعالی فرجه الشریف تا این اندازه زیاد است، چرا ظهور نمی کند تا مخالفان را سرکوب نماید؟ چرا چنین چیزی در خبر یا اثری از امامان علیهم السلام با توصیف خصوصیات آن ها نیامده است؟<sup>(۱)</sup>

اما متأسفانه با وجود تأکید فراوان دانشمندان شیعه بر افسانه بودن داستان یاد شده، باز عده ای به دلایلی به ترویج آن اقدام کرده و از آن، پا را فراتر نهاده، بین داستان جزیره خضرا و مثلث برمودا ارتباط برقرار کرده اند<sup>(۲)</sup>. غافل از این که گذشته از اشکالات متعدد، تطبیق آن بر «مثلث برمودا» که ترسیمی نادرست و غیرمعتبر است، چهره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را نیز مخدوش می سازد<sup>(۳)</sup>.

درباره «جزیره خضرا» و تطبیق نادرست آن بر «برمودا» باید گفت:

یکم. اصل داستان، غیر قابل پذیرش است؛

دوم. «جزیره خضرا» در دریای مدیترانه است، نه اقیانوس اطلس؛

سوم. وقایع «مثلث برمودا» ساخته رسانه های غربی و افسانه سازان است؛

۱- جزیره خضرا افسانه یا واقعیت؟، ص ۲۲۲، به نقل از: محمد تقی شوشتری، الاخبار الدخیله، ج ۲، ص ۷۲.

۲- ر.ک: ناجی نجار، جزیره خضرا و تحقیقی پیرامون مثلث برمودا، ترجمه: علی اکبر مهدی پور.

۳- ر.ک: نظری، غلامرضا، جزیره خضرا تحریفی در تاریخ شیعه، بخش ۱۴ و ۱۵.

چهارم. بر فرض که افسانه های «برمودا» درست باشد، هیچ ربطی به امام زمان و مقام آن حضرت ندارد.

اگر چه افرادی که به بررسی داستان پرداخته اند، هر دو داستان را بررسی کرده اند، به نظر می رسد نیازی به بررسی داستان دوم نیست و علاقه مندان به منابع یاد شده مراجعه می نمایند.

نتیجه مباحث گذشته

۱. داستان، از نگاه سند، ضعیف و غیر قابل اعتنا است.

۲. داستان، از نگاه محتوا، دارای اشکالات و تناقضات فراوانی است.

۳. داستان، بازتاب حوادث زمان نقل آن است و با آنچه در عرصه تاریخ و جغرافیای آن زمان می گذشته، مرتبط است.

۴. حکومت های متعددی در سرزمین های مغرب و جزایر دریای مدیترانه و سواحل آن، در آن زمان وجود داشته اند که خود را از اعقاب امامان علیهم السلام می شمردند. برخی از آنان، خود را فرزندان صاحب الامر می دانستند. بعید نیست دست های این گروه در ساختن این داستان ها و مانند آن، نقش داشته باشند.

۵. افکار و آرمان های سرکوب شدن شیعیان در دوران عباسی، زمینه بروز آن ها را به صورت داستان ها، فراهم آورد.

۶. فشارهای متعدد اجتماعی و سیاسی و عقیدتی که بر شیعه وارد می شد، آنان را وا می داشت به آواهایی که از حکومت های شیعی، از نوع اسماعیلی و موحدان و... دل ببندند و آرمان های سرکوب شده خود را آن جا بیابند.

۷. در موضوع امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که از عقاید حتمی و بین المللی همه مسلمانان است، سزاوار نیست با اتکا به خبرهای غیر موثق و حدسیات ساخته اذهان، سخن گفته و قلم زده، زیرا از موارد افترای بر امامان علیهم السلام است که از خطاهای بزرگ و گناهان کبیره به شمار می رود.

۸. در آرا و عقاید، مواردی یافت می شوند که علم آن را بایستی به خدا و رسول واگذار کرد و بدون علم و اطلاع و طی مقدمات لازم، در آن موارد سخن نگفت. موضوع

فرزندان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و این که به طور اساسی آن حضرت ازدواج کرده است؟ آیا دارای فرزندی هست یا نه؟ آنان چگونه زندگی می کنند؟ از همین موارد است. بهتر است علم آن را به خدا واگذار کنیم و بدون سبب، افکار و عقاید دیگران را با مطالب نامستند و نامعقول، آشفته نکنیم. افزون بر آن که ادله فراوانی بر زن و فرزند نداشتن آن حضرت در کتاب های معتبر وجود دارد.

۹. این افسانه، ممکن است در زمان خود خریدار داشته است؛ اما امروزه که تمام نقاط کره زمین از دید دوربین های ماهواره ها در امان نیستند و کوچک ترین شیء و حرکتی، قابل نمایش و ردیابی است، نقل ۱۲۰۰ روستا با جمعیتی بی شمار، سخنی بس گزاف و غیر قابل پذیرش است.

## خودآزمایی

۱. آیا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در غیبت صغرا دارای مکانی خاص بوده است؟ در این باره توضیح دهید.
۲. درباره محل زندگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت کبرا چند دیدگاه قابل مطرح کردن است؟ بیان کنید.
۳. یکی از تهمت هایی که به شیعه زده اند، این است که آن ها عقیده دارند حضرت مهدی در دوران غیبت در سردابی در سامرا زندگی می کند. این نسبت را تحلیل کنید.
۴. مهم ترین محل های زندگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر ظهور و حکومت جهانی کدامند؟ توضیح دهید.
۵. به سه ایراد متنی که به حکایت جزیره خضرا وارد کرده اند، اشاره کرده، آن ها را توضیح دهید.

===

## منابع برای پژوهش

۱. سید محمد کاظم قزوینی، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا ظهور، ترجمه حسین فریدونی، تهران، آفاق، ۱۳۷۹ ش.
۲. سید محمد صدر، تاریخ الغیبه الصغری، ترجمه سید حسن افتخارزاده؛ تاریخ الغیبه الکبری؛ تاریخ ما بعد الظهور، اصفهان، مکتبه امیرالمؤمنین علیه السلام، ، ۱۴۰۲ ق.
۳. جعفر مرتضی، جزیره خضراء در ترازوی نقد، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷ ش.
۴. محمد تقی شوشتری و دیگران، جزیره خضرا افسانه یا واقعیت؟، ترجمه و تحقیق ابوالفضل طریقه دار، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۰ ش.
۵. مجتبی کلباسی، فصلنامه انتظار، ش ۱، ۲، ۳، ۴، مقاله: بررسی افسانه جزیره خضراء، قم، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۱ ش.



## درس دهم: انحراف از مهدویت (۱)

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

ادعای دروغین نیابت، آغاز انحراف های بزرگ

برخی مدعیان دروغین

۱. ابو محمد حسن شریعی

۲. محمد بن نصیر نمیری

۳. ابوطاهر محمد بن علی بن هلال

۴. حسین بن منصور حلاج

۵. ابوجعفر محمد بن علی شلمغانی

۶. احمد بن هلال کرخی

...

**پیش در آمد**

نقش اثرگذار «مهدویت» و آموزه‌های آن، بر فرد و جامعه، بر کسی پوشیده نیست. این که مسلمانان به ویژه شیعیان به این امر بنیادین، باوری استوار دارند و آن را یکی از اعتقادهای ریشه ای خویش بر می شمردند، روشن و غیر قابل انکار است.

بی گمان، هر چه باوری، ژرفای بیشتری داشته، به حقیقت نزدیک تر باشد و در دل ها جای گیرد، افراد سوداگر و سودنگر، بیشتر در پی بهره های ناپاک از آن بر خواهند آمد.

آموزه های مهدویت، به سبب ویژگی های ممتاز و پرجاذبه خود، و این که همواره در عمق قلب های توده انسان ها نفوذ کرده است، بیشتر مورد بهره جویی و استفاده نادرست افراد کژرو قرار گرفته است. پیشینه پُردامنه انحراف های پدید آمده در این عرصه، به ویژه فرقه های منحرف در مهدویت که به قرن های نخست اسلام باز می گردد، گواهی روشن بر این مدعا است.

بررسی این انحراف ها و زمینه های پیدایی آن، می تواند در پیشگیری از فرو افتادن دوباره در این لغزش ها، نقش مهمی داشته باشد.

**ادعای دروغین نیابت، آغاز انحراف های بزرگ****اشاره**

از آن جا که پس از شهادت امام عسکری علیه السلام و آغاز غیبت صغرا، ارتباط رودرروی مردم با پیشوای معصوم قطع شد، «سفیران خاص» به گونه ای ویژه، برای راهنمایی مردم،



تلاش های پدافند امنیتی را آغاز کردند. ایشان از پراکنندگی پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام جلوگیری کرده و رهبری شیعیان را به دست گرفتند.

پیروان اهل بیت علیهم السلام رفته رفته، با این روش خو گرفته و کارهای خود را از راه «سفیران چهارگانه» انجام دادند. و این خود جایگاه بلندی را برای این سفیران رقم زد.

در این میان، افرادی سست ایمان و کژ اندیش برای رسیدن به اهدافی چند، به دروغ مدعی نیابت امام غایب شدند.

در یک بررسی کوتاه می توان برخی سرچشمه های این ادعاهای دروغین را در موارد زیر خلاصه کرد:

### ۱. سستی ایمان

یکی از عوامل مهم در چنین ادعاهای نادرستی، سستی باورهای دینی است؛ چرا که کسانی که دارای قوت مناسب ایمان هستند، هرگز برابر خواست پیشوای معصوم در پیروی از سفیران خود به بیراهه نمی روند. بیشترین افرادی که به دروغ چنین ادعایی کردند، از این کاستی برخوردار بودند.

یکی از افرادی که به دلیل سستی ایمان، دست به ادعاهای نادرست پرداخت، شلمغانی بود.

پس از این، اشاره خواهد شد که شلمغانی از یاران امام حسن عسکری علیه السلام و از دانشمندان، دبیران و محدثان زمان خود در بغداد بود. کتاب های بسیاری داشت که در آن ها، انبوه سخنان اهل بیت علیهم السلام به چشم می خورد. (۱)

هنگامی که راه انحراف و ارتجاع را پیش گرفت و از نظر اندیشه، عقیده و رفتار تغییر کرد، در روایات تغییراتی پدید می آورد؛ هر چه می خواست بر آن ها می افزود و هر چه می خواست کم می کرد. نجاشی در رجال خود به این انحراف اشاره کرده است. (۲)

۱- رجال نجاشی، ج ۲، ص ۲۳۹.

۲- شیخ طوسی، الفهرست، ص ۳۰۵؛ رجال نجاشی، ح ۲، ص ۲۹۴.

## ۲. طمع در اموال امام

در زمان غیبت صغرا، برخی برای آن که اموال امام زمان علیه السلام را به وکیل و نماینده واقعی اش تحویل ندهند، ادعای نیابت و باییت کردند.

ابوطاهر محمد بن علی بن بلال از کسانی است که برای ثروت اندوزی، ادعای باییت کرد. وی در آغاز کار، نزد امام عسکری علیه السلام فردی مورد وثوق بود و روایاتی از آن حضرت نقل کرده است؛ ولی رفته رفته به دلیل پیروی از هوای نفس، راه انحراف در پیش گرفت و مورد مذمت خاندان وحی واقع شد. وی ادعا کرد که وکیل حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. او نیابت نایب دوم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را منکر شد و درباره اموالی که نزد وی جمع شده بود تا به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برساند، خیانت کرد.<sup>(۱)</sup>

نایب دوم، راه دیدار وی را با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آسان نمود و امام علیه السلام به وی دستور داد: اموال را به نایبشان برگرداند؛ اما او در دشمنی و کثری خود باقی ماند. پایان کارش آن شد که توقیعی از ناحیه مقدسه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر لعن و نفرین و بیزاری از وی در ضمن افرادی دیگر از جمله حلاج و شلمغانی صادر شد.<sup>(۲)</sup>

## ۳. رسیدن به شهرت

شهرت طلبی نیز از عوامل بسیار مهم در پیدایی باورهای خرافی و مذهب های ساختگی است. اشتیاق به بزرگ شدن و خودنمایی از صفات نکوهیده اخلاقی است که انسان را به سوی کارهای خطرناک می کشاند.<sup>(۳)</sup>

## ۴. انگیزه های سیاسی

یکی دیگر از عوامل پدید آمدن مدعیان باییت، انگیزه های سیاسی است. دشمنان، گاهی به طور مستقیم و زمانی غیرمستقیم برای آن که باور شیعیان را سست کرده و آنان را در پراکندگی فرو برند برخی را تحریک می کنند تا ادعای باییت کنند.

۱- ر.ک: کتاب الغیبه، ص ۴۰۰.

۲- طبرسی، الاحتجاج، ح ۲، ص ۴۷۴.

۳- ر.ک: تاریخ الغیبه الصغری، ص ۴۹۰.

در این راه، برخی عناصر را به دلخواه خویش تربیت کرده، به آنان دستور دادند ادعای نبیت کنند و آنان را با همه امکانات در این راه یاری کردند که برای نمونه می توان به «علی محمد باب» اشاره کرد.

## آغاز شکل گیری مدعیان دروغین

### اشاره

آغاز این جریان، بیشتر به دوران نایب دوم محمد بن عثمان بر می گردد؛ چرا که در زمان نایب نخست (عثمان بن سعید) به دلایل مختلفی، منحرفان نتوانستند فعالیت چشمگیری از خود نشان دهند.

علل وجود نداشتن این دروغگویان در دوره نایب اول عبارتند از:

### ۱. جایگاه ویژه نایب نخست

عثمان بن سعید از افراد مشهور و مورد اطمینان میان شیعیان بود. وی پیش از غیبت صغرا، از طرف امام هادی و امام عسکری علیهم السلام و به نظر برخی حتی از طرف امام جواد علیه السلام نیز وکالت داشته است. گذشته طولانی او با امامان علیهم السلام، باعث شده بود شهرت و جایگاه ویژه ای میان شیعیان داشته باشد؛ از این رو منحرفان در دوره نبیت وی، نتوانستند ابراز وجود کنند.

### ۲. شرایط سیاسی و اجتماعی

از آن جا که در اوایل غیبت صغرا، دولتمردان عباسی به شدت مراقب اوضاع بودند و با تمام قوا تلاش می کردند ردپایی از مهدی و یاران او بیابند و آن ها را نابود سازند؛ بدین سبب کسی غیر از عثمان بن سعید، جرأت نمی کرد خود را در چنگال مرگ گرفتار کند؛ لذا فعالیت و نبیت او در آن دوره، یک جهاد بزرگ به شمار می رفت.

### ۳. عدم عادت مردم

در آن دوره، هنوز برای مردم ارتباط با امام از طریق «نواب» به روشنی تجربه نشده بود؛ از این رو عادت کردن مردم به زمان احتیاج داشت. این کار، در دوره اول صورت گرفت. وقتی منحرفان دیدند مردم به چنین کارهایی عادت کرده اند، خواستند با ادعای دروغین، خود را نایب خاص امام زمان معرفی کنند. (۱)

برای اثبات دروغ بودن ادعاهای باییت در غیبت کبرا و بخشی از غیبت صغرا، دلیل های فراوانی ذکر شده است؛ اما بهترین دلیل، زندگی این افراد است. زندگی خصوصی این افراد نشان می دهد، افزون بر آن که از ایمانی سست برخوردار بودند، انسان هایی حسود و آزمند بودند که برای رسیدن به اهدافشان به کارهای ناشایستی دست می زدند.

البته بیشتر شیعیان با توجه به دلیل هایی چند، هرگز در دام چنین دروغگویانی گرفتار نشدند. برخی از این دلیل ها عبارت بود از:

۱. وقتی علی بن محمد سمري، نایب چهارم، در بستر وفات افتاد، مردم از او خواستند نایب پس از خود را معرفی کند؛ او فرمود:

لِلَّهِ أَمْرٌ هُوَ بِالْعُغْهِ؛

خدا را امری است که باید به اتمام رساند.

این سخن علی بن محمد نشان می دهد، هنگام غیبت کبرا فرا رسیده است و دیگر نایبی معرفی نمی شود. چنان که در محل خود ثابت شد، هر نایب باید به وسیله نایب قبل از خود، مشخص شود؛ بنابراین، معرفی نکردن نایب به وسیله علی بن محمد سمري، نشان دهنده نبود نایب و نادرستی همه ادعاهای نیابت است.

۲. امام زمان در توقیعی به علی بن محمد سمري چنین نگاشت:

... وَلَا تُوصِ إِلَى أَحَدٍ يُقُومُ مَقَامَكَ بَعْدَ وَفَاتِكَ، فَقَدْ وَقَعَتِ الْغَيْبَةُ الثَّانِيَةُ؛<sup>(۱)</sup>

... و به هیچ کس وصیت نکن که پس از تو، جانشینت باشد که غیبت دوم و کامل واقع شد.

۳. در هیچ روایتی به صراحت یا اشاره از وجود نایب و باب امام زمان پس از نواب اربعه سخن به میان نیامده است.

۴. وجود نص خاص و کرامت، از شرط های اثبات نیابت امام زمان است. نواب اربعه از این شرط ها برخوردار بودند؛ اما مدعیان باییت توان ارائه نص و کرامت را نداشتند.

۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۹۵؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۱۶؛ اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۵۳.

۵. در روایات، غیبت امام زمان علیه السلام به صغرا و کبرا یا تام و غیر تام تقسیم شده است. بی تردید غیبت صغرا را بدان سبب، غیر تام می نامند که در آن دسترسی به امام به صورت غیرمستقیم و از طریق نایب ممکن است. اگر در زمان غیبت کبرا نیز امام زمان نایب یا باب داشته باشد، اصل این تقسیم درست نیست و حتی در زمان غیبت کبرا، غیبت تام محقق نمی شود.

۶. یکی از بهترین راه های اثبات دروغگویی مدعیان نیابت، آن است که این گروه، مردم را به طرف دین خدا و امام زمان دعوت نمی کردند. آنان مردم را به خویش فرا می خواندند؛ بر خلاف نواب اربعه که کسی را به خود دعوت نمی کردند. به عبارت دیگر، آن که هوای نفس دارد، نمی تواند نایب امام زمان باشد. هواپرستی بسیاری از مدعیان دروغین، چنان بود که به ادعای نیابت بسنده نمی کردند و به تدریج به سمت ادعای «مهدویت» و «نبوت» پیش می رفتند.

در پایان، گفتنی است که اجماع شیعه بر آن است که پس از علی بن محمد سمری، هیچ کس نایب خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نخواهد بود. افزون بر اجماع، ضرورت مذهب شیعه نیز بر این است که با وفات علی بن محمد سمری، رشته و کالت و نیابت خاص منقطع شد. (۱)

### برخی از معروف ترین مدعیان دروغین

#### اشاره

برخی از معروف ترین مدعیان دروغین از این قرارند:

#### ۱. ابو محمد حسن شریعی

یکی از مدعیان دروغین نیابت، حسن شریعی است. البته به یقین مشخص نیست که اسم او «حسن» باشد؛ بلکه او با لقب معروف شده است. در روایتی که نقل خواهد شد، راوی حدیث به صورت حدس و گمان اسم او را حسن ذکر کرده است. (۲)

مؤلف قاموس الرجال می نویسد:

از حدیثی که شیخ طوسی نقل کرده است. روشن می شود اسم او به صورت

۱- ر.ک: مکیال المکارم، ج ۲، ص ۳۵۷.

۲- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۹۷.

یقین روشن نیست و او به وسیله لقب معروف بوده است و این که «تلعکبری» راوی حدیث، به صورت گمان حکم کرده که اسم او حسن است؛ به سبب این است که او «ابومحمد» بوده و اغلب اسم کسانی که کنیه آن ها «ابومحمد» است، حسن می باشد. (۱)

شریعی نخستین کسی است که به دروغ و افتراء ادعای نیابت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را کرد. او پیش تر از یاران امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام بود؛ ولی پس از آن منحرف شد.

تاریخ ادعای نیابت دروغین او به صورت دقیق بیان نشده است؛ لیکن چون این ادعاهای دروغین، از دوران نایب دوم آغاز شده است، به نظر می رسد وی در دوران سفارت و نیابت محمد بن عثمان، به چنین عملی دست زده است.

دانشوران علم رجال درباره شرح حال او چندان بحث نکرده اند؛ لذا جامع ترین سخن درباره ایشان، کلام شیخ طوسی در کتاب الغیبه است.

شیخ طوسی<sup>۲</sup> درباره «شریعی» می نویسد:

نخستین کسی که به دروغ و افتراء، دعوی نیابت خاص از جانب امام زمان علیه السلام کرد، شخصی معروف به «شریعی» بود. جماعتی از عالمان از ابومحمد تلعکبری از ابوعلی محمد بن همام نقل کرده اند: کنیه شریعی «ابومحمد» بود.

تلعکبری می گفت: «گمان دارم نام وی حسن باشد». او از اصحاب امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام به شمار می آمد. او نخستین کسی است که مدعی مقامی شد که خداوند برای او قرار نداده بود و شایسته آن هم نبود. در این خصوص، بر خدا و حجت های پروردگار دروغ بست و چیزهایی به آنان نسبت داد که شایسته مقام والای آنان نبود و آن ها از آن به دور بودند؛ از این رو، شیعیان هم او را ملعون دانسته و از وی دوری جستند و توقیعی از جانب ولی عصر علیه السلام درباره لعن و دوری از وی صادر شد. (۲)

۱- قاموس الرجال، ج ۳، ص ۲۶۲.

۲- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۹۸.

**۲. محمد بن نصیر نمیری**

یکی از رقبای محمد بن عثمان بود که نیابت وی را قبول نداشت و خود مدعی نیابت بود. شیخ طوسی در رجال خود، در اصحاب امام جواد علیه السلام دو بار از او نام برده و هیچ شرحی درباره او انجام نداده است. (۱)

علامه حلی در رجال خود، دو جا از ایشان نام برده، می نویسد:

محمد بن نصیر نمیری کسی است که امام هادی علیه السلام او را لعن کرده است.

در جایی دیگر می گوید:

ابن غضائری درباره او گفته است: «محمد بن نصیر از نظر علمی، از فضلالی بصره بود [و از نظر عقیدتی] ضعیف بود. فرقه «نصیری» را او تأسیس کرده و به او نسبت داده می شود». (۲)

در رجال کشی نیز شرح حال او مطرح است. به نظر مرحوم کشی امام هادی علیه السلام سه نفر را لعن کرده که یکی از آن ها محمد بن نصیر نمیری است. (۳) در جای دیگر از «عبیدی» نقل می کند که:

امام حسن عسکری علیه السلام بدون این که من سؤالی از او بپرسم نامه ای به سوی من فرستاد و در آن نامه از محمد بن نصیر نمیری و حسن بن محمد بن باباقمی، اعلان انزجار کرده، فرمود: تو و همه دوستان ما، از آنان دوری جوید و من آن ها را لعن می کنم و لعنت خدا نیز بر آن ها باد! آنان از نام ما سوء استفاده کرده و اموال مردم را می خورند و فتنه انگیزی می کنند! آنان ما و شیعیان ما را اذیت کردند. خداوند آن ها را اذیت کند و آنان را در فتنه ای که ایجاد کرده اند، مغلوب و نابود سازد! (۴)

۱- شیخ طوسی، رجال، ص ۴۰۵، رقم ۷ و ص ۴۰۷ رقم ۲۳.

۲- علامه حلی، رجال، ص ۲۵۴ و ۲۵۷.

۳- کشی، اختیار معرفه الرجال، ج ۲، ص ۸۰۵.

۴- کشی، اختیار معرفه الرجال، ج ۲، ص ۸۰۵.

### ۳. ابوطاهر محمد بن علی بن هلال

همان گونه که پیش از این نیز یاد شد، ابوطاهر محمد بن علی بن بلال در ابتدای کار، نزد امام حسن عسکری علیه السلام فردی مورد اعتماد بود و روایاتی چند از آن حضرت نقل کرده است؛ ولی رفته رفته به سبب پیروی از هوای نفس، راه انحراف در پیش گرفت و مورد مذمت خاندان وحی واقع شد. وی، ادعا کرد وکیل حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. او نیابت نایب دوم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را منکر شد و درباره اموالی که نزد وی جمع شده بود تا به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برساند، خیانت کرد. (۱)

نایب دوم، زمینه دیدار وی را با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فراهم کرد. امام به وی فرمان داد: اموال را به نایبشان رد کند؛ اما او در دشمنی و انحراف خود باقی ماند. پایان کارش آن شد که توییعی از ناحیه مقدسه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مبنی بر لعن و نفرین و بیزاری از وی در ضمن افرادی دیگر از جمله حلاج و شلمغانی صادر شد.

### ۴. حسین بن منصور حلاج

حسین بن منصور حلاج، حدود سال ۲۴۴ق در قریه «طور» از قرای بیضای فارس (هفت فرسنگی شیراز) زاده شد. وی با پدرش منصور از بیضا، به واسط رفت و در آن جا علوم اسلامی را آموخت و در بیست سالگی به بصره رفت. مرید صوفی آن سامان شد و به دست او خرقه تصوّف پوشید. در سال ۲۷۰ق به مکه سفر کرد و از آن جا به اهواز رفت و به دعوت پرداخت. حلاج برای دعوت به مذهب صوفیانه خود که جنبه «حلولی» داشت به مسافرت می پرداخت. وی در آغاز خود را رسول امام غایب و باب آن حضرت معرفی می کرد؛ به همین سبب علمای علم رجال شیعه، او را از مدعیان «بایّت» شمرده اند.

نام او ابوالمغیث حسین بن منصور حلاج بود که در سال ۳۰۹ق کشته شد. حلاج پس از ادعای بایّت، بر این شد که ابوسهل اسماعیل بن علی نوبختی (متکلم امامی) را در سلک یاران خود در آورد و به تبع او، هزاران شیعه امامی را که در قول و فعل تابع او



بودند، به عقاید حلولی خویش معتقد سازد؛ به ویژه آن که جماعتی از درباریان خلیفه به حلاج، حسن نظر نشان داده و جانب او را گرفته بودند.

ولی ابوسهل که پیری مجرب بود، نمی توانست ببیند او با مقالاتی تازه، خود را معارض حسین بن روح نوبختی وکیل امام غایب معرفی می کند.

اسماعیل در پاسخ گفت: «وکیل امام زمان علیه السلام باید معجزه داشته باشد. اگر راست می گویی، موهای مرا سیاه کن. اگر چنین کاری انجام دهی، همه ادعاهایت را می پذیرم». ابن حلاج که می دانست ناتوان است، با استهزای مردم روبه رو شد و از شهر بیرون رفت. آن گاه به قم شتافت و به مغازه علی بن بابویه، (پدر بزرگوار شیخ صدوق) رفت و خود را نماینده امام زمان علیه السلام خواند. مردم بروی شوریدند و او را با خشونت از شهر بیرون افکندند. ابن حلاج، پس از آن که جمعی از خراسانیان ادعایش را پذیرفتند، دیگر بار به عراق شتافت. (۱)

در این زمان، چون فقه امامیه از سوی خلفا به رسمیت شناخته نشده بود، شیعیان در میان مذاهب اهل سنت «مذهب ظاهری» را که مؤسس آن، ابوبکر محمد بن داوود اصفهانی است، پذیرفته بودند.

رؤسای امامیه و خاندان نوبختی، برای برانداختن حلاج ناچار به محمد بن داوود ظاهری متوسل شدند و او را به صدور فتوایی وا داشتند که در سال ۲۹۷ق و اندکی پیش از مرگ خود در وجوب قتل حلاج انتشار داده بود. ابوالحسن علی بن فرات، وزیر شیعی مذهب مقتدر (خلیفه عباسی) نیز در تکفیر حلاج به آل نوبخت کمک کرد.

حلاج در سال ۲۹۶ق به بغداد رفت و مردم را به طریقه خاصی مبتنی بر نوعی تصوف آمیخته با گونه ای «حلول» دعوت کرد.

ابوالحسن بن فرات، وی را تعقیب کرد و ابن داوود فتوای معروف خود را در حلیت خون او صادر نمود. وی در سال ۳۰۱ق به دست کارگزاران خلیفه گرفتار شد و به زندان افتاد.

---

۱- ر.ک: سید محسن امین، اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۴۸؛ صدر، سید محمد، تاریخ الغیبه الصغری، ص ۵۳۲.

پس از هفت ماه محاکمه، علمای شرع او را مرتد و خارج از دین اسلام شمردند (۲۴ ذیقعده ۳۰۹ق) و به فرمان مقتدر و وزیر او حامد بن عباس به دار آویخته شد. (۱) سپس جسد او را سوزاندند و سرش را بر بالای جسر بغداد زدند.

### ۵. ابو جعفر محمد بن علی شلمغانی

پیش از این گفته شد شلمغانی از یاران امام حسن عسکری علیه السلام و از دانشمندان، دبیران و محدثان زمان خود در بغداد بود. کتاب های بسیاری داشت و در آن ها، انبوه روایاتی را که از امامان اهل بیت علیهم السلام شنیده بود، گردآوری و دسته بندی کرده بود. (۲)

هنگامی که راه انحراف و ارتجاع را در پیش گرفت و از نظر اندیشه، عقیده و عملکرد تغییر یافت؛ در روایات تغییراتی ایجاد می کرد؛ هر چه می خواست بر آن ها می افزود و هر چه دلخواه او بود، کم می کرد.

همان گونه که پیش از این یاد شد، نجاشی در رجال خود می نویسد:

ابو جعفر محمد بن علی شلمغانی از پیروان مذهب امامیه بود؛ اما رشک و حسد بر مقام ابوالقاسم حسین بن روح، وی را بر آن داشت که ترک مذهب امامیه گوید و داخل کیش های مردود شود؛ تا بد آن جا که از طرف امام غایب توقیعاتی بر ضد او صادر شد. سرانجام به امر سلطان (دولت) به دار آویخته شد. (۳)

حسین بن روح، از سال انتصاب خود به مقام نیابت سوم (جمادی الآخر ۳۰۶ق) در بغداد با عزت و احترام می زیست و خاندان آل فرات که وزارت بنی عباس به دست ایشان بود، از طرفداران شیعه بوده و از او حمایت می کردند.

در ربیع الاول سال ۳۱۲ق وزارت به حامد بن عباس انتقال یافت و آل فرات و کسان ایشان از کار بر کنار شده و به زندان افتادند.

۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۰۱، فرهنگ فرق اسلامی، ص ۱۶۲.

۲- نجاشی، رجال، ج ۲، ص ۲۳۹.

۳- نجاشی، رجال، ج ۲، ص ۲۹۴.

پس از آن، حسین بن روح نیز به زندان افتاد و تا سال ۳۱۷ق (مدت پنج سال) در حبس ماند. وی، پیش از افتادن به زندان، مدتی پنهان می زیست و چون اعتمادی کامل به ابن ابی العزاقر داشت، او را به نیابت خود برگزید. شلمغانی واسطه بین او و شیعیان شد. توقیعات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از سوی حسین بن روح به دست شلمغانی صادر می شد و مردم برای رفع حوایج و حل مشکلات، به او رجوع می کردند. (۱)

پس از این زمان، شلمغانی به ادعا های باطل پرداخت و از مذهب شیعه امامیه اثنی عشریه انحراف جست. حسین بن روح در زندان، از انحرافش مطلع شد و از همان جا در ذی حجه سال ۳۱۲ق توقیعی در لعن ابی العزاقر به شیخ ابوعلی محمد بن همام اسکافی بغدادی که از بزرگان شیعه بود، فرستاد و از وی تبری جست. (۲)

مردم پس از صدور لعن شلمغانی، نزد حسین بن روح شتافتند و گفتند: «خانه های ما از آثار شلمغانی انباشته است، چه کنیم؟» فرمود: «نظر من، درباره کتاب های او همان چیزی است که امام عسکری علیه السلام درباره کتاب های بنی فضال فرمود: "...خُذُوا بِمَا رَوَوْا وَذَرُّوا مَا رَأَوْا؛ اعتقادات آنان را کنار گذارید و آنچه نقل کرده اند، بپذیرید." (۳)

به نظر شیخ طوسی علت کشته شدن شلمغانی چنین بود: زمانی که ابوالقاسم حسین بن روح او را آشکارا لعن کرد و همه جا شهرت یافت و مردم از وی دوری جستند. تمام شیعیان از او بر حذر بودند؛ به طوری که نتوانست به حيله ها و نیرنگ های خود ادامه دهد. روزی در محفلی که رؤسای شیعه حاضر بودند و همه لعن شلمغانی و دوری از او را از ابوالقاسم حسین بن روح نقل می کردند، شلمغانی به حاضران گفت: من و او (حسین بن روح) را در جایی بخواهید تا من دست او و او هم دست مرا بگیرد و در حق یکدیگر نفرین کنیم. اگر آتش نیامد و او را نسوزاند، هرچه او درباره من گفته، درست است. این خبر در خانه ابن مقله اتفاق افتاد و از آن جا به گوش «الراضی بالله» خلیفه

۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۰۳.

۲- طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۷۴؛ و نیز ر.ک: شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۰۳.

۳- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۸۷.

عباسی رسید. «راضی» هم دستور داد او را دستگیر کرده و به قتل رساندند؛ بدین گونه شیعیان از شرّ او راحت شدند. (۱) این اتفاق، سال ۳۲۳ ق رخ داد. (۲)

### ۶. احمد بن هلال کرخی

احمد بن هلال، اهل روستای بزرگی از منطقه «نهروان» بود که میان واسط و بغداد قرار دارد. گفته شده است: وی از یاران حضرت هادی علیه السلام یا امام عسکری علیه السلام بود. به غلو مشهور به علو و مورد لعن و نفرین ابدی است.

نخست از افراد مورد اطمینان حضرت عسکری علیه السلام و از اصحاب خاص و روایت کننده از امامان معصوم علیهم السلام بود. ۵۴ مرتبه به زیارت خانه خدا رفت که بیست مرتبه آن با پای پیاده بود.

اما دچار کژی شد؛ به گونه ای که حضرت عسکری علیه السلام او را بسیار نکوهش کرد و در باره اش فرمود: «از این صوفی ریا کار و بازیگر پروا کنید». (۳)

برخی نیز این جمله را در نکوهش او، از جانب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دانسته اند که در هر حال نشانگر پلیدی و گمراهی این مرد است.

او تا زمان نیابت محمد بن عثمان زیست و با سماجت بسیار، سفارت آن جناب را انکار کرد. توفیق مبارکی از جانب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف درباره لعن و نفرین بر او و لزوم اظهار بیزاری از کارهایش صدور یافته است. (۴)

بیشتر کتاب های رجالی، او را به «عَبْرَتایی» ملقب می دانند. (۵) شیخ طوسی در کتاب الغیبه وی را «کرخی» نامگذاری کرده و به او «بغدادی» نیز گفته شده است.

۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۰۶.

۲- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۱۲.

۳- رجال کشی، ص ۵۳۵.

۴- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۵۳.

۵- ابی داود، رجال، ص ۴۲۵؛ رجال طوسی، ص ۳۸۴؛ رجال علامه، ص ۲۰۲.

از تاریخ، فهمیده می شود احمد بن هلال تا آخر سفارت و نیابت نایب نخست منحرف نشده بود؛ لکن به مجرد وفات عثمان بن سعید در نایب دوم شک کرد و نیابت او را نپذیرفت. (۱)

شیعیان هم پس از عزل، او را ملعون دانسته و از وی دوری جستند. پس از مرگ وی توقیعی از سوی ولی عصر علیه السلام به دست حسین بن روح به شرح ذیل صادر شد:

خداوند از فرزند هلال نگذرد که بدون اجازه و رضایت ما، در کار ما مداخله و فقط به میل خود عمل می کرد! تا آن که پروردگار، با نفرین ما زندگی اش را به انجام رساند. ما در زمان حیاتش نیز انحرافش را به خواص شیعیان خود اعلام کردیم. این را به هر کس که درباره او می پرسد، برسانید. هیچ یک از شیعیان ما معذور نیست در آنچه افراد مورد اعتماد از ما نقل می کنند، تردید کند؛ زیرا می دانند ما اسرار خود را با آنان می گوئیم».

آن حضرت در توقیعی دیگر فرمود:

ابن هلال، ایمان خود را پایدار نداشت و با آن که مدت طولانی خدمت کرد، به دست خود ایمانش را به کفر دگرگون ساخت و خدا نیز او را کیفر داد. (۲)

آنچه یاد شد، فقط برخی از مدعیان دروغین در دوران غیبت بود. پرداختن به همه مدعیان، مجال بسیار گسترده ای می طلبد که در حوصله این نوشتار نیست. علاقه مندان می توانند به کتاب های مفصلی که در این باره تدوین شده است، مراجعه کنند.

البته این انحراف ها و ادعاها در هر دوره به گونه ای بوده است. در درس بعد، برای نمونه و گذرا به یکی از انحراف های بزرگ معاصر اشاره خواهیم کرد.

۱- صدر، سید محمد، تاریخ الغیبه الصغری، ص ۵۰۲.

۲- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۵۳.

## خودآزمایی

۱. درباره مدعیان دروغین نیابت توضیح داده، به برخی انگیزه های آن ها از این ادعا اشاره کنید.
۲. فعالیت مدعیان نیابت از چه زمانی آغاز شد و به چه دلایلی پیش از آن این ادعا به صورت جدی مطرح نشد؟
۳. شیعیان با توجه به چه دلیل هایی در دام مدعیان دروغین نیابت قرار نگرفتند؟ به سه مورد اشاره کنید.
۴. نخستین مدعی دروغین نیابت در دوران غیبت چه کسی بود؟ توضیح دهید.
۵. درباره ادعای دروغین حسین بن منصور حلاج توضیح دهید.

===

## منابع برای پژوهش

۱. علی غفارزاده، پژوهشی پیرامون زندگانی نواب خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، نبوغ، ۱۳۷۵ ق.
۲. سید محمد کاظم قزوینی، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا ظهور، ترجمه حسین فریدونی، تهران، آفاق، ۱۳۷۹ ش.
۳. علی اصغر رضوانی، موعود شناسی و پاسخ به شبهات، قم، مسجد جمکران، ۱۳۸۴ ش.
۴. مسعود پورسیدآقایی و دیگران، تاریخ عصر غیبت، قم، حضور، ۱۳۸۳ ش.

## درس یازدهم: انحراف از مهدویت (۲)

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

از شیخیه تا بهائیه

شیخیه، بستر پیدایش یک انحراف بزرگ

بائیت، یک انحراف بزرگ

زمینه های پیدایی بائیت

بهائیت، استمرار انحراف

آیین ها و باورهای بهائیان

انجمن حجّیه، یکی از گروه های مبارز با بهائیت

**پیش در آمد**

شکی نیست شمار جریان های انحرافی از مهدویت به ویژه در دوران غیبت بسیار افزون بر آن است که در مجال یک درس و حتی یک کتاب بگنجد؛ از این رو ناگزیر در این درس فقط به برخی جریان هایی اشاره خواهیم کرد که امروزه از اهمیت بیشتری برخوردار است و علاقه مندان را به کتاب های مفصل ارجاع می دهیم.

یکی از انحراف های بزرگ و پر دامنه در دوران معاصر «باییت» و «بهائیت» است؛ امّا پیش از پرداختن به این دو انحراف، لازم است به ریشه های فکری ای که باعث پیدایش «باییت» و «بهائیت» شد، اشاره ای کوتاه شود.

**شیخیه، بستر پیدایش یک انحراف بزرگ**

شیخیه، فرقه ای منشعب از شیعیان دوازده امامی است که براساس تعالیم شیخ احمد احسائی (۱۱۶۶-۱۲۴۱ ق)، در نیمه اول قرن سیزدهم پدید آمد.

اساس این مذهب، مبتنی بر ترکیب برخی از افکار عرفانی و عقاید غالیان با اخبار آل محمد علیهم السلام است. آموزه های ویژه بنیان گذار این فرقه، غیر از آن که مایه انشعاب داخلی فرقه شد، زمینه ساز پیدایش دو فرقه منحرف «باییت» و «بهائیت» نیز گردید.



شیخ احمد، مشهور به «احسائی»، فرزند زین الدین بن ابراهیم در رجب ۱۱۶۶ ق، در منطقه «احساء» در شرق عربستان چشم به جهان گشود و در ذی قعدة سال ۱۲۴۱ ق به دیار باقی شتافت.

احسائی، در سال ۱۱۸۶ ق برای تحصیل علم رهسپار عتبات شد. وی افزون بر فقه و اصول و حدیث، در طب و نجوم و ریاضی قدیم و علم حروف و اعداد و طلسمات و فلسفه مطالعاتی داشته است.

شیخ احمد در سال ۱۲۲۱ ق عازم زیارت مشهد رضوی شد و در راه بازگشت، در یزد توقیفی کرد. اهل یزد، از او استقبال گرمی به عمل آوردند و وی به اصرار ایشان، در یزد مقیم شد و شهرت بسیاری کسب کرد. (۱)

در این زمان که آوازه احسائی در ایران پیچیده بود، فتحعلی شاه قاجار از وی برای اقامت در تهران، دعوت به عمل آورد. احسائی ابتدا دعوت شاه را نپذیرفت؛ اما سرانجام به تهران رفت؛ ولی اصرار شاه را مبنی بر مقیم شدن در تهران نپذیرفت و در سال ۱۲۲۳ ق به همراه خانواده اش به یزد بازگشت.

احسائی در سال ۱۲۲۹ ق در راه زیارت عتبات، به کرمانشاه وارد شد و با استقبال مردم و حاکم کرمانشاه روبه رو گشت. که وی را به اقامت راضی کرد. اقامت او در کرمانشاه ده سال طول کشید.

شیخ احمد در سال ۱۲۴۱ ق راهی مکه شد؛ اما در دو منزلی مدینه در گذشت و در قبرستان بقیع دفن گردید. (۲)

مقام علمی و اجازه روایت

شیخ احمد، تا بیست سالگی در «احساء» علوم دینی متداول را فرا گرفت؛ اما از زندگی تحصیلی وی چیزی در دسترس نیست. برخی از شیخی مذهببان بر این عقیده اند که وی در مراحل بعد، استاد خاصی نداشت و استفاده های او، از مجالس درس عالمان، تحصیل

۱- ر.ک: احسائی، عبدالله، شرح احوال شیخ احمد احسائی، ترجمه: محمد طاهر کرمانی، ص ۱۹ ۲۳.

۲- احسائی، عبدالله، شرح احوال شیخ احمد احسائی، ترجمه: محمد طاهر کرمانی، ص ۲۶ ۴۰.

به معنای متعارف نبود؛ به ویژه آن که او در جایی از آثارش، با کسی با عنوان استاد، استناد نکرده است. (۱)

احسایی در سال ۱۱۸۶ ق، مقارن با آشوب های ناشی از حملات عبدالعزیز حاکم سعودی به «احساء»، به کربلا و نجف مهاجرت کرد و در درس عالمانی چون سیدمهدی بحرالعلوم و آقامحمدباقر وحید بهبهانی، حضور یافت و در مدت اقامت در عتبات، اجازه های متعددی دریافت کرد. (۲)

مهم ترین مشایخ اجازه روایی شیخ احمد احسایی عبارتند از: سیدمهدی بحرالعلوم، میرزا محمدمهدی شهرستانی، آقا سید علی طباطبایی (معروف به صاحب ریاض)، شیخ جعفر کاشف الغطاء، و شیخ حسین آل عصفور. (۳)

احسایی، شاگردان بسیار داشت که از میان ایشان، سید کاظم رشتی (۱۲۱۲-۱۲۵۹ ق)، پس از وفات احسایی در بسط و ترویج افکار او، کوشید و جانشین وی بود. (۴)

شیخ احمد احسایی، گرچه به وارستگی و علم ستوده شده است، آرا و نظریاتش، از خطا مصون نبود و برخی از عالمان معروف آن عصر، با انتقاد جدی از اندیشه ها و لغزش های وی، او را «غالی»، «منحرف» و حتی «کافر» خواندند.

در قزوین، ملا محمد تقی برغانی شیخ احمد را به دلیل دیدگاه وی درباره معاد جسمانی تکفیر کرد. شیخ احمد معتقد بود انسان با جسم این جهان وارد قیامت نشده بلکه با جسم هورقلیایی از قبر بیرون می آید.

حکم تکفیر شیخ، در ایران، عراق و عربستان، نشر یافت. شاخص اندیشه غلو آمیز او که باعث تکفیر وی از سوی علمای دیگر بلاد شد، این است که وی ائمه اطهار را علل اربعه کائنات (علت فاعلی، مادی، صوری و غایی) معرفی می کند. (۵)

۱- دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۶، ص ۶۶۲.

۲- دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۶، ص ۶۶۳ به نقل از: اجازات الشیخ احمد الأحسایی، حسین علی محفوظ، ص ۳۷-۴۰.

۳- دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۶، ص ۶۶۳ به نقل از: انوار البدرین، علی بحرانی، به کوشش محمد علی طبسی، ص ۴۰۶-۴۰۷؛ چند اجازه، احمد احسایی، ص ۱ و ۲ و ۷؛ دلیل المتحیرین، سید کاظم رشتی، ص ۵۱-۵۵.

۴- ۱۹. ر.ک: ابراهیمی، ابوالقاسم، فهرست کتب مشایخ عظام، ص ۱۱۵ و....

۵- ۳۴. ر.ک: شرح الزیارة الجامعه الکبیره، ج ۳، ص ۶۵، ۲۹۶-۲۹۸؛ ج ۴، ص ۴۷ و ۴۸، ۷۸.

چنین دیدگاه غلوآمیزی، علاوه بر آن که خود گناه بزرگی است، زمینه پیدایش افکار دیگری (مثل ادعای الوهیت، تجلی ذات حق، و حلول حق تعالی در افراد و...) شده است.

پیروان این فرقه مجموعاً از مردم بصره، حلّه، کربلا، قطیف، بحرین و بعضی از شهرهای ایران بودند. (۱)

سید کاظم رشتی، جانشین احساسی

سید کاظم رشتی از سادات مهاجر حجاز به رشت در سال ۱۲۱۲ ق در رشت به دنیا آمد. او در جوانی در یزد به شیخ پیوست و همیشه ملازم او بود. شیخ احمد احساسی پیش از وفات خود، سید کاظم رشتی را جانشین خود ساخت. پیروان وی نیز بی هیچ اختلافی، سید را به پیشوایی خویش پذیرفتند.

طایفه شیخی که در احترام قبور ائمه اطهار، غلو داشتند، در بالای ضریح حسینی، نماز نمی گذاردند و آن مکان را فوق العاده تقدیس می کردند. مخالفان آنان، از روحانیان شیعه و پیروان آنان که در بالای سر ضریح امام حسین علیه السلام نماز می خواندند، در مقابل «شیخی»، «بالاسری» نامیده شدند.

دوره ریاست سید رشتی، شانزده سال طول کشید. طایفه شیخی، همه جا، طبق تعلیمات شیخ احمد و سید کاظم، معالم دین خود را به جای می آوردند و خود را از دیگر فرقه های شیعه ممتاز می دانستند.

سید رشتی، زمانی به جای استاد نشست که کمتر از سی سال سن داشت. وی، به سبب نطق و قلم و تصنیف و تألیف کتاب، عهده دار انتشار افکار استاد خود شد. او، در تمام مدت پیشوایی خود، به ایران سفر نکرد و مرکز خود را همان عتبات عالیات قرار داد و از آن جا، با هند و ممالک عثمانی و حجاز، رابطه داشت. و در سال ۱۲۵۹ ق در کربلا از دنیا رفت.

۱- ر.ک: شریف یحیی الأمين، معجم الفرق الاسلامیه، ص ۱۴۹.

یکی از شاگردان وی، حاج محمد کریم خان قاجار (۱۲۲۵-۱۲۸۸ ق) مؤسس فرقه شیخیه کرمانیه است. سید علی محمد شیرازی، معروف به «باب» نیز از شاگردان سید کاظم رشتی است.

برخی علمای آذربایجان نیز نزد شیخ احمد احسایی و سید کاظم رشتی شاگردی کرده و شیخیه آذربایجان را تأسیس کردند. خانواده های ثقه الاسلام، حجه الاسلام و احقاق، سه طایفه معروف شیخیه آذربایجان هستند. میرزا موسی احقاقی و فرزندانش ریاست شیخیه آذربایجان را عهده دار بودند و به نقد تفکرات شیخیه کرمانیه و بایه و بهائیت پرداختند. اکنون مرکز این گروه کویت است و فرق چندانی با امامیه ندارند.

### بدعت رکن رابع

از موضوعات جنجال برانگیز در عقاید شیخیه، اعتقاد به «رکن رابع» است. (۱) اکثراً، آن را به سید کاظم رشتی نسبت می دهند. مقصود از رکن رابع، آن است که میان شیعیان، شیعه کاملی وجود دارد که واسطه فیض میان امام عصر علیه السلام و مردم است. آنان، اصول دین را چهار چیز می دانند: توحید، نبوت، امامت و رکن رابع. آنان، معاد و عدل را از اصول عقاید نمی شمارند؛ زیرا، اعتقاد به توحید و نبوت، خود، مستلزم اعتقاد به قرآن است و چون در قرآن عدالت خدا و معاد ذکر شده است، لزومی ندارد این دو اصل را در کنار توحید و نبوت قرار دهیم. همان گونه که ملاحظه شد، این عقیده، بر خلاف عقاید شیعه است و مسلمانان، به طور عموم، معاد را از اصول دین می دانند.

طرح «رکن رابع»، سبب اختلاف و انشعاب در شیخیه گردید و پس از اندکی، دستاویزی برای ادعای جدید به نام «باییت» شد. ادعای «باییت» از سوی یکی از شاگردان سید کاظم رشتی صورت گرفت که خود، سرآغاز فساد بزرگ میان مسلمانان به شمار می رود.

ادعای دروغین «باییت»، از زمان امامان علیهم السلام تا قرن حاضر، کم و بیش رواج داشته است، اما هیچ یک از مدعیان دروغین آن، به اندازه ی میرزا علی محمد باب، جامعه

اسلامی را به انحراف نکشانند. علاوه بر آن چنان که خواهد آمد میرزا علی محمد باب، غیر از ادعای دروغین بابت، ادعای دیگری مطرح کرد که زمینه ساز فرقه دیگری به نام «بهائیت» شد.

### بایه، یک انحراف بزرگ

#### اشاره

«باب» در لغت فارسی به معنای پدر، سزاوار، ملائیم، متعارف و حاجب است. در عربی نیز به معنای «در» و «محل ورود و خروج» به کار می رود. راغب اصفهانی می گوید: محل دخول و ورود به چیزی را باب می خوانند؛ مانند «باب المدینه» یا «باب البیت».

در روایات فراوانی، از پیشوایان معصوم علیهم السلام با عنوان «بابُ الله» یاد شده است. (۱) در دعای ندبه می خوانیم: «أَيْنَ بَابُ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُوتَى؟» (۲)

بنابراین باب، یعنی چیزی که می توان به وسیله آن به چیز دیگر رسید. حدیث «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلَيٌّ بَابُهَا» (۳) بدان معنا است که به وسیله حضرت علی علیه السلام می توان به شهر علم دست یافت. از دیگر موارد، می توان به «بابُ الحَوَائِجِ»، «بابُ حِطَّةِ»، «بابُ مَدِينَةِ عِلْمِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَمِ» (۴)، «بابُ الْحِكْمَةِ» و «بابُ اللَّهِ» اشاره کرد.

اما «باب» امامان علیهم السلام در اصطلاح، به کسی گفته می شود که به معصومان علیهم السلام بسیار نزدیک است و در همه کارها یا کاری خاص، نماینده مخصوص آنان شمرده می شود (۵). بر این اساس، می توان وکیل یا نماینده امام را «باب» امام نامید.

- ۱- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۴۵، ح ۷؛ و ر.ک: شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۸۹؛ تهذیب، ح ۶، ص ۲۷.
- ۲- سید بن طاوس، الاقبال، ص ۲۹۷.
- ۳- وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۳۴، ح ۳۳۱۴۶؛ شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۶۶.
- ۴- ر.ک: ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۴، ص ۳۲۳؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۶؛ شیخ صدوق، خصال، ج ۲، ص ۶۲۶؛ شیخ طوسی، آمالی، ص ۵۲۵؛ الاقبال، ص ۶۱۰.
- ۵- ر.ک: علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۲۵۳.

چنان که ابن شهر آشوب می نویسد: جمعی از اصحاب امامان علیهم السلام باب آن بزرگواران بوده اند؛ مانند «رشید هجری» باب سید الشهداء علیه السلام (۱)، «یحیی بن ام الطویل مطعمی» باب حضرت سجاد علیه السلام (۲)، «جابر بن یزید جعفی» باب امام باقر علیه السلام (۳).

متأسفانه رفته رفته این واژه با سوء استفاده مدعیان دروغین به ویژه «باییت» روبه رو شد. ادعاهای نادرست کسانی چون سید علی محمد باب، این واژه را از جایگاه واقعی اش دور و متروک ساخت؛ به گونه ای که امروزه کمتر درباره نمایندگان امام معصوم علیه السلام به کار می رود و بیشتر برای اشاره به کسانی است که به دروغ، خود را نماینده معصومان معرفی می کنند.

در عصر حاضر مشهورترین مدعی باییت، سید علی محمد شیرازی است. از آن جا که او در ابتدای دعوتش، مدعی باییت امام دوازدهم شیعه بود و خود را راه ارتباط با امام زمان علیه السلام می دانست، ملقب به «باب» گردید و پیروانش «بابیه» نامیده شدند.

سید علی محمد در سال ۱۲۳۵ ق در شیراز به دنیا آمد. او در کودکی پدرش را از دست داد و تحت سرپرستی عموی خود حاج سید علی تربیت یافت. در نوزده سالگی همراه دایی خود رهسپار بوشهر شد و مدت پنج سال در آن شهر به کسب مشغول بود. وی جوانی عابد و ریاضت کش بود. زی سیادت و طلبگی و کسوت روحانیت و خوی خوش و سیمای جذاب و قیافه محبوب او توجه بوشهریان را جلب کرد و جمعی را مجذوب و مرید او ساخت. وی برای طلب علم رهسپار عراق شد و در کربلا در سلک شاگردان و مریدان سید کاظم رشتی (۱۲۰۳۱۲۵۹) در آمد. در آن ایام، بعضی شیعیان ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را نزدیک می دانستند. سید رشتی نیز در مقالات و دروس خود، آتش انتظار ایشان را دامن می زد. سید علی محمد، ضمن دو سه سالی که در حوزه سید محمد کاظم دانش می آموخت توجه استاد را به خود جلب کرد.

۱- مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۳۲.

۲- مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۱۱.

۳- مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۴۰.

پس از درگذشت سید کاظم رشتی، شاگردان و مریدانش برای یافتن «رکن رابع» به تکاپو افتادند. در این باره، میان چند تن از شاگردان سید کاظم از جمله سیدعلی محمد رقابت سختی در گرفت. سرانجام سید علی محمد پا را از جانشینی سید کاظم فراتر نهاده خود را «باب امام دوازدهم» معرفی کرد. و هجده تن از شاگردان سید کاظم که نزد بابیان، به حروف حی مشهورند، به باب ایمان آوردند. هر کدام از آنان، در شهرستانی به تبلیغ پرداخته، و جمعی را به آیین باب در آوردند.

در زمانی که علی محمد هنوز از ادعای باییت امام زمان علیه السلام فراتر نرفته بود، به دستور والی فارس در سال ۱۲۶۱ ق دستگیر و به شیراز فرستاده شد. پس از آن، وقتی در مناظره با علمای شیعه شکست خورد، اظهار پشیمانی کرد و در حضور مردم گفت: «لعنت خدا بر کسی که مرا وکیل امام غایب بداند! لعنت خدا بر کسی که مرا باب امام بداند!». پس از این واقعه، شش ماه در خانه پدری خود تحت نظر بود و از آن جا به اصفهان و سپس به قلعه ماکو تبعید شد.

در همین قلعه، با مریدانش مکاتبه داشت و از این که می شنید آنان در کار تبلیغ دعاوی او می کوشند، به شوق افتاد و کتاب بیان را در همان قلعه نوشت. دولت محمد شاه قاجار برای آن که پیوند او را با مریدانش قطع کند، در سال ۱۲۶۴ ق وی را از قلعه ماکو به قلعه چهریق در نزدیکی ارومیه منتقل کرد. پس از چندی، وی را به تبریز برده و در حضور چندتن از عالمان محاکمه کرد.

علی محمد، در آن مجلس آشکارا از مهدویت خود سخن گفت و «باییت امام زمان» را که پیش از آن ادعا کرده بود، به «باییت علم الله» تأویل کرد.

علی محمد در مجالس عالمان نتوانست ادعای خود را اثبات کند و چون از او درباره برخی مسایل دینی پرسیدند، از پاسخ فرو ماند و جمله های ساده عربی را غلط خواند. در نتیجه وی را چوب زده و تنبیه کردند. او از دعاوی خویش تبری جست و توبه نامه نوشت؛ اما این توبه نیز مانند توبه قبلی، واقعی نبود؛ از این رو پس از مدتی ادعای پیامبری کرد. پس از مرگ محمدشاه قاجار در سال ۱۲۶۴ ق مریدان علی محمد، آشوب هایی در کشور پدید آوردند و در مناطقی به قتل و غارت مردم پرداختند. در این

زمان، میرزا تقی خان امیرکبیر صدر اعظم ناصرالدین شاه تصمیم به قتل علی محمد و فرو نشانیدن فتنه بابیه گرفت و برای این کار، از عالمان فتوا خواست. برخی عالمان به دلیل دعای گوناگون و متضاد او و رفتار جنون آمیزش، شبهه دیوانه بودن را مطرح کرده و از صدور حکم اعدام او خودداری کردند؛ اما برخی دیگر وی را مردی دروغگو و ریاست طلب شمردند و به قتل او حکم دادند. علی محمد همراه یکی از پیروانش در ۲۷ شعبان ۱۲۶۶ در تبریز اعدام شد.<sup>(۱)</sup> وی پیش از مرگ خود، میرزا یحیی نوری، معروف به صبح ازل را جانشین خود معرفی کرد.

## آرا و عقاید باب

عقاید باب را می توان عقایدی آمیخته از تعالیم صوفیان، باطنی ها، غالیان شیعه و شیخیه دانست که با برداشتی باطنی از برخی آیات و روایات و تغییر و تبدیل آن و احکام و قوانین به صورت یک مذهب و مسلک، بین بابیان ترویج شده است؛ از این رو می توان گفت سید علی محمد باب از آغاز دعوت خود، عقاید و آرای متناقضی ابراز داشت.

آنچه از مهم ترین کتاب او نزد پیروانش، یعنی کتاب بیان، فهمیده می شود آن است که وی خود را برتر از همه انبیای الهی و مظهر نفس پروردگار می پنداشته است<sup>(۲)</sup> و عقیده داشته که با ظهورش، آیین اسلام منسوخ و قیامت موعود در قرآن، به پا شده است.<sup>(۳)</sup> به علاوه، سید علی محمد خود را «من یظهره الله» خوانده است و در ایمان پیروانش بر آن، تأکید فراوان دارد.<sup>(۴)</sup> سید علی محمد در حقانیت این آرا پافشاری کرده و در برخورد با افرادی که بابی نباشند، خشونت بسیاری را سفارش کرده است. در بیان فارسی، فرمان می دهد همه کتاب ها را محو و نابود کنند؛ جز کتبی که درباره آیین وی پدید آمده یا می آید. همچنین تأکید کرده است پیروانش جز کتاب بیان و آنچه بدان

۱- ر.ک: اعتضاد السلطنه، فتنه باب.

۲- بیان عربی، ص ۱.

۳- لوح هیکل الدین، ص ۱۸.

۴- بیان عربی، ص ۵۶.



وابسته می شود، نیاموزند(۱). افکار سیدعلی محمد باب، مجموعه ای است از برخی آرای شیخیان و باطنیان (تأویل گرایان) و صوفیان و کسانی که به علم حروف و اعداد گرایش داشته اند و نیز پاره ای از دعاوی(۲).

از آنچه گفته شد می توان برخی باورهای بایه را در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. اعتقاد به تجسد خداوند در «هیکل» میرزا حسین علی با تجلی و جلوه خدا در بهاء؛

۲. منسوخ بودن ادیان پیشین و رسالت جدید؛

۳. انکار قیامت؛

۴. اعتقاد به «من یظهره الله».

### بهائیت، استمرار انحراف

بهائیت، (۳) استمرار انحراف

بهائیت، فرقه ای منشعب از آیین بایه است. بنیان گذار آیین بهایی، میرزا حسین علی نوری، معروف به بهاء الله است. این آیین نیز نام خود را از همین لقب برگرفته است. وی در سال ۱۲۳۳ق در تهران به دنیا آمد و مانند برادرانش آموزش های مقدماتی ادب فارسی و عربی را زیر نظر پدر و معلمان و مربیان گذراند. در زمان ادعای بایت سید علی محمد شیرازی، در جمادی الاولی ۱۲۶۰، او جوانی ۲۸ ساله و ساکن تهران بود که در پی تبلیغ نخستین پیرو باب، ملاحسین بشرویه ای معروف به "باب الباب" در شمار نخستین گروندگان به باب در آمد. از آن پس، همراه برادرش، میرزا یحیی صبح ازل یکی از فعال ترین افراد بابی شد و به ترویج بابی گری به ویژه در نور و مازندران پرداخت.

### پیدایش فرقه «بهائیه»

### اشاره

در دوران جانشینی صبح ازل، حسین علی مسؤول تمام امور بابی بود. رقابت دو برادر بر سر رهبری «بابیان» کم کم به اوج خود رسید تا جایی که طرفین یک دیگر را به مرگ تهدید کردند؛ بنابراین در سال ۱۲۸۵ ق به دستور دولت عثمانی، یحیی صبح ازل به

۱- بیان عربی، ص ۱۵.

۲- دانشنامه جهان اسلام، ج ۱، ص ۱۹.



قبرس، و حسین علی بهاء به عکا در سرزمین فلسطین تبعید شدند. در راه فلسطین، میرزا حسین علی ادعای من ینظهره اللّهی کرد. در همین ایام بود که برای تشخیص طرفداران آن دو، اطرافیان صبح ازل به فرقه «ازلیه» و پیروان میرزا حسین علی بهاء، فرقه «بهائی» نامیده شدند.

اما با مرگ یحیی صبح ازل، ازلیه و به تبع آن، بایبان برای ابد فراموش شدند.

### سرانجام دعوت میرزا بهاء

وقتی میرزا حسین علی احساس کرد دعوت او مؤثر افتاد و عدّه ای گرد او حلقه زدند، نوع دعوتش را در مراحل گوناگون زمانی تغییر داد. وی پس از ادعای «من ینظهره الله» ادعای رسالت و شاریت و سپس ادعای حلول روح خدا در او به نحو تجسد و تجسم کرد. او با عبارت «انا الهیکل الاعلی» از این مطلب یاد می کرد.

لازم ذکر است که بهاء در بغداد و اسلامبول و ادرنه و نیز در عکا همواره با تقیه و تظاهر به اسلام زندگی می کرد، تا خشم حکومت عثمانی را بر ضد خود بر نینگیزد. وی در نماز جمعه عکا شرکت می جست و در ماه رمضان، به روزه داری تظاهر می کرد؛ با این حال، رابطه سزّی خود را با «بایبان» ایران که بعدها «بهائی» نام گرفتند، قطع کرده و همواره مکتوبات و وحی های ادعایی، یا تجلیات «خدا منشآنه» خود را برای آنان می فرستاد یا باز می گفت.

وی سرانجام در سال ۱۸۹۲م (حدود ۱۳۰۹ق) پس از سال ها سکونت در عکا در گذشت و آن جا به خاک سپرده شد.

میرزا حسین علی، آثار متعددی نگاشت که مهم ترین آن ها عبارت است از: ایقان در اثبات قائمیت سید علی محمد باب که آن را در آخرین سال های اقامت بغداد، در پاسخ پرسش های دایی سید علی محمد باب و جذب او به مسلک بابی، نگاشت. اقدس که کتاب احکام بهائیان است و آن را در ۱۲۹۰ق یا اندکی پس از آن زمانی که در عکا تحت نظر بود تألیف کرد. (۱)

۱- مقاله: از بابی گری تا بهایی گری، عزالدین رضا نژاد، فصلنامه انتظار، مرکز تخصصی مهدویت، ش ۱۰.

پس از میرزا حسین علی، فرزندش عبدالبهاء رهبر بهائیان شد و نظام جدیدی را در تفکرات بهائیت پدید آورد. وی در سفرهای خود، تعالیم باب و بهاء را با آنچه در قرن نوزدهم در غرب، خصوصاً تحت عناوین روشنگری و مدرنیسم و اومانیزم متداول بود، آشتی داد. او تعالیم دوازدهگانه بهائیت را با الهام از همین آموزه ها تدوین و عرضه کرد که عبارتند از: ترک تقلید، تطابق دین با علم و عقل، وحدت اساس ادیان، بیت العدل، وحدت عالم انسانی، ترک تعصبات، الفت و محبت میان افراد بشر، تعدیل معیشت عمومی، تساوی حقوق زنان و مردان، تعلیم و تربیت اجباری، صلح عمومی و تحریم جنگ و وحدت خط و زبان.<sup>(۱)</sup>

تعالیم دوازدهگانه یادشده، در ظاهر بسیار جذّاب و زیبا است و از طرفی شعارهای تبلیغاتی مؤثری در جذب افراد بهائی به این آیین است؛ اما با عملکرد رهبران و پیروان آن در گذشته و حال به ویژه برنامه های اعمال شده از سوی «بیت العدل اعظم» بهائیان مغایرت بسیار دارد.

پس از مرگ عبد البهاء، نوه دختری او شوقی افندی رهبر بهائیان شد. پس از وی، هدایت بهائیان به شورایی با عنوان بیت العدل واگذار شد که تا کنون در فلسطین اشغالی به هدایت بهائیان می پردازد.

### آیین ها و باورهای بهائیان

نوشته های سید علی محمد باب، میرزا حسین علی بهاء الله و عبد البهاء، تا حدی نیز شوقی افندی ربانی، از کتب مقدس بهائیان است و در مجالس ایشان قرائت می شود؛ اما کتب باب به طور عموم در دسترس بهائیان قرار نمی گیرد و دو کتاب اقدس و ایقان میرزا حسین علی نوری نزد آنان از اهمیت ویژه ای برخوردار است. برخی مناسک و احکام که بهاء الله و جانشینانش واجب کرده اند عبارتند از:

۱. قداست عدد نوزده: تقویم شمسی بهائی، از نوروز آغاز شده به نوزده ماه و هر ماه به نوزده روز، تقسیم می شود. چهار روز (در سال های کیسه، پنج روز) باقیمانده که به

---

۱- افندی، عباس، رساله دیانت جهانی بهائی، ص ۲۰.

ایام «هاء» موسوم است، برای شکرگزاری و جشن تعیین شده است. بهائیان به نماز روزانه، روزه به مدت نوزده روز از طلوع تا غروب آفتاب آخرین ماه سال موظف می باشند.

۲. حد دزدی و زنا: بهاء الله مجازات دزد را در نخستین بار، تبعید و در بار دوم، حبس و در مرتبه سوم، گذاشتن علامت در پیشانی او قرار داده و برای تکرار دزدی پس از آن، حکمی قرار نداده است. وی همچنین مجازات زنا را پرداخت نه مثقال و در صورت تکرار، هجده مثقال طلا برای دیه به «بیت العدل» می داند. (۱)

۳. محارم: در آیین بهاء، تعداد محارم جنسی بسیار محدودند و فقط حرمت ازدواج با زن پدر اعلام شده است. در این آیین، ازدواج با بیش از دو زن جایز نیست و ازدواج موقت، در این آیین حرام است. (۲)

۴. نهی از دخالت در سیاست: در آیین بهائی، بهائیان به شدت از دخالت در سیاست نهی شده اند.

۵. قبله: در آیین بهائی، قبله، جایگاهی است که باب در آن دفن شده است. (۳)

افزون بر احکام یاد شده، بسیاری از احکام آن ها با بدیهی ترین احکام اسلام مخالف است.

آیین بهائی از ابتدای پیدایی، میان مسلمانان یک انحراف اعتقادی (فرقه ضاله) شناخته شد. ادعای قائمیت توسط سید علی محمد باب با توجه به احادیث قطعی پذیرفته نبود. ویژگی های «مهدی» در احادیث اسلامی به گونه ای تبیین شده که راه هرگونه ادعای بیجا را بسته است. مخالفت عالمان با سید علی محمد باب به سبب همین ادعا و ادعای بابیت او بود. مشکل بهائیت از این حیث مضاعف است. میرزا حسین علی علاوه بر پذیرش قبول قائمیت سیدعلی محمد باب و این که او دین جدیدی آورده است، خود را «من یظهره الله» نامید و ادعای شریعت مستقل را مطرح کرد. همه مسلمانان

۱- اقدس، ص ۱۱۷ و ۱۱۹.

۲- اقدس، ص ۱۱۷ و ۱۱۹.

۳- اقدس، ص ۱۱۷ و ۱۱۹.

خاتمیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را مسلم می دانند و بالطبع، هر ادعایی که با این اعتقاد سازگار نباشد و هر فرقه ای که این اصل را نپذیرد، از نظر مسلمانان، از اسلام جدا شده است.

بررسی های تاریخی نشان می دهد عالمان و گروه های فراوانی برابر این انحراف ها ایستادگی کردند؛ یکی از این گروه ها، انجمن حجّیه (۱) است.

### انجمن حجّیه، یکی از گروه های مبارز با بهائیت

سابقه شکل گیری این گروه، به جریان هایی بر می گردد که در دهه ۱۳۲۰ش تا اواسط دهه سی در جامعه ایران به وقوع پیوست. در این مقطع، دو خطر عمده در حوزه دین پدید آمد:

نخست: حزب توده که مرام مارکسیسم را میان جوانان نشر می داد و متدینان، ملی ها و رژیم پهلوی همه با آن درگیر بودند.

دوم: خطر بهائیت بود که فقط، متدینان بر آن حساسیت داشته و پس از شهریور ۱۳۲۰ش متوجه نفوذ آن در دستگاه اداری پهلوی شده، به مبارزه با آن پرداختند. طبعاً از نگاه متدینان، خطر بهائیان نه فقط کمتر از حزب توده نبود، بلکه پس از سرکوبی حزب توده در سال های ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۶ش خطر بهائیت جدی تر هم شده است؛ (۲) از این رو، عالمان و مراجع تقلید به مبارزاتی جدی در مقابل این انحراف پرداختند.

انجمن حجّیه مهدویّه، در سال ۱۳۳۲ش با تلاش شیخ محمود ذاکرزاده تولایی، معروف به شیخ محمود حلبی (۱۲۷۹ تا ۱۳۷۶ش) با همکاری جمع زیادی از متدینان که در جایگاه هیأت مدیره، امور انجمن را اداره می کردند، فعالیت خود را آغاز و تا آغاز پیروزی انقلاب اسلامی، به فعالیت فرهنگی بر ضد این فرقه اشتغال داشت. این گروه، از هر سو تلاش می کرد افزون بر جمع آوری اطلاعات، به تربیت نیرو برای مقابله با بهائیان و تبلیغات آنان پردازد.

۱- در این درس، فقط به رویارویی این گروه، با فرقه گمراه بهایی اشاره شده و بررسی دیدگاه های این انجمن، به کتاب های مفصل ارجاع می شود.

۲- جعفریان، رسول، جریان ها و سازمان های مذهبی سیاسی ایران، ص ۳۶۸.

از آن جا که کار عمده آقای حلبی پس از شهریور ۱۳۲۰ش، کارهای تبلیغی در قالب منبر بود و در این کار، مهارت و شهرت خاصی به دست آورده بود، همراه جمعی از فعالان مذهبی مشهد و نیز انجمن ها و هیأت های مذهبی، به طور منظم با بهائیان درگیر شدند. (۱)

مؤسس این انجمن همواره تأکید می کرد:

امروز، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از کسی جز این خدمت را نمی پذیرد و چیزی جز این انتظار ندارد. به خدا قسم! امروز تکلیف شرعی و دینی همه ما آن است که با بهائیت مبارزه کنیم. (۲)

به نظر می رسد انجمن، به جز کارهای تبلیغی، به نقد جدی عقاید بهایی هم می پرداخت؛ گر چه این مسأله ممکن بود در قالب کمک به دیگر نویسندگان باشد که نمونه آن، آقای محمد باقر نجفی در کتاب بهائیان است که از آقای حلبی به دلیل در اختیار نهادن برخی اسناد تشکر کرده است. همین طور خود آقای حلبی هم گویا به نقد کتاب ایقان مشغول بوده است. مرحوم محیط طباطبایی در مقاله ای گفته است:

آقای حاجی شیخ محمود حلبی... ۱۵۴ غلط ادبی از متن ایقان بیرون آورده و در کتاب پژوهش جامع درباره ایقان تألیف خود، به تفصیل یاد کرده است. (۳)

یادآوری این نکته لازم است که طبعاً در این سال ها مبارزه با بهائیت، در انجمن حجتیه منحصر نبود و اطلاعیه هایی که گاه از سوی مراجع انتشار می یافت، خطر نفوذ اقتصادی بهائیان را متذکر می شد و با آن به مبارزه می پرداخت.

۱- جعفریان، رسول، جریان ها و سازمان های مذهبی سیاسی ایران، ص ۳۶۸.

۲- نشریه چشم انداز ایران، سال اول، ش ۲.

۳- مجله گوهر، س ۶، س ۶۱ (فروردین ۱۳۵۷ش).

## خودآزمایی

۱. فرقه شیخیه چگونه و به دست چه کسی پایه گذاری شد؟
۲. سه انگیزه از انگیزه های مدعیان بابت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را بیان کنید.
۳. درباره بایبه به اختصار توضیح دهید.
۴. درباره باورهای و آیین ها بهائیان توضیح دهید.
۵. مهم ترین انگیزه شکل گیری انجمن حجتیه چه بود؟ در این باره توضیح دهید.

===

## منابع برای پژوهش

۱. رسول جعفریان، جریان ها و سازمان های مذهبی سیاسی ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳ ش.
۲. محمد محمدی اشتهاردی، بابی گری و بهائی گری، قم، آشنا، ۱۳۷۸ ش.
۳. عزالدین رضائزاد، مقاله: از بابی گری تا بهایی گری، فصلنامه انتظار، ش ۱۰، قم، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۲ ش.
۴. محمدرضا نصوری، مقاله: پیوند و همکاری متقابل بهائیت و صهیونیسم، فصلنامه انتظار، ش ۱۸، قم، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۵ ش.
۵. سید ضیاء الدین علیا نسب، جریان شناسی انجمن حجتیه، قم، زلال کوثر، ۱۳۸۵ ش.





## درس دوازدهم: انتظار در فرهنگ شیعه

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

معنای لغوی و اصطلاحی «انتظار فرج»

جایگاه انتظار در فرهنگ شیعه

۱. انتظار فرج و گشایش به معنای عام و کلی؛

۲. انتظار فرج و گشایش به معنای خاص؛

انواع انتظار

۱. انتظار صحیح و سازنده؛

۲. انتظار غلط و ویرانگر؛

بنیان های پدیده انتظار

آثار فردی و اجتماعی انتظار

## پیش درآمد

شادابی و پویایی بشر در طول دوران زندگی فردی و اجتماعی، مرهون نعمت «امید» و «انتظار» است. اگر انسان، به آینده امیدی نداشته باشد، زندگی برایش مفهوم چندانی نخواهد داشت. آنچه انسان را به زندگی امیدوار می‌کند و آن را جاذبه دار می‌سازد و نگرانی‌ها و ناراحتی‌ها را برای او آسان می‌نماید، انتظار و امید به آینده‌ای روشن و رشدآفرین است که در آن، به تمام نیازهای روحی و جسمی او به طور کامل پاسخ داده شود. آدمی در پرتو همین انتظار و امید، رنج‌ها و گرفتاری‌ها را تحمل می‌کند و با کشتی امید و آرزو در دریای متلاطم و طوفان زای زندگی، به سیر خود ادامه می‌دهد.

شیعه، با بهره‌گیری از آموزه‌های اهل بیت علیهم السلام، این امید و انتظار به آینده را در متعالی‌ترین نوع خود، فراراه انسان‌های آزاداندیش و آزادی‌خواه قرار داده است.

## معنای لغوی و اصطلاحی «انتظار فرج»

«انتظار»، در لغت به معنای چشمداشت و چشم به راه بودن<sup>(۱)</sup> است؛ اما در اصطلاح، به معنای چشم به راه بودن برای ظهور واپسین ذخیره الهی و آماده شدن برای یاری او در برپایی حکومت عدل و قسط در سراسر گیتی است.

---

۱- ر.ک: دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، کلمه انتظار.

به بیان دیگر، «کیفیتی روحی است که باعث به وجود آمدن حالت آمادگی (انسان‌ها) برای آنچه انتظار دارند، می‌شود و ضد آن، یأس و ناامیدی است. هر چه انتظار بیشتر باشد و هر چه شعله آن فروزان تر و پر فروغ تر باشد، تحرک و پویایی او و در نتیجه آمادگی نیز بیشتر خواهد بود».<sup>(۱)</sup>

«فَرَج» به معنای «گشایش» است. انتظار فرج، برخاسته از فطرت کمال جوی بشری است؛ اگر چه عوامل دیگری نیز می‌تواند منشأ انتظار باشد.

یکی از اندیشوران معاصر، با بیان این که برخی دوست دارند حالت انتظار را یک مسأله روانی ناشی از حرمان در اقصای محروم جامعه و تاریخ تفسیر کنند و حالت فرار از واقعیت گرانبار یا مشقت‌ها به سوی تصور آینده‌ای که محرومان در آن بتوانند تمام حقوق از دست رفته و سیادتشان را بازپس گیرند، نوشته است: «این گمانه، نوعی خیالبافی یا نوعی گریز از دامن واقعیت به آغوش تخیل است».<sup>(۲)</sup>

بر خلاف گمان برخی که اندیشه مهدویت را ساخته شیعه می‌دانند، باور داشت مهدویت نه فقط به پیروان اهل بیت علیهم السلام اختصاص ندارد، بلکه بخش مهمی از عقاید اسلامی و یکی از مسایل مهم و ریشه‌ای در اصول اسلامی به شمار می‌آید که بین تمام گروه‌ها و مذاهب اسلامی بر اساس بشارت‌های قرآن مجید و آموزه‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، شکل گرفته است. روایت‌های مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همان گونه که در منابع شیعه آمده است در بسیاری از کتاب‌های معروف اهل سنت نیز آمده است.<sup>(۳)</sup>

بنابراین، باور به پیروزی نهایی نیروی حق، صلح و عدالت بر نیروی باطل، ستیز و بیداد، گسترش جهانی ایمان اسلامی، استقرار کامل و همه‌جانبه ارزش‌های انسانی، تشکیل مدینه فاضله و جامعه آرمانی و سرانجام، اجرای این ایده عمومی و انسانی به وسیله شخصیتی عالی قدر که در روایات اسلامی، از او به «مهدی» تعبیر شده است، برخاسته از چشمه سار وحی است؛ از این رو انتظار آن دوران، علاوه بر آن که در

۱- ر.ک: موسوی اصفهانی، محمد تقی، مکیال المکارم، ترجمه: مهدی حائری قزوینی، ج ۲، ص ۲۳۵.

۲- آصفی، محمد مهدی، مقاله انتظار پویا، فصلنامه انتظار، ش ۶.

۳- ر.ک: ناصری، محمد امیر، الامام المهدی فی الاحادیث المشترکه بین السنه و الشیعه.

مجموعه باورهای تمام پیروان ادیان آسمانی به چشم می خورد، بین مسلمانان نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

## جایگاه انتظار در فرهنگ شیعه

### اشاره

در یک بررسی کوتاه، روایاتی که سخن از انتظار گفته اند، به دو دسته کلی تقسیم می شود:

### ۱. انتظار فرج به معنای عام

### اشاره

در این معنا، آموزه های دینی بر آن است تا افزون بر بیان فضیلت «گشایش عمومی» و امید به آینده، و سوق انسان ها به این عرصه، نومیادی را نیز مورد نکوهش قرار داده، از ورود جوامع بشری به آن جلوگیری کند.

اهتمام آموزه های اسلامی در بیان معنای عام انتظار و امید، تا بدان حد بوده که از آن با بلندترین عنوان ها یاد نموده، ارزش های شگفت آوری برای آن ذکر کرده است. برخی از این عنوان ها بدین قرار است.

### ۱۱. عبادت و بندگی

قرآن و اهل بیت علیهم السلام، به ما می آموزند که هدف از آفرینش، بندگی خداوند است. (۱)

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم یکی از نمادهای این بندگی را انتظار گشایش دانسته، می فرماید:

إِنْتَظِرُوا الْفَرَجَ عِبَادَةً؛ (۲)

انتظار فرج عبادت است.

از آن جا که بیشتر عبادت ها در شمار رفتار انسان است، می توان نتیجه گرفت این جا نیز مقصود از انتظار، مجموعه رفتاری خاص است.

### ۱۲. برترین عبادت

برخی عبادت ها بر برخی دیگر برتری دارد؛ از این رو انجام آن، افزون بر آن، که مورد تأکید آموزه های دینی است، از

پاداش افزون تری نیز برخوردار است و نقش آن، در سازندگی انسان بیشتر است.

---

۱- ذاریات(۵۱): آیه ۵۶.

۲- اربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۲، ص ۱۰۱؛ شیخ طوسی، آمالی، ص ۴۰۵.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم پس از آن که انتظار فرج را در زمره عبادت های خداوند دانسته است، آن را یکی از برترین عبادت ها برشمرده، می فرماید:

أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ؛ (۱)

برترین عبادت انتظار فرج است.

### ۱۳. برترین کارها

گاهی آن را برترین کارهای امت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم معرفی می کند.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در این باره می فرماید:

أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؛ (۲)

برترین کارهای امت من، انتظار فرج از جانب خداوند است.

### ۱۴. فرج بودن خود فرج

امروزه، از نظر دانش روانشناسی ثابت شده است امید داشتن، نقش بسیار مهمی در رفتارهای اجتماعی دارد. به بیان دیگر انتظار آینده ای روشن و درخشان، باعث می شود زندگی کنونی انسان نیز از روشنایی و پویایی برخوردار شود.

در برخی روایات مربوط به انتظار فرج به این حقیقت ارزشمند، این گونه اشاره شده است که خود انتظار فرج، نوعی فرج و گشایش است.

در این باره امام سجاد علیه السلام فرمود:

إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنْ أَعْظَمِ الْفَرَجِ؛ (۳)

انتظار گشایش، خود از بزرگ ترین گشایش ها است.

### ۱۵. برترین جهاد

در آموزه های دینی، جهاد و کوشش در راه خدا، یکی از مهم ترین رفتارهای فردی و گروهی مسلمانان معرفی شده است.

آیات فراوانی از قرآن و روایات بسیاری از معصومان علیهم السلام به حقیقت این رفتار ارزشمند اشاره کرده است.

---

- ۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۷؛ ر.ک: ترمذی، سنن، ج ۵، ص ۵۶۵.
- ۲- شیخ صدوق، عیون اخبارالرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۶؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۴۴
- ۳- طبرسی، احمد بن علی، احتجاج، ج ۲، ص ۳۱۷؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۹.



درباره اهمیت انتظار فرج افزون بر آنچه مورد اشاره قرار گرفت به روایاتی بر می خوریم که بسی شگفتی آور است و آن، این که انتظار را فقط «جهاد» که «برترین جهاد» دانسته است. از این نوع روایات نیز به خوبی استفاده می شود انتظار، از نوع عمل است.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم برترین جهاد بودن انتظار فرج را این گونه بیان فرموده است:

أَفْضَلُ جِهَادِ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ؛<sup>(۱)</sup>

برترین جهاد امت من انتظار گشایش است.

در مقابل آموزه های بالا، یأس و ناامیدی از رحمت پروردگار، به شدت مذمت شده و در شمار گناهان بزرگ به حساب آمده است.<sup>(۲)</sup>

## ۲. انتظار فرج به معنای خاص

در این معنا، انتظار به معنای چشم به راه بودن آینده ای با تمام ویژگی های یک جامعه، مورد رضایت خداوندی است که یگانه مصداق آن دوران حاکمیت آخرین ذخیره الهی وجود مقدس حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

برخی سخنان معصومان علیهم السلام در این باره این گونه است:

امام باقر علیه السلام آن گاه که دین مورد رضایت خداوند را تعریف می کند پس از شمردن اموری می فرماید:

...وَالْتَّسْلِيمُ لِأَمْرِنَا وَالْوَرَعُ وَالتَّوَضُّعُ وَإِنْتِظَارُ قَائِمِنَا...؛<sup>(۳)</sup>

... و تسلیم به امر ما، و پرهیزکاری و فروتنی، و انتظار قائم ما...

امام صادق علیه السلام فرمود:

عَلَيْكُمْ بِالتَّسْلِيمِ وَالرَّدِّ إِلَيْنَا وَإِنْتِظَارِ أَمْرِنَا وَآمْرِكُمْ وَفَرَجِنَا وَفَرَجِكُمْ؛<sup>(۴)</sup>

بر شما باد به تسلیم و رد امور به ما و انتظار امر ما و امر خودتان و فرج ما و فرج خودتان.

۱- حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، ص ۳۷.

۲- ر.ک: سوره یوسف (۱۲): آیه ۸۷.

۳- شیخ کلینی، کافی، ج ۲، ص ۲۳، ح ۱۳.



از روایات انتظار ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به دست می آید انتظار ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نه فقط راه رسیدن به جامعه موعود است؛ بلکه خود نیز موضوعیت دارد؛ بدان معنا که اگر کسی در انتظار راستین به سر برد، تفاوتی ندارد که به مورد انتظار خویش دست یابد یا دست نیابد.

در این باره شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: «چه می فرمایید درباره کسی که دارای ولایت پیشوایان است و انتظار ظهور حکومت حق را می کشد و در این حال از دنیا می رود؟»

حضرت علیه السلام در پاسخ فرمود:

هُوَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ كَانَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ. ثُمَّ سَكَتَ هَنِيئَةً، ثُمَّ قَالَ: «هُوَ كَمَنْ كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ؛ (۱)

او همانند کسی است که با حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف در خیمه او باشد». سپس کمی سکوت کرد و فرمود: «مانند کسی است که با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در مبارزاتش همراه بوده است».

## انواع انتظار

### اشاره

به رغم روشنی و قطعیت معنای راستین انتظار، تفاسیر و برداشت های مختلفی از آن ارائه شده است. بخش عمده این برداشت ها، مربوط به فهم اندیشوران و دانشمندان و بخش دیگر، مربوط به برداشت برخی شیعیان از مسأله انتظار است.

دو برداشت اصلی و عمده، در این زمینه، عبارت است از:

### ۱. انتظار صحیح و سازنده

انتظار سازنده، تحرک بخش و تعهد آور، همان انتظار راستینی است که در روایات، آن را «با فضیلت ترین عبادت» و «برترین جهاد امت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم» دانسته اند.

مرحوم مظفر در گفتاری کوتاه و جامع، انتظار را این گونه تفسیر کرده است که:

معنای انتظار ظهور مصلح حقیقی و نجات بخش الهی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این نیست که مسلمانان در وظایف دینی خود دست روی دست گذاشته و در آنچه بر آن ها واجب

است، مانند یاری حق، زنده کردن قوانین و دستورهای دینی، جهاد و امر به معروف و نهی از منکر فروگذاری کنند و به این امید که قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف بیاید و کارها را درست کند، از آن ها دست بردارند. هر مسلمان، موظف است خود را به انجام دستورهای اسلام مکلف بداند؛ برای شناسایی دین از راه صحیح، از هیچ کوششی فروگذاری نکند و به توانایی خود از امر به معروف و نهی از منکر دست نکشد؛ همچنان که پیامبر بزرگوار صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»؛<sup>(۱)</sup> «همه شما رهبر یک دیگر و در راه اصلاح هم مسؤول هستید».

بر این اساس، یک مسلمان نمی تواند به دلیل انتظار به ظهور مهدی مصلح، از وظایف مسلم و قطعی خود دست بکشد یا کوتاه بیاید؛ چه، انتظار به ظهور، نه اسقاط تکلیف می کند و نه مجوز تأخیر انداختن عمل را می دهد. سستی در وظایف دین و بی تفاوتی به آن به هیچ وجه جایز نیست.<sup>(۲)</sup>

کوتاه سخن این که: فرهنگ راستین انتظار با سه رکن اساسی استوار است:

الف. نارضایتی و یا قانع نبودن از وضع موجود؛

ب. امید داشتن به آینده بهتر؛

ج. حرکت و تلاش برای گذر از وضع موجود و قرار گرفتن در وضع مطلوب.

## ۲. انتظار غلط و ویرانگر

انتظار ویرانگر، فلج کننده و باز دارنده که در واقع نوعی «اباحی گری» است، همواره مورد مذمت و سرزنش بزرگان دین قرار گرفته است و این بزرگان پیروان مکتب اهل بیت را از آن پرهیز داده اند.

علامه مطهری قدس سرّه در این باره می نویسد:

[این نوع انتظار حاصل برداشت قشری مردم از مهدویت و قیام و انقلاب مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف است که صرفاً ماهیت انفجاری دارد؛ فقط و فقط از

۱- قشیری، مسلم بن حجاج، صحیح، ج ۳، ص ۲۰؛ بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح، ج ۲، ص ۱۸؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۳۸.

۲- مظفر، محمد رضا، عقاید الامامیه، ترجمه: علی رضا مسجدجامعی، ص ۱۱۸.

گسترش و اشاعه و رواج ستم‌ها، تبعیض‌ها، اختناق‌ها، حق‌کشی‌ها و تباهی‌ها ناشی می‌شود.

نوعی سامان یافتن است که معلول پریشان شدن است. آن گاه که حق و حقیقت طرفداری نداشته باشد، باطل، یگانه‌تاز میدان گردد و جز نیروی باطل نیرویی حکومت نکند و فرد صالحی در جهان یافت نشود، این انفجار رخ می‌دهد و دست‌غیب برای نجات حقیقت‌نه‌اهل حقیقت؛ زیرا حقیقت، طرفداری ندارد از آستین بیرون می‌آید؛ بنابراین هر اصلاحی محکوم است؛ زیرا هر اصلاح یک نقطه روشن است و تا در صحنه اجتماع، نقطه روشنی هست دست‌غیب ظاهر نمی‌شود.

برعکس، هر گناه، فساد، ستم، تبعیض، حق‌کشی و هر پلیدی به حکم این که مقدمه صلاح کلی است و انفجار را قریب الوقوع می‌کند روا است؛ زیرا [هدف وسیله‌های نامشروع را مشروع می‌کند]؛ پس بهترین کمک به تسریع در ظهور و بهترین شکل انتظار، ترویج و اشاعه فساد است...

این نوع برداشت از ظهور و قیام مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و این نوع انتظار فرج که به نوعی تعطیل در حدود و مقررات اسلامی منجر می‌شود و نوعی «اباحی‌گری» باید شمرده شود، به هیچ وجه با موازین اسلامی و قرآنی وفق نمی‌دهد. (۱)

بنیانگذار نظام اسلامی ایران، در بیاناتی ارزشمند پس از بیان برداشت‌های نادرست از انتظار، به شدت کسانی را که چنین تصوراتی دارند، مذمت کرده است. (۲)

بنابراین منتظر راستین، برای چنان برنامه مهمی، هرگز نمی‌تواند نقش تماشاگر را داشته باشد؛ بلکه باید از هم‌اکنون به طور حتم در صف یاران آن حضرت قرار گیرد؛ چرا که ایمان به نتایج و عاقبت این تحوّل بزرگ، هرگز به او اجازه نمی‌دهد در صف مخالفان باشد و قرار گرفتن در صف موافقان نیز محتاج داشتن «اعمال پاک» و «روحی پاک‌تر» و برخورداری از «شهامت» و «آگاهی» کافی است.

۱- مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدی علیه السلام، ص ۵۴ (با تصرّف).

۲- موسوی خمینی، روح‌الله، صحیفه نور، ج ۲۱ (۱۴ فروردین ۱۳۶۷ ش).

## اشاره

پیش تر گفته شد، دست کم سه مؤلفه در شکل گیری انتظار، نقش اساسی دارد:

## الف. قانع نبودن از وضع موجود

بدون تردید وضع موجود در عصر غیبت، دارای کاستی هایی است که هر انسان کمال طلب را ناراضی خواهد کرد. این کاستی ها به طور عمده از عدم حضور ظاهری امام ناشی شده است.

در باور شیعه است که آخرین پیشوای معصوم به دلایلی که برخی از آن ها بر ما پوشیده است، غایب شده است. (۱) این پنهان بودن باعث شده است جامعه بشری از فواید ظاهری آن امام معصوم بی بهره باشد. یک منتظر راستین، کسی است که نه فقط به سبب محروم بودن خود از حضور ظاهری امام وضع موجود را بر نمی تابد که محروم بودن جامعه بشری از نعمت حضور ظاهری امام نیز او را آزار می دهد. او بر خود لازم می داند همه عواملی را که باعث غیبت آن حضرت شده است، به اندازه توان خود برطرف کند.

## ب. امید و توقع دستیابی به وضع مطلوب

یکی از نعمت های بزرگ خداوند در نهاد انسان، کمال طلبی او است، به گونه ای که تمام فعالیت های خود را در سمت آن، سوق می دهد.

## ج. حرکت و تلاش برای گذر از وضع موجود و قرار گرفتن در وضع مطلوب

## اشاره

انسان، به دلیل دارا بودن ظرفیت های فراوان، همواره در جهت رشد معنوی و فکری خود در تلاش است. او در انتظار، در پی روزگاری است که زمینه ها و شرایط دست به هم داده، تمام قوه های او در جهت رشد و تعالی به فعلیت رسد.

از سوی دیگر، شکی نیست که غیبت آخرین پیشوای معصوم، باعث می شود برخی از راه های کمال بر انسان و جامعه بسته شود. در انتظار، امید به دستیابی وضع بهتر، مؤلفه ای اساسی است که انسان را از رکود و خمودگی برحذر می دارد و او را به تلاش در راه رسیدن به وضع مطلوب وا می دارد. در این صورت، اگر به دلایلی به وضع

١- شيخ كليني، كافي، ج ١، ص ٣٣٨، ح ٩؛ نعماني، الغيه، ص ١٦٦، ح ٦.

مطلوب هم نرسید، به دلیل اهتمام و سعی او، خداوند پاداش کسانی را آن مرحله را درک می کنند به او خواهد داد.

این امیدواری، ناگزیر مراحل را در بر خواهد داشت که برخی بدین قرارند:

### ۱. آگاهی به عدم حضور ظاهری امام

بسیاری از مواقع، انسان در زندگی کمبودی دارد؛ اما به سبب آن که به آن کمبود آگاهی ندارد، هرگز در پی رفع آن کمبود هم نمی رود و هرگز برای جبران آن کاستی از خود تلاشی نشان نمی دهد؛ پس در نخستین مرحله انتظار، می بایست آگاه شد که حجت الهی در پرده غیبت است.

### ۲. احساس نیاز به وجود امام حاضر

ممکن است در عصر پنهان زیستی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کسی به غیبت آن حضرت آگاهی هم داشته باشد؛ اما هرگز به این دیدگاه نرسیده که جامعه بشری نیازمند چنین رهبری الهی است. به بیان دیگر، مؤلفه پیشین وجود دارد؛ امّا فرد هرگز به آن حجت الهی احساس نیاز پیدا نکرده است. او بر این باور است که مردم، چه نیازی به امام معصوم دارند، در حالی که زندگی خود را سپری می کنند.

به طور دقیق، این گونه است که چنین کسی هرگز نمی تواند انتظار ظهور حضرتش را درون خود ایجاد کند. و در مقابل، هر کس احساس نیاز بیشتری به حضور و ظهور امام را در درون خود شاهد باشد، به همان نسبت، روحیه انتظار در او بیشتر است.

### ۳. یقین به ظهور امام غایب

شکی نیست کسانی که به ظهور امام غایب یقین ندارند، در انتظار نیز نخواهند بود؛ بلکه انتظار برای آن ها بی معنا خواهد بود. همان گونه که میلیاردها انسان امروزه در حالی زندگی خود را سپری می کنند که هرگز در انتظار راستین آمدن چنین انسانی نیستند؛ چون به آمدن چنین شخصی باور قطعی ندارند.

در مقابل، هر قدر آگاهی و یقین شخص به ظهور امام علیه السلام بیشتر و عمیق تر باشد، انتظارش به آن، بیشتر است. اگر شک و تردیدی در اصل وقوع آن داشته باشد یا



اعتقادش به آن سست و ضعیف باشد، انتظارش هم به همان اندازه کم و ضعیف و سست خواهد بود و چه بسا به صفر برسد. پیشوایان معصوم علیهم السلام با در نظر گرفتن این نکته اساسی، همواره در سخنان نورانی خود، باور قطعی به ظهور آخرین حجت الهی را تقویت کرده، از هر گونه ناامیدی، ایشان را پرهیز می دادند.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

قیامت بر پا نمی شود، تا این که قیام کننده ای به حق از خاندان ما قیام کند و این، هنگامی است که خداوند به او اجازه فرماید. هر کس از او پیروی کند، نجات می یابد و هر کس از او سرپیچد، هلاک خواهد شد (۱).

#### ۴. دوست داشتن ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

کسی که به ظهور امام زمان علیه السلام معتقد است و وقوع آن را هم نزدیک می بیند، هر قدر ظهور موعود را بیشتر دوست بدارد، انتظارش برای آن بیشتر خواهد بود و اگر آن را خوش نداشته باشد، انتظارش ضعیف و سست می شود. این دوست داشتن فقط زمانی به وجود می آید که مؤمنان، تصویر روشنی از زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف داشته باشند، تا این که نه فقط از آن نهراسند، بلکه برای وقوعش لحظه شماری کنند.

متأسفانه تصویرسازی دوران ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همواره از افراط ها و تفریط هایی برخوردار بوده است. گاهی دوران حکومت آن حضرت را سخت ترین و تلخ ترین دوران یاد می کنند و گاهی آن دوران را دوران رفاه و آسایش و تن پروری معرفی می نمایند که بدون تردید، هر دو تصویر، زیان های خود را در باورهای جامعه گذاشته است.

#### ۵. نزدیک دانستن ظهور

اگر چه انتظار با مؤلفه های یاد شده تحقق می یابد، نزدیک دانستن ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می تواند بر شدت انتظار افزوده، آمادگی فرد را افزایش دهد.

۱- . شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۵۹؛ ر.ک: اربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۲، ص ۴۵۹.

نزدیک دانستن ظهور باعث می شود توجه به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیش از پیش افزایش پیدا کند، مشکلات دیگر، تحت الشعاع قرار گرفته، تمام رفتار در راستای رضایت آن حضرت انجام شود.

## آثار فردی و اجتماعی تربیتی انتظار

### اشاره

اگر کسی به راستی به تمام شرایط انتظار، پایبند بود و بایسته های مورد نظر را انجام داد، آثاری تربیتی برای وی در پی خواهد داشت که برخی چنین است:

### ۱. گسترش امیدهای واقعی

همان گونه که پیش از این یاد شد، انسان برای تداوم زندگی و تحمل دشواری های آن، نیازمند انگیزه ای نیرومند است که در پدیده ای با نام «امید به آینده» تجلی می یابد؛ آینده ای که به مراتب، عالی تر، زیباتر و بهتر از امروز باشد؛ این مسأله به ویژه برای جوانان دارای اهمیت بیشتری است؛ زیرا آنان می توانند در پرتو «امید به فردایی بهتر» به نیروی فراوان خود، جهت و معنا بخشند.

از روایات نورانی معصومان علیهم السلام استفاده می شود که انتظار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، سبب گسترش امید راستین می شود. این مهم، نه فقط بر پیروان این مکتب سترگ روشن است که بر بیگانگان نیز محرز است. یکی از نویسندگان معاصر درباره امیدبخشی این اعتقاد زندگی بخش حکایتی نقل کرده که خالی از لطف نیست. وی می گوید:

در یک جلسه هفتگی که با یک استاد فرانسوی محقق در تشیع (هانری کرین) تشکیل می شد، از پروفیسور سؤال شد: «آیا راست است که پس از جنگ، بازگشت محسوس در اروپا به معنویات و دینداری پیدا شده است؟» پاسخ داد: «کاتولیک ها خیلی فعالیت می کنند؛ ولی فایده ندارد. مسیحیت دین پیشین و مرده است و پاسخ سؤال روز و انتظارات آینده را نمی تواند بدهد. اسلام با آن که دین تازه تری است، برای اهل تسنن که پا از زمان پیغمبر جلو نگذاشته اند، با «خاتمیت» باب معنویت و تربیت، بسته می شود و ناظر به آینده نیست. فقط اقلیت «شیعه» هستند که با اعتقاد و انتظار «امام غایب»، امیدوارانه به آینده دنیا و دارای روح و دل، زنده اند و مسایل فلسفی و

مشکلات زندگی را با نظر و اعتقاد و امید دیگری طرح می کنند. شیعه نه فقط برای آینده، مهره معجزه آسایی در چنته دارد، بلکه به گذشته نیز مایه های افتخار و اتکای فراوان دارد؛ پیش رویش علی علیه السلام است که مادر دهر، مانند او نزاییده و نخواهد زاید». (۱)

## ۲. پویایی در جهت رسیدن به هدف

زندگی انسان آن زمان قابل توجیه است که آثار حرکت، پویایی و شادابی در تمام زوایای آن به چشم خورد. آن گاه که انسان، به وضعیت موجود راضی نیست و در صدد ایجاد شرایطی بهتر است، همانا در انتظار به سر می برد. این اثر ارزنده در جوامع شیعی به روشنی تمام دیده می شود؛ به گونه ای که آن را از دیگر جوامع به روشنی تمام، متمایز و برجسته ساخته است.

## ۳. ایجاد وحدت و همگرایی

انتظار افزون بر آثار فردی دارای آثار اجتماعی فراوانی نیز است که از مهم ترین آن ها می توان به وحدت، انسجام و همدلی بین منتظران اشاره کرد. این همدلی، به سبب توجه به هدف مشترکی است که در مسأله انتظار به روشنی تمام در چشم انداز آن، قابل رؤیت است.

امروزه ثابت شده است افرادی که در پی هدفی مشترک هستند، از عملکردی مشابه برخوردارند؛ به گونه ای که هم گرایی در آن ها در مقایسه با جوامع دیگر، بیشتر به چشم می خورد. در جامعه شیعی، انتظار ظهور مردی از سلاله پاک رسول گرامی اسلام عجل الله تعالی فرجه الشریف باعث شده است تمام پیروان این آرمان مقدس، از همدلی بسیار خوبی برخوردار باشند.

## ۴. احساس حضور

یکی دیگر از آثار غیر قابل تردید در انتظار راستین، احساس حضور در محضر آن امام غایب و احساس حضور آن امام غایب در زندگی است. یک منتظر راستین، همواره بر این باور است که تمام رفتار و اعمال او در نگر گاه آن امام پنهان است و این خود در

۱- لامعی، شعبان علی، قدیس، ص ۲۵۹، به نقل از: مرجعیت و روحانیت، ص ۱۶۰.

اصلاح رفتار وی بسیار مؤثر است. این مهم، نه فقط به اصلاح فرد منجر می شود که رفته رفته به اصلاح و سلامت اخلاقی جامعه می انجامد که خود در زمینه سازی ظهور، نقشی بس مهم و انکار ناپذیر خواهد داشت.

بنابراین انتظار یک «مصلح جهانی» به طور قطع به معنای آماده باش کامل فکری، اخلاقی، مادی و معنوی برای اصلاح همه جهان است. اصلاح تمام روی زمین و پایان دادن به همه ظلم ها و نابسامانی ها، شوخی نیست و نمی تواند کار ساده ای باشد. آماده باش برای چنین هدف بزرگی، باید متناسب با آن باشد؛ یعنی، باید به گستردگی و عمق آن باشد. افزون بر آن، این که منتظران راستین وظیفه دارند مراقب حال یک دیگر نیز باشند و علاوه بر اصلاح خویش، در اصلاح دیگران نیز بکوشند؛ زیرا برنامه عظیم و سنگین که منتظر آنند، یک برنامه فردی نیست.

## خودآزمایی

۱. انتظار فرج را از دیدگاه لغت و اصطلاح توضیح دهید.

۲. «انتظار فرج به معنای عام» به چه معنا است؟ آن را بیان کنید.

۳. انواع انتظار را نام برده، هر یک را شرح دهید.

۴. سه اثر از آثار فردی انتظار را توضیح دهید.

۵. فرج بودن انتظار فرج یعنی چه؟ آن را بیان نمایید

===

## منابع برای پژوهش

۱. سید محمد بنی هاشمی، سلوک منتظران، تهران، منیر، ۱۳۸۲ ش.

۲. اسماعیل شفیعی سروستانی، استراتژی انتظار، تهران، موعود عصر، ۱۳۸۴ ش.

۳. ابراهیم شفیعی سروستانی، معرفت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و تکلیف منتظران، تهران، موعود عصر، ۱۳۸۵ ش.

۴. سید رضی سید نژاد، وظایف شیعیان در زمان غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، تهذیب، ۱۳۸۵ ش.

۵. سید محمد تقی موسوی اصفهانی، مکیال المکارم، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، تهران، بدر، ۱۳۷۹ ش.

## درس سیزدهم: منتظر، فضیلت ها، وظیفه ها

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

#### فضیلت منتظران

۱. منتظران راستین، برترین مردم همه روزگاران؛
۲. بسان حاضران در خیمه آن حضرت هنگام ظهور؛
۳. ثواب ایشان، مانند پاداش نمازگزار و روزه دار؛
۴. گرامی ترین امت و رفیق پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم؛

...

چرا این همه فضیلت و پاداش؟

بایسته های عصر انتظار

الف) بایسته های عام؛

ب) بایسته های خاص.

**پیش درآمد**

در آموزه های ارزنده معصومان علیهم السلام آن چنان جایگاه و منزلتی برای منتظران راستین حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برشمرده شده است که به راستی جای شگفتی و تعجب است و این پرسش را پیش رو قرار می دهد که چگونه ممکن است چنین حالتی از چنین ارزشی والا برخوردار باشد. البته توجه به جایگاه ارجمند انتظار که پیش از این اشاره شد و نیز وظایف منتظران، تا حدودی می تواند پاسخی به این پرسش باشد.

اکنون به برخی فضایل و برتری های منتظران با استفاده از روایات معصومان علیهم السلام اشاره می کنیم.

**۱. منتظران راستین، برترین مردم همه روزگاران**

شخصیت انسان ها از رفتاری متأثر است که در زندگی انجام می دهند. این رفتارها بر اساس آموزه های دینی، دارای اعتبار و ارزش متفاوتی خواهند بود. از نگاه آیات و روایات معصومان علیهم السلام برترین انسان ها کسانی هستند که با رفتار خود اسباب رضایت و خوشنودی پروردگار جهانیان را فراهم می آورند.

از پاره ای روایات استفاده می شود به سبب شرایط ویژه ای که بر مردمان عصر انتظار حاکم است، اگر آن ها منتظر راستین باشند، جایگاه بسیار ارزشمندی خواهند داشت.

امام سجّاد علیه السلام در این باره فرمود:

...إِنَّ أَهْلَ زَمَانٍ غَيْبَتِهِ وَ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَ الْمُنتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ عَجَلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذِكْرُهُ أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَ الْأَفْهَامِ وَ الْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْعُغْيَةُ عَنْهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ...؛ (۱)

مردم زمان غیبت آن امام که به امامت و منتظر ظهور او معتقد هستند، از مردم هر زمانی برترند؛ زیرا خداوند، عقل و فهم و معرفتی به آن ها داده است که غیبت نزد آنان به منزله مشاهده است...

## ۲. بسان حاضران در خیمه آن حضرت هنگام ظهور

از مهم ترین آرزوهای تمام نیکان عالم، حضور در دورانی است که در آن اثری از فساد، بیداد و تباهی نباشد. این فضیلت، آن گاه به کمال خود می رسد که در زمان ظهور در نزدیک ترین موضع به رهبر قیام، یعنی در جایگاه فرماندهی که همانا خیمه آن حضرت است، حاضر باشد.

امام صادق علیه السلام در وصف منتظران راستینی که زمان ظهور را درک نمی کنند، فرمود:

مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ عَلَى هَذَا الْأَمْرِ مُنْتَظِرًا كَانَ كَمَنْ هُوَ فِي الْفُسْطَاطِ الَّذِي لِلْقَائِمِ؛ (۲)

هر کس از شما از دنیا برود، در حالی که بر منتظر این امر است، مانند کسی است که در خیمه گاه آن حضرت است.

## ۳. ثواب ایشان مانند پاداش نمازگزار و روزه دار

از برترین عبادت ها، نماز و روزه است. از روایات استفاده می شود آن گاه که شخصی به انتظار روزگار سپری می کند، بسان کسی است که در حال نماز و روزه است.

امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید:

وَاعْلَمُوا أَنَّ الْمُنتَظِرَ لِهَذَا الْأَمْرِ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ...؛ (۳)

و آگاه باشید همانا پاداش منتظر این امر، مانند پاداش روزه دار شب زنده دار است....

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۹، ح ۲.

۲- ر.ک: شیخ کلینی، کافی، ج ۵، ص ۲۲، ح ۲؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۵۷؛ نعمانی، الغیبه، ص ۲۰۰، ح ۱۵.

۳- شیخ کلینی، کافی، ج ۲، ص ۲۲۲، ح ۴.



#### ۴. گرامی ترین امت و رفیق پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

از توفیق های بی مانند آن است که کسی در جایگاهی نزدیک برترین انسان ها قرار گیرد. در میان انسان ها چه کسی شریف تر از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم که اشرف پیامبران الهی و محبوب ترین موجودات نزد خداوند است. حال، کسی که در عصر انتظار، آن گونه که بایسته و شایسته است زندگی کند، گرامی ترین از امت پیامبر و در جوار آن بزرگوار خواهد بود. که خود آن حضرت علیه السلام فرمود:

...أَوْلَيْكَ رُفَقَائِي وَأَكْرَمُ أُمَّتِي عَلَيَّ؛ (۱)

ایشان رفقای من و گرامی ترین امت من هستند.

#### ۵. بسان مجاهدان در راه خدا در رکاب حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم

از شریف ترین انسان ها می توان به مجاهدان در راه خداوند اشاره کرد. این فضیلت، آن گاه به کمال می رسد که این مجاهدت در جوار انسان کامل و رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم باشد.

از فضیلت هایی که برای منتظران شمرده شده، این است که ایشان را مانند کسانی دانسته که به همراه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در راه خدا به جهاد برخاسته اند. (۲)

#### ۶. پاداش هر یک از آن ها برابر هزار شهیدان صدر اسلام

##### اشاره

و سرانجام آنچه شگفتی را به اوج می رساند، آن است که در برتری منتظران راستین و ثابت قدمان بر ولایت اهل بیت علیهم السلام سخن از پاداشی افزون بر هزار شهید از شهیدان صدر اسلام به میان آمده است.

امام سجاد علیه السلام در این باره فرمود:

مَنْ ثَبَّتَ عَلَيَّ مَوَالِيَنَا فِي غَيْبِهِ قَائِمًا أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَأُحُدٍ؛ (۳)

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۶، ح ۳.

۲- شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۶۸، ۳۶؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۷، ح

۳؛ ر.ک: شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۷۱، ح ۲.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۳، ح ۶.

هر کس بر دوستی ما در دوران غیبت قائم ما ثابت و استوار بماند، خداوند پاداش هزار شهید از شهیدان بدر و احد به او ارزانی می‌دارد.

برخی از این فضایل در حدیث لوح حضرت زهرا علیها السلام نیز به بیانی زیبا یاد شده است. (۱)

اما در پاسخ به این پرسش که «چرا این همه فضیلت و پاداش قرار داده شده است؟» چند نکته اساسی را باید مورد توجه قرار داد.

### ۱. انتظار، حلقه اتصال شیعه با امام معصوم علیه السلام

چنان که می‌دانید «ولایت» و «امامت» رکن اساسی مکتب تشیع است و اعتقاد به ضرورت وجود حجت خدا در هر عصر و زمان، از مهم‌ترین نقاط تمایز این مکتب از دیگر مکتب‌ها است. از دیدگاه شیعه، پذیرش ولایت معصومان علیهم السلام و به طور کلی تسلیم برابر امام و حجت عصر، سرآمد همه فضیلت‌ها و شرط اساسی قبولی همه اعمال عبادی است.

با توجه به این نکات در می‌یابیم که «انتظار» در زمان غیبت و عدم حضور ظاهری امام در جامعه به نوعی اعلام پذیرش ولایت و امامت واپسین امام از سلسله امامان شیعه است و همین انتظار سبب می‌شود ارتباط قلبی و معنوی، حفظ شود و آن‌ها در همه اعصار از فیض وجود امامشان برخوردار باشند.

### ۲. انتظار، معیار ارزش انسان‌ها

امیدها و آرزوها واقعی انسان‌ها معیار خوبی برای سنجش میزان رشد، کمال و تعالی آن‌ها است؛ تا آن‌جا که برخی می‌گویند: «بگو چه آرزویی داری تا بگویم کیستی». آرزوهای بلند، متعالی و ارزشمند از کمال روح و رشد شخصیت انسان‌ها و بلندای همّت آن‌ها حکایت می‌کند. به عکس آرزوهای خرد، حقیر و بی‌ارزش که از بی‌همّتی و رشد نیافتگی افراد نشان دارد.

بنابراین چون انسان منتظر برترین و ارزشمندترین امیدها و آرزوهای ممکن را داراست، به طور طبیعی و والاترین ارزش‌ها نیز برخوردار است.

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۳، باب ۲۸، ح ۱.

### ۳. انتظار عامل پویایی و سازندگی فرد و جامعه

چنان که از مطالب بعدی (بایسته های انتظار) روشن خواهد شد، انتظار، نقش مهمی در سازندگی، پویایی و اصلاح فرد و جامعه در زمان غیبت دارد. اگر انسان منتظر، به وظایفی که برای او شمرده شده است عمل کند، به الگوی مطلوب انسان دیندار دست یافته و از جایگاه و مرتبه والایی برخوردار می شود.

به عبارت دیگر، انسان منتظر با رعایت همه شرایط انتظار به همان شأن و منزلتی که مورد انتظار دین اسلام است، رسیده و به بالاترین نقطه کمال می رسد. (۱)

#### بایسته های عصر انتظار

##### اشاره

درباره وظایف و مسئولیت های منتظران، سخن های بسیاری گفته شده است؛ اما در حدّ اختصار می توان گفت وظایف انسان ها در این دوران به دو دسته تقسیم می شود:

#### الف. وظایف عام

##### اشاره

این وظایف، در سخنان معصومان علیهم السلام در شمار تکالیف عصر غیبت یاد شده است؛ اما ویژه این دوران نیست و لازم است در همه زمان ها انجام شود. شاید ذکر آن ها در شمار وظایف دوران غیبت برای تأکید بوده است.

برخی از این وظایف، بدین قرار است:

#### ۱. شناخت امام هر زمان

از وظایفی که در هر زمان به ویژه در عصر غیبت برای پیروان آموزه های اسلامی مورد تأکید و سفارش واقع شده، تحصیل شناخت و معرفت امام آن زمان است.

امام صادق علیه السلام خطاب به فضیل فرمود:

اعْرِفْ إِمَامَكَ فَإِنَّكَ إِذَا عَرَفْتَ لَمْ يَضُرَّكَ تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّرَ؛

امام خود را بشناس که اگر امام خود را شناختی، دیر و زود شدن این امر، آسیبی به تو نخواهد رساند... (۲).

---

۱- شفیعی سروستانی، ابراهیم، انتظار، باید و نبایدها، ص ۲۴۲۱ (با تصرّف).

۲- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۷۱، ح ۲.

بی گمان شناخت امام از شناخت خداوند متعال جدا نیست؛ بلکه یکی از ابعاد آن است؛ چنان که در دعای شریف معرفت، به خداوند متعال عرض می کنیم:

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسِكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيكَ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حَجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حَجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حَجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي؛ (۱)

خدایا! خودت را به من بشناسان که اگر خود را به من نشناسانی پیامبرت را نمی شناسم. خدایا! رسول خود را به من بشناسان که اگر رسول خود را به من نشناسانی، حجت تو را نمی شناسم. خدایا! حجتت را به من بشناسان که اگر حجت خود را به من نشناسانی، از دین خود، گمراه می شوم.

امیر مؤمنان علی علیه السلام در این باره فرمود:

...وَ إِنَّمَا الْمَأْتِمَةُ قُوَامُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ عَرَفَاؤُهُ عَلَى عِبَادِهِ وَ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفَهُمْ وَ عَرَفُوهُ وَ لَا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرَهُمْ  
...؛

پیشوایان، مدیران الهی بر مردمند و رؤسای بندگان اویند. هیچ کس جز کسی که آن ها را بشناسد و آن ها نیز او را بشناسند وارد بهشت نخواهد شد و جز کسی که آن ها را انکار کند و آن ها نیز او را انکار کنند، داخل دوزخ نگردد... (۲)

از روایات معصومان علیهم السلام به روشنی استفاده می شود که همه فضیلت ها و ارزش ها در بندگی خدای متعال، به داشتن معرفت امام علیه السلام و ملتزم شدن به آن، بر می گردد؛ به طوری که اگر کسی این اکسیر گرانقدر را در اختیار داشته باشد، از نگاه آنچه مطلوب خداوند متعال است، هیچ کمبودی ندارد.

اما این که چگونه می توان به این شناخت رسید؟ به نظر می رسد هر حقیقت و واقعیتی خواه وجود عینی خارجی داشته باشد یا از امور عقلی باشد از راه شناخت مناسب خود، مانند حس و تجربه و فطرت و عقل و خواب و وحی قابل شناخت

۱- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۴۲.

۲- نهج البلاغه، ص ۲۱۲، خطبه ۱۵۲.

می باشد. بدیهی است این نظر به این معنا نیست که بگوییم همه اشیا و حقایق، از این راه شناخته شده اند؛ بلکه مقصود، این است که معرفت هر یک از اشیا و حقایق، از یک یا بیشتر از این راه ها امکان دارد؛ برای مثال از راه وحی، هر چیزی که خدا اراده شناساندن آن را به وسیله وحی اراده فرموده باشد، شناخته می شود.

امروزه با توجه به انبوه روایات معتبر، راه شناخت امام زمان علیه السلام باز است.

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام، فرمود:

«...امام، امانتدار الهی میان خلقش، و حجت او بر بندگانش، و خلیفه او در سرزمین هایش، و دعوت کننده به سوی خدا و دفاع کننده از حقوق واجب او بر بندگان است. امام، پاک شده از گناه و بر کنار گشته از عیب ها است که همه علم، به او اختصاص دارد و به حلم شناخته می شود. امام، نظام دهنده به دین و باعث سربلندی مسلمانان و خشم منافقان و از میان رفتن کافران است. امام، یگانه روزگار خویش است. هیچ کس در مقام، به منزلت او نزدیک نمی شود و هیچ عالمی با او برابری نمی کند و برای او جایگزین پیدا نمی شود و شبیه و مانند ندارد. همه فضیلت ها، مخصوص او است، بدون آن که آن ها را طلب کرده باشد؛ بلکه این، امتیازی است از طرف فضل کننده بسیار بخشنده، برای امام... (۱).

از گفتار بالا و ادامه روایت به دست می آید:

۱. ارزش امامت، بیشتر و شأن آن، والا-تر و جایگاهش بلندتر و درون آن، ژرف تر از آن است که اندیشه انسان ها - آن گونه که شایسته است - به آن راه یابد و بشر بتواند با عقل و درک خویش، امام را برگزیند.

۲. امامت زمام امور دین، نظام مسلمین، صلاح دنیا و عزت مؤمنان است. امامت، بنیاد بالنده و فرع نمایان اسلام است. تمامیت نماز، زکات، روزه، حج، جهاد، تقسیم عادلانه سرمایه های عمومی، اجرای احکام و حدود شرعی، پاسداری از مرزهای مملکت اسلامی، با امام تحقق می پذیرد.

۱- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۰۱.

۳. امام، بسان خورشیدی است که با نور خود، جهان را روشن می سازد و کسی را به بلندای آن دسترسی نیست. امام، آب گوارایی است که تشنگان هدایت را سیراب می سازد. امام و دلالت کننده به هدایت و رهاننده از گمراهی است. امام، چونان آتشی بر بلندی است که هم راه را به راهروان می نمایاند و هم به کسانی که از او گرمی بخواهند، گرما می بخشد و هر کس از او جدا شود، نابود می گردد.

۴. امام، امین خداوند میان مردم و حجت پروردگار بر بندگان و جانشین او در جهان است. امام، ما را به سوی خداوند فرا می خواند و از حرمت های الهی پاسداری می کند.

۵. امام، از گناهان، پاکیزه، از عیب ها پیراسته و از علم و حلم ویژه برخوردار است.

۶. امام، یگانه عصر خویش است؛ در دانش و فضیلت های انسانی نظیر و مانند ندارد. او فضیلت و دانش را از کسی نیاموخته است؛ بلکه خداوند بخشنده، به او ارزانی کرده است.

به راستی اگر فقط همین چند ویژگی را که این جا بیان شد، خوب متوجه شویم، قدم بلندی در راه شناخت امام برداشته ایم. آن گاه، در پس شناخت است که نوبت اطاعت و فرمان برداری فرا می رسد. (۱)

## ۲. پایداری در محبت اهل بیت علیهم السلام

یکی از وظایف مهم ما در هر عصر و زمان، محبت و دوستی با اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در جایگاه دوستان خداوند است. در دوران غیبت و افسوس پیشوای معصوم، به سبب پنهان زیستی امام، ممکن است عواملی انسان را از این وظیفه مهم دور سازد؛ از این رو در روایات، سفارش شده است که بر محبت به آن انوار مقدس پایدار باشیم.

فراموش نکنیم این محبت، دستور پروردگار متعال است. سال ها پیش از آن که آن حضرت، زندگی دنیایی خود را آغاز کند، انسان های پاک به او ابراز محبت کرده اند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، آن اشرف انبیا و افسوس فرستاده الهی، آن گاه که سخن از واپسین

---

۱- کامل ترین متن امام شناسی، زیارت معتبر و ارزشمندی است که از وجود مقدس امام هادی علیه السلام به ما رسیده و نام آن، زیارت «جامعه کبیره» است؛ یعنی بزرگ ترین و کامل ترین زیارتی که با آن، همه معصومان علیهم السلام را با هم زیارت می کنیم. این زیارت مورد توجه و علاقه همه بزرگان و عالمان دین است.

وصی خود به میان می آورد، در نهایت احترام، از بزرگ ترین واژگان محبت یعنی «بابی و امی؛ پدر و مادرم فدای او» بهره برده است؛ آن جا که می فرماید:

بَابِي وَ أُمِّي سَيِّمِي وَ شَبِيهِ وَ شَبِيهُ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ جُيُوبُ النُّورِ...؛ «پدر و مادرم فدایش باد! که او هم نام من و شبیه من و شبیه موسی بن عمران است که بر او نور هایی احاطه دارد... (۱).

نیز آن گاه که نگاه تیزبین علی بن ابیطالب علیه السلام اعصار و قرون را در می نوردد، زمان واپسین امام را نظاره می کند و چنین می فرماید:

فَانظُرُوا أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ فَإِنْ لَبِدُوا فَالْبِدُءُ، وَإِنْ اسْتَنْصَرُواكُمْ فَانصُرُوهُمْ، فَلْيَفْرَجَنَّ اللَّهُ [الْفِتْنَةَ] بِرَجُلٍ مِّنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ. بِأَبِي ابْنِ خَيْرِهِ الْأَمَاءِ؛ (۲)

به اهل بیت پیامبران بنگرید؛ اگر آن ها ساکت شدند و در خانه نشستند، شما نیز سکوت کرده به زمین بچسبید و اگر از شما یاری طلبیدند، به یاری آن ها بشتابید که البته خدای متعال، به دست مردی از ما اهل بیت، گشایش می بخشد. پدرم فدای او باد! که فرزند بهترین کنیزان است.

خلاد بن صفار می گوید: از امام صادق علیه السلام سؤال شد: «آیا قائم به دنیا آمده است؟» حضرت فرمود:

لَا وَ لَوْ أَدْرَكْتَهُ لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي؛ (۳)

نه؛ اگر او را درک کنم، روزهای زندگانیم را خدمتگذار او خواهم بود.

در روایتی شگفت انگیزتر، ششمین آفتاب سپهر ولایت و امامت فرموده است:

...أَمَا إِنِّي لَوْ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ لَأَبْقَيْتُ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ؛ (۴)

به درستی که اگر من آن روز را درک می کردم، جانم را برای صاحب این امر نگه می داشتم.

۱- خزاز قمی، علی بن محمد، کفایه الاثر، ص ۱۵۶.

۲- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۴، ص ۱۱۸ و ج ۴۱، ص ۳۵۳ و ج ۵۱، ص ۱۲۱.

۳- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۴، ص ۲۴۵، ح ۲۳.

۴- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۴، ص ۲۷۳، ح ۵۰.



با توجه به روایت های یاد شده، جای تردیدی نیست که محبت اهل بیت علیهم السلام - به ویژه آخرین حجت الهی - در دوران غیبت، کاری بس مهم و ارزشمند است.

### ۳. پرهیزگاری و رعایت تقوای الهی

پروای الهی، در همه زمان ها لازم و واجب است؛ اما در دوران غیبت به دلیل شرایط خاص، اهمیت بیشتری دارد؛ چرا که در این دوران، عوامل فراوانی دست به هم داده تا انسان ها را به بیراهه کشانده گمراه سازند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

همانا برای صاحب الامر غیبتی هست؛ پس بنده تقوای الهی پیشه کند و به دین او چنگ زند. (۱)

آن حضرت همچنین فرمود:

هر کس شاد می شود از آن که از یاران قائم باشد، پس می بایست پرهیزکار بوده، نیکویی های اخلاقی را عمل کند؛ در حالی که منتظر است؛ پس اگر از دنیا برود و پس از آن، قائم قیام کند، پاداشی مانند آن کس که قائم را درک نماید، خواهد داشت؛ پس کوشش کنید و منتظر باشید. گوارایتان باد ای گروه مورد رحمت الهی واقع شده! (۲)

### ۴. پیروی از دستور های امامان علیهم السلام

از آن جا که تمام امامان علیهم السلام نور واحدی هستند، دستور ها و فرموده های ایشان نیز یک هدف را دنبال می کند؛ بنابراین، پیروی از هر کدام، پیروی از همه آن ها است. در زمانی که یکی از آن ها در دسترس نیست، دستور های دیگران چراغ راه هدایت است.

امام صادق علیه السلام در پاسخ کسی که گفت: «شنیده ایم صاحب الامر غایب خواهد شد؛ پس چه کنیم؟» فرمود:

چنگ بزنید به آنچه [از پیشوایان قبل] در دستتان است، تا این که امر بر شما آشکار شود. (۳)

۱- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۶؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۵۱.

۲- نعمانی، الغیبه، ص ۲۰۰.

۳- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۵۹، ح ۵ و ۴.

یونس بن عبدالرحمان گوید بر موسی بن جعفر علیه السلام وارد شدم و گفتم: «ای فرزند رسول خدا! آیا شما قائم هستید» فرمود:

من قائم به حق هستم؛ ولی قائمی که زمین را از دشمنان خدا پاک سازد و آن را از عدل و داد سرشار سازد همچنان که پر از ظلم و جور شده باشد، او پنجمین از فرزندان من است. او را غیبتی طولانی است، زیرا بر نفس خود می هراسد و گروه هایی در آن غیبت، مرتد شده و گروه هایی دیگر در آن ثابت قدم خواهند بود.

آن حضرت سپس فرمود:

خوشا بر احوال شیعیان ما! که در غیبت قائم ما به رشته ما چنگ زند و بر دوستی ما و بی زاری از دشمنان ما ثابت قدم هستند؛ آن ها از ما و ما از آن هاییم. آن ها ما را به امامت و ما نیز آنان را به شیعه بودن پذیرفته ایم، پس خوشا بر احوال آن ها! به خدا سوگند! آنان در روز رستاخیز هم درجه ما هستند. (۱)

## ۵. دست گیری از ضعفا و فقیران

کمک به ضعفا و محرومان در همه زمان ها کاری بس ارزشمند است و در دین اسلام به آن سفارش شده است؛ اما به علت غیبت امام، در دوران غیبت ارزش بیشتری دارد.

امام باقر علیه السلام فرمود:

... هر آینه باید کمک نماید قوی شما ضعیفان را و باید عطوفت نماید ثروتمندان بر فقیران و خیرخواهی نماید فرد برای برادر دینی خود... پس اگر شخص در این حال از دنیا رفت پیش از آن که قائم ظهور کند، شهید از دنیا رفته است... (۲).

البته فقر، گاهی فقر اقتصادی و گاهی فقر فرهنگی و معنوی است.

## ب. وظایف خاص

### اشاره

وظایف خاص، وظایفی است که به نوعی با غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در ارتباط است.

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۶۱، باب ۳۴، ح ۵.

۲- طبری آملی، محمد بن ابی القاسم، بشاره المصطفی لشیعه المرتضی، ص ۱۱۳.

## ۱. دوستی با دوستان و دشمنی با دشمنان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

در روایات فراوانی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بر محبت و دوستی با اهل بیت علیهم السلام و دشمنی با دشمنان ایشان تأکید شده و این مربوط به همه زمان ها است؛ اما در برخی روایات به صورت ویژه به دوستی با دوستان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و دشمنی با دشمنان حضرت مهدی سفارش شده است.

امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کند که فرمود:

طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَهُوَ يَأْتُمُّ بِهِ فِي غَيْبَتِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ وَيَتَوَلَّى أَوْلِيَاءَهُ وَبُعَادَى أَعْدَاءَهُ، ذَلِكَ مِنْ رُفْقَائِي وَ ذَوِي مَوَدَّتِي وَأَكْرَمُ أُمَّتِي عَلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ (۱)

خوشا بر احوال کسی که قائم اهل بیت مرا درک کرده و در غیبت و پیش از قیامش پیرو او باشد؛ دوستانش را دوست بدارد و با دشمنانش دشمن باشد؛ چنین کسی در روز قیامت، از رفقا و دوستان من و گرامی ترین امت من خواهد بود.

## ۲. صبر بر سختی های دوران غیبت

امروزه کم نیستند افرادی که به دلیل هایی، باور به آن امام غایب و یاد آن حضرت را بر نمی تابند و در این راه، از هرگونه ایجاد مانع و اذیت و آزار فرو نمی گذارند. از آن جا که یکی از آموزه های مهم دینی صبر بر مشکلات و مصیبت ها است، لازم است در این دوران، بیش از هر زمان دیگر برابر این مشکلات و مصیبت ها شکیبایی داشته باشیم.

عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

سَيَأْتِي قَوْمٌ مِنْ بَعْدِكُمُ الرَّجُلُ الْوَاحِدُ مِنْهُمْ لَهُ أَجْرٌ خَمْسِينَ مِنْكُمْ. قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ نَحْنُ كُنَّا مَعَكَ بِيَدْرٍ وَأُحْدٍ وَ حُنَيْنٍ وَ نَزَلَ فِينَا الْقُرْآنُ. فَقَالَ: إِنَّكُمْ لَوْ تَحْمَلُوا [تَحْمَلُونَ] لِمَا حُمِّلُوا لَمْ تَصْبِرُوا صَبْرَهُمْ؛ (۲)

پس از سپری شدن دوران شما، مردمی بر سر کار خواهند آمد که هر فرد آنان، پاداش پنجاه تن از شما را داراست». عرض کردند: «ای رسول خدا! ما در جنگ بدر و احد و حنین در رکاب شما جنگیدیم و درباره ما آیاتی از قرآن

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۶، ح ۲.

۲- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۵۶؛ الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۴۹.

نازل شد». فرمود: «اگر شما آنچه را آن‌ها تحمل کردند، متحمل شوید، از صبر و شکیبایی آنان برخوردار نخواهید بود.

امام حسین بن علی علیهما السلام فرمود:

أَمَّا إِنَّ الصَّابِرَ فِي غَيْبَتِهِ عَلَى الْأَذَى وَالتَّكْذِيبِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِ بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدَي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ؛ (۱)

... اما صبرکننده بر اذیت و تکذیب در غیبت او، بسان مجاهدی است که با شمشیر در رکاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با دشمنان مبارزه کند.

### ۳. دعا برای فرج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

دعا و نیایش، در فرهنگ اسلامی جایگاه والایی دارد. یکی از مصادیق دعا می تواند رفع گرفتاری های همه انسان ها باشد. در نگاه شیعه، این مهم تحقق نمی یابد، مگر آن زمانی که واپسین ذخیره الهی از پس پرده غیبت بیرون آمده جهان را به نور خود روشن سازد، از این رو است که در برخی روایات سفارش شده است برای فرج و گشایش دست به دعا برداریم.

... آری کسی که در انتظار آمدن مولای خود به سر می برد، از خداوند تعجیل امر فرج او را درخواست خواهد کرد؛ بویژه آن که بداند با فرج و ظهور او زمینه هدایت، رشد و کمال جامعه بشری به طور کامل فراهم می شود. در روایت است که خود آن حضرت، در بخشی از توفیق شریف فرمود:

وَ أَكْثَرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ؛

و برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید. (۲)

یکی از پژوهشگران معاصر می نویسد:

البته هر کس می داند که سفارش امام به درخواست و دعا، فقط مقصود ادای کلمات و لقلقه زبان نیست؛ گرچه خواندن دعا هم ثواب مخصوصی دارد؛ بلکه منظور، توجه قلبی دائم به معنا و مفهوم این دعا و توجه به این است که

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۷، ح ۳؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۶۸، ح ۳۶.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۳، ح ۴.

در دوره غیبت، امر دین و دین داری و اعتقاد صحیح به غیبت و امامت، کار دشواری است که فقط از آدم اهل یقین و با استقامت ساخته است.

یگانه کسی که از دریای معرفت پروردگار چشیده باشد و به قلزم شناخت پیامبر و ائمه و امام غایب علیهم السلام دستی رسانده و از کج راه های گمراهی و سرگردانی پرهیز کرده باشد، سختی های دوره غیبت را به آسانی تحمل خواهد کرد و ناباوری ها، برایش به یقین مبدل خواهد شد. (۱)

#### ۴. آماده باش دائمی

از مهم ترین وظایف دوران غیبت، آمادگی دائمی و راستین است. در این باره در کتاب های روایی روایات فراوانی وجود دارد.

امام باقر علیه السلام ذیل آیه شریف «اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا» فرمود:

اصْبِرُوا عَلَىٰ أَدَاءِ الْفَرَائِضِ وَ صَابِرُوا عَدْوَكُمْ وَ رَابِطُوا إِمَامَكُمْ الْمُنْتَظَرِ؛ (۲)

بر انجام واجبات شکیبایی کنید و برابر دشمنان، یک دیگر را یاری نمایید و برای یاری پیشوای منتظر، همواره آمادگی خود را حفظ کنید.

بر خلاف تصور برخی که «رابطوا» را بر ایجاد ارتباط و ملاقات با حضرت معنا کرده اند، این واژه به معنای آمادگی برای مبارزه است. (۳)

از سخنان معصومان علیهم السلام به دست می آید، رابطه بر دو گونه است:

گونه اول: آن است که گروهی از مسلمانان در مرزهای کشورهای اسلامی برای دفع دشمنان آماده باشند.

گونه دوم: آن است که مؤمنان در هر حال، منتظر فرج معصومان علیهم السلام باشند، و در تسلیم و اطاعت امر آن ها و صبر بر طول زمان ظهور و فرج و در آنچه در حال استتار آن ها و امر آن ها است، ثابت قدم باشند، و در این حال، در حد امکان آماده باشند؛ عزم

۱- سعادت پرور، علی، ظهور نور، ص ۱۰۳.

۲- نعمانی، الغیبه، ص ۱۹۹.

۳- ر.ک: لسان العرب، ج ۷، ص ۳۰۳؛ مجمع البحرین، ج ۴، ص ۲۴۸.

بر یاری ایشان در هنگام ظهور داشته باشند و از نظر ظاهری و جسمی هم در امر آن ها ثابت قدم باشند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

هر یک از شما برای ظهور قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف ابزار جنگی فراهم کنید؛ اگر چه یک تیر باشد. امید است همین که کسی این نیت را داشته باشد، حقّ تعالی او را از اصحاب و یاوران او قرار دهد. (۱)

## ۵. بزرگداشت نام و یاد آن حضرت

یکی از مسؤولیت های شیعه درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در این دوران بزرگداشت نام و یاد آن حضرت است. این بزرگداشت، جلوه های فراوانی دارد. از تشکیل نشست های دعا و نیایش گرفته تا اقدام های فرهنگی و ترویجی و از تشکیل حلقه های بحث و گفت و گو گرفته، تا پژوهش های بنیادین و سودمند، همه و همه می تواند در راستای بلندی بخشیدن به این نام بزرگ باشد.

یکی از نمادهای بزرگداشت آن حضرت، احترام هنگام یاد آن حضرت است. (۲)

از آن جا که امروزه ایستادن هنگام شنیدن لقب خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در فرهنگ شیعه به معنای احترام به آن حضرت است اگر برنخاستن، بی احترامی به آن حضرت باشد، به طور قطع جایز نیست.

۱- نعمانی، الغیبه، ص ۳۲۰، ح ۱۰.

۲- لازم یادآوری است برخی دلیل این کار را روایاتی می دانند که در این باره وارد شده است، اما این روایات با وجود آن که در برخی کتاب های معاصر نقل شده است (صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، ص ۶۴۰، ح ۴)، در منابع اولیه و معتبر نقل نشده است. برخی نیز روایاتی است که بررسی ها نشان می دهد تغییراتی در آن ها پدید آمده است. (همان، ح ۳)؛ در حالی که در منابع نخستین، به گونه ای متفاوت ذکر شده است. (شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۲۷۶، ح ۶؛ خزاز قمی، علی بن محمد، کفایه الاثر، ص ۲۷۶؛ شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۶۶؛ طبرسی، اعلام الوری، ص ۳۳۱؛ اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۳۲۸؛ نیلی، علی بن عبدالکریم، منتخب الانوار المصیئه، ص ۳۹؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۴).

## ۶. حفظ پیوند با مقام ولایت

حفظ و تقویت پیوند قلبی با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و تجدید دائمی عهد و پیمان، یکی دیگر از وظایف مهمی است که هر شیعه منتظر در عصر غیبت بر عهده دارد.

هر آن که جانب اهل وفا نگه دارد      خداهش در همه حال از بلا نگه دارد

گرت هواست که معشوق نگسلد      پیوند نگاه دار سر رشته تا نگه دارد

امام باقر علیه السلام درباره ثابت قدمان بر امر ولایت فرموده است:

زمانی بر مردم آید که امامشان غیبت کند. خوشا بر افرادی که در آن زمان، بر امر ما ثابت بمانند! کمترین ثوابی که برای آن ها خواهد بود، این است که باری تعالی به آن ها ندا کرده و فرماید: ای بندگان و ای کنیزان من! به نهان من ایمان آوردید و غیب مرا تصدیق کردید؛ پس به ثواب نیکوی خود، شما را مژده می دهم. شما بندگان و کنیزان حقیقی من هستید. از شما می پذیرم و از شما در می گذرم و برای شما می بخشم و به واسطه شما باران بر بندگانم می بارم و بلا را از آن ها بگردانم. و اگر شما نبودید؛ بر آن ها عذاب می فرستادم.... (۱)

شکی نیست امامان معصوم علیهم السلام سخنی از نزد خود نمی گویند و آنچه در این سخن بدان اشاره فرموده اند بر گرفته از علمی است که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و آن حضرت نیز از وحی الهی دریافت کرده است؛ بنابراین جای هیچ تردیدی باقی نخواهد ماند.

بنابراین یکی از کارهایی که این پیوند را ناگسستنی می کند تجدید عهد هر روزه با آن یار سفر کرده است. در این باره سفارش شده در پگاه هر روز، زانوی ادب در مقابل ساحت آن امام همام بر زمین نهاده به دستور امام صادق علیه السلام این عهدنامه را نجوا نماید که اگر چهل صبح چنین کند، امید است از یاران آن حضرت باشد؛ دعایی که این گونه آغاز می شود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَايَ صَاحِبَ الزَّمَانِ عَجَلَ اللَّهُ تَعَالَى فِرْجَةَ الشَّرِيفِ أَيُّنَمَا كَانَ وَ حَيْثُمَا كَانَ مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا سَهْلَهَا وَ جَبَلِهَا عَنِّي وَ عَنِّي وَالِدَيَّ وَ عَنِّي وَ أُوْلَادِي وَ إِخْوَانِي التَّجِيَّةَ وَ السَّلَامَ عَدَدَ خَلْقِ اللَّهِ وَ زَنَةَ عَرْشِ اللَّهِ...؛ (۲)

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۰، باب ۳۱، ح ۱۵.

۲- کفعمی، ابراهیم بن علی، مصباح کفعمی، ص ۵۵۰؛ و نیز ر.ک: شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان.

## خودآزمایی

۱. برخی فضیلت های منتظران را نام برده، توضیح دهید.
۲. دو مورد از موارد توجیه فضیلت منتظران را شرح دهید.
۳. شناخت امام زمان یکی از بایسته های عصر انتظار است. در این باره توضیح دهید.
۴. رابطه بین صبر و انتظار را شرح داده، به روایتی در این باره اشاره کنید.
۵. درباره دعا برای فرج در جایگاه یکی از وظایف منتظران، توضیح دهید.

===

## منابع برای پژوهش

۱. سید محمد تقی موسوی اصفهانی، مکیال المکارم، مترجم: سید مهدی حائری قزوینی، تهران، بدر، ۱۳۷۹ ش.
۲. محمد شجاعی، آشتی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، تهران، محیی، ۱۳۸۱ ش.
۳. ابراهیم شفیعی سروسستانی، معرفت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و تکلیف منتظران، تهران، موعود عصر، ۱۳۸۵ ش.
۴. سید رضی سید نژاد، وظایف شیعیان در زمان غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، تهذیب، ۱۳۸۵ ش.
۵. سید محمد بنی هاشمی، سلوک منتظران، تهران، منیر، ۱۳۸۲ ش.



ص: ۲۳۵

## درس چهاردهم: غیبت کبرا و نیابت عام

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

نیابت عام

ولایت فقیه

حکومت از نگاه آموزه های اسلامی

یکی از بحث های حساس، مهم و اساسی مربوط به دوران غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، بحث حاکمیت اسلامی در این دوران است. در این باره، میان اندیشوران شیعه، دیدگاه های متفاوتی پدید آمده است. برخی از فقیهان شیعه، بر این باورند که تشکیل حکومت اسلامی در دوران غیبت کبرا، ضرورتی اجتناب ناپذیر است. این گروه، با بهره مندی از سخنان پیشوایان معصوم علیهم السلام، بر این باورند که فقیهان عادل، باید پا پیش گذاشته، به این مهم جامه عمل بپوشانند و اگر یکی از آن ها چنین کرد، بر دیگران است تا از او حمایت و پیروی کنند.

برابر دیدگاه نخست، عده ای بر این گمانند که برپایی حکومت اسلامی، از ویژگی های پیشوای معصوم علیه السلام بوده، دیگران را در این عرصه نه فقط توانی نیست که مجالی هم نیست.

در این درس، در پی آنیم به اندازه ممکن، بحث نیابت عام را بررسی کرده، به وضعیت حکومت اسلامی در دوران غیبت کبرا اشاره ای داشته باشیم. (۱)

پیش از آن که وارد بحث شویم، لازم است مقدمه ای را یادآور شویم.

۱- بدون شک بحث در این موضوع، گستره بسیار وسیعی دارد و هر یک از موضوعات خود، درس یا درس هایی را در بر می گیرد؛ اما به دلیل مجال اندک، در این اثر، فقط به صورت اشاره از آن می گذریم و علاقه مندان را به آثار فاخر و ارزشمندی که در این زمینه به رشته تحریر در آمده است ارجاع می دهیم.

## غیبت کبرا

با پایان یافتن دوران "غیبت صغرا" در سال ۳۲۹ق و رحلت چهارمین سفیر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، «غیبت کبرا» و به بیان توقیع شریف «غیبت تامه»<sup>(۱)</sup> آغاز شد که تا امروز ادامه داشته و تا فرا رسیدن روز ظهور آن حضرت نیز ادامه خواهد یافت.

همان گونه که اشاره شد، از این دوران در روایات با «غیبت تامه» تعبیر شده و اصطلاح «غیبت کبرا» در روایات نیامده است، اگر چه در برخی روایات اشاره شده است که از دو غیبت حضرت، یکی کوتاه و دیگری دراز مدت است.

برخی ویژگی های این غیبت که آن را از دوران نخست متفاوت می سازد، عبارت است از:

۱. طولانی بودن و نامعین بودن مدت این دوران: بر خلاف غیبت صغرا، این غیبت، زمانی طولانی را در بر خواهد گرفت.
۲. نامشخص بودن پایان آن: دوره غیبت کبرا محدود خواهد بود؛ اما پایان آن نامشخص است و جز خداوند از آن آگاهی ندارد.
۳. قطع ارتباط ظاهری با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در این دوران: به گونه ای که ارتباط موجود در زمان غیبت صغرا در این دوران وجود نخواهد داشت.
۴. عام بودن نیابت در این دوران: بر خلاف دوران غیبت صغرا که ارتباط مردم با آن حضرت، از راه نواب خاص صورت می گرفت، در این دوران دیگر سفارت و نیابت خاص وجود ندارد و یگانه مرجع مردم، نایبان عام آن حضرت هستند؛ که با ملاک هایی که در روایات ذکر شده، قابل تشخیص است. در این دوران مجتهدان جامع شرایط در جایگاه نایب عام، وظیفه اداره جامعه را بر عهده دارند.
۵. فراگیر شدن حاکمیت ستم و جور در زمین: از ویژگی های مهم این دوران، گسترش ستم است. که هر چه به گاه ظهور نزدیک تر می شود بر شدت آن افزوده می شود.

---

۱- شاید مقصود از "غیبت تامه" این باشد که این پنهان زیستی که در دوران کوتاه مدت، با ارتباط مردم به واسطه نایب های چهارگانه و نیز ملاقات هایی، به صورت ناقص بود، با پایان یافتن نیابت خاص و نیز بسته شدن ملاقات، تمام و کامل شد.

۶. شدید شدن آزمایش های الهی: اگر چه از سنت های الهی در همه دوران ها امتحان و آزمایش بندگان است؛ اما به دلیل هایی این امتحان ها در دوران غیبت کبرا شدت بیشتری می یابد؛ به ویژه در آستانه ظهور، این امتحان ها جدی تر می شود.

بنابراین نیابت عام در جایگاه یکی از ویژگی های دوران «غیبت کبرا» دارای اهمیت است.

### نیابت عام

پس از پایان دوران «غیبت صغرا» و نیابت خاص و با آغاز «غیبت کبرا» هدایت شیعیان با عنوان «نیابت عام» از طرف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شکل گرفت؛ به این صورت که امام، ضابطه ای کلی و صفات و مشخصاتی عام به دست داد که در هر عصر، فرد شاخصی که آن ضابطه از هر جهت و در همه ابعاد بر او صدق کند، نایب امام شناخته شود و به نیابت از او در امر دین و دنیا، سرپرست جامعه باشد، سخنش سخن امام و اطاعتش واجب و مخالفش حرام خواهد بود.

در این باره روایاتی چند نقل شده است؛ از جمله:

۱. اسحاق بن یعقوب، درباره تکلیف شیعیان در غیبت کبرا از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرسید و توفیق ذیل در پاسخ او صادر گردید:

...وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَقَعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُؤَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ؛ (۱)

...و اما در پیشامدهایی که برای شما رخ می دهد، باید به راویان اخبار ما (دانشمندان علوم دینی) رجوع کنید؛ ایشان حجّت من بر شما هستند و من حجّت خدای بر آنانم.

این روایت، از روشن ترین روایات در بیان ولایت عام است. بیشتر افرادی که به این روایت تمسک کرده اند، بیشتر به فقره دوم آن (فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ)، توجه داشته اند.

۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۹۰، ح ۲۴۷؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۳، باب ۴۵، ح ۴.

۲. امام عسکری علیه السلام از پدر بزرگوارش نقل کرده است که فرمود:

«لَوْ لَمْ يَبْقَى بَعْدَ غَيْبِهِ قَائِمِكُمْ مِنَ الْعُلَمَاءِ الدَّاعِينَ إِلَيْهِ وَالِدَّالِينَ عَلَيْهِ وَالذَّائِبِينَ عَنْ دِينِهِ بِحُجَجِ اللَّهِ وَالْمُنْقِذِينَ لُصَّةَ عَفَاءِ اللَّهِ مِنْ شُبَّانِكِ إِبْلِيسَ وَمَرَدَّتِهِ وَمِنْ فَخَاحِ النَّوَاصِبِ لَمَا بَقِيَ أَحَدٌ إِلَّا إِزْتَدَّ عَنْ دِينِ اللَّهِ وَلِكِنَّهُمْ الَّذِينَ يَمَسُّ كُونَ أَرَمَهُ قُلُوبِ ضَمَّ عَفَاءِ الشَّيْعَةِ كَمَا يُمَسِّكَ صَاحِبِ السَّفِينَةِ سُكَّانَهَا أَوْلَيْتَكَ هُمْ الْأَفْضَلُونَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ (۱)

اگر نبود دانشمندانی که پس از غیبت قائم شما، به سوی او دعوت می کنند و به سوی او رهنمون می شوند و از دین او دفاع می کنند و بندگان ناتوان را از دام های شیطان و مریدهای شیطانی نجات می دهند، احدی باقی نمی ماند، جز این که از دین خدا مرتد می شدند؛ ولی این دانشمندان، زمام دل ضعف را به دست می گیرند؛ همان گونه که ملوان ها، زمام کشتی را به دست می گیرند و سرنشین های کشتی را از خطر مرگ حفظ می کنند. این ها نزد خدای تبارک و تعالی برترین هستند.

۳. امام حسن عسکری علیه السلام درباره فقیهان راستین، ویژگی های آن ها و مسؤولیت جامعه برابر آن ها، فرموده است:

...وَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالَفًا لِهَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقَلِّدُوهُ...؛ (۲)

... و اما هر یک از فقیهان که بر نفس خود مسلط باشند و دین خود را حفظ کنند با هوای نفس خود مخالفت ورزد و امر خدا را اطاعت کند، بر همگان واجب است از او تقلید نمایند.

۴. مرحوم کلینی، شیخ صدوق و شیخ طوسی روایتی را که به «مقبوله عمر بن حنظله» معروف است، از امام صادق علیه السلام به مضمون ذیل نقل کرده اند:

...مَنْ كَانَ مِنْكُمْ مِمَّنْ قَدْ رَوَى حَدِيثَنَا وَنَظَرَ فِي حَالِنَا وَحَرَامِنَا وَعَرَفَ

۱- طبرسی، احتجاج، ج ۱، ص ۱۸ و ج ۲، ص ۴۵۵؛ صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۲۲۳.

۲- عاملی، شیخ حر، وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۳۱، ح ۳۳۴۰۱.

أَحْكَامَنَا فَلْيَرْضَوْا بِهِ حَكْمًا فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا...؛ (۱)

...هر کدام از شما که حدیث ما را روایت کند و در حلال و حرام ما صاحب نظر باشد و احکام ما را بداند، او را به حکومت برگزینند که من او را بر شما حاکم قرار دادم...

به راستی همین نایبان عام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند که در طول غیبت کبرا، دین مقدس اسلام را از انحراف حفظ نموده، مسایل مورد نیاز را برای مسلمانان بیان کرده اند و دل های شیعیان را بر اساس باورها درست، استوار ساخته اند. تمام موفقیت های مختلف، با مجاهدت و تلاش خستگی ناپذیر محدثان و فقیهان شیعه از اواخر غیبت صغرا تا به امروز بوده و حیات و شادابی و پویایی تشیع را تضمین نموده است.

یکی از دانشوران معاصر، درباره چگونگی «نیابت عام» و بروز اندیشه «ولایت فقیه» چنین نوشته است:

شیعیان، تا زمانی که امیدی به تشکیل حکومت نداشتند، به طور ارتکازی و با الهام گرفتن از امثال روایات "عمر بن حنظله" و "ابو خدیجه" و "توقیع صادر از ناحیه مقدسه"، نیازهای روزمره خو را با رجوع به فقهای بلاد برطرف می کردند و در واقع، فقهای واجد شرایط را «نواب عام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» می شمردند (در برابر «نواب خاص» در زمان غیبت صغرا)؛ ولی از هنگامی که بعضی از حکام شیعه اقتداری یافتند، مسأله ولایت فقیه در زمان غیبت کبرا به صورت جدی تری مطرح شد و با گسترش این مباحث در میان توده ها، حکام و سلاطین شیعه برای مشروع جلوه دادن حکومتشان کوشیدند موافقت فقهای بزرگ را به دست آورند و حتی گاهی رسماً از آنان اجازه می گرفتند و متقابلاً فقها هم این فرصت ها را برای نشر معارف اسلامی و ترویج مذهب تشیع مغتنم می شمردند؛ ولی ظاهراً در هیچ عصری، هیچ سلطانی حاضر به تحویل دادن قدرت به فقیه واجد شرایط نبوده؛ چنان که هیچ فقیهی هم امیدی به دست یافتن به چنین قدرتی نداشته است و در واقع با

۱- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۶۷، ح ۱۰؛ شیخ طوسی، تهذیب، ج ۶، ص ۲۱۸، ح ۶.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران بود که عملاً ولایت فقیه به معنای واقعی کلمه تحقق یافت و نیاز به بررسی های دقیق درباره مبانی و فروع آن آشکار گشت. (۱)

این جا به صورت فشرده به برخی بحث ها در این زمینه اشاره می کنیم.

## ولایت فقیه

### اشاره

مسأله «ولایت فقیه» که پیشینه آن به آغاز فقه باز می گردد، یکی از مهم ترین مسایل جامعه شیعی است؛ به گونه ای که اندیشه سیاسی پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام در عصر غیبت کبرا به ویژه دوران معاصر با آن گره خورده است.

از آنجا که در دوران معاصر بزرگ ترین تحوّل اجتماعی در امت اسلامی به نام انقلاب اسلامی ایران بر این باور سترگ بنا شده، بحث درباره آن، امری ضروری و اجتناب ناپذیر است.

از سوی دیگر، یگانه فریاد ظلم ستیزی و مقابله با زیاده خواهی استکبار جهانی، برخاسته از این تفکر ارجمند و اصل مترقی است که دشمنی های فراوانی را از طرف ستمگران و استکبار جهانی در پی داشته است. این خود، اهمیت پرداختن به این بحث را دوچندان ساخته است.

### جایگاه ولایت فقیه در باورهای شیعه

«ولایت» واژه ای عربی است که از نگاه لغوی، از کلمه «ولی» گرفته شده است و به کسر و فتح «واو» خوانده می شود. «ولی» در لغت عرب، به معنای آمدن چیزی است در پی چیز دیگر؛ بدون آن که فاصله ای میان آن دو باشد؛ از این رو، این واژه در معانی «دوستی»، «یاری»، «پیروی»، «تصدی امر غیر» و «سرپرستی» استعمال شده که وجه مشترک همه این معانی «قرب معنوی» است.

از میان این معانی، معنای سرپرستی و تصرف در کار دیگری، با آنچه از ولایت فقیه اراده می شود، همخوانی بیشتری دارد. کسی که عهده دار کاری می شود، بر آن ولایت یافته و «مولا» و «ولی» آن امر محسوب می شود.

بنابراین، کلمه ولایت و هم ریشه های آن (مانند ولی، تولیت، متولی و والی) دلالت بر معنای سرپرستی، تدبیر و تصرف دارد. واژه «فقیه» در لغت، به معنای کسی است که فهمی عمیق و دقیق دارد و از ریشه فقه گرفته شده که به معنای غلبه علم و فهم و ادراک درباره چیزی است. در اصطلاح، فقیه کسی است که بتواند احکام شرعی را از آیات قرآن و سخنان معصومان علیهم السلام استنباط و استخراج کند.

### ادله ولایت فقیه

«ولایت فقیه» هم از راه عقل و هم از راه روایات و احادیث ثابت است.

از آن جا که در بخش نیابت عام به برخی روایات در این باره اشاره شد، این جا به صورت مختصر به دلیل عقلی اشاره ای می کنیم.

همان گونه که پیش از این یاد شد، در عصر غیبت، دسترسی به پیشوای معصوم علیه السلام امکان پذیر نیست و تشکیل حکومت هم ضروری است؛ بنابراین باید فردی ولایت و حکومت را بر عهده بگیرد؛ بدین منظور، سه راه پیش رو داریم: یا این که «ولایت غیر فقیه» را بپذیریم یا «فقیه غیر عادل» یا «ولایت فقیه عادل» را.

عقل هر انسان حکم می کند «غیر فقیه» و «فقیه غیر عادل» شایسته ولایت و حکومت نیست؛ چرا که این جا تشکیل حکومت اسلامی مورد بحث است و برای پیاده کردن حکومت اسلامی و اجرای احکام دین، باید فردی زمام این امر را به عهده گیرد که به احکام اسلامی به طور ژرف و اساسی آشنا بوده و شیوه اداره حکومت را هم بداند و در عین حال، پرهیزگار و متعهد باشد، تا امر حکومت را فدای خواسته های نفسانی و امیال شیطانی خود نکند. افزون بر آن، این که نه فقط درباره حکومت اسلامی، بلکه درباره هر حکومتی، عقل حکم می کند جاهلان، جاه طلبان و هوسرانان شایستگی زمامداری را ندارند؛ بنابراین فقیهی که به احکام اسلامی و اوضاع سیاسی اجتماعی زمان خود آگاه بوده و از تقوا و عدالت و تدبیر و مدیریت و کمالات لازم برخوردار باشد، برای حکومت شایسته تر از دیگران است.



**ولی فقیه**

در اصطلاح، «ولی فقیه» کسی است که عالم به سیاست های دینی و برقرار کننده عدالت اجتماعی میان مردم باشد. طبق اخبار، او دژ اسلام و وارث پیامبران و جانشین پیامبر خدا و همچون پیامبران بنی اسرائیل بوده، بهترین خلق خدا پس از امامان علیهم السلام است. مجاری امور و احکام و دستورها، به دست او بوده و حاکم بر زمامداران است. (۱)

مسأله «ولایت فقیه» ریشه کلامی دارد؛ ولی جنبه فقهی آن سبب شده است فقیهان از روز نخست، در ابواب گوناگون فقهی از آن بحث کنند و موضوع ولایت فقیه را در هر یک از مسایل مربوط روشن سازند. در باب جهاد و تقسیم غنائم و خمس و گرفتن و توزیع زکات و سرپرستی انفال و نیز اموال غایبان و قاصران و باب امر به معروف و نهی از منکر و باب حدود و قصاص و تعزیرات و مطلق اجرای احکام انتظامی اسلام، فقها از مسأله «ولایت فقیه» و گستره آن بحث کرده اند؛ (۲) بنابراین در یک تقسیم بندی کلی، دو نوع ولایت تصور می شود:

قسم نخست: ولایت، از نوع سرپرستی و اداره امور مؤمنان است؛ همان ولایتی که به قرار دادن خداوند، رسول اکرم و امامان معصوم علیهم السلام و در عصر غیبت، فقیه عادل از آن برخوردار است.

قسم دوم: ولایت، ناظر به تصدی امور کسانی است که به سبب کوتاهی در فهم و شعور یا ناتوانی عملی از انجام کارهای خویش و یا عدم حضور، نمی توانند حق خود را به طور کامل به دست آورند و لازم است که ولی از طرف آنان و به صلاحدید خودش به سرپرستی و اداره امور این افراد اقدام کند. ولایت پدر و جد پدری بر فرزندان صغیر و یا سفیه و مجنون خود، ولایت اولیای مقتول ولی دم ولایت میت، نمونه هایی از این قسم ولایت است. (۳)

از جمله آیات زیر را می توان ناظر بر قسم دوم دانست.

۱- ر.ک: امام خمینی قدس سرّه، رسائل، ج ۲، ص ۱۰۲۹۴.

۲- معرفت، محمدهادی، ولایت فقیه، مقدمه.

۳- واعظی، احمد، حکومت اسلامی، ص ۱۱۸.

(وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطٰناً فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ)؛ (۱)

و هر کس مظلوم کشته شود، به سرپرست وی قدرتی داده ایم؛ پس [او] نباید در قتل، زیاده روی کند.

و نیز این آیه:

(فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهاً أَوْ ضَعِيفاً أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمِلْ وَرِئُهُ بِالْعَدْلِ)؛ (۲)

پس اگر کسی که حق بر ذمه او است، سفیه یا ناتوان است یا خود نمی تواند املا کند، پس ولی او باید با [رعایت] عدالت، املا نماید.

غفلت از تفاوت اساسی میان این دو قسم ولایت و یکسان پنداشتن آن دو، منشأ خطایی شده است که برخی مخالفان ولایت فقیه بدان دچار شده و پنداشته اند ولایت فقیه، از سنخ ولایت بر محجوران و قاصران است و معنای ولایت فقیه، آن است که مردم همچون مجانین و کودکان و سفیهان محجور و نیازمند قیمنند، و ولی فقیه، قیم مردم است؛ پس ولایت فقیه، مستلزم نوعی تحقیر و اهانت به مردم و رشد آنان است. (۳)

اساساً اضافه شدن ولایت به وصف عنوانی «فقیه» محدودیت آن را در چارچوب فقه می رساند. در واقع، فقه او است که حکومت می کند، نه شخص او، پس هیچ گونه قاهریت و حاکمیت اراده شخصی در کار نیست.

از همین جا، مسئولیت مقام رهبری در اسلام، در پیشگاه خدا و مردم روشن می شود. او در پیشگاه خدا مسئول است تا احکام را کاملاً اجرا نماید و مقابل مردم مسئول است، تا مصالح همگانی را به بهترین شکل ممکن تأمین نماید و عدالت اجتماعی را در همه زمینه ها و به صورت گسترده و بدون تبعیض اجرا کند و هرگز در این مسئولیت کوتاه نیاید. (۴) این جا است که بحث حکومت اسلامی به رهبری فقیه عادل پیش می آید.

۱- اسراء (۱۷): آیه ۳۳.

۲- بقره (۲): آیه ۲۸۲.

۳- واعظی، احمد، حکومت اسلامی، ص ۱۱۹.

۴- معرفت، محمدهادی، ولایت فقیه، ص ۱۰ و ۱۱.

## اشاره

شکی نیست که حکومت یک ضرورت اجتماعی است. جامعه بشری از آن جهت که از افراد با منافع، علاقه ها و سلیقه های متعارض تشکیل شده است، به طور ضروری نیازمند حکومت است. نبود حکومت، سبب هرج و مرج و بی نظمی خواهد شد.

افزون بر آن، حکومت، در جایگاه اساسی ترین عنصر در تنظیم امور جامعه و تضمین اجرای قوانین در پیشرفت مادی و معنوی جوامع، نقش تعیین کننده ای دارد؛ از این رو مسأله حکومت و اهمیت آن در میان آموزه های دینی، جایگاه ویژه ای دارد؛ به گونه ای که انبوهی از روایات اسلامی، در این زمینه وارد شده است.

امیر مؤمنان علی علیه السلام، در پاسخ به دیدگاه باطل خوارج که حکومت را فقط در محدوده مسؤلیت های خداوند می دانستند، فرمود:

...وَ إِنَّهُ لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ...؛<sup>(۱)</sup>

... و همانا مردم ناگزیرند از داشتن زمامدار؛ چه نیکوکار و چه بدکار... .

این فرمایش، ناظر به ضرورت وجود حکومت است و نشان می دهد در جامعه بشری اهمیت وجود حکومت، به اندازه ای است که حتی وجود حکومت غاصبانه و ولایت سیاسی نامشروع یک فرد ناصالح، بهتر از وضعیت هرج و مرج اجتماعی و فقدان حکومت است؛ زیرا حکومت هرچند نامشروع و ناموجه برخی نقص ها و خلل های اجتماعی را می پوشاند و بخشی از نیازمندی های مجتمع انسانی را تأمین می کند.

روشن است که حاکم نیکوکار، جامعه را به نیکی ها و رستگاری هدایت خواهد کرد؛ بنابراین دین، ضمن این که حکومت را یک ضرورت اجتماعی پذیرفته است، بیشترین تأکیدهای خود را بر شکل گیری حاکمیت انسان های صالح بر مدار دین یادآور شده است.

حکومتی مرجعیت همه جانبه دین را در عرصه سیاست و اداره جامعه پذیرفته است که دولت و نهادهای گوناگون آن، خود را برابر آموزه ها و تعالیم دین و مذهب متعهد

۱- امام علی علیه السلام، نهج البلاغه، خطبه ۴۰.

می دانند و سعی می کنند در تدابیر و تصمیمات و وضع قوانین و شیوه سلوک با مردم و نوع معیشت و تنظیم انواع روابط اجتماعی، دغدغه دین داشته باشند و در همه این شؤون حکومتی از تعالیم دینی الهام بگیرند و آن ها را با دین موزون و هماهنگ کنند. (۱)

واقعیت تاریخی، آن است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پس از هجرت به مدینه، قبایل اطراف مدینه را به اسلام دعوت کرد و اتفاق و اتحادی به مرکزیت مدینه النبی به وجود آورد. هماره برداشت و تفسیر مسلمین از این واقعه چنین بوده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مدینه حکومت تشکیل داد و در کنار نبوت و وظایف تبلیغی و ارشادی، زعامت سیاسی مسلمین را نیز بر عهده داشت. این اقدام وی، ریشه در وحی و تعالیم الهی داشت و ولایت سیاسی پیامبر نشأت گرفته از تنفیذ و فرمان الهی بود؛ زیرا خداوند می فرماید:

«النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ (۲)»؛

پیامبر به مؤمنان، از خودشان سزاوارتر [و نزدیک تر] است.

و نیز می فرماید:

«إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ» (۳)

ما این کتاب را به حق بر تو نازل کردیم، تا میان مردم به [موجب] آنچه خدا به تو آموخته است، داوری کنی.

خداوند در این دو آیه، به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، ولایت بر مسلمین را عطا می کند و از او می خواهد بر طبق آنچه از قرآن به او آموخته است، میان مردم حکم کند. همچنین در آیات دیگر، مانند این دو آیه زیر، از مسلمین می خواهد که از او اطاعت کنند.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ» (۴)

ای کسانی که ایمان آورده اید! خدا را اطاعت کنید و پیامبر را [نیز] اطاعت کنید.

۱- ر.ک: واعظی، احمد، حکومت اسلامی، ص ۳۰.

۲- احزاب (۳۳): آیه ۶.

۳- نساء (۴): آیه ۱۰۵.

۴- نساء (۴): آیه ۵۹.

«فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»؛<sup>(۱)</sup>

ولی چنین نیست؛ به پروردگارت قسم! که ایمان نمی آورند، مگر آن که تو را درباره آنچه میان آنان مایه اختلاف است داور گردانند سپس از حکمی که کرده ای در دل هایشان احساس ناراحتی [و تردید] نکنند و کاملاً سر تسلیم فرود آورند.

بر اساس این تفسیر رایج و متعارف، اقدام مسلمانان صدر اسلام به تشکیل حکومت دینی، ریشه در دین و تعالیم آن دارد و اقدامی کاملاً دینی و مشروع است.<sup>(۲)</sup>

### اندیشه سیاسی شیعه

از آنچه گفته شد می توان اندیشه سیاسی شیعه را در دو مقطع قابل بررسی دانست:

الف. مقطع حضور امام معصوم علیه السلام

ب. دوران غیبت امام عصر علیه السلام

### مقطع حضور امام معصوم علیه السلام

شیعه در باب ولایت سیاسی پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به «نظریه امامت» معتقد است. اعتقاد شیعه در باب شأن و منزلت امامان معصوم علیهم السلام در ولایت سیاسی آنان بر امت خلاصه نمی شود و بسی فراتر از آن است. شیعه بر آن است که امامان معصوم علیهم السلام در همه شؤون نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم جز دریافت وحی تشریحی، وارث و نایب او هستند؛ بنابراین، امامان، افزون بر ولایت سیاسی، دارای ولایت معنوی و هدایت دینی جامعه و آموزگار حقایق دینی نیز هستند.

دیدگاه عالمان شیعی در باب ولایت سیاسی در عصر حضور امام معصوم، به طور کامل متحد و صریح و روشن است. شیعه به نظریه امامت معتقد است و ولایت امت را یکی از شؤون امامت امام معصوم می داند. این مذهب برحق، کلیه حکومت هایی که با

۱- نساء (۴): آیه ۶۵.

۲- واعظی، احمد، حکومت اسلامی، ص ۴۲.

نادیده گرفتن این حق الهی تشکیل می شوند، غاصبانه و حکومت جور می داند. در این مبنا، عالمان شیعی اختلاف دیدگاهی ندارد؛ زیرا قوام و هویت شیعه با این اعتقاد گره خورده است. آنچه شایسته بحث و بررسی است، اندیشه سیاسی شیعه در عصر غیبت است.

### دوران غیبت امام عصر علیه السلام

اندیشه سیاسی شیعه در عصر غیبت، به لحاظ وضوح و روشنی و اتفاق کلمه، برابر و هم طراز با اندیشه سیاسی شیعه در عصر حضور امام معصوم نیست. هیچ عالم شیعی، هرگز در زمینه ولایت سیاسی معصومان و امامت آنان تردید نمی کند؛ زیرا این تردید، به منزله خروج از تشیع است. امامت معصومان علیهم السلام نه صرفاً یک اتفاق نظر، بلکه جوهره تشیع است. پرسش آن است که آیا چنین اتفاق نظری در باب کیفیت ولایت سیاسی در عصر غیبت امام معصوم علیه السلام وجود دارد؟

واقعیت آن است که چنین اتفاق نظری از همه جهات وجود ندارد؛ یعنی نمی توان یک قول مشخص و ثابت را به همه عالمان شیعی نسبت داد؛ زیرا در برخی زوایای این بحث، میان آنان اختلاف نظرهایی وجود دارد. (۱)

همان گونه که پیش از این گفته شد، ویژگی هایی، این دوران را با قبل از آن متمایز ساخته است که مهم ترین آن ها قطع ارتباط مردم با امام خویش است. در این دوران است که مسلمین از پیشوا و رهبرشان بریده، راهی به بهره برداری از گفتار و کردار آن حضرت ندارند؛ نماینده و سفیر خاصی نیست و از آن حضرت پیامی شنیده نمی شود و نامه و سفارشی از سوی آن حضرت آن گونه که در دوران غیبت صغرا متداول بود نمی بینند. (۲)

بنابراین، می توان دیدگاه مدافعان "حکومت ولی فقیه" را در جایگاه اصلی مترقی مورد پذیرش دانست.

۱- واعظی، احمد، حکومت اسلامی، ص ۹۲ ۹۵ (با تصرّف).

۲- ر.ک: صدر، سید محمد، تاریخ غیبت کبریا، ص ۳۴.

## خودآزمایی

۱. فرمایش امام علی علیه السلام را درباره ضرورت وجود حاکم بیان کرده، آن را توضیح دهید.
۲. مهم ترین تفاوت غیبت صغرا با غیبت کبرا چیست؟ توضیح دهید.
۳. نیابت عام به چه معنا است؟ به دو روایت در این زمینه اشاره کنید.
۴. درباره جایگاه ولایت فقیه در فرهنگ شیعه توضیح دهید.
۵. به دو آیه که در آن، خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، ولایت بر مسلمین را عطا کرده است. اشاره کرده، آن را شرح دهید.

===

## منابع برای پژوهش

۱. امام خمینی، ولایت فقیه، تهران، تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹ ش.
۲. علی رضا رجالی تهرانی، ولایت فقیه در عصر غیبت، قم، نبوغ، ۱۳۷۹ ش.
۳. حبیب الله طاهری، تحقیقی پیرامون ولایت فقیه، قم، اسلامی، ۱۳۷۷ ش.
۴. عبدالله جوادی آملی، ولایت فقیه ولایت فقاها و عدالت، قم، اسراء، ۱۳۷۹ ش.
۵. اسماعیل منصوری لاریجانی، ولایت حکومت حکیمانه، قم، خادم الرضا علیه السلام، ۱۳۸۲ ش.





## درس پانزدهم: کتاب شناسی مهدویت

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

آشنایی با کتاب های:

۱. امامت و مهدویت، لطف الله صافی گلپایگانی.
۲. المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، سید صدر الدین صدر.
۳. تاریخ غیبت کبرا، سید محمد صدر.
۴. مکیال المکارم فی فواید الدعاء للقائم علیه السلام، میرزا محمد تقی موسوی اصفهانی.
۵. مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف (ترجمه جلد ۱۳ بحار الانوار)، علامه محمد باقر مجلسی.
۶. تاریخ عصر غیبت، پور سید آقایی و دیگران.
۷. تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، جاسم محمد حسین.
۸. روزگار رهایی (ترجمه یوم الخلاص)، کامل سلیمان.
۹. پژوهشی پیرامون زندگانی نواب خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، علی غفار زاده.
۱۰. جزیره خضرا در ترازوی نقد، سید جعفر مرتضی.

**پیش درآمد**

استقبال قابل ستایش و روزافزون از مباحث مهدویت از سویی و عدم نظارت جدی بر انتشار کتاب های مهدویت از سوی دیگر، می طلبد تا افرادی که علاقه مند مطالعه در این عرصه ارزشمند هستند، آگاهی لازم را برای شناسایی منابع معتبر و بدون اشکال به دست آورند.

یکی از راه هایی که می تواند به علاقه مندان این عرصه کمک ارزشمندی نماید، معرفی کتاب های معتبر در این زمینه است. کتاب هایی که دارای محتوایی استوار و قابل پذیرش هستند یا دست کم اغلب مطالب آن، از استحکام لازم برخوردارند؛ بنابراین مناسب دیدیم در یک درس، به برخی از کتاب هایی از این دست اشاره کنیم (۱).

---

۱- لازم به یادآوری است معرفی این کتاب ها به معنای تأیید کامل مطالب مندرج در آن ها نیست؛ بلکه بدان سبب است که در مقایسه با کتاب های دیگر، به دلیل هایی بیشتر قابل استفاده هستند.

این اثر ارزشمند، حاصل سال‌ها تلاش آیت الله شیخ لطف الله صافی گلپایگانی (۱) از مراجع تقلید معاصر شیعه است.

این کتاب، مجموعه مقالاتی است که در مناسبت‌ها و فرصت‌های گوناگون درباره «ولایت و امامت عامه و خاصه» به رشته تحریر درآمده و پیش از آن به صورت کتاب‌های مستقلی به چاپ رسیده بود.

این مجموعه، پس از تنظیم در سال ۱۳۸۰ در دو مجلد به چاپ رسیده است. جلد نخست، درباره مباحث بنیادین امامت و جلد دوم ویژه مباحث مهدویت است.

عناوین مطالب جلد نخست این کتاب بدین قرار است.

۱. ولایت تکوینی و ولایت تشریحی: در این مقاله، به بحث‌هایی چون توحید و پرهیز از شرک و غلو، ولایت تکوینی، ولایت تشریحی، و... پرداخته شده است.

۲. تجلی توحید در نظام امامت: در این مقاله، به بحث درباره تجلی توحید در رسالات انبیا، در اسلام، در نظام امامت و در امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرداخته شده است.

۳. پیرامون معرفت امام: در این مقاله، به موضوعاتی که به شناخت و معرفت امام مربوط است، توجه شده و به مناسبت، به بحث‌هایی چون نیاز جامعه به مرکز و مدیر و وجوب اطاعت امام نیز پرداخته شده است.

۱- این عالم ارجمند در نوزده جمادی الاول ۱۳۳۷ق در گلپایگان دیده به جهان گشوده. مراحل تحصیلی خود را در گلپایگان، قم و نجف سپری کرد و از خرمن علمی اساتیدی چون آیات عظام: خوانساری، حجت، صدر، بروجردی، گلپایگانی در قم، سید جمال الدین گلپایگانی، شیخ محمد علی کاظمی و شیخ محمد کاظم شیرازی در نجف اشرف و پدر بزرگوارش در گلپایگان خوشه چید. حدود ۸۰ اثر ارزشمند به رشته تحریر درآورده که قسمتی از آن‌ها را به حضرت بقیه الله علیه السلام اختصاص داده است. (مشعل جاوید، ص ۱۸۵)

۴. نظام امامت و رهبری: در این بخش، به بررسی معنای امام و در پی آن، انواع حکومت‌ها اشاره شده است.

۵. فروغ ولایت: در این بخش، به بررسی‌هایی درباره دعای ندبه چه از دیدگاه سند و چه از دیدگاه محتوا توجه شده است و در پایان نیز به برخی پرسش‌ها که در رابطه این دعای شریف مطرح شده، پاسخ داده شده است.

۶. انتظار عامل مقاومت و حرکت: در این مقاله که بخش پایانی جلد نخست به شمار می‌آید به موضوعات مربوط به بحث انتظار پرداخته شده است.

عنوان نوشته‌های جلد دوم چنین است

۱. وابستگی جهان به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف؛

۲. عقیده نجات بخش؛

۳. اصالت مهدویت؛

در این مقاله، اصالت‌های عقیده مهدویت را از ده جهت بحث و بررسی کرده که برخی از این‌ها قرار است:

اصالت مهدویت از جهت معقول بودن امکان آن.

اصالت مهدویت از جهت اتکا بر مبانی معقول و منطقی.

اصالت مهدویت از جهت موافقت با فطرت و سنن عالم خلقت.

اصالت مهدویت از جهت قبول امت‌ها و مبتنی بودن آن، بر بشارت‌های پیامبران و ادیان آسمانی.

اصالت مهدویت از جهت ابتدای آن بر آیات قرآن کریم.

اصالت مهدویت از جهت ابتدای بر احادیث معتبر و متواتر.

اصالت مهدویت از جهت اتفاق مسلمانان و اجماع شیعه و اهل سنت.

اصالت مهدویت از جهت معجزه‌ها و کرامت‌ها.

اصالت مهدویت از جهت ابتدای آن بر توحید و یکتا پرستی.

اصالت مهدویت از جهت نقش آن در عمل و برقراری عدالت و به ثمر رساندن انقلاب اسلام.

۴. معرفت حجت خدا: در این نوشتار به صورت عمده، به بحث درباره دعای «اللهم عرفنی نفسک...» پرداخته شده است.

۵. نوید امن و امان: در این مقاله به بشارت های قرآن مجید و نیز احادیث به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره شده است.

۶. پاسخ به ده پرسش: در بخش پایانی این مجموعه، در ضمن پرسش و پاسخ به مباحثی چون استمرار نظام امامت، چگونگی تسخیر جهان با یاران معدود، چگونگی پیروزی امام زمان علیه السلام بر سلاح های ویرانگر، مکان آن حضرت در دوران غیبت کبرا و موضوعاتی دیگر، آن ها را نقد و بررسی کرده و سعی نموده با استفاده از آیات و روایات و علم جدید و استدلال های عقلانی به پرسش ها پاسخ معقول و منطقی دهد.

### المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

سید صدر الدین صدر، مؤلف کتاب، از دانشمندان بزرگ شیعه است. وی در این اثر، با بهره گیری از منابع حدیثی اهل سنت به موضوعات مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرداخته با مروری بر آیات ناظر بر موضوع، به نقل روایات مربوط به نسب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می پردازد.

وی درباره انگیزه تألیف در مقدمه می نویسد: «در مجلس دوستانه ای، از مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف و آنچه شیعه امامیه، در این باب بدان معتقدند، سخن به میان آمد. برخی حاضران در مجلس، اظهار داشتند: «برادران اهل سنت، در این موضوع چه عقیده ای دارند؟ آیا از طریق آنان، احادیثی که موافق احادیث شیعه باشد، وارد شده و دانشمندان آنان، نوشته ای دارند یا خیر؟»

در پاسخ گفتم: «از طریق اهل سنت، احادیث مستفیضه، بلکه متواتره وارد شد و علمای آنان در این باب، تألیفات زیادی دارند. البته بعضی مناقشات و استبعاداتی نیز دارند که از گذشتگان خود گرفته اند و میان آنان رواج یافته و به تألیفات آنان، با اختلاف در تعبیر، سرایت کرده است.»

بعضی از حاضران در مجلس گفتند: «برای شما امکان دارد در این موضوع کتابی بنویسید؟» گفتم: «پرداختن به این مسأله، سبب جریحه دار شدن عواطف می شود و این را نمی پسندم؛ به ویژه مثل این زمان که ما به وحدت کلمه نیاز شدید داریم». گفتند: «بحث علمی با حفظ آداب مناظره و خارج نشدن از آداب و اخلاق اسلامی، اشکال ندارد».

از این رو پذیرفتم در این باب، کتابی بنگارم. آن گاه پس از مطالعه کتاب هایی که در دسترس بود، احادیث مربوط به موضوع را ذیل عنوان مناسب، گردآوری کردم. اگر حدیثی بر چند عنوان دلالت داشته، آن را زیر هر یک از عناوین آوردم.

در نقل روایات، بر کتاب هایی که در چاپخانه های اهل سنت به طبع رسیده بود، یا آثار مخطوطی که اعتبار آن ها مسلم بود، اکتفا کردم و جز اندکی از کتاب های چاپ شده در ایران، نقل نکردم. عنایت داشتم مطالبی گرد آورم که از کتاب های اهل سنت و مورد اعتماد آنان باشد. از علمای شیعه و منابع شیعی که احادیث نبوی را از طریق اهل سنت نقل کرده اند، حدیث نقل نکردم، مگر مقداری از کتاب الدرر الموسویه فی شرح عقاید الجعفریه، تألیف حسن صدر کاظمی، به سبب ادای بعضی حقوق و تأیید مطالب.

مؤلف، در پایان مقدمه می گوید: «خدا را شاهد می گیرم من به دیده انصاف به احادیث و سخنان سلف صالح نگریستم و بر آن رویه مشی کردم که اعتقاد خود را با دلیل منطبق سازم».

این کتاب، در هشت فصل بدین قرار گرد آمده است:

فصل اول: درباره بشارت هایی است که بر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن، سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، سخنان حضرت علی علیه السلام و بزرگان و دانشمندان، در قالب نظم یا نثر وارد شده است.

فصل دوم: مهدی منتظر، عرب و از امت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است و بیت شریف و خانواده وی مشخص بوده و شواهد بسیاری بر این دلالت دارند.

فصل سوم: در ویژگی های ظاهری و باطنی، ملکات فاضله، دانش، قضاوت، بیعت، حکومت، اصلاحات و...

فصل چهارم: در مقام و منزلت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نزد خداوند و...

فصل پنجم: در ولادت، تعیین اسم، لقب، کنیه، نام پدر، مادر، طول عمر شریف و...

فصل ششم: در چگونگی غیبت، محل غیبت و علت غیبت، چگونگی بهره مندی مردم از حضرتش در زمان غیبت و...

فصل هفتم: در نشانه های آسمانی و زمینی ظهور، اوضاع عمومی جهان در آستانه ظهور و...

فصل هشتم: فضیلت انتظار فرج، نهی از تعیین زمان ظهور، محل ظهور، بیعت، شمار بیعت کنندگان و...

### تاریخ غیبت کبرا

تاریخ غیبت کبرا، کتابی تاریخی و کلامی است که اصل آن، به زبان عربی با عنوان تاریخ الغیبه الکبری توسط سید محمد صدر به رشته تحریر در آمده است.

این اثر، دومین مجموعه از رشته پژوهش هایی درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و عنوان کلی آن، موسوعه الامام المهدی می باشد. این کتاب، دارای پیشگفتاری درباره تعریف «غیبت کبرا» و سه بخش است:

بخش اول: تاریخ زندگی شخصی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که دارای پنج فصل است:

۱. راز بنیادی غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف. تکلیف اسلامی امام، در زمان غیبت کبرا و کارهایی که در این مدت انجام می دهد؛

۳. زندگی خصوصی آن حضرت؛

۴. دیدارهایش در طول غیبت کبرا؛

۵. نامه های او به شیخ مفید.

بخش دوم: تاریخ انسانیت در روزگار غیبت کبرا که دارای سه فصل است:

۱. بررسی اخبار مربوط به پیشگویی آینده؛

۲. اخباری مشتمل بر پیشگویی ها؛

۳. تکلیف اسلامی در عصر غیبت کبرا.

بخش سوم: شرایط ظهور و نشانه های آن که دارای دو فصل است:

۱. شرایط ظهور، برنامه ریزی ویژه ایجاد رهبر؛
۲. نشانه های ظهور: تعیین روش کلی، رویدادهایی که در تاریخ اتفاق افتاده است، روی دادن معجزه ها بیش از اندازه، قانونمندی معجزات، شمارش یکایک نشانه های ظهور و کوشش برای فهم کلی و منظم علایم ظهور.

### مکیال المکارم فی فواید الدعاء للقائم

این کتاب ارزنده، به دست علامه متقی مرحوم حاج میرزا محمدتقی موسوی اصفهانی قدس سرّه، (۱) نگارش یافته است.

طبق عنوان کتاب، موضوع آن، بررسی فواید دعا برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ اما فقط بخش عمده کتاب به این موضوع اختصاص دارد و نویسنده، به بحث های دیگر درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز پرداخته است.

این کتاب، پژوهشی است درباره لزوم شناخت امام زمان علیه السلام و دعا برای آن حضرت و فواید دنیایی و آخرتی آن بر محور بیش از یک هزار حدیث فراهم آمده است. هدف نویسنده، حق گزاری و شکر نعمت وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و دیدن خوابی درباره نوشتن این کتاب است.

وی درباره انگیزه نگارش این اثر نوشته است:

به نظرم آمد که کتاب مستقلی در این موضوع (فواید دعا برای امام زمان علیه السلام انتظار فرج، ابزار قرب به او و...) بنویسم؛ اما مشکلات روزگار، مرا از این کار بازداشت؛ تا این که در خواب، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را دیدم که به من فرمود: «این کتاب را بنویس و عربی هم بنویس و نام آن را مکیال المکارم فی فواید الدعاء للقائم بگذار». وقتی از

۱- وی در سال ۱۳۰۱ ق در اصفهان تولد یافت و عمر خود را در تهذیب نفس، فراگیری و نشر علوم آل محمد سپری کرد. اگرچه عمر نسبتاً کوتاهی داشت، ولی آثار علمی ارزنده ای از خود به یادگار گذاشت. که از جمله آنها کتاب مکیال المکارم فی فواید الدعاء للقائم عجل الله تعالی فرجه الشریف است. وی در سال ۱۳۴۸ ق وفات یافت و در تخت فولاد اصفهان در جوار پدرش مدفون گردید.



خواب بیدار شدم، تصمیم به نگارش آن گرفتم که توفیق یارم نشد؛ تا این که در سال ۱۳۳۰ ق به مکه مشرف شدم و وبا در آن جا گسترش یافت.

با خداوند عهد کردم اگر به سلامت بازگشتم، تصنیف این کتاب را آغاز کنم. به لطف خدا، با سلامتی بازگشتم و تدوین آن را آغاز کردم.

نویسنده، مطالب کتاب را در هشت باب به تعداد درهای بهشت، تنظیم کرده است:

۱. وجوب شناخت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ؛
۲. امام زمان ما حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛
۳. بخشی از حقوق امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر ما؛
۴. ویژگی های حضرت که مستوجب دعای مردم در حق او است؛
۵. فواید دعا برای فرج صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ؛
۶. اوقات و حالاتی که در آن ها دعا برای حضرت و تعجیل فرج تأکید شده است؛
۷. چگونگی دعا برای تعجیل فرج و پاره ای از دعاهاى مأثور؛
۸. در بقیه اموری که سبب قرب به حضرت می شود و حضرت را خوشحال می کند و نزد او پر ارزش است.

### **مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف (ترجمه جلد سیزدهم بحار الانوار)**

این کتاب ارزشمند، ترجمه جلد سیزدهم کتاب بحار الانوار اثر گرانسنگ علامه مجلسی است که به وسیله دانشمند محترم، مرحوم علی دوانی به فارسی برگردان شده است. این اثر، حاوی گزارش تفصیلی با محتوای تاریخی حدیثی در زندگانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

ترجمه فارسی کتاب، با مقدمه و پاورقی های مبسوط مترجم همراه است. مقدمه و اضافات مترجم، با افزودن قصائد و قطعاتی چند از آثار ادب فارسی، نگارش یافته است. مترجم، در جای جای کتاب در رد شبهات فرقه بهائیه و بابیه، نهایت سعی خویش را به کار برده است.

عنوان های مهم کتاب، از این قرار است:

۱. عناوین مقدمه های کتاب: شرح کامل زندگانی علامه مجلسی و آثار و آرای او، مواضع شرق شناسان انگلیسی و صوفیه درباره علامه مجلسی، فرقه های صوفیه شیعه و سنی، نکوهش صوفیه توسط دانشمندان بزرگ شیعه، مهدویت در اسلام و دیگر ملل و ادیان، بهایی گری و منشأ پیدایش آن و کتاب های این فرقه.

۲. پاورقی ها: شامل ده ها موضوع متنوع تاریخی، کلامی، حدیثی، ملاحم، اشعار و مدایح است.

۳. متن کتاب: تاریخ ولادت، نام و کنیه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، آیاتی که در روایات اهل بیت علیهم السلام به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و ظهور آن حضرت تأویل شده است؛ روایاتی که از طریق شیعه و سنی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل شده است، همچنین اخباری که به وسیله کاهنان ذکر شده است، طرح بسیاری از مسایل کلامی به صورت پرسش و پاسخ، ارائه نظریات برخی علمای بزرگ در موضوع مهدویت، مقایسه شباهت های آن حضرت با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و دیگر پیامبران الهی علیهم السلام، اخبار معمرین (آنان که عمری طولانی داشته اند) دنیا و تحلیل غیبت طولانی آن حضرت، کرامات آن حضرت، نواب خاص آن حضرت، مدعیان دروغین نیابت، تشریف یافتگان محضر آن بزرگوار، انتظار فرج، نشانه های ظهور، شیوه حکومت داری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، رویدادهای زمان آن حضرت، رجعت، جانشینان حضرت و سرانجام وقایع پس از آن حضرت و پایان تاریخ... فقط برخی از موضوعات مورد بحث این اثر ارزشمند است.

## تاریخ عصر غیبت

(نگاهی تحلیلی به عصر غیبت امام دوازدهم)

در این کتاب که به وسیله گروهی از نویسندگان (پور سید آقایی، جباری، عاشوری حکیم) به رشته تحریر در آمده، تلاش شده است تحلیلی از دوران غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در اختیار خواننده قرار گیرد.

کتاب، نگاهی است از منظر تاریخی و تلاشی است در جهت بررسی تاریخ «غیبت صغرا» و «غیبت کبرا» ی امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف.

در بررسی غیبت صغرا، ابتدا مروری شده است بر بررسی منابع و شناخت وضعیت سیاسی اجتماعی و فکری عصر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آستانه غیبت و آشنایی با زمینه های تاریخی و تمهیدات امامان علیهم السلام به ویژه امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام برای ورود شیعه به این عصر و بررسی سازمان مخفی و کالت و تکوین و فرایند تکاملی آن و نقش آن، در زمان غیبت صغرای حضرت و سپس چگونگی آغاز غیبت، دلایل آن، شرح نواب خاص و وظایف و نقش آنان در این عصر.

در بررسی غیبت کبرا نیز به تاریخ شیعه، نهضت ها و دولت های آن همراه حرکت های علمی و مبارزه های دانشمندان و دوران های مرجعیت فقیهان و مدارس آنان، اشاره شده است. در نهایت نیز بررسی کوتاهی درباره آثار و سیرت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف صورت پذیرفته است.

عناوین فصل های نه گانه کتاب بدین قرار است:

۱. معرفی و بررسی منابع تاریخ عصر غیبت؛

۲. نگاهی کوتاه به زندگی امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف؛

۳. وضعیت سیاسی، اجتماعی و فکری عصر عباسیان در آستانه غیبت صغرا؛

۴. وضعیت فکری، سیاسی و اجتماعی شیعه در آستانه غیبت صغرا؛

۵. زمینه سازی معصومان برای ورود شیعه به عصر غیبت؛

۶. پیشینه سازمان و کالت و جایگاه آن در عصر غیبت صغرا؛

۷. عصر غیبت صغرا؛

۸. مروری بر برخی از مهم ترین مسایل عصر غیبت کبرا؛

۹. سیرت و آثار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

این کتاب، برای علاقه مندان به مباحث تاریخی مهدویّت به خوبی قابل استفاده است.

## تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف

مؤلف این کتاب دکتر جاسم محمد حسین، اهل عراق و متخصص در تاریخ اسلام است. وی تحصیلات خود را در تاریخ خاورمیانه در بصره، بغداد و ادینبورگ به انجام رسانده و دکترای خود را از دانشگاه ادینبورگ اخذ کرده است. سپس در بخش «مطالعات اسلامی و خاورمیانه» آن دانشگاه، دوره تحقیقات فوق دکتر را ادامه داده است.

علاوه بر این کتاب، مقالات و کتاب های محققانه دیگری نیز از دکتر جاسم حسین به زبان های انگلیسی، عربی و اردو به چاپ رسیده که برخی از آن ها عبارت است از:

۱. بررسی مراسم مذهبی تعزیه میان شیعیان از دیدگاه تاریخی و جامعه شناسی؛

۲. سیاست اصولی و منسجم امامان؛

۳. نقش احادیث مذهبی در غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف؛

۴. تأثیر غیبت کبرای امام دوازدهم علیه السلام بر موقعیت سیاسی و مذهبی فقهای امامیه؛

۵. نقش و کالت امامیه با عنایت خاص نسبت به دوران نخستین سفیر.

در این کتاب، مطالعه ای تفصیلی در نهضت شیعه امامیه از زمان امام صادق علیه السلام تا آخر غیبت صغرای امام دوازدهم علیه السلام انجام شده است.

آنچه ارائه شده، تصویری است از سازمان مخفی و کالت با پیروانی در سراسر جهان اسلام که با اعتقاد به امامت، در جایگاه قطب سازمان، قادر به حفظ تمامیت اسلام از گزند رویدادهای روزگار است.

کتاب تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف با ورود و خروج خوبی به مباحث، یک مسیر تحقیقی محققانه و منصفانه را پی می گیرد و از یک مقدمه، هفت فصل و نتیجه گیری تشکیل شده است.

مقدمه: معرفی منابع اولیه و بررسی آنها؛

فصل اول: نقش احادیث در غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف؛

فصل دوم: نقش امامان در فعالیت های مخفی و تأثیر آن بر تکامل تدریجی غیبت؛

فصل سوم: دیدگاه های امامیه درباره امام غایب و ولادت آن حضرت؛

فصل چهارم: بازتاب فعالیت های مخفی امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف در اقدام های سفیران آن حضرت؛

فصل پنجم: فعالیت های مخفی دومین سفیر امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف؛

فصل ششم: دوران نوبختی، سومین سفیر؛

فصل هفتم: سفیر چهارم و غیبت کبرای امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف (۱).

### روزگار رهایی (ترجمه کتاب یوم الخلاص)

این کتاب اثر نویسنده جبل عاملی، کامل سلیمان است که به اسلوبی نوین به رشته تحریر در آمده است.

متن عربی این کتاب با نام یوم الخلاص در یک جلد نگارش یافته است؛ اما ترجمه آن، به دلیل وجود متن عربی بسیاری از روایات، در دو جلد منتشر شده است.

این کتاب در ۲۰ بخش تنظیم شده است که نیمی از آن به بیان کلیاتی از احوال، آثار غیبت و انتظار، و دلایل و حکمت های آن ها و رد منکران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرداخته است. نیمه دوم کتاب، به حوادث نزدیک ظهور، قیام و حکومت حضرت، نشانه های آخر الزمان، صفات یاران و مخالفان وی و ده ها بحث دیگر به شیوه ای ابتکاری پرداخته است.

مؤلف در نگارش این اثر، در هر بخش، نخست سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و سپس روایات دیگر معصومان علیهم السلام را مورد توجه و بررسی قرار داده است.

یادکرد این نکته لازم است که نقل روایت از برخی منابع که دارای اعتبار لازم نیستند و نیز عدم دقت لازم در برخی ترجمه ها، کم و بیش در این اثر ارزشمند، اشکال ایجاد کرده است.

از ویژگی های ترجمه حاضر، آن است که از چاپ چهارم کتاب یوم الخلاص

برگردان شده که در مقایسه با چاپ نخست، مطالب بیشتری دارد و مترجم در آخر آن، فهرست های مفصل و مفیدی افزوده است.

### **پژوهشی پیرامون زندگانی نواب خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف**

این اثر، حاصل تحقیقات علی غفار زاده درباره سفیران چهارگانه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

با این که آگاهی از زندگانی نایبان خاص در زمان غیبت صغرا از اهمیت خاصی برخوردار است، کمتر کتاب جامعی در این باره نگارش یافته است.

به همین دلیل، کتاب مورد نظر از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

کتاب، دارای پیشگفتاری به قلم آیت الله سبحانی، مقدمه و دو بخش است.

بخش اول دارای سه فصل است که مباحث مقدماتی مانند: غیبت، خلفای دوران غیبت صغرا و علل محفوظ ماندن مکتب تشیع از آثار منفی غیبت را بحث و بررسی کرده است.

بخش دوم کتاب، به تفصیل زندگانی نواب خاص امام زمان علیه السلام را در طول هفتاد سال غیبت صغرا بررسی کرده است.

مؤلف در بخشی از کتاب، این گونه به پاره ای از وظائف و فعالیت های نواب خاص اشاره کرده است:

۱. پنهان نگه داشتن نام و مکان حضرت و رفع تردید درباره او؛

۲. جلوگیری از فرقه گرایی و انشعابات شیعیان؛

۳. پاسخگویی به پرسش های فقهی و مشکلات علمی و عقیدتی؛

۴. مبارزه با مدعیان دروغین نیابت؛

۵. گرفتن و توزیع اموال متعلق به امام علیه السلام؛

۶. سازماندهی و کیل های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

## جزیره خضرا در ترازوی نقد

این کتاب، پژوهشی است انتقادی درباره پاره ای از حکایت های مربوط به مهدویت و نشانه های آخرالزمان که به قلم شیوای سید جعفر مرتضی تألیف و به دست محمد سپهری به فارسی برگردان شده است.

نویسنده با هدف گزارش واقعیت مسایل آخرالزمان، نخست پیشگویی های منسوب به امامان علیهم السلام درباره نشانه های ظهور را به دو دسته محتوم و غیر محتوم تقسیم و بسیاری از روایات آن را ساختگی و جعلی معرفی کرده است. سپس به تفصیل، متن دو کتاب بیان الائمه و خطبه البیان را بررسی و مطالعات عنوان شده در آن ها را بی اساس و موهوم ارزیابی کرده است. در پایان، به حکایت مربوط به جزیره خضرا پرداخته و آن ها را مخدوش شمرده است.

از دیدگاه نویسنده، بسیاری از این سخنان، پس از وقوع حوادث مورد نظر، جعل شده و به طور یقین نمی توان آن ها را به معصوم استناد داد.

این کتاب دارای یک پیشگفتار و سه بخش است. بخش نخست، با دو فصل به بحث از پیشگویی های غیبی امامان علیهم السلام از نشانه های ظهور و دیدگاه انتخاب شده و موضعی که باید انتخاب شود و سپس تقسیم نشانه های ظهور، به حتمی و غیر حتمی می پردازد.

در بخش دوم، طی چهار فصل، به ارائه دو نمونه از روایات و اخبار و پیشگویی هایی پرداخته که در اخبار ساختگی و تحریف شده به صورت کاملاً آشکاری نمایان است. این دو نمونه عبارتند از:

۱. کتاب بیان الائمه علیهم السلام: این کتاب چند سال پیش با روایاتی منسوب به حضرت علی علیه السلام منتشر شد که هیچ اساسی ندارد. دانسته شد که یا این روایات پس از وقوع حوادث جعل شده یا آن موقع که علامات و نشانه های صریح و روشن آن نمایان شده است.

۲. خطبه البیان: نقد و بررسی خطبه معروف به خطبه البیان منسوب به حضرت علی علیه السلام و مطالب کذب و نادرست و تحریف شده ای که برای اهداف پست و شیطانی وضع شده است.

در بخش سوم با چهار فصل به بررسی روایت مربوط به جزیره خضرا پرداخته و می نویسد: ما این روایت را قابل قبول و معتبر ندیدیم؛ بلکه بر عکس در لایه لای آن، مطالب فراوانی است که باعث شک و تردید در صحت آن بوده و این احتمال قوی می نماید که از اساس ساختگی و جعلی باشد.

علامه سید جعفر مرتضی عاملی تلاش نموده است با ارائه ادله فراوانی، خط بطلان به هر سه موضوع بکشد و از اساس آن ها را باطل کند.



## منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم، ترجمه: محمد مهدی فولادوند.
۲. ابن طاوس، علی بن موسی، اقبال الاعمال، دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ش.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
۴. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه علیهم السلام، تبریز، مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱ق.
۵. الهامی، داود، آخرین امید، دوم، قم، مکتب اسلام، ۳۷۷ش.
۶. امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، نوزدهم، قم، شفق، ۱۳۷۹ش.
۷. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۰۷ق.
۸. بدری، سید سامر، پاسخ به شبهات احمد الکاتب، ناصر ربیعی، قم، انوار الهدی، ۱۳۸۰ش.
۹. برقی، احمد بن محمد بن خالد، محاسن، دوم، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰ق.
۱۰. بنی هاشمی، سید محمد، سلوک منتظران، تهران، منیر، ۱۳۸۲ش.
۱۱. بنی هاشمی، سید محمد، معرفت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، سوم، [بی جا] نیک معارف، ۱۳۸۳ش.
۱۲. پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان علیهم السلام، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۷۲ش.
۱۳. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن ترمذی، بیروت، داراحیاء التراث العربی [بی تا].
۱۴. جاسم حسین، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم علیه السلام، سید محمد تقی آیت اللهی، دوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷ش.
۱۵. جعفر مرتضی، جزیره خضراء در ترازوی نقد، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۷۷ش.

۱۶. جعفریان، رسول، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی سیاسی ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳ش.
۱۷. جمعی از نویسندگان، چشم به راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، دوم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸ش.
۱۸. جمعی از نویسندگان، مجموعه مقالات و گفتارها پیرامون حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، دبیرخانه اجلاس دو سالانه ابعاد وجودی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰ش.
۱۹. جمعی از نویسندگان، نور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، تهران، آفاق، ۱۴۰۱ق.
۲۰. گروهی از نویسندگان، فصلنامه انتظار، قم، مرکز تخصصی مهدویت.
۲۱. جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه ولایت فقاہت و عدالت، قم، اسراء، ۱۳۷۹ش.
۲۲. حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول علیهم السلام، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۲۳. حکیمی، محمد، در فجر ساحل، بیست و یکم، تهران، آفاق، ۱۳۷۸ش.
۲۴. حکیمی، محمدرضا، خورشید مغرب، شانزدهم، تهران، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹ش.
۲۵. خادمی شیرازی، محمد، مجموعه فرمایشات بقیه‌الله عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، رسالت، ۱۳۷۷ش.
۲۶. خزاز قمی، علی بن محمد، کفایه الاثر، قم، بیدار، ۱۴۰۱ق.
۲۷. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش.
۲۸. دیلمی، حسن بن ابی الحسن، الارشاد القلوب، [ابی‌جا] شریف رضی ۱۴۱۲ش.
۲۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دوم، [ابی‌جا] دفتر نشر الکتاب [ابی‌تا].
۳۰. راوندی، قطب الدین، الخرائج والجرائح، قم، موسسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۴۰۹ق.
۳۱. رجالی تهرانی، علی رضا، ولایت فقیه در عصر غیبت، قم، نبوغ، ۱۳۷۹ش.
۳۲. رضوانی، علی اصغر، موعود شناسی و پاسخ به شبهات، قم، مسجد جمکران، ۱۳۸۴ش.
۳۳. سجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۰ق.

۳۴. سعادت پرور، علی، ظهور نور، سید محمد جواد وزیری فرد، تهران، احیاء کتاب، ۱۳۸۰ش.

۳۵. شجاعی، محمد، آشتی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، تهران، محیی، ۱۳۸۱ش.

۳۶. شفیعی سروسستانی، ابراهیم، معرفت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و تکلیف منتظران، تهران، موعود عصر، ۱۳۸۵ش.

۳۷. شفیعی سروسستانی، اسماعیل، استراتژی انتظار، تهران، موعود عصر، ۱۳۸۴ش.

۳۸. شوشتری، محمد تقی و دیگران، جزیره خضرا افسانه یا واقعیت؟، ترجمه و تحقیق ابوالفضل طریقه دار، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۰ش.

۳۹. شیبانی، احمد بن حنبل، مسند احمد، مصر، موسسه قرطبه [بی تا].
۴۰. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، قم، موسسه السیده المعصومه علیها السلام، ۱۴۱۹ق.
۴۱. فروغ ولایت در دعای ندبه، قم، حضرت معصومه علیها السلام، ۱۳۵۷ش.
۴۲. وابستگی جهان به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، حضرت معصومه علیها السلام، ۱۳۷۵ش.
۴۳. امامت و مهدویت، قم، حضرت معصومه علیها السلام، ۱۳۷۷ش.
۴۴. پیرامون معرفت امام، قم، حضرت معصومه علیها السلام، ۱۳۷۵ش.
۴۵. صدر حاج سید جوادی، احمد و دیگران، دایره المعارف تشیع، تهران، شهید سعید محبی، ۱۳۸۱ش.
۴۶. صدر، سید رضا، راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۷۸ش.
۴۷. صدر، سید محمد، تاریخ الغیبه الصغری، سید حسن افتخارزاده، تهران، نیک معارف، ۱۳۷۱ش.
۴۸. تاریخ الغیبه الكبرى، اصفهان، مکتبه الامام امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۴۰۲ق.
۴۹. تاریخ ما بعد الظهور، اصفهان، مکتبه الامام امیرالمؤمنین علیه السلام، بی تا.
۵۰. صدر، سید محمد باقر، رهبری بر فراز قرون، تهران، موعود، ۱۳۷۹ش.
۵۱. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵ق.
۵۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام، تهران، جهان، ۱۳۷۸ق.
۵۳. معانی الاخبار، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۱ش.
۵۴. من لایحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.
۵۵. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم، شریف رضی، ۱۳۶۴ش.
۵۶. أمالی، تهران، کتابخانه اسلامی، ۱۳۶۲ش.
۵۷. خصال، دوم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ق.

۵۸. طاهری، حبیب الله، سیمای آفتاب، قم، زائر، ۱۳۸۰ش.

۵۹. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، یازدهم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱ش.

۶۰. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، دوم، قاهره، مکتبه ابن تیمیه [بی تا].

۶۱. طبرسی، احمد بن علی، احتجاج، مشهد، مرتضی، ۱۴۰۳ق.

۶۲. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری، تهران، دارالکتب الاسلامیه [بی تا].

۶۳. طبرسی، میرزا حسین، نجم الثاقب، دوم، قم، مسجد جمکران، ۱۳۷۷ش.

۶۴. طبری، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الامامه، قم، دارالذخائر، [بی تا].

۶۵. طبری، آملی، محمد بن ابی القاسم، بشاره المصطفی لشيعه المرتضى، دوم، نجف، کتابخانه حیدریه، ۱۳۸۳ق.
۶۶. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۶۷. طوسی، محمد بن حسن، کتاب الغیبه، قم، موسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۶۸. مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، بیروت، موسسه فقه شیعه، ۱۴۱۰ق.
۶۹. تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش.
۷۰. عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، موسسه آل البیت، ۱۴۰۹ق.
۷۱. عکبری، محمد بن محمد بن النعمان (شیخ مفید)، اختصاص، مصحح علی اکبر غفاری، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۷۲. اربع رسالات فی الغیبه، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۷۳. الارشاد، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۷۴. الرسائل فی الغیبه، بیروت، دار المفید، ۱۴۱۴ق.
۷۵. علم الهدی، سید مرتضی، جوابات المسائل التبانیات (رسائل الشریف)، قم، دارالقران الکریم، [ابی تا].
۷۶. علیا نسب، سید ضیاء الدین، جریان شناسی انجمن حجتیه، قم، زلال کوثر، ۱۳۸۵ش.
۷۷. عمیدی، سید ثامر هاشم، در انتظار ققنوس، ترجمه و تحقیق مهدی عزیزاده، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۵ش.
۷۸. مهدی منتظر علیه السلام در اندیشه اسلامی، محمد باقر محبوب القلوب، قم، مسجد جمکران، ۱۳۸۰ش.
۷۹. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، بیروت، منشورات اعلمی، ۱۴۱۷ق.
۸۰. غفار زاده، علی، پژوهشی پیرامون زندگانی نواب خاص امام زمان علیه السلام، قم، نبوغ، ۱۳۷۵ش.
۸۱. قزوینی، سید محمّد کاظم، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا ظهور، حسین فریدونی، تهران، آفاق، ۱۳۷۹ش.
۸۲. قزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، بیروت، دار الفکر، [ابی تا].

۸۳. قشیری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، [ابی تا].

۸۴. قمی، ابن قولویه، کامل الزیارات، نجف، مرتضویه، ۱۳۵۶ق.

۸۵. قمی، شیخ عباس، منتهی الآمال، تهران، پیام آزادی، ۱۳۷۹ش.

۸۶. قمی، شاذان بن جبرئیل، فضائل، دوم، قم. رضی، ۱۳۶۳ش.

۸۷. کشی، محمد بن عمر، رجال کشی، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ش.

۸۸. کفعمی، ابراهیم بن علی، مصباح، قم، رضی، ۱۴۰۵ق.

۸۹. کنجی شافعی، ابو عبدالله محمد، البيان في اخبار صاحب الزمان عليه السلام، بيروت، دار المحججه البيضاء، ۱۴۲۱ق.

۹۰. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.

۹۱. کورانی، علی و دیگران، معجم احادیث الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، قم، موسسه معارف اسلامي، ۱۴۱۱ق.

۹۲. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات، [ابی تا]، موسسه چاپ و نشر، ۱۴۱۰ق.

۹۳. متقی هندی، علاء الدین علی، کنز العمال، بیروت، موسسه الرساله، ۱۴۰۹ق.

۹۴. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.

۹۵. حق الیقین، [ابی تا] کانون پژوهش، ۱۳۸۰ش.

۹۶. مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیه، قم، موسسه انصاریان، ۱۴۱۷ق.

۹۷. مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، قم، صدرا، ۱۳۷۹ش.

۹۸. مظفر، محمدرضا، عقاید الامامیه، علیرضا مسجد جامع، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، ۱۳۸۰ش.

۹۹. معرفت، محمدهادی، ولایت فقیه، قم، موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، ۱۳۷۷ش.

۱۰۰. مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، قم، ناصح، ۱۴۱۶ق.

۱۰۱. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، چهلهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰ش.

۱۰۲. موسوی خمینی، روح الله، ولایت فقیه، تهران، تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹ش.

۱۰۳. موسوی اصفهانی، سید محمد تقی، مکیال المکارم، سید مهدي حائری قزوینی، [ابی جا]، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، ۱۳۷۹ش.

۱۰۴. منصوری لاریجانی، اسماعیل، ولایت حکومت حکیمانه، قم، خادم الرضا علیه السلام، ۱۳۸۲ش.



١٠٥. نجاشى، احمد بن على، رجال، قم، جامعه مدرسين، ١٤٠٧ق.

١٠٦. نعمانى، محمد بن ابراهيم، الغيبه، تهران، مكتبه الصدوق، ١٣٩٧ق.

١٠٧. نورى، ميرزا حسين، مستدرک الوسائل، قم، موسسه آل البيت عليهم السلام، ١٤٠٨ق.

١٠٨. نيشابورى، محمد بن حسن فتال، روضه الواعظين، قم، رضى، [ابى تا].

١٠٩. نيلى نجفى، على بن عبدالكريم، منتخب الانوار المضيئه، قم، الهادى، ١٤٠١ق.

١١٠. هلالى كوفى، سليم بن قيس، كتاب سليم بن قيس، قم، الهادى، ١٤١٥ق.

الحمد لله رب العالمين

جلد ۳

اشاره

ص: ۱

درسنامه مهدویت

(جلد ۳)

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

از

ظهور تا حکومت جهانی

خدایمیرا سلیمان

در سنانه مهديت (۳)

□ مؤلف: خدامراد سليميان

□ ناشر: انتشارات بنياد فرهنگي حضرت مهدي موعود عجل الله تعالى فرجه الشريف

□ نوبت چاپ: سوم زمستان ۹۱

□ شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۷۹-۸

□ شمارگان: دو هزار نسخه (تاکنون چهارده هزار نسخه)

□ قيمت: ۷۰۰۰ تومان

تمامي حقوق © محفوظ است.

□ قم: انتشارات بنياد فرهنگي حضرت مهدي موعود عجل الله تعالى فرجه الشريف، مرکز تخصصي مهديت / خيابان شهدا /

کوچه آمار (۲۲) / بن بست شهيد عليان / ص.پ: ۱۱۹ - ۳۷۱۳۵ / همراه: ۰۹۱۰۹۶۷۸۹۱۱ / تلفن: ۷۷۳۷۸۰۱ / فاکس: ۷۷۳۷۱۶۰

□ تهران: بنياد فرهنگي حضرت مهدي موعود عجل الله تعالى فرجه الشريف / تلفن: ۸۸۹۵۹۰۴۹ / فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹ /

ص.پ: ۳۵۵-۱۵۶۵۵

□ [www.imammahdi-s.com](http://www.imammahdi-s.com) □ [info@imammahdi-s.com](mailto:info@imammahdi-s.com)

با قدرداني و تشکر از همکاراني که در توليد اين اثر نقش داشته اند:

اعضاي محترم شوراي کتاب حجج اسلام مجتبي کلباسي، محمدصاير جعفري، مهدي يوسفیان، محمدرضا فؤاديان و آقايان

احمد مسعوديان (مدیر داخلی)، عبدا... شريفی (مدیر فروش)، مرتضی دانش طلب (مدیر مالی)، رضا فريدي (صفحه آرا)،

عباس فريدي (طراح جلد)

و کليه کسانی که ما را ياری نمودند.

مدیر مسئول انتشارات بنياد فرهنگي حضرت مهدي موعود عجل الله تعالى فرجه الشريف

حسين احمدی



ص: ٣

بسم الله الرحمن الرحيم

## فهرست مطالب

پیشگفتار ۱۵

درس اول

جهان در آستانه ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۷

پیش در آمد ۱۸

زندگی انسان ها در آستانه ظهور ۱۸

یک. دگرگونی در زندگی فردی ۱۹

دو. دگرگونی در زندگی اجتماعی ۲۰

۲۱. عرصه فرهنگی ۲۰

۲۲. عرصه اجتماع ۲۳

۲۳. عرصه اقتصادی ۲۸

۲۴. عرصه سیاسی ۲۹

جهان و طبیعت در آستانه ظهور ۳۰

خودآزمایی ۳۳

منابع برای پژوهش ۳۳

درس دوم

شرایط ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۳۵

پیش در آمد ۳۶

مفهوم شناسی شرایط ظهور ۳۶

یک. وجود برنامه و طرحی جامع و متعالی ۳۸

دو. وجود رهبر و هدایتگری شایسته و معصوم ۳۹

ویژگی های رهبر ۴۰

۱. ویژگی های عام ۴۰

۲. ویژگی های خاص ۴۲

سه. وجود گروهی از انسان های پاکدل و فداکار؛ ۴۴

چهار. احساس نیاز در جامعه جهانی ۴۷

خودآزمایی ۵۰

منابع برای پژوهش ۵۰

ص: ۵

درس سوم

زمینه سازی و زمینه سازان ظهور ۵۱

پیش درآمد ۵۲

آمادگی و زمینه سازی ظهور ۵۲

زمینه سازان عام ۵۳

ویژگی های زمینه سازان ۵۴

۱. ویژگی های اعتقادی ۵۴

۱۱. شناخت پروردگار ۵۴

۱۲. شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ۵۵

۲. ویژگی های رفتاری ۵۷

۲-۱. آمادگی روحی و روانی ۵۸

۲-۲. آمادگی اقتصادی ۵۹

۲۳. آمادگی نظامی ۵۹

زمینه سازان خاص ۶۱

خودآزمایی ۶۴

منابع برای پژوهش ۶۴

درس چهارم

قیام های پیش از ظهور ۶۵

پیش درآمد ۶۶



قیام های پیش از ظهور ۶۶

۱. طاغوت بودن پرچم داران قیام های پیش از ظهور ۶۷

۲. شکست قیام های پیش از ظهور ۷۱

۳. سکوت و خانه نشینی ۷۵

۴. سرزنش شتاب برای نابود کردن دشمنان ۷۷

خودآزمایی ۸۰

منابع برای پژوهش ۸۰

درس پنجم

دشمن شناسی اعتقاد به مهدویت ۸۱

پیش درآمد ۸۲

یک. ضرورت دشمن شناسی ۸۲

۱-۱. کافران، دشمن خدا و مؤمنان ۸۳

۱-۲. یهود سرسخت ترین دشمن ۸۳

۱-۳. مشرکان ۸۴

۱-۴. منافقان ۸۴

۱-۵. نصارا ۸۴

دو. عوامل مخالفت و دشمنی با حق ۸۵

۲-۱. دنیاپرستی ۸۵

۲-۲. سلطه جویی ۸۵

۲۳. تعصب های کور ۸۶

۲۴. ناآگاهی از حقیقت مهدویت ۸۷

سه. راهبرد دشمنان در برابر مهدویت ۸۷

۳-۱. انکار ۸۷

۳-۲. تحریف ۸۷

۳-۳. تخریب ۸۸

۳-۴. جلوگیری از ترویج حق ۹۰

۳-۵. جایگزینی ۹۱

۳-۶. گمراه کردن پیروان ۹۱

چهار. راه های مقابله با دشمن ۹۲

۴-۱. شکیبایی و تقوا ۹۲

۴-۲. مجهز شدن به تجهیزات مناسب ۹۲

۴-۳. مبارزه منفی با دشمنان ۹۳

۴-۴. شناساندن دشمن ۹۳

۴-۵. همکاری نکردن با دشمنان ۹۴

۴-۶. اتحاد و برادری ۹۴

خودآزمایی ۹۵

منابع برای پژوهش ۹۵

درس ششم

نشانه های ظهور (مفاهیم و کلیات) ۹۷

پیش درآمد ۹۸

یک. آشنایی با مفاهیم ۹۸

ص: ۷

۱-۱. علایم ۹۹

۱-۲. آیت ۱۰۰

۱-۳. دلالت ۱۰۱

۱-۴. آخِرُ الزَّمان ۱۰۱

۱-۵. ملاحم و فتن ۱۰۲

۱-۶. ظهور ۱۰۴

۱-۷. خروج ۱۰۵

۱-۸. قیام ۱۰۵

۱-۹. اشراط الساعة ۱۰۵

دو. آشنایی با کلیات ۱۰۷

۲-۱. نشانه های آخِرُ الزَّمان ۱۰۷

۲-۲. نشانه های نزدیک شدن قیامت ۱۰۸

۲-۳. نشانه های ظهور ۱۰۸

۲-۴. نشانه های قیام قائم ۱۰۹

۲-۵. نشانه های خروج ۱۱۰

۲-۶. توصیفی یا تمثیلی بودن نشانه های ظهور ۱۱۱

الف. توصیفی بودن نشانه ها ۱۱۱

ب. تمثیلی بودن نشانه ها ۱۱۲

۲-۷. شمار نشانه ها ۱۱۲

خودآزمایی ۱۱۳

منابع برای پژوهش ۱۱۳

درس هفتم

نشانه های ظهور (حتمی و غیر حتمی) ۱۱۵

پیش درآمد ۱۱۶

انواع نشانه های ظهور ۱۱۶

یک. نشانه های حتمی ۱۱۶

۱-۱. ندای آسمانی ۱۱۸

حتمی بودن ندای آسمانی ۱۱۸

چگونگی و گستره ندای آسمانی ۱۱۹

زمان ندای آسمانی ۱۲۰

محتوای ندای آسمانی ۱۲۳

ندای شیطانی (زمینی) ۱۲۴

۱-۲. خروج سفیانی ۱۲۴

نام و نسب سفیانی ۱۲۵

ویژگی های سفیانی ۱۲۵

زمان خروج سفیانی ۱۲۶

پایان کار سفیانی ۱۲۸

۱-۳. خروج یمانی ۱۲۹

زمان و مکان خروج یمانی ۱۲۹

۱-۴. خسف به بیداء ۱۳۰

چگونگی خسف به بیداء ۱۳۰

۱-۵. قتل نفس زکیه ۱۳۱

زمان و مکان قتل نفس زکیه ۱۳۲

دو. نشانه های غیر حتمی ۱۳۳

خودآزمایی ۱۳۴

منابع برای پژوهش ۱۳۴

درس هشتم

نشانه های قیامت ۱۳۵

پیش درآمد ۱۳۶

نشانه های نزدیک شدن قیامت ۱۳۶

یک. دگرگونی های انسانی ۱۳۹

۱۱. خروج سفیانی ۱۳۹

۱-۲. خروج دجال ۱۳۹

۱-۳. خروج دابّه الارض ۱۴۳

۱-۴. خروج قائم ۱۴۵

۱-۵. نزول عیسی علیه السلام ۱۴۶

دو. دگرگونی های کیهانی ۱۴۷

۱-۲. دود در آسمان ۱۴۷

۲-۲. طلوع خورشید از مغرب ۱۴۷

۲-۳. فرو رفتن زمین در ناحیه مشرق ۱۴۸

۴-۲. فرو رفتن زمین در جزیره العرب ۱۴۸

۵-۲. آتشی از عدن ۱۴۹

خودآزمایی ۱۵۱

منابع برای پژوهش ۱۵۱

درس نهم

ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف (کلیات) ۱۵۳

پیش درآمد ۱۵۴

ظهور ۱۵۵

یک. اصطلاح ظهور از نگاه روایات ۱۵۵

۱-۱. آشکار شدن امام مهدی علیه السلام پس از غیبت ۱۵۶

۱-۲. همه دوران ظهور و آشکار بودن حضرت ۱۵۶

۱-۳. آشکار شدن دولت حق ۱۵۷

اشتیاق صالحان به درک زمان ظهور ۱۵۷

دو. ابعاد و مراحل ظهور ۱۵۹

۱-۲. وقت ظهور ۱۵۹

۲-۲. آگاه شدن امام مهدی علیه السلام از زمان ظهور ۱۶۱

۲-۳. محل ظهور ۱۶۲

۲-۴. چگونگی ظهور ۱۶۳

۲-۵. امر به پذیرفتن مهدی علیه السلام ۱۶۴



۶-۲. بیعت با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۶۵

شادمانی اهل آسمان و زمین ۱۶۷

خودآزمایی ۱۶۹

منابع برای پژوهش ۱۶۹

درس دهم

قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام ۱۷۱

پیش درآمد ۱۷۲

یک. مفهوم شناسی قیام ۱۷۲

دو. حتمی بودن قیام امام مهدی علیه السلام ۱۷۵

سه. مهم ترین عناصر قیام امام مهدی علیه السلام ۱۷۶

چهار. زمان و مکان قیام ۱۷۷

پنج. ابزار قیام (سلاح حضرت و یاران) ۱۷۸

۱-۵. معنای حقیقی ۱۷۸

۲-۵. معنای مجازی و کنایی ۱۷۹

شش. جغرافیای قیام و فتوحات ۱۸۰

هفت. برخی آثار و برکات قیام امام مهدی علیه السلام ۱۸۲

۱-۷. نابودی باطل ۱۸۲

۲۷. نابودی مشرکان و کافران ۱۸۳

۷۳. رشد خردورزی بندگان خداوند ۱۸۴

۷۴. برپایی عدل و قسط ۱۸۴

۷۵. غلبه اسلام بر دیگر ادیان ۱۸۵

خودآزمایی ۱۸۷

منابع برای پژوهش ۱۸۷

درس یازدهم

دشمنان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام قیام ۱۸۹

پیش درآمد ۱۹۰

یک. نبرد پایانی حق و باطل ۱۹۰

دو. گونه شناسی دشمنان حضرت هنگام قیام ۱۹۱

۲۱. غیر مسلمانان ۱۹۱

۲۱۱. کافران و مشرکان ۱۹۱

۲۱۲. یهود، سرسخت ترین دشمن ۱۹۲

۲۱۳. نصارا ۱۹۲۱

۲۲. مسلمانان ۱۹۳

۲۲۱. منافقان ۱۹۳

۲۲۲. راحت طلبان ۱۹۳

۲۲۳. جمود اندیشان ۱۹۴

سه. انتقام ۱۹۶

۳۱. دشمنان خداوند ۱۹۶

۳۲. قاتلان امام حسین علیه السلام ۱۹۸

اقسام انتقام ۲۰۱

چهار. فرجام شیطان ۲۰۲

ص: ۱۱

خودآزمایی ۲۰۴

منابع برای پژوهش ۲۰۴

درس دوازدهم

یاران و یاوران ۲۰۵

پیش درآمد ۲۰۶

یاران و یاوران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۲۰۷

یک. یاران خاص ۲۰۷

۱-۱. ویژگی های یاران خاص ۲۰۹

۱-۲. یاران زن ۲۱۲

۱-۳. گونه شناسی یاران خاص ۲۱۳

دو. یاران عام (یاوران) ۲۱۷

شعار یاران حضرت مهدی علیه السلام ۲۱۸

خودآزمایی ۲۲۰

منابع برای پژوهش ۲۲۰

درس سیزدهم

امدادهای غیبی در قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۲۲۱

پیش درآمد ۲۲۲

یک. مفهوم شناسی امدادهای غیبی ۲۲۲

دو. امدادهای غیبی از نگاه قرآن ۲۲۳

۲۱. سپاهیان دیده نشدنی ۲۲۴

۲۲. یاری با فرشتگان ۲۲۵

۲۳. آرام کردن دل های مؤمنان ۲۲۵

۲۴. ترس در دل های دشمنان ۲۲۵

۲۵. فرستادن بادهای ویرانگر ۲۲۶

سه. شرایط برخورداری از امدادهای غیبی ۲۲۶

۳۱. ایمان ۲۲۶

۳۳. پارسایی ۲۲۷

۳۳. پایداری ۲۲۷

۳۴. کوشش در راه خداوند ۲۲۷

چهار. امدادهای غیبی در عصر ظهور ۲۲۸

۴۱. فرشتگان ۲۲۸

۴۲. ترس در دل دشمنان ۲۳۰

۴۳. نیروهای طبیعت ۲۳۰

۴-۴. برخی امدادهای دیگر ۲۳۱

سرانجام کار ۲۳۳

خودآزمایی ۲۳۵

منابع برای پژوهش ۲۳۵

درس چهاردهم

آسیب شناسی عرصه های مهدویت ۲۳۷

پیش درآمد ۲۳۸

آسیب شناسی ۲۳۹

گونه های آسیب ۲۴۰

۱. جعل و تحریف ۲۴۰

۲. ادعای مهدویت، نیابت و بابیت ۲۴۱

۳. وارد شدن برخی اسرائیلیات ۲۴۲

۴. مراجعه به متون تخصصی بدون آگاهی لازم ۲۴۳

۵. استفاده از منابع غیر معتبر و ضعیف ۲۴۳

۶. مواجهه با شبهات بدون آمادگی قبلی ۲۴۴

۷. تفسیرها و تطبیق های نادرست ۲۴۴

۸. طرح مباحث غیر ضروری ۲۵۱

خود آزمایی ۲۵۳

منابع برای پژوهش ۲۵۳

درس پانزدهم

کتاب شناسی مهدویت (۳) ۲۵۵

پیش درآمد ۲۵۶

۱. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ موجود موعود ۲۵۷

۲. تاریخ پس از ظهور ۲۵۹

۳. زمینه سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۲۶۰

۴. در انتظار ققنوس (کاوشی در قلمرو موعود شناسی و مهدی باوری) ۲۶۱

۵. ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه اسلام و مذاهب جهان ۲۶۲

۶. ظهور نور ۲۶۴

۷. تحلیل تاریخی نشانه های ظهور ۲۶۵

۸. چشم به راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۲۶۶

۹. مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف ۲۶۷

۱۰. التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن (الملاحم و الفتن) ۲۶۸

منابع و مأخذ ۲۷۰



## پیشگفتار

ظهور و قیام جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به عنوان هنگامه و رخدادی مهم و مورد بشارت همه پیامبران و اولیای الهی علیهم السلام در کانون نگاه علاقه مندان به بحث های مهدویت و آینده پژوهی قرار دارد؛ بویژه آنکه امروزه دوستان و باورمندان، خود را به این حادثه بزرگ نزدیک می بینند و آرزومند تحقق آن هستند. آنان می خواهند زندگی خود را در آن دوران نورانی سپری کنند و دشمنان و منکران نیز در بیم از دست دادن موقعیت خود، آن را دنبال می کنند تا به گمان خود، برای مقابله با آن غافلگیر نشوند.

از این دوران که مهم ترین مرحله زندگی آن حضرت پیش از برپایی حکومت جهانی است با عنوان رازی از رازهای خداوند و غیبی از غیب های پروردگار، یاد شده است. راز بودن این دوران همچون دوران غیبت، بسیاری از حقیقت های آن را هنوز بر ما پوشیده نگه داشته است، چه اینکه بررسی های ژرف در سخنان ارزشمند پیشوایان معصوم علیهم السلام، می تواند افق های نوین و ارزشمندی فراروی مشتاقان و پژوهندگان قرار دهد.

هر چند تلاش های شایسته ای در این عرصه صورت گرفته و ثمره های ارزشمندی به بار آورده است؛ اما یکی از کاستی های این بحث، نبود متنی

آموزشی برای انسجام بخشی به بررسی های موضوعی این مباحث است که جای آن بسی خالی است.

از این رو نگارنده با توشه اندک و امید بسیار با اتکا به لطف بی پایان حضرت حق و عنایات قطب عالم امکان و دلگرمی دوستان فرهیخته، به اقدامی بس بزرگ دست زده، گامی هرچند کوتاه در این راه برداشته است. باشد با آثار ارزنده دیگر پژوهشگران و نویسندگان، کمبودهای آن به زیور تکامل آراسته شود.

اینک آنچه پیش روی شما خواننده گرامی قرار گرفته، سومین مجلد از مجموعه چهار جلدی «درسنامه مهدویت» با عنوان حضرت مهدی علیه السلام از ظهور تا حکومت جهانی است. در این کتاب، مباحث مربوط به بزرگ ترین حادثه هستی؛ یعنی ظهور و قیام جهانی آخرین ذخیره الهی بحث و بررسی می شود.

پیش از این در جلد نخست، با عنوان حضرت مهدی علیه السلام از ولادت تا امامت، به بحث و بررسی موضوع مهدویت از ابتدای شکل گیری، تا آغاز امامت حضرت مهدی علیه السلام، و در جلد دوم با عنوان حضرت مهدی علیه السلام و دوران غیبت، به بحث در باره موضوعات مربوط به دوران غیبت پرداخته شده است.

امید است به یاری خداوند، پس از این نیز در جلد چهارم با عنوان حضرت مهدی علیه السلام و حکومت جهانی، موضوعات مربوط به حکومت جهانی آن حضرت بررسی گردد.

در اینجا بر خود بایسته می دانم سپاسگزاری خود را از همه اساتید بزرگواری که با راهنمایی های خود، این کمترین را همراهی کردند، اعلام نموده، از همه عزیزان در بنیاد مبارک فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام و مرکز تخصصی مهدویت به ویژه حجج اسلام و المسلمین مجتبی کلباسی، رحیم کارگر، علی مصلحی، محمد رضا نصوری و مهدی یوسفیان و در بخش انتشارات

مرکز از همه عزیزان مخصوصاً آقای احمد مسعودیان، نیز قدردانی نمایم که این کتاب را در جهت خدمت به ساحت ارزشمند مهدویت پذیرفته و به شایستگی آن را چاپ و منتشر کردند.

به امید آنکه این تلاش اندک، مورد پذیرش خداوند یگانه و رضایت آن پیشوای پنهان قرار گرفته، در جهت شناختن فرهنگ و معارف مهدویت مفید افتد.

و توفیق از خداوند است

خدا مراد سلیمیان

## درس اول: جهان در آستانه ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

یک. زندگی انسان ها در آستانه ظهور:

الف. زندگی فردی

۱. برخی مردان آستانه ظهور؛

۲. برخی زنان در آستانه ظهور.

ب. زندگی اجتماعی

۱. عرصه فرهنگی؛

۲. عرصه اجتماعی؛

۳. عرصه اقتصادی؛

۴. عرصه سیاسی.

و...

دو. جهان و طبیعت در آستانه ظهور:

۱. فراوان شدن آفات طبیعی؛

۲. زلزله های فراوان؛

۳. بلاهای شدید.

## پیش درآمد

ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، برانگیخته شدن آخرین نور هدایت و ذخیره الهی برای هدفی بسیار بزرگ و به پایان رساندن راه نیمه تمام پیامبران و اولیای خداوند است. بیشتر روایاتی که از آن عصرِ روشنائی، سخن به میان آورده، از زندگی و جهان پیش از آن، به عنوان تاریک ترین دوران زندگی بشر و ستم بارترین مرحله حیات وی یاد کرده است. دورانی که می رود تا یأس و ناامیدی حاکم بر بخش های قابل توجه آن، آخرین رشته های پیوند انسان ها را از پروردگار یگانه بگسلد و آنها را در گرداب های هلاکت نابود سازد.

روایاتِ مربوط به ظهور و قیام جهانی، از برپایی «عدل و قسط» در آن دوران خبر داده، وضع جهان در آستانه ظهور را آکنده از ستم و بی عدالتی دانسته اند. برخی روایات به دیگر جنبه های زندگی و وضع عمومی جهان نیز اشاره کرده اند که در یک بررسی می توان تحولات جهان را در دو محور انسانی و طبیعی، قابل بررسی دانست. از این رو در این درس بر آن هستیم تا با بهره گیری از سخنان معصومان علیهم السلام تصویری در حدّ امکان از این دوران ارائه دهیم.

## اشاره

انسان به عنوان خلیفه خداوند و گل سرسبد آفرینش، در طول تاریخ بر اساس رفتارهای فردی و اجتماعی اش، دگرگونی هایی را تجربه کرده و فراز و فرودهایی را پشت سر گذاشته است. این تحولات گاهی روبنایی و گاهی نیز ژرف و بنیادین بوده است که به لحاظ اهمیت آن، مورد توجه آموزه های دینی است. روایاتی که این زندگی را در پایان دوران و آستانه ظهور و قیام جهانی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف پیش گویی کرده، که در دو بخش قابل بررسی است:

## یک. دگرگونی در زندگی فردی

شاخص ترین نمود تحوّل در زندگی فردی را می توان در چگونگی دین داری، ناامیدی و سرخوردگی انسان ها و... دانست.

سیمای زندگی در آخرالزمان را می توان در دو گروه مردان و زنان این گونه ترسیم کرد:

۱. برخی مردان آستانه ظهور: آزمایش های خداوند عزوجلّ برای زنان و مردان یکسان است؛ ولی پاره ای از روایات، به ویژه درباره زندگی فردی مردان نقل شده است؛ آن گونه که در برخی روایت ها سخن از زندگی فردی زنان به میان آمده است. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

... وَرَأَيْتَ الرَّجُلَ إِذَا مَرَّ بِهِ يَوْمٌ وَلَمْ يَكْسِبْ فِيهِ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ مِنْ فُجُورٍ أَوْ بَخْسٍ مِكيَالٍ أَوْ مِيزَانٍ أَوْ غَشْيَانٍ حَرَامٍ أَوْ شُرْبِ مُسْكِرٍ كَثِيبًا حَزِينًا...؛ (۱) مرد را می بینی هنگامی که یک روز بر او گذشته و گناه بزرگی انجام نداده است از قبیله فحشا، کم فروشی، کلاه برداری و یا نوشیدن مست کننده ای بسیار غمگین و اندوهگین می شود.

۲. برخی زنان در آستانه ظهور: زنان به عنوان نیمی از پیکره جامعه انسانی اگر چه از جهاتی با مردان متفاوتند؛ اما از نظر روح

۱- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۴۰، ح ۷.

انسانی با آنان هیچ تفاوتی ندارند؛ از این رو در عموم خطاب های دینی با مردان یکسان شمرده شده اند. اما گاهی به جهت برخی تفاوت های جسمی، روحی و عاطفی خطاب های ویژه ای متوجه آنان می شود. امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

يُظْهِرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَقْتَرَابِ السَّاعَةِ وَهُوَ شَرُّ الْأَزْمَنِ نِسْوَةٌ كَاشِفَاتُ عَارِيَاتِ مُتَّبِرَّجَاتٍ مِنَ الدِّينِ دَاخِلَاتُ فِي الْفِتَنِ مَائِلَاتُ إِلَى الشَّهَوَاتِ مُسْرِعَاتُ إِلَى اللَّذَاتِ مُسْتَحِلَّاتُ لِلْمَحْرَمَاتِ فِي جَهَنَّمَ خَالِدَاتُ؛ (۱) در آخر الزمان و نزدیک شدن رستاخیز که بدترین زمان ها است، زنانی آشکار می شوند که برهنه و لخت هستند؛ زینت های خود را آشکار می سازند، به فتنه ها داخل می شوند و به سوی خواسته های نفسانی و شهوت ها می گرایند. به لذت ها می شتابند، حرام های الهی را حلال می شمارند و در جهنم جاودانه خواهند بود.

از ویژگی های یادشده هرچند در همه دوره های زندگی انسان ها بوده است؛ به نظر می رسد در پایان دوران به اوج و نهایت خود می رسد؛ از این رو مورد تأکید روایات قرار گرفته است.

## دو. دگرگونی در زندگی اجتماعی

### اشاره

زندگی در دوران غیبت حجت الهی، با سختی های فراوانی همراه است؛ بویژه آنکه تلاش شیطان های انسان نما در این دوران به اوج خود می رسد و هر چه به روزگار ظهور آن حجت الهی نزدیک تر می شویم، بر شدت این وضعیت افزوده می شود. این دگرگونی های در عرصه های زیر قابل بررسی است:

### ۲۱. عرصه فرهنگی

بی گمان عرصه بررسی های فرهنگی بسیار گسترده است؛ اما از آنجا که به طور عموم فرهنگ دینی در آستانه ظهور، بیش از جنبه های دیگر فرهنگی مورد توجه قرار گرفته است، در اینجا آن

تأکید خواهد شد.

الف. رواج نافرمانی خداوند: پیش از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف جو حاکم بر جهان، جو ستم، گناه و فساد خواهد بود؛ چنان که در قرآن کریم آمده است.

(اَقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ)؛ (۱) برای مردم [وقت] حسابشان نزدیک شده است و آنان در بی خبری روی گردانند.

در این آیه، مردم آخرالزمان در آستانه برپایی حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به غفلت و روی گردانی از خداوند متصف شده اند.

در روایات نیز منظور از «اشراط الساعه» رواج کفر، فسق و ظلم دانسته شده و موارد پرشماری از آن بر شمرده شده است. (۲)

امام باقر علیه السلام در روایتی برخی از مخالفت های با دستورات الهی را در آستانه ظهور این گونه بیان فرموده است:

إِذَا تَشَبَّهَ الرَّجُلُ بِالنِّسَاءِ وَالنِّسَاءُ بِالرِّجَالِ وَكَتَفَى الرَّجُلُ بِالرِّجَالِ وَالنِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ وَرَكِبَ ذَوَاتُ الْفُرُوجِ السُّرُوجَ وَقَبِلَتْ شَهَادَاتُ الزُّورِ وَرُدَّتْ شَهَادَاتُ الْعُدُولِ وَاسْتَحَفَّ النَّاسُ بِالْذَمِّ وَالزَّانِءُ بِالرَّبِّاءِ وَاتَّقَى الْأَشْرَارُ مَخَافَةَ أَلْسِنَتِهِمْ وَ...؛ (۳)

آنگاه که مردان به زنان تشبیه کنند و زنان به مردان و مردان اکتفا کنند و زنان به زنان، و زنان بر زین ها سوار شوند و شهادت های دروغ پذیرفته شود و شهادت های عدول مردود گردد و مردم خونریزی و ارتکاب زنا و رباخواری را سبک شمارند و از اشرار به خاطر زبانشان پرهیز کنند و...!!

ب. دوری از دین و دینداری: روز به روز عوامل فراوانی،

۱- انبیاء (۲۱)، آیه ۱.

۲- ر.ک: آیه ۱۸ سوره محمد که در درس نشانه های قیامت بررسی می شود.

۳- صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۳۰، ح ۱۶.



گوهر تابناک دین را در هاله ای از غبار و غفلت فرو می برد، از این رو در جوامع انسانی دین رو به کم رنگ شدن می رود و خرافه ها و انحراف های مختلفی، گریبان گیر آن می شود، و وقتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام می کند غبار از چهره دین برمی گیرد؛ بسیاری می پندارند این دین جدیدی است که آن حضرت آورده است! امیر مؤمنان علیه السلام از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده که فرمود:

سَيَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَبْقَى مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَشِيمُهُ وَ مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا أَشِيمُهُ يُسَمُّونَ بِهِ وَ هُمْ أَبْعَدُ النَّاسِ مِنْهُ مَسَاجِدُهُمْ عَامِرَةٌ وَ هِيَ خَرَابٌ مِنَ الْهُدَى؛ (۱) بر مردم روزی فرا می رسد که از قرآن جز رسم آن باقی نماند و از اسلام جز نام آن؛ بدان نامیده می شوند، در حالی که دورترین مردم از آن هستند! مسجدهای آنان آباد، اما از هدایت گری خراب است!

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در باره دین داری برخی انسان های این دوران فرمود:

يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ... دِينُهُمْ دَرَاهِمُهُمْ وَ هَمُّهُمْ بُطُونُهُمْ وَقِبْلَتُهُمْ نِسَاؤُهُمْ يَرْكَعُونَ لِلرَّغِيفِ وَيَسْتَجِدُونَ لِلدَّرْهِمِ حِيَارَى سِيكَارَى لَا مُسْلِمِينَ وَ لَا نَصَارَى؛ (۲) زمانی بر مردم خواهد آمد... که درهم های آنان دینشان خواهد بود و همت ایشان شکمشان و قبله آنها زنانشان. برای طلا و نقره، رکوع و سجود به جای می آورند. آنان همواره در سرگردانی و مستی خواهند بود؛ نه بر مذهب مسلمانی اند و نه بر مسلک نصرانی.

امیر مؤمنان علی علیه السلام این حقیقت را این گونه بیان فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ سَيَأْتِي عَلَيْكُمْ زَمَانٌ يُكْفَأُ فِيهِ الْإِسْلَامُ كَمَا يُكْفَأُ الْإِنَاءُ بِمَا

۱- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۳۰۷، ح ۴۷۹.

۲- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۶۶، ح ۳۱؛ ر.ک: مسلم بن حجاج قشیری، صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۳۱.

فیه؛ (۱) ای مردم! به زودی زمانی بر شما می رسد که اسلام چونان ظرف واژگون شده، آنچه در آن است، ریخته می شود.

مهم ترین عامل در پدید آمدن این وضعیت، تحریف در آموزه های متعالی دین در این دوران است که سبب می شود مردم از محتوای اصلی آن دور شده، به باورهای واهی رو آورند. البته نقش دشمنان در این زمینه نباید نادیده گرفته شود.

#### یادآوری

اگر چه در این دوران، انسان های فراوانی به کژی می گرایند؛ اما این گونه نیست که همه انسان ها در مسیر باطل گام بردارند؛ بلکه برخی به سبب ویژگی های شخصیتی و آگاهی های دینی، از نجات یافتگان این مرحله خواهند بود.

در این باره وقتی پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم از چهره های پیروز این دوران یاد می کند، با شگفتی تمام به حضرت علی علیه السلام می فرماید:

يَا عَلِيُّ أَعْجَبُ النَّاسِ إِيْمَانًا وَعَظْمُهُمْ يَقِينًا قَوْمٌ يَكُونُونَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ لَمْ يَلْحَقُوا النَّبِيَّ وَحُجِبَ عَنْهُمْ الْحُجَّةُ فَأَمَّنُوا بِسَوَادِ عَلِيٍّ بِيَاضٍ...؛ (۲) ای علی! بدان شگفت آورترین مردم در ایمان و بزرگ ترین آنان در یقین، مردمی هستند که در آخر الزمان با آنکه پیامبر خود را ندیده و از امام خود در پرده اند به نوشته که خطی سیاه بر صفحه ای سپید است، ایمان می آورند.

در اینجا مهم ترین سبب یقین و نجات توجه و عمل به سخنان پیشوایان معصوم علیهم السلام دانسته شده است. از بعضی روایات، استفاده می شود نجات یافتگان این دوران در میان انسان ها، ناشناس و غریب هستند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از آنان

۱- . سید رضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۰۳.

۲- . صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۶۶؛ همو، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۸، باب ۲۵، ح ۸.

به نیکی یاد می کند:

إِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيبًا وَ سَيَعُودُ كَمَا بَدَأَ فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ؛ (۱) اسلام به غریبی آغاز شد و در آینده نیز بدان حال که شروع شده، باز خواهد گشت؛ پس خوشا به حال غریبان.

## ۲۲. عرصه اجتماع

بحث از دگرگونی های اجتماعی پیش از ظهور، با عبارت های مختلفی در روایات اسلامی بیان شده و در متون دینی پیش گویی های قابل توجهی شده است؛ مانند:

الف. فراگیر شدن ستم: در بررسی روایات مربوط با قیام جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و اهداف ایشان، کمتر روایتی به چشم می آید که به گونه ای به فراگیر شدن ستم در آستانه ظهور اشاره نکرده باشد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَقُومَ بِأَمْرِ أُمَّتِي رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا؛ (۲) دنیا هرگز به پایان نمی رسد تا آنکه امر امت مرا مردی از دودمان حسین بر پا دارد. زمین را پر از عدل می سازد، آن گونه که از ستم و بی داد پر شده باشد.

امیر مؤمنان علی علیه السلام نیز فرمود:

لَتَمْلَأَنَّ الْأَرْضُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا حَتَّى لَا يَقُولَ أَحَدُ اللَّهِ إِلَّا مُسِيخَفِيًّا ثُمَّ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ صَالِحِينَ يَمْلَأُونَهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا؛ (۳) زمین آکنده از ستم و بیداد می شود، به گونه ای که کسی خدا نمی گوید مگر در پنهانی؛ سپس خداوند گروهی از شایستگان را می آورد که زمین را پر از قسط و عدل می کنند آن گونه که پر از ظلم و جور شده بود.

در همه روایات سخن از پر شدن زمین از ستم و بیداد است، نه ظالم و ستمگر؛ چرا که ممکن

۱- صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۶۶.

۲- صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۶۶، ح ۲۹۳؛ و نیز نک: ابی داود، سنن، ح ۴۲۸۲.

۳- طوسی، الامالی، ص ۳۸۲؛ نیز نک: عبد الرزاق صنعانی، المصنف، ح ۲۰۷۶۷.

است برخی از انسان ها با ستم بر انسان های فراوانی، اسباب پر شدن جهان را از ستم فراهم کنند.

ب. هرج و مرج و فتنه های بزرگ: درهم ریختگی در نظام زندگی و پیدایش فتنه های تاریک و گمراه کننده و نیز نابسامانی در نظم اجتماعی، از ویژگی های فراگیری ستم در جهان است. از آنجا که این فراگیری در آستانه ظهور به اوج خود می رسد، چنین آشفتگی جامعه جهانی را درگیر می سازد.

از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که فرمود:

مهدی این امت از نسل حسنین است آن هنگام که دنیا گرفتار هرج و مرج و فتنه های فراوان گردید و راه ها بسته شد.... (۱)

همچنین به نقل از جابر بن عبد الله انصاری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آمده است:

... وَمِنَّا مَهْدِيٌّ هَيْدِهِ الْمَأْمَةُ إِذَا صَارَتِ الدُّنْيَا هَرْجًا وَ مَرْجًا وَ تَظَاهَرَتِ الْفِتْنُ وَ تَقَطَّعَتِ السُّبُلُ وَ أَغَارَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ فَلَا كَبِيرَ يَرْحُمُ صَاحِبًا وَ لَا صَاحِبٍ يُؤَقِّرُ كَبِيرًا فَيَبْعَثُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عِنْدَ ذَلِكَ مَهْدِيًّا التَّاسِعَ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ؛ (۲) مهدی این امت از ما خاندان رسالت است؛ وقتی که دنیا پر از هرج و مرج شد و فتنه ها در میان مردم نمایان گشت و امنیت از راه ها گرفته شد و برخی از این مردم به بعضی دیگر هجوم آوردند و بزرگان به زیردستان رحم نکردند و افراد کم سن و سال به بزرگان و کهن سالان احترام نگذاشتند، در چنین ایامی، خداوند مهدی ما را که نهمین فرزند حسین علیه السلام است، بر می انگیزاند.

ج. اختلاف شدید مردم: از برخی روایات استفاده می شود اختلاف بین انسان ها در آستانه

۱- ابراهیم بن محمد جوینی، فرائد السمطين، ج ۲، ح ۴۰۳.

۲- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۰۷.

ظهور شدت فراوانی می یابد که ناشی از ستم ها و هرج و مرج در جهان است. امام صادق علیه السلام فرمود:

لَا يَكُونُ ذَلِكَ الْأَمْرُ حَتَّى يَتَقَلَّ بَعْضُكُمْ فِي وُجُوهِ بَعْضٍ وَ حَتَّى يَلْعَنَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا وَ حَتَّى يُسَمِّيَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا كَذَّابِينَ؛ (۱) آن امر واقع نخواهد شد تا اینکه برخی از شما در روی بعضی دیگر آب دهان اندازند و تا اینکه بخشی از شما دیگری را لعن کنند و تا اینکه گروهی از شما گروه دیگر را دروغ گو بنامند!!

د. یأس و ناامیدی مردم: بر اساس روایات معصومان علیهم السلام از اتفاق های رایج در زندگی انسان ها در آستانه ظهور، احساس ناامیدی از بسامان شدن امور زندگی است. این حالت روحی که عموم انسان ها را در بر می گیرد، برخاسته از فاصله ای است که انسان ها از خداوند و آموزه های دینی می گیرند و زندگی آنان همراه با گناه است. داوود بن کثیر رقی گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم:

جُعِلْتُ فِدَاكَ قَدْ طَالَ هَذَا الْأَمْرُ عَلَيْنَا حَتَّى ضَاقَتْ قُلُوبُنَا وَ مِتْنَا كَمَدًّا؛ فدایت گردم! این امر [فرج و گشایش] بر ما به درازا کشید، تا بد آنجا که سینه های ما تنگ شد و از اندوه جانمان به لب رسید.

آن حضرت فرمود: إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ آيِسٌ مَا يَكُونُ وَ أَشَدُّ غَمًّا؛ (۲) این امر آن گاه صورت گیرد که از آن در کمال نومیدی و شدیدترین اندوه ها باشند.

ابوحمزہ ثمالی گوید از امام باقر علیه السلام شنیدم فرمود:

وَ خُرُوجُهُ إِذَا خَرَجَ عِنْدَ الْإِيَّاسِ وَ الْقُنُوطِ؛ (۳) و خروج او آن گاه که خروج کند، هنگام یأس و ناامیدی است.

۱- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۰۶، ح ۱۰.

۲- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۱۸۱، ح ۲۹.

۳- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۳۴، ح ۲۲.

امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَأْتِيكُمْ إِلَّا بَعْدَ إِيَّاسٍ وَ لَا وَاللَّهِ حَتَّى تُمَيِّزُوا وَ لَا وَاللَّهِ حَتَّى تُمَحَّصُوا وَ لَا وَاللَّهِ حَتَّى يَشْقَى مَنْ يَشْقَى وَ يَشْعَدَ مَنْ يَشْعَدُ؛ (۱) این امر (ظهور امام دوازدهم) به شما نمی رسد، جز پس از ناامیدی و نه به خدا [به شما نمی رسد] تا [خوب از بد] جدا شوید و نه به خدا تا بررسی شوید و نه به خدا تا شقاوت به شقی رسد و سعادت به سعید.

ه. احساس بی پناهی در مردم: از بارزترین پیامد ناامیدی، احساس بی پناهی است؛ پیشوایان معصوم علیهم السلام در وصف آستانه ظهور، بر این نکته تأکید کرده اند که یکی از ویژگی های این دوره، احساس بی پناهی و بی کسی در مردم است. آنان می اندیشند همه درها بر رویشان بسته شده و جایگاهی که حق خود را باز ستانند، دور از دسترس است. صنعانی یکی از بزرگان اهل سنت نقل می کند:

ذَكَرَ رَسُولُ اللَّهِ بَلَاءَ يُصِيبُ هَذِهِ الْأُمَّةَ حَتَّى لَا يَجِدَ الرَّجُلُ مَلْجَأً يَلْجَأُ إِلَيْهِ مِنَ الظُّلْمِ فَيَبْعَثُ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ عِزَّتِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِي...؛ (۲) رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بلایی را یاد کرد که بر این امت سرازیر خواهد شد تا آنکه در آن مرد پناهگاهی نمی یابد تا از ستمی که به او می شود، بدان پناه برد. پس خداوند مردی از اهل بیت من را برانگیزد....

و. مرگ و میر فراوان در آستانه ظهور: در بعضی از روایات به طور روشن از مرگ و میرهای گسترده در آستانه ظهور سخن به میان آمده است. صرف نظر از بررسی سند آنها، حجم قابل توجهی از روایات اختصاص به این موضوع یافته و علت های مختلفی برای آنها بیان شده است. سلیمان بن خالد گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که

۱- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۷۰، ح ۳.

۲- عبد الرزاق بن همام صنعانی، المصنف، ح ۲۰۷۷۰

فرمود:

قُدَّامَ الْقَائِمِ مَوْتَانِ مَوْتُ أَحْمَرَ وَ مَوْتُ أَيْضُ ... الْمَوْتُ الْأَيْضُ الطَّاعُونَ؛ (۱) پیش تر از قائم دو مرگ خواهد بود یکی مرگ سرخ و دیگری مرگ سفید... مرگ سفید طاعون است.

بعید نیست که مراد حضرت در این روایت از طاعون، ویژگی همه گیر بودن آن، است. امروزه ثابت شده به رغم همه پیشرفت های بشر در دانش، گاهی یک بیماری همه گیر، جامعه جهانی را به طور جدی تهدید می کند! انواع آنفولانزاها نمونه ای از اسباب این بیماری های فراگیر است که امروزه بسیاری از برنامه های جهانی را تحت تأثیر خود قرار می دهد!

ز. کشتار فراگیر در آستانه ظهور: در جامعه ای که بر مدار ستم به دیگران و دوری از آموزه های الهی استوار باشد، فتنه ها، آشوب ها و اختلافات در آن به اوج خود می رسد و مردم در ناامیدی از سامان یافتن زندگی می باشند، جنگ های خونینی به راه می افتد و انسان های بی شماری را به کام مرگ سوق می دهد که این حقیقت در روایات فراوانی از پیشوایان معصوم علیهم السلام انعکاس یافته است. در آستانه ظهور، جنگ های خونین فراوانی رخ خواهد داد که بسیاری از مردم، کشته خواهند شد. از این کشتار، به مرگ سرخ یاد شده است. حضرت علی علیه السلام در این باره فرمود:

بَيْنَ يَدَيِ الْقَائِمِ مَوْتُ أَحْمَرَ وَمَوْتُ أَيْضُ وَجَرَادٌ فِي حِينِهِ وَجَرَادٌ فِي غَيْرِ حِينِهِ أَحْمَرٌ كَالْوَانِ الدَّمِ فَأَمَّا الْمَوْتُ الْأَحْمَرُ فَالسَّيْفُ وَأَمَّا الْمَوْتُ الْأَيْضُ فَالطَّاعُونَ؛ (۲) در آستانه قیام قائم، مرگ سرخ، مرگ سفید و ملخ هایی به هنگام و ملخ هایی نابه هنگام سرخ، همچون خون خواهد بود؛ اما مرگ سرخ [کشته شدن

۱- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۵، ح ۲۷.

۲- . طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۳۸، ح ۴۳۰.

با [شمشیر است و مرگ سفید به وسیله طاعون است.

اگر چه در برخی روایات مربوط به این جنگ های فراوان و کشتارهای بزرگ، تردیدهایی شده است؛ اما بدون شک عوامل یاد شده، چنین وضعیتی را به طور طبیعی رقم خواهد زد؛ بویژه آنکه دیده می شود سازمان های حقوق بشر به جای حمایت از صلح جهانی و ستم دیدگان، در جهت منافع مستکبران بیانیه هایی صادر می کنند!!

### ۲۳. عرصه اقتصادی

از لحاظ اقتصادی عموم مردم، با فاصله گرفتن از آموزه های دینی و یاد خداوند، در زندگی سختی به سر خواهند برد. همان گونه که خداوند می فرماید:

(وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا)؛ (۱) و هر کس از یاد من دل بگرداند، در حقیقت، زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت.

در نگاه نخست به نظر می رسد جوامع انسانی رو به رفاه و آسایش می روند؛ اما بخش های زیادی در لایه های آشکار و پنهان جامعه، همچنان با فقر و ناداری دست به گریبان هستند. محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود:

همانا پیش از قیام قائم علیه السلام نشانه هایی خواهد بود از جمله: آزمایش [به گرفتاری] از جانب خدای تعالی برای بندگان با ایمان، عرض کردم: آن آزمایش چیست؟ فرمود: همان فرمایش خدای عز و جل است که: (وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ)؛ (۲) «و قطعاً شما را به چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی، و کاهشی در اموال و جان ها و محصولات می آزمایشیم و مژده ده شکیبایان را». آن حضرت فرمود: حتماً شما را خواهیم

۱- .سوره طه (۲۰)، آیه ۱۲۴.

۲- .بقره (۲)، آیه ۱۵۵.



آزمود؛ یعنی، مؤمنان را به چیزی از ترس از پادشاهان فلان خاندان در پایان سلطنتشان و گرسنگی با گرانی نرخ هایشان و کاستی در مال ها منظور خراب شدن بازرگانی و کم شدن رشد و سود در آن، و جان ها.... (۱)

ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

لَا بُدَّ أَنْ يَكُونَ قُدَّامَ الْقَائِمِ سَنَةٌ تَجُوعُ فِيهَا النَّاسُ وَيَصِيبُهُمْ خَوْفٌ شَدِيدٌ مِنَ الْقَتْلِ وَنَقْصٌ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ فَإِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابِ اللَّهِ لَبِيْنٌ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ؛ (۲) ناگزیر باید پیش از آمدن قائم علیه السلام، سالی باشد که مردم در آن سال گرسنه بمانند و آنان را ترسی سخت از کشتار و کاهش در مال ها و کم شدن عمرها و محصولات فراگیرد. این در کتاب خداوند بسیار آشکار است؛ سپس این آیه را تلاوت فرمود: (وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ...).

## ۲۴. عرصه سیاسی

آنچه پیش تر گفته شد، می تواند در عرصه سیاسی نیز نقش مهمی داشته باشد که در اینجا به بعضی از این امور اشاره می شود:

الف. وقوع نزاع ها و درگیری های بسیار: در برخی از روایات به صورت ویژه این درگیری ها را در عرصه سیاسی مورد توجه قرار داده اند. از این رو یکی از نشانه های آخرالزمان، اختلاف ها و درگیری های فراوان میان گروه ها و احزاب معرفی شده است. خداوند متعال در این باره می فرماید:

(فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ)؛ (۳) گروه ها با هم اختلاف کردند، پس وای بر کافران به هنگام حضور در آن روز بزرگ!

برخی روایات، این آیه را به ظهور فرقه های گوناگون در جهان اسلام مربوط دانسته اند که در

۱- محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۵۰، ح ۵.

۲- محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۵۰، ح ۶.

۳- مریم (۱۹)، آیه ۳۷.

آخرالزمان پدید آمده، موجب اختلاف های بسیار خواهند شد. امام باقر علیه السلام فرمود:

از علی علیه السلام در باره آیه (فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ) پرسیده شد؛ فرمود: *انْتَظِرُوا الْفَرَجَ مِنْ ثَلَاثٍ؛* از سه چیز انتظار گشایش داشته باشید. راوی گوید: پرسیدم: ای امیر مؤمنان! آنها چیست؟ فرمود: *اِخْتِلَافُ أَهْلِ الشَّامِ بَيْنَهُمْ وَ الرَّايَاتُ السُّودُ مِنْ خُرَاسَانَ وَ الْفَرَعَةُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ؛* (۱) اختلاف بین مردمان شام، پرچم های سیاه از خراسان و صدای بلند در ماه رمضان.

صرف نظر از اعتبار این گونه روایات، روشن است که برخی از آنچه در روایت آمده، مربوط به ظهور حضرت مهدی علیه السلام است.

ب. حکومت ها (عمر حکومت ها، مرگ زمام داران): در پاره ای از روایات گفته شده در دوران آخر و آستانه قیام جهانی، حکومت ها مجال چندانی پیدا نخواهند کرد. در آستانه ظهور، ستم و بی داد به اوج خود می رسد و بیشترین ظلم از ناحیه حاکمان به مردم است و در روایات اشاره شده خداوند، ستمگران را به زودی بازخواست و سرنگون خواهد کرد. (۲)

### جهان و طبیعت در آستانه ظهور

علاوه بر تغییراتی که در زندگی فردی و اجتماعی انسان ها به وقوع می پیوندد، در روایات به دگرگونی های طبیعی نیز اشاره شده است. از مجموع روایات، می توان به این حکم کلی رسید که در آستانه ظهور، نظام آفرینش دچار برخی تغییرات می شود؛ چه اینکه این تغییرات معلول تصرفات انسانی باشد یا به اراده خداوند شکل گیرد.

از مهم ترین پدیده های طبیعی می توان به

۱- محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۵۱، ح ۸.

۲- نک: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۳۳، ح ۱۴.

زلزله های شدید، مرگ و میرهای فراوان، باران های زیاد و آفت های طبیعی نام برد. اگرچه ممکن است برخی به خاطر پیشرفت های شگرف در عرصه های گوناگون، این امر را دور از دسترس بدانند؛ اما تجربه ثابت کرده با وجود پیشرفت های بزرگ در عرصه های طبیعی، دخالت های نابجای انسان در طبیعت، منشأ پدید آمدن برخی آفت ها شده که حاصل جهش های ناخواسته در مسیر حرکت طبیعی است. در برخی روایات این آسیب ها این گونه بازتاب یافته است:

الف. زلزله های فراوان: ابو سعید خدری از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرد که فرمود:

أُبَشِّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَ زَلْزَلٍ فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا؛ (۱) بشارت می دهم شما را به مهدی برانگیخته می شود بر اختلاف میان مردم و زلزله ها؛ پس زمین را پر می کند از عدل و قسط آن گونه که پر شده است از ستم و بیداد.

ب. بلاهای شدید: از ابی حمزه ثمالی روایت شده که گفت: شنیدم امام باقر علیه السلام می فرماید:

يَا أَيُّهَا حَمْزَةُ لَا يَقُومُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَّا عَلَى خَوْفٍ شَدِيدٍ وَ زَلْزَلٍ وَ فِتْنَةٍ وَ بَلَاءٍ يُصِيبُ النَّاسَ...؛ (۲) ای ابا حمزه، قائم قیام نمی کند مگر در دوره ترس و وحشت، و زمین لرزه ها و گرفتاری و بلائی که گریبانگیر مردم می گردد و....

همه اموری که یاد شد، می تواند برای آزمایش انسان ها در این دوران باشد.

صفوان بن یحیی گوید: امام رضا علیه السلام فرمود:

وَ اللَّهُ لَا يَكُونُ مَا تَمِيدُونَ إِلَيْهِ أَعْيُنُكُمْ حَتَّى تَمَحَّصُوا وَ تَمَيَّزُوا وَ حَتَّى لَا يَبْقَى مِنْكُمْ إِلَّا الْأَنْدَرُ فَأَلْأَنْدَرُ؛ (۳) آنچه شما چشمان خود را به سویش می دارید (منتظر و چشم به راه

۱- علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ح ۴۷۱.

۲- محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۳۴، ح ۲۲.

۳- محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۰۸، ح ۲۲.

آن هستید) واقع نخواهد شد تا اینکه پاکسازی و جداسازی شوید و تا اینکه نماند از شما مگر هر چه کمتر و کمتر.

توضیح:

در پایان شایسته یادآوری است که پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام، بر این باورند در پس این دوران سخت و طاقت فرسا با ظهور و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، جهان وضعیت دیگری پیدا می کند:

ترس و ناامنی از بین رفته و امنیت و آرامش همه جا را فرا می گیرد؛

فساد، ستم و تباهی از جهان ریشه کن و از قسط و دادگری آکنده می شود؛

برکت های بی شمار آسمان، نازل و نعمت های بی کران زمین، آشکار شده و گنجینه ها و معادن آن استخراج می گردد؛

علوم، صنعت و فن آوری پیشرفت خارق العاده ای یافته و خرد و عقل مردم کامل می شود؛

کشورها و شهرها آباد و زمین خرم گشته و دیگر ویرانی و عقب ماندگی در آن وجود نخواهد داشت؛

اقتصاد جوامع پیشرفت کرده و ثروت و درآمدها، عادلانه توزیع می شود؛

علم طب و بهداشت و درمان، رشد یافته و بیماری ها ریشه کن می شود.

کارگزاران امور، از افراد با ایمان و کاردان انتخاب شده و آنان خدمت گزاران مردم خواهند بود؛

سرانجام بشر به آرزوی دیرینه خود مبنی بر حکومتی عادلانه، جامعه ای اخلاق مدارانه، آیینی خداپرستانه و رفاه و امنیتی جاودانه خواهد رسید.

## خودآزمایی

۱. امام علی علیه السلام ویژگی برخی زنان آخرالزمان و آستانه ظهور را در چه اموری دانسته است؟
۲. رواج نافرمانی از خداوند در آستانه ظهور، به چه معناست؟ دو مورد را شرح دهید.
۳. مهم ترین عامل در دوری مردم از دین و دین داری کدام است؟ در این باره توضیح دهید.
۴. قرآن مهم ترین سبب زندگی تنگ و سخت را در چه چیزی معرفی کرده است؟ این عامل در آستانه ظهور چگونه است؟
۵. برخی تغییرات مهم در جهان و طبیعت کدامند؟ دو نمونه را توضیح دهید.

□□□

## منابع برای پژوهش

۱. الهامی، داود، آخرین امید، چ دوم، انتشارات مکتب اسلام، قم: ۱۳۷۷ ش.
۲. طبسی، نجم الدین، چشم اندازی به حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۰ ش.
۳. طاهری، حبیب الله، سیمای آفتاب، انتشارات زائر، قم: ۱۳۸۰ ش.
۴. موسوی اصفهانی، سید محمد تقی، مکیال المکارم، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، دو جلد، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، ۱۳۷۹ ش.
۵. تقوی، سید حسین، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ظهور تا پیروزی، نور الاصفیاء، قم، ۱۳۸۱ ش.

## درس دوم: شرایط ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

مفهوم شناسی شرایط ظهور؛

برخی ویژگی های شرایط ظهور.

شرایط ظهور:

۱ وجود برنامه و طرحی جامع و متعالی؛

۲ وجود رهبر و هدایتگری بزرگ، شایسته و معصوم؛

۳ وجود گروهی از انسان های پاکدل و فداکار؛

۴ احساس نیاز در جامعه جهانی.

## پیش درآمد

ظهور و قیام جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، انقلابی فراگیر، گسترده و سرنوشت ساز است که همه بنیان های اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی بشر را دستخوش دگرگونی می سازد. امر ظهور به عنوان سرآغاز بزرگ ترین تحول در جهان آفرینش همانند قیام و نهضت همه پیامبران و صالحان به طور عمده از طریق اسباب و علل طبیعی شکل می گیرد و نیازمند فراهم شدن شرایط و زمینه هایی مناسب است.

اگر چه ممکن است برخی از شرایط از نگاه ما پنهان بوده و جزو رازهای الهی باشد؛ اما با بررسی روایات، به بعضی از شرایط دست می یابیم. در این درس ضمن اینکه اراده الهی شرط اساسی ظهور دانسته شده، چهار شرط برای برپایی حکومت جهانی مهدوی مطرح گشته است.

## مفهوم شناسی شرایط ظهور

## اشاره

«شرط» در لغت به معنای چیزی است که تحقق مشروط، به آن بستگی دارد و جمع آن شرایط و شروط است. (۱) مقصود از شرایط ظهور، زمینه هایی است که تحقق ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به آنها بستگی دارد و آن را امری منطقی و لازم می نمایاند؛

۱- . نک: حسن مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۶، ص ۳۹.

به گونه ای که با فراهم شدن آنها، ظهور به طور حتمی تحقق خواهد یافت.

ظهور حضرت مهدی علیه السلام برای برپایی حکومت عدل جهانی با فراهم شدن شرایط و زمینه ها، پدید خواهد آمد. در روایات بخشی از شرایطی که می بایست تحقق یابد تا امر ظهور را حتمی کند، برای ما بیان شده است. در درس فلسفه و علل غیبت (۱) گفته شد: مهم ترین ویژگی و حکمت غیبت، رازی از رازهای خداوند بودن آن است؛ بنابراین می توان گفت: رفع غیبت به عنوان شرط اساسی برای ظهور نیز خود رازی از رازهای الهی است.

پس آنچه در اینجا به عنوان «شرایط ظهور» از آن یاد می شود، شرایط ظاهری است که در روایات بیان شده است؛ و گرنه ممکن است شرایط دیگری نیز باشد که از اسرار الهی بوده و از ما پوشیده است.

از آنجایی که تعریف روشنی برای شرایط ظهور در دست نیست، می توان با بیان بعضی از ویژگی های شرایط ظهور، تا اندازه ای به تعریف آن پی برد:

۱. شرایط می بایست به طور حتم پیش از ظهور فراهم شود؛ و گرنه تحقق مشروط پیش از شرط خواهد بود که غیر قابل قبول است.

۲. وابستگی ظهور به شرایط، یک نحوه وابستگی واقعی است؛ یعنی، نبود بعضی از شرایط موجب تحقق نیافتن ظهور است. معنای «شرط» در فلسفه آن است که رابطه آن با مشروط، رابطه علت با معلول باشد؛ به طوری که مشروط بدون وجود شرط، هیچ گاه موجود نشود. (۲)

۳. از آنجایی که رابطه شرایط با ظهور یک رابطه واقعی است و سبب پیدایش آن می باشد، باید همه شرایط به طور همزمان یک جا جمع

۱- نک: جلد دوم از همین مجموعه.

۲- نک: سید محمد صدر، تاریخ غیبت کبرا، ص ۴۹۰.



باشد.

۴. وابستگی ظهور به شرایط، هم در حدوث و هم در بقا است، به این معنا که شرایط می بایست همواره در طول ظهور بقا و دوام داشته باشد.

۵. در شرایط، نوعی هم پوشانی و ارتباط با دیگر شرایط وجود دارد.

۶. آگاهی از تحقق قطعی همه شرایط، خارج از توان انسان هاست. (۱)

حال که تا اندازه ای مفهوم شرایط ظهور و ویژگی های آن روشن شد با استفاده از روایات و بیانات دانشمندان، می توان شرایط را در موارد زیر برشمرد:

### یک. وجود برنامه و طرحی جامع و متعالی

برای هر تحوّل بزرگ، باید پیش از هر اقدام، چهارچوب آن ترسیم گردد و اهداف آن، مشخص شود. ظهور حضرت مهدی علیه السلام به عنوان بزرگ ترین و گسترده ترین تحول در جامعه بشری، پیش از هر چیز دارای برنامه ای متناسب با عظمت و گستره آن است؛ چراکه بدون آن نمی توان جامعه ای کوچک را اداره کرد، چه رسد به جامعه ای به گستردگی همه انسان های کره زمین.

آموزه های اسلامی بیانگر این حقیقت است که موعود منجی، هیچ برنامه و طرحی ندارد؛ جز آنچه که به دست آخرین پیامبر الهی در میان انسان ها به امانت سپرده شده است.

حال چنانچه در بعضی از روایات، سخن از دستورات نو در عصر ظهور به میان آمده، رفع پیرایه هایی است که آموزه های دینی را در بر می گیرد؛ از این رو در آن زمان دستورات اصیل دینی برای مردمان، اموری نوین می نماید.

خداوند متعال در آیات قرآن، همه نیازهای اساسی انسان ها را در زندگی فردی و اجتماعی

۱- . شاید حکمت اینکه علم به زمان دقیق ظهور فقط در خداوند است، نیز همین نکته باشد که آگاهی قطعی از فراهم شدن همه شرایط ظهور در علم خداوند است.

تا قیامت، بیان فرموده است و پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام در موارد لازم، آیات الهی را در حد فهم مخاطبان بیان کرده اند. در روایات فراوانی نیز تأکید شده که حضرت پس از ظهور، به طور دقیق به دستورات خداوند و سنت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم عمل خواهد کرد.

محمد بن مسلم گوید: در باره قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف از امام باقر علیه السلام پرسیدم که: وقتی قیام می کند به کدام روش بین مردم حکومت می کند؟ فرمود:

بِسَبِّيرِهِ مَا سَارَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلِمَحَتَّى يُظْهَرَ الْإِسْلَامَ؛ (۱) به روش و سیره ای که پیامبر بدان عمل کرد تا آنکه اسلام را پیروز کند.

از این شرط سه مطلب به دست می آید:

الف. هدف نهایی از ظهور و حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، تحقق نقشه کامل اسلام است که در آن هیچ ظلم و ستمی وجود ندارد.

ب. این نقشه فقط به هنگام ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عملی می شود و اگر بخواهد در آن روز هم قابل اجرا نباشد، دیگر در هیچ زمانی محقق نخواهد شد و گسترش عدالت در روز موعود، محال و ممتنع می شود.

ج. پیش از آنکه بخواهند این نقشه را عملی کنند، اصول و کلیات آن باید برای مردم روشن باشد و از آن آگاهی داشته باشند. (۲)

## دو. وجود رهبر و هدایتگری شایسته و معصوم

### اشاره

ظهور و قیام جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، همچون همه حرکت های اجتماعی و گروهی، نیازمند رهبری است که بتواند با بهره مندی از توانایی های روحی و جسمی، سکان این کشتی بزرگ را در دست گیرد و آن را تا ساحل نجات رهبری کند. از آنجایی که این انقلاب و قیام در نوع خود بی مانند است، رهبر آن نیز می بایست دارای ویژگی های برجسته

۱- . طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۱۵۴.

۲- . سید محمد صدر، تاریخ غیبت کبرا، ص ۴۹۶.

و متناسب با آن باشد.

گفتنی است انسان‌ها ناگزیر از زندگی اجتماعی اند که در آن برای برپایی قانون، نیازمند رهبر و حاکم هستند. (۱) البته اگر در زندگی به دنبال سعادت باشند، ناگزیر این رهبر باید دارای ویژگی‌ها و شایستگی‌هایی باشد. بنابراین، این شرط به هنگام تحلیل به دو شرط زیر تقسیم می‌شود:

۱. وجود رهبر برای این نهضت جهانی که بدون او چنین نهضتی راه نمی‌افتد.

۲. این رهبر باید شایستگی رهبری در سطح یک حکومت جهانی را داشته باشد.

در بعضی از متون پیش از اسلام، بیشتر به حاکمیت شایستگان اشاره و به فرودستان نوید وراثت زمین داده شده است؛ اما در آموزه‌های دین اسلام، به طور روشن، رهبر آن جامعه آرمانی معرفی شده است. روشن است که انبوه روایات شیعه و اهل سنت، گواه اهتمام بزرگان دین اسلام به معرفی رهبر برای آن حرکت بزرگ جهانی بوده است. در این میان بویژه در منابع روایی پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام به روشنی نسب و ویژگی‌های آن رهبر بزرگ بیان شده است. (۲)

شیعیان با دلیل‌های محکم، تحقق این شرط را با ولادت فرزندی برای امام حسن عسکری علیه السلام قطعی می‌دانند؛ از این رو معتقدند که از میان چهار شرط معروف در روایات، به طور قطع شرط دوم نیز پدید آمده است.

## ویژگی‌های رهبر

### اشاره

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان آخرین امام و حجت الهی، دارای دو دسته ویژگی است:

نخست ویژگی‌هایی که مربوط به امام بودن

۱- امیر مؤمنان علی علیه السلام، در باره اهمیت وجود رهبر در هر جامعه فرمود: «...وَإِنَّهُ لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ...»؛ «... و همانا مردم ناگزیرند از داشتن زمامدار؛ چه نیکوکار و چه بدکار...»: سید رضی، نهج البلاغه، خطبه ۴۰.

۲- در جلد نخست این اثر به بعضی از این ویژگی‌ها اشاره شده است.

ایشان است؛ از این رو با دیگر امامان معصوم علیهم السلام در این ویژگی های مشترک است (عام). (۱)

و اما دسته دوم، خصوصیتی است که در ارتباط با قیام جهانی آن حضرت معنا پیدا می کند (خاص).

## ۱. ویژگی های عام

### اشاره

درک ویژگی های امام، کاری بس مشکل می نماید و یکی از راه های این شناخت، بهره مندی از فرمایش های خود پیشوایان معصوم است. امام علی بن موسی الرضا علیه السلام در باره مقام امام، این گونه می فرماید:

... الإِمَامُ أَمِينُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَ حُجَّتُهُ عَلَى عِبَادِهِ وَ خَلِيفَتُهُ فِي بِلَادِهِ وَ الدَّاعِي إِلَى اللَّهِ وَ الذَّابُّ عَنِ اللَّهِ الإِمَامُ الْمُطَهَّرُ مِنَ الذُّنُوبِ وَ الْمُبْرَأُ عَنِ الْعُيُوبِ الْمَخْصُوصُ بِالْعِلْمِ الْمَوْسُومُ بِالْحِلْمِ نِظَامُ الدِّينِ وَ عِزُّ الْمُسْلِمِينَ وَ غِيْظُ الْمُنَافِقِينَ وَ بَوَارُ الْكَافِرِينَ الإِمَامُ وَاحِدٌ دَهْرِهِ لَا يُدَانِيهِ أَحَدٌ وَ لَا يُعَادِلُهُ عَالِمٌ وَ لَا يُوجَدُ مِنْهُ بَدَلٌ وَ لَا لَهُ مِثْلٌ وَ لَا نَظِيرٌ مَخْصُوصٌ بِالْفَضْلِ كُلِّهِ مِنْ غَيْرِ طَلَبٍ مِنْهُ لَهُ وَ لَا اِكْتِسَابٍ بِلِ اِخْتِصَاصٍ مِنَ الْمُفْضِلِ الْوَهَابِ...؛ (۲)

امام امانت دار خداوند در میان خلق و حجت او بر بندگان و خلیفه او در سرزمین هایش، دعوت کننده به سوی خدا و دفاع کننده از حقوق واجب او بر بندگان است. امام پاک از گناه و به دور از عیبها است. دانش ها به او اختصاص دارد و او به بردباری شناخته می شود. امام نظام دهنده به دین و باعث سربلندی مسلمانان و خشم منافقان و از بین رفتن کافران است. امام یگانه روزگار خویش است. هیچ کس در مقام، به منزلت او نزدیک نمی شود و هیچ دانشمندی با او برابری نمی کند و جایگزینی برای او پیدا نمی شود و شبیه و مانند ندارد. همه فضیلت ها مخصوص او است، بدون آنکه

۱- به جهت اختصار در این درس فقط اشاره ای اجمالی به این دسته ویژگی ها می کنیم و علاقه مندان را به کتاب های مفصل در این زمینه توصیه می کنیم.

۲- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۹۸، ح ۱.

آنها را طلب کرده باشد. این امتیازی از طرفِ فضل‌کننده بسیار بخشنده، برای امام است.... (۱)

با بهره‌گیری از این گونه روایات می‌توان بعضی از این خصوصیات را این چنین اشاره کرد:

### ۱۱. علم و آگاهی امام

شاخص‌ترین صفت پیشوای جامعه اسلامی، برخورداری از شناختی ژرف به خداوند متعال و تعالیم اوست؛ چرا که اصلی‌ترین نقش او، رهبری جامعه برای رسیدن به کمال و لقای الهی است. امام، به عنوان رهبر و پیشوای مردم، باید آموزه‌های دینی را در تمام زوایای خود بشناسد و به قوانین آن آگاهی داشته باشد و نیز با احاطه کامل بر آیات قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به تبیین معارف دین پردازد.

### ۱۲. عصمت و پاکی

در فرهنگ شیعه، «عصمت امام» به اصلی پذیرفته شده و بیانگر جایگاه بلند جانشینان پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم است. در محل خود با برهان‌های عقلی و نقلی ثابت شده که امامت جامعه اسلامی را جز معصومان نمی‌توانند در اختیار بگیرند، که اگر چنین شد جز گمراهی حاصلی در پی نخواهد داشت. (۲)

### ۲. ویژگی‌های خاص

#### ۲۱. قدرت و اقتدار روحی و جسمی

از ویژگی‌های بارز روحی و جسمی حضرت مهدی علیه السلام قوت فوق‌العاده جسمانی ایشان است. امام رضا علیه السلام فرمود:

۱- این روایت مفصل است که علاقه‌مندان می‌توانند به متن کامل آن مراجعه می‌کنند.

۲- (وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ)؛ و چون ابراهیم را پروردگارش با کلماتی بیازمود، و وی آن همه را به انجام رسانید، [خدا به او] فرمود: «من تو را پیشوای مردم قرار دادم.» [ابراهیم] پرسید: «از دودمانم [چطور]؟» فرمود: «پیمان من به بیدادگران نمی‌رسد.»؛ بقره (۲)، آیه ۱۲۴.

... وَإِنَّ الْقَائِمَ هُوَ الَّذِي إِذَا خَرَجَ كَانَ فِي سِنِّ الشُّيُوخِ وَمَنْظَرِ الشُّبَّانِ قَوِيًّا فِي يَدَيْهِ حَيْتَى لَوْ مَدَّ يَدَهُ إِلَى أَعْظَمِ شَجَرَةٍ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ لَقَلَعَهَا وَلَوْ صَاحَ بَيْنَ الْجِبَالِ لَتَدَكَّدَكَتْ صُخُورُهَا...؛ (۱)... قائم عجل الله تعالى فرجه الشريف کسی است که چون ظهور کند، در سن پیران است و سیمای جوان دارد. چنان نیرومند است که اگر دست به بزرگ ترین درخت زمین اندازد، آن را از جا بکند و اگر میان کوه ها نعره کشد، سنگ های آنها را از هم بپاشد.

علی بن ابی حمزه از امام صادق علیه السلام روایت کرده است:

لَوْ قَدَّمَ الْقَائِمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَانْكَرَهُ النَّاسُ لِأَنَّهُ يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ شَابًا مُوَفَّقًا لَا يَثْبُتُ عَلَيْهِ إِلَّا الْمُؤْمِنُ قَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَهُ فِي الذَّرِّ الْأَوَّلِ؛ (۲) اگر قائم علیه السلام قیام کند، مردم او را انکار خواهند کرد؛ زیرا او به صورت جوانی رشید به سوی ایشان باز خواهد گشت. هیچ کس بر اعتقاد به او پایدار نخواهد ماند، مگر مؤمنی که خداوند در عالم ذرّ نخستین از او پیمان گرفته باشد.

در بعضی روایات برای تبیین هرچه بهتر اقتدار و توانایی های حضرت، ایشان به پیامبران بزرگ الهی بخصوص پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم تشبیه شده است.

در این باره امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارشان از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت می کند که فرمود:

الْمُهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي اسْمُهُ اسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي أَشْبَهُ النَّاسِ بِي خَلْقًا وَ خُلُقًا؛ (۳) مهدی از فرزندان من است؛ اسم او اسم من و کنیه او کنیه من است. از نظر خلق و خُلق شبیه ترین مردم به من است.

احمد بن اسحاق گوید: از امام حسن عسکری علیه السلام شنیدم که می فرمود:

۱- صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۶، ح ۷.

۲- محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۱۸۸، ح ۴۳؛ ص ۲۱۱، ح ۲۰؛ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۲۰.

۳- صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۷، ح ۴.

الْحَمِيدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُخْرِجِنِي مِنَ الدُّنْيَا حَتَّىٰ أَرَانِي الْخَلْفَ مِنْ بَعْدِي أَشْبَهَ النَّاسِ بِرَسُولِ اللَّهِ ص خَلْقًا وَ خُلُقًا؛ (۱) سپاس از آن خدایی است که مرا از دنیا نبرد تا آنکه جانشین مرا به من نشان داد؛ او از نظر آفرینش و اخلاق شبیه ترین مردم به رسول خداست.

## ۲۲. متعهد نبودن به قدرت های حاکم

از دیگر ویژگی های رهبر، آزاد بودن او از تعهد به دیگران است و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با غیبت خود، مجبور به بیعت با طاغوت های زمان نشده است. امیرمؤمنان علیه السلام در این باره می فرماید:

إِنَّ الْقَائِمَ مَنَّا إِذَا قَامَ لَمْ تَكُنْ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بِيَعَهُ فَلِذَلِكَ تُخْفَىٰ وِلَادَتُهُ وَيَغِيبُ شَخْصُهُ؛ (۲) همانا قائم از ما اهل بیت، هنگامی که قیام می کند، بیعت احدی بر گردن او نیست و به همین علت است که ولادتش، مخفی نگه داشته می شود و شخص او غایب است.

امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

يَقُومُ الْقَائِمُ وَ لَيْسَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ عَهْدٌ وَ لَا عَقْدٌ وَ لَا بَيْعَةٌ؛ (۳) قائم قیام می کند و در گردن او برای هیچ کس پیمان و قرارداد و بیعتی نیست.

## سه. وجود گروهی از انسان های پاکدل و فداکار؛

با توجه به گستره انقلاب مهدوی، باید انسان های توانمندی باشند که رهبر انقلاب را در رسیدن به هدف یاری کنند؛ آنان در اوج تقوا به سر می برند و برای دفاع همه جانبه از برنامه امام آمادگی دارند؛ چرا که بنای خداوند بر آن است که به جز مواردی که خود صلاح می داند، امور بر مجرای طبیعی جریان یابد.

۱- صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۰۸، ح ۷.

۲- صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۰۳، ح ۱۴.

۳- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۴۲، ح ۲۵.

به عبارت روشن تر: از سنت های الهی است که همواره مردم را در یاری رهبران و پیامبران خود شریک و سهیم کند؛ از این رو پیامبران الهی علیهم السلام در رساندن پیام خویش به مردم، از یارانی کمک گرفته اند.

در آیات قرآن به نمونه های فراوانی از این یاری گری اشاره شده است. (۱)

یکی از دلیل هایی که عموم پیشوایان معصوم، دست به اقدام جدی برای برپایی حکومت نزدند، نبود یاران کافی برای همراهی ایشان در این مسیر بود. به عنوان مثال امیر مؤمنان علیه السلام ۲۵ سال سکوت تلخ و طاقت فرسا را تحمل کرد؛ امام مجتبی علیه السلام ناگزیر تن به صلح داد؛ امام حسین علیه السلام مظلومانه در سخت ترین شرایط به شهادت رسید؛ امام سجاد و امامان پس از وی تا امام عسکری علیهم السلام، همگی از حق حاکمیت خود بر جامعه محروم ماندند و هرگز برای بازپس گیری خلافت ظاهری و به عهده گرفتن حکومت و هدایت جامعه، اقدام نظامی و قیام آشکار انجام ندادند.

در این دوران فقط به دو مرحله می توان اشاره کرد که با حضور جمعی از یاران، امامان معصوم علیهم السلام دست به اقدامی محدود زدند: نخست دوران پنج ساله حکومت امیر مؤمنان علی علیه السلام و دیگر قیام تاریخی امام حسین علیه السلام است.

آنان خود می فرمودند: اگر یارانی استوار داشتند هرگز از قیام بر علیه ستم و ستمگران باز نمی نشستند.

البته منظور از یاران، همانا شیعیان راستین و ثابت قدم بود که در حمایت از امامان معصوم علیهم السلام و اهداف ایشان، از هیچ تلاشی فروگذار نبودند و این گونه یاران بس اندک بودند. مأمون رقی می گوید:

خدمت امام صادق علیه السلام بودم، ناگهان، سهل بن حسن خراسانی وارد شد و بر امام سلام کرد و گوشه ای نشست، سپس عرض کرد: ای

۱- . نک: آل عمران (۳)، آیه ۵۲ و ۸۱؛ صف (۶۱)، آیه ۱۴؛ محمد (۴۷)، آیه ۷.



فرزند رسول خدا! رأفت و رحمت از آن شماست و شما اهل بیت، سزاوار پیشوایی و امامت هستید؛ چه چیز شما را در جهت دفاع از حق خود بازمی دارد. در حالی که یکصد هزار شمشیر زن دارید؟

حضرت به وی فرمود: «بنشین.» سپس دستور داد تنور را روشن کنند. به او فرمان داد، تا وارد تنور شود و میان شعله های آن بنشیند. خراسانی، عذر آورد و عرض کرد: سرورم! مرا در آتش، معذب مگردان و ببخش و از آنچه گفتم، معاف دار. حضرت او را معاف داشت.

در این میان، هارون مکی یکی از یاران حضرت که کفش خود را به دست گرفته بود وارد شد و به حضرت عرض سلام کرد. امام به او فرمود: کفش خود را رها کن و وارد تنور شو و در آن بنشین.

او نیز اطاعت کرده و بی درنگ وارد تنور شد و در آن نشست. حضرت، به سخن خود با مرد خراسانی ادامه داد و اوضاع خطّه خراسان را چنان برای خراسانی تشریح می کرد که گویی حضرت خود، در آنجا حضور داشته است. سپس به آن شخص فرمود: برخیز و داخل تنور را بنگر.

آن شخص می گوید: وقتی به داخل تنور نگاه افکندم، یار امام را صحیح و سالم دیدم که راحت در آن نشسته است! سپس از تنور خارج شد و بر ما سلام کرد.

امام، به مرد خراسانی فرمود: چند نفر همانند این شخص (هارون مکی) در خراسان یافت می شود؟ عرض کرد: به خدا سوگند! حتی یک نفر نیز وجود ندارد.

فرمود: أَمَا إِنَّا لَا نَخْرُجُ فِي زَمَانٍ لَا نَجِدُ فِيهِ خَمْسَةَ مُعَاوِدِينَ لَنَا نَحْنُ أَعْلَمُ بِالْوَقْتِ؛ (۱) آگاه باشید! تا آن زمان که حتی پنج تن یاور نداشته باشیم، هرگز دست به قیام نخواهیم زد؛ ما آگاه تر از شمایم که چه زمانی قیام کنیم.

۱- ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۴، ص ۲۳۷؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۱۲۳.

در حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همچون همه حرکت های اصلاح گرایانه، بهره مندی از یاران، امری ناگزیر خواهد بود؛ چرا که خداوند اراده فرموده آن قیام جهانی را به طور عمد در مجرای طبیعی و اسباب و علل عادی جریان دهد. (۱) این یاران و یاوران در روایات با ویژگی هایی معرفی شده اند. (۲)

امام صادق علیه السلام نیز فرموده است:

لا يخرج القائم عليه السلام في أقل من الفئه ولا يكون الفئه أقل من عشرة آلاف؛ (۳) قائم با کمتر از «فئه» خروج نمی کند و فئه کمتر از ده هزار نیست.

ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

لما يخرج القائم عليه السلام حتى يكون تكمله الحلقه قلت و كم تكمله الحلقه قال عشره آلاف؛ (۴) قائم خروج نخواهد کرد، مگر حلقه سپاه به کمال و تمام رسیده، عرض کردم: آنکه حلقه بدان کامل شود، چقدر است؟ فرمود: ده هزار است. (۵)

عبد العظیم حسنی گوید: به امام جواد علیه السلام گفتم: امیدوارم شما قائم اهل بیت محمد علیهم السلام باشید. کسی که زمین را پر از عدل و داد نماید؛ همچنان که آکنده از ظلم و جور شده باشد. فرمود:

ای ابو القاسم! هیچ یک از ما نیست، جز آنکه قائم به امر خدای تعالی و هادی به دین الهی است. اما قائمی که خدای تعالی به وسیله او زمین را از اهل کفر و انکار پاک می کند و آن را پر از عدل و داد می کند؛ کسی است که ولادتش بر

- ۱- در بحث امدادهای غیبی اشاره خواهد شد.
- ۲- به دلیل اهمیت این بحث در آینده به طور مفصل به آن می پردازیم.
- ۳- محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۳۴، شماره ۴۴۴.
- ۴- محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۳۰۷، ح ۲.
- ۵- این روایت نگرانی کسانی که می گویند با توجه به شمار اندک ۳۱۳ بعید می نماید ما در شمار یاران خاص آن حضرت باشیم را بر طرف می کند چرا که آن حضرت پس از ۳۱۳ نفر شمار فراوانی یاور خواهد داشت.

مردم پوشیده و شخصش از ایشان نهان... و از اصحابش سیصد و سیزده تن به تعداد اصحاب بدر، از دورترین نقاط زمین به گرد او فراهم آیند و این همان قول خدای تعالی است که فرمود: (أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِالْكُفْرِ أَلْفًا مِّمَّا يَأْتِ بِالْإِيمَانِ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ) و چون این تعداد از اهل اخلاص به گرد او فراهم آیند، خدای تعالی امرش را ظاهر سازد و چون «عقد» که عبارت از ده هزار مرد باشد کامل شد، به اذن خدای تعالی قیام کند و دشمنان خدا را بکشد تا خدای تعالی خشنود گردد. (۲)

بر این اساس تعداد ۳۱۳ تن شاید اشاره به شرط ظهور باشد و پس از آنکه ظهور اتفاق افتاد، فراهم آمدن یاوران، سرآغازی بر قیام جهانی آن حضرت خواهد بود.

### چهار. احساس نیاز در جامعه جهانی

از آنجایی که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای همه مردم دنیا است، باید با نیاز و پذیرش عمومی آنان همراه باشد. پس تا آن گاه که عموم جامعه جهانی احساس نیاز نکنند، حضرت ظهور نخواهد کرد. به عبارت دیگر مردم جهان، باید به قدر کافی تلخی این وضع نابسامان و بی عدالتی ها را بچشند و نارسایی و ضعف قوانین بشری را برای اجرای عدالت اجتماعی درک کنند و این حقیقت را بیابند که فقط در سایه اصول و پیوندهای مادی و ضمانت اجرایی موجود و مقررات خود ساخته انسان ها، مشکل جهان حل نمی شود؛ بلکه باید انسانی الهی باشد که همه نابسامانی ها را برطرف کند. برای رسیدن به این هدف بزرگ، اصول و نظاماتی تازه لازم است که متکی به ارزش های انسانی و ایمان و عواطف بشری و اخلاق باشد؛ نه فقط اصول خشک و بی روح و نارسای

۱- . بقره (۲)، آیه ۱۴۸.

۲- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۷.

به تعبیر دیگر، تا در مردم جهان تقاضایی نباشد، عرضه هر نوع برنامه اصلاحی، مفید و مؤثر نخواهد بود که قانون «عرضه و تقاضا»، بیش از آنچه در مسائل اقتصادی مورد توجه است، در مسائل اجتماعی باید مورد توجه قرار گیرد.

امیر مؤمنان علی علیه السلام این حقیقت را به برخی از مردم سرافکنده و پشیمان از جهالت خود که بعد از ۲۵ سال خانه نشینی، به خانه وی هجوم می برند و از وی می خواهند تا زمام امور را به دست گیرد این گونه بیان فرمود:

أَمَا وَاللَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسِيمَةَ لَوْ لَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَقِيَامُ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ وَمَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَلَّا يَقَارُوا عَلَى كِظِّهِ ظَالِمٍ وَ لَمَّا سَعِبَ مَظْلُومٌ لَمَّا لَقِيَتْ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا وَ لَسَيْقِيْتُ آخِرَهَا بِكَأْسِ أَوْلِهَا وَ...؛ (۱) آگاه باشید! به خدایی که دانه را شکافت و انسان را آفرید، اگر نه این بود که جمعیت بسیاری گرداگردم را گرفته و به یاری ام قیام کرده اند و از این جهت حجت تمام شده است و اگر نبود عهد و مسئولیتی که خداوند از علما و دانشمندان هر جامعه گرفته که در برابر شکم خوارگی ستمگران و گرسنگی ستمدیدگان سکوت نکنند؛ من مهار شتر خلافت را رها می ساختم و از آن صرف نظر می نمودم و آخر آن را با جام آغازش سیراب می کردم.

این بیان می رساند که حضرت آن گاه حاضر شد به دنبال خلافت رود و آن را بپذیرد که مردم دور او را گرفتند و حضرت را یاری رساندند. تاریخ نیز به روشنی گواه است هرگاه شرط سوم و چهارم برای پیشوایان معصوم علیهم السلام فراهم می شد، از هیچ گونه تلاشی برای برپایی عدالت فروگذار نبودند.

حال این سؤال پیش می آید که این حالت عطش و

۱- سید رضی، نهج البلاغه، خطبه سوم (ششقیه)، ص ۴۹.

تقاضا را چه عاملی باید ایجاد کند؟

در پاسخ می‌گوییم: بخشی از آن را گذشت زمان، پدید می‌آورد و بدون آن ممکن نیست؛ اما بخش دیگری بستگی به پرورش و آموزش بر اساس آموزه‌های دینی دارد. باید با رستخیز فکری که از طرف اندیشمندان با ایمان و آگاهان مسئول جامعه به وجود می‌آید، یاران و یاوران آن حضرت فراهم شده و جامعه جهانی در درون خود به موعود منجی احساس نیاز کند.

## خودآزمایی

۱. شرایط ظهور به چه معناست؟ دو ویژگی اساسی آن را بیان نمایید.
۲. نخستین شرط برای برپایی حکومت جهانی، برنامه و طرحی جامع است، در این باره توضیح دهید.
۳. دو ویژگی عمومی برای رهبران الهی کدام است؟
۴. سخن امام رضا علیه السلام در باره قدرتمندی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به چه نکاتی اشاره کرده است؟
۵. یکی از شرایط برپایی حکومت جهانی، احساس نیاز جامعه جهانی است؛ در این باره توضیح دهید.

□□□

## منابع برای پژوهش

۱. تقوی، سید حسین، حضرت مهدی از ظهور تا پیروزی، نور الاصفیاء، تهران، ۱۳۸۱ش.
۲. مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مدرسه امام علی علیه السلام، قم: ۱۳۸۰ ه.ش.
۳. پور سید آقایی، سید مسعود، با جاری انتظار، مؤسسه آینده روشن، قم، ۱۳۸۷ش.
۴. هاشمی شهیدی، سید اسد الله، زمینه سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، پرهیزکار، قم، ۱۳۸۰ش.
۵. طبسی، نجم الدین، چشم اندازی به حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۰ش.



## درس سوم: زمینه سازی و زمینه سازان ظهور

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

آمادگی و زمینه سازی ظهور

زمینه سازان ظهور:

۱ زمینه سازان عام

ویژگی های زمینه سازان

یک ویژگی های اعتقادی زمینه سازان

دو ویژگی های رفتاری زمینه سازان

۲ زمینه سازان خاص



## پیش در آمد

انقلاب بزرگ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همچون دیگر انقلاب ها، بدون مقدمه و زمینه سازی، پدید نمی آید؛ بلکه در آستانه ظهور، حرکت هایی شکل می گیرد که زمینه را برای قیام آن حضرت فراهم می آورد. این سلسله قیام ها و انقلاب ها که از سوی حق پویان صورت می گیرد بر اساس آنچه در بعضی از روایات آمده، زمینه را برای حرکت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آماده می کند. در این درس تلاش می شود تا برخی روایات در این باره نقل و توضیح داده شود.

## آمادگی و زمینه سازی ظهور

یکی از سفارش های اساسی قرآن به مؤمنان در برابر دشمنان، حفظ آمادگی آنان است. از این رو آمادگی های مناسب هر عصر برای یاری حق در برابر باطل، امری اساسی است:

((وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسِيَّطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ))؛ (۱) و در برابر آنها [دشمنان] تا می توانید نیرو و اسبان سواری آماده کنید، تا دشمنان

خدا و دشمنان خود را و جز آنها که شما نمی شناسید و خدا می شناسد بترسانید. و آنچه را در راه خدا هزینه می کنید، به تمامی به شما بازگردانده شود و به شما ستم نشود.

## زمینه سازان عام

### اشاره

قیام جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، برای برپایی حکومت شایستگان بر اساس عدل و قسط است و نصرت آن امام بزرگوار، امری لازم و ضروری است. البته این یاری، نیازمند فراهم ساختن مقدمات و زمینه هایی است. ابو بصیر در این باره می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

لِيُعِدَّنَ أَحَدُكُمْ لِخُرُوجِ الْقَائِمِ وَ لَوْ سَيَّهَمَا فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا عَلِمَ ذَلِكَ مِنْ بَيْتِهِ رَجَوْتُ لَأَنْ يُنْسِيَ فِي عُمُرِهِ حَتَّى يُدْرِكَهُ فَيَكُونَ مِنْ أَعْوَانِهِ وَ أَنْصَارِهِ؛ (۱) هر یک از شما باید برای خروج قائم آماده کند، هر چند یک تیر، که هر گاه خدای تعالی از نیت او، آن را بداند، امیدوارم که در عمر او تأخیر اندازد تا آنکه قائم را درک کند.

البته ممکن است مقصود روایات، به طور مشخص تهیه کردن تیر و وسایل جنگی و مانند آن نباشد؛ بلکه کنایه از نهایت کسب آمادگی برای آن اتفاق بزرگ باشد. کلینی از ابو عبدالله جعفری نقل می کند: امام باقر علیه السلام به من فرمود:

بیشترین زمان مرابطه (مرزرداری) نزد شما چند روز است؟ گفتم: چهل روز. فرمود: ولی مرابطه و مرزرداری [از حریم ما] ما همیشگی است (لَكِنْ رَبَّاطُنَا رَبَّاطُ الدَّهْرِ) (۲).

استاد مطهری در این باره نوشته است: «در روایات اسلامی، سخن از گروهی زبده است که به محض ظهور امام عجل الله تعالی فرجه الشریف به آن حضرت می پیوندند. آشکار است که این گروه ابتدا به ساکن خلق نمی شوند

۱- محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۳۲۰، ح ۱۰.

۲- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۳۸۱، ح ۵۷۶.

و به قول معروف از پای بوته هیزم سبز نمی شوند؛ [بلکه] معلوم می شود در عین اشاعه و رواج ستم و فساد، زمینه هایی عالی وجود دارد که چنین گروه زبده را پرورش می دهد. این خود می رساند که نه فقط حق و حقیقت به صفر نرسیده است؛ بلکه بر فرض اگر اهل حق از نگاه کمیت قابل توجه نباشد، از نگاه کیفیت ارزنده ترین اهل ایمان اند و در ردیف یاران سیدالشهداء علیه السلام». (۱)

نحوه آمادگی و مهیا بودن برای ظهور، بستگی به شرایط زمان و مکان دارد. اگر در بعضی روایات سخن از آماده کردن اسب و شمشیر برای ظهور حضرت به میان آمده و برای آن فضیلت بسیاری بر شمرده شده است، بدان معنا نیست که اینها موضوعیت دارند، بلکه ذکر این موارد می تواند بیانگر لزوم آمادگی رزمی برای یاری آخرین حجت الهی باشد. البته در این عصر بر شیعیان لازم است که با فراگرفتن فنون رزمی و مسلح شدن به تجهیزات نظامی روز، فقط بخشی از آمادگی هایی است که با آن، خود را برای مقابله با دشمنان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آماده سازند.

### ویژگی های زمینه سازان

#### اشاره

از روایات به روشنی به دست می آید کسانی که برای آن انقلاب بزرگ تلاش می کنند، دارای صفات و ویژگی هایی هستند (۲) که در دو بخش قابل بررسی است:

### ۱. ویژگی های اعتقادی

#### ۱۱. شناخت پروردگار

خداوند متعال، فلسفه اساسی آفرینش انسان ها را عبادت و بندگی معرفی فرموده است؛ آنجا که می فرماید:

۱- مرتضی مطهری، قیام و انقلاب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۵۶.

۲- از یک نگاه این ویژگی ها همان صفات منتظران است.

«وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»؛ (۱) جن و انس را جز برای اینکه عبادت کنند، خلق نکردم.

این امر مهمّ زمانی پدید می آید که شناخت انسان ها به آن ذات مقدس، فراهم آید و پس از آن راه رشد، هموار و موانع بر طرف می شود. زمینه سازان ظهور و یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، که خداوند را آن گونه که شایسته است می شناسند. حضرت علی علیه السلام شناخت والای خداوند را در چنین افرادی، چنین وصف فرموده است:

رِجَالٌ مُّؤْمِنُونَ عَرَفُوا اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ وَهُمْ أَنْصَارُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ؛ (۲) مردانی مؤمن که خدا را چنان که شایسته است شناخته اند و آنان، یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آخرالزمانند.

امام صادق علیه السلام قلب های این گروه را بسان پولاد دانسته، می فرماید:

رِجَالٌ كَمَا أَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ لَا يُشَوِّبُهَا شَكٌّ فِي ذَاتِ اللَّهِ أَشَدُّ مِنَ الْحَجَرِ...؛ (۳) آنان مردانی اند که دل هایشان گویا پاره های آهن است، هیچ تردیدی نسبت به خداوند قلب هایشان را نیالاید و قلب هایشان از سنگ استوارتر است.

## ۱۲. شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

یکی از ویژگی های مهم زمینه سازان ظهور، شناخت حضرت مهدی علیه السلام است. البته شناخت امام در هر زمان بر پیروان، لازم و ضروری است؛ ولی آنچه شناخت امام دوازدهم را از اهمیتی دو چندان برخوردار می سازد، شرایط ویژه او (مثل ولادت پنهان، زندگی پنهانی، امتحانات سخت و دشوار، و...) است. امام خویش را به بهترین وجه می شناسند و این شناخت آگاهانه در تمام وجودشان رسوخ کرده است. بنابراین زمینه سازی

۱- ذاریات (۵۱)، آیه ۵۶.

۲- علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۷۸؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۲۹، ح ۶۶.

۳- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷، ح ۸۲.

برای ظهور آن حضرت، بدون شناخت آن بزرگوار امکان پذیر نخواهد بود. در روایات آمده است:

... مَنْ مَيَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مَيَّتَهُ جَاهِلِيَّةً؛ (۱) هر کس بمیرد و امام زمان خویش را نشناسد به مرگ جاهلی خواهد مرد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

... اعْرِفْ إِمَامَكَ فَإِذَا عَرَفْتَهُ لَمْ يَضُرُّكَ؛ تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَمْ تَأَخَّرَ... فَمَنْ عَرَفَ إِمَامَهُ كَانَ كَمَنْ هُوَ فِي فُشَيْطَاتِ الْقَائِمِ؛ (۲) امام زمان خویش را بشناس، پس وقتی او را شناختی، پیش افتادن و یا تأخیر این امر (ظهور)، آسیبی به تو نمی رساند... پس هر آن کس که امام خویش را بشناسد، مانند کسی است که در خیمه قائم علیه السلام باشد.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هر چند در پس پرده غیبت است؛ ولی هرگز جمال وجودش برای انسان های مهدی باور و مهدی یاور پنهان نبوده است. اگر معرفت به آن حضرت نباشد، دیدن ظاهری ایشان نیز سودی در بر نخواهد داشت؛ چنان که کسانی بودند که همواره جمال دلنشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار علیهم السلام را زیارت می کردند، ولی بهره معرفتی چندانی از آن اسوه های آفرینش نمی بردند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

... وَمَنْ عَرَفَ إِمَامَهُ ثُمَّ مَاتَ قَبْلَ أَنْ يَقُومَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ كَانَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ كَانَ قَاعِدًا فِي عَشِيرَتِهِ لَا بَلَّ بِمَنْزِلَةِ مَنْ قَعِدَ تَحْتَ لَوَائِهِ؛ (۳) هر آن کس که امامش را نشناسد و پیش از قیام صاحب این امر از دنیا برود، بسان کسی است که در سپاه آن حضرت خدمت گزاری خواهد کرد؛ نه بلکه مانند کسی است که زیر پرچم آن حضرت است.

۱- صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۰۹؛ و نیز نک: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۷۸، ح ۲.

۲- محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۳۳۱، ح ۷.

۳- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۷۱، ح ۲.

امام صادق علیه السلام با تأکید، شیعیان را به شناخت خداوند، پیامبر و حجّت های الهی فرا خوانده، از جمله در دوران غیبت خواندن دعای زیر را سفارش فرموده است:

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسِيكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ، اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي (۱)؛ خدایا! خود را به من بشناسان. پس همانا اگر خود را به من شناسانی پیامبرت را نمی شناسم. پروردگارا! فرستاده ات را به من بشناسان پس به درستی که اگر پیامبرت را به من شناسانی حجّت را نمی شناسم. خداوند! حجّت خود را به من بشناسان، پس اگر حجّت خود را به من شناسانی از دینم گمراه شده ام.

## ۲. ویژگی های رفتاری

### اشاره

در این بخش به اموری اشاره می شود که نمادهای رفتاری یک منتظر توانمند است. این ویژگی ها به طور عمده تحت عنوان «اطاعت محض از خداوند و اولیای او» گرد می آیند؛ زیرا شناخت خداوند و امام زمان عجل الله فرجه الشریف و اعتقاد به آنان، باید عملی شود و تبلور حقیقی آن در اطاعت محض از آن انوار پاک ظاهر گردد. همسو کردن رفتارها، نیت ها و جهت گیری ها، طبق خواست رهبر الهی، از مهم ترین ویژگی های رهروان راستین است و این به خوبی در یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وجود دارد.

اگر کسی در مرحله شناخت، در حد ممکن معرفت کسب کرد، در مرحله اطاعت دچار تردید نخواهد شد. اگر کسی در آن مرحله دچار تردید و یا نقصان معرفتی باشد، در مرحله اطاعت هرگز

۱- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۷، ح ۵؛ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۴۲، ح ۲۴؛ محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۱۶۶، ح ۶.

پیرو خوبی نخواهد بود. امروزه که حضرت مهدی علیه السلام در پس پرده غیبت است، باید به اراده و فرمانش گردن نهاد و اگر کسی اکنون از دستورات آن حضرت اطاعت کند، در زمان ظهور نیز چنین خواهد بود. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در این باره فرمود:

طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَ هُوَ مُقْتَدٍ بِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ يَتَوَلَّى وَلِيَّهُ وَيَتَّبِعُهُ مِنْ عَدُوِّهِ وَيَتَوَلَّى الْأَيُّمَةَ الْهَادِيَةَ مِنْ قَبْلِهِ أُولَئِكَ رُفَقَائِي وَ دُؤُورُ وَدَى وَ مَوَدَّتِي وَ أَكْرَمُ أُمَّتِي عَلَيَّ؛ (۱) خوشا به حال کسی که، قائم اهل بیت مرا درک کند؛ حال آنکه پیش از قیام او نیز پیرو او باشد. با دوست او دوست و با دشمن او دشمن و با رهبران و پیشوایان هدایتگر پیش از او نیز دوست باشد. اینان همنشین و دوستان من و گرامی ترین امت من، در نزد من هستند.

اطاعت و پیروی از خداوند و حجت او در عناوین زیر قابل بررسی است:

## ۱-۲. آمادگی روحی و روانی

اساسی ترین ویژگی در بخش رفتار ایجاد «آمادگی روحی و روانی» در خود است. برای درک زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف. این امر مهم، فقط با عمل به واجبات و ترک محرمات حاصل می شود. زمینه ساز راستین به خوبی می داند که محبوب ترین کارها نزد امام زمان، «انجام واجبات دینی» و «ترک محرمات» است. او به درجه ای از ایمان می رسد که توفیق در عمل به واجبات و ترک کارهای حرام را بهترین لذت های زندگی می داند. پیشوایان معصوم علیهم السلام نیز هرگاه از حالت انسان های دوران غیبت یاد می کردند، به مناسبت، از انجام واجبات و پروای الهی سخن می گفتند. امام صادق علیه السلام می فرماید:

۱- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۶، ح ۲ و ۳؛ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۵۶.

إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَهُ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَبْدٌ وَ لِيَتَمَسَّكَ بِحِدِينِهِ...؛ (۱) همانا برای صاحب این امر، غیبتی است؛ پس باید [انسان] تقوا پیشه نماید و به دین خود چنگ زند....

کسانی که صاحب آمادگی روحی و روانی بالایی نشوند، هرگز نمی توانند یار و یاور خوبی برای آن حضرت باشند؛ چرا که آنان با کمترین فشاری که برایشان وارد می شود، عرصه را خالی می کنند. بی گمان برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یارانی هست که قوت و قدرت بالای روحی و روانی دارند تا بتوانند بر دشمنان چیره شوند.

لازم به یادآوری است که افزون بر انجام واجبات و ترک محرمات «رعایت آموزه های اخلاقی» نیز اهمیت والایی دارد، امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

... مَنْ سِيرَ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لِيَعْمَلِ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ...؛ (۲) هر کسی که شادمان می شود از اینکه از یاران قائم باشد، پس باید منتظر باشد، پرهیزگاری پیشه کند و نیکویی های اخلاق را انجام دهد؛ در حالی که منتظر است....

پروای الهی در همه زمان ها واجب است؛ اما به دلیل شرایط خاص، در دوران غیبت اهمیت بیشتری دارد؛ چرا که در این زمان عوامل فراوانی دست به دست هم داده تا انسان ها را به بیراهه بکشاند و گمراه سازد.

## ۲-۲. آمادگی اقتصادی

آمادگی اقتصادی به عنوان یکی از مؤلفه های زمینه سازی به دو گونه قابل تفسیر است:

الف. یکی از ویژگی های «عصر ظهور» رفاه عمومی در همه ابعاد زندگی است. اما این رفاه و آسایش، با تلاش و کوشش فراوان انسان ها و

۱- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۵، ح ۱.

۲- محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۰۰، ح ۱۶.



آباد کردن زمین به دست می آید. (۱) کسانی که در اندیشه زمینه سازی برای آن دوران هستند، می بایست در عصر غیبت نیز با تلاش فراوان مواهب الهی را برای خدمت به بندگان خدا به استخدام در آورند. کوشش برای فتح قله های دانش و کشف ناشناخته های جهان هستی، یکی از نمونه های روشن فعالیت های نسل زمینه ساز است. عقب ماندن از کاروان علم و دانش، در همه عرصه ها، نه فقط باعث سرشکستگی نسل منتظر و زمینه ساز در برابر جهانیان است که خود عاملی برای استعمار بندگان مستضعف و تأمین اهداف دشمنان اسلام است. از این رو شایسته است منتظران برای رشد توانمندی خود، هر چه بیشتر برای کسب دانش و بهره مندی از موهبت های الهی کوشش کنند.

ب. از آنجایی که مهم ترین و متعالی ترین هدف قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، اقامه قسط و عدل است و آن هم ارتباط مستقیمی با جنبه های اقتصادی زندگی دارد، منتظر او با تأسی به آن امام بزرگوار، نه فقط به اجرای عدالت و قسط در تمام زوایای زندگی می اندیشد که مال و ثروت خود را به گونه ای که مورد رضایت امام است، صرف می کند.

### ۲۳. آمادگی نظامی

کسب قدرت و قوت برای مقابله با تهدیدهای دشمنان، همواره مورد تأکید آموزه های دینی بوده است. قرآن کریم با صراحت تمام بر این مهم تأکید می کند:

(وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عِذَّوَاللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ)؛ (۲) و در برابر آنها تا می توانید نیرو و اسب های سواری آماده کنید تا دشمنان خدا و دشمنان خود و جز آنها که شما نمی شناسید و

۱- . به یاری خداوند در جلد پایانی این مجموعه، به طور مفصل به این بحث می پردازیم.

۲- . انفال (۸)، آیه ۶۰.

خدا می شناسد را بترسانید.

این آموزه اگر چه مربوط به همگان و همه دوران هاست؛ اما با توجه به حساسیت دوران غیبت و آستانه ظهور، این آمادگی اهمیت فراوانی دارد.

یکی از نمودهای زمینه سازی توانمند، آمادگی جسمانی برای حضور در زمان ظهور است. امام صادق علیه السلام درباره ویژگی های یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید:

... فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ يُعْطَى قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا - وَإِنَّ قَلْبَهُ لَأَشَدُّ مِنْ زُبْرِ الْحَدِيدِ وَ لَوْ مَرُّوا بِجِيَالٍ لَقَطَعُوهَا لَا يَكُونُ سَيْوفَهُمْ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ؛ (۱) مردی از اصحاب او توانایی چهل مرد را دارد و قلب او از پاره آهن استوارتر است و اگر بر کوه های آهن بگذرند، آن را بر کنند و شمشیرهای خود را در نیام نکنند تا آنکه خدای تعالی خشنود گردد.

این روایت بیانگر این مطلب است که افرادی که ادعای انتظار و زمینه سازی دارند، هرگز نباید دچار تن پروری و سستی شوند.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از اتمام حجت با جهانیان به ناگزیر با معاندان و دشمنان، جنگ خونینی کرده و همانند جد بزرگوار خود، برخورد شدیدی با آنان خواهد داشت. از روایات استقاده می شود که او در این مواجهه از یاران خود نیز استمداد می طلبد و آنان نیز در نهایت شجاعت به صف مبارزه خواهند پیوست.

حال چنین یارانی، می بایست پیش از ظهور فراهم آیند و این ممکن نیست مگر با افزایش توان و قدرت جسمانی در عصر انتظار. چنانچه تمامی منتظران به این امور مهم و اساسی توجه لازم را داشته باشند، بدون تردید نقش مؤثری برای درک دوران ظهور ایفا خواهند کرد.

سخن را در این بخش با کلامی نورانی از امام

صادق علیه السلام در وصف یاران خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به پایان می بریم:

مردانی که گویی قلب هایشان مانند پاره های آهن است. هیچ چیز نتواند دل های آنان را نسبت به ذات خداوند گرفتار شک سازد. سخت تر از سنگ هستند. اگر بر کوه ها حمله کنند، آنها را از هم خواهند پاشید... گویی که بر اسبان خود، مانند عقاب هستند. بر زین اسب امام دست می کشند و از این کار برکت طلب می کنند. گرد امام خویش می چرخند و در جنگ ها جان خود را سپر او می سازند و هر چه او بخواهد، برایش انجام می دهند. مردانی که شب ها نمی خوابند؛ در نمازشان همه ای چون صدای زنبور عسل دارند. شب ها بر پای خویش ایستاده و صبح بر مرکب های خود سوارند. پارسایان شب اند و شیران روز. اطاعت آنان در برابر امامشان، از اطاعت کنیز برای آقايش زيادتر است. مانند چراغ ها هستند... گویی که دل هایشان قندیل است. از ترس خدا بیمناک و خواهان شهادت اند. تمنایشان شهید شدن در راه خداست. شعارشان این است: «ای مردم! برای خون خواهی حسین به پا خیزید.» وقتی حرکت می کنند، پیشاپیش آنان به فاصله یک ماه ترس و وحشت حرکت کند، آنان دسته دسته به سوی مولا می روند. خدا به وسیله آنان، امام راستین را یاری می فرماید. (۱)

### زمینه سازان خاص

افزون بر آنچه یاد شد، در بعضی از روایات گروه هایی خاص به عنوان زمینه ساز مورد توجه قرار گرفته است، سخنانی از معصومان علیهم السلام نقل شده است. امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید:

كَأَنِّي بَقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطَوْنَهُ ثُمَّ يَطْلُبُونَ فَلَا يُعْطَوْنَهُ فَاِذَا رَأَوْا ذَلِكَ وَضَعُوا سِيُوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ فَيُعْطَوْنَ مَا سَأَلُوهُ فَلَا

يَقْبَلُونَهُ حَتَّى يَقُومُوا وَلَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَىٰ صَاحِبِكُمْ قَتْلَاهُمْ شُهَدَاءُ أَمَا إِنِّي لَوَ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ لَأَسْتَبْقِيَتْ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ؛ گویی قومی را می بینم که از شرق، در طلب حق قیام کرده اند؛ ولی بدانان نمی دهند و باز مطالبه می کنند، اما به آنان نمی دهند. پس چون چنین می بینند، شمشیرهای خود را بر دوش می گیرند. در آن هنگام آنچه را می خواهند به آنان می دهند؛ ولی نمی پذیرند تا اینکه پیروز می شوند و آن را جز به صاحب الامر علیه السلام تسلیم نمی کنند. کشتگان آنان شهیدند. اگر من آنان را درک کنم، جانم را برای صاحب الامر می گذارم (۱).

در این روایت از برپایی قیام ها و انقلاب هایی در آستانه ظهور حضرت مهدی علیه السلام خبر داده شده است. افزون بر اینها، روایات دیگری نیز بر این نکته تأکید دارند که پیش از ظهور، حکومتی به رهبری یکی از صالحان در ناحیه مشرق تشکیل می گردد و زمینه ظهور را مهیا می سازد. این حکومت، تا ظاهر شدن مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تسلیم آن به حضرت ایشان، ادامه می یابد.

«بر همین اساس، برخی تشکیل دولت شیعی مذهب صفویه را که پس از قرن ها استیلای حاکمان مستبد و متعصب عامی مذهب، روی کار آمد همان دولتی دانسته اند که در روایات از جمله زمینه سازان حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به شمار آمده است. در زمان ما نیز، برخی از نویسندگان با استناد به ویژگی هایی که در روایات آمده، انقلاب اسلامی ایران را که در سال ۱۳۵۷ خورشیدی به رهبری امام خمینی<sup>۱</sup> به پیروزی رسید همان دولتی دانسته اند که زمینه را برای ظهور و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آماده می کند که ان شاء الله تا ظهور آن حضرت ادامه می یابد.»

(۲)

۱- محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۷۳؛ ح ۵۰؛ محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۳.

۲- مجموعه مقالات و گفتارها پیرامون حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۲۰۷.

در هر صورت، گرچه قراین فراوانی این احتمال را قوّت می بخشد؛ ولی دلیل قطعی در دست نیست که ثابت کند منظور از حکومت زمینه ساز، همین انقلاب اسلامی ایران است.

این نخستین باری نیست که علمای شیعه، چنین احتمالی را مطرح ساخته اند. پیش از این نیز، هرگاه حرکت و انقلابی از ناحیه شرق به ویژه منطقه خراسان صورت می گرفت، این احتمال تقویت می شد. البته هیچ یک از آن حرکت ها به اندازه انقلاب اسلامی، زمینه ساز انقلاب مهدی علیه السلام نبوده اند؛ بلکه اصلاً مقایسه آنها با انقلاب اسلامی باطل است. از این رو احتمال اینکه مراد از «دولت زمینه ساز» از جمله انقلاب اسلامی ایران باشد و تا ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تداوم یابد، بسیار است. (۱)

---

۱- . جمعی از نویسندگان، چشم به راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۳۰۶، ۳۰۳.

## خودآزمایی

۱. زمینه سازان به چه کسانی گفته می شود؟ دارای چند دسته ویژگی هستند؟
۲. مهم ترین ویژگی های اعتقادی زمینه سازان کدام است؟ یک مورد را توضیح دهید.
۳. ویژگی های رفتاری زمینه سازان کدامند؟
۴. در باره آمادگی اجتماعی زمینه سازان برای ظهور توضیح دهید.
۵. مقصود از زمینه سازان خاص کیانند؟ شرح دهید.

□□□

## منابع برای پژوهش

۱. موسوی اصفهانی، سید محمد تقی، مکیال المکارم، سید مهدی حائری قزوینی، [بی جا]، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، ۱۳۷۹ ش.
۲. مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مدرسه امام علی علیه السلام، قم: ۱۳۸۰ ه.ش.
۳. هاشمی شهیدی، سید اسدالله، زمینه سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، چ دوم، پرهیزکار، قم: ۱۳۸۰ ه.ش.
۴. تقوی، سید حسین، حضرت مهدی از ظهور تا پیروزی، نور الاصفیاء، تهران، ۱۳۸۱ ش.
۵. پور سید آقایی، سید مسعود، با جاری انتظار، مؤسسه آینده روشن، قم، ۱۳۸۷ ش.



## درس چهارم: قیام های پیش از ظهور

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

قیام های پیش از ظهور:

دسته بندی روایات در این باره:

یک. طاغوت بودن پرچم داران قیام های پیش از ظهور؛

دو. شکست قیام های پیش از ظهور؛

سه. سکوت و خانه نشینی؛

چهار. سرزنش شتاب برای نابود کردن دشمنان.



**پیش در آمد**

یکی از موضوعاتی که در مباحث مهدویت، همواره مورد بحث و مناقشه بوده، حکم قیام ها و حکومت های دوران غیبت و پیش از قیام جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. برخی، با استناد به پاره ای روایات، پنداشته اند هرگونه تحرّک بر ضدّ فرمانروایان ستمگر، پیش از ظهور امام زمان علیه السلام غیر جایز و ممنوع است. از این رو با هرگونه ندای عدالت خواهانه ای، مخالفت ورزیده و آن را طاغوت می نامند!

اینان بر این گمانند روایات، به پرهیز از هرگونه قیام پیش از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سفارش کرده، از تشکیل حکومت و هرگونه قیام مسلحانه پیش از ظهور منع می کند و نیز تأکید کرده این گونه قیام ها پایانی جز شکست نخواهد داشت.

در برابر، گروهی دیگر با استناد به برخی آیات قرآن و روایات معصومان علیهم السلام، برپایی قیام و تشکیل حکومت اسلامی را در عصر غیبت در صورت امکان، امری واجب می دانند.

در اینجا به بررسی کوتاهی در روایات مربوط به قیام های پیش از ظهور می پردازیم.

**قیام های پیش از ظهور****اشاره**

درباره منع از حرکت های اصلاح گرایانه در عصر

انتظار، روایات گوناگونی نقل شده که می توان آنها را به چند گروه تقسیم کرد: (۱)

### ۱. طاغوت بودن پرچم داران قیام های پیش از ظهور

بعضی از این روایات، به طور عام، هرگونه شورش و برافراشتن هر پرچمی را پیش از قیام حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف، محکوم کرده و پرچمدار آن را طاغوت و یا مشرک معرّفی می کنند. (۲) دو روایت در این بحث مطرح می شود:

۱. کلینی با ذکر سند از ابو بصیر نقل کرده است که امام صادق علیه السلام فرمود:

كُلُّ رَايَةٍ تُرْفَعُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ فَصَاحِبُهَا طَاغُوتٌ يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؛ (۳) هر پرچمی پیش از قیام قائم بر افراشته شود، پرچم دار آن طاغوتی است که در برابر خدا پرستش می شود.

اگر چه علامه مجلسی، این روایت را موثّق دانسته (۴)، ولی سند آن خالی از اشکال نیست؛ زیرا در این سند، «حسین بن مختار» است که برخی وی را توثیق و عده ای او را تضعیف کرده اند. (۵) در باره محتوای آن می توان گفت: واژه «طاغوت» و جمله «يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ»، در این حدیث بیانگر آن است که مقصود از «پرچم برافراشته شده پیش از قیام قائم، پرچمی است که در مقابل خداوند متعال و رسول و امام علیهم السلام برافراشته شود و برافرازنده آن در برابر

۱- از آنجایی که بررسی همه روایات مجال گسترده ای می طلبد، در اینجا فقط به برخی از روایات اشاره و به صورت مختصر به بررسی آنها می پردازیم.

۲- روایات یاد شده را شیخ حر عاملی در «وسائل الشیعه» و محدث نوری در «مستدرک الوسائل» در بابی با عنوان «باب حکم الخروج بالسيف قبل قيام القائم عجل الله تعالی فرجه الشریف» گرد آورده اند.

۳- عَنْهُ [محمد بن یحیی] عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۹۵، ح ۴۵۲.

۴- محمد باقر مجلسی، مرآه العقول، ج ۲۶، ص ۳۲۵.

۵- نک: ابوالقاسم خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۶، ص ۸۶.

حکومت خدا، حکومتی تأسیس کند و در پی آن باشد که به خواسته های خود، جامه عمل بپوشاند. بنابراین، نمی توان شخص صالحی را که برای حاکمیت دین، قیام و اقدام کرده است؛ طاغوت خواند؛ زیرا چنین پرچمی، نه فقط در مقابل پرچم قائم علیه السلام برافراشته نشده که در مسیر و طریق و جهت اوست.

۲. روایتی که ابن ابی زینب در کتاب الغیبه به نقل از مالک بن اعین جهنی از امام باقر علیه السلام با مضمون روایت نخست و با سه سند متفاوت نقل کرده است:

۱-۲. مالک بن اعین جهنی نقل کرده که امام باقر علیه السلام فرمود:

كُلُّ رَايَةٍ تُرْفَعُ قَبْلَ رَايَةِ الْقَائِمِ صَاحِبِهَا طَاغُوتٌ؛ (۱) هر پرچمی پیش از قیام قائم برافراشته شود، صاحب آن طاغوت است.

در سند این روایت، «علی بن ابی حمزه بطائنی» وجود دارد که «از ارکان واقفیه است» و دانشمندان علم رجال او را توثیق نکرده اند. علامه در کتاب خلاصه وی را به شدت تضعیف کرده است. (۲) او از وکلای مشهور و مورد اعتماد امام کاظم علیه السلام بود که پس از زندانی شدن آن حضرت، اموال فراوانی از شیعه به دست او و دیگر وکلا رسید؛ ولی آنان پس از شهادت امام هفتم، طمع ورزیدند و آن حضرت را آخرین حجت خدا و همان مهدی موعود علیه السلام معرفی کرده و امامت فرزندش حضرت رضا علیه السلام را منکر شدند تا اموال را تصاحب کنند!!

مرحوم خوئی پس از نقل کلام موافقان و مخالفان، نتیجه می گیرد که نمی توان به وثاقت

۱- . و أخبرنا عبد الواحد بن عبد الله قال حدثنا أحمد بن محمد بن رباح الزهري قال حدثنا محمد بن العباس بن عيسى الحسيني عن الحسن بن علي بن أبي حمزه عن أبيه عن مالك بن أعين الجهني؛ محمد بن ابراهيم نعماني، الغيبة، ص ۱۱۴.

۲- . لأن ابن أبي حمزه البطائني ضعيف جدا؛ علامه حلی، الخلاصه، ص ۹۶، شماره ۲۹.

او حکم کرد. (۱) بنابراین به دلیل ضعف سند، نمی توان به این روایت اعتماد کرد.

۲-۲. مالک بن أعین جهنی نقل کرده که امام باقر علیه السلام فرمود:

كُلُّ رَأْيِهِ تُرْفَعُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ صَاحِبِهَا طَاغُوتٌ؛ (۲) هر پرچمی پیش از قیام قائم بر افراشته شود، صاحب آن طاغوت است.

در این سند «محمد بن حسان رازی» است، نجاشی وی را راوی از ضعفا (۳) دانسته و ابن داود از وی با عنوان «ضعیف جداً» یاد کرده اند. (۴) با توجه به تضعیف «رازی» توسط این دو نفر به این روایت نیز اعتماد نمی شود؛ اگرچه مرحوم خویی پس از نقل سخن نجاشی و ابن غضائری، وی را بنا بر «اظهر» ثقه دانسته است. (۵)

۲-۳. و علی بن أحمد بندنیجی از عبید الله بن موسی علوی از علی بن ابراهیم بن هاشم از پدرش از عبد الله بن المغیره از عبد الله بن مسکان از مالک بن أعین جهنی نقل کرده که امام باقر علیه السلام فرمود:

كُلُّ رَأْيِهِ تُرْفَعُ او قال تخرج قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ صَاحِبِهَا طَاغُوتٌ؛ (۶) هر پرچمی پیش از قیام قائم بر افراشته شود، صاحب آن طاغوت است.

در سند آن، «علی بن أحمد بندنیجی» آمده

۱- . فلا يمكن الحكم بوثاقته و بالنتیجه يعامل معه معامله الضعیف؛ معجم رجال الحديث، ج ۱۱، ص ۲۲۶.

۲- . و أخبرنا علی بن الحسين قال حدثنا محمد بن يحيى العطار بقم قال حدثنا محمد بن حسان الرازی قال حدثنا محمد بن علی الكوفی عن علی بن الحسين عن ابن مسکان عن مالک بن أعین الجهنی؛ محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۱۱۵.

۳- . أبو عبد الله الزینبی يعرف و ينکر بین بین یروی عن الضعفاء کثیرا؛ نجاشی، رجال النجاشی، ص ۳۳۸، ش ۹۰۳؛ و نیز: احمد بن حسین غضائری، رجال ابن غضائری، ج ۱، ص ۹۵.

۴- . ابن داود، رجال ابن داود، ص ۵۰۲، شماره ۴۲۷.

۵- . ابوالقاسم خویی، معجم رجال الحديث، ج ۱۵، ص ۱۹۰، شماره ۱۰۴۴۳.

۶- . و أخبرنا علی بن أحمد البندنیجی عن عبید الله بن موسی العلوی عن علی بن ابراهیم بن هاشم عن أبيه عن عبد الله بن المغیره عن عبد الله بن مسکان عن مالک بن أعین الجهنی؛ محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۱۱۵.

است که در کتاب رجال شیخ طوسی و شیخ نجاشی مطرح نگشته و از سوی آنان چیزی در مورد او گزارش نشده است. برخی محققان او را همان ابوالحسن علی بن احمد بن نصر بندنجی دانسته‌اند که نعمانی از او به نقل روایت پرداخته است. (۱) در این صورت این استاد نعمانی، همان کسی خواهد بود که ابن غضائری درباره اش می نویسد: «در رمله ساکن بود، ضعیف و ساقط است. به او توجه نمی شود.» (۲)

حتی اگر ابن غضائری را در بیان اوصاف و احوال راویان، دچار تند روی بدانیم و سخن او را در مورد علی بن احمد بندنجی نپذیریم، در مورد او توثیقی نداریم تا با اعتماد بر آن روایات وی را بپذیریم. بنابراین این نقل نیز قابل اعتماد نیست.

یکی از محققان در بررسی دلالت این روایت می نویسد: دعوت، دو گونه است:

۱. دعوت حق؛ یعنی؛ دعوت مردم برای به پا داشتن حق و بازگردانیدن زمام امور حکومت، به دست اهل بیت علیهم السلام که چنین دعوتی مورد تأیید امامان معصوم علیهم السلام است.

۲. دعوت باطل؛ یعنی، دعوت مردم برای مطرح کردن خود و مقصود از «کلُّ رایه» همین بخش دوم در مقابل بخش نخست است؛ یعنی دعوت، در عرض و مقابل دعوت اهل بیت علیهم السلام باشد، نه در طول و مسیر آن. بنابراین، قیام هایی که بر مبنای دفاع از حریم اهل بیت علیهم السلام و دعوت مردم به سوی آنان، صورت گرفته است، به طور کلی، از دایره مصادیق این روایت، خارج اند.

ممکن است گفته شود: این حدیث، در بطلان تمام قیام های پیش از قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف، ظهور دارد؛ یعنی، ملاک بطلان، این نیست که دعوت برای خود و در عرض نهضت امامان معصوم علیهم السلام صورت بگیرد؛

۱- علی نمازی شاهرودی، مستدرکات علم رجال الحدیث، ج ۵، ص ۳۰۲.

۲- احمد بن حسین غضائری، رجال ابن الغضائری، ص ۸۲.

بلکه ملائک، پیشی گرفتن آن، بر قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ خواه دعوت حق باشد و یا دعوت باطل!

اولاً: به احتمال قوی این روایت، ناظر به بعضی از قیام‌های آن زمان است و به اصطلاح، «قضیه خارجیّه» است، نه حقیقی و ناظر به تمام قیام‌ها نیست و ملائک حق و باطل بودن، همان دعوت به راه راست است.

ثانیاً: روایات بسیاری از امامان معصوم علیهم السلام وارد شده که برخی از قیام‌هایی را که بعدها و پیش از ظهور امام زمان اتفاق می‌افتد، کاملاً تأیید کرده و مردم را برای پیوستن به آنان تشویق نموده‌اند؛ همانند «رایه الیمانی» و اگر آن روایت را قضیه خارجیّه ندانیم، با این روایات، در تعارض خواهد بود. (۱)

البته با توجه به عنوانی که نعمانی به باب این روایات داده؛ یعنی «باب ما روی فیمن ادعی الإمامه و من زعم أنه إمام و لیس یامام و أن کل رایه ترفع قبل قیام القائم فصاحبها طاغوت» (۲) می‌توان گفت: او به عنوان نخستین نقل‌کننده این روایات، چنین فهمیده که مقصود از صاحب پرچم، کسی است که خود را به عنوان امام و یا قائم معرفی کند.

افزون بر آنچه در باره سند روایات گفته شد، اگر با استناد به این روایات، هرگونه قیام و نهضتی را محکوم و غیر مشروع بدانیم، این گونه برداشت، با روایت‌های جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و نیز با سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام تعارض دارد و در مقام تعارض، باید از این روایات صرف نظر کرد.

امام خمینی در برابر کسانی که با تمسک به روایت‌های یاد شده به بهانه جویی می‌پردازند، می‌فرماید:

۱- نک: نجم الدین طوسی، تا ظهور، ج ۱، ص ۷۸.

۲- محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۱۱۱.

«این احادیث، هیچ مربوط به تشکیل حکومت خدایی عادلانه که هر خردمند لازم می‌داند نیست؛ بلکه در روایت اول، دو احتمال است: یکی آنکه راجع به خبرهای ظهور ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد و مربوط به علامات ظهور باشد و بخواهد بگوید علم‌هایی که به عنوان امامت قبل از قیام قائم بر پا می‌شود، باطل است چنانچه در ضمن همین روایات علامت‌های ظهور هم ذکر شده است و احتمال دیگر آنکه از قبیل پیشگویی باشد از این حکومت‌هایی که در جهان تشکیل می‌شود تا زمان ظهور که هیچ کدام به وظیفه خود عمل نمی‌کنند و همین طور هم تا کنون بوده...» (۱)

ایشان در جای دیگر می‌فرماید: «آن روایات [اشاره دارد] که هر کس عَلم بلند کند با عَلم مهدی، به عنوان «مهدویت» بلند کند [باطل است]». (۲)

## ۲. شکست قیام‌های پیش از ظهور

روایاتی که بیانگر ناکامی و شکست قیام‌های پیش از قیام حضرت مهدی علیه السلام است. این دسته از روایات، در ضمن، به مشروع نبودن تلاش برای ایجاد حکومت اسلامی اشاره کرده است؛ زیرا قیامی که بدون ثمر باشد، از دیدگاه عقل و عقلا ناپسند است.

بعضی از روایاتی که در این باره نقل می‌شود از این قرار است:

کلینی از علی بن ابراهیم از پدرش از حماد بن عیسی از ربیع... نقل کرده که امام سجاد علیه السلام فرمود:

وَاللَّهِ لَا يَخْرُجُ وَاحِدٌ مِّنَّا قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَّا كَانَ مَثَلُهُ مَثَلُ فَوْخٍ طَارَ مِنْ

۱- سید روح الله موسوی خمینی، کشف الاسرار، ص ۲۲۵.

۲- همو، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۴.

وَكُرِهَ قَبْلَ أَنْ يَسْتَوِيَ جَنَاحُهُ فَأَخَذَهُ الصَّبِيَانُ فَعَبَّتُوا بِهِ؛ (۱) به خدا سوگند! هیچ یک از ما پیش از قیام قائم خروج نمی کند؛ مگر اینکه مثل او، مانند جوجه ای است که پیش از محکم شدن بال هایش، از آشیانه پرواز کرده باشد. در نتیجه کودکان او را گرفته و با او به بازی می پردازند.

از این روایت نتیجه گرفته اند که: قیام برای تشکیل حکومت اسلامی، نه فقط بی نتیجه است که گرفتاری و ناراحتی اهل بیت را نیز در پی دارد. بنابراین باید از تشکیل حکومت اسلامی، پیش از قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چشم پوشید!

یکی از اشکالات این است که این روایت، مرسل است و در سند آن شخصی به نام ربیع بن عبدالله بن الجارود قرار دارد که هر چند ثقة است؛ ولی از اصحاب امام صادق و امام کاظم علیهما السلام به شمار می آید. بنابراین از نظر طبقه و سال، نمی تواند بدون واسطه، از امام زین العابدین علیه السلام روایت نقل کرده باشد.

البته این روایت را نعمانی با اندکی تفاوت، از امام باقر علیه السلام با سند دیگری این چنین نقل کرده است:

مَثَلُ مَنْ خَرَجَ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ مَثَلُ فَوْخٍ طَارَ وَفَوْقَ مَنْ وَكُرِهَ فَنَلَّاعَبَتْ بِهِ الصَّبِيَانُ؛ (۲) مثل خروج قائم ما خاندان، مانند خروج رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است و مثل آن کس که از ما خاندان قبل از قیام قائم به پا خیزد، بسان جوجه ای است که پرواز کند و از آشیانه خود فرو افتد و کودکان با آن به بازی پردازند (یعنی دستخوش بازیچه کودکان شود).

۱- علی بن ابراهیم، عن أبيه، عن حمّاد بن عيسى، عن ربّعی، رفعه عن علی بن الحسین علیه السلام قال: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۶۴، ح ۳۸۲؛ محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۱۹۹، ح ۱۴.

۲- حدثنا محمد بن همام قال حدثنا جعفر بن محمد بن مالک قال حدثني أحمد بن علی الجعفی عن محمد بن المثنی الحضرمی عن أبيه عن عثمان بن زید عن جابر؛ محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۱۹۹، ح ۱۴.



این روایت هم به دلیل مجهول و یا مهمل بودن احمد بن علی جعفی و محمد بن مثنیٰ حضرمی و عثمان بن زید جهنی در آن، غیر قابل قبول است. افزون بر آن اینکه جعفر بن محمد بن مالک، (فزاری) به تصریح نجاشی، ضعیف الحدیث و فاسد المذهب است. (۱)

اضافه بر اشکال در سند که به آن اشاره شد؛ استناد به این روایت و مانند آن از جهاتی باطل است:

جهت نخست: این روایت در صدد این نیست که اصل جواز قیام را رد کند؛ بلکه پیروزی را نفی می کند. اگر چنانچه قائل شویم این روایت نفی جواز می کند، پس قیام امام حسین علیه السلام در برابر یزید و نیز قیام زید بن علی و حسین بن علی (شهید فخر) و... را نیز محکوم کرده است! با اینکه بدون تردید، این قیام ها مورد تأیید ائمه علیهم السلام بوده است. امام صادق علیه السلام در باره قیام زید شهید فرمود:

وَلَمَّا تَقُولُوا خَرَجَ زَيْدٌ فَإِنَّ زَيْدًا كَانَ عَالِمًا وَ كَانَ صِدُوقًا وَ لَمْ يَدْعُكُمْ إِلَى نَفْسِهِ إِنَّمَا دَعَاكُمْ إِلَى الرِّضَا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ لَوْ ظَهَرَ لَوْفِي بِمَا دَعَاكُمْ إِلَيْهِ إِنَّمَا خَرَجَ إِلَى سُلْطَانٍ مُجْتَمِعٍ لِيَنْقُضَهُ؛ (۲) قیام زید را به رخ نکشید؛ زیرا او مردی عالم و راستگو بود و شما را به سوی خود دعوت نکرد؛ بلکه به سوی آل محمد علیهم السلام و رضایت آنان دعوت نمود. هر آینه، اگر پیروز می شد، به وعده خود وفا می کرد. او در برابر سلطنت و حکومتی قیام کرد که محکم و یک پارچه بود و می خواست ارکان آن را متلاشی کند.

جهت دوم: پیروز نشدن قیام، دلیل بر نفی تکلیف

۱- . كان ضعيفا في الحديث قال: أحمد بن الحسين كان يضع الحديث وضعا و يروى عن المجاهيل؛ نجاشی، رجال نجاشی، ص ۱۲۲، شماره ۳۱۳.

۲- . محمد بن يعقوب كليني، الكافي، ج ۸، ص ۲۶۴، ح ۳۸۱.

به قیام نیست؛ به عنوان نمونه «در جنگ صفین، شایع شد که معاویه مرده است. این خبر باعث شادی مردم شد؛ اما حضرت علی علیه السلام در مقابل شادی مردم، فرمود: سوگند به آن خدایی که جان من در قبضه قدرت او است! معاویه هلاک نمی شود تا مردم با او هماهنگ شوند. از آن حضرت پرسیدند: بنابراین پس چرا با او می جنگید؟ امام فرمود: «الْتَمِسُ الْعُذْرَ بَيْنِي وَ بَيْنَ اللَّهِ؛ (۱) می خواهم بین خود و خدایم عذر داشته باشم».

این روایت و مانند آن بیانگر این معنا است که انسان مسلمان، باید به تکلیف خود عمل کند و نباید انتظار داشته باشد، حتماً به نتیجه مطلوب برسد.

جهت سوم: شاید مقصود از جمله «مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ» فقط ائمه معصومین علیهم السلام باشند؛ زیرا شیعیان از آنان، انتظار خروج مسلحانه را داشتند و ایشان با توجه به شرایط حاکم بر آن زمان، می خواستند با اخبار غیبی، آنان را قانع کنند که هر کس از ما، پیش از قیام قائم خروج کند، به علت نبود امکانات لازم، پیروز نمی شود و مصلحت اقتضا می کند که خروج مسلحانه نکند.

جهت چهارم: در برخی از روایات، به قیام های پیش از قیام قائم بشارت داده شده است که زمینه ساز حکومت مهدی علیه السلام هستند. بدون تردید زمینه سازی آنها، به لحاظ موفقیت آن قیام ها است. افزون بر اینکه ایجاد آمادگی، خود بزرگ ترین ثمره آنها می باشد. یکی از بارزترین این قیام ها خروج یمانی است که در روایات فراوانی، از پرچم او به عنوان هدایت یافته ترین پرچم یاد شده است. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

---

۱- ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۲، ص ۲۵۹.

خُرُوجِ الثَّلَاثَةِ الْخُرَاسَانِيَّةِ وَالسُّفْيَانِيَّةِ وَالْيَمَانِيَّةِ فِي سَنَةِ وَاحِدَةٍ فِي شَهْرِ وَاحِدٍ فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ وَ لَيْسَ فِيهَا رَأْيُهُ بِأَهْدَى مِنْ رَأْيِهِ الْيَمَانِيَّةِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ؛ (۱) خروج سه نفر خراسانی و سفیانی و یمانی در یک سال و یک ماه و یک روز است. در میان این قیام ها، پرچمی هدایت کننده تر از پرچم یمانی نیست. آن پرچم هدایت به حق دعوت می کند.

امام باقر علیه السلام نیز به این مهم اشاره کرده، دعوت یمانی را به حضرت مهدی علیه السلام دانسته است. (۲)

... وَ لَيْسَ فِي الرِّايَاتِ أَهْدَى مِنْ رَأْيِهِ الْيَمَانِيَّةِ هِيَ رَأْيُهُ هُدًى لِأَنَّهُ يَدْعُو إِلَى صَاحِبِكُمْ؛ (۳) در میان پرچم ها، هدایت گر تر از پرچم یمانی نیست. آن پرچم هدایت است، چون به صاحب شما فرا می خواند.

کلینی با ذکر سند از عمر بن حنظله نقل کرده که: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

خَمْسُ عَلَامَاتٍ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ الصَّيْحَةُ وَالسُّفْيَانِيَّةُ وَالْخَسْفُ وَقَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ وَالْيَمَانِيَّةِ؛ (۴) پنج نشانه پیش از قیام قائم است: صیحه، سفیانی، فرو رفتن، کشته شدن نفس زکیه و یمانی.

در این روایات تأکید بر حتمی بودن آنها پیش از قیام قائم علیه السلام است که به طور روشن با جمله «قبل قیام القائم»، وقوع آن را پیش از قیام حضرت دانسته است.

جهت پنجم: این روایات اگر در صدد نهی از قیام و مبارزه با ستم و فساد باشد، با آیات جهاد و امر به معروف و نهی از منکر و نیز با سیره پیشوایان معصوم علیهم السلام ناسازگار خواهد بود؛ از این

۱- . طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۴۶.

۲- . این نکته می تواند شاهدهی بر آن باشد که صاحب پرچم های طاغوت، نه به حق و نه به امام مهدی علیه السلام دعوت می کنند.

۳- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۵۶، ح ۱۳.

۴- . محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۳۱۰، ح ۴۸۳.

رو باید به دور افکنده شود.

### ۳. سکوت و خانه نشینی

روایاتی که برای مشروع نبودن تلاش در راه ایجاد حکومت اسلامی در دوره غیبت، بدان ها استناد شده است. این روایات مردم را به سکوت و سکون، فرا می خواند و از مشارکت در هر قیام و مبارزه ای، پیش از تحقق نشانه های ظهور باز می دارد. جابر بن یزید جعفی می گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

یا جابر! الزم الأرض و لا تحرك يداً و لا رجلاً حتى ترى علاماتاً أذكرها لك و ما أراك تُدرِكها اختلافُ بيني فلانٍ و مُنادٍ يُنادي من السماء و يحييكم الصوتُ من ناحيته دمشق؛ (۱) بر زمین بنشین (خانه نشین باش) و دست و پا نجنبان (فعالیتی نکن)، تا نشانه هایی را که برایت یاد می کنم، ببینی و بدانها بررسی: نخستین آنها اختلاف بنی عباس است و من در تو نمی بینم که آن را دریابی ولی پس از من آن را از من روایت کن و آواز دهنده ای از آسمان ندا کند و شما را آوازی از جانب دمشق به فتح برسد....

امام صادق علیه السلام به سدید می فرماید:

یا سدید! الزم بيتك و كن حلساً من اخلاسه و اسكن ما سكن الليل و النهار فاذا بلغك ان السفيناني قد خرج فارحل الينا ولو على رجلك؛ (۲) ای سدید! در خانه بنشین و به زندگی بچسب

۱- . أخبرنا أحمد بن محمد بن سعيد عن هؤلاء الرجال الأربعة عن ابن محبوب و أخبرنا محمد بن يعقوب الكليني أبو جعفر قال حدثني علي بن إبراهيم بن هاشم عن أبيه قال و حدثني محمد بن عمران قال حدثنا أحمد بن محمد بن عيسى قال و حدثني علي بن محمد و غيره عن سهل بن زياد جميعاً عن الحسن بن محبوب قال و حدثنا عبد الواحد بن عبد الله الموصلي عن أبي علي أحمد بن محمد بن أبي ناشر عن أحمد بن هلال عن الحسن بن محبوب عن عمرو بن أبي المقدم عن جابر بن يزيد الجعفی؛ محمد بن ابراهيم نعماني، الغيبة، ص ۲۷۹، ح ۶۷.

۲- . عده من اضيحابنا عن أحمد بن محمد بن عثمان بن عيسى عن بكر بن محمد عن سدير؛ محمد بن يعقوب كليني، الكافي، ج ۸ ص ۲۶۴، ح ۳۸۳.

و آرامش داشته باش تا آن هنگام که شب و روز آرام هستند؛ اما هنگامی که خبر رسید سفیانی خروج کرده، به سوی ما بیا، اگرچه با پای پیاده باشد.

از دیدگاه برخی، مقتضای این روایات منحصر به جابر و سدیر نیست؛ بلکه بر همه واجب است تا خروج سفیانی و... قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف، سکوت کرده و از قیام و خروج خودداری کنند! در پاسخ به این دیدگاه باید گفت تعمیم حکم به همه افراد، در همه زمان ها، متوقف است بر اینکه ما علم داشته باشیم به اینکه شخص یا زمینه خاصی، مورد نظر امام نبوده است.

برخی از بزرگان، مدعی شده اند: این گونه روایات، از ساخته و پرداخته های بنی امیه و بنی عبّاس است و انگیزه آنان، بازداشتن علویان از قیام و شورش بر ضد فرمانروایان است. (۱) البته این سخن را به عنوان احتمال می توان پذیرفت؛ زیرا جعل احادیث از سوی فرمانروایان بالأخص امویان امری عادی و رایج بوده است؛ ولی ادعای قطع و یقین مشکل است.

#### ۴. سرزنش شتاب برای نابود کردن دشمنان

برای اثبات مشروع نبودن برپایی حکومت اسلامی در دوره غیبت، گاهی روایاتی استناد می شود که به صبر دعوت کرده و از شتاب، نهی کرده است. در اینجا آمده است: انسان مسلمان، پیش از فرا رسیدن موعد فرج و زوال ملک ستمگر، نباید خود را به زحمت بیندازد و به دنبال برقراری حکومت عدل باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امام علی علیه السلام فرمود:

يَا عَلِيُّ إِنَّ إِزَالَهَ الْجِبَالِ الرَّوَاسِي أَهْوَنُ مِنْ إِزَالَهِ مُلْكِكَ لَمْ تَنْقُضِ أَيَّامَهُ؛ (۲) ای علی! برکندن کوه های بزرگ آسان تر است از برچیدن پادشاهی ای که زمانش به

۱- نک: نجم الدین طبری، تا ظهور، ج ۱، ص ۷۳.

۲- رَوَى حَمَّادُ بْنُ عَمْرٍو وَ أَنَسُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ لَهُ؛ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۵۲، ح ۵۷۶۲.

سر نرسیده است.

امام علی علیه السلام می فرماید:

الزُّمُومَا الْأَرْضَ وَ اضْبِرُّوا عَلَى الْبَلَاءِ وَ لَا تُحَرِّكُوا بِأَيْدِيكُمْ وَ سُيُوفِكُمْ فِي هَوَى الْأَسْتِنْتِكُمْ وَ لَا تَسْتَعْجِلُوا بِمَا لَمْ يَعْجَلِ اللَّهُ لَكُمْ فَإِنَّهُ مَنْ مَيَّاتَ مِنْكُمْ عَلَى فِرَاشِهِ وَ هُوَ عَلَى مَعْرِفَةِ حَقِّ رَبِّهِ وَ حَقِّ رَسُولِهِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ مَاتَ شَهِيداً وَ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَ اسْتَوْجَبَ ثَوَابَ مَا نَوَى مِنْ صَالِحٍ عَمَلِهِ وَ قَامَتِ النَّيَّةُ مَقَامَ إِضْمَالَتِهِ بِسَيِّئِهِ فَإِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ مُدَّةً وَ أَجْلاً؛ (۱) به زمین بچسبید و بر بلاها صبر کنید؛ دست ها و شمشیرهایتان را در جهت خواست های زبانتان به حرکت در نیاورید و نسبت به آنچه خداوند برای شما در آن عجله قرار نداده، شتاب نکنید. اگر کسی از شما در رختخواب بمیرد، اما نسبت به خدا و رسول و اهل بیت او، شناخت و معرفت داشته باشد، شهید از دنیا رفته و اجر او با خدا است و آنچه را از اعمال نیک نیت داشته، پاداشش را خواهد برد و همان نیت خیر او در ردیف به کار گرفتن شمشیر است. بدانید که برای هر چیز مدّت و سرآمدی است.

این روایت دلالتی بر مدّعی اندیشه نفی مشروعیت حکومت ندارد؛ زیرا در بیشتر این گونه احادیث، شتاب قبل از موعد و قیام در مواردی که شرایط زمان مهیا نیست، مورد نهی قرار گرفته است، اما اگر زمینه های قیام و تشکیل حکومت فراهم باشد، آیا باز هم مبارزه و قیام، همان حکم را دارد؟! این احادیث، در این مورد ساکت است و در صدد بیان چنین حکمی نیست و ممکن است در مقام تقیّه صادر شده باشند. بدون تردید سخن امام علی علیه السلام نیز در ارتباط با مورد خاصّ و شرایط ویژه است.

از طرفی روایاتی نقل شده که در آن بسیاری از قیام های علویان و غیر آن مورد تأیید قرار گرفته است. همچنین قیام هایی صورت گرفته که

شیعیان و عالمان معروف در آن شرکت داشته اند. این دسته از احادیث، روایات پیشین را توضیح داده و تفسیر می کنند. صاحب وسائل الشیعه به نقل از محمد بن ادریس، آورده است: «فردی در محضر امام صادق علیه السلام سخن از قیام به میان آورد و از خروج کسانی که از اهل بیت قیام می کنند، سؤال کرد. حضرت فرمود:

لَا أزالُ أَنَا وَ شِيعَتِي بِخَيْرٍ مِمَّا خَرَجَ الْخَارِجِيُّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لَوِ دُرْتُ أَنَّ الْخَارِجِيَّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ خَرَجَ وَ عَلَيَّ نَفَقَةٌ عِيَالِهِ؛ (۱)

پیوسته من و شیعیانم بر خیر هستیم تا هنگامی که قیام کننده ای از آل محمد علیهم السلام قیام کند. چقدر دوست دارم که شخصی از آل محمد علیهم السلام قیام کند و من مخارج خانواده او را پردازم.

نکته قابل توجه اینکه حر عاملی این روایت را در همان بابی که روایات منع از قیام را آورده، نقل کرده است. افزون بر آن، تأیید برخی از قیام ها از جمله قیام زید، قیام حسین بن علی شهید فخر و قیام توابع خود دلیلی بر تأویل روایات ناهی از قیام است. (۲)

بنابراین بر فرض صحیح بودن اسناد بعضی از احادیث، هیچ یک از آنها نمی تواند مشروعیت قیام و حکومت در عصر غیبت را زیر سؤال ببرد؛ بلکه این گونه روایات، قیام هایی را ممنوع و محکوم به بطلان می داند که دارای شرایط لازم نیست و یا جهت اهداف فاسد و هواها و هوس ها انجام می شود.

پس اگر قیامی با شرایط بیان شده در شرع، زیر نظر حاکم عادل (فقیه) انجام پذیرد و اهداف آن نیز بر اساس شریعت شکل گرفته باشد، زمینه ساز قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود و نه تنها از آن نهی نخواهد شد؛ بلکه در برخی از

۱- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۵۴، ح ۱۹۹۷۵.

۲- نک: محمد صادق مزینانی، «حکومت اسلامی در عصر انتظار»، چشم به راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۱۱۹.

موارد، تلاش برای برپایی آن، واجب خواهد بود.

به نظر می‌رسد برخی با مطرح کردن این بحث‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به طور مستقیم یا غیر مستقیم، به نوعی حرف دشمن را بیان می‌کنند.



## خودآزمایی

۱. در باره طاغوت بودن پرچم داران به چه روایتی استدلال شده است؟ اشکالات آن را توضیح دهید.
۲. روایاتی را که سخن از شکست قیام های پیش از ظهور به میان آورده بیان نمایید و یک روایت را شرح دهید.
۳. موضع گیری پیشوایان معصوم علیهم السلام در برابر قیام های هم عصر آنان چگونه بوده است؟ با ذکر دو مثال شرح دهید.
۴. روایاتی که برخی اصحاب را به خانه نشینی و سکوت توصیه کرده، به چه چیزی دلالت می کند؟ تا چه اندازه می توان با آنها بر قیام های پیش از ظهور استدلال کرد؟
۵. ارتباط روایات مذمت شتاب برای نابود کردن دشمنان، با قیام های پیش از ظهور چگونه است؟ یک روایت را در این زمینه بررسی نمایید.

□□□

## منابع برای پژوهش

۱. طبسی، نجم الدین، تا ظهور، دو جلد، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، ۱۳۸۸ ش.
۲. دشتی، محمد، آینده و آینده سازان، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیر مؤمنان، چاپ دوم، قم، ۱۳۸۱ ش.
۳. مزینانی، محمد صادق، «حکومت اسلامی در عصر انتظار»، چشم به راه مهدی علیه السلام، چ سوم، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۲ ش.
۴. رضوانی، علی اصغر، موعود شناسی، چاپ اول، قم، انتشارات مسجد جمکران، ۱۳۸۴ ش.
۵. عبدالله جوادی آملی، ولایت فقیه ولایت فقاها و عدالت، قم، اسراء، ۱۳۷۹ ش.

## درس پنجم: دشمن شناسی اعتقاد به مهدویت

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

۱. ضرورت دشمن شناسی؛
۲. برخی عوامل مخالفت و دشمنی با حق؛
۳. راهبرد دشمنان برابر مهدویت؛
۴. راه های مقابله با دشمن.

## پیش در آمد

برای رسیدن به هدف، لازم است تا موانع راه به خوبی و روشنی شناخته شود؛ از این رو «دشمن شناسی» در آموزه های دینی، همواره مورد توجه و سفارش بوده است. در همه دوران ها در برابر حق، باطل به مخالفت و دشمنی پرداخته است: از رویارویی ابلیس با آدم علیه السلام و از قابیل با هابیل علیه السلام تا فرعون و موسی علیه السلام و ابوسفیان در برابر پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم و... همه از بی پایان بودن این دشمنی ها حکایت می کند.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به عنوان آخرین ذخیره الهی برای برپایی حکومت عدل جهانی و پایان بخش همه باطل ها، از آغاز تا به امروز و تا برپایی آن حکومت جهانی، همواره مورد دشمنی بوده و هست؛ بویژه آنکه اندیشه مهدویت، و انتظار ظهور سبب می شود تا استکبار و دشمنان به بسیاری از خواسته های خود دست نیابند.

بایسته است با شناسایی این دشمنی ها و جدی بودن مبارزه دشمنان با مقوله مهدویت، با قوت و قدرت به پاسداشت این اعتقاد اساسی پردازیم و با بهره گیری از شیوه ها و روش های دقیق، به اقدامات لازم دست بزنیم.

این بحث در عرصه هایی قابل بررسی است:

**یک. ضرورت دشمن شناسی****اشاره**

آیات قرآن در حوزه های گوناگون، به این بحث پرداخته و دشمنان را به صراحت معرفی کرده است. در بررسی آیات، گروه های زیر بیشتر به چشم می خورد:

**۱-۱. کافران، دشمن خدا و مؤمنان**

خداوند در آیات فراوانی، کافران را دشمن خود و دشمن دوستان خود دانسته و مسلمانان را از دوستی با آنان پرهیز داده است؛ چنان که در سوره ممتحنه می فرماید:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عِدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ... (۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! دشمن من و دشمن خودتان را به دوستی می گیرید؛ [به طوری] که با آنها اظهار دوستی کنید، و حال آنکه قطعاً به آن حقیقت که برای شما آمده، کافرند [و] پیامبر [خدا] و شما را [از مکّه] بیرون می کنند که [چرا] به خدا، پروردگارتان ایمان آورده اید....

بنابراین مهم ترین تلاش کافران، زدودن دین از زندگی انسان ها و به گمان خود خاموش کردن نور الهی است؛ (۲) کاری که امروزه به روشنی در دستور کار دشمنان قرار گرفته است.

**۲-۱. یهود سرسخت ترین دشمن**

آیات قرآن از «یهود» به عنوان دشمن ترین گروه برای مؤمنان یاد کرده و پس از آنان به «مشرکان» اشاره نموده است.

(لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عِدَاوَةً لِلَّذِينَ ءَامَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا... (۳)؛ مسلماً یهودیان و کسانی را که شرک ورزیده اند، دشمن ترین مردم نسبت به مؤمنان خواهی یافت....

۱- ممتحنه (۶۰)، آیه ۱ و ۲.

۲- توبه (۹)، آیه ۳۲.

۳- مائده (۵)، آیه ۸۲.

آیاتی دیگر علت این دشمنی را کفر به آیات خداوند، (۱) تکذیب و قتل برخی پیامبران، (۲) سلطه جویی و خوی استکباری، (۳) روحیه عصیان و تجاوزگری، (۴) فساد در زمین (۵) و جنگ افروزی (۶) دانسته است.

### ۳-۱. مشرکان

«مشرکان» در دشمنی با مسلمانان، همانند یهودیان هستند؛ اما در مرتبه و اولویت دوم قرار دارند و خطر ایشان کمتر از یهود است؛ لذا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در طول مدت رسالت خود، همواره مراقب تحرکات و اقدامات آنان بوده و چنانچه هرگونه تحرکی از طرف آنها می دید، به مقابله و رفع آن می پرداخت.

### ۴-۱. منافقان

در آیات فراوانی از نفاق و منافقان به عنوان دشمنی خطرناک یاد شده و ویژگی های آنان، کفر ورزیدن در پوشش ایمان، فریب کاری و نیرنگ، افساد در پوشش اصلاح، چند چهرگی و رنگارنگی، سفاهت و نادانی، طغیانگری و سرکشی، (۷) تشویق مردم به منکرات، جلوگیری از نیکی ها، دروغ گویی (۸) و... دانسته شده است.

### ۵-۱. نصارا

اگرچه نگاه قرآن به مسیحیان ملایم تر از یهود است؛ اما این نگاه هرگز به معنای دوستی آنان با مسلمانان نیست؛ بلکه در آیاتی،

۱- . مائده (۵)، آیه ۷۸.

۲- . مائده (۵)، آیه ۷۰.

۳- . بقره (۲)، آیه ۸۷.

۴- . مائده (۵)، آیه ۷۸.

۵- . مائده (۵)، آیه ۶۴.

۶- . مائده (۵)، آیه ۶۴.

۷- . نك: بقره (۲)، آیات ۸ تا ۱۴.

۸- . نك: توبه (۹)، آیه ۶۷ و منافقون (۶۳)، آیات ۱ تا ۸.

مؤمنان را از دوستی با آنان پرهیز داده است. (۱) آنجایی که تعالیم حضرت عیسی علیه السلام بیشتر بر محور مواعظ و توصیه های اخلاقی تکیه دارد و رفتارهای سیاسی اجتماعی پیروان او نیز ریشه در این آموزه ها دارد؛ از این رو آنان از مواضع صلح جویانه بیشتر استقبال می کنند. به همین جهت قرآن در پایان همین آیه می فرماید:

(ذَالِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِيَّيْنَ وَرُهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَشْتَكِرُونَ) (۲)؛ زیرا برخی از آنان دانشمندان و رهبانانی اند که تکبر نمی ورزند.

اینان در مرتبه سوم دشمنی قرار گرفته اند و امروزه نیز مواضع سیاسی و نظامی دولت های مسیحی در ارتباط با مسلمانان بیانگر همین واقعیت است. گروه های یادشده در دشمنی با اسلام ناب، «مهدویت» را به عنوان آموزه ای تأثیر گذار، همواره مورد هجوم خود قرار داده اند.

## دو. عوامل مخالفت و دشمنی با حق

### ۱-۲. دنیاپرستی

بدون تردید «دنیا پرستی»، از مهم ترین عواملی است که شمار فراوانی از انسان ها را از مسیر حق جدا کرده، (۳) آنها را در صف دشمنان قرار داده است. تاریخ گواه روشنی است بر اینکه افرادی به جهت بهره های ناپایدار دنیایی، در برابر حق و اهل آن، به مخالفت و دشمنی برخاسته اند؛ خواه این بهره ها، ثروت، جاه و مقام باشد و خواه هوا و هوس و... .

از آنجایی که جهت آموزه مهدویت مبارزه با

۱- . مائده (۵)، آیه ۵۱.

۲- . مائده (۵)، آیه ۸۲.

۳- . امام سجاد علیه السلام فرمود: حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۳۰، ح ۱۱. و نیز: آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۴۲، ح ۲۵۱۹.

دنیا پرستی و دنیا پرستان و خلاف خواسته های آنان است؛ به شدت مورد دشمنی آنها قرار دارد.

## ۲-۲. سلطه جویی

آموزه های بلند دینی با هرگونه استکبار و «سلطه جویی» بر دیگران مخالف است؛ بویژه آنکه در اندیشه مهدویت نابودی ستم و ستمگران به عنوان هدفی مهم به چشم می آید؛ از این رو سلطه جویان، آن را در مقابل خود می دانند. به گونه ای که می توان گفت دشمن ترین اشخاص با مهدویت و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ستمگران و سلطه جویان عالم اند.

آنان با این عقیده، مخالف و دشمن اند و می دانند که این عقیده و باور، برای هدف های مستکبرانه آنها مزاحم است. از این رو همواره، تلاش کرده اند تا آن را از زندگی مردم دور نمایند و یا مفاهیم این باورداشت را تحریف کنند.

## ۲۳. تعصب های کور

در طول تاریخ گروه هایی بوده اند که با پافشاری بی جا بر پندارها و گاهی باورهای خود، در بیراهه و کژراهه گام نهاده اند. اینان به جهت تعصب های کور از پذیرش حقیقت هایی را که پیامبران الهی بیان کرده اند، سر باز زده و به دشمنی با آن برخاسته اند. خداوند متعال لجبازی برخی را در برابر حق را این گونه توصیف کرده است:

﴿وَإِنْ يَرَوْا كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ سَاقِطًا يَقُولُوا سَحَابٌ مَّرْكُومٌ﴾؛ (۱) و اگر پاره سنگی را در حال سقوط از آسمان ببینند، می گویند: «ابری متراکم است.»

اینان آنقدر لجوج اند که حقایق حسی را منکر می شوند و سنگ های آسمانی را به ابرهای متراکم تفسیر می کنند. تاریکی گناه و هوا پرستی و

۱- . طور (۵۲)، آیه ۴۴.

دشمنی و لجاجت، چنان افق دید انسان را تیره و تار می سازد که حتی عاقبت کار او به انکار محسوسات می کشد و با این حال امیدی برای هدایت او نیست.

اینان به فکر و اندیشه ارج نمی نهند و با بی اعتنایی به برهان و استدلال محکم، بر ایمان سطحی و تقلیدی خویش پا فشاری می کنند. شهادت تجزیه و تحلیل را ندارند و از شنیدن حق و پذیرفتن آن امتناع می ورزند.

گروه فراوانی از دشمنان حضرت مهدی علیه السلام و اندیشه مهدویت، صرفاً به جهت تعصب بی جا مخالفت می ورزند و آن را به این جهت که در منابع روایی شیعه آمده است، نمی پذیرند.

#### ۲۴. ناآگاهی از حقیقت مهدویت

از افتخارات مهم اسلام، دعوت انسان ها به اندیشیدن و کسب آگاهی است. پیشوایان معصوم علیهم السلام همواره پیروان خود را به خردورزی سفارش کرده اند تا مبادا در دام جهل و نادانی به انکار حقایق نرسند. خداوند متعال دلیل انکار آیات الهی را به سبب جهل برخی از افراد دانسته است:

(بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِطُوا بِعِلْمِهِ...؛ (۱) بلکه چیزی را دروغ شمردند که به علم آن، احاطه نداشتند....)

آنها قرآن را به جهت اشکالات و ایرادهایی انکار نمی کردند؛ بلکه تکذیب و انکارشان این دلیل بود که از محتوای آن آگاهی نداشتند و عامل انکار جهل آنها بود.

همین طور بخش قابل توجهی از کسانی که به دشمنی با اندیشه مهدویت برخاسته اند، به سبب ناآگاهی از حقیقت این باور بوده است. (۲)

۱- . یونس (۱۰)، آیه ۳۹.

۲- . البته نگارنده معترف است که در میان آموزه های روشن مهدویت بحث های آسیب زای فراوانی وارد شده که سبب شده برخی به حقایق این اعتقاد دست نیابند.



## سه. راهبرد دشمنان در برابر مهدویت

## اشاره

امروزه دشمنان، به عظمت و کارآیی این اعتقاد پی برده و به هر طریق با این اعتقاد دشمنی می کنند و در این مبارزه از «راهبردهای مختلفی» بهره می برند؛ از قبیل:

## ۱-۳. انکار

نخستین حربه و شگرد دشمنان در مواجهه با بحث مهدویت «انکار» آن است که با القای شبهه هایی چون متولد نشدن حضرت، عدم امکان طول عمر و... همراه است.

آنان مهدویت را برآمده و پاسخی خیالی به نابسامانی ها و حوادث تاریک و ستم آلود زندگی دانسته اند و یا آن را باوری وارداتی از دیگر ادیان پنداشته اند! روشن است که این انکار گستره ای وسیع تر از باور شیعی را هدف گرفته است.

## ۲-۳. تحریف

آن گاه که دشمن در عرصه انکار چندان طرفی نسبت، به راهبرد تحریف متوسل شده است. او در قالب پذیرش این باور، آن را به گونه هایی نادرست ارائه می کند. و در این عرصه نقش قلم به مزدان دین فروش بسیار دارای اهمیت است! آنان با آشنایی با بعضی از این آموزه ها، می توانند نقاط ضعف آن را برجسته و به اهداف شوم دشمنان یاری رسانند.

## ۳-۳. تخریب

راهبرد دیگر دشمنان در برابر این باور تخریب آن است. این تخریب به طور عمده به دو صورت تحقق می یابد:

الف. القای شبهه: آنان با بیان زیرکانه برخی پرسش ها و شبهه ها، ذهن مخاطبان را دچار تشویش کرده، این باور را مخدوش می سازند. امروزه بخش قابل توجهی از این شبهه ها، از طرف مخالفان مکتب اهل بیت علیهم السلام، ناجوانمردانه کسانی

را در معرض هجوم قرار می دهد که از توانایی لازم، برای تجزیه و تحلیل مطالب برخوردار نیستند. آنان که در برابر دانشمندی بزرگ چون شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی راه به جایی نبرده اند، انسان های عادی را مورد هجوم قرار می دهند. (۱)

البته پیشوایان معصوم علیهم السلام موضع مؤمنان را در برابر شبهه افکنی دشمنان، به روشنی بیان کرده اند. امام هشتم از پدرانش علیهم السلام روایت کرده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا لِيُغَيِّبَنَّ الْقَائِمَ مِنْ وُلْدِي بِعَهْدٍ مَعَهُودٍ إِلَيْهِ مِنِّي حَتَّى يَقُولَ أَكْثَرُ النَّاسِ مَيَّا لِلَّهِ فِي آلِ مُحَمَّدٍ حَيَاةً وَ يَشْكُ آخِرُونَ فِي وِلْدَاتِهِ فَمَنْ أَدْرَكَ زَمَانَهُ فَلْيَتَمَسَّكَ بِدِينِهِ وَ لَا يَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ إِلَيْهِ سَبِيلًا بِشَكِّهِ فَيُرْبِلُهُ عَن مِلَّتِي وَ يُخْرِجَهُ مِن دِينِي فَقَدْ أَخْرَجَ أَبُوئِكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ مِنْ قَبْلُ وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَ الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ؛ (۲)

قسم به کسی که مرا بشیر مبعوث کرد! به یقین امام قائم از فرزندان من است و طبق پیمانی که از جانب من بر عهده اوست، غایب می شود تا آنجا که بیشتر مردم می گویند: خدا را در خاندان محمد حاجتی نیست! و دیگران در اصل ولادت او شک می کنند، پس هر کس در زمان او واقع شود، بایستی به دین او متمسک شود و به واسطه شک خود راه شیطان را باز نسازد تا شیطان او را از آیین من زایل ساخته و از دین من بیرون برد. او پیش تر پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد و خدای تعالی شیطان را ولی بی ایمانان قرار داده است.

ب. تحقیر و استهزا: همواره در طول تاریخ یکی از جلوه های دشمنی در برابر حق «مسخره کردن» حق (۳)

۱- متأسفانه هر سال شاهد نشر کتاب ها و جزواتی در دشمنی با مکتب اهل بیت علیهم السلام در مراسم وحدت بخش حج هستیم که بی گمان در راستای خشنودی صهیونیسم جهانی است.

۲- صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۵۱.

۳- حجر (۱۵)، آیه ۱۱.

و باورمندان (۱) به آن بوده است.

امروزه دشمنان بخشی از خصومت خود را در استهزای این باور نشان می دهند؛ همان گونه که در صدر اسلام چنین می کردند. خداوند این برخورد را این گونه توصیف کرده است:

(إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ)؛ (۲) [آری در دنیا] کسانی که گناه می کردند، آنان را که ایمان آورده بودند، به ریشخند می گرفتند!

این خنده تمسخرآمیز و تحقیر کننده، ناشی از روح طغیان و کبر و غرور و غفلت است، و همیشه افراد سبکسر مغرور در برابر مؤمنان با تقوا چنین خنده های مستانه داشته اند.

در آیه بعد دومین برخورد زشت آنها را بیان کرده، می فرماید:

(وَ إِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامِرُونَ)؛ (۳) و چون بر ایشان می گذشتند، اشاره چشم و ابرو با هم رد و بدل می کردند.

البته آنچه باعث تأسف است، دشمنی مسلمانان با این باور در بین پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام است. غافل از اینکه بیشترین نفع را در این جریان، دشمنان اسلام می برند!

خداوند متعال برای تقویت قلب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به او اطمینان می دهد که در برابر استهزا کنندگان از وی حمایت می کند:

(إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ)؛ (۴) ما [شر] ریشخند کنندگان را از تو برطرف خواهیم کرد.

(فَقَدْ كَذَّبُوا فَسَاءَ مَا يَنْبِئُهُمْ أَنْبَاؤُنَا مَا كَانُوا بِئْسَ لِهَؤُلَاءِ نَهْزُونَ)؛ (۵) [آنان] در حقیقت به تکذیب پرداختند و به زودی خبر آنچه که بدان ریشخند می کردند،

۱- . بقره (۲)، آیه ۱۳.

۲- . مطففین (۸۳)، آیه ۲۹.

۳- . مطففین (۸۳)، آیه ۳۰.

۴- . حجر (۱۵)، آیه ۹۵.

۵- . شعرا (۲۶)، آیه ۶.

بدیشان خواهد رسید.

#### ۴-۳. جلوگیری از ترویج حق

از حربه های دیگر دشمنان در برابر گسترش حق و حقیقت، جلوگیری از گسترش آن است. این مسئله در زمان رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، با گرفتن گوش ها و یا ایجاد

سر و صدا برای نشنیدن صدای قرآن صورت می گرفت:

(وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمِعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ)؛ (۱) کسانی که کافر شدند گفتند: «به این قرآن گوش مدهید و سخن لغو در آن اندازید، شاید شما پیروز شوید!»

برپا کردن جنجال و هیاهو، روش قدیمی برای مبارزه در برابر نفوذ حق است که امروز نیز به صورت گسترده تر و خطرناک تری ادامه دارد. برای منحرف ساختن افکار مردم و خفه کردن صدای منادیان حق و عدالت، محیط را آن چنان پر از جنجال می کنند که هیچ کس صدای آنها را نشنود، و با توجه به اینکه «و الغوا» از ماده «لغو» معنای گسترده ای دارد و هر گونه کلام بیهوده ای را شامل می شود، وسعت این برنامه روشن خواهد شد.

امروزه هرچند سردمداران کفر به روشنی توصیه به پرهیز از شنیدن صدای حق نمی کنند، اما با گسترش امور لغو و بیهوده (مانند فیلم های سینمایی و تلویزیونی مبتذل؛ بازی های رایانه ای و صدها ابزار دیگر) به طور عملی، جلوی اندیشیدن در سخن حق را می بندند.

#### ۵-۳. جایگزینی

یکی دیگر از شگردهای دشمنان «جایگزین سازی» است. آنها که نمی توانند علاقه فطری انسان ها را به حق و حقیقت از بین ببرند، امور باطلی را در پوشش حق ارائه می کنند. خداوند در این باره می فرماید:

(وَ إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ)؛ (۱) و چون آیات ما بر آنان خوانده شود، می گویند: «به خوبی شنیدیم، اگر می خواستیم، قطعاً ما نیز همانند این را می گفتیم، این جز افسانه های پیشینیان نیست.»

یکی از کارهای اساسی دشمن، جایگزین کردن اشخاص و جریان های دروغین به جای درست است. تاریخ گواه آن است که بسیاری از مدعیان مهدویت، نیابت و ملاقات، دست پروردگان و مزدوران دشمنان بوده اند.

این راهبرد دشمن در دوران حاضر، در قالب فیلم ها، سریال ها و بازی های هیجان آور رایانه ای با محوریت منجی به صورت مستقیم و غیر مستقیم به علاقه مندان ارائه می شود.

### ۳-۶. گمراه کردن پیروان

دشمنان همواره در صدد انحراف به پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام هستند و می کوشند تا با آلوده کردن آنان به گناه، کیان و عظمت آنان را متزلزل سازند. آنان امروزه همه تلاش خود را در به انحراف کشاندن جوانان مسلمان و شیعه به کار می برند؛ چرا که می دانند تا ایمان و اعتقاد آنها ثابت و استوار باشد، راه به جایی نخواهند برد. آنان هزینه های سنگینی را صرف می کنند تا مردم را از خداوند دور سازند (۲) و مهم ترین کارشان، اشاعه فساد و تباهی است. (۳)

۱- انفال (۸)، آیه ۳۱.

۲- (إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيُضِدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ...؛ «بی گمان، کسانی که کفر ورزیدند، اموال خود را خرج می کنند تا [مردم را] از راه خدا بازدارند...؛ انفال (۸)، آیه ۳۶.

۳- (وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ)؛ «و برخی از مردم کسانی اند که سخن بیهوده را خریدارند تا [مردم را] بی [هیچ] دانشی از راه خدا گمراه کنند، و [راه خدا] را به ریشخند گیرند برای آنان عذابی خوارکننده خواهد بود»: لقمان (۳۱)، آیه ۶.

## چهار. راه های مقابله با دشمن

## اشاره

در آیات قرآن و بیانات بزرگان دین بعضی از راه های مقابله با دشمنان نیز بیان شده است که از این قرارند:

## ۱-۴. شکیبایی و تقوا

خداوند وعده داده اگر مسلمانان «صبر و تقوا» پیشه سازند، هرگز نیرنگ دشمنان به آنان آسیبی نمی رساند.

(... وَ إِن تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئاً إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ) (۱)؛ اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید، نیرنگشان هیچ زیانی به شما نمی رساند. یقیناً خداوند به آنچه می کنند، احاطه دارد.

این سنت الهی، مربوط به زمانی غیر از زمان دیگر نیست و امروزه پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام به شدت نیازمند شکیبایی و پرهیزگاری اند.

## ۲-۴. مجهز شدن به تجهیزات مناسب

یکی از راه های مقابله با دشمنان «فراهم آوردن همه امکانات مناسب» برای رویارویی با آنان است:

(وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مِمَّا اسْبَغْتُمْ مِنْ قُوَّتِهِ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عِيدُ اللَّهِ وَ عِيدُكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ...) (۲)؛ هر چه در توان دارید، از نیرو و اسب های آماده بسیج کنید تا با این [تدارکات]، دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان- که شما نمی شناسیدشان و خدا آنان را می شناسد- بترسانید.

از آنجایی که این عرصه کارزار فرهنگی است، سلاح مناسب خود را می طلبد و مهم ترین سلاح در این زمینه، بالا- بردن آگاهی و بصیرت است.

دشمنان برای اینکه بتوانند نقشه های شوم

۱- . آل عمران(۳)، آیه ۱۲۰.

۲- . انفال(۸)، آیه ۶۰.

خود را اجرا کنند، همیشه از راه دشمنی وارد نمی شوند. گاهی با دراز کردن دست دوستی و در پس آن دشمنی، از ناآگاهی مسلمانان به اهداف خود می رسند. قرآن مجید از این نقشه های شوم پرده برداشته، مسلمانان را از دوستی با کافران (۱)، منافقان، یهود، نصارا (۲) و ... پرهیز داده است.

امروزه دشمنان با طرح شعارهای بشر دوستانه، به دنبال مسخ باورهای اسلامی هستند و متأسفانه شاهد دوستی برخی از سران مسلمانان با آنها هستیم.

### ۳-۴. مبارزه منفی با دشمنان

یکی از راه های عملی مبارزه با دشمنان، در بی توجهی به آنها و «مبارزه منفی» است. قرآن خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

(وَلَا تُصَلِّ عَلَىٰ أَحَدٍ مِّنْهُمْ مَّتَّ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَىٰ قَبْرِهٖ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ)؛ (۳) هرگز بر هیچ مرده ای از آنان نماز مگزار و بر سر قبرش نایست؛ چرا که آنان به خدا و پیامبر او کافر شدند و در حال فسق مُردند.

### ۴-۴. شناساندن دشمن

مرور زمان گاهی دشمن را از یاد انسان ها بویژه نسل نو به فراموشی می برد. خدواند در آیاتی مسلمانان را به یادآوری چهره دشمن و دشمنی های آنها متذکر می شود. (۴) امروزه چهره بسیاری از دشمنان، در پس نقابی از دوستی قرار گرفته و این کار شناخت آنان را بویژه برای جوانان بسیار مشکل کرده است!

۱- آل عمران (۳)، آیه ۲۸.

۲- مائده (۵)، آیه ۵۱.

۳- توبه (۹)، آیه ۸۴.

۴- نک: سوره منافقون، جمعه و ...

#### ۴-۵. همکاری نکردن با دشمنان

آموزه های دینی و دستورات پیشوایان معصوم علیهم السلام، همواره بر عدم همکاری با دشمنان پافشاری کرده است؛ تا جایی که کمترین مساعدت با آنها را گناهی بزرگ دانسته اند.

#### ۴-۶. اتحاد و برادری

خداوند یکی از ابزارهای مهم در برابر دشمن را «اتحاد و یکپارچگی» معرفی کرده است:

(وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...؛ (۱) همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید.

امروزه در برابر انسجام دشمنان علیه باورهای دینی، بیش از هر زمان دیگر نیازمند همدلی و اتحاد هستیم. همه باورداران به حضرت مهدی علیه السلام باید ضمن مقابله با فعالیت های دشمنان، همه حرکات آنها را زیر نظر داشته، هرگز از شیطنت هایشان غفلت نکنند.

---

۱- آل عمران(۳)، آیه ۱۰۳.



## خودآزمایی

۱. از نگاه قرآن دشمنان به چه گروه هایی تقسیم شده اند؟ دو گروه را توضیح دهید.
۲. یکی از عوامل مخالفت و دشمنی با حق، دنیاپرستی است؛ در این باره توضیح دهید.
۳. راهبردهای دشمنان را در برابر اعتقاد به مهدویت نام برده، دو نمونه را توضیح دهید.
۴. راه های مقابله با دشمنان مهدویت کدامند؟ یک مورد را به تفصیل بیان نمایید.
۵. به نظر شما مهم ترین راهبرد دشمنان در برابر اعتقاد به مهدویت در عصر کنونی چیست؟

□□□

## منابع برای پژوهش

۱. جعفری اریسمانی، رحمت، دشمن شناسی از دیدگاه قرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
۲. جمعی از نویسندگان، درسنامه تاریخ تحلیلی دشمن شناسی، قم، مؤسسه اطلاع رسانی و مطالعات فرهنگی لوح و قلم، ۱۳۸۳ ش.
۳. جعفری، محمد صابر، مهدی انکاری، انتظار ستیزی، فصلنامه انتظار، مرکز تخصصی مهدویت، ش ۵، پاییز ۱۳۸۱ ش.
۴. باقری، خسرو، آسیب شناسی مهدویت، فصلنامه انتظار، مرکز تخصصی مهدویت، ش ۲۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۰ ش.

**درس ششم: نشانه های ظهور (مفاهیم و کلیات)**

**اشاره**

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

نشانه های ظهور:

۱ آشنایی با مفاهیم:

علائم؛ آیت؛ دلالت؛

آخِرُ الزَّمان؛

ملاحم و فتن؛

ظهور؛ خروج؛ قیام؛

اشراط الساعة.

۲ آشنایی با کلیات:

نشانه های آخِرُ الزَّمان؛

نشانه های ظهور؛

نشانه های قیام؛

نشانه های قائم؛

نشانه های خروج؛

نشانه های ظهور توصیف یا تمثیل؟

شمار نشانه ها.

**پیش در آمد**

یکی از بحث‌هایی که امروزه به گونه‌ای در کانون توجه علاقه‌مندان مباحث مهدویت و نیز دشمنان این باور قرار گرفته، بحث «نشانه‌های ظهور» است. علاقه‌مندان بدان توجه کرده‌اند، چون آنان با تطبیق رخدادها، جایگاه خود را با عصر ظهور در می‌یابند و فعالیت‌های دشمن را رصد می‌کنند. دشمنان در هر حال نگران و مضطرب آن رخداد بزرگ هستند و می‌پندارند با آگاهی از نشانه‌ها، می‌توانند در مقابله با ظهور به پیروزی‌هایی دست یابند.

نخستین گام بررسی کامل و نتیجه‌بخش این بحث، مراجعه به روایات و سخنان بزرگان دین است که از رخدادهای شگرف و شگفت‌آور در پایان دوران حکایت دارند.

در این درس در حد امکان، به بحث‌های کلی پرداخته می‌شود تا زمینه برای بررسی‌های دقیق فراهم گردد.

**یک. آشنایی با مفاهیم****اشاره**

از آنجایی که بررسی‌های ژرف در این موضوع نیازمند بهره‌گیری از برخی واژه‌ها و «مفاهیم» است و از طرفی تعریف روشنی از بعضی از آنها در دست نیست؛ از این رو، گام نخست آن است که این واژه‌ها در حد امکان بازکاوی و تعریف

شود. برخی از این واژه‌هایی که در بحث نشانه‌ها به کار رفته، عبارت است از:

### ۱-۱. علایم

«علایم» جمع «علامه»، از ریشه «علم» به معنای «نشانه» است. و در عربی به معنای «آیه و دلالت» آمده است. از این رو علم به معنای پرچم است که لشکر به نشانه آن گرد آیند. (۱) ابن فارس گوید: علم به معنای نشانه‌ای است که در چیزی باشد و آن را از دیگری مشخص و متمایز نماید. (۲)

به گفته ابن منظور: علامت به معنای نشانه (السمه) و هم ریشه با علم و مترادف با آن است. وی علامت و علم را به «فاصله بین دو قطعه زمین» و «چیزی که در بیابان برپا می‌شود تا افراد راه گم کرده، به سبب آن راه را پیدا می‌کنند». معنا کرده است! (۳)

این واژه در فارسی به «نشانه»، برگردان شده و آن عبارت است از آنچه که سبب شناختن کسی یا چیزی شود. (۴)

اگرچه واژه «علامات» به صورت جمع فقط یک بار در قرآن آمده، (۵) اما در روایات، فراوان ذکر شده است. امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

إِنَّ لِأَهْلِ الدِّينِ عَلَامَاتٍ يُعْرَفُونَ بِهَا...؛ (۶) همانا برای اهل دین نشانه‌هایی است که بدان شناخته می‌شوند.

۱- خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۲، ص ۱۵۳.

۲- ابن فارس، معجم مقاییس اللغه، ج ۴، ص ۱۰۹.

۳- نک: ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۴۱۶.

۴- محمد معین، فرهنگ معین، ص ۱۱۱۵.

۵- (وَ عَلَامَاتٍ وَ بِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ)؛ و نشانه‌هایی [دیگر نیز قرار داد]، و آنان به وسیله ستاره [قطبی] راه یابی می‌کنند. نحل (۱۶)، آیه ۱۶.

۶- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۳۹.

امام صادق علیه السلام نیز فرمود: لقمان به فرزندش گفت:

يَا بُنَيَّ! لِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمَةٌ يُعْرَفُ بِهَا وَيُشْهَدُ عَلَيْهَا؛ (۱) ای پسرکم! برای هر چیز نشانه ای است که به آن شناخته می شود و بر آن گواهی می دهد.

از این رو می توان گفت: «نشانه» یکی از ابزار شناخت است. دقت در این روایات و مانند آن، گویای این مطلب است که می بایست چیزی یا کسی موجود و یا در حکم موجود باشد تا علامت حاکی از آن بوده، و به آن شناخته شود.

## ۲-۱. آیت

درباره ریشه لغت «آیه»، میان لغت شناسان اختلاف هست؛ از این رو معانی گوناگونی برای آن ذکر شده است. یکی از معانی آن «نشانه» است. که ریشه همه معانی دیگر می باشد.

راغب اصفهانی «آیه» را به علامت آشکار معنا کرده و حقیقت معنای آن را برای هر چیز آشکار که همراه چیز دیگری که آشکار نیست بیاید دانسته است. (۲) برخی دیگر از بزرگان لغت شناس نیز به طور روشن «آیات» را به معنای «علامات» دانسته اند. (۳)

در مفهوم این واژه نیز همچون مترادف آن (علامت)، نوعی هم زمانی در وجود نشانه و آنچه نشانه از آن حکایت می کند، به چشم می خورد. (۴) برخی نیز تفاوت بین «علامت» و «آیه» را در این دانسته اند که نشانه بودن در «آیه»، ثبوت بیشتری دارد. (۵) در قرآن مجید آمده است:

۱- صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۱۲۱.

۲- راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ماده «ای».

۳- فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۱۰۴؛ جوهری، الصحاح، ج ۶، ص ۲۲۷۵؛ و نیز نک: حسن مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۱۸۶.

۴- ر.ک: بقره (۲)، آیه ۲۴۸؛ آل عمران (۳)، آیه ۴۱؛ مریم (۱۹)، آیه ۱۰.

۵- ابوهلال عسکری، الفروق اللغویه، ص ۳۶۸، ش ۱۴۷۶.

(وَكَايُنُ مِنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ)؛ (۱) چه بسیار نشانه‌ها در آسمان‌ها و زمین است که بر آنها می‌گذرند؛ در حالی که از آنها روی برمی‌گردانند.

(فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا...)؛ (۲) در آن نشانه‌های روشن است.

این واژه در بعضی از روایات (۳) و نیز در سخنان برخی از بزرگان، به معنای «نشانه‌های مرتبط با ظهور و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» به کار رفته است. (۴)

### ۳-۱. دلالت

برخی از کارشناسان لغت «علامت و دلالت» را به یک معنا گرفته‌اند؛ با این تفاوت که «علامت» تابع وضع است و «دلالت» تابع اقتضا؛ به این صورت که هر دلالتی علامت است، ولی هر علامتی دلالت نیست. (۵) در بعضی از روایات نیز «علامت» را به «دلالت» معنا کرده‌اند. (۶) از این رو بررسی این واژه می‌تواند به روشن شدن معنای علامت، کمک کند. راغب اصفهانی در کتاب مفردات نوشته:

«دلالت» عبارت است از آنچه به آن، برای شناخت یک چیز بهره می‌گیرند؛ مانند دلالت لفظ‌ها بر معنا، و دلالت اشارات و نوشتار و عقده‌ها در حساب؛ و فرقی نمی‌کند که دلالت در قصد آن کس که چیز را علامت قرار داده، لحاظ

۱- یوسف (۱۲)، آیه ۱۰۵.

۲- آل عمران (۳)، آیه ۹۷.

۳- امام باقر علیه السلام فرمود: آيَاتَانِ تَكُونَانِ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ... ؛ محمد بن يعقوب كليني، الكافي، ج ۸، ص ۲۱۲، ح ۲۵۸؛ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۴۴، محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۱۷.

۴- قد جاءت الأخبار بذكر علامات لزمان قيام القائم المهدي عليه السلام و حوادث تكون امام قیامه و آیات و دلالات ... ؛ مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۳۶۸.

۵- ابوهلال عسکری، الفروق اللغویه، ص ۲۳۴، ش ۹۱۳.

۶- نک: شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۳۰۸؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۳، ص ۱۵۲.

شده باشد یا لحاظ نشده باشد؛ مانند کسی که حرکت موجودی را می بیند، پس می داند او زنده است. (۱)

#### ۴-۱. آخِرُ الزَّمان

اگرچه واژه «آخر الزمان» در قرآن به کار نرفته است؛ اما مطالب گوناگونی درباره آن، از آیات قرآن قابل استفاده است. این تعبیر در منابع روایی شیعه (۲) و اهل سنت (۳) نقل شده است. در باره چگونگی شکل گیری و انجام جهان، سخن روشنی در آیات و روایات به چشم نمی خورد؛ اما آن گاه که سخن از این دوران به میان می آید، همواره به دو پدیده بسیار مهم و بزرگ اشاره می شود:

۱. ولادت و بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در جایگاه واپسین فرستاده الهی؛ (۴)

۲. ظهور و قیام موعود نجات بخش، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف. (۵)

این دوران، دارای دو ویژگی مهم و اساسی است:

نخست آنکه آخرین مرحله زندگی در دنیاست؛ یعنی، با سپری شدن این دوران، زندگی در دنیا به پایان رسیده، مرحله ای دیگر در نظام

۱- . راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ماده "دل".

۲- . نک: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۹۱، ح ۳، ج ۵، ص ۵۵، ح ۱؛ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۹۰، ج ۴، ص ۳۶۵؛ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۳۶، ص ۱۷۸؛ محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۳۱۱، صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۸، ح ۸، ج ۱، ص ۳۳۰، ح ۱۴ و ....

۳- . نک: احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۱، ص ۸۱؛ بخاری، صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۷۹، ج ۶، ص ۱۱۵؛ مسلم، صحیح مسلم، ج ۱، ص ۹، ص ۱۱۴، ج ۸، ص ۱۸۵؛ ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۹، ابی اشعث سجستانی، سنن ابی داود، ج ۲، ص ۲۹۱، ص ۴۲۹؛ ترمذی، سنن ترمذی، ج ۳، ص ۳۷۰؛ ج ۴، ص ۳۰.

۴- . ... أَنَّهُ يَأْتِي فِي آخِرِ الزَّمانِ نَبِيٌّ... محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۱۹۹، ح ۱۲؛ همچنین نک: محمد بن احمد قرطبی، تفسیر قرطبی، ج ۴، ص ۳۰۶؛ محمد بن جریر طبری، تفسیر طبری، ج ۱، ص ۵۵۷.

۵- . طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۷۸ و ۱۸۰؛ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۳.

آفرینش آغاز می شود.

دوم. این دوران، خود به دو بخش با ویژگی های خاص تقسیم می شود:

۱. دوران فاصله گرفتن مردم از دین، پر شدن زمین از ستم و بیداد؛ این مرحله که به طور ویژه در دوران غیبت آخرین حجت الهی عجل الله تعالی فرجه الشریف شکل می گیرد در آستانه ظهور آن حضرت به اوج خود می رسد.

۲. دوران معنویت در پرتو حکومت شایستگان؛ این مرحله در پس تلاش های بی وقفه حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاران ایشان بر روی زمین شکل می گیرد و پیش از آن خداوند در آیات فراوانی، این دوران را وعده داده است.

### ۵-۱. ملاحم و فتن

«ملاحم»، جمع «ملحمه» به معنای جنگ، کشتار (۱) و حادثه پرکشتار (۲) است. «فتن» جمع «فتنه» و از ریشه «فتن» به معنای امتحان و آزمودن (۳) است. این واژه به طور معمول، درباره آن دسته از آزمون هایی به کار می رود که با تلخی و سختی همراه است. (۴)

در قرآن کریم، این واژه علاوه بر این معنا، (۵) برای بستن راه و بازگرداندن از مسیر حق، (۶) افتادن در معاصی و نفاق، (۷) اشتباه گرفتن و تشخیص ندادن حق از باطل، (۸) گمراهی، (۹) کشتار و

۱- خلیل بن احمد فراهیدی، العین، ج ۳، ص ۲۴۶.

۲- ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، ص ۴۸۶؛ فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۱۶۲۵.

۳- ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، ص ۸۹؛ فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۱۳۶۰.

۴- ابن اثیر، النهایه فی غریب الحدیث، ج ۳، ص ۴۱۰.

۵- سوره عنکبوت (۲۹)، آیه ۲.

۶- سوره مائده (۵)، آیه ۴۹.

۷- سوره حدید (۵۷)، آیه ۱۴.

۸- سوره انفال (۸)، آیه ۷۳.

۹- سوره مائده (۵)، آیه ۴۱.



اسارت، (۱) تفرقه و اختلاف میان مردم (۲) و ... به کار رفته است.

این دو واژه بویژه در منابع اهل سنت فراوان به کار رفته است. «ملاحم» بیانگر رخدادهای خونینی است که در آخرین دوره زندگی انسان بر زمین و آستانه رستاخیز بزرگ پدید می آید. و مقصود از «فتن» در اصطلاح، آزمایش های بزرگی است که در دوران یاد شده، رخ می نماید. این دو واژه گاهی در کنار هم و گاهی به صورت مستقل به کار می رود.

اهمیت و جایگاه این بحث به گونه ای است که در اصلی ترین منابع روایی اهل سنت، فراوان مورد اشاره قرار گرفته است. در این آثار به روایاتی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اشاره شده که از به پدید آمدن آشوب ها، فتنه ها (۳) و حتی جایگاه فرود آمدن فتنه ها خبر داده شده است. (۴)

اهل سنت به جهت اهمیت این روایات، بخشی از کتاب های خود را، به روایات پرشماری از آن اختصاص داده (۵) و هر یک از این دو واژه و یا ترکیب آنها را عنوان آثار فراوانی قرار داده اند. این آثار، به طور عمده روایاتی را در بر دارد که از جنگ های بزرگ و آزمایش های سخت، در دوره آخرالزمان سخن به میان آورده

۱- .سوره نسا (۴)، آیه ۱۰۱.

۲- .سوره توبه (۹)، آیه ۴۷.

۳- .بخاری، صحیح بخاری، ج ۸، ص ۸۹.

۴- .مسلم، صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۶۸؛ بخاری، صحیح بخاری، ج ۲، ص ۲۲۲؛ ج ۳، ص ۱۰۳؛ ج ۴، ص ۱۷۶.

۵- .بخاری در جلد پایانی مجموعه صحیح، کتابی را با عنوان «الفتن» سامان داده است که در آن روایات مربوط را نقل کرده است؛ صحیح بخاری، ج ۸، ص ۸۶؛ ابن ماجه نیز در سنن خود با این عنوان بخشی از روایات فتن را نقل کرده است؛ محمد بن یزید قزوینی، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۲۹۵، کتاب الفتن؛ ترمذی نیز با عنوان مشابه بخشی از سنن خود را به این بحث اختصاص داده است؛ ترمذی، سنن ترمذی، ج ۳، ص ۳۱۲، ابواب الفتن.

**۶-۱. ظهور**

از اصطلاحات بسیار رایج در «فرهنگ مهدویت» واژه «ظهور» است. این کلمه از نظر لغت به معنای آشکار شدن چیزی که پیش تر ظاهر نبوده است. (۲) در اصطلاح، ظاهر شدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از پنهان زیستی طولانی، برای قیام و برپایی حکومت عدل جهانی است.

کلمه «ظهور» افزون بر آشکار شدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، بر موارد دیگری چون آشکار شدن دولت حق، (۳) آشکار شدن امر امامان معصوم علیهم السلام (۴) و پیروزی حضرت (۵) به کار رفته است.

**۷-۱. خروج**

از اصطلاحاتی که درباره ظهور و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به کار رفته، «خروج» است. «خروج» در لغت نقیض «دخول» به معنای بیرون شدن (۶) و در اصطلاح، به معنای ظهور یا معنای قیام است. (۷)

۱- الملاحم، اثر حافظ احمد بن جعفر بن محمد مشهور به ابن المنادی (م ۳۳۶ ق)؛ الفتن اثر حافظ نعیم بن حماد مروزی (م ۲۲۹ ق)؛ و الملاحم و الفتن، نگاشته سید علی بن موسی بن طاووس.

۲- خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۴، ص ۳۷.

۳- امیر مؤمنان علی علیه السلام در خطبه ای می فرماید: ... سَيُحَقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَمْحَقُ الْبَاطِلَ هَا هَا طُوبَى لَهُمْ عَلَى صَبْرِهِمْ عَلَى دِينِهِمْ فِي حَالِ هُدْيَتِهِمْ وَيَا شَوْقَاهُ إِلَى رُؤْيَيْهِمْ فِي حَالِ ظُهُورِ دَوْلَتِهِمْ...؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۵، ح ۳.

۴- طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۴؛ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۳.

۵- صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۰۷.

۶- خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۴، ص ۱۵۸؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۲۳۵؛ فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۵۰۱.

۷- نک: محمد بن یزید قزوینی، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۶ (باب خروج المهدی)؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۱، (خروج المهدی) یادآوری می کنم هرگاه این واژه در روایات اهل سنت به کار می رود بی تردید مقصود ظهور حضرت مهدی علیه السلام طبق دیدگاه شیعه نخواهد بود بلکه به معنای قیام نزدیک تر است.

«خروج» در روایات و سخنان دانشمندان دینی، بیشتر همان قیام است؛ چه اینکه شیخ صدوق در دو کتاب خود برای روایات قیام این عنوان را قرار داده است: «باب علامات خروج القائم» (۱) و «ما روی فی علامات خروج القائم» (۲).

### ۸-۱. قیام

از مشهورترین تعبیرها برای انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام «قیام» است. این واژه به معنای «ایستادن» (۳) و در اصطلاح عبارت از: نهضت جهانی حضرت مهدی علیه السلام در برابر ستمگران، برای برپایی قسط و عدل در سراسر کره زمین است.

### ۹-۱. اشراف الساعه

أشراط جمع «شَرَط» به معنای نشانه (۴) یا سرآغاز یک چیز است و «الساعه» به جزئی از اجزای شبانه روز گفته می شود. مقصود از آن اینجا قیامت است؛ به جهت اینکه وقوع آن ناگهانی است یا اینکه طول آن نزد خداوند، مانند ساعتی از ساعات بندگان است. (۵)

بنابراین، مراد از «اشراف الساعه»، نشانه هایی است که پیش از قیامت یا در آستانه آن، واقع می شود. (۶) یکی از پژوهشگران قرآنی معاصر در باره «اشراف الساعه» می نویسد: «فأشراط الساعه: وقائع حادثه قبل

۱- . صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۳۰۳.

۲- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۴۹.

۳- . ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، ص ۳۴۵؛ فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۱۵۳۱.

۴- . فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۲، ص ۹۴۲.

۵- . فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۲، ص ۹۰۷.

۶- . خلیل بن احمد، کتاب العین، ج ۶، ص ۲۳۵.

الساعة يتوقف مجيء الساعة على حدوثها؛ (۱) اشراط الساعة وقایعی است که پیش از قیامت پدید خواهد آمد که به وجود آمدن قیامت متوقف بر آن است. وی در واقع یک نوع معنای شرطیتی برای نشانه قایل شده است.

واژه «اشراط» در قرآن، فقط یک بار و به صورت اضافه به ضمیر «هاء» که به «الساعة» بر می گردد، به کار رفته است. (۲) مفسران، برخی از تحولات اجتماعی، فروپاشی نظام طبیعت و درهم پیچیده شدن و تبدیل آسمان و زمین پیش از ظهور قیامت را که در آیات گوناگون به آنها اشاره شده است از نشانه های قیامت دانسته اند. در روایات (۳) بویژه احادیث اهل سنت بر تحولات اجتماعی و دگرگونی های کیهانی که پیش از قیامت واقع می شود، «اشراط الساعة» اطلاق شده است. (۴) بنابراین برخی از نشانه ها، به ظهور (۵) و برخی به قیامت (۶)، اختصاص دارند و برخی نیز در هر دو مشترک اند. (۷)

۱- . حسن مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۶، ص ۳۹.

۲- . سوره محمد (۴۷)، آیه ۱۸.

۳- . با توجه به جایگاه و اهمیت این بحث برخی از بزرگان بخش مستقلی از کتاب خود را با این عنوان یاد کرده اند: نک: محمد بن حسن فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ج ۲، ص ۴۸۴، با عنوان «مجلس فی ذکر اشراط الساعة»؛ حسن بن ابی الحسن دیلمی، ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۶۶، با عنوان «الباب السادس عشر فی اشراط الساعة»؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۹۵، با عنوان «باب اشراط الساعة و قصه یأجوج و مأجوج».

۴- . ر.ک: عبد الرزاق صنعانی، المصنف، ج ۱۱، ص ۲۷۴؛ علی بن جعد، مسند، ص ۲۴۸؛ ابن ابی شیبہ، المصنف، ج ۸، ص ۲۶۷؛ ابن ابی عاصم، کتاب الاوائل، ص ۱۱۴؛ نسائی، السنن الکبری، ج ۱، ص ۲۵۵؛ طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۹، ص ۲۹۶.

۵- . مانند: ندای آسمانی، خروج یمانی و قتل نفس زکیه.

۶- . مانند: پیدا شدن دود و خروج جنبنده از زمین.

۷- . مانند: سفیانی.

## دو. آشنایی با کلیات

## اشاره

با بررسی ارتباط حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و حکومت ایشان با نشانه‌ها، به ترکیب‌هایی برمی‌خوریم که بررسی دقیق هر یک و جداسازی روایات در هر مورد، می‌تواند به شفاف کردن بحث‌ها کمک‌شایانی نماید. در یک تقسیم‌بندی ساده می‌توان مضمون این سخنان را به چند گروه تقسیم کرد:

## ۱-۲. نشانه‌های آخرالزمان

در آیات قرآن و سخنان معصومان علیهم السلام نشانه‌هایی برای آخرالزمان گفته شده است که در اصطلاح «علائم» آخرالزمان خوانده می‌شود. ختم نبوت و نزول واپسین شریعت که با ظهور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پدیدار شد، از مهم‌ترین و نخستین نشانه‌های آخرالزمان به شمار می‌رود. از این رو مفسران، مقصود از نشانه‌های قیامت را در ذیل آیه (فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا) (۱)؛ بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دانسته‌اند که در مقایسه با عمر جهان، فاصله کمی تا قیامت دارد.

در آخرالزمان، پدیده‌های فراوان دیگری نیز پیش‌بینی شده است که بیشتر به دوره پایانی آن (آستانه ظهور مهدی علیه السلام) مربوط می‌شود؛ مانند: بحران معنویت، وقوع اختلاف‌ها و درگیری‌های بسیار، ظهور دجال، وقوع مصیبت‌های بزرگ، خروج سفیانی، ندای آسمانی، ظهور منجی بزرگ بشر، نزول حضرت عیسی علیه السلام، خروج جنبنده‌ای از زمین، هجوم یاجوج و ماجوج، رجعت، صلح و آرامش پایدار در سرتاسر جهان.

## ۲-۲. نشانه‌های نزدیک شدن قیامت

بخش قابل توجهی از این روایات، مربوط به «نشانه‌های نزدیک شدن قیامت» است و از آنجا

---

۱- آیا [کافران] جز این انتظار می‌برند که رستاخیز به ناگاه بر آنان فرارسد؟ و علامات آن اینک پدید آمده است؛ محمد(۴۷)، آیه ۱۸.

که در منابع دینی، قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، یکی از نشانه های نزدیکی قیامت شمرده شده است؛ پاره ای از نشانه های ظهور، نشانه های قیامت نیز شمرده می شود. (۱) امام علی علیه السلام در این باره می فرماید: پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

به ناگزیر ده چیز پیش از برپایی قیامت خواهد بود: سفیانی، دجال، دود، دابه، خروج قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف، طلوع خورشید از مغرب خود، فرود آمدن حضرت عیسی علیه السلام، فرو رفتن در مشرق و فرو رفتن در جزیره العرب و آتشی که از قعر عدن بیرون خواهد آمد، تا مردم را به سوی محشر سوق دهد. (۲)

این نشانه ها در برخی روایات اهل سنت با اندک تفاوت به گونه ای دیگر ذکر شده است. (۳) البته افزون بر موارد یاد شده پدیده های دیگری نیز به عنوان «اشراط الساعة» ذکر شده است. (۴)

### ۲-۳. نشانه های ظهور

بررسی ها نشان می دهد این تعبیر، به ندرت در روایات به کار رفته و به طور عمده در قرن های اخیر استفاده شده است؛ ولی آنچه روشن است اینکه در گذر تاریخ، برای این عنوان تعریف های متفاوتی ارائه شده که هر یک حکایت از آن دارد که تلقی افراد از این حوادث متفاوت بوده است.

در نگاه مشهور، نشانه های ظهور، عبارت است از: آن دسته از رخدادها که بر اساس پیش بینی معصومان علیهم السلام، پیش از ظهور یا در آستانه آن، یا هم زمان و یا پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام پدید می آید. پدید آمدن هر یک از این نشانه ها،

۱- در یک درس به طور مستقل به این نشانه ها می پردازیم.

۲- طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۳۶، ح ۴۲۶.

۳- طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۳، ص ۱۸۳.

۴- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۶۱؛ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۱۰.

نویدی از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نزدیک تر شدن قیام جهانی آن حضرت است.

#### ۴-۲. نشانه های قیام قائم

در بعضی از روایات، نشانه ها به طور روشن مربوط به قیام دانسته شده است. امام صادق علیه السلام در این باره با تعبیرهای گوناگون به برخی از آنها اشاره کرده است:

ان قدام قیام القائم علامات؛ (۱) همانا پیش از قیام قائم نشانه هایی است.

إِنَّ لِقِيَامِ الْقَائِمِ عِلْمَاتٍ؛ (۲) همانا برای قیام قائم نشانه هایی است.

ان لقیام قائمنا علامات؛ (۳) همانا برای قیام قائم ما نشانه هایی است.

و: قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَجَلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ خَمْسُ عِلْمَاتٍ؛ (۴) قبل از قیام قائم پنج نشانه است.

خَمْسُ عِلْمَاتٍ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ؛ (۵) پنج نشانه قبل از قیام قائم است.

امام صادق علیه السلام به نشانه های قائم نیز با تعبیرهای گوناگونی اشاره کرده است:

ان قدام القائم علامات؛ (۶) همانا پیش از قائم نشانه هایی است.

للقائم خمس علامات؛ (۷) برای قائم پنج نشانه است.

۱- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۵۰، ح ۵.

۲- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۴۹، ح ۳.

۳- . محمد بن جریر طبری، دلائل الامامه، ص ۲۵۹. این روایت با تفاوت اندکی در کتاب الغیبه نعمانی آمده است.

۴- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۰، ح ۷.

۵- . محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۳۱۰، ح ۴۸۳.

۶- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۴۹، ح ۳.

۷- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۵۲، ح ۹.

قبل القائم خمس علامات؛ (۱) پیش از قائم پنج نشانه است.

به نظر می رسد اینها با توجه به قراین دیگر و نوع نشانه هایی که مطرح شده، نشانه مربوط به قیام قائم هستند.

## ۵-۲. نشانه های خروج

برخی تعبیرها نشانه را مربوط به خروج دانسته است. امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

إِنَّ لِيُخْرُوجِهِ عَلَامَاتٍ عَشْرَةَ؛ (۲) برای خروج او نشانه های ده گانه است.

امام باقر علیه السلام نیز فرمود:

وَأَنَّ مِنْ عَلَامَاتِ خُرُوجِهِ...؛ (۳) از نشانه های خروج او عبارت است از... .

افزون بر موارد یادشده، تعبیرهای دیگری نیز وجود دارد که به بعضی از آنها اشاره می شود:

۱. بدون اشاره به حادثه ای فقط از واژه علامات استفاده شده است. امام باقر علیه السلام فرمود:

الزَّمِ الْأَرْضَ وَلَا تُحَرِّكْ يَدًا وَلَا رِجْلًا حَتَّى تَرَى عَلَامَاتٍ؛ (۴) به زمین بچسب و ملازم آن باش و دست و پای نجنبان تا اینکه نشانه هایی ببینی.

البته به قرینه اینکه امام فرمود: «هیچ اقدامی نکن»، می توان آن را به قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مربوط دانست؛ یعنی، چون قیام آغاز شد، از هیچ اقدامی فروگذار نکن اما الآن خویشتن باش.

۲. نشانه مربوط به «امر» دانسته شده و با

۱- محمد بن جریر طبری، دلائل الامامه، ص ۲۶۱.

۲- علی بن محمد خزاز قمی، کفایه الاثر، ص ۲۱۳؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۵۵؛ ج ۴۱، ص ۳۲۹.

۳- صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۷، ح ۷.

۴- طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۴۱؛ نعمانی، الغیبه، ص ۲۷۹، ح ۶۷؛ شیخ حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۱۵، ص ۵۶، شماره



استفاده از دیگر روایات، باید بررسی کرد امر به چه معناست. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

إِنَّ قُدَّامَ هَذَا الْأَمْرِ خَمْسَ عَلَامَاتٍ؛ (۱) پیشواز این امر پنج نشانه است.

به قرینه روایات مربوط، مقصود از «امر» در اینجا، امر قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

۳. نشانه مربوط به فرج دانسته شده است. امام رضا علیه السلام فرمود:

أَوَّلُ عَلَامَاتِ الْفَرَجِ ...؛ (۲) نخستین نشانه گشایش ...

مقصود از این فرج، گشایش در زندگی افراد است و این گشایش لزوماً ارتباطی با ظهور یا قیام حضرت مهدی علیه السلام ندارد؛ همان گونه که امام رضا علیه السلام فرمود:

إِنَّ مِنْ عَلَامَاتِ الْفَرَجِ ...؛ (۳) همانا از نشانه های فرج است ...

نکته مهم اینکه در هیچ یک از این روایات، اشاره ای به ظهور نشده، بنابراین استفاده از آنها و اطلاق نشانه های ظهور به آنها، کاری بس مشکل می نماید. (۴)

## ۶-۲. توصیفی یا تمثیلی بودن نشانه های ظهور

### اشاره

این پرسش مطرح است که: آیا هریک از نشانه ها به طور حتم در جهان بیرون تحقق خواهد یافت و آیا روایات به توصیف آنها پرداخته یا اینکه آنچه گفته شده، تمثیلی است که مصداق بیرونی ندارد و رمزی است که می تواند واقعیت های مورد نظر حکایت گری کند. بر این اساس دو دیدگاه در این زمینه قابل بررسی است:

۱- محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۸۹، ح ۶.

۲- عبدالله بن جعفر حمیری، قرب الاسناد، ص ۱۶۳.

۳- مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۲۷۵.

۴- مگر اینکه گفته شود: قیام و ظهور یکی است که البته اثبات آن کاری مشکل است.

**الف. توصیفی بودن نشانه ها**

صاحبان دیدگاه نخست، به ظاهر روایات استناد می کنند که حمل آنها بر تمثیلی بودن، امری غیر قابل قبول است و افزون بر آن دیگر به هیچ یک از روایات در موضوعات دیگر نیز نمی توان حکم قطعی داد؛ مگر اینکه در موردی قرائن و شواهد لازم بر تمثیلی بودن وجود داشته باشد. (۱)

افزون بر آن اینکه روایات مربوط به روشنی به جزئی ترین امور اشاره کرده است؛ در حالی که در تمثیل نیازی به ورود در این امور جزئی دیده نمی شود. بنابراین تمثیلی بودن خلاف ذهنیت عرفی مخاطبان است، یعنی آنان چیزی جز ظاهر این سخنان درک نمی کنند و اگر مقصود غیر از ظاهر این سخنان بود، می بایست به گونه ای به آن اشاره می شد.

**ب. تمثیلی بودن نشانه ها**

در دیدگاه دوم، نشانه ها به تناسب چگونگی، تمثیلی از یک واقعیت متفاوت دانسته شده است. به طور مثال عده ای از سفیانی به عنوان تمثیل برای یک جریان فکری انحرافی یاد کرده اند که در هنگام ظهور به دست هر کسی ممکن است شکل بگیرد و همان گونه که در صدر اسلام، ابوسفیان تمام حقیقت دشمنی برابر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود، این جریان نیز تمام حقیقت دشمنی در برابر آخرین حجت الهی خواهد بود. (۲) یا از دجال به عنوان نمادی از فریبکاران و رهبران مادی ستمگر در دنیای ماشینی یاد شده است. (۳)

آنچه در نقد این دیدگاه در ابتدا به چشم می خورد این است که اگر باب چنین ادعایی

۱- سید محمد تقی موسوی اصفهانی، مکیال المکارم، ج ۱، ص ۴۵۱.

۲- نک: سید محمد صدر، تاریخ مابعدالظهور، ص ۱۷۳؛ علی اصغر رضوانی، موعود شناسی و پاسخ به شبهات، ص ۵۳۰؛ اسماعیل اسماعیلی، «بررسی نشانه های ظهور»، چشم به راه مهدی علیه السلام، ص ۲۹۰.

۳- نک: ناصر مکارم شیرازی، حکومت جهانی مهدی علیه السلام، ص ۱۷۸.

گشوده شود، به همه مباحث سرایت کرده، دیگر در هیچ موردی قابل مهار نخواهد بود. حتی گفته می شود ظهور مهدی علیه السلام تمثیلی است از ظهور حقیقت و حاکمیت صالحان! و البته این خود نوعی از تفسیر به رأی است که در اسلام به شدت از آن نهی شده است. افزون بر آن، پیش تر نیز گفته شد این برداشت، خلاف ظاهر روایات و ذهنیت مخاطبان است.

## ۷-۲. شمار نشانه ها

با توجه به دیدگاه نگارنده در بحث نشانه ها بر خلاف بحث های رایج «شمار نشانه ها» فقط پنج نشانه حتمی است. بنابراین نشانه های دیگر زیر عنوان های غیر حتمی، آخرالزمان، قیامت، ملاحم و فتن و... جای می گیرند. از این رو برخی از ادعاها را که شمار نشانه ها را تا ۲۵۰ مورد و بیش از آن دانسته اند، غیر قابل توجیه است. (۱)

به یاری خداوند در درس آینده بحث را بر نشانه های حتمی متمرکز کرده و آگاهی درباره دیگر نشانه ها را به منابع مفصل ارجاع می دهیم.

---

۱- . نک: مصطفی صادقی، تحلیل تاریخی نشانه های ظهور، ص ۸۳ و ۸۴.

## خودآزمایی

۱. واژه علامت را از نگاه لغت و اصطلاح توضیح دهید.
۲. آخرالزمان به چه معناست؟ دو پدیده ای که همواره مربوط به دوران آخرالزمان دانسته شده، کدامند؟
۳. ملاحم و فتن از نظر لغت به چه معناست و اشاره به چه اتفاقاتی می کند؟
۴. اشراف الساعه یعنی چه و به چه اموری اطلاق می شود؟
۵. در باره توصیفی و تمثیلی بودن نشانه ها توضیح دهید.

□□□

## منابع برای پژوهش

۱. خراسانی، محمد جواد، مهدی منتظر، تحقیق و تعلیق: سید جواد میرشفیعی خوانساری، قم، نورالاصفیه، ۱۳۷۹ش.
۲. صادقی، مصطفی، تحلیل تاریخی نشانه های ظهور، چاپ اول، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵ش.
۳. صدر، سید محمد، تاریخ الغیبه الکبری، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
۴. اسماعیلی، اسماعیل، «بررسی نشانه های ظهور»، چشم به راه مهدی علیه السلام، چ سوم، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۲ ش.
۵. خادمی شیرازی، محمد، نشانه های ظهور او، قم، انتشارات مسجد جمکران، ۱۳۷۸ش.



## درس هفتم: نشانه های ظهور (حتمی و غیر حتمی)

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

نشانه های حتمی ظهور:

۱ ندای آسمانی

۲ خروج سفیانی

۳ خروج یمانی

۴ خسف به بیداء

۵ قتل نفس زکیه

برخی از نشانه های غیر حتمی ظهور:

۱. مرگ و میرها، زلزله ها و جنگ ها و آشوب های فراگیر؛

۲. خسوف و کسوف نابه هنگام؛

۳. بارش باران های فراوان و ...

## پیش در آمد

آنچه امروزه با عنوان نشانه های ظهور در نوشته ها و گفته ها مطرح می شود، انبوهی است از حوادث و رخدادهایی که به انواع فراوانی قابل تقسیم است. بر خلاف تلقی عمومی، درباره تقسیم نشانه ها به اقسام مختلف، هیچ سخن روشنی از امامان معصومان علیهم السلام در دست نیست و آنچه در آثار با این عنوان وجود دارد، به طور عموم پرورده ذهن نویسندگان است. البته برخی قابل قبول و برخی از اساس دارای اشکال است.

به نظر می رسد یگانه تقسیم پذیرفتنی، تقسیم نشانه ها به حتمی و غیر حتمی است. در این درس کوشش شده تا حد ممکن، به بررسی این نشانه ها پرداخته شود. اگر چه هم نویسنده و هم خواننده بر این باورند که بحث و بررسی نشانه ها، بسیار فراتر از این نوشتار است.

## انواع نشانه های ظهور

### یک. نشانه های حتمی

#### اشاره

پیش از آنکه به بحث در باره نشانه های حتمی پردازیم، شایسته است در باره واژه «حتم» به طور کوتاه اشاره کنیم. این کلمه فقط یک بار با تعبیر «حتما» در قرآن استفاده شده است؛

آنجا که خداوند متعال می فرماید:

((وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا- وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا))؛ (۱) هیچ کس از شما نیست مگر [اینکه] در آن وارد می گردد؛ این [امر] همواره بر پروردگارت حکمی قطعی است.

طریحی «حتم» را واجبی دانسته که اراده بر آن تعلق گرفته، اسقاط آن امکان پذیر نیست. (۲) راغب اصفهانی آن را به قضای مقدر معنا کرده است. (۳) ابن منظور نیز آن را به معنای قضا و وجوب قضا دانسته که گریزی از انجام آن نیست. (۴) خلیل بن احمد نیز آن را با تعبیر «ایجاب القضاء» تعریف کرده است. (۵)

یکی از پژوهشگران پس از نقل برخی از سخنان بزرگان لغت، دیدگاه خود را این چنین می نگارد: معنای حقیقی برای این لفظ عبارت از «جزم و قطع در حکم و عمل» است. (۶)

در بحث نشانه ها طبق نگاه مشهور، منظور از «نشانه های حتمی» مقابل نشانه های غیر حتمی آن دسته از پدیده هایی است که پدید آمدن آنها بدون هیچ قید و شرطی، قطعی و الزامی خواهد بود؛ (۷)

از روایات فراوانی حتمی بودن نشانه های پنج گانه زیر استفاده می شود: ۱. خروج سفیانی؛ ۲. قیام یمانی؛ ۳. صیحه آسمانی؛ ۴. قتل نفس زکیه؛ ۵. خسف در بیداء.

۱- مریم (۱۹)، آیه ۷۱.

۲- الحتم: الواجب المعزوم علیه ... و تحتم وجب وجوبا لا- يمكن إسقاطه و منه الأمر المحتوم؛ فخر الدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۶، ص: ۳۲

۳- الحتم: القضاء المقدر؛ حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص: ۲۱۸

۴- الحتم: اللازم الواجب الذی لا بد من فعله؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۲، ص: ۱۱۳

۵- الحتم: إيجاب القضاء؛ خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۳، ص: ۱۹۵

۶- «أنَّ المعنى الحقیقی لهذا اللفظ هو الجزم و البتَّ فی حکم أو عمل»: حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۲، ص ۱۶۳.

۷- بر خلاف کسانی که با استناد به برخی روایات غیر معتبر به بداء در نشانه های حتمی اشاره کرده اند.



امام صادق علیه السلام فرمود:

خَمْسُ عَلَامَاتٍ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ الصَّيْحَةُ وَالسُّفْيَانِيُّ وَالْحَسْفُ وَقَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ وَالْيَمَانِيُّ؛ (۱) پیش از قیام قائم پنج نشانه است: صیحه، سفیانی، خسف، قتل نفس زکیه و یمانی.

## ۱-۱. ندای آسمانی

### اشاره

این نشانه، در منابع شیعه و اهل سنت با واژه هایی چند، بیان شده است؛ از جمله:

الف. نداء: در لغت به معنای بلند کردن و آشکار ساختن صدا است و گاهی فقط به صدا اطلاق می شود. (۲) این واژه در قرآن در موارد مختلفی به کار رفته است. (۳) عموم روایات مربوط به ندای آسمانی، از این واژه بهره برده اند.

ب. صیحه: در لغت به معنای فریاد و صدای بلند بوده و در قرآن نیز به کار رفته است. (۴) اگر چه در روایات فراوانی صیحه در معنای «ندا» به کار رفته است؛ اما در بعضی، صیحه و ندا دو پدیده دانسته شده است. (۵)

ج. صوت: در لغت به معنای صدای سخن است. (۶) این واژه نیز در آیاتی از قرآن به کار رفته است (۷) و اینجا منظور از ندای آسمانی، صدایی است که در آستانه ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همه مردم، آن را از آسمان می شنوند.

۱- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۳۱۰، ح ۴۸۳؛ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۰، ح ۷.

۲- راغب، المفردات، ماده ندا.

۳- مائده (۵)، آیه ۵۸.

۴- هود (۱۱)، آیه ۶۷.

۵- صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۷، ح ۷.

۶- نک: فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۲، ص ۲۰۹؛ خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۲، ص ۱۴۶؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۵۷.

۷- حجرات (۴۹)، آیه ۲.

### حتمی بودن ندای آسمانی

کلینی با ذکر سند از عمر بن حنظله نقل کرده که گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

خَمْسُ عَلَامَاتٍ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ الصَّيْحَةُ وَ...؛ (۱) پنج نشانه پیش از قیام قائم است؛ صیحه و...

ابو بصیر می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم! خروج قائم چه زمانی است؟ آن حضرت فرمود:

إِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ لَا نُؤَقَّتْ وَقَدْ قَالَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ كَذَبَ الْوَقَاتُونَ يَا بَا مُحَمَّدٍ إِنَّ قُدَّامَ هَذَا الْأَمْرِ خَمْسَ عَلَامَاتٍ أَوْلَهُنَّ النَّدَاءُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَ...؛ (۲) ما خاندان هرگز وقتی را معین نمی کنیم؛ زیرا حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: وقت گذاران دروغ می گویند. ای ابا محمد! همانا پیشاپیش این امر پنج نشانه است: نخستین آنها آوازی است در ماه رمضان، ...

صدوق با ذکر سند از عمر بن حنظله نقل کرده که امام صادق علیه السلام فرمود:

قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامِ خَمْسُ عَلَامَاتٍ مَحْتُمَاتٍ الْيَمَانِيُّ وَ السُّفْيَانِيُّ وَ الصَّيْحَةُ وَ قَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ وَ الْخَسْفُ بِالْبَيْدَاءِ؛ (۳) پیش از قیام قائم، پنج نشانه حتمی خواهد بود: یمانی، سفیانی، صیحه، قتل نفس زکیه و خسف به بیداء.

در این روایات به روشنی، به نشانه بودن ندای آسمانی تصریح شده است.

### چگونگی و گستره ندای آسمانی

این ندا توسط جبرئیل بلند می شود و همه انسان ها با گویش های مختلف آن را می فهمند و همه به صورت یکنواخت آن را می شنوند. در باره گستره آن در روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده است:

۱- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۳۱۰، ح ۴۸۳.

۲- محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۸۹، ح ۶.

۳- صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۰، ح ۷.

... يُنَادِي مُنَادٍ مِّنَ السَّمَاءِ بِاسْمِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيَسْمَعُ مَنَ بِالْمَشْرِقِ وَ مَنَ بِالْمَغْرِبِ...؛ (۱) ندا دهنده ای از آسمان به نام قائم ندا می دهد که هر کس در شرق و غرب است، آن را می شنوند.

با توجه به این روایات و نیز رسالت فراگیر حضرت مهدی علیه السلام برای همه مردم، به راحتی می توان مخاطبان این ندای آسمانی را همگان دانست و چنانچه به دیگر جانداران نیز اشاره شده، بدان جهت است که آنها نیز از این ظهور به طور تکوینی آگاه شده و از ظهور حجت الهی و رفع ستم بر انسان ها، شادمان می شوند.

از عمومی بودن ندای آسمانی، می توان فهمید که هر کس به زبان خود آن را شنیده و می فهمد. در بعضی از روایات تصریح شده که هر کس به زبان خود آن را می شنود. در این باره زراره از امام صادق علیه السلام روایت می کند که:

يُنَادِي مُنَادٍ بِاسْمِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قُلْتُ خَاصٌّ أَوْ عَامٌّ قَالَ عَامٌّ يَسْمَعُ كُلُّ قَوْمٍ بِلِسَانِهِمْ قُلْتُ فَمَنْ يُخَالِفُ الْقَائِمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ قَدْ نُودِيَ بِاسْمِهِ قَالَ لَا يَدْعُهُمْ إِبْلِيسُ حَتَّى يُنَادِيَ فِي آخِرِ اللَّيْلِ فَيَشْكُوكَ النَّاسُ يَدْعُهُمْ إِبْلِيسُ حَتَّى يُنَادِيَ فِي آخِرِ اللَّيْلِ وَ يَشْكُوكَ النَّاسُ؛ (۲) نداکننده ای قائم علیه السلام را به نام می خواند. گفتم: ندای خاص است یا ندای عام؟ فرمود: ندای عام است و هر ملتی به زبان خود آن را می شنود. گفتم: پس چه کسی با او مخالفت می کند، در حالی که او را به نام می خوانند؟ فرمود: ابلیس آنان را رها نمی کند و در آخر شب ندا می کند و مردم را به شک می اندازد!

بیشتر روایات، آسمان را به عنوان محل ندای آسمانی معرفی کرده اند. محمد بن علی حلبی از امام صادق علیه السلام نقل می کند:

«... وَ النَّدَاءُ مِنَ الْمَحْتُمِ وَ خُرُوجُ الْقَائِمِ مِنَ الْمَحْتُمِ قُلْتُ وَ كَيْفَ النَّدَاءُ»

۱- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۵۴.

۲- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۱.

قَالَ يُنَادِي مُنَادٍ مِّنَ السَّمَاءِ...»؛ (۱)... ندای آسمانی نیز از علامات حتمی است و خروج حضرت قائم نیز حتمی است، عرض کردم: ندای آسمانی چگونه است؟ فرمود: یک منادی در اول روز از آسمان ندا کند... .

### زمان ندای آسمانی

یکی از بحث هایی که در باره ندای آسمانی مطرح می شود، زمان آن است و از آنجا که روایات در باره زمان ندای آسمانی به صورت گوناگون ذکر شده، بنابراین دیدگاه های متفاوتی پدید آمده است؛ این دیدگاه ها عبارت است از:

الف. پیش از ظهور: آنچه مشهور است اینکه صیحه آسمانی، در ماه مبارک رمضان اتفاق خواهد افتاد. نعمانی با ذکر سند از ابو بصیر و او از امام باقر علیه السلام نقل کرده که فرمود:

الصَّيْحَةُ لَا تَكُونُ إِلَّا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ شَهْرَ اللَّهِ وَ هِيَ صَيْحَةُ جِبْرِئِيلَ إِلَى هَذَا الْخَلْقِ ثُمَّ قَالَ يُنَادِي مُنَادٍ مِّنَ السَّمَاءِ بِاسْمِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيَسْمَعُ مَنْ بِالْمَشْرِقِ وَ مَنْ بِالْمَغْرِبِ...؛ آن صیحه جز در ماه رمضان ماه خدا بر نخواهد خاست؛ همان آوای بس بلند جبرئیل علیه السلام بدین مردمان است، بعد فرمود: نداکننده ای از آسمان به نام حضرت قائم علیه السلام ندا سر می دهد و هر که در مشرق و مغرب است، می شنود... .

همه کسانی که این روایت و مانند آن را نقل کرده اند، زمان آن را پیش از ظهور دانسته اند.

ب. هنگام ظهور: از بعضی روایات استفاده می شود: ندای آسمانی هم زمان با ظهور حضرت مهدی علیه السلام رخ خواهد داد. ابو بصیر از امام باقر علیه السلام نقل کرده که فرمود:

«... فَلَا يَزَالُونَ بِتِلْكَ الْحَالِ حَتَّى يُنَادِيَ مُنَادٍ مِّنَ السَّمَاءِ فَإِذَا نَادَى فَالْتَفِيرَ

النَّفِيرَ فَوَاللَّهِ لَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ يُبَايِعُ النَّاسَ بِأَمْرِ جَدِيدٍ وَ كِتَابٍ جَدِيدٍ وَ سُلْطَانٍ جَدِيدٍ مِنَ السَّمَاءِ...»؛ (۱) ... پس پیوسته بدان حال خواهند بود تا اینکه نداکننده ای از آسمان، آواز برآورد و چون ندا برآمد: «پس کوچ کنید! کوچ کنید»؛ به خدا سوگند! گویی به او می نگرم که در میان رکن و مقام از مردم، به امری نوین و فرمانی جدید و نظامی تازه از آسمان [نظامی الهی] بیعت گیرد.

صدوق از محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام نقل کرده است:

«... وَ جَاءَتْ صَيْحَهُ مِنَ السَّمَاءِ بِأَنَّ الْحَقَّ فِيهِ وَ فِي شَيْعَتِهِ فَعِنْدَ ذَلِكَ خُرُوجَ قَائِمِنَا...»؛ (۲) صیحه ای از آسمان بیاید و بگوید: حق با او و شیعیان اوست؛ در این هنگام است که قائم ما خروج می کند.

در این روایات نوعی هم زمانی بین ندای آسمانی و خروج حضرت به چشم می آید. مفید نیز در روایتی این هم زمانی را در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم این گونه نقل کرده است:

إِذَا كَانَ عِنْدَ خُرُوجِ الْقَائِمِ يُنَادِي مُنَادٍ مِّنَ السَّمَاءِ أَيُّهَا النَّاسُ قُطِّعَ عَنْكُمْ مِئِدَةُ الْجَبَّارِينَ وَ وَلى الْأَمْرَ خَيْرٌ أُمَّهُ مُحَمَّدٌ فَالْحَقُّوا بِمَكَّةَ...؛ (۳) هنگامی که نزدیک خروج قائم شد، ندا دهنده ای از آسمان آواز می دهد: ای مردم! زمان ستم گران به سر رسیده و ولی امر بهترین امت محمد است؛ پس به مکه برسید... .

ج. پس از ظهور: یکی از نویسندگان با متفاوت دانستن ظهور با قیام، زمان ندهای آسمانی را پس از ظهور و پیش از قیام دانسته، می نویسد: «ندهای آسمانی از بدو ظهور تا هنگام قیام، بسیار است، از جمله سه ندا است در ماه رجب و

۱- محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۶۳، ح ۲۲.

۲- صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۰، ح ۱۶.

۳- مفید، الاختصاص، ص ۲۰۸.

از بعضی روایات استفاده می شود که رجب پیش از قیام است.» (۱)

مضمون بعضی از روایات نیز به نوعی مؤید این احتمال است؛ برای مثال ندا را پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام و برای هلاک ستمگران دانسته است. نعمانی در روایتی از حسن بن محبوب نقل کرده که: امام رضا علیه السلام به من فرمود:

... يُنَادِي أَلَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ فُلَانًا عَلَى هَلَاكِ الظَّالِمِينَ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَأْتِي الْمُؤْمِنِينَ الْفَرَجَ...؛ (۲) [ندا دهنده ای] آواز می دهد: که خداوند به منظور برانداختن ستمگران، فلانی را برانگیخت. در این هنگام گشایشی برای مؤمنان دست می دهد و خداوند سینه های آنان را شفا می بخشد و عقده های دلشان بر طرف می گردد.

همچنین صدوق از امام رضا علیه السلام آورده است:

الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي ابْنُ سَيِّدِهِ الْإِمَامِ... وَ هُوَ الَّذِي يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِهِ يَسْمَعُهُ جَمِيعُ أَهْلِ الْأَرْضِ بِالدُّعَاءِ إِلَيْهِ يَقُولُ أَلَا إِنَّ حُجَّةَ اللَّهِ قَدْ ظَهَرَ عِنْدَ بَيْتِ اللَّهِ فَاتَّبِعُوهُ...؛ (۳) چهارمین از فرزندان من، فرزند سرور کنیزان... و او کسی است که از آسمان نداکننده ای او را به نام ندا می کند و به وی دعوت می نماید؛ به گونه ای که همه اهل زمین آن ندا را می شنوند. می گوید: آگاه باشید! همانا حجت الهی در خانه خداوند آشکار شده است، پس از او پیروی کنید.

از آنجا که مضمون ندای آسمانی، نوعی بیان ظهور و حقانیت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نیز بیان تقابل بین کفر و ایمان است؛ بی تردید این رخداد پس از ظهور خواهد بود؛ چرا که هر آنچه گفته شده با پس از ظهور تناسب دارد تا پیش از ظهور.

۱- محمد جواد خراسانی، مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۲۹۷.

۲- محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۱۸۰، ح ۲۸.

۳- صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۷۱، ح ۵.

### محتوای ندای آسمانی

بیشترین شمار روایات در این زمینه، مربوط به احادیثی است که در آن محتوای ندای آسمانی، معرفی حضرت مهدی علیه السلام است. صدوق از امام رضا علیه السلام نقل کرده است:

«... وَ هُوَ الَّذِي يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِهِ...»؛ (۱) و او کسی است که ندا دهنده به نام او ندا می دهد.

البته در برخی روایات نیز گفته شده محتوای ندای آسمانی حقانیت علی علیه السلام و رستگاری شیعیان او است. محمد بن علی حلبی می گوید: شنیدم از امام صادق علیه السلام که فرمود:

يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ أَوَّلَ النَّهَارِ أَلَا إِنَّ عَلِيًّا وَ شَيْعَتَهُ هُمُ الْفَائِزُونَ؛ (۲) منادی در اول روز از آسمان ندا می کند: بدانید علی و شیعیانش رستگارانند.

### ندای شیطانی (زمینی)

ندای شیطانی (زمینی) (۳)

در کنار روایات مربوط به ندای آسمانی به برخی سخنان از ندای زمینی که شیطان سر می دهد، حکایت دارد. با توجه به شمار روشن نشانه های حتمی، می توان فقط به هم زمانی این پدیده، با ندای آسمانی اشاره کرد. زراره بن أعین می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «در شگفتم، خداوند حال شما را به سلامت دارد و من در عجبم از قائم که چگونه با او جنگ می کنند با وجود آنچه از شگفتی ها که می بینند: از فرو بردن زمین صحرا سپاهیان را، و آن صدا که از آسمان است؟» امام فرمود:

إِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَدْعُهُمْ حَتَّى يُنَادِيَ كَمَا نَادَى بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ يَوْمَ الْعَقَبَةِ؛ (۴) همانا شیطان آنان را رها نمی کند تا

۱- صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۱، ح ۵.

۲- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۳۱۰.

۳- بحث ندای شیطانی فقط به جهت ارتباط تنگاتنگش با ندای آسمانی بررسی می شود، و گرنه نقش چندانی در قیام حضرت مهدی علیه السلام ندارد.

۴- محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۶۵، ح ۲۹.

جایی که ندا می کند؛ همچنان که برای رسول خدا در روز عقبه ندا کرد.

مهم ترین هدف شیطان از برپایی این صدا، ایجاد تردید در انسان ها در پیروی از حجت خداوند است.

در پایان یادآور می شویم جای بسی شگفتی است که برخی از نویسندگان با وجود انبوه روایات، تلاش کرده اند این نشانه را در تناسب فن آوری های نوین و پیشرفت دانش های روز تفسیر کنند. (۱) البته ممکن است بشر در آینده به فن آوری هایی دست یابد که با پیشرفت های موجود، قابل مقایسه نباشد؛ اما نمی توان به سرعت بین اینها و نشانه های ظهور ارتباط برقرار کرد.

## ۱-۲. خروج سفیانی

### اشاره

«سفیانی و خروج وی»، مشهورترین و در عین حال مشکل ترین مسئله در میان نشانه های ظهور به شمار می آید. روایات این نشانه، به گونه ای گسترده در منابع قدیم و جدید بیان شده است که در مجموع می توان موضوعات زیر را در مورد آن بررسی کرد: (۲)

### نام و نسب سفیانی

اگر چه دانستن و ندانستن نام های وی، چندان اهمیتی ندارد و آنچه مهم است نقش و جایگاه او در حوادث عصر ظهور است؛ (۳) اما در روایاتی از نام های سفیانی سخن گفته شده است، در این روایات بیشتر از واژگانی چون سفیانی، ابن آکله الاکباد (۴)، عتبه (۵) و عثمان بن عنبسه (۶) و عبد

۱- اسماعیل اسماعیلی، «بررسی نشانه های ظهور»، چشم به راه مهدی علیه السلام، ص ۲۸۷.

۲- شمار روایات در بحث های مورد نظر، بسیار بیشتر از آن است که در اینجا آورده شده که به جهت رعایت اختصار فقط به برخی از آنها اشاره شد.

۳- صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۱.

۴- محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۳۰۵؛ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۱؛ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۶۱.

۵- طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۴۳.

۶- صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۱، ح ۹.



الله (۱) استفاده شده است.

نخستین چیزی که از عنوان رایج سفیانی که به ذهن می رسد این است که وی با ابوسفیان نسبتی دارد و این انتساب به گونه های مختلف منعکس شده است. صدوق با نقل روایتی از امام علی علیه السلام او را از نسل ابو سفیان (وَهُوَ مِنْ وُلْدِ أَبِي سُفْيَانَ) دانسته است. (۲)

### ویژگی های سفیانی

سفیانی بهره چندانی از زیبایی نبرده و در مقابل بیشتر نمادهای زشتی و پلیدی، در او جمع شده است.

صدوق با ذکر سند از امام علی علیه السلام نقل کرده است:

يَخْرُجُ ابْنُ آكِلِهِ الْاَكْبَادِ مِنَ الْوَادِي الْيَابِسِ وَ هُوَ رَجُلٌ رَبْعَةٌ وَخَشُ الْوَجْهِ ضَخْمُ الْهَامِهِ بَوَجْهِهِ اَثْرُ الْجُدْرِيِّ اِذَا رَاَيْتَهُ حَسِبْتَهُ اَعْوَرَ اسْمُهُ عَثْمَانُ وَ اَبُوهُ عَبْسَهُ وَ هُوَ مِنْ وُلْدِ أَبِي سُفْيَانَ...؛ (۳) پسر هند جگرخوار از بیابانی خشک خروج می کند و او مردی است چهار شانه، زشت رو، کله گنده و آبله رو و چون او را بینی، می پنداری که یک چشم است! نامش عثمان و نام پدرش عنبسه و از فرزندان ابو سفیان است....

وی مسلمانی منحرف است که در دل با امام علی علیه السلام دشمنی دارد. (۴) حضرت باقر علیه السلام می فرماید:

السُّفْيَانِيُّ اَحْمَرُ اشْقَرُ اَرْزَقُ لَمْ يَعْبُدِ اللّٰهَ قَطُّ وَ لَمْ يَرَ مَكَّةَ وَ لَمَّا الْمَدِيْنَةَ قَطُّ يَقُوْلُ يَا رَبِّ ثَارِي وَ النَّارِ يَا رَبِّ ثَارِي وَ النَّارِ؛ (۵)

سفیانی سرخ رویی سفید پوست و زاغ چشم است؛ هرگز خدا را پرستش نکرده و و مکه و مدینه

۱- . نعیم بن حماد، الفتن، ص ۲۲۴، شماره ۸۲۶.

۲- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۱.

۳- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۱، ح ۹.

۴- . طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۵۰.

۵- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۳۰۶، ح ۱۸.

را ندیده است! می گوید: خدایا! خون خویش را از مردم می طلبم؛ هر چند با رفتن در آتش باشد و...!

### زمان خروج سفیانی

چنان که گذشت صدوق با ذکر سند از عمر بن حنظله نقل کرده که امام صادق علیه السلام فرمود:

پیش از قیام قائم پنج نشانه حتمی خواهد بود: یمانی و سفیانی و صیحه و قتل نفس زکیه و خسف به بیداء. (۱)

درباره زمان خروج به سه دسته روایت بر می خوریم:

الف. خروج سفیانی پیش از ظهور: حَدَّثَنَا بَشِيرٌ مِي كُوَيْدٍ: به امام زین العابدین علیه السلام عرض کردم: آمدن مهدی و نشانه ها و علایم آن را برای من بیان نمایید تا بدانم چه زمانی ظهور می کند؟ فرمود:

... إِذَا ظَهَرَ السُّفْيَانِيُّ اخْتَفَى الْمَهْدِيُّ ثُمَّ يَخْرُجُ بَعْدَ ذَلِكَ؛ (۲)... وقتی او خروج می کند، مهدی پنهان است و بعد از آن قیام می کند.

ب. خروج سفیانی در سال قیام حضرت مهدی علیه السلام: نعمانی با ذکر سند از محمد بن مسلم نقل کرده که امام باقر علیه السلام فرمود:

السُّفْيَانِيُّ وَالْقَائِمُ فِي سَنَةٍ وَاحِدَةٍ؛ (۳) سفیانی و قائم در یک سال است.

جابر جعفی گوید: «از امام باقر علیه السلام در مورد سفیانی سؤال کردم: فرمود:

وَ أَنِّي لَكُم بِالسُّفْيَانِيِّ حَتَّى يَخْرُجَ قَبْلَهُ الشَّيْخُ بَانِي يَخْرُجُ مِنْ أَرْضِ كُوفَانَ يَنْبُعُ كَمَا يَنْبُعُ الْمَاءُ فَيَقْتُلُ وَفَدَكُمْ فَتَوَقَّعُوا بَعْدَ ذَلِكَ السُّفْيَانِيَّ وَ خُرُوجَ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ (۴) چگونه ممکن است شما به سفیانی برسید

۱- صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۰، ح ۷.

۲- طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۴۳، ح ۴۳۷.

۳- محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۶۷، ح ۳۶.

۴- محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۳۰۲، ح ۸.

تا آن گاه که پیش از او شیببانی خروج می کند؛ او از سرزمین کوفان خروج می کند و همانند چشمه آب از زمین می جوشد و کاروان شما را می کشد! پس از آن منتظر سفیانی و خروج قائم علیه السلام باشید.

ج. خروج سفیانی پس از ظهور: عموم روایات از خروج سفیانی به عنوان نشانه پس از ظهور یاد کرده است. پیش تر در مباحث کلی مربوط به ظهور این گمانه مطرح شد که نشانه های حتمی پس از ظهور اتفاق می افتد. حال این ادعا را درباره خروج سفیانی بررسی می کنیم.

محمد بن مسلم گوید: شنیدم امام باقر علیه السلام می فرمود:

... وَ كَفَى بِالسُّفْيَانِيِّ نِقْمَةً لَكُمْ مِنْ عَيْدُوكُمْ وَ هُوَ مِنَ الْعَلَامَاتِ لَكُمْ... وَ لَكِنْ عَلَيْكُمْ بِمَكَّةَ فَإِنَّهَا مَجْمَعُكُمْ؛ (۱)... سفیانی برای شکنجه کردن دشمنان، برای شما کافی است، و او از نشانه هایی است که به سوی شما می آید،... شما را به مکه توصیه می کنم که محلّ گرد آمدن همان جاست.

یونس بن ابی یعفور گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود:

إِذَا خَرَجَ السُّفْيَانِيُّ يَبْعَثُ جَيْشًا إِلَيْنَا وَ جَيْشًا إِلَيْكُمْ فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ فَأْتُونَا عَلَى كُلِّ صِعْبٍ وَ ذُلُولٍ؛ (۲) هنگامی که سفیانی خروج کند، سپاهی به طرف ما و سپاهی به طرف شما گسیل می دارد. وقتی چنان شد، شما نزد ما بیایید با [هر] وسیله ای نزد ما بیایید: با مرکبی ناهموار و سخت یا هموار و آرام!

نکته ای که آن را تأیید می کند «خسف به بیداء» است که بدون شک پس از ظهور است و این نشانه در راستای خروج سفیانی بر علیه حضرت به شمار می آید. روایاتی نیز بر درگیری سفیانی با حضرت مهدی علیه السلام و یا کشته شدن وی به

۱- محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۳۰۰.

۲- محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۳۰۶.

دست آن حضرت دلالت دارد.

### پایان کار سفیانی

بعضی از روایات، بدون اشاره به منطقه خاصی، از آن به سرزمین خشک (۱) یا مغرب زمین (۲) یاد کرده و برخی دیگر شام (۳) را محل خروج وی دانسته است. جمع بین همه روایات آن است که وی از سرزمین شام و منطقه ای خشک خروج خواهد کرد.

در باره کارهای سفیانی و مدت حکومت وی سخنان فراوان و عموماً نامعتبر به چشم می خورد؛ اما از آنجا که تنها بررسی خروج وی به عنوان نشانه در این بحث اهمیت دارد، از ذکر آنها صرف نظر می کنیم. (۴)

پایان لشکریان سفیانی فرو رفتن در زمین و مبتلا شدن به خشم خداوند دانسته شده؛ اما سخن روشنی درباره فرجام خود سفیانی در دست نیست. البته در میان برخی منابع اهل سنت مثل کتاب الفتن نعیم بن حماد آمده است که: سفیانی و سپاهیان او در نهایت با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به کارزار می پردازند و به دست آن امام نابود می شوند. اما از آنجا که این کتاب چندان اعتباری ندارد، از نقل آنها چشم پوشی می کنیم.

### ۱-۳. خروج یمانی

#### اشاره

یکی از نشانه های حتمی ظهور خروج سرداری از اهل یمن است که مردم را به حق و عدل دعوت

۱- نک: محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۳۰۵، ح ۱۶؛ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۱، ح ۹؛ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۴۳.

۲- ... یَخْرُجُ عَلَيْهِمُ الْخُرَّاسَانِيُّ وَ السُّفْيَانِيُّ هَذَا مِنَ الْمَشْرِقِ وَ هَذَا مِنَ الْمَغْرِبِ ...؛ محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۵۳، ح ۱۳، ص ۲۵۹، ح ۱۸.

۳- ... خُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ مِنَ الشَّامِ ...؛ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۷، ح ۷، ص ۳۳۰، ح ۱۶.

۴- نعیم بن حماد، الفتن، ص ۲۵۳، شماره ۹۳۱.

می کند. (۱) در مصادر شیعه، روایات فراوانی در این باره وجود دارد؛ به گونه ای که برخی آنها را مستفیض دانسته اند. (۲) صدوق با ذکر سند از عمر بن حنظله از امام صادق علیه السلام نقل کرده است:

قَبِيلَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامِ خَمْسُ عَلَامَاتٍ مَحْتُمَاتٍ الْيَمَانِيَّ وَ...؛ (۳) پیش از قیام قائم، پنج نشانه حتمی خواهد بود: یمانی و... و...

### زمان و مکان خروج یمانی

اگر چه به طور خاص به زمان خروج یمانی اشاره نشده؛ اما روایاتی این رخداد را هم زمان با بعضی اتفاق های دیگر دانسته است. (۴)

در روایات از یمین به عنوان محل خروج یمانی نام برده شده است. محمد بن مسلم گوید: بر امام باقر علیه السلام وارد شدم و می خواستم از قائم آل محمد علیهم السلام پرسش کنم، امام باقر علیه السلام پیش از آنکه من سؤال کنم، فرمود:

وَإِنَّ مِنْ عَلَامَاتِ خُرُوجِهِ خُرُوجَ السُّفْيَانِيِّ مِنَ الشَّامِ وَخُرُوجَ الْيَمَانِيِّ مِنَ الْيَمَنِ وَ...؛ (۵) از علامات قیام او: خروج سفیانی از شام و خروج یمانی از یمین و....

به دلیل نبود روایات معتبر در باره اینکه قیام یمانی چگونه پایان می یابد و آیا یمانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را درک می کند یا خیر؛ نمی توان به طور قطع در باره پایان کار وی قضاوت کرد.

### ۱-۴. خسف به بیداء

### اشاره

واژه «خَسْف» به معنای فرو رفتن و پنهان شدن

۱- پیش از این گفته شد برخی روایات که نشانه های حتمی را مطرح کرده اند هیچ اشاره ای به خروج یمانی نکرده اند.

۲- ر.ک: سید محمد صدر، تاریخ غیبت کبرا، ص ۶۵۴.

۳- صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۰، ح ۷.

۴- محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۳۶۹، باب ۱۳، ح ۱۳.

۵- صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۷، ح ۷.

است (۱) که در قرآن این دو معنا، در آیاتی به کار رفته است. (۲) «بیداء» در لغت به معنای دشت هموار، پهناور، خالی از سکنه و آب و علف می باشد (۳) و نام سرزمینی بین مکه و مدینه است. (۴)

منظور از «خسف به بیداء» آن است که سفیانی لشکری عظیم، به قصد جنگ با حضرت مهدی علیه السلام عازم مکه می کند؛ اما بین مکه و مدینه در محلی که به سرزمین «بیداء» معروف است به گونه ای معجزه آسا، به امر خداوند، در زمین فرو می روند. این حادثه در روایات اهل سنت (۵) و شیعه، یکی از نشانه های ظهور و قیام معرفی شده و در شماری از آنها بر حتمی بودن آن تأکید شده است. (۶)

### چگونگی خسف به بیداء

در باره چگونگی خسف به بیداء سخن روشنی در روایات نیامده و تنها به فرو رفتن سپاهیان سفیانی در این زمین اشاره شده است. امام باقر علیه السلام می فرماید:

... سفیانی گروهی را به مدینه روانه می کند و مهدی از آنجا به مکه رخت برمی بندد. خبر به فرمانده سپاه سفیانی می رسد که مهدی علیه السلام به سوی مکه بیرون رفته است. او لشکری از پی آن حضرت روانه کند؛ ولی او را نمی یابد تا اینکه مهدی، با حالت ترس و نگرانی بدان سنت که موسی بن عمران داشت، داخل مکه شود. فرمانده سپاه سفیانی در صحرا فرود می آید. منادی از آسمان ندا می کند: «ای

۱- . نک: ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۲۵۴.

۲- . نک: قصص (۲۸)، آیه ۸۱؛ عنکبوت (۲۹)، آیه ۴۰؛ نحل (۱۶)، آیه ۴۵؛ ملک (۶۷)، آیه ۱۶.

۳- . یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۱، ص ۵۲۳.

۴- . ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۲۷۷.

۵- . عبد الرزاق صنعانی، المصنف، ج ۱۱، ح ۲۰۷۶۹؛ ابن ابی شیبہ، الکتاب المصنف، ح ۱۹۰۶۶.

۶- . محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۳۱۰، ح ۴۸۳؛ صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۳۰۳، ح ۸۲؛ نعمانی، الغیبه، ص ۲۵۷،

دشت! آن قوم را نابود ساز؛ پس آن نیز ایشان را به درون خود می برد و هیچ یک از آنان نجات نمی یابد، مگر سه نفر... (۱)

بعضی از روایات از تأخر این اتفاق بر ظهور سخن گفته و در برخی دیگر این اتفاق پس از بیعت یاران خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ذکر شده است. مصنف عبد الرزاق، (۲) مصنف ابن ابی شیبہ، (۳) مسند احمد (۴) و برخی منابع دیگر، به طور روشن به این رخداد اشاره کرده اند.

با نگاه به آنچه درباره تفاوت بین ظهور و قیام گفته شد و اینکه قیام آن حضرت با فاصله ای نامعین پس از ظهور خواهد بود؛ این روایت نیز به روشنی حکایت از آن دارد که پدیده خسف پس از ظهور خواهد بود.

### ۱-۵. قتل نفس زکیه

#### اشاره

«کشته شدن انسانی بی گناه» یکی از نشانه های پنج گانه حتمی است. «نفس زکیه»؛ یعنی، فرد بی گناه، پاک و کسی که قتلی انجام نداده است (۵) و جرمی ندارد. این مضمون در آیات قرآن در داستان حضرت موسی علیه السلام نیز به کار رفته است. (۶) محمد بن مسلم می گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: ای فرزند رسول خدا! چه زمانی قائم شما قیام می کند؟ امام در پاسخ فرمود:

... وَ قُتِلَ غُلَامٌ مِّنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلِمَ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ اسْمُهُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ

- ۱- . نعمانی، الغیبه، ص ۲۷۹، باب ۱۴، ح ۶۷.
- ۲- . «فیبایعونه بین الرکن و المقام فیبعث الیه جیش من الشام حتی اذا کانوا بالبیداء خسف بهم ...»؛ عبد الرزاق، المصنف، ج ۱۱، ص ۳۷۱، ح ۲۰۷۶۹.
- ۳- . «یبایع لرجل بین الرکن و المقام ... فیغزوهم جیش من اهل الشام حتی اذا کانوا بالبیداء یخسف بهم ...»؛ ابن ابی شیبہ، المصنف، ج ۱۵، ص ۴۵، ح ۹۰۷۰.
- ۴- . «فیبایعونه بین الرکن و المقام فیبعث الیهم جیش من الشام فیخسف بهم البیداء ...»؛ احمد بن حنبل، مسند، ج ۶، ص ۳۱۶.
- ۵- . نک: طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۲۰۳ (زکا).
- ۶- . (أَقْتَلْتَ نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ)؛ کهف (۱۸)، آیه ۷۴.

## النَّفْسُ الزَّكِيَّةُ (۱)؛

جوانی از آل محمد علیهم السلام بین رکن و مقام کشته می شود، نام او محمد بن حسن نفس زکیه است.

در روایتی جابر جعفی از امام باقر علیه السلام نقل کرده است:

... وَ النَّفْسُ الزَّكِيَّةُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ؛ (۲) و نفس زکیه از فرزندان حسین علیه السلام است.

از ویژگی هایی که برای «کشته شدن نفس زکیه»، بیان شده و اهمیت این رخداد را می نمایاند، حتمی بودن این واقعه است. روایات متعددی با تعابیر گوناگونی چون «محتوم»، «لابد ان یكون»، «لا یخرج حتی» این مطلب را بیان می کنند. این حتمی بودن، در حدیث حمران بن اعین از امام صادق علیه السلام با تأکید بیشتری تبیین شده است:

مِنَ الْمَحْتُومِ الَّذِي لَا بُدَّ أَنْ يَكُونَ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ خُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ وَ حَسْفُ الْبَيْدَاءِ وَ قَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ وَ الْمُنَادِي مِنَ السَّمَاءِ؛ (۳)  
از نشانه های حتمی که ناگزیر پیش از قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود، خروج سفیانی و فرو رفتن در سرزمین بیداء و کشته شدن نفس زکیه و منادی از آسمان است. آنچه از روایات به دست می آید کلیاتی درباره قتل نفس زکیه و به چگونگی و اهداف او کمتر اشاره شده است.

## زمان و مکان قتل نفس زکیه

در مدت کمتر از پانزده شبانه روز پس از این حادثه قیام جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود. صدوق با ذکر سند از امام صادق علیه السلام نقل کرده است:

لَيْسَ بَيْنَ قِيَامِ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَيْنَ قَتْلِ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ إِلَّا خَمْسَ عَشْرَةَ

۱- صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۰، ح ۱۶.

۲- محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۶۴.

۳- محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۶۴، ح ۲۶.



لَيْلَهُ؛ (۱) بین قیام قائم آل محمد و کشتن نفس زکیه، پانزده شب فاصله خواهد بود.

در باره محل شهادت وی امام علی علیه السلام فرمود:

قَتَلَ نَفْسٍ حَرَامٍ فِي يَوْمٍ حَرَامٍ فِي بَلَدٍ حَرَامٍ...؛ (۲) کشته شدن انسان بی گناه در روز حرام در شهر حرام....

صدوق از امام باقر علیه السلام نقل کرده است که فرمود:

... وَ قُتِلَ غُلَامًا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلِمَ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ اسْمُهُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ...؛ (۳) و جوانی از آل محمد که نامش محمد بن حسن یا نفس زکیه است بین رکن و مقام کشته شود.

## دو. نشانه های غیر حتمی

طبق نگاه معمول به نشانه ها، در برابر نشانه های حتمی، «نشانه های غیر حتمی» (۴) قرار دارد؛ یعنی، مقید و مشروط به اموری است که در صورت تحقق آنها، پدید می آید. این نشانه ها، شاید پدید آید و شاید بدون پیدایش آنها، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند. پاره ای از نشانه های غیر حتمی از این قرار است:

۱. مرگ و میرها، زلزله ها و جنگ ها و آشوب های فراگیر؛

۲. خسوف و کسوف نابه هنگام؛

۳. بارش باران های فراوان و ...

البته برخی از نویسندگان نشانه ها را به انواع دیگری نیز تقسیم کرده اند که به نظر می رسد اثبات این انواع، کار آسانی نخواهد بود.

۱- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۴۹، ح ۲.

۲- . نعمانی، الغیبه، ص ۲۵۹، ح ۱۷.

۳- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۱، ح ۱۶.

۴- . در درس نخست به صورت پراکنده به برخی از این نشانه ها اشاره شد.

## خودآزمایی

۱. مشهورترین تقسیم بندی نشانه ها که از روایات قابل استفاده است کدامند؟
۲. ندای آسمانی به چه معناست؟ در باره چگونگی و گستره آن با استناد به روایات توضیح دهید.
۳. خروج سفیانی به چه معناست؟ در باره چگونگی خروج و سرانجام او توضیح دهید.
۴. یمانی کیست؟ زمان و مکان قیام او را با استفاده از روایات توضیح دهید.
۵. در باره قتل نفس زکیه توضیح داده، این اتفاق در چه زمانی پدید خواهد آمد؟

□□□

## منابع برای پژوهش

۱. خراسانی، محمد جواد، مهدی منتظر، تحقیق و تعلیق: سید جواد میرشفیعی خوانساری، قم، نور الاصفیاء، ۱۳۷۹ش.
۲. صادقی، مصطفی، تحلیل تاریخی نشانه های ظهور، چاپ اول، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵ش.
۳. صدر، سید محمد، تاریخ الغیبه الکبری، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
۴. ، تاریخ پس از ظهور، ترجمه حسن سجادی پور، چاپ اول، تهران، موعود عصر، ۱۳۸۴ش
۵. هاشمی شهیدی، سید اسدالله، زمینه سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ دوم، قم، انتشارات پرهیزکار، ۱۳۸۰ش.



## درس هشتم: نشانه های قیامت

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

اشراط الساعة:

دسته نخست:

دگرگونی های انسانی:

۱ خروج سفیانی؛

۲ خروج دجال؛

۳ خروج دابّه الارض؛

۴ خروج قائم؛

۵ نزول عیسی علیه السلام.

دسته دوم:

دگرگونی های کیهانی:

۱ دود در آسمان؛

۲ طلوع خورشید از مغرب؛

۳ فرو رفتن زمین در ناحیه مشرق؛

۴ فرو رفتن زمین در جزیره العرب؛

۵ آتشی از عدن.

## پیش درآمد

رستاخیز بزرگ (قیامت)، بزرگ ترین حادثه نظام آفرینش و پدیده ای است که همه پیامبران الهی به آن وعده داده اند. عظمت این حادثه به گونه ای است که بخش فراوانی از آیات قرآن، بدان اختصاص یافته است. این واقعه بزرگ همچون دیگر حوادث چشمگیر، دارای نشانه هایی است. بررسی روایات در این زمینه، اتفاق های فراوانی را در شمار این نشانه ها معرفی کرده که از جمله آنها «قیام و حکومت جهانی» آخرین حجت خداوند در زمین است.

بزرگی قیام جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در پایان دوران و آستانه قیامت، سبب شده تا نوعی درهم آمیختگی بین نشانه های این دو رخداد شکل گیرد. از این رو بررسی نشانه های قیامت، به نوعی بحث نشانه های مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را کامل می کند. بنابراین در این درس به اجمال به برخی از نشانه های نزدیک شدن قیامت اشاره می کنیم.

## نشانه های نزدیک شدن قیامت

### اشاره

پیش تر گذشت که «أشراط» جمع «شَرَط» به معنای

نشانه (۱) یا سرآغاز یک چیز است و «الساعه» به بخشی از بخش های شبانه روز گفته می شود و مقصود از آن در این جا قیامت است؛ به جهت اینکه وقوع آن ناگهانی است و یا اینکه طول آن نزد خداوند مانند ساعتی از ساعات بندگان است. (۲) پس مراد از «اشراط الساعه»، نشانه هایی است که پیش از قیامت یا در آستانه آن، پدید می آید. واژه «اشراط» در قرآن، فقط یک بار و به صورت اضافه به ضمیر «الساعه» به کار رفته است. (۳)

در روایات «اشراط الساعه»، زنجیره ای از پدیده های انسانی و طبیعی شمرده شده که از زمان بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آغاز و تا فروپاشی کامل نظام طبیعت ادامه می یابد و البته همه آنها را می توان نشانه هایی از نزدیک شدن رستاخیز بزرگ دانست.

علاوه بر واژه «اشراط» از واژه هایی چون «علامات» نیز برای نشانه های قیامت استفاده شده است. (۴)

در منابع اهل سنت روایات فراوانی درباره نشانه های قیامت نقل شده است. (۵) بخاری در صحیح خود از حدیث نقل کرده است: ما در حال

۱- . فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۲، ص ۹۴۲.

۲- . فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۲، ص ۹۰۷.

۳- . سوره محمد (۴۷)، آیه ۱۸.

۴- . شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۵۶.

۵- . جایگاه این بحث در میان اهل سنت سبب شده تا شمار قابل توجهی از آثار روایی آنان با همین عنوان و عنوان های مشابه آن نام گذاری شود. نک: اشراط الساعه اثر مجدی سید ابراهیم، اشراط الساعه نوشته خالد الغامدی، اشراط الساعه الکبری تألیف البنکانی، اشراط الساعه و امور الآخره نگاشته محمد بن احمد کنعان، الموسوعه فی الفتن و الملاحم و اشراط الساعه، نوشته محمد احمد مبیض، صحیح الفتن و اشراط الساعه، اثر ابو انس صدیق، علامات القیامه و اشراطها اثر الجمیلی و نهاییه العالم و اشراط الساعه نوشته منصور عبدالحکیم فقط بخشی از آثار با این عنوان است.

گفت و گو بودیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حاضر شد و فرمود: از چه سخن می گوئید؟ گفتیم از قیامت؛ فرمود:

أَنَّهَا لَنْ تَقُومَ حَتَّى تَرُونَ قَبْلَهَا عَشْرَ آيَاتٍ فَذَكَرَ الدُّخَانَ وَالدَّجَالَ وَالدَّابَّةَ وَطُلُوعَ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا وَنُزُولَ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَيَأْجُوجَ وَيَأْجُوجَ وَثَلَاثَةَ خُسُوفٍ: خَسْفٌ بِالْمَشْرِقِ وَخَسْفٌ بِالْمَغْرِبِ وَخَسْفٌ بِجَزِيرَةِ الْعَرَبِ وَآخِرُ ذَلِكَ نَارٌ تَخْرُجُ مِنَ الْيَمَنِ تَطْرُدُ النَّاسَ إِلَى مَحْشَرِهِمْ؛ (۱) قیامت آشکار نمی شود، مگر اینکه ده نشانه پیش از آن ببینید: دود، دجال، جنبنده، طلوع خورشید از سمت مغرب، نزول عیسی علیه السلام، یاجوج و ماجوج، لرزش زمین در مشرق و مغرب و در جزیره العرب و آخرین نشانه آتشی است که از سوی یمن آشکار شود و مردم را به سوی محشر سوق دهد.

آن حضرت در روایت دیگری درباره نشانه های قیامت می فرماید:

عَشْرٌ قَبْلَ السَّاعَةِ لَا بُدَّ مِنْهَا السُّفْيَانِيُّ وَالدَّجَالُ وَالدُّخَانُ وَالدَّابَّةُ وَخُرُوجُ الْقَائِمِ وَطُلُوعُ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا وَنُزُولُ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَخَسْفٌ بِالْمَشْرِقِ وَخَسْفٌ بِجَزِيرَةِ الْعَرَبِ وَنَارٌ تَخْرُجُ مِنْ قَعْرِ عَدَنٍ تَسُوقُ النَّاسَ إِلَى الْمَحْشَرِ؛ (۲) به ناگزیر ده چیز، پیش از برپایی قیامت، رخ خواهد داد: خروج سفیانی، دجال، پیدا شدن دود، جنبنده، خروج قائم علیه السلام، طلوع خورشید از مغرب آن، فرود آمدن عیسی علیه السلام، فرو رفتن [در زمین] در ناحیه مشرق و فرو رفتن در منطقه جزیره العرب و آتشی که از انتهای عدن بر می خیزد و مردمان را به سوی صحرای محشر راهنمایی می کند.

از آنجایی که روایات مربوط به نشانه های قیامت، در منابع اسلامی بویژه اهل سنت گستره بسیار وسیعی را به خود اختصاص داده و بررسی همه آنها فرصتی فراخ تر را می طلبد، در اینجا مبنای درس را بر روایت نقل شده از شیخ طوسی قرار می دهیم.

۱- . مسلم بن حجاج قشیری، صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۶۶. محمد بن اسماعیل بخاری،

۲- . طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۳۶، ح ۴۲۶؛ ر.ک: ابن حبان، الصحیح، ج ۱۵، ص ۲۵۷.

بنابراین می توان مجموعه «اشارات الساعه» را بویژه از نگاه منابع شیعی به دو بخش تقسیم کرد:

الف. تحولات انسانی که در حلقه پایانی زندگی دنیا رخ می دهد و عبارت است از: خروج سفیانی، دجال، جنبنده، خروج قائم و فرود آمدن حضرت عیسی.

دوم. دگرگونی های کیهانی که به فروپاشی نظام دنیا و ظهور قیامت می انجامد که عبارت است از: پیدا شدن دود، طلوع خورشید از مغرب آن، فرو رفتن [در زمین] در ناحیه مشرق، فرو رفتن در منطقه جزیره العرب و آتش عدن. (۱)

### یک. دگرگونی های انسانی

#### ۱۱. خروج سفیانی

##### ۱۱. خروج سفیانی (۲)

پیش از قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مردی از نسل ابوسفیان در منطقه شام خروج می کند و با تظاهر به دین داری، گروه فراوانی از مسلمانان را فریب می دهد و بخش گسترده ای از سرزمین های اسلامی (شام، حمص، فلسطین، اردن، قنسرین و منطقه عراق) را به تصرف خود در می آورد. (۳) در کوفه و نجف، به کشتار شیعیان می پردازد و برای کشتن و یافتن آنان جایزه تعیین می کند (۴)، مدت حکومت او، نه ماه است. (۵)

وی، آن گاه که از ظهور آن حضرت آگاه می شود، سپاهی بزرگ برای جنگ با ایشان

۱- از نگاه های دیگر، تقسیم بندی های دیگری نیز قابل ارائه است؛ مانند تقسیم از نظر زمان وقوع.

۲- به طور مفصل این نشانه در بحث نشانه های ظهور مطرح شد و در اینجا به طور مختصر به آن اشاره می شود.

۳- مقدسی شافعی، عقد الدرر، ص ۸۶.

۴- صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۱.

۵- طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۴۹.



میفرستد. (۱) به امر خدا، همه لشکریان وی جز چند نفر در منطقه «بیداء» (بین مکه و مدینه) در زمین فرو می روند و هلاک می شوند. (۲)

## ۲-۱. خروج دجال

«خروج دجال» از نشانه های قیامت است که به خاطر توجه بیش از حد به این پدیده در اینجا به تفصیل به آن می پردازیم. (۳)

«دجال» در زبان عربی به معنای «آب طلا» و «طلا اندود کردن» است و به همین علت، افراد بسیار دروغ گو که باطل را حق جلوه می دهند، «دجال» نامیده می شوند. (۴) از روایات استفاده می شود «دجال» ستم کاری است که در آخرالزمان، مردم را گمراه می کند. البته در آموزه های هر سه دین یهودیت، مسیحیت و اسلام از آن سخن به میان آمده است. برخی می گویند: دجال تولد یافته و زنده است. (۵)

در روایاتی چند از خروج «دجال» جزو «أَشْرَاطُ السَّاعَةِ» یاد شده است. (۶) برخلاف پافشاری برخی بر نشانه ظهور بودن آن، در منابع روایی شیعه، از آن به عنوان حادثه ای مهم یاد شده که مقارن ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رخ خواهد داد. (۷)

در باره دجال، چند احتمال وجود دارد:

- ۱- . ر.ک: متقی هندی، کنز العمال، ح ۳۱۵۳۵.
- ۲- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۷۹، ح ۶۷.
- ۳- . مبالغه آمیز نیست اگر گفته شود حجم روایات دجال در منابع اهل سنت چندین برابر روایات مهدویت است. نگارنده بر این اعتقاد است دست های پیدا و پنهان برخی مخالفان و دشمنان برای به حاشیه کشاندن بحث مهم و تأثیر گذار مهدویت سبب شده تا روایات فراوانی در باره دجال ساخته و در منابع روایی وارد شود.
- ۴- . ر.ک: ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۲۹۴.
- ۵- . ر.ک: متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۳۲۳ ۲۸۲.
- ۶- . مسلم، صحیح، باب فی الآیات التي تكون قبل الساعة، ح ۱؛ ترمذی، سنن، ج ۴، ص ۵۰۷؛ ابو داوود، سنن، ج ۴، ص ۱۱۵.
- ۷- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۰.

احتمال نخست اینکه: دجال، نام شخص معینی نیست و هر کسی که با ادعاهای پوچ و بی اساس و با حيله گری و نیرنگ، در صدد فریب مردم باشد، دجال است. اینکه در روایات، از «دجال»های فراوان سخن به میان آمده، این احتمال را تقویت می کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است:

لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَخْرُجَ الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي وَلَا يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ حَتَّى يَخْرُجَ سِتُّونَ كَذَابًا كُلُّهُمْ يَقُولُ أَنَا نَبِيٌّ؛ (۱) قیامت، برپا نمی شود تا وقتی که مهدی از فرزندانم، قیام کند. مهدی قیام نمی کند تا وقتی که شصت دروغ گو خروج کنند و هر کدام بگویند: من پیامبرم.

در روایات، از «دجال»ها و دروغ گویان فراوان نام برده شده است؛ چنان که در بعضی دوازده، در برخی سی و برخی هفتاد دجال آمده است. (۲) از میان آنها فردی که در دروغ گویی، حيله گری و مردم فریبی، سرآمد همه دجالان و فتنه اش از همه بزرگ تر است، نشانه برپایی قیامت می باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «پیش از خروج دجال، بیش از هفتاد دجال خروج خواهد کرد». (۳)

حقیقت داستان دجال، بیانگر این واقعیت است که در آستانه هر انقلابی، افراد فریبکار و منافقی که معتقد به نظام های پوشالی گذشته و حافظ ضد ارزش هاینند، برای نگه داشتن فرهنگ و نظام جاهلی گذشته، همه تلاش خود را به کار می گیرند و با سوء استفاده از زمینه های فکری و اجتماعی و احساسات مردم، دست به تزویر و حيله گری می زنند.

از آنجایی که انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از همه انقلاب های تاریخ بزرگ تر و گسترده تر است، خطر فریبکاران دجال صفت نیز به مراتب بیشتر

۱- . مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۱.

۲- . محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۹؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۱۹۸، ۲۰۰.

۳- . متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۰۰.

و گسترده تر است. در آستانه ظهور، آنان تلاش خواهند کرد که مردم را فریب داده، آنها را از نتیجه آن، دلسرد و ناامید سازند و از پیروزی حتمی آن جلوگیری کنند. البته می توان گفت: ممکن است یکی از آن دجّال ها که صفات زشت در او بیشتر از همه متبلور است یکی از نشانه ها باشد.

احتمال دوم آن است که فردی معین و مشخص، به نام «دجّال» با همان ویژگی هایی که برای وی بیان شده است خروج می کند و مردم را به انحراف می کشاند. برخی با استناد به روایاتی چند، او را زنده می دانند؛ برای مثال گفته می شود: او در زمان حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله زنده بوده و تا هنگام خروج، زنده خواهد ماند. (۱)

اصبح بن نباته از حضرت علی علیه السلام پرسید: «ای امیر مؤمنان! دجّال کیست؟» آن حضرت فرمود:

دجّال، صائد بن صائد (صید) است. بدبخت کسی است که او را تصدیق کند و خوشبخت آن است که او را تکذیب نماید. از شهری برمی آید که آن را اصفهان نامند؛ از دهی که آن را یهودیه گویند. (۲) چشم راستش ممسوح و چشم دیگرش بر پیشانی است و مانند ستاره صبح می درخشد. در آن، نقطه علقه ای است که با خون در آمیخته است و میان دو چشمش نوشته است: «کافر» و هر خواننده و بی سواد آن را می خواند. در دریاها فرو می رود و آفتاب با او می گردد. مقابل او کوهی از دود و عقبش کوهی سپید است که مردم تصور می کنند طعام است. در زمان قحطی و سختی خروج می کند؛ در حالی که بر الاغ سپیدی سوار است. هر قدم حمارش، یک میل است و زمین، منزل به منزل زیر پایش درنوردیده شود. بر آبی نگذرد، جز آنکه

۱- ر.ک: طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۱۳، ح ۸۶.

۲- در پاره ای روایات محل خروج او سجستان ذکر شده است. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۰.

فرو رود، تا روز قیامت. به آوازی که همه جن و انس و شیاطین در شرق و غرب عالم آن را می شنوند، فریاد می کند: «ای دوستان من! نزد من آیید. منم آنکه آفرید و تسویه کرد و تقدیر کرد و رهبری نمود. منم پروردگار شما!» دشمن خدا دروغ می گوید. او یک چشمی است که غذا می خورد و در بازارها راه می رود. به راستی که پروردگار شما نه یک چشم است و نه غذا می خورد؛ نه راه می رود و نه زوال دارد. برتر است خدا از این اوصاف؛ برتری بزرگی. آگاه باشید! بیشتر پیروانش در آن روزگار، ناپاک زادگانند و صاحب پوستین های سبز. خداوند تعالی او را در شام بر سر گردنه ای که آن را افیق نامند به دست کسی که عیسی علیه السلام پشت سرش نماز می خواند هنگامی که سه ساعت از روز جمعه گذشته باشد، خواهد کشت. آگاه باشید پس از آن، حادثه بزرگ و قیامت کبرا باشد. (۱)

احتمال سوم این است که برخی می گویند: که مراد از «دجال» همان سفیانی است که در کتاب های اهل سنت، بیشتر با عنوان «دجال» و در کتاب های شیعی با عنوان «سفیانی» آمده است! البته این احتمال مردود است. (۲)

در نهایت به نظر عده ای: دجال، کنایه از کفرجهانی و سیطره فرهنگ مادی بر جهان است. اینان براساس این احتمال، همه ویژگی هایی که برای دجال بیان شده، با ویژگی های استکبار جهانی برابر است. «استکبار» به معنای واقعی، دجال است که خود را قیم ملت ها می داند و با تکیه به ثروت انبوه و قدرت عظیم، در همه جای زمین دخالت می کند و همه را به زیر سلطه خویش می آورد. (۳)

۱- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۲۷، ح ۱. (با فرض پذیرش روایت، بعید نیست بسیاری از آنچه ذکر شده است، معنایی کنایی داشته باشد.)

۲- . طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۶۳.

۳- . سید محمد صدر، تاریخ غیبت کبرا، صص ۵۳۲-۵۳۶.

البته غیر از منابع اسلامی، اصل داستان «دجال» در کتاب های مسیحیان نیز آمده است. در انجیل، واژه «دجال» بارها به کار رفته و از کسانی که منکر حضرت مسیح باشند یا «پدر و پسر» را انکار کنند، «دجال» یاد شده است.

به عنوان مثال در رساله یوحنا آمده است: «دروغ گو کیست، جز آنکه مسیح بودن عیسی را انکار کند؟ آن، دجال است که پسر و پدر را انکار کند». (۱)

از نکات شگفت آور و تأمل برانگیز در انبوه روایات شیعه و سنی، ارتباط تنگاتنگی است که بین دجال و یهودیان مطرح شده است. از این نظر بیشتر پیروان دجال، یهودی معرفی شده اند (۲). در منابع اهل سنت به صورت عمده، سخن از کشته شدن دجال به دست عیسی علیه السلام است. (۳)

### ۳-۱. خروج دابه الارض

«خروج دابه الارض»، به معنای بیرون آمدن جنبنده زمین است. این پدیده، هم در روایات شیعه و اهل سنت، مورد اشاره قرار گرفته و از آن به عنوان «أشراط السّاعه» و یکی از نشانه های نزدیک شدن قیامت یاد شده است. (۴)

درباره ماهیت «دابه» و چگونگی خروج او، سخن هایی گفته و گمانه هایی زده شده است. برخی نوشته اند: «دابه»، به معنای جنبنده و «ارض» به معنای زمین است. بر خلاف آنچه برخی می پندارند، دابه فقط به جنبندگان غیرانسان

۱- رساله یوحنا، باب ۲، ۱۸ و ۲۲.

۲- ر.ک: صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۲۸، ح ۲؛ ابن ابی شیبّه، المصنف، ج ۸، ص ۶۶۱.

۳- تفسیر طبری، ج ۳، ص ۲۹۰، تفسیر ابن کثیر، ج ۱، ص ۵۷۹.

۴- ر.ک: صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۷۳؛ طوسی، کتاب الغیبه، ۲۶۶؛ ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۳، ص ۱۰۲، و در کتب

اهل سنت ر.ک: بیضاوی، انوارالتزیل و اسرار التأویل، ذیل: ۸۲ سوره نمل؛ ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۶، ص ۲۱۰.

اطلاق نمی شود؛ بلکه مفهوم وسیعی دارد که انسان ها را نیز در بر می گیرد؛ چنان که در آیه ۶ سوره «هود» می خوانیم:

(وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا...); هیچ جنبنده ای در زمین نیست مگر [اینکه] روزی اش بر عهده خداست.

در باره تطبیق این کلمه، بنای قرآن بر اجمال و ابهام بوده و یگانه وصفی که برای آن ذکر کرده، این است که با مردم سخن می گوید و افراد بی ایمان را مشخص می کند؛ ولی در روایات اسلامی و سخنان مفسران، بحث های فراوانی در این زمینه دیده می شود. در یک جمع بندی می توان آن را در دو دیدگاه خلاصه کرد:

الف. گروهی، آن را یک موجود جاندار و جنبنده غیرعادی از غیر جنس انسان، با شکل عجیب دانسته و برای آن عجایی نقل کرده اند. این جنبنده در آخرالزمان ظاهر می شود و از کفر و ایمان سخن می گوید و منافقان را رسوا می سازد و بر آنها علامت می نهد.

ب. جمعی دیگر به پیروی از روایات، او را یک انسان فوق العاده، متحرک، جنبنده و فعال می دانند که یکی از کارهای اصلی اش جدا ساختن صفوف مسلمین از کفار و منافقان و علامت گذاری آنان است. حتی از بعضی روایات استفاده می شود که عصای موسی و خاتم سلیمان، با او است. می دانیم عصای موسی، رمز قدرت و اعجاز، و خاتم سلیمان رمز حکومت و سلطه الهی است؛ بنابراین او یک انسان قدرتمند و افشاگر است.

در روایاتی دابه الارض بر شخص امیرمؤمنان علی علیه السلام تطبیق شده است. در تفسیر علی بن ابراهیم از امام صادق علیه السلام آمده است:

مردی به عمار یاسر گفت: «آیه ای در قرآن است که فکر مرا پریشان ساخته و مرا در شک انداخته است.» عمار گفت: «کدام آیه؟» گفت: «آیه (وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ

أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ...» (۱) این کدام جنبنده است؟» عمار گفت: «به خدا سوگند! روی زمین نمی نشینم، غذا نمی خورم و آبی نمی نوشم، تا دابُّهُ الْأَرْضِ را به تو نشان دهم.» پس به همراه آن مرد خدمت حضرت علی علیه السلام آمد؛ در حالی که حضرت غذا می خورد. هنگامی که چشم امام به عمار افتاد، فرمود: «بیا.» عمار آمد و نشست و با امام غذا خورد.

آن مرد سخت در تعجب فرو رفت و ناباورانه به این صحنه نگریست؛ چرا که عمار به او قول داده و قسم خورده بود تا به وعده اش وفا نکند، غذا نخورد. گویی قول و قسم خود را فراموش کرده است!

هنگامی که عمار برخاست و با حضرت علی علیه السلام خداحافظی کرد، آن مرد به او گفت: «عجیب است! تو سوگند یاد کردی که غذا نخوری و آب ننوشی و بر زمین ننشینی، مگر اینکه «دابُّهُ الْأَرْضِ» را به من نشان دهی!» عمار در پاسخ گفت: «من او را به تو نشان دادم، اگر فهمیدی.» (۲)

امام باقر علیه السلام فرمود:

امام علی علیه السلام پس از ذکر اوصاف خود، فرمود: ... من، همان جنبنده ای هستم که با مردم سخن می گوید.... (۳)

#### ۴-۱. خروج قائم

در روایاتی چند، قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام از بزرگ ترین پدیده هایی دانسته شده که در آستانه رستاخیز شکل می گیرد. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَقُومَ الْقَائِمُ الْحَقُّ مِنَّا وَ ذَلِكَ حِينَ يَأْذَنَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ

۱- نمل (۲۷)، آیه ۸۲.

۲- ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۵۱-۵۵۳.

۳- «...إِنِّي... وَالِدَابَّةُ الَّتِي تُكَلِّمُ النَّاسَ»، محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۹۸، ح ۳.

لَهُ وَمَنْ تَبِعَهُ نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُ هَلَكَ اللَّهُ اللَّهُ عِبَادَ اللَّهِ فَأَتَوْهُ وَلَوْ عَلَى النَّجْحِ فَإِنَّهُ خَلِيفَةُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ خَلِيفَتِي (۱)؛

قیامت بر پا نمی شود، تا اینکه قیام کننده ای به حق از خاندان ما قیام کند و این، هنگامی است که خداوند، به او اجازه فرماید. هر کس از او پیروی کند، نجات می یابد و هر کس از او سرپیچد، هلاک خواهد شد.

### ۵-۱. نزول عیسی علیه السلام

فرود آمدن پیامبر بزرگ خدا، عیسی بن مریم هنگام قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از دیدگاه همه مسلمانان، یک واقعیت ثابت و از اموری است که تردید در آن راه ندارد. (۲) این حادثه بزرگ از شگفت انگیزترین حوادث تاریخ، مهم ترین رخدادها، بزرگ ترین نشانه ها و پرشکوه ترین دلیل ها بر حقانیت امام مهدی علیه السلام است. ابوبصیر گوید: [به امام صادق علیه السلام] عرض کردم: «ای پسر رسول خدا! قائم شما اهل بیت کیست؟» فرمود:

يَا أَبَا بَصِيرٍ هُوَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ ابْنِ مُوسَى، ذَلِكَ ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ، يَغِيبُ غَيْبَهُ يَرْتَابُ فِيهَا الْمُبْطُلُونَ، ثُمَّ يُظْهِرُهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَيَفْتَحُ اللَّهُ عَلَى يَدِهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا، وَيَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عَيْسَى بْنِ مَرْيَمَ فَيُصَلِّي خَلْفَهُ وَتُشْرِقُ الْأَرْضُ نَوْرَ رَبِّهَا...؛ (۳) ای ابوبصیر! او پنجمین از فرزندان پسر موسی است. او فرزند سرور کنیزان است و غیبتی می کند که باطل جویان در آن شک می کنند! خدای تعالی او را آشکار می کند و به دست او شرق و غرب عالم را می گشاید. روح الله عیسی بن مریم فرود می آید و پشت سر او نماز می گزارد. زمین به نور پروردگارش روشن می شود...»

مسلمانان به پیروی از قرآن کریم، عیسی بن

۱- . صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۵۹. ر.ک: اربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه علیهم السلام، ج ۲، ص ۴۵۹.

۲- . مقدسی شافعی، عقد الدرر، ص ۲۷۴.

۳- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۳، ح ۳۱.



مریم را بنده وارسته و شایسته خدا و پیامبر بزرگ او می شمارند و همان گونه که قرآن بارها او را به پاکی، طهارت و قداست و احترام یاد می کند، از وی تجلیل می کنند. به سبب اهمیت این موضوع و شکوه و شخصیت والای آن حضرت است که او، به اراده خدا و برای تقویت حرکت جهانی و نجات بخش امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر ظهور، از آسمان فرود می آید.

روایات بسیاری در این باره از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و خاندان وحی و رسالت علیهم السلام رسیده و در آن، به فرود آمدن عیسی علیه السلام و اقتدای او به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تصدیق و تأیید آن، اصلاح گر بزرگ عصرها و نسل ها، تصریح شده است. (۱)

بنابراین یکی از حکمت های فرود آمدن آن حضرت در قیام امام مهدی علیه السلام، تقویت این حرکت جهانی و اعتراف و تصدیق به حقانیت آن وجود گرانبه و امامت او است؛ بویژه آنکه حضرت عیسی علیه السلام به امام مهدی علیه السلام اقتدا می کند و به امامت او نماز می گزارد و امامت او را تصدیق و تأیید می کند.

## دو. دگرگونی های کیهانی

### ۱-۲. دود در آسمان

یکی از نشانه های قیامت، پر شدن آسمان از دود است. برخی از مفسران منظور از «دخان مبین» را در آیه (فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ)؛ (۲) همان دود غلیظی دانسته اند که در پایان جهان و آستانه قیامت، صفحه آسمان را می پوشاند و

- 
- ۱- ر.ک: سید محمد کاظم قزوینی، امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور، صص ۶۷۸-۶۸۰؛ همچنین ر.ک: صدوق، الامالی، ص ۲۷۱، ح ۸؛ طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۴۷۰؛ صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۳۲۰، ح ۱؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۴۹، ح ۱۰؛ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۰، ح ۲۷، ج ۲، ص ۳۴۵، ح ۳۱.
  - ۲- «پس در انتظار روزی باش که آسمان دودی نمایان برمی آورد.»؛ دخان (۴۴)، آیه ۱۰.

سرآغاز عذاب دردناک الهی، برای ستمگران است. (۱)

## ۲-۲. طلوع خورشید از مغرب

اگر چه در باره چگونگی این پدیده سخن روشنی در روایات به چشم نمی خورد؛ اما برخی از بزرگان درباره چگونگی این اتفاق نوشته اند: «خورشید، هنگام ظهر در آسمان، راکد می شود و ساعتی چند تا هنگام عصر پیدا نباشد؛ آن گاه از مغرب آشکار شود (۲).»

عده ای نیز این امر را بعید پنداشته آن را مستلزم در هم ریختن و از هم پاشیدن نظم جهان و تغییر در حرکت منظومه خورشیدی دانسته اند که با اصول حاکم بر نظام طبیعت، ناسازگار است!! ولی به نظر می رسد این امر، همانند بسیاری دیگر از امور، از آیات الهی خواهد بود. افزون بر آن، نظیر این اتفاقات پیش تر نیز در آسمان رخ داده است که از جمله آنها «ردّ الشَّمس» (بازگشتن خورشید) برای یوشع بن نون بوده است.

در برخی دیگر از نوشته ها نیز آمده است: «مقصود از طلوع خورشید از مغرب، ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. بدین معنا که او، همان خورشید است که در پایان عمر طولانی خویش، طلوع خواهد کرد.» (۳)

از آنجایی که چنین مطلبی در کلام معصوم علیه السلام نیامده و علاوه بر آن، در روایات، سخن از طلوع خورشید از مغرب در ردیف قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ذکر شده است؛ بنابراین، طلوع خورشید از مغرب، حادثه ای است که پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام و در آستانه قیامت روی خواهد داد.

۱- ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص ۱۶۳.

۲- مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۶۸.

۳- صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۷، ح ۱.

**۲-۳. فرو رفتن زمین در ناحیه مشرق**

در روایات اشاره روشنی به چگونگی این نشانه نشده و فقط به فرو رفتن زمین در مشرق، بسنده شده است.

**۲-۴. فرو رفتن زمین در جزیره العرب**

هرچند از این پدیده نیز به روشنی صحبت نشده است؛ اما به نظر می رسد همان «خسف به بیداء» باشد. واژه «خَسَفَ» به معنای فرو رفتن و پنهان شدن است و «بیداء» نام سرزمینی بین مکه و مدینه است. (۱) منظور از «خسف به بیداء» آن است که سفیانی با لشکری عظیم به قصد جنگ با حضرت مهدی علیه السلام عازم مکه می شود؛ اما آنان بین مکه و مدینه در محلی که به سرزمین «بیداء» معروف است به امر خداوند، در زمین فرو می روند. (۲)

**۲-۵. آتشی از عدن**

آخرین نشانه و نزدیک ترین نشانه به برپایی قیامت، به احتمال آتشی است که از عدن بیرون آمده، مردم را به محشر سوق می دهد (تَسُوْقُ النَّاسَ إِلَى الْمَحْشَرِ).

در برخی روایات، افزون بر موارد یادشده، ناهنجاری های اجتماعی و گناهان آشکار و عمومی نیز به عنوان «اشراط الساعه» نام برده شده که مشروح ترین و جامع ترین حدیث در این زمینه آن است که ابن عباس از پیغمبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در داستان حجه البلاغ نقل کرده است. (۳) در بخشی از آن آمده است:

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در کعبه را گرفت و سپس روی

۱- ابن منظور، لسان العرب، ماده خسف و بیداء.

۲- در بحث نشانه های ظهور به طور مفصل در باره آن بحث شد.

۳- علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۰۳ و ۳۰۷؛ و نیز نک: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۶۱.

خود را به طرف ما کرد و فرمود: می خواهید شما را خبر دهم از نشانه های قیامت؟ و در آن روز سلمان رضی الله عنه از هر کس دیگر به آن حضرت نزدیک تر بود؛ لذا در پاسخ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عرضه داشت: بله، یا رسول الله! حضرت فرمود:

یکی از علامت های قیامت این است که نماز ضایع می شود (یعنی از میان مسلمین می رود) و از شهوات پیروی می شود و مردم به سوی هواها میل می کنند. مال مقامی عظیم پیدا می کند و مردم آن را تعظیم می کنند. دین به دنیا فروخته می شود. در آن زمان است که دل افراد با ایمان در درونشان، برای منکرات بسیاری که می بینند و نمی توانند آن را تغییر دهند، آب می شود آن چنان که نمک در آب حل می گردد...

سلمان با شگفتی گفت: یا رسول الله! به راستی چنین روزی خواهد رسید؟

فرمود: آری، به آن خدایی که جانم به دست او است، ای سلمان!... در این هنگام منکر، معروف، و معروف منکر می شود. خائن امین قلمداد می گردد و امین خیانت می کند. دروغگو تصدیق می شود و راستگو تکذیب می گردد.

سلمان شگفت زده پرسید: یا رسول الله! به راستی چنین چیزی خواهد شد؟

فرمود: آری به آن خدایی که جانم به دست او است ای سلمان!... در آن روز ربا همه جا را می گیرد و یک عمل آشکار می شود. معاملات با غیبت و رشوه انجام می شود و دین خوار و دنیا بلند مرتبه می شود.

سلمان گفت: یا رسول الله آیا این نیز واقع خواهد شد؟

فرمود: آری به آن خدایی که جانم به دست او است ای سلمان! در این هنگام طلاق زیاد می شود و هیچ حدی جاری نمی گردد، البته خدای تعالی از این بابت هرگز متضرر نمی شود....

سلمان عرضه داشت: یا رسول الله آیا چنین وضعی خواهد شد؟

فرمود: آری به خدایی سوگند که جانم به

دست او است ای سلمان! این وقتی است که حرمت‌ها و قرق‌ها شکسته می‌شود و مردم از روی آگاهی و عمدی در پی ارتکاب گناه هستند. اشرار بر اختیار مسلط می‌شوند؛ دروغ آشکار و بی‌پرده و لجاجت‌ها ظاهر می‌گردد و فقرا فقر خود را علنی می‌کنند. مردم در لباس به یکدیگر فخرفروشی می‌کنند و باران در غیر فصل آن می‌باشد. مردم شطرنج و نرد و موسیقی را کاری پسندیده می‌شمارند و در مقابل امر به معروف و نهی از منکر را عملی نکوهیده می‌دانند تا آنجا که یک فرد با ایمان ذلیل‌ترین و منفورترین فرد امت می‌شود.... (۱)

---

۱- محمد حسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۶۴۹-۵۵۲.

## خودآزمایی

۱. دجال در لغت به چه معناست و مقصود از خروج دجال چیست؟ ارتباط آن با مهدویت چگونه است؟
۲. در باره دجال و خروج او احتمالاتی داده شده است؛ هر یک را به اختصار بیان نمایید.
۳. مقصود از خروج دابه الارض چیست؟ دیدگاه‌هایی را که در این باره ذکر شده، توضیح دهید.
۴. یکی از نشانه‌های قیامت نزول حضرت عیسی علیه السلام است؛ در این باره توضیح داده ارتباط آن را با مهدویت بیان نمایید.
۵. در باره طلوع خورشید از مغرب توضیح داده، چگونگی این اتفاق را شرح دهید.

□□□

## منابع برای پژوهش

۱. فاطمیان، علی، نشانه‌های پایان، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران: ۱۳۸۱ ش.
۲. صدر، سید محمد، تاریخ پس از ظهور، ترجمه حسن سجادی پور، چاپ اول، موعود عصر، تهران: ۱۳۸۴ ش.
۳. مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مدرسه امام علی علیه السلام، قم: ۱۳۸۰ ش.
۴. امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، چ نوزدهم: شفق، قم ۱۳۷۹ ش.
۵. قزوینی، سید محمد کاظم، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا ظهور، ترجمه حسین فریدونی، نشر آفاق، تهران: ۱۳۷۹ ه. ش.



## درس نهم: ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف (کلیات)

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

مفاهیم و کلیات ظهور:

ظهور در لغت و اصطلاح؛

ظهور امام مهدی علیه السلام از نگاه روایات؛

دیدن ظهور مهدی علیه السلام آرزوی صالحان؛

وقت ظهور؛

آگاه شدن امام مهدی علیه السلام از زمان ظهور؛

محل ظهور؛

مراسم ظهور؛

شادمانی اهل آسمان و زمین از ظهور مهدی علیه السلام؛

امر به پذیرفتن مهدی علیه السلام؛

بیعت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.



## پیش درآمد

برانگیخته شدن و ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، بزرگ ترین حادثه ای است که در پایان دوران رخ می دهد و به آرمان بلند همه پیامبران الهی و آرزوی همه انسان ها جامه عمل پوشانده می شود. ظهور او به عنوان سرآغاز بنیان جهانی است که در آن همه انسان ها بر محور عدل، آخرین صفحات کتاب زندگی روی زمین را به نگارش در می آورند.

ظهور او عینیت بخشی به وعده های همه پیامبران الهی در تحقق جامعه آرمانی بر مدار یکتاپرستی است. او نه تنها موعود آموزه های ادیان الهی که پاسخی است از خداوند به میل درونی و نیاز فطری همه انسان ها.

ظهور او، برانگیخته شدن انسانی است بی مانند که برای تحقق اهداف دیرینه همه انبیا و اولیای خداوند به پا می خیزد تا به نور ایمان و عدالت، سرتاسر گیتی را روشن کند.

در این درس تلاش می شود به بعضی از مباحث مهم ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره شود، از این رو برای علاقه مندان به بررسی های عمیق تر کتاب های مفصل توصیه می شود.

## ظهور

از اصطلاحات رایج در فرهنگ مهدویت، واژه «ظهور» است. این کلمه از نظر لغت به معنای آشکار شدن چیزی است که پیش تر ظاهر نبوده است (۱) و در اصطلاح، ظاهر شدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از پنهان زیستن طولانی، برای قیام و برپایی حکومت عدل جهانی است.

افزون بر واژه «ظهور» واژه «بعث» و «قیام» نیز برای ظهور به کار رفته است. «بعث» به معنای فرستادن، (۲) برانگیختن و برانگیخته شدن است. این کلمه بیشتر در باره برانگیخته شدن پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم به کار رفته است؛ اما در بعضی از روایات ظهور و گاهی قیام حضرت مهدی صلی الله علیه و آله و سلم با این واژه بیان شده است. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

ابشركم بالمهدى يبعث فى امتى على اختلاف من الناس...؛ (۳) بشارت باد شما را به مهدی که در هنگام اختلاف مردم برانگیخته شود....

طوسی در کتاب الغیبه (۴) و اربلی در کتاب کشف الغمه (۵) این روایت را به نقل از ابو سعید خدری نقل کرده اند. امام رضا علیه السلام نیز فرمود:

... حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ لِهَذَا الْأَمْرِ غُلَامًا مِّنَّا حَفِيًّا الْوَلَادَةِ وَالْمَنْشَأِ غَيْرِ حَفِيٍّ فِي نَسَبِهِ؛ (۶) تا اینکه خداوند بر این امر جوانی از ما را برانگیزد؛ ولادت و منشأ مخفی و نسبش آشکار است.

- ۱- . خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۴، ص ۳۷.
- ۲- . خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۲، ص ۱۱۲.
- ۳- . احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۳، ص ۳۷.
- ۴- . طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۷۸.
- ۵- . اربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۲، ص ۴۷۱.
- ۶- . محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۴۱، ح ۲۵؛ ج ۳، ص ۵۰۳.

## یک. اصطلاح ظهور از نگاه روایات

## اشاره

در روایات معصومین علیهم السلام آن گاه که سخن از «ظهور» به میان می آید، بیشتر به آشکار شدن حضرت اشاره دارد؛ اما گاهی به موضوعات دیگری نیز اشاره می شود:

## ۱-۱. آشکار شدن امام مهدی علیه السلام پس از غیبت

امام باقر علیه السلام در این باره فرمود:

إِنَّ لِلْغَلَامِ غَيْبَةً قَبْلَ ظُهُورِهِ؛ (۱) همانا برای قائم، غیبتی است پیش از ظهورش....

امام صادق علیه السلام در روایتی ظهور وی را به اراده الهی دانسته، می فرماید:

فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ ذِكْرُهُ إِظْهَارَ أَمْرِهِ نَكَتَ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةً فَظَهَرَ فَقَامَ بِأَمْرِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى؛ (۲) چون خدای عزّ ذکره اراده کند که امر او را ظاهر سازد، در دلش نکته ای می گذارد؛ پس ظاهر می شود و به امر خدای تبارک و تعالی قیام می کند.

در باره چگونگی این آشکار شدن سخنی روشن در روایات نیامده است؛ اما از آنجا که این ظهور پایان غیبت دانسته شده، می توان این آشکار شدن را طبق روایاتی که به چگونگی غیبت اشاره کرده اند، تعریف کرد. برخی روایات غیبت را ناپیدایی دانسته اند. بر این اساس ظهور حضرت، به معنای کنار رفتن پرده از مقابل دیدگان مردم و آشکار شدن ناگهانی او است. در حالی که طبق روایات ناشناسی، ظهور به معنای معرفی آن حضرت توسط خودش به مردم است.

## ۱-۲. همه دوران ظهور و آشکار بودن حضرت

امام صادق علیه السلام فرمود:

تَوَاصَلُوا وَتَبَارَكُوا وَتَرَاخَمُوا فَوَ الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسَمَةَ لِيَأْتِيَنَّ عَلَيْكُمْ

۱- صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۴۶، ح ۹؛ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۲۹، ح ۲۷۴.

۲- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۴۳، ح ۳۰؛ محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۱۸۷، ح ۴۰؛ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۴۹، ح ۴۲.

وَقْتُ لَا يَجِدُ أَحَدُكُمْ لِدِينَارِهِ وَدِرْهَمِهِ مَوْضِعًا يَعْنِي لَا يَجِدُ عِنْدَ ظُهُورِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامِ مَوْضِعًا يَصْرِفُهُ فِيهِ لِاسْتِغْنَاءِ النَّاسِ جَمِيعًا بِفَضْلِ اللَّهِ وَفَضْلِ وَلِيِّهِ؛ (۱) به یکدیگر پیوندید و نیکی کنید و نسبت به هم مهربان باشید؛ پس سوگند به آن که دانه را شکافته و جانداران را از نیستی آفرید! روزی فرا می رسد که هیچ یک از شما جایی برای درهم و دینارش نمی یابد؛ یعنی به هنگام ظهور قائم علیه السلام محلی که در آن درهم و دینار خود را صرف کند، نمی یابد به جهت بی نیازی همه مردم که با فضل خدا و ولی او حاصل شده است.

### ۳-۱. آشکار شدن دولت حق

#### اشاره

امیر مؤمنان علی علیه السلام در خطبه ای فرمود:

... سَيَحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَمْحَقُ الْبَاطِلَ هَا هَا طُوبَى لَهُمْ عَلَى صَبْرِهِمْ عَلَى دِينِهِمْ فِي حَالِ هُدْيَتِهِمْ وَيَا شَوْقَاهُ إِلَى رُؤْيَتِهِمْ فِي حَالِ ظُهُورِ دَوْلَتِهِمْ...؛ (۲) خدا هم با کلمات خود (ائمه یا آیات قرآن و یا تقدیر خود) حق را ثابت کند و باطل را از میان ببرد. آه آه، خوشا به حالشان که در زمان صلح و آرامش، بر دینشان شکیبایی ورزیدند، هان از اشتیاق به دیدارشان در زمان ظهور دولتشان....

#### اشتیاق صالحان به درک زمان ظهور

درک زمان ظهور دارای فضیلت فراوانی است؛ از این رو انسان های صالح در طول تاریخ، همواره آرزومند حضور در آن دوران بوده اند. پیشوایان معصوم علیهم السلام همواره به ارجمندی حضور در آن رخداد بزرگ اشاره می کردند. امام علی علیه السلام در روایت یاد شده در بحث قبل به این مسئله اشاره فرموده است. حضرت حسین بن علی علیهما السلام نقل کرده است:

مردی نزد پدرم آمد و از اوصاف مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرسید. ایشان وقتی صفات او را ذکر

۱- نعمانی، الغیبه، ص ۱۵۰؛ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۴؛ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۳۸۲.

۲- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۵، ح ۳.

کرد، با حالتی سرشار از عشق و شیدایی، به سینه خود اشاره کرده، آهی کشید و از شدت اشتیاق به ایشان، به سینه خود اشاره فرمود. (۱)

ابوبصیر از امام باقر علیه السلام نقل کرده است:

... فَيَا طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَهُ وَكَانَ مِنْ أَنْصَارِهِ؛ (۲) پس خوشا به حال آن که او را در می یابد و از یاران اوست.

ام هانی ثقفیه گوید:

بامدادی خدمت سرورم، امام محمد باقر علیه السلام رسیدم و گفتم: ای آقای من! آیه ای از کتاب خدا بر دلم خطور کرده، مرا پریشان ساخته و خواب از چشمم ربوده است. فرمود: ای ام هانی! پرس. پرسیدم: ای سرورم! این قول خداوند: (فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُوسِ، الْجَوَارِ الْكُنُوسِ)؛ (۳) فرمود: ای ام هانی! خوب مسأله ای پرسیدی. این، مولودی در آخر الزمان است. او مهدی این عترت است و برای او حیرت و غیبتی خواهد بود که اقوامی در آن، گمراه می شوند و اقوامی نیز هدایت می یابند.؛ (۴) خوشا بر تو اگر او را دریابی! و خوشا بر کسی که او را دریابد!

کلینی بخش پایانی روایت را این گونه نقل کرده است:

ثُمَّ يَظْهَرُ كَالشَّهَابِ يَتَوَقَّدُ فِي اللَّيْلِ الظُّلَمَاءِ فَإِنْ أَدْرَكَتِ زَمَانَهُ قَرَّتْ عَيْنُكَ؛ (۵) ... سپس مانند شعله ای در شب تاریک فروزان می شود، اگر زمان او را درک کنی، چشمت روشن می گردد.

۱- «... وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ شَوْقًا إِلَى رُؤْيَيْهِ»؛ نعمانی، الغیبه، ص ۲۱۲، ح ۱.

۲- نعمانی، الغیبه، ص ۲۳۴، ح ۲۲.

۳- تکویر (۸۱)، ۲ و ۳.

۴- «فَيَا طُوبَى لَكَ إِنْ أَدْرَكَتَهُ، وَيَا طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَهُ» صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، باب ۳۲، ح ۱۴.

۵- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۴۱.

امام صادق علیه السلام در باره زمان آن حضرت فرمود:

فَطُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ الزَّمَانَ؛ (۱) پس خوشا به حال آن که آن زمان را درک کند.

امامان معصوم علیهم السلام با این تعبیرها به بزرگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و دوران ظهور او را خاطر نشان می ساختند.

## دو. ابعاد و مراحل ظهور

### ۱-۲. وقت ظهور

یکی از موضوعات مهم در مباحث مهدویت، «وقت ظهور» است؛ به گونه ای که حتی سال ها پیش از ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، درباره آن، از معصومان علیهم السلام پرسش می شد. آنان نیز مسائل مربوط به آن حضرت بویژه زمان ظهور آن حضرت را از رازهای الهی دانسته و وقت گذاران را تکذیب می کردند. با گذری کوتاه در سخنان ائمه اطهار علیهم السلام درباره وقت ظهور، به مطالب ذیل بر خواهیم خورد:

۱. آشکار کردن زمان ظهور، فقط از آن خداوند عزوجل است.

در روایت مشهوری آمده است:

وقتی دعبل شاعر بلند آوازه شیعی در محضر امام رضا علیه السلام در ضمن قصیده ای، سخن از ظهور و قیام حضرت مهدی علیه السلام بر زبان جاری ساخت، آن حضرت در حالی که سرشک از دیدگانش جاری بود، رو به دعبل کرد و فرمود: ای خزاعی! همانا روح القدس بر زبانت، این دو بیت را جاری ساخت. آیا می دانی این امام کیست و چه زمانی قیام می کند؟

آن گاه خود آن حضرت به معرفی امام مهدی علیه السلام پرداخت. سپس درباره زمان ظهورش چنین فرمود: اما اینکه «چه زمانی ظهور خواهد کرد»، این خبر دادن از وقت است.

۱- محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۹۰، ح ۲۱؛ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۳۴، ح ۵.

پدرم از پدرش و ایشان از پدران‌ش از رسول گرامی اسلامی صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده اند که وقتی از آن حضرت سؤال شد: ای رسول خدا! چه زمانی قائم از ذریه شما ظهور می کند؟ آن حضرت فرمود: **مَثَلُهُ مَثَلُ السَّاعَةِ (الَّتِي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا- هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيَنَّكُمْ إِلَّا بَعَثَةً)** (۱)؛ (۲) جز او [هیچ کس] آن را به موقع خود آشکار نمی گرداند. [این حادثه] بر آسمان‌ها و زمین گران است، جز ناگهان به شما نمی رسد.

پنهان بودن زمان ظهور، همانند زمان قیامت و رستاخیز است که یک نوع آزادی عمل برای همگان پیدا می شود. از سوی دیگر چون زمان آن به طور دقیق معلوم نیست و در هر زمان محتمل است، نتیجه اش حالت آماده باش دائم است. درباره قیام حضرت مهدی علیه السلام نیز اگر تاریخ تعیین می شد و زمان ظهور دور بود، همه در غفلت و غرور و بی خبری فرو می رفتند و اگر زمانش نزدیک بود، ممکن بود آزادی عمل را از دست بدهند و اعمالشان جنبه اضطراری پیدا کند. همان گونه که آشکار کردن زمان رستاخیز بزرگ، فقط در اختیار خداوند است، اعلان زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز در دست خداوند است.

خداوند در ادامه آیه یاد شده، آگاهی به قیامت را در علم خداوند دانسته است:

(يَسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ خَفِيٌّ عَنْهَا قُلُوبًا إِنَّمَا عَلِمَهَا عِنْدَ اللَّهِ)؛ (۳) [باز] از تو می پرسند، گویا تو از [زمان وقوع] آن آگاهی، بگو: «علم آن، تنها نزد خداست».

بر این اساس این که عده ای به خود جرئت می دهند و به راحتی هنگام ظهور را تعیین

۱- اعراف (۷)، آیه ۱۸۷.

۲- صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۶۶؛ همو، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۲.

۳- اعراف (۷)، آیه ۱۸۸.

می کنند، جای بسی تأمل است!

وقتی چنین پرسشی از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز مطرح شد، ضمن توقیعی اینسان پاسخ فرمود:

وَأَمَّا ظُهُورُ الْفَرَجِ فَإِنَّهُ إِلَى اللَّهِ وَكَذَبَ الْوَقَاتُونَ؛ (۱) اما ظهور فرج همانا در اختیار خداوند متعال است و وقت گذاران دروغ گفتند.

آن حضرت در آخرین توقیع به سفیر چهارم خود، ظهور را فقط در اراده و اختیار خداوند دانسته، می فرماید:

... ولا ظهور إلا بعد إذن الله؛ (۲) ... ظهوری نخواهد بود؛ مگر آن گاه که خداوند اجازه فرماید.

پس زمان آغاز ظهور، یکی از اسرار الهی است و اندیشه و فکر بشر از رسیدن به آن، سخت کوتاه و ناتوان است.

۲. روایات فراوانی ظهور را ناگهانی دانسته (۳) و احادیثی اصلاح امر فرج را یک شبه ذکر کرده است.

امام علی علیه السلام نقل کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

الْمُهْدِي مِّنْ أَهْلِ الْأَيْمَنِ يُصْلِحُ اللَّهُ لَهُ أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ؛ (۴) مهدی از ما اهل بیت است که خداوند امر [فرج] او را در یک شب اصلاح می فرماید.

امام باقر علیه السلام نیز پس از بیان غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، فرمود:

ثُمَّ يَبْدُو كَالشَّهَابِ الْوَقَادِ فِي ظُلْمَةِ اللَّيْلِ؛ (۵) او همانند شهابی شعله ور در تاریکی شب، آشکار خواهد شد.

۱- . طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۹۱.

۲- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۱۶، ح ۴۴؛ قطب الدین راوندی، الخرایج والجرایح، ج ۳، ص ۱۱۲۸؛ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۹۵.

۳- . بر خلاف پندار کسانی که ظهور را با غیبت مقایسه کرده، گفته اند: چون غیبت صغرا مقدمه غیبت کبرا بود، پس دورانی به عنوان ظهور اصغر در پیش داریم.

۴- . نعمانی، الغیبه، ص ۱۶۳؛ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۱۵۲.

۵- . طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۵۹؛ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۴.



## ۲-۲. آگاه شدن امام مهدی علیه السلام از زمان ظهور

آگاه شدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از وقت ظهور، براساس الهام خواهد بود. بدون شک، معصومان علیهم السلام مورد الهام خداوند قرار می گیرند. البته وحی، به صورت رسمی با رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پایان گرفت؛ ولی در موارد فراوانی به اهل بیت علیهم السلام الهاماتی شده و خواهد شد. برخی روایات چگونگی آگاه شدن حضرت مهدی علیه السلام از زمان ظهور را از راه الهام ذکر کرده است.

مفضل بن عمر گوید: امام صادق علیه السلام در باره آیه (فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ)، فرمود:

إِنَّ مِنَّا إِمَامًا مُّظَفَّرًا مُّسْتَتِرًا فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ ذِكْرُهُ إِظْهَارَ أَمْرِهِ نَكَتَ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةً فَظَهَرَ فَقَامَ بِأَمْرِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى؛ (۱) همانا امام پیروز و پنهان از ما خاندان است و چون خدای عزّ ذکره اراده کند که امر او را ظاهر سازد، در دلش نکته ای می گذارد. سپس ظاهر می شود و به امر خدای تبارک و تعالی قیام می کند.

## ۲-۳. محل ظهور

در باره محل ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و گردآمدن یاران ویژه او و نیز پیمان مردم با وی، در روایات پرشماری بین رکن و مقام در مسجد الحرام دانسته شده است. این روایات در دسته های زیر قابل تقسیم است:

۱. ظهور از مکه؛

۲. ظهور از مسجد الحرام؛

۳. ظهور از بین رکن و مقام.

مسجد الحرام از مهم ترین مساجد روی زمین است که محیط بر کعبه و قبله گاه مسلمانان است. بین مسلمین از جایگاه ویژه ای برخوردار بوده

۱- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۴۳، ح ۳۰؛ نعمانی، الغیبه، ص ۱۸۷، ح ۴۰؛ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۶۴؛ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۴۹، ح ۴۲؛ محمد بن عمر کشی، رجال الکشی، ص ۱۹۲.

و در قداست و عظمت ویژه ای در تاریخ بعثت پیامبران الهی دارد.

آغاز رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از آنجا بوده و نیز همه مسلمانان به طرف آن نماز می گزارند؛ به همین در نگاه آنان دارای عظمت است؛ بویژه آنکه محل آغاز ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. (۱)

اگرچه همه مکان های این مسجد دارای عظمت و اهمیت است، اما در برخی روایات تأکید شده محل آشکار شدن امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بین رکن و مقام است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

فِيهِمْ مَهْدِي أُمَّتِي مُحَمَّدٌ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا، وَاللَّهِ إِنِّي لَأَعْرِفُ مَنْ يُبَايِعُهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ وَأَعْرِفُ أَسْمَاءَ آبَائِهِمْ وَقَبَائِلِهِمْ؛ (۲) مهدی امتم میان ایشان (امامان) محمدی است که زمین را از عدل و داد آکنده سازد؛ همچنان که از ظلم و جور پر شده باشد. به خدا سوگند! من کسانی را که میان رکن و مقام با او بیعت می کنند، می شناسم و اسامی پدران و قبایلشان را نیز می دانم.

در برخی آثار اهل سنت نیز جایگاه بیعت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با یارانش، دانسته شده است. (۳) در هر حال محل ظهور حضرت، میان رکن و مقام در مسجد الحرام است.

#### ۴-۲. چگونگی ظهور

ابو خالد کابلی از امام باقر علیه السلام روایت کند که در باره آیه: (فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ

۱- . طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۷۷، ح ۵۰۲.

۲- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، باب ۲۴، ص ۲۸۴، ح ۳۷.

۳- . نک: عبد الرزاق صنعانی، المصنف، ج ۱۱، ص ۲۷۱؛ ابن ابی شیبیه، المصنف، ج ۸، ص ۶۰۹؛ طبرانی، معجم الکبیر، ح ۲۳، ص ۲۹۶؛ کنز العمال، ج ۱۱، ص ۱۲۵، ح ۳۰۹۳۲، ج ۱۴، ص ۲۶۵، ح ۳۸۶۶۸؛ سیوطی، درالمنثور، ج ۵، ص ۲۴۱.

جَمِيعاً) (۱) فرمود:

يَعْنِي أَصْحَابَ الْقَائِمِ الثَّلَاثِمَائِهِ وَ الْبُضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا قَالَ وَ هُمْ وَ اللَّهُ الْأُمَّةَ الْمَعْدُودَةَ قَالَ يَجْتَمِعُونَ وَ اللَّهُ فِي سَاعِهِ وَاحِدِهِ قَزَعِ كَفَزَعِ الْخَرِيفِ...؛ (۲) مقصود از نیکی ها ولایت (اهل بیت علیهم السلام) است و مقصود از گفتار خدای تبارک که «هر کجا باشید خداوند همه شماها را بیاورد»، اصحاب حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند که متجاوز از ۳۱۰ مردند، فرمود: و آنهايند به خدا سوگند «امت معدوده» و آنان در يك ساعت گرد می آیند مانند پاره های ابر پاییز (که گرد هم جمع می شوند).

اسماعیل بن جابر از امام باقر علیه السلام روایت کرده است:

به خدا قسم! گویی هم اکنون او را می بینم که پشت خود را به حجر تکیه داده و از خداوند وفای وعده خود را مطالبه کند. آن گاه می گوید: ای مردم! هر کس با من در مورد خدا محاجّه (بحث و گفت و گوی متقابل) نماید، پس من خود سزاوارترین مردم به خداوند هستم... سپس به سوی مقام می رود و نزدیک آن، دو رکعت نماز به جای می آورد و از خداوند وفای به وعده اش را درخواست می نماید.

سپس امام باقر علیه السلام فرمود:

به خدا قسم! او همان مضطرّ است که خداوند در باره اش می فرماید: (أَمَّنْ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَا وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ) (۳). این آیه در باره او و برای او نازل شده است. (۴)

محمد بن مسلم گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود:

۱- «به نیکی ها پیشی گیرید، هر کجا باشید خداوند همه شما را بیاورد.» بقره (۲)، آیه ۱۴۸.

۲- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۳۱۳، ح ۴۸۷.

۳- «یا [کیست] آن کس که درمانده را چون وی را بخواند اجابت می کند، و گرفتاری را برطرف می گرداند، و شما را جانشینان این زمین قرار می دهد؟». نمل (۲۷)، آیه ۶۲.

۴- محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۱۸۱.

... در این هنگام است که قائم ما خروج کند و چون ظهور کند به خانه کعبه تکیه زند و سیصد و سیزده مرد به گرد او اجتماع کنند و اولین سخن او این آیه قرآن است: (بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ)؛ (۱) سپس می گوید: منم بَقِيَّتَهُ اللَّهُ در زمین و منم خلیفه خداوند و حجت او بر شما و هر درود فرستنده ای به او چنین سلام گوید: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّتَهُ اللَّهُ فی ارضه، و چون برای بیعت ده هزار مرد به گرد او اجتماع کنند خروج خواهد کرد. (۲)

#### ۵-۲. امر به پذیرفتن مهدی علیه السلام

روایات آنگاه که سخن از ظهور آن حضرت به میان می آورد، به پیروی از او تأکید می کند و امتناع کنندگان از این کار را هلاک شونده می داند. ابو بصیر از امام صادق علیه السلام و او از پدرش نقل کرده که فرمود:

... إِذَا تَحَرَّكَ مُتَحَرِّكُنَا فَاسْمِعُوا إِلَيْهِ وَ لَوْ حَبْوًا وَ اللَّهُ لَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ يُبَايِعُ النَّاسَ ...؛ (۳) و چون کسی که از طرف ما حرکت می کند، فعالیت خود را آغاز نماید؛ به سوی او بشتابید [به هر نحو ممکن]؛ اگر چه بر دست و زانو باشد. به خدا سوگند! گویی هم اکنون به او می نگریم که میان رکن و مقام از مردم بیعت می گیرد.

#### ۶-۲. بیعت با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

#### اشاره

در برخی روایات از مراسم «بیعت (۴) یاران» با

۱- «اگر مؤمن باشید، باقیمانده خدا برای شما بهتر است»؛ هود (۱۱)، آیه ۸۶.

۲- صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۳۰، ح ۱۶؛ و نیز: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۱۱، ح ۲.

۳- محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۱۹۴، ح ۱.

۴- «بیعت» واژه عربی از ریشه (ب ی ع) به معنای خرید و فروش و ایجاب و پذیرش بیع و در اصطلاح بر هم زدن کف دست راست از طرفین معامله به نشانه ختم معامله و تسلیم است و نیز به هر عمل و رفتاری اطلاق می شود که شخص به وسیله آن، فرمانبرداری خود را از شخص دیگر و سرسپردگی در برابر امر و سلطه او نشان دهد. شاید اطلاق کلمه «بیعت» به این معنا، از این جهت است که هر یک از دو طرف، تعهدی همچون دو معامله گر در برابر دیگری می کنند؛ بیعت کننده حاضر می شود تا پای جان و مال و فرزند در راه اطاعت او بایستد و بیعت پذیر نیز حمایت و دفاع او را بر عهده می گیرد.

آن حضرت، به عنوان نخستین مراسم ظهور یاد شده است. بیعت، سنتی بود که پیش از اسلام، میان عرب رواج داشت؛ به همین دلیل طائفه اوس و خزرج در آغاز اسلام به مکه آمدند و با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در عقبه بیعت کردند. برخورد آنها با مسئله بیعت، برخورد با یک امر آشنا بود. پس از آن نیز پیغمبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در فرصت های گوناگون، با مسلمانان تجدید بیعت کرد.

گفتنی است در باره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام که از سوی خدا نصب می شوند به بیعت نیازی نیست، یعنی اطاعت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امام معصوم منصوب از سوی او، واجب است؛ چه بر کسانی که بیعت کرده اند و چه آنان که بیعت نکرده اند. به تعبیر دیگر، لازمه مقام نبوت و امامت، وجوب اطاعت است؛ همان گونه که قرآن می فرماید:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ)؛ (۱) ای کسانی که ایمان آورده اید خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید.

حال این پرسش پیش می آید که: چرا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از یاران خود یا تازه مسلمانان، بیعت گرفت که دو نمونه آن (بیعت رضوان و بیعت با اهل مکه)، به طور صریح در قرآن آمده است؟ (۲)

در پاسخ باید گفت: بدون شک این بیعت ها، یک نوع تأکید بر وفاداری بوده که در مواقع خاصی انجام می گرفته است. بخصوص برای مقابله با بحران ها و حوادث سخت از آن استفاده می شده است تا در سایه آن، روح تازه ای در کالبد

۱- . نساء (۴)، آیه ۵۹.

۲- . ر. ک: سوره فتح (۴۸)، آیه ۱۰ و ۱۸.

افراد دمیده شود. همین امر در بیعت با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز صورت خواهد گرفت که جنبه تأکید بر وفاداری دارد.

یکی از کارهای نخست حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف گرفتن بیعت از یاران خود است. این بیعت، در مسجد الحرام و بین رکن و مقام صورت می گیرد. (۱) البته در روایاتی نقل شده که نخستین بیعت کننده با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، جبرئیل امین است. امام باقر علیه السلام فرمود:

...فَيَكُونُ أَوَّلُ مَنْ يُبَايِعُهُ جِبْرَائِيلُ ثُمَّ الثَّلَاثِمِائَةِ وَ الثَّلَاثَةَ عَشَرَ؛ (۲) ... پس نخستین کس که با او بیعت می کند، جبرئیل است. سپس آن ۳۱۳ نفر [بیعت می کنند]....

افزون بر روایات شیعه در پاره ای از روایات اهل سنت نیز بر بیعت یاران حضرت با ایشان تأکید شده است. (۳) ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: پدرم به من فرمود:

... وَاللَّهِ لَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ يُبَايِعُ النَّاسَ عَلَى كِتَابٍ جَدِيدٍ عَلَى الْعَرَبِ شَدِيدٌ؛ (۴) ... به خدا سوگند! گویی هم اکنون به او می نگرم که میان رکن و مقام به فرمانی جدید از مردم بیعت می گیرد، فرمانی که بر عرب سخت گران است.

بنابراین بیعت فقط به دلیل تأکید بر دلدادگی یاران نسبت به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و

- ۱- . طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۷۶، ح ۵۰۲؛ عبدالرزاق بن همام صنعانی، المصنف، ج ۱۱، ح ۲۰۷۶۹.
- ۲- . علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۰۴؛ نیز ر.ک: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۱۸۴، ح ۳.
- ۳- . عبد الرزاق صنعانی، المصنف، ج ۱۱، باب المهدی، ح ۲۰۷۶۹؛ نیز نک: مقدسی شافعی، عقد الدرر، ص ۱۲۳.
- ۴- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ۱۹۴، ح ۱؛ ص ۲۶۲، ح ۲۲؛ ص ۲۶۳، ح ۲۴.

هرگز به سبب اعتماد و یا عدم اعتماد نیست. (۱) امام مهدی علیه السلام پس از ظهور، به هدایت و ارشاد مردم می پردازد و آنان را به معنویت و عدل و داد فرا می خواند. در برابر گفت و گوهای منطقی و ارشادات آن حضرت، گروه باطل و صاحبان زر و زور و تزویر و فساد قرار می گیرند. در نتیجه آن حضرت بعد از اتمام حجت به مبارزه می پردازد و نهضت مستضعفان و ستمدیدگان را رهبری می کند... و در اینجاست که قیام جهانی او آغاز می شود.

### شادمانی اهل آسمان و زمین

همه هستی از نافرمانی خداوند و ستم به دیگران در رنج و ناخرسندی اند؛ از این رو نه فقط انسان ها که اهل آسمان ها نیز از ظهور او و برپایی عدل و قسط، شادمان و خشنود می شوند. امیر مؤمنان علیه السلام در این باره فرمود:

يَفْرَحُ بِخُرُوجِهِ أَهْلُ السَّمَاوَاتِ وَ سُكَّانُهَا؛ (۲) اهل آسمان ها و ساکنان آن از خروج او شادمان می شوند.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

أُبَشِّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي... يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ؛ (۳) شما را مژده می دهم به مهدی که در امت من برانگیخته می شود... و ساکنان آسمان و زمین از وی خشنود باشند.

مردگان نیز در عالم برزخ، از این واقعه بزرگ شادمان می شوند و به یکدیگر بشارت می دهند. امام علی علیه السلام فرمود:

... إِذَا هَزَّ رَأْيَتَهُ أَضَاءَ لَهَا مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ... وَ لَا يَبْقَى مَيِّتٌ إِلَّا دَخَلَتْ عَلَيْهِ تِلْكَ الْفَرْحَةُ فِي قَلْبِهِ وَ هُوَ فِي قَبْرِهِ وَ هُمْ يَتَرَاوَرُونَ فِي

۱- در برخی از کتاب ها به مفاد بیعت نامه حضرت نیز اشاره شده است؛ اما از آنجا که این منابع روایی و روایات مربوط، دارای اعتبار کافی نیست از ذکر آن ها چشم پوشی شد.

۲- محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۱۴، ح ۲.

۳- طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۷۸.

قُبُورِهِمْ وَيَتَّبِعُونَ بِقِيَامِ الْقَائِمِ؛ (۱) و چون پرچمش به اهتزاز درآید، از مشرق تا مغرب را تابان می کند و... و هر مؤمنی گر چه در قبر خود باشد شادمان می شود، و به دیدار هم می روند، و مزده ظهور قائم را به یک دیگر می دهند.

---

۱- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ۲، ص ۶۵۳، ح ۱۷.



## خودآزمایی

۱. ظهور به چه معناست و تفاوت اساسی دو دیدگاه شیعه و اهل سنت در چیست؟
۲. در باره وقت ظهور و تکذیب وقت گذاران توضیح داده، چگونگی آگاه شدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از وقت ظهور را بیان نمایید.
۳. طبق روایات محل ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کجاست؟ در باره فضیلت آن مکان روایاتی را نقل کرده توضیح دهید.
۴. در باره مراسم بیعت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف توضیح داده، فلسفه این بیعت را شرح دهید.
۵. در باره شادمانی اهل آسمان و زمین از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف توضیح داده، به نظر شما این شادمانی به چه دلیل اتفاق می افتد؟

□□□

## منابع برای پژوهش

۱. قزوینی، سید محمد کاظم، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا ظهور، ترجمه حسین فریدونی، نشر آفاق، تهران: ۱۳۷۹ ه.ش.
۲. بنی هاشمی، سید محمد، سلوک منتظران، تهران، منیر، ۱۳۸۲ ش.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن (الملاحم و الفتن)، اصفهان، گلبهار، ۱۴۱۶ ق.
۴. کورانی، علی، عصر ظهور، ترجمه عباس جلالی، شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، تهران ۱۳۷۸ ه.ش.
۵. تقوی، سید حسین، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ظهور تا پیروزی، نور الاصفیاء، قم، ۱۳۸۱ ش.

## درس دهم: قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

یک. مفهوم شناسی قیام؛

دو. حتمی بودن قیام امام مهدی علیه السلام؛

سه. مهم ترین عناصر قیام امام مهدی علیه السلام؛

چهار. زمان و مکان قیام؛

پنج. ابزار قیام (سلاح حضرت و یاران)؛

شش. جغرافیای قیام و فتوحات؛

هفت. برخی آثار و برکات قیام امام مهدی علیه السلام.

**پیش درآمد**

حکومت عدل جهانی و خلافت مؤمنان شایسته، بشارتی است که در همه آموزه های آسمانی به چشم می خورد. قیام جهانی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، نهضتی بزرگ و حتمی، علیه همه ستمگران و ستم پیشگان است که آخرین راه نفس را بر زندگی مادی و معنوی انسان ها بسته اند. اگر چه تحقق این وعده، بر خداوند متعال لازم و حتمی است و نیازی به دلیل نیست؛ اما در سخنان معصومان و دانشمندان مسلمان بر حتمی بودن آن تأکید شده است.

در این درس با مجال محدود، به بعضی از بحث های مربوط به این حادثه بزرگ اشاره می شود.

برخی از عرصه های مهم این بحث از این قرارند:

**یک. مفهوم شناسی قیام**

از مشهورترین تعبیرها برای انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام در منابع شیعه قیام است. (۱)

۱- این واژه و مشتقات آن بجز در کتاب الفتن نعیم بن حماد یا کسانی که از وی نقل کرده اند، در منابع اهل سنت یافت نشد. نک: نعیم بن حماد، الفتن، ص ۲۶۰، ۹۶۲ و ۹۷۴؛ ونیز نک: متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۲۴۷، شماره ۳۱۴۰۰.

این واژه به معنای ایستادن و نقیض و خلاف معنای نشستن است. (۱) و در اصطلاح عبارت است از: نهضت جهانی حضرت مهدی علیه السلام برابر ستمگران، برای برپایی قسط و عدل در سراسر کره زمین. چنین حادثه ای بس بزرگ و با اهمیت است و در روایات از روز قیام آن حضرت، به عنوان یکی از «ایام الله» یاد شده است. امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید:

أَيَّامُ اللَّهِ ثَلَاثَةٌ يَوْمُ يَقُومُ الْقَائِمُ وَيَوْمُ الْكُرَّةِ وَيَوْمُ الْقِيَامَةِ؛ روزهای خداوند سه [روز] است؛ روزی که حضرت قائم علیه السلام قیام خواهد کرد و روز بازگشت برخی از مردگان و روز رستاخیز. (۲)

این اهمیت سبب شده تا در روایات شیعه، لقب «قائم» در میان القاب آن حضرت، از جایگاه ویژه ای برخوردار شود و لقبی به اندازه آن مورد استفاده قرار نگیرد. گویا از آنجا که قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، درخشان ترین فصل زندگی آن حضرت است؛ اتصاف به این صفت و لقب، همواره در کلام معصومان علیهم السلام مورد تصریح و تأکید قرار گرفته است. پس مهم ترین سبب اتصاف به این لقب، آن است که او، در برابر اوضاع سیاسی و انحرافات دینی و اجتماعی، بزرگ ترین قیام تاریخ را رهبری خواهد کرد. البته همه امامان علیهم السلام قائم به حق هستند؛ اما ویژگی های قیام امام مهدی علیه السلام، آن حضرت را از دیگر امامان متفاوت ساخته است. ابو خدیجه از امام صادق علیه السلام راجع به امام قائم علیه السلام پرسید، حضرت فرمود:

كُلُّنَا قَائِمٌ بِأَمْرِ اللَّهِ وَاحِدٌ بَعْدَ وَاحِدٍ حَتَّى يَجِيءَ صَاحِبُ السَّيْفِ فَإِذَا جَاءَ صَاحِبُ السَّيْفِ جَاءَ بِأَمْرٍ غَيْرِ الَّذِي كَانَ؛ همه ما قائم به امر خدائیم؛ یکی پس از دیگری تا زمانی که صاحب شمشیر بیاید. چون صاحب شمشیر

۱- ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، ص ۳۴۵؛ فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۱۵۳۱.

۲- صدوق، الخصال، ص ۱۰۸، ح ۷۵؛ و نیز نک: علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۶۷.

۳- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۳۶، ح ۲.

آمد، امر و دستوری غیر از آنچه بوده می آورد.

از امام جواد علیه السلام پرسیدند: «چرا او را قائم می نامند؟» فرمود:

لَأَنَّهُ يُقُومُ بَعْدَ مَوْتِ ذِكْرِهِ وَإِزْدَادِ أَكْثَرِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ؛ (۱) زیرا او پس از آنکه یادش از بین برود و بیشتر معتقدان به امامتش مرتد شوند، قیام می کند.

در برخی روایات «ظهور» و «قیام» در یک معنا به کار رفته است و این خود سبب شده تا افرادی هر دو را در یک معنا به کار برند. اما از روایاتی چند به دست می آید که ظهور با قیام متفاوت است و قیام مرحله ای متأخر بر ظهور می باشد.

کلینی از امام صادق علیه السلام در باره قول خداوند عز و جل ((فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ))؛ (۲) نقل کرده است که فرمود:

إِنَّ مِنَّا إِمَامًا مُّظْفَرًا مُّسْتَبْرَأً فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ ذِكْرَهُ إِظْهَارَ أَمْرِهِ نَكَتَ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةً فَظَهَرَ فَقَامَ بِأَمْرِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى؛ (۳) همانا امام پیروز و پنهان از ما خاندان ا و چون خدای عز ذکره اراده کند که امر او را ظاهر سازد، در دلش نکته ای می رد، پس ظاهر می و سپس به امر خدای تبارک و تعالی قیام کند.

علاوه بر کلینی این روایت را کشی در کتاب رجال خود، (۴) نعمانی در الغیبه (۵)، و شیخ طوسی در کتاب الغیبه (۶) با اندک تفاوتی نقل کرده اند که استفاده از حرف «فاء» در «فقام» می تواند

۱- صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۸، ح ۳.

۲- «زمانی که در صور دمیده شود» مدثر (۷۴)، آیه ۸.

۳- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۴۳، ح ۳۰.

۴- کشی، رجال الکشی، ص ۱۹۲، ش ۳۳۸.

۵- نعمانی، الغیبه، ص ۱۸۷، ح ۴۰.

۶- طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۶۴.

چنین برداشتی را برساند.

در روایت دیگری از امام جواد علیه السلام نیز به این نکته اشاره شده است:

هیچ یک از ما نیست جز آنکه قائم به امر خدای تعالی و هادی به دین الهی است؛ اما قائمی که خدای تعالی به وسیله او زمین را از اهل کفر و انکار پاک سازد و آن را پر از عدل و داد نماید، کسی است که ولادتش بر مردم پوشیده و شخصش از ایشان نهان و بردن نامش حرام است. او هم نام و هم کنیه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و کسی است که زمین برایش در هم پیچیده می شود و هر دشواری برایش هموار می گردد. از اصحابش ۳۱۳ تن به تعداد اصحاب بدر از دورترین نقاط زمین به گرد او فراهم آیند....

در ادامه فرمود:

فَإِذَا اجْتَمَعَتْ لَهُ هَذِهِ الْعِدَّةُ مِنْ أَهْلِ الْإِخْلَاصِ أَظْهَرَ اللَّهُ أَمْرَهُ فَإِذَا كَمَلَ لَهُ الْعَقْدُ وَهُوَ عَشْرَةُ آلَافٍ رَجُلٍ خَرَجَ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ (۱) و چون این تعداد از اهل اخلاص به گرد او فراهم می آیند، خدای تعالی امرش را ظاهر سازد (ظهور کند) و چون عقد که عبارت از ده هزار مرد باشد کامل شد، به اذن خدای تعالی قیام می کند و دشمنان خدا را می کشد تا خدای تعالی خشنود گردد.

روشن است در این روایت «اظهار امر» و «خروج» متفاوت است؛ مقصود بخش نخست ظهور و بخش دوم قیام و خروج است. شاید بتوان اختلاف برخی روایات در مورد زمان ظهور و قیام را با این تقسیم بندی رفع نمود؛ یعنی برخی ناظر به زمان ظهور و بعضی دیگر ناظر به زمان قیام باشد.

### دو. حتمی بودن قیام امام مهدی علیه السلام

افزون بر بعضی از آیات قرآن که به

۱- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۷، ح ۲.

فرویدستان و مؤمنان شایسته بشارت پیشوایی (۱) و خلافت بر زمین (۲) داده شده روایاتی به قطعی بودن ظهور و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تصریح کرده است. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَقُومَ قَائِمٌ الْحَقُّ مِنَّا...؛ (۳) هرگز رستاخیز به پا نگردد، مگر اینکه پیش از آن قائم بحق، از خاندان ما قیام کند.

همچنین امام علی علیه السلام در این باره فرمود: پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

به ناگزیر ده چیز پیش از برپایی قیامت خواهد بود: سفیانی، دجال، دود، دابه، خروج قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف، طلوع خورشید از مغرب خود، فرود آمدن حضرت عیسی علیه السلام، فرو رفتن در مشرق و فرو رفتن در جزیره العرب و آتشی که از قعر عدن بیرون خواهد آمد تا مردم را به سوی محشر سوق دهد. (۴)

محمد بن علی حلبی گوید: شنیدم از امام صادق علیه السلام که فرمود:

اِخْتِلَافُ بَنِي الْعَبَّاسِ مِنَ الْمُحْتَمِمْ وَالنِّدَاءُ مِنَ الْمُحْتَمِمْ وَخُرُوجُ الْقَائِمِ مِنَ الْمُحْتَمِمْ؛ (۵) اختلاف بنی عباس حتمی است و ندای آسمانی نیز حتمی است و خروج قائم نیز حتمی است.

از این روایات و مانند آن (۶) استفاده می شود که قیام حضرت مهدی علیه السلام، از امور حتمی و قطعی است که هرگز در آن تخلف صورت نمی گیرد.

۱- (و تُرِيدُ أَنْ تَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ)؛ قصص (۲۴)، آیه ۵.  
 ۲- (وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسُدَّ بِخَلْفِنَا فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُدْخِلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ)؛ نور (۲۴)، آیه ۵۵.

۳- صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۵۹، ح ۲۳۰.

۴- طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۳۶، ح ۴۲۶.

۵- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۳۱۰، ح ۴۸۴.

۶- نک: صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۷، ح ۱.

### سه. مهم ترین عناصر قیام امام مهدی علیه السلام

همان گونه که در بحث شرایط ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یاد شد، اموری به عنوان «شرط» برای ظهور و قیام مطرح است. افزون بر آنها برخی امور دیگر نیز به عنوان عناصر قیام، ایفای نقش می کنند. که در مجموع می توان آنها را به دو دسته تقسیم کرد: (۱)

الف. عناصر انسانی؛ و آن عبارت است از انسان هایی در شکل گیری و پیروزی نقشی مهم دارند. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان رهبر قیام و پس از وی، یاران و سرانجام یاوران انسان هایی هستند که وظایف مهمی را بر دوش دارند. (۲)

ب. عناصر غیر از انسان ها؛ یعنی، عواملی غیر از انسان ها که وجود آنها در قیام، قابل توجه است. از امدادهای الهی گرفته تا میراث پیامبران، بخشی از این عناصر به شمار می آیند. (۳)

### چهار. زمان و مکان قیام

در برخی روایات درباره زمان قیام و ظهور یک تعبیر شده است؛ به نظر می رسد آنچه درباره تکذیب وقت گذاران در روایات ذکر شد، مربوط به زمان ظهور است.

بنابراین زمان قیام اگر چه به روشنی بیان نشده؛ اما بعضی از رخدادها چون اتمام حجت بر جهانیان و گردآمدن یاوران برای آغاز قیام ضروری دانسته شده است. البته در بعضی از آنها از روز عاشورا، به عنوان روز قیام آن حضرت یاد شده است. روزی که امامان شیعه، یاد آن را زنده می داشتند و در آن، مجلس عزای بر پا می کردند و بر حسین بن علی علیهما السلام می گریستند؛

۱- . به جهت اهمیت این دو مجموعه در دو درس به صورت مستقل بررسی خواهد شد.

۲- . از برخی روایات استفاده می شود، بخشی از یاوران حضرت مؤمنان خالصی هستند که پس از ظهور آن حضرت به دنیا رجعت می کنند.

۳- . در درس های آینده به این موارد می پردازیم.



آن حضرت را زیارت می کردند و به زیارت او تشویق و امر می نمودند و این روز، روز اندوهشان بود.

شاید عظمت بزرگداشت آن، برای این است که خداوند سرآغاز بزرگ ترین قیام را در این روز قرار داده است. امام صادق علیه السلام فرمود:

يَقُومُ الْقَائِمُ يَوْمَ عَاشُورَاءَ؛ (۱) قائم در روز عاشورا قیام می کند.

در برخی روایات مکان قیام و ظهور یکی دانسته شده است؛ اما بعضی دیگر به طور روشن به مکان قیام اشاره شده است. امام صادق علیه السلام در روایتی به نقل از امام باقر علیه السلام می فرماید:

إِنَّ الْقَائِمَ إِذَا قَامَ بِمَكَّةَ وَ أَرَادَ أَنْ يَتَوَجَّهَ إِلَى الْكُوفَةِ...؛ (۲) چون حضرت قائم در مکه قیام می کند و متوجه کوفه می شود....

### پنج. ابزار قیام (سلاح حضرت و یاران)

#### اشاره

هنگام ظهور و قیام جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، تمام قدرت های باطل و ستمگر، مقهور و مغلوب قدرت بی پایان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شده، مانند علف های هرز از روی زمین برداشته می شوند تا زمینه رشد و کمال انسان ها، به صورت کامل فراهم آید و زمین پر از عدل و داد شود. اما پرسش این است که این پیروزی به چه صورت است و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با چه ابزاری بر آن قدرت ها پیروز می شود؟

در روایات، کمتر سخن روشنی در این باره به چشم می خورد و یگانه ابزار و سلاح آن حضرت هنگام قیام، سیف (شمشیر) ذکر شده است. (۳) در

۱- نعمانی، الغیبه، ص ۲۸۲، ح ۶۸.

۲- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۳۱، ح ۳.

۳- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۰۷، ح ۱؛ ج ۸، ص ۵۰، ح ۱۳؛ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۵۹، ح ۲۹؛ همو، علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۴۵، ح ۶؛ همو، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۱، ح ۳؛ الاستبصار، ج ۳، ص ۱۰۸، ح ۵۳۸۳؛ التهذیب، ج ۶، ص ۱۵۴، ح ۲؛ نعمانی، الغیبه، ص ۱۶۴، ح ۵. و ده ها کتاب دیگر.

این باره که آیا این شمشیر بر معنای حقیقی حمل می شود یا معنای کنایی، دو دیدگاه وجود دارد:

### ۱-۵. معنای حقیقی

عده ای بر این باورند: کاربرد کلمه «شمشیر» در معنای حقیقی است و مصداق آن، همان ابزار جنگی خاص است. اینان درباره پیروز شدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با این سلاح بر دشمنان، توجیهاات گوناگونی دارند:

برخی می گویند: اگرچه حضرت با شمشیر قیام می کند؛ اما خداوند در آن شمشیر قدرت و اعجازی قرار می دهد که همه سلاح های موجود را مقهور نیروی خود می سازد. (۱)

دسته دیگر می گویند: خداوند در عصر ظهور، همه تسلیحات دشمن را از کار می اندازد و یا به سبب جنگ های خونینی که در آستانه ظهور به وقوع می پیوندد، تمام سلاح های پیشرفته از بین می رود. مردم نیز به ناگزیر در جنگ، از همان سلاح های ابتدایی (یعنی شمشیر و مانند آن) استفاده می کنند؛ بنابراین حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با همان شمشیر می جنگد.

به نظر عده ای: همه اسلحه ها در اختیار حضرت قرار می گیرد؛ ولی از آنجا که استفاده از آنها به ناگزیر ستمگرانه خواهد بود، حضرت فقط از سلاح شمشیر بهره می برد.

دلیل های این دیدگاه: ۱. روایاتی که حکایت می کند آن حضرت، مدتی طولانی شمشیر بر دوش می گیرد. امام باقر علیه السلام فرمود:

وَيَضَعُ السَّيْفَ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ هَرْجًا هَرْجًا حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ؛ (۲) و مدت هشت ماه شمشیر بر شانه خود دارد و دشمنان را از بین می برد تا آن گاه که خداوند خشنود شود....

۱- ر.ک: صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۶۴۹، ح ۴۳.

۲- نعمانی، الغیبه، ص ۱۶۴، ح ۵.

۲. معصومین علیهم السلام می توانستند از مدلول سلاح که قدرت و قوت است یاد کنند.

۳. استفاده از سلاح های ساده همچون شمشیر بر خلاف بهره گیری از سلاح های پیشرفته به جهت عادلانه بودن مبارزه با آن است. استفاده از سلاح های کشتار گروهی، شایسته رهبر آسمانی عدالت گستر نیست؛ چه اینکه سلاح های کشتار جمعی، علاوه بر انسان های بی گناه، جانوران و طبیعت را نیز از بین می برد!

## ۲-۵. معنای مجازی و کنایی

دسته ای دیگر بر این باورند که شمشیر، کنایه از قدرت و نیروی نظامی است. این گروه، شواهد متعددی بر این ادعای خود، از ادبیات محاوره ای ذکر می کنند؛ ولی آنچه ایشان را به این قول وادار کرده، پیشرفت روزافزون جنگ افزارها و فناوری دفاعی است. از آنجا که اینان نتوانسته اند بین شمشیر و سلاح های پیشرفته، نسبتی بر قرار کنند، به چنین توجیهی دست زده اند!

آنان شمشیر را نماد قدرت دانسته، می گویند: هر ابزاری که قدرت حضرت را به نمایش بگذارد، می تواند مورد استفاده قرار گیرد.

به نظر می رسد دیدگاه نخست قابل قبول تر باشد. افزون بر آنچه یاد شد، ممکن است گفته شود: با تکامل خارق العاده علم در آن زمان، ممکن است سلاح هایی فراهم آید که هرگز در تصور انسان های امروز قابل درک نباشد. بنابراین علم آن به اهلش واگذار شده است.

در هر حال قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مبارزه ای است در برابر نیروهای کفر جهانی و برخلاف پندار برخی، این پیروزی با سختی ها و ناملايمات فراوانی آمیخته خواهد شد که بایسته است منتظران راستین و زمینه سازان آن قیام جهانی، به بهترین صورت ممکن خود را آماده سازند. موسی بن بکر واسطی از بشیر ثنال روایت کرده که گفت: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: آنان

می گویند که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اگر قیام کند، کارها به خودی خود برای او برقرار می شود و به اندازه حجامتی خون نمی ریزد. آن حضرت فرمود:

كَلَّا وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ اسْتَقَامَتْ لِأَحَدٍ عَفْوًا لَأَسْتَقَامَتْ لِرَسُولِ اللَّهِ ص حِينَ أُدْمِيَتْ رَبَاعِيَّتُهُ وَ شُجَّ فِي وَجْهِهِ كَلَّا وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ حَتَّى نَمْسَحَ نَحْنُ وَ أَنْتُمْ الْعَرَقَ وَ الْعَلَقَ ثُمَّ مَسَحَ جَبْهَتَهُ؛ (۱) هرگز چنین نیست؛ سوگند به آنکه جانم در دست اوست! اگر کارها به خودی خود، برای کسی برقرار و رو به راه می شد، به طور مسلم برای رسول خدا درست می شد؛ آن گاه که دندان های پیشین آن حضرت شکست و صورتش را زخم رسید! نه هرگز، سوگند به آن که جان من در دست اوست [چنین نخواهد شد] تا آنکه ما و شما عرق و خون بسته شده را پاک کنیم. سپس آن حضرت پیشانی خود را به عنوان نشانه ای از آن حالت پاک کرد.

شکی نیست که دشمنان آن گاه که نابودی خود را در قیام آن حضرت بینند همه تلاش خود را برای بقای خود به کار خواهند گرفت و این گونه نخواهد بود که به راحتی تسلیم شوند! اگر چنین باشد، پس این همه انتظار و فراهم شدن ابزار و امدادهای الهی برای چیست؟

### ش. جغرافیای قیام و فتوحات

در باره چگونگی و جزئیات جغرافیای قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، سخن روشنی در معصومان علیهم السلام به چشم نمی آید و چنانچه برخی با تمسک به پاره ای از روایات به ترسیم نقشه قیام می پردازند، لازم است اسناد روایات، مورد بررسی قرار گیرد. از این رو در اینجا برخی روایات نقل می شود و بحث مفصل به زمانی دیگر موکول می گردد.

آنچه که در آن هیچ شک و تردیدی نیست، این است که پس از قیام جهانی حضرت، همه جای کره خاکی زیر ولایت و رهبری او قرار می گیرد. ابو

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: سنّت های انبیا با غیبت هایی که بر آنان واقع شده است، همه در قائم ما اهل بیت مو به مو پدیدار می گردد. ابو بصیر گوید: گفتیم: یا ابن رسول الله! قائم شما اهل بیت کیست؟ فرمود:

هُوَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ ابْنِي مُوسَى ذَلِكَ ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ يَغِيبُ عَنْهَا يَزْتَابُ فِيهَا الْمُبْطُلُونَ ثُمَّ يُظْهِرُهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَيَفْتَحُ اللَّهُ عَلَيَّ يَدِهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا وَيُنْزِلُ رُوحَ اللَّهِ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ فَيَصِلُنِي خَلْفَهُ وَتُشْرِقُ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَلَا تَبْقَى فِي الْأَرْضِ بُقْعَةٌ عُبِدَ فِيهَا غَيْرُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا عُجِدَ اللَّهُ فِيهَا وَيَكُونُ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ؛ (۱) ای ابوبصیر! او پنجمین از فرزندان پسر موسی است؛ او فرزند سیده کنیزان است. غیبتی می کند که باطل جویان در آن شک کنند؛ سپس خدای تعالی او را آشکار می سازد و بر دست او شرق و غرب عالم را می گشاید، روح الله عیسی بن مریم علیهما السلام فرود می آید و پشت سر او نماز می گزارد. زمین به نور پروردگارش روشن می گردد و در زمین بقعه ای نمی ماند که غیر خدای تعالی در آن پرستش شود. همه دین از آن خدای تعالی می گردد؛ گرچه مشرکان را ناخوش آید.

در برخی روایات نام مناطقی از زمین برده شده است که آغاز ظهور و قیام از آنجا بوده (سرزمین مکه) و پایان قیام و محل استقرار حکومت حضرت نیز در آنجا خواهد بود (سرزمین کوفه). همچنین از بیت المقدس به عنوان سرزمینی که حضرت عیسی علیه السلام در آنجا به حضرت ملحق می شود، یاد شده است.

نکته مهم اینکه فرود آمدن پیامبر بزرگ خدا عیسی بن مریم علیهما السلام، به هنگام قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از دیدگاه همه مسلمانان، یک واقعیت ثابت و از اموری است که تردید در آن راه ندارد.

شاید حکمت فرود آمدن او، تقویت حرکت جهانی آن حضرت و اعتراف و تصدیق به حقانیت آن وجود گران مایه است. بویژه آنکه حضرت عیسی، به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، اقتدا می کند و به امامت او نماز می گزارد و امامت جهانی و آسمانی او را تصدیق و تأیید می کند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

مِنْ ذُرِّيَّتِي الْمَهْدِيُّ إِذَا خَرَجَ نَزَلَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِنُصْرَتِهِ فَقَدَّمَهُ وَصَلَّى خَلْفَهُ؛ (۱) و از ذریه من، مهدی است. آن هنگام که ظهور کند، عیسی بن مریم برای یاری او نازل می شود؛ پس مهدی را مقدم داشته، پشت سر او نماز می گزارد.

### هفت. برخی آثار و برکات قیام امام مهدی علیه السلام

#### اشاره

هفت. برخی آثار و برکات قیام امام مهدی علیه السلام (۲)

#### ۱-۷. نابودی باطل

قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر اساس حق و حق گرایی بوده و مهم ترین هدف آن، برپاداشتن حق، غلبه دادن نور بر تاریکی، برداشتن شرارت و شیطنت و نابودی باطل است. در آیاتی از قرآن که به حادثه برانگیخته شدن حجت الهی در پایان دوران اشاره شده، نابودی باطل بزرگ ترین اثر و برکت آن دانسته است. امام باقر علیه السلام درباره آیه: (جاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا)؛ (۳) فرمود:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ ذَهَبَتْ دَوْلَةُ الْبَاطِلِ؛ (۴) هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند، دولت باطل از میان می رود.

۱- صدوق، الامالی، ص ۲۱۸، ح ۴.

۲- البته ممکن است برخی این آثار، با آثار برپایی حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یکسان باشند که در جلد پایانی از این مجموعه به طور مفصل بدان می پردازیم.

۳- «و بگو: «حق آمد و باطل نابود شد. آری، باطل همواره نابودشدنی است»: اسراء (۱۷)، آیه ۸۱.

۴- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۸۷، ح ۴۳۲.

همچنین در تفسیر قمی از امام باقر علیه السلام ذیل آیه (وَ النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى)؛ (۱) نقل شده که فرمود:

النَّهَارُ هُوَ الْقَائِمُ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا قَامَ غَلَبَ دَوْلَةَ الْبَاطِلِ؛ (۲) «روز»، قائم از ما اهل بیت است که چون قیام کند، بر دولت باطل پیروز گردد.

## ۷۲. نابودی مشرکان و کافران

زراره می گوید: از امام باقر علیه السلام از تأویل آیه (وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً)؛ (۳) پرسیدند؛ آن حضرت در پاسخ فرمود:

إِنَّهُ لَمْ يَجِئْ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ وَ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا سَيَّرِي مَنْ يُدْرِكُهُ مَا يَكُونُ مِنْ تَأْوِيلِ هَذِهِ الْآيَةِ وَ لَيَبْلُغَنَّ دَيْنُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سلم مَا بَلَغَ اللَّيْلُ حَتَّى لَا يَكُونَ شِرْكٌ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ؛ موقع تأویل این آیه نرسیده است؛ هر کس قیام قائم ما را درک کند و او را ببیند، تأویل آن را می بیند. دین محمد تا جایی که شب و روز است، گسترش می یابد؛ به گونه ای که در روی زمین مشرکی نباشد.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ)؛ (۴)

می فرماید:

وَ اللَّهُ مِمَّا نَزَلَ تَأْوِيلُهَا بَعِيدٌ وَ لَمَّا نَزَلَ تَأْوِيلُهَا حَتَّى يَخْرُجَ الْقَائِمُ عَ إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ يَبْقَ كَافِرٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَ لَا مُشْرِكٌ بِالْإِمَامِ إِلَّا كَرِهَ خُرُوجُهُ حَتَّى لَوْ كَانَ كَافِرٌ أَوْ مُشْرِكٌ فِي بَطْنِ صَخْرِهِ لَقَالَتْ يَا مُؤْمِنُ فِي بَطْنِي كَافِرٌ فَكَسِرْنِي وَ اقْتَلَهُ؛ (۵)

۱- «سوگند به روز چون جلوه گری آغازد»: لیل (۹۲)، آیه ۲.

۲- علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۲۵.

۳- «و همگی با مشرکان بجنگید، چنان که آنان همگی با شما می جنگند»: ///.

۴- «اوست کسی که فرستاده خود را با هدایت و آیین درست روانه کرد، تا آن را بر هر چه دین است فائق گرداند، هر چند مشرکان را ناخوش آید»: صف (۶۱)، آیه ۹.

۵- صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۰، ح ۱۶.

به خدا سوگند! تأویل این آیه به مرحله اجرا در نمی آید؛ مگر آنکه قائم ما مهدی علیه السلام ظهور کند. تمام مشرکان در روی زمین محو می شوند؛ تا جایی که سنگ به سخن می آید و به مؤمن می گوید: ای مؤمن! درون من کافری است، مرا بشکن و او را به قتل برسان.

اینها شمار اندکی از روایات است که به روشنی سخن از نابودی مشرکان و کفار به میان آورده است.

### ۷۳. رشد خردورزی بندگان خداوند

با شناخت و معرفت اصولی است که خداوند، بهتر بندگی می شود و در نتیجه آن انسان به رشد و کمال و لقای الهی دست می یابد. امام باقر علیه السلام در باره یکی از آثار قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَصَعَّ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهِ أَحْلَامَهُمْ؛ (۱) هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند دستش را بر سر بندگان گذاشته، اندیشه های ایشان جمع و اخلاق آنها کامل می گردد.

### ۷۴. برپایی عدل و قسط

در مجموع روایاتی که به اهداف متعالی قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام اشاره کرده اند، از برپاداشت عدل و قسط فراوان سخن به میان آمده است.

روایات فراوانی با تعبیر «يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا» به این حقیقت اشاره کرده است. عبدالعظیم حسنی گوید: امام هادی علیه السلام فرمود:

... وَ مِنْ بَعِيدِي ابْنِي الْحَسَنُ فَكَيْفَ لِلنَّاسِ بِالْخَلْفِ مِنْ بَعِيدِهِ قُلْتُ وَ كَيْفَ ذَلِكَ قَالَ لِأَنَّهُ لَا يَرَى شَخْصُهُ وَ لَا يَحِلُّ ذِكْرُهُ بِأَسْمِهِ حَتَّى يَخْرُجَ فَيَمْلَأَ

۱- . محمد بن يعقوب كليني، الكافي، ج ۱، ص ۲۵، ح ۲۱.



الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا...؛ (۱)... پس از من، پسر من حسن است و مردم، با جانشین او چگونه باشند؟ گفتم: فدای شما شوم برای چه؟ فرمود: زیرا شخص او را نمی بینند و بردن نام او روا نباشد، تا آنکه قیام کند و زمین را پر از عدل و داد نماید....

بنابراین آن حضرت حرکت خویش را برای اقامه عدل و قسط بنیان نهاده و مهم ترین اثر قیام او پر شدن زمین از عدل و داد خواهد بود.

## ۷۵. غلبه اسلام بر دیگر ادیان

محمد بن فضیل گوید:

از حضرت ابو الحسن علیه السلام درباره آیه شریفه (يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ)؛ (۲)

پرسیدم، امام علیه السلام فرمود:

يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا وَلِمَايَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِأَفْوَاهِهِمْ؛ می خواهند ولایت امیر المؤمنین علیه السلام را با پف دهانشان خاموش کنند.

گفتم: (وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ)؛ [به چه معناست؟]

آن حضرت در پاسخ فرمود: وَ اللَّهُ مُتِمُّ الْإِمَامَةِ لِقَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ الَّذِينَ (فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ النُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا) (۳) فَالنُّورُ هُوَ الْإِمَامُ؛ خدا تمام کننده امامت است، به دلیل قول خدای عز و جل «کسانی که به خدا و رسولش و نوری که فرو فرستاده ایم ایمان آورند»، پس نور همان امام است.

گفتم: (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ)؛ (۴)

امام علیه السلام فرمود:

هُوَ الَّذِي أَمَرَ رَسُولَهُ بِالْوَلَايَةِ لَوْصِيَّتِهِ وَ الْوَلَايَةُ هِيَ دِينُ الْحَقِّ؛ یعنی

۱- صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۹، ح ۱.

۲- «می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند و حال آنکه خدا گر چه کافران را ناخوش افتد نور خود را کامل خواهد گردانید»: صف (۶۱)، آیه ۸.

۳- تغابن (۶۴)، آیه ۸.

۴- «اوست خدائی که رسول خود را به هدایت و دین حق فرستاده است»: توبه (۹)، آیه ۳۳.

اوست که رسولش را به ولایت وصی اش امر کرد و ولایت همان دین حق است.

گفتم: (لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ)؛ [به چه معناست؟] امام علیه السلام فرمود:

يُظْهِرُهُ عَلَى جَمِيعِ الْأَدْيَانِ عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ يَقُولُ اللَّهُ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَا يَهِي الْقَائِمِ (وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ)؛ آن را در زمان قیام قائم بر همه دینها غلبه دهد، خدا می فرماید: «و خدا تمام کننده نور خود است»، یعنی ولایت قائم، «اگر چه کافران نخواهند».

عرض کردم: این تنزیل است؟ امام علیه السلام فرمود: آری این حرف تنزیل است و اما غیر آن تأویل است. (۱)

البته افزون بر آنچه یاد شد در برخی روایات به مواردی اشاره شده است که در محل خود بدان می پردازیم.

---

۱- . محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۳۲، ح ۹۱.

## خودآزمایی

۱. قیام به چه معناست و چرا در روایات لقب قائم بیش از دیگر القاب برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به کار رفته است؟

۲. آیا قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همان ظهور است؟ به چه دلیل؟

۳. در باره زمان و مکان قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همراه ذکر یک روایت توضیح دهید.

۴. انواع برداشت ها در باره سلاح حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را بیان نموده یک تفسیر را به تفصیل توضیح دهید.

۵. مهم ترین آثار و برکات قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نام برده، دو مورد را با استناد به روایات شرح دهید.

□□□

## منابع برای پژوهش

۱. قزوینی، سید محمد کاظم، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا ظهور، ترجمه حسین فریدونی، نشر آفاق، تهران: ۱۳۷۹ ه.ش.

۲. کارگر، رحیم، آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، قم، ۱۳۸۳ ش.

۳. ابن طاووس، علی بن موسی، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن (الملاحم و الفتن)، اصفهان، گلپهار، ۱۴۱۶ ق.

۴. کورانی، علی، عصر ظهور، ترجمه عباس جلالی، شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، تهران ۱۳۷۸ ه.ش.

۵. تقوی، سید حسین، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ظهور تا پیروزی، نور الاصفیاء، قم، ۱۳۸۱ ش.

## درس یازدهم: دشمنان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام قیام

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

۱. نبرد پایانی حق و باطل؛

۲. گونه شناسی دشمنان حضرت هنگام قیام:

الف. غیر مسلمانان؛

ب. مسلمانان.

۳. انتقام؛

اقسام انتقام:

الف. انتقام پسندیده و لازم؛

ب. انتقام مُجاز؛

ج. انتقام مذموم و ناروا.

۴. فرجام شیطان.

**پیش درآمد**

قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان آخرین و بزرگ ترین انقلاب در برابر اهل باطل برای برپایی حاکمیت عدل و قسط است. به همین جهت از ابلیس گرفته تا همه کسانی که به پیروی از او تلاش می کنند، درصددند تا فروغ حق را خاموش سازند.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جریان باطل را پایان داده و طومار زندگی آنان را در هم می پیچد تا همه انسان ها، بر اساس آموزه های دینی، زندگی آرام و مطمئنی داشته باشند. البته این وعده خداوند است و وعده الهی تخلف ناپذیر است.

بحث درباره دشمنان حضرت مهدی علیه السلام در موضوعاتی قابل بررسی است:

**یک. نبرد پایانی حق و باطل**

انسان در زندگی اجتماعی خود، همواره شاهد صحنه نزاع بین دو نیروی حق و باطل است. این صف بندی برای رسیدن به آرمان ها و اهداف خود است؛ یعنی برخی به طرفداری و اطاعت از حق و گروهی به دنباله روی از باطل می پردازند و این نزاع همچنان ادامه خواهد داشت تا آن گاه که از باطل اثری نماند. زمانی که جهان به صورت یک جامعه ایده آل در آید و پایان این مبارزه اعلام گردد، لشکر حق پیروز و بساط باطل

برچیده می شود و بشریت وارد مرحله تازه ای از تاریخ خود می گردد.

بر این اساس، در بعضی از روایات، عبارت (جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ) به قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تفسیر شده است. این بشارتی است در زمینه پیروزی حق بر باطل و ایمان بر کفر که نمونه کامل آن، ظهور حکومت حق و عدالت در تمامی کره زمین است.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رهبری گروه حق و حزب خدا را در دست می گیرد و با تمام توان به جنگ نهایی با جبهه کفر و باطل و جنود شیطان می پردازد و در تحقق وعده های حتمی الهی، پیروز می شود و تاریخ به شکوهمندترین فرجام خود می رسد.

## دو. گونه شناسی دشمنان حضرت هنگام قیام

### اشاره

بی گمان در این مصاف بزرگ، شیطان ها و پیروان شیطان، گرد هم می آیند تا آخرین تلاش های خود را برای رودرویی با حق به کار گیرند. بررسی روایات به روشنی برخی از گونه های دشمنان حضرت را در هنگام قیام معرفی می کند؛ البته در پاره ای موارد ممکن است این گروه ها، شامل بخشی از گروه دیگر نیز بشوند، اما از آنجا که در روایات مورد اشاره قرار گرفته اند این گونه عنوان بندی شدند. در یک تقسیم بندی کلی دشمنان به دو گروه تقسیم می شوند: ۱. غیر مسلمانان (کافران، مشرکان، یهود و نصارا)؛ ۲. مسلمانان (طور عمده منافقان).

### ۲۱. غیر مسلمانان

### ۲۱۱. کافران و مشرکان

نخستین گروهی که در برابر حضرت مهدی علیه السلام صف آرای می کنند، مشرکان و کفارند؛ آنان که ادعا می کنند سرکرده مردم جهانند و نهضت آزادی بخش امام مهدی علیه السلام را مانع ناروای خود می بینند. برای جلوگیری از پیروی مستضعفان از ایشان و حاکمیت محرومان، نیرو

تهیه کرده و با سپاهیان امام درگیر می شوند. امام صادق علیه السلام در باره آیه شریفه (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ)؛ (۱) می فرماید:

إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ يَنْتَقِ مُشْرِكٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَ لَا كَافِرٌ إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ؛ (۲) آن گاه که قائم قیام کند، هیچ مشرک به خداوند بلند مرتبه و هیچ کافری نخواهد بود مگر اینکه از قیام او ناخشنود خواهد شد.

آنان به دنبال این ناخرسندی، به دشمنی و جنگ با آن حضرت می پردازند.

شیوه برخورد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با آنان که همان شیوه پیامبر است به شدیدترین صورت ممکن خواهد بود که:

(مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ)؛ (۳) محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیامبر خداست و کسانی که با اویند، بر کافران، سختگیر [و] با همدیگر مهربانند.

شاید به جهت شرایطی که خداوند فراهم سازد، بسیار سخت تر و دردناک تر باشد.

## ۲۱۲. یهود، سرسخت ترین دشمن

خداوند متعال در برخی آیات قرآن، از یهود به عنوان دشمن ترین گروه برای مؤمنان یاد کرده است، (۴) از این رو به راحتی می توان گفت: در آن انقلاب جهانی این گروه از هیچ تلاشی برای سرکوب یاران حق فروگذاری نمی کنند. در بعضی روایات، بیشترین پیروان دجال از یهود دانسته شده و دشمنی دجال نیز با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱- «او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست، فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند»: توبه (۹)، آیه ۳۳.

۲- عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۸۷.

۳- فتح (۴۸)، آیه ۲۹.

۴- مائده (۵)، آیه ۸۲.

بسیار روشن است. ابن عمر گوید: ... پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

... أَكْثَرُ أَتْبَاعِهِ الْيَهُودُ وَالنِّسَاءُ وَالْأَعْرَابُ ... ؛ (۱) و بیشتر پیروان او یهود و زنان و اعرابند.

### ۲۱۳. نصارا

از آنجایی که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قیام جهانی خود، جز به برپایی دستورات الهی اقدام نمی کند، از این رو همه دشمنان از جمله نصارا، در برابر او دشمنی می کنند.

### ۲۲. مسلمانان

#### اشاره

در این بخش، کسانی به دشمنی با حضرت بر می خیزند که در ظاهر به آموزه های اسلامی اعتقاد دارند، اما به جهت برخی امور، هنگام ظهور از پیروی آن حضرت سر باز می زنند و در صف دشمنان قرار می گیرند. در اینجا به برخی از این افراد و یا گروه ها اشاره می شود:

### ۲۲۱. منافقان

بررسی ها، نشان می دهد به جز کافران، مشرکان، یهود و نصارا گروه های دیگری نیز به مقابله با حضرت بر می خیزند که در میان آنان کسانی که پیش تر ادعای موافقت با امام را داشتند، دیده می شود. آنان منافقانی هستند که به پندار خود، منافعشان را در ظهور او می جستند و اینک بر خلاف این پندار، قیام آن حضرت را بر مبنای عدل و قسط می بینند! گویی به طور دقیق تاریخ تکرار می شود و کسانی که حکومت امام علی علیه السلام را برای رسیدن به دنیا می خواستند، از مدار ولایت او خارج و در صف دشمنان آن حضرت وارد می شوند!!

در طول تاریخ اسلام، افرادی از منافقان، با سوء استفاده از آزادی های اسلامی، وارد مسلمانان شده و با تظاهر به شعائر اسلامی، از امکانات جامعه اسلامی، استفاده کرده اند!



مصالح اسلام نیز، ایجاب می کرد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام، با آنان مدارا کنند و از درونشان پی جویی نکنند. در حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، این گونه افراد در صدد نفوذ در حکومت و جامعه اسلامی بر می آیند. حضرت، پس از درهم شکستن مقاومت مخالفان، پیروزمندانه وارد کوفه می شود و منافقان را در ردیف سایر فرقه های منحرف نافرمان، از میان بر می دارد.

## ۲۲۲. راحت طلبان

«راحت طلبی» ریشه در خود پرستی دارد و خودخواهی، منشأ همه مفسد است. لذت طلبی حالتی را در انسان ایجاد می کند که همه معیارهای اعتقادی و اخلاقی او را دگرگون می سازد.

لذت طلب، دین را به گونه ای توجیه می کند که با رفاه او در تراحم نباشد؛ او بیشتر به دنبال آن دسته از احکام ساده و بدون دردسر است که دنیای او در خطر نیفتد. انقلاب جهانی امام زمان علیه السلام، بدون گذشتن از آتش و خون به پیروزی نمی رسد؛ در نبرد محرومان با مستکبران، برق تیغ بلا، ایمان ها را به آزمایش در می آورد. مؤمنان راستین پیشاپیش به استقبال رفته و خود را برای بلاها آماده می سازند؛ ولی راحت طلبان با دستاویز قرار دادن مذهب، در پس توجیه وضع و پایگاه خویش هستند. در دوران انتظار، بیش از همه چیز، در فکر زندگی خودند و انتظار را بیشتر در دعا و... می جویند.

## ۲۲۳. جمود اندیشان

از آغاز تاریخ اسلام، ظاهرگرایان از مهم ترین کسانی اند که مانع گسترش دین می باشند، کسانی که به باطن و روح و هدف دین توجه نکرده و افق درکشان فراتر از پوست و قالب را نمی نگرند. دور بودن از واقعیت های عینی، آنان را کوتاه بین و به خود محوری دچار کرده، محدود بودن درکشان نسبت به دین، موجب می شود در

بحران‌ها و زمان‌های حساس، تکلیف خود را نشانند و آن گونه که شایسته است، از پیامبر و امامان علیهم السلام پیروی نکنند و گاهی نیز به رویارویی با آنان پردازند!

هنگام ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، نه فقط تحجر در اندیشه‌ها و رفتار اجتماعی، از میان نمی‌رود که به گونه‌هایی نو، جلوه می‌کند. محمد بن ابی حمزه از امام صادق علیه السلام روایت کرده است:

الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَلْقَى فِي حَزْبِهِ مَا لَمْ يَلْقَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَهُمْ يَعْبُدُونَ حِجَارَةً مَنقُورَةً وَخَشَبًا مَنحُوتَةً وَإِنَّ الْقَائِمَ يَخْرُجُونَ عَلَيْهِ فَيَتَأَوَّلُونَ عَلَيْهِ كِتَابَ اللَّهِ وَيَقَاتِلُونَهُ عَلَيْهِ؛ (۱) قائم علیه السلام در پیکار خود با چنان چیزی مواجه خواهد شد که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با آن مواجه نگردید! همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در حالی به سوی مردم می‌آمد که آنان بت‌های سنگی و چوب‌های تراشیده را پرستش می‌کردند؛ ولی قائم چنان است که علیه او خروج می‌کنند و کتاب خدا را علیه او تأویل می‌کنند و به استناد همان تأویل با او به جنگ بر می‌خیزند:

فضیل بن یسار گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می‌فرمود:

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ اسْتَقْبَلَ مِنْ جَهْلِ النَّاسِ أَشَدَّ مِمَّا اسْتَقْبَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ مِنْ جُهَالِ الْجَاهِلِيَّةِ؛ قائم ما چون قیام کند، مردم از روی جهل با او برخورد می‌کنند؛ شدیدتر از آنچه رسول خدا با آن از سوی نادانان جاهلیت روبه‌رو شد.

گفتم: این چگونه ممکن است؟ فرمود: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَتَى النَّاسَ وَهُمْ يَعْبُدُونَ الْحِجَارَةَ وَالصُّخُورَ وَالْعِيدَانَ وَالْخَشَبَ الْمَنحُوتَةَ وَإِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَتَى النَّاسَ وَكُلُّهُمْ يَتَأَوَّلُ عَلَيْهِ كِتَابَ اللَّهِ يَحْتَجُّ عَلَيْهِ بِهِ ثُمَّ قَالَ أَمَا وَاللَّهِ لَيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمْ عَدْلُهُ جَوْفَ بُيُوتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْحَرُّ وَالْقُرُ؛ (۲) همانا رسول خدا در حالی به

۱- محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۹۷، ح ۳.

۲- محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۹۶، ح ۱.

سوی مردم آمد که آنان سنگ و کلوخ و چوب های تراشیده و مجسمه های چوبین را می پرستیدند؛ قائم ما چون قیام کند در حالی به سوی مردم می آید که جملگی کتاب خدا را علیه او تأویل می کنند و بر او بدان احتجاج می نمایند! سپس فرمود: بدانید به خدا سوگند! موج داد گستری او بدان گونه که گرما و سرما نفوذ می کند تا درون خانه های آنان راه خواهد یافت.

ناگفته نماند امام، در مرحله دعوت، به تبیین اهداف و علل اقدامات خود می پردازد و ابهامی برای مردم باقی نمی گذارد تا تمام حق آشکار گردد. آن گاه که حق آشکار شد، اگر دشمنان از آن سر باز زدند، حضرت اقدام نظامی می کند.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم همه سرکشان که از دستورات قائم آل محمد سرپیچی کنند را به هلاکت و نابودی بشارت داده است که فرمود:

مَنْ تَبِعَهُ نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُ هَلَكَ؛ (۱) هر کس از او پیروی کند، نجات می یابد و هر کس سرپیچی کند، نابود می شود.

در روایاتی چند از شدت برخورد آن حضرت با برخی از عرب ها سخن به میان آمده است. شاید به این دلیل که شماری مسلمانان از میان عرب ها هستند و بیشترین ستم به اهل بیت پیامبر علیهم السلام از طرف آنان صورت گرفته است. امروزه نیز این دشمنی با پیروان اهل بیت علیهم السلام و هم سویی با استکبار، در بخش قابل توجهی از آنان به چشم می خورد. ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است:

إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ يَكُنْ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْعَرَبِ وَ قُرَيْشٍ إِلَّا السَّيْفُ مَا يَأْخُذُ مِنْهَا إِلَّا السَّيْفُ؛ (۲) هنگامی که قائم قیام کند، میان او و عرب و قریش جز شمشیر چیزی نخواهد بود؛ از آنان چیزی دریافت نخواهد کرد جز شمشیر.

۱- صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۵۹، ح ۲۳۰.

۲- محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۳۴، ح ۲۱.

امام باقر علیه السلام نیز فرمود:

يُقَوْمُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ جَدِيدٍ وَ كِتَابٍ جَدِيدٍ وَ قَضَاءٍ جَدِيدٍ عَلَى الْعَرَبِ شَدِيدٍ لَيْسَ شَأْنُهُ إِلَّا السَّيْفَ لَا يَسْتَتِيبُ أَحَدًا وَ لَا يَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَأَيِّمٍ؛ (۱)

قائم، به امری نوین و دستورات تازه و قضایی جدید قیام خواهد کرد. این بر عرب سخت گران خواهد بود (یا سخت خواهد گرفت). او را کاری جز با شمشیر نیست؛ توبه هیچ کس را نمی پذیرد و در کار خدا از ملامت هیچ شخص خرده گیری باک ندارد.

### سه. انتقام

#### اشاره

یکی از ابعاد قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف افزون بر جنبه های اصلاح گری، انسان سازی، عدالت گستری، کمال بخشی و احیای دین خداوند خون خواهی از دشمنان خداوند، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم، اهل بیت علیهم السلام و همه ستمدیدگان تاریخ است. در این میان خونخواهی از سید الشهداء علیه السلام از ویژگی خاصی برخوردار است. بنابراین با استفاده از روایات گروه هایی که از آنان انتقام گرفته می شود، عبارتند از:

#### ۳۱. دشمنان خداوند

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در حدیث معراج، پس از بیان دیدن نور پیشوایان معصوم علیهم السلام و آخرین جانشین خود در میان آنها، فرمود: ... عرض کردم: «پروردگارا! اینان چه کسانی هستند؟» خداوند فرمود:

هَؤُلَاءِ الْأَيِّمَةُ وَ هَذَا الْقَائِمُ الَّذِي يُحِلُّ حَلَالِي وَ يُحَرِّمُ حَرَامِي وَ بِهِ أَنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِي ...؛ (۲) ایشان پیشوایانند و این قائم است؛ همو که حلال مرا حلال می کند و حرام مرا را حرام می سازد و از دشمنان من انتقام می گیرد....

احمد بن اسحاق گوید:

۱- محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۳۳، ح ۱۹.

۲- صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۲، ح ۲؛ نعمانی، الغیبه؛ ص ۹۳.

بر امام عسکری علیه السلام وارد شدم و خواستم از جانشین پس از وی پرسش کنم؛ او آغاز سخن کرد و فرمود: ای احمد بن اسحاق! خدای تعالی از زمان آدم علیه السلام زمین را خالی از حجت نگذاشته است و تا روز قیامت نیز خالی از حجت نخواهد گذاشت. به واسطه اوست که بلا را از اهل زمین دفع می کند و به خاطر اوست که باران می فرستد و برکات زمین را بیرون می آورد.

گفتم: ای فرزند رسول خدا! امام و جانشین پس از شما کیست؟ حضرت شتابان برخاست و داخل خانه شد و سپس برگشت، در حالی که بر شانه اش کودکی سه ساله بود که صورتش مانند ماه شب چهارده می درخشید. فرمود: ای احمد بن اسحاق! اگر نزد خدای تعالی و حجت های او گرامی نبودی، این فرزندم را به تو نمی نمودم. او هم نام و هم کنیه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است؛ کسی است که زمین را آکنده از عدل و داد می کند، همچنان که پر از ظلم و جور شده باشد....

احمد بن اسحاق گوید: گفتم: ای مولای من! آیا نشانه ای هست که قلبم بدان مطمئن شود؟

آن کودک به زبان عربی فصیح به سخن درآمد و فرمود: اَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ الْمُنتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ فَلَا تَطْلُبْ أَثْرًا بَعْدَ عَيْنٍ يَا أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ؛ (۱) ای احمد بن اسحاق! منم بقیه الله در زمین خداوند و انتقام گیرنده، از دشمنان او؛ پس از مشاهده، جست و جوی نشانه مکن!

### ۳۲. قاتلان امام حسین علیه السلام

#### اشاره

امام صادق علیه السلام در باره انتقام از قاتلان امام حسین علیه السلام می فرماید:

لَمَا كَانَ مِنْ أَمْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا كَانَ ضَجَّتِ الْمَلَائِكَةُ إِلَى اللَّهِ بِالْبُكَاءِ وَقَالَتْ يُفْعَلُ هَذَا بِالْحُسَيْنِ صَفِيكَ وَ ابْنِ نَبِيِّكَ قَالَ فَأَقَامَ اللَّهُ لَهُمْ ظِلًّا

۱- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۸۴، ح ۱.

الْقَائِمِ وَقَالَ بِهِذَا أَنْتُمْ لِهَذَا؛ (۱) چون کار حسین علیه السلام چنان شد که شد (اصحاب و جوان هایش کشته شدند و خودش تنها ماند)، فرشتگان به سوی خدا شیون و گریه کردند و گفتند: با حسین بر گزیده و پسر پیغمبرت چنین رفتاری کنند؟ پس خدا سایه حضرت قائم علیه السلام را به آنها نمود و فرمود: با این انتقام او را می گیرم.

در پاره ای از روایات نیز آمده است که: آن حضرت انتقام گیرنده خون تمامی امامان علیهم السلام و مظلومان تاریخ است. فرات بن أحنف از امام صادق علیه السلام روایت کرده که به نقل از پدران خود علیهم السلام فرمود:

در زمان خلافت امیر المؤمنین علیه السلام آب فرات بالا آمد، پس آن حضرت و دو فرزندش حسن و حسین علیهما السلام سوار شدند چون گذرشان بر طایفه ثقیف افتاد، آنان گفتند: علی علیه السلام آمده است آب را به جای خود بازگرداند (فرو نشاند). پس حضرت فرمود:

أَمَا وَاللَّهِ لَأُقْتَلَنَّ أَنَا وَابْنَايَ هِرْدَانٍ وَلَيَبْعَثَنَّ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ وُلْدِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ يُطَالِبُ بِدِمَائِنَا؛ (۲) بدانید به خدا قسم! من و این دو فرزندم یقیناً کشته خواهیم شد و بدون تردید خداوند مردی از فرزندان من را در آخر الزمان بر می انگیزاند که خونخواهی ما خواهد کرد.

علاوه بر منتقم، یکی از القاب آن حضرت «موتور» است. «موتور» از نظر لغت به کسی گویند که یکی از خویشاوندانش کشته شده؛ ولی خون بهای او گرفته نشده است. (۳) در برخی روایات، از حضرت مهدی علیه السلام با عنوان «موتور بوالده» (۴) یا «موتور بابیه» (۵) یاد شده

۱- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۶۵، ح ۶؛ طوسی، الامالی، ج ۲، ص ۳۳.

۲- نعمانی، الغیبه، ص ۱۴۰، ح ۱؛ نک: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۸، ح ۱.

۳- طریحی، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۵۰۹.

۴- نعمانی، الغیبه، ص ۱۷۸، ح ۲۲.

۵- نعمانی، الغیبه، ص ۱۷۹؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۲۲.

است؛ یعنی، کسی که پدرش کشته شده و از خون او مطالبه و خونخواهی نشده است. مراد از پدر در این روایت، ممکن است امام حسن عسکری علیه السلام یا امام حسین علیه السلام باشد یا اینکه جنس پدر است که شامل همه امامان معصوم علیهم السلام باشد.

در روایاتی چند این انتقام به اراده خداوند و به دست آن حضرت و در بعضی به آن حضرت نسبت داده شده است. در هر حال تفاوتی نمی کند خداوند به دست او از دشمنانش انتقام بگیرد یا اینکه خود حضرت از دشمنان خود و خاندانش انتقام بگیرد، این وعده ای است که خداوند در قرآن فرموده است.

در کامل الزیارات از امام صادق علیه السلام نقل کرده که در باره آیه (وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطٰناً فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ)؛ (۱) فرمود:

ذَلِكَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ يَخْرُجُ فَيَقْتُلُ بَدَمِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ...؛ (۲) او قائم آل محمد است؛ قیام می کند و به انتقام از خون حسین بن علی، دست به کشتار می زند....

البته این انتقام به دو صورت تصور می شود:

نخست اینکه: ستمگران یاد شده به دنیا بر می گردند؛ آن گاه حضرت از آنان انتقام می گیرد.

دیگر اینکه: فرزندان آنان که به کارهای پدران و گذشتگان خود خشنودند، مورد انتقام قرار می گیرند. عبد السلام بن صالح هروی گوید: به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: نظرتان در باره این حدیث امام صادق علیه السلام چیست که حضرت فرمود:

إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ قَتَلَ ذُرَارِيَّ قَتْلِهِ الْحُسَيْنِ عِ بِنِعَالِ آبَائِهَا؛ زمانی که قائم علیه السلام قیام کند فرزندان قاتلان

۱- «و هر کس مظلوم کشته شود، به سرپرست وی قدرتی داده ایم، پس [او] نباید در قتل زیاده روی کند»؛ اسراء (۱۷)، آیه

۲- ابن قولویه قمی، کامل الزیارات، ص ۶۳.

حسین علیه السلام را به خاطر کردار پدرانشان خواهد کشت؟

حضرت فرمود: همین طور است. گفتم: پس معنای این آیه چیست: (وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى)؟ (۱)

امام در پاسخ فرمود:

صَدَقَ اللَّهُ فِي جَمِيعِ أَقْوَالِهِ وَ لَكِنْ ذَرَارِيُّ قَتَلِهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَرْضُونَ بِفِعَالِ آبَائِهِمْ وَيَفْتَخِرُونَ بِهَا وَمَنْ رَضِيَ شَيْئًا كَانَ كَمَنْ أَتَاهُ وَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا قُتِلَ بِالْمَشْرِقِ فَرَضِيَ بِقَتْلِهِ رَجُلٌ بِالْمَغْرِبِ لَكَانَ الرَّاضِيَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ شَرِيكَ الْقَاتِلِ وَ إِنَّمَا يَقْتُلُهُمُ الْقَائِمُ عِذَا خَرَجَ لِرِضَاهُمْ بِفِعْلِ آبَائِهِمْ؛ (۲) خداوند در تمام گفتارهایش درست گفته است؛ لکن فرزندان قاتلان حسین علیه السلام از کردار پدرانشان راضی هستند و به آن افتخار می کنند و هر کس از کاری راضی باشد، مثل کسی است که آن را انجام داده، و اگر کسی در مشرق کشته شود و دیگری در مغرب از این قتل راضی باشد، نزد خدا با قاتل شریک خواهد بود.

در اینجا مناسب است به جهت اهمیت بحث انتقام، به مفهوم و انواع آن اشاره ای کنیم.

«انتقام» (۳) گاه به انسان نسبت داده می شود و گاه به خداوند. تفاوت این دو در این است که انتقام های بشری، بیشتر در پی زیانی است که فرد بر اثر ناتوانی از ناحیه دشمن دیده و بدین وسیله می خواهد ناکامی و شکست خود را جبران کند! از این رو گاه ضمن گرفتن انتقام، از حدّ میانه روی بیرون رفته، مرتکب کارهای ناروا و خلاف حق می شود. اما انتقام الهی بر اثر آسیب دیدن خداوند یا برای تشفی خاطر نیست؛ زیرا خداوند آسیب پذیر نیست و تشفی خاطر در او راه ندارد، بلکه انتقام او به معنای کیفر دادن گناه کاران، براساس

۱- «و هیچ باربرداری بار [گناه] دیگری را بر نمی دارد»: انعام (۶)، آیه ۱۶۴.

۲- صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۷۳، ح ۵.

۳- برگرفته از: دایره المعارف قرآن کریم، مدخل انتقام، محمدابوطالبی.



حق و عدالت است.

### اقسام انتقام

«حس انتقام گیری» یک اصل حیاتی است که خداوند آن را در وجود همه انسان ها حتی برخی حیوانات به ودیعه نهاده است؛ لیکن بهره وری از آن، به تناسب مورد و کیفیت احکام و وجوه گوناگونی دارد که می توان آن را به انتقام پسندیده، مباح و ناپسند تقسیم کرد:

الف. انتقام پسندیده و لازم: اسلام، با هرگونه ظلم و تعدی، به فرد یا جامعه مخالف است؛ ازاین رو مقابله با ستمگران و گرفتن حق مظلومان را امری ممدوح و گاه واجب می شمارد. قرآن کریم در آیات ۱۴ و ۱۵ سوره «توبه»، به مسلمانان فرمان می دهد با کافران و مشرکان نبرد کنند، تا ضمن رفع شرک و کفر از روی زمین، خشم مؤمنان ستمدیده فرو نشسته و دل های آنان تشریف یابد.

شاید پسندیده بودن و وجوب انتقام در این موارد، بدان سبب باشد که اگر از ستمگران انتقام گرفته نشود، موجب گستاخی آنان و پایمال شدن حقوق دیگران گشته و فساد و ناامنی در جامعه گسترش می یابد.

ب. انتقام مُجاز؛ اگر ستم و تجاوز، متوجه خود انسان باشد و انتقام گرفتن او پیامدی برای دیگران نداشته باشد، این کار، جایز و روا خواهد بود. بدین معنا که انسان در این گونه موارد، بین گرفتن انتقام از ظالم یا عفو او مخیر است. البته گرفتن انتقام به طور مطلق و در همه موارد، روا نیست؛ بلکه در مواردی جایز است که اسلام اجازه آن را داده باشد.

ج. انتقام مذموم و ناروا: انتقام، اگر برخاسته از تعصب های جاهلانه، دشمنی های نابجا و همراه با تجاوز و تعدی باشد، ناروا و ناپسند است؛ زیرا در این انتقام ها نه فقط حقی به دست نیامده و ظلمی برطرف

نمی‌گردد، بلکه خود موجب پایمال شدن حقوق دیگران و منشأ ظلم و فساد می‌شود و این امر مذمومی است. اما انتقامی که در قیام جهانی حضرت از آن یاد می‌شود، انتقام پسندیده و لازم است.

### چهار. فرجام شیطان

از آنجایی که نقش شیطان در دشمنی با حضرت، قابل توجه است و می‌توان او را دشمن ترین فرد با حضرت و قیام او دانست؛ در اینجا به فعالیت‌ها و سرنوشت او اشاره می‌شود.

روایات در باره سرانجام شیطان، متفاوت است؛ اما در بعضی آمده است نابودی وی به دست حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود. (۱) از وهب بن جمیع نقل شده که گفت:

از حضرت صادق علیه السلام درباره این گفته ابلیس پرسیدم که: (قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرُنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ)؛ (۲)

آن، چه روزی خواهد بود؟ امام فرمود:

يَا وَهْبُ أَتَحْسَبُ أَنَّهُ يَوْمٌ يَبْعَثُ اللَّهُ النَّاسَ لَا - وَ لَكِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْظَرَهُ إِلَى يَوْمٍ يَبْعَثُ اللَّهُ قَائِمًا فَيَأْخُذُ بِنَاصِيَتِهِ فَيَضْرِبُ عُنُقَهُ فَذَلِكَ الْيَوْمُ هُوَ الْوَقْتُ الْمَعْلُومُ؛ (۳) آیا گمان می‌کنی آن روز رستاخیز بزرگ است؟ هرگز! بلکه خداوند عزوجل او را تا روزی که قائم ما قیام کند، فرصت داده است. آن گاه [قائم ما] او را از پیشانی اش گرفته، گردنش را خواهد زد. آن هنگام روز وقت معلوم است.

ممکن است مقصود از روایت، این باشد که با روشن شدن حقایق در عصر ظهور و رشد بسیار بالای عقلانی در آن عصر، دیگر مجالی برای

۱- در جلد پایانی این مجموعه به برخی پرسش‌ها در این باره اشاره خواهد شد.

۲- گفت: «پروردگارا، پس مرا تا روزی که برانگیخته خواهند شد مهلت ده.» فرمود: «تو از مهلت یافتگانی، تا روز [و] وقت معلوم.» حجر (۱۵) آیات ۳۶ ۳۸.

۳- عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۴۲؛ طبری، دلائل الامامه، ص ۲۴۰.

اغوای شیطان باقی نخواهد ماند و او عملاً خلع سلاح و نابود می شود و این، پایان مهلت او است. (۱) البته در برخی روایات، هلاکت شیطان به دست پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دانسته شده است. (۲)

---

۱- . نک: صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۲، ح ۵؛ طبری، دلائل الامامه، ص ۲۴۶؛ مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۱۵.

۲- . محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۴۴، ح ۹۶.

## خودآزمایی

۱. از نگاه آیات قرآن برخی از گونه های دشمنان چه کسانی هستند؟ دو گروه را توضیح دهید.
۲. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام قیام از چه گروه هایی انتقام می گیرد؟ چرا و چگونه؟
۳. چگونه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از قاتلان امام حسین انتقام می گیرد؛ در حالی که آنان از دنیا رفته اند؟
۴. انتقام به چند نوع تقسیم می شود؟ هر یک را شرح دهید.
۵. روایات اسلامی فرجام شیطان را چگونه دانسته است؟ توضیح دهید.

□□□

## منابع برای پژوهش

۱. جعفری اریسمانی، رحمت، دشمن شناسی از دیدگاه قرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
۲. جمعی از نویسندگان، درسنامه تاریخ تحلیلی دشمن شناسی، قم، مؤسسه اطلاع رسانی و مطالعات فرهنگی لوح و قلم، ۱۳۸۳ ش.
۳. جعفری، محمد صابر، مهدی انکاری، انتظار ستیزی، فصلنامه انتظار، مرکز تخصصی مهدویت، ش ۵، پاییز ۱۳۸۱ ش.
۴. کارگر، رحیم، آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، قم، ۱۳۸۳ ش.
۵. رضوی، سید عباس، «موافقان و مخالفان مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف»، چشم به راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۸ ش.



## درس دوازدهم: یاران و یاوران

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

یاران و یاوران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

یک یاران خاص

ویژگی های یاران خاص؛

یاران زن.

گونه شناسی یاران خاص:

ابدال؛

اخیار؛

عصائب؛

نجبا.

دو یاران عام (یاوران):

شعار یاران حضرت مهدی علیه السلام.

## پیش در آمد

یاران و یاوران حضرت مهدی علیه السلام، بازوان توانمند ایشان و مایه پیروزی نهضت جهانی ایشان هستند. همه پیامبران از این همراهی بهره مند بوده و به پیروزی هایی دست می یافتند؛ همان گونه که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم با همراهی مهاجران و انصار، رسالت بزرگ خود را به انجام رساند و امیر مؤمنان علی علیه السلام با مجاهدت یاران راستین خود، پیروزی های بزرگی به دست آورد و سید الشهداء علیه السلام در قیام عاشورا، به کمک یاران خود برگی زرین در تاریخ به یادگار نهاد.

این جایگاه سبب شده تا پیشوایان معصوم علیهم السلام همواره اهمیت حضور این انسان ها را در آن قیام جهانی یادآور باشند. امام صادق علیه السلام مجموع عواملی را که سبب پیروزی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می شود در سه چیز دانسته و در باره این آیه که (أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ)؛ (۱) فرمود:

وَأَمْرُنَا أَمْرُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ لَا تَسْتَعْجِلَ بِهِ حَتَّى يُؤَيِّدَهُ اللَّهُ بِثَلَاثَةِ أَجْنَادٍ الْمَلَائِكَةِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالرُّعْبِ؛ (۲)

آن امر ما است، خدای عز و جل امر

۱- «[هان] امر خدا در رسید، پس در آن شتاب مکنید»: نحل (۱۶)، آیه ۱.

۲- محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۱۹۸، ح ۹؛ ص ۲۴۳، ح ۴۳.

فرموده که در مورد آن شتاب نشود تا آنکه او را با سه [لشکر] یاری فرماید که عبارتند از: فرشتگان، مؤمنان و هراس.

با بهره گیری از این روایت، مجموع عوامل پیروزی حضرت مهدی علیه السلام را در دو بخش تقسیم کرده و در باره آن بحث می کنیم.

### یاران و یاوران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

#### اشاره

مؤمنان، همان منتظران راستین اند که دوران غیبت را به نیکی سپری کرده اند؛ و نیز زمینه سازان ظهورند که در آستانه برانگیخته شدن حضرت، به وظایف خود به شایستگی عمل کرده اند. روایات در مجموع این انسان ها را به دو بخش تقسیم کرده است. یاران خاص و یاران عام (یاوران).

#### یک. یاران خاص

#### اشاره

اما دسته نخست، ۳۱۳ تن از یاران ویژه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند. احادیث فراوانی در ستایش این گروه ممتاز وارد شده و در قرآن کریم آیاتی چند به آنان تأویل شده است. از امام باقر و صادق علیهما السلام در تأویل این سخن خداوند متعال: (وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّهٍ مَّعْدُودَةٍ...)<sup>(۱)</sup>

نقل شده که فرمودند:

... أُمَّهٍ مَّعْدُودَةٍ يَعْنِي عِدَّةَ كَعِدَّةِ بَدْرِ قَالَ يَجْمَعُونَ لَهُ فِي سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ فَرَعًا كَقَرَعِ الْخَرِيفِ؛<sup>(۲)</sup> مراد از امت معدود، یاران مهدی در آخرالزمانند؛ ۳۱۳ تن به شمار افراد جنگ بدر. آنان، در ساعتی جمع می شوند؛ مانند ابرهایی که در پایین جمع می گردند.

همچنین امام صادق علیه السلام در وصف یاران خاص حضرت مهدی علیه السلام فرموده است:

۱- «و اگر عذاب را تا چند گاهی از آنان به تأخیر افکنیم...»: هود (۱۱)، آیه ۸.

۲- محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۵۵، ح ۴۲؛ نیز: ر.ک: نعمانی، الغیبه، ص ۲۴۱، ح ۳۶.



مردانی که گویی قلب هایشان، مانند پاره های آهن است. هیچ چیز نمی تواند دل های آنان را درباره ذات خداوند گرفتار شک سازد. سخت تر از سنگ هستند. اگر بر کوه ها حمله کنند، آنها را از هم خواهند پاشید... گویی که بر اسبان خود، مانند عقاب هستند. بر زین اسب امام دست می کشند و از این کار برکت می جویند. گرد امام خویش چرخیده، در جنگ ها، جان خود را سپر او می سازند و هر چه را بخواهد، برایش انجام می دهند. مردانی که شب ها نمی خوابند؛ در نمازشان همه ای چون صدای زنبور عسل دارند. شب ها بر پای خویش ایستاده و صبح بر مرکب های خود سوارند. پارسایان شب و شیران روزاند. اطاعت آنان برابر امامشان، از اطاعت کنیز برای آقايش زيادتر است. مانند چراغ ها هستند...

گویی که دل هایشان قنديل است. از ترس خدا بیمناک و خواهان شهادتند. تمنایشان شهيد شدن در راه خدا است. شعارشان این است: «ای مردم! برای خون خواهی حسین به پا خیزید.» وقتی حرکت می کنند، پیشاپیش آنان به فاصله يك ماه، وحشت حرکت کند. آنان، دسته دسته به سوی مولا می روند. خدا به وسیله آنان امام راستین را یاری می کند. (۱)

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کند که فرمود:

مَا كَانَ قَوْلُ لُوطٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِقَوْلِهِ (لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوَى إِلَيَّ رُكْنٌ شَدِيدٌ) (۲) إِلَّا تَمَنَّى لِقُوَّةِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ لَا ذَكَرَ إِلَّا شِدَّةَ أَصْحَابِهِ وَ إِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ لَيُعْطَى قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَ إِنَّ قَلْبَهُ لَأَشَدُّ مِنْ زُبْرِ الْحَدِيدِ وَ لَوْ مَرُّوا بِجِبَالِ الْحَدِيدِ لَقَلَعُوهَا وَ لَا يَكْفُونَ سُيُوفَهُمْ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ؛ (۳) وقتی لوط علیه السلام به قومش می گفت: «کاش برای مقابله

۱- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۲- هود (۱۱)، آیه ۸۰.

۳- صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۳، ح ۲۷.

با شما قدرتی داشتم یا به تکیه گاهی استوار پناه می جستم»؛ آرزو داشت که توانایی قائم علیه السلام را داشته باشد. او با این کلام استواری اصحاب او را یاد کرده است، زیرا مردی از اصحاب وی، توانایی چهل مرد را دارد و قلب او از پاره آهن استوارتر است. اگر بر کوه های آهن بگذرند، آن را بر کنند و شمشیرهای خود را در نیام نکنند تا آنکه خدای تعالی خشنود گردد.

## ۱-۱. ویژگی های یاران خاص

### اشاره

در باره ویژگی های یاران خاص حضرت، نکات فراوانی در روایات ذکر شده که بعضی از آنها چنین است:

#### ۱-۱-۱. جوان بودن

جوانی، دلپذیرترین لحظات زندگی و شورانگیزترین فرصت های حیات انسانی است. فصلی است برای شکفتن غنچه های کمال و معرفت و موسمی است برای جوشش زلال ایمان و معنویت. جوانان، جوانه های سرسبز و شاداب و شکوفه های زیبا و دلپذیر درخت زندگی و حیات انسانی اند. با توجه به جایگاه مهم جوان و جوانی، آموزه های دینی همواره بر این موقعیت تأکید فراوانی کرده و به مناسبت بدان توجه نموده است.

یکی از این موارد مورد تأکید این است که در برپایی قیام جهانی منجی موعود، نه فقط خود حضرت در هیئت مردی جوان ظهور خواهد کرد که بیشتر یاران خاص او در سن جوانی بوده و بزرگسالان میان آنان کم شمار خواهند بود.

حضرت علی علیه السلام در این باره فرمود:

إِنَّ أَصْحَابَ الْقَائِمِ شَبَابٌ لَا كُھُولَ فِيهِمْ إِلَّا كَالْكُھْلِ فِي الْعَيْنِ، أَوْ كَالْمِلْحِ فِي الرَّادِ، وَأَقْلَ الرَّادِ الْمِلْحُ؛ (۱) همانا یاران قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف همگی جوانند و پیر میانشان نیست؛ مگر به

۱- محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۳۱۵، ح ۱۰.

اندازه سرمه در چشم یا به قدر نمک در توشه راه و کمترین چیز در توشه راه، نمک است.

### ۲-۱-۱. محدود بودن شمار آنها

با توجه به سختی دین داری در دوران غیبت و بویژه در آستانه ظهور، کسانی که شایستگی ملازمت با آن حجت الهی را پیدا کنند و به بالاترین درجه ایمان برسند، محدود خواهند بود؛ از این جهت در شماری از روایات گفته شده است: شمار یاران خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۳۱۳ تن است. (۱) این عدد نیز مانند بسیاری از اعداد دیگر، دارای رمز و رازهایی است که بر ما پنهان و پوشیده است.

### ۳-۱-۱. نخستین بیعت کنندگان

امام صادق علیه السلام فرمود:

إِنَّ أَوَّلَ مَنْ يُبَايِعُ الْقَائِمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ (۲) نخستین کسی که با قائم بیعت می کند جبرئیل است.

امام باقر علیه السلام در باره نخستین کسانی که پس از فرشته وحی بیعت می کنند فرمود:

يُبَايِعُ الْقَائِمَ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ تَيْفٌ عَدَّهُ أَهْلٌ يَدْرُ فِيهِمُ النَّجْبَاءُ مِنْ أَهْلِ مِصْرَ وَالْأَبْدَالُ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ وَالْأَخْيَارُ مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ فَيَقِيمُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَقِيمَ؛ (۳)

### ۴-۱-۱. پرچم داری و حاکم بودن آنها

قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام برای برپایی عدل و قسط در همه گیتی است و یاران او در مبارزه علیه ستمگران، آن حضرت را برای این مهم یاری خواهند کرد. پس از آنکه در مبارزه با دشمنان «پرچم دار» امام بودند، در دوران حکومت از کارگزاران و حاکمان وی بر مناطق مختلف جهان

۱- حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۵۵۴؛ سیوطی، عقد الدرر، ص ۵۹.

۲- صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۱، ح ۱۸.

۳- طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۷۶.

خواهند بود. این مطلب در کلام امام صادق علیه السلام چنین آمده است:

كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى الْقَائِمِ عَلَى مِثْبَرِ الْكُوفَةِ وَ حَوْلَهُ أَصْحَابُهُ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةٌ عَشَرَ رَجُلًا عَدَّهُ أَهْلُ بَدْرٍ وَ هُمْ أَصْحَابُ الْأَلْوِيَةِ وَ هُمْ حُكَّامُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ عَلَى خَلْقِهِ؛ (۱) گویا به قائم علیه السلام می نگرم که بر منبر کوفه است و اصحابش که ۳۱۳ تن و به شمار اصحاب جنگ بدر اند در اطراف او هستند و آنان پرچمداران و حاکمان خدای تعالی بر خلقش در زمین می باشند...

### ۵-۱-۱. قدرت مند بودن

یاری حضرت مهدی علیه السلام در آن قیام جهانی، افزون بر قدرت روحی و معنوی، نیازمند قدرت جسمانی نیز است؛ از این رو در روایاتی به توانایی فوق العاده یاران خاص اشاره شده است. عبد الملک بن اعین گوید:

در نزد امام باقر علیه السلام از جا برخاستم و [از پیری] تکیه بر دستم زده، گریستم. حضرت فرمود: تو را چه شده؟ عرض کردم: من امید آن داشتم که تا نیرویی در تن دارم، حکومت حقه شما و پیروزیتان را درک کنم؟ امام فرمود:

... إِنَّهُ لَوْ قَدْ كَانَ ذَلِكَ أُعْطِيَ الرَّجُلُ مِنْكُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَ جُعِلَتْ قُلُوبُكُمْ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ لَوْ قُدِفَ بِهَا الْجِبَالُ لَقَلَعَتْهَا وَ كُنْتُمْ قَوَّامِ الْأَرْضِ وَ خُزَّانَهَا؛ (۲) به راستی اگر این جریان بشود، (و هنگام ظهور و پیروزی ما گردد)، بر مردی از شما نیروی چهل مرد داده شود و دل های شما چون پاره های آهن گردد؛ اگر با آنها به کوه ها زنند آنها را از جای برکنند، و شما در آن زمان حاکمان روی زمین و خزینه داران آن می باشید.

البته این قدرتمندی برای رهبر قیام در نقل ریّان بن صلت چنین آمده است:

۱- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۲، ح ۲۵.

۲- . محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۹۴، ح ۴۴۹.

به امام رضا علیه السلام گفتم: آیا شما صاحب الامر هستید؟ فرمود: من صاحب الامر هستم، اما آن کسی که زمین را از عدل آکنده سازد، همچنان که پر از جور شده باشد، نیستم و چگونه او باشم در حالی که ضعف بدن مرا می بینی. قائم کسی است که در سنّ پیران و منظر جوانان قیامی کند چنان نیرومند است که اگر دستش را به بزرگ ترین درخت روی زمین دراز کند، آن را از جای برمی کند و اگر بین کوه ها فریاد برآورد، صخره های آن فرو می پاشد. (۱)

### ۶-۱-۱. کرامت داشتن

در بعضی روایات از کرامات یاران حضرت سخن به میان آمده است. یکی از این کرامت ها آن است که دارای قدرت طی الارض هستند. اگر چه حقیقت این امر برای ما به روشنی معلوم نیست؛ اما این قدرتی است که خداوند در اختیار برخی بندگان خود قرار می دهد که با آن مسافت های بسیار طولانی را در اندک زمانی سپری کنند. امام صادق علیه السلام درباره طی الارض یاران حضرت مهدی علیه السلام فرمود:

... فَيَصِيرُ إِلَيْهِ شِعْبَتُهُ مِنْ أَطْرَافِ الْأَرْضِ تُطْوَى لَهُمُ الْأَرْضُ حَتَّى يُبَايِعُوهُ...؛ (۲) پس، از گوشه و کنار زمین پیروان او به سویش گرد می آیند و زمین برای آنها به هم پیچیده می شود، تا اینکه با او بیعت می کنند.

### ۲-۱. یاران زن

لازم یادآوری است که در تشکیل هسته اصلی آن پیکار بزرگ و جهاد مقدس، زنان نیز نقش به سزایی دارند و طبق بیان بعضی از احادیث، پنجاه زن، از یاران اصلی امام و همراه هسته مرکزی آن قیام حضور دارند. امام باقر علیه السلام در

۱- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۶، ح ۷.

۲- . فتال نیشابوری، روضهالواعظین، ص ۲۶۳.

این باره فرمود:

وَ اللَّهُ ثَلَاثَةٌ أَيْ وَ بَضْعَةٌ عَشْرَ رَجُلًا فِيهِمْ خَمْسُونَ امْرَأَةً يَجْتَمِعُونَ بِمَكَّةَ عَلَى غَيْرِ مِيعَادٍ قَزَعًا كَقَزَعِ الْخَرِيفِ يَتَّبِعُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا...؛  
(۱) به خدا سوگند! ۳۱۳ مرد که پنجاه زن نیز در میان آنهاست، مانند قطعه های ابر در فصل پاییز، در غیر موسم حج در مکه معظمه جمع می شوند.

این موضوع، دو نکته را روشن می سازند:

یکم. به رغم تأکید آموزه های وحیانی بویژه در دین مقدس اسلام زنان در طول تاریخ، از حقوق خویش محروم بوده و شخصیت آنان تحقیر شده است. اما، در دوران آن انقلاب بزرگ، شخصیت واقعی خویش را باز می یابند و به عنوان کارگزاران اصلی آن تحوّل عظیم، در جامعه جهانی شرکت می کنند. این موضوع، اهمیت ویژه ای دارد که ارزش واقعی و پایه قدرت و توانمندی نوع زن و ارزشیابی استعدادهای او را مشخص می سازد.

دوم. زنان اگر در جهاد و رویارویی مستقیم شرکت نکنند، در دیگر مسئولیت ها و سازندگی ها، می توانند مشارکت کنند. همچنین در گسترش فرهنگ اسلامی و آموزش معارف الهی می توانند کارآمد باشند و نقش برجسته ای ایفا کنند. در مسائل پشت جبهه و مسائل اجتماعی و تربیتی نیز می توانند نقش سازنده ای داشته باشند.

این موضوع، ارجمندی جایگاه زن و رشد و تکامل قابل توجه او را روشن می کند. اثر تربیتی این موضوع مهم، در جامعه منتظر، می تواند خودآگاهی زنان و بازشناسی توان رشد و بازیابی شخصیت آنان باشد.

برای شرکت در آن انقلاب جهانی، زنان از هم اکنون باید با معیارهای دقیق اسلامی و اخلاقی، شخصیت خود را بسازند و در بعد علم و عمل

تکامل یابند و بدانند که هم اکنون و در آینده، مسئولیت های بزرگی بر عهده دارند و در آینده کارهای مهمی را انجام خواهند داد. پس بایستی از هم اکنون به شناخت دقیق و درست اسلام پردازند و در تربیت خویش بکوشند، تا پیش از ظهور، در جرگه زنان منتظر قرار گیرند، و پس از آن شایستگی شرکت در آن حرکت بزرگ و کمک رساندن به داعی حق را داشته باشند. (۱)

### ۳-۱. گونه شناسی یاران خاص

#### اشاره

یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از صنف، نژاد و منطقه خاصی نیستند؛ بلکه از گروه ها و نژادهای گوناگون و از سرتاسر جهان هستند. کسانی که به یاری آن حضرت می شتابند از مناطق مختلف و اقصی نقاط کره زمینند.

امام جواد علیه السلام از پدران بزرگوار خود از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سخن مفصلی در باره یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل کرده است:

... رِجَالٌ مُسَوِّمَةٌ يَجْمَعُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ مِنْ أَقَاصِي الْبِلَادِ عَلَى عَدَدِ أَهْلِ بَدْرِ ثَلَاثِمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا...؛ (۲) و مردانی شناخته شده و نامدار، خدای تعالی برای او از اقصی نقاط بلاد ۳۱۳ تن به عدد اصحاب بدر گرد می آورد.

البته در بعضی از روایات به گروه های خاصی نیز اشاره شده است که از این قرارند:

#### ۱-۳-۱. ابدال

«ابدال»، گروهی از شایستگان و خاصان خدا [هستند] که هیچ گاه زمین از آنان خالی نباشد و جهان بدیشان برپا است. آن گاه که یکی از آنان بمیرد، خداوند متعال انسان دیگری را به جای او برانگیزد، (۳) تا آن شمار که به

۱- محمد حکیمی، عصر زندگی، ص ۷۵ ۷۶ (با تصرف).

۲- ر.ک: صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۶۸.

۳- ر.ک: متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۱۲۵.

قولی هفت و به قولی هفتاد است همواره کامل بماند. (۱)

برخی نیز گفته اند: آنان، گروهی اند که خداوند به وسیله آنها دین را بر پا نگه می دارد و روزی را نازل می کند. چهل نفر از ایشان در شام و سی نفر در سایر بلاد هستند. هر گاه یکی از دنیا برود، کس دیگری همانند او به جای او قرار می گیرد. (۲)

امام باقر علیه السلام فرمود:

يُبَايِعُ الْقَائِمَ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ ثَلَاثُمَائِهِ وَ تَيْفٌ عَمْدَهُ أَهْلٌ يَدْرُ فِيهِمُ النَّجْبَاءُ مِنْ أَهْلِ مِصْرَ وَالْأَبْدَالُ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ وَالْأَخْيَارُ مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ؛ (۳) سیصد و چند نفر به شمار اهل بدر با قائم بین رکن و مقام بیعت می کنند که در بین آنان نجبا از اهل مصر و ابدال از اهل شام و اخیار از اهل عراق هستند.

براین اساس «ابدال» گروهی از یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در شام هستند که هنگام ظهور، خود را به مکه رسانده با ایشان بیعت می کنند.

در باره ویژگی این افراد پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

... رُهْبَانٌ بِاللَّيْلِ لُيُوثٌ بِالنَّهَارِ كَانَ قُلُوبُهُمْ زُبُرَ الْحَدِيدِ فَيُبَايِعُونَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ...؛ (۴) آنان راهبان شب و شیران روز هستند. دل هایشان چون فولاد سخت است؛ میان رکن و مقام، با او (مهدی علیه السلام) بیعت می کنند.

## ۲-۳-۱. اخیار

«اخیار» در لغت به معنای نیکان،

۱- . علی اکبر دهخدا، لغت نامه، ابدال.

۲- . خلیل بن احمد، العین، ج ۸، ص ۴۵.

۳- . طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۷۶؛ مفید، الاختصاص، ص ۲۰۸؛ مسند ابی یعلی، ج ۱۲، ص ۲۷۰؛ صحیح ابن حبان، ج ۱۵، ص ۱۵۹؛ ابن ابی شیبه، کتاب المصنف، ح ۱۹۰۷۰؛ عبد الرزاق صنعانی، المصنف، ح ۲۰۷۶۹.

۴- . مفید، الاختصاص، ص ۲۰۸.



برگزیدگان، نیکوتران (۱) و انسان های نیک رفتار است. همان گونه که از امام باقر علیه السلام نقل شده، آنان گروهی از یاران خاص حضرت مهدی علیه السلام و از جمله ۳۱۳ تن هستند که از عراق به آن حضرت می پیوندند و بین رکن و مقام با ایشان بیعت می کنند.

### ۳-۳-۱. عصاب

«عصاب» جمع «عصابه» به معنای گروهی بین ده تا چهل نفر است. گفته شده است: «عصابه» گروهی از زاهدان و وارستگانند. (۲) طبق برخی روایات، آنان یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از عراق هستند، (۳) که هنگام ظهور، خود را به مکه می رسانند و با او بیعت می کنند. (۴) پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

... وَعَصَائِبُ الْعِرَاقِ ...؛ (۵) ... و گروه هایی از عراق بیرون می آیند....

### ۴-۳-۱. نجبا

در روایت پیش گفته آن حضرت فرمود:

فَيَخْرُجُ النَّجْبَاءُ مِنْ مِصْرَ ...؛ (۶) نجبا از مصر بیرون می آیند....

امام باقر علیه السلام نیز در روایتی فرمود:

يُبَايِعُ الْقَائِمَ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَتَيْفَ عِدَّةِ أَهْلِ بَدْرٍ فِيهِمُ النَّجْبَاءُ مِنْ أَهْلِ مِصْرَ ...؛ (۷) سیصد و چند تن، به شمار اهل بدر، بین رکن و مقام با قائم بیعت می کنند. بین آنان نجبا، از اهل مصر ...

۱- . دهخدا، لغتنامه، اختیار.

۲- . ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۲۳۳؛ مجمع البحرين، ج ۲، ص ۱۲۳.

۳- . عبد الرزاق صنعانی، المصنف، ح ۲۰۷۶۹؛ ابن ابی شیبہ، کتاب المصنف، ح ۱۹۰۷۰.

۴- . محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ح ۵۱، ص ۸۸؛ مفید، الاختصاص، ص ۲۰۸؛ طبری، دلائل الامامه، ص ۲۴۸؛ اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۷۹.

۵- . مفید، الاختصاص، ص ۲۰۸.

۶- . مفید، الاختصاص، ص ۲۰۸.

۷- . طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۷۶، ح ۵۰۲.

## طالقان

افزون بر گروه های یاد شده برخی روایات نیز به مناطقی اشاره کرده که بخشی از یاران حضرت از آنجا به او می پیوندند از جمله آنها می توان به سرزمین «طالقان» اشاره کرد.

منظور از طالقان، چه منطقه ای بین مرو و بلخ باشد و یا شهری میان قزوین و ابهر، [\(۱\)](#) خاستگاه برخی از یاران حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود.

در منابع اهل سنت از حضرت علی علیه السلام نقل شده است که فرمود:

خوشا به حال طالقان! خداوند دارای گنج هایی در آنجا است که نه از طلا است و نه از نقره؛ اما در آن خطه، مردانی هستند که خدا را آن گونه شناخته اند که شایسته معرفت است و آنان، یاران مهدی علیه السلام در آخرالزمان می باشند. [\(۲\)](#)

همین روایت به گونه ای دیگر در منابع شیعه نیز آمده است؛ امام صادق علیه السلام فرمود:

گنجی در طالقان هست که از طلا- و نقره نیست، و پرچمی است که از روزی که آن را پیچیده اند برافراشته نشده است و مردانی هستند که دل های آنها مانند پاره های آهن است. شکی در ایمان به خدا در آن راه نیافته و در طریق ایمان از سنگ محکم تر است. اگر آنان را وادارند که کوه ها را از جای بکنند، از جای کنده و از میان بر می دارند. لشکر آنها قصد هیچ شهری نمی کنند، جز اینکه آن را خراب می کند. اسب های آنها زین های زرین دارند و خود آنها برای تبرک بدن خود را به زین اسب امام می ساینند. آنها در جنگ ها امام را در میان گرفته و با جان خود از وی دفاع می کنند و هر کاری

۱- . یاقوت بن عبد الله حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۶.

۲- . سیوطی، الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۸۲؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۷، ص ۲۶۲.

داشته باشد، برایش انجام می دهند. مردانی در میان آنها است که شب ها نمی خوابند؛ زمزمه آنان در حال عبادت همچون زمزمه زنبور عسل است. تمام شب را به عبادت مشغولند و روزها سواره به دشمن حمله می کنند. آنها در وقت شب راهب و هنگام روز شیرند. در فرمانبرداری امام بیش از کنیز نسبت به آقایش پافشاری دارند. مانند چراغ های درخشنده اند و دل هایشان همچون قندیل هاست، و از خوف خدا خشنود می باشند. ادعای شهادت دارند و تمنا می کنند که در راه خداوند کشته گردند. شعار آنان این است: «ای خون خواهان حسین!» از هر جا می گذرند، رعب آنها پیشاپیش آنان به اندازه یک ماه راه در دل های جای می گیرد و بدین گونه رو به پیش می روند. خداوند هم پیشرو به سوی حق و حقیقت را پیروز می گرداند. (۱)

برخی، طالقان را منطقه ویژه ای دانسته اند؛ ولی گروهی نیز آن را به منطقه بسیار وسیعی همانند ایران معنا کرده اند. (۲) از روایت ذکر شده در منابع اهل سنت، استفاده می شود که آنان اصحاب و یاران ویژه آن حضرت هستند زیرا در روایت، نوع آنان مشخص شده است اما در روایت بحارالانوار علاوه بر بیان چگونگی و کیفیت، سخن از کمیت و لشکر و درفش های فاتح و پیروز به میان آمده است.

در روایاتی هم به کسانی اشاره شده که شماری از آنان به یاری مهدی موعود علیه السلام بر نخواهند خاست. ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است:

مَعَ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامِ مِنَ الْعَرَبِ شَيْءٌ يَسِيرٌ فَقِيلَ لَهُ إِنَّ مَنْ يَصِفُ هَذَا الْأَمْرَ مِنْهُمْ لَكَثِيرٌ قَالَ لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَنْ يُمَحَّصُوا وَيُمَيَّزُوا وَيُعْرَبَلُوا وَيَخْرُجَ مِنَ الْعُرْبِ

۱- محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷.

۲- نک: علی کورانی، عصر ظهور، ص ۲۶۰.

خَلَقَ كَثِيرًا؛ (۱) به همراه قائم علیه السلام از عرب تعداد ناچیزی خواهد بود؛ به آن حضرت عرض شد: همانا از عرب کسانی که این امر را توصیف می کنند، فراوانند، فرمود: مردم ناگزیرند از اینکه مورد امتحان و پاکسازی و جداسازی و غربال شدن قرار گیرند و در آینده نزدیک، مردم بسیاری از غربال خارج خواهند شد.

البته ما امروز شاهد آزمایش های بزرگی از آنان هستیم. از یاری مردم عرب و مسلمان مظلوم غزه گرفته تا مردم مظلوم یمن و... همه و همه امتحاناتی است که در دوران ما برای مسلمانان عرب پدید آمده است! باشد آزمایش های دیگر در آینده چگونه باشد؟

## دو. یاران عام (یاوران)

### اشاره

پس از گرد آمدن یاران خاص حضرت در آغاز ظهور، نوبت به یاوران آن حضرت می رسد. آنان به طور سریع در مکه جمع شده، آماده یاری او می شوند. شمار یاوران آن حضرت در ابتدا افزون بر ده هزار خواهد شد؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

مَا يَخْرُجُ إِلَّا فِي أَوْلَى قُوَّةٍ وَ مَا يَكُونُ أَوْلُو الْقُوَّةِ أَقْلَ مِنْ عَشْرَةِ آلَافٍ؛ (۲) امام زمان علیه السلام خروج نمی کند، مگر همراه یاران نیرومند و رشید، و این یاران کمتر از ده هزار نفر نیستند.

آنچه در اینجا باید یادآور شد اینکه بخشی از یاران، همان شیعیان واقعی آن حضرتند که در دوران غیبت به شایستگی به وظایف خود عمل کرده اند. در این باره ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت می کند:

امام در تفسیر این قول خدای تعالی (يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ

۱- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۷۰، ح ۲؛ محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۰۴.

۲- صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۴، ح ۲۰.

آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا؛ (۱) فرمود:

يَعْنِي خُرُوجَ الْقَائِمِ الْمُنتَظَرِ مِنَّا. يَا أَبَا بَصِيرٍ طُوبَى لَشَيْعَةٍ قَائِمِنَا الْمُنتَظَرِينَ لِظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ وَ الْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ أَوْلِيَاءِ  
اللَّهِ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ (۲)

یعنی خروج قائم منتظر ما، [سپس فرمود:] ای ابا بصیر! خوشا به حال شیعیان قائم ما، کسانی که در غیبتش منتظر ظهور او هستند و در حال ظهورش نیز فرمانبردار اویند. آنان اولیای خدا هستند که نه خوفی بر آنهاست و نه اندوهگین می شوند.

### شعار یاران حضرت مهدی علیه السلام

در برخی روایات گفته شده شعار یاران حضرت مهدی علیه السلام «یا لثارات الحسین علیه السلام» است. «ثار» در لغت به معنای خون خواهی است. (۳) بخشی از اهداف امام مهدی علیه السلام و یاران او در برپایی قیام جهانی انتقام از ستمگران است و آنان با این شعار به خون خواهی امام حسین علیه السلام قیام خواهند کرد. پس معنای این شعار چنین خواهد بود: «کجايند قاتلان حسین؟» (۴) یا «کجايند خون خواهان حسین؟». امام صادق علیه السلام در این باره فرمود:

... وَهُمْ مِنْ حَشِيَةِ اللَّهِ مُشْفِقُونَ يَدْعُونَ بِالشَّهَادَةِ وَيَتَمَنُونَ أَنْ يُقْتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ شِعَارُهُمْ يَا لثَارَاتِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ إِذَا سَارُوا  
يَسِيرُ الرَّعْبُ أَمَامَهُمْ مَسِيرَةَ شَهْرٍ؛ (۵) یاران مهدی... فقط از خدا می ترسند و فریاد «لا اله الا الله» آنان

۱- «روزی که پاره ای از نشانه های پروردگارت [پدید] آید، کسی که قبلاً ایمان نیاورده یا خیری در ایمان آوردن خود به دست نیاورده است، ایمان آوردنش سود نمی بخشد».

۲- صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۵۷.

۳- ر.ک: ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۹۷؛ خلیل بن احمد، کتاب العین، ج ۸، ص ۲۳۶؛ طریحی، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۲۳۴.

۴- ر.ک: طریحی، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۲۳۵.

۵- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷، ح ۸۲.

بلند است و همواره در آرزوی شهادت و کشته شدن در راه خدایند. شعار آنان «یا لثارات الحسین» است. به هر سو که رو می آورند، ترس از آنان، به اندازه یک ماه مسیر پیشاپیش در دل مردم می افتد.

در بعضی از روایات، این عبارت، شعار فرشتگان، به هنگام یاری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، دانسته شده است.

امام رضا علیه السلام در این باره فرمود:

فَيَكُونُونَ مِنْ أَنْصَارِهِ وَ شِعَارُهُمْ يَا لَثَارَاتِ الْحُسَيْنِ؛ (۱) پس آنها از یاران او هستند و شعارشان «یا لثارات الحسین» است.

طبق این روایت نیز شعار یاران حضرت هماهنگ با فرشتگان الهی خواهد بود. البته روشن است چون حسین بن علی علیهما السلام آینه تمام نمای حق و حقیقت است و دشمنان وی در آن زمان، نماد تمام نمای باطل؛ انتقام از خون امام حسین علیه السلام انتقام از خون همه مظلومان در طول تاریخ خواهد بود و حکومت عدل جهانی، برآورنده آرزوی همه فرودستان جهان در طول تاریخ است.

---

۱- . صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۹۹؛ همو، الأمالی، ص ۱۲۹.

## خودآزمایی

۱. در روایات گفته شده خداوند حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را لشکریانی تأیید و یاری می دهد آنها کدامند؟ یک نمونه را توضیح دهید.
۲. ویژگی های یاران خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نام برده، دو مورد را بنویسید.
۳. در باره حضور زنان در میان یاران خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و شمار آنان توضیح دهید.
۴. گونه های یاران خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نام برده، دو گروه را توضیح دهید.
۵. شعار یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چیست و چرا این شعار را مطرح می کنند؟

□□□

## منابع برای پژوهش

۱. طبسی، نجم الدین، چشم اندازی به حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۰ش.
۲. طاهری، حبیب الله، سیمای آفتاب، انتشارات زائر، قم: ۱۳۸۰ه. ش.
۳. کارگر، رحیم، آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، قم، ۱۳۸۳ش.
۴. محمدی اشتهاردی، محمد، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فروغ تابان ولایت، انتشارات مسجد جمکران، قم، ۱۳۷۸ش.
۵. الهامی، داود، آخرین امید، چ دوم، انتشارات مکتب اسلام، قم: ۳۷۷ه. ش.

## درس سیزدهم: امدادهای غیبی در قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

الف. مفهوم شناسی امدادهای غیبی

ب. برخی امداد غیبی از نگاه قرآن:

۱. سپاهیان دیده نشدنی؛

۲. یاری با فرشتگان؛

۳. آرام کردن دل های مؤمنان؛

۴. ترس در دل های دشمنان؛

۵. بادهای ویرانگر.

ج. شرایط برخورداری از امدادهای غیبی:

۱. ایمان؛

۲. پارسایی؛

۳. پایداری؛

۴. کوشش در راه خداوند.

د. برخی امدادهای غیبی در عصر ظهور

۱. فرشتگان؛

۲. ترس در دل دشمنان؛

۳. نیروهای طبیعت.



## پیش در آمد

همان گونه که می دانیم عواملی چند دست به هم داده و زمینه های پیروزی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در قیام جهانی فراهم می کنند. اساسی ترین و اصلی ترین عامل این پیروزی، شخصیت خود آن حضرت است؛ آن گاه یاران و یاوران ایشان و در کنار آن دو، امدادهای غیبی خداوند نقش آفرین است.

اگر چه اساس این قیام بزرگ، بر امور طبیعی و سنت های جاری خداوند است؛ اما به اقتضای عظمت و گستردگی آن در همه کره زمین، و نیز مجهز بودن دشمنان به امکانات بسیار و پیشرفته، خداوند برخی از نیروهای پنهان و فوق طبیعی را در اختیار او قرار خواهد داد تا موجبات پیروزی ایشان، هر چه بهتر فراهم شود.

در این درس تلاش می شود تا با بهره مندی از آیات قرآن کریم، سخنان معصومان علیهم السلام و نیز بیانات بزرگان، موضوع را در حد امکان بررسی نماییم.

بحث در امدادهای غیبی در موارد زیر قابل بررسی است:

### یک. مفهوم شناسی امدادهای غیبی

«امداد غیبی» تعبیری مرکب از دو واژه

«امداد» و «غیب» است. «امداد» یاری کردن دیگری است و بیشتر، در موارد دوست داشتنی به کار می رود. امداد، به چیزهای مادی منحصر نیست و در معنویات هم به کار می رود. «غیب» چیزی است که از انسان پوشیده و مخفی است. برخی واژه پژوهان، آن را به معنای پوشیده از چشم گرفته اند.

«امدادهای غیبی» به معنای مددهایی است که از غیب سرچشمه می گیرد. هر چند با عنایت به معنای لغوی آن، می توان جهان و نظم و حیات همه نعمت های موجود در آن را مدد گرفته از عالم غیب و از مصادیق امدادهای غیبی دانست چنان که قرآن، اموال و فرزندان را از امدادهای خداوند دانسته است (۱) ولی این ترکیب در اصطلاح، به معنای مددهای ویژه در زندگی بشر است.

بدون تردید از برترین آموزه های پیامبران، ایمان به غیب است؛ به گونه ای که خداوند در ابتدای صحیفه آسمانی خود آن گاه که ویژگی های پرهیزگاران را برمی شمرد نخست ایمان به غیب را این گونه بیان می فرماید:

(ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ...؛ (۲) این است کتابی که در آن هیچ تردیدی نیست و مایه هدایت تقوایبشگان است؛ آنان که به غیب ایمان می آورند.

بخشی از این اعتقاد به غیب، مربوط به اعتقاد به امدادهای پنهان خداوند است. این امدادها در طول تاریخ، به بهترین صورت ممکن به کمک انسان ها آمده و آنها را از زوال و نابودی نجات داده است.

از آیات قرآن استفاده می شود که خداوند، در مقابله حق با باطل، جانب جریان حق را نگه می دارد و از آن دفاع می کند و این دفاع، گاهی

۱- . اسراء (۱۷)، آیه ۶.

۲- . بقره (۲)، آیه ۳ و ۲.

از طریق نیروهای پنهان و امدادهای غیبی صورت می گیرد. البته، در بزرگ ترین و وسیع ترین رویارویی حق با باطل و انقلابی که در راستای اهداف پیامبران رخ می دهد، این سنت الهی بیش از پیش جلوه خواهد کرد.

## دو. امدادهای غیبی از نگاه قرآن

### اشاره

آیات قرآن حضور امدادهای غیبی را بیشتر در جنگ ها و حوادثی دانسته که بندگان شایسته نیازمند یاری خداوند بوده اند. بعضی از مصادیق امداد غیبی بدین قرار است:

### ۲۱. سپاهیان دیده نشدنی

قرآن در سه مورد با تعبیر «جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا» (سپاهیان دیده نشدنی) یاد کرده است:

یکی در آنجا که به وضع مخاطره آمیز پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در غار ثور اشاره کرده، می فرماید:

(... فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَ...)؛ (۱)... پس خدا آرامش خود را بر او فرو فرستاد، و او را با سپاهیان که آنها را نمی دیدید، تأیید کرد و...

همچنین آن گاه که دشمن در جنگ حنین، به پیروزی موقت رسید و مسلمانان از گرد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پراکنده شدند، امدادهای غیبی از جمله سپاه نامرئی آنان را نجات بخشید:

(ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَ...)؛ (۲) آن گاه خدا آرامش خود را بر فرستاده خود و بر مؤمنان، فرود آورد و سپاهیان فرستاد که آنها را نمی دیدید و...

سوم موقعی بود که دشمنان اسلام، شهر مدینه را محاصره کردند و مسلمانان ناچار به ماندن در شهر و کندن خندق در اطراف آن شدند!

۱- توبه (۹)، آیه ۴۰.

۲- توبه (۹)، آیه ۲۶.

چشم های رزمندگان مسلمان خیره و جانشان به گلوگاه رسیده و گمان های خاصی درباره خدا پیدا کرده بودند!! پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از خداوند کمک خواست، در پی آن امدادهای غیبی به یاری آنان آمد که از مهم ترین آنها لشکرهای نامرئی بود:

(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا)؛ (۱) ای کسانی که ایمان آورده اید! نعمت خدا را بر خود به یاد آرید؛ آن گاه که لشکرهایی به سوی شما [در] آمدند. پس بر سر آنان تندبادی و لشکرهایی که آنها را نمی دیدید، فرستادیم و خدا به آنچه می کنید، همواره بیناست.

## ۲۲. یاری با فرشتگان

مهم ترین مصداق کمک های پنهان خداوند، آمدن فرشتگان به یاری پیامبران خود است. بخش قابل توجهی از آیات قرآن، از یاری فرشتگان به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و مسلمانان در جنگ های صدر اسلام حکایت می کند. روشن ترین نمونه آیاتی است که در آن به این حضور در جنگ بدر اشاره کرده است.

(وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرِ وَ أَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُشْكُرُونَ إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا وَ يَأْتُواكُم مِّن فَوْرِهِمْ هَايَا يُمِيدُكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ)؛ یقیناً خدا شما را در [جنگ] بدر- با آنکه ناتوان بودید- یاری کرد. پس، از خدا پروا کنید! باشد که سپاس گزاری نمایید. آن گاه که به مؤمنان می گفتی: «آیا شما را بس نیست که پروردگارتان، شما را با سه هزار فرشته فرودآمده، یاری کند؟» آری، اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید و با همین جوش [و

خروش] بر شما بتازند، [همان گاه] پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته نشاندار یاری خواهد کرد. (۱)

### ۲۳. آرام کردن دل های مؤمنان

آرامش دل از مهم ترین موهبت های خداوند به مؤمنان است که در پرتو آن سخت ترین شرایط زندگی تحمل پذیر می شود. در لحظات حساس جنگ یا زمان مخفی شدن رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در غار و احتمال برخورد وی با دشمنانی که به قصد کشتن او آمده و تا مرز دستگیری اش پیش رفته بودند، از این یاری خداوند برخوردار شدند.

### ۲۴. ترس در دل های دشمنان

خداوند متعال افزون بر امدادهای یاد شده، گاهی با انداختن هراس در دل دشمنان، جبهه حق را یاری می کرد. به عنوان نمونه خداوند جنگ بدر براساس وعده خویش سپاه ترس را یک باره و ناگهانی بر قلب دشمن چیره ساخت:

(... سَأَلْتَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ...؛) (۲) به زودی در دل کافران وحشت خواهم افکند....

### ۲۵. فرستادن بادهای ویرانگر

یکی دیگر از امدادهای الهی، بادهایی است که سبب از بین رفتن دشمنان و یاری مؤمنان شده است. خداوند می فرماید:

(يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ ۚ اِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا)؛ (۳) ای کسانی که ایمان آورده اید! نعمت خدا را بر خود به یاد آرید؛ آن گاه که لشکرهایی به سوی شما [در] آمدند، پس بر سر آنان تندبادی و لشکرهایی که آنها را نمی دیدید، فرستادیم.

۱- آل عمران (۳) آیات ۲۳ ۲۵.

۲- انفال (۸)، آیه ۱۲.

۳- احزاب (۳۳)، آیه ۹.

## اشاره

بر اساس سنن الهی، خداوند به هر کس بخواهد یاری می دهد؛ (۱) لیکن با توجه به اینکه خواست او حکیمانه است، ضوابط و شرایطی برای برخورداری از امدادهای ویژه وجود دارد که مهم ترین آنها بدین شرح است:

## ۳۱. ایمان

نخستین شرط برخورداری از امدادهای الهی ایمان است؛ چنان که خداوند می فرماید:

(أَنَا لَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا...); (۲) در حقیقت، ما فرستادگان خود و کسانی را که گرویده اند، قطعاً یاری می کنیم.

درباره امداد غیبی در قالب آرامش بخشی نیز می فرماید:

(هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ); (۳) اوست آن کس که در دل های مؤمنان آرامش را فرو فرستاد.

## ۲۳. پارسایی

پرهیزگاری و تقوای الهی، از دیگر شرط های بهره مندی از امدادهای خداوند است که:

(بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ هَٰذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ ءَالَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ); (۴) آری، اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید و با همین جوش [و خروش] بر شما بتازند، [همان گاه] پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته نشاندار یاری خواهد کرد.

۱- . (وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَن يَشَاءُ); «و خدا هر که را بخواهد به یاری خود تأیید می کند»: آل عمران (۳)، آیه ۱۳؛ (جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّى مَن نَّشَاءُ); «یاری ما به آنان رسید. پس کسانی را که می خواستیم، نجات یافتند»: یوسف (۱۲)، آیه ۱۱۰؛ (بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَن يَشَاءُ); «هر که را بخواهد یاری می کند»: روم (۳۰)، آیه ۵.

۲- . غافر (۴۰)، آیه ۵۱.

۳- . فتح (۴۸)، آیه ۴.

۴- . آل عمران (۳)، آیه ۱۲۵.

### ۳۳. پایداری

ثبات قدم و استواری بر باور و عقیده از اموری است که سبب جلب امدادهای الهی می شود. خداوند در این باره می فرماید:

(اِنَّ الَّذِيْنَ قَالُوا رَبُّنَا اللّٰهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ اَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَاَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ)؛ (۱) در حقیقت، کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست» سپس ایستادگی کردند، فرشتگان بر آنان فرود می آیند [و می گویند: «هان، بیم مدارید و اندوهگین مباشید و به بهشتی که وعده یافته بودید، شاد گردید.

### ۳۴. کوشش در راه خداوند

از دیگر شرایط جلب این امدادها، تلاش و کوشش در راه خداوند است؛ همان گونه که در این آیه می خوانیم:

(وَ الَّذِيْنَ جَاهَدُوا فِینَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا...)؛ (۲) کسانی که در راه ما کوشیده اند، به یقین راه های خود را بر آنان می نمایم.

حال که به بعضی از مصادیق امدادهای خاص خداوند و شرایط آن اشاره شد، به امدادهای غیبی خداوند در ظهور و قیام جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می پردازیم.

### چهار. امدادهای غیبی در عصر ظهور

#### اشاره

از آنجایی که آخرین ذخیره الهی و موعود منجی، راه ناتمام پیامبران و اولیای الهی را به پایان می رساند، خداوند همه امدادهای غیبی را که در اختیار آنان قرار داده بود؛ برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز قرار خواهد داد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این باره می فرماید:

قَائِمٌ اَهْلِ بَيْتِي... يُؤَيِّدُ بِنَصْرِ اللّٰهِ...؛ (۳) ... قائم

۱- . فضلت (۴۱)، آیه ۳۰.

۲- . عنكبوت (۲۹)، آیه ۶۹.

۳- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۷، ح ۲.

اهل بیت من، به یاری الهی تأیید می شود.

برخی از این امدادها از این قرارند:

#### ۴۱. فرشتگان

از نیروهای غیبی که به یاری آخرین حجت خداوند و یاران او می آیند، «فرشتگان الهی» هستند. عبد الرحمن بن کثیر روایت کرده است:

امام صادق علیه السلام در باره این آیه که:

(أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ)؛ (۱) فرمود:

هُوَ أَمْرُنَا أَمْرُ اللَّهِ لَا يُسْتَعْجَلُ بِهِ يُؤَيِّدُهُ ثَلَاثَةٌ أَجْنَادِ الْمَلَائِكَةِ وَالْمُؤْمِنُونَ وَالرُّعْبُ؛ (۲) آن امر ما است، خدای عز و جل امر فرموده که در مورد آن شتاب نشود تا آنکه [خداوند] او را با سه [لشکر] یاری فرماید که عبارتند از: فرشتگان، مؤمنان و هراس.

در روایتی از امام صادق علیه السلام که به طور مفصل به چگونگی حضور و نقش فرشتگان در قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره شده است. ابان بن تغلب نقل شده است:

شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: «گویی قائم را می بینم بر نجف کوفه که جامه ای از استبرق به تن دارد و زره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را می پوشد. چون آن را پوشید به تن او، از هم باز و گشاد می شود تا اندازه بدن آن حضرت گردد. سپس سوار بر اسبی سیاه و سفید می شود که میان دو چشمش، سفیدی مشخص و آشکاری است. پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با اوست. عرض کردم: پرچم اکنون موجود و پنهان است یا برای او آورده می شود؟ فرمود: جبرئیل آن را برای آن حضرت می آورد، دسته آن از عمودهای عرش خدا، و سایه آن از نصرت خداوند است. با آن پرچم بر چیزی فرود نمی آید، مگر اینکه خداوند آن را نابود می سازد. همراه با آن نه هزار فرشته فرود می آیند و نیز

۱- . [هان] امر خدا در رسید، پس در آن شتاب مکنید: نحل (۱۶)، آیه ۱.

۲- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۱۹۸، ح ۹.



۳۱۳ فرشته. عرض کردم: فدایت گردم! آیا همه این فرشتگان همراه هستند؟ فرمود: آری، آنان همان فرشتگانی اند که با نوح در کشتی بودند و همان فرشتگانی اند که وقتی ابراهیم به آتش افکنده شد، همراه او بودند، و همان هایی اند که وقتی دریا برای موسی شکافته شد همراه او بودند، و همان هائی اند هستند که وقتی خداوند، عیسی را به سوی خویش به آسمان برد همراه او بودند، و چهار هزار فرشته نشان دار هستند که با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم همراه بودند، و ۳۱۳ فرشته ای که در روز بدر، با آن حضرت بودند، و همراه با آنان چهار هزار فرشته ای هستند که به آسمان بالا رفتند تا اجازه جنگیدن در رکاب حسین علیه السلام را بگیرند؛ ولی وقتی به زمین بازگشتند که آن حضرت کشته شده بود! آنان در کنار قبر آن حضرت پریشان موی و غبار آلود ماندند و بر آن حضرت تا روز قیامت می گریند و آنان خروج قائم علیه السلام را انتظار می کشند.

(۱)

عیاشی از امام باقر علیه السلام نقل کرده که فرمود:

إِنَّ الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ نَصَرُوا مُحَمَّدًا ص يَوْمَ يَدْرِي فِي الْأَرْضِ مَا صَعِدُوا بَعِيدٌ وَلَا يَصِيرُ عَدُونَ حَتَّى يَنْصُرُوا صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ وَهُمْ خَمْسَةٌ أَلْفٍ؛ (۲) فرشتگانی که در جنگ بدر رسول خدا را در زمین یاری کردند، از آن پس به آسمان نرفتند و پس از این نیز نخواهند رفت تا آنکه یاری کنند صاحب این امر را و آنان پنج هزار تن هستند.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در روایتی، به نقل از خداوند در شب معراج چنین می گوید:

... وَ لَأَنْصُرَنَّهُ بِجُنْدِي وَ لَأَمُدَّنَّهُ بِمَلَائِكَتِي حَتَّى يُغْلِبَنَّ دَعْوَتِي ...؛ (۳) و با لشکریان خود او (مهدی) را یاری می کنم و با فرشتگانم به او مدد می رسانم، تا آنکه دعوتم را آشکار کند.

۱- . محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۳۰۹، ح ۴.

۲- . تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۹۷.

۳- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۴، ح ۴.

## ۴۲. ترس در دل دشمنان

خدای متعال، در قیام جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ترس و دلهره را بر دل کافران، مشرکان و ستمگران حق ستیز افکنده، قدرت تصمیم گیری و دشمنی را از آنان سلب می کند.

در روایاتی گفته شده که او، «مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ وَ مُؤَيَّدٌ بِالنَّصِيرِ» است؛ یعنی هنگام ظهور، هراس از وی، در دل قدرتمندان می افتد و نیروهای غیبی و نادیدنی، به کمک او و یارانش می شتابند. البته این امر، منافاتی با لزوم حضور مردم در صحنه ندارد و مردم باید آن حضرت را تا رسیدن به اهداف متعالی اش یاری کنند. امام صادق علیه السلام فرمود:

انقلاب مهدی را سه سپاه یاری می کنند و در پیروزی او شرکت دارند: سپاهی از فرشتگان، سپاهی از مؤمنان و سپاهی از رعب و وحشت. (۱)

محمد بن مسلم ثقفی از امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود:

الْقَائِمُ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ؛ (۲) قائم ما به [افتادن] ترس در دل دشمنان، یاری شده است.

## ۴۳. نیروهای طبیعت

بعضی از امدادهای غیبی الهی، تسخیر نیروها و امکانات طبیعی است که خداوند پیامبران خود را به آن مجهز کرده است؛ همانند: بادهای، طوفان ها، ابرها و... که در قرآن از آنها یاد شده است. (۳) در روایاتی، عوامل طبیعی، از جمله امدادهای غیبی برای یاری آخرین حجّت الهی ذکر شده است. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در حدیث معراج به نقل از خداوند چنین فرموده است:

۱- . نعمانی، الغیبه، ص ۱۹۸، ح ۹، ص ۲۴۳، ح ۴۳.

۲- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۰، ح ۱۶.

۳- . انبیا(۲۱)، آیه ۸۱؛ احزاب (۳۳)، آیه ۹.

... وَلَاسِيَّخْرَنَ لَهُ الرِّيحَ وَلَاذَلِّلَنَّ لَهُ الرِّقَابَ الصَّعَابَ...،... و باد را مسخّر او می کنم و گردنکشان سخت را رام او می سازم....

(۱)

بنابراین حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، افزون بر بهره مندی از یاران و اصحاب، به دلیل عظمت قیام جهانی خود، به اذن و اراده الهی، از امدادهای غیبی نیز استفاده می کند.

#### ۴-۴. برخی امدادهای دیگر

افزون بر امدادهای یاد شده، برخی امور دیگر نیز در روایات مورد اشاره قرار گرفته که می تواند در شمار امدادهای الهی باشد.

الف. طی الارض: یکی از امدادهای الهی در عصر ظهور آن است که زمین، برای آن حضرت و یارانش در هم نوردیده شود. در روایاتی چند از چگونگی طی مسافت آن حضرت و یارانش به «طی الارض» تعبیر شده است. امام رضا علیه السلام می فرماید:

وَ هُوَ الَّذِي تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ وَ يَذَلُّ لَهُ كُلُّ صَعْبٍ؛ (۲) او، کسی است که زمین برایش درنوردیده می شود.

ب. میراث های پیامبران علیهم السلام: از روایات استفاده می شود افزون بر امدادهای یاد شده، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ظهور، برخی میراث های پیامبران گذشته را نیز همراه خواهد داشت. امام علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

المَهْدِي مِنْ وُلْدِي، تُكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ وَ حَيْرَةٌ تَضِلُّ فِيهَا الْأُمَّمُ، يَأْتِي بِذَخِيرِهِ الْأَنْبِيَاءِ فَيَمْلَأُهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا؛ (۳)  
مهدی از فرزندان من است، برای او غیبت و حیرتی خواهد بود که مردم در آن گمراه شوند. او ذخیره پیامبران را می آورد و زمین را پر از عدل و داد می کند؛ همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد.

۱- صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۴، باب ۲۳، ح ۴.

۲- صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۱، ح ۵.

۳- صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۷، ح ۵.

درباره اینکه این امور به چه هدفی نزد حضرت جمع شده است، سخن روشنی در دست نیست؛ ولی با توجه به اینکه نقش حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ادامه فعالیت همه انبیا و اولیا است و او خواسته آنان را محقق خواهد ساخت؛ می توان نتیجه گرفت که تمام ابزار آنان در اختیار وی قرار خواهد گرفت.

دیگر اینکه آن حضرت وظیفه دارد پیروان همه ادیان را به دین راستین الهی (اسلام) دعوت کند و این میراث ها، نشانه هایی از برحق بودن آن حضرت است. از این رو همان گونه که در روایات، زنده ماندن حضرت مسیح علیه السلام، عامل هدایت مسیحیان و برگرداندن ایشان به پیروی از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی شده است؛ می توان میراث های دیگر پیامبران علیهم السلام را ابزاری برای اتمام حجت بر آنان دانست.

بعضی از این میراث ها، عبارت است از: «پیراهن»، (۱) «عمامه»، (۲) «زره»، (۳) «سلاح»، (۴) و «پرچم پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم»، (۵) «سنگ» (۶) و «عصای حضرت موسی علیه السلام» (۷) و «طشتی که وی در آن قربانی می کرد» (۸) و «انگشتری حضرت سلیمان علیه السلام». (۹)

به هر حال هدف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و قیام ایشان، در برگیرنده تمامی اهداف پیامبران بزرگ است.

- ۱- . نعمانی، الغیبه، ص ۳۵۰، ج ۴۲.
- ۲- . محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۲۴، ح ۲۸۵.
- ۳- . محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۲۴، ح ۲۸۵.
- ۴- . نعمانی، الغیبه، ص ۳۴۹، ح ۴۰؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۲۴، ح ۲۸۵؛ متقی هندی، کنز العمال، ح ۳۹۶۷۳.
- ۵- . نعمانی، الغیبه، ص ۳۴۳، ح ۲۸ و ۴۳۵، ح ۱.
- ۶- . محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۳۱، ح ۳.
- ۷- . محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۳۱، ح ۱؛ نعمانی، الغیبه، ص ۲۳۸، ح ۲۸، صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۶، ح ۷.
- ۸- . محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۳۲، ح ۱.
- ۹- . محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۳۱، ح ۱. نعمانی، الغیبه، ص ۳۴۳، ح ۲۷.

از این رو در آن هنگامه عظیم، او با در اختیار گرفتن میراث پیامبران بزرگ علیهم السلام، هدف خود را که در واقع هدف جمیع آنان بوده است تحقق می بخشد و پیروان ادیان را، سوی خود دعوت می کند.

### سرانجام کار

حضرت مهدی علیه السلام و یاران و سپاهیان مؤمن و شجاع او، در این جنگ های نهایی و سرنوشت ساز پیروز شده و با کمک گرفتن از امدادهای غیبی، دشمنان (جبهه باطل) را نابود می کنند. بدین سان سرنوشت کافران و ستمگران، به بدترین صورت رقم می خورد. امام کاظم علیه السلام می فرماید:

... وَ هُوَ الثَّانِي عَشَرَ مَنَّا يَسِيْرُهُ اللهُ لَهُ كُلَّ عَسِيْرٍ وَ يُدَلِّلُ لَهُ كُلَّ صَعْبٍ وَ يُظْهِرُ لَهُ كُنُوْزَ الْأَرْضِ وَ يُقَرِّبُ لَهُ كُلَّ بَعِيْدٍ وَ يُبَيِّرُ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ عَنِيْدٍ وَ يُهْلِكُ عَلَى يَدِهِ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيْدٍ؛ (۱) و او دوازدهمین ما امامان است؛ خداوند برای او هر امر سختی را آسان و هر امر دشواری را هموار می کند و گنج های زمین را برایش آشکار می سازد. و هر بعیدی را برای وی نزدیک کرده به توسیط وی تمامی جباران عنود را نابود می کند و هر شیطان متمردی را به دست وی هلاک سازد.

محمد بن مسلم می گوید:

از امام باقر علیه السلام پرسیدم: مراد از (وَ اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى)؛ چیست؟ آن حضرت فرمود:

اللَّيْلُ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ الثَّانِي غَشَّ أَمِيْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ فِي دَوْلَتِهِ الَّتِي جَرَتْ عَلَيْهِ وَ أَمْرَ أَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ أَنْ يَصْبِرَ فِي دَوْلَتِهِمْ حَتَّى تَنْقَضِيَ؛ شب در این آیه، فلانیاست که ستم روا داشت بر امیر المؤمنین در مقامی که متعلق به او بود و آن حضرت صبر کرد تا دولت آنها منقضی گردد.

۱- . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۶۸، ح ۶.

آن گاه امام درباره (وَ النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى) فرمود: النَّهَارُ هُوَ الْقَائِمُ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ إِذَا قَامَ غَلَبَ دَوْلَةَ الْبَاطِلِ؛ (۱) منظور از روز قائم از ما اهل بیت است؛ وقتی قیام کند، بر دولت های باطل پیروز می شود.

در این هنگام فجر دولت حق می دمد و تاریکی باطل از صحنه گیتی برچیده می شود. (۲) خداوند حضرت مهدی علیه السلام و یارانش را مالک شرق و غرب جهان نموده، آیین اسلام را پیروز می گرداند و بدعت ها و باطل ها را به دست او و یارانش نابود می کند. (۳)

... آن گاه که در این قیام جهانی پرچم پیروزی حق در همه کره زمین برافراشته شد، نوبت به برپایی حکومت عدل جهانی می رسد. (۴)

۱- . علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۲۵.

۲- . «فَعِنْدَهَا يَتَلَأَلُ صَبْحُ الْحَقِّ وَيُنْجَلِي ظِلَامَ الْبَاطِلِ»؛ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۴۸.

۳- . «يَمْلِكُهُمُ اللَّهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا وَيُظْهِرُ الدِّينَ وَيُمِيتُ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ بِهِ وَبِأَصْحَابِهِ الْبِدْعَ وَالْبَاطِلَ»؛ علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۸۷.

۴- . به یاری خداوند در جلد بعد، به بررسی آن دوران نورانی خواهیم پرداخت.

## خودآزمایی

۱. امدادهای غیبی به چه معناست و جایگاه آن در قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چگونه است؟
۲. آیات قرآن از امور فراوانی به عنوان امدادهای غیبی یاد کرده است؛ پنج نمونه را نام ببرید.
۳. بهره مندی از امدادهای غیبی نیازمند شرایطی است؛ آنها را نام برده دو نمونه را توضیح دهید.
۴. در باره امدادسانی فرشتگان به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام قیام توضیح داده، گروه های آنها را نام ببرید.
۵. بخشی از ابزارهای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قیام جهانی میراث های پیامبران است، در این باره توضیح داده نمونه هایی را نام ببرید.

□□□

## منابع برای پژوهش

۱. طاهری، حبیب الله، سیمای آفتاب، انتشارات زائر، قم: ۱۳۸۰ ش.
۲. کارگر، رحیم، آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، قم، ۱۳۸۳ ش.
۳. الهامی، داود، آخرین امید، چ دوم، انتشارات مکتب اسلام، قم: ۳۷۷ ش.
۴. کارگر، رحیم، جستارهایی در مهدویت، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، ۱۳۸۳ ش.
۵. محمدی اشتهااردی، محمد، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فروغ تابان ولایت، انتشارات مسجد جمکران، قم، ۱۳۷۸ ش.

## درس چهاردهم: آسیب شناسی عرصه های مهدویت

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

مفهوم و اهمیت آسیب شناسی مهدویت

عوامل آسیب در مباحث مهدویت:

۱. جعل و تحریف؛

۲. مراجعه به متون تخصصی بدون آگاهی لازم؛

۳. استفاده از منابع غیر معتبر و ضعیف؛

۴. مواجهه با شبهات بدون آمادگی قبلی؛

۵. تفسیرها و تطبیق های نادرست؛

۶. طرح مباحث غیر ضروری.



**پیش درآمد**

اعتقاد به آموزه مهدویت از توانمندترین عوامل پویایی، رشد و بالندگی جامعه اسلامی، در طول تاریخ است که آن را از فروغلتیدن در فسادها و تباهی‌ها حفظ می‌کند. سوگمندها باید گفت: این باور در تاریخ خود با اندیشه‌ها و برداشت‌های نادرست بسیاری رو به رو شده و رفته رفته به آسیب‌ها و آفت‌های جدی، برای آن تبدیل شده است.

در عصر کنونی که جامعه ما به شکل روزافزونی، به این باور روی آورده است، ضرورت شناسایی این آسیب‌ها و آفت‌ها، بیش از هر زمان دیگر احساس می‌شود و لازم است ضمن ترویج و توسعه فرهنگ مهدویت، این موضوع نیز مورد توجه جدی قرار گیرد.

بی‌گمان در صورت توجه به آفت‌ها و رفع اختلال‌های مفهومی و مصداقی وارد شده در این حوزه، می‌توان از این فرهنگ به عنوان مؤثرترین و کارآمدترین ابزار برای حرکت در مسیر حق بهره‌جست و با آن نسل حقیقت‌خواه را برای رسیدن به آن تحول بزرگ و جهانی آماده ساخت. بنابراین مهم‌ترین گام برای فراهم کردن نگرش درست به مباحث مهدوی ارائه آگاهی‌های بایسته و پرهیز از گمانه‌های نادرست است.

در این درس تلاش می شود به برخی از مهم ترین مانع ها و آسیب ها برای ترویج این فرهنگ حیات بخش اشاره نموده، علاقه مندان را به تامل و تفکر دعوت کنیم.

## آسیب شناسی

### اشاره

«آسیب»، چیزی است که سبب اختلال، ناهنجاری و تباهی در پدیده ها می شود و آسیب شناسی به معنای شناسایی این عوامل و اسباب است. باورداشت به مهدویت نیز همچون دیگر باورها هرگاه مورد نفهمی، کم فهمی و یا کج فهمی قرار گیرد و یا به صورت نادرست بیان شود، دچار مشکل شده، آسیب می بیند.

بنابراین منظور از آسیب شناسی مهدویت، این است که کج روی ها و کج اندیشی هایی که تاکنون در این اعتقاد فاخر وارد شده، مورد شناسایی قرار گیرد و حقیقت آن به دور از هرگونه پیرایه و بیراهه ارائه شود.

شناخت درست در مباحث مهدویت، به همان اندازه اهمیت دارد که آشنایی با آسیب ها و آفت ها؛ ضروری است. بی توجهی به مباحث انحرافی و آفت ها، می تواند معرفت به دست آمده را در مسیر نادرست قرار داده، مانع رسیدن به هدف مطلوب باشد. باغبانی که فقط به کاشت می پردازد و از آسیب ها و آفت ها غافل می ماند؛ بدون شک هنگام برداشت، محصول خوبی به دست نخواهد آورد. به هر حال آگاهی از آسیب ها و آفت ها می تواند زمینه ای باشد برای پیش گیری از آنها که امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

من لم يعرف مضره الشر لم يقدر علی الامتناع منه؛ (۱) هر کس آفت شری را نشناسد، قادر به خودداری و پیشگیری از آن نیست.

آموزه مهدویت امروزه بیش از گذشته با تهدیدهای بزرگ و جدی روبه رو است که نه فقط

---

۱- . عبد الواحد آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۰۶، ح ۱۹۱۷.

از طرف مخالفان و دشمنان و در قالب تهاجم تبلیغاتی برنامه ریزی شده بلکه از داخل نیز آگاهانه یا ناآگاهانه تفکر ارزشمند مهدویت مورد هجوم قرار گرفته است.

اگرچه ممکن است، تهدیدهای داخلی از روی ناآگاهی و ساده لوحی یا عشق افراطی ارزیابی شود!! اما به هیچ وجه نمی توان پیامدهای ناگوار آنها را نادیده گرفت؛ چرا که این جریان حتی اگر ناخواسته و یا ناآگاهانه باشد، توسط دشمنان دامن زده می شود و آثار تخریبی فراوانی، بر پیکره این باور ارزشمند پدید می آورد.

## گونه های آسیب

### ۱. جعل و تحریف

یکی از تلاش های دشمنان در برابر یک حقیقت، آلوده ساختن آن به باطل ها است؛ از این رو آنان به هر مناسبتی، برای غبارآلود کردن گوهر تابناک آموزه های دینی با بهره مندی از همه ابزارهای ممکن، دست به جعل و تحریف می زنند تا راه را بر انسان های ناآگاه مبهم سازند.

هم زمان با حیات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به ویژه در دوران ده ساله مدینه کسانی خواسته یا ناخواسته، گفتار او را تحریف می کردند و یا ناگفته ها و ناکرده هایی را بدو نسبت می دادند که به شدت از طرف آن حضرت مورد توبیخ و سرزنش واقع می شدند.

بعد از عروج روح بلند آن «نفس مطمئه» به بارگاه قرب الهی، نادیده گرفتن سفارش های او در بزرگداشت اهل بیت علیهم السلام و پیروی از آنان و نیز بازداشتن از نوشتن و حتی نقل احادیثش، تا قرنی راه را بر جعل، وضع، تحریف، و نیز، نقل به معنا و آفات دیگری بر حدیث باز نمود و ضربات جبران ناپذیری بر اعتبار سنت وارد

## ساخت. (۱)

در این میان از جمله احادیثی که در این دوران به دلایلی مورد طمع جاعلین و واضعین روایات بوده، بحث مهدویت است.

روایات مربوط به «مهدویت»، به انگیزه های گوناگونی مورد هجوم قرار گرفته که برخی از این قرار است:

الف. انگیزه های سیاسی: از مهم ترین انگیزه های جعل و تحریف در این روایات، قدرت های سیاسی بوده اند.

که مهم ترین عرصه مورد هجوم آنان، ویژگی های موعود و نیز نشانه های ظهور است. بسیاری از حاکمان ستم پیشه با جعل روایت، خویش و یا منتسبان به خود را به بحث های مهدویت مرتبط می ساختند.

ب. انگیزه های فرقه ای و مذهبی: شواهد فراوانی در دست است که پیروان فرقه ها و مذاهب و نیز سردمداران آنان، برای تثبیت موقعیت و حقانیت باور خود، در مواردی دست به جعل احادیث و یا تحریف آن می زدند. مدعیان مهدویت، روشن ترین مصداق این انحراف است که به هر وسیله به دنبال تثبیت موقعیت خود بودند. از کیسانیه، باقریه، مغیره، ناووسیه، اسماعیلیه، فطحیه واقفیه و زیدیه می توان به عنوان بارزترین مصداق این بخش اشاره کرد.

ج. انگیزه های قومی و قبیله ای: برخی از اقوام و قبیله ها بویژه فرودستان جامعه از اعتبار و جایگاه مهدویت در اعتبار بخشی به مردمان خود بهره می گرفتند؛ از این رو روایت هایی را جعل و یا تحریف کرده و به خود نسبت دادند.

این سه عامل با هم، یا به طور جداگانه، سبب پدید آمدن ادعاهای دروغین در عرصه مهدویت و یا نیابت شد.

ماهیت اساسی مهدویت ناب، اگرچه به دلیل روشن بودن خصوصیات مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هرگز اقتضای ادعاهای دروغین را ندارد؛ اما در طول تاریخ به سبب آسیب هایی که به متون روایی وارد شده، افراد فراوانی با بهره گیری از زمینه های موجود و نیز ناآگاهی مردم، ادعاهایی را مطرح کرده اند.

این ادعاهای دروغین، آموزه مهدویت را مورد تهدید جدی قرار داده و به جهت سادگی یا ناآگاهی مخاطبان عده ای را جلب کرده است. (۱)

## ۲. ادعای مهدویت، نیابت و بابت

از آسیب هایی که فرهنگ مهدویت را با مخاطراتی جدی روبه رو کرده ادعای مهدی بودن است: این ادعاها با انگیزه های جاه طلبانه، وسوسه قدرت، شهرت و دنیا طلبی و... شکل گرفته و پیامدهای ناگواری برای جامعه اسلامی رقم زد مانند: گمراهی مردم، دوری از مسیر اهل بیت علیهم السلام، به بازی گرفته شدن دین و اختلافات دینی در اثر متابعت از فرقه های انحرافی، و... .

پس از شهادت امام عسکری علیه السلام و آغاز غیبت صغرا، با قطع شدن ارتباط رودرروی مردم با پیشوای معصوم، «نواب خاص» برای راهنمایی مردم، تلاش های ویژه ای را آغاز کردند. پیروان اهل بیت علیهم السلام رفته رفته، با این روش خو گرفته و کارهای خود را از راه «سفیران چهارگانه» انجام می دادند و این خود جایگاه بلندی را برای این سفیران رقم زد.

در این میان، افرادی سست ایمان و کژاندیش، برای رسیدن به اهداف دنیایی، به دروغ مدعی نیابت امام غایب شدند. البته این آسیب اختصاص به دوره های گذشته ندارد و امروزه نیز به گونه های متفاوت مطرح بوده و خسارت های بزرگی بر این فرهنگ وارد می سازد.

---

۱- نک: نگارنده، درسنامه مهدویت، ج ۲، درس دهم.

### ۳. وارد شدن برخی اسرائیلیات

بدون شک از بزرگ ترین آسیب هایی که آموزهای بلند اسلام را همواره به گونه ای جدی تهدید کرده، ورود اسرائیلیات به روایات اسلامی است. مباحث مهدویت به جهت اهمیت و تأثیر آن در زندگی مسلمانان از طمع دشمنان اسلام به دور نماند؛ از این رو روایات اسرائیلی چندی این مجموعه را تهدید کرد.

در میان موضوعات مهدویت، «بحث نشانه ها»، عرصه این جولان و انحراف بوده است. اسناد بسیاری از این روایات، بویژه آنچه از منابع اهل سنت به منابع شیعه راه یافته ضعیف و غیرقابل اعتماد است. افزون بر آن از نظر دلالت نیز، هماهنگی و انسجام لازم، میان بسیاری از روایات دیده نمی شود و پاره ای از آنها در گذر زمان، دچار دگرگونی های فراوانی شده است.

مهم ترین سبب پدید آمدن آن، تلاش دشمنان و بدخواهان بویژه حاکمان ستمگر است که در پاسخ به علاقه مندی روزافزون مسلمانان به آگاهی از چگونگی رخدادهای که در آینده پدید می آید، تغییراتی را در روایات به وجود آورده، در موارد فراوانی دست به جعل حدیث زده اند!! البته کم نبودند کسانی که بازار این انحراف ها را خواسته یا ناخواسته با نقل روایات و تدوین آثار، روز به روز گرم تر کردند. (۱)

برخی با آگاهی از اینکه این گونه اخبار، ساختگی و دروغ است با گردآوری این روایات خواسته اند اصل این روایات را از خطر نابودی حفظ کنند؛ (۲) اما در هر صورت، امروزه با

۱- نک: سید جعفر مرتضی عاملی، جزیره خضرا در ترازوی نقد (پژوهشی در علامات ظهور، بیان الاثمه، خطبه البیان، جزیره خضرا)، ص ۴۱.

۲- علامه مجلسی در ذیل روایت طولانی که در مورد نشانه های ظهور آورده، می نویسد: انما اوردت هذا الخبر مع كونه مصحفاً مغلوطاً وكون سنده منتهياً الى شر خلق الله عمر بن سعد لعنه الله، لأشتماله على الاخبار بالقائم عجل الله تعالى فرجه الشريف ليعلم تواطؤ المخالف والمؤلف عليه صلوات الله؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۷.

روایاتی روبه روییم که دست کم، شماری از آنها، حاصل جعل و تحریف است.

#### ۴. مراجعه به متون تخصصی بدون آگاهی لازم

متون خاص دینی، همچون علوم دیگر در بخشی نیازمند تفسیر آگاهان و کارشناسان آن علم است. همان گونه که پذیرفتنی نیست کسی با مراجعه به متن اصلی مباحث پزشکی، برای بیماری خود درمانی تجویز کند و از او خواسته می شود تا با مراجعه به پزشک به مداوا پردازد؛ در حوزه مباحث دینی نیز وضع همین گونه است. غیر از مباحث عمومی، باید متن های علمی و تخصصی به اهل آن وانهاد و از تفسیر و توضیحات آنها استفاده شود. چه بسا شخصی بدون تخصص سراغ بهره مندی از روایات و یا آیات قرآن برود؛ ولی مفهوم مورد نظر را به دست نیورد و یا دچار انحراف و سوء برداشت شود.

امروزه به رغم در دسترس بودن منابع روایی «مهدویت»، باید دانست که استفاده از آن ها بدون علم و آگاهی، ممکن است شخص را دچار مشکلاتی در زمینه فهم معارف مهدوی کند.

#### ۵. استفاده از منابع غیر معتبر و ضعیف

به همان میزان که مراجعه به منابع تخصصی بدون آگاهی های لازم، کار ناپسندی است، استفاده از منابع سست و غیر معتبر نیز آسیب زا است. اگرچه به روشنی نمی توان اعتبار مشخصی برای یک کتاب ارائه نمود، اما با قرائنی، می توان تا اندازه ای به اعتبار کتاب و توجه مؤلف به نقل روایات دست یافت. بخشی از منابع روایی موجود، به دلایلی دارای اعتبار لازم نیست و متأسفانه بعضی از کتاب ها بدون توجه به اعتبار این گونه روایات، آن ها را نقل کرده اند: به طور روشن می توان به کتاب

الفتن نعیم بن حماد اشاره کرد که به رغم ضعف بسیاری از روایات و نیز مؤلف، به طور گسترده مورد استفاده قرار گرفته است.

اگر چه امروزه مهدویت ناب حاصل تلاش های بی وقفه بزرگان دین است؛ اما کم نبوده و نیستند کسانی که به دلیل هایی به تدوین و تألیف کتاب های بی ارزش یا کم ارزش اقدام نموده اند! از این رو می توان به روشنی بخشی از آسیب ها را معلول آثار بی اعتبار یا کم اعتبار دانست.

### ۶. مواجهه با شبهات بدون آمادگی قبلی

یکی دیگر از آسیب هایی که باور به مهدویت را به شدت تهدید می کند، القای شبهه ها در این زمینه است؛ بویژه آنکه با پدید آمدن وسایل ارتباط جمعی سرعت انتشار آن ها بالا رفته است! یکی از راه های مبارزه با این آسیب، بهره مندی از ابزار یادشده، در جهت رشد و ارتقای آگاهی انسان هاست.

در آیات و روایات فراوانی همواره انسان ها به افزایش دانش و آگاهی توصیه شده اند، چرا که یکی از راه های نفوذ دشمنان در اعتقادات انسان ها جهل و نادانی آنان است.

امروز دشمنان با استفاده از کاستی های علمی عموم مردم بویژه جوانان باور و اعتقاد آنان را نشانه رفته اند. از این رو لازم است در استحکام بخشی به بنیان های اعتقادی تلاشی درخور صورت گیرد که در این صورت شبهه ها و پرسش ها، هرگز خللی در اعتقادات ایجاد نخواهد کرد.

### ۷. تفسیرها و تطبیق های نادرست

#### اشاره

از جمله آسیب هایی که بیشتر بحث های مهدویت را تهدید کرده، تفسیرهایی است که توسط برخی گویندگان و نویسندگان ارائه می شود. اگرچه برخی شباهت ها بین برخی حوادث و روایات وجود دارد، اما تفسیر آنها بر این پیش گویی ها، نیازمند دلیل های محکم و استواری است. در



میان آسیب ها این عامل گستره بزرگی را به خود اختصاص داده است که به بعضی از آن ها اشاره می شود:

### ۱-۷. در موضوع انتظار

بحث «انتظار فرج» یک مقوله بسیار مهم در مهدویت است و این سبب شده تا برخی دوستان نا آگاه، و دشمنان آگاه بحث های انحرافی را در آن پدید آورند. دیدگاه های انحرافی در مورد انتظار که آثار اجتماعی مخربی نیز در پی دارند بیشتر مشتمل بر موارد زیر است:

الف. برخی انتظار را در دعا برای فرج، امر به معروف و نهی از منکر جزئی، منحصر دانسته و بیشتر از آن، وظیفه ای برای خویش قائل نیستند.

ب. گروهی معتقدند: در دوران غیبت، کاری از آنها بر نمی آید و تکلیفی بر دوش ندارند و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خود، هنگام ظهور کارها را سامان می دهد!!

ج. گروه سوم پنداشته اند: جامعه بایستی به حال خود رها شود و کاری به فساد آن نباید داشت تا زمینه ظهور که دنیایی پر از ظلم و فساد است فراهم آید:

د. چهارمین گروه، گامی فراتر نهاده، می پندارند؛ نه فقط نباید جلوی فسادها و گناهان را گرفت؛ بلکه بایستی به آنها دامن زد تا زمینه ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هر چه بیشتر فراهم شود:

ه. گروهی نیز هر حکومتی را به هر شکل، باطل و برخلاف اسلام دانسته و معتقدند: هر کاری برای برپایی حکومت در زمان غیبت، خلاف شرع و مخالف نصوص و روایات است:

تقویت دیدگاه انتظار به معنای فراهم آوردن زمینه های ظهور، ظلم ستیزی به مقدار توان و آمادگی برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف سهم مهمی در رفع این آسیب دارد.

## ۲-۷. موضوع ملاقات

یکی از آفت های مهمی که در عموم علاقه مندان به نسبت های متفاوت، آسیب ایجاد می کند، بحث ملاقات گرای افراطی است. (۱) از پیامدهای ناگوار این آفت، پدید آمدن مدعیانی است که بی دلیل یا به ساده ترین اتفاق، ادعای ملاقات می کنند یا کسانی که تمام وظیفه خویش را رسیدن به دیدار حضرت می پندارند و از دیگر وظایف اساسی غافل شده و افراد را فقط به این عمل، به عنوان برترین وظیفه، فرا می خوانند!

امروزه کم نیست محافل و مجالسی که تمام وقت خویش را صرف نقل این حکایت ها می کنند و از بحث های اساسی و بنیادین اندیشه مهدویت غفلت می ورزند.

کمترین پیامد این آسیب، یأس و ناامیدی در اثر عدم توفیق دیدار، توهم گرایی و خیال پردازی، رویکرد به شیادان و مدعیان مهدویت، نیابت و مدعیان ملاقات، دور ماندن از انجام وظایف اصلی، به دلیل اهتمام بیش از اندازه و غیر متعادل به دیدار و بدبینی به امام عجل الله تعالی فرجه الشریف به علت عدم دیدار، است.

سوگمندها باید گفت: پرداختن افراطی به بحث ملاقات و تشریفات باعث شده در ارتباط با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، کتاب هایی نوشته شده و رواج فوق العاده ای یابد! این مجموعه ها پُر است از حکایت ها و داستان ها و مطالبی که بسیاری از آنها نادرست و برخاسته از تصورات و خیال بافی های نویسندگان آن هاست! و در برخی، شمه ای از حقیقت وجود دارد.

رواج این گونه کتاب ها و حکایت ها، باعث شده که در برخی از مناطق کشور، شاهد به وجود آمدن جریان های انحرافی و حوادث و اتفاقات نابخردانه و عوام فریبانه و خرافی باشیم. البته از این رهگذر برخی به خواسته های

---

۱- ما در جلد دوم یک درس را به بحث ملاقات اختصاص دادیم علاقه مندان رجوع فرمایند.

نفسانی خود دست یافته، افزون بر بهره های ناپایدار دنیایی، به شهرت هایی نیز می رسند. این آسیب جوّی را پدید می آورد که اهل تعقل و اندیشه را به عقاید شیعه بدبین می کند و زمینه انحراف های فکری را فراهم می آورد! به دنبال آن مخالفان تشیع، امکان رشد و گسترش می یابند و عقاید ناصواب عوام و عوام زدگان به نام تشیع ثبت و به دیگران انتقال می یابد و یک عقیده ای که در اصل آن، تمام فرقه های اسلامی توافق دارند، به گونه ای مطرح شود که با اسلام واقعی، فرسنگ ها فاصله دارد و میدان دفاع را بر اندیش وران اسلامی و درست اندیشان و مصلحان، تنگ می کند. (۱)

نباید فراموش کنیم کم نبودند کسانی که همواره در زمان پیامبر و امامان علیهم السلام، به دیدار آن بزرگواران نائل می شدند؛ اما بهره معرفتی چندانی از آن ملاقات ها نمی بردند و گاهی هم مورد خشم و غضب ایشان واقع می شدند.

برای دوری از این آسیب ها، بایسته است افرادی که عهده دار انتقال این آگاهی ها هستند؛ از شایستگی های لازم شناختی، عاطفی و عملکردی برخوردار باشند تا بتوانند با ارائه اطلاعات اصولی، صحیح و سنجیده، نگرش و یا طرز تلقی افراد جامعه را نسبت به مباحث مهدویت، در جهت مثبت تغییر دهند و این مهم ترین و مؤثرترین گام برای نهادینه سازی فرهنگ مهدویت است.

### ۳-۷. انتساب بی اساس برخی زمان ها و مکان ها به حضرت

برخی از مکان ها و زمان ها به نوعی مرتبط یا منتسب به آن امام همام است و دلدادگان به آن حضرت به نوعی اهتمام بدان ها دارند. این خود سبب شده تا برخی از افراد سودجو، بدون دلیل و استناد قطعی، برخی مکان ها را به آن حضرت مرتبط سازند و در پرتو آن به مطامع دنیوی

۱- ر.ک: جمعی از نویسندگان، چشم به راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۳۵ ۳۴.

خود دست یابند: از این رو بر علما و دانشمندان است تا با روشنگری از انتساب های بدون دلیل مکان ها و یا زمان ها به آن امام غایب پیش گیری کرده، مردم را از شیطنت منحرفان دور سازند.

#### ۴-۷. شرایط ظهور

در روایاتی چند مهم ترین ویژگی آستانه ظهور، سرشار شدن زمین از ستم و فساد دانسته شده است. برخی پنداشته اند: این وضعیت از «شرایط ظهور» است؛ از این رو بر این گمانند که می بایست برای تسریع در امر ظهور در فراهم آمدن این شرط سهمی داشت!! که انگاره خود با همه آموزه های دینی از جمله امر به معروف و نهی از منکر در تعارض جدی است.

برخی دیگر پنداشته اند: این وضع از نشانه های ظهور است و در برابر آن، ما هیچ وظیفه ای نداریم. با بررسی در روایات مربوط به نشانه ها، هرگز حدیثی به این نکته اشاره نکرده و نشانه ها به طور مشخص در روایات ذکر شده است.

پیام های زیانبار این دیدگاه، تعطیلی امر به معروف و نهی از منکر و نامشروع بودن حکومت اسلامی در عصر غیبت است که چیزی جز خواسته های دشمنان دین خدا نیست!

#### ۵-۷. قیام های پیش از ظهور

برخی افراد از ظاهر چند روایت اینگونه برداشت کرده اند که هر قیامی پیش از قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، محکوم به شکست و از نظر امامان معصوم علیهم السلام مردود است!

در پاسخ باید گفت: که اجرای بسیاری از احکام اسلامی مانند اقامه حدود و قصاص و نیز جهاد با دشمنان و مبارزه فراگیر با فساد، جز با تشکیل حکومت اسلامی ممکن نیست؛ بنابراین تلاش برای برقراری نظام اسلامی، کاری پسندیده و مورد قبول است و نهی از قیام در بعضی از روایات؛ یعنی شرکت در قیام های باطل که

انگیزه الهی ندارد و یا قیام‌هایی که بدون توجه به شرایط و زمینه‌های لازم انجام می‌گیرد و یا حرکت‌هایی که به عنوان قیام مهدوی شروع می‌گردد؛ نه اینکه هر انقلاب و حرکتی که در مسیر اصلاح جامعه است، مردود شمرده شود.

تلاش در جهت تقویت علم و بصیرت در بین افراد جامعه، می‌تواند در مقابل کج‌اندیشی‌ها و برداشت‌های غلط از مفاهیم دینی، نقش اصلاحی بسزایی داشته باشد.

### ۶-۷. نشانه‌های ظهور

بحث نشانه‌ها به دلیل جذّاب بودن و اینکه به نوعی پیش‌گویی از حوادث آینده است، همواره مورد توجه علاقه‌مندان بوده است؛ به همین دلیل همواره مورد طمع شیادان و بهره‌گیری نادرست ساده‌لوحان بوده است. اگر چه برخی با انگیزه‌های خوبی، به تطبیق بعضی از حوادث بر نشانه‌ها پرداخته‌اند، اما از پیامدهای ناگوار آن مثل ایجاد امیدهای کاذب به نزدیک بودن ظهور و ... غافل هستند.

ریشه این آسیب را می‌توان در عواملی چون پندارهای نادرست، دخالت افراد غیر متخصص در مطالب فنی و تخصصی و عدم روشنگری کافی توسط علما و نداشتن عکس‌العمل مناسب در مقابل مدّعیان، جست‌وجو کرد.

در محل خود ثابت شد که نشانه‌های قابل قبول، فقط نشانه‌های حتمی ظهور است؛ آن‌هم همزمان و پس از ظهور و بعضی از اموری که به عنوان نشانه مطرح می‌شود در روایات قابل قبول ارتباطی با ظهور ندارد.

بنابراین به روشنی می‌توان گفت تا کنون هیچ‌یک از نشانه‌های ظهور رخ نداده و تطبیق برخی از حوادث بر نشانه‌ها، غیر قابل قبول است. (۱)

به عنوان مثال در بحث نشانه‌های ظهور، حوادث بزرگی چون انقلاب اسلامی ایران، جنگ هشت

---

۱- به بحث نشانه‌ها در همین کتاب مراجعه فرمایید.

ساله میان عراق و ایران، برخی حوادث اخیر در جهان غرب و مانند آن، اگر چه می تواند به نوعی در ارتباط با ظهور تفسیر شود؛ اما انطباق آن به طور دقیق با برخی روایات، کاری بس مشکل می نماید.

مثال دیگر اینکه یکی از نویسندگان پس از ذکر روایاتی در باره سفیانی می نویسد: با نقل روایات یاد شده به این نتیجه می رسیم که احتمال وجود دو سفیانی بعید نیست که نخستین سفیانی همان گونه که در برخی از روایات به وجود حرف (شین) در نام او اشاره شده همان (میشل افلق) رئیس حزب بعث (افلقی) عراق باشد و اگر نام او با صراحت در اخبار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام نیامده، به خاطر پستی و حقارت او بوده است. البته روش اهل بیت علیهم السلام پیوسته چنین است که معمولاً کمتر کسی را به اسم یاد می کرده اند. (۱)

### ۷-۷. وقت گذاری برای ظهور

از آسیب های فرهنگ مهدویت تعیین زمان برای ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. در سخنان معصومان علیهم السلام نه فقط از این کار نهی شده، بلکه تعیین کنندگان وقت از دروغ گویان شمرده شده و دستور تکذیب آنها صادر شده است؛ چرا که حکمت الهی بر این است که وقت ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بر بندگان مخفی بماند.

این تعیین وقت به گونه های مختلفی فرض و مثلاً گفته می شود: «در فلان روز از فلان ماه از فلان سال؛ یا اینکه بگویند پیش از رسیدن فلان سال» و یا مثلاً «جوان ها به طور قطع ظهور را درک می کنند» و ... متوسط عمر یک انسان اندازه ای دارد و وقتی گفته می شود: فلان سنین به طور حتم خواهند دید، یعنی ظهور کمتر از سال متوسط عمر آنهاست. اینها و مانند آن همه

---

۱- سید اسدالله هاشمی شهیدی، زمینه سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۵۸؛ و نیز نک: کورانی، علی، عصر ظهور؛ و ....

تعیین وقت ظهور بوده که در روایات از آنها نهی شده است.

از پیامدهای ناگوار این آسیب، ایجاد ناامیدی پس از انقضای زمان مشخص است. بسیاری نابخردانه با تعیین زمان ظهور، امیدهای کاذبی را پدید آورده و پس از رسیدن زمان مورد نظر با تحقق نیافتن ظهور مشکلاتی ایجاد کرده اند! البته برخی نیز با مطرح کردن بحث «بدا» خواسته اند توجیهی دست و پا کنند که این خود آسیب دوباره ای شده است!

#### ۸-۷. شتاب زدگی در امر ظهور

از آسیب های دیگر، عجله و شتاب برای تحقق ظهور است که در روایات مورد نکوهش واقع شده است. شاید یکی از دلیل های نهی از عجله و شتاب زدگی در امر ظهور، آن است که به دنبال عجله، یأس و نومیدی در انسان منتظر، پدید می آید؛ آرامش و شکیبایی را از دست می دهد و حالت تسلیم او به حالت اعتراض و شکایت تبدیل و از تأخیر ظهور بی قرار می شود و گاهی به انکار امام، می رسد!!

روشنگری اندیشمندان نسبت به عواقب تعجیل و نیز بیان آثار صبر و تسلیم و رضا، می تواند بخشی از این آسیب را از بین ببرد. همچنین، تذکر به این نکته مهم که انجام وظیفه و حرکت در این مسیر و شناخت امام و راه و مرام او است می تواند تا حدودی در درمان این آفت مؤثر باشد.

#### ۹-۷. روش نظامی حضرت

چگونگی برخورد حضرت مهدی علیه السلام با ستمگران و نابودی آن ها به گونه های مختلف در روایات ذکر و تحلیل هایی در این باره ارائه شده است.

در بعضی از آنها سخن از کشتارهای بسیار بزرگ و در برخی نیز تنظیم امور بدون کمترین خشونت و خون ریزی مطرح شده است. بی گمان هردو دسته روایت و به دنبال آن تحلیل های ارائه شده، آسیب های خطرناکی را به این فرهنگ

ارزشمند زده است.

معرفی حضرت به عنوان چهره ای خشونت طلب و خونریز، با روح آیات و رسالت پیامبران و اوصیا سازگاری ندارد و بر خلاف تصوّر این افراد، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مظهر رأفت و رحمت پروردگار است و مانند پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ابتدا همگان را با بیان روشن و دلایل آشکار، به اسلام و قرآن می خواند و بیشتر مردم دعوت آن حضرت را پاسخ می دهند و به او می پیوندند. بنابراین امام علیه السلام فقط با مخالفان سرسخت و دشمنان که آگاهانه از پذیرفتن حق سرباز می زنند و جز زبان شمشیر نمی فهمند با سلاح برخورد می کند.

این دسته روایات که برخی دارای ضعف سند هستند دارای پیامدهایی همچون ایجاد دلزدگی و نفرت نسبت به امام، ترس و خوف از حضرت و عدم پذیرش امام به عنوان پدری مهربان و ناامیدی از انجام اعمال صالح به جهت ترس از عدم پذیرش توسط امام و ... می باشد.

#### **۸. طرح مباحث غیر ضروری**

از دیگر آسیب ها در عرصه مهدویت، کشاندن مباحث غیر ضروری و غیر مناسب برای مخاطبان است؛ محل زندگی حضرت، ازدواج، همسر، تعداد همسران، تعداد فرزندان و ... از مباحثی هستند که اذهان افراد را به خود مشغول ساخته و از مباحث مهمی چون معرفت امام، وظیفه ما نسبت به امام، تبیین و ترسیم استراتژی آینده و ارائه آن برای زمینه سازی و فراهم آوردن شرایط ظهور و ... باز داشته است.

یک خطیب یا نویسنده چیره و زبردست باید با شناخت مخاطب، بحث مناسبی ارائه نموده، از بحث های غیر ضروری پرهیزد. بی گمان در فرهنگ ناب مهدوی، معارف فراوانی وجود دارد که پرداختن به آنها یک ضرورت شمرده می شود و نقش اساسی در جهت آگاهی بخشی به شیعیان دارد و



برای ترسیم نحوه عملکرد آنها در زمان غیبت بسیار مهم است.

از پیامدهای ناگوار این آسیب، محصور کردن بحث مهدویت در چهارچوب تنگ مباحث سطحی و گاهی بی فایده، بازماندن از مباحث کاربردی و ضروری و بستر سازی برای ورود خرافات و سخنان بی دلیل و غیر مستند است. پس با طرح مباحث ضروری و بنیادین و قابل استفاده برای عموم مخاطبان، می توان ظرفیت های ناشناخته این بحث را در معرض استفاده جهانیان قرار داد.

نتیجه اینکه در انتقال پیام های مهدوی همچون همه آموزه های دینی نیاز به کارشناسان آگاه است و این امر مهم با مطالعه دقیق و مستمر در منابع معتبر حاصل می شود.

## خودآزمایی

۱. چرا امروزه آسیب شناسی مباحث مهدویت از اهمیت ویژه ای برخوردار است؟
۲. یکی از آسیب های مهم در مهدویت، مسئله جعل و تحریف است آن را توضیح داده، دو انگیزه را در این زمینه بنویسید.
۳. مراجعه به متون تخصصی بدون آگاهی لازم چگونه می تواند آسیب زا باشد؟ توضیح دهید.
۴. در باره آسیب تفسیرها و تطبیق های نادرست توضیح داده، آن را در بحث انتظار بیان نمایید.
۵. مهم ترین آسیب هایی که ممکن است بحث نشانه های ظهور را تهدید کند کدامند؟

□□□

## منابع برای پژوهش

۱. باقری، خسرو، «آسیب شناسی تربیتی مهدویت»، فصلنامه انتظار، شمارگان ۱ و ۲، مرکز تخصصی مهدویت، پاییز و زمستان ۱۳۸۰ش.
۲. معین الاسلام، مریم، «چشم اندازی به برخی از آسیب های تربیتی مهدویت»، فصلنامه انتظار، شمارگان ۱۱ و ۱۲، مرکز تخصصی مهدویت، بهار و تابستان، ۱۳۸۳ش.
۳. جعفری، محمد صابر، «اندیشه مهدویت و آسیب ها»، فصلنامه انتظار، ش ۱۵، مرکز تخصصی مهدویت، بهار ۱۳۸۴ش.
۴. داود پور، مرتضی، «بسترها و پیامدهای اجتماعی خرافات در مهدویت»، فصلنامه مشرق موعود، شماره ۳، پژوهشکده مهدویت، پاییز ۱۳۸۶ش.
۵. پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان علیهم السلام، مؤسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق علیه السلام، قم ۱۳۷۲ش.



## درس پانزدهم: کتاب شناسی مهدویت (۳)

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

آشنایی با کتاب های:

۱. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ موجود موعود، اثر: آیت الله عبدالله جوادی آملی
۲. تاریخ پس از ظهور، اثر: آیت الله سید محمد صدر
۳. زمینه سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، اثر: سید اسدالله هاشمی شهیدی
۴. در انتظار ققنوس، اثر: سید ثامر هاشم العمیدی
۵. ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه اسلام و مذاهب جهان، اثر: سید اسدالله هاشمی شهیدی
۶. ظهور نور، اثر: علی سعادت پرور
۷. تحلیل تاریخی نشانه های ظهور، اثر: مصطفی صادقی
۸. چشم به راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، اثر: جمعی از نویسندگان
۹. مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف، اثر: محمد جواد خراسانی
۱۰. التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن (الملاحم و الفتن)، اثر: سید بن طاوس

**پیش در آمد**

گرایش روزافزون به مطالعات اسلامی و گسترش ژرف نگری در اندیشه های دینی در دهه های تازه و نیز توجه فزاینده عموم مسلمانان به ویژه نسل جوان به مباحث مهدویت، زمینه بررسی های گوناگون و عرصه های متفاوتی را در سلسله بحث های مهدوی فراهم آورده است.

از سوی دیگر، بهره گیری های نابه جا و نادرست کژاندیشان از این بستر فراهم شده و ارائه برخی آثار سست و بی اساس که منجر به گسترش خرافه گرایی و رواج سطحی نگری شده اهمیت آشنایی با منابع مطالعاتی درست، علمی و محکم را امری اجتناب ناپذیر ساخته است.

یکی از راه هایی که می تواند به علاقه مندان این عرصه در آشنایی با منابع معتبر، کمک نماید، معرفی آنها در این زمینه است. کتاب هایی که دارای محتوایی استوار و قابل پذیرش هستند یا دست کم بیشتر مطالب آن، از استحکام لازم برخوردارند؛ بنابراین مناسب دیدیم در یک درس همچون دو جلد پیشین به برخی از کتاب هایی از این

دست اشاره کنیم. (۱)

### ۱. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ موجود موعود

این کتاب در برگیرنده مجموعه مباحث، گفتارها و نوشته هایی از آیت الله عبدالله جوادی آملی است که در سه بخش تنظیم شده و حاوی این مطالب است:

بخش یکم: امام شناسی

این بخش در سه فصل تنظیم شده، که عبارت است از:

#### فصل ۱. امامت عام

در این فصل به موضوعاتی همچون: چهره فقهاتی امامت، امامت و نصب در نگاه امام رضا علیه السلام، برهان مهدوی بر عدم تعیین امام به دست مردم، حیات معقول ثمره معرفت به امام علیه السلام، معیار زندگی جاهلان، حیات و مرگ جاهلی در فرهنگ وحی، حیات انسان از دیدگاه قرآن، مراتب و نشانه های حیات عقلی، توقف شناخت امامت بر نبوت و فهم نبوت بر ادراک توحید، معرفت امام، بهترین راه مسلمان مردن، مفهوم واقعی معرفت امام و... پرداخته است.

#### فصل ۲. امامت خاص

از بحث های این فصل می توان به موارد زیر اشاره کرد: استمرار ولایت از ابراهیم علیه السلام تا امام زمان علیه السلام، نیل همه فرزندان صالح ابراهیم علیه السلام به امامت، بشارت ائمه علیهم السلام به وجود مبارک ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ظهور کلمه طیبه شجره مبارک مهدوی، نیمه شعبان شب قدر اهل بیت علیهم السلام، راز همتایی شب میلاد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با شب قدر، عید میلاد امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، راه معرفت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، والاترین راه شناخت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، قرآن و عترت یک حقیقت و دو ظهور و...

---

۱- . لازم به یادآوری است معرفی این کتاب ها بدان سبب است که در مقایسه با کتاب های دیگر، به دلایلی بیشتر قابل استفاده هستند.

### فصل ۳. مهدویت شخصی

در این فصل با اشاره به باور پیروان اهل بیت علیهم السلام در موجود بودن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به نقد دیدگاه مخالفان پرداخته است.

#### بخش دوم: انتظار

این بخش در چهار فصل بدین قرار سامان یافته است:

#### فصل ۱. شعاع آفتاب

در این فصل به موضوعات مربوط به غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و اسرار آن و نیز چگونگی بهره بردن از امام غایب و موضوعات مرتبط اشاره شده است.

#### فصل ۲. حقیقت انتظار

انتظار فرج، انتظار در مکتب اهل بیت علیهم السلام، شرایط تحقق حقیقت انتظار، بهترین راه برترین انتظار... برخی از موضوعات این فصل است.

#### فصل ۳. منتظر

برتری انتظار فرهیختگان، مراحل کمالی منتظران، رهیدن منتظران از ناامیدی، فضایل منتظران....

#### فصل ۴. انتظار، ابعاد و تکالیف

که در آن آثار انتظار، تکالیف منتظران، ارتباط با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و ضرورت و چگونگی آن، وظایف شخصی منتظران، وظایف گروه ها بحث و بررسی شده است.

بخش سوم: از ظهور تا مدینه فاضله مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف

این بخش در دو فصل شکل گرفته است:

#### فصل ۱. ... تا ظهور آفتاب

که در آن ضرورت ظهور، آثار عمومی ظهور، گاه قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف، سیمای عمومی عصر ظهور، برخی رخدادهای هنگام ظهور مورد بحث قرار گرفته است.

که به بحث هایی چون: روزهای خوش فرج، از ظهور تا پیروزی، بهار دل انگیز قلوب، هندسه مدینه مهدوی، ویژگی های آرمانشهر مهدوی، کمال عقل نظری و عملی در حکومت مهدوی، جلوه



بی نظیر دینداری در حکومت مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف توجه شده است.

.....UI.....

## ۲. تاریخ پس از ظهور

تاریخ پس از ظهور ترجمه کتاب «تاریخ مابعدالظهور» عنوان کتابی است که آیت الله سید محمد صدر آن را تالیف کرده و حسن سجادی پور به فارسی برگردانده است.

این اثر که سومین مجموعه از یک رشته پژوهش‌هایی درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با عنوان کلی موسوعه الامام المهدی است، به پدیده‌هایی که پس از ظهور رخ می‌دهد، به گونه‌ای مفصل و با بهره‌مندی از روایات و سخنان بزرگان پرداخته است.

این اثر در سه بخش کلی شکل گرفته است:

بخش اول آن با عنوان «نشانه‌ها و مقدمات ظهور» در دو گفتار سامان گرفته است:

۱. مبانی کلی ظهور،

۲. حوادث نزدیک به ظهور،

البته هر یک از گفتارهای یاد شده دربردارنده فصل‌های مهمی است. بخش دوم با عنوان «حوادث دوران ظهور و برپایی دولت جهانی امام علیه السلام تا وفات آن حضرت»، در ضمن گفتارهایی به موضوعات مربوط پرداخته است:

۱. معنای ظهور؛

۲. فتح عادلانه جهان؛

۳. دولت جهانی مهدوی؛

۴. پایان زندگی امام مهدی علیه السلام

در بخش سوم با عنوان جهان پس از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به این بحث پرداخته که، سرانجام زندگی بر روی این کره خاکی پس از رحلت آن امام همام چگونه خواهد بود؟

این مسئله در دو گفتار با عنوان: ویژگی‌های دولت و جامعه و برپایی قیامت در زمان انسان‌ها تبیین و شروار بحث را به پایان برده است.

از مهم ترین بحث های این بخش بحث رجعت و رجعت کنندگان است. نکته تأمل برانگیز در این کتاب همان گونه که مترجم نیز بدان اشاره کرده دیدگاه های مؤلف است که در برخی زمینه ها نیازمند دقت و توجه خاص است.

ایشان در برخی مسائل همچون: معجزه، رجعت و حکومت اولیای صالح دارای دیدگاه خاصی است که بر خواننده فهیم پوشیده نیست. همچنین در برخی مواضع کتاب از تأثیر غیبت در تکامل رهبری امام علیه السلام و تجربه تاریخی ایشان سخن رفته است که جداً محل تأمل است، زیرا حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف به مدد الهی حکومت برپا می کند، لذا در افقی والا- و برتر از انسان های عادی به مسائل می نگرد و ولایت او که جلوه ولایت الهی است، نسبتی با تجربه تاریخی ندارد.

.....UI .....

### ۳. زمینه سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

این کتاب اثر سید اسدالله هاشمی شهیدی است که در پنج بخش تنظیم شده است:

بخش اول: علائم ظهور

در این بخش پس از ذکر برخی دیدگاه های دانشمندان شیعه در باره علایم ظهور، به اقسام آنها اشاره است و پس از آن به تفصیل در باره نشانه های حتمی ظهور پرداخته است.

در بخش دوم با عنوان چند نکته اساسی، به پاره ای از ابهام ها در باره نشانه ها اشاره و به برخی پرسش ها پاسخ داده است. در این بخش به روایات مربوط به زمینه سازی ایرانیان و پرچم های از خراسان به طور مفصل پرداخته است.

بخش سوم کتاب نیز در باره نهضت سید حسنی و خراسانی است؛ شاید در نگاه نویسنده این بحث دارای جایگاه ویژه ای بوده که آن را به گونه ای جداگانه مورد بررسی قرار داده است.

بخش چهارم کتاب نیز با عنوان رهبری نهضت، بحث بخش سوم را دنبال کرده و در آن رهبری نهضت های مشرق زمین در آستانه ظهور مورد بررسی قرار گرفته است.

سرانجام در بخش پنجم، کتاب را با موضوع عوامل پیروزی به پایان رسانده است. وی در این بخش با اشاره به عواملی که دست به هم داده ایرانیان را بر سپاه سفیانی چیره می کند، به سه عنصر اساسی شایستگی رهبر، لیاقت فرمانده و نیروی مردمی اشاره کرده است.

از آنجایی که بخش چشمگیری از این کتاب در باره حوادث آینده و نشانه های ظهور است، نیازمند دقت و تأمل افزون تری است. چه اینکه در محل خود گفته شد در بحث نشانه ها، در کنار روایات صحیح و مورد قبول، روایات ضعیف نیز فراوان وجود دارد.

.....UI .....

#### ۴. در انتظار ققنوس (کاوشی در قلمرو موعود شناسی و مهدی باوری)

در انتظار ققنوس، به وسیله سید ثامر هاشم العمیدی تألیف و به دست مهدی علیزاده ترجمه شده است. در این کتاب، محور اصلی پژوهش «شخصیت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» و مباحث تاریخی، کلامی و حدیثی مربوط به او است.

مؤلف علاوه بر تکیه بر آیات قرآن و احادیث معصومین علیهم السلام، از معارف بلند اسلامی به ویژه شیعی بهره های وافری برده است. شناخت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و اعتقاد به آن حضرت و فواید و آثار این اعتقاد، تحریفات حدیثی تاریخی در این زمینه و برنامه ریزی دشمنان علیه اعتقاد به مهدویت، از دیگر موضوعاتی

است که مؤلف به آن پرداخته است.

علاوه بر آن وی با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی، اعتقادات تاریخی و کلامی به وجود و ظهور حضرت مهدی علیه السلام را در این مجموعه به خوبی گرد آورده است.

برخی از سرفصل های کتاب از این قرار است:

در بخش اول با عنوان موعود شناسی به مقدمه مؤلف اشاره کرده تعلیقاتی بر آن زده و دارای فصل های زیر است:

۱. سیمای موعود در آینه ثقلین،

۲. مهدی شناخت،

۳. لغزشگاه های مهدی پژوهی،

۴. جستاری در باب مهدویت و خردپذیری.

بخش دوم با عنوان «مهدی باوری» دارای هفت فصل با عناوین ذیل است:

۱. مهدی باوری و ضرورت تعمیق پیوندهای عاطفی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف،

۲. مهدی باوری و امنیت روانی،

۳. کالبد شکافی انتظار،

۴. بعثت انبیاء و انقلاب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف،

۵. شیعه، قافله سالار کاروان انتظار،

۶. توطئه های استکبار جهانی علیه مهدی باوری،

۷. مهر نهان در سپهر ادب.

.....UI .....

**۵. ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه اسلام و مذاهب جهان**

این کتاب نوشتار تاریخی عقیدتی، در ظهور مهدی موعود علیه السلام به زبان فارسی، اثر سید اسدالله هاشمی شهیدی از محققان معاصر است. مؤلف پس از پیش گفتار کوتاه، اثر خویش را در دوازده بخش سامان داده است:

۱. در مسئله مهدویت و اصالت

آن و اندیشه های انکار ظهور حضرت مهدی علیه السلام و سپس نظر صحابه و تابعین و سایر مذاهب غیراسلامی (مانند یهود، نصارا، اقوام و ادیان دیگر).

۲. مهدی موعود از دیدگاه اسلام، سپس تشیع و اهل سنت و تعداد روایات و ویژگی های حضرت مهدی علیه السلام،

۳. شناخت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف،

۴. اعتراف دانشمندان اهل سنت به صحت احادیث مهدی و بیان مخالفان (مانند ابن حزم اندلسی و خطیب بغدادی و ابن کثیر دمشقی)،

۵. گفتار دانشمندان اهل سنت (مانند ابن ابی ثلج بغدادی، بیهقی شافعی، محی الدین عربی، ابن خلکان، قاضی جواد سبابلی حنفی و...)

۶. گفتار مستشرقان و مدعیان مهدویت و سوء استفاده از عنوان مهدی موعود،

۷. در مورد انتظار در قرآن و روایات و اهمیت آن،

۸. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نویدهای ظهورش در قرآن مجید،

۹. نویدهای ظهور در کتاب های مقدس ادیان دیگر (مانند تورات، انجیل و سایر کتب مقدس ادیان دیگر)،

۱۰. دین آینده جهان و خاتمیت قرآن در روایات و اینکه قرآن خاتم کتب آسمانی است،

۱۱. یأس و ناامیدی، گسترش فساد اخلاقی، اختراع سلاح های مرگ بار، اعتراف دانشمندان و نقل گفته های دانشمندان غربی مبنی بر لزوم حکومت جهانی،

۱۲. برخی از ویژگی های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، وقت ظهور، مدت حکومت حقه ایشان،

مؤلف تسلط خوبی نسبت به اخبار و احادیث سنی و شیعه و کتاب های جدید و آرای معاصران اعم از مسلمین و مستشرقین و هندوها و... دارد. لذا این کتاب در نوع خود مفید و جامع است.

.....UI .....



## ۶. ظهور نور

کتاب ظهور نور ترجمه «الشُّمُوسُ الْمُضِيئَةُ»، اثر علی سعادت پرور است که به قلم سید محمدجواد وزیری فرد، به فارسی بازگردان شده است.

در این اثر مؤلف به شیوه گزارشی، تاریخ زندگانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و مسئله رجعت را مورد بررسی قرار داده است. وی ابتدا با ارائه سیمایی کلی از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به ذکر ویژگی ها، خصلت ها، شمایل، حالات و علم آن حضرت در کودکی، روایات مربوط به امامت آن حضرت و علت مخفی بودن ولادت ایشان، منکران مهدی و علت انکار آنها، فضیلت انتظار فرج در زمان غیبت و برخی مسائل دیگر از هنگام ولادت تا غیبت صغرا می پردازد.

سپس به بررسی روایات مربوط به غیبت صغرا و کبرا تا زمان ظهور آن حضرت و مسائلی چون نیابت خاص، فلسفه و علل غیبت و طولانی شدن آن، اوضاع و وظایف شیعه در عصر غیبت و چگونگی دیدار با ایشان در غیبت کبرا همت می گمارد.

آن گاه نشانه ها، وقایع و اوضاع زمین و آسمان در هنگام ظهور، حوادث ایام حکومت و چگونگی عمر و رحلت آن حضرت را با استفاده از روایات بررسی کرده، به برخی پرسش ها در این زمینه پاسخ می دهد. در پایان، با اشاره به تخلف ناپذیر بودن رجعت، علت، چگونگی، دفعات و رخدادهای زمان آن را بررسی می کند.

.....UI .....

## ۷. تحلیل تاریخی نشانه های ظهور

«تحلیل تاریخی نشانه های ظهور» رویکردی جدید و نگاهی نو به علائم و نشانه های ظهور دارد که توسط مصطفی صادقی از پژوهشگران تاریخ تدوین شده است.

این کتاب کندوکاوی در باب نشانه های تاریخی ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. از آنجایی که این موضوع به صورت زنده و آشکار، با باورهای عمومی مردم ارتباط دارد، توجه و بررسی آن ضروری به نظر می رسد.

اما در مورد نگرش جدید و متفاوت این تألیف باید گفت: نشانه های ظهور که از قدیم موضوعی جذاب بوده تاکنون به گونه ای تحقیقی آن هم با نگاهی تاریخی بررسی و تحلیل نشده است و همه کسانی که در این موضوع قلم زده اند، از این نوع نگاه غفلت و به نقل و ترجمه احادیث اکتفا کرده اند. مراجعه به ده ها کتاب درباره نشانه های ظهور نشان می دهد که متأسفانه بیشتر نویسندگان جدید، روایات منابع گذشته را تکرار کرده و با آنها محققانه و تحلیلی برخورد نکرده اند. بیشتر این کتاب ها در صدد قانع کردن موقت مخاطب خود هستند؛ مخاطبی که در آن قسمت خاص از کتاب، فقط انتظار بیان نشانه ها را دارد. از این رو، جای بررسی همه اخبار درباره یک نشانه، ارتباط آن با نشانه های دیگر، بحث از صحّت و سقم احادیث و تحلیل و نقد منابع آنها بسیار خالی است. کتاب یاد شده در صدد است تا با تکیه بر گزارش های تاریخی بررسی کند که آن حوادث تاریخی که تصور می شود نشانه های ظهور بوده و واقع شده اند چه ارتباطی با ظهور دارند و آیا اینها حقیقتاً علامت ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند؛ در حالی که صدها سال از وقوع آنها گذشته است و یا پیش گویی پیامبر و ائمه علیهم السلام

درباره آینده می باشند.

این کتاب با دقت نظر بحث هایی را دنبال کرده که حاصل آن در دو فصل سامان یافته است. در فصل نخست در ضمن هفت گفتار به کلیات بحث اشاره کرده است. بررسی منابع، روایان، واژه نشانه، تاریخچه، اندیشه مهدویت غیبت و انتظار در فرق اسلامی، مروری بر نشانه های ظهور و آمیختگی «نشانه های ظهور» و «اشراط الساعه»، گفتارهای هفت گانه فصل نخست این کتاب هستند.

وی در فصل دوم با عنوان نشانه های تاریخی ظهور، به بررسی آیات سود (پرچم های سیاه)، قتل نفس زکیه، سفیانی، طلوع خورشید از مغرب، (۱) قیام خراسانی و ظهور حسنی، در شش گفتار پرداخته است.

.....UI .....

#### ۸. چشم به راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

این کتاب با نظر به آیات و روایات، به بررسی تحلیلی مباحث مهدویت می پردازد و شامل ده سرفصل است. نخستین فصل اولین آن به رسالت حوزه های علوم دینی نسبت به مهدویت اشاره کرده و این رسالت را در سه حیطة اتمام و اقتدا، وراثت و نیابت تعریف می کند.

قسمت دوم به ارتباط با امام زمان علیه السلام در عصر غیبت نظر دارد و به نقل دو دیدگاه متناقض مبنی بر عدم امکان ارتباط و دیگری امکان ارتباط و ادله هر یک اشاره می کند.

سومین قسمت کتاب به بحث «حکومت اسلامی در عصر انتظار» اختصاص دارد و به مؤلفه های آن

---

۱- ذکر این نشانه در شمار نشانه های ظهور با توجه به نشانه بودن آن برای برپایی قیامت نیازمند دقت بیشتری است.

یعنی «فراگیری ظلم از نشانه های ظهور»، «ممنوعیت قیام در عصر غیبت» و «تشکیل حکومت در عصر غیبت، دخالت در قلمرو امام معصوم را مطرح کرده و به نقد و بررسی هر کدام از آنها می پردازد.

قسمت چهارم کتاب (مهدویت و مدینه فاضله) به ذکر دو دیدگاه نسبت به مدینه فاضله اشاره می کند و به مقایسه آن می پردازد؛ یعنی، در ابتدا آرمان شهر را از منظر افلاطون، فارابی، سوسیالیسم مطرح کرده و به جمع بندی آنها می پردازد. سپس مدینه فاضله مهدوی و اسلامی را مطرح می کند.

پنجمین بحث کتاب به دین داری و زندگی دینی پیش از ظهور اشاره دارد و به شاخصه های دین داری پیش از ظهور نظر دارد.

بحث ششم کتاب به بررسی نشانه های ظهور، پرداخته و به انواع نشانه ها اشاره دارد.

هفتمین قسمت کتاب به تولد و زندگی امام زمان علیه السلام نظر دارد.

موافقان و مخالفان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف موضوعی است که در قسمت هشتم کتاب به آن پرداخته شده است.

سرفصل نهم کتاب بررسی فلسفه غیبت در منابع کلامی شیعه است که ابتدا این مسئله را به صورت نقلی بررسی کرده و سپس به بررسی عقلی آن پرداخته و فلسفه غیبت را از نگاه افرادی مثل شیخ صدوق، شیخ مفید، شیخ طوسی و پس مطرح کرده است.

در آخرین مبحث کتاب هم امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در آثار و منابع شخصیت های اسلامی شیعه و سنی مطرح می کنند، آثاری مثل: کمال الدین و تمام النعمه شیخ صدوق، الغیبه نعمانی، ینابیع الموده قندوزی.

.....UI .....

## ۹. مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف

این اثر، پژوهشی تفصیلی درباره امامت و ظهور امام

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که به شیوه روایی تحلیلی و با محتوای کلامی حدیثی، به قلم محمد جواد خراسانی، تألیف شده است. این کتاب دارای عناوین اصلی و فرعی گسترده و متنوع است که مهم ترین موضوعات آن عبارتند از: علایم شخصی نشانه های امامت، علایم تشریفی (مانند همراه داشتن آثار و موارث انبیا)، نواب اربعه، خصوصیات غیبت، غیبت صغرا و کبرا، وقایع دوران غیبت، پاسخ به شبهات غیبت، فرج کلی و جزئی، بروز فتنه های اجتماعی، دینی، تربیت، اخلاقی و سیاسی، فتنه های مختص به عالم تشیع، شرح تفصیلی علایم ظهور، تکالیف منتظران، کیفیت ظهور و پیروزی و سیره حکومتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

.....UI .....

#### ۱۰. التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن (الملاحم و الفتن)

این کتاب نوشته رضی الدین ابی القاسم علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن طاووس (م ۶۶۴ ق) مشهور به سید بن طاووس، است که توسط مؤسسه صاحب الامر تحقیق و منتشر شده است.

اگر چه مؤلف در مباحث گوناگون دارای آثار فروانی است؛ اما با توجه به شخصیت عرفانی، بیشترین آثار وی در حوزه مباحث اخلاقی و تربیتی شکل گرفته است. در میان آثار وی بعضی از آنها تلخیص یا گردآوری آثار گذشتگان است که از جمله آنها می توان به اثر مورد نظر در این نوشتار اشاره کرد.

همان گونه که از نام کتاب به دست می آید، محتوای آن نقل روایاتی است که به فتنه های پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اشاره می کند. این کتاب در واقع گزینش و تلخیص سه اثر اهل سنت است:

۱. الفتن، نعیم بن حماد المروزی الخزاعی (م۲۲۸ق)

۲. الفتن، ابوصالح السلیلی احمد بن عیسی بن الشیخ الحسانی (الحسائی) (از علمای قرن ۴)

۳. الفتن، ابویحیی زکریا بن یحیی بن الحارث البزاز النیسابوری (م۲۹۸ق)

البته افزون بر روایاتی که از کتاب های یاد شده نقل کرده، از برخی کتاب های دیگر نیز به نقل روایت پرداخته که برخی از آن آثار ناشناخته و یا نویسندگان آنها نامعلوم اند.

بررسی منابع سه گانه بالا بویژه کتاب الفتن نعیم بن حماد با ۳۰۸ روایت در این اثر می تواند در میزان اعتبار این کتاب نقش مهمی داشته باشد.

گویا مؤلف به ضعف برخی روایاتی که نقل کرده، آگاه بوده است، از این رو در چند جا یادآور می شود که: چنانچه روایتی خلاف واقع نقل شده، گناهِش به گردن کسی است که آن را جعل کرده است.

وی در ابتدای نقلش از الفتن سلیلی نیز به نوعی خود را از گرفتاری دور کرده و همه تفصیلات روایات را متوجه مؤلف آن نموده است. در پایان آنچه از الفتن زکریا بن یحیی نقل کرده نیز مضمون یادشده را یادآور شده است

پس سید به این باور رسیده که روایات نقل شده از آثار مزبور، دارای اشکالات فراوانی است و با این سخنان تلاش کرده خود را از پیامدهای آن دور کند.

وی هرچند با نقل این سخنان به نوعی خود را از اشکال ضعف راویان و روایات دور ساخته؛ اما به نظر می رسد نقل ایشان، موجب اعتماد برخی از افرادی است که چندان حوصله پژوهش و بررسی را ندارند. از این رو هرگز دنبال این نیستند که سید بن طاووس روایات را از کدام

منبع نقل کرده است!

البته امروزه کم نیست آثار و کتاب هایی که به صرف وجود یک روایت در منبع شیعی، آن را روایتی صحیح تلقی می کنند و آثاری بر آن مترتب می کنند! بنابراین هر پژوهشگری را بر آن می دارد تا در محتوای این اثر و مانند آن دقت و تأمل افزون تری روا دارد.

## منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم، ترجمه: محمد مهدی فولادوند، چاپ سوم، تهران، دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۸ق.
۲. امام علی علیه السلام، نهج البلاغه، گردآورنده: سید رضی، انتشارات دارالهجره، قم، بی تا.
۳. ابن شهر آشوب، المناقب، مؤسسه انتشارات علامه، قم، ۱۳۷۹ق.
۴. ابن طاوس، علی بن موسی، اقبال الاعمال، دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ش.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
۶. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الأئمه علیهم السلام، تبریز، مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱ق.
۷. الهامی، داود، آخرین امید، دوم، قم، مکتب اسلام، ۳۷۷ش.
۸. امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، نوزدهم، قم، شفق، ۱۳۷۹ش.
۹. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۰۷ق.
۱۰. برقی، احمد بن محمد بن خالد، محاسن، دوم، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰ق.
۱۱. پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان علیهم السلام، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۷۲ش.
۱۲. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن ترمذی، بیروت، دار احیاء التراث العربی [بی تا].
۱۳. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، انتشارات دفتر تبلیغات، قم، ۱۳۶۶ش.
۱۴. جعفر مرتضی، جزیره خضراء در ترازوی نقد، قم، دفتر تبلیغات ۱۳۷۷ش.
۱۵. جمعی از نویسندگان، چشم به راه مهدی علیه السلام، چ سوم، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۲ ش.
۱۶. جوینی، علی بن محمد، فرائد السمطین، بیروت، مؤسسه محمودی، ۱۴۰۰ ق.
۱۷. حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول علیهم السلام، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.



۱۸. حکیمی، محمّد، در فجر ساحل، بیست و یکم، تهران، آفاق، ۱۳۷۸ش.

۱۹. حمیری قمی، عبد الله بن جعفر، قرب الاسناد، انتشارات کتابخانه نینوا، تهران، بی تا.

۲۰. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش.

۲۱. دیلمی، حسن بن ابی الحسن، الارشاد القلوب، [بی جا] شریف رضی ۱۴۱۲ش.

۲۲. ذهبی، محمد بن احمد بن عثمان (م۷۴۸ق)، میزان الاعتدال، تحقیق: علی احمد البجاوی، بیروت، دار المعرفه لطباعه و النشر.
۲۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دوم، [بی جا] دفتر نشر کتاب [بی تا].
۲۴. راوندی، قطب الدین، الخرائج والجرائح، سه جلد، چاپ اول، قم، موسسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۰۹ق.
۲۵. رضوانی، علی اصغر، موعود شناسی، چاپ اول، قم، انتشارات مسجد جمکران، ۱۳۸۴ش.
۲۶. سجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۰ق.
۲۷. سعادت پرور، علی، ظهور نور، ترجمه سید محمد جواد وزیری فرد، احیاء کتاب، تهران: ۱۳۸۰ش.
۲۸. سید بن طاووس، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، گلپهار اصفهان، اصفهان، ۱۴۱۶ق.
۲۹. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، العرف الوردی فی اخبار المهدی، تهران، المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الاسلامیه، ۱۴۲۷ق.
۳۰. شوشتری، محمد تقی و دیگران، جزیره خضرا افسانه یا واقعیت؟ ترجمه و تحقیق ابوالفضل طریقه دار، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۰ش.
۳۱. شیبانی، احمد بن حنبل، مسند احمد، مصر، موسسه قرطبه [بی تا].
۳۲. صادقی، مصطفی، تحلیل تاریخی نشانه های ظهور، چاپ اول، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵ش.
۳۳. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، قم، موسسه السیده المعصومه ۱۴۱۹، □ق.
۳۴. صدر، سید رضا، راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، قم: ۱۳۷۸ش.
۳۵. صدر، سید محمد باقر، رهبری بر فراز قرون، موسسه موعود، تهران: ۱۳۷۹ش.
۳۶. صدر، سید محمد، تاریخ غیبت کبرا، ترجمه: سید حسن افتخار زاده، دوم، تهران، نیک معارف، ۱۳۸۲ش.
۳۷. صدر، سید محمد، تاریخ الغیبه الکبری، اصفهان، مکتبه الامام امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۴۰۲ق.
۳۸. صدر، سید محمد، تاریخ ما بعد الظهور، اصفهان، مکتبه الامام امیرالمؤمنین علیه السلام، بی تا.
۳۹. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵ق.

٤٠. صدوق، محمد بن علي بن حسين بن بابويه، كمال الدين و تمام النعمه، دو جلد، چاپ دوم، قم، دارالكتب الاسلاميه، ١٣٩٥ ق.

٤١. صدوق، محمد بن علي بن حسين بن بابويه، خصال، دوم، قم، جامعه مدرسين، ١٤٠٣ ق.

۴۲. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، من لایحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.
۴۳. صنعانی، عبدالرزاق، المصنف، محقق: حبیب الرحمن الاعظمی، بی جا، منشورات المجلس العالمی، بی تا.
۴۴. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیست جلد، چ یازدهم، دفتر انتشارات اسلامی، قم: ۱۳۶۱ش.
۴۵. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، چ سوم، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.
۴۶. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، نشر مرتضی، مشهد مقدس: ۱۴۰۳ق.
۴۷. طبرسی، میرزا حسین، نجم الثاقب، دوم، قم، مسجد جمکران، ۱۳۷۷ش.
۴۸. طبری، آملی، محمد بن ابی القاسم، بشاره المصطفی لشیعہ المرتضی، چ دوم، کتابخانه حیدریه، نجف: ۱۳۸۳ ه.ق.
۴۹. طبری، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الامامه، قم، دار الذخائر للمطبوعات، بی تا.
۵۰. طبسی، نجم الدین، چشم اندازی به حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ سوم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۰ش.
۵۱. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، سه جلد، چاپ اول، قم، مرکز الطباعة والنشر فی مؤسسه البعثه، ۱۴۱۵ق.
۵۲. طوسی، محمد بن الحسن، الفهرست، نجف اشرف، مکتبه مرتضویه، بی تا.
۵۳. طوسی، محمد بن الحسن، کتاب الغیبه، چاپ اول، قم، مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۵۴. طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش.
۵۵. عاملی، سید جعفر مرتضی، جزیره خضرا در ترازوی نقد (پژوهشی در علامات ظهور، بیان الائمہ، خطبه البیان، جزیره خضرا، ترجمه: محمد سپهری، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ سوم، ۱۳۷۷ش.
۵۶. عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعہ، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۹ق.
۵۷. عسکری، ابو هلال (م ۳۹۵)، الفروق اللغویه، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرفه، ۱۴۱۲ق.
۵۸. عکبری، محمد بن محمد بن النعمان (شیخ مفید)، اختصاص، مصحح علی اکبر غفاری، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۵۹. عکبری، محمد بن محمد بن النعمان (شیخ مفید)، الارشاد، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.

۶۰. عمیدی، سید ثامر هاشم، در انتظار ققنوس، ترجمه و تحقیق مهدی علیزاده، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، □ ۱۳۷۵ ش.

۶۱. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، بیروت، منشورات اعلمی، ۱۴۱۷ ق.

۶۲. غضائری، احمد بن حسین، رجال ابن الغضائری، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۴۶ ق.

۶۳. فتال نیشابوری، محمد بن حسن بن علی، روضه الواعظین، قم، انتشارات رضی، بی تا.

۶۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، بی جا، مؤسسه دار الهجره، ۱۴۰۹ ق.

۶۵. قزوینی، سید محمد کاظم، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا ظهور، ترجمه حسین فریدونی، نشر آفاق، تهران: ۱۳۷۹ ش.

۶۶. قزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، تحقیق: محمد عبد الباقي، بیروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع.

۶۷. قشیری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، [بی تا].

۶۸. قمی، ابن قولویه، کامل الزیارات، نجف، مرتضویه، ۱۳۵۶ ق.

۶۹. قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، چ دوم، انتشارات رضی، قم: ۱۳۶۳ ش.

۷۰. قمی، شیخ عباس، منتهی الآمال، انتشارات پیام آزادی، تهران: ۱۳۷۹ ش.

۷۱. قمی، علی بن ابراهیم بن هاشم، تفسیر قمی، قم، مؤسسه دار الکتب، ۱۴۰۴ ق.

۷۲. کشی، محمد بن عمر، رجال کشی، دانشگاه مشهد، مشهد: ۱۳۴۸ ش.

۷۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، هشت جلد، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش.

۷۴. کنجی الشافعی، ابو عبدالله محمد، البیان فی اخبار صاحب الزمان علیه السلام، تحقیق مهدی حمد الفتلاوی، بیروت، دارالمحججه البیضاء، ۱۴۲۱ ق.

۷۵. کورانی، علی، عصر ظهور، ترجمه عباس جلالی، شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، تهران ۱۳۷۸ ش. ۵.

۷۶. کورانی و دیگران، علی، معجم احادیث الامام المهدي عليه السلام، قم، مؤسسه معارف اسلامي، ۱۴۱۱ ق.
۷۷. کوفی، ابن ابی شیبہ، المصنف، محقق: سعيد اللحام، بيروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، ۱۴۰۹ ق.
۷۸. کوفی، فرات بن ابراهيم، تفسير فرات، [بی تا]، مؤسسه چاپ و نشر، ۱۴۱۰ ق.
۷۹. گروهی از نویسندگان، فصلنامه انتظار، قم، مرکز تخصصی مهدویت.
۸۰. متقی هندی، علاء الدین علی، کنز العمال، شانزده جلد، مؤسسه الرساله، بيروت: ۱۴۰۹ ق.
۸۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ۱۱۰ جلد، بيروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
۸۲. مجلسی، محمد باقر، مرآه العقول، دار الکتب الاسلاميه، تهران، ۱۳۶۹ ش.

۸۳. مروزی، نعیم بن حماد (م ۲۲۹)، الفتن، تحقیق: ابو عبد الله / ایمن محمد محمد عرفه، المكتبة التوفيقية، بی تا.
۸۴. مسعودی، علی بن الحسین، اثبات الوصیه، قم، موسسه انصاریان، ۱۴۱۷ ق.
۸۵. مصباح المتهدج و سلاح المتعبد، بیروت، موسسه فقه شیعه، ۱۴۱۰ ق.
۸۶. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش.
۸۷. مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، صدرا، ۱۳۷۹ ش.
۸۸. معماری، داود، مبانی و روش های نقد متن حدیث، چاپ دوم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶ ش.
۸۹. معین، محمد، فرهنگ فارسی، چاپ اول، تهران، نشر سرایش، ۱۳۸۰ ش.
۹۰. مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، تحقیق: عبد الفتاح محمد الحلو، قم، انتشارات نصایح، ۱۴۱۶ ق.
۹۱. مکارم شیرازی و دیگران، ناصر، تفسیر نمونه، چ چهلم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰ ش.
۹۲. موسوی اصفهانی، سید محمد تقی، مکیال المکارم، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، چاپ پنجم، دو جلد در یک جلد، تهران، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، ۱۳۷۹ ش.
۹۳. مهدی پور، علی اکبر، «برگزیده آثار در طول قرون و اعصار»، مشعل جاوید، محمد علی مهدوی راد، قم، دلیل ما، ۱۳۸۰ ش.
۹۴. نجاشی، احمد بن علی بن احمد بن عباس (م ۴۵۰ ق)، رجال النجاشی، دو جلد، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ ق.
۹۵. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۹۷ ق.
۹۶. نمازی شاهرودی، علی، مستدرکات علم رجال الحدیث، طهران، ۱۴۱۲ ق.
۹۷. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، هیجده جلد، موسسه آل البيت علیهم السلام، قم: ۱۴۰۸ ق.
۹۸. نیشابوری، محمد بن حسن فتال، روضه الواعظین، قم، رضی، [بی تا].
۹۹. نیلی نجفی، علی بن عبدالکریم، منتخب الانوار المزیئه، قم، چاپخانه خیام، ۱۴۰۱ ق.
۱۰۰. هاشمی شهیدی، سید اسدالله، زمینه سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ دوم، قم،

انتشارات پرهيزكار، ۱۳۸۰ش.

۱۰۱. هيتمی، احمدبن محمدبن حجر المکی، القول المختصر فی علامات المهدي المنتظر، محقق: مصطفى عاشور، قاهره، مكتبه القرآن، بی تا.

الحمد لله رب العالمين



جلد ۴

اشاره

ص: ۱

درسنامه مهدویت

(جلد ۴)

حضرت مهدی عجل الله فرجه و حکومت جهانی

خدایمیراد سلیمان

در سنامه مهدویت (۴)

مؤلف: خدامراد سلیمیان

ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود

نوبت چاپ: دوم تابستان ۱۳۹۳

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۶۲-۹۱-۸

شمارگان: دو هزار نسخه

قیمت: ۷۰۰۰ تومان

تمامی حقوق © محفوظ است.

\* قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله فرجه، مرکز تخصصی مهدویت/ خیابان شهدا/ کوچه آمار (۲۲)/  
بن بست شهید علیان/ ص.پ: ۱۱۹ - ۳۷۱۳۵ / همراه: ۰۹۱۰۹۶۷۸۹۱۱ / تلفن: ۳۷۷۴۹۵۶۵ و ۳۷۷۳۷۸۰۱ (داخلی  
۱۱۷ و ۱۱۶) / ۳۷۸۴۱۱۳۰ (فروش) / ۳۷۸۴۱۱۳۱ (مدیریت) / فاکس: ۳۷۷۳۷۱۶۰ و ۳۷۷۴۴۲۷۳

\* تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله فرجه / تلفن: ۸۸۹۵۹۰۴۹ / فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹ / ص.پ: ۳۵۵-۱۵۶۵۵

[www.mahdi۱۳.com](http://www.mahdi۱۳.com)

با قدردانی و تشکر از همکارانی که در تولید این اثر نقش داشته اند:

اعضای محترم شورای کتاب حجج اسلام مجتبی کلباسی، محمدصابر جعفری، مهدی یوسفیان، محمدرضا فؤادیان و آقایان  
احمد مسعودیان (مدیر داخلی)، مرتضی دانش طلب (مدیر مالی)، رضا فریدی (صفحه آرا)، عباس فریدی (طراح جلد) و کلیه  
کسانی که ما را یاری نمودند.

مدیر مسئول انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله فرجه حسین احمدی

کد فایل: ۵-۰۹۲۶۰

ص: ٣

بسم الله الرحمن الرحيم

## فهرست مطالب

پیشگفتار. ۱۵

درس اول

حکومت حضرت مهدی علیه السلام (کلیات)

پیش درآمد... ۲۰

یک. معناشناسی حکومت... ۲۰

از نگاه لغت... ۲۰

از نگاه اصطلاح.. ۲۱

واژگان حکومت مهدوی... ۲۱

۱. مُلکک..... ۲۲

۲. خلافت.... ۲۲

۳. دولت.... ۲۳

۴. سلطنت.... ۲۳

۵. ولایت.... ۲۴

دو. بشارت به حکومت حضرت مهدی علیه السلام. ۲۴

سه. حتمی بودن حکومت حضرت مهدی علیه السلام. ۲۶

چهار. مقرر حکومت حضرت مهدی علیه السلام. ۲۷

پنج. مدت حکومت حضرت مهدی علیه السلام. ۲۹

خودآزمایی.. ۳۳



ص: ۵

درس دوم

گستره حکومت حضرت مهدی علیه السلام

پیش درآمد.. ۳۶

ادله جهانی بودن حکومت مهدی علیه السلام. ۳۷

۱. در آیات قرآن.. ۳۷

۲. در روایات معصومان علیهم السلام. ۳۹

نسبت جهانی شدن و حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام. ۴۲

حکومت واحد جهانی حضرت مهدی علیه السلام. ۴۳

مقایسه و تمایز. ۴۵

امتیازات حکومت جهانی مهدوی بر جهانی شدن.. ۴۶

خودآزمایی.. ۴۹

منابع برای پژوهش.... ۴۹

درس سوم

نظام اعتقادی حکومت مهدی علیه السلام

پیش درآمد.. ۵۲

اسلام برای همه و همیشه. ۵۲

دین در عصر ظهور. ۵۵

دستورالعمل های نوین در عصر ظهور. ۵۸

پیروان دیگر ادیان در عصر ظهور. ۶۲

دیدگاه نخست: حضور پیروان.. ۶۳

۱. پرداخت جزیه اهل کتاب... ۶۴

۲. داوری میان اهل کتاب با کتاب آنها ۶۴

۳. شباهت سیره مهدی با سیره پیامبر. ۶۴

دیدگاه دوم: عدم حضور پیروان ادیان.. ۶۵

۱. آیات... ۶۵

۲. روایات... ۶۵

خودآزمایی.. ۶۹

منابع برای پژوهش.... ۶۹

درس چهارم

حکومت حضرت مهدی علیه السلام و عدالت

پیش درآمد... ۷۲

مفهوم شناسی عدالت.... ۷۳

الف) معنای لغوی... ۷۳

ب) معنای اصطلاحی.. ۷۴

عدالت در آموزه های دینی.. ۷۵

الف) در قرآن.. ۷۵

ب) در روایات... ۷۶

عدالت در دولت مهدی موعود علیه السلام. ۷۸

راهبردهای عدالت گستری مهدوی... ۷۸

افزایش معرفت.... ۷۸

گسترش انفاق.. ۷۹

توزیع داد گرانه. ۷۹

برداشتن افزون خواهی.. ۷۹

احساس بی نیازی در مردم. ۸۰

گستره عدالت مهدوی... ۸۰

۱. گستره انسانی.. ۸۰

۲. گستره جغرافیایی.. ۸۱



۳. گستره مصداقی.. ۸۱

یک. عدالت در داوری... ۸۱

دو. عدالت در عرصه اقتصاد. ۸۲

سه. عدالت در عرصه سیاست... ۸۲

چهار. عدالت در عرصه فرهنگ..... ۸۳

آثار و برکات عدالت.... ۸۳

خودآزمایی.. ۸۵

منابع برای پژوهش.... ۸۵

نظام امنیتی حکومت امام مهدی علیه السلام

پیش درآمد... ۸۸

امنیت.... ۸۹

از نگاه اصطلاح.. ۸۹

الف) از نگاه قرآن.. ۹۰

ب) از نگاه روایات... ۹۲

زمینه های ترس، دلهره و ناامنی.. ۹۳

نقش امام در امنیت روانی و معنوی... ۹۴

حکومت مهدوی و امنیت.... ۹۵

گستره امنیت در حکومت مهدوی... ۹۶

یک . امنیت فردی... ۹۶

دو . امنیت اجتماعی.. ۹۷

۱. امنیت عقیدتی فرهنگی.. ۹۷

۲. امنیت اقتصادی... ۹۸

۳. امنیت داوری... ۹۹

هم زیستی مسالمت آمیز. ۹۹

سخن آخر. ۱۰۰

خودآزمایی.. ۱۰۱

منابع برای پژوهش.... ۱۰۱

درس ششم

نظام سیاسی حکومت امام مهدی علیه السلام (۱)

پیش درآمد.. ۱۰۴

یک. مشروعیت.... ۱۰۴

مفهوم شناسی.. ۱۰۵

الف) از نگاه لغت.... ۱۰۵

ب) از نگاه اصطلاح.. ۱۰۵

تفاوت مشروعیت در عرف سیاسی با مشروعیت در اندیشه سیاسی اسلام ۱۰۶

انواع مشروعیت الهی.. ۱۰۷

الف) مشروعیت الهی از جنبه هستی شناختی و توحید.. ۱۰۷

ب) مشروعیت الهی از جنبه انسان شناختی.. ۱۰۸

دو. مقبولیت (پذیرش مردم). ۱۰۸.

امام مهدی علیه السلام؛ مشروعیت الهی، مقبولیت مردمی ۱۱۱

پذیرش حاکمیت، اجابت درخواست مردم. ۱۱۲

همکاری همگانی (رابطه ولی و مولی). ۱۱۲

۱. حقوق مردم بر حضرت... ۱۱۳

۲. حقوق حضرت بر مردم. ۱۱۴

نقش مدیریتی مردم (کارگزاران حکومت). ۱۱۵

گروه های کارگزاران از نگاه روایات... ۱۱۶

خودآزمایی.. ۱۱۹

منابع برای پژوهش.... ۱۱۹

درس هفتم

نظام سیاسی حکومت امام مهدی علیه السلام (۲)

پیش درآمد.. ۱۲۲

مردم و حکومت مهدوی... ۱۲۲

بیعت، مهم ترین سازوکار سیاسی.. ۱۲۳

پایه های بیعت.... ۱۲۴

چگونگی و چیستی بیعت.... ۱۲۴

بیعت ورأی دادن، شباهت ها و تفاوت ها ۱۲۷

آثار بیعت.... ۱۲۹

۱. ابراز آمادگی.. ۱۲۹

۲. پذیرش ولایت.... ۱۲۹

۳. یادآوری پایبندی به وظیفه. ۱۳۰

۴. پافشاری بر وفاداری... ۱۳۰

بیعت با امام مهدی علیه السلام، از نگاه روایات... ۱۳۰

۱. بیعت کنندگان.. ۱۳۰

۱۱. بیعت جبرئیل فرشته وحی.. ۱۳۰

۱-۲. بیعت یاران خاص (سیصد و سیزده نفر). ۱۳۱

۳-۱. برخی از مردم. ۱۳۱

۲. مکان بیعت.... ۱۳۲

۳. محتوا و مفاد بیعت.... ۱۳۲

یک بررسی کوتاه در مفاد بیعت.... ۱۳۲

خودآزمایی.. ۱۳۶

منابع برای پژوهش.... ۱۳۶

درس هشتم

نظام تعلیم و تربیت در حکومت مهدی علیه السلام

پیش درآمد.. ۱۳۸

درآمدی بر نظام تعلیم و تربیت اسلامی.. ۱۳۹

گسترش خردورزی در عصر ظهور. ۱۴۱

عقل از نگاه قرآن.. ۱۴۱

عقل از نگاه روایات... ۱۴۱

سازوکارهای تعلیم و تربیت مهدوی... ۱۴۴

۱. شکوفاسازی عقول انسانی.. ۱۴۵

۲. فرهنگ سازی جامع.. ۱۴۶

۳. پالایش ناپاکی های درونی.. ۱۴۶

۴. شکوفایی سرشت انسانی.. ۱۴۷

۵. ترویج و تثبیت ارزش های اخلاقی.. ۱۴۷

۶. کنترل و نظارت فراگیر. ۱۴۷

۷. تقویت باورهای اعتقادی و ایمانی.. ۱۴۸

۸. ایجاد غنای واقعی در بشر. ۱۴۸

۹. به سازی اخلاق کار گزاران.. ۱۴۹

۱۰. حاکمیت اندیشه قرآنی.. ۱۴۹

۱۱. وحدت و الفت انسان ها ۱۵۰

۱۲. فراگیری و همگانی شدن تعلیم و تربیت.... ۱۵۱

خود آزمایی.. ۱۵۳

منابع برای پژوهش.... ۱۵۳

ص: ۱۰

درس نهم

مهدویت و مستشرقان

پیش درآمد.. ۱۵۶

تعاریف متفاوت از واژه شرق.. ۱۵۶

شرق شناسی در فرهنگ لغت... ۱۵۸

تعریف اصطلاحی شرق شناسی.. ۱۵۸

تقسیم بندی مستشرقین (اسلام شناسان غربی).. ۱۵۹

برخی زمینه های ورود مستشرقین به موضوع مهدویت... ۱۶۰

الف) جاذبه فرهنگ و تمدن اسلامی.. ۱۶۰

ب) اهداف استعماری و تبشیری... ۱۶۰

ج) نگاه اندیشمندان به آموزه های اسلامی.. ۱۶۱

د) توجه به نهضت های اصلاح طلبانه اسلامی.. ۱۶۲

ه) نگاه کلان به موضوع منجی و جامعه آرمانی.. ۱۶۲

جنبه های مثبت و منفی در پژوهش مستشرقان.. ۱۶۴

عرصه های مهدویت پژوهی در نزد مستشرقان.. ۱۶۷

خودآزمایی.. ۱۶۸

منابع برای پژوهش... ۱۶۸

درس دهم

زمینه شناسی جریانهای انحرافی در مهدویت



پیش درآمد.. ۱۷۰

۱. عوامل پیدایش جریان های انحرافی.. ۱۷۱

۱-۱. عوامل پدیدآورنده. ۱۷۱

یک. ناآگاهی توده مردم. ۱۷۱

دو. آشفتگی های اجتماعی و اقتصادی... ۱۷۲

سه. زیاده خواهی.. ۱۷۲

چهار. نابسامانی و اعتبار کم برخی متون.. ۱۷۲

پنج. حمایت دشمنان.. ۱۷۳

۱-۲. عوامل استمراربخش.... ۱۷۳

یک. اباحی گری و تکلیف گریزی... ۱۷۳

دو. حمایت برخی خواص..... ۱۷۴

سه. غفلت برخی خواص..... ۱۷۴

چهار. ساختن حکایات... ۱۷۵

۲. ویژگیهای جریان های انحرافی.. ۱۷۵

۲-۱. عقل گریزی و اهتمام افراطی به امور احساسی.. ۱۷۵

۲-۲. در آمیختن حق و باطل.. ۱۷۶

۲-۳. دور کردن مردم از مرجعیت و روحانیت.... ۱۷۶

۲-۴. خرافه پردازی... ۱۷۷

۲-۵. عوامزدگی.. ۱۷۷

۲-۶. خودمرکزی و مریدپروری... ۱۷۸

۲-۷. بهره از سخنان چندپهلو. ۱۷۸

۲-۸. دادن شأن و جایگاه دروغین به هوادارن خود. ۱۷۹

۲-۹. بی ثباتی در باورها و پندارها ۱۷۹

۲-۱۰. پیروی از خواسته های نفسانی.. ۱۷۹

۲-۱۱. سوءاستفاده از آشفتگی های سیاسی و اجتماعی.. ۱۷۹

۲-۱۲. بهره مندی از ویژگی های خاص ظاهری... ۱۸۰

۲-۱۳. ترویج پندارهای ادعایی عجیب و غریب.... ۱۸۰

۳. پی آمدهای جریان های انحرافی.. ۱۸۰

۳-۱. بی ثباتی در باورهای دینی.. ۱۸۰

۳-۲. از بین بردن سرمایه های فکری... ۱۸۱

راهبرد رودررویی با جریان های انحرافی.. ۱۸۱

۱. رفتارهای علمی.. ۱۸۱

۱-۱. بهره گیری از آگاهی های معتبر. ۱۸۱

۱-۲. طراحی سامانه مهندسی فراگیر مهدویت.... ۱۸۲

۱-۳. پافشاری بر خردورزی و پرهیز از خرافات... ۱۸۲

۲. راه های عملی.. ۱۸۳

۲-۱. افشاگری و پدید آوردن حساسیت.... ۱۸۳

۲-۲. جلوگیری از کارهای تبلیغی جریان ها ۱۸۳

خودآزمایی.. ۱۸۴

منابع برای پژوهش.... ۱۸۴

ص: ۱۲

درس یازدهم

رجعت و رجعت کنندگان (کلیات)

پیش درآمد.. ۱۸۶

مفهوم شناسی واژه رجعت.... ۱۸۶

از نگاه لغت.... ۱۸۶

معنای اصطلاحی.. ۱۸۷

چیستی و چگونگی رجعت.... ۱۹۰

جایگاه رجعت در اعتقادات شیعه. ۱۹۱

رجعت از نگاه اهل سنت.... ۱۹۳

آثار تربیتی اعتقاد به رجعت.... ۱۹۵

زمان رجعت.... ۱۹۵

امکان رجعت.... ۱۹۶

گزارش رجعت در امت های پیشین.. ۱۹۷

خودآزمایی.. ۱۹۹

منابع برای پژوهش.... ۱۹۹

درس دوازدهم

رجعت و رجعت کنندگان (در آخر الزمان)

پیش درآمد.. ۲۰۲

رجعت در آخر الزمان.. ۲۰۲

خروج دابه الارض..... ۲۰۲

زنده شدن برخی مردگان.. ۲۰۴

پیمان انبیا بر یاری پیامبر صلی الله علیه و آله. ۲۰۶

دو بار زنده شدن و دو بار مردن.. ۲۰۷

سوگند دشمنان اهل بیت بر زنده نشدن مردگان.. ۲۰۷

رجعت کنندگان.. ۲۰۹

۱. رجعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله. ۲۱۰

۲. رجعت علی علیه السلام. ۲۱۰

۳. امام حسین علیه السلام، اولین رجعت کننده. ۲۱۱

۴. رجعت معصومین علیهم السلام. ۲۱۲

۵. رجعت پیامبران پیشین.. ۲۱۳

۶. زنان رجعت کننده. ۲۱۳

خودآزمایی.. ۲۱۴

منابع برای پژوهش.... ۲۱۴

درس سیزدهم

رجعت، پرسشها و پاسخها

پیش درآمد.. ۲۱۶

۱. رجعت، سبب بازگشت از فعلیت.... ۲۱۶

۲. رجعت، همان تناسخ... ۲۱۹

تفاوت رجعت با تناسخ... ۲۲۱

۳. بازگشت کفار و مجرمین از اعمال بدشان.. ۲۲۱

۴. کیفر در رجعت و ناسازگاری با دنیا ۲۲۲

۵. تعارض رجعت با فلسفه معاد. ۲۲۳

۶. رجعت از عقاید یهودی... ۲۲۴

۷. منافات رجعت با تلقین میت.... ۲۲۵

۸. تکلیف در زمان رجعت.... ۲۲۶

خودآزمایی.. ۲۲۹

منابع برای پژوهش.... ۲۲۹

درس چهاردهم

فرجام حضرت مهدی علیه السلام و زندگی در دنیا

پیش درآمد.. ۲۳۲

طول عمر حضرت مهدی علیه السلام. ۲۳۲

یک. طول عمر از نگاه قرآن کریم.. ۲۳۳

۱. حضرت نوح علیه السلام. ۲۳۳

۲. عیسی بن مریم علیهما السلام. ۲۳۴

۳. حضرت خضر علیه السلام. ۲۳۵

۴. اصحاب کهف.... ۲۳۵

دو. طول عمر از نگاه روایات... ۲۳۵

سه. از نگاه عقل .. ۲۳۵

فرجام زندگی حضرت مهدی علیه السلام. ۲۳۷

یک. شهادت امام مهدی علیه السلام. ۲۳۷

دو. رحلت به مرگ طبیعی .. ۲۳۹

جهان پس از حضرت مهدی علیه السلام. ۲۴۱

یک. دیدگاه پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام. ۲۴۲

دو. دیدگاه اهل سنت .... ۲۴۴

خودآزمایی .. ۲۴۶

منابع برای پژوهش .... ۲۴۶

درس پانزدهم

کتاب شناسی مهدویت (۴)

پیش درآمد .. ۲۴۸

آفتاب ولایت .... ۲۴۹

شبهات و ردود (پاسخ به شبهات احمد الکاتب). ۲۵۱

مهدی عجل الله فرجه، ده انقلاب در یک انقلاب ... ۲۵۳

خط امان .. ۲۵۴

گونه شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان .. ۲۵۶

آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت). ۲۵۸

شناخت امام، یا راه رهایی از مرگ جاهلی .. ۲۵۹



در جستجوی قائم علیه السلام. ۲۶۰

امام مهدی علیه السلام در آینه قلم.. ۲۶۱

منابع و مأخذ.. ۲۶۳

## پیشگفتار

((وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ))؛ و در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد. (انبیاء (۲۱)، آیه ۱۰۵)

حکومت جهانی واحد از دیرباز یکی از آرمان های انسان ها بوده است. اسلام نیز با ارائه فراگیرترین الگو از این حکومت، در آموزه های خود و به ویژه در سخنان معصومان علیه السلام، این نیاز را به شایسته ترین شکل، پاسخ داده است.

با این که آرمان هایی چون عدل جهانی و حکومت جهانی، دیرینه ای به درازای تاریخ دارد؛ اما در سده گذشته به سبب برخی پدیده های ویژه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به ویژه گسترش فن آوری های رسانه ای و ارتباطات آرمان جهانی شدن، فراگیر و تقویت شده و هر چه بیشتر عملی تر به نظر می رسد. در جنبش های اسلامی امروزی نیز، بار دیگر آرمان دیرین جهانی شدن دین و چیره شدن اسلام با توان تمام مطرح شده و مفاهیمی چون دین جهانی، عدل جهانی، حکومت جهانی یا بین الملل اسلامی و مانند آن گسترش یافته است.

آرمان های یادشده در میان مسلمانان و پیروان اهل بیت علیهم السلام به ویژه، در سطح گسترده تر مطرح و تقویت شده و اکنون در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی و برپایی جمهوری اسلامی در ایران، از آن آرمان ها از جمله حکومت واحد جهانی تبلیغ می شود.

بنابراین از موضوعاتی که به ویژه در دوران معاصر نیازمند بررسی های آگاهانه و کارشناسانه بیشتری است، بحث از حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام و مباحث

مربوط به آن است. که بازشناخت ویژگی‌ها و شاخصه‌های این باور بلند، می‌تواند ما را در نشان دادن این اعتقاد سترگ به علاقه‌مندان مشتاق در جهان کنونی، یاری دهد.

اگر چه در گذشته تاریخ این بحث، افراد فراوانی با کوشش و پشتکار بدان پرداخته‌اند، اما همچنان جای سخن و پژوهش در آن فراوان است. چه اینکه بررسی‌های ژرف در سخنان ارزشمند پیشوایان معصوم علیهم السلام، می‌تواند افق‌های روشن‌تری را فراروی مشتاقان و پژوهندگان قرار داده است.

پیش از این نیز یاد شد: اگرچه تلاش‌های شایسته در این گستره، آثار گرانسنگی را به دست داده است، ولی یکی از کاستی‌های این بحث، متنی آموزشی فراگیر برای انسجام بخشی به بررسی‌های موضوعی این مباحث است که جای آن بسی خالی است.

آنچه اینک پیش روی شما خواننده گرامی است، بخش پایانی از مجموعه چهارجلدی "درسنامه مهدویت" با نام "حضرت مهدی علیه السلام و حکومت جهانی" است. در این کتاب، مباحث مربوط به نورانی‌ترین و پرنشاط‌ترین فصل زندگی انسان روی کره خاکی به بحث و بررسی گذاشته شده است. دورانی که همه پیامبران بزرگ خداوند به آن نوید داده‌اند.

با یاری خداوند پیش از این در جلد نخست، با نام "حضرت مهدی علیه السلام از ولادت تا امامت"، به بحث و بررسی مهدویت از آغاز پدیدارشدن، تا شروع امامت حضرت مهدی علیه السلام، و در جلد دوم با نام "حضرت مهدی علیه السلام و دوران غیبت"، به بحث در باره موضوعات مربوط به دوران غیبت حضرت مهدی علیه السلام و در جلد سوم با نام "حضرت مهدی علیه السلام از ظهور تا حکومت جهانی" به بحث‌های مربوط، پرداختم.

اینک در اینجا بر خود بایسته می‌دانم سپاسگزاری خود را از همه اساتید بزرگواری که با راهنمایی‌ها و همراهی خود، این کمترین را یاری دادند، به ویژه از دکتر سید رضی موسوی گیلانی و حجج اسلام و المسلمین حمید سعادت، جواد اسحاقیان، عباس خادمیان، رحیم کارگر، علی مصلحی و محمد رضا نصوری اعلام کرده، از همه گرامیان در بنیاد ارزشمند فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام که از خدمات ماندگار

حجه الاسلام و المسلمین قرائتی و دوستانشان است و نیز مرکز تخصصی مهدویت به ویژه حضرت حجه الاسلام و المسلمین کلباسی قدردانی نمایم که این کتاب را در جهت خدمت به ساحت ارزشمند مهدویت پذیرفته و به شایستگی آن را چاپ و منتشر کردند.

به امید آنکه این تلاش اندک، مورد پذیرش خداوند بزرگ و خشنودی آن پیشوای پنهان قرار گرفته، در جهت شناختن فرهنگ و آموزه های مهدویت فائده بخشد.

و توفیق از خداوند است

خدا مراد سلیمیان



## درس اول: حکومت حضرت مهدی علیه السلام (کلیات)

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

یک. معنانشناسی حکومت حضرت مهدی علیه السلام

دو. بشارت به حکومت حضرت مهدی علیه السلام

سه. حتمی بودن حکومت حضرت مهدی علیه السلام

چهار. مرکز حکومت حضرت مهدی علیه السلام

پنج. مدت حکومت حضرت مهدی علیه السلام

## پیش در آمد

دین اسلام، در کنار پافشاری بر برپایی حکومت به عنوان یک نیاز و بایسته اجتماعی، بیشترین سفارش خود را بر شکل گیری حاکمیت انسان های شایسته بر پایه دین و دین داری، متمرکز کرده است؛ چرا که حاکم نیکوکار است که مردم جامعه را به نیکی ها و رستگاری رهبری و هدایت خواهد کرد.

از آموزه های دینی به روشنی به دست می آید حکومت موعود منجی که در اسلام از آن به نام دولت مهدی موعود علیه السلام یاد شده است، والاترین حکومت روی زمین خواهد بود که در آن همه عناصر بایسته به خوبی در جایگاه خود قرار می گیرند. حکومتی که آرمان بلند همه پیامبران الهی و شایستگان زمین را پدید خواهد آورد.

در این درس که در حقیقت آغازی برای بحث های پیش رو است تلاش می شود تا به برخی مباحث عمومی در باره آن دوران نورانی اشاره شود.

## یک. معنانشاسی حکومت

### از نگاه لغت

حکومت، در لغت، بیشتر از کلمه «حُکْم» به معنی «داوری» آمده است. اما به معانی دیگری نیز مانند: فرمان دادن، امر کردن، فرمانروایی کردن، پادشاهی کردن، نیز به کار رفته است. (۱) و نیز گفته شده: حکم به معنای جلوگیری است. و حُکْم را حُکْم گویند؛ زیرا از ستم و بی داد جلوگیری می کند، همچنان که افسار حیوانات را "حکمه" گویند،

---

۱- رک: محمد معین، فرهنگ معین، واژه حکومت.

چون حیوان را از حرکت و سرکشی باز می‌دارد. دانش را نیز حکمت خوانند؛ چون دارنده خود را از نادانی و رفتار نابخردانه نگه می‌دارد. (۱)

### از نگاه اصطلاح

حکومت، در اصطلاح سیاسی، تعریف‌های گوناگونی دارد. مانند اینکه گفته شده: حکومت یا نظام سیاسی عبارت است از: گروهی از سازمان‌های اجتماعی که برای تأمین روابط طبقات اجتماعی و حفظ انتظام جامعه به وجود می‌آیند. (۲) یا حکومت به معنای کوششی است که برای تحت قاعده مشخص درآوردن و تبیین نحوه پیوند عناصر یک نظام سیاسی خاص صورت می‌گیرد. نظام سیاسی را همچنین مجموعه محسوس نهادها و انگیزه‌هایی می‌دانند که ساخت قدرت را ممکن می‌سازد. (۳) یا اینکه گفته شده، حکومت عبارت است از: فرمانروایی یک شخص و یا یک هیئت حاکمه یا هیئت‌های مختلف، بر جامعه به منظور تنظیم و اصلاح امور اجتماعی و انتظام امر معاش آن جامعه. (۴)

یکی از اساتید معاصر پس از اشاره به این نکته که تعریف‌های گوناگونی از این واژه در کتب علوم سیاسی گفته شده است، در بیان ساده‌ای، حکومت را ارگانی رسمی دانسته که بر رفتارهای اجتماعی افراد جامعه، نظارت داشته، و سعی می‌کند به رفتارهای اجتماعی مردم جهت ببخشد. (۵)

### واژگان حکومت مهدوی

#### اشاره

اگرچه واژگان حکومت در باره چیرگی حضرت مهدی علیه السلام پس از قیام، بر کره زمین، در بحث‌های مربوط بسیار به کار رفته و شناخته شده است، اما بررسی‌های سخنان بزرگان دین، گویای آن است که این واژگان در هیچ متن عربی روایتی آنگاه که به این دوره اشاره می‌شود، به کار نرفته است و اگر برخی مشتقات آن در روایتی به کار رفته، مقصود حکومت نیست، بلکه داوری است. امام باقر علیه السلام فرمود:

۱- احمد بن فارس بن زکریا (د/۳۹۵ق)، معجم مقاییس اللغه، ج ۲، ص ۹۱.

۲- غلامرضا علی بابایی، فرهنگ اصطلاحات و روابط بین الملل، ص ۱۰۰.

۳- همان، ص ۲۴۵.

۴- حیدر علی قلمکاری، حکومت اسلامی، ص ۶.

۵- محمد تقی مصباح یزدی، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، ج ۱.



إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَكَمَ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ لَا يَسْأَلُ بَيْنَهُ؛ (۱) آنگاه که قائم آل محمد به پا خیزد به داوری داود و سلیمان داوری خواهد کرد و بینه ای طلب نمی کند.

اما برخی تعبیرهایی که برای اشاره به دوران حکومت آن حضرت از آن بهره برده شده از این قرارند:

### ۱. مُلْك

"مُلْك" در لغت به معنای چیرگی بر چیزی به گونه‌ای که اختیار آن به دست او باشد. (۲) و مَلِك کسی را گویند که امر و نهی در دست اوست و این ویژگی سیاست انسان‌هاست. (۳) پاره‌ای از روایات از دوران حکومت حضرت با عنوان مُلْك یاد کرده است. که با تعبیرهایی چون "یملک" و "یملکن" که اشاره به حتمی بودن دارد، در روایات آمده است. امام صادق علیه السلام فرمود:

«یملک القائم علیه السلام تسع عشرة سنة و أشهر؛ (۴) قائم نوزده سال و چند ماه پادشاهی خواهد کرد.»

### ۲. خلافت

خلافت در لغت به معنای جانشینی و کسی که پس از دیگری می‌آید را خلیفه گویند. (۵) این جانشینی در باره حضرت مهدی علیه السلام می‌تواند به معنای جانشینی از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و یا از پدران بزرگوار خود امامان معصوم علیهم السلام باشد. برخی روایات از این دوران با واژه خلافت نام برده‌اند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

المهدی من ولدی ... یرضی بخلافته أهل السماء و الطیر فی الجوی یملک

۱- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۹۷؛ ج ۲، ص ۵۰۳؛ نک: محمد بن علی بن حسین بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۱.

۲- حسن مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱۱، ص ۱۶۳.

۳- راغب اصفهانی (د/ نزدیک ۴۲۵ق)، مفردات الفاظ القرآن، ج ۱، ص ۷۷۴.

۴- محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۳۳۱؛ نیز نک: محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۷۴.

۵- حسن مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۳، ص ۱۰۷.

عشرین سنه؛(۱) مهدی ار فرزندان من است... اهل آسمان و پرندگان نیز از خلافت او خرسند خواهند شد و بیست سال پادشاهی خواهد کرد.

### ۳. دولت

دولت در لغت به معنای: گشتن از حالی به حالی، گردش نیک‌بختی و پیروزی از شخصی به دیگری، اقبال،(۲) امری است که از کسی به دیگری می‌رسد.(۳) و نیز به معنای گذر از سختی‌ها و شدت به آرامش و آسایش است.(۴) از تعبیرهایی که کم و بیش در برخی روایات و نیز دعاها در آرزوی حضور در حکومت حضرت نقل شده، "دولت" است. امام باقر علیه السلام فرمود:

«فَإِنَّ لَنَا دَوْلَةً إِذَا شَاءَ اللَّهُ جَاءَ بِهَا؛(۵) پس همانا برای ما دولتی است که آنگاه که خدا بخواهد آن را خواهد آورد.»

«دولت» به معنای فراگیر کلمه عبارت است از جامعه‌ای که در آن قدرت سیاسی بر پایه «قوانین اساسی» تعیین و تشریح شده است. به معنای محدودتر، دولت عبارت است از قدرتی که سرنوشت جامعه را در دست دارد. در مفهوم همگانی، دولت به معنای مجموعه سازمان‌های اجرایی است که توان اداره جامعه به آن واگذار شده است.(۶)

### ۴. سلطنت

سلطنت به معنای پادشاهی و حکومت، یکی دیگر از تعبیرهایی است که برخی روایات برای اشاره به دوران حاکمیت حضرت مهدی علیه السلام به کار رفته است.(۷)

۱- محمد بن جریر بن رستم طبری، دلائل الامامه، ص ۲۳۳؛ نیز نک: علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۶۹.

۲- نک: محمد معین، فرهنگ معین، واژه دولت.

۳- حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۳، ص ۲۸۱.

۴- فخر الدین طریحی (د/۱۰۸۵ق)، مجمع البحرین، ج ۵، ص ۳۷۴.

۵- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۲؛ و نیز آن حضرت فرمود: دولتنا آخر الدول؛ محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۷۳؛ محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۱۹۴.

۶- محمد رضا مرندی، مبانی مشروعیت نظام سیاسی در اسلام، ص ۲۱.

۷- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۱۰.

**۵. ولایت**

اگرچه همه پیشوایان معصوم علیهم السلام دارای ولایت هستند، اما در برخی روایات برای اشاره به دوران حکومت واپسین حجت الهی از تعبیر "ولایت" استفاده شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

لا تذهب الدنيا حتى يلي أمتي رجل من أهل بيتي يقال له المهدي؛ (۱) دنیا به پایان نرسد تا آنکه ولایت امتم را مردی از اهل بیتم بر عهده گیرد که به او مهدی گفته می شود.

**دو. بشارت به حکومت حضرت مهدی علیه السلام**

از آغاز آفرینش انسان‌ها بر زمین، همواره پیامبران بشارت برپایی حکومت شایستگان را داده اند که برخی از آنها در بحث مهدویت در قرآن یاد شد. افزون بر کتاب‌های مقدس و سخنان پیامبران الهی این نوید در سخنان پیشوایان معصوم علیهم السلام نیز به چشم می خورد.

خداوند در آیاتی چند به انسان‌های شایسته وعده داده که حکومت زمین به آن‌ها خواهد رسید:

((وَعِدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسَّيَّرْنَا لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ))؛ (۲)

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین، جانشین [خود] قرار دهد؛ همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین [خود] قرار داد. و آن دینی را که برایشان پسندیده است، به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند، [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند و هر کس پس از آن به کفر گراید؛ آنانند که نافرمانند.

۱- محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۸۲.

۲- نور (۲۴)، آیه ۵۵.

در این آیه، خداوند وعده حکومت روی زمین، برتری دین و آیین و امنیت فراگیر را به مؤمنان و شایستگان داده است. اما در این که منظور از این گروه چه کسانی‌اند، میان مفسران گفت‌وگو است.

برخی آن را اشاره به حکومت مهدی علیه السلام می‌دانند که شرق و غرب گیتی، در زیر پرچم حکومت آن حضرت قرار می‌گیرد، آیین حق همه‌جا نفوذ می‌کند، ناامنی، ترس و جنگ از زمین بر چیده می‌شود و بندگی بدون شرک، برای جهانیان تحقق می‌یابد. (۱)

بی‌گمان آیه، هم مسلمانان نخستین را در بر می‌گیرد و هم دربرگیرنده حکومت حضرت مهدی عجل الله فرجه می‌شود. بر پایه باور همه مسلمانان اعم از شیعه و اهل تسنن آن حضرت سراسر زمین را پر از عدل و قسط می‌کند و او نمونه کامل این آیه است؛ ولی با این حال، منعی از عمومیت و گسترده‌گی مفهوم آن نیست.

گفتنی است ثمره همه کوشش‌های پیامبران و تبلیغات پی‌گیر آنان و نمونه کامل حاکمیت یکتاپرستی و امنیت کامل و عبادت، زمانی پدید می‌آید که حضرت مهدی عجل الله فرجه ظهور می‌کند. (۲)

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت، در پی این آیه فرمود: «درباره قائم عجل الله فرجه و اصحاب ایشان نازل شده است.» (۳)

از آیاتی که به حکومت عدل مهدوی نوید داده این آیه است: ((وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ))؛ (۴) و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرو دست شده بودند، منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم و ایشان را وارث [زمین] کنیم.

این آیه بر پایه فرمایش امام علی علیه السلام، و روایاتی چند از دیگر امامان علیهم السلام، ناظر به پیروزی فرودستان بر فرادستان است و این که سرانجام، جهان از آن

۱- ر.ک: محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۲۱۸.

۲- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۵۳۲، ۵۳۰.

۳- «نزلت فی الْقَائِمِ وَ أَصْحَابِهِ»، شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۷۳؛ نعمانی، الغیبه، ص ۲۴۰، ح ۳۵.

۴- قصص (۲۸)، آیه ۵.

شایستگان خواهد شد.

آیه یاد شده، بیانگر یک قانون فراگیر برای همه عصرها و قرن‌ها است. این، بشارتی در زمینه پیروزی حق بر باطل و ایمان بر کفر است. نمونه کامل تر آن، حکومت پیامبر اسلام و یاران آن حضرت بعد از ظهور اسلام بود. گسترده ترین نمونه آن نیز، ظهور حکومت حق و عدالت در تمام کره زمین به دست حضرت مهدی عجل الله فرجه خواهد بود.

امیر مؤمنان امام علی علیه السلام فرمود: لَتَعْطِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَطْفَ الضَّرُوسِ عَلَيَّ وَلِدَهَا وَ تَلَّا عَقِيبَ ذَلِكَ ((وَنُرِيدُ أَنْ نَمِينَ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَوْا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ))؛ (۱) دنیا، پس از چموشی و سرکشی همچون شتری که از دادن شیر به دوشنده اش خودداری می کند و برای بچه اش نگه می دارد به ما روی می آورد... سپس آیه «و نرید ان نمین...» را تلاوت فرمود.

ابو سعید خدری از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نقل کرده که فرمود:

أَبَشَّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَ زَلْزَالٍ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عِدْلًا وَ قَسِيطًا كَمَا مَلِئْتُ جُورًا وَ ظُلْمًا يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ؛ (۲) شما را مژده می‌دهم به مهدی که هنگام اختلاف مردم و تزلزل زمانه برانگیخته شود و زمین را از عدل و داد پر کند چونان که از ظلم و ستم پر شده باشد و ساکنان آسمان و زمین از وی خشنود باشند.

### سه. حتمی بودن حکومت حضرت مهدی علیه السلام

پیش از این یاد شد که برپایی حکومت عدل جهانی مهدوی از وعده‌های خداوند است و بر پایه آیات روشن قرآن، خداوند در وعده‌های خود هرگز تخلف نخواهد کرد. (۳) از این رو حکومت حضرت مهدی علیه السلام به گونه ای ناگزیر در همین دنیا و پیش از برپایی رستاخیز بزرگ، برپا خواهد شد.

۱- سید رضی، نهج البلاغه، ص ۵۰۶.

۲- محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۷۸.

۳- ان الله لا یخلف المیعاد.

روایات فراوانی در منابع شیعه و اهل سنت، حکومت مهدی موعود را امری دانسته که ناگزیر پیش از برپایی رستاخیز اگر چه یک روز از عمر جهان باقی مانده باشد تحقق خواهد یافت.

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در این باره فرموده است:

لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا... (۱) اگر از دنیا بیش از یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را چنان طولانی خواهد کرد تا اینکه مردی از اهل بیت بر انگیزته شود و زمین را از عدل و قسط آکنده کند؛ آن گونه که پر از ظلم و جور شده باشد.

عبد الله بن مسعود از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل کرده که آن حضرت فرمود:

لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَلِيَ أُمَّتِي رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُقَالُ لَهُ الْمَهْدِيُّ؛ (۲) دنیا به پایان نمی رسد تا آنکه امت مرا شخصی ولایت کند که از اهل بیت من است و مهدی نامیده می شود.

#### چهار. مقر حکومت حضرت مهدی علیه السلام

از روایات به روشنی استفاده می شود مرکز حکومتی حضرت مهدی علیه السلام شهر کوفه است. این شهر در سال ۱۷ ق به دستور عمر بن خطاب و به دست سعد بن ابی وقاص، فرمانده سپاه مسلمانان در جنگ با ایرانیان پی ریزی شد. هدف از بنای این شهر، بنیان گذاری یک پادگان نظامی در نزدیکی ایران، به منظور پشتیبانی نیروهای عمل کننده در داخل ایران بود. (۳) عمر دستور داده بود گنجایش مسجد این شهر، به گونه ای باشد که تمام جمعیت نظامی را در خود جای دهد و مسجدی که بر پایه این دستور ساخته شد، می توانست چهل هزار تن را در خود پذیرا باشد. (۴)

آنچه این شهر را دارای ارزش کرد اینکه امیر مؤمنان علی علیه السلام در سال ۳۶ ق

۱- ابی داود (د/۲۷۵ق)، سنن ابی داود، ح ۴۲۸۲.

۲- محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۸۲.

۳- محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۴۵.

۴- یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۴۹۱.

آن را مرکز خلافت خود برگزید. از آن پس، این شهر در تاریخ پر فراز و نشیب خود، روی دادهای فراوانی را پشت سر گذاشته است.

مردم این شهر در طول تاریخ با وجود دارابودن صفات برجسته و پسندیده، دارای برخی ویژگی های ناشایست و نکوهیده ای نیز بوده اند که در سخنان حضرت علی و امام حسین علیه السلام به خوبی بازتاب داشته است.

شاید سبب اینکه این شهر سرانجام پایتخت حرکت عدل گسترانه حضرت مهدی علیه السلام خواهد شد این است که نخستین شهری بود که با ندای عدالت خواهانه علی علیه السلام سرآغازی بر عدل گستری به مناطق جهان بود و البته نیز شاید وجود دو مسجد سهله و کوفه که دارای شرافتی بس عظیمند در این برپایی نقش دارد.

مفضل از امام صادق علیه السلام پرسید: سرور من! خانه حضرت مهدی علیه السلام و محل گردآمدن مؤمنان کجا خواهد بود؟ آن حضرت فرمود:

دَارُ مُلْكِهِ الْكُوفَةُ وَمَجْلِسُ حُكْمِهِ جَامِعُهَا وَيَتُّ مَالِهِ وَمَقَسَمُ غَنَائِمِ الْمُسْلِمِينَ مَسْجِدُ السَّهْلَةِ وَمَوْضِعُ خَلَوَاتِهِ الذِّكْوَاتُ الْبَيْضُ مِنَ الْغَرِيِّينَ؛ (۱) مقر حکومتش، کوفه و مجلس حکم فرمایی اش مسجد جامع آن و بیت المال و محل تقسیم غنائم مسلمانان، مسجد سهله خواهد بود و خلوتگاه او موضعی است که ریگ های سفید سر زمین نجف است.

روزی امام صادق علیه السلام در نقطه ای پشت کوفه دو رکعت نماز گزارد و به یار با وفایش ابان بن تغلب فرمود: «... وَ مَوْضِعُ مَنْزِلِ الْقَائِمِ؛ (۲) اینجا محل خانه قائم علیه السلام است.»

از امام باقر علیه السلام پرسیدند: «پس از مکه و مدینه، کدامین بقعه از بقاع پروردگار برتر است؟» فرمود: «کوفه». (۳) سپس در کنار شمارش ویژگی های کوفه فرمود: عدالت خداوند آن جا آشکار می شود، و قائم علیه السلام و دیگر قائمان قیام کنندگان به قسط که پس از او می آیند آن جا ساکن می شوند.

۱- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱.

۲- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۴، ص ۵۷۱، ح ۲.

۳- شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۳۱، ح ۱.

افزون بر روایات یادشده که شهر زندگی آن حضرت را کوفه ذکر کرده به گونه مشخص به منزلگاه آن حضرت نیز اشاره شده است. از روایات، به طور عمده مسجد سهله را منزل آن حضرت معرفی کرده اند. امیر مؤمنان، علی علیه السلام هنگام ترسیم خط سیر حضرت ولی عصر علیه السلام در آستانه ظهور، فرمود: گویی او را با چشم خود می بینم که از وادی السلام عبور کرده، بر فراز اسبی که سپیدی پاها و پیشانی اش همی درخشد، به سوی مسجد سهله در حرکت است و زیر لب زمزمه دارد و خدا را این گونه می خواند: لا اله الا الله حقاً حقاً. (۱)

امام صادق علیه السلام خطاب به یار با وفایش ابوبصیر فرمود: «ای ابا محمد! گویی فرود آمدن قائم علیه السلام را با اهل و عیالش در مسجد سهله، با چشم خود می بینم.» ابوبصیر عرض کرد: «آیا محل اقامت دائمی آن حضرت، در مسجد سهله خواهد بود؟» حضرت فرمود: «آری.» (۲)

### پنج. مدت حکومت حضرت مهدی علیه السلام

به دلیل هایی که بر ما پوشیده است گویا بنا بر این بوده که مدت دقیق حکومت حضرت مهدی علیه السلام مانند برخی موضوعات دیگر مربوط به آن حضرت به روشنی بیان نشود. روایاتی که از معصومان علیهم السلام اعم از روایات شیعه و اهل سنت در دست است، دیدگاه های گوناگونی را در این باره، نقل کرده اند. اگر چه با یک بررسی ژرف می توان دیدگاه های پرشماری ارائه کرد. (۳) اما به طور عمده روایات به سه دیدگاه فراگیر قابل تقسیم است:

یک. روایاتی که مدت حکومت حضرت را هفت سال و نزدیک هفت سال، ذکر کرده اند. این دیدگاه، به ویژه در روایات اهل سنت (۴) بسیار به چشم می خورد و در برخی از منابع روایی شیعی نیز با سند راویان اهل سنت بدان اشاره شده است. علامه مجلسی در

۱- طبری، دلائل الامامه، ص ۲۴۳.

۲- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۴۳۵، ح ۳.

۳- البته برخی از این دیدگاه ها، مستند روایی محکمی ندارد.

۴- احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۳، ص ۲۸.



بحار الانوار از ابوسعید خُدَری نقل کرده که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

الْمَهْدِيُّ مِنْى أَجَلَى الْجَبْهَةِ أَقْنَى الْأَنْفِ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِثَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا يَمْلِكُ سَبْعَ سِنِينَ؛ (۱) مهدی با پیشانی بلند و بینی کشیده از من است. زمین را از قسط و عدل سرشار می سازد آن گونه که از بیداد و ستم آکنده شده باشد. هفت سال حکومت می کند.

آن گاه پس از اشاره به حَسَن بودن روایت می نویسد: این روایت را حافظ أبوداؤد سَجِسْتَانی در صحیح خود و غیر او از راویان بزرگ حدیث همچون طبرانی و دیگران نقل کرده اند.

جالب توجه این که بیشتر روایاتی که مدت حکومت حضرت را هفت سال ذکر کرده اند به روایت ابوسعید خُدَری بر می گردد.

البته در برخی روایات میان هفت و هشت و نه سال تردید شده است. (۲) این نامعین بودن به دو گونه است:

۱. به دلایلی در کلام معصوم علیه السلام به صورت نامعین ذکر شده است.

۲. در کلام معصوم علیه السلام معین شده و تردید از راوی است.

یک بررسی کوتاه

برخی از این که مدت حکومت در روایات یادشده هفت سال ذکر شده به شگفت آمده، در پی توجیه آن برآمده اند. به ویژه که در برخی روایات نیز بدان اشاره شده است. و آن این که شیخ طوسی روایتی نقل کرده از فَضْل از عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ الْحَضْرَمِيِّ از عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرِو الْحَنْعَمِيِّ که گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «چه مدت قائم علیه السلام حکومت خواهد کرد؟» فرمود: «هفت سال. که به سال های شما هفتاد سال می شود.» (۳)

البته سخنان فراوانی در توجیه این روایت که پایه روایاتی از این دست است به

۱- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۹۰.

۲- ابن ابی شیبیه، المصنف، ج ۱۵، ح ۱۹۴۸۴.

۳- «كَمْ يَمْلِكُ الْقَائِمُ؟ قَالَ: سَبْعَ سِنِينَ يَكُونُ سَبْعِينَ سَنَةً مِنْ سِنِيكُمْ هَذِهِ»؛ (شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۷۴).

میان آوردند که برخی شگفت آورتر از خود روایت است.

در مراجعه به منابع به دست می آید که در سند روایت عبد الله بن القاسم الحضرمی (۱) و عبد الکریم بن عمرو الخثعمی، (۲) به شدت تضعیف شده اند؛ و البته نیز چنین دگرگونی در روال عادی جریان زندگی لزومی ندارد. (۳) چرا که نظام امروزی آفرینش، نظام احسن است و لزومی ندارد به گونه ای که گفته شده، دگرگون شود.

دو. روایاتی که مدت حکومت حضرت را نوزده سال گفته اند. امام صادق علیه السلام فرمود: « حکومت قائم، نوزده سال و چند ماه خواهد بود. (۴)»

سه. روایاتی که مدت حکومت حضرت را چهل سال دانسته اند. (۵)

افزون بر موارد یادشده، مدت های دیگری نیز ذکر شده که به خاطر برخی ایرادهای وارد شده به آن روایات، از نقل آنها چشم پوشی شد.

برخی این ناهمگونی ها را اشاره به مراحل و دوران های حکومت آن حضرت می دانند؛ (۶) ولی به هر حال، داوری نهایی درباره مدت حکومت آن حضرت به سبب نبود اخبار و منابع کافی امکان پذیر نیست. ولی با این حال می توان چنین نتیجه گرفت: قطع نظر از روایات اسلامی، مسلم است که این همه آوازه ها و مقدمات برای یک دوران کوتاه مدت نیست؛ بلکه قطعاً برای مدتی است طولانی که ارزش این همه تحمل زحمت و کوشش را داشته باشد. (۷)

در پایان یاد این نکته بایسته است که فلسفه قیام و حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام همانند فلسفه بعثت انبیا و پیامبران خداوند است. هدف از برانگیخته شدن

- ۱- نجاشی، رجال، ص ۲۲۶؛ نیز ر.ک: علامه حلی، خلاصه الاقوال، ص ۳۷۰، سید ابوالقاسم خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۱، ص ۳۰۴؛ شیخ طوسی، رجال الطوسی، ص ۳۴۱؛ علامه حلی، ایضاح الاشتباه، ص ۲۴۱؛ ابن غضایری، رجال، ج ۴، ص ۴۷.
- ۲- شیخ طوسی، رجال الطوسی، ص ۳۳۹؛ سید ابوالقاسم خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۱، ص ۷۱.
- ۳- مگر برای اثبات ادعای پیامبری که با شرایط اعجاز در محل خود بحث شده است.
- ۴- ابن ابی زینب نعمانی، الغیبه، ص ۳۳۱.
- ۵- ر.ک: طبری، دلائل الامامه، ص ۲۵۸.
- ۶- ناصر مکارم شیرازی، حکومت جهانی مهدی (عج)، ص ۳۱۴.
- ۷- ناصر مکارم شیرازی، حکومت جهانی مهدی (عج)، ص ۳۱۴.

پیام آوران الهی، رساندن دستوره‌های خداوند و روشن کردن چراغ فروزان هدایت بر سر راه کاروان بشریت است. طولانی یا کوتاه بودن مدت ابلاغ رسالت، به اصل آن آسیب نمی‌رساند. دوران پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، بیست و سه سال بود؛ ولی واپسین پیام الهی را رساند و این چراغ هدایت را بر افروخت. از سوی دیگر، می‌توان به مدت پیامبری حضرت نوح علیه السلام اشاره کرد که بر خلاف مدت طولانی آن، به سبب پدید نیامدن شرایط بایسته، بهره چشم‌گیری به بار نیاورد.

دوران امامت و حکومت حضرت مهدی علیه السلام نیز چنین است. مقصود اصلی رساندن پیام الهی و تحقق بخشیدن به حکومت جهانی خداوند و حاکمیت مستضعفان است؛ هر چند در مقایسه با کل تاریخ، سالیانی اندک باشد. افزون بر آن اینکه، شیعه با اعتقاد به رجعت، بهترین پاسخ را به محدود بودن مدت حکومت مهدی علیه السلام داده است. (۱) ضمن اینکه این مدت از نگاه چگونگی بهره‌مندی انسان‌ها از همه نعمت‌های مادی و معنوی خداوند با همه تاریخ زندگی انسان بر زمین بهره‌مندی برابری خواهد کرد؛ بلکه افزون‌تر خواهد بود.

---

۱- ر.ک: نگارنده، بازگشت به دنیا در پایان تاریخ (تحلیل و بررسی مسئله رجعت).

## خودآزمایی

۱. حکومت از نظر لغت و اصطلاح به چه معناست؟ و چرا برپایی آن یک ضرورت است؟
۲. در باره حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام از چه واژگانی استفاده شده است؟ هر کدام را به اختصار بیان کنید.
۳. در باره حتمی بودن حکومت حضرت مهدی علیه السلام به استناد یک روایت توضیح دهید.
۴. مقر حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام کجاست؟ و دلیل این گزینش کدام است؟
۵. چه دیدگاه هایی برای مدت حکومت حضرت مهدی علیه السلام مطرح شده است؟ آنها را توضیح دهید.

===

## منابع برای پژوهش

۱. طبسی، نجم الدین، چشم اندازی به حکومت مهدی عجل الله فرجه، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۰ش.
۲. مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی عجل الله فرجه، قم، مدرسه امام علی علیه السلام، ۱۳۸۰ش.
۳. خراسانی، محمد جواد، مهدی منتظر، تحقیق و تعلیق: سید جواد میرشفیعی خوانساری، قم، نور الاصفیاء، ۱۳۷۹ش.
۴. صدر، سید محمد، تاریخ پس از ظهور، ترجمه حسن سجادی پور، چاپ اول، تهران، موعود عصر، ۱۳۸۴ش.
۵. کورانی، علی، عصر ظهور، ترجمه عباس جلالی، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸ش.



## درس دوم: گستره حکومت حضرت مهدی علیه السلام

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

ادله جهانی بودن حکومت مهدی علیه السلام

۱. در آیات قرآن

۲. در روایات معصومان علیهم السلام

نسبت جهانی شدن و حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام

تعاریفی از جهانی شدن

حکومت واحد جهانی حضرت مهدی علیه السلام

امتیازات حکومت جهانی مهدوی بر جهانی شدن

## پیش درآمد

اندیشه زندگی در یک نظام فراگیر جهانی، آرمانی است که ریشه در ندای فطری و درونی انسان‌ها دارد و از دیرباز ذهن بشر را به خود درگیر کرده است. نزدیک به همه مکتب‌های پرآوازه‌ای که در درازای تاریخ پدید آمده اند چه الهی و چه غیر الهی به نسبت به برپایی یک حکومت یگانه جهانی توجه و باور داشته اند. اسلام نیز، در پاسخ به این نیاز درونی و همگانی، در رسیدن جامعه بشری به بهترین روش سامان دهی زندگی برای رشد و تکامل، یگانه راه را در برپایی یک حکومت جهانی بر پایه آموزه‌های اسلام دانسته است.

بی‌گمان در پرتو این حکومت واحد جهانی، انسان‌های کره خاکی، روزگاری را سپری خواهند کرد، با ویژگی‌هایی که هرگز پیش از آن مانند آن را نگذرانده اند. این دوران ویژگی‌هایی دارد که پاسخی به آرزوی همه پیامبران و شایستگان طول تاریخ است. جهانی بودن حکومت شایستگان، یکی از این ویژگی‌های مهم در این دوران است؛ که در پرتو تلاش‌های خستگی ناپذیر رهبر و انسان‌های شایسته این دوران، به زندگی انسان‌ها، پیشکش می‌شود.

اصلی‌ترین پدیده در دگرگونی پایان تاریخ مهدوی، تشکیل حکومت واحد جهانی در سراسر گیتی است و به ناگزیر همه هدف‌های این حرکت الهی چونان: رفاه، امنیت، عدالت و یکتاپرستی، فقط زیر پرچم این حاکمیت و سیطره در گستره همه زمین شدنی است.

البته جهانی بودن حکومت حضرت مهدی علیه السلام فقط به این معنا نیست که گستره حکومت آن حضرت همه کره زمین را در بر می گیرد و از برخی روایات به دست می آید، آن موعود نجات بخش، در دوران خود بر همه هستی پیشوایی خواهد کرد؛ به گونه ای که بر پایه برخی روایات همه اهل آسمان ها و زمین از حکومت او خشنود خواهند شد. که البته اهل آسمان ها می تواند اشاره کنایه ای به خداوند، ارواح انبیا، فرشتگان و یا انسان هایی باشد که در آن زمان در کرات دیگر زندگی می کنند.

ابو سعید خدری از پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم نقل کرده که فرمود:

أُبَشِّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَزَلْزَالٍ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَيْدًا وَقَسِيظًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ؛ (۱) شما را مژده می دهم به مهدی که هنگام اختلاف مردم و تزلزل زمانه برانگیخته شود و زمین را از عدل و داد پر کند چونان که از ظلم و ستم پر شده باشد و ساکنان آسمان و زمین از وی خشنود باشند.

ولی در اینجا ناگزیر سخن ما در باره قلمرو حکومت آن حضرت به کره زمین، بیشتر نخواهد بود.

## ادله جهانی بودن حکومت مهدی علیه السلام

### اشاره

مهم ترین دلیل های جهانی بودن حکومت حضرت مهدی علیه السلام بدین قرارند:

### ۱. در آیات قرآن

در برخی آیات قرآن، به جهانی بودن اسلام و اختصاص نداشتن آن به قوم یا منطقه خاصی، اشاره شده و آن از بایسته های این دین الهی دانسته شده است و حتی کسانی که ایمان به آن ندارند، می دانند که فراخوانی اسلام، همگانی بوده و به منطقه جغرافیایی ویژه ای محدود نبوده است.

بی تردید هرگز نمی توان ادعا کرد تا کنون چنین پیش بینی و وعده ای تحقق یافته است و از آنجا که وعده خداوند تخلف ناپذیر است در آینده و پیش از برپایی رستاخیز می بایست تحقق یابد.



از آیه هایی که به حکومت حضرت مهدی علیه السلام تفسیر شده، آیه ارسال است. در این آیه می خوانیم:

((هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ))؛ (۱) او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست فرستاد، تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند؛ هر چند مشرکان خوش نداشته باشند.

آیه یادشده، با همین واژگان در سوره «صف»، و با تفاوت اندکی در «سوره فتح» آمده است، به سبب ارزش خبر از رویداد که می دهد، تکرار شده است و آن جهانی شدن اسلام و فراگیری این آیین بر روی زمین است.

اگرچه کسی ادعا نمی کند که این نوید تحقق یافته است؛ ولی این وعده حتمی خداوند آهسته آهسته در حال پدید آمدن است. بر پایه روایات، تکامل این برنامه، هنگامی خواهد بود که حضرت مهدی عجل الله فرجه ظهور کند و برنامه جهانی شدن اسلام را پدید آورد. شیخ صدوق، از امام صادق علیه السلام، در تفسیر این آیه نقل کرده است:

به خدا سوگند! هنوز تأویل این آیه نازل نشده و نخواهد شد، تا آن که قائم عجل الله فرجه به پا خیزد کند. آنگاه که او به پا خاست، دیگر هیچ کافر به خدا و منکر امامی نمی ماند؛ مگر این که از خروج آن حضرت ناراحت می شود... (۲).

در تفسیر قمی آمده است: این آیه درباره قائم آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم نازل شده و این که در باره آن حضرت نازل شده، بدین معنا است که خروج او تأویل این آیه است. از روایت صدوق هم این برداشت استفاده می شد.

بنابراین به اتفاق همه مسلمانان، اسلام دینی است که در واپسین حلقه از زنجیره طولانی نبوت آشکار شده و از هر سو کامل ترین و جامع ترین دین ها است و تا روز رستاخیز نیز بشریت را از هر سوی کفایت می کند.

۱- توبه (۹)، آیه ۳۳.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۰.

از دیگر آیات در این زمینه می توان اشاره کرد به:

((إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ))؛<sup>(۱)</sup> در حقیقت، دین نزد خداوند همان اسلام است.

((وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ))؛<sup>(۲)</sup> و هر که جز اسلام، دینی [دیگر] جوید، هرگز از وی پذیرفته نشود.

((وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ))؛<sup>(۳)</sup> و در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.

که از همه این آیات به دست می آید که مسلمانان، به حقایق، فراگیری، جهان شمولی و سرانجام جهان گستری، پیروزی و چیرگی پایانی آن دست خواهند یافت.

افزون بر این آیات، گواهان تاریخی فراوانی هست که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم به این جهانی بودن پافشاری کرده اند چونان نامه هایی که به سران کشورهای بزرگ جهان مانند قیصر روم و پادشاه ایران و فرمانروایان مصر و حبشه و شامات و نیز به رؤسای قبایل گوناگون عرب و... فرستاد و همگان را به پذیرفتن این دین مقدس فراخواند. و از پیامدهای وخیم کفر و روی گردانی از اسلام، بر حذر داشتند. اگر دین اسلام، جهانی نبود چنین دعوت همگانی انجام نمی گرفت و دیگر اقوام و امت ها هم برای پذیرفتن، عذری می داشتند.<sup>(۴)</sup>

البته افزون بر آیات یاد شده آیات دیگری نیز دلالت بر جهانشمولی دعوت اسلام دارد.<sup>(۵)</sup>

## ۲. در روایات معصومان علیهم السلام

چیرگی اسلام بر همه ادیان و مکاتب و تسلط بر ستمگران و فرمانروایان غیر الهی و

۱- آل عمران (۳)، آیه ۱۹.

۲- آل عمران (۳)، آیه ۸۵.

۳- انبیاء (۲۱)، آیه ۱۰۵.

۴- محمد تقی مصباح یزدی، آموزش عقاید، ج ۲، ص ۱۱۶ (با تصرف).

۵- ر.ک: سوره مدثر (۷۴)، آیه ۳۶؛ فرقان (۲۵)، آیه ۱.

پدید آمدن حکومت جهانی، لازمه باور به مهدویت و ظهور منجی داد گستر است.

از نگاه شیعیان، تاریخ اسلام پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم با کنار گذاشتن امیر مؤمنان، علی بن ابی طالب و فرزندان معصوم او علیهم السلام، در حوزه سیاست و حکومت به کژی گرایید و پیامدهای ناگوار پرشماری نیز در پی داشت که یکی از آن ها دور شدن جامعه از رهبری معنوی و آسمانی است؛ چرا که امام علی علیه السلام و پس از او دیگر پیشوایان دوازدهگانه، پیشوایان دینی سیاسی بر حق و دارای حق خلافت و امامت انحصاری اند. دیگران هر کس باشد غاصب حق معصومند و از این رو جائز و باطلند. این انحراف و کژی همچنان ادامه پیدا کرده است.

از آن جا که شیعیان دوازده امامی در عصر حضور پیشوایان معصوم، به سبب تنگناهایی که ستمگران فراهم کردند، هرگز موفق به برپایی دولت اسلامی نشدند، چشم به راهند تا واپسین بازمانده از امامان معصوم علیهم السلام که از سال ۳۲۹ ق غیبت کبرا برای او آغاز شده است، آشکار شود و تاریخ اسلام و در فرجام، انسان را با برطرف کردن موانع، به راه الهی اش باز گرداند. در آن عصر، اسلام، سربلند، پیروز و همگانی می شود و مسلمانان، توانمند و بر جهان چیره می گردند. بر پایه این تفسیر، برپایی حکومت واحد جهانی ناگزیر خواهد بود.

با توجه به آنچه اشاره شد به روشنی می توان گفت حکومت حضرت مهدی عجل الله فرجه، در جایگاه بزرگ ترین آرمان فرودستان، دارای ویژگی های مهمی است. که از آنها، جهانی بودن آن است. بدین گونه که پس از پیروزی حضرت مهدی علیه السلام و نابودی کفر و باطل، آن حضرت بر خاور و باختر گیتی سلطنت و برتری خواهد یافت؛ این چیرگی و برتری در آمدی است برای برپایی حکومت جهانی آن حضرت. که در آن هیچ آبادی ای در زمین نمی ماند؛ مگر اینکه گلبانگ شهادت به یگانگی خداوند از آن بر می خیزد و سراسر گیتی از عدل و داد آکنده می گردد. و به دست آن حضرت، آرمان والای برپایی جامعه بزرگ بشری و خانواده انسانی پدیدار می شود و امید دیرینه همه پیامبران، امامان و شایستگان بر آورده می شود.

هشتمین پیشوای شیعیان امام رضا علیه السلام از پدراننش از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نقل کرده است: خداوند در شب معراج در بخشی از بیانی طولانی فرمود:

... وَلَاطَهَرَنَّ الْأَرْضَ بِآخِرِهِمْ مِنْ أَعْدَائِي وَلَأَمْلِكَنَّه [وَلَأَمْكِنَنَّه] مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا...؛ (۱)... و به درستی زمین را به دست واپسین آنان (ائمه معصومین علیهم السلام) از دشمنانم پاک خواهم ساخت، تمام گستره زمین را در فرمانروایی او قرار خواهم داد....

در دوران رهبری امام مهدی عجل الله فرجه، با برقرای مدیریت و حاکمیت یگانه برای همه گروه ها، نژادها و سرزمین ها، یکی از عوامل اصلی رودرویی و جنگ و ستم از میان می رود. (۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در این باره می فرماید:

الْأَيُّمَةُ مِنْ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَوْلَهُمْ أَنْتَ يَا عَلِيُّ وَآخِرُهُمُ الْقَائِمُ الَّذِي يَفْتَحُ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرَهُ عَلَيَّ يَدِيهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا؛ (۳): پیشوایان پس از من دوازده نفرند؛ نخستین آنان تو هستی ای علی و واپسین آنان قائم است؛ همو که خداوند بر دستانش باختران و خاوران زمین را به زیر خواهد آورد.

امام صادق علیه السلام نیز در این باره فرمود:

ثُمَّ يُظْهِرُهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فَيَفْتَحُ اللَّهُ عَلَيَّ يَدِيهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا؛ (۴) سپس خدای عز و جل او را آشکار سازد و خاوران و باختران زمین را به دست او بگشاید و....

شیعه در این دیدگاه بر این باور است که با «برپایی حکومت جهانی»، اسلام به عنوان یگانه دین حق و کامل و دارای شریعت فراگیر، پذیرفته همگان خواهد شد. در آن زمان ستم گران و زورگویان از بلندای قدرت به زیر کشیده می شوند. پس از آن حکومت جهانی اسلام با پیشوایی و رهبری امام معصوم و دادگر برپا شده و عدالت بر پایه یکتاپرستی و اخلاق در گستره ای جهانی اجرا می گردد.

۱- شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۶۲، ح ۲۲؛ همو، علل الشرایع، ج ۱، ص ۵، ح ۱. همچنین ر.ک: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۳۲، ح ۹۱.

۲- محمد حکیمی، عصر زندگی، ص ۱۶۲.

۳- شیخ صدوق، أمالی، ص ۹۷، ح ۹؛ فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ص ۱۰۲؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۹۸.

۴- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۱۵، ح ۳۱.

افزون بر آیات و روایات، توجه به این نکته نیز جهانی بودن حکومت حضرت مهدی علیه السلام را روشن می کند و آن اینکه در آموزه های اسلامی به ویژه سخنان پیشوایان معصوم علیهم السلام، از ویژگی ها، اختیارات و کارهایی یاد شده است که آن ها جز با برپایی حکومت واحد جهانی پدید نخواهند آمد؛ مانند اینکه گفته شده است: حضرت مهدی علیه السلام ستم و جور را برای همیشه برمی اندازد و عدالت و دین حق را در گستره جهان گسترش می دهد. امام باقر علیه السلام در این باره فرمود:

قائم ما، با درانداختن بیم و هراس در دل ستم گران یاری می شود، با پشتیبانی و حمایت از سوی خداوند تأیید می شود. زمین برای او هموار و راهوار می شود، گنج ها برای او آشکار و نمایان می شود. حکومت او خاور و باختر زمین را فرا می گیرد. خداوند به دست او دین خود را بر همه دین ها چیرگی می بخشد؛ هر چند مشرکان را ناخوشایند باشد. [در عصر ظهور] در زمین خرابی و هیچ ویرانی ای نمی ماند، مگر آن که آباد می شود. عیسی بن مریم علیهما السلام فرود آید و پشت سر او نماز گزارد. (۱)

بر این پایه، حکومت جهانی واحد از دیرباز به عنوان یکی از باورهای مسلم شیعی و یکی از نیازهای بشر مطرح بوده است. اکنون نیز شیعیان امامی در انتظار روزی هستند که چنین حکومتی، با ظهور منجی موعود برپا شود و تاریخ بشر در مسیر حق قرار گیرد و بشریت از برکات آن بهره مند شوند.

### نسبت جهانی شدن و حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام

در اسلام، به ویژه در مکتب پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام، توجه به آینده و برپایی حکومت واحد جهانی بر پایه داد و دادگری به رهبری انسانی معصوم، جایگاه ویژه ای دارد. در این رابطه، سخنان بسیاری از رسول گرامی صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام بیان شده است. تا بشر به آرزوی دیرینه خود برسد و زندگی سعادت مند و دور از هر ستم و ستم گری را ببیند.

امروزه، برخی به این نتیجه رسیده اند که خوش بختی و زندگی دور از هر نگرانی، فقط در صورتی است که همه چیز جهانی باشد و با یک حکومت واحد جهانی اداره

شود؛ از این رو همه تلاش و کوشش خود را بر این گذاشته اند که همه چیز را جهانی سازند: اقتصاد جهانی؛ تجارت جهانی؛ فرهنگ جهانی؛ سیاست جهانی؛ دهکده جهانی.

آنها یگانه نسخه برای درمان دردهای بشریت را تن دادن به این جهانی شدن می دانند و بر این پندارند این جهانی شدن، امری ناگزیر و شدنی و یا در حال شدن است پس باید همه خود را با آن هماهنگ کنند. این پدیده، روندی از دگرگونی را به نمایش می گذارد که از مرزهای سیاست و اقتصاد فراتر می رود و دانش، فرهنگ و شیوه زندگی را نیز در بر می گیرد.

بنابراین یگانه نسبت جهانی شدن غربی با جهانی سازی مهدوی در گستره جغرافیایی آن است که در هر دو، قلمرو این جهانی شدن سراسر کره زمین دانسته شده است. و گرنه در مباحثی چون قانون، رهبر و مردم شباهتی به یکدیگر ندارند.

### حکومت واحد جهانی حضرت مهدی علیه السلام

حکومت واحد جهانی امام مهدی علیه السلام به راستی، پاسخی است به نیاز بایسته پیش گفته بشر برای زیست در حکومتی دادگرانه. شیعیان، برپایه آیات قرآن و سخنان بزرگان دین بر این باورند که آینده روشنی برای زندگی انسان در حال شکلگیری است. اینان پیش بینی می کنند در آینده ای نه چندان دور به این آرمان بزرگ دست خواهند یافت و این حقیقت را در امید به زندگی بهتر و در چارچوب انتظار فرج هر روز مشق می کنند.

با درنگ در آموزه های اسلام، روشن می شود که هدف دین زیر یک پرچم آوردن ملت ها و برداشتن دیوار خودبزرگ بینی و تفاوت های خودساخته و برپایی یگانگی، همکاری و پیوندی است که ریشه و پایه آن، کلمه توحید و ایمان و عقیده به آن است.

آموزه های اسلامی در پی آنند تا همه اختلاف ها و جدایی ها را که به نام های گوناگون پدید آمده، با باور یگانه پرستانه از میان ببرد. اختلافات نژادی، طبقاتی، ملی، وطنی، جغرافیایی، مسلکی، حزبی، زبانی، همه باید از میان برود و سبب امتیاز و افتخار نباشد، حتی باید اختلافات دینی هم، کنار گذاشته شود و همه باید تسلیم فرمان خدا باشند که فرمود: ((قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ

وَلَا تُشْرِكْ بِهِ شَيْئًا...))؛ (۱) بگو: ای اهل کتاب، بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که: جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم.

اسلام، برای بشر، رسیدن به چنین روزی را پیش بینی کرده و تا اندازه ای مقدمات آن را نیز فراهم ساخته و عملی شدن آن را موکول به آماده شدن همه زمینه ها دانسته است.

آیه یادشده یک ندای وحدت است در برابر تمام مذاهب آسمانی. به مسیحیان می گوید: شما مدعی "توحید" هستید و حتی می گوئید مساله "تثلیث" (اعتقاد به خدایان سه گانه) منافاتی با "توحید" ندارد و لذا قایل به وحدت در تثلیث می باشید. و همچنین یهود در عین سخنان شرک آمیز "عزیر" را فرزند خدا پنداشتند، مدعی توحید بوده و هستند. قرآن به همه آنها اعلام می کند:

ما و شما در اصل توحید مشترکیم؛ بیایید دست به دست هم داده این اصل مشترک را بدون هیچ پیرایه ای زنده کنیم و از تفسیرهای نابجا که نتیجه آن شرک و دوری از توحید خالص است خودداری نماییم. (۲)

همانگونه که پیش تر نیز اشاره شد، جریان چگونگی های جهانی و پیشرفت های شگرف در امور علمی و فن آوری سبب شده تا یک نوع فشردگی در زمان و مکان پدید آید و این خود سبب شده تا انسان ها در کنار آن که از جهت ارتباط به یکدیگر نزدیک شده اند، ولی به جهت احساسات انسانی از هم دیگر دور شده اند.

از این رو امروز بایستگی یگانگی حقیقی، همدلی، همفکری و همکاری صمیمانه روحانی و برادرانه بیش از هر زمان دیگر احساس می شود. و هر چه جلوتر برویم، این نیاز را بیش تر احساس می کنیم؛ یعنی، آن دهکده جهانی که دانشمندان غربی در سده بیستم احتمال آن را داده اند، اسلام، در هزار و چهارصد سال پیش، با پافشاری فراوان، خبر داده و حتی چگونگی پدید آمدن آن و شکل گیری حکومت در آن نظام یگانه جهانی و رهبری آن نظام را به گونه روشن و آشکارا، تبیین کرده است.

۱- آل عمران (۳)، آیه ۶۴.

۲- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۵۹۵.

## مقایسه و تمایز

البته هرگز نمی توان حکومت واحد جهانی حضرت مهدی علیه السلام را با جهانی شدن غربی مقایسه کرد؛ هر چند اگر جهانی شدن به صورت طبیعی خود به پیش برود، می تواند زمینه ساز آن حکومت جهانی موعود باشد، ولی همین که صاحب نظران دنیا، در اصل برپایی حکومت واحد جهانی، با اسلام و مکتب شیعه هم‌نوا شده اند، خود، امری ارزش مند است؛ زیرا، تا دیروز، برپایی حکومت واحد جهانی زیر نگاه امام معصوم، برای دنیا پذیرفتنی نبود و آن را چیز شگفت آور و باورنکردنی می پنداشتند، ولی امروزه، خود، آن را امری گریز ناپذیر می دانند. بنابراین، جهان، رفته رفته، خود را برای پذیرش حکومت واحد جهانی آماده می سازد، زمینه فکری بشر برای اجرای این طرح آماده می شود. اگر تا دیروز، حکومت واحد جهانی، فقط یک باور اسلامی شیعی بود، امروز، آنان هستند که انسان ها را به پذیرش و اجرای این طرح که امری بایسته و حیاتی است، فرامی خوانند.

به هر حال، جهانی شدن، فقط در همین اندازه از انطباق کلی با حکومت واحد جهانی حضرت مهدی علیه السلام است و گر نه کسی نمی تواند جهانی شدن را هماهنگ با حکومت حضرت مهدی علیه السلام بداند. حکومتی را که اسلام نوید داده است، دارای ویژگی هایی است که به طور اساسی در فکر محدود بشر نمی گنجد تا طرح آن را بدهد. بر فرض که حکومت پیشنهادی بشر، روزی در دنیا پیاده شود، به یقین، همانند سایر سازمان های بین المللی، وسیله ای برای چیرگی توانمندان بر ناتوان ها و گسترش ستم مدرن در زمین، و سرانجام، سبب زحمت و گرفتن آزادی و آسایش مردم خواهد بود؛ و بر این پایه، ایمان به خداوند و باور به روز رستاخیز و اعتقاد راستین افراد به حقوق و آزادی های دیگران، پدید نمی آید. بنابراین، چنین حکومتی، نه پدید می آید و نه بر فرض پدید آمدن، ضمانت اجرایی خواهد داشت و نه شهوات و غرائز آدمی را که انگیزش او در جنگ و آشوب است، مهار می کند و نه می تواند یک برادری ایمانی و انسانی در عالم پدید آورد. ولی حکومت واحد جهانی که در اسلام نوید داده شده است، هم ضامن اجرایی دارد و هم عقیده و ایمان از آن پشتیبانی می کند و هم مردم را



برادر می سازد و هم غرائز و امیال را راهنمایی می کند. (۱)

### امتیازات حکومت جهانی مهدوی بر جهانی شدن

در پایان، به برخی از ویژگی ها و برجستگی های حکومت مهدوی بر جهانی سازی غربی، اشاره می کنیم:

۱. در حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام دین اسلام، یگانه دین حاکم بر جهان خواهد بود، چنان که دین و سیاست نیز از هم تفکیک ناپذیرند و بلکه سیاست و حکومت؛ در خدمت دین و اهداف ارزشمند آن است، در صورتی که در وضعیت جهانی شدن غربی، دین، و به ویژه اسلام، جایگاه روشنی نخواهد داشت. و بلکه آموزه های دینی چندان نقشی نخواهند داشت. از این رو پایه همه کارها، آموزه های قرآنی و سخنان پیشوایان معصوم علیهم السلام است در حالی که در جهانی شدن و جهانی سازی غربی، اساس قوانین و کارها به طور فراگیر، قوانین دست نوشته بشری و به دور از آموزه های اخلاقی و الهی است.

حضرت علی علیه السلام در این باره فرمود:

وَيَعْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ؛ در آن هنگام که مردم قرآن را به رأی خود تفسیر کنند، امام زمان علیه السلام، آراء و نظر مردم را پیرو قرآن قرار خواهد داد.

از این کلام امیر المؤمنین علیه السلام بهره می بریم که در حکومت مهدی علیه السلام محور همه چیز و همه آراء و باورها، آیات قرآن خواهد بود، در حالی که در وضعیت جهانی شدن غربی، نه فقط آموزه های الهی در جامعه بشری محور نیست، بلکه کوشش می شود که دین هیچ گونه نقشی نداشته باشد.

۲. حکومت واحد جهانی اسلامی، به رهبری شایسته ترین و وارسته ترین انسان آن دوران برپا می شود و یاران او نیز در شمار بهترین انسان های زمان خود هستند در حالی که در حکومت واحد جهانی پیشنهادی، بیشتر رهبران از پست ترین انسان ها هستند. نیازی

---

۱- امروزه روشن شده یکی از عوامل دشمنی های استکبار با ملت بزرگ ایران نگرانی از ارائه الگوی حکومت واحد جهانی مهدوی به مردم ستم دیده زمین است.

نیست اشاره کنیم که امروزه شعار بسیاری از کاندیداهای انتخاباتی در غرب حمایت از هم جنس بازان و یا حمایت از رژیم غاصب صهیونیستی است.

۳. حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام در پی پایه گذاری یک جامعه اخلاقی، امنیت را به عنوان یک نیاز اساسی برای همه جهانیان به ارمغان خواهد آورد، در حالی که جهانی سازی غربی، سبب بحران های گوناگون و ناامنی های فراوان خواهد شد، البته گروه اندکی که همانا صاحبان ثروت و قدرت هستند ممکن است در یک امنیت ظاهری به سر برند.

۴. گسترش فراگیر و همگانی دانش، از ویژگی های ارزنده حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام است. که اختصاص به طبقه و گروه خاصی ندارد و همگان از فرصت های برابر بهره مند می شوند در حالی که در مدل جهانی سازی غربی دانش پیشرفته، در انحصار کشورهای ویژه ای است و این کشورها از دادن آن به کشورهای دیگر جلوگیری می کنند. (۱)

۵. در حکومت واحد جهانی حضرت مهدی علیه السلام، رهبر به گزینش خداوند و گزارش پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله، نصب شده است و مردم در مرحله پذیرش نقش دارند. در حالی که در جهانی شدن، مشروعیت ظاهری حکومت جهانی، از ناحیه مردم است، آن هم با هزاران فریب کاری که در گرفتن آرای مردم به کار می رود.

۶. محور برنامه و قانون در حکومت واحد جهانی حضرت مهدی علیه السلام خردورزی است؛ که در آن دوران نوید داده شده، خرد همه انسان ها به کمال خواهد رسید، در حالی که حکومت بر پایه جهانی شدن، بر مبنای هواهای نفسانی و گرایش های حیوانی پدیدار می شود.

۷. حکومت واحد جهانی حضرت مهدی علیه السلام بر اساس عدل و قسط اداره می شود، و جایی از زمین نیست که در آن عدل گسترده نشود. و حال آنکه حاکمان در حکومت های عصر جهانی شدن، خود، از ستمگران اند و چنان در زمین رفتار می کنند که گویا دشمن عدل اند و به طور بنیادین این که پیش از آمدن حضرت مهدی علیه السلام

---

۱- امروزه دشمنی های غرب با پیشرفت های ملت ایران در زمینه های گوناگون و از جمله دانش هسته ای گواه روشنی بر این ادعا است.

جهان پر از ظلم و ستم می شود، در همان عصر جهانی شدن است که ظلم فراگیر در زمین تحقق پیدا می کند.

امتیازات حکومت واحد جهانی حضرت مهدی علیه السلام منحصر در موارد یادشده نیست، بلکه بررسی و دقت نگاه بیشتر، می تواند امتیازات فراوانی را فراروی ما قرار دهد.

## خودآزمایی

۱. ادله جهانی بودن حکومت حضرت مهدی علیه السلام را به استناد آیات قرآن توضیح دهید.
۲. با استناد به برخی روایات چگونگی جهانی بودن حکومت حضرت مهدی علیه السلام را تبیین کنید.
۳. نسبت جهانی شدن و حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام را توضیح دهید.
۴. آیا مقایسه میان جهانی شدن و حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام شدنی است؟ توضیح دهید.
۵. چهار امتیاز از امتیازات حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام را توضیح دهید.

===

## منابع برای پژوهش

۱. طاهری، حبیب الله، سیمای آفتاب، قم، انتشارات زائر، ۱۳۸۰ ش.
۲. کارگر، رحیم، آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، ۱۳۸۳ ش.
۳. طبسی، نجم الدین، چشم اندازی به حکومت مهدی عجل الله فرجه، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۰ ش.
۴. کورانی، علی، عصر ظهور، ترجمه عباس جلالی، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
۵. صدر، سید محمد، تاریخ پس از ظهور، ترجمه حسن سجادی پور، تهران، موعود عصر، ۱۳۸۴ ش.



## درس سوم: نظام اعتقادی حکومت مهدی علیه السلام

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

اسلام برای همه و همیشه

دین در عصر ظهور

دستورالعمل های نوین در عصر ظهور

حاکمیت اسلام بر زمین

پیروان دیگر ادیان

**پیش درآمد**

یگانه پرستی پایه باورهای همه ادیان آسمانی و بندگی خداوند، هدف اصلی آفرینش انسان ها و آرمان همه پیامبران الهی است. عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام، عصر فراهم آوردن همه زمینه ها برای بازگشت انسان به سرشت توحیدی او است؛ و قیام جهانی مهدوی در این عرصه، حلقه پایانی زنجیره فراخوان مردم به پرستش خداوند یگانه است.

از این رو دوران حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام، بی گمان، والاترین، شکوه مندترین و شکوفاترین، فصل تاریخ انسانیت است. آن دوران، دورانی است که نویدهای خداوند درباره جانشینی مؤمنان و پیشوایی جهانی فرودستان و وراثت شایستگان، تحقق بیرونی می پذیرد و با توان الهی آخرین پرچمدار دادگری و یکتاپرستی، زمین صحنه فاخرترین جلوه های بندگی پروردگار می شود.

در این درس تلاش خواهد شد بر پایه احادیث معتبر، گوشه هایی از ویژگی های اعتقادی آن دوران به تصویر کشیده شود. و البته گستره مباحث نیازمند مطالعات ژرف تری خواهد بود.

**اسلام برای همه و همیشه**

قرآن، در باره گستره دین اسلام، به گونه ای گسترده و از زوایای گوناگون سخن به میان آورده است: دسته ای از آیات، رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را جهانی دانسته؛ برخی دیگر، قرآن را هدایت گر همه بشر در سراسر گیتی می دانند و سرانجام، بخش پرشماری از آیات چیرگی دین اسلام بر ادیان دیگر را امری ناگزیر پیش گویی

کرده اند.

بنابراین، آیات این بحث در چند دسته بررسی می شود:

دسته نخست: آیاتی که به روشنی، رسالت پیامبر گرامی اسلام را جهانی دانسته و آن حضرت را پیامبر جهانیان نام می برند. از جمله:

((قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا))؛ (۱) بگو ای مردم! من پیامبر خدا به سوی همه شما هستم.

دقت در دو کلمه «الناس» و «جمیعاً» این حقیقت را به خوبی نشان می دهد که همه مردم مخاطب هستند.

((وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ))؛ (۲) و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم.

در این آیه رسالت پیامبر اسلام، رحمت همگانی شناخته می شود. تعبیر به «عالمین» آن چنان مفهوم گسترده ای دارد که همه نژادها، ملت ها و همه کشورها را دربر می گیرد و به جهانی بودن رسالت الهی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله اشاره می کند.

دسته دوم: آیاتی که قرآن کریم را هدایت گر و کتاب انسان ساز برای همه بشر در درازای تاریخ شناسانده است:

((وَ أَوْحَىٰ إِلَيْنَا هَذَا الْقُرْآنَ لِأُنذِرْكُمْ بِهِ وَ مَن بَلَغَ))؛ (۳) و این قرآن به من وحی شده تا به وسیله آن، شما و هر کس را [که این پیام به او] برسد، هشدار دهم.

((وَ مَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ))؛ (۴) این [قرآن] جز پندی برای جهانیان نیست.

در این دسته آیات، به روشنی رسالت اصلی قرآن کریم که هدایت همه انسان های زمین است، اشاره شده است.

دسته سوم: آیاتی که به چیرگی و پیروزی اسلام بر ادیان دیگر نوید داده است و آن

۱- اعراف (۷)، آیه ۱۵۸.

۲- انبیاء (۲۱)، آیه ۱۰۷.

۳- انعام (۶)، آیه ۱۹.

۴- ص (۳۸)، آیه ۸۷؛ یوسف (۱۲)، آیه ۱۰۴ و....



را یگانه دین پذیرفته خداوند دانسته است:

((إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ))؛<sup>(۱)</sup> در حقیقت، دین نزد خدا همان اسلام است.

((وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ))؛<sup>(۲)</sup> و هر که جز اسلام، دینی [دیگر] جوید، هرگز از وی پذیرفته نشود، و وی در آخرت از زیان کاران است.

((هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ))؛<sup>(۳)</sup> او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست، فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند.

درباره پیروشدن اسلام بر ادیان دیگر، از آیات یادشده به دست می آید اسلام بر همه ادیان، چه حق و چه باطل، پیروز می شود.

بر پایه قراین و شواهد معتبر، مانند: تعبیر «کله» در آیه یادشده و آیات بسیاری دیگر که پیروان ادیان آسمانی پیش از اسلام را بر پذیرش این دین به عنوان دینی همگانی فرا می خواند، این پیروزی تبیین شده است.

بنابراین، از دسته سوم آیات، جهان شمولی دین اسلام به خوبی به دست می آید؛ زیرا هنگامی که ادیان دیگر از اعتبار ساقط و دین اسلام به عنوان دین رسمی و صاحب تفوق معرفی شود، فقط این دین شایستگی هدایت و راه نمایی انسان ها را دارد که یک نیاز همگانی است.

دسته چهارم: آیاتی که اسلام را دین فطری می داند.<sup>(۴)</sup> از آن جا که سرشت انسان همگانی و امر مشترک میان همه افراد است، دینی مطابق با این سرشت همگانی، همواره رسالت جهانی خواهد داشت.

افزون بر آیات قرآن، روایات معصومان علیهم السلام نیز بر بُعد جهانی بودن اسلام پافشاری می کنند. مانند سخن امام صادق علیه السلام که فرمود:

۱- آل عمران (۳)، آیه ۱۹.

۲- آل عمران (۳)، آیه ۸۵.

۳- توبه (۹)، آیه ۳۳؛ فتح (۴۸)، آیه ۲۸؛ صف (۶۱)، آیه ۹.

۴- ((فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ)).

«وَأَرْسَلَهُ كَافَّةً إِلَى الْأَبْيَضِ وَالْأَسْوَدِ وَالْجَنِّ وَالْإِنْسِ؛<sup>(۱)</sup> پیامبر را برای همگان، اعم از سفید و سیاه و انس و جن، فرستاده است.»

این روایت، هیچ گونه محدودیتی فرا روی رسالت جهانی اسلام قائل نیست و به آن در سطحی فراتر از رنگ پوست و جنسیت توجه می کند.

بنابراین دین حق در هر زمانی یکی بیش نیست و اکنون که دین اسلام، ادیان پیشین را نسخ کرده، یگانه دین رسمی در پیشگاه خداوند بوده و پیروی از آن بر همه بشر بایسته است. از این رو، دین اسلام که فراگیرترین و کامل ترین ادیان خداوند به شمار می آید، رسالت جهانی دارد و نیاز همگانی انسان ها به هدایت را در هر نقطه از جهان پاسخ می گوید.

### دین در عصر ظهور

پیش از این اشاره شد<sup>(۲)</sup> یکی از ویژگی های ارزشمند جهان در آستانه ظهور حضرت مهدی علیه السلام، رواج نافرمانی مردم از دستورات خداوند و دوری از دین و دینداری است؛ به گونه ای که مردم گروه گروه از پیروی آیین خداوند دور می شوند و زندگی کفرآلود و مشرکانه ای خواهند داشت.

روز به روز عوامل فراوانی، گوهر تابناک دین را در هاله ای از غبار فراموشی فرو می برد، از این رو در گروه های انسانی، دین رو به کم رنگ شدن می رود و خرافه ها و کژی های گوناگونی، گریبان گیر آن می شود.

امیرمؤمنان علی علیه السلام حقیقت یادشده را این گونه بیان فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ سَيَأْتِي عَلَيْكُمْ زَمَانٌ يُكْفَأُ فِيهِ الْأَسْلِمُ كَمَا يُكْفَأُ الْإِنَاءُ بِمَا فِيهِ؛<sup>(۳)</sup> ای مردم! به زودی زمانی بر شما می رسد که اسلام چونان ظرف واژگون شده، آنچه در آن است، ریخته می شود.

تا آنکه حضرت مهدی علیه السلام به پا می خیزد و غبار شرک از چهره گوهر دین

۱- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۷، ح ۱.

۲- نگارنده، درسنامه مهدویت، ج ۲، درس اول.

۳- سید رضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۰۳.

بر می گیرد؛ آن گونه که بسیاری می پندارند این دین نویی است که آن حضرت آورده است!

بی گمان حضرت مهدی علیه السلام، می آید، تا با بیدار کردن سرشت های خفته، زمینه را برای یکتاپرستی همگان، که همانا هدف آفرینش است، فراهم کند. او نه فقط هرگز برای پذیرش باور یکتاپرستی کسی را زیر فشار و ناگزیری قرار نخواهد داد، بلکه با فراهم کردن بسترهای بایسته برای پذیرش این امانت الهی، شاهد شیرین خدایپرستی را میان همه انسان ها، آنسان که شایسته اند، قسمت خواهد کرد. وی با فراهم کردن شرایط مناسب و از بین بردن موانع، همگان را به اندیشیدن در نشانه های پروردگار فرا می خواند. و برآیند این اندیشیدن به آغاز و انجام، ارمغانی جز پرستش حقیقی خداوند نخواهد بود.

روشن است که با فراهم شدن همه شرایط و کناررفتن همه موانع، آن کسی که سر فرمان برداری برابر حقیقت فرود نیورد، کسی نیست مگر انسانی گستاخ و طغیان گر که با همه هستی، برابر حق ایستاده است و بدون شک در چنان شرایطی، نه فقط آن امام همام او را برنخواهد تافت که همه مردم که زخم ستم هنوز بر پیکرشان است؛ از این رو است که روایات فراوانی یگانه دین مورد پذیرش در عصر ظهور را، همانا «دین اسلام» دانسته، می گوید: در عصر ظهور، ندای یکتاپرستی در سراسر گیتی حکم فرما خواهد شد. امام حسین علیه السلام در وصف حضرت مهدی علیه السلام می فرماید:

«...وَيُظْهِرُ بِهِ دِينَ الْحَقِّ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (۱) خداوند، به دست او دین حق را بر همه ادیان چیرگی می بخشد؛ اگرچه مشرکان آن را نپسندند.»

امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا نُودِيَ فِيهَا بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ؛ (۲) در آن هنگام که قائم قیام کند، هیچ سرزمینی باقی نخواهد ماند، مگر این که شهادت به یکتاپرستی و نبوت در آن ندا داده خواهد شد.

۱- محمد بن علی بن حسین بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۷، ح ۳.

۲- عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳، ۸۱؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۴، ح ۴.

و نخستین گام در این راه آموزش همگانی آموزه های وحی و قرآن است. روایت های فراوانی در دست است که نشان می دهد یکی از کارهای پایه ای در عصر ظهور اهتمام به آموزش قرآن به شکل درست آن است و افراد فراوانی در این راه پیش گام خواهند شد.

امیر مؤمنان علی علیه السلام در این باره می فرماید:

كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى شَيْعَتِنَا بِمَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَقَدْ ضَرَبُوا الْفَسَاطِيطَ يُعَلِّمُونَ النَّاسَ الْقُرْآنَ كَمَا أُنزِلُ؛<sup>(۱)</sup> گویا می بینم شیعیان ما در مسجد کوفه خیمه ها زده اند و قرآن را همان گونه که نازل شده به مردم می آموزند.

و نیز فرمود:

كَأَنِّي بِالْعَجَمِ فَسَاطِيطُهُمْ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ يُعَلِّمُونَ النَّاسَ الْقُرْآنَ كَمَا أُنزِلُ؛<sup>(۲)</sup> گویی غیرعرب ها را می بینم که خیمه های شان در مسجد کوفه است و قرآن را همان گونه که نازل شده به مردم می آموزند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

كَأَنِّي بِشَيْعَةِ عَلِيٍّ فِي أَيْدِيهِمُ الْمَثَانِي يُعَلِّمُونَ النَّاسَ الْمُسِيئَاتُفَ؛<sup>(۳)</sup> گویی شیعیان علی را می بینم که مثنایی (قرآن) به دست گرفته و آن را به مردم می آموزند.

امام باقر علیه السلام نیز فرمود:

إِذَا قَامَ قَائِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ (ص) ضَرَبَ فَسَاطِيطَ لِمَنْ يُعَلِّمُ النَّاسَ الْقُرْآنَ عَلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ (حَيْلٌ جَلْمَالُهُ) فَأَصْبَعُ مَا يَكُونُ عَلَى مَنْ حَفِظَهُ الْيَوْمَ لِأَنَّهُ يُخَالِفُ فِيهِ التَّأْلِيفَ؛<sup>(۴)</sup> چون قائم قیام کند خیمه هایی نصب می شود برای کسانی که قرآن را به همان گونه که خداوند آن را نازل کرده بود به مردم بیاموزند، پس دشوارترین چیزی که خواهد بود برای کسانی است که قرآن را حفظ کرده، چون محفوظات آنها با قرآن مخالف است.

۱- محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۳۱۷، ح ۳.

۲- پیشین، ص ۳۱۸، ح ۵.

۳- پیشین، ص ۳۱۸، ح ۴.

۴- شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۶.

با این سخنان و چندین برابر آن، تردیدی نمی ماند که پایه دین در آن دوران بر رفتار به آموزه های قرآن استوار خواهد بود.

### دستور العمل های نوین در عصر ظهور

در کنار روایات یادشده از برخی روایت ها نیز این انگاره به دست می آید که آن حضرت، آیین و روش جدیدی خواهد آورد. و این پرسش پیش می آید که با توجه به این که قرآن کریم کتاب جاودان الهی و اسلام آیین ابدی است، چگونه امام مهدی علیه السلام آیینی نو و کتابی تازه برای بشریت به ارمغان می آورد؟

درباره «کتاب جدید» و «امر جدید» روایاتی وارد شده است، که نمونه هایی از آن ها را مورد دقت قرار می دهیم:

۱. از امام صادق علیه السلام نقل شده است که درباره ظهور حضرت مهدی عجل الله فرجه و نشانه های آن فرمود:

وَاللَّهِ لَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ يُبَايِعُ النَّاسَ عَلَى كِتَابٍ جَدِيدٍ؛<sup>(۱)</sup> به خدا سوگند! مثل این است که به او می نگرم که میان «رکن» و «مقام» بر اساس کتاب نو، با مردم بیعت می کند....

۲. همچنین، امام صادق علیه السلام فرمود:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ جَاءَ بِأَمْرٍ جَدِيدٍ كَمَا دَعَا رَسُولُ اللَّهِ فِي يَدِ الْأَسْلِمِ إِلَى أَمْرٍ جَدِيدٍ؛<sup>(۲)</sup> آنگاه، که مهدی عجل الله فرجه به پا خیزد، آیین جدیدی می آورد؛ همان گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در آغاز اسلام، به آیین جدیدی فراخواند.

۳. امام صادق علیه السلام همچنین، درباره قیام و روش کار حضرت مهدی عجل الله فرجه فرمود: «يُقَوْمُ بِأَمْرٍ جَدِيدٍ وَ كِتَابٍ جَدِيدٍ وَ سُنَّةٍ جَدِيدَةٍ وَ قَضَاءٍ جَدِيدٍ؛<sup>(۳)</sup> آن حضرت «امر نو» و کتاب نو و سنت نو و داوری نوبی برپا می کند.»

۱- محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۱۹۴، ح ۱.

۲- شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۴.

۳- محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۵۳، ح ۱۳.

پیش از این نیز اشاره شد که تردیدی نیست حضرت مهدی علیه السلام تحکیم بخش دین اسلام و گسترنده قانون قرآن در سراسر گیتی است؛ پس ناگزیر باید اسلام و آموزه های قرآن را به گروه های بشری عرضه کند و مردمان را به پذیرش و باور اصول و فروع آن فرا خواند. آیین نو و کتاب جدید (دستور العمل) و برنامه و راه و روش تازه و دیگر تعبیرهایی از این دست که در احادیث رسیده، برای تبیین مسائلی است:

۱. در گذر زمان بنا به سبب هایی چون سطح فرهنگ و فکر انسان ها احکام و آموزه های فراوانی از مجموعه فرهنگ اسلام، تبیین نشده یا هماهنگ با سطح فرهنگ و فکر انسان ها نبوده است یا زمینه عملی آن ها وجود نداشته است. بازگویی چنین معارف و مسائلی، بی گمان برای جامعه اسلامی ناشناخته خواهد بود. چون امام مهدی علیه السلام این آموزه ها را از ظاهر و باطن قرآن کریم به دست آورده و به مردم می آموزد، برای آنان تازگی دارد و آیین نو و کتاب نو انگاشته می شود.

۲. آموزه ها و احکامی از قرآن کریم و اسلام فراموش شده و از یادها رفته است؛ به گونه ای که در جامعه اسلامی ناآشنا و برای مسلمانان ناشناخته است. طرح این مسائل نیز کتاب و آیین نو پنداشته می شود.

۳. اصول و احکام فراوانی دست خوش تحریف و دگرگونی شده است و امام علیه السلام آن ها را چنان که در اسلام راستین بوده است دیگر باره مطرح می سازد و تحریف و انحراف های روی داده را روشن می کند و مفهوم حکم یا جایگاه آن را مشخص می سازد. این، با طرز تلقی و برداشت عمومی مردم و برخی از علما سازگاری ندارد؛ از این رو برنامه نو و راه و روش تازه به شمار می آید.

بنابراین از مهم ترین مسائلی که امام بدان توجه خواهد کرد و برای جامعه اسلامی تازه و نو جلوه می کند و ناشناخته و ناآشنا می نماید، مسائل مربوط به عدالت اجتماعی و امور مالی و معیشتی است؛ یعنی، موضوعی که انسان سخت به آن نیازمند بوده و بدان نرسیده است. همین امر نیز مشکل نابسامانی اصلی زندگی بشر امروز را تشکیل می دهد و اجرای آن (برقراری عدل و دادگری در سراسر گیتی) از اقدام های اصلی امام مهدی علیه السلام خواهد بود.

برای نمونه امام موعود علیه السلام به موضوع مساوات اسلامی شکل قانونی و الزامی می دهد؛ چنان که اسحاق بن عمار می گوید: نزد امام صادق علیه السلام بودم. آن حضرت از تساوی مردم با یکدیگر و حقی که هر کس بر دیگران دارد، سخن گفت. من سخت در شگفت شدم. فرمود:

إِنَّمَا ذَلِكَ إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَجَبَ عَلَيْهِمْ أَنْ يُجَهَّزُوا إِخْوَانَهُمْ وَأَنْ يُقَوُّوهُمْ؛ (۱) این، هنگام رستاخیز قائم ما است که در آن روزگار، واجب همگانی است که به یکدیگر وسایل رسانند و نیرو بخشند. (۲)

این موضوع، در بسیاری دیگر از آموزه های اسلامی آمده است؛ ولی به نام احادیث اخلاقی کنار گذاشته شده و در فقه مطرح نگشته و در برنامه های الزامی حکومت ها و اجتماعات اسلامی به صورت اصل و قانون تثبیت نشده است! روشن است که چون این آموزه ها عملی شود، به صورت احکامی نو جلوه می کند و ...

امام مهدی علیه السلام از طواف مستحب با وجود کثرت طواف واجب، منع می کند، (۳) مساجد و معابد مجلل و تزیین یافته شهرها و آبادی ها را خراب می کند و همه زواید و تشریفات و کاشی کاری ها و گنبدها و گلدسته ها و زیورهای آن ها را می پیراید و بودجه آن ها را برای رفاه حال انسان ها صرف می کند. مساجد و معابد را ساده و بی آرایش و بی آرایش می سازد و ... (۴).

۱- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲۰، ص ۲۶.

۲- نگارنده با الهام از این روایت و برخی روایات دیگر، بر این باور است سازوکار اقتصادی در عصر ظهور تفاوت های اساسی با زندگی امروزی ما دارد و از مراکزی که با شگردهای فراوان ثروت مردم را برای سود خود، گرد می آورند، خبری نخواهد بود. در آن روز دیگر به بانک ها، بیمه، بورس و مانند آن نیازی نیست؛ اگرچه امروزه بخش جدایی ناپذیر زندگی شده اند و به ناگزیر برخی نیازها را نیز رفع می کنند. بی گمان پدید آمدن این سازوکارهای اقتصادی به سبب دور شدن انسان ها از آموزه های الهی و بی اعتمادی آنها به یکدیگر است. که اگر همگان در رفع نیازهای هم شتاب می کردند، فرض چنین مراکزی نیز دور از ذهن می نمود.

۳- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۴، ص ۴۲۷؛ شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۲۵.

۴- ر.ک: شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۰۶، ح ۱۷۵؛ فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ص ۲۶۴؛ قطب راوندی، الخرائج والجرائح، ج ۱، ص ۴۵۳، ح ۳۹.

امام مهدی علیه السلام سود در مبادلات بازرگانی و داد و ستدها را برمی دارد و مردمان را مأمور می کند که هر کس به صورت خدمتگزاری نسبت به جامعه کار کند و در برابر کالای عرضه شده سودی نگیرد. و خود نیازهای خود را همینسان از دیگران تأمین می کند. (۱)

امام مهدی علیه السلام بر بسیاری از تفسیر و تأویل هایی که توسط برخی مسلمانان در قرآن کریم و احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و امامان معصوم علیهم السلام صورت گرفته است، خط بطلان می کشد و آرا و اندیشه ها را پیرو قرآن می سازد و در چارچوب های قرآنی می آورد. (۲)

و بدینسان امام، مسائل و معارف و احکام جدیدی را مطرح می کند که برای مردم ناشناخته است و آن ها را آیین جدید و کتاب تازه می انگارند و گه گاه با امام بر سر این مسائل درگیر نیز می شوند، و در این صورت جنگ با خودی و جامعه اسلامی رخ می دهد. (۳)

فرازهایی از دعای ندبه از این چگونگی، پرده برداشته، می گوید:

کجا است آن کسی که برای تجدید و زنده کردن فرایض و سنن [آیین اسلام که محو و فراموش شده] ذخیره شده است؟ کجا است آن کسی که برای برگرداندن [حقایق] ملت و شریعت [دین مقدس اسلام] برگزیده شده است؟ کجا است آن که برای زنده کردن کتاب آسمانی قرآن و حدودش مورد امید و آرزوست؟ کجا است زنده کننده نشانه های دین و اهل آن؟... (۴).

بنابراین اساس نامه و منشور حکومت جهانی مهدوی چیزی جز کتاب و سنت پیام آور وحی صلی الله علیه وآله در شکل اصیل و درست نخواهد بود. از آن جا که مهدی موعود

۱- ر.ک: شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۱۳؛ شیخ طوسی، التهذیب، ج ۷، ص ۱۷۸ (بنابراین سازوکار اقتصادی در آن زمان به طور کامل با پیش از آن متفاوت خواهد بود).

۲- ر.ک: سید رضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.

۳- محمد حکیمی، عصر زندگی، ص ۱۷۵ ۱۷۹. (با تصرف)

۴- «أَيْنَ الْمِدْخَرِ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ، أَيْنَ الْمُتَخَيَّرِ لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ وَالشَّرِيعَةِ، أَيْنَ الْمُؤَمَّلِ لِإِحْيَاءِ الْكِتَابِ وَحُدُودِهِ، أَيْنَ مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَأَهْلِهِ...»؛ (سید بن طاوس، اقبال الاعمال، ص ۵۰۴).



عجل الله فرجه وارث علوم نبوی و عامل به دستورات پدران بزرگوار خود است، بدعت ها و سنت ها را به خوبی می شناسد. پیش از هر چیز بدعت ها را از دامن فرهنگ و اندیشه اسلامی می زداید و سنت هایی که متروک و مهجور مانده اند احیا و اجرا می کند. امام باقر علیه السلام در این باره فرموده است:

« إِذَا قَامَ الْقَائِمُ... فَلَا يَتْرُكُ بِدْعَةً إِلَّا أزالَهَا وَ لَا سُنَّةً إِلَّا أَقَامَهَا؛<sup>(۱)</sup> هنگامی که قائم عجل الله فرجه به پا خیزد بدعت ها را نابود می سازد و سنت ها را بر پا می دارد.»

### پیروان دیگر ادیان در عصر ظهور

برای برپایی جامعه یگانه و فراگیری حکومت جهانی، یک موضوع بایسته است و آن جهان بینی واحد و اعتقاد یگانه است. بر این پایه است که در حکومت مهدوی، جهان بینی یگانه ای بر جهان چیره و راه و روش و برنامه ها نیز یکی می شود و یکپارچگی راستین در باور و مرام پدید می آید و مردمان همه یکدل و یک زبان به سوی سعادت و صلاح حرکت می کنند.

امام صادق علیه السلام به روشنی به این نکته اشاره کرده است آنجا که فرمود:

قَوْلَ اللَّهِ يَا مَعْزِلُ لِيَرْفَعَ عَنِ الْمَلِئِ وَالْأَذْيَانِ الْإِخْتِلَافُ وَ يَكُونُ الدِّينُ كُلُّهُ وَاحِدًا كَمَا قَالَ جَلَّ ذِكْرُهُ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَ قَالَ اللَّهُ وَ مَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ؛<sup>(۲)</sup> به خدا سوگند!... ناهماهنگی و چندگانگی مذاهب و ادیان از میان می رود و فقط یک دین در سراسر گیتی حکومت می کند؛ چنان که خدای تبارک و تعالی فرموده است: به راستی دین در نزد خدا، اسلام است...

با این حال ممکن است گفته شود: براساس برخی از آیات و روایات، یهود و نصارا از میان نمی روند و تا قیامت باقی هستند؛ پس این اسلام نمی تواند فراگیر شود؟!

اگرچه رسیدن به یک دیدگاه قطعی نیازمند بررسی های فراگیر در این باره است که در پژوهش های مفصل می بایست به دنبال آن بود، ولی در اندازه مختصر در این اثر و با

۱- شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۵.

۲- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱.

توجه به آنچه یاد شد در باره حضور پیروان ادیان در عصر ظهور به نظر می رسد در مرحله پایانی و برپایی حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام بر زمین، جایی برای مشرکان که همانا پیروان ادیان تحریف شده آسمانی است نخواهد ماند. والبته فرض این که آنها پای بند به دین تحریف نشده خواهند بود، نیز فرض غیرقابل قبولی است چراکه حقیقت همه ادیان الهی نوید به دین اسلام که پایان بخش همه ادیان است، می باشد. و اگر آنها بخواهند به دستورات راستین دین خود عمل کنند باید اسلام بیاورند. ضمن اینکه فرض وجود پیروان حضرت مسیح علیه السلام در حالی که خود آن حضرت به مهدی موعود علیه السلام اقتدا کرده فرضی ناشدنی می نماید. مگر آنکه آن مسیحی موجود در آن زمان، خود را پیرو مسیح دیگری بداند.

به هر حال برای بود و یا نبود آنها سه فرض تصور می شود:

۱. حضور؛

۲. عدم حضور؛

۳. حضور تا زمان خاص.

پیش از این در باره دوره های عصر ظهور یاد آور شدیم این دوران به سه مرحله از ظهور تا قیام، از قیام تا حکومت جهانی و مرحله حکومت تقسیم می شود.

با توجه به تقسیم یاد شده در دو دیدگاه نخست، بود و نبود پیروان ادیان بررسی می شود در حالی که در دیدگاه سوم حضور این پیروان در دو مرحله نخست اثبات و برای حضور آنان در دوران حکومت عدل جهانی نیازمند دلیل است.

### دیدگاه نخست: حضور پیروان

#### اشاره

دیدگاه نخست: حضور پیروان (۱)

در این دیدگاه به طور عمده با پافشاری بر آزادی و اختیار انسان ها و نیز آیاتی که در آن از کینه توزی میان یهود و مسیحیت سخن به میان آورده، (۲) حضور پیروان این دو دین را اگر چه اندک پذیرفته اند.

۱- البته بیشتر کسانی که حضور را پذیرفته اند این پیروان را فقط در یهود و مسیحیت منحصر دانسته و هیچ کس، از حضور پیروان دیگر ادیان سخن روشنی به میان نیاورده است.

۲- مائده (۵)، آیه ۱۴.

روایات اسلامی در این زمینه به سه دسته تقسیم می‌شود:

### ۱. پرداخت جزیه اهل کتاب

در برخی روایات سخن از پرداخت جزیه از طرف اهل کتاب اشاره شده است. که البته به زمان مشخص آن اشاره نشده و این ممکن است مربوط به یک دوره زمانی خاص باشد.

به راستی زمانی که در برخی روایات نقل شده، کسی برای پرداخت زکات شهر به شهر می‌رود و مستمندی پیدا نمی‌کند و زمین گنج‌های خود را برای حضرت مهدی علیه السلام بیرون می‌ریزد چه نیازی به اندک جزیه اندک پیروان ادیان؟!

### ۲. داوری میان اهل کتاب با کتاب آنها

در برخی روایات دیگر نیز اشاره شده که آن حضرت میان یهود و نصارا با کتاب تحریف نشده آنها داوری خواهد کرد. و مهم‌ترین داوری حکم بر بطلان پیروی آنها از کتاب تحریف شده و هدایت آنها به پیروی از دین بشارت داده شده در کتاب مقدس آنان است.

که البته این هم می‌تواند در دوره ای کوتاه صورت پذیرد تا حاکمیت به تثبیت جهانی خود برسد.

### ۳. شباهت سیره مهدی با سیره پیامبر

در روایات فراوانی اشاره شده که روش حضرت مهدی علیه السلام چونان روش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است و آن حضرت از اهل کتاب جزیه دریافت می‌کرد.

البته گفتنی است اگرچه سنت خاتم الاوصیا همان سنت خاتم الانبیا است، اما این هرگز بدان معنا نیست که هر آنچه بر حسب شرایط، اقتضاها و موانع در عصر نبوی شکل گرفته در عصر مهدوی نیز شکل خواهد گرفت. اگر در عصر پیامبر به دلیل‌هایی چون امید به هدایت با پیروان ادیان تحریف شده مسالمت آمیز برخورد می‌شد دیگر آن شرایط نخواهد بود.

افزون بر آیات و روایات در این دیدگاه از نگاه عقل نیز گفته شده از آنجایی که انسان دارای حق‌گزینش است و ایمان از روی اجبار اثری ندارد پس در حکومت حضرت می‌تواند پیروان دیگر ادیان باشند.

و البته در محل خود گفته شده همه کسانی که آن زمان ایمان می آورند از روی انتخاب و اختیار است.

## دیدگاه دوم: عدم حضور پیروان ادیان

### اشاره

در این دیدگاه نیز به برخی آیات و روایات اشاره شده است.

### ۱. آیات

در این دیدگاه به آیاتی اشاره شده که پیش از این در باره جهانی شدن دین اسلام به آنها اشاره شد. و از برخی روایات نیز استفاده می شود هرگز مجالی برای حضور پیروان ادیان و بقای آنها بر آموزه های شرک آلود این ادیان باقی نخواهد ماند.

البته کسی نگوید که آنها دیگر بر آموزه های تحریف شده باقی نمی مانند و به کتاب اصلی خود ایمان می آورند که در این صورت به اصلی ترین آموزه (اعتقاد به اسلام به عنوان دین خاتم و پیامبری پیامبر خاتم) می بایست پای بند شوند که همانا در انجیل بشارت داده شده است.

امام محمد باقر علیه السلام در تأویل آیه «خداوند او را بر همه ادیان چیره می گرداند، هر چند مشرکین نخواهند» فرمود: «يَكُونُ أَنْ لَا يَبْقَى أَحَدٌ إِلَّا أَقَرَّ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ»<sup>(۱)</sup> هیچ کسی نمی ماند، جز این که اقرار به حضرت محمد می کند.»

### ۲. روایات

در این قسمت برخی از روایات ارزشمند که در آنها حضور ادیان نقل شده، بررسی خواهد شد. روایات در این زمینه به پنج دسته تقسیم می شوند:

دسته اول: روایات برداشته شدن جزیه

این دسته از روایات، برخلاف روایات مطرح شده در بخش دلایل وجود ادیان، پذیرش جزیه را نفی می کند و حتی در برخی از روایات برداشته شدن جزیه را از اقدامات حضرت مهدی علیه السلام در دوران حکومت می داند؛ البته برخی از روایات دیگر، به ویژه در منابع اهل سنت، این عمل را از اقدامات حضرت عیسی علیه السلام می دانند.

البته آنگونه که پیش از این اشاره شده، می تواند این برداشتن جزیه مربوط به جزیه ای باشد که حضرت در مرحله پیش از حکومت جهانی برای تثبیت حاکمیت قرار داده بود.

دسته دوم: روایات مبارزه با یهود و مسیحی

در این نوع روایات، ائمه علیهم السلام بر عدم حضور یهود و نصارا در آخرالزمان را تصریح می کنند.

ابن بکیر گفت: از حضرت صادق علیه السلام تفسیر این آیه: ((وَلَهُ أَسْلِمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ)) را پرسیدم؟ حضرت فرمود:

قَالَ أَنْزَلَتْ فِي الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا خَرَجَ بِأَلْيَهُودِ وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ وَالزَّنَادِقَةَ وَأَهْلِي الرَّدَّةِ وَالْكَفَّارِ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَغَرْبِهَا فَعَرَضَ عَلَيْهِمُ الْإِسْلَامَ فَمَنْ أَسْلَمَ طَوْعًا أَمَرَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَ مَا يُؤْمَرُ بِهِ الْمُسْلِمُ وَ يَجِبُ لِلَّهِ عَلَيْهِ وَ مَنْ لَمْ يُسْلِمْ ضَرَبَ عُنُقَهُ حَتَّى لَمَّا يَبْقَى فِي الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ أَحَدٌ إِلَّا وَحَدَّ اللَّهُ؛ (۱) این آیه درباره قائم نازل شده، هنگامی که بر یهود و نصارا و صابئین و مادی ها و برگشتگان از اسلام و کفار در شرق و غرب کره زمین، قیام می کند و اسلام را پیشنهاد می نماید. هر کس از روی میل پذیرفت، دستور می دهد که نماز بخواند و زکات بدهد و آن چه هر مسلمانی مأمور به انجام آن است بر وی نیز واجب می کند و هر کس مسلمان نشد گردنش را می زند، تا آن که در شرق و غرب عالم یک نفر خدا شناس باقی نماند.

دسته سوم: روایات مبارزه با کفار و مشرکین

مسیحیان به خاطر تثلیثشان و یهودیان به خاطر اینکه عزیر را پسر خدا می دانند، به نوعی مشرک شمرده می شوند. در برخی از روایات وجود مشرکین و کفار را در آخرالزمان نفی می کند.

ابو بصیر گفت: من از حضرت صادق علیه السلام تفسیر آیه: «خدا فرستاده خود را با هدایت و دین حق فرستاد، تا بر همه دین ها چیره شود، هر چند مشرکین نخواهند» را پرسیدم؟ حضرت فرمود: «به خدا قسم تأویل این آیه هنوز نازل نشده و تحقق نیافت.»

گفتم: قربانت شوم! کدام وقت تأویل این آیه تحقق خواهد یافت؟ حضرت فرمود:

وقتی قائم آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم ظاهر شود اگر خدای تعالی خواهد .. پس چون قائم بیرون آید، کافر و مشرکی باقی نمی ماند، مگر آن که خروج آن حضرت را مکروه می دارد، تا آن که اگر کافری یا مشرکی در میان سنگی باشد، آن سنگ [به سخن درآمده و] به مؤمن گوید: ای مؤمن! در میان من کافری یا مشرکی جای گرفته و خود را از نظر شما پنهان ساخته؛ پس او را از میان ببر! آن مؤمن حرف سنگ را گوش کرده و آن کافر را از میان آن بیرون آورده، بکشد.

محمد بن مسلم می گوید: از امام باقر علیه السلام درباره تفسیر آیه شریفه: ((وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ...)) پرسیدم؟ حضرت علیه السلام فرمود:

قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَقَالَ لَمْ يَجِئْ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ بَعِيدٌ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص رَحَّصَ لَهُمْ لِحَاجَتِهِ وَ حِيَاجِهِ أَضْيَاحَهُ فَلَوْ قَدْ حَيَاءُ تَأْوِيلُهَا لَمْ يَقْبَلْ مِنْهُمْ لِكِنَّهُمْ يُقْتَلُونَ حَتَّى يُوَحِّدَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ حَتَّى لَا يَكُونَ شِرْكَ؛ (۱) هنوز تأویل این آیه نیامده. همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم از سر نیازی که خود و اصحابش داشتند [و ناگزیر بودند با مشرکان و منحرفان بسازند] به آنها مهلت دادند و روزی که تأویل این آیه برسد، این مهلت از آنها پذیرفته نشود، بلکه کشته شوند تا خدای عز و جل به یگانگی پرستش شود و شرکی به جای نماند.

افزون بر آنچه یاد شد در برخی آیات از شرک با عنوان ظلم عظیم یاد شده است. (۲) و حکومتی که زمین را پر از عدل خواهد ساخت، چگونه ظلم بزرگ که همانا شرک پیروان اهل کتاب است را برخواهد تافت؟

و نیز در برخی روایات گفته شده حضرت مهدی علیه السلام زمین را از دشمنان خداوند که همانا مشرکان و کفار است پاک می کند (وَ بِهِ أَطْهَرُ الْأَرْضَ مِنَ الْأَعْدَائِ) و این طهارت و پاکیزگی زمین از آلودگی شرک هرگز محقق نمی شود تا آنگاه که همه

۱- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۸، ص ۲۰۱، ح ۲۴۳.

۲- ان الشرک لظلم عظیم.

مشركان از روى زمين برداشته شوند.

## خودآزمایی

۱. نخستین اقدام حضرت مهدی علیه السلام در حکومت جهانی برای فراهم کردن زمینه های یکتاپرستی چیست؟ توضیح دهید.
۲. مقصود از کتاب و امر جدید در برخی روایات مربوط به عصر ظهور چیست؟
۳. چه عواملی سبب می شود تا مردم عمل حضرت مهدی علیه السلام به آموزه های راستین اسلام را امری نوپندارند؟
۴. مهم ترین دلایل جهانی بودن اسلام را از نگاه قرآن و روایات بیان نمایید.
۵. دلیل کسانی که باور به حضور پیروان ادیان در حکومت مهدوی ندارند، کدام است؟ توضیح دهید.

===

## منابع برای پژوهش

۱. طبسی، نجم الدین، چشم اندازی به حکومت مهدی عجل الله فرجه، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۰ ش.
۲. مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی عجل الله فرجه، قم، مدرسه امام علی علیه السلام، ۱۳۸۰ ش.
۳. خراسانی، محمد جواد، مهدی منتظر، تحقیق و تعلیق: سید جواد میرشفیعی خوانساری، قم، نور الاصفیاء، ۱۳۷۹ ش.
۴. صدر، سید محمد، تاریخ پس از ظهور، ترجمه حسن سجادی پور، تهران، موعود عصر، ۱۳۸۴ ش.





## درس چهارم: حکومت حضرت مهدی علیه السلام و عدالت

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

مفهوم شناسی عدالت

عدالت در آموزه های دینی

عدالت در دولت مهدی موعود علیه السلام

راهبردهای عدالت گستری مهدوی

گستره عدالت مهدوی

گستره انسانی

گستره جغرافیایی

گستره مصداقی

آثار و برکات عدالت

## پیش درآمد

ظهور و قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام به راستی آخرین پرده از مبارزات پیوسته اهل حق و باطل است؛ که این بار همه پیروزی از آن حق است.

مهم ترین هدف برپایی حکومت واحد جهانی مهدوی، گسترش یکتاپرستی بر همه گیتی و میان همه انسان ها است. و در پدیدآوردن این ویژگی یگانه راه اجرای فراگیر عدالت فردی و اجتماعی در جامعه است. روایات فراوانی پرشدن زمین از عدالت را به عنوان محوری ترین سازوکار برای رسیدن به آن هدف مقدس یاد کرده اند.

به گونه ای که می توان گفت جمله «یملأ الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً» که در احادیث فراوانی ذکر شده، هم تواتر لفظی دارد و هم تواتر معنوی. انبوه روایاتی که هم در منابع شیعه و هم اهل سنت آمده می تواند ارزش و چگونگی این عدالت گستری را بیشتر بنمایاند.

اگر چه در بحث عدالت بیش از هر چیز عدالت اقتصادی به ذهن می رسد، ولی به نظر می رسد گستره عدالت بسیار فراتر از امور اقتصادی است و همه عرصه های زندگی را زیر پوشش خود می گیرد.

در این درس تلاش می شود تا به اندازه ممکن به این بحث اساسی اشاره شود و البته چون برخی بحث های دیگر همچنان نیازمند بررسی های گسترده تر و ژرف تر است.

در آموزه های اسلامی، همچون همه ادیان آسمانی، عدالت از جایگاه ویژه ای برخوردار است. چه اینکه آن یک نیاز فطری است که در همه انسان ها هست؛ در گذر تاریخ آنگاه که بدان توجه شده، جامعه سرشار از نشاط و زندگی شده و آنگاه که

جای آن را گرفت، مردم دچار خمودگی شدند. امام صادق علیه السلام، عدالت را از نیازهای ضروری مردم دانسته می فرماید:

« ثَلَاثَةٌ أَشْيَاءُ يَحْتِاجُ النَّاسُ طَرًّا إِلَيْهَا الْأَمْنُ وَالْعَدْلُ وَالْخُصْبُ؛ (۱) سه چیز است که همه انسان ها به آن نیازمندند: امنیت، عدالت، وسعت و فراوانی.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در ارزش عدالت می فرماید:

عَدْلٌ سَاعَهُ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً قِيَامٌ لَيْلُهَا وَصِيَامٌ نَهَارُهَا؛ (۲) یک ساعت عدالت از هفتاد سال عبادتی که شب های آن شب زنده داری شود و روزهای آن روزه گرفته شود.

## مفهوم شناسی عدالت

### الف) معنای لغوی

از عدالت تعاریف گوناگونی ارائه شده؛ از آن جمله است:

راغب اصفهانی در مفردات می گوید:

العدالة و المعادله لفظ يقتضى المساواه ويستعمل باعتبار المضايقه والعدل والعادل يتقاربان... فالعدل هو تقسيطُ على سواءٍ...؛ (۳) عدالت و معادله مقتضی معنای برابری است و به همین جهت همواره در مقایسه میان اشیاء کاربرد دارد و عَدْلٌ و عَدِلٌ تشابه نزدیکی به یکدیگر دارند. پس عدل همان تقسیم به دو نیم مساوی و هماهنگ است.

ابن منظور نیز عدل را به معنای تساوی میان دو چیز تعریف کرده است:

العَدْلُ: ما قام في النفوس أنه مُسْتَقِيمٌ، و هو ضِدُّ الْجَوْرِ. و العَدْلُ: الْحُكْمُ بِالْحَقِّ، يقال: هو يَقْضِي بِالْحَقِّ و يَعْدِلُ. و العَدْلُ من الناس: الْمَرْضِيُّ قَوْلُهُ و حُكْمُهُ. (۴)

شیخ طوسی در معنای آن چنین می گوید:

۱- حسن بن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۳۱۹.

۲- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۳۵۲.

۳- راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، ص ۳۳۶.

۴- ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۴۳۲.

العدالة في اللغة إن يكون الانسان متعادلا الاحوال متساويا<sup>(۱)</sup> عدالت در لغت این است که انسان احوال متساوی و متعادلی داشته باشد.

این تعاریف با وجود اختلاف در الفاظ به یک حقیقت اشاره دارند و آن تقسیم شایسته و رسیدن حق به حق دار است.

### (ب) معنای اصطلاحی

علامه طباطبایی در معنای آن چنین گفته است:

هی اعطاء کل ذی حق من القوی حقه و وضعه فی موضعه الذی ینبغی له<sup>(۲)</sup> عدالت این است هر نیرویی هر حقی دارد به حق خود برسد و در جایی که شایسته است قرار گیرد.

برای عدالت در اصطلاح تعریف های فراوانی ذکر شده که در این صفحات اندک، مجال بحث همه آنها نیست، از این رو به چهار برداشتی که شهید مطهری در کتاب عدل الهی بیان کرده، بسنده می شود:

۱. موزون بودن: یعنی رعایت تناسب یا توازن میان اجزای یک مجموعه؛ واژه اقتصاد نیز در فرهنگ اسلامی به معنای رعایت حد وسط و اعتدال ذکر شده است و اساس اقتصاد اسلامی بر مبنای رعایت اعتدال است.

۲. تساوی و رفع تبعیض: یعنی رعایت مساوات میان افراد هنگامی که استعدادها و استحقاق های مساوی دارند، مانند: عدل قاضی.

۳. رعایت حقوق افراد و دادن پاداش و امتیاز بر اساس میزان همکاری آنها مانند: عدالت اجتماعی.

۴. رعایت استحقاق ها: این معنی از عدل عمدتاً مربوط به عدالت تکوینی و از خصوصیات باری تعالی است.<sup>(۳)</sup>

---

۱- شیخ طوسی، المبسوط، ج ۷، ص ۲۱۷.

۲- محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۷۱.

۳- مرتضی، مطهری، مجموعه آثار، ج ۱، ص ۷۸۸۳.

## الف) در قرآن

در آیات فراوانی از قرآن به مناسبت های مختلف به بحث عدالت پرداخته شده است که برخی از این قرار است:

۱. خداوند، قائم به قسط

خداوند خود را «قائم به قسط» خوانده و فرمود: ((شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ))؛ (۱) خداوند که در کارهایش عدالت را برپا داشته، گواهی داده است که معبودی شایسته پرستش جز او نیست و فرشتگان و دانشمندان نیز بر آن گواهی داده اند. [آری؛] معبودی شایسته پرستش جز او که شکست ناپذیر و حکیم است، نیست.

۲. عدالت، هدف رسالت

قرآن کریم در بیان اهداف فرستادن پیامبران صلی الله علیه وآله، برپایی قسط و گسترش عدالت در میان مردمان را هدف اصلی آنان بیان کرده است: ((لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ))؛ (۲) به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند، و آهن را که در آن برای مردم خطری سخت و سودهایی است، پدید آوردیم، تا خدا معلوم بدارد چه کسی در نهان، او و پیامبرانش را یاری می کند. آری، خدا نیرومند شکست ناپذیر است.

۳. پیامبر اسلام، مأمور به قسط

سپس آن را به پیامبرش دستور داد که بگوید: ((قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ...))؛ (۳) بگو: پروردگام به عدل و داد فرمان داده است....

۱- آل عمران (۳)، آیه ۱۸.

۲- حدید (۵۷)، آیه ۲۵.

۳- اعراف (۷)، آیه ۲۸.

۴. مؤمنان، مأمور به عدالت

خداوند مؤمنان را نیز به برپایی عدالت و قسط فرا خواند و فرمود: ((يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ...))؛ (۱) ای کسانی که ایمان آورده اید، پیوسته به عدالت قیام کنید و برای خدا گواهی دهید.

در آیه هشتم سوره مائده بر این عدالت پافشاری کرده چنین فرمود:

((يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا إِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ))؛ (۲) ای کسانی که ایمان آورده اید، برای خدا به داد برخیزید [و] به عدالت شهادت دهید، و البته نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید. عدالت کنید که آن به تقوا نزدیکتر است، و از خدا پروا دارید، که خدا به آنچه انجام می دهید آگاه است.

۵. دادگری هنگام داوری

و به مردم سفارش کرده هنگام داوری به عدل داوری کنند آنجا که می فرماید: ((وَإِذَا حَكَمْتُم بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ))؛ (۳) و چون میان مردم داوری می کنید، به عدالت داوری کنید.

آنچه یاد شد فقط بخشی از آیات در بحث عدالت بود.

## (ب) در روایات

در سخنان معصومان علیهم السلام روایات فراوانی در باره عدل و عدالت آمده است که نمونه ای از آنها چنین است. امام علی علیه السلام در باره جایگاه عدل می فرماید:

إِنَّ الْعَدْلَ مِيزَانُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ الَّذِي وَضَعَهُ فِي الْخَلْقِ وَنَصَبَهُ لِإِقَامَةِ الْحَقِّ...؛ (۴) عدالت، ترازوی خدای سبحان است که آن را در میان آفریده های خود نهاده و برای برپا داشتن حق، نصب کرده است.

۱- نساء (۴)، آیه ۱۳۵.

۲- مائده (۵)، آیه ۸.

۳- نساء (۴)، آیه ۵۸.

۴- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۲۵.

همچنین آن حضرت در پاسخ به اینکه آیا عدل برتر است یا بخشش؟ فرمود:

الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا وَالْجُودُ يُخْرِجُهَا مِنْ جِهَتَيْهَا وَالْعَدْلُ سَائِسٌ عِيَامٌ وَالْجُودُ عَارِضٌ خِصَّصٌ فَالْعَدْلُ أَشْرَفُهُمَا وَأَفْضَلُهُمَا؛ (۱) عدالت کارها را بدانجا می نهد که باید و بخشش آن را از جایش برون نماید. عدالت تدبیر کننده ای است به سود همگان، و بخشش به سود خاصگان. پس عدل شریفتر و با فضیلت تر است.

البته افزون بر تعبیر عدالت در بسیاری از روایات تعبیر قسط نیز به کار رفته که به بیانی مختصر بسنده می شود.

"قسط" بنا به گفته راغب اصفهانی، به دو معنای مقابل هم به کار رفته است. هم بهره عادلانه را گویند. (در باب افعال) که خداوند فرمود: لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ؛ (۲) تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند به عدالت پاداش دهد. و در جایی دیگر فرمود: وَ أَقِيمُوا الْوِزْنَ بِالْقِسْطِ؛ (۳) و وزن را به انصاف برپا دارید. و هم به معنای جور و گرفتن بهره دیگران آمده، (در باب ثلاثی مجرد) که خداوند فرمود: وَ أَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا؛ (۴) ولی منحرفان، هیزم جهنم خواهند بود. (۵)

البته میان "عدالت" و "قسط" تفاوت وجود دارد، عدالت به این گفته می شود که انسان حق هر کس را بپردازد، و نقطه مقابلش، آن است که ظلم و ستم کند و حقوق افراد را از آنها دریغ دارد، ولی "قسط" مفهومی است که حق کسی را به دیگری ندهد، و به تعبیر دیگر "تبعیض" روا ندارد، و نقطه مقابلش آن است که حق کسی را به دیگری دهد.

ولی مفهوم وسیع این دو کلمه مخصوصاً هنگامی که جدا از یکدیگر به کار می روند

۱- محمد بن حسین شریف رضی (د/ ۴۰۶ ق)، نهج البلاغه، ترجمه: سید جعفر شهیدی، حکمت ۴۳۷، ص ۴۴۰.

۲- سوره یونس (۱۰) آیه ۴.

۳- سوره الرحمن (۵۵) آیه ۹.

۴- سوره جن (۷۲) آیه ۱۵.

۵- راغب، المفردات، ج ۱، ص ۶۷۰.



تقریباً مساوی است و به معنی رعایت اعتدال در همه چیز و همه کار و هر چیز را به جای خویش قرار دادن می باشد.

### عدالت در دولت مهدی موعود علیه السلام

عدالت با این جایگاه بسیار والا و ویژه، شاخصه اصلی حکومت جهانی امام مهدی عجل الله فرجه است به گونه ای که هرگاه سخن از آن دولت کریمه به میان می آید به برپایی عدل و قسط نیز اشاره می شود. مرحوم کلینی از امیرالمؤمنین علیه السلام چنین نقل می کند: ... المهدی ... يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا...؛ مهدی زمین را از عدل و داد پر می کند؛ همان گونه که از ظلم و ستم، پر شده است. (۱)

از امام کاظم علیه السلام درباره تأویل این آیه: ((إِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا...))؛ (۲) بدانید که خدا زمین را پس از مرگش زنده می گرداند؛ سوال شد. فرمود:

((يَبْعَثُ اللَّهُ رِجَالًا فَيَحْيُونَ الْعَيْدَلِ فَنُحْيَا الْأَرْضَ لِأَحْيَاءِ الْعَيْدَلِ))؛ (۳) خداوند بلند مرتبه، مردانی را بر می انگیزد تا عدل را احیا کنند؛ چون زمین با احیای عدل، زنده می شود.

### راهبردهای عدالت گستری مهدوی

#### اشاره

در جامعه مهدوی همه عناصر پدیدآورنده عدالت دست به هم خواهند داد تا نوید پروردگار در برپایی جامعه جهانی بر پایه عدل را شکل دهند؛ عناصری چون: قانون دادگرانه، رهبر عادل، حکومت و کارگزاران عادل و جامعه عادل، که در این صورت عدل جهانی امری قطعی خواهد بود.

اجرای عدالت راهکارهایی دارد که انجام آن ها سبب تعادل و از میان رفتن زمینه بی عدالتی خواهد شد که برخی از آن ها عبارتند از:

#### افزایش معرفت

یکی از عوامل بی عدالتی جهل و نادانی است. در عصر ظهور، آگاهی های مردم

۱- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۸.

۲- حدید (۵۷)، آیه ۱۷.

۳- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۷، ص ۱۷۴.

افزایش چشم گیری خواهد داشت. امام باقر علیه السلام در باره رشد آگاهی جامعه عصر ظهور، می فرماید:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهَا أَحْلَامَهُمْ؛ (۱) آن گاه که قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان می نهد؛ به این وسیله خداوند خردهای آن ها را جمع و کامل می گرداند.

### گسترش انفاق

از مهم ترین عوامل بی عدالتی فاصله طبقاتی میان تهیدست و غنی است. انفاق از طرف ثروتمندان نقش مهمی در نزدیک ساختن جامعه به برخورداری همگانی ایفا می کند. انفاق، حتی به صورت غیر واجب، به عنوان یک ارزش تلقی شده و پاداش عظیمی برای آن بیان شده است. در دوران حاکمیت حضرت مهدی انفاق مال به اوج خود می رسد به گونه ای که یکی از اسباب بی نیاز شدن مردم خواهد بود.

### توزیع دادگرانه

توزیع دادگرانه ثروت، عدالت اقتصادی در عصر ظهور، به معنای تقسیم دادگرانه ثروت میان تمام افراد جامعه است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: شما را بشارت می دهم به ظهور مهدی علیه السلام در میان امتم برانگیخته می شود... آن گاه فرمود: «و یقسم المال صحاحاً» گفته شد «صحاحاً» چیست؟ فرمود: میان همه مردم با مساوات برخورد خواهد کرد... (۲).

### برداشتن افزون خواهی

یکی از صفات ناپسند فزون خواهی است. در آموزه های اسلامی افزون بر سفارش به قناعت از زیاده خواهی نیز مذمت شده است. یکی از راهبردهای حکومت جهانی مهدوی مبارزه با زیاده خواهی است.

معاذ بن کثیر گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

مَوْسِعٌ عَلَى شِيعَتِنَا أَنْ يَنْفِقُوا مِمَّا فِي أَيْدِيهِمْ بِالْمَعْرُوفِ، فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۵.

۲- علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۶۱، ح ۱۸.

عليه السلام حَرَّمَ عَلَى كُلِّ ذِي كَنْزٍ كَنْزَهُ حَتَّى يَأْتِيَهُ بِهِ فَيَسْتَعِينُ بِهِ عَلَى عَدُوِّهِ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي كِتَابِهِ: (( وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالفِضَّةَ وَلَا يُفْتِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ )) (۱)؛ (۲)... و کسانی که زر و سیم را گنجینه می کنند و آن را در راه خدا هزینه نمی کنند، ایشان را از عذابی دردناک خبر ده.

### احساس بی نیازی در مردم

یکی از سازوکارهای مهم در برپایی عدالت، فروکاستن از آرزوهای مادی و خواسته های فزاینده دنیوی است که با استغنائی روحی انسان ها پدید می آید. بالا رفتن ظرفیت های فکری و درونی مردم، توجه به نیازهای اصیل و فطری و ماندگار، پایین آوردن سطح خواسته های گوناگون و بی پایان مادی و غریزی، در اولویت قرار ندادن امور نازل و فانی و... از نشانه های غنای روحی و معنوی اند. که با رشد خردورزی در عصر ظهور به گونه ای کامل پدید خواهد آمد. و به شکل گیری هر چه بهتر عدالت کمک می کند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: « وَ يَجْعَلُ اللَّهُ الْغِنَى فِي قُلُوبِ هَذِهِ الْأُمَّةِ؛ (۳) و خداوند در دل های این امت بی نیازی قرار می دهد. »

### گستره عدالت مهدوی

#### اشاره

در باره گستره عدالت در حکومت جهانی مهدوی اگرچه آنچه بیشتر در روایات به چشم می آید گستره جغرافیایی است، ولی در برخی روایات به همه گروه های انسانی و نیز همه مصداق های عدالت می توان اشاره کرد.

#### ۱. گستره انسانی

عدالت مهدوی هرگز ویژه گروهی خاص از انسان ها نخواهد بود، بلکه همه انسان ها را (از هر جنس، در هر سن و سال، با هر گویش و در هر منطقه جغرافیایی) در بر خواهد گرفت. حتی در برخی روایات فراگیری عدالت مهدوی دربرگیرنده انسان های بدکردار

۱- توبه (۹)، آیه ۳۴.

۲- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۴، ص ۶۱.

۳- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۴.

نیز می شود که البته این خود نیازمند تبیین است که مقصود از اجرای عدالت برای بدکاران فراهم کردن زمینه برای هدایت آنهاست و در صورتی که هدایت نشدند برخورد آن حضرت با آنها و یا بهره مندی از توزیع عادلانه ثروت که در این باره امام حسین علیه السلام فرمود: «إِذَا قَامَ الْعَدْلُ وَسِعَ عَدْلُهُ الْبُرَّ وَالْفَاجِرَ» (۱)... آن گاه که برپاکننده عدل به پاخیزد، دادگری اش نیکوکار و فاجر رادر بر می گیرد.»

## ۲. گستره جغرافیایی

از روایاتی که درباره روش حکومتی امام مهدی علیه السلام بیان شد، به دست می آید که در آن عصر، هستی با همه گستردگی اش در دایره حاکمیت عدل مهدوی در همه ابعاد حقوقی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی قرار خواهد گرفت و حکومت اسلامی به منطقه خاصی محدود نخواهد شد.

عدالت مهدوی فراگیر است و همه زمین را در بر می گیرد. از این نگاه، جامعه مهدوی قابل قیاس با هیچ جامعه ای نیست؛ چرا که تصور حکومتی این چنین فراگیر نیز در ذهن کسی نمی گنجد. حتی حکومت و خلافت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام نیز گستره ای این چنین وسیع نداشته اند. عدالت محوری در همه زمین فقط با نام امام مهدی علیه السلام آمیخته است.

## ۳. گستره مصداقی

### اشاره

افزون بر دو گستره یادشده از برخی روایات به دست می آید که عدالت حضرت حوزه های گوناگونی را در بر می گیرد که برخی از این قرارند:

### یک. عدالت در داوری

پیش از این اشاره شد در برخی آیات قرآن به داوری میان مردم بر پایه عدل فرمان داده شده است.

عدالت قضایی یکی از برنامه های اساسی حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام است که در برخی روایات اشاره شده است.

به خطبه ۱۳۸ نهج البلاغه، در این خصوص اشاره می کنیم. مولا علی علیه السلام



می فرماید:

فردایی که شما را از آن هیچ شناختی نیست، زمام داری حاکمیت پیدا می کند که غیر از خاندان حکومت های امروزی است؛ اعمال و کارگزاران حکومت ها را بر اعمال بدشان کیفر می کند.

### دو. عدالت در عرصه اقتصاد

اگرچه در روایات به این نوع عدالت فراوان اشاره شده، ولی به نظر می رسد عدالت اقتصادی از جهت شأن و رتبه نقش تبعی دارد، اگر چه تا اندازه ای می تواند زمینه ساز عدالت در فرهنگ و آموزش به حساب آید.

نظام اقتصادی اسلام بر اساس عدالت است، یعنی طوری برنامه ریزی شده که حق کسی از میان نرود و هر صاحب حقی بتواند متناسب با کار یا نیازش زندگی راحتی داشته باشد. این عدالت در عرصه های زیر تحقق می یابد:

الف) عدالت در توزیع: حضرت علی علیه السلام در زمان حکومت خود، همه تلاش خود را برای برپایی عدالت اقتصادی و اجتماعی انجام داد و در این زمینه دست به رفتاری زد که شاید هیچکس در طول تاریخ این کار را انجام نداده باشد و آن بازپس گیری اموال از ثروتمندان و رساندن آن به دست نیازمندان بود.

ب) عدالت در بهره گیری و مصرف: در اندازه مصرف نیز باید مراعات عدالت بشود و قرآن نیز در این زمینه می فرماید: ((کلوا و اشربوا و لاتسرفوا))؛<sup>(۱)</sup> هم از نعمت های خدا بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید.

### سه. عدالت در عرصه سیاست

منظور از عدالت سیاسی این است که طبقه فرمانروا حقوق سیاسی مردم را بپردازد و مردم نیز حقوق طبقه حاکم را، حقوق طبقه حاکم همان فرمان برداری است و البته طبق بیان امام علی علیه السلام خیرخواهی و تذکر به حاکم در حضور و غیبت، نیز حقی است که حاکم بر مردم دارد. در قرآن خطاب به مومنان آمده است: ((اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم))؛<sup>(۲)</sup> خداوند را فرمان برداری کنید و از رسول و صاحب امرتان فرمان

۱- اعراف (۷)، آیه ۳۱.

۲- نساء (۴)، آیه ۵۹.

ببرید. پیرامون حقوق سیاسی مردم نیز می توان به آیات مربوط به مشورت و شوری مثل: ((و امرهم شوری بینهم)) و آیات مربوط به امر به معروف و نهی از منکر اشاره کرد: ((کنتم خیر امه اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر))؛ نتیجه این که در قرآن عدالت به صورت بسیار گسترده مورد توجه و عنایت واقع شده است.

امام علیه السلام کارگزاران ناشایست را بر کنار می کند و آنان که سیرت پسندیده دارند بر کار می گمارد.

سیره مدیریتی حضرت در برکناری کارگزاران اداری امراء الجور همانند سیره امام علی علیه السلام در برکناری کسانی است که با مردم عدالت نمی ورزیدند.

در جامعه مهدوی، هیچ نیرنگ بازی وجود نخواهد داشت و سیره او رفتار بر پایه عدل و قوانین داد گرانه خواهد بود.

### **چهار . عدالت در عرصه فرهنگ**

یکی از ابعاد عدالت مهدوی، فراهم شدن امکان رشد و کمال فرهنگی و آموزشی برای جامعه است. در زمان حضرت، خردها کانونی یگانه می یابد و همه به مقتضای توانایی خود از دانش و معرفت خوشه می چینند و حکمت می آموزند تا بتوانند آهنگ پرستش و عبودیت و فضائل اخلاقی کنند.

در جامعه مهدوی اگرچه عدالت اقتصادی می تواند زمینه ساز عدالت فرهنگی باشد، ولی عدالت فرهنگی از شأن بالاتری برخوردار است و اقتصاد و دارایی رنگ حکمت و معنویت به خود می گیرد.

### **آثار و برکات عدالت**

اگر نبود، مگر فراهم شدن زمینه برای رشد و کمال و رسیدن انسان به قرب آفریدگار در پرتو برپایی حکومت عدل جهانی، انسان از برپایی این عدل گسترده بیشترین بهره را برده است.

البته احادیثی در دست است که به برخی از برکات برپایی عدالت اشاره شده است. یکی از این آثار، رفاه اقتصادی در دوران ظهور است به گونه ای که پس از اصل عدالت دومین موضوعی است که در آن دوران در جامعه پدید می آید. و این هر دو با یکدیگر

پیوندی ناگسستی دارند، زیرا که اجرای دقیق عدالت برای از بین بردن روابط ستمگرانه است.

امام باقر علیه السلام به نقل از امیر مؤمنان و نیز امام صادق علیهم السلام در این باره می فرمایند:

إِنَّ النَّاسَ يَسْتَتَعُونَ إِذَا عُدِلَ بَيْنَهُمْ وَ تَنْزِلُ السَّمَاءُ رِزْقَهَا وَ تُخْرِجُ الْأَرْضُ بِرَكَّتِهَا بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى؛ (۱)... مردمان بی نیاز می شوند آنگاه که عدالت میانشان حاکم باشد و آسمان روزی اش را فرو می ریزد و زمین برکت هایش را بیرون می ریزد با خواست پروردگار متعال.

امام ششم همچنین فرمود:

إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَتْرُكْ شَيْئاً مِنْ صُنُوفِ الْأَمْوَالِ إِلَّا وَ قَدْ قَسَمَهُ وَ أَعْطَى كُلَّ ذِي حَقِّ حَقَّهُ الْخَاصَّةَ وَ الْعَامَّةَ وَ الْفُقَرَاءَ وَ الْمَسَاكِينَ وَ كُلَّ صِنْفٍ مِنْ صُنُوفِ النَّاسِ فَقَالَ لَوْ عُدِلَ فِي النَّاسِ لَأَسْتَعْنُوا؛ (۲) خداوند همه ثروت ها را میان مردم قسمت کرده است، و به هر کس حقش را داده است: کارگزاران و توده مردم و بینوایان و تهیدستان و هر گروهی از گروه های مردم. سپس امام گفت: اگر عدالت برقرار شده بود همه مردم بی نیاز شده بودند.

بنابراین می توان رفاه و آسایش همگانی را یکی از برکات عدل جهانی مهدوی دانست. امام صادق علیه السلام می فرماید:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَ ارْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْرُ وَ أَمِنَتْ بِهِ السُّبُلُ وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ بِرَكَاتِهَا وَ رَدَّ كُلُّ حَقٍّ إِلَى أَهْلِهِ؛ (۳) وقتی که قائم ما قیام کند، داوری را بر پایه عدالت قرار می دهد و ظلم و جور در دوران او برچیده می شود و جاده ها در پرتو وجودش امن و امان می گردد و زمین برکاتش را بیرون می سازد و هر حقی به صاحبش می رسد.

۱- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۳، ص ۵۶۸، ح ۶.

۲- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۴۱.

۳- شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۴.



## خودآزمایی

۱. عدالت را از نظر لغت و اصطلاح توضیح دهید.
۲. از نگاه آیات قرآن عدالت را توضیح داده؛ برخی مصادیق آن را نام ببرید.
۳. سه راهبرد از راهبردهای گسترش عدالت در حکومت حضرت مهدی علیه السلام را توضیح دهید.
۴. انواع گستره های عدالت مهدوی کدامند؟ آنها را توضیح دهید.
۵. دیدگاه خود را در باره برکات گسترش عدالت بر کل زمین شرح دهید.

===

## منابع برای پژوهش

۱. مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی علیه السلام، قم، مدرسه امام علی علیه السلام، ۱۳۸۰ ش.
۲. خراسانی، محمد جواد، مهدی منتظر، تحقیق و تعلیق: سید جواد میرشفیعی خوانساری، قم، نور الاصفیاء، ۱۳۷۹ ش.
۳. صدر، سید محمد، تاریخ پس از ظهور، ترجمه حسن سجادی پور، چاپ اول، تهران، موعود عصر، ۱۳۸۴ ش.
۴. مصباح یزدی، محمد تقی، سلسله مباحث اسلام، سیاست و حکومت، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸ ش.
۵. کارگر، رحیم، آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، قم، ۱۳۸۳ ش.



**درس پنجم: نظام امنیتی حکومت امام مهدی علیه السلام**

**اشاره**

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

امنیت:

از نگاه لغت

از نگاه اصطلاح

در قرآن

در روایات

نقش امام در تأمین امنیت

حکومت مهدوی و امنیت

گستره امنیت در حکومت مهدوی

## پیش درآمد

امنیت، مهم‌ترین نیاز هر جامعه در هر زمان و انتظار نخست انسان‌ها از حکومت‌ها است؛ که ابعاد گوناگون و گسترده‌ای را به خود اختصاص داده است. تأثیرپذیری امنیت از فرهنگ، اقتصاد، و جمعیت و تأثیرگذاری آن بر همه زندگی انسانی، به آن نقشی حیاتی داده است.

از این رو یکی از پایه‌های بنیادین و ریشه‌ای در برپایی حکومت و ابعاد آن، امنیت، چه امنیت فردی و چه اجتماعی به عنوان سنگ‌زیربنای زندگی فرد و جامعه است و پیش شرط هرگونه رشد، رفاه و ارتقای مادی و معنوی به شمار می‌آید.

حکومت جهانی و عدالت گستر حضرت مهدی علیه السلام نیز از این قاعده بیرون نیست و در این حکومت جهانی برای رسیدن به آرمان بزرگ شایستگان و فرجام سعادت بخش زندگی، فراهم شدن امنیت فراگیر، از ارزش ویژه و والایی برخوردار است.

در این درس تلاش شده تا به ابعاد و چگونگی این برقراری اشاره شده، پیوند امنیت با دیگر مؤلفه‌های این حکومت فراگیر تبیین شود.

یکی از ویژگی‌های جامعه بشری از آغاز تا کنون ناامنی، اضطراب و نگرانی بوده و هست. این نگرانی و ناامنی همواره چهره‌های گوناگونی به خود گرفته است. زمانی در ساده‌ترین صورت از درندگان و حیوانات وحشی بود که با پناه بردن به غارها و یا ساخت پناهگاه به امنیت می‌رسید و زمانی در پیچیده‌ترین نوع خود و آنهم ترس از هم‌نوع خود، یعنی دیگر انسان‌ها بوده و است که جلوگیری از آن بسی دشوار تر و گاهی ناشدنی می‌نماید. و البته این نگرانی در نوع دوم رفته رفته گسترده‌تر شده، می‌رود تا بر همه

انسان ها و همه شئون زندگی آنها چیره شود. به گونه ای که امروزه ناامنی جزئی از زندگی همه انسان ها شده است.

این نیاز اساسی به امنیت در آموزه های اسلامی فراوان مورد توجه و اهتمام قرار گرفته است. ولی پیش از هر سخن به معناشناسی این واژه اشاره کنیم.

## امنیت

### از نگاه لغت

ریشه لغوی این واژه از کلمه «امن»، و با مشتقاتی چونان: «ایمان»، «ایمنی» و «استیمان» به کار برده می شود. و در لغت فارسی به ایمن شدن، درامان بودن و بی بیمی، (۱) اطمینان خاطر یافتن و برطرف شدن ترس و بیم، (۲) معنا شده است. و در زبان عربی به معانی پرشماری آمده است.

راغب در کتاب مفردات امن و امنیت را در اصل به معنای آرامش نفس و از میان رفتن ترس دانسته، (۳) فیومی در المصباح المنیر با ذکر نمونه "أمن زید الأسد أَمناً" معنای امنیت را آرامش و از بین رفتن ترس یاد کرده است. آنگاه این واژه را هم از نظر وزن و هم از نظر معنا همانند "سَلِمَ" دانسته است. (۴)

با توجه به معانی لغوی می توان گفت "امن" در بر دارنده دو جهت ایجابی و سلبی می شود. ایجاب در آنجا که سخن از اطمینان، آرامش فکری و روحی است و سلب در آنجا که نبود ترس، دلهره و نگرانی مقصود است.

### از نگاه اصطلاح

## اشاره

برای به دست آوردن معنای اصطلاحی امنیت به دو منبع بنیادین قرآن و سنت نگاه می کنیم:

۱- محمد معین، فرهنگ فارسی، نشر سرایش، ص ۱۲۲.

۲- محمد بندریگی، فرهنگ بندریگی، ص ۳۲۳.

۳- راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، دفتر نشر کتاب، ص ۲۵.

۴- فیومی، المصباح المنیر، ص ۲۴.

## الف) از نگاه قرآن

پیش تر اشاره شد امنیت از پدیده های پایه ای است که در همه ابعاد زندگی فردی و گروهی انسان به گونه ای تأثیر گذار و مورد نیاز است. از این رو آموزه های قرآن بدان سبب که پاسخ گوی نیازهای حقیقی انسان ها است به آن به طور شایسته ای پافشاری کرده است.

اگر چه صورت فارسی و عربی این کلمه با واژه «امنیت» و «امنیه» در متون اسلامی به چشم نمی خورد، ولی واژه های مشتق از این ریشه به فراوانی به کار رفته است.

در مجموع از ریشه یا کلمه «امن»، ۶۲ کلمه مشتق شده است و نزدیک ۸۷۹ بار در قرآن به کار رفته است. (۱) پیوند تنگاتنگ و ناگسستنی این واژه با کلمه های اسلام، ایمان و مؤمن گویای ارزش فراوان مفهوم آن است. مفهومی که افزون بر آیات قرآن و روایات معصومان علیهم السلام، به فراوانی در سخنان اندیشمندان اسلامی و شیعی به چشم می خورد.

یادآوری این نکته بایسته است که کلمه «الامن» در مجموع سه بار: در سوره های انعام، آیات ۸۱ و ۸۲ و نساء آیه ۸۳ به کار رفته است. کلمه «أمناً» دو بار: یکی در سوره بقره، آیه ۱۲۵ و دیگری در سوره نور، آیه ۵۵ به کار رفته است. هم چنین واژه «أمنه» دو بار: در سوره های آل عمران، آیه ۱۵۴ و انفال، آیه ۱۱ به کار رفته است.

در آیات قرآن، سخنان فراوانی در ارزش و جایگاه ارزنده امنیت در زندگی فردی و اجتماعی انسان وارد شده است. که به نمونه هایی از آن ها اشاره می شود:

۱. خداوند یکی از اهداف برپایی حکومت شایستگان را پدید آمدن امنیت در جامعه بشری دانسته است؛ آنجا که می فرماید:

((وَعَيِدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ... وَلَيُدْخِلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا...))؛ (۲) خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد... و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند،

۱- ر.ک: محمود روحانی، المعجم الاحصایی لالفاظ القرآن الکریم، ج ۱، صص ۳۷۲ ۳۷۳.

۲- نور (۲۴)، آیه ۵۵.

[تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند، و هر کس پس از آن به کفر گراید آنانند که نافرمانند.

بدین گونه، خداوند به مؤمنان که کارهای شایسته می کنند و به یاری خداوند، حکومت جهانی عدل محور را پدید خواهند آورد، نوید امنیت و آرامش و از بین رفتن همه اسباب ترس و وحشت را داده است.

۲. خداوند نعمت امنیت را از پایه ای ترین نیاز فطری انسان‌ها دانسته، مهم ترین خواسته پیامبر خود حضرت ابراهیم را- هنگام بنانهادن کعبه - این گونه یاد کرده است: (( وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَ... ))؛ (۱) و چون ابراهیم گفت: «پروردگارا، این [سرزمین] را شهری امن گردان. و نیز فرمود: (( وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَ... ))؛ (۲) و خداوند نیز، بنا به آیه: وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ آمِنًا... ))؛ (۳) و چون خانه [کعبه] را برای مردم محل اجتماع و [جای] امنی قرار دادیم. از این امنیت بخشی گزارش داده است.

پدیده امنیت چنان بزرگ است که پروردگار به سبب آن بر انسان‌ها منت نهاد و خویش را شایسته سپاس و بندگی دانست. (۴) و نیز خداوند هستی به همین سرزمین دارای امنیت، برای بیان چگونگی آفرینش انسان سوگند خورده است. (۵)

امن دانستن خانه کعبه به دست خداوند بزرگ در حقیقت بیانگر جایگاه ارزشمند امنیت است که این بنای مقدس با آن توصیف شده است. این ویژگی کعبه در آیات فراوانی یاد شده است. هم چنان که در سوره تین شهر مکه به «بلد امین» وصف شده است.

۳. در آیات قرآن، از سرزمینی که از نعمت امنیت و آرامش برخوردار باشد، به عنوان سرزمین مثال‌زدنی، نمونه و الگو، یاد شده است. آنجا که می‌فرماید: (( وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَوْمٍ كَانَتْ آمَنَهُمْ مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ

۱- بقره (۲)، آیه ۱۲۶.

۲- ابراهیم (۱۴)، آیه ۳۵.

۳- بقره (۲)، آیه ۱۲۵.

۴- (( فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ (۳) الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَ آمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ ))؛ (قریش (۱۰۶)، آیه ۳ و ۴).

۵- (( وَ هَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ (۳) لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ))؛ (تین (۹۵)، آیه ۳ و ۴).

فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسِ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ))؛ (۱) و خدا شهری را مثل زده است که امن و امان بود [و] روزیش از هر سو فراوان می رسید، پس [ساکنانش] نعمتهای خدا را ناسپاسی کردند، و خدا هم به سزای آنچه انجام می دادند، طعم گرسنگی و هراس را به [مردم] آن چشاند.

۴. از امنیت به عنوان بزرگ ترین پاداشی یاد شده که در تمیز اهل حق از باطل، به اهل حق داده می شود؛ همان گونه که قرآن می فرماید: ((فَأَيُّ الْفَرِيقِينَ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ))؛ (۲) کدام یک از دو دسته شایسته امنیت هستند؟

این نشانگر آن است که نعمت امنیت پایه همه نعمت ها است؛ چرا که هر گاه امنیت از میان برود، دیگر مواهب مادی و معنوی نیز به خطر خواهد افتاد. در یک گستره ناامن، نه بندگی خداوند شدنی است، نه زندگی همراه با سربلندی و آسودگی فکر و نه تلاش و کوشش و جهاد برای پیشبرد هدف های اجتماعی. (۳)

بنابراین در فرهنگ قرآنی امنیت یک مفهوم گسترده، همگن و ژرف دارد و همه ابعاد زندگی و حوزه های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی را در بر می گیرد.

## (ب) از نگاه روایات

روایات معصومان علیهم السلام همانند قرآن بیان گر این نکته مهم است که هرگونه امنیتی، در ایمان و باورهای معنوی و الهی ریشه دارد و هرگونه ناامنی در هر عرصه ای، ناگزیر ریشه اش به بی ایمانی و صفاتی مانند شرک، کفر، ظلم، استکبار و... برمی گردد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید: « نِعْمَتَانِ مَكْفُورَتَانِ الْأَمْنُ وَالْعَافِيَةُ؛ (۴) دو نعمتند که قدر آنها شناخته نمی شود و کفران می گردند: امنیت و تندرستی.»

امام صادق علیه السلام زندگی بدون امنیت را ناقص و ناگوار شمرده و در این راستا فرموده است:

خَمْسُ خِصَالٍ مَنْ فَقَدَ وَاحِدَهُ مِنْهُنَّ لَمْ يَزَلْ نَاقِصَ الْعَيْشِ زَائِلَ الْعَقْلِ مَشْغُولَ

۱- نحل (۱۶)، آیه ۱۱۲.

۲- انعام (۶)، آیه ۸۱.

۳- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۸۴ (با تصرف).

۴- شیخ صدوق، خصال، ج ۱، ص ۳۴.



الْقَلْبِ فَأَوْلَاهَا صِحَّةُ الْبَدَنِ وَالثَّانِيَةُ الْأَمْنُ وَ...؛ (۱) پنج ویژگیست که اگر هریک از آنها از دست رود زندگی ناگوار، به دور از خردورزی و در دل مشغولی است پس نخست آنها صحت تن و دیگر امنیت و...

در روایتی، از امنیت در کنار عدالت و فراوانی، به عنوان سه نیاز بنیادین مردم یاد شده است:

«ثلاثة أشياء يحتاج الناس طرّاً إليها الأمان والعُدلُ و...؛ (۲) سه چیز است که همگان بدان نیازمندند امنیت، عدل و...»

امیر مؤمنان علیه السلام در بحث از اهداف برتر حکومت، یکی از دلیل های پذیرش حکومت را فراهم کردن امنیت برای بندگان و پشتیبانی از آن ها می شمارد. نیز حضرت در بیان نقش و جایگاه امنیت می فرماید: «رفاهیه العیش فی الأمان؛ (۳) لا نعمه أهناً من الأمان؛ (۴) رفاه زندگی در امنیت است و هیچ نعمتی گواراتر از امنیت نیست.»

ارزش امنیت در جامعه مسلمین به اندازه ای است که نخستین وظیفه مسلمین در رودررویی با یکدیگر آشکار کردن این مطلب به فرد روبه رو است. در این راستا ابتدایی ترین راه، گفتن "سلام" است.

### زمینه های ترس، دلهره و ناامنی

عوامل فراوانی سبب ناامنی می شوند که برخی از مهم ترین آنها از این قرارند:

۱. دور شدن از آفریدگار هستی به عنوان پایه همه امنیت ها؛
۲. دور شدن از معنویت و باورهای دینی به ویژه باور به رستاخیز و کیفر کارها؛
۳. تهی دستی به خاطر گسترش تبعیض و فاصله طبقاتی؛
۴. رواج بی عدالتی، فزون خواهی و رفاه زدگی؛
۵. شیوع فحشا و هرزگی به ویژه در دوران امروز با گسترش رسانه های جمعی؛

۱- پیشین، ج ۱، ص ۲۸۴.

۲- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۳۲.

۳- آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۴۴۷، ش ۱۰۲۵۳.

۴- پیشین، ش ۱۰۲۵۴.

۶. سستی دستگاه های حاکمه در برپایی امنیت.

که البته همه این عوامل و مانند آن در حکومت حضرت مهدی علیه السلام ریشه کن خواهد شد و ناامنی ها به امنیت خواهد رسید.

### نقش امام در امنیت روانی و معنوی

نقش معصوم علیه السلام در دو بُعد تکوین و تشریح، سبب فراهم شدن امنیت می شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی می فرماید:

أَلَا إِنَّ أَهْلَ بَيْتِي أَمَانٌ لَكُمْ فَأَحْبِبُوهُمْ بِحُبِّي وَ تَمَسَّكُوا بِهِمْ لَنْ تَضِلُّوا؛ (۱) آگاه باشید! به درستی اهل بیت من مایه امنیت برای شما هستند، پس همانطور که مرا دوست دارید آنها را نیز دوست بدارید و در نتیجه هرگز گمراه نخواهید شد.

در حدیث دیگری ایشان می فرماید: « وَ أَهْلُ بَيْتِي أَمَانٌ لِأُمَّتِي مِنَ الضَّلَالَةِ فِي أَدْيَانِهِمْ؛ (۲) و اهل بیت من امان امتم از گمراهی و ضلالت هستند.» حضور اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله به خودی خود در فراهم کردن امنیت و رهائی از گمراهی در دین مهم و بنیادین است. و در سخنی دیگر این ویژه امت بودن به یک امنیت فراگیر و جهانی ذکر شده است که فرمود: «أَهْلُ بَيْتِي أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ...؛ (۳) اهل بیت من مایه امنیت برای اهل زمین هستند.»

در روایتی نیز حضرت مهدی علیه السلام از خود به عنوان مایه امنیت زمین و اهل آن یاد کرده است آنجا که می فرماید:

« وَ إِنِّي أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ؛ (۴) همانا من مایه امنیت برای اهل زمین آن گونه که ستارگان مایه امنیت برای آسمانیانند.»

البته این برکت حضور امام علیه السلام به دو گونه است: نخست نفس وجود امام در

۱- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۴۱.

۲- پیشین، ج ۲۳، ص ۱۲۲.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۰۵.

۴- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۸۰، باب ۳۰.

نظام آفرینش است که روایات پرشمار و معروفی است مبنی بر اینکه نبود حجت سبب فرو بردن زمین اهلش را می شود، که این همه ناامنی برای زمین و اهل آن است و دیگر اینکه امام با به دست گرفتن زمام امور سبب سروسامان کارها و عدالت می شود که نتیجه آن امنیت خواهد شد.

### حکومت مهدوی و امنیت

در حوزه مباحث مهدویت امنیت یکی از مهم ترین و پایه ای ترین ویژگی های حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام است به گونه ای که در آیات و روایات فراوانی از آن به عنوان رکن بنیادین حاکمیت حضرت یاد شده است.

این آرمان و هدف به گونه ای دارای ارزش است که همه اهداف و برنامه های منجی قائم با آن پیوند و بستگی دارد، و در صورت پدیدارشدن "امنیت" است که اهداف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، فکری و اخلاقی در سطح گسترده جامه عمل به خود می پوشند.

در حقیقت پیوند میان عدالت و امنیت پیوندی دو سویه است؛ امنیت کمک می کند تا راه برای اجرای عدالت هموار شود و در جامعه بر پایه عدالت، امنیت را به ارمغان می آورد.

البته ارزش امنیت آنگاه به روشنی دریافت می شود که بدانیم جامعه انسانی پیش از آن و در آستانه آن انقلاب بزرگ در نهایت ناامنی زندگی می گذراند. زندگی پرهرج و مرجی که حیات انسانی را از بنیان تهدید می کند. که در حکومت جهانی آن حضرت به امنیت دگرگون خواهد شد.

حقیقت این امنیت بنا بر آیه ۵۵ سوره نور، این گونه است که چون پارسایان، به رهبری امام عصر علیه السلام خلیفه خدا شوند و دین حاکم گردد. بنا به نوید الهی، امنیت جای ترس را می گیرد و بندگان خدا به خشنودی و خوشبختی حقیقی دست خواهند یافت. و این به برکت حضور و ظهور واپسین حجت الهی بر زمین است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی به شکل گسترده فراوانی ناامنی و بی عدالتی پیش از ظهور را چنین بیان فرموده است:

مِنَّا مَهْدِيُّ هَذِهِ الْأُمَّةِ إِذَا صَارَتِ الدُّنْيَا هَرْجًا وَ مَرْجًا وَ تَطَاهَرَتِ الْفِتْنُ وَ

تَقَطَّعَتِ السُّبُلُ وَ أَغَارَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ فَلَا كَبِيرَ يَرْحَمُ صَغِيرًا وَ لَا صَغِيرَ يُوقِّرُ كَبِيرًا فَبَيَّعْتُ اللَّهَ عِنْدَ ذَلِكَ مَهْدِيَنَا التَّاسِعَ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ يَفْتَحُ حُصُونِ الضَّلَامَةِ وَ قُلُوبًا غَفْلًا يَقُومُ فِي الدِّينِ فِي آخِرِ الزَّمَانِ كَمَا قُمْتُ بِهِ فِي أَوَّلِ الزَّمَانِ وَ يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأْتُ جَوْرًا؛<sup>(۱)</sup> مهدی این امت از ماست. هنگامی در دنیا هرج و مرج شده و آشوب ها آشکار شود و راه ها مورد راهزنی قرار گرفته و بعضی از مردم به بعض دیگر تهاجم کنند و بزرگ به کوچک رحم نکند و کوچک تر احترام بزرگ تر را نگه ندارد، در چنین زمانی مهدی ما که نهمین امام از صلب حسین است؛ برج و باروهای گمراهی و قلب های قفل شده را فتح می کند و در آخر الزمان به خاطر دین قیام می کند؛ همان گونه که من در اول زمان، بدین قیام مبادرت کردم. او زمینی را که از جور پر شده، از عدل و داد، پر و سرشار می سازد.

امام علی علیه السلام درباره عدل گستری و امنیت در عصر ظهور می فرمایند: اگر به تحقیق، قائم ما به پا خیزد، به سبب ولایت و عدالت او، آسمان آن چنان که باید، می بارد و زمین نیز رستنی هایش را بیرون می دهد و کینه از دل های بندگان زدوده می شود و میان دد و دام آشتی برقرار می شود؛ به گونه ای که یک زن میان عراق و شام پیاده خواهد رفت و آسیبی نخواهد دید و هر جا قدم می گذارد، همه سبزه و رستنی است و بر روی سرش زینت هایش را گذارده و نه ددی او را آزار دهد و نه بترساند.<sup>(۲)</sup>

### گستره امنیت در حکومت مهدوی

#### اشاره

امنیت در دوران حکومت حضرت مهدی علیه السلام در دو گستره زندگی راه خواهد یافت: فردی و اجتماعی.

#### یک . امنیت فردی

اگر چه آنگاه که سخن از امنیت به میان می آید بیشتر امنیت گروهی و اجتماعی به ذهن می آید، ولی هرگز نباید سبب شود تا از امنیت فردی غفلت شود. چرا که گاهی انسان بدون اینکه دیگر انسان های جامعه نقشی داشته باشند احساس ناامنی و اضطراب

۱- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۶.

۲- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۰۴.

می کند. و در حکومت حضرت مهدی علیه السلام برخی ویژگی ها سبب می شود در حوزه فردی نیز انسان ها احساس امنیت کنند.

امنیت فردی را باید در ایمان راستین و حقیقی و آرامش روحی و اطمینان و طمأنینه نفس و یاد خداوند متعال جست و جو کرد که "الا بذكر الله تطمئن القلوب".

یکی از این ویژگی های رشد ایمان و باور انسان ها به خداوند است که سبب می شود مردمان به امنیت خاطر برسند. از طرفی اخلاق الهی نیز نشانه ایمنی انسان مؤمن از وسوسه های شیطانی و غفلت است، چنانکه پیامبر صلی الله علیه و آله برای تکمیل مکارم اخلاق مبعوث شدند: «انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق.»

پس در حکومت مهدوی نیز مردم از اخلاق ناب محمدی به صورت کامل به برکت حضور ظاهری امام عصر بهره می برند و از آسیب های روحی و روانی ناشی از اخلاق ناشایست ایمن هستند.

سلامتی جسمی و ایمنی از آفات و بیماری ها به طور عمده از شاخصه های امنیت فردی در حکومت مهدوی علیه السلام به شمار می آید که در روایاتی به آن اشاره شده است که: هنگامی که حضرت قائم قیام کند، خداوند بیماری ها را از مومنان دور می سازد و تندرستی را به آنان باز می گرداند.

بدیهی است که در حکومتی که مردمش از لحاظ آسیب های روحی و روانی در امان باشند، سلامت و توان جسمانی وجود دارد و وقتی دغدغه های زندگی مادی و آزار و ظلم و ستم نباشد آرامش و امنیت روحی به دست می آید و به همراه آن سلامت جسمانی دوام می یابد.

## دو . امنیت اجتماعی

### اشاره

افزون بر امنیت فردی که یادشد، مردم در امنیت اجتماعی فراگیر نیز به سر خواهند برد و البته گستره این امنیت عرصه های فراوانی را در بر می گیرد؛ مانند:

### ۱. امنیت عقیدتی فرهنگی

آموزش عمومی و فراگیری و کمال دانش که در این بخش نقش عمده ای دارد از سویی و باورهای راستین و گسترش آن در حکومت مهدوی و نابودی شرک و انگیزه های منافقانه و نیز پرورش دل ها و خردها و تکامل آنها و نیز اخلاق کمال یافته در

میان مردمان، از سوی دیگر، ترسیمی زیبا از اوضاع فرهنگی عقیدتی اجتماع مهدوی در نگاه ها قرار می دهد.

فرهنگ قرآنی حاکم بر جامعه مهدوی که دارای زوایای پرشمار و آستانه ای بلند است تا بدانجا می رسد که همگان بر پایه آموزه های آن زندگی خواهند کرد. فرهنگ محبت و دوستی میان جامعه مهدوی در راستای حکومت آموزه های قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله میان انسان ها رواج می یابد. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: سبحان الله! آیا دوست ندارید که خداوند حق و عدل را در همه شهرها آشکار کند و همه را با یک کلمه جمع کند و میان دل های گوناگون پیوند اندازد و در هیچ زمینی نافرمانی خدا نکنند و دستورات خدا در میان بندگان اجرا گردد و حق به اهلش برگردد، کمال حق ظاهر شود به گونه ای که هیچ چیز از حق به سبب ترس از هیچ آفریده ای پنهان نشود و یا مخفی انجام داده نشود. (۱)

بدبینی و جهل و ناامنی بلائی خطرناک است که در حکومت مهدوی تبدیل به احساس امنیت و محبت در کنار یکدیگر می شود.

## ۲. امنیت اقتصادی

در حکومت حضرت مهدی علیه السلام بر خلاف پندار برخی که رفاه همگانی را منحصر در امدادهای الهی می دانند تلاش همگانی صورت می پذیرد. آنها بر پایه دستور العمل ها و مقررات پی ریزی شده بر پایه آموزه های اسلام تولید را به حد کفایت می رسانند و ثروت به طور دادگرانه توزیع می شود تا مردم به سطحی از رفاه عمومی برسند که احساس بی نیازی کنند.

بی گمان کمال خردورزی نیز در این عرصه به یاری آمده روحیه افزون خواهی و اسراف را از میان خواهد برد که نقشی کلیدی در این عرصه خواهد داشت. بنابراین در آن روزگار زراندوزی و ذخیره ثروت به هر صورت ممکن حتی در مراکز نگه داری

۱- «سُبْحَانَ اللَّهِ أَمْيَا تُجْبُونَ أَنْ يُظْهِرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْحَقَّ وَالْعَدْلَ فِي الْبِلَادِ وَيَجْمَعَ اللَّهُ الْكَلِمَةَ وَيُولِّفَ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبٍ مُخْتَلَفَةٍ وَلَا يَعْصُونَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي أَرْضِهِ وَتُقَامَ حُدُودُهُ فِي خَلْقِهِ وَيُرَدُّ اللَّهُ الْحَقَّ إِلَى أَهْلِهِ فَيُظْهِرَ حَتَّى لَا يُسْتَتَخَفَى بِشَيْءٍ مِنْ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ»؛ (محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۳).

اموال منتفی خواهد بود؛ چرا که همه اسبابی که امروزه سبب این اقدام می شود برطرف خواهد شد.

### ۳. امنیت داوری

در حکومت مهدوی امنیت داوری و دادرسی برای مردمان به همه ابعاد آن فراهم خواهد بود و ریشه آن عدالت جامع و فراگیر حاکم بر آن جامعه است و لذا به واسطه امنیت قضایی حدود الهی برپاداشته می شود، امام علی علیه السلام فرمود:

يُظَهَّرُ عِنْدَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ يُطَهَّرُ الْأَرْضَ وَيَضَعُ مِيزَانَ الْعَدْلِ فَلَا يُظْلَمُ أَحَدٌ أَحَدًا؛<sup>(۱)</sup> نزدیک رکن و مقام ظهور می کند و زمین را پاک می کند و ترازوی عدل می نهد پس هیچ کس دیگری را ستم نمی کند.

و البته در این باره روایات فراوانی نقل شده است که می بایست به منابع مفصل مراجعه کرد.

### هم زیستی مسالمت آمیز

#### اشاره

همه ویژگی های حکومت عدل جهانی مهدوی سبب می شود تا انسان ها به بهترین وجه ممکن به صورت همدل و همزبان با هم زندگی کنند.

اگرچه در برخی روایات که نیازمند درنگ های جدی است سخن از زیست برخی حیوانات وحشی در کنار همدیگر است که ضمن عدم اعتبار لازم این روایات و نقل بیشتر آنها از منابع اهل سنت و برخی اسرائیلیات، توجه به این نکته بایسته است که هرگز چنین ارتباطی میان حیوانات مصداق ظلم نیست تا در حکومت مهدوی اقتضای عدل آن را منتفی سازد.

از آنجایی که نظام اکنون آفرینش، نظام احسن است؛ این دگرگونی چندان وجهی ندارد، ضمن اینکه در برخی روایات سخن از معدود حیوانات درنده برده شده است؛ این در حالی است که میلیاردها گونه حیوانی و جانوری در دریا و خشکی است که بقای آنها به خوردن انواع دیگر بستگی دارد.

افزون بر همه اینها در برخی روایات از بهره مندی انسان در آن دوران از گوشت لذیذ پرندگان و چرندگان و ماهیان سخن به میان آمده است که اگر نباشد کشتن حیوانات

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۲۷، ح ۱.

مصدق بی عدالتی باشد این موارد را نیز شامل می شود.

سوگمندان امروزه بدون درنگ در این گونه سخنان و توجه به منابع اصلی به دور از هرگونه تحلیلی و القای این گونه سخنان بحث های فراوانی را به دنبال داشته است.

### سخن آخر

در پرتو فراگیر شدن امنیت به صورت کامل است که گسترش عمران و آبادانی سرزمین ها و به دنبال آن پدید آمدن رفاه عمومی، گسترش و تعمیق صفا و صمیمیت و برقراری پیوند دوستی خالصانه دست خواهد داد. گویی در پایان عمر دنیا جلوه ای از زندگی دل انگیز بهشتی که در سرای آخرت نصیب پارسایان خواهد شد، در این جهان به نمایش گذاشته می شود.



## خودآزمایی

۱. مفهوم امنیت را با نگاه به آیات قرآن تبیین نمایید.
۲. در روایات معصومان علیهم السلام جایگاه امنیت چگونه تبیین شده، توضیح دهید.
۳. برخی زمینه های ناامنی را شمرده توضیح دهید.
۴. با استناد به روایات نقش امام را در امنیت توضیح دهید.
۵. امنیت فردی و اجتماعی در حکومت مهدی علیه السلام چگونه خواهد بود؟ توضیح دهید.

===

## منابع برای پژوهش

۱. طبسی، نجم الدین، چشم اندازی به حکومت مهدی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۰ ش.
۲. مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی، قم، مدرسه امام علی، ۱۳۸۰ ش.
۳. خراسانی، محمد جواد، مهدی منتظر، تحقیق و تعلیق: سید جواد میرشفیعی خوانساری، قم، نور الاصفیاء، ۱۳۷۹ ش.
۴. صدر، سید محمد، تاریخ پس از ظهور، ترجمه حسن سجادی پور، تهران، موعود عصر، ۱۳۸۴ ش.



## درس ششم: نظام سیاسی حکومت امام مهدی علیه السلام (۱)

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

یک. مشروعیت

مفهوم شناسی

تفاوت مشروعیت در عرف سیاسی با مشروعیت در اندیشه سیاسی اسلام

انواع مشروعیت الهی

دو. مقبولیت (پذیرش مردم)

امام مهدی علیه السلام، مشروعیت الهی، مقبولیت مردمی

پذیرش حاکمیت، اجابت درخواست مردم

۱. حقوق مردم بر حضرت

۲. حقوق حضرت بر مردم

نقش مدیریتی مردم (کارگزاران حکومت)

## پیش درآمد

حکومت جهانی حضرت مهدی موعود علیه السلام بر پایه بهره مندی آگاهانه، خردمندانه و خداپرستانه از همه منابع موجود و ظرفیت های ممکن در کره زمین در راستای رشد و تعالی انسان ها است. از جمله برجسته ترین ظرفیت ها، توده مردم است که در آن انقلاب جهانی نقشی کلیدی دارد. از این رو مردم پس از رهبری این قیام جهانی، در شکل دهی به نظام سیاسی آن حکومت جهانی، جایگاه بس ویژه ای دارند.

این جایگاه و نقش، افزون بر آیات قرآن در برخی روایات نیز اشاره شده است که تلاش می شود در این درس به صورت کوتاه و گذرا بدان پرداخته شود.

شیعه بر این باور روشن است که اگرچه مشروعیت پیشوایان معصوم علیهم السلام در گرو گزینش الهی است، ولی پذیرش مردم رکنی اساسی برای اقدام ظاهری امام برای برپایی حکومت است که نبود آن سبب می شود تا امام از هرگونه تلاش برای گرفتن زمام امور حاکمیت دوری کند. از این رو دو عنوان "مشروعیت" و "مقبولیت" در بحث ارتباط مردم با حاکمیت معصوم علیه السلام دارای ارزش است.

## یک. مشروعیت

### اشاره

«مشروعیت» از کهن ترین، پایه ای ترین و مهمترین مباحث فلسفه سیاسی و از بنیادی ترین و ریشه دارترین مسائل مربوط به حکومت و دولت در گذر تاریخ زندگی اجتماعی بشر بوده و هست. چرا که بیشترین مسائل سیاسی، اجتماعی و حکومتی بر این شالوده استوار بوده و ناهمگونی دیدگاه های اندیشه وران علوم سیاسی نیز از این موضوع سرچشمه می گیرد. افزون بر این، تقسیم بندی حکومت ها نیز با این مسأله رابطه تنگاتنگ

و ناگسستی دارد. در حقیقت بررسی‌های مربوط به مشروعیت در پاسخ به این پرسش اساسی است که: چه حکومتی مشروع است؟

## مفهوم شناسی

### الف) از نگاه لغت

در لغت فارسی، واژه «مشروعیت» مصدر جعلی (مصدر صناعی = ساختگی) از ریشه (شرع) است. و برای فهم آن باید به واژه‌های «مشروع» و «مشروع» رجوع نماییم:

«مشروع (اسم مفعول) یعنی آنچه موافق شرع باشد، چیزی که طبق شرع جایز باشد.»<sup>(۱)</sup>

«مشروع (اسم مفعول) مؤنث مشروع، یعنی حکومت مشروع (سیاسی) حکومتی که منطبق بر قوانین شرع (اسلام) باشد.»<sup>(۲)</sup>

و در لغت عربی، برابر آن واژه «شرعیّت» است. در متون دینی و قرآن، «شرع» به معنی نشان دادن و ترسیم راه روشن، اعم از مادی و معنوی به کار برده شده است. اگر این راه توسط خداوند ترسیم شده باشد، «حق» است و اگر از سوی شیاطین جنّی و انسی ترسیم شده باشد، باطل است.<sup>(۳)</sup> شرعی یعنی آنچه مطابق احکام و دستورات خداوند باشد.

### ب) از نگاه اصطلاح

ولی در اصطلاح، در حوزه اندیشه سیاسی، واژه «مشروعیت»،<sup>(۴)</sup> به گونه‌های مختلفی تعریف شده است. اگرچه همه آن‌ها به نوعی به فرمان برداری مردم از زمامداران بر مردم باز می‌گردد. ولی در اینجا مقصود مطابقت با موازین و آموزه‌های شریعت اسلام است؛ یعنی حکومت و حاکمی مشروع است که پایگاه دینی داشته باشد. بر این پایه، حکومتی

۱- حسن عمید، فرهنگ عمید، ۱۱۲۴.

۲- حسن عمید، فرهنگ عمید، ۱۱۲۴.

۳- حسن مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۶، ص ۴۰ ۴۲.

۴- برخی پنداشته‌اند مقصود از «مشروعیت»، همان شرعی بودن است. گویی پرسش اصلی بحث این است که «چه حکومتی شرعی است؟» یا این که «کدام حکومت، مورد پذیرش شرع است؟» ولی بی تردید، پرسش اصلی بحث این نیست؛ گرچه ممکن است در یک جامعه دینی، مسأله شرعی بودن حکومت مطرح شود و حتی با مسأله مشروعیت هم مرتبط گردد. نک: محمد تقی مصباح یزدی، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، ج ۱.

که پای‌بند به موازین شرعی و الهی باشد، حَقّانیت دارد.<sup>(۱)</sup>

در حکومت اسلامی گرچه وارستگی رهبر، مدیران و کارگزاران، بر اطاعت‌پذیری، علاقه و خشنودی مردم تأثیر روان‌شناختی دارد، ولی این نکته از حَقّانیت حاکم و حکومت به طور کامل جدا است.

بنابراین از دیدگاه سیاسی اسلام، اگر حکومت یا حاکمی همه اسباب خشنودی مردم را فراهم کند، ولی هماهنگ موازین شریعت رفتار ننماید، مشروعیت دینی پیدا نمی‌کند و در برابر، حکومت و حاکمی که آموزه‌های دینی را رعایت کند و به احکام الهی پای‌بند باشد، همچنان که مشروعیت دینی دارد، باید اسباب خشنودی بیشتر مردم و حقوق طبیعی و شرعی ملت را نیز برآورده کند. در این صورت است که دینداران به سبب باور و پای‌بندی‌اشان به شریعت، مشروعیت و مقبولیت جامعه‌شناسانه را نیز پدید می‌آورند.

### تفاوت مشروعیت در عرف سیاسی با مشروعیت در اندیشه سیاسی اسلام

تفاوت مشروعیت در دو عرصه اسلامی و سیاسی، در چهار بخش قابل دسته‌بندی است:

۱. میزان مشروعیت سیاسی، به فرمان‌برداری شهروندان از دستورهای حکومت بستگی دارد؛ بدین معنا که هرچه بیش‌تر با خشنودی فرمان‌برداری کنند، مشروعیت آن حکومت بیش‌تر؛ در برابر، چنان‌چه مردم فرمان‌برداری چندانی از دستورات حکومتی نداشته باشند، مشروعیت آن حکومت کم‌تر خواهد بود. ولی در بینش اسلامی، یک حکومت یا مشروع است و یا مشروعیت ندارد و حد وسطی میان این دو تصوّر نمی‌شود.

۲. مشروعیت سیاسی می‌تواند منابع مختلفی داشته باشد؛ مثلاً: مشروعیت سنتی، عقلانی یا قانونی؛<sup>(۲)</sup> ولی منبع مشروعیت در بینش اسلامی فقط نص و نظر شارع مقدس است که در دوران غیبت با اجتهاد فقیهان و کارشناسان اسلامی به دست می‌آید.

۳. در مشروعیت سیاسی، نظر اکثریت مردم چه در مرحله تأسیس حکومت و چه پس از آن، معیار بنیادین است. بنا بر این دیدگاه، حکومتی که در مرحله تأسیس هیچ

۱- سجاد ایزدی، حکومت و مشروعیت، ص ۱۴.

۲- بر اساس تقسیم‌بندی ماکس وبر؛ نک: عبدالرحمن عالم، بنیادهای علم سیاست، ص ۱۰۵.

مشروعیت سیاسی ندارد، می تواند بر اساس کارآمدی ناشی از اقدامات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی خویش، خشنودی مردم را جلب کرده، مشروع شود. ولی از منظر اسلامی به طور معمول مشروعیت یک حکومت، بر تأسیس آن مقدم است؛ یعنی اگر حاکم مشروعیت نداشته باشد. همه کارهای وی نامشروع و غاصبانه خواهد بود، اگر چه خشنودی مردم پس از تشکیل حکومت جلب شود. (۱)

## انواع مشروعیت الهی

### اشاره

اندیشمندان و صاحب نظران اسلامی برای پاسخ به این پرسش: که چه کسی باید حکومت کند؟ می گویند فقط خدا یا نماینده او حق حاکمیت دارند. این دیدگاه از دو جنبه توحیدی و هستی شناسی از یک سوی و نیز انسان شناختی از سوی دیگر، بررسی می شود.

### الف) مشروعیت الهی از جنبه هستی شناختی و توحید

براین پایه، نه فقط آفرینندگی ویژه خداوند است، بلکه سرپرستی و اداره امور جهان نیز از آن او است و کس دیگری جز او شایسته چنین جایگاهی نیست. حتی پیامبران و پیشوایان معصوم علیهم السلام به صرف برخورداری از مقام پیامبری و پیشوایی و فضیلت علم، چنین حقی را ندارند که بتوانند بر مردم حکومت یا داوری کنند. از این رو هرگونه تصرف و دخالت در نظام هستی و نیز در امور آدمیان، نیازمند اجازه خداوند است و هیچ کس از پیش خود، حق دخالت در سرنوشت انسانها را ندارد.

وجه انحصار حق حاکمیت و ولایت خدای متعال آن است که او یگانه آفریدگار و یگانه مالک همگان است؛ به همین دلیل هرگونه تصرف او در مخلوقات در واقع تصرف در قلمرو ملک و سلطنت خود است. از این رو فقط با اذن خداوند، فردی می تواند بر سایرین حکمرانی کند. و با داشتن چنین «مجوزی» از سوی مالک مطلق جهان، حکومت وی مشروعیت می یابد.

از آیات قرآن به وضوح مشروعیت انحصاری حاکمیت خداوند به دست می آید. از

جمله آیات: ((إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ))؛ (۱) حکم و فرمان تنها از آن خداست و ((أَلَا لَهُ الْحُكْمُ))؛ (۲) و بدانید داوری مخصوص اوست و دیگر آیات که بیان آن‌ها در این بحث ضرورتی ندارد. (۳)

### (ب) مشروعیت الهی از جنبه انسان شناختی

هر یک از ما در نهاد خود احساس آزادی، اراده و استقلال می‌کنیم. و نیز خود را دارای خرد و فهم و صاحب نیروهای جسمی و روحی می‌دانیم. این‌ها همه موهبت‌هایی است الهی که در همه افراد انسان به مراتب گوناگون و با تفاوت‌هایی وجود دارد. این موهبت‌های خداوندی و تفاوت‌های طبیعی اما، موجب نمی‌شود که فردی بر دیگری حق حاکمیت و ولایت پیدا کند. (۴) امام علی علیه السلام خطاب به فرزند خود، امام حسن علیه السلام فرمود:

«وَلَا تُكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا؛ (۵) ای فرزندم! بنده دیگران مباش، حال آن‌که خداوند تو را آزاد قرار داده است.»

نتیجه اینکه در جهان بینی الهی در همه عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی انسان، حضور خدا اصل است. مانند عرصه‌های قانون‌گذاری، روش‌ها و شیوه‌های اجرای قوانین، تعلیم و تربیت، رهبری و حاکمیت در جامعه. همچنین در این نظریه حکومت به خودی خود اصالت ندارد، بلکه بستری است برای برپایی عدالت و تعالی انسان و سرانجام نزدیکی او به خداوند و رسیدن به سعادت جاودانه.

### دو. مقبولیت (پذیرش مردم)

#### اشاره

گرچه مردم نباید و نمی‌توانند پشتوانه اعتبار و مشروعیت حکومت اسلامی باشند و به طور اساسی حکومت اسلامی نمود حاکمیت الهی است که در مشروعیت خویش

۱- أنعام (۶)، آیه ۵۷.

۲- أنعام (۶)، آیه ۶۲.

۳- یونس (۱۰)، آیه ۳۵؛ مائده (۵)، آیات ۴۴ و ۴۵ و ۴۷.

۴- مگر آن‌که او بخواهد و بفرماید.

۵- محمد بن حسین شریف رضی، نهج البلاغه، نامه ۳۱، باب الترفق فی الطلب.



نیازمند اندیشه و رأی انسان نمی‌باشد، بلکه مشروعیت آن با اصل آن آمیخته است، ولی جریان و عینیت یافتن حکومت اسلامی جز با رأی موافق و هم سوی مردم امکان ندارد. و در اینجا بحثی با عنوان مقبولیت رخ می‌نماید.

واژه «مقبولیت» از کلمه «مقبول» به معنای پذیرفته شده و پسندیده، گرفته شده است. (۱) و از نظر حکومت و سیاست یعنی اقبال همگانی و پذیرش مردمی که بنابراین با واژه مشروعیت متفاوت است.

در فقه سیاسی اسلام، مقبولیت و رأی مردم جایگاه خود را دارد، ولی مشروعیت نمی‌آورد و اگر اسلام چیزی را نهی کرده است، مردم حق ندارند با رأی و گزینش خود آن را پذیرفته بشمارند. اعتبار رأی و نظر مردم تا آنگاه است که با دین تناقضی نداشته باشد. بر پایه این مبانی، مشروعیت دینی محور است و بر مقبولیت مردمی برتری دارد و اگر مقبولیت برود، مشروعیت از میان نمی‌رود، بلکه پدید آمدن آن با چالش روبه رو می‌شود. (۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در باره حقیقت اقبال و توجه مردم به حضرت علی علیه السلام فرمود:

يَا عَلِيُّ إِنَّمَا أَنْتَ بِمَنْزِلِهِ الْكَعْبَةِ تُؤْتِي وَ لَمَّا تَأْتِي فَإِنَّ أَتَاكَ هَؤُلَاءِ الْقَوْمَ فَسَلِّمُوا لَكَ هَذَا الْأَمْرَ فَأَقْبَلْهُ مِنْهُمْ وَ إِنْ لَمْ يَأْتُوكَ فَلَا تَأْتِهِمْ؛ (۳) ای علی! تو به منزله کعبه هستی که نزد او می‌روند و او نزد کسی نمی‌رود. پس اگر این مردمان نزد تو آمدند و امر حکومت را بر تو عرضه داشتند پس بپذیر. و اگر نزد تو نیامدند تو پیش آنها نرو.

این حدیث و احادیث مانند آن، به روشنی می‌رساند در صورتی امام برای برپایی حکومت وظیفه دارد، که مردم به سوی او آیند و زمینه تشکیل حکومت او را فراهم آورند. در غیر این صورت امام نسبت به برپایی حکومت وظیفه ای نخواهد داشت.

۱- حسن عمید، فرهنگ عمید، ۱۱۴۷.

۲- محمد تقی مصباح یزدی، مباحث سیاست، ص ۲۸ (با تصرف).

۳- محمد بن جریر طبری، المسترشد، ص ۳۸۸ و ۶۷۵؛ عماد الدین طبری، بشاره المرتضی لشیعہ المرتضی، ج ۲، ص ۲۷۷.

چنانچه حضرت علی علیه السلام پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله از حکومت کناره گیری کرد، اگر چه هرگز مسلمانان را در برابر مشکلات و سختی ها تنها نگذاشت.

ارزش و تأثیر مقبولیت مردمی در جامعه اسلامی تا آن جا ارزش دارد که امام علی علیه السلام یکی از عوامل مهم پذیرش خلافت را همین مسأله برمی شمارد:

أَمَّا وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسِيمَةَ لَوْ لَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَقِيَامُ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ وَمَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَلَّا يُقَارُوا عَلَى كِظِّهِ ظَالِمٍ وَ لَمَّا سَغَبَ مَظْلُومٌ لَمَّا لَقِيَتْ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا وَ لَسِي قَيْتٌ آخِرَهَا بِكَأْسٍ أَوْلِيهَا؛ (۱) به خدایی که دانه را شکافت و جان را آفرید، اگر این بیعت کنندگان نبودند، و یاران، حجت بر من تمام نمی نمودند، و خدا علما را نفرموده بود تا ستمکار شکمباره را برنتابند و به یاری گرسنگان ستمدیده بشتابند، رشته این کار را از دست می گذاشتم و پایانش را چون آغازش می انگاشتم و چون گذشته، خود را به کناری می داشتم.

بنابراین، با این که امام معصوم از سوی خداوند به حکومت منصوب شده است، ولی این مردم هستند که باید به سوی او روی آورند و با حمایت های بی دریغ خود زمینه برپایی حکومت را فراهم آورند و تا آنگاه که چنین آمادگی در جامعه پدید نیامده است، امام اقدام به برپایی حکومت نمی کند، بلکه فقط خود را در معرض خلافت و رهبری قرار می دهد و مردم را به سوی خویش فرا می خواند تا چنین زمینه ای در جامعه پدید آید.

بر این پایه با جدا کردن میان مشروعیت و مقبولیت، با وجود پافشاری بر قوانین و حاکمیت الهی و جانشینان او، به نقش مردم در فرایند تصمیم گیری نیز توجهی ویژه می شود؛ زیرا مقتضای حکومت دینی، پذیرش مردمی است و مردم در نظام های ولایی محجور و مجبور نیستند.

۱- محمد بن حسین شریف رضی، نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، خطبه سوم (شقشقیه)، ص ۱۱.

## امام مهدی علیه السلام؛ مشروعیت الهی، مقبولیت مردمی

در پدید آمدن حاکمیت مهدوی نیز از دو جهت مشروعیت و مقبولیت بررسی شدنی است.

روایات معتبری در دست است که مشروعیت حکومت حضرت مهدی علیه السلام را به خداوند استناد می دهند و حضرتش را «خلیفه الهی» معرفی می کنند:

این مضمون با تعبیرهای گوناگون در روایات شیعه و اهل سنت به چشم می خورد. در میان منابع اهل سنت می توان به مسند احمد بن حنبل، (۱) المستدرک حاکم، (۲) البدایه و النهایه ابن کثیر، (۳) الدر المنثور سیوطی (۴) و کنز العمال متقی هندی (۵) اشاره کرد. و در منابع روایی شیعی آثاری چون عیون اخبار الرضا علیه السلام، (۶) کشف الغمه، (۷) کفایه الاثر، (۸) و آثار دیگر، روایاتی را با این مضمون نقل کرده اند.

با توجه به این روایات، امام خلیفه خدا و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله است و وکیلی نیست که مردم او را برگزیده باشند. اگر فقط مسئله گزینش مردم بود، این امر از سقیفه بر می آمد و نیازی به غدیر نبود. از این رو، مردم سالاری مهدوی به این معنا نیست که امام را مردم برگزینند. حکومت امام مهدی علیه السلام به نصب الهی مشروعیت یافته است.

کوتاه سخن اینکه آنگاه که قرار است حکومتی به گونه ای کامل الهی باشد و احکام و قوانین خداوند را در ابعاد گوناگون در جامعه بشری اجرا کند، رهبرش باید از دو ویژگی برخوردار باشد: نخست آگاهی کامل به شریعت و دیگر عصمت. ویژگی هایی که انسانها از تشخیص آن در افراد محرومند. بنابراین، انتصاب الهی ضرورت می یابد. از

۱- احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۵، ص ۲۷۷.

۲- حاکم نیشابوری، المستدرک، ج ۴، ص ۴۶۴.

۳- ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۶، ص ۲۷۶.

۴- سیوطی، الدر المنثور، ج ۶، ص ۵۸.

۵- متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۱.

۶- محمد بن علی بن حسین بن بابویه، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۵۹، ح ۲۳۰.

۷- علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۷۰.

۸- علی بن محمد خزاز قمی، کفایه الاثر، ص ۱۰۶.

سوی دیگر، در روایات آمده است که راهبر حکومت موعود جهانی دین را تجدید می کند.

### پذیرش حاکمیت، اجابت درخواست مردم

نقش مردم در حکومت آن حضرت، فراهم آوردن مقدمات و برپایی زمینه برای شکل گیری حکومت جهانی آن حضرت است. و پذیرش مردمی فقط در، خواست و رأی اکثریت جلوه نمی نماید. نه فقط بیشتر مردم با امام بیعت می کنند، بلکه زمانی فرا خواهد رسید که آنان به چنان عطش و شیفتگی می رسند که نیاز به حکومت جهانی موعود را با تمام وجود درک می کنند و آن را یگانه سازوکار برای شکل گیری آرمان ها و اهداف عالی انسانی می دانند و به آن عشق می ورزند. این چنین نظام سیاسی نه فقط بر آرای مردمی متکی است و پذیرش مردمی را به هم راه دارد، بلکه اطمینان خاطر مردم را نیز سبب می شود. در این نظام، میان حکومت امام و مردم فقط رابطه «دولت ملت» وجود ندارد، بلکه رابطه مرید و مراد و محبوب و محب است.

شیخ طوسی از امام باقر علیه السلام روایت کرده که در باره ورود حضرت مهدی علیه السلام به کوفه و سخن رانی برای مردم، فرمود: مردم به خاطر اشتیاق به آن حضرت آنگونه گریه می کنند که سخنان مهدی علیه السلام شنیده نمی شود و مردم نمی فهمند چه می گوید. (۱)

انسانی که برای رسیدن به خوش بختی هر راهی را پیش گرفته و به بن بست رسیده، حال این گونه به اشتیاق و اضطراب حکومت موعود علیه السلام می رسد و با همه هستی آماده یاری و جان بازی در کنار او می گردد.

### همکاری همگانی (رابطه ولی و مولی)

#### اشاره

با توجه به آنچه گذشت به این نتیجه می رسیم که مردم و نهاد حاکمیت از یکدیگر جدا نبوده، یار و پشتیبان هم هستند، و والی و مردم بر هم دیگر حقوق متقابلی دارند.

برخی از این حقوق در روایات اشاره شده است:

۱- «... حَتَّى يَأْتِيَ الْمُبْتَرَّ وَيَخْطُبَ وَ لَا يَدْرِي النَّاسُ مَا يَقُولُ مِنَ الْبُكَاءِ»؛ (محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۶۸).

**۱. حقوق مردم بر حضرت****یک. خیرخواهی**

بنیاد و شالوده حکومت در آموزه‌های اسلامی بر خیرخواهی برای مردم جامعه است. و البته برپایی حکومت عدل جهانی به دست موعود منجی در یک مقیاس جهانی بر این امر پافشاری جدی دارد. چرا که پایه این حکومت بر اجرای عدالت بر کره زمین است و چه خیرخواهی بالاتر از گسترش عدالت در همه زمینه‌ها برای همه انسان‌ها. (۱)

**دو. رفاه و آسایش**

از ویژگی‌های مهم حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام فراهم ساختن زمینه‌ها برای رفاه همگانی و آسایش برای همگان است. البته نه رفاهی که سبب دوری مردم از خداوند است. و نیز نه رفاهی که خود به خود حاصل شود که در پس تدبیر آن حضرت و تلاش فراوان مردم خواهد بود. در برخی روایات در وصف این رفاه و آسایش گفته شده مانند آن را انسان‌ها هرگز ندیده‌اند. (۲)

**سه. آموزش**

بی‌گمان آموزش در عرصه‌های گوناگون زندگی فردی و اجتماعی، نقش ارزنده و اساسی در رشد و کمال جامعه دارد. یکی از مهم‌ترین شاخص‌های حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام گسترش علم و دانش میان همه انسان‌ها است. (۳)

**چهار. گسترش خرد انسان‌ها**

یکی از راه‌های رسیدن به کمال انسانی رشد عقلانی جوامع انسانی است که حضرت مهدی علیه السلام به عنوان حجت الهی همه زمینه‌ها و ظرفیت‌های ممکن را در این راه به

- ۱- ده‌ها و بلکه صدها روایت از پیشوایان معصوم علیهم السلام به دست رسیده که در آن از عدالت به عنوان محوری‌ترین هدف قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام یاد شده است. نک: محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۶۰؛ محمد بن علی بن حسین بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۰؛ محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۶.
- ۲- نک: شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۰۶، ح ۱۷۵؛ فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ص ۲۶۴؛ قطب راوندی، الخرائج والجرائح، ج ۱، ص ۴۵۳، ح ۳۹.
- ۳- نک: محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۳۸، ح ۳۰.

کار می‌گیرد. (۱)

### پنج. رشد و تربیت

از اهداف مهم پیامبران خداوند، پرورش الهی انسان‌ها است. حضرت مهدی علیه السلام به عنوان واپسین ذخیره الهی از همه ظرفیت‌های ممکن برای تربیت انسان‌ها بهره می‌گیرد، تا در واپسین سال‌های عمر انسان‌ها بر زمین این هدف پیامبران الهی را به انجام رسانده، کامل کند.

### ۲. حقوق حضرت بر مردم

#### یک. استواری بر بیعت

در جای خود گفته شده از ارکان حکومت حضرت مهدی علیه السلام بیعت مردم بر پذیرش و فرمان برداری از حاکمیت است.

#### دو. خیرخواهی در امور حکومت

مردم عصر ظهور در امور عمومی و فعالیت‌های دولت و زمام‌داران خیرخواهند و همواره با هوشیاری کارها را زیر نظر می‌گیرند و با دل‌سوزی و مصلحت‌اندیشی دولت اسلامی و مسئولان را یاری می‌دهند، خواه در حضور آن‌ها باشند یا در نبود آن‌ها. (۲)

#### سه. فرمان برداری از حاکم

دستورات حاکم آنگاه که از طرف مردم اجرا شود، به مقصد رسیده است. (۳) از آنجا که مردم با پذیرش خود زمینه حکومت را فراهم می‌کنند در همه امور از حاکم پیروی خواهند کرد. و در این میان یاران حضرت به عنوان نخبگان عصر ظهور و الگوی رفتاری

۱- امام باقر علیه السلام فرمود: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ؛ چون قائم ما قیام کند خداوند دست رحمتش را بر سر بندگان گذارد پس عقولشان را جمع کند و (تا پیروی هوس نکنند و با یک دیگر اختلاف نوززند) و در نتیجه خردشان کامل شود (متانت و خود نگهداریشان کامل شود)»؛ (محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۵، ح ۲۱).

۲- نک: محمد بن حسین شریف رضی، نهج البلاغه، خطبه ۳۴.

۳- امام علی در این باره فرمود: «لَا رَأَى لِمَنْ لَا يُطَاعُ؛ اَمَّا، آن را که فرمان نبرند سررشته کار از برون است»؛ (محمد بن حسین شریف رضی، نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، ص ۲۸، خطبه ۲۷).

برای آن‌ها در این فرمانبرداری و پیروی سرآمد روزگاران خویشند. (۱)

مرحوم کلینی در کافی نیز روایات پرشماری در این زمینه نقل کرده که بیان‌گر مهم‌ترین مسأله سیاسی در زمینه زمام‌داری و نگه‌داری حقوق عمومی و آزادی‌های اساسی است. (۲)

### نقش مدیریتی مردم (کارگزاران حکومت)

از برنامه‌های اصلاحی حضرت مهدی عجل‌الله فرجه در دوره حکومت خود، گزینش نیروهای شایسته و کارآمد برای پذیرش امور حکومت است. زیرا استواری و تداوم حکومت به ویژه با شاخصه‌های دینداری و عدالت، بدون کارگزاران شایسته، عملی نخواهد بود. از این رو، یکی از مقوله‌های مهم و مورد توجه جدی آن حضرت، کارگزاران حکومت و نقش مدیریتی آنان است.

چگونگی گزینش این افراد و قراردادن آنها در موقعیت‌های گوناگون سیاسی، نظامی، مالی، قضایی و اداری، از شئون مستقیم امام است که در مرحله تثبیت حکومت آن را اجرایی خواهد کرد. آشنانمودن کارگزاران با شیوه زمامداری و رفتار با مردم، و نظارت بر رفتار و مدیریت آنان برای حسن اجرای کارها که به تامین امنیت جامعه و خشنودی همگانی مردم، منجر خواهد شد، نیز از اموری است که امام مهدی عجل‌الله فرجه بدان‌ها اهتمام خواهد داشت.

از آنجا که امام مهدی عجل‌الله فرجه به عدالت اجتماعی در حکومت اهتمام ویژه‌ای خواهد داشت، یکی از راهکارهای تحقق آن راه، گزینش کارگزاران و مدیران شایسته در

۱- امام صادق علیه السلام در وصف ایشان ذیل آیه شریف ((يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا)) فرمود: «يَعْنِي خُرُوجَ الْقَائِمِ الْمُنتَظَرِ مِنَّا ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ. يَا أَبَا بَصْرَةَ بِرِ طُوبَى لِمَنْ يَتَّبِعُهُ فَأَمِنَّا الْمُنتَظَرِينَ لِظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ وَ الْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ أَوْلِيَاءَكَ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَخْزَنُونَ»؛ (محمد بن علی بن حسین بن بابویه، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۳۵۷).

۲- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۰۵، يَا بْنَ مَا يَجِبُ مِنْ حَقِّ الْإِمَامِ عَلَى الرَّعِيَّةِ وَ حَقِّ الرَّعِيَّةِ عَلَى الْإِمَامِ؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۲۴۲، حق‌الإمام علی‌الرعية و حق‌الرعية علی‌الإمام.

کارها می‌داند. افزون بر صلاحیت و شایستگی زمامدار و پیشوای اصلی جامعه، کارگزاران و عاملان او در مناصب گوناگون نیز باید از تخصص بایسته و هماهنگ آن جایگاه برخوردار باشند.

آن حضرت افزون بر اینکه در گزینش کارگزاران حکومت از جنبه شایستگی در مدیریت حساسیت نشان می‌دهد، نظارت ویژه‌ای را نیز بر کارهای آنها، به کار می‌بندد.

بی‌گمان، برپایی اصلاحات در جامعه و برپاداشتن عدالت و برپایی حکومت دینی بر پایه سیره و سنت نبوی و علوی، نیازمند یاران و کارگزاران پاک و پاک‌باخته، زیرک، کاردان، شجاع و فداکار خواهد بود که با بینش درست به آموزه‌های اسلام و شناخت امام خود، پیرو فرمان‌های او بوده، به دستوراتش عمل کنند، در جنگ‌ها سستی نورزند و به دشمن پشت نکنند و در کارهای مردم به راستی کوشش کنند.

### گروه‌های کارگزاران از نگاه روایات

#### اشاره

در روایات اگرچه همان‌گونه که اشاره شد در باره ویژگی‌های کارگزاران سخن چندانی در دست نیست، ولی نکاتی اشاره شده که در اینجا به صورت گذرا اشاره می‌شود:

#### یک . شیعیان راستین، اساس کارگزاران

در روایاتی چند از شیعیان و پیروان راستین اهل بیت علیهم السلام به عنوان یاران آن حضرت در اداره جامعه جهانی یاد شده است. امام سجاد علیه السلام در این باره فرمود:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْ شَيْعَتِنَا الْعَاهَةَ وَجَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ... وَيَكُونُونَ حُكَّامَ الْأَرْضِ وَ سَيِّئَاتِهَا؛ (۱) آنگاه که قائم به پا خیزد گرفتاری‌ها از شیعه برطرف می‌شود و قلب‌های آنها چون پاره‌های آهن خواهد شد... و آنها حکام زمین و ستون‌های آنها خواهند شد.

#### دو . برخی رجعت‌کنندگان، کارگزاران حضرت

در این باره امام صادق علیه السلام فرمود:

يَخْرُجُ مَعَ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ ظَهْرِ الْكُوفَةِ سَبْعٌ وَعِشْرُونَ رَجُلًا...



---

١- شيخ صدوق، خصال، ص ٥٤١، ح ١٤.

فَيَكُونُونَ بَيْنَ يَدَيْهِ أَنْصَارًا وَحُكَّامًا؛ (۱) از پشت کوفه بیست و هفت نفر قائم را هنگام ظهور همراهی خواهند کرد... پس آنها پیشاپیش آن حضرت؛ یاران او و حکام خواهند بود.

### سه . سخن گوی حضرت مهدی علیه السلام

#### اشاره

از جمله کارگزارانی که در روایات اشاره شده فردی به عنوان سخن گوی حضرت است. این سخن گویی در دو مورد اشاره شده است:

#### ۱. هنگام ظهور و خروج از مکه

امام باقر علیه السلام در این باره فرمود: إِذَا ظَهَرَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ... ثُمَّ يَأْمُرُ مُنَادِيَهُ فَيُنَادِي...؛ (۲) آنگاه که قائم ظهور کند... پس منادی خود را امر کند و او ندا دهد....

#### ۲. هنگام مناسک حج

از دیگر کسانی که از وی به عنوان سخن گوی حضرت یاد شده و می توان به عنوان یکی از کارگزاران حضرت از او یاد کرد در روایت امام باقر علیه السلام است که مردی از آن حضرت چنین نقل کرده که فرمود:

أَوَّلُ مَا يُظْهِرُ الْقَائِمُ مِنَ الْعِدْلِ أَنْ يُنَادِيَ مُنَادِيَهُ أَنْ يُسَلِّمَ صَاحِبَ النَّافِلَةِ لِصَاحِبِ الْفَرِيضَةِ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ وَالطُّوَافَ؛ (۳): نخستین نمود عدل گستری قائم آن است که منادی او ندا دهد کسانی که نافله به جای آوردند سلام دهند و اطراف حجر الاسود و طواف را برای کسانی که قصد فریضه دارند، خالی کنند.

### چهار . سبب و سبزه نفر، کارگزاران حضرت

در روایات فراوانی به جایگاه و عظمت یاران خاص حضرت اشاره شده است از جمله ویژگی های این گروه آن است که در دوران حکومت فرمانداران آن حضرتند، همان گونه که هنگام قیام فرماندهان سپاه آن حضرتند. امام صادق علیه السلام در این باره فرمود:

۱- شیخ مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۸۶.

۲- ابن ابی زینب نعمانی، الغیبه، ص ۲۳۸، ح ۲۸.

۳- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۴، ص ۴۲۷، ح ۱.

كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى الْقَائِمِ عَلَى مِثْبَرِ الْكُوفَةِ وَ حَوْلَهُ أَصْحَابُهُ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا عَدَّهُ أَهْلُ بَدْرٍ وَ هُمْ أَصْحَابُ الْأَلْوِيَةِ وَ هُمْ حُكَّامُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ عَلَى خَلْقِهِ؛ (۱) گویا می‌نگرم قائم را بر فراز منبر کوفه در حالی که سیصد و سیزده مرد گرداگرد او به شمار اهل بدر حلقه زده‌اند؛ آنها همانا پرچمداران و حاکمان خداوند در زمین، بر بندگان هستند.

### بنج . کارگزاران حضرت، در گوشه و کنار زمین

بی‌شک به جهت گستردگی و فراگیری حکومت عدل مهدوی بر کل زمین آن حضرت کارگزاران خود را به همه گیتی خواهد فرستاد. از امام صادق علیه السلام نقل است که در این باره فرمود:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ بَعَثَ فِي أَقَالِيمِ الْأَرْضِ فِي كُلِّ إِقْلِيمٍ رَجُلًا يَقُولُ عَهْدُكَ فِي كَفِّكَ فَإِذَا وَرَدَ عَلَيْكَ مَا لَا تَفْهَمُهُ وَ لَا تَعْرِفُ الْقَضَاءَ فِيهِ فَانْظُرْ إِلَى كَفِّكَ وَ اعْمَلْ بِمَا فِيهَا؛ (۲) آنگاه که قائم قیام کند بر هر اقلیمی از زمین مردی را می‌فرستد و به او می‌گوید برنامه تو در کف دست تو است، پس بدان بنگر و به مفاد آن عمل کن.

در بررسی‌های انجام شده بیش از آنچه آمد، سخنی در باره کارگزاران یافت نشد که البته آنچه یادآوری شد نیازمند بررسی... ای عمیق‌تر است که از حوصله این نوشتار بیرون است.

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۲، ح ۲۵.

۲- ابن ابی زینب نعمانی، الغیبه، ص ۳۱۹، ح ۸.

## خودآزمایی

۱. مشروعیت از نگاه لغت و اصطلاح به چه معناست؟ و در حکومت اسلامی چگونه حاصل می شود؟
۲. تفاوت های اساسی مشروعیت در عرف سیاسی با اندیشه سیاسی اسلام کدامند؟ توضیح دهید.
۳. مقبولیت در حکومت پیشوایان معصوم علیهم السلام به چه معناست؟ چگونه به دست می آید؟
۴. در نظام سیاسی مهدوی حقوق اساسی مردم بر حضرت مهدی علیه السلام کدامند؟ توضیح دهید.
۵. نقش کارگزاری مردم در حکومت حضرت مهدی علیه السلام چگونه است؟ به برخی گونه ها بر اساس روایات اشاره کنید.

===

## منابع برای پژوهش

۱. خراسانی، محمد جواد، مهدی منتظر، تحقیق و تعلیق: سید جواد میرشفیعی خوانساری، قم، نور الاصفیاء، ۱۳۷۹ش.
۲. بهروزی لک، غلام رضا، سیاست و مهدویت، قم، حکمت روشن، ۱۳۸۴ش.
۳. صدر، سید محمد، تاریخ الغیبه الکبری، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۲ ق.
۴. صدر، سید محمد، تاریخ پس از ظهور، ترجمه: حسن سجادی پور، چاپ اول، تهران، موعود عصر، ۱۳۸۴ش.
۵. مصباح یزدی، محمد تقی، سلسله مباحث اسلام، سیاست و حکومت، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸ش.



**درس هفتم: نظام سیاسی حکومت امام مهدی علیه السلام (۲)**

**اشاره**

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

مردم و حکومت مهدوی

بیعت مهم ترین سازوکار سیاسی

بیعت و رأی دادن، شباهت ها و تفاوت ها

آثار بیعت

بیعت با امام مهدی علیه السلام، از نگاه روایات

**پیش در آمد**

بی گمان، مردم در اندیشه سیاسی اسلام، پس از قانون (قرآن و سنت) و رهبر (ولی امر) سومین پایه بنیادین حکومتند. بر خلاف حکومت های خودکامه، مردم در حکومت اسلامی از تکیه گاه های اصلی اقتدار سیاسی به شمار می آیند و سهمی چشم گیر در این میدان بر دوش دارند. و در کارهای ارزنده سیاسی نظر می دهند.

یکی از مباحثی که در پاره ای از روایات به آن اشاره شده است، نسبت مردم با حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله فرجه است.

در درس گذشته یادآوری شد که مردم فقط در پذیرش که همان مقبولیت بخشی به حکومت است، نقش دارند. و در ابراز این نقش، مهم ترین سازوکار "بیعت" است؛ که در این درس به این سازوکار اشاره شده است.

**مردم و حکومت مهدوی**

همان گونه که پیش از این نیز اشاره شد پذیرفتن مردم (مقبولیت)، اگرچه مشروعیت نمی آورد در اندیشه سیاسی اسلام، جایگاه ویژه ای دارد. در برپایی حکومت جهانی به دست امام مهدی علیه السلام، با این که امام معصوم از سوی خداوند به حکومت برگزیده شده است، ولی این مردم هستند که باید به سوی او روی آورند و با پشتیبانی های پیوسته خود زمینه برپایی حکومت را فراهم آورند و تا آنگاه که چنین آمادگی در جامعه پدید نیامده است، امام به برپایی حکومت دست نمی زند، بلکه فقط خود را در معرض خلافت و رهبری قرار می دهد و مردم را به سوی خویش می خوانند تا چنین زمینه ای در جامعه پدید آید.

آنگاه که مردم چنین حکومتی را خواستند برای ابراز این خواستن راه هایی وجود دارد که یکی از آنها در اسلام بیعت است.

### بیعت، مهم ترین سازوکار سیاسی

حقیقت مقبولیت و پذیرش مردمی در حکومت اسلامی در سازوکار "بیعت" پدیدار می شود. بیعت، از مفاهیم شاخص در فرهنگ سیاسی اسلام است. تلاش برای گرفتن بیعت و یا آشفستگی به سبب شکستن آن، همواره بخش مهمی از تاریخ سیاسی اسلام را پدید آورده است.

«بیعت» واژه عربی از ریشه (ب ی ع) به معنای خرید و فروش و پذیرش بیع و در اصطلاح برهم زدن کف دست راست از طرفین معامله به نشانه پایان دادوستد است و نیز به هر عمل و رفتاری گفته می شود که کسی به سبب آن فرمانبرداری خود را از شخص دیگر و سرسپردگی در برابر فرمان و سلطه او نشان دهد.

شاید اطلاق کلمه «بیعت» به این معنا، از این رو است که هر یک از دو طرف، پیمانی همچون دو معامله گر در برابر دیگری می بندند؛ بیعت کننده حاضر می شود تا پای جان و مال و فرزند در راه فرمانبرداری او بایستد و بیعت پذیر نیز حمایت و دفاع او را بر عهده می گیرد.

بیعت در معنای خاص، اصطلاحی سیاسی حقوقی است که به دست همه یا گروهی از مردم و رهبر سیاسی آنها پدید می آید و رابطه ای اخلاقی، حقوقی و سیاسی میان مردم و رهبر سیاسی آنهاست که محتوای آن را پای بندی به فرمانبرداری و پیروی مردم از رهبرشان تشکیل می دهد. (۱)

بیعت، روشی بود که پیش از اسلام، میان عرب ها رواج داشت؛ به همین سبب در آغاز اسلام که طائفه اوس و خزرج هنگام حج از مدینه به مکه آمدند و با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم در عقبه بیعت کردند، برخورد آن ها با مسأله بیعت، برخورد با

---

۱- نک: راغب اصفهانی، مفردات، ص ۱۵۵؛ ابن اثیر، النهایه، ج ۱، ص ۱۷۴؛ جوهری، الصحاح، ج ۳، ص ۱۱۸۹؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۸، ص ۲۴؛ طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۲۱۰؛ مرتضی زبیدی، تاج العروس، ج ۱، ص ۳۵-۳۶.



یک امر آشنا بود. پس از آن نیز پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در فرصت های گوناگون، با مسلمانان تجدید بیعت کرد.

آیاتی در باره بیعت نازل شده است که دو آیه آن (سوره فتح، آیه ۱۰ و ۱۸) در سال ششم هجرت در باره بیعت حدیبیه است که به نام های "بیعت رضوان" و "بیعت شجره" معروفند. در آیه اول، بیعت با پیامبر صلی الله علیه و آله را به همانند بیعت با خداوند قرار داده و به این صورت تأیید کرده است. و آیه سوم (سوره ممتحنه، آیه ۱۲) در باره بیعت زنان با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که پس از فتح مکه نازل شد و بیانگر چگونگی بیعت زنان با پیامبر اسلام است.

اگر چه بحث های مربوط به بیعت دامنه ای دراز دارد، ولی در اینجا به برخی از مباحث کلی آن به اجمال و گذرا اشاره می شود:

### پایه های بیعت

بیعت دارای سه پایه مهم و نقش آفرین است که نبود هر یک از آنها سبب پدید نیامدن آن می شود، آن سه عبارتند از:

یک . بیعت شونده (گیرنده): کسی که با او بیعت می شود.

دو . مفاد بیعت: محتوای بیعت که طرفین بر آن اتفاق دارند.

سه بیعت کنندگان: عموم مردم که بر پایه مفاد بیعت، با بیعت شونده بیعت می کنند.

### چگونگی و چیستی بیعت

پدید آمدن بیعت و ابراز اراده دو سوی بیعت (بیعت شونده و بیعت کننده) برای انجام آن، می تواند به هر کار یا سخنی که به طور عرفی دلالت بر اراده آنها بر این امر داشته، و ناهمگونی با احکام شریعت نداشته باشد، صورت گیرد. به همین سبب است که شکل انجام آن توسط معصومان علیهم السلام گوناگون است:

اولاً: گونه های مختلفی داشته و گاهی با رفتار و زمانی با سخن و گفتار انجام شده است.

ثانیاً: چگونگی انجام آن با زنان متفاوت از مردان بوده است، زیرا برخی از شیوه های بیعت با مردان مانند "دست دادن" با زنان مشروع نبوده است. بنابراین بیعت با آنها گاهی

با گفتار و گاهی با دست دادن از روی لباس و زمانی نیز با فروردن دست در آب، انجام شده است. بدیهی است که هیچ یک از این اشکال، موضوعیت ندارد و آن چه مهم است ابراز اراده طرفین به طریقی مفید و مشروع می‌باشد. این امر از ماهیت سیاسی اجتماعی بیعت ناشی می‌شود.

بنابراین بیعت، قراردادی دو طرفه است که از یک طرف بیعت کننده - که اعلام فرمان برداری و پیروی می‌کند - و طرف دیگر، بیعت پذیرنده - که حمایت و دفاع از بیعت کننده را برعهده می‌گیرد - و یک معاهده دو طرفه می‌باشد که هر کدام نسبت به دیگری تعهدی را می‌پذیرند تا در میان هم‌دیگر آن تعهد را انجام دهند. به بیان دیگر «ماهیت بیعت، یک نوع قرارداد و معاهده میان بیعت کننده از یک سو و بیعت پذیر از سوی دیگر است، و محتوی آن فرمان برداری و پیروی و حمایت و دفاع از بیعت شونده است و بر طبق شرایطی که یادآوری می‌کنند درجات مختلفی دارد.»<sup>(۱)</sup>

همان گونه که پیش از این نیز گفته شد در باره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام که از سوی خدا نصب می‌شوند - به بیعت نیازی نیست؛ یعنی فرمان برداری پیامبر صلی الله علیه و آله و امام معصوم علیه السلام منصوب از سوی او، واجب است؛ چه بر کسانی که بیعت کرده اند و چه بر آنان که بیعت نکرده باشند. و به تعبیر دیگر، لازمه مقام نبوت و امامت، وجوب فرمانبرداری است؛ همان گونه که قرآن می‌فرماید:

((يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ))؛<sup>(۲)</sup> ای کسانی که ایمان آورده اید خدا را فرمانبرداری کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] فرمانبرداری کنید.

حال این پرسش پیش می‌آید که اگر چنین است، چرا پیامبر صلی الله علیه و آله از یاران خود یا تازه مسلمانان، بیعت گرفت؟

پاسخ اینکه: بی گمان این بیعت ها یک نوع یادآوری و پافشاری بر وفاداری بوده که در مواقع خاصی انجام می‌شده است؛ به ویژه هنگام بحران ها و حوادث که نیازمند پای

۱- ناصر مکارم شیرازی و همکاران، یک صد و هشتاد پرسش و پاسخ برگرفته از تفسیر نمونه، ص ۲۹۶ (با اندکی تصرف).

۲- نساء (۴)، آیه ۵۹.

بندی به قرارداد است، تا در سایه آن، از بحران و حوادث به خوبی گذر کرد.

در بیعت با حضرت مهدی عجل الله فرجه نیز چنین خواهد بود که بیعت، پافشاری بر وفاداری است. یکی از کارهای نخست حضرت مهدی علیه السلام هنگام ظهور، بیعت با یاران خود است. این بیعت، بر پایه روایات، در مسجد الحرام و میان رکن و مقام صورت می گیرد.

این روایات که در جوامع روایی شیعه و اهل سنت، (۱) فراوان انعکاس یافته به گونه‌های مختلفی به این رخداد پرداخته است.

پس از این اشاره خواهد شد که برخی از این روایت (با پافشاری بر اینکه همه امور این اتفاق به طور عادی نخواهد بود) برداشت کرده اند که، نخستین بیعت کننده با حضرت مهدی عجل الله فرجه، جبرئیل امین است و پس از این بیعت ویژه، حضرت مهدی عجل الله فرجه با دیگر یاران خود بیعت خواهد کرد.

با توجه به آنچه بیان شد در یک جمع‌بندی برخی ویژگی‌های بیعت در فلسفه سیاسی اسلام عبارت است از:

۱. بیعت در آموزه‌های راستین اسلام، پیمانی است بر پایه آموزه‌های شرعی و در حقیقت پیمان با خداوند است، (۲) هر چند در آشکار دست در دست ولی خدا می‌گذارد و با او بیعت می‌کنند. (۳)

۲. بیعت شونده باید برگزیده و منصوب از طرف خداوند و خوشنود پروردگار باشد. بنابراین، بیعت با انسان فاسق پدید نخواهد آمد.

۳. بیعت سازوکار و ماهیت امضایی دارد و نه پدیدآورنده، بدین معنا که کارکرد بیعت در جهت پذیرش مردمی و مقبولیت حکومت است و مشروعیت برای حکومت اسلامی به ارمغان نمی‌آورد.

۴. مفاد و محتوای بیعت از نگاه شرعی روا و جایز (۴) و در عمل، شدنی باشد. در برخی

۱- صنعانی، المصنف، ج ۱۱، باب المهدی، ح ۲۰۷۶۹؛ نیز: ر.ک: مقدسی شافعی، عقد الدرر، ص ۱۲۳.

۲- مائده (۵)، آیه ۷.

۳- فتح (۴۸)، آیه ۱۰.

۴- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۷۴.

روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در هنگام بیعت پافشاری بر آموزش این امر به بیعت کنندگان داشتند. (۱)

۵. مردم به لحاظ حقوقی در انجام بیعت و عمل به مفاد آن آزاد هستند و بیعت در نظام سیاسی اسلام اختیاری است و برآمده خواست دو طرف بیعت است. (۲) بنابراین، ضمانت اجرایی دنیوی ندارد، به این معنا که اگر کسی برخلاف پیمان خود عمل کند، به مانند پیمان شکنان بازخواست و کیفر و دنیوی ندارد مگر اینکه پیش تر برای آن پیش بینی شده باشد هرچند که به جهت شکستن پیمان از گزند عذاب اخروی در امان نیست. (۳)

ناگفته نماند با دقت در روش پیشوایان معصوم علیهم السلام به دست می آید که اگر شخص دارای شرایط با روی آوری عمومی مردم، زمام امور رهبری جامعه اسلامی را به دست گرفت، حتی بر کسانی که با او بیعت نکرده اند، بایسته است که از او پیروی کنند و در برابر او نایستند.

### بیعت ورأی دادن، شباهت ها و تفاوت ها

آیا انتخابات ورأی گیری به مفهوم رایج امروزی آن چه نسبتی با بیعت دارد؟ به عبارت دیگر آیا می توان گفت بیعت در گذشته کارکرد انتخابات و رأی گیری را داشته است؟

اگرچه در باره مفهوم رأی دادن، سخنان گوناگونی ذکر شده، ولی به نظر می رسد همه به یک نکته اساسی اشاره می کنند و آن اینکه "رأی دادن" عبارت است از فرایندی که به سبب آن کسانی، یک یا چند نامزد را برای انجام دادن کاری معین برمی گزینند.

با توجه به این بیان روشن است که رأی گیری از جهت مفهوم لغوی و اصطلاحی با بیعت به طور کامل متفاوت است. شاید یگانه شباهت آنها به یکدیگر آن است که هر دو در فرایند شکل گیری یک حاکمیت نقش دارند.

۱- متقی هندی، کنز العمال، روایت ۱۵۱۰.

۲- محمد بن حسین شریف رضی، نهج البلاغه، خطبه ۷ و نامه ۵۴.

۳- فتح (۴۸)، آیه ۱۰؛ محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۳۷؛ محمد بن علی بن حسین بن بابویه، خصال، ج ۱، ص ۲۹۶.

در نگاه نتیجه رأی گیری "مشروعیت" و "مقبولیت" سیاسی است اما در نظام اسلامی و به ویژه نگاه پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام فقط رأی گیری "مقبولیت" است، آن هم پس از "مشروعیتی" تثبیت شده. افزون بر آن اینکه رأی دادن، فقط انتخاب کردن است و نه تسلیم و اطاعت کردن، در حالی که در بیعت نوعی دل دادگی، سرسپردگی و فرمان برداری نیز وجود دارد.

با توجه به آنچه پیش تر بیان شد، روشن است که شیعه برای حاکمیت، دو مقام را بایسته می داند؛ مقامی که در آن، حق ولایت و حاکمیت «جعل» می شود و دیگر مقامی که در آن، حاکمیت «تحقق» می یابد. به همین جهت از مسائل بنیادین و پایه ای، «تفکیک» میان این دو مقام است که در نتیجه هر یک از این دو مقام نیز، قهرمان و نقش آفرین ویژه خود را دارد. در این دیدگاه، «دادن حق حاکمیت» و «نصب ولی» در یک مقام صورت می گیرد و یگانه سبب تأثیرگذار در آن، «نصب الهی» است و «تحقق حاکمیت» و «تولّی و تصدی امور» در مقام دیگری، شکل می گیرد که در آن، بیعت مردم نقش داشته و کارکرد سیاسی پیدا می کند.

از روایاتی که در تفسیر آیه ((ونريد ان نمن على الذين استضعفوا في الارض)) نقل شده که پیشوایان معصوم علیهم السلام را مصداق این مستضعفان دانسته نیز چنین استفاده می شود.<sup>(۱)</sup> چرا که مراد از استضعاف این است که شخصی یا ایده ای مورد ستم واقع شود و جامعه به آن اقبال نکرده، آن را تنها گذارد. کس یا ایده ای که با چنین وضعیتی روبه رو شود از نظر اجتماعی (ونه فکری و اقتصادی) به استضعاف، کشیده می شود. ولی در طرف مقابل اقتدار اجتماعی قرار دارد که مراد از آن، اقبال عمومی و پذیرش اجتماعی است که نتیجه آن، تقویت موقعیت اجتماعی و حاکمیت یافتن آن است.

تحقق حاکمیت یک شخص یا یک ایده در جامعه، به اقتدار اجتماعی بستگی دارد و به عبارت بهتر، تحقق و عدم تحقق حاکمیت، منوط به اقتدار و عدم اقتدار اجتماعی است و عناصر دیگر، حتی مشروعیت الهی در آن نقشی ندارد. این جا است که «بیعت»

۱- محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۸۴.

نقش پیدا می کند. در حقیقت بیعت، تأمین کننده عنصر اقتدار اجتماعی است.

با پافشاری اسلام بر عنصر آزادی و اختیار آدمی، نقش مردم در تشکیل حکومت مهدوی در قالب سازوکارهای ویژه‌ای نمود می یابد که یکی از آنها اعلام آمادگی برای حمایت همه جانبه با سازوکار بیعت است:

## آثار بیعت

### اشاره

به نظر می رسد که بیعت برخی از ویژگی های بیعت کننده و بیعت شونده را آشکار می کند که به مواردی اشاره می شود:

### ۱. ابراز آمادگی

در حقیقت بیعت ابراز آمادگی قلبی برای انجام دستورات امام است. شهید مرتضی مطهری در این باره می گوید:

به نظر می رسد بیعت در بعضی موارد صرفاً اعتراف و اظهار آمادگی است، قول وجدانی است. بیعتی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله گرفت از این رو بود... تا شخص بیعت نکرده، فقط همان وظیفه کلی است که قابل تفسیر و تأویل است، ولی با بیعت، شخص به طور مشخص اعتراف می کند به طرف و مطلب از ابهام بیرون می شود و بعد هم وجدان خود را نیز گرو می گذارد و بعید نیست که شرعاً نیز الزامی فوق الزام اولی ایجاد کند. (۱)

### ۲. پذیرش ولایت

بیعت زمینه را همواره می کند تا امام بتواند به خوبی اعمال ولایت کند. بنابراین می توان گفت که بیعت در عصر حضور فقط یک وظیفه دینی سیاسی برای فراهم کردن زمینه و پدید آوردن سرپرستی پیشوای معصوم است و نباید پنداشت که امام با بیعت به سرپرستی جامعه برگزیده می شود.

پس بیعت سبب پدید آمدن ولایت برای کسانی که ولایت ندارند، نیست؛ بلکه شرط پدیدار شدن ولایت، برای کسانی است که ولایت شرعی آنها ثابت شده است.

### ۳. یادآوری پایبندی به وظیفه

بیعت سبب می‌شود که مردم احساس وظیفه کنند مانند پیمانی که از کسی گرفته می‌شود برای کاری که بر وی واجب بوده است و باید انجام می‌داد، ولی باز پیمان از وی می‌گیرند تا به وظیفه خود عمل کنند.

### ۴. پافشاری بر وفاداری

بیعت، تبلور وفاداری بیعت کننده است؛ تا آمادگی خود را برای در اختیار قرار دادن همه توان‌مندی‌های خود برای امام، اعلام دارد. همان‌گونه که در عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این‌گونه بوده است. (۱)

بنابراین می‌توان گفت که در عهد حضور، بیعت نفیاً و اثباتاً در امامت نقشی ندارد (۲) و فقط برای فراهم کردن توان و قدرت اجرایی و فراهم آوری زمینه‌های اجرای احکام اسلامی نقش دارد و بیعت کنندگان به حکم وظیفه باید تمامی امکانات خود را در اختیار امام زمان علیه السلام قرار دهند و همه توان خود را در راه اسلام هدیه کنند.

### بیعت با امام مهدی علیه السلام، از نگاه روایات

#### اشاره

روایات مربوط به بیعت با حضرت مهدی علیه السلام از جهت معنا و مفهوم متواتر است؛ بنابراین در اثبات اصل این اتفاق نیازمند بررسی در روایات نیست. این روایات که با شمار گوناگون در منابع شیعه و اهل سنت نقل شده است به طور عمده به موضوعات زیر اشاره دارند:

#### ۱. بیعت کنندگان

#### اشاره

در این دسته روایات به کسانی اشاره کرده که در بیعت با آن حضرت شرکت می‌کنند. این روایات به دو دسته تقسیم می‌شوند:

#### ۱۱. بیعت جبرئیل فرشته وحی

۱۱. بیعت جبرئیل فرشته وحی (۳)

در این روایات از امین وحی با عنوان نخستین کسی که با مهدی موعود علیه السلام

---

۱- نک: محمد هادی معرفت، جامعه مدنی، ص ۱۹۰.

۲- نک: ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، پیشین، ص ۷۳۷۲.

۳- از آنجایی که این بیعت از محل بحث ما بیرون است فقط در حدّ اشاره از آن می گذریم.



بیعت می‌کند، یاد شده است. این مفهوم با تعبیرهایی چون: «أَوَّلُ مَنْ يُبَايِعُ الْقَائِمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَبْرَائِيلُ»،<sup>(۱)</sup> «فَيَكُونُ أَوَّلَ خَلْقِ اللَّهِ مُبَايِعَهُ لَهُ»،<sup>(۲)</sup> «فَيَكُونُ أَوَّلَ مَنْ يُبَايِعُهُ جَبْرَائِيلُ»<sup>(۳)</sup> و «أَنَّ أَوَّلَ مَنْ يُبَايِعُ الْقَائِمَ جَبْرَائِيلُ»<sup>(۴)</sup> به چشم می‌خورد.

## ۲-۱. بیعت یاران خاص (سیصد و سیزده نفر)

آنچه در بیعت با امام مهدی علیه السلام دارای ارزش است بیعت یاران، یاوران و مردم با مهدی موعود است. در روایات با تعبیرهایی چون: «بِإِيعَابِ بَيْنِ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ ثَلَاثُمَاءَ وَنِيفَ عَدَةِ أَهْلِ بَدْرٍ»<sup>(۵)</sup> و «بِإِيعَابِ النَّاسِ الثَّلَاثِمَاءَ وَثَلَاثَ عَشَرَ»<sup>(۶)</sup> به این مهم اشاره شده است.

افزون بر روایاتی که در آن به روشنی به بیعت شمار ویژه ای از یاران حضرت اشاره شده است، از گروه‌های دیگری نیز سخن به میان آمده است. گروه بزرگی از شایستگان، فرودستان، شیعیان و یکتاپرستان حق طلب و عدالت گرا که با وحدت و انسجام و هم راهی با ایشان بیعت می‌کنند. آن‌ها به فرمایش رسول اکرم صلی الله علیه و آله گروهی از خراسان هستند که در کوفه فرود می‌آیند. هنگامی که مهدی علیه السلام ظهور می‌کند، این گروه برای بیعت نزد او فرستاده می‌شود.<sup>(۷)</sup>

## ۳-۱. برخی از مردم

در برخی از روایات افزون بر بیعت‌های یادشده، سخن از بیعت مردم با آن حضرت به میان آمده است که ممکن است مقصود پذیرش آن حضرت در برخورد نخست با آن حضرت در مسجد الحرام باشد. در این باره ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل کرده که:

۱- محمد بن علی بن حسین بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۱، ح ۱۸.

۲- محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۳۱۴.

۳- علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۰۴؛ نیز ر.ک: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۱۸۴، ح ۳.

۴- محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۵۴.

۵- محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۷۶.

۶- محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۳۱۴، ح ۶.

۷- محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۷۴؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۴۶۷.

وَ اللَّهُ لَكَائِي أَنْظُرُ إِلَيْهِ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ يُبَاعُ النَّاسُ؛<sup>(۱)</sup> به خدا سوگند گوئی هم اکنون به او می نگرم که میان رکن و مقام از مردم بیعت می گیرد.

در برخی روایات نیز بدون اشاره به افراد ویژه، فقط به اصل بیعت اشاره شده است.

از این روایت به روشنی پذیرش همگانی آن حضرت توسط مردم به دست می آید. اگر چه ممکن است مقصود امام در این سخن نیز همان یاران خاص باشد.

در مستدرک حاکم از رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نقل شده که فرمود:

«يُباع لرجل من امتي بين الركن و المقام؛<sup>(۲)</sup> برای مردی از امت من میان رکن و مقام بیعت گرفته می شود.»

## ۲. مکان بیعت

پیش از این نیز اشاره شد، روایات مکان بیعت با حضرت مهدی علیه السلام را در مسجد الحرام، میان رکن و مقام یاد کرده... اند.<sup>(۳)</sup>

## ۳. محتوا و مفاد بیعت

### اشاره

با توجه به آنچه یاد شد محتوای اساسی بیعت، اعلام آمادگی یاران، یاوران و توده مردم برای انجام کارهای مورد نظر از طرف امام معصوم علیه السلام در جهت رسیدن به پیروزی و برپایی حکومت عدل جهانی است و آن چیزی جز عمل به دستورات پروردگار بزرگ در آموزه‌های دینی نیست.

### یک بررسی کوتاه در مفاد بیعت

آنچه به عنوان روایت منسوب به علی علیه السلام در روایتی آمده که حضرت مهدی علیه السلام در مفاد مشخصی با یاران خاص خود بیعت می کند، نیازمند بررسی و دقت است.

این روایت را سید بن طاووس در کتاب التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن (معروف

- ٢- محمد بن عبدالله حاكم نيشابورى، المستدرک على الصحيحين، ج ٤، ص ٤٧٨؛ يوسف بن يحيى المقدسى، عقد الدرر فى اخبار المنتظر، ص ٧٠؛ متقى هندی، كنز العمال، ج ١٤، ص ٢٧١.
- ٣- محمد بن حسن طوسى، كتاب الغيبة، ص ٤٥٤.

به ملاحم و فتن)، از فتن سلیلی نقل کرده و جز آنجا در هیچ یک از منابع معتبر حتی مضمون آن نیز به چشم نمی خورد. در اینجا به دلیل رواج استفاده آن در برخی نوشته‌ها، مناسب است تا حد ممکن بررسی شود.

در این روایت مفصل که در باب ۷۹ با یادآوری سند (۱) از ابوصالح سلیلی (۲) از علی علیه السلام نقل کرده، پس از بیان شهرهای یاران حضرت مهدی علیه السلام، به شروطی می پردازد که آن حضرت برای پذیرش بیعت قرار داده است:

... با او بیعت می کنند که هرگز دزدی نکنند، مرتکب فحشا نشوند، کسی را نکشند، حریمی را هتک نکنند، مسلمانی را دشنام ندهند، به خانه کسی هجوم نبرند، کسی را به ناحق نزنند، در برابر سیم و زر سر فرود نیاورند، حریر و خز نپوشند، مسجدی را خراب نکنند و راهی را نبندند، به یتیمی ستم نکنند، راهی را ناامن نکنند، خوراکی از گندم و جو انبار نکنند، مال یتیمی را نخورند، گرد همجنس بازی نگردند، شراب ننوشند، و ...

آنگاه به شروطی که حضرت مهدی علیه السلام برای خود می گذارد (و یشرط لهم علی نفسه) این گونه اشاره کرده است:

أن لا یتخذ حاجبا و یمشی حیث یمشون و یکون من حیث یریدون (۳) و یرضی بالقلیل؛ (۴) در بانی برای خود قرار ندهد، و از راه آنان برود، آن گونه که آنها می خواهند باشد، با کم خشنود و قانع شود، .... (۵)

۱- فقال: حدَّثنا الحسن بن علی المالکی، قال: حدَّثنا أبو النضر عن ابن حمید الرافعی، قال: حدَّثنا محمد بن الهیثم البصری، قال: حدَّثنا سلیمان بن عثمان النخعی، قال: حدَّثنا سعید بن طارق عن سلمه بن أنس عن الأصغ بن نباته، قال: خطب أمير المؤمنين علی علیه السلام خطبه، فذكر المهدی و خروج من یرج معه و أسماءهم، فقال له أبو خالد الکلبی: صفه لنا یا أمير المؤمنين، فقال علی علیه السلام:

۲- علی بن موسی ابن طاوس، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، ص ۲۸۸.

۳- این چگونه امامی است که بر پایه خواسته‌های انسان‌ها و نه خدواند خود را تنظیم می کند!

۴- این روایت با تفاوت‌های فراوانی در روزگار رهایی، ترجمه یوم الخلاص، آمده که فرازهای آن چه در باره یاران خاص و چه در باره حضرت قابل تأمل جدی است. نک: کامل سلیمان، یوم الخلاص، ص ۴۶۵ و ۴۶۴.

۵- لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۵۸۱.

این سخنان از دو جهت قابل بررسی است:

#### از جهت منبع

سید بن طاووس همان گونه که در مقدمه کتاب خود آورده، مطالب خود را به طور عمد از روایات سه کتاب اهل سنت پدید آورده است: ملاحم ابن حماد، فتن سلیلی، فتن بزّار.

البته ابن طاووس در کتاب خود درباره فتن سلیلی و روایات موجود در آن می گوید: کتاب الفتن، متعلق به سلیلی است و تاریخ نسخه اصلی که مصنف کتاب آن را نوشته است، متعلق به سال ۳۰۷ ق می باشد و در مدرسه ترکی شهر واسط موجود است. این نسخه موجود بنا بر گواهی شخصی که شاهد کتابت آن از روی نسخه اصلی بوده، می باشد.

سید بن طاووس در ابتدای نقلش از الفتن سلیلی در کنار اشاره به آنچه یاد شد به نوعی خود را از گرفتاری نقل روایات ضعیف دور کرده (وَأَنَا بَرِيءٌ مِنْ خَطَرِهِ، لِأَنَّي أَحْكِي مَا أَجْدُهُ بَلْفِظِهِ وَمَعْنَاهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى) (۱) و همه تقصیرات روایات را متوجه مؤلف کتاب کرده است.

بسیار روشن است که طریق سید بن طاووس به سلیلی و نقل سید از این کتاب، مرسل می باشد و طریق قابل خدشه است. همچنین شخص سلیلی که با نام «ابی صالح السلیلی بن احمد بن عیسی بن شیخ الحسائی (السائی)» معرفی شده، مجهول و نامشخص است. (۲)

افزون بر آن این که، این کتاب پیش و پس از ملاحم سید بن طاووس در هیچ یک از منابع معتبر استفاده نشده است. و اینک نیز در دسترس نیست.

#### از جهت سند:

در سند روایت نیز افراد مهملی وجود دارد که اعتبار روایت را از میان می برد. افرادی مانند: سلیمان بن عثمان، سعید بن طارق و سلمه بن انس که همگی مهمل بوده و نامی از آن ها در کتب رجال دیده نمی شود. (۳)

۱- سید ابن طاووس، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، ص ۲۱۶.

۲- رک: گروهی از محققین، معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۲، ص ۴۸۱، ش ۲۳۳.

۳- نجم الدین طوسی، تأملی در نشانه‌های ظهور (۱)، ص ۵۵.

از نظر محتوا.

روایت مورد نظر به طور عمده دارای سه فراز کلی است:

اول: اسامی یاران خاص حضرت و شهرهای آنها؛

دوم: مفاد پیمان نامه با حضرت؛

سوم: برخی نشانه‌ها.

که هر سه بخش دارای تأملاتی است.

اما تأملات: اینکه در متن روایت همه نام‌ها به صورت عربی است و با توجه به اینکه گفته شده بخشی از یاران آن حضرت از شهرها و کشورهای غیر عرب است، این نام‌ها نامتعارف است ضمن اینکه برخی شهرهای یادشده به طور اساسی با این گونه اسامی هیچ گونه پیشینه‌ای ندارند.

اما در باره مفاد پیمان نامه که به نظر می‌رسد این گونه پیمان نامه و بیعت‌نامه به دور از شأن مؤمنان معمولی است تا چه رسد به یاران خاص موعود منجی که در اوصاف و عظمت آنها سخنان فراوانی گفته شده است. به راستی چه توجیهی دارد که حضرت به یاران خاص خود بگوید اطراف همجنس بازی نگردند و مانند آن.

و اما تأمل سوم که در آن به برخی از نشانه‌ها اشاره شده است که البته در محل خود (بحث نشانه‌ها) ثابت شده است به دو دسته تقسیم می‌شود: نشانه‌های حتمی و غیر حتمی که برخی نشانه‌های یادآوری شده در این روایت در هیچ روایتی نقل نشده است.

نتیجه اینکه بیعت به عنوان یک سازوکار مهم و پایه‌ای حکایت از فرمان برداری و پایبندی بیعت‌کنندگان برای همراهی با مهدی موعود علیه السلام دارد که پس از مشروعیت از طرف خداوند برای تحقق آن حاکمیت جهانی زمینه‌های لازم را فراهم می‌کند.

## خودآزمایی

۱. بیعت از نظر لغت و اصطلاح به چه معناست؟ توضیح دهید.
۲. عناصر اساسی بیعت را نام برده هر یک را توضیح دهید.
۳. با توجه به اینکه پیامبر و امام از طرف خداوند نصب می شود بیعت با او چه معنا دارد؟
۴. بیعت و رأی دادن چه نسبتی با هم دارند؟ توضیح دهید.
۵. سه اثر از آثار بیعت را شرح دهید.

===

## منابع برای پژوهش

۱. قلمکاری، حیدر علی، حکومت اسلامی، تهران، نشر حقایق، ۱۳۵۸ش.
۲. مرندی، محمد رضا، مبانی مشروعیت نظام سیاسی در اسلام، تهران، مؤسسه انتشاراتی عطا، ۱۳۷۶ش.
۳. کارگر، رحیم، آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، ۱۳۸۳ش.
۴. بهروزی لک، غلام رضا، سیاست و مهدویت، قم، حکمت روشن، ۱۳۸۴ش.
۵. صدر، سید محمد، تاریخ پس از ظهور، ترجمه حسن سجادی پور، تهران، موعود عصر، ۱۳۸۴ش.

**درس هشتم: نظام تعلیم و تربیت در حکومت مهدی علیه السلام**

**اشاره**

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

درآمدی بر نظام تعلیم و تربیت اسلامی

گسترش خردورزی در عصر ظهور

ساز و کارهای تعلیم و تربیت مهدوی



عصر ظهور مهدی موعود علیه السلام، عصر شکوفایی و بالندگی همه انسان ها در همه زمینه های انسانی، در پرتو تعلیم و تربیت الهی و رسیدن آنها به اوج خردورزی برای بندگی خداوند است؛ که با سازوکارها و روش های گوناگونی سامان می یابد. از مهم ترین این سازوکارها، پرورش و آموزش بر پایه آموزه های وحیانی و الهی است که در این راه به شکوفا کردن خرد انسان ها (برای باور گسترده و ژرف به آموزه های دینی و عشق به مکارم اخلاقی) و نیز بالنده کردن فطرت و سرشت پاک آدمی می پردازد.

این عصر، عصر حاکمیت عقلانیت و معنویت بر افراد و گروه ها، دوره به زیستی و کمال گرایی است که کمتر مانندی می توان برای آن سراغ گرفت. در این عصر، همه ظرفیت ها و توانمندی های فطری و عقلی انسان، شکوفا می شود و با تربیت اخلاقی و عقلانی او (تزکیه و تعلیم)، زندگی نوینی فراروی او گشوده می شود.

از این رو دو گروه از روایات در بین سخنان معصومان علیهم السلام به روشنی به این امر اشاره کرده اند: نخست روایاتی که از گسترش و کمال عقلانی انسان سخن به میان آورده است و دیگر سخنانی که به گسترش شگفت انگیز دانش در این دوران اشاره کرده اند. در عصر ظهور همه امکانات مادی و معنوی دست به هم خواهند داد تا این نوید معصومان علیهم السلام، را در گسترش دانش و خرد فراهم کنند.

اگرچه تبیین فراگیر این مقال نیازمند بحث‌های فراوان و ذکر روایات و تبیین‌های بسیار است، اما در اندازه ممکن و متناسب این نوشتار تلاش می‌شود تا در این درس به این بحث اشاره شود. (۱)

### درآمدی بر نظام تعلیم و تربیت اسلامی

اگر دنیای امروز در آتش ناامنی، تشویش و هرج و مرج می‌سوزد؛ اگر کابوس تباهی و کژی بر آن چیره شده است؛ اگر دنیای امروز گرفتار کشمکش‌ها، فحشا، تجاوز و ده‌ها آشوب و تباهی دیگر است؛ اگر دولت مردان همچون گرگ‌های درنده و خون‌آشام از ترس همدیگر خواب و آرام ندارند و پیوسته در اندیشه نابودی همدیگر هستند؛ اگر جوانان کشورها به انحراف جنسی آلوده شده‌اند؛ اگر بی‌ناموسی و بی‌بندوباری دامن‌گیر مردان، پسران، زنان و دختران شده است و ده‌ها اگر دیگر... همه و همه به سبب نبود یک نظام فراگیر تعلیم و تربیت بر پایه آموزه‌های توحیدی و سرشت الهی است. که اگر در اجتماع، خویشتن‌داری، پارسایی، همکاری، همدلی، همیاری، انفاق، پاک‌دامنی، فروتنی، نیک‌خلقی، دوستی و به‌طور کلی عدالت به معنای گسترده و فراگیرش حکم فرما باشد، این اجتماع همان مدینه فاضله خواهد بود که می‌توان در آن با فکری آسوده و به دور از وحشت زندگی کرد.

از این رو است که خداوند پایه‌ای‌ترین برنامه پیامبران خود را نیز همانا تعلیم و تربیت دانسته می‌فرماید:

((هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمَمِينَ رَسُولًا - مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ))؛ (۲) اوست آن کس که در میان بی‌سوادان فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت، تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد، و [آنان] قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

۱- بخش‌هایی از این درس با بهره از کتاب تعلیم و تربیت در عصر ظهور، نوشته رحیم کارگر نگاشته شده است.

۲- جمعه (۶۲)، آیه ۲.

بر پایه این آیه، تکامل انسان از جنبه های علمی و رفتاری و تزکیه و تهذیب او، به عنوان هدف پایانی برانگیخته شدن پیامبر صلی الله علیه و آله دانسته شده است. امیر مؤمنان علیه السلام در این باره می فرماید:

فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَوَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ لِيَسْتَأْذُوهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ وَيَذَكِّرُوهُمْ مَنْسَى نِعْمَتِهِ وَيَحْتَجُّوا عَلَيْهِمْ بِالتَّلْبِيغِ وَيُثِرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ وَيُزَوِّجُهُمْ آيَاتِ الْمَقْدِرَةِ مِنْ سَفْفِ فَوْقَهُمْ مَرْفُوعٍ وَمِهَادٍ تَحْتَهُمْ مَوْضُوعٍ وَمَعَايِشٍ تُحْيِيهِمْ وَأَجَالٍ تُفْنِيهِمْ؛ (۱) پس هر چند گاه پیامبرانی فرستاد و به وسیله آنان به بندگان هشدار داد تا حق میثاق الست بگزارند، و نعمت فراموش کرده را به یادشان آرند. با حجت و تبلیغ، چراغ معرفتشان را بیفروزند تا به آیت های خدا چشم دوزند. از آسمانی بالا برده و زمینی زیرشان گسترده، و آنچه بدان زنده اند و چسان می میرند و ناپاینده اند.

بنابراین پایه رسالت پیامبران، گسترش دانش و آگاهی است و ایمان و معرفت، خود در پرتو دانش پدید می آید. پیامبران به انسان ها، راه و رسم زندگی و هدف و نتیجه آن را می آموختند و ارزش انسان و والایی مقام و نقش برجسته او در هستی و توانایی و ظرفیت وجودی او را در رسیدن به تکامل فراگیر و تعالی روحی، به وی یادآور می شدند. در پرتو چنین تعلیمی، نیروی تفکر و خردورزی را در او بیدار می کردند و به اندیشه درباره مبدأ و معاد و کشف رموز و اسرار آیات الهی و می داشتند. البته در کنار این و فراتر از آن، به تزکیه و تهذیب او اهمیت داده و راه رسیدن به کمال را در اخلاق متعالی و معنویت دینی می دانستند.

بحث از تعلیم و تربیت انسان ها در حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام که به راستی استمرار حرکت پیامبران الهی و به ویژه پیامبر خاتم و پیشوایان معصوم علیهم السلام است در دو عرصه اساسی اشاره شده است؛ یکی کمال عقل و خرد انسان ها و دیگری گسترش دانش در بین آنها، از این رو در اینجا فقط به این دو مقوله به صورت کوتاه اشاره می شود.

۱- محمد بن حسین شریف رضی (د/ ۴۰۶ ق)، نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، خطبه ۱، ص ۶.

## گسترش خردورزی در عصر ظهور

عقل، پایه و اساس انسانیت، حجت باطنی خداوند، وسیله فهم و دریافت معارف بنیادین اعتقادی و یکی از منابع استنباط احکام فقهی اسلام است. شکوفاسازی و تربیت این موهبت ارجمند الهی، رسالت همه ادیان آسمانی، به ویژه دین اسلام بوده است.

### عقل از نگاه قرآن

در آیات قرآن به ارزش عقل اشاره می‌کند، و گناه عمده دوزخیان و سبب اصلی بدبختی آنها را از کارانداختن این نیروی الهی می‌شمرد. بر خلاف پندار باطل کسانی که دین را وسیله تخدیر مغزها، و نادیده گرفتن فرمان خرد می‌شمرند، اسلام پایه خداشناسی و سعادت و نجات را بر عقل و خرد می‌نهد، و روی سخنش در همه جا با "اولو الالباب" و "اولو الأبصار" و اندیشمندان و دانشمندان است. (۱)

### عقل از نگاه روایات

در منابع روایی سخنان فراوانی در باره عقل وارد شده است. جالب اینکه کتاب معروف "الکافی" که از معتبرترین منابع حدیث است مشتمل بر کتاب‌هایی است که نخستین کتابش به نام کتاب "عقل و جهل" است، در اینجا به ذکر دو روایت بسنده می‌کنیم:

در حدیثی از علی علیه السلام آمده است:

جبرئیل بر آدم نازل شد و گفت من مامورم که تو را بین یکی از این سه موهبت مخیر کنم، تا یکی را برگزینی، و بقیه را رها کنی. آدم پرسید: آنها چیست؟ جبرئیل در پاسخ گفت: "عقل" و "حیاء" و "دین".

آدم گفت: إني قد اخترتُ العُقْل؛ من عقل را برگزیدم، جبرئیل به "حیاء" و "دین" گفت او را رها کنید و به دنبال کار خود بروید، گفتند ما مأموریم همه جا با عقل باشیم و از آن جدا نشویم! جبرئیل گفت: حال که چنین است به مأموریت خود عمل کنید، سپس به آسمان صعود کرد! (۲)

۱- ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۳۳۱-۳۳۰ (با تصرف).

۲- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۰.

این لطیف ترین تعبیری است که ممکن است در باره عقل و خرد، و نسبت آن با "حیا" و "دین" گفته شود، چرا که اگر عقل از دین جدا شود با اندک چیزی بر باد می رود، یا به انحراف کشیده می شود، و اما "حیا" که مانع انسان از ارتکاب زشتی ها و گناهان است آن نیز ثمره شجره معرفت و عقل و خرد است.

این نشان می دهد که "آدم" سهم قابل ملاحظه ای از عقل داشت که به هنگام مخیرشدن در میان این سه چیز، مرحله بالاتر عقل را برگزید، و در سایه آن هم دین را به دست آورد و هم حیا را.

در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام می خوانیم:

مَنْ كَانَ عَاقِلًا كَانَ لَهُ دِينٌ وَمَنْ كَانَ لَهُ دِينٌ دَخَلَ الْجَنَّةَ؛<sup>(۱)</sup> کسی که عاقل باشد دین دارد، و کسی که دین داشته باشد داخل بهشت می شود (بنا بر این بهشت جای خردمندان است).

بنابراین اسلام، به خرد و خردورزی بسیار ارزش داده و پرورش اخلاقی را به نوعی پرورش عقلانی و بازپروری نیروی استدلال می داند. محتوای برخی از روایات، این است که زیربنای اخلاق، وابسته به عقل و خرد است؛ زیرا عقل است که آدمی را از ارتکاب اعمال زشت و رفتار ناپسند باز می دارد و او را به پاکی گزینی و روشن بینی ایمانی و اخلاقی فرامی خواند.

طبیعی است وقتی علت، پرورده باشد، معلول نیز قوی تر و استوارتر به وجود خواهد آمد. امام صادق علیه السلام می فرماید:

دَعِيَامَهُ الْإِنْسِيَانِ الْعَقْلُ وَالْعَقْلُ مِنْهُ الْفِطْنَةُ وَالْفَهْمُ وَالْحِفْظُ وَالْعِلْمُ وَالْعَقْلُ يَكْمُلُ؛<sup>(۲)</sup> ستون هستی انسان، عقل است و هوشمندی و فهم و حفظ و دانش از عقل سرچشمه می گیرند.

رسیدن کمالات اخلاقی در پرتو نیروی خرد امکان پذیر است و هر اندازه عقل دچار رکود گردد، به همان نسبت امکان رشد اخلاقی از دست می رود. رسول خدا صلی الله علیه وآله در روایتی می فرماید:

۱- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۱.

۲- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۵.

إِنَّمَا يُدْرِكُ الْخَيْرُ كُلَّهُ بِالْعَقْلِ وَ لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ؛<sup>(۱)</sup> همانا همه نیکی ها و کمالات در پرتو عقل به دست می آید. و از دین بهره ای نبرده است آن کس که از خرد بهره ای ندارد.

در روایات مربوط به حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام نیز اشاره ای روشن به هماهنگی و هم پوشانی دو بعد فکری و اخلاقی (تعلیم و تربیت) انسان شده و رشد و بالندگی توأم آن دو، به دست مهدی موعود علیه السلام تأکید شده است. امام باقر علیه السلام می فرماید:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهِ أَخْلَامَهُمْ؛<sup>(۲)</sup> چون قائم ما قیام کند خداوند دست رحمتش را بر سر بندگان گذارد، پس عقولشان را جمع کند (تا پیروی هوس نکنند و با یک دیگر اختلاف نوززند) و در نتیجه خردشان کامل شود.

بر پایه روایت امام باقر علیه السلام، خرد و افکار مردم در عصر ظهور، شکوفا و متمرکز و اخلاق آنان کامل می شود؛ این یعنی، پیوند عقلانیت و معنویت انسان و رسیدن به بصیرت اخلاقی انسان در سایه بینش عمیق و دانایی پارسا یانه و ایمانی، ریشه های مفاسد و معایب را از درون خود می زداید و بر معرفت و معنویت خود می افزاید. در واقع برای تعلیم و تربیت انسان، دو بعد اثرگذار در او، تقویت و رشد می یابد:

۱. بعد اخلاقی؛ یعنی تربیت و تزکیه انسان، رشد فضایل اخلاقی و انسانی، شکوفایی سرشت الهی، بندگی خداوند و معنویت گرایان انسان.

۲. بعد فکری؛ یعنی تعلیم و حکمت آموزی انسان، دانایی و روشن بینی او، اندیشه ورزی در مبدأ و معاد و...، تقویت خردورزی و فهم عمیق و واقعی محاسن اخلاقی.

درباره چگونگی شکوفایی تعلیم و تربیت گفتنی است که بر پایه روایت پیش گفته، امام زمان علیه السلام پس از ظهور، با نفوذ در دل و جان و عقل مردم و هدایت های

۱- حرانی، تحف العقول، ص ۵۴.

۲- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۵.

پیامبرگونه خود، آنان را هدایت و راهنمایی می‌کند. مقصود از دست (وَضَع يَدَهُ) در این روایت، دست رحمت، هدایت و شفقت الهی بر بندگان است.

در حقیقت در عصر ظهور نیز امام مهدی علیه السلام، همه موانع و آفت‌های رشد و تعالی عقلانی انسان‌ها را از بین می‌برد و عقول آنان را به حد بالایی از شکوفایی و رشد می‌رساند. افزون بر آنکه تزکیه و تهذیب نفوس انسانی و طهارت جامعه بشری را در رأس برنامه‌های خود قرار می‌دهد.

از این رو کلیدواژه تعلیم و تربیت اسلامی به ویژه در عصر ظهور امکان پرورش و شکوفایی کمال گرایانه انسان، در پرتو رشد فراگیرفکری و اخلاقی و در نتیجه زدودن ناهنجاری‌ها و ناراستی‌های فردی و اجتماعی است. این نگره می‌تواند برای همه جوامع و همه اعصار، کاربردی بوده و تأثیرگذار باشد؛ همان‌گونه که زمان بعثت نبوی، عصر تعلیم و تربیت نفوس و تزکیه و خرد پروری بوده است. بعد کامل این رویکرد «بصیرت اخلاقی» است که در دوران ظهور منجی موعود علیه السلام، آشکار و نورافشان خواهد شد.

اما این که چه سازوکارهایی برای دستیابی انسان به بصیرت اخلاقی و شکوفایی تعلیم و تربیت در عصر ظهور وجود دارد؟ با مراجعه به روایات و منابع دینی به دست می‌آید که برای دستیابی به این رشد و بالندگی معنوی و عقلی، سازوکارهای بیان شده و عصر ظهور، دوران شکوفایی و تعالی انسان در همه زمینه‌ها دانسته شده است.

## سازوکارهای تعلیم و تربیت مهدوی

### اشاره

عصر ظهور، عصر شکوفایی و بالندگی انسان، در پرتو تعلیم و تربیت حقیقی و رسیدن او به بصیرت اخلاقی است و آن با ساز و کارها و شیوه‌های گوناگونی پدید می‌آید که مهم‌ترین آنها تربیت عقلانی است؛ یعنی، شکوفاکردن عقل و خرد آدمی (برای باور عمیق و ژرف به آموزه‌های دینی و عشق به مکارم اخلاقی) و نیز بالنده کردن فطرت و سرشت پاک آدمی و تزکیه نفس آلوده.

در واقع چند مؤلفه مهم اخلاقی فکری در این نظام قابل شناسایی و بررسی است.

انقلاب بزرگ فرهنگی و اخلاقی؛

بالا بردن سطح دانایی و خرد ورزی انسان؛

ریشه کنی عوامل تباهی فرد و اجتماع؛

کمک گرفتن از خرد در جهت شناخت مبدأ و معاد و نیکی ها و زشتی ها؛

کمک به قدرت انتخاب گری مردم در جهت دادن به آنها برای دگرگونی وضع نابسامان خود؛

رشد هماهنگ فکری و اخلاقی انسان (تزکیه و تعلیم مردم)؛

پاکیزه کردن اخلاق مردم و آشناساختن آنان با فضایل انسانی و... .

روشن است برای نجات انسان ها از گرداب گمراهی و نادانی و اصلاح گروه های مردی و کاستن از مشکلات پرشمار، باید سازوکارها و شیوه های گوناگونی به کار گرفته شود و از ابزار و امکانات مناسبی استفاده گردد. در عصر ظهور از همه امکانات و سازوکارهای ممکن برای به سازی اخلاق و پاک زیستی انسان و فراهم کردن محیط سالم و بلندمرتبه بهره گرفته خواهد شد و این در پرتو عنایات الهی و شخصیت، توان و درایت ویژه امام مهدی علیه السلام شدنی خواهد بود. در این قسمت سازوکارهای برگرفته از روایات و منابع دینی، ذکر می شود:

### ۱. شکوفاسازی عقول انسانی

مهم ترین راه رسیدن به بصیرت اخلاقی، کمال فکری است؛ یعنی، توجه ویژه دین به شکوفاکردن خرد آدمی و بالا بردن سطح دانایی و روشن بینی او است. عقل، پایه انسانیت، حجت باطنی خداوند، وسیله فهم و دریافت معارف اعتقادی و یکی از منابع استنباط احکام فقهی اسلام است. شکوفاسازی و تربیت این موهبت ارجمند پروردگار، پیام همه ادیان آسمانی، به ویژه دین اسلام بوده است.

پیش از این اشاره شد در روایت هایی به این بعد از کمال فکری و عقلی بشر که در عصر ظهور در حد بالایی خواهد بود اشاره شده است.

به نظر می رسد این گونه تعبیرها کنایه از تربیت امت اسلامی به دست امام قائم علیه السلام است و بهره از واژه «رؤوس» (سرها)، به جهت آن است که مردم سر را مرکز خرد و اندیشه می دانند و دست بر سر نهادن، کنایه از تربیت است و فرقی نمی کند که خداوند مربی باشد و یا مهدی علیه السلام؛ زیرا قانون مهدوی، همان قانون الهی است و تربیت او، آیت تربیت پروردگار بلند مرتبه می باشد. بدین ترتیب نتیجه طبیعی و مطلوب



تربیت که عبارت از گرد آمدن عقل ها و تکامل اندیشه ها است به بار می نشیند. (۱)

پس دست نهادن بر سر بندگان خدا، به معنای تربیت و اعتلای اندیشه ها و افکار و عواطف انسان ها است که اگر همراه با رشد اخلاقی و تزکیه و تربیت درست باشد؛ در انسان «بصیرت اخلاقی» پدید می آورد و او را به سر منزل مقصود رهنمون می‌شود. پرورش خرد و اندیشه آدمی (تربیت عقلانی) و بالا بردن سطح دانایی و بصیرت او، روشی تأثیرگذار و باارزش در رشد و شکوفایی معنوی او است که بر پایه روایات در عصر ظهور محقق خواهد شد.

## ۲. فرهنگ سازی جامع

عصر ظهور، دوران گسترش فرهنگ سالم و انسانی در همه سطوح جامعه و زدودن خرافات، پیرایه ها و آداب و رسوم ناسالم و غیر مفید است. همچنین عصر فعالیت های گسترده فرهنگی است؛ یعنی، بعضی از مشکلات و کاستی های جامعه، از طریق فرهنگی (تبلیغی و آگاهی بخشی و ارشادی)، قابل حل است و اقدامات حکومت جهانی نیز، بیشتر ماهیت فرهنگی و ارزشی دارد. در این برهه نورانی، انسان ها به عمق و زشتی مفاسد اخلاقی و کژتابی های فکری و عملی پی می برند و از آلودگی ها بی زار می گردند و این فقط در سایه گسترش و تعمیق «فرهنگ برتر دینی» و یا «فرهنگ سازی جامع» است؛ یعنی، فرهنگ سالم دینی در همه سطوح گسترش می یابد و ماهیت امور فرهنگی می شود.

## ۳. پالایش ناپاکی های درونی

در قرآن، پالایش درونی، با عنوان «تزکیه» و «تزکی» مطرح شده است. این دو از نظر لغوی به معنای پاک نمودن و یا پاک شدن از آنچه که باید از آن پاک شد و از نظر اصطلاحی، پاکیزه ساختن نفس از شرور و آلودگی ها است. بزرگ ترین هدف پیامبران، تهذیب و تزکیه نفوس انسانی بوده است. آنان آمدند تا جان انسان ها را از زشتی ها و صفات حیوانی پاک و پاکیزه سازند و خوبی ها و مکارم اخلاقی را پرورش دهند. آنان آمدند تا به انسان ها درس خودسازی بیاموزند و در طریق شناخت اخلاق زشت و کنترل

و مهار امیال و خواسته های مخرب نفسانی، یار و مدد کارشان باشند.

عصر ظهور به راستی، دوران تزکیه و پاکیزگی جان ها است؛ هم با برنامه های پیامبرانه امام زمان و هم با آگاهاندن و سوق دادن مردم به آن.

#### ۴. شکوفایی سرشت انسانی

همه انسان ها، بر سرشت پاک و فطرت الهی به دنیا می آیند و هر چند دارای غرایز و نیروهای غریزی هستند؛ اما ملکات انسانی و نیروهای قدسی آنان قوی تر و ماندگار تر است. اگر انسان زیر پرورش درست قرار گیرد و دچار اغواگری و شیطنت ابلیس نشود، توانایی رشد و بالندگی روحی و معنوی فوق العاده ای دارد. پس باقی ماندن بر سرشت پاک یا بازگشت به این سرشت و سیرت الهی، بایسته ترین راه برای رسیدن انسان به کمال و تعالی واقعی، رشد روزافزون و شکوفایی واقعیت های انسانی است. این اصل مسلم، رکن پایدار اندیشه مهدویت و از سازوکارهای مهم پرورشی، برای بیرون کردن انسان از مادی محض و رساندن او به اوج «طهارت» و «قدسی بودن» است.

#### ۵. ترویج و تثبیت ارزش های اخلاقی

«هنجارپذیری»، فرآیندی است که به انتقال آموزه های اخلاقی و مکارم انسانی و تثبیت آنها در افراد منجر می شود. در این فرآیند (همچون جامعه پذیری)، ارزش های اخلاقی تبیین و تشریح می گردند و ضمن آگاه کردن انسان ها از آنها، زمینه های علاقه قلبی آنان و کشش درونی به آنها را فراهم می سازند. مهم ترین ویژگی هنجار پذیری انسان، فهم و پذیرش قوانین ثابت اخلاقی و تلاش برای گسترش و حاکمیت این اصول است؛ یعنی، آراسته شدن به اصول ارزشی و پایبندی با معرفت به آنها.

مهم ترین برنامه امام مهدی علیه السلام، حاکمیت ارزش های اخلاقی و آگاهی بخشی به مردم است.

#### ۶. کنترل و نظارت فراگیر

برای اینکه بتوان باور و رفتار انسان ها را دگرگون کرد و آنها را در مسیر اصلاح و سازندگی واقعی قرار داد، باید برنامه ای پایدار و اثر گذار برای او ارایه نمود و در ضمن آن، نظارت فراگیر و کاملی بر رفتارها و هنجار شکنی های وی داشت. افزون بر این، باید

بر حسن اجرای برنامه های تربیتی و اصلاحی، مراقبت جدی داشت و در صورت ضرورت، از سازوکار «انذار و تخویف» و «تنبیه» استفاده کرد. همچنین در اجرای دستورات دینی (در زمینه های گوناگون)، جدیت به خرج داد و در برابر طغیان و قانون شکنی کوتاه نیامد.

در صورتی که برنامه های فرهنگی، تحت انضباط و نظم دینی قرار گیرد، بسیار مؤثر و کاربردی خواهد بود. این نظارت فراگیر برای هدایت و رهنمونی انسان ها، به صلاح و تقوا و جلوگیری از هنجار شکنی و افسادگری در عصر ظهور، با ظرافت خاص و برنامه ای فراگیر صورت خواهد گرفت.

### ۷. تقویت باورهای اعتقادی و ایمانی

بر پایه این سازوکار، برای اینکه انسان بتواند اعمال و رفتار درست و با اعتدالی بروز دهد، باید زیربناهای فکری و معرفتی اش استوار و فخیم گردد؛ یعنی، تا انسان شناخت درست و باور عمیقی نسبت به مبانی اعتقادی خود (به ویژه یکتاپرستی)، نداشته باشد و آنها را با دل و جان نپذیرد، کمتر هنجار پذیر شده و به سمت کمالات واقعی خود حرکت می کند. پس رشد فکری و اخلاقی بشر، مترتب بر تعمیق باورهای دینی و آشنایی عمیق با آغاز و فرجام خود و حاملان وحی (انبیاء) و راهبران طریق (امامان) است. همان گونه که مهم ترین برنامه رسول اکرم صلی الله علیه و آله، جایگزینی توحید، به جای شرک و بنیاد نهادن تمدن توحیدی بود؛ آن هم با تغییر در باورهای اعراب جاهلی.

### ۸. ایجاد غنای واقعی در بشر

یکی از سازوکارهای مهم در تغییر و تحولات روحی انسان ها و فروکاستن از آمال مادی صرف و خواسته های فزاینده دنیوی و تجملاتی، استغنای روحی انسان ها است. بالا رفتن ظرفیت های فکری و درونی مردم، توجه به نیازهای اصیل و فطری و ماندگار، پایین آوردن سطح خواسته ها و خواسته های گوناگون و فزاینده مادی و غریزی، در اولویت قرار دادن امور پست و زودگذر و... نشانه های بی نیازی روحی و معنوی اند. اینها با مدیریت و هدایت دقیق و درست، عامل حل بسیاری از کاستی ها و ناهنجاری ها خواهند بود؛ امری که در عصر ظهور به صورت کامل و تمام محقق خواهد شد.

## ۹. به سازی اخلاق کارگزاران

یکی از راه های تأثیرگذار در رشد فکری و اخلاقی مردم، تقدم اصلاح رفتاری و معرفتی بازیگران عرصه سیاست و مدیریت جهان بر دیگران است. اگر کارگزاران امور، از نظر اخلاقی سالم و پاک باشند و در عمل به وظایف خود از راه حق، عدالت و اعتدال بیرون نروند، بسیاری از انحرافات و کژتابی های اخلاقی و رفتاری جهان کاسته خواهد شد و مردم نیز پیرو آنان خواهند بود.

گام نخست در به سازی اخلاق کارگزاران و مدیران و مجریان، نظارت بر آنها و سخت گیری در برابر قانون شکنی و هنجارناپذیری آنان است.

« الْمَهْدِيُّ... شَدِيدٌ عَلَى الْعُمَّالِ رَحِيمٌ بِالْمَسَاكِينِ؛ (۱) مهدی علیه السلام... بر کارگزاران سخت می گیرد و بر بینوایان بسیار مهربان است.»

## ۱۰. حاکمیت اندیشه قرآنی

قرآن، برنامه فراگیر و کامل برای ساختن جامعه ای سالم و آباد، انسانی فرهیخته و متعالی و آینده ای رو به رشد و مترقی است. وجود آموزه های وحیانی قرآن، به عنوان مبنا و معیار درستی و نادرستی اندیشه ها و افکار و تربیت کننده و اصلاح گر نفوس و دل ها، عامل رستگاری و نجات همه انسان ها در هر سطح و منزلتی است.

پیش از این اشاره شد امیر مؤمنان علیه السلام در باره اینکه امام مهدی علیه السلام قوانین را مطابق با قرآن می کند، فرمود:

يُعْطِفُ الْهَوَى عَلَى الْهُدَى إِذَا عَطَفُوا الْهُدَى عَلَى الْهَوَى وَ يَعْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ؛ (۲) خواهش نفسانی را به هدایت آسمانی بازگرداند، و آن هنگامی است که مردم رستگاری را تابع هوی ساخته اند، و رأی آنان را پیرو قرآن کند، و آن هنگامی است که قرآن را تابع رأی خود کرده اند.

۱- عماد الدین طبری، بشاره المصطفی، ص ۲۰۷.

۲- محمد بن حسین شریف رضی (د/ ۴۰۶ ق)، نهج البلاغه، ترجمه: سید جعفر شهیدی، خطبه ۱۳۸، ص ۱۳۵.

## ۱۱. وحدت و الفت انسان ها

دوری و اختلاف انسان ها از همدیگر و کینه ورزی نسبت به هم، چند پارگی فرهنگی و عقیدتی، خواست ها و اهداف ناهمگون و چندگانه، ارزش ها و هنجارهای گوناگون و... از تهدیدات مهم جامعه بشری و عامل رکود و خمودگی فکری و فرهنگی است. علت تنازع و تفرقه انسان ها هرچه باشد و به هر شکلی صورت گیرد (شکاف های مذهبی، فرقه ای، قومی، زبانی، نژادی و...)، تاریخچه ای به فراخنای زندگی بشری دارد و بسیاری از جنگ ها، ستیزه جویی های فرسایشی، تجاوزگری ها و... ثمره آن است. یکی از برنامه های اساسی پیامبران، نزدیک ساختن انسان ها به همدیگر، تألیف قلوب، تعمیق مهرورزی و محبت است؛ یعنی، تشکیل امت واحده و بازگرداندن انسان ها به سرشت و سیرت واقعی خود. در پرتو این اتحاد و همدلی است که انسان ها، یک فرهنگ و آیین واحد را پذیرا بوده و یک هدف و برنامه برای زندگی خواهند داشت. اگر انسان ها در جامعه واحد جهانی گرد هم نیایند و بر تنازع ها و تعارض های فرهنگی و سیاسی و... پافشاری کنند، هیچ برنامه تربیتی و فرهنگی مؤثر نخواهد بود و مشکلات انسان ها همچنان باقی خواهد ماند.

پس لازمه رشد فکری و اخلاقی مردم، شکل گیری امت واحده و فرو کاستن از جدایی ها، ستیزش ها، افکار متفاوت و ارزش های چند پاره است؛ امری که در عصر ظهور مورد توجه بوده و همه اختلافات، کینه ها و مذاهب و... برطرف می گردد. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «يَقُومُ قَائِمُنَا... ثُمَّ يَجْمَعُهُمُ اللَّهُ عَلَىٰ أَمْرٍ وَاحِدٍ؛<sup>(۱)</sup> آن گاه که قائم ما قیام کند... همه را بر یک فکر و مرام و احد گرد می آورد.» و امام صادق علیه السلام فرمود: «لَيُرْفَعَنَّ عَنِ الْمَلَلِ وَالْأَذْيَانِ الْإِخْتِلَافُ؛<sup>(۲)</sup> چنددسته گی و پراکندگی را از ملت ها و ادیان بر می دارد.» آن حضرت الفت و دوستی در دل مردم ایجاد می کند و بغض و خصومت را برطرف می سازد. امام صادق علیه السلام در این باره فرمود:

۱- ابن ابی زینب نعمانی، الغیبه، ص ۲۰۶، ح ۱۱.

۲- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱.

«... وَ يُؤَلِّفُ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبٍ مُخْتَلِفَةٍ؛ (۱) ... بین قلب های گوناگون الفت ایجاد می کند.»

و امیر مؤمنان فرمود: «لَذَهَبَتِ الشُّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ؛ (۲) کینه ها از قلب های بندگان می رود.»

## ۱۲. فراگیری و همگانی شدن تعلیم و تربیت

یکی از انگاره های ارزشمند در تربیت و بالندگی اخلاقی و روحی انسان ها، فراگیری و شمول آن به همه افراد اجتماع است؛ یعنی، همگان باید در سطوح و مراحل مختلف زندگی، از برنامه های تربیتی و اخلاقی برخوردار شده و به تزکیه و تهذیب نفس و حکمت آموزی و خردورزی پردازند. اگر بخش هایی از اجتماع ولو اندک از طهارت نفس و اخلاق فاضله بی بهره باشند، آن را به تباهی کشانده و مانع تأثیر برنامه های تربیتی می شوند. مهم تر از آن، افراد هنجار شکن و تباه گر، خود از موانع اصلی تعلیم و تربیت بوده و همواره در صدد انحراف و اغوای دیگران و افساد جوامع بر می آیند. به همین جهت تعلیم و تربیت واقعی، آن است که دربرگیرنده همه افراد بشر بوده و برای همگان، راه کارهای مناسب اصلاح و بازسازی اخلاقی ارائه دهد.

در عصر ظهور، تعلیم و تربیت، جهانی، فراگیر و کارآمد بوده و دربرگیرنده همه گروه های سنی، فکری، اعتقادی، سیاسی، جغرافیایی و ... می شود. کسی نیست که از این هدایت گری و تربیت ها بی بهره باشد و همچنان بر تباهی و ناراستی خود باقی بماند.

این فراگیر شدن به گونه ای است که در برخی روایات سخن از چندین برابر شدن دانش بشری به میان آمده است. در روایتی به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده که فرمود:

الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَعِشْرُونَ جُزْأً فَجَمِيعُ مَا حَيَّاتُ بِهِ الرُّسُلُ جُزْأً فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْجُزْءَيْنِ فَاِذَا قَامَ الْقَائِمُ اُخْرَجَ الْخَمْسَةَ وَالْعِشْرِينَ

۱- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۳، ح ۲؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۴۶، ح ۷.

۲- شیخ صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۴۲۶.

جُزْءًا فَبَثَّهَا فِي النَّاسِ وَ ضَمَّ إِلَيْهَا الْجُزْءَيْنِ حَتَّى يَبْتَثَّهَا سَبْعَةً وَ عَشْرِينَ جُزْءًا؛<sup>(۱)</sup> علم، ۲۷ جزء دارد، همه آنچه پیامبران آورده اند دو جزء بوده و مردم تا به امروز بجز این دو جزء، چیزی نمی دانند. وقتی قائم به پا خیزد، ۲۵ جزء دیگر علم را بیرون ساخته، در بین مردم منتشر می سازد و این دو جزء را هم بدان می افزاید تا به ۲۷ جزء می رسد.

ناگفته نگذرم اگر این روایت هم نمی بود بررسی شرایط همگانی حکومت جهانی حضرت مهدی موعود علیه السلام رشد علمی شگرفی را نوید می دهد.

البته در بحث های مفصل بررسی ماهیت آن دانش و تفاوت های آن با فن آوری های بشری در عرصه علم امری بایسته است که از حوصله این نوشتار بیرون است.

---

۱- قطب الدین راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۸۴۱؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

## خودآزمایی

۱. از نگاه قرآن در نظام تعلیم و تربیت یکی از رسالت های پیامبران چیست؟ توضیح دهید.
۲. جایگاه عقل از نگاه آیات و روایات را توضیح دهید.
۳. سه مورد از مؤلفه های مهم اخلاقی فکری نظام مهدوی را توضیح دهید.
۴. سازوکارهای تعلیم و تربیت مهدوی را نام برده؛ چهار مورد را توضیح دهید.
۵. تحلیل خود را از چگونگی گسترش دانش در حکومت مهدوی بیان نمایید.

===

## منابع برای پژوهش

۱. کارگر، رحیم، تعلیم و تربیت در عصر ظهور، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، ۱۳۹۰ ش.
۲. بهروزی لک، غلام رضا، سیاست و مهدویت، قم، حکمت روشن، ۱۳۸۴ ش.
۳. صدر، سید محمد، تاریخ پس از ظهور، ترجمه حسن سجادی پور، تهران، موعود عصر، ۱۳۸۴ ش.
۴. مدرسی، عباس، تمدن در عصر ظهور، ترجمه: لطیف راشدی، تهران، نشر فرهنگی مشرق، ۱۳۷۸ ش.
۵. حکیمی، محمد، عصر زندگی، تهران، نشر آفاق، ۱۳۷۸ ش.





## درس نهم: مهدویت و مستشرقان

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

معنای شرق شناسی و مستشرق

تقسیم بندی مستشرقین

زمینه های ورود شرق شناسان در موضوع مهدویت

جنبه های مثبت و منفی پژوهش های مستشرقان

عرصه های مهدویت پژوهی برای شناخت آراء مستشرقان

**پیش در آمد**

بسیاری از شرق‌شناسان و اندیشمندان غربی درباره مباحث مهدویت و مفاهیم مربوط به آن، به بحث و گفت و گو پرداخته، مباحث گوناگون و پرشماری را مطرح کرده‌اند. برخی از آنها، به گونه‌ای مستقیم به مباحث پرداخته، آن را از دیدگاه اعتقادی مسلمانان و بر اساس آموزه‌های اسلامی بررسی نموده‌اند. و برخی دیگر منجی‌گرایی و موعودباوری را نه از دیدگاه اسلام به گونه‌ای خاص، بلکه از نگاه دیگر ادیان و به گونه‌ای تطبیقی بررسی کرده‌اند. این دسته از اندیشمندان با وجود آنکه مستقیم درباره مهدویت سخن نگفته‌اند، ولی آن را در ضمن مباحثی چون منجی‌گرایی، هزاره‌گرایی، نجات، بازگشت مسیح، ارض ملکوت، و امثال آن، بحث و بررسی کرده‌اند، از اینرو مباحث آنان نیز دارای ارزش است و می‌توان در عرصه مهدویت پژوهی از آن بهره گرفت.

در این درس تلاش شده تا به صورت کوتاه به این بحث اشاره شود. (۱) بی‌تردید بررسی ابعاد این بحث نیازمند مراجعه به منابع گسترده است که در یک درس نمی‌توان بدان پرداخت و لازم است علاقه‌مندان به منابع تفصیلی مراجعه کنند.

**تعاریف متفاوت از واژه شرق**

شرق در لغت به معنای برآمدن آفتاب و تابان شدن است. (۲) و از دیدگاه غربی ها

۱- این درس با بهره از نوشته‌های آقایان دکتر سید رضی موسوی گیلانی و حمید سعادت نوشته شده است.

۲- علی اکبر دهخدا، فرهنگ دهخدا، ج ۹، ص ۱۴۲۲۹ (ذیل واژه شرق).

درب‌گیرنده همه کشورهای است که در شرق قاره اروپا قرار دارند و به سه بخش خاورمیانه، نزدیک و دور تقسیم می‌گردد. در این تقسیم‌بندی جغرافیایی، بین دین اسلام، ادیان هندی، ادیان چینی، ژاپنی و امثال آن تفاوتی دیده نشده است. در واقع تعریف شرق از دیدگاه غربیان، تقسیمی بر پایه جغرافیا و شرایط منطقه‌ای است، نه بر پایه فرهنگ، آداب و سنت‌ها.

بنابراین، باید گفت تقسیم بر پایه جغرافیا بهترین تقسیم است و برای یک اندیشمند غربی که در صدد شناسایی شرق است، تقسیم بر پایه مذهب و دین، سبب شاخه‌ها و دسته‌بندی‌های گونه‌گونی می‌شود که آن‌ها را نمی‌توان به جز جغرافیا زیر یک نام ویژه قرار داد و روشن است که هر چه، پایه و شاخص تقسیم کلان‌تر باشد، بهتر است.

البته پاره‌ای از فیلسوفان غربی مانند هایدگر درباره معنای شرق و غرب به جنبه جغرافیایی آن نظر ندارند و به مفهوم فلسفی آن اشاره می‌کنند، وی می‌گوید: «تاریخ مغرب، تاریخ مغرب حقیقت است».<sup>(۱)</sup> وی بر این باور است، غرب درک خاصی از وجود دارد، درکی که به تعبیر نیچه، به نیست‌انگاری انجامیده است، درکی از وجود که مبتنی بر درک تکنولوژیک از آن است.<sup>(۲)</sup> در واقع وی به مانند هانری کربن کلمه شرق و غرب را در معنایی غیر متداول به معنای طلوع و غروب حقیقت معنا می‌کند. آنان استعمال واژه غرب را در برابر شرق برای پاره‌ای از سرزمین‌ها، به معنای شکل‌گیری تمدنی خاص در کشورهای اروپایی و امریکایی می‌دانند که در برابر تمدن شرق قرار گرفته است و بر خلاف قرون میانه که سرزمین‌های اروپایی با مفهوم و واژه دینی "مسیحیت" در برابر واژه "اسلام" از کشورهای اسلامی جدا می‌شدند، پس از رنسانس این تقسیم‌بندی بر پایه مذهب جای خود را به ویژگی‌ای غیر مذهبی داد که همان مفهوم مدرنیته بود. بر این پایه، مفهوم غرب به معنای تمدن غرب در برابر تمدن شرق قرار گرفت و افزون بر اروپا همه کشورهای را که این اندیشه را پذیرفته بودند، در بر می‌گیرد.

ناهمگونی تمدن غرب و تمدن شرق پس از رنسانس، تفاوت در دو نگاه و دو رویکرد به جهان هستی است و ناهمگونی فقط در ابزار و یا وسایل مدرن نیست،

۱- محمد دسوقی، سیر تاریخی و ارزیابی اندیشه شرق‌شناسی، ص ۱۶۷.

۲- رضا داوری، در باره غرب، ص ۱۲.

به گونه ای که با ورود ابزار مدرن، این تفاوت و شکاف میان دو تمدن و دو فرهنگ پر نخواهد شد.

### شرق شناسی در فرهنگ لغت

واژه شرق شناسی برای نخستین بار در فرهنگ انگلیسی آکسفورد به کار رفت و در سال ۱۸۳۸ میلادی، همین واژه در فرهنگ علمی فرانسه درج گردید. در فرهنگ انگلیسی آکسفورد، کلمه شرق شناسی یا خاورشناسی (۱) که تا سال ۱۸۱۲ میلادی در این فرهنگ مورد استفاده قرار نگرفته بود، به معنای مطالعه و پژوهش در باره کشورهای شرقی، برای کسانی استفاده شده است که به مطالعه و پژوهش در فرهنگ، سرزمین و کشورهای مشرق زمین و آسیایی می پرداختند. ولی پیش از اینکه در قرون متأخر اصطلاح شرق شناسی در فرهنگ لغت و در دانشگاه ها به نام یک رشته علمی و پژوهشی به کار رود، از قرن ها پیش، شغل و حرفه ای، متداول و رایج بوده است. در واقع زمانی که پاره ای از اندیشمندان غربی وارد سرزمین های اسلامی می شدند و به تحصیل علم، سیر و سیاحت، سفرنامه نویسی و دیگر امور می پرداختند، مسأله شرق شناسی، حرفه ای مشخص بوده است، هر چند در آن دوران، اصطلاح شرق شناسی رایج نبوده است.

### تعریف اصطلاحی شرق شناسی

شرق شناسی از دیدگاه اندیشه ورزان و پژوهشگران غربی یکی از حوزه های ارزشمند پژوهشی به شمار می آید. این حوزه، ادیان، آداب و رسوم، فرهنگ و تمدن شرقی را در برمی گیرد و گاه با تسامح در مفهوم آن، به اسلام و تاریخ اسلام محدود می شود؛ از این رو به اسلام شناسان غربی، مستشرق یا شرق شناس نیز می گویند.

مستشرق در اصطلاح، محقق غربی است که شرق، متعلق شناسایی اوست و برای این منظور به شرق سفر می کند و در باره ابعاد گوناگون فرهنگ و تمدن شرق به مطالعه و تحقیق می پردازد " و به دانشی که عهده دار این وظیفه است "شرق شناسی" گویند.

ناگفته نماند در دوره های جدید، این اصطلاح به آن دسته از محققان مسلمانی که در جهان غرب زندگی می کنند و به پژوهش درباره عرصه های متفاوت تمدن شرق

می پردازند، نیز اطلاق می‌شود؛ چه آنان که متولد سرزمین‌های شرقی هستند و به یکی از ادیان شرقی وفادارند، و چه آنان که متولد کشورهای غربی هستند و پس از تحقیق، پیرو یکی از ادیان شرقی شده‌اند.

### تقسیم بندی مستشرقین (اسلام شناسان غربی)

با توجه به آنچه به اختصار گذشت، اسلام شناسان غربی را به سه دسته تقسیم می‌کنیم:

الف) آنها که به معنی دقیق کلمه، شرق شناس هستند؛ یعنی آن دسته از اندیشمندان غربی غیر مسلمان که در باره اندیشه، تمدن و فرهنگ شرقی پژوهش نموده‌اند.

ب) دسته‌ای از اندیشمندان غربی که پس از تحقیق درباره اسلام، به اسلام گرویده و آثاری را در این راستا از خود به جای گذارده‌اند مانند: رنه گنون و مارتین لینگر.

ج) اندیشمندان مسلمان که اصالتاً شرقی هستند، ولی در غرب اقامت گزیده و در مراکز علمی به تحقیق و تدریس پیرامون تمدن و فرهنگ شرقی پرداخته‌اند به گونه‌ای که در چند دهه اخیر بسیاری از نویسندگان و محققان دایره المعارف‌ها و دانشنامه‌ها و مدرّسان مراکز علمی در زمینه اسلام و تمدن شرقی، نوعاً از این دسته هستند؛ افرادی مانند: جاسم حسین، ساشدینا و حامد الگار.

این گروه را نمی‌توان از مصادیق واقعی مستشرقین دانست، ولی به واسطه زندگی متمادی در فرهنگ غرب و آشنایی با روش و نگرش آنان به موضوعات مختلف، ویژگی افراد بومی را پیدا کرده‌اند. به نظر می‌رسد این نوع تفکیک میان اسلام شناسان غربی، تصویر بهتری را از خاستگاه اندیشه‌های آنان درباره آموزه‌های اسلامی ارائه خواهد داد. بررسی محتوای نوشته‌ها و کاوش‌های شرق شناسان درباره رویداد‌های اسلام و مسلمانان، به ویژه شیعه و تشیع، انگاره و نظام فکری تحلیلی آنان و شاخصه‌های آن را روشن خواهد ساخت. طبیعتاً نظام فکری تحلیلی حاکم بر اندیشه این دین پژوهان نیز متأثر از محیط پیرامون آن‌ها خواهد بود. همین عامل باعث گردیده تا آن دسته از اسلام شناسان غربی که اصالتاً شرقی و مسلمان بوده، ولی سال‌ها در محافل علمی غرب حضور داشته‌اند، از لحاظ روش تحقیق در موضوعات اسلامی به دو دسته دیگر نزدیک شوند. از این رو معمولاً تخصص‌گرایی، دقت نظر، روش مندی، انسجام و پیگیری، از

ویژگی های علمی مشترک میان هر سه دسته از اسلام شناسان یاد شده است.

### برخی زمینه های ورود مستشرقین به موضوع مهدویت

#### الف) جاذبه فرهنگ و تمدن اسلامی

جاذبه تمدن مشرق زمین، به ویژه تمدن اسلامی، به حدی بوده است که مستشرقین از دیرباز، برای ورود به عرصه اسلام شناسی اظهار گرایش کرده اند. از موضوعاتی که مستشرقان و اسلام شناسان غربی به آن پرداخته اند فرهنگ و تمدن اسلامی است که از شاخصه های آن می توان به فلسفه اسلامی، کلام، تاریخ اسلام، عرفان اسلامی، قرآن پژوهی، حدیث، ملل و نحل و دیگر علوم مربوط به تمدن اسلامی اشاره نمود.

البته از نخستین و مهم ترین حوزه های اسلامی که مورد دقت نظر و کاوش اسلام شناسان غربی قرار گرفته و بزرگترین دین پژوهان غربی به آن توجه نموده اند، قرآن شناسی می باشد، ولی دیگر موضوعات نیز همواره مورد توجه آنان بوده است؛ به طوری که بعضی از حوادث و اتفاقات موجب می شد تا به بعضی از موضوعات بیشتر توجه کنند.

#### ب) اهداف استعماری و تبشیری

گروهی بر این باورند که اهداف تبشیری و استعماری با هدف ضربه زدن به اسلام و ایجاد تفرقه در بین امت اسلامی یکی از انگیزه های اصلی در گرایش مستشرقین به اسلام شناسی بوده است. این شرق شناسان، به طور معمول از طریق مؤسسات و بنیادهایی برای خاورشناسی گسیل می شدند و به طور عمده وابسته به مذهب و اندیشه ای بوده اند که مخالفت با اسلام را برای آنان در پی داشته است. همیلتون گیب، شرق شناس برجسته، درباره پاره ای از خاورشناسان بر این باور است که بعضی از آنان گاه خود را در موضع برتر می دیدند و با این تصور که تمدن و مذهبشان برتر از تمدن شرقیان است درباره تمدن و فرهنگ اسلامی قضاوت های نادرست و ضعیفی ارائه داده اند.

این نوع نگاه به اسلام شناسان غربی، هر چند دور از حقیقت نیست، ولی به طور عمده مربوط به شرق شناسان اولیه است که به نام مبلغان مسیحی فعالیت می کرده اند؛ ولی امروزه، نگاه اسلام شناسان غربی حتی غیر مسلمان همدلانه تر و علمی تر شده است.

همیلتون گیب، در این باره معتقد است: این عین بی انصافی است که پیشرفت هایی که در سالیان اخیر در میان مبلغان مسیحی حاصل شده است و در نتیجه، آنان بر خلاف سابق، به جای مطالعه خام و خشن اصول ظاهری، با همدردی و همدلی در عمق تجارب مذهبی مسلمانان فرو رفته اند را نادیده بگیریم.

### ج) نگاه اندیشمندان به آموزه های اسلامی

بر خلاف نظر افرادی که شرق شناسی به طور کلی، و تلاش اسلام شناسانه غربیان به طور خاص را یک حرکت حساب شده استعماری و مایه تضعیف دین می دانند، عده ای دیگر بر این باورند که توجه غرب به تمدن شرق و به ویژه تمدن اسلامی و به تبع آن، آموزه های اسلامی، محصول یک نگاه علمی و تحقیقی است که بر اهداف استعماری تقدم داشته است؛ هر چند که استعمار در دوره هایی از آن بهره برداری کرده است.

ادوارد سعید، مؤلف کتاب شرق شناسی، از جمله معتقدان این نظریه است. او می گوید:

شرق شناسی مولد یک سلسله علائقی است که از طریق وسایلی همچون اکتشافات مخفیانه، تجدید ساختار زبان شناسانه، کاوش روان کاوانه، توصیف یا بیان نوعی خواست یا نیت و قصد است.

همزمان با ورود غرب به مرحله جدیدی از شکوفایی علمی و بهره برداری از علوم مشرق زمین، مباحث دینی نیز به همراه سایر علوم انسانی مورد توجه اندیشمندان قرار گرفت.

پس از نهضت نو علمی در اروپا از سده پانزدهم و شانزدهم میلادی به این طرف، که به تدریج در دارالفنون ها و مراکز علمی مغرب زمین، همه رشته ها و شعبه های علوم بشری مورد توجه و اقبال و تحقیق و تدقیق قرار گرفت، علم مشرق شناسی و تحقیقات راجع به کلیه شئون علمی و اجتماعی و لغوی و فلسفی و دینی و آداب و اقوام مشرق زمین نیز رو به تکامل گذاشت و مانند سایر فنون، مطرح انظار علما گردید.

اسلام شناسان غربی، چه آنها که به صورت تحقیقی و عالمانه به اسلام پرداخته اند یا آنها که مغرضانه در این وادی وارد شده اند، توجه ویژه ای به مباحث کلامی و تاریخی، مخصوصا موضوعات مورد اختلاف فرقه های اسلامی داشته اند.



در برخی زمان ها شرایط خاص، باعث می گردید تا توجه به اسلام و تشیع به صورت جدی تر در دستور کار آنها قرار بگیرد. برخی صاحب نظران برآند که غربیان در زمان جنگ های صلیبی (قرن پنجم هجری) با مکتب تشیع آشنا شدند و به بررسی آن پرداختند و در دوره صفویه به شکل ویژه ای به مطالعه درباره آن روی آوردند... آشنایی غربیان با شیعیان ایران و دیگر مناطق و پدید آمدن کتاب ها و سفرنامه های فراوان درباره تشیع، افزایش نوشته های غربیان را در این باره به دنبال آورد. این نوشته ها به آرامی به آثار و اسناد مهمی در تاریخ تشیع و تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شیعیان بدل شد. اگرچه این مطالعات به مسائل مهم و در خوری می پردازند، کاستی های فراوانی هم دارند و تصویری واقعی و درست از شیعه و روحانیان آن ترسیم نمی کنند. این کمبود در نوشته های پیشین غربیان بیشتر است.

#### **د) توجه به نهضت های اصلاح طلبانه اسلامی**

پاره ای از اندیشمندان غربی، به ویژه در دو سده گذشته، با توجه به بعضی از رخدادها و وقایعی که در سرزمین های اسلامی پیش آمده همچون ادعای بعضی از مدعیان دروغین مهدویت در سرزمین های اسلامی و به وجود آمدن مذاهبی مانند: کیسانیه، اسماعیلیه، شیخیه، باییت و بهائیت بر موضوع مهدویت تکیه نموده و درباره نگرش مسلمانان و متون اسلامی پیرامون مهدویت سخن گفته اند. همزمانی برخی مستشرقین مانند گلدزیهر، دارمستتر، ادوارد براون، فان فلوتن و ... با برخی از جریان های مدعی مهدویت، در علاقه مندی بیشتر آنها به این مباحث نقش داشته است.

در هر صورت، موضوع مهدویت به عنوان یک اصل پذیرفته شده در میان فرقه های اسلامی، در فراز و نشیب تاریخ، مورد توجه و حتی سوء استفاده قرار گرفته و گاهی این حرکات با انگیزه های استعماری همراه گردیده و توجه ویژه اسلام شناسان غربی را برانگیخته است و باعث گردیده تا درباره مباحث مهدویت و مفاهیم مربوط به آن به بحث و گفتگو پردازند و در این راستا مسائل متعددی را مطرح نمایند.

#### **ه) نگاه کلان به موضوع منجی و جامعه آرمانی**

موضوع مهدویت، که در معارف اسلامی از جایگاهی ممتاز برخوردار است، در یک

نگاه فراگیر و به صورت بین‌الادیانی نیز مورد توجه قرار گرفته است. در تمامی ادیان ابراهیمی و غیر ابراهیمی (سامی و غیر سامی) این اعتقاد در شکل‌ها و گونه‌های متفاوت وجود دارد و همه مذاهب، آرمان‌نهایی جوامع بشری را ظهور و تجلی شخصیت آسمانی و یک منجی دینی می‌دانند. و بر پایه این اندیشه دینی، بسیاری از دین‌پژوهان غربی ذیل عناوینی همچون منجی‌گرایی، بازگشت مسیح، هزاره‌گرایی، نجات، رستگاری، پایان تاریخ، آینده‌پژوهی و امثال آنها، به این موضوع پرداخته و درباره نگرش ادیان به این موضوع، کتاب‌ها و مقالات فراوانی نوشته‌اند.

افزون بر اسلام‌شناسان غربی که موضوع مهدویت را در ذیل مباحث فراگیر منجی‌گرایی و آینده‌پژوهی و... دنبال کرده‌اند و همچنین دین‌پژوهانی که به طور خاص، به موضوع مهدویت در اسلام توجه کرده‌اند؛ می‌توان از دسته سوم هم نام برد که مباحث و نظرات آنان می‌تواند به پربارشدن مباحث مهدوی بیانجامد. این دسته از اندیشمندان، فیلسوفان اجتماعی و جامعه‌شناسان و یا اندیشمندان فلسفه سیاسی هستند که به طور لزوم درباره مباحث کلامی و دینی از جمله مبحث مهدویت و یا منجی‌گرایی بحث نموده‌اند، ولی به فراخور موضوعات تخصصی خویش به گونه‌ای به مباحث مربوط به مهدویت و منجی‌گرایی پرداخته‌اند. این دسته از اندیشمندان به عنوان نمونه درباره جامعه ایده آل، آینده‌پژوهی، جامعه‌شناسی دین، نهاد دین، فلسفه تاریخ، آینده و سرنوشت جوامع و دیگر موضوعات مربوط به حوزه علوم اجتماعی بحث نموده‌اند؛ به طوری که پرداختن به موضوعات مذکور، موجب می‌گردد تا بتوان نظرات و آراء آنان را درباره مباحث مهدویت و منجی‌گرایی استنباط نمود؛ به عنوان نمونه، اندیشمندانی همچون «توین بی»، «اشپینگلر»، «هگل»، «ویکو»، «ماکس وبر»، «فوکویاما» و... نظر خود را درباره جامعه آرمانی و ایده آل ابراز می‌دارند، به طوری که اگر پژوهشگران بخواهند درباره مباحث تطبیقی و میان‌رشته‌ای مهدویت تحقیق کنند، لازم است تا به آراء و نظرات این اندیشمندان بپردازند. این دسته سوم از اندیشمندان در زمره اسلام‌شناسان غربی قرار نمی‌گیرند، اما از این رو که مطالعات آنها زمینه‌ای برای ورود به مباحث منجی و جامعه ایده آل و موعود ادیان است، روزنه‌ای را به سوی موضوعات مربوط به موعود ادیان و بالطبع، موعود مطرح شده در آموزه‌های اسلامی هموار می‌سازد.

### جنبه های مثبت و منفی در پژوهش مستشرقان

پژوهش های شرق شناسان و دین پژوهان غربی دارای جنبه های مثبت و منفی است. از ویژگی های مثبت پاره ای از شرق شناسان در فرهنگ اسلامی می توان به تخصص گرایی و محدود نمودن پژوهش به مورد مطالعاتی، روش تحقیق، انسجام و پیگیری، دقت نظر، تفاهم و همدردی اشاره نمود، به طوری که گاه یک شرق شناس برای شناخت آداب و رسوم یک قوم یا ملت، بیش از دو دهه از عمر خویش را در میان یک قوم یا سرزمین سپری نموده و به مانند فردی بومی با احترام به آداب و سنت، رفتارها و اعتقادات توده مردم، توانسته است به ظرائف و جزئیات فرهنگ از جمله: علائق، سلیقه ها، زاویه دید و عادات افراد جامعه پی ببرد، به طوری که شاید بتوان بعضی از بهترین آثار پژوهشی در تمدن شرقی و اسلامی را نیز متعلق به آن دسته از پژوهشگران دانست که به این شیوه عمل نموده اند. از این رو بعضی از محققان معتقدند که شرق شناسی از سده هجدهم تاکنون جزء جدایی ناپذیر فرهنگ غرب بوده است و آن را صرفاً ذوق مطالعات باستانی و تاریخی نمی دانند که مستشرقان به جهت آن به پژوهش در فرهنگ، علم و سیاست مردم مشرق پرداخته باشند. (۱)

بعضی از اندیشمندان در تحلیل روش پژوهشی مستشرقان اذعان نموده اند که آنان بر خلاف اندیشمندان داخلی، بر روشمندی تحقیق پافشاری داشته و از اظهار نظرهای نابجا و سلیقه ای دوری نموده اند، به طوری که حتی گاه سخنان نادرست خود را مبتنی بر روش شناسی نموده و آن را درست جلوه داده اند.

آنچه تحقیقات آنها را متمایز می سازد، پافشاری بر روشمندی و بهره گیری از آرایش کلام عقلی و پرهیز از هر نوع اظهار نظر سلیقه ای بی پایه است.

در کنار نقاط قوت موجود در آثار اسلام شناسان غربی، از آفات و نقاط منفی موجود در آن نیز نباید غافل بود؛ از این رو روشنگری واقع بینانه و تنزیه و تنقیح آثار موجود در حوزه تاریخ اسلام و مبارزه با تحلیل های جهت دار و تحریفات و شبهات و مباحث التقاطی مطرح شده از جانب آنها، که دامنه آن از محافل و متون علمی به سطوح عادی جامعه می رسد، وظیفه انجمن های علمی و پژوهشی و اندیشمندان متعهد است.

در نگاه کلی، آثار مستشرقین و دین پژوهان غربی در باره اسلام، تا پیش از سده یازدهم، غالباً انتقاد و تحقیر و توهین به اسلام و برنامه های پیامبر صلی الله علیه و آله است. موضوع بیشتر این آثار، عاریه ای بودن دین اسلام است؛ یعنی فلسفه اسلامی از حکمت یونانی گرفته شده، کلام اسلامی همان مباحث لاهوتی است که یهود و نصاری تازم مسلمان در دین وارد کرده اند و حقوق اسلامی نیز از قوانین رومی گرفته شده است. همچنین بحث خشونت آمیز بودن بخش هایی از تاریخ اسلام، احکام اسلام و مبحث زن، دست آویز برخی از آنان بوده است. ولی از اواخر سده نوزدهم، گروه دیگری دیده می شوند که در مقابل گروه نام برده، بعضاً به دفاع از اسلام پرداخته اند مثل کتاب «عذر تقصیر به پیشگاه محمد صلی الله علیه و آله و قرآن» اثر جان دیون پورت و کتاب «الإبطال» نوشته توماس کارلایل و همچنین برخی آثار خانم «آنه ماری شیمل».

با وجود این سیر تکاملی و عقلی که از تعصب و غرض ورزی به سوی انصاف و حق گوئی گرایش داشته، بر ما لازم است تا از کنار نقاط منفی موجود در نگاهته های این اسلام شناسان به راحتی عبور ننماییم، زیرا ذوق زدگی گروهی از کسانی که داعیه روشنفکری داشته اند باعث گردیده تا همواره نقاط قوت آثار دین پژوهان غربی، که به طور عمد به روش ها محدود می شود، برجسته شده و نقاط سستی که تأثیر مخرب و غیر قابل جبران به دنبال داشته نادیده گرفته شود؛ نقاط سستی عمده ای مانند:

۱. برداشت های شخصی و تکیه بر حدسیات که در بیشتر نگاهته ها به آن بر می خوریم، بدون آن که به متخصصین در لغت عرب و یا علم تفسیر و حدیث مراجعه کرده باشند.

۲. برخی از این اندیشمندان، بدون هیچ اعتقاد و باور دینی و با نگاهی منفی به تمدن اسلامی به پژوهش پرداخته اند و گاهی برخی از آنان خود را در موضع برتر دیده و با این تصور که تمدن و مذهب آن ها برتر از شرقیان است، داوری های نادرست کرده اند.

۳. مقطعی و منطقه ای دانستن دین اسلام و تعالیم اسلامی با به کار بردن تعبیراتی مانند دین محمد صلی الله علیه و آله یا دین عربی و محدود کردن آن به یک مقطع تاریخی یا جغرافیایی خاص.

۴. رجوع به منابع دست دوم در زمینه اسلام و همچنین کلی نگری به جای جزئی

نگری در زمینه شناخت مذاهب اسلامی و برگزیدن شیوه تاریخی نگری در تحلیل تمدن اسلامی. در آغاز و انجام مطالعات مستشرقان این پیش فرض نهفته بود که اسلام نه یک وحی، بلکه تنها پدیده ای است که عاملی انسانی آن را در موقعیت تاریخی خاصی پدید آورده است.

۵. استناد به رفتارهای عرفی غیر معتبر و قرارداد آن به عنوان مبنای فکری مسلمانان و شیعیان، زیرا از آنجا که اکثر آنها مشاهدات خود را می نگارند به رفتارهای عوام و رایج و عرفیات بیشتر توجه دارند تا آنچه در متون اصیل دینی آمده است. این موضوع باعث گردیده تا خرافات در نوشته های آنها وارد شود.

گاهی نیز، برخی اندیشمندان غربی، تشیع را بر مبنای تحولات و تأثیر و تأثرات آن در عرصه اجتماع مورد بررسی قرار داده و به همین دلیل، عمدتاً اعمال و رفتار شیعیان را به عنوان عقاید حتمی و قطعی آنها پنداشته و این گونه منعکس کرده اند.

۶. پافشاری بر اقتباس اسلام از تعالیم یهود و نصاری و قوانین رومی.

۷. استفاده افراط گرایانه از ابزار عقل در تحلیل های تاریخی و تلاش برای شناخت فرهنگ و تمدن اسلامی از راه لغت شناسی زبان و سنجش تاریخی تمدن ها و ادیان.

۸. برجسته نمایی مسائل اختلافی درون دینی و عدم آشنایی با مبانی عقیدتی شیعه و سنی به گونه ای که در بعضی موارد بر اساس اندیشه یک مذهب خاص از مذاهب اسلامی، اظهار نظر می کنند و آن را درباره دیگر مذاهب تعمیم می دهند؛ این موضوع که در میان دایرهالمعارف نویسان مشهود است، موجب پاره ای آراء سست شده است.

۹. افزون بر موارد ذکر شده، گاهی دیده شده که مستشرق، هدفی غیر از اسلام پژوهی داشته و از همان ابتدا به انگیزه سیاسی و یا اهداف تبشیری و استعماری، به این کار اقدام کرده و یا این که شخصاً وابسته به مذهب و اندیشه ای بوده که مخالفت با اسلام را از همان ابتدا، در پی داشته است.

در واقع مستشرقان این اندیشه را در عرصه دین شناسی القا نموده اند که دین باوری و دین ورزی مخالف و متضاد با هر گونه اندیشیدن و تفکر است؛ و به تعارض میان عقل و دین حکم نموده اند، ولی نگاهی به تاریخ تمدن اسلامی و تنوع اندیشه های فلسفی و نگره های عقلانی، به نفی این زمینه انجامیده است؛ حال آن که بنا بر فرض این دسته از

دین پژوهان غربی که دین ورزی را مخالف با هر گونه آزاد اندیشی می دانند، ما با نوعی ثنویت مواجه می شویم که در فضایی از نبود درنگ و فرمان برداری کور دینی، قلمروی آزاد اندیشه عقلانی را از ضد آن جدا می کند و امکان طرح هر گونه پرسشی را منتفی می سازد. پاره ای از آنان نیز، در مواجهه با آرای اندیشمندان مسلمان تصور می کردند که هیچ ارتباطی میان علوم و معرفت بشری با معنویت و مذهب وجود ندارد و این نکته ای است که مورد غفلت مستشرقان پس از رنسانس واقع شده است.

### عرصه های مهدویت پژوهی در نزد مستشرقان

حال با توجه به فعالیت ها و آثار شرق شناسان و دین پژوهان غربی در زمینه مهدویت و با توجه به فعالیت ها و آثاری که آنان درباره این موضوع مهم اسلامی انجام داده اند، می توان کلیه آثاری را که آنان در زمینه مهدویت انجام داده اند، ذیل پنج محور ذیل گرد آوری نمود:

۱. کتابهای مستقل در زمینه مهدویت؛
۲. مقاله های مکتوب درباره مسأله مهدویت و موضوعات مرتبط با آن در کتاب، مجله یا دائرالمعارف؛
۳. وب ها و وبلاگ هایی که به دست شرق شناسان و پژوهشگران غربی در زمینه مهدویت پدید آمده؛
۴. پایان نامه ها، رساله ها، پروژه ها و تحقیقاتی که به وسیله پژوهشگران دانشگاهی و اندیشمندان غربی در مراکز علمی غرب در زمینه مهدویت نوشته شده است؛
۵. آثار هنری و سینمایی که در دوره نو ساخته شده است و پیرامون افکار و اندیشه های آخرالزمانی و موعود گرایانه ادیان از جمله مسلمانان درباره فرجام شناسی، آخرالزمان، منجی، موعود و رستگاری است. (۱)

---

۱- قابل توجه است که امروزه به ویژه در دهه های اخیر، که عصر هنر و رسانه ها است، شرق شناسی و اهداف تبشیری به همراه فرهنگ سلطه، وارد دوره ای جدید با شیوه های مدرن شده است که از جمله مهمترین آن ها، ساخت آثار هنری و سینمایی در باره تمدن های شرقی به ویژه تمدن اسلامی است. پرداختن به مفاهیم آخرالزمانی با تکیه بر متون مسیحی و یهودی و ستیز بر علیه اسلام از مهمترین عناصر این فیلم ها می باشد.

## خودآزمایی

۱. جنبه های مثبت و منفی پژوهش مستشرقان را بیان کنید.
۲. عرصه های مهدویت پژوهی مستشرقان را بنویسید.
۳. معنای لغوی و اصطلاحی شرق شناسی را توضیح دهید.
۴. معانی متفاوت شرق را از دیدگاه اندیشمندان بیان کنید.
۵. زمینه های ورود مستشرقین به موضوع مهدویت کدام است؟

===

## منابع برای پژوهش

۱. حسینی، غلام احیا، شیعه پژوهی و شیعه پژوهان انگلیسی زبان، قم، انتشارات شیعه شناسی، ۱۳۸۷ش.
۲. داوری اردکانی، رضا، درباره غرب، تهران، هرمس، ۱۳۸۶ش.
۳. دسوقی، محمد، سیر تاریخی و ارزیابی اندیشه شرق شناسی، محمود رضا افتخارزاده، تهران، نشر فرزانه، ۱۳۷۶ش.
۴. سردار، ضیاء الدین، شرق شناسی، ترجمه محمد علی قاسمی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۶ش.
۵. موسوی، سید رضی، شرق شناسی و مهدویت، قم، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۹ش.

## درس دهم: زمین‌شناسی جریان‌های انحرافی در مهدویت

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

عوامل پیدایش جریان‌های انحرافی

عوامل پدیدآورنده

عوامل استمراربخش

ویژگی‌های جریان‌های انحرافی

پی‌آمدهای جریان‌های انحرافی

راهبرد مقابله با جریان‌های انحرافی



**پیش درآمد**

با وجود دشمنی‌های فراوان در برابر آموزه‌های دینی در دوران معاصر، توجه به باور مهدویت روز به روز در حال گسترش است. علاقه روزافزون و احساس نیاز در عرصه‌های عقلی و عاطفی، ضمن اینکه امر بسیار مبارکی است، ولی سبب شده تا در کنار آموزه‌های اصیل و عمیق، جریان‌هایی هر از گاه سر بر آورده، چند صباحی برخی انسان‌های ساده‌انگار و یا مغرض را به خود جلب نماید.

بررسی جریان‌های انحرافی کاری بس بایسته می‌نماید، ولی از آنجایی که بررسی جریان‌های انحرافی معاصر به طور مشخص نیازمند بررسی‌های میدانی است و ممکن است اشاره مشخص به برخی جریان‌ها و افراد، پی آمدهایی ناگوار در پی داشته باشد، از این رو مناسب‌تر دیده شد تا به مباحثی فراگیر در این باره بسنده شود. علاقه‌مندان در این زمینه را به مطالعه تفصیلی برخی جریان‌های انحرافی امروزی، در نوشته‌های مفصل توصیه می‌کنیم.

دلیل‌ها و شواهد تاریخی گواه آن است که جریان‌های انحرافی از مهدویت راستین، دیرینه‌ای به درازای تاریخ این باور استوار دارد؛ که هر از گاهی به سبب عواملی سر بر آورده و پس از چندی، خاموش شده است. اگرچه بررسی خود این جریان‌ها دارای ارزش است، ولی آنچه ارزش دوچندان دارد بررسی زمینه‌ها و بسترهای شکل‌گیری این جریان‌ها، ویژگی‌ها و نیز پی‌آمدهای ناگوار این انحرافات است؛ که به نظر می‌رسد بررسی این امور به‌ویژه در دوران معاصر، می‌تواند از شکل‌گیری جریان‌های نوپدید پیش‌گیری کرده، علاقه‌مندان به باور سترگ مهدویت را از خطرات لغزش در این بی‌راه‌ها آگاه نماید.

در اینجا نخست به عوامل زمینه‌ساز و آنگاه به ویژگی‌ها و در پایان به پی‌آمدهای جریان‌های انحرافی در مهدویت اشاره می‌شود.

## ۱. عوامل پیدایش جریان‌های انحرافی

### اشاره

در پیدایش جریان‌های کژرو به طور عمده دو گروه سبب، قابل بررسی است:

نخست: سبب‌های پدیدآورنده؛ اموری که به‌طور فراگیر و یا جزئی، در بسترسازی و شکل‌گیری جریان انحرافی نقش دارند.

دوم: سبب‌های استمراربخش؛ اموری که پس از پدیدآمدن انحراف، به ادامه یافتن آن کمک می‌کنند.

### ۱-۱. عوامل پدیدآورنده

#### یک. ناآگاهی توده مردم

به همان اندازه که دانش و آگاهی زندگی انسان را روشن می‌کند و انسان را از بی‌راهه و کج‌راهه دست‌گیری می‌کند، نادانی و ناآگاهی سبب فروافتادن انسان در بیراهه‌ها می‌شود. عوامل و افراد جریان‌ساز انحرافی، همواره از نبود دانش و آگاهی کافی افراد بیشترین بهره را برده‌اند. ناآگاهی از ویژگی‌های حضرت مهدی علیه السلام و مباحث مربوط بر پایه روایات معتبر.

آموزه‌های دینی به‌ویژه آیات نورانی قرآن همواره انسان‌ها را به فراگیری دانش‌های والا فرا خوانده است. و نادانی را نکوهش و نادانان را سرزنش کرده است.

آگاهی‌های معتبر در عرصه مهدویت و آموزه‌های اصیل آن، به راستی سبب می‌شود تا علاقه‌مندان هرگز فریب افراد منحرف را نخورده، خود را از این جریان‌ها دور نگه دارند. به عنوان نمونه ناآگاهی از حقیقت جهانی شدن اسلام و نحوه پیروزی دین اسلام در حکومت مهدوی که در قرآن آمده است سبب شده برخی از افراد ناآگاه جذب شبه‌عرفان‌هایی شوند که هم‌اکنون در رو به گسترشند و این گروه‌ها ظهور را امری زمینی دانسته‌اند و نقش خواست الهی را نادیده بگیرند و در همین راستا منکر برخی آموزه‌های مربوط به دوران ظهور شوند. (۱)

۱- رک: مظاهری سیف، عرفان حلقه، و نیز سلسله مقالات مجله شفافیت از مؤسسه مطالعاتی روشنگر.

این عامل را می توان به عنوان رایج ترین عامل برای زمینه سازی انحراف به ویژه در مهدویت نام برد.

یکی از نمونه های انحرافی معاصر در این زمینه، به نام احمد الحسن است؛ که در آن از ناآگاهی مردم به حقیقت نشانه های ظهور خود را با عنوان یمانی معرفی کرده است.

## دو. آشفته‌گی‌های اجتماعی و اقتصادی

مهدویت به سبب نوع نگاه به آینده و امیدبخشی، همواره درمانی بوده بر دردهای انسان‌های ستم دیده و فرودست، ولی گاهی نگاه به این کارکرد با افراط‌هایی روبه‌رو بوده است. به‌ویژه دوره‌هایی که برخی عوامل وضعیت افراد را در عرصه اجتماعی و اقتصادی دچار آشفته‌گی کرده است. مردم در این آشفته‌گی در پی پناهگاهی هستند که در آن به آرامش برسند. از این رو گاهی هر دارویی را بر درد خویش می آزمایند بدون آنکه بیندیشند آنچه درمان می‌پنداشته اند، خود دردی بر دردهای آنها است.

برخی انسان‌های نابکار با سوءاستفاده از این حالت افراد و جایگاه مهدویت در چشم آنان، اهداف شیطنت‌آمیز خود را پی می گیرند. و با القای برخی ذکرها و وردها و نقل برخی حکایت های ساختگی در پی جذب افراد آماده هستند.

## سه. زیاده خواهی

زیاده‌خواهی و فزون‌طلبی از صفات ناشایستی است که برخی انسان‌ها را به هر کاری وا می‌دارد. برخی را در جریان‌سازی‌های اقتصادی و برخی دیگر را در جریان‌سازی‌های دینی سوق می‌دهد. علاقه بیش‌ازحد برخی ساده اندیشان، به مباحث سطحی، عرصه را بر افراد فرصت‌طلب باز می‌کند، تا نهایت بهره را ببرند. نمونه های فراوانی از این زمینه در کسانی که پس از مدتی فعالیت و در پی روشنگری دانشمندان دینی به دست قانون گرفتار می شوند به چشم می خورد. از کسانی که در دوران معاصر پس از جریان سازی به این افزون خواهی اعتراف کرده کاظمینی بروجردی است که یک از اهداف خود را رسیدن به امکانات مادی ذکر کرده است.

## چهار. نابسامانی و اعتبار کم برخی متون

منابع و متون مهدوی در طول تاریخ فراز و فرودهایی را پشت سر گذاشته است. با وجود همت بلند بزرگان دین و دانشمندان شیعه در طول تاریخ برای به سلامت رساندن

این متون به نسل های آینده، کم و بیش برخی از این منابع از دستبرد برخی افراد دنیا طلب در امان نمانده است و برخی مطالب نادرست در آن وارد شده است که سوکمندانه این خود دستاویزی برای جریان سازان جریان های انحرافی شده است. کتاب هایی چون فتن نعیم بن حماد، شرح الاخبار، بیان الائمه، الزام الناصب و... را می توان نام برد.

در این عرصه تلاش دوستان ناآگاه و دشمنان آگاه به شدت به چشم می آید که بر هیچ آگاه بصیر پوشیده نیست.

### **پنج. حمایت دشمنان**

از آنجایی که باور به مهدی موعود علیه السلام نقش بی مانندی در به حرکت درآوردن جوامع به سوی ظلم ستیزی دارد، همواره دشمنان به هر کاری در برابر این باور دست زده اند که از جریان سازی های انحرافی به عنوان شاخص این کارها می... توان یاد کرد. نمونه های تاریخی این شیطنت بر هیچ آگاهی پوشیده نیست. در دوران معاصر این فعالیت بسیار چشم گیرتر از گذشته است.

روابط متقابل فرقه ها و مدعیان دروغین با استعمار و استبداد در هر زمان شواهد پرشماری دارد از جمله وابستگی و پیوند دوسویه بهائیت و قدرت های استکباری که از آغاز رسمیت یافتن این فرقه دیدنی بوده است.

قادیانیه یکی دیگر از جریان های انحرافی است که نقش استعمار پیر انگلیس در آن انکارناشدنی است. پدید آمدن تا مسلمانان را از آموزه های راستین اسلام دور سازد.

### **۲-۱. عوامل استمرار بخش**

#### **یک. اباحی گری و تکلیف گریزی**

برخی از جریان های انحرافی با گذر از خط قرمزهای دین، هواداران خود را در گرداب اباحی گری و بی بندوباری می اندازند که این خود سبب دوام این جریان ها می شود. نمود روشن این عامل در پرهیز هواداران از تقلید و پیروی از مراجع بزرگ تقلید است. که گاهی تا آنجا پیش می رود که خود را برتر از علما و دانشمندان دینی می پندارند. جریان بهائیت و واقعه بدشت و قره العین را می توان نمونه ای اندک از موارد بسیار دانست.

**دو. حمایت برخی خواص**

برخی از جریان‌های انحرافی به گونه ای گسترده به برخی ظواهر توجه می‌کنند تا جایی که در مواردی برخی نخبگان را نیز دچار تردید و سردرگمی کرده و در کارها هواداری آنها را نیز به دست می‌آورند که این خود سهم فراوانی در بقا و استمرار این جریان‌ها دارد. کسانی که به دور از زیرکی های یک مؤمن به ظاهر برخی افراد نگاه کرده و رفتار آنها را از روی حسن ظن پی می‌گیرند. در دوران معاصر نمونه های فراوانی از این جریان ها وجود دارد که نیازی به تفصیل نیست و هراز گاهی یکی از آنها رسوا می‌شود.

**سه. غفلت برخی خواص**

بسیاری از جریان‌های انحرافی تا آنگاه که به انحرافات بزرگ دچار نشده و یا در عرصه‌های سیاسی وارد نشده‌اند همواره مورد فراموشی واقع می‌شوند و با این توجیه که پرداختن به آنها سبب بزرگ تر شدن آنها می‌شود یا اینکه یادی از آنها نکنید تا خودبه خود از میان بروند زمینه برای گسترش آنها بیشتر فراهم می‌شود. این غفلت آنگاه دشوار آفرین تر می‌شود که این جریان ها به پایان راه خود رسیده اند و هواداران آنها در کنار بدبینی به باورهای دینی اعتماد خود را نیز از بزرگان از دست می‌دهند که چرا آنها در هدایت مردم اقدامی نکردند.

در این باره می‌توان به موضع گیری مسامحه کارانه برخی از علما در باره باب اشاره کرد که با نسبت خبط دماغ وی را از مجازات تبرئه کردند.

سوگمندان برخی شنیده ها گویای آن است که یکی از شگردهای برخی جریان‌های انحرافی در این است که حساسیت چندانی را پدید نیاورند. که این خود زیرکی بیشتری نیاز دارد.

ناگفته نماند که در باره نقش خواص، هنگام بروز بدعت ها، رسول گرامی اسلام با بیانی همراه توبیخ کسانی که سکوت می‌کنند را به شدت سرزنش کرده می‌فرماید:

إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ؛<sup>(۱)</sup> آنگاه که بدعت ها (مطالب نوپیدای مخالف دین) در امت من آشکار شد،

۱- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۴، ح ۲.

بر عالم است که دانش خود را آشکار سازد، که اگر چنین نکند لعنت خداوند بر او است.

## چهار. ساختن حکایات

برخی از جریان‌های انحرافی برای نگه‌داری هواداران خود با چنگ زدن به برخی شگردهای روان‌شناختی از جمله دادن شخصیت دروغین، آنها را در ادامه راه برای هواداری نگه می‌دارند. اینکه کسی در باره جلسه ای در عالم رؤیا چنین دیده است و چنان و یا در باره فلان شخص در خواب دیده که مورد عنایت اهل بیت علیهم السلام بود و مانند آن، دام‌های فریبنده... ای است که برای ادامه اغفال آنها می‌گذارند.

متأسفانه نمونه های این حکایت آنقدر فراوان است که نیازی به یادکردن از آنها نیست. یکی از مدعیان معاصر با نگارش کتاب هایی با عنوان پرواز روح و ملاقات با حضرت مهدی علیه السلام بر این پندار است که اگرچه این حکایت ها ساختگی است، اما برای جذب جوانان مؤثر است. زهی پندار باطل که آنگاه که افشا شد چه پی آمدهای بدی در پی داشت.

## ۲. ویژگی‌های جریان‌های انحرافی

### ۱-۲. عقل‌گریزی و اهتمام افراطی به امور احساسی

بی‌گمان نگاه آگاهانه نیاز پایه ای آموزه‌های دینی به‌ویژه مهدویت است. عقل به عنوان چراغی پرفروغ، همواره راه را روشن می‌کند تا انسان‌ها به بیراهه کشیده نشود. آموزه‌های اسلامی همواره انسان‌ها را به خردورزی و بهره‌مندی از عقل سفارش و خردمندان را از والایی ویژه برخوردار دانسته است.

برخی از جریان‌های انحرافی پیروان خود را به پرهیز از خردورزی و پیروی بی‌چون و چرا از خود فرا خوانده، نگاه خردمندانه به مباحث را بیرون از شئون پیروان خود می‌دانند.

سوکمندانه این نوع نگاه در برخی لایه‌های جامعه در کنار نگاه افراطی به عشق‌ورزی محض به امام مهدی علیه السلام، جلوگیری درنگ در مباحث پایه ای مهدویت شده و سبب رواج مباحث بی‌پایه شده است.

## ۲-۲. در آمیختن حق و باطل

بی گمان اگر جریان‌های انحرافی پایه کجی خود را بر باطل نهند هرگز جز انسان‌های پلید گرد آنها جمع نمی‌شوند، از این رو برای فریب توده مردم، بخشی از حق را با بخشی از باطل در می‌آمیزند و خود را هوادار حق نشان می‌دهند.

در آمیختن مطالب درست با نادرست و حق با باطل، سبب می‌شود تا مخاطبان از رودر رویی روشن و صریح با این جریان... سازان پرهیز کنند. این حق نمایان باطل فروش به ویژه در آغاز کار خود برای به دست آوردن اعتماد از باطل کمتر بهره می‌گیرند و زمانی که هواداران به طور کامل اعتماد پیدا کردند، از القای هر باطلی ابا ندارند.

## ۲-۳. دور کردن مردم از مرجعیت و روحانیت

بر دوست و دشمن روشن است که روحانیت آگاه به ویژه جایگاه والای مرجعیت، در دوام فرهنگ شیعی و دور کردن مردم از بی راهه‌ها در طول تاریخ نقش ارزنده و کلیدی داشته‌اند و دوری از روحانیت می‌تواند زمینه همواری را برای جولان جریان‌های انحرافی فراهم کند. از این رو جریان‌سازان انحرافات تلاش می‌کنند تا مقام روحانیت و مرجعیت را در نگاه هواداران پایین آورده، آنها را از گرد چراغ راهنمایی ایشان دور کنند.

از آنجا که جایگاه دانشمندان دین و فقها در نگهداری دین در عصر غیبت جایگاه ویژه و ارزشمندی است به طور معمول مدعیان برای برداشتن این مانع به رودر روی آشکار و پنهان با این مساله پرداخته‌اند تا بتوانند پس از تضعیف پایگاه مردمی آنان، برای خود و ادعاهای خود جایگاهی فراهم کنند، در اینجا به نمونه‌ای از ادعاها و شگردهای شگفت‌انگیزی از مدعیان معاصر اشاره می‌کنیم:

آقای ع.ی در یکی از سخنرانی‌های خود بر لزوم وجود فردی به نام «هادی» در این زمان (دهه ۸۰) سخن به میان می‌آورد (و نیز وقایع پیش و بعد از ظهور را مفصل بیان می‌کند) و در جلسه ۲۹ نظام بشر بیان می‌کند که اکنون هادی در جامعه وجود ندارد و ما هم فقط سفره معانی باز کرده ایم، ولی بر پایه همین سلسله دروس «بسوی ظهور» که حاوی نفی اهمیت فقاقت و نیز حاوی ادعای ارتباط خاص با غیب و ملکوت و... است، در واقع خود را مصداق آن هادی معرفی می‌کند که مقامش در حد ائمه هدی

وی حتی حوادث زلزله ترکیه (پس از حادثه کوی دانشگاه)، مرگ اسحاق رابین را به خود نسبت می دهد و می گوید ما از خدا خواستیم و او انجام داده حتی در جایی به حضرت موسی هشدار می دهد که جلوی اسرائیلی ها را بگیر و الا من خودم اقدام می کنم.

اطرافیان وی هم غافل از تناقضات موجود در کلام او (مثل فایده انقلاب و علم و فقاقت یا بی ثمر بودن آنها، وجود یا عدم وجود نایب خاص در زمان غیبت امام زمان و...) فریب کلام ظاهراً مستند او را خورده اند؛ اما با جمع بندی مطالب او و دقت علمی و دینی در آنها، انحرافات روشن می شود؛ ولی پیروان با تکیه بر ظواهر و توهم تقویت شدن حس غیبی خود، چشم بسته، مطالب او را پذیرفته اند.<sup>(۱)</sup>

#### ۲-۴. خرافه پردازی

مهدویت، زلال پاکی است که در گذر از مسیر تاریخ بیشترین طمع بدان شده است. طمع ورزی منحرفان این زلال را دست... خوش برخی خرافات کرده است. و امروزه نه فقط از دامنه آن کم نشده که بر دامنه آن افزوده شده است. این پندار باطلی است که گفته می شود گسترش دانش، خرافه گرایی را ریشه کن کرده یا به حد اقل رسانده است. کافی است انسان روزی را در میان توده مردم سپری کند و با آنها هم سخن شود آنگاه روشن خواهد شد که البته از خرافات ناآگاهانه دوره های پیشین کاسته و برخی خرافات متمدنانه رواج پیدا کرده است. و البته شگرد گسترش خرافات یکی از ابزار جریان های انحرافی است. برگزاری نماز جماعت به امامت حضرت مهدی علیه السلام و پهن کردن سجاده، ساخت برخی مکان ها و انتساب آن به حضرت مهدی علیه السلام و... نمونه هایی از این خرافه پردازی است.

#### ۲-۵. عوام زدگی

پیروی از نادانی نادانان بی خرد آسیبی است نابودکننده برای آموزه های دینی، آموزه هایی که به خردورزی و به دست آوردن آگاهی پافشاری و سفارش فراوان کرده



است. جریانهای انحرافی در فهم و نقل خویش بسیار پیرو خرسندی و ناخرسندی عوامند تا آنان را همواره گرد خویش نگه دارند.

### ۶-۲. خودمرکزی و مریدپروری

در بیشتر جریانهای انحرافی، جریانسازان همواره خود را به جای حقیقت، محور قرار داده، دیگران را فروتر از آن می‌پندارند که در رتبه آنها قرار گیرند؛ از این رو پیروان خود را از توجه به شخصیت‌های علمی به‌ویژه دانشمندان علوم دینی، برحذر می‌دارند؛ تا مبادا با رجوع به آنان، شیادی آنها آشکار شود.

نمونه روشن این ویژگی در جریان‌های منحرف معاصر، همان‌گونه که یاد شد، دور کردن افراد از تقلید و پیروی از مراجع تقلید است که با ایجاد شک و تردید در اصل تقلید و گاهی در اعتبار مراجع، پیروی از خود را برای آنان کافی می‌دانند.

اینان بیشتر خود را دارای کرامات و توان‌مندی‌های شگرف نشان می‌دهند و با این شگرد همواره نوعی دل‌نگرانی در طرفداران خود در گریز از اطراف خود پدید می‌آورند. برنامه‌های سیروس‌سلوک ح. الف و معرفی خود به عنوان استاد اخلاق و عرفان از این موارد است.

### ۷-۲. بهره از سخنان چندپهلوی

چنگ زدن به روایات سست، ساختگی و چندپهلوی از دیگر ویژگی‌های جریانسازان انحراف است. روایات نیز همچون آیات قرآن دارای محکم و متشابه است. خداوند کسانی را که برای نیل به اهداف شیطانی خود آیات متشابه را دستاویز قرار می‌دهند به شدت سرزنش کرده، آنها را انسان‌هایی معرفی کرده که دل‌هایشان مریض شده است. (۱)

۱- ((هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ))؛ اوست کسی که این کتاب [قرآن] را بر تو فرو فرستاد. پاره‌ای از آن، آیات محکم [صریح و روشن] است. آنها اساس کتابند و [پاره‌ای] دیگر متشابهاتند [که تأویل پذیرند]. اما کسانی که در دل‌هایشان انحراف است برای فتنه جویی و طلب تأویل آن [به دلخواه خود]، از متشابه آن پیروی می‌کنند، با آنکه تأویلش را جز خدا و ریشه‌داران در دانش کسی نمی‌داند. [آنان که] می‌گویند: «ما بدان ایمان آوردیم، همه [چه محکم و چه متشابه] از جانب پروردگار ماست»، و جز خردمندان کسی متذکر نمی‌شود. (آل عمران (۳)، آیه ۷).

بنابراین از ویژگی‌های مهم عموم جریان‌های انحرافی، بهره‌مندی جریان‌سازان آنها از گفتارهایی است که بر معانی گوناگونی قابل حمل است تا در هنگامه‌های گرفتاری با تفسیری گونه‌گون خود را رها کنند. به بیان دیگر نبود روشنی در سخن و چنگ زدن به سخنان مبهم و گنگ است به گونه‌ای که حتی برای برخی از طرفداران نیز غیر قابل فهم است.

نمونه روشن آن در تطبیق‌های نادرست در نشانه‌های ظهور است که امروزه برخی افراد انجام می‌دهند.

#### **۸-۲. دادن شأن و جایگاه دروغین به هواداران خود**

بی‌گمان هر انسانی از بزرگ‌داشت خود خرسند و شادمان می‌شود. از ویژگی‌های بیشتر جریان‌های انحرافی بزرگ‌داشت هواداران خود و سبک کردن دیگران است.

#### **۹-۲. بی‌ثباتی در باورها و پندارها**

نااستواری در ابراز باور از ویژگی‌های کسانی است که بر حقیقت ثبات ندارند. به ویژه جریان‌سازانی که از آگاهی چندانی برخوردار نیستند که بیشتر جریان‌ها را اینها شکل می‌دهند.

#### **۱۰-۲. پیروی از خواسته‌های نفسانی**

بررسی‌ها حکایت از آن دارد که شمار فراوانی از جریان‌های انحرافی از هواداران برای پاسخ خواسته‌های خود در انواع مختلف بهره‌های وافری برده‌اند. اعترافات برخی سران جریان‌های انحرافی از هواداران خود در سوءاستفاده‌های گوناگون از جمله جنسی گواه روشنی بر این ویژگی است.

#### **۱۱-۲. سوءاستفاده از آشفتگی‌های سیاسی و اجتماعی**

از ویژگی‌های مهم جریان‌های انحرافی بهره‌برداری از موقعیت‌های خاص سیاسی و اجتماعی است. سوکمندانه پس از انقلاب باشکوه ایران اسلامی بدون پدیدآوردن ظرفیت‌های بایسته برای پاسخ به عطش برآمده برای فراگیری معارف و آموزه‌های دینی،

همواره شعله این زیاده‌خواهی پرفروغ‌تر شده است. اگرچه تلاش دست اندرکاران تبلیغ و ترویج معارف دینی در مقایسه با دوره‌های پیش از آن، رشد بسیار فراوانی را نشان می‌دهد، ولی این هرگز به معنای پاسخ فراگیر و همه‌جانبه به نیازهای جامعه در این فراگیری نیست و این خود بستر را برای افراد شیاد در فرآوری انحرافات و ادعاهای دروغین فراهم کرده است. به‌ویژه آنکه دشمنان این انقلاب در دهه نخست پیروزی انقلاب اسلامی، دانشمندان بزرگی را از انقلاب گرفتند.

## ۱۲-۲. بهره‌مندی از ویژگی‌های خاص ظاهری

اگرچه گفته شده بسیاری از جریان‌سازان انحرافات، دارای ناهنجاریهای روانی بوده و از تعادل شخصیتی در رنج هستند، ولی برخی از این افراد دارای ویژگی‌های شخصیتی خاص هستند که به راحتی با آن دیگران را فریب می‌دهند. از جمله کسوت به لباس روحانیت، سیدبودن، چهره‌ای مناسب، اخلاق خوش، برخورداری از بیان جذاب و تأثیرگذار و مانند آن.

## ۱۳-۲. ترویج پندارهای ادعایی عجیب و غریب

از ویژگی‌های جریان‌سازان منحرف برخی ادعاهای شگفت‌آور است که به‌ویژه نگاه جوانان را به خود جلب می‌کند و وقتی روایات را می‌بینیم اثری از این ادعاها به چشم نمی‌آید. از ادعای همسری امام زمان از برخی بانوان جریان‌ساز، تا طرح مباحثی چون ظهور صغرا پیش از ظهور و ملک کبیر هنگام ظهور و مانند آن را می‌توان از این پندارها دانست.

## ۳. پی‌آمدهای جریان‌های انحرافی

### ۱-۳. بی‌ثباتی در باورهای دینی

به نظر می‌رسد مهم‌ترین پیامد این انحرافات، پدیدآوردن تزلزل در باورهای دینی و مذهبی افراد است که این خود گناه بزرگ و نابخشودنی است که مصداق تام "یصدون عن سبیل الله" است.

کم نیستند افراد هوادار جریان‌های انحرافی که پس از مدتی به کلی از دین سرخورده شده و همه دین را خرافه و دروغ می‌پندارند. و پس از آن به هیچ نیروی هدایت‌گری دل نمی‌دهند.

## ۲-۳. از بین بردن سرمایه‌های فکری

بی‌گمان امروزه مکتب اهل بیت علیهم السلام بیش از هر زمان دیگر نیازمند بهره‌مندی از نیروهای فکری در عرصه‌های گوناگون است. ازدست رفتن این نیروها در جریان‌های انحرافی و هدررفت توان فکری آنها خسارت بزرگی به پیروان اهل بیت علیهم السلام وارد می‌کند.

## راه‌برد رودررویی با جریان‌های انحرافی

### اشاره

بی‌شک جریان‌های انحرافی در مهدویت، افزون بر تخریب باورهای اصیل و هویت دینی و فرهنگی جامعه، امنیت ملی را نیز به چالش می‌کشد؛ از این رو افزون بر راهکارهای فرهنگی و علمی، برخورد امنیتی و عملی نیز امری ناگزیر و اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

علاقه‌مندان به مباحث اصیل مهدوی در کنار تلاش در نگهداری خویش و دیگران جهت در امان ماندن از ورود در جریان‌های انحرافی، می‌بایست تمام کوشش خود را برای رودررویی با این خطرات بزرگ به کار گیرند. به‌ویژه مسئولیت دانشمندان دین در این زمینه بس بزرگ و دارای ارزش است.

بنابراین برای رودررویی با این جریان‌ها دو نوع کار باید کرد: فعالیت‌های علمی و فعالیت‌های عملی

### ۱. رفتارهای علمی

#### ۱-۱. بهره‌گیری از آگاهی‌های معتبر

دانش، سرآغاز هر رفتار است. پیش‌تر گفته شد نادانی از باورهای راستین مهدویت، سببی پایه‌ای برای شکل‌گیری جریان‌های انحرافی است؛ از این رو نخستین گام برای رهایی از این جریان‌ها، افزایش آگاهی‌های معتبر است.

مهم‌ترین عرصه برای این فراگیری چنگ زدن به آیات قرآن و روایات معتبر معصومان علیهم السلام است. از این رو در بُعد علمی و شناختی می‌بایست دلسوزان در این عرصه به گونه‌ای حساب شده، خردمندانه و کارشناسانه وارد صحنه شده به وظایف خود به خوبی عمل کنند. القای این آگاهی‌ها در دو بعد اساسی قابل تصور است: نخست

در معارف معتبر و اصیل مهدوی و آنگاه شناخت انحرافات، ویژگی‌ها و پی‌آمدهای آنها، در این راه نورانی.

## ۲-۱. طراحی سامانه مهندسی فراگیر مهدویت

بی‌شک ناهمگونی و ناهماهنگی میان عناصر فرهنگ دینی، زمینه را برای گسترش انحرافات پدید می‌آورد. نگاه سطحی، جزئی و جزیره‌ای به مباحث مهدویت از عوامل مهم شکل‌گیری جریان‌های انحرافی است. نگاه فراگیر و کلان به معارف مهدوی با یک سامانه مهندسی کلان از سوی متولیان فرهنگی اعم از روحانیون و فرهنگیان، به صورت هماهنگ، می‌تواند سد نفوذناپذیری در برابر شکل‌گیری این جریان‌ها و ادامه حرکت آنها به شمار آید.

این سامانه از آن جهت ارزش می‌یابد که شواهد حکایت از آن دارد که بسیاری از جریان‌هایی که به انحرافات بزرگ منجر می‌شوند در آغاز راه، چندان منحرف به چشم نمی‌خورند؛ از این رو بسیاری از کسانی که در این کج‌راه‌ها می‌افتند به سبب انحراف کند و آهسته، کمتر آن را احساس می‌کنند.

توجه به این نکته نیز دارای ارزش است که تفاوت بنیادین جریان‌های انحرافی در دوران معاصر نسبت به گذشته بهره‌مندی آنها از ابزار رسانه‌ای است که به نشر ناگهانی انحرافات کمک شایانی می‌کند به‌ویژه آنکه همنوایی آنها با دشمنان سبب می‌شود تا بیگانگان مدد رسان خوبی برای این منحرفان باشند.

## ۳-۱. پافشاری بر خردورزی و پرهیز از خرافات

گفته شد یکی از ابزار مهم جریان‌سازان انحراف، چنگ زدن به امور پنداری و خرافی است. در راهبرد رودررویی با این جریان‌ها، پافشاری بر خردمندانانه بودن آموزه‌های مهدوی و بازشناخت آنها بر پایه روایات معتبر است که می‌تواند حقایق بسیاری را آشکار سازد و راه را بر منحرفان ببندد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد بیشتر جریان‌های انحرافی فاقد بنیان‌های قوی عقلی هستند. به همین دلیل جریان‌سازان این حرکت‌ها هواداران خود را به پرهیز از امور عقلانی سفارش و بیشتر آنها را در پندار و خیال قرار می‌دهند. و این خود زمینه را برای مقابله خردمندانانه در برابر آنها فراهم می‌سازد.

ناگفته نگذرم، خطر به دام افتادن در دام جریان‌های انحرافی اگرچه بیشتر گروه‌های کم‌سواد و ساده‌جامعه را تهدید می‌کند، اما شواهد گواه آن است که پیچیدگی جریان‌های انحرافی معاصر در بسیاری از موارد سبب شده تا برخی انسان‌های تحصیل کرده جامعه نیز فریب برخی جریان‌سازها را خورده به انحراف کشیده شوند.

## ۲. راه‌های عملی

### ۲-۱. افشاگری و پدید آوردن حساسیت

بی‌گمان بزرگی پی‌آمدهای ناگوار این جریان‌های انحرافی راه را بر هر کوتاهی و مدارا می‌بندد که این انحرافات از مواد افیونی بدتر است که آن جان آدمی را و این روح انسان‌ها را نابود می‌کند و هرگز کسی به مدارا با مسبین آلوده شدن جوانان به مواد افیونی خرسند نخواهد بود. از این رو بر همگان به‌ویژه قشر فرهیخته جامعه است تا با بهره‌مندی از فرصت‌های ممکن به افشاگری این جریان‌ها پرداخته، به‌ویژه جوانان را از دام این انحرافات دور کنند.

### ۲-۲. جلوگیری از کارهای تبلیغی جریان‌ها

و در آنجا که خیرخواهی پاسخی در پی نداشت بهترین گزینه رودررویی با جریان‌های انحرافی و برچیدن بساط انحراف آنها است.

ناگفته نگذرم برخی جریان‌های انحرافی با پافشاری و از روی عمد و ظاهر به دفاع از نظام اسلامی و مقام معظم رهبری می‌... پردازند تا در سایه این ادعا، خود را از تیررس نگاه و برخورد نیروهای امنیتی در حاشیه امن قرار دهند. که نیاز به تیزهوشی مسئولان امر را دوچندان می‌نماید.

البته همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد بررسی‌های ژرف جریان‌های انحرافی امری بایسته و شایسته است که یک‌علاقه‌مند با معارف مهدویت هرگز نباید از آن غفلت کند. از این رو همه خوانندگان را به بررسی‌های عمیق و علمی جریان‌های انحرافی مهدوی فرا می‌خوانیم.

## خودآزمایی

۱. در پیدایش جریان های انحرافی چه عواملی نقش دارند؟ چهار مورد را توضیح دهید.
۲. مهم ترین ویژگی های جریان های انحرافی کدامند؟ پنج نمونه را توضیح دهید.
۳. بزرگ ترین آسیب جریان های انحرافی در عرصه اعتقادات کدام است؟ بیان نمایید.
۴. گروه های راهبرد در برابر جریان های انحرافی کدام است؟ توضیح دهید.
۵. از نگاه شما مهم ترین راهبرد عملی برای رودررویی با جریان های انحرافی چیست؟

===

## منابع برای پژوهش

۱. اسحاقیان، جواد، پیچک انحراف، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، قم، ۱۳۸۸ش.
۲. عرفان، امیر محسن، قبیله تزویر، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام.
۳. فصلنامه انتظار موعود، پیوند و همکاری متقابل بهائیت و صهیونیسم، ش ۱۸ و ش ۲۷.
۴. ویژه نامه کثر راهه، تأملی در عرفان های دروغین، جام جم، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، اسفند ۱۳۸۶ش.
۵. فصلنامه تخصصی تاریخ معاصر ایران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سال ۱۳ بهار ۱۳۸۸ش.

## درس یازدهم: رجعت و رجعت کنندگان (کلیات)

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

بررسی واژه رجعت

چیستی رجعت

رجعت در اعتقادات شیعه

رجعت از نگاه اهل سنت

آثار تربیتی اعتقاد به رجعت

رجعت در امت‌های پیشین

ادله نقلی بر وقوع رجعت



**پیش در آمد**

بحث رجعت از مباحث برجسته اعتقادی پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام است. اگر چه در تاریخ شیعه، ده ها کتاب به گونه فراگیر یا در بخشی از آن در این زمینه نگارش یافته است، اما همانند برخی از دیگر باورهای شیعی، در فراز و فرودهای خود، همواره با چالش هایی روبرو بوده است؛ از درون چونان کم فهمی و یا کج فهمی و از بیرون مانند دیدگاه برخی علمای اهل سنت درباره این موضوع، که همواره مخالف با شیعه بوده، مشکلات را دو چندان ساخته است.

بررسی های واقع نگر و دور از سطح نگری درباره انگاره رجعت، بایسته ای ناگزیر است که می تواند حقایق افزون تری را فراروی دوستداران قرار دهد و افق های روشن تری را بنمایاند و در عین حال به برخی از پرسش ها و شبهات در این زمینه نیز پاسخ دهد.

در این درس و درس های آینده تلاش می شود تا اندازه ممکن، به این بحث مهم پرداخته شود و البته بررسی های تفصیلی را به مراجعه به منابع گسترده وا می نهم.

**مفهوم شناسی واژه رجعت****از نگاه لغت**

واژه "رجعت" از نگاه لغت به معنای «بازگشت» است؛ یعنی برگشتن به جایی که پیش تر در آنجا بوده است. برخی از بزرگان دانش لغت در گزارش از معنای یادشده، در کنار اشاره به برخی مصادیق آن نوشته اند:

«رجعت بازگشت مرد به اهلش بعد از طلاق است و گروهی معتقد به بازگشت به دنیا پیش از روز قیامت هستند» (۱).

«به رجعت ایمان دارد. یعنی به بازگشت به دنیا بعد از مردن اعتقاد دارد. و همچنین بازگشت مرد به زن خود پس از طلاق را گویند» (۲).

«رجوع: بازگشت به آنچه آغاز از آن بوده... پس رجوع بازگشت را گویند که هم در طلاق به کار می‌رود و هم در بازگشت به دنیا بعد از مردن؛ از این رو است که می‌گویند فلانی به رجعت ایمان دارد» (۳).

«الرجعه به فتح، یعنی برگشت پس از مرگ و بعد از ظهور مهدی» (۴). البته به معنای بازگرداندن نیز به کار رفته است. خداوند می‌فرماید: انه علی رجعه لقادر. (۵)

چنانچه اشاره شد در همه موارد یادشده، با تعبیرهای گوناگون، یک هماهنگی وجود داشت و آن بازگشت به جایی که آغاز از آنجا بوده است.

بایسته یادآوری است که افزون بر واژه رجعت در بحث بازگشت برخی مردگان به دنیا، از واژه‌هایی مانند «کزه» (۶)، «اوبه» (۷) نیز استفاده شده است که به معنای بازگشت است.

### معنای اصطلاحی

در معنای اصطلاحی رجعت، دانشمندان شیعه به گونه‌های مختلفی سخن گفته‌اند. نگارنده با بررسی آن‌ها در یک جمع‌بندی به این نتیجه رسیده است که رجعت در اصطلاح عبارت است از: «بازگشت دو گروه از مردگان مؤمنین خالص و کافرین

۱- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، در توضیح واژه رجع.

۲- فیروزآبادی، مجدالدین محمدبن یعقوب، القاموس المحيط.

۳- راغب الاصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، پس از واژه الرجوع.

۴- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، پس از واژه رجع.

۵- الطارق (۸۶)، آیه ۸.

۶- امام باقر علیه السلام فرمود: «أَيَّامُ اللَّهِ ثَلَاثَةٌ يَوْمٌ يَقُومُ الْقَائِمُ وَ يَوْمُ الْكُزَّةِ وَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ»؛ (شیخ صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۱۰۸).

۷- امام صادق علیه السلام در زیارت اربعین می‌فرماید: «وَ أَشْهَدُ أَنَّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَ بِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ»؛ (شیخ طوسی، تهذیب، ج ۶، ص ۱۱۳).

خالص پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام با همان بدن‌هایی که در دنیا با آن زندگی می کرده اند. تا مؤمنان از برپایی حکومت جهانی عدل شاد شده، به فیض همراه حضرت مهدی علیه السلام برسند و کافران از پستی و حقارت ستمگران دردمند شده، و به برخی مکافات‌های دنیوی کارهای خود برسند.»

به این معنا در سخنان بزرگان علمای شیعه این گونه اشاره شده است:

شیخ مفید در این باره می‌نویسد:

خداوند گروهی از مردگان را به همان صورت‌هایی که در گذشته بودند، به دنیا بر می‌گرداند؛ پس گروهی را عزیز و گروهی دیگر را ذلیل می‌کند و اهل حق را بر اهل باطل غلبه و نصرت داده و مظلومین را بر ظالمین و ستم‌گران غلبه می‌دهد. این واقعه هنگام ظهور مهدی آل محمد علیهم السلام خواهد بود....(۱)

سید مرتضی نیز می‌نویسد:

بدان! عقیده شیعه چنین است، خداوند هنگام ظهور امام زمان علیه السلام گروهی از شیعیان را که پیش از قیام آن حضرت از دنیا رفته اند به دنیا باز می‌گرداند تا آنان به پاداش یاری و همراهی و درک حکومت آن وجود مقدس نایل آیند و نیز برخی از دشمنان حضرتش را زنده می‌کند تا از ایشان انتقام گیرد و آنان برتری حق و منزلت پیروان حق را نگرسته و اندوهگین شوند(۲).

شیخ حرعاملی در این باره می‌نویسد:

بدان مراد از رجعت، زندگی بعد از مرگ و پیش از قیامت است. این معنا به ذهن متبادر می‌شود و علما نیز به آن تصریح کرده اند، چنان‌که از استعمالات آن فهمیده می‌شود و در بعضی از احادیث به آن تصریح شده است(۳).

۱- الشیخ المفید، محمدبن محمدبن النعمان، اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات، (سلسله مؤلفات مفید ج ۴) ص ۷۷.

۲- سید مرتضی، جوابات المسائل الرازیه (رسائل الشریف ج ۱)، ص ۱۲۵.

۳- محمدبن حسن حرعاملی، الايقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه، ص ۲۹.

مرحوم مظفر می نویسد:

عقیده شیعه در رجعت بر اساس پیروی از اهل بیت چنین است: خداوند عده ای از کسانی را که در گذشته از دنیا رفته اند، به همان اندام و صورت پیشین، زنده کرده و به دنیا باز می گرداند. به برخی از آنان عزت می دهد و پاره ای را ذلیل و خوار خواهد کرد و حقوق حق پرستان را از باطل پرستان می گیرد و داد ستم دیدگان را از ستم گران می ستاند و این، یکی از رویدادهایی است که پس از قیام مهدی آل محمد علیهم السلام پدید می آید. کسانی که پس از مردن به این جهان باز می ... گردند یا از ایمان بالا برخوردارند یا افرادی در نهایت درجه تباهی و آن گاه دوباره می میرند... (۱).

البته برخی رجعت را به بازگشت دولت آل محمد علیهم السلام تأویل نموده اند و بازگشت خود ائمه علیهم السلام را با بدن های ظاهری اشان منکر شده اند؛ (۲) که سخنشان به جهاتی مردود است:

اول . شبهاتی که ایشان در بحث رجعت با آن مواجه شده اند، بی پاسخ مانده است؛ در بخش شبهات بیان خواهد شد.

دوم. در روایات فراوانی اشاره به بازگشت جسمانی ائمه علیهم السلام شده است و هرگز این روایات قابل تأویل و توجیه نیست.

سوم . در روایاتی که به فلسفه رجعت اشاره کرده، تصریح شده است که بازگشت مؤمنین جهت لذت بردن از دولت کریمه و بازگشت کفار، جهت متألم شدن از حکومت حق است و این روایات نیز تأویل به دولت حق نمی شود.

چهارم . رجعت هایی که در امت های گذشته صورت گرفته و در روایات به آن اشاره شده، همه رجعت مردگان را با همان جسم دنیایی بیان کرده اند. بنابراین رجعت در آخرالزمان نیز همان گونه خواهد بود.

پنجم . یکی از اهداف رجعت، انتقام از کفار است و این با تأویل رجعت به دولت ائمه سازگاری ندارد.

۱- محمد رضا مظفر، عقاید الامامیه، ترجمه علیرضا مسجد جامعی، ص ۲۹۴.

۲- ر.ک: سید محمد صدر، تاریخ ما بعد الظهور، ص ۸۵۹.

سید مرتضی در پاسخ پرسش هایی که از ری به دستش رسیده بود، در باره این پرسش که حقیقت رجعت چگونه است؟ چرا عده اندکی از امامی ها می گویند مراد بازگشت دولت اهل بیت علیهم السلام در زمان حضرت قائم علیه السلام است نه بازگشت بدن ها گفته است:

... اما آنها که که رجعت را تأویل کرده و گویند مراد بازگشت دولت ائمه علیهم السلام است نه بازگشت مردگان به دنیا، چون نمی توانند رجعت را اثبات کنند دست به تأویل می زنند، ولی اینجا تأویل راه ندارد، زیرا دلیلش ظاهر اخبار نیست تا قابل تأویل باشد. امر حتمی و قطعی ممکن نیست مدرکش خبر واحدهایی باشد که یقین آور نیست، دلیلش اجماع امامیه است که به اتفاق معتقدند هنگام قیام حضرت مهدی علیه السلام خداوند جمعی از دوستان وعده ای از دشمنان خود را زنده می کند، پس مطلب قطعی و حتمی است و احتمالی نیست که تأویل پذیر باشد. (۱)

مرحوم طبرسی نیز در مجمع البیان این تأویل را ناشی از عدم توانایی بر پاسخ گویی به شبهات مطرح شده دانسته و به برخی شبهات پاسخ داده است (۲).

بنابراین در معنای اصطلاحی رجعت، همان تفسیر نخست درست است.

### چیستی و چگونگی رجعت

از مجموع آیات، روایات و بیان دانشمندان بزرگ شیعه که به آنها اشاره خواهد شد، به دست می آید که رجعت، جهانی است با ویژگی های خاص به خود که نه به طور دقیق چون جهان دنیاست و نه همانند جهان آخرت است و در عین حال، برزخ نیز نیست؛ عالمی است با تعریف خاص به خود.

مرحوم علامه طباطبایی در این باره می نویسد:

رجعت از مراتب روز قیامت است اگر چه در کشف و ظهور پایین تر از روز قیامت است و دلیل پایین تر بودن آن از قیامت، امکان راه یافتن تباهی و شر (فی الجمله) در آن است، به خلاف قیامت که هیچ گونه تباهی و شری در

۱- ر.ک: شریف مرتضی، رسائل المرتضی، ج ۱، ص ۱۲۵.

۲- ر.ک: طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۴۰۶.

آن راه نخواهد یافت و به همین دلیل روز ظهور حضرت مهدی علیه السلام نیز گاه ملحق به قیامت شده است به خاطر ظهور و غلبه تامه حق، اگر چه روز ظهور حضرت نیز پایین تر از روز رجعت است (۱).

روشن است که مرحوم علامه رستاخیز بزرگ را در بالاترین درجه کشف و شهود دانسته و رجعت، در رتبه میانی است و پایین تر از این دو، ظهور حضرت مهدی علیه السلام است.

دستآورد سخن اینکه اگر چه رجعت، در همین دنیای مادی و با این مشخصه های ویژه اتفاق خواهد افتاد؛ اما مقیاس هایی که در آن روز بزرگ به وقوع خواهد پیوست، آن را از نحوه زندگی در زمان ما متفاوت خواهد کرد و بی گمان تبیین زوایای آن، امروزه کاری بس سخت می نماید؛ همان گونه که حقیقت معاد همچنان جزو رازهای خداوند است.

### جایگاه رجعت در اعتقادات شیعه

در روایات باور به «رجعت» در میان اعتقادات شیعه از جایگاه والایی برخوردار است تا جایی که منکر آن را از دایره تشیع بیرون دانسته شده است..

امام صادق علیه السلام فرمود: «لَيْسَ مَنَا مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِكَرْتِنَا؛ (۲) از ما نیست کسی که ایمان به بازگشت ما ندارد....»

در روایتی دیگر آن حضرت یکی از شرایط ایمان را اعتقاد به رجعت دانسته و می فرماید:

مَنْ أَقْرَبَ سَبْعَةَ أَشْيَاءَ فَهُوَ مُؤْمِنٌ... وَالْإِيمَانَ بِالرَّجْعَةِ؛ (۳) هر کس به هفت چیز اعتقاد داشته باشد مؤمن است... که یکی از آنها ایمان به رجعت است.

۱- محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۱۰۹.

۲- شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۵۸، ح ۴۵۸۳.

۳- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۴، ص ۱۳۲، ش ۳۰۱۶۴.

از این روایت استفاده می‌شود اعتقاد به رجعت نیز در کنار اعتقاد به یکتاپرستی و همانند آن از ضروریات به شمار می‌آید.

مرحوم شیخ مفید در توضیح کلام امام صادق علیه السلام می‌نویسد:

و اما قوله عليه السلام «من لم يقل برجعتنا فليس منا»، فانما اراد بذلك ما يختصه من القول به في ان الله تعالى يحيي قوماً من امه محمد صلى الله عليه وآله بعد موتهم قبل يوم القيامة و هذا مذهب يختص به آل محمد صلى الله عليه وآله و عليهم؛ (۱) و اما فرمایش معصوم علیه السلام که فرمود: هر کس قائل به رجعت ما نشد از ما نیست، همانا از آن اراده کرده است مسئله رجعت را که عبارت است از اینکه خداوند گروهی از آل محمد علیهم السلام را پس از مردن پیش از روز قیامت زنده می‌کند و این مذهبی است مختص به آل محمد علیهم السلام.

شیخ طوسی در این زمینه می‌نویسد:

پیامبر ما صلی الله علیه وآله و ائمه معصومین علیهم السلام همراه با گروهی از امت های گذشته و آینده باز خواهند گشت و بر این اعتقاد آیات و روایات فراوانی دلالت دارد و خداوند فرمود: «و روزی که برمی‌انگیزیم از هر امتی گروهی را...»، پس اعتقاد به رجعت لازم است. (۲)

شیخ حر عاملی پس از نقل سخنان برخی دانشمندان در باره ارزش باور به رجعت نزد شیعه دلیل خود را مبنی بر ضروری بودن این اعتقاد، این گونه بیان می‌کند:

و از جمله ادله ای که رجعت را صحیح و ضرورت آن را بر هر آشنا با اخبار مسلم دانسته، این است که: در هیچ یک از ضروریات مثل وجوب نماز و حرمت زنا، بیش از رجعت، حدیث وارد نشده است. شاهد این گفته روایت علمای اهل سنت؛ چون فخر رازی، نیشابوری، زمخشری، شهرستانی، ابن ابی الحدید و... است که در کتاب های خود، شیعه را معتقد به رجعت دانسته و به آنان اعتراض می‌کنند. این خود دلیل است که

۱- شیخ مفید، المسائل السرویه، (سلسله مؤلفات الشیخ المفید)، ج ۷، ص ۳۲.

۲- شیخ طوسی، رساله العقاید الجعفریه، ص ۲۵۰.

رجعت صحیح بوده و مختص به امامیه و از ضروریات مذهب ایشان است<sup>(۱)</sup>.

فخرالدین طریحی اسدی در مجمع البحرین افزون بر بیان معنای رجعت، جایگاه آن را نزد شیعه این گونه توضیح می دهد:

... و این رجعت از ضروریات مذهب امامیه است و شواهد قرآنی و روایات وارده از اهل بیت علیهم السلام در این زمینه، مشهورتر از آن است که لازم به یادآوری باشد. حتی از ائمه علیهم السلام وارد شده است: « هر کس به رجعت ما اقرار نداشته باشد از ما نیست. »<sup>(۲)</sup>

برخی از مفسرین معاصر نیز به روشنی بیان کرده اند که:

« رجعت از ضروریات مذهب شیعه است و نه از ضروریات اسلام... »<sup>(۳)</sup>.

### رجعت از نگاه اهل سنت

این باور اگرچه ریشه قرآنی دارد، اما از آنجا که در مکتب اهل بیت علیهم السلام به طور ویژه بدان پرداخته شده از همان ابتدای پیدایش مورد ناسزاگویی و استهزای اهل سنت قرار گرفت. به گونه ای که برخی این عقیده را برگرفته از عقاید یهود و نصاری دانسته و دیگری منشأ اعتقاد به رجعت را پندارهای عرب جاهلیت دانسته<sup>(۴)</sup>. دیگری به سبب نفهمیدن درست این اعتقاد، آن را اعتقادی مضحک قلمداد نموده است<sup>(۵)</sup>. و گروهی نیز آن را از افکار «عبدالله بن سبا» و روایاتی دروغین دانسته<sup>(۶)</sup>. دیگری منشأ باور به رجعت را تأثیرات فلسفه آفریقایی بر ذهن شیعه قلمداد کرده است<sup>(۷)</sup>.

برخی پا را از همه آنچه گفته شد فراتر نهاده و باور به رجعت را برابر با تکذیب

۱- حر عاملی، الايقاظ من الهجعه، ص ۶۷.

۲- طریحی، مجمع البحرین، ج ۲، ص ۶۷۹.

۳- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۶۱.

۴- ناصر قفاری، اصول مذهب الشیعه عرض و نقد، ج ۳، ص ۹۱۱؛ اصفهانی، الاغانی، ج ۳، ص ۱۳۹ (حاشیه ۲). محمد مال الله، الشیعه و تحریف القرآن، ص ۲۵.

۵- ربیع بن محمد سعودی، الشیعه الامامیه الاثنا عشریه فی میزان الاسلام، ص ۲۰۲.

۶- همو، الشیعه و التشیع، ص ۳۵۹.

۷- حسن ابراهیم، تاریخ الاسلام، ج ۴، ص ۲۵۹.



آیات قرآن و کفر دانسته اند.<sup>(۱)</sup> و کم نیست این گونه سخنان ناشایست که در طول تاریخ نثار باورمندان رجعت شده است.

مرحوم مظفر در این باره نوشته است:

اهل سنت عقیده به رجعت را خلاف عقاید اسلامی می داند و آن را هیچ نمی پسندند. نویسندگان و شرح حال نویسان آنها معتقدین به رجعت را طعن و طرد کرده و آن را نشانه طرد روایت راوی می دانند. گویا در نظر آنان عقیده به رجعت در شمار کفر و شرک یا بدتر از آن قرار دارد و به این بهانه شیعه را می کوبند و ناسزا می گویند.

بدون شک این از اقسام دستاویزهای بی اساس و گمراه کننده ای است که فرقه های اسلامی آن را وسیله ای برای طعن و طرد یکدیگر قرار داده اند، ولی هیچ مجوزی که صحت این دستاویز را روشن کند وجود ندارد، زیرا اعتقاد به رجعت، نه فقط هیچ گونه ایراد و خدشه ای در عقیده به یکتاپرستی و نبوت وارد نمی سازد، بلکه به عکس، این هر دو عقیده را تقویت می کند، زیرا رجعت مانند حشر و نشر، دلیل قدرت کامل خداوند بوده و از امور غیرعادی و معجزه ای از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت او علیهم السلام است. رجعت، در اصل معجزه زنده کردن مردگان است؛ چنان که حضرت مسیح علیه السلام انجام می داد، اما این رساتر، کامل تر و اعجازش بیشتر است به دلیل این که رجعت در وقتی انجام می گیرد که مردگان همه خاک شده اند.<sup>(۲)</sup>

مرحوم علامه طباطبایی نیز جایگاه رجعت در نگاه اهل سنت را این گونه بیان کرده است:

غیر شیعه، یعنی اهل تسنن اگر چه به ظهور حضرت مهدی اعتراف کردند و آن را به طور متواتر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کردند، لکن رجعت را انکار کرده و قول به رجعت را از مختصات شیعه برشمرده اند و

۱- محمد مال الله، الشیعه و تحریف القرآن، ص ۲۵.

۲- محمدرضا مظفر، عقاید الامامیه، ص ۱۲۰.

در این ایام بعضی از آنانکه منتسب به شیعه هستند نیز به آنان ملحق شدند.<sup>(۱)</sup>

### آثار تربیتی اعتقاد به رجعت

همان‌گونه که انتظار فرج نقش برجسته و به‌سزایی در پویایی و نشاط جامعه ایفا می‌کند، باور به رجعت و بازگشت به دنیا در عصر ظهور، نیز می‌تواند نقش مهم و به‌سزایی در نشاط دینی و امید به حضور در حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام ایفا کند، چرا که انسان با دیدن افرادی که همه عمر خود را در انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام سپری کرده‌اند و آنگاه بدون درک ظهور از دنیا می‌روند، دچار سرخوردگی شده و حتی در جایگاه انتظار نیز دچار ناامیدی خواهد شد و اگر بدانند در هنگام ظهور در صورت دارابودن شرایط، امکان بازگشت او به دنیا و حضور در محضر آخرین امام علیه السلام را دارد در امیدواری او نقش بسیاری خواهد داشت.

افزون بر آن، شخص علاقه‌مند به درک محضر آخرین حجت الهی، نهایت تلاش خود را به کار خواهد بست که به درجات بالای ایمان رسیده تا در زمره مؤمنان رجعت‌کننده باشد.

### زمان رجعت

از روایات معصومین علیهم السلام استفاده می‌شود، رجعت همزمان با ظهور حضرت مهدی علیه السلام آغاز می‌شود و در دوران ظهور ادامه پیدا خواهد کرد. و همانند برخی از حوادث دیگر جزو کرامات به شمار می‌آید؛ زنده شدن مردگان و بیرون آمدن از قبرها در حالی که سر و رویشان را غبار و خاک گرفته و آنان خاک از سر می‌افشانند، حالتی است که مردم آن را ندیده‌اند و در آن روز خواهند دید.

ظهور حضرت مهدی علیه السلام در نظام آفرینش از چنان ارزشی برخوردار است که افزون بر شادمانی زندگان، خبر ظهور به مردگان نیز داده می‌شود و آنها که صلاحیت بازگشت دارند، مخیر میان بازگشت و ماندن در قبرها می‌شوند.

۱- محمدحسین طباطبایی، تفسیرالمیزان، ج ۱۵، ص ۵۵۸.

## امکان رجعت

پیش از آنکه وارد بحث شویم؛ بایسته است به بررسی امکان رجعت پردازیم.

امکان به دو قسم تقسیم می شود: امکان ذاتی و امکان وقوعی.

امکان ذاتی رجعت:

شکی نیست که رجعت، به خودی خود، دارای امکان ذاتی است؛ چرا که زنده کردن مردگان چه در دنیا و چه در آخرت در توان خداوند است و هیچ خردمندی در آن شک ندارد. خداوند، در آیات فراوانی با ردّ مخالفان، معجزه زنده شدن مردگان را به دست پیامبران خود، دلیلی بر معاد، قیامت و زنده شدن مردگان، ارائه کرده است.

امکان وقوعی رجعت:

بهترین دلیل بر امکان یک چیز، وقوع آن است. وقوع رجعت، با بهره از بیانات نورانی قرآن و شواهد تاریخی، به روشنی تمام اثبات شدنی است.

برخی از منکرین رجعت، نه فقط وقوع آن را غیرممکن دانسته اند بلکه امکان آن را نیز محال دانسته اند و برخی دیگر امکان ذاتی آن را بدون اشکال دانسته اند و فقط در بخش امکان وقوعی آن را محال ذکر کرده اند.

دسته سوم کسانی هستند که وقوع آن را در گذشته قبول کرده اند، ولی باور شیعه را نپذیرفته اند و منکر آن در آینده شده اند.

مرحوم علامه طباطبایی درباره هماهنگی میان رجعت و معاد جسمانی ذیل آیه شریفه: ((هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِّنَ الْعُمَامِ وَالْمَلَائِكَةِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ))؛ (۱) مگر انتظار آنان غیر از این است که خداوند و فرشتگان در زیر سایبان‌هایی از ابر سپید به سوی آنان بیایند و کار داوری یکسره شود؟ و کارها به سوی خدا باز گردانده می شود.

پس از اشاره به برخی از روایات می نویسد:

نظیر این‌گونه روایات از خاندان پیغمبر صلی الله علیه وآله فراوان است که بسیاری از آیات را گاهی به قیامت و گاهی به رجعت و گاهی به ظهور مهدی آل محمد

عليهم السلام تفسير کرده اند و این نیست مگر به واسطه یک نحو سنخیت و مناسبتی که میان این سه روز موجود است (۱).

با این تعبیر آنگاه که رجعت و معاد از یک سنخ دانسته شد دلایل امکان هر دو یک چیز خواهد شد و شکی نیست که ادله فراوانی بر معاد اقامه شده است.

شیخ حر عاملی در اثبات امکان رجعت می نویسد:

دلیلی که بر صحت معاد به آن استدلال کرده اند، حاصلش این که امری است ممکن (یعنی محال نیست)، گوینده راست گو هم خبر داده، پس حق است. اما امکانش، که روشن است؛ زیرا مکرر اتفاق افتاده (که مرده ای زنده شده) و وقوع دلیل امکان است و اما اخبار گوینده راست گو هم که به تواتر رسیده چنان که بعداً هر دو موضوع خواهد آمد، و بیان می کنم که عده ای از پیامبران و اوصیاء عليهم السلام و غیر آنها پس از مرگ زنده شدند، و این دلیل، بر اثبات رجعت بهتر است تا برای اثبات معاد؛ چرا که امر معاد بالاتر، و حالاتش عجیب و غریب تر است، و نظیرش تاکنون پیدا نشده به خلاف رجعت، و در قرآن و اخبار هم اشاره به این دلیل است و بر منکران زنده شدن مردگان سخت اعتراض شده است (۲).

کوتاه سخن اینکه:

زنده شدن گروهی از مردگان در این دنیا از محالات نیست، همان گونه که زنده شدن همه انسان ها در قیامت ممکن است و شگفتی از چنین امری، همچون شگفتی گروهی از مشرکان دوران جاهلیت از مسئله معاد است و تمسخر در برابر آن چونان تمسخر کفار و مشرکان در باره معاد است، چرا که عقل چنین چیزی را محال نمی داند و قدرت خدا آن چنان گسترده است که همه این موارد در برابر آن آسان است (۳).

### گزارش رجعت در امت های پیشین

از آنجایی که قرآن پایه ای ترین ابزار برای اثبات حقایق دینی است، در مسئله رجعت

۱- محمدحسین طباطبایی، تفسیرالمیزان، ترجمه محمدتقی مصباح، ج ۲، ص ۱۴۶.

۲- شیخ حر عاملی، الایقاظ من الهجعه، انتشارات نوید، ص ۳۱.

۳- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۵۶ (با تصرف).

نیز به عنوان نخستین منبع و اصلی ترین آنها، بدان توجه می شود. با یک نگاه گذرا به آیات مربوط به رجعت، پدیدار شدن آن امری مسلم می نماید.

در این دسته از آیات، به روشنی وقوع رجعت میان اقوام و ملل گذشته گزارش شده است؛ مانند: زنده شدن هفتاد نفر از یاران حضرت موسی علیه السلام، (۱) زنده شدن کشته بنی اسرائیل، (۲) زنده شدن هزاران نفر، (۳) زنده شدن عزیر پس از صد سال، (۴) زنده شدن مردگان به دست حضرت عیسی علیه السلام. (۵)

در یک جمع بندی کوتاه، به نکات ذیل می توان اشاره کرد:

۱. به تصریح آیات قرآن، رجعت های فراوانی در گذشته پدیدار شده است.

۲. افزون بر دانشمندان شیعه، بیشتر دانشمندان اهل سنت نیز بر این باورند که در گذشته، رجعت هایی صورت گرفته است.

بنابراین شکی نخواهد ماند که در گذشته، به خواست پروردگار انسان های فراوانی، پس از مردن، دوباره با همان بدنی که از دنیا رفته اند زنده شده، به زندگی دنیایی ادامه داده اند.

۱- ((وَ إِذِ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَىٰ اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ (۵۵) ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ))؛ (بقره (۲)، آیه ۵۵ و ۵۶).

۲- ((وَ إِذِ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَّارَأْتُمْ فِيهَا وَاللَّهُ مُخْرِجٌ مَّا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ (۷۲) فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَىٰ وَ يُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ))؛ (بقره (۲)، آیه ۷۲ و ۷۳).

۳- ((أَلَمْ تَر إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَرِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَغَدُوفٌ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ))؛ (بقره (۲)، آیه ۲۴۳).

۴- ((أَوْ كَذَلِكَ مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّىٰ يُحْيِي هَٰذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ))؛ (بقره (۲)، آیه ۲۵۹).

۵- ((وَ أَحْيَى الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ))؛ (آل عمران (۳)، آیه ۴۹).

## خودآزمایی

۱. رجعت را از نگاه لغت و اصطلاح توضیح دهید.
۲. در باره چیستی و چگونگی رجعت توضیح دهید.
۳. باور اهل سنت در باره رجعت چگونه است و چرا با اعتقاد شیعه مخالفند؟
۴. چگونه باور به رجعت می تواند در تربیت دینی مؤثر باشد؟
۵. گزارش رجعت در امت های گذشته چه نقشی در اثبات این اعتقاد دارد؟

===

## منابع برای پژوهش

۱. سعادت پرور، علی، ظهور نور، ترجمه سید محمدجواد وزیری فرد، تهران، شرکت انتشارات احیاء کتاب، ۱۳۸۰ق.
۲. طبسی، محمدرضا، شیعه و رجعت، ترجمه محمد میرشاه ولد، انتشارات دارالنشر اسلام.
۳. طاهری، حبیب الله، سیمای آفتاب، قم، انتشارات زائر، ۱۳۸۰ ش.
۴. رفیعی قزوینی، ابوالحسن، رجعت و معراج، تهران، کتابفروشی اسلام، ۱۳۷۹ ش.
۵. طارمی، حسن، رجعت از دیدگاه عقل، قرآن و حدیث، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۷ ش.



## درس دوازدهم: رجعت و رجعت کنندگان (در آخر الزمان)

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

رجعت در آخر الزمان

خروج دابه الارض

زنده شدن برخی مردگان

پیمان انبیا بر یاری پیامبر صلی الله علیه و آله

دو بار زنده شدن و دو بار مردن

سوگند دشمنان اهل بیت بر زنده نشدن مردگان

رجعت کنندگان



**پیش در آمد**

پیروان مکتب اهل بیت با استناد به سخنان امامان معصوم علیهم السلام بازگشت برخی مردگان را در آخرالزمان و دوران ظهور حضرت مهدی علیه السلام امری ناگزیر و مسلم می‌دانند. افزون بر آیاتی که در درس گذشته بر وقوع رجعت یاد شد که دلیل روشنی بر امکان آن خواهد بود. دسته دیگری از آیات که در باره رجعت سخن گفته است، آیاتی است که به بیان برخی از روایات، بر رجعت در آخرالزمان و پیش از قیامت دلالت دارد.

بر خلاف دسته نخست، این گروه از آیات، نیازمند تأویل، یا تفسیر به وسیله پیشوایان معصوم علیهم السلام و بزرگان دین است.

در این درس تلاش می‌شود تا با بهره مندی از آیات قرآن کریم، سخنان معصومان علیهم السلام و نیز بیانات بزرگان، این بحث را در حد امکان بررسی نماییم. و تفصیل بیشتر مطالب را به منابع مفصل در این باره سفارش می‌کنیم.

**رجعت در آخر الزمان****اشاره**

بر خلاف تصور برخی که رجعت در عصر ظهور و پیش از برپایی قیامت را فقط با بهره از روایات می‌دانند، از شماری از آیات قرآن نیز اگرچه با توضیح روایات می‌توان این پدیده بزرگ را اثبات کرد. برخی از این آیات و مباحث مربوط، بدین قرارند:

**خروج دابه الارض**

از آیاتی که با استفاده از روایت اهل بیت علیهم السلام مربوط به رجعت دانسته شده

است، آیه ای است که از خروج "دابه الارض" سخن به میان آورده است:

وَ إِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ؛<sup>(۱)</sup> و چون قول [عذاب] بر ایشان واجب گردد، جنبنده ای را از زمین برای آنان بیرون می آوریم که با ایشان سخن گوید که: مردم [چنان که باید] به نشانه های ما یقین نداشتند.

علامه طباطبایی در بحث روایی در ذیل آیه شریف، به نقل از تفسیر قمی از حضرت امام صادق علیه السلام روایت می کند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین برخورد و او را در مسجد خوابیده دید؛ بدین حال که مقداری شن جمع کرده و سرش را روی آن گذاشته بود. حضرت با پای خود حرکتش داد و فرمود: «برخیز ای دابه الارض!» مردی از اصحاب عرض کرد: «یا رسول الله! آیا ما هم می توانیم رفقای خود را به این نام بنامیم؟» فرمود: «نه؛ به خدا سوگند! این نام، جز برای او نیست و او همان دابه ای است که خدای تعالی در کتابش درباره او فرمود: «وَ إِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ...». آن گاه فرمود: «یا علی! چون آخرالزمان شود، خدای تعالی تو را در بهترین صورت بیرون می آورد؛ در حالی که با تو است وسیله داغ نهادن و دشمنان خود را با آن، نشان می کنی.»<sup>(۲)</sup>

بنابراین «دابه»، به معنای «جنبنده» و «ارض»، به معنای «زمین» است و بر خلاف آنچه بعضی می پندارند «دابه» فقط به جنبندگان غیر انسان اطلاق نمی شود؛ بلکه مفهوم گسترده ای دارد که انسان ها را نیز دربر می گیرد؛ چنان که در آیه ۶ سوره هود می خوانیم:

((وَ مَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا))؛ هیچ جنبنده ای در زمین نیست، مگر این که روزی او بر عهده خدا است.

و نیز در آیه ۶۱ سوره نحل آمده است:

((وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ مَا تَرَكَ عَلَيْهَا مِنْ دَابَّةٍ))؛ اگر خداوند، مردم را به سبب ستم هایشان مجازات می کرد، جنبنده ای را بر زمین باقی نمی گذاشت.

۱- نمل (۲۷)، آیه ۸۲.

۲- محمد حسین طباطبایی، المیزان، ج ۱۵، ص ۵۶۷.

البته اهل سنت، دابه الارض را موجودی از جنس غیر انسان با ویژگی های شگفت آور ذکر کرده اند. که می توان در بیشتر تفاسیر آنها ذیل آیه آن را دید.

شیعه به پیروی از روایات معصومان علیهم السلام دابه الارض را یک انسان فوق العاده می دانند که یکی از کارهای برجسته او، جداساختن صفوف مسلمانان از منافقان و نشانه گذاری آن ها است. حتی از برخی روایات استفاده می شود که عصای موسی و انگشتر سلیمان با او است و می دانیم که عصای موسی، ابزار توان و اعجاز، و خاتم سلیمان ابزار حکومت و سلطه الهی است. از این رو، او یک انسان توان مند و افشاگر است. در روایتی حضرت امیر خود را این گونه وصف کرده است:

... وَ إِنِّي لَصَاحِبُ الْكُرَاتِ وَ دَوْلَةِ الدُّوَلِ وَ إِنِّي لَصَاحِبُ الْعَصَا وَ الْمِيسِمِ وَ الدَّابَّةِ الَّتِي تُكَلِّمُ النَّاسَ؛ (۱) و همانا من صاحب بازگشت ها و دولت دولت ها هستم و من صاحب عصا و نشانه گذار و جنبنده ای هستم که با مردم سخن می گوید.

از این رو، در زیارت امام علی علیه السلام به نقل از امام صادق علیه السلام آمده است: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمُودَ الدِّينِ وَ وَارِثَ عِلْمِ الْأَوَّلِينَ وَ الْأَخِيرِينَ وَ صَاحِبَ الْمِيسِمِ؛ (۲) درود بر تو ای ستون دین و وارث دانش اولین و آخرین و صاحب نشانه گذار.

با توجه به آنچه نقل شد، به راحتی می توان گفت: «دابه الارض» انسان برجسته ای است که برای انجام کاری بس مهم پیش از قیامت به زمین باز می گردد.

و نیز این که در روایات شیعه و سنی وارد شده است که مؤمن و کافر را نشانه گذاری می کند و صفوفشان را مشخص می سازد، با انسان سازگار است. سخن گفتن با مردم که در متن آیه قرآن به عنوان توصیف او آمده نیز مناسب همین معنا است.

### زنده شدن برخی مردگان

یکی دیگر از آیاتی که به واسطه آن بر حتمی بودن رجعت در آخرالزمان، استدلال شده است، چنین است:

۱- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۹۷.

۲- شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۸۹، ش ۳۱۹۷.

وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مَّمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ؛<sup>(۱)</sup> و آن روز که از هر امتی، گروهی از کسانی را که آیات ما را تکذیب کرده اند، محشور می کنیم؛ پس آنان نگاه داشته می شوند، تا همه به هم بیوندند.

از جمله کسانی که به وسیله این آیه، بر رجعت در آخرالزمان، استدلال کرده اند، می توان شیخ مفید<sup>(۲)</sup> و نیز شیخ طوسی<sup>(۳)</sup> را نام برد.

مرحوم طبرسی در تفسیر مجمع البیان ذیل این آیه شریف نوشته است:

شیعیان که به رجعت عقیده دارند، با این آیه، بر درستی اعتقاد خود استدلال کرده و گفته اند: آمدن «من» در سخن، موجب تبعیض است و دلالت دارد بر این که در روز مورد نظر، برخی از اقوام برانگیخته شده و برخی دیگر برانگیخته نمی شوند و این، صفت روز رستاخیر نیست؛ چرا که خداوند سبحان، درباره آن فرموده است «آنان را بر می انگیزیم و هیچ یک از آنان را فروگذار نمی کنیم»<sup>(۴)</sup>.

علامه طباطبایی نیز ذیل آیه شریف، پس از بیان برخی سخنان و رد آن ها، استدلال بالا را بیان می کند. آن گاه در بیان این که «حشر» از نظر قرآن، غیر از قیامت است، می نویسد:

این آیه و دو آیه بعدش، پس از داستان بیرون شدن «دابه» از زمین واقع شده اند که خود، یکی از علایمی است که پیش از قیامت واقع می شود؛ قیامتی که در چند آیه بعد، درباره آن می فرماید: وَ نُفِخَ فِي الصُّورِ و تا چند آیه بعد اوصاف وقایع آن روز را بیان می کند و معنا ندارد پیش از آغاز بیان اصل قیامت و وقایع آن، یکی از وقایع آن را زودتر ذکر کند؛ چون ترتیب وقوعی اقتضا می کند اگر حشر یک فوج از هر امتی هم جزو وقایع قیامت باشد، آن را پس از مسأله نفخ صور ذکر فرماید؛ ولی این گونه ذکر نکرد، بلکه پیش از نفخ صور، مسأله حشر فوج از هر امتی را آورده است؛

۱- نمل (۲۷)، آیه ۸۳.

۲- شیخ مفید، المسائل السرویه، ص ۳۲.

۳- شیخ طوسی، التبیان، ج ۸، ص ۱۲۰.

۴- طبرسی، مجمع البیان، ج ۸۷، ص ۳۶۶.

پس معلوم می شود این حشر جزو وقایع قیامت نیست. (۱)

در تفسیر قمی نیز همین مضمون را ذیل آیه شریف، به استناد فرمایشی از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که آن حضرت فرمود:

مردم درباره آیه ((يَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا)) چه می گویند؟ راوی گفت: «می گویند: این آیه درباره قیامت است». فرمود: «نه، این طور که آنان می گویند، نیست؛ بلکه درباره رجعت است. مگر خدای تعالی، در قیامت از هر امت فوجی را محشور می کند و بقیه آن امت ها را رها می کند؟ با این که خودش فرمود: ((وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا))؛ آنان را محشور کردیم و احدی را از قلم نینداختیم.» (۲)

کوتاه سخن این که برانگیخته شدن آیه مذکور در یکی از این سه زمان ممکن است:

پیش از قیامت، پس از قیامت یا در هنگام قیامت و صورت چهارمی نخواهد داشت.

صورت سوم باطل است؛ چرا که حشر در قیامت، فراگیر است؛ نه این که از هر امتی، تعدادی محشور شوند.

صورت دوم نیز باطل است؛ چرا که پس از قیامت، مجرمان به جهنم و نیکان به بهشت خواهند رفت و با این بیان، فقط احتمال نخست، باقی خواهد ماند، که قول شیعه امامیه است.

### پیمان انبیا بر یاری پیامبر صلی الله علیه و آله

از جمله آیاتی که شیعه بر رجعت در آخر الزمان ارائه کرده است، این آیه است: ((وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْنُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمِهِ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ وَقَالَ أَأَقْرَضْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَضْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ)) (۳) «و (یاد کن) هنگامی که خداوند از پیامبران پیمان گرفت که هر گاه به شما کتاب و حکمتی دادم، سپس شما را فرستاده ای آمد که آنچه را با شما است

۱- محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۱۵، ص ۵۷۰.

۲- علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۶.

۳- آل عمران (۳)، آیه ۸۱.

تصدیق کرد، البته به او ایمان بیاورید و حتماً یاری اش کنید و فرمود: «آیا اقرار کردید و در این باره پیمانم را پذیرفتید؟» گفتند: «آری، اقرار کردیم». گفت: پس گواه باشید و من با شما از گواهانم.»

پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام با بهره مندی از راهنمایی های ایشان، بر این باورند که به روشنی از این آیه استفاده می شود یاری و ایمانی که از پیامبران بر آن پیمان گرفته شده است، پس از آمدن رسول اکرم صلی الله علیه و آله خواهد بود. افعال «لَتُؤْمِنَنَّ» و «لَتَنْصُرُنَّهُ» مضارع مؤکد بوده، بر انجام کار در زمان آینده دلالت دارند؛ یعنی زمانی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و پیامبران گذشته همگی زنده شوند و پیامبران پیشین، بر پایه پیمان الهی خود، نبی اکرم صلی الله علیه و آله را یاری دهند.

### دو بار زنده شدن و دو بار مردن

خداوند، آن گاه که سخنان برخی مردگان را نقل می کند، از زبان ایشان می فرماید: ((قَالُوا رَبَّنَا آمَنَّا اِثْنَيْنِ وَاَحْيَيْنَا اِثْنَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ اِلَىٰ خُرُوجٍ مِّنْ سَبِيلٍ))؛ (۱) «می گویند: پروردگارا! دوبار ما را میراندی و دوبار ما را زنده کردی و به گناهانمان اعتراف کردیم؛ پس آیا راهی برای بیرون شدن (از آتش) هست؟»

در تفسیر قمی در ذیل این آیه شریف، از امام صادق علیه السلام نقل کرده است: «ذلک فی الرجعه؛ (۲) این، در رجعت است.»

### سوگند دشمنان اهل بیت بر زنده نشدن مردگان

از دیگر آیه هایی که در بیان معصومان علیهم السلام به رجعت تأویل شده، این آیه است:

((وَ اَقْسَمُوا بِاللّٰهِ جَهْدَ اَيْمَانِهِمْ لَمَّا يَبْعَثُ اللّٰهُ مَن يَمُوتُ بَلٰى وَعِدًا عَلَيْهِ حَقًّا وَّلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَمَّا يَعْلَمُونَ))؛ (۳) «و با سخت ترین سوگندهایشان به خدا سوگند یاد کردند که خدا کسی را که می میرد بر نخواهد انگیخت. آری، (انجام) این وعده بر او حق است؛ ولی بیشتر مردم نمی دانند.»

۱- غافر (۴۰)، آیه ۱۱.

۲- علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۵۶.

۳- نحل (۱۶)، آیه ۳۸.

مرحوم کلینی در کتاب کافی با ذکر سند از ابو بصیر نقل می کند:

به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: «این که خداوند تبارک و تعالی می فرماید: «و آنان با مبالغه و پافشاری به خداوند سوگند یاد کنند که خداوند هرگز کسی که بمیرد را زنده نخواهد کرد. بلی، البته وعده الهی حق است؛ لکن بیشتر مردم نمی دانند منظور چیست؟» فرمود: «ای ابوبصیر! (عامه) در این باره چه می گویند؟» عرض کردم: «مشرکان چنین می پندارند و برای رسول اکرم صلی الله علیه و آله سوگند می خورند که خداوند هرگز مردگان را زنده نخواهد کرد». حضرت فرمود: «مرگ بر کسی که چنین سخنی می گوید! از آن ها پرس آیا مشرکان به الله قسم می خورند، یا به لات و عُزّا؟» ابوبصیر می گوید: «گفتم: فدایت شوم! پس برایم معنای آیه را بیان فرما». ایشان فرمود: «ای ابوبصیر! هنگامی که قائم ما به پا خیزد، خداوند گروهی از شیعیان ما را برای یاری او برانگیزد و زنده کند که گیره های شمشیرهایشان بر روی شانه هایشان است. چون این خبر به قومی از شیعیان ما که نمرده باشند برسد، به یکدیگر گویند: «فلان و فلان از قبرهایشان برانگیخته شدند و آن ها با قائم علیه السلام هستند». این سخن به گوش گروهی از دشمنان ما برسد؛ آن ها گویند: «ای گروه شیعیان! چقدر دروغگو هستید؟ این دولت و حکومت شما است و شما دروغ می گوید؟ نه والله! این ها که شما می گوید زنده نشده و زنده نخواهند شد، تا روز قیامت»؛ پس خداوند، گفتار آن ها را حکایت کرده، می فرماید: و آنان با مبالغه و پافشاری به خداوند سوگند یاد کنند که خداوند هرگز کسی که بمیرد را زنده نخواهد کرد.» (۱)

دیدیم شیعه با بهره از هر دو دسته آیات، با بیان پیشوایان معصوم علیهم السلام، حتمی بودن رجعت را در دوران حضرت مهدی علیه السلام اثبات کرده است.

دلالت دسته دوم روشن است. آنچه محل بحث بیشتر است، استفاده از دسته نخست آیات، برای اثبات رجعت در آخرالزمان است.

افزون بر آیات یادشده، شیعه بر این باور است که ذکر نمونه هایی از رجعت در

---

۱- محمد بن یعقوب کلینی، روضه کافی، ص ۵۰، ح ۱۴؛ این روایت با اندک تفاوتی در تفسیر عیاشی و تفسیر قمی نیز ذکر شده است. ر.ک: تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۵۹.

گذشته، می تواند خود دلیلی بر وقوع آن در آینده باشد. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در روایتی ارزشمند فرمود:

والذی نفسی بیده لتركین سنن من كان قبلکم حذو النعل بالنعل و القذه بالقذه حتی لا تخطئون طریقهم و لا یخطئون سنن بنی اسرائیل؛<sup>(۱)</sup> به آن کسی که جانم به دست او است سوگند! شما مسلمانان با هر سنتی که در امت های گذشته جریان داشته است، رو به رو خواهید شد و آنچه در آن امت ها جریان یافته است، مو به مو در این امت جریان خواهد یافت؛ به طوری که نه شما از آن سنت ها منحرف می شوید و نه آن سنت ها که در بنی اسرائیل بود شما را نادیده می گیرد.

همه اهل سنت، اتفاق نظر دارند که در امت های گذشته رجعت هایی صورت گرفته است و نیز اتفاق نظر دارند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هر چه در امت های گذشته رخ داده است، در امت من نیز اتفاق خواهد افتاد». و شکی نیست که رجعت، یکی از مهم ترین حوادث امت های پیش است و نیز شکی نیست که تا امروز، چنین رویدادی در امت اسلامی رخ نداده است؛ بنابراین در آینده چنین خواهد شد.

## رجعت کنندگان

### اشاره

افزون بر روایاتی که به صورت کلی رجعت کنندگان را مؤمنان خالص و کافران خالص ذکر کرده است مانند روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

ان الرجعه لیست بعامه و هی خاصه لا یرجع الا من محض الایمان محضاً او محض الشریک محضاً؛<sup>(۲)</sup> رجعت همگانی نیست و فقط مؤمنان خالص و محض و نیز مشرکان محض به دنیا بر می گردند.

برخی روایات نیز به افراد و گروه هایی به طور ویژه اشاره کرده است:

۱- ابن اثیر، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، و لسان العرب، ج ۱۲، ص ۷۲، (ذیل ماده قذذ). همچنین ر.ک: سنن ترمذی، ج ۳، ص ۳۳۱؛ طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۳، ص ۲۴۴؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۲۸۶؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۸، ص ۹۴؛ قرطبی، تفسیر قرطبی، ج ۷، ص ۲۷۳؛ ابن کثیر، تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۳۶۴؛ ابن حزم، الاحکام، ج ۶، ص ۸۶ و...

۲- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۹.



## ۱. رجعت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله

ابو خالد کابلی از امام سجّاد علیه السلام نقل کرده که در تفسیر آیه ((إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَأْدُكَ إِلَى مَعَادٍ)) (۱) فرمود: «یرجع الیکم نبیکم صلی الله علیه وآله...؛ (۲) پیامبرتان به سوی شما بر می گردد...»

بکیر بن اعین می گوید:

قال لی من لاشکک فیہ یعنی ابا جعفر علیه السلام إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) وَ عَلِيًّا سَيَرْجِعَانِ؛ (۳) کسی که هیچ تردید در او ندارم؛ یعنی امام باقر علیه السلام به من فرمود: پیامبر و علی رجعت می کنند.

مرحوم علامه طباطبایی ذیل آیه شریفه ((قَالَ رَبُّ فَأَنْظِرُنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ (۳۶) قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ (۳۷) إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ))؛ (۴) از تفسیر قمی نقل کرده است که امام صادق علیه السلام درباره آیه مذکور فرمود: «یوم الوقت المعلوم یوم یذبحه رسول الله صلی الله علیه وآله علی الصخره التي فی بیت المقدس؛ (۵) روز وقت معلوم روزی است که رسول خداوند (شیطان را) بر صخره ای در بیت مقدس می کشد.»

## ۲. رجعت علی علیه السلام

در روایات فراوانی وارد شده است که حضرت علی علیه السلام، چندین بار رجعت می کند. علی بن ابراهیم از ابوبصیر نقل می کند که حضرت صادق علیه السلام ضمن حدیثی چنین فرمود:

... پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به علی علیه السلام فرمود: یا علی إذا کان فی آخر الزمان أخرجک الله فی أحسن صورته و و معک میسم تسم به أعدائك؛ (۶) ای علی! خداوند تو را در آخر الزمان به بهترین صورتی زنده

۱- قصص (۲۸)، آیه ۸۵.

۲- علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۴۷.

۳- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۹، ح ۲.

۴- حجر (۱۵): آیه ۳۸ - ۳۶.

۵- محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۲، ص ۲۵۲.

۶- شیخ حر عاملی، الايقاظ، ص ۲۷۵، ح ۴۲.

می کند، در حالی که ابزاری در دست داری که دشمنانت را با آن نشان می گذاری.

### ۳. امام حسین علیه السلام، اولین رجعت کننده

در روایات، امام حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام به عنوان نخستین رجعت کننده معرفی شده است.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

ان اول من یکر الی الدنیا، الحسین بن علی و اصحابه، و یزید بن معاویه و اصحابه، فقتلهم حذو القذہ بالقذہ. ثم قال ابو عبد الله علیه السلام: ((ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمْ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَ أَمْيَدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَيِّنٍ وَ جَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا)) (۱)، (۲) همانا نخستین کسی که به دنیا بر می گردد حسین بن علی علیه السلام و یاران آن حضرت هستند و نیز یزید بن معاویه و اصحاب او که حضرت آنها را یک به یک به هلاکت خواهد رساند و سپس امام صادق علیه السلام این آیه را تلاوت فرمودند: آنگاه شما را به سوی آنها برگردانیم و بر آنها غلبه دهیم و به مال و فرزندان نیرومند مدد بخشیم و عده شما را بسیار گردانیم.

همچنین از امام کاظم علیه السلام روایت شده که امام حسین علیه السلام پیش از شهادت خود با یاران خود سخن گفتند و از جمله فرمودند:

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله زنده بودند به من فرمودند: فرزندم تو به زودی به سمت عراق خواهی رفت؛ سرزمینی که انبیاء و اوصیاء در آنها با هم برخورد کردند؛ این سرزمین «عمورا» نام دارد و در آن محل تو و یارانت به شهادت خواهید رسید و اصحاب تو کسانی هستند که درد آهن را نخواهند چشید و آنگاه این آیه را تلاوت فرمود: ((قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ))؛ (۳) و فرمود: جنگ بر شما سرد و سلامت خواهد بود. آنگاه امام حسین پس از نقل این روایت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: فابشروا، فوالله لئن قتلونا فانا نرد علی نبینا، ثم امکت ماشاء الله فاکون اول من ینشق الارض

۱- اسراء، (۱۷)، آیه ۶.

۲- عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۸۲.

۳- انبیاء (۲۱)، آیه ۶۹.

عنه... و ليتزلن محمد و على و انا و اخى و جميع من من الله عليه فى حملات من حملات الرب خيل بلق من نور لم يركبها مخلوق ثم ليهزن محمد لواءه و ليدفعنه الى قائمنا مع سيفه... ثم ان امير المؤمنين عليه السلام يدفع الى سيف رسول الله صلى الله عليه وآله و يعثنى الى المشرق و المغرب فلا- آتى على عدو الله اها اهرقت دمه و لا- ادع صنماً الا احرقتة حتى ادفع الى الهند فافتحها...؛(۱) بشارت باد بر شما، اگر ما کشته شويم همانا به سوى پیامبر خود باز می گردیم و مدتی که خدا بخواهد در آنجا می مانیم و پس از آن من اولین نفری هستم که زمین بر او باز می شود و پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله و على عليه السلام و من و برادرم حسن عليه السلام و جميع آنان که خداوند بر آنها ممت گذارده، بر مرکب هایی از نور که خداوند برایمان فرستاده و پیش از ما مخلوقی بر آنها سوار نشده نازل می شويم و سپس نبی اکرم صلى الله عليه وآله پرچم خود را به حرکت در آورده و آن را به همراه شمشیرش به قائم آل محمد می دهد... سپس حضرت على عليه السلام شمشیر نبی اکرم صلى الله عليه وآله را به من می دهد و مرا به سمت مشرق و مغرب رهسپار می کند و من با دشمنی از دشمنان خدا بر خورد نمی کنم مگر آنکه او را به هلاکت برسانم و با بتی برخورد نمی کنم مگر اینکه آنرا آتش می زنم و سپس به هند می روم و آنجا را نیز فتح می کنم....

بنابراین، از این روایات و روایت نخست چنین استفاده می شود که امام حسین عليه السلام مدتی با حضرت مهدی عليه السلام زندگی می کند و این گونه نیست که در آخرین لحظات زندگی امام مهدی عليه السلام رجعت نماید.

#### ۴. رجعت معصومین عليهم السلام

در شماری از روایات به رجعت معصومین عليهم السلام اشاره شده است. امام صادق عليه السلام رجعت معصومین را در کلامی کوتاه این گونه می فرماید: «لیس منا من لم یؤمن بکرتنا...؛(۲) از [شیعیان] ما نیست کسی که ایمان به بازگشت ما نداشته باشد....»

۱- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۸۰ و ج ۵۳، ص ۶۱.

۲- شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۵۸.

**۵. رجعت پیامبران پیشین**

یکی از روایاتی که بازگشت پیامبران گذشته را نوید داده اند از این قرار است:

عبد الله بن مسکان از امام صادق علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمود:

ما بعث الله نبياً من لدن آدم فهلم جراً ألاً و يرجع الى الدنيا و ينصر امير المؤمنين؛<sup>(۱)</sup> خداوند هیچ پیامبری را از حضرت آدم تا آخر بر نیانگیخت مگر اینکه به دنیا بر می گردند و حضرت علی علیه السلام را یاری می نمایند.

۶. زنان رجعت کننده

اگر چه روایات رجعت به طور عمدۀ اختصاصی به زن یا مرد ندارد و زیر عنوان مؤمن محض و کافر محض آمده است. ولی روایاتی اشاره به رجعت بانوان کرده است از جمله روایت مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام است که آن حضرت فرمود:

يكن مع القائم ثلاثة عشر امرأة. قلت: و ما يصنع بهن؟ قال: يداوين الجرحى و يقمن على المرضى كما كان مع رسول الله. قلت: فسمهن لى. قال: القنوا بنت رشيد و ام ايمن و حبابه الوالبيه، و سميه، و ام عمارين ياسر و زبيده و ام خالد الاحمسيه و ام سعيد الحنفيه و صبانة الماشطه و ام خالد الجهينه؛<sup>(۲)</sup> همراه قائم سیزده زن خواهند بود. گفتم: برای چه منظور؟ فرمود: آنها مجروحین را مداوا می کنند و به مریض ها رسیدگی می کنند همانگونه که همراه پیامبر که بودند چنین می کردند. عرض کردم اگر ممکن است آنها را نام ببرید. آن حضرت فرمود: قنوا دختر رشید و ام ایمن و حبابه والبيه و سمیه مادر عمار بن یاسر و زبیده و ام خالد احمسیه و ام سعید حنفيه و صبانۀ ماشطه و ام خالد جهنیه.

البته در روایات به برخی افراد و گروه های دیگر نیز اشاره شده که در کتاب های مفصل آمده است.

۱- علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۰۶.

۲- محمد بن جریر بن رستم طبری، دلائل الامامه، ص ۲۵۹.

## خودآزمایی

۱. در باره دابه الارض توضیح دهید چگونه بر رجعت در آخرالزمان دلالت می کند.
۲. از مهم ترین آیات مربوط به رجعت آیه ۸۳ سوره نمل است آن را به تفصیل توضیح دهید.
۳. آیه ۱۱ سوره غافر چگونه بر رجعت در آخرالزمان دلالت می کند؟ شرح دهید.
۴. به استناد روایات پیامبر مبنی بر وقوع هر آنچه در امت های پیشین رخ داده چگونه می توان رجعت در آینده را اثبات کرد؟ توضیح دهید.
۵. گروه ها و افرادی که به طور خاص به رجعت آنها نوید داده شده است چه کسانی هستند؟ دو مورد را توضیح دهید.

===

## منابع برای پژوهش

۱. سعادت پرور، علی، ظهور نور، ترجمه سید محمد جواد وزیری فرد، تهران، شرکت انتشارات احیاء کتاب، ۱۳۸۰ق.
۲. طبسی، محمدرضا، شیعه و رجعت، ترجمه محمد میرشاه ولد، انتشارات دارالنشر اسلام.
۳. صدر، سید محمد، تاریخ پس از ظهور، ترجمه حسن سجادی پور، تهران، موعود عصر، ۱۳۸۴ش.
۴. رفیعی قزوینی، ابوالحسن، رجعت و معراج، تهران، کتابفروشی اسلام، ۱۳۷۹ش.
۵. سلیمیان، خدامراد، بازگشت به دنیا در پایان تاریخ، قم، بوستان کتاب، چ چهارم، ۱۳۸۷ش.

## درس سیزدهم: رجعت، پرسش‌ها و پاسخ‌ها

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

پاسخ به برخی پرسش‌ها و شبهه‌های بحث رجعت مانند:

رجعت سبب بازگشت از فعلیت

رجعت همان تناسخ

بازگشت کفار و مجرمین از اعمال بدشان

مجازات در رجعت و ناسازگاری با دنیا

تعارض رجعت با فلسفه معاد

رجعت از عقاید یهودی

منافات رجعت با تلقین میت

رجعت و امامت فاضل بر افضل

رجعت در تعارض با برخی آیات قرآن

تکلیف در زمان رجعت

رجعت و کیفر و پاداش

## پیش درآمد

بی گمان هیچ حقی نمی توان یافت که پیرامون آن شبهه هایی وجود نداشته باشد؛ چرا که در جهان هستی، نسبت دانش به نادانی بسیار ناچیز است و در این میان افراد مغرضی نیز از این نادانی بهره برده تا حقیقت را هر چه بیشتر در ابهام فرو برند.

«رجعت» نیز همانند بسیاری از حقایق به وسیله افرادی مورد تردید قرار گرفته است که روشن شدن آن، مطالعه و پاسخ دقیق به شبهات را می طلبد. در این درس تلاش می شود تا به برخی از شبهات مطرح در بحث رجعت به گونه ای کوتاه پاسخ داده شود.

### ۱. رجعت، سبب بازگشت از فعلیت

یکی از شبهه هایی که درباره رجعت مطرح شده این است که: وقتی انسان از زندگی دنیایی جدا شد و وارد جهان برزخ شد، در حقیقت از جهان طبیعت به جهان "ماوراء" وارد شده و این خود، در او کمال پدید می آورد؛ یعنی همه آنچه در او "بالقوه" بوده، به "فعلیت" رسیده و حال اگر از جهان غیب به جهان ماده برگردد چنانچه در رجعت چنین است بایسته است آنچه که برای او به فعلیت رسیده، دوباره بالقوه شود و این از نظر عقل محال است.

مرحوم علامه طباطبایی همین شبهه را به صورت علمی تر مطرح کرده می نویسد:

«بعضی گفته اند: این معنا در محل خودش ثابت شده: که هر موجود که دارای قوه و استعداد و کمال و فعلیت است، بعد از آنکه از مرحله استعداد به فعلیت رسید، دیگر محال است به حالت استعداد برگردد، و همچنین هر موجودی که از نظر وجود، دارای کمال بیشتری است، محال است برگردد، و به موجودی ناقص تر از خود مبدل شود، و

در عین حال همان موجود اول باشد.

و انسان بعد از مردنش تجرد پیدا می کند، یعنی نفسش از ماده مجرد می شود، و موجودی مجرد مثالی یا عقلی می گردد، و مرتبه مثالیت و عقلیت فوق مرتبه مادیت است، چون وجود، در آن دو قوی تر از وجود مادی است، با این حال دیگر محال است چنین انسانی، یا بگو چنین نفس تکامل یافته ای، دوباره اسیر ماده شود، و به اصطلاح زنده گردد، و گر نه لازم می آید که چیزی بعد از فعلیت به قوه و استعداد برگردد، و این محال است، و نیز وجود انسان، وجودی قوی تر از وجود سایر انواع حیوانات است، و محال است انسان برگردد، و به وسیله مسخ، حیوانی دیگر شود.

ما در پاسخ می گوئیم: بله برگشت چیزی که از قوه به فعلیت رسیده، دوباره قوه شدن آن محال است، ولی زنده شدن مردگان، و همچنین مسخ، از مصادیق این امر محال نیستند.»

صاحب المیزان آنگاه در توضیح چنین می نویسد:

«آنچه از حس و برهان به دست آمده، این است که جوهر نباتی مادی وقتی در صراط استکمال حیوانی قرار می گیرد، در این صراط به سوی حیوانشدن حرکت می کند، و به صورت حیوانیت که صورتی است مجرد برزخی در می آید، و حقیقت این صورت این است که: چیزی خودش را درک کند، (البته ادراک جزئی خیالی)، و درک خویشتن حیوان، وجود کامل جوهر نباتی است، و فعلیت یافتن آن قوه و استعدادی است که داشت، که با حرکت جوهری به آن کمال رسید، و بعد از آنکه گیاه بود حیوان شد، و دیگر محال است دوباره جوهری مادی شود، و به صورت نبات در آید، مگر آنکه از ماده حیوانی خود جدا گشته، ماده با صورت مادیش بماند، مثل اینکه حیوانی بمیرد، و جسدی بی حرکت شود.»<sup>(۱)</sup>

مرحوم علامه در جایی دیگر این شبهه را اینگونه تبیین کرده می نویسد:

و بعضی دیگر در مقام ابطال رجعت از راه دلیل عقلی وارد شده و به طور خلاصه گفته اند: (مرگ امری است که با در نظر گرفتن عنایت پروردگار هرگز بر هیچ زنده ای عارض نمی شود مگر بعد از آنکه آن موجود زنده به حد کمال رسیده باشد، و زندگیش



کامل شده، آنچه در قوه داشته به فعلیت رسیده باشد، و چنین موجودی که تمامی کمالات بالقوه اش فعلیت یافته، اگر بعد از مردن به دنیا برگردد، در حقیقت دوباره به حالت قوه و استعداد برگشته است، و اینکه چیزی که فعلیت یافته برگردد و بالقوه شود امری است محال... .

و در پاسخ می نویسد:

و اما اینکه گفت: چیزی که از قوه به فعلیت در آمده، دیگر محال است بالقوه شود، مطلبی است صحیح، و لیکن قبول نداریم که مساله مورد بحث ما از این باب باشد، برای اینکه مورد فرض او با مورد فرض ما مختلف است، مورد فرض او کسی است که عمر طبیعی خود را کرده، و به مرگ طبیعی از دنیا رفته باشد، که برگشتن او به دنیا مستلزم آن امر محال است، و اما مرگ اخترامی که عاملی غیر طبیعی از قبیل قتل و یا مرض باعث آن شود برگشتن انسان بعد از چنین مرگی به دنیا مستلزم هیچ محذور و اشکالی نیست، چون ممکن است انسان بعد از آنکه به مرگ غیر طبیعی از دنیا رفته در زمانی دیگر مستعد کمالی شود، که در زمانی غیر از زمان زندگیش موجود و فراهم باشد، و بعد از مردن دوباره زنده شود تا آن کمال را بدست آورد.

و یا ممکن است اصل استعدادش مشروط باشد به اینکه مقداری در برزخ زندگی کرده باشد، چنین کسی بعد از مردن و دیدن برزخ دارای آن استعداد می شود، و دوباره به دنیا بر می گردد، که آن کمال را به دست آورد، که در هر یک از این دو فرض مساله رجعت و برگشتن به دنیا جایز است، و مستلزم محذور محال نیست. (۱)

افزون بر آنچه یاد شد آنچه در نظام آفرینش در نمونه های فراوان رخ داده، زنده شدن برخی از مردگان و ادامه زندگی آنها است که در قرآن به آنها اشاره شده است. و حتی کسانی که این شبهه را مطرح می کنند آن را به عنوان یک واقعیت قرآنی پذیرفته اند حال چگونه اتفاق آن در آخرالزمان چنین دشواری را دارد در حالی که رجعت در امت های گذشته نداشته؟! خدا می داند!

## ۲. رجعت، همان تناسخ

یکی دیگر از شبهاتی که در بحث رجعت بر اثر نفهمی باورهای شیعه همواره از طرف مخالفان به آن دامن زده شده این است که قول به رجعت، مستلزم قول به تناسخ است و چون تناسخ باطل است قول به رجعت نیز باطل است.

پیش از هر گونه توضیحی در این زمینه مناسب است نخست معنای تناسخ روشن شود تا تفاوت رجعت و تناسخ روشن شود.

«تناسخ» در لغت از ریشه «نسخ» گرفته شده است. راغب اصفهانی در مفردات نسخ را این گونه تعریف کرده است:

النسخ هو ازالة شیء بشیء یتعقبه کنسخ الشمس الظل، و الظل الشمس و الشیب الشباب؛ (۱) نسخ یعنی از میان بردن چیزی به وسیله چیزی که در پی آن در می آید. چونان که خورشید سایه را، سایه نور خورشید را و پیری جوانی را از میان برد.

اما معنای اصطلاحی تناسخ این است: نفسی که هنگام ارتباط به بدن کمالاتی را کسب کرده، بعد از جداشدن از آن، به بدن دیگر پیوندد.

شیخ مفید درباره معنای تناسخ می گوید:

و معنی التناسخ هو ان تتكرر الادوار الی مالانهایه و ان الثواب و العقاب فی هذه الدار لافی دار اخری لاعمل فیها و ان اعمالنا الی نحن فیها انما هی اجزیه علی اعمال سلف فی الادوار الماضیه، فاراحه و السرور و الفرح هی مرتبه علی اعمال البر الی سلف منا فی الادوار الماضیه، و الغم و الحزن مرتبه علی اعمال الفجور الی سلفت و قد ابطل هولاء جمیع الشرایع و السنن؛ (۲) معنای تناسخ یعنی تکرار دوره های زندگی تا بی نهایت. و اینکه پاداش و کیفر در این دنیا باشد نه در جهانی دیگر. و کارهایی که اکنون می کنیم نتیجه کارهای گذشته در دوره های پیشین است. پس آسایش، شادی و شادمانی آن مترتب بر کارهای خیر در دوره های گذشته است و

۱- راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۴۹۰.

۲- شیخ مفید، المسائل السرویه، ص ۴۶.

غم و غصه مترتب بر کارهای زشت گذشته است. و این را همه شریعت ها و سنت ها آن را باطل دانسته اند.

سید مرتضی با صراحت تمام کسانی که معتقد به تناسخ هستند را کافر دانسته می نویسد:

... لان اهل التناسخ لا یعدون من المسلمین... لکفرهم و ضلالتهم؛<sup>(۱)</sup> برای اینکه پیروان تناسخ از مسلمانان شمرده نمی شوند... به خاطر کفر و گمراهی آنها.

مرحوم علامه طباطبایی در این باره می فرماید:

... تناسخ عبارت از این است که بگوییم: نفس آدمی بعد از آن که به نوعی کمال، استکمال کرد، و از بدن جدا شد، به بدن دیگری منتقل شود، یا خودش نفس دارد، یا ندارد، اگر نفس مورد گفتگو می خواهد به آن منتقل شود، و این فرضیه ای محال است، چون بدنی که نفس مورد گفتگو می خواهد به آن منتقل شود، یا خودش نفس دارد یا ندارد، اگر نفس داشته باشد مستلزم آن است که یک بدن دارای دو نفس بشود، و این همان وحدت کثیر و کثرت واحد است (که محال بودنش روشن است)، و اگر نفس ندارد، مستلزم آن است که چیزی که به فعلیت رسیده، دوباره برگردد بالقوه شود، مثلاً پیر مرد برگردد کودک شود که محال بودن این نیز روشن است.<sup>(۲)</sup>

برخی از مفسرین معاصر نیز درباره رجعت چنین نوشته اند:

عقیده مندان به تناسخ چنین می پندارند که انسان بعد از مرگ، بار دیگر به همین زندگی باز می گردد؛ منتها روح او در جسم دیگر (و نطفه دیگر) حلول کرده و زندگی مجددی را در همین دنیا آغاز می کند و این مسئله ممکن است بارها تکرار شود، این زندگی تکراری در این جهان را «تناسخ» یا «عود ارواح» می نامند.<sup>(۳)</sup>

۱- سید مرتضی، رسائل المرتضی، ج ۱، ص ۴۲۵.

۲- محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۳۱۵.

۳- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۶۴.

## تفاوت رجعت با تناسخ

مرحوم مظفر در پاسخ کسانی که رجعت را نوعی تناسخ می دانند می نویسد: «کسی که رجعت را به عنوان تناسخ، باطل می داند، فرق میان تناسخ و معاد جسمانی را در نیافته است. رجعت از اقسام معاد جسمانی است و تناسخ، انتقال روح از جسمی به جسم دیگر و جداسدن از جسم اول است و این، معاد جسمانی نیست.

معاد جسمانی، یعنی بازگشت روح با همان مشخصات به بدن اول و معنای رجعت نیز همین است و اگر رجعت همان تناسخ باشد، زنده شدن مردگان به دست حضرت عیسی نیز تناسخ است یا حشر و نشر در قیامت و معاد جسمانی نیز باید تناسخ باشد. (۱)

از آنچه گفته شد روشن می شود که تناسخ مردود، و به طور کامل با رجعت تفاوت می کند و ایراد شبهاتی از این دست، دلیلی غیر از تعصب و جهالت نداشته است.

### ۳. بازگشت کفار و مجرمین از اعمال بدشان

و قد قال قوم من المخالفین لنا: کیف يعود کفار المله بعد الموت الی طغیانهم و قد عاینوا عذاب اللّٰه تعالیٰ فی البرزخ، و تیقنوا لذلک انهم مبطلون؟! بدون شک عذاب کفار و اشرار از همان ابتدای لحظات مرگ آغاز می شود. حال چگونه ممکن است آنها در عالم برزخ انواع و اقسام عذاب ها را ببینند. و پس از رجعت، دوباره همان روش بد خود را ادامه دهند؟

مرحوم شیخ مفید با طرح این شبهه در ادامه این گونه پاسخ داده است:

البته این عجیب تر نیست از کفار آنچنانی که در برزخ انواع عذاب ها را می بینند و می دانند که هیچ گونه جدایی از عذاب برای آنها نیست و بر آنها به خاطر گمراهی اشان در دنیا احتجاج می شود. پس در آن هنگام می گویند «ای کاش برگردانده می شدیم و هرگز آیات پروردگارانمان را تکذیب نمی کردیم و از جمله مؤمنین می بودیم» پس خداوند در پاسخ آنها می فرماید: «بلکه آشکار شده برای آنها آنچه را پنهان می کردند در گذشته و اگر چنانچه باز گردند همچنان به کارهای قبلی خود ادامه می دهند به درستی که آنها دروغگویانند» پس برای مخالف پس از این دلیل جای هیچ گونه شبهه ای باقی

نخواهد ماند تا بر بحث وارد نمایند. (۱)

به این پرسش اینگونه می توان پاسخ داد:

این گونه نیست که دیدن حقایق همواره آثار حتمی داشته باشد و کسی که حقیقت را دید، دست از باطل خود بردارد. همانگونه که در تاریخ کم نبوده اند کسانی که معجزات و کراماتی را از انبیاء و اولیاء دیدند، ولی همچنان بر باطل خود پافشاری می کردند.

دلیل مطلب این است آنچه که باعث دشمنی می شود فقط نادانی به حقیقت نیست، بلکه عوامل پرشماری دست به یکدیگر داده و شخص را از پذیرش حق دور می سازند. هواهای نفسانی و وسوسه های شیطانی از جمله مهمترین این عوامل هستند.

خداوند این حقیقت را در ضمن دو آیه شریف قرآن چنین بیان فرموده است:

((وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وَقَفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَلَيْتُنَا نُرُدُّ وَلَا نُكَذِّبُ بِآيَةِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ «۲۷» بَلْ بَدَأ لَهُمْ مَا كَانُوا يُخْفُونَ مِنْ قَبْلُ وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ))؛ (۲) و ای کاش [منکران را] هنگامی که بر آتش عرضه می شوند، می دیدی که می گویند: کاش بازگردانده می شدیم و [دیگر] آیات پروردگاران را تکذیب نمی کردیم و از مؤمنان می شدیم [آنگاه در آیه بعد خداوند حقیقت این آرزوی دورغین را اینگونه افشا می کند: [ولی چنین نیست] بلکه آنچه را پیش از این نهان می داشتند، برای آنان آشکار شده است و اگر هم باز گردانده شوند قطعاً به آنچه از آن منع شده بودند بر می گردند و آنان دروغگویند.

با بیان این آیات از قرآن دیگر هیچ گونه جای سخن برای مخالفین در این باره، باقی نخواهد ماند.

#### ۴. کيفر در رجعت و ناسازگاری با دنیا

برخی با بیان این شبهه که پذیرفتن رجعت به دنیا برای کيفر و پاداش، با طبیعت این دنیا که سرای عمل است نه حساب، سازگاری ندارد؛ و قرآن نیز به آن اشاره کرده است.

۱- شیخ مفید، المسائل السرویه (سلسله مؤلفات المفید)، المؤتمر العالمی لالقیه الشیخ المفید، ج ۷، ص ۳۶.

۲- انعام (۶)، آیه ۲۷ و ۲۸.

والقول بالرجعه بعد الموت الى الدنيا لمجازاه المسيئين و اثابه المحسنين ينافى طبيعه هذا الدنيا و انها ليست دار جزاء وَإِنَّمَا تُوفَّوْنَ أَجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ؛ و همانا روز رستاخیز پاداش هایتان به طور کامل به شما داده می شود. پس هر که را از آتش به دور دارند و در بهشت در آورند قطعاً کامیاب شده است؛ و زندگی دنیا جز مایه فریب نیست.

پاسخ اینکه:

اولاً برخی پاداش ها و مجازات ها، دنیوی است و فرقی میان همین دنیا و زندگی معمولی و رجعت نیست و آیات قرآن نیز منافاتی با آن ندارد.

ثانیاً، رجعت فقط برای پاداش و مجازات نیست، بلکه حکمت های فراوان دیگر نیز دارد که بسیاری از آنها بر ما پوشیده است.

## ۵. تعارض رجعت با فلسفه معاد

چنانچه معتقدین به این تعارض گفته اند: «کما اینکه اعتقاد به رجعت مایه تضعیف اعتقاد به روز قیامت می شود و روشن می شود که این (یعنی تضعیف اعتقاد به معاد) از جمله اهداف کسانی است که این اعتقاد را فراهم آوردند و آنها دوازده امامی ها بودند که آیات معاد را تأویل به رجعت کردند و از جمله تأثیرات این اعتقاد این بود که برخی از فرقه های منسوب به شیعه معاد را انکار کردند و به تناسخ اعتقاد پیدا کردند...»<sup>(۱)</sup>

با ذکر تفاوت هایی که میان رجعت و معاد وجود دارد به راحتی پاسخ این اشکال داده خواهد شد و این تفاوت ها عبارتند از:

۱. رجعت مربوط به همه مردگان نیست، بلکه مخصوص یک گروه ویژه است، در حالی که معاد عبارت از زنده شدن جمیع مردگان در روز قیامت است.

۲. رجعت پیش از قیامت و در همین دنیا صورت می پذیرد، در حالی که قیامت و معاد در زمانی معین در جهانی دیگر است.

۳. زندگی رجعت کنندگان محدود بوده و دوام ندارد، اما زندگی بعد از قیامت هم

برای اهل بهشت و هم برای دوزخیان جاودانه خواهد بود.

۴. تحقق رجعت و مشاهده با لعیان آن، رقیقه ای از حقیقت قیامت است و ایمان به قیامت را استوارتر می کند.

بنابراین می توان گفت رجعت به نوعی در راستای تکامل مؤمنان محض و تحمیل کیفرهای دنیوی برای کافران محض به شمار می آید. یعنی گروهی از مؤمنان خالص که زمینه رسیدن به کمالات والا را داشته اند، اما به سبب موانعی از رسیدن به آن دور مانده اند، در زمان رجعت این حرکت را کامل می کنند و افزون بر شاهد بودن برپایی حکومت حق خود نیز در آن نقش خواهند داشت و در برابر گروهی که در کفر محض غوطه ور شده اند در همین دنیا به کیفرهای دنیوی خود می رسند.

اگر چه در برخی روایات هدف از رجعت نیکان را انتقام از دشمنان و تشفی قلب ذکر کرده اند، ولی به نظر می رسد افزون بر آن، امر مهمتری نیز مدنظر بوده که مورد اشاره قرار گرفت.

### ۶. رجعت از عقاید یهودی

برخی می پندارند شیعه باور به رجعت را از اعتقادات یهودیان گرفته اند: رجعت از عقاید دیرینه یهود است، منشا این عقیده در آنان حدیث معروف عزیر و به ویژه داستان هارون بود. بعد از آن که هارون در بیابان وفات کرد، یهود هم صدا گفتند: موسی از روی حسد او را کشته است و چون نسبت به هارون بیش از موسی علیه السلام متمایل و علاقه مند بود در نتیجه همین علاقه مندی قائل به رجعت وی شده، همواره منتظرش بودند. (۱)

این شبهه از دو جهت قابل بحث است:

۱. یهودی ها قائل به رجعت افرادی در گذشته هستند که نه فقط آنها بلکه آیاتی از قرآن مجید نیز به آن تصریح نموده است، که در بخش آیات مربوط به وقوع رجعت در گذشته برخی از آنها مطرح شد.

و اگر چنانچه اشکال کننده مقصودش این است که شیعه اعتقاد به رجعت را از این

---

۱- ر.ک: شهرستانی، الملل و النحل، ج ۱، ص ۱۹۳.

اعتقاد یهودی ها گرفته است به طور کامل در اشتباهند. شیعه فقط برای بیان امکان رجعت به وقوع آن در امت های گذشته آن هم از آیات قرآن استشهاد نموده است. و آنگاه ضمیمه به انبوهی از روایات که عموم اهل سنت بدان ها قائل هستند- حتی بیش از آنچه بدان معتقد است معتقدند هر آنچه در امت های پیش رخ داده طبق فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله می بایست در امت اسلام رخ دهد.

۲. یهودی ها قائل به رجعت افرادی در آخرالزمان هستند. اگر چه این قول دوم به اعتقاد شیعه درباره رجعت نزدیک است، ولی شباهت و نزدیکی دو اعتقاد نسبت به هم نه دلیل بر گرفتن آن اعتقاد از دیگری می شود و نه دلیل بر بطلان آن، و اگر چنین باشد در میان اهل سنت موارد فراوانی از این دست یافت می شود.

برخی در دین یهود به زمان داوری بر زمین، معتقدند. در تورات آمده:

مردگان تو مجددا زنده خواهند شد، و اموات ما برخوانند خاست؛ ای شما که در خاک خفته اید بیدار شده و شادی نمایید، زیرا شبنم تو مثل شبنم گیاه ها است و زمین مردگان را باز پس خواهد داد. (۱)

و چون یهود اعتقادی به آخرت ندارد بعضی معتقدند که مراد زنده شدن مردگان در همین جهان است برای بار دوم و در این روز قضاوت و داوری صورت گرفته و خوبان بدور از ظلم ستمگران و بدان به زندگی موعود و مطلوب خود خواهند رسید. بنابراین وجود شباهت هیچ دلیلی بر اخذ آن از اعتقاد پیش و یا بطلان آن نخواهد بود.

#### ۷. منافات رجعت با تلقین میت

در برخی روایات تلقین میت آمده است که چون میت را در قبر گذارند بگویند: این اولین روز از روزهای آخرت و آخرین روز از روزهای دنیا است، از اینجا معلوم می شود که این مرده دیگر به دنیا باز نمی گردد و عمر دنیایش تمام شده است.

پاسخ اینکه:

نخست، رجعت عمومی نیست و مادامی که نمی دانیم کسی از اهل رجعت است یا نه، مستحب است این دعا در تلقینش خوانده شود.

۱- ر.ک: کتاب مقدس، کتاب اِشعیا، فضل بیست و ششم، آیه ۱۹.



دوم، زندگی پیش از مرگ نسبت به زندگی بعد از آن به حسب وضع لغوی دنیاست، چون دنیا یا مشتق از «دنو» (= نزدیکی) یا از «دنائت» (= پستی) است. اما اطلاق آن بر زندگی دوم، نیاز به قرینه است، زیرا اگرچه در برابر رستاخیز بزرگ می توان رجعت را دنیا گفت، اما به طور اطلاق نمی توان نام دنیا بر آن نهاد.

سوم، حدیث مورد نظر روایت واحدی است و اگر صریح در معارضه و مخالفت هم بود با ادله رجعت تاب مقاومت نداشت، تا چه رسد که صریح هم نباشد. (۱)

## ۸. تکلیف در زمان رجعت

یکی از پرسش هایی که مطرح است اینکه آیا انسانها همانند حیات پیشین خود دارای تکلیف خواهند بود یا خیر؟

در یک بررسی اجمالی در این باره به سه قول بر می خوریم:

۱. برخی بر این عققادند که زمان رجعت، همچون قیامت زمان پاداش و مجازات است و تکلیف در آن راهی ندارد.

استدلال این گروه این است کفاری که رجعت می کنند با توجه به شهود برزخی حقایق در عالم برزخ، توبه خواهند کرد و بنابراین نقض غرض خواهد شد.

پاسخی که داده شده اینکه همیشه اینطور نیست که کسانی که حقیقت را دیدند راه توبه و هدایت در پیش گیرند و در میان امت های گذشته بسیاری بوده اند که با دیدن معجزات انبیا، حتی عذاب های الهی، همچنان راه دشمنی در پیش گرفته اند.

۲. برخی نیز اعتقاد دارند در رجعت تکلیف وجود دارد، چرا که رجعت در دنیا تحقق می یابد نه در آخرت.

۳. برخی نیز قائل به تفصیل شده اند که اگر چه دار تکلیف نیست، ولی انجام کارهای خوب ثواب و کارهای بد جزا به دنبال خواهد داشت و یا اینکه خوبان و مؤمنان تکلیف داشته به یاری معصومین علیهم السلام همت می گمارند و فقط برای کفار و دشمنان دار مجازات است.

مرحوم علامه مجلسی در این باره می نویسد:

---

۱- شیخ حر عاملی، الایقاظ من الهجعه، ص ۴۱۱.

ان زمان الرجعه ليس زمان التكليف فقط بل هو واسطه بين الدنيا و الآخره، فالنسبه الى جماعه دار تكليف و بالنسبه الى جماعه دار جزاء؛<sup>(۱)</sup> همانا زمان رجعت فقط زمان تكليف نیست، بلکه واسطه میان دنیا و آخرت است، پس به نسبت گروهی دار تکلیف و نسبت به گروهی دار مجازات است.

مشکل گفته علامه این است که مشخص نشده برای چه کسانی دار تکلیف و برای چه کسانی دار جزاء است.

سید مرتضی در رسائل شریف خود به این نکته اشاره کرده که رجعت هیچ گونه منافاتی با تکلیف ندارد.<sup>(۲)</sup>

هم ایشان در محلی دیگر بر ادعای خود این گونه دلیل می آورد که:

بدون شك بر کسانی که رجعت می کنند یاری کردن امام واجب است، چه اینکه دفاع از آن حضرت و یاری کردن او در برابر دشمنان تکلیف خواهد شد.

پس نمی توان گفت تکلیف ندارند.

البته ایشان در ادامه تکلیف داشتن کفاری که رجعت می کنند را پذیرفته؛ رجعت آنها را صرفاً جهت چشیدن عذاب و ذلت ذکر کرده است.<sup>(۳)</sup>

به نظر می رسد در دوران رجعت نیز همچنان تکلیف ادامه خواهد داشت، به لحاظ اینکه آیات و روایات فراوانی دنیا را دار تکلیف شمرده است. و در این میان مؤمنان با یاری معصومین علیهم السلام بر پاداش خود خواهند افزود، و چون رجعت کفار فقط برای کیفر دنیایی خواهد بود، از این رو تکلیف برای آنها موضوعیت ندارد.

افزون بر آن، اگر گفته شود هیچ گونه تکلیفی وجود نخواهد داشت؛ اولاً روایاتی که بخشی از فلسفه رجعت را یاری حضرت مهدی و معصومین دانسته مشکل پیدا خواهد کرد و دیگر اینکه رجعت بیهوده خواهد بود.

در پایان گفتنی است که اگر چه در روایات اشاره چندانی به فلسفه رجعت نشده،

۱- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۱۰۸.

۲- «... و ذکرنا ان التكليف كما يصح مع ظهور المعجزات الباهره فكذلك مع الرجعه، لانه ليس في جميع ذلك ملجى الى فعل الواجب و الامتناع من فعل القبيح...»؛ (سید مرتضی، رسائل الشریف، ج ۱، ص ۱۲۶).

۳- ر.ک: سید مرتضی، رسائل الشریف، ج ۳، ص ۱۳۷.

ولی از مجموع احادیث و سخنان بزرگان از علمای شیعه می توان موارد ذیل را به عنوان فلسفه و اهداف برپایی رجعت بر شمرد:

۱. تکامل بیشتر مؤمنان: دسته ای از روایات یکی از حکمت های رجعت را رسیدن به کمال برای مؤمنان ذکر کرده است. (۱)
  ۲. تحمل کیفرهای دنیایی و عذاب کفار به هنگام دیدن دولت حق در همین دنیا: از دیگر فلسفه های رجعت رسیدن عذاب های دنیوی بر کفار شمرده شده است. (۲)
  ۳. لذت بردن مؤمنان از دیدن برپایی حکومت حق: دسته ای از روایات نیز حکایت از لذت بردن مؤمنان از اقامه حکومت جهانی عدل است. (۳)
  ۴. انتقام جویی از دشمنان: و بالاخره پاره ای از روایات نیز سخن از انتقام گرفتن از دشمنان اهل بیت علیهم السلام و کفار به میان آورده است. (۴)
- بنابراین درباره مجازات و پاداش می توان گفت فقط مجازات کافران در رجعت، دیدن حکومت عدل جهانی است که از این طریق عذاب خواهند شد، اگر چه روایات فراوانی نیز گرفتن انتقام از دشمنان اهل بیت علیهم السلام را در رجعت بیان نموده اند. بیش از این مجازات و پاداش موکول به قیامت خواهد شد.

---

۱- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۱.

۲- ر.ک: سید مرتضی، رسائل الشریف، ج ۱، ص ۳۰۱.

۳- ر.ک: سید مرتضی، رسائل الشریف، ج ۱، ص ۱۲۵.

۴- ر.ک: تفسیر قمی، ج ۲، ص ۶۵؛ دلائل الامامه، ص ۲۶۰؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۷۹، ح ۱۰.

## خودآزمایی

۱. بازگشت از فعلیت به قوه را توضیح داده، بیان کنید چگونه در رجعت چنین چیزی تحقق نمی یابد؟
۲. تناسخ در لغت و اصطلاح به چه معناست؟ تفاوت های آن را با رجعت بیان کنید.
۳. آیا کفار و مجرمانی که در برزخ عذاب شده اند در رجعت از کارهای بد پشیمان می شوند؟ چرا؟
۴. تفاوت های اساسی رجعت با معاد کدامند؟ شرح دهید.
۵. در باره تکلیف رجعت کنندگان چه دیدگاه هایی مطرح شده است؟ توضیح دهید.

===

## منابع برای پژوهش

۱. طبسی، محمدرضا، شیعه و رجعت، ترجمه محمد میرشاه ولد، قم، انتشارات دارالنشر اسلام، ۱۳۸۲ش.
۲. صدر، سید محمد، تاریخ پس از ظهور، ترجمه حسن سجادی پور، تهران، موعود عصر، ۱۳۸۴ش.
۳. رفیعی قزوینی، ابوالحسن، رجعت و معراج، تهران، کتابفروشی اسلام، ۱۳۷۹ش.
۴. سلیمیان، خدامراد، بازگشت به دنیا در پایان تاریخ، قم، بوستان کتاب، چ چهارم، ۱۳۸۷ش.
۵. بهمنی، اصغر، رجعت از دیدگاه متکلمان برجسته شیعی و رابطه آن با تناسخ، قم، زائر، ۱۳۸۵ش.



## درس چهاردهم: فرجام حضرت مهدی علیه السلام و زندگی در دنیا

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

۱ طول عمر حضرت مهدی علیه السلام

یک. از نگاه قرآن کریم

دو. از نگاه روایات

سه. از نگاه عقل

۲ فرجام حضرت مهدی علیه السلام

۳ جهان پس از حضرت مهدی علیه السلام

**پیش در آمد**

یکی از مباحث برجسته ای که در مجموعه معارف مهدوی مطرح می شود اینکه سرانجام حکومت جهانی حضرت به کجا می ... انجامد؟ پایان عمر آن حضرت چگونه خواهد بود؟ و دیگر اینکه پس از آن دوران نورانی تا برپایی رستاخیز بزرگ، چگونه سپری خواهد شد؟ بررسی و پاسخ به پرسش های یادشده و مانند آن می تواند چرخه دانش های ما را در باره آن حضرت تکمیل کرده، تابلویی فراگیر و درست از مهدویت در نگاه ما قرار دهد.

در این درس تلاش می شود با بهره مندی از روایات و دیدگاه دانشمندان اسلامی در حد ممکن به این پرسش ها پاسخ داده شود.

**طول عمر حضرت مهدی علیه السلام****اشاره**

بی گمان حضرت مهدی علیه السلام که در آخرالزمان ظهور خواهد کرد و زمین را پر از عدل و قسط خواهد کرد، فرزند امام عسکری علیه السلام است که بر پایه روایات معتبر در نیمه شعبان سال ۲۵۵ ق زاده شده است. معنای روشن این سخن، آن است که آن ذخیره الهی، دارای عمری بس طولانی است. تا کنون، افزون بر ۱۱۷۰ سال از عمر پر برکت آن حضرت گذشته است. و این زندگی دراز، البته، پیش از به دنیا آمدن آن حضرت در سخن برخی پیشوایان معصوم علیهم السلام یاد شده بود. امام حسن مجتبی علیه السلام در بخشی از یک سخن طولانی فرمود:

التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِ أَخِي الْحَسَنِ بْنِ سَيِّدِهِ الْإِمَامِ يُطِيلُ اللَّهُ عُمَرَهُ فِي غَيْبَتِهِ ثُمَّ يُظَهِّرُهُ بِقُدْرَتِهِ فِي صُورِهِ شَابُّ ابْنِ دُونِ أَرْبَعِينَ سِنِيهِ  
ذَلِكَ لِيُعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَلَى

كُلُّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛<sup>(۱)</sup> نهمین از فرزندان برادرم، فرزند بانوی کنیزان است. خداوند در دوران غیبت، عمر او را دراز خواهد کرد؛ آن گاه به توان خویش وی را در سیمای جوانی کمتر از چهل سال بر خواهد انگیخت، تا دانسته شود خداوند بر هر چیز توانا است.

ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه قمی، معروف به شیخ صدوق (د/۳۸۱ ق) در کتاب کمال الدین و تمام النعمه به گونه ای گسترده درباره طول عمر بحث کرده و به پرسش های مخالفان پاسخ داده است. وی، فصلی از کتاب یادشده را ویژه زندگی «معمّرین» (= صاحبان عمر دراز) نگاشته است و ده ها نفر از کسانی که عمری بیش از ۱۲۰ سال داشته اند، را نام می برد و شرح حال و زندگی هر یک از آنان را به صورت کوتاه ذکر کرده است.

شیخ صدوق، طول عمر حضرت مهدی علیه السلام را فقط از راه «تجربه تاریخی» و افراد دارای عمر طولانی، بررسی کرده و به دیگر ادله، پرداخته است. این راه از سوی دانشمندانی همچون شیخ مفید، شیخ طوسی، سید مرتضی، شیخ طبرسی، خواجه نصرالدین طوسی، علامه حلی، فیض کاشانی، علامه مجلسی و دیگر بزرگان شیعه ادامه یافت. آنچه این بزرگان در بررسی علمی طول عمر آن حضرت، به آن پرداخته اند، به طور عمده حول محورهای ذیل است:

### یک. طول عمر از نگاه قرآن کریم

#### اشاره

شماری از افرادی که در قرآن، دارای عمری طولانی و غیرطبیعی شمرده شده اند، عبارتند از:

#### ۱. حضرت نوح علیه السلام

قرآن، درباره نوح علیه السلام می فرماید: ((وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا...))؛<sup>(۲)</sup> و به راستی، نوح را به سوی قومش فرستادیم، پس میان آنان نهصد و پنجاه سال درنگ کرد.

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۵.

۲- عنکبوت (۲۹)، آیه ۱۴.



این بیان خداوند، روشن نکرده است که این مدت، بر دوره عمر پیامبری نوح علیه السلام دلالت دارد یا عمر آن حضرت؛ از این رو در پاره ای روایات اسلامی آمده است که مراد از عمر در اینجا، دوره پیامبری نوح علیه السلام است؛ اما مدت زندگی او ۲۵۰۰ سال بوده است.

از امام سجاد علیه السلام نقل شده است که فرمود: در قائم سنتی از نوح است و آن طول عمر است. (۱)

## ۲. عیسی بن مریم علیهما السلام

قرآن، در باره حضرت عیسی علیه السلام می فرماید: ((وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا \* بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا \* وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا))؛ (۲) و گفته ایشان که: «ما، مسیح عیسی بن مریم، پیامبر خدا را کشتیم» و حال آن که آنان او را نکشتند و مصلوبش نکردند؛ لکن امر، بر آنان مشتبه شد و کسانی که درباره او اختلاف کردند، به طور قطع در باره آن، دچار شک شده اند و هیچ آگاهی بدان ندارند، جز آن که از گمان پیروی می کنند. و به طور یقین او را نکشتند\* بلکه خدا او را به سوی خود بالا برد و خدا توانا و حکیم است \* و از اهل کتاب، کسی نیست، مگر آن که پیش از مرگ خود، حتماً به او ایمان می آورد، و روز قیامت [عیسی نیز] بر آنان شاهد خواهد بود.»

بیشتر مفسران مسلمان، در تبیین آیه یادشده بر این باورند که حضرت عیسی علیه السلام زنده است و در آخرالزمان نازل شده، در نماز به امام مهدی علیه السلام اقتدا خواهد کرد. حال اگر تاریخ میلادی، از درستی و دقت کافی برخوردار باشد، عمر عیسی علیه السلام، اکنون افزون بر دو هزار سال است و بر این پایه، عمر ۱۱۷۰ ساله برای حضرت مهدی علیه السلام امر بعیدی نخواهد بود.

۱- محمد بن علی بن حسین بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۲، ح ۴.

۲- نساء (۴)، آیه ۱۵۷، ۱۵۹.

### ۳. حضرت خضر علیه السلام

یکی از کسانی که عمر طولانی دارد، حضرت خضر است. در قرآن از وی به روشنی یاد نشده است؛ اما داستان دیدار و همراهی حضرت موسای کلیم علیه السلام با او، در سوره کهف آمده است. (۱) باور به زنده بودن خضر علیه السلام، ویژه شیعه نیست، بلکه میان اهل سنت نیز باوری پذیرفته شده است.

### ۴. اصحاب کهف

قرآن در باره آنان می فرماید: ((وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا))؛ (۲) و سیصد سال، در غارشان درنگ کرده و نه سال افزودند.

قرآن در این آیه، به زنده بودن اصحاب کهف به مدت بیش از سه سده آن هم در خواب و بدون آب و غذا تصریح می کند. به راستی کدام یک شگفت انگیزتر است؛ اینکه کسانی سیصد سال بدون آب و غذا زنده بمانند یا اینکه کسی صدها سال باقی مانده است؛ اما غذا می خورد، آب می آشامد، راه می رود، می خوابد و بیدار می شود؟

### دو. طول عمر از نگاه روایات

در روایات رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز بر طول عمر انسان، سخنانی در دست است که آن را امری ممکن می شمارد. یکی از کسانی که در فرمایشات پیامبر صلی الله علیه و آله به ویژه در منابع اهل سنت به طول عمر او اشاره شده، دجال است. اهل سنت، بر پایه همین روایات، بر این باورند دجال در دوران پیامبر صلی الله علیه و آله زاده شده و به زندگی خود ادامه می دهد، تا در آخرالزمان خروج کند. (۳) حال اگر این احادیث درست باشد چنان که اهل سنت بر این باورند در این صورت، شایسته نیست که آنان در حیات و عمر طولانی امام مهدی علیه السلام تردید کنند.

### سه. از نگاه عقل

افزون بر کتاب و سنت، خرد سالم نیز طول عمر را برای انسان، ناممکن نمی داند؛

۱- ر.ک: کهف (۱۸)، آیه ۶۵.

۲- کهف (۱۸)، آیه ۲۵.

۳- ر.ک: احمد بن حنبل، مسند، ج ۴، ص ۴۴۴؛ بخاری، صحیح، ج ۹، ص ۱۳۳.

بلکه آن را امری به طور کامل ممکن می شمارد. حکیمان و فیلسوفان گفته اند: بهترین دلیل بر امکان هر چیزی، واقع شدن آن چیز است. همین که طول عمر در میان پیشینیان روی داده و تاریخ، افراد فراوانی را به ما نشان می دهد که عمری دراز داشته اند، خود گواه روشنی است بر این که طول عمر از دیدگاه عقل امری ممکن است. (۱)

بررسی علمی و بحث طول عمر، در حقیقت به نوع تفسیر فیزیولوژی از «پیری و فرسودگی»، وابسته است. این قانون که: پیری و فرسودگی زاییده یک قانون طبیعی حاکم بر بافت های پیکره انسانی است، و ضروری است که بدن پس از رسیدن به آخرین مرحله رشد، کم کم فرسوده شده، برای ادامه زندگی، کارآیی کمتری داشته باشد، تا آن گاه که در لحظه ای معین از کار بیفتد، آیا حتی در باره بدنی هم که از هرگونه تأثیر بیرونی در امان مانده صادق است یا این که فرسودگی و کاهش که در کارآیی بافت و نسوج مجموعه بدن به چشم می خورد، نتیجه نبرد با عوامل بیرونی مانند میکرب ها و سموم است که به بدن انسان راه می یابد؟ (۲)

افزون بر دلیل های یاد شده، برای طول عمر انسان، راه دیگری نیز وجود دارد که همان راه اراده و قدرت خداوند است.

آری؛ حضرت مهدی علیه السلام با قدرت بی پایان خداوند زنده است و میان مردم، به زندگی خود ادامه می دهد. همان خدایی که آتش را برای ابراهیم سرد و سلامت قرار داد و گل را برای عیسی علیه السلام به پرنده تبدیل کرد، و عیسی و خضر را پس از قرن ها زنده نگه می دارد، می تواند مهدی علیه السلام را نیز با قدرت الهی خود زنده نگه دارد.

در منابع معتبر تاریخی، افراد فراوانی معرفی شده اند که از عمر بسیار طولانی برخوردار بوده و روزگاران درازی زیسته اند. (۳)

۱- ر.ک: محمد رضا حکیمی، خورشید مغرب، ص ۲۱۴.

۲- سید محمد باقر صدر، جست و جو و گفت و گو پیرامون امام مهدی علیه السلام، ص ۱۹ و ۲۱.

۳- ر.ک: شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۱۳، روایت ۸۶ به بعد.

## اشاره

درباره فرجام زندگی آخرین حجت الهی، دیدگاه های گوناگونی یاد شده است. برخی پایان عمر آن حضرت را با کشته شدن و شهادت دانسته، و برخی دیگر رحلت آن بزرگوار را به مرگ طبیعی ذکر کرده اند. هر کدام از دیدگاه های بالا دلایلی بر ادعای خویش آورده اند.

## یک. شهادت امام مهدی علیه السلام

۱. روایاتی در دست است که پایان عمر همه امامان علیهم السلام را شهادت (مرگ غیر طبیعی) ذکر کرده است. از امام حسن علیه السلام نقل شده که فرمود: «... مَا مِنَّا إِلَّا مَقْتُولٌ أَوْ مَسْمُومٌ» (۱) هیچ یک از ما امامان نیست، جز آن که کشته یا مسموم شود.»

این روایت، به این صورت فقط در کتاب کفایه الاثر نوشته علی بن محمد خزاز قمی از دانشمندان سده چهار و پنج هجری آمده و مرحوم علامه مجلسی آن را از کتاب یادشده نقل کرده است. آنچه در بررسی این روایت، قابل درنگ است این که: این روایت، در کتاب های پیش از آن مورد اشاره قرار نگرفته است. همچنین برخی از افراد که در سند روایت آمده اند مجهول بوده، در هیچ یک از کتاب های رجالی سخنی از آن ها به میان نیامده است. (۲) در ادامه روایت نیز مطلبی آمده که با اعتقاد شیعه سازگاری ندارد و آن این که شمار امامان سیزده نفر خواهد شد؛ چرا که شمار امامان که از نسل علی علیه السلام است، دوازده نفر ذکر شده است که با خود آن حضرت سیزده خواهد شد؛ بنابراین استناد به این روایت، برای ادعای یادشده ناکافی می نماید.

۲. شیخ صدوق به نقل از اباصلت هروی گوید:

از امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود: «وَاللَّهِ مَا مِنَّا إِلَّا مَقْتُولٌ شَهِيدٌ» (۳) به خدا سوگند! نیست از ما مگر کشته شده به شهادت رسیده.

این روایت را فقط شیخ صدوق نقل کرده است. وی روایت یادشده را در کتاب من

۱- علی بن محمد خزاز قمی، کفایه الاثر، ص ۲۲۶.

۲- إِسْحَاقُ بْنُ بُهْلُولٍ: نا شناخته؛ بُهْلُولُ بْنُ حَسَّانَ: نا شناخته؛ الزُّبَيْرُ بْنُ عَطَاءٍ: نا شناخته؛ عُمَيْرُ بْنُ هَانِي الْعَيْسِيُّ: نا شناخته؛ و یا عمیر بن مانی العَبْسِيُّ: نا شناخته. (بر اساس سند بحار الانوار)

۳- شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۸۵، ح ۳۱۹۲.

لایحضره الفقیه، (۱) به صورت مرسل (بدون ذکر کامل سند) و در دو کتاب امالی (۲) و عیون اخبار الرضا علیه السلام، (۳) با ذکر سند آورده است.

اما بررسی رجال سند:

روایت عیون الاخبار، دارای سندی صحیح و معتبر است؛ (۴) در نتیجه می تواند نقص اسناد روایات پیش را جبران کند.

البته در کتاب عیون در صدر روایت سخنی به امام نسبت داده شده که طبق دیدگاه شیعه روایت از اعتبار ساقط می شود و آن سهو النبی صلی الله علیه وآله است. در ابتدای روایت هروی از امام می پرسد: گروهی در کوفه گمان می کنند بر پیامبر در نماز سهوی عارض نشده است. و این پاسخ به امام نسبت داده شده که فرمود: كَذَّبُوا لَعْنَهُمُ اللَّهُ إِنَّ الَّذِي لَا يَشْهَوُ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ.

حال این پرسش پیش می آید که چگونه به روایتی که بزرگان شیعه از آن اعراض کرده اند استدلال می شود.

به نظر می رسد نخستین کسی که ادعای شهادت حضرت مهدی علیه السلام را به گونه گسترده مطرح کرد، صاحب کتاب الزم الناصب بود. او در بخشی از کتاب خود آورده است:

پس چون هفتاد سال گذشت، مرگ حضرت حجت علیه السلام فرا خواهد رسید؛ پس او را زنی از بنی تمیم که نامش سعیده و دارای ریشی همچون مردان است، با انداختن سنگی (برخی نقل ها سنگی که برای آرد کردن گندم استفاده می شود) از بام بر آن حضرت به قتل خواهد رساند؛ در حالی که آن حضرت، از راه عبور می کند. چون از دنیا رفت، امام حسین، امور

۱- شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۸۵، ح ۳۱۹۲.

۲- شیخ صدوق، امالی، ص ۶۳.

۳- شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۵۶، ح ۹.

۴- محمد بن موسی بن المتوکل: إمامی و ثقہ (الخلاصه للحلی، ص ۱۴۹)؛ علی بن ابراهیم: امامی، ثقہ و جلیل القدر (رجال نجاشی، ص ۲۶۰)؛ ابراهیم بن هاشم: امامی، ثقہ و جلیل القدر (رجال نجاشی، ص ۱۶)؛ أبی الصلت عبد السلام بن صالح الهروی: (روایت قبل).

مربوط به وی را انجام خواهد داد. (۱)

در باره این سخن، باید توجه داشت:

از حیث سند:

این سخن هیچ گونه سندی ندارد.

گوینده آن نیز به طور کامل ناشناخته است.

از لحاظ متن:

کاملاً منفرد است و هیچ گونه مشابه و مؤید مستقیمی برای آن یافت نشد.

تا پیش از سده چهاردهم و کتاب الزام الناصب در هیچ منبعی دیده نشده است.

افزون بر آن اینکه این سخن ابهاماتی را پدید می آورد از جمله:

- با آن همه پیشرفت و تکامل علمی، چرا باید از این ابزار بسیار قدیمی که حتی در دوران ما نیز به نوعی کنار گذاشته شده و تا حد قابل توجهی تاریخی به شمار می رود برای آن عمل زشت استفاده کند؟

- دیگران در هنگام رفت و آمد حضرت مهدی علیه السلام به عنوان امام و حاکم صالح علی الاطلاق همه عالم چگونه از حضرت غافلند که کسی بتواند به این سادگی و از نزدیک چنین سوء قصدی نماید؟

### دو. رحلت به مرگ طبیعی

کسانی که می گویند آن حضرت به مرگ طبیعی از دنیا خواهد رفت، بر این باورند که:

دلیل های دسته نخست (به ویژه روایت اول) ناتمام است.

بر فرض پذیرش روایات یادشده، این روایات به حضرت مهدی علیه السلام تخصیص خورده است.

شهادت آن حضرت، با روایاتی که بر اصلاح کامل جامعه در عصر ظهور دلالت دارد، در تعارض است.

---

۱- «فاذا تمت السبعون سنه أتى الحجه الموت فقتله امرأه من بنى تميم اسمها سعیده و لها لحيه كلحيه الرجل بهاون صخر من فوق سطح و هو متجاوز فى الطريق فاذا مات تولى تجهيزه الحسين...»، (علی یزدی حایری، الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۳۹). لازم به

یادآوری است که کتاب یادشده در بر دارنده روایات صحیح هم هست؛ ولی در آن روایات ضعیف نیز وجود دارد.

در روایاتی چند، سخن از مرگ طبیعی آن حضرت به میان آمده است. ایوب بن نوح گفت:

به امام رضا علیه السلام عرض کردم: «ما امیدواریم شما صاحب الامر باشید و خدای تعالی بدون خونریزی و شمشیر آن را به شما بازگرداند که با شما بیعت شده و سکه به نام شما ضرب گردیده است»، فرمود: هیچ یک از ما امامان نیست که نامه ها نزد او رفت و آمد کند و از مسائل پرسیده شود و با انگشتان بدو اشاره کنند و اموال نزد وی حمل شود، جز آن که به خدعه کشته شود یا آن که بر بستر خود بمیرد، تا جایی که خدای تعالی، مردی را برای این امر برانگیزد که مولد و منشأ او مخفی، اما نسبش آشکار است. (۱)

از آن جا که «اغتيال» هر دو احتمال (کشته شدن و مسموم شدن) را دربر می گیرد، (۲) می توان احتمال داد از مرگ در بستر، همان مرگ طبیعی استفاده شود. بنابراین طبق این روایت، مرگ طبیعی برخی از امامان علیهم السلام دور از ذهن نخواهد بود.

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

... پس چون معرفت و ایمان به این که او حسین علیه السلام است، در دل ها استقرار یافت، مرگ حضرت حجت علیه السلام فرا می رسد. پس حسین بن علی علیهما السلام او را غسل می دهد؛ کفن می کند؛ حنوط می کند و در قبرش قرار می دهد.... (۳)

اگرچه مرگ در روایت یادشده شهادت را نیز در بر می گیرد اما احتمال مرگ طبیعی را نیز رد نمی کند. از آنچه یاد شد، به دست می آید که شهادت حضرت مهدی علیه السلام امری محتمل است و می توان از روایت امام رضا علیه السلام چنین برداشت

۱- «مَا مِنَّا أَحَدٌ اِخْتَلَفَتْ إِلَيْهِ الْكُتُبُ وَ أُشْدِّيرَ إِلَيْهِ بِالْأَصَابِعِ وَ سُئِلَ عَنِ الْمَسَائِلِ وَ حُمِلَتْ إِلَيْهِ الْأَمْوَالُ إِلَّا اِغْتِيلَ أَوْ مَاتَ عَلَيَّ فِرَاشِهِ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ لِهَذَا الْأَمْرِ غَلَامًا مِنَّا»؛ (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۴۲؛ نعمانی، الغیبه، ص ۱۶۸، ح ۹؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۰؛ اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۵۲۴؛ طبرسی، اعلام الوری، ص ۴۳۳).

۲- ر. ک: محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۲۸۹.

۳- «... فَإِذَا اسْتَقَرَّتِ الْمَعْرِفَةُ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ أَنَّهُ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَاءَ الْحُجَّةَ الْمَوْتُ فَيَكُونُ الَّذِي يُغَسَّلُهُ وَ يُكْفَنُهُ وَ يُحْنَطُهُ وَ يَلْحَدُهُ فِي حُفْرَتِهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ...»؛ (محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۸، ص ۲۰۷).



کرد؛ اما همان گونه که شیخ مفید نیز بدان پایبند بوده، برای اثبات قطعی حکم به شهادت، ناکافی است و همان گونه که افزون بر آن، برای هر امام نیاز به شواهد تاریخی است، برای حضرت مهدی علیه السلام نیز نیاز به دلیل دیگری داریم؛ بنابراین حکم قطعی به شهادت آن حضرت کاری بس دشوار است.

### جهان پس از حضرت مهدی علیه السلام

#### اشاره

بر پایه آموزه های مکتب شیعه، همان گونه که انقلاب جهانی مهدی علیه السلام، آخرین انقلاب در جهان به شمار می رود، دولت مهدی علیه السلام، آخرین دولت در جهان و تاریخ خواهد بود. دولتی که تا پایان زندگی در دنیا تداوم خواهد داشت. دولت دیگری پس از آن و یا در کنار آن نخواهد بود. با پیروزی انقلاب جهانی مهدی علیه السلام، همه دولت های باطل در سراسر زمین از میان خواهند رفت. دولت آن حضرت آخرین دولت در تاریخ است. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «دَوْلَتُهُ آخِرُ الدُّوَلِ...»؛ (۱) دولت او آخرین و دولت ها است. امام باقر علیه السلام نیز آنگاه که هشام ابن عبدالملک و اطرافیانش، در مجلس خود، امام را سرزنش کردند بر دولت پایدار شیعه در پایان تاریخ تأکید فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ أَيْنَ تَذْهَبُونَ... فَإِنْ يَكُنْ لَكُمْ مُلْكٌ مُعَجَّلٌ فَإِنَّ لَنَا مُلْكًا مُؤَجَّلًا وَ لَيْسَ بَعْدَ مُلْكِنَا مُلْكٌ؛ (۲) ای مردم، کجا می روید، ... اگر شما دولت زودگذر دارید، دولت پایدار از آن ماست و پس از دولت ما دولتی نخواهد بود.

همه این احادیث، اثبات می کند که دولت پایان تاریخ، دولت عدل مهدوی است و خط بطلان بر همه نظریه هایی می کشد که دولتی غیر الهی را به عنوان بهترین و عالی ترین شکل حکومت بشری، در آخرالزمان معرفی می کنند.

اما درباره چگونگی جهان پس از حضرت مهدی علیه السلام و جانشین آن حضرت و رخدادهای آستانه رستاخیز بزرگ، دیدگاه های گوناگونی ارائه شده که برخی مخالف یکدیگر است. از آن جا که جهت گیری دیدگاه ها میان شیعه و اهل سنت به طور فراگیر

۱- شیخ مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۳۸۵.

۲- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۷۱.

با یکدیگر متفاوت است، به هر دو دیدگاه اشاره می‌کنیم:

### یک. دیدگاه پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام

به طور عمده دیدگاه‌های شیعه، با بیان‌های گوناگون، جهان پس از حضرت مهدی علیه السلام را بر خیر و صلاح معرفی کرده است. البته غیر از این نیز از حکمت و لطف الهی انتظار نیست؛ چرا که چگونه می‌توان باور کرد پس از انتظاری چندین صد ساله، یا چند هزار ساله پس از حکومتی کوتاه باز هم اوضاع به هرج و مرج پایان پذیرد. برخی از مهم‌ترین دیدگاه‌ها بدین قرار است:

۱. وضعیت جهان پس از حضرت مهدی علیه السلام بر نیک بختی بوده، جانشینان آن حضرت از میان رجعت‌کنندگان خواهند بود.

همان‌گونه که در درس‌های پیش اشاره شد، یکی از باورهای ژرف میان شیعیان، باور به زنده شدن دو گروه از مؤمنان خالص و کافران خالص است. یکی از مسائلی که آن‌جا مطرح شد، حکومت برخی از رجعت‌کنندگان مؤمن است. البته چگونگی این حکومت به روشنی بیان نشده است. کسانی که بر این دیدگاه‌هاستند، افزون بر دلیل‌های فراوانی که از آیه‌ها و روایت‌ها ارائه می‌کنند بر این باورند روایاتی که می‌گویند هرگز زمین از حجت خالی نخواهد ماند، جهان پس از حضرت مهدی علیه السلام را ناگزیر به دو گونه تصویر خواهد کرد:

الف) بی‌درنگ، قیامت بر پا شود.

ب) حجت‌هایی از طرف پروردگار واسطه فیض باشند. از آن‌جا که شمار امامان، به تصریح پیامبر صلی الله علیه و آله بیش از دوازده نفر نخواهند بود، پس کسانی که بر مردم حکومت خواهند کرد، همانا امامان علیهم السلام هستند.

۲. جهان پس از حضرت مهدی علیه السلام همواره با حکومت دوازده مهدی اداره خواهد شد.

شیخ طوسی با ذکر سند از امام علی علیه السلام نقل کرده که در شبی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رحلت فرمود، مطالبی را به ایشان املا نموده که در آن پس از اشاره به امامان دوازدهگانه، آن‌گاه که به آخرین پیشوا رسید، چنین فرمود:

...پس آن‌گاه که حضرتش [امام حسن عسکری علیه السلام] را هنگام وفات فرا رسید، پس آن [امر امامت] را به فرزندش محمد تسلیم می‌کند.

ایشان دوازده امام هستند. بعد از او، دوازده مهدی خواهد بود... (۱)

ابوبصیر گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «از پدر شما شنیدم فرمود: پس از قائم دوازده مهدی خواهد بود.» امام صادق علیه السلام فرمود:

همانا فرمود: «دوازده مهدی و نفرمود: دوازده امام ولكن ایشان گروهی از شیعیان ما هستند که مردم را به دوستی ما و شناخت حق ما دعوت می کنند. (۲)»

آن حضرت به ابوحمره نیز فرمود: «ای ابوحمره! همانا پس از قائم، یازده مهدی از ما از فرزندان حسین خواهد بود. (۳)»

۳. در جهان پس از آن حضرت، تا برپایی قیامت، حکومت فقط در دست بندگان شایسته خداوند خواهد بود. دلیل این دیدگاه، روایتی است که خداوند شب معراج به رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

...پس هر آینه او را به سپاهیان خویش یاری خواهم کرد و او را به فرشتگان خویش کمک خواهم نمود، تا آن که دعوتم برتری یابد و آفریدگان بر یکتاپرستی ام گرد آیند. آن گاه پادشاهی او را ادامه خواهم داد و تا قیامت اولیایم چنین خواهند کرد. (۴)

۴. جهان پس از حضرت مهدی علیه السلام به دست یکی از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله اداره خواهد شد. جابر بن یزید جعفی گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم فرمود: و به خدا سوگند! هر آینه مردی از ما اهل بیت مدت ۳۰۹ سال حکومت خواهد کرد.

۱- «فَإِذَا حَضَرَتْهُ (الحسن) الْوَفَاةُ فَلْيَسِّرْ لِمَهْمَا إِلَى ابْنِهِ مُحَمَّدٍ الْمُشْتَحْفِظِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ فَذَلِكَ اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا ثُمَّ يَكُونُ مِنْ بَعْدِهِ اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًا...»؛ (شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۵۰).

۲- «إِنَّمَا قَالَ اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًا وَ لَمْ يَقُلْ اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا وَ لَكِنَّهُمْ قَوْمٌ مِنْ شِيَعِنَا يَدْعُونَ النَّاسَ إِلَى مَوَالَاتِنَا وَ مَعْرِفَةِ حَقِّنَا»؛ (شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۵۸، ح ۵۶).

۳- «يَا أَبَا حَمْرَةَ إِنَّ مِنَّا بَعْدَ الْقَائِمِ أَحَدَ عَشَرَ مَهْدِيًا مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ»؛ (شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۷۸).

۴- «... فَلَانُصِيرَنَّهٗ بِجُنْدِي وَ لَأَمَدَّنَّهٗ بِمَلَائِكَتِي حَتَّى تَعْلُو دَعْوَتِي وَ تَجْمَعَ الْخَلْقُ عَلَيَّ تَوْحِيدِي ثُمَّ لَأَدِيمَنَّ مُلْكَهُ وَ لَأَدَاوِلَنَّ الْأَيَّامَ بَيْنَ أَوْلِيَائِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»؛ (شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۷؛ همو، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۵، ح ۴).

جابر می گوید: عرض کردم: «این چه زمانی خواهد بود؟» آن حضرت فرمود: «پس از رحلت قائم...» (۱)

۵. روایاتی است که بدون اشاره به وضعیت جهان و جانشین حضرت مهدی علیه السلام آن را فقط در آگاهی خداوند دانسته است. (۲)

همان گونه که دیده شد، چهار دیدگاه اخیر، نه فقط مخالفی با دیدگاه نخست ندارد، بلکه می تواند به نوعی در پذیرش دیدگاه نخست باشد.

### دو. دیدگاه اهل سنت

بسیاری از اهل سنت بر این باورند که پس از وفات مهدی علیه السلام هیچ خیری در زندگی نخواهد بود (۳) و دنیا به صورت هرج و مرج تا قیامت ادامه خواهد داشت. (۴)

در کتاب البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان بابی با عنوان «فی موت المهدی علیه السلام و ذکر احوال تقع بعده» سامان یافته است که در آن، چگونگی وفات آن حضرت و رخدادهایی که پس از او پدید خواهد آمد، بیان شده است و در روایاتی سخن از آشوب ها و شرها پس از درگذشت آن حضرت به میان آورده است. (۵)

در عقد الدرر نیز روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به نقل از ابوسعید خدری آمده که پایان آن چنین است:

«...[حکومت مهدی] همچنان تا هفت یا هشت یا نه سال ادامه خواهد یافت، سپس هیچ خیری در زندگی پس از او نیست.» (۶) ناگفته نماند آنچه در آیات قرآن آمده است،

۱- «وَ اللَّهُ لَيَمْلِكَنَّ رَجُلٌ مِّنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ ثَلَاثِمِائَةٍ سَنَةٍ وَ يَزِدَادُ تِسْعًا قَالَ فَقُلْتُ لَهُ مَتَى يَكُونُ ذَلِكَ قَالَ بَعْدَ مَوْتِ الْقَائِمِ...»؛ (نعمانی، الغیبه، ص ۳۳۱؛ عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۲۶).

۲- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۸.

۳- ر. ک: ابن منادی، الملاحم، ص ۱۸۴.

۴- ر. ک: نعیم بن حماد، الفتن، ص ۲۰۷، ۱۰۷۱؛ ابی داود، سنن ابی داود، ج ۴، کتاب المهدی، ح ۴۲۸۱.

۵- متقی هندی، البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان، ص ۹۵.

۶- «...سَيَبْعَ سِتِّينَ أَوْ ثَمَانِينَ أَوْ تِسْعَ سِتِّينَ ثُمَّ لَمَّا خَيْرٌ فِي الْحَيَاةِ بَعِيدَةٍ»؛ (مقدسی شافعی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، ص ۲۲۰).

مبنی بر این که در آستانه برپایی قیامت همه چیز نابود و منهدم می شود،<sup>(۱)</sup> مقصود زمان پیوسته به برپایی قیامت است.

... به راستی چگونه با حکمت خداوند سازگار است پس از گذشت یک تاریخ پر فراز و نشیب، حکومت به دست شایستگان بیفتد، خردها رشد یابد، زمین بر پایه عدل اداره شود، آنگاه در پس رحلت امام همه چیز به جای نخست برگردد؟

۱- ((وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ))؛ و با خدا معبودی دیگر مخوان. خدایی جز او نیست. جز ذات او همه چیز نابودشونده است. فرمان از آن اوست. و به سوی او بازگردانیده می شوید (قصص (۲۸)، آیه ۸۸).

## خودآزمایی

۱. قرآن کریم در آیات خود در باره طول عمر چه کسانی به روشنی سخن به میان آورده است؟
۲. از نگاه عقل چگونه می توان طول عمر حضرت مهدی علیه السلام را اثبات نمود؟
۳. در باره فرجام زندگی حضرت مهدی علیه السلام چه دیدگاه هایی مطرح است؟ توضیح دهید.
۴. در نگاه شیعه وضعیت همگانی جهان پس از مهدی علیه السلام تا برپایی قیامت چگونه خواهد بود؟
۵. چرا دیدگاه اهل سنت در باره جهان پس از مهدی پذیرفتنی نیست؟ توضیح دهید.

===

## منابع برای پژوهش

۱. صدر، سید محمد، تاریخ پس از ظهور، ترجمه حسن سجادی پور، تهران، موعود، ۱۳۸۷ ش.
۲. طاهری، حبیب الله، سیمای آفتاب، قم، انتشارات زائر، ۱۳۸۰ ش.
۳. مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی، قم، مدرسه امام علی، ۱۳۸۰ ش.
۴. طبسی، نجم الدین، تا ظهور، دو جلد، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، ۱۳۸۸ ش.
۵. امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، چ نوزدهم، قم، شفق، ۱۳۷۹ ش.

**درس پانزدهم: کتاب شناسی مهدویت (۴)**

**اشاره**

در این درس فرا خواهیم گرفت:

آشنایی با کتاب های:

۱ آفتاب ولایت، مصباح یزدی

۲ شبها و ردود (پاسخ به شبها احمد الکاتب)، سید سامی البدری

۳ مهدی عجل الله فرجه، ده انقلاب در یک انقلاب، حسین رحیم پور ازغدی

۴ خط امان، محمد امامی کاشانی

۵ گونه شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان، جمعی از پژوهشگران

۶ آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، رحیم کارگر

۷ شناخت امام، یا راه رهایی از مرگ جاهلی، مهدی فقیه ایمانی

۸ در جستجوی قائم علیه السلام، سید مجید پور طباطبایی

۹ امام مهدی علیه السلام در آینه قلم

**پیش در آمد**

گرایش روزافزون به پژوهش های اسلامی و گسترش ژرف نگری در اندیشه های دینی در دهه های تازه و نیز توجه فزاینده عموم مسلمانان به ویژه نسل جوان به مباحث مهدویت، زمینه بررسی های گوناگون و عرصه های علمی را در زنجیره بحث های مهدوی فراهم آورده است.

از سوی دیگر، بهره گیری های نابجا و نادرست کژاندیشان از این بستر فراهم شده، و ارائه برخی آثار سست و بی پایه، که سبب گسترش خرافه گرایی و رواج سطحی نگری شده، ارزش آشنایی با منابع مطالعاتی درست، علمی و محکم را امری ناگزیر ساخته است.

از آنجایی که یکی از راه هایی که می تواند به دوستداران این عرصه در آشنایی با منابع معتبر، کمک ارزشمندی نماید، معرفی کتاب در این زمینه است. کتاب هایی که دارای محتوایی استوار و پذیرفتنی هستند یا دست کم بیشتر مطالب آن، از استحکام لازم برخوردارند؛ بنابراین مناسب دیدیم در یک درس، همچون سه جلد پیشین به برخی از کتاب هایی از این دست اشاره کنیم. (۱)

---

۱- لازم به یادآوری است معرفی این کتاب ها بدان سبب است که در مقایسه با کتاب های دیگر، به دلیل هایی بیشتر قابل استفاده هستند.



## آفتاب ولایت

کتاب «آفتاب ولایت» نتیجه تنظیم برخی از سخنرانی های استاد محمد تقی مصباح یزدی است که در موضوع مهدویت، به طور پراکنده در طول سالیان گذشته ایراد شده است. این اثر به دست محمد باقر حیدری در چهارده فصل تنظیم و نگارش گردیده و به کوشش انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) منتشر شده است.

بنای در نگارش این گفتارها، پای بندی به چارچوب پایه ای و سیر منطقی هر سخنرانی بوده و هر جا نیازی به توضیح، پژوهش یا مستندسازی بوده، در پاورقی ذکر شده است.

مطالب این مجموعه این گونه سامان یافته است:

گفتار اول: رابطه معرفت و محبت، سلسله مراتب محبت و معرفت به امام زمان علیه السلام. گفتار دوم: ضرورت شناخت امام زمان علیه السلام، ناتوانی بشر از معرفت امام زمان علیه السلام و... گفتار سوم: نعمت وجود امام و ناتوانی از شکر آن، ناتوانی از معرفت امام زمان علیه السلام، بی نهایتی مراتب معرفت به امام زمان علیه السلام راه افزون سازی معرفت به امام زمان علیه السلام. گفتار چهارم: مقام های امام زمان علیه السلام، اسوه پذیری و پیروی بهترین شیوه تربیتی و... گفتار پنجم: محبت کافران و منافقان به پیشوایان باطل، محبت مؤمنان به خدا و اولیای خدا، لزوم فهم دقیق روایات مربوط به امام عصر علیه السلام، توطئه دشمنان برای چیرگی بر شیعیان.

گفتار ششم: ضرورت ولایت، ابعاد، مراتب و آثار ولایت، رابطه ولایت خدا با ولایت معصومان علیهم السلام رابطه محبت با ولایت، راه های تقویت رابطه ولایت با امام زمان علیه السلام. گفتار هفتم: جمکران جذبه گاه ولایت، سفارشات به جوانان، امام زمان علیه السلام از منظر اهل سنت، طول عمر حضرت، حکمت غیبت، وظیفه ما در دوران غیبت. گفتار هشتم: عظمت و شکوه مقام امام زمان علیه السلام، ولایت تکوینی و تشریحی امام زمان علیه السلام، نحوه ارتباط ولایت با امام زمان علیه السلام.

گفتار نهم: محبت حضرت به شیعیان، شرط وفاداری در برابر محبت امام زمان علیه السلام، شرط رسیدن به ولایت خاص امام زمان علیه السلام، وظیفه جوانان در برابر آشوب های آخرالزمان.

گفتار دهم: «مهدی باوری و آثار آن» مهدی باوری از دو منظر اهل تسنن و شیعه، تأثیر مهدی باوری در زندگی فردی و اجتماعی، حقیقت شیعه بودن برای امام زمان علیه السلام.

گفتار یازدهم: «یاوران امام زمان علیه السلام» ویژگی یاران امام زمان علیه السلام ملاک یاری رسانی الهی، وظیفه ما در آخرالزمان و ...

گفتار دوازدهم: «فلسفه غیبت» پیش فرض های غیبت، ابعاد غیبت هدف از آفرینش انسان، هدف از بعثت انبیا، هدف از رسالت اوصیا، شمار امامان و علت آن، حکمت غیبت امام دوازدهم علیه السلام.

گفتار سیزدهم: «وظیفه شیعیان در دوران غیبت» وظیفه عالمان در عصر امام زمان علیه السلام، وظیفه شیعیان در روبرویی با دشمنان.

گفتار چهاردهم: «آسیب شناسی اهداف امام زمان علیه السلام» بزرگ ترین موانع در برابر اهداف امام زمان علیه السلام شیوه های نو مبارزه با اهداف امام زمان علیه السلام.

**شبهات و ردود (پاسخ به شبهات احمد الکاتب)**

نام عربی کتاب الردّ علی شبهات أحمد الکاتب حول إمامه أهل البيت، عليهم السلام، و وجود المهدي المنتظر، علیه السلام، است که به قلم سید سامی البدری به رشته تحریر درآمده است.

این کتاب پاسخ عالمانه به کتابی با عنوان «تطور الفكر السياسي الشيعي من الشوری الی ولایه الفقیه» نوشته احمد الکاتب است. که در آن شبهات و تهمت های ناروایی به شیعه و باورهای آنها زده است.

استاد «سید سامی البدری» بنیان گذار و رئیس مؤسسه «مجمع الذخائر الاسلامیه» یکی از ده ها نویسنده و اسلام شناسی است که پس از انتشار کتاب احمد الکاتب به پاسخ گویی شبهات وی پرداخت. این کتاب که در چاپ های پیشین در چهار مجلد با عناوین: العقیده الاثنی عشریه، النص علی علی، علیه السلام، امامه اهل البیت، عليهم السلام، و ولاده و وجود الامام المهدي، علیه السلام عرضه شده بود، با ویرایشی نو و افزودن یک فصل مقدماتی با عنوان "الإمامه اهل البیت، عليهم السلام، و نظام الحکم" در سومین چاپ برای استفاده علاقه مندان و اسلام پژوهان ارائه گردید.

حلقه اول درباره آغاز اندیشه شیعی و اعتقاد به دوازده امام معصوم بحث می کند و به شبهات مطرح شده در باره آغاز اندیشه شیعی و شمار دوازده امام و مباحث مربوط به آنها پاسخ می دهد.

حلقه دوم به شبهاتی که احمد کاتب در باره وجود نصّ بر امامت امام علی علیه السلام وارد کرده است، پاسخ می دهد و درباره بیعت، شورا و مشروعیت حکومت در اسلام بحث می کند. جریان سقیفه، به خانه فاطمه زهرا سلام الله علیها بیعت اکراهی علی علیه السلام با خلفا و بررسی مسأله حج تمتّع از صدر اسلام تا عهد خلفای عباسی و

عبرت آموزی از آن. از موضوعات مورد بحث در حلقه دوم است.

در حلقه سوم مواردی از کتاب احمد کاتب مورد نقد قرار گرفته است. همچنین در این حلقه از حدیث غدیر، دلالت آن و احتجاج امام علی علیه السلام به این حدیث بحث شده است. از دیگر مباحث این حلقه موضع امام حسن علیه السلام درباره امامت و بررسی افسانه عبد الله بن سبا می باشد.

نویسنده در حلقه چهارم به شبهات مربوط به ولادت و وجود حضرت مهدی علیه السلام پرداخته است.

## مهدی عجل الله فرجه، ده انقلاب در یک انقلاب

مجموعه کتابی با نام "مجموعه مباحث طرحی برای فردا"، حاصل جمع آوری و بازنویسی سخنرانی های آقای حسین رحیم پور ازغدی است که در مجامع علمی سطح کشور به ویژه دانشگاه ها ایراد شده است.

یکی از شماره های این مجموعه حاصل جمع بندی سه سخنرانی وی در باره مباحث مهدویت است که زیر عنوان «مهدی علیه السلام ده انقلاب در یک انقلاب» تنظیم شده است. که عناوین این مباحث بدین شرح است:

### دولت عاشقی و عدل جهانی

مهدی علیه السلام نیمه شرقی، نیمه غربی

جهانی شدن، پایان تاریخ و مهدویت

در بخش نخست با عنوان دولت عاشقی و عدل جهانی، مؤلف از قیام مهدی و مسئله مهدویت و برپایی حکومت مهدوی سخن می گوید و رابطه این حکومت با عدل را بررسی می کند. در حکومت مهدی علیه السلام تفاوتی میان شهروند غربی و افریقایی و آسیایی نخواهد بود و نظم نوین جهانی به دست او برقرار خواهد شد. در بخش دوم، مهدی: نیمه شرقی، نیمه غربی، مؤلف تولد حضرت قائم را از پدری شرقی و مادری غربی نمادی می گیرد از اینکه برای آن حضرت همه جای جهان، شرق و غرب، خانه و وطن اوست و بر سر راه او جغرافیا مانع نیست و او با شرق و غرب جهان خویشاوند است. در بخش سوم: جهانی شدن: پایان تاریخ و مهدویت، مؤلف راجع به جامعه آخرالزمان و انقلاب بزرگ مهدوی سخن می گوید و جهانی شدن را با مهدویت گره می زند و از نو تعریف می کند.

کتاب یادشده با وجود صفحات کم، محتوای ارزشمند و قابل استفاده ای دارد به ویژه که برای مخاطب جوان و دانشجو ارائه شده است.

## خط امان

این کتاب، اثر ارزشمند آیت الله محمد امامی کاشانی است که نام آن با الهام از نامه حضرت صاحب الامر علیه السلام به یکی از نواب خاص خود که می نگارند: «إني لأمان لأهل الأرض» همانا من امان اهل زمینم، در موضوع مهدی شناسی تألیف شده است. کتاب خط امان در اصل دائره المعارفی حدیثی است که تمام احادیث وارده در کتب شیعی و سنی را همراه با بررسی سندیت و رجال شناسی آنها گرد آورده است. جلدهای نخست این مجموعه دربرگیرنده دلایل اثبات و ضرورت وجود منجی آخرالزمان، آیات قرآنی پیرامون موضوع، گفتگوهای مولف با صاحب نظران دنیای غرب و اسلام در باب منجی و... است که به فارسی نگارش یافته است.

جلد نخست کتاب «خط امان» درباره دلایل عقلی و فلسفی اثبات حضرت صاحب الزمان است که از یک مقدمه و هفت فصل تشکیل شده و در آن مباحثی چون؛ «لزوم مصلح جهانی از دیدگاه فطرت»، «ولی عصر، نقطه اعتدال اسمای جلال و جمال در زمین»، «برهان نظام احسن (عنایت) و ضرورت وجود امام معصوم»، «موعود در دلیل استقرا»، «آینده بشریت از دیدگاه فلسفه تاریخ»، «قاعده لطف و ضرورت امام در هر عصر» و «آینده بشریت از دیدگاه ادیان الهی» مورد بحث و بررسی قرار گرفته اند.

نویسنده در مقدمه این کتاب سخن از مصلح جهانی، منجی نهایی امام عصر علیه السلام و سخن از آینده روشن و مرحله کمال و غایت تاریخ بشریت آورده است. و بیان داشته است ادیان الهی چون یهودیت، مسیحیت نیز در زمینه انتظار ظهور منجی و مصلح جهان با مسلمانان هم رأیند.

نویسنده در جلد دوم کتاب چهار فصل با عنوان های: گفتگو با متفکران جهان غرب

درباره ظهور منجی؛ منجی آخرالزمان در عهدین؛ گفتگو با متفکران جهان اسلام در زمینه ظهور حضرت مهدی علیه السلام؛ قرآن و ظهور مسیح و مهدی در راستای گفتگو با علمای اهل سنت نگاشته است.

آنچه از این مجموعه در دست نگارش، تا اکنون چاپ و منتشر دو جلد است که امید است در آینده ای نزدیک با نشر دیگر مجلدات کامل شود.

## گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان

این کتاب حاصل تلاش جمعی از پژوهشگران است که با با ویرایش علمی دکتر علی موحدیان عطار سامان یافته است.

برخی ویژگی‌های کتاب حاضر عبارت است از: التزام به معیارهای تحقیق علمی و پرهیز از جانبداری، کاربردی رویکرد پدیدارشناسانه از سنخ گونه‌شناختی، استناد به مدارک و منابع موثق در هر حوزه دینی، بهره‌گیری از محققان متخصص در هر یک از ادیان مورد بحث در این پژوهش مصادیق و مفاهیم مختلف از اندیشه موعودگرایی و اندیشه منجی موعود در ادیان مسیحیت، یهودیت، زرتشت، بودایی، اسلام و فرقه‌های گوناگون اهل سنت و شیعه در قالب مقالات انبوه مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

در این مقالات، نگارندگان در پی پاسخ به این پرسش‌های پایه‌ای هستند که آیا همه مصادیق اندیشه منجی موعود در ادیان و ملل گوناگون جهان هم سو با آرمان‌های موعودگرایانه اسلام و تشیع ارزیابی می‌شود و یا اینکه همه موعودباوری‌ها در ادیان مختلف به یک گونه‌اند؟ و آیا می‌شود موعود همه ادیان را مهدی موعود مورد پذیرش و باور شیعه دانست؟

در این پژوهش مصادیق و مفاهیم مختلف از اندیشه موعودگرایی و اندیشه منجی موعود در ادیان مسیحیت، یهودیت، زرتشت، بودایی، اسلام و فرقه‌های مختلف اهل سنت و شیعه در قالب مقالات انبوه مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

این کتاب از یک مقدمه و چندین مقاله تشکیل شده است. مقدمه کتاب با عنوان «کلیاتی درباره اندیشه منجی موعود» به قلم دکتر موحدیان عطار، بدون توجه به یک دین خاص، گونه‌هایی را که می‌توان در مطالعه این اندیشه، میان ادیان مختلف در نظر گرفت برمی‌شمرد.

افزون بر این مقدمه، کتاب دوازده فصل و یک نتیجه‌گیری دارد که در هر کدام از



آنها این گونه ها از زاویه نگاه دین یا مذهبی خاص بررسی می شود. این فصل ها و نویسندگان آنها به شرح زیرند:

گونه شناسی اندیشه منجی موعود در آیین زرتشتی (سید سعید منتظری، مصطفی فرهودی)

گونه شناسی اندیشه منجی موعود در آیین هندو (صادق ابوطالبی)؛

گونه شناسی اندیشه منجی موعود در آیین بودا (ابولقاسم جعفری)؛

گونه شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان چینی (محمد علی رستمیان)؛

گونه شناسی اندیشه منجی موعود در یهودیت (اسدالله آذیر)؛

گونه شناسی اندیشه منجی موعود در مسیحیت (مهراب صادق نیا)؛

گونه شناسی اندیشه منجی موعود در قرآن و سنت نبوی (محمدحسن محمدی مظفر)؛

بازتاب مهدویت در تاریخ سیاسی اسلام (مهدی فرمانیان)؛

گونه شناسی اندیشه منجی موعود در مذاهب اهل سنت (مهدی فرمانیان)؛

گونه شناسی اندیشه منجی موعود در عرفان و تصوف اسلامی (محمد نصیری)؛

گونه شناسی اندیشه منجی موعود تشیع (محمد جاودان)؛

جوهره مهدویت (علی موحدیان عطار)؛

### آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)

این کتاب نگاشته رحیم کارگر از پژوهشگران مباحث مهدویت و آینده پژوهی است که در آن چگونگی دولت و سیاست در اندیشه مهدویت بررسی شده است. به باور نویسنده، ایده مهدویت پاسخ گوی کامل و فراگیر به خواسته و نیاز دیرین انسان ها در اصلاح وضعیت نابسامان زندگی بشری است و دولت مهدوی عهده دار رفع همه این کاستی ها و ناراستی ها بر پایه و محوریت دین و اخلاق و معنویت است. نویسنده مباحث خویش را در سه بخش ارائه کرده است. بخش نخست با عنوان «کلیات و چارچوب نظری»، گفتارهایی است درباره آینده و آینده پژوهی، نظریه های آینده تاریخ، و آینده دولت در دیدگاه شیعه.

نویسنده در بخش دوم با عنوان "فرضیه های دولت مهدی علیه السلام در اندیشه شیعه" فرضیه های انتقام، دولت اقتدارگرا، و دولت اخلاقی را بررسی کرده است. در سومین بخش، با عنوان "ساختار، کارکردها و برون دادها" به بحث درباره ساختارها و نمادهای حکومت مهدوی پرداخته و از کارویژه ها و عملکردها و پیامدها و برون دادهای این حکومت سخن می گوید.

از ویژگی های مهم این کتاب می توان به پژوهش عمیق در آیات روایات و سخنان دانشمندان اشاره کرد؛ که آن را به ویژه برای پژوهشگران قابل استفاده کرده است.

## شناخت امام، یا راه‌هایی از مرگ جاهلی

این کتاب اثر مهدی فقیه ایمانی است که با نگاه به برخی روایات در باره شناخت امام به این بحث مهم پرداخته است. روایاتی مانند: (من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة الجاهلیة) که با عبارت های گوناگون و نزدیک به هم، مانند: (من مات و لا امام له مات میتة الجاهلیة) و یا (من مات و لا یبعه علیه مات میتة الجاهلیة) و (من مات بغیر امام مات میتة الجاهلیة) و... که در منابع و مصادر پرشماری آمده است. مؤلف در این کتاب به گستردگی از اسناد و محتوای این حدیث بحث کرده و از جهات گوناگون به نقد و بررسی های سودمندی دست یافته است. در آغاز بحث، معنای دقیق روایت مطرح شده و در ادامه آن متون گوناگون (من مات و...) و احادیث همگون آن نقل شده است. سپس از نقش امام در جامعه و شرایط آن سخن به میان آمده و چگونگی نصب امام و برپایی امامت از نگاه شیعه تبیین شده است. نگارنده تأکید می کند که روایت (من مات...) نشانگر بایستگی شناخت امام است. از این روی پرسش های جدی و تأمل برانگیزی را مطرح می کند که این سفارش و تأکید پیامبر صلی الله علیه و آله برای شناخت چه کسی بوده است؟

مؤلف پس از تبیین آنچه یاد شد، برای پاسخی جدی به پرسش های یادشده، به پژوهش های تاریخی و اعتقادی راهگشا می پردازد و احادیث و روایاتی را گزارش می کند که نشانگر هدایت گری و نجات بخشی اهل بیت علیهم السلام است.

در بخش دوم از خاندان های بنی امیه و بنی عباس سخن به میان آورده و بر پایه منابع مورد اعتماد و موثق تاریخی، حدیثی و تفسیری، چگونگی رفتار و منش اجتماعی و سیاسی آنان بیان کرده است. بخش سوم، سخن از جانشینان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، خلافت حق، و حق خلافت است. ناگفته نماند که کتاب، از احادیث مختلف و آثار گوناگون پرشماری بهره برده است که اگر فهرستی دقیق در پایان کتاب از آیات، روایات و آثار ارائه می شد، با توجه به اینکه در پانوشت ها منابع فراوان آنها آمده است، پژوهشگران را می توانست سودمند و کارآمد باشد.

## در جستجوی قائم علیه السلام

این کتاب اثر سید مجید پور طباطبایی است. که در آن کتابشناسی مهدویت و حضرت مهدی علیه السلام، با معرفی ۱۸۵۰ کتاب درباره زندگانی، غیبت و ظهور آن بزرگوار سامان یافته است.

در جستجوی قائم علیه السلام، در برگزیده آثاری است که به طور مستقل و یا به طور ضمنی درباره حضرت مهدی علیه السلام بحث کرده اند. کتاب حاضر در شش بخش سامان یافته است: بخش اول، کتاب هایی که ویژه مسائل مربوط به امام زمان به رشته تحریر درآمده اند. بخش دوم، کتاب هایی که قسمتی از آنها مربوط به این موضوع است.

بخش سوم، کتاب های متفرقه ای که به گونه جنبی به مسأله مهدویت پرداخته اند. در این بخش، آثار منکران، مخالفان و صاحبان آراء گوناگون نیز فهرست شده است. در بخش چهارم از جزوه ها و رساله های مربوط به موضوع سخن رفته و در بخش پنجم با عنوان مهدی عجل الله فرجه در آینه شعر و ادبیات، مجموعه های ادبی و اشعار سروده شده درباره حضرت مهدی علیه السلام فهرست شده است. بخش ششم پیوست و اضافاتی بر بخش های پیشین است.

مؤلف در ضمن مقدمه ای به تفصیل از شیوه تدوین این کتاب، سخن گفته است. این کتاب، بر روی هم، اثری است سودمند. فهرست های فنی پایان کتاب هم بجا و کارگشاست.

## امام مهدی علیه السلام در آینه قلم

این اثر محصول تلاش های پژوهشگران مؤسسه پارسا با همکاری بنیاد فرهنگی مهدی موعود علیه السلام و مسجد جمکران است. که ویرایش نخست آن پیش تر با عنوان "مرجع مهدویت" چاپ و منتشر شده بود و اینک در ۲ جلد رحلی در ۱۴۰۰ برگه به همراه یک قرص لوح فشرده چاپ و منتشر شده است.

در مرجع مهدویت نزدیک سه هزار و چهار صد منبع در باره مهدویت و امام مهدی علیه السلام معرفی شده بود در حالی که در این اثر پس از پنج سال بررسی های گسترده تر و نیز تولید آثار دیگر در بحث مهدویت این مجموعه با افزایش نزدیک صد و بیست در صد به بیش از ۷۵۰۰ منبع مرتبط با امام مهدی علیه السلام و مهدویت افزایش یافت که نزدیک نیمی از این منابع دارای چکیده راهنما می باشد. منابع این کتاب دربرگیرنده کتاب، مقاله (اعم از مقاله های نشریات، دایره المعارف ها و مجموعه مقالات) و پایان نامه است.

در جلد اول، آثار مرتبط با موضوعاتی چون آثار وجودی امام زمان علیه السلام، آخرالزمان، ادعیه و زیارات مهدویه، ارتباط با امام، اصحاب امام، اماکن منسوب به امام، امام حسن عسکری علیه السلام، انتظار فرج، پاسخ به شبهات مهدویت، توقیعات و روایات مهدویه، جامعه مهدوی، جنبه های سیاسی مهدوی، حکومت امام مهدی علیه السلام، دشمنان امام، زندگی نامه، سیره ایشان، طول عمر امام، ظهور امام، غیبت صغرا و کبرای امام و در نهایت فرهنگ مهدویت معرفی شده اند.

فضائل امام مهدی علیه السلام، فلسفه مهدویت، کرامات امام، آسیب شناسی مهدویت، خاتمیت، شیعه، مهدویت در غرب، گفتمان مهدویت، مادر امام، مدح و ثنای امام، مدعیان مهدویت (بابیه، بهائیت و شیخیه)، دیدار با امام مهدی علیه السلام، موعودباوری،

نظریه ها در باره امام مهدی علیه السلام، نیمه شعبان، وکالت و نیابت، منابع و متون کودکان، عناوینی هستند که در فصل دوم به خوانندگان ارائه شده است.

## منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم، ترجمه: محمّد مهدی فولادوند، چاپ سوم، تهران، دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۸ق.
۲. ابن طاوس، علی بن موسی، اقبال الاعمال، دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ش.
۳. التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن (الملاحم و الفتن)، اصفهان، گلپهار، ۱۴۱۶ق.
۴. التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، اصفهان، گلپهار اصفهان، ۱۴۱۶ق.
۵. ابن فارس، ابو الحسین، معجم مقاییس اللغه، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
۷. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمہ علیه السلام، تبریز، مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱ق.
۸. امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، چاپ نوزدهم، قم، شفق، ۱۳۷۹ش.
۹. ایزدی، سجاد، حکومت و مشروعیت، چاپ سوم، تهران، انتشارات کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۵ش.
۱۰. برقی، احمد بن محمد بن خالد، محاسن، دوم، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰ق.
۱۱. بهروزی لک، غلام رضا، سیاست و مهدویت، حکمت روشن، قم، ۱۳۸۴ش.
۱۲. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن ترمذی، بیروت، داراحیاء التراث العربی [بی تا].
۱۳. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، انتشارات دفتر تبلیغات، قم، ۱۳۶۶ش.
۱۴. جعفری، محمد تقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، چاپ سوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹ش.
۱۵. حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول علیهم السلام، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۱۶. حکیمی، محمّد، عصر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۰ش.
۱۷. حموی رومی بغدادی، یاقوت بن عبداللّه، معجم البلدان، دار صادر، ۵ جلد، بیروت، ۱۳۹۷م.

۱۸. خراسانی، محمد جواد، مهدی منتظر، تحقیق و تعلیق: سید جواد میرشفیعی خوانساری، قم، نور الاصفیاء، ۱۳۷۹ش.
۱۹. خزاز قمی، علی بن محمد، کفایه الاثر، قم، انتشارات بیدار، ۱۴۰۱ق.
۲۰. خویی، سید ابوالقاسم (د/۱۴۱۱ق)، معجم رجال الحدیث، قم، مدینه العلم، ۱۴۰۹ق.
۲۱. داوری، رضا، در باره غرب، تهران، هرمس، ۱۳۸۶ش.
۲۲. دسوقی، محمد، سیر تاریخی و ارزیابی اندیشه شرق شناسی، تهران، نشر فرزانه، ۱۳۷۶ش.
۲۳. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش.
۲۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دوم، [بی جا] دفتر نشر الکتاب [بی تا].
۲۵. راوندی، قطب الدین، الخرائج والجرائح، سه جلد، چاپ اول، قم، موسسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۰۹ق.
۲۶. رفیعی، سید کمال الدین محمد، نقش مردم در حکومت دینی از دیدگاه امام خمینی و قانون اساسی، تهران، دانشگاه آزادی، ۱۳۸۹ش.
۲۷. روحانی، محمود، المعجم الاحصائی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸ش.
۲۸. سجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۰ق.
۲۹. سلیمان، خدامراد، بازگشت به دنیا در پایان تاریخ (تحلیل و بررسی مسئله رجعت)، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۴ش.
۳۰. سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه: سید جعفر شهیدی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸ش.
۳۱. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، در المنثور، دارالفکر، ۱۴۰۳ق.
۳۲. العرف الوردی فی اخبار المهدی، تهران، المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الاسلامیه، ۱۴۲۷ق.
۳۳. شیبانی، احمد بن حنبل (د/۲۴۱)، مسند احمد، بیروت، دار صادر، بی تا.
۳۴. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، قم، موسسه السیده المعصومه علیها السلام، ۱۴۱۹ق.
۳۵. صدر، سید محمد، تاریخ ما بعد الظهور، اصفهان، مکتبه الامام امیرالمؤمنین علیه السلام، بی تا.



٣٦. صدوق، محمد بن علي بن حسين بن بابويه، الامالي، انتشارات كتابخانه اسلاميه، ١٣٦٣ش.

٣٧. ، علل الشرايع، قم، انتشارات مكتبه الداوري.

٣٨. ، عيون اخبار الرضا عليه السلام، انتشارات جهان، ١٣٧٨ق.

٣٩. ، كمال الدين و تمام النعمه، قم، دارالكتب الاسلاميه، ١٣٩٥ق.

۴۰. من لایحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.
۴۱. صنعانی، عبدالرزاق، المصنف، محقق: حبیب الرحمن الاعظمی، بی جا، منشورات المجلس العالمی، بی تا.
۴۲. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیست جلد، چ یازدهم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱ش.
۴۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو.
۴۴. طبری، آملی، محمد بن ابی القاسم، بشاره المصطفی لشیعہ المرتضی، چ دوم، نجف، کتابخانه حیدریه، ۱۳۸۳ق.
۴۵. طبری، محمد بن جریر بن یزید، تاریخ طبری، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۸ق.
۴۶. طبری، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الامامه، قم، دارالذخائر للمطبوعات، بی تا.
۴۷. طبسی، نجم الدین، تا ظهور، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، ۱۳۸۷ش.
۴۸. چشم اندازی به حکومت مهدی علیه السلام، چاپ سوم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۰ش.
۴۹. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، سه جلد، چاپ اول، قم، مرکز الطباعه والنشر فی مؤسسه البعثه، ۱۴۱۵ق.
۵۰. طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش.
۵۱. اختیار معرفه الرجال، دانشگاه مشهد.
۵۲. کتاب الغیبه، چاپ اول، قم، مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۵۳. عاملی، محمد بن حسن، الايقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه، ترجمه احمد جنتی، انتشارات نوید، ۱۳۶۲ق.
۵۴. وسائل الشیعہ، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.
۵۵. عبد الرحمن العالم، بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی، چ سیزدهم، ۱۳۸۴ش.
۵۶. عکبری، محمد بن محمد بن النعمان (شیخ مفید)، اختصاص، مصحح علی اکبر غفاری، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۵۷. الارشاد، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۵۸. اوائل المقالات، مکتبه الداوری، بی تا.

۵۹. المسائل السرويه، المؤتمر العالمى لالفیه الشیخ المفید، ۱۴۱۳ق.

۶۰. علی بابایی، غلامرضا، فرهنگ اصطلاحات و روابط بین المللی، چ اول، تهران، نشر سفیر، ۱۳۶۹ش.

۶۱. عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۹ش.

۶۲. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، بیروت، منشورات اعلمی، ۱۴۱۷ق.
۶۳. فتال نیشابوری، محمد بن حسن (د/۵۰۸ق)، روضه الواعظین، قم، انتشارات رضی، ۱۳۸۱ش.
۶۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، بی جا، مؤسسه دار الهجره، ۱۴۰۹ق.
۶۵. فیرحی، داود، قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام، تهران، نشر نی، ۱۳۷۸ش.
۶۶. فیومی، المصباح المنیر، ۲ جلد در یک مجلد، المطبعه العلمیه، بی تا.
۶۷. قفاری، ناصر، اصول مذهب الشیعه الامامیه الاثنی عشریه: عرض و نقد، دارالرضا، ۱۴۱۸ق.
۶۸. قلمکاری، حیدر علی، حکومت اسلامی، چ اول، تهران، نشر حقایق، ۱۳۵۸ش.
۶۹. قمی، علی بن ابراهیم بن هاشم، تفسیر قمی، قم، مؤسسه دار الکتب، ۱۴۰۴ق.
۷۰. کامل سلیمان، یوم الخلاص، بیروت، دار الکتب، ۱۴۱۴ق.
۷۱. کشی، محمد بن عمر، رجال کشی، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ش.
۷۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، هشت جلد، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.
۷۳. کنجی الشافعی، ابو عبدالله محمد، البیان فی اخبار صاحب الزمان علیه السلام، تحقیق: مهدی حمد الفتلاوی، بیروت، دارالمحجه البيضاء، ۱۴۲۱ق.
۷۴. کورانی و دیگران، علی، معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، قم، مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۷۵. کورانی، علی، عصر ظهور، ترجمه عباس جلالی، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸ش.
۷۶. کوفی، ابن ابی شیبه، المصنف، محقق: سعید اللحام، بیروت، دار الفکر للطباعه و النشر و التوزیع، ۱۴۰۹ق.
۷۷. گروهی از نویسندگان، فصلنامه انتظار، قم، مرکز تخصصی مهدویّت.
۷۸. متقی هندی، علاء الدین علی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، شانزده جلد، مؤسسه الرساله، بیروت: ۱۴۰۹ق.
۷۹. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ۱۱۰ جلد، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.

۸۰. مرندی، محمد رضا، مبانی مشروعیت نظام سیاسی در اسلام، تهران، مؤسسه انتشاراتی عطا، ۱۳۷۶ش.

۸۱. مروزی، ابو عبد الله نعیم بن حماد(د/۲۲۹)، الفتن، تحقیق: ابو عبد الله / ایمن محمد محمد عرفه، المكتبة التوفیقیه، بی تا.

۸۲. مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش عقاید، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶ش.

۸۳. پرسش‌ها و پاسخ‌ها، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸ش.

۸۴. سلسله مباحث اسلام، سیاست و حکومت، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸ش.
۸۵. مصطفوی، حسن، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش.
۸۶. مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، انتشارات صدرا، ۱۳۶۱ش.
۸۷. قیام و انقلاب مهدی علیه السلام، قم، صدرا، ۱۳۷۹ش.
۸۸. مظفر، محمدرضا، عقاید الامامیه، ترجمه علیرضا مسجد جامعی، چاپ اول، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰ش.
۸۹. معین، محمد، فرهنگ فارسی، چاپ اول، تهران، نشر سرایش، ۱۳۸۰ش.
۹۰. مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، تحقیق: عبد الفتاح محمد الحلو، قم، انتشارات نصایح، ۱۴۱۶ق.
۹۱. مکارم شیرازی و دیگران، ناصر، تفسیر نمونه، چ چهلم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰ش.
۹۲. یک صد و هشتاد پرسش و پاسخ برگرفته از تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۸۳ش.
۹۳. حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام، چ هفتم، قم، نسل جوان، ۱۳۸۰ش.
۹۴. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۹۷ق.
۹۵. نیشابوری، حاکم (محمد بن محمد)، مستدرک الحاکم، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶ق.
۹۶. واعظی، احمد، حکومت دینی، قم، نشر مرصاد، ۱۳۷۸ش.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه



بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

گام‌های

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹